

اشرافریسان

زندگیست نام تمام آدمیان فریبی است
و تمام کارهاست بهر میانی است

جلد چهارم

صائب بیرزقی قیصری

چاپ دوم

بیرزقی

دکتر محمد قیصری



ایمجنی آباد خانزادگی

۱۳۸۲

قدردانی و تشکر



سپاس خداوند بزرگ را که توفیق به ما ارزانی داشت که چهارمین مجلد از اثر آفریتان (چاپ اول) یا زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران را به اهل فضل و دانش عرضه داریم. امیدواریم دو مجلد دیگر آن با باری ابزد متعال هر چه زودتر آماده گردد و مورد استفاده دانش پژوهان قرار گیرد. لازم است از تمامی بزرگوارانی که هر یک به گونه‌ای در تهیه و تدوین این مجموعه لطف و عنایت داشته و همکاری نموده‌اند، قدردانی و تشکر شود:

- جناب آقای دکتر سید کمال حاج سید جواد، رئیس سابق هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که آغازگر طرح بوده و تا این مجلد، امر پژوهش را، با لطف بسیار، دقیقاً زیر نظر داشتند.

- جناب آقای دکتر مهدی محقق، رئیس کنونی هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که سرپرستی طرح را قبول نموده و بر تکمیل و به انجام رسانیدن آن تأکید کرده و گذشته از بذل توجه بی‌دریغ در زمینه توسعه منابع و مآخذ، پژوهشگران را از ارشادات ذیقیمت خود که رهگشای تحقیق بوده، بهره‌مند ساختند.

- جناب آقای دکتر عبدالحسین نوایی که پژوهشگران تحت نظر معظم له توانستند از راه کارهای بهتری بهره‌مند شوند، صحت و سقم گردآورده‌های خود را به میزان وی محک بزنند و در این راه طولانی از صبوری و بردباری ایشان برخوردار باشند.

-جناب آقای دکتر حبیب الله عباسی که از آغاز تا این مجلد در تهیه و تدوین این مجموعه فعالیت و همکاری صمیمانه و همه جانبه داشتند.

-پژوهشگران ذیل:

-مینا احمدیان

-محمد رضا اسحاقی جردوی

-علی درویشانی

-فهیمة سبئی نهاوندی

-طاهره عدل

-ولی الله محمدی

-شریفة مهدی پور

-حمید ناطقی

-کیوان یگانه رودپیشی

-خانم زیبا آقازاده فره گل مسؤول رایانه و حروف چین کتاب و همچنین خانم اعظم استاد بافری.

-مدیریت اداری و بخش مالی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

-بخش کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

-بخش انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

والله ولی التوفیق

حمید محدث زاده

مدیر امور علمی و اجرایی

فهرست منابع و مآخذ



- شمار منابع و مآخذ در مجلد اول ۴۷۶ و در مجلد دوم ۵۳۰ و در مجلد سوم ۵۹۴ بوده است. در این مجلد علاوه بر استفاده از ۵۹۳ مآخذ، از کتابهای زیر نیز بهره گرفته شده است:

- ۱- احوالات و دست خطهای عباس میرزا قاجار نائب السلطنه، ابوالقاسم لاجینی، تهران، بنگاه مطبوعاتی افشاری، ۱۳۲۶ ش.
- ۲- بیست مقاله فزونی، محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مقدمه پورداد و عباس اقبال، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
- ۳- تاریخ بیهقی، ابرافضل محمد بن حسین بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض [بی جا، بی نا]، چاپ چهارم، ۱۳۷۲ ش.
- ۴- تاریخ جهان گشای جوینی، عطاءملک جوینی، تهران، ارغوان و بامداد، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
- ۵- تاریخ علوم و فلسفه ایرانی، عبدالرفیع حقیقت، تهران، کوشش، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- ۶- تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، عباس اقبال آشتیانی، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
- ۷- تكملة الاخبار خواجه زين العابدين على نویدی شیرازی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی،

تهران، نشر نی، ۱۳۶۹ ش.

۸- نهیدات، عبدالله بن محمد عین‌القضبات همدانی، مقدمه، تصحیح، تحشیه و تعلیق عقیف عسیران، تهران، مئوچهری، چاپ دوم، [بی‌تا].

۹- جامع جعفری، محمدجعفر بن محمد حسین نایینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.

۱۰- دمیة‌النصر و عصره اهل‌العصر، علی بن حسن باختری، تحقیق محمد التونجی [بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا].

۱۱- دیوان فروخی یزدی، تصحیح حسین مکی، تهران [بی‌تا] ۱۳۲۲ ش.

۱۲- زندگانی من، احمد کسروی، تهران، نشر و پخش کتاب، ۱۳۵۵ ش.

۱۳- سرگذشت ترجمه‌های من، محمد قاضی، تهران، روایت، ۱۳۷۳ ش.

۱۴- سفرنامه ابراهیم صحاف باشی تهرانی، به اهتمام محمد مشیری، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۵۷ ش.

۱۵- شذرات‌الذهب فی اخبار من ذهب، عبدالحی بن عماد حنبلی، لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق، ۸ جلد.

۱۶- شریعتی در نگاه مطبوعات، قاسم میرآخوری و حیدر شجاعی، تهران، قلم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۱۷- صدرالتواریخ، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، تصحیح و تحشیه محمد مشیری، تهران، روزبهان، چاپ دوم، ۱۳۵۷ ش.

۱۸- طبقات‌المفسرین، شمس‌الدین محمد بن علی داوردی، تحقیق علی محمد عمر، قاهره، مکتبه وهبه، چاپ اول، ۱۳۹۲ ق.

۱۹- عباس میرزا یا رشیدترین و مبین‌پرست‌ترین فرزند خاندان قاجار... ناصر نجمی، تهران، کانون معرفت، ۱۳۲۶ ش.

۲۰- کتاب‌الانسان‌الاکامل، عزیزالدین نسفی، تصحیح و مقدمه ماری ژان موله، تهران، قسمت ایران‌شناسی انستیتو ایران و فرانسه، ۱۳۵۰ ش.

۲۱- کتاب‌شناسی توصیفی آثار موجود با‌منتشره به زبان ترکی آذربایجانی در ایران، نوشین موسوی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.

۲۲- کتاب‌شناسی فردوسی، ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ دوم، [بی‌تا].

۲۳- کتاب‌شناسی موضوعی ایران از... تا ۱۲۵۴، حسین بنی‌آدم، بی‌جا، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۸ ش.

۲۴- کتاب گیلان، ابراهیم اصباح عربانی، تهران، گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴ ش، ۳ جلد.

۲۵- کیمیای سعادت، ابو‌حامد امام محمد غزالی، به کوشش حسین خدو‌برجم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش، ۲ جلد.

- ۲۶- گلچین یادداشت‌های قائم مقام اول تا چهارم، عبدالمجید قائم مقام فراهانی، [بی جا] مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- ۲۷- مجموعه آثار فخرالدین عراقی، تصحیح و توضیح نسرین محنت‌ش خزاعی، [بی جا]، زوار، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۸- مختار نامه، فریدالدین عطار نیشابوری، تصحیح، مقدمه و حواشی محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، توس، ۱۳۵۸ ش.
- ۲۹- المستدرک علی معجم المؤلفین، عمر رضا کخالة، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ ق.
- ۳۰- مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، محمود نجم‌آبادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ ش.
- ۳۱- نامه انجمن، فصلنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ۳۲- نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، زهرا شجیعی، [بی جا] سخن، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ۴ جلد.





صائب تبریزی، محمد علی، فرزند میرزا عبدالرحیم.
(رف ۱۰۸۰-۱۰۸۶ ق)، شاعر. اصل وی از تبریز و از
اعقاب شمس‌الدین محمد شیرین مغربی تبریزی بود. در
اصفهان به دنیا آمد. در روزگار جوانی دانشهای ادبی و
عقلی و قلبی را نزد استادان آن شهر فراگرفت. خط را نزد
عمری خود، شمس‌الدین تبریزی معروف به شیرین قلم،
آموخت. وی از شاگردان حکیم شقایب بود. به مشهد و
مکه سفر کرد و مدت هفت سال نیز در هند به سرچرخه در
دربار شاه جهان تقرب یافت. بعد از هفت سال سکونت در
هند همراه پدر خود، که برای دیدار وی به آنجا رفته بود،
به ایران بازگشت. در اصفهان مورد توجه شاه عباس ثانی
قرار گرفت و به لقب ملک الشعرائی مفتخر شد. محضرش
محل اجتماع اهل ادب و دوستداران سخن بود. در اصفهان
درگذشت و در انتهای محله عباس آباد، در کنار نهر بزرگی
به نام مادی نیاصرم (باغ بزرگی که در گوشه‌ای از آن چند
قبر بالای سکوی خرابی از خاک قرار گرفته و قبر
محمد علی صائب نیز یکی از آنهاست) دفن شد. وی به
ترکی و فارسی شعر می‌گفت. او نماینده کامل و مشهور
سبک معروف به سبک هندی یا به تعبیری سبک اصفهانی
است. از شاگردان معروف او: ملا محمد سعید اشرف،
جویای تبریزی، خاضع و فطرت را می‌توان نام برد. کلیات
اشعارش شامل: قصیده و غزل و مثنوی است، اما آنچه از
شعرش مایه شهرت وی شده، غزل است که قسمت اصلی
و بیشتر «دیوان» او را در بر می‌گیرد. از آثار وی: «دیوان»
شعر، که تعداد ابیات آن را از بیست هزار تا سیصد هزار
برآورد کرده‌اند؛ منتخباتی از «دیوان»ش تحت عناوین:
«سرآت الجمال»، «آرایش نگار»، «میخانه» و «واجب

الحفظ» مثنوی «قندهار نامه»، که به امر شاه عباس ثانی
در فتح قندهار سرود؛ «دیوان» شعر، به ترکی؛ «سفینه
بیاض»، منتخبی از اشعار نخستین شعر تا زمان خورشید
آتشکده آخر (۱/ ۱۲۸-۱۲۰)، با کاروان حله (۲۹۵-
۳۰۱)، تاریخ ادبیات ایران، برلین (۲/ ۱۷۶-۱۸۱)، تاریخ
ادبیات در ایران (۵/ ۱۲۷۱-۱۲۸۴)، تذکره القبور
(۲۷۲-۲۷۶)، تذکره نصرآبادی (۲۱۷-۲۲۰)، چشمه
روشن (۲۸۹-۳۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۷-۲۲۶)،
دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۵۲۲)، درخت سخنور
(۱۷۴-۱۷۸)، دیوان صائب (مقدمه / ۶۶-۷۰)، الذریعه
(۹/ ۵۶۹-۵۷۰، ۱۷/ ۱۷۳، ۱۹/ ۱۰۶، ۲۶۵-۲۸۷)،
ربحانه (۳/ ۳۴۱-۳۴۳)، سخنوران آذربایجان
(۴۶۲-۴۷۴)، سرو آزاد (۹۸-۱۰۳)، سیری در شعر فارسی
(۱۳۶-۱۳۷، ۳۹۳-۳۹۵)، شخصیت‌های نامی (۲۷۴-
۲۷۵)، طرائف الحقائق (۳/ ۱۶۴)، فرهنگ ادبیات فارسی
(۳۱۳-۳۱۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴۵-۵۴۶)، فهرست
کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۵۴۱-۱۵۴۲، ۱۵۷۱)، کارنامه
بزرگان (۲۸۹-۲۹۰)، کاروان هند (۱/ ۷۱۲-۷۱۰)، گنج
سخن (۳/ ۱۸۱-۱۱)، لغت نامه (ذیل / صائب)، مجمع
لسمعا (۲/ ۲۵-۲۲)، منظومه‌های فارسی (۳۰-
۳۶۶-۳۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۳۱۱-۳۰۹)، یادگار
(س ۳، ش ۴ ص ۳۸۳۴)، پشما (س ۱۸، ش ۴ ص
۲۹۲-۲۹۴).

صائغ اصفهانی، ابوسعید محمد بن عبدالواحد بن
عبدالوهاب بن حسین، (۴۹۷-۵۸۱ ق)، حافظ، تفسیر و
محدث، از هاتم برجی و ابوعلی حداد و حمزه بن عباس

از وقایع نگار روزنامه «اکتبی» بود و غالب آثارش در آن روزنامه چاپ می‌شد. در ایروان درگذشت. اثر وی «دیران» شعر می‌باشد.

دانشمندان آذربایجان (۲۱۰)، الذریعه (۵۷۲/۹).

صایر رازی، (س دهم ق)، شاعر. از شاعران و خطیبان شهر ری و یاسام میرزای صفوی (م ۹۷۴ ق) معاصر بود. در سرودن غزل مهارت داشت. این مطلع از اوست:

گهی که تیر تو را از دل رسیده کشم
بدین بهانه که پاکش کنم به دیده کشم

آتشکده آخر (۱۰۸۷/۳)، تحفه سامی (۳۲۹-۳۲۸)، تذکره

روز روشن (۴۵۴)، الذریعه (۵۷۲-۵۷۳/۹)، فرهنگ

سخنوران (۵۳۳)، لغت نامه (ذیل/ صایر).

صایر زواره‌ای، میرزا صایر، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به صایر. از سادات بنام زواره بود که پس از تحصیل کمالات از ایران به هند مهاجرت کرد و در آن سامان اعتبار زیادی یافت. میرزا صایر در آنجا با امیران و درویشان و اهل کمال مصاحبت داشت. به سرودن شعر نیز می‌پرداخت و بیشتر در قالب رباعی طبع آزمایی می‌کرد. از اوست:

تاکی به هوای نفس دون سرگرمی

از خالق و خالق شرمی و آزر می

طول امل و حرص و تلاش دنیا

تاکی تاکی پس است صایر شرمی

تذکره نصرآبادی (۶۶-۶۵)، الذریعه (۵۷۳/۹)، فرهنگ

سخنوران (۵۳۳)، کاروان هند (۱/ ۶۶۹).

صایر سمرقندی، خواججه بهاءالدین، فرزند ابوالبرکه، (ز ۹۲۸ ق)، شاعر، متخلص به صایر. از شاعران عهد تیموری است، که در سرودن شعر طبیعی لطیف و گفتاری شیرین داشته است. اشعاری چند از وی در تذکرها منقول است.

الذریعه (۵۷۳/۹)، صبح گلشن (۲۳۰)، فرهنگ

سخنوران (۵۳۳)، لغت نامه (ذیل/ صایر سمرقندی)،

مجالس النفائس (۱۲۶).

صایر شیرازی، آقا مهدی / محمد مهدی، (وف ۱۲۹۰/۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صایر. وی دنباله‌مثنوی «فرهاد و شیرین» وحشی را در ۶ ۳ بیت

علوی و جعفر بن عبدالواحد ثقفی و محمد بن عبدالواحد دقاق و اسماعیل حافظ حدیث شنید. او همچنین در همدان از ابوجعفر محمد بن ابوعلی حافظ رهمطیقه‌اش و در شیراز از ابومنصور عبدالرحیم بن محمد خطیب و هبه‌الله بن حسن و در اهواز از عبدالعزیز بن حسین حدیث استماع کرد. سمعانی و عبدالغنی مقدسی و ابونزار ربیعہ یمنی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

الاعلام بوفیات الاعلام (۲/ ۳۹۳)، سیر النبلاء (۲۱/

۱۲۹-۱۳۰)، شذرات الذهب (۲/ ۲۷۲)، المعبر (۳/ ۸۲)،

النجوم الزاهرة (۶/ ۹۲).

صائغ رامهرمزی، ابوالحسن علی بن عیسی نحوی، (وف ۳۱۲ ق)، نحوی، لغوی و شاعر. در نحو، لغت، ادب و شعر استاد بود و شعر را نیک می‌سرود. ابوهاشم بن ابوعلی جبائی نزد او تلمذ کرد.

ریحانه (۳/ ۳۳۳)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء،

(۱۴/ ۶۷-۶۵).

صایر اصفهانی، میر صایر، (وف ۱۰۶۴/۱۰۷۰ ق)، شاعر و واقع‌نویس. از سادات اصفهان بود. در روزگار سلطنت جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) به هند رفت، گرچه در تذکره «روز روشن» ورود او به هند در عهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق) ذکر شده است. او مدتی به امر وقایع نگاری منطقه گجرات و دکن اشتغال داشت. در برهان‌پور درگذشت. بیشتر اشعاری که از وی به جای مانده، در قالب رباعی است. آتابزرگ تهرانی در «الذریعه»، او را با صایر زواره‌ای یکی دانسته است.

تذکره روز روشن (۴۵۴)، تذکره میخانه (۲۲۵، ۲۲۶،

۲۲۷)، الذریعه (۵۷۲/۹، ۵۷۳)، کاروان هند (۱/

۱۶۶۸-۱۶۶۷).

صایر تبریزی، عباسقلی، (س چهاردهم ق)، شاعر. اصلش از تبریز و ساکن مشهد بود. از آثار وی منظومه «توسلات صایر تبریزی»، در مرثی، به ترکی که در ۱۳۳۴ ش در تبریز به چاپ رسیده است.

الذریعه (۵۷۲/۹)، فهرست کتابهای چاپی نارس (۱/

۹۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۶۹۹).

صایر دیلمقانی، رضا، (وف ۱۳۱۲ ق)، شاعر و نویسنده. در ایروان زندگی می‌کرد. در نظم و نثر توانا بود.

تا برگرفت ماه من از رخ نقاب را
شمرنده ساخت عکس رخس آفتاب را
الذریعه (۹/ ۵۷۲)، صبح گلشن (۲۳۹)، فرمگ
سخنوران (۵۳۴)، لغت نامه (ذیل/ صابر).

صابر عود نواز، (س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان.
معروف به استاد صابر. از شاعران عهد شاه طهماسب اول
صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) بود. در موسیقی و نواختن عود
دست داشت و در این فن معروف بود. او بیشتر در قالب
غزل طبع آزمایی می کرد.

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۳)، تذکره
روز روشن (۴۵۵-۴۵۴)، فرهنگ سخنوران (۵۳۴).

صابر قاجار، اسحاق میرزا، فرزند محمد حسین
میرزای حشمت الدوله، (ز ۱۲۹۶ ق)، شاعر. مدتها با
عمری خود، طهماسب میرزای مؤیدالدوله، همکاری
داشت و گویا وی صابر را به دیوان بیگی کرمانشاهان
منتصب کرده بود. صاحب «حدیقه الشعراء» می نویسد:
«واجبات تکلیفی مشهور را در دوست و بیست بیت نظم
کرده». او مجموعه اشعار دیگری از جمله مرثی و غزلیات
و مثنوی نیز داشته است. به گفته صاحب «حدیقه الشعراء»
وی هر ۱۲۹۶ ق زنده بوده است.
حدیقه الشعراء (۲/ ۹۵۱-۹۵۲).

صابر قاجار، محمد هادی میرزا، فرزند محمد حسین
میرزای حشمت الدوله، (ز ۱۲۹۶ ق)، شاعر و ادیب. در
کرمانشاه به دنیا آمد. او به فراگیری علوم مختلف پرداخت
و در ادبیات فارسی و عربی تبحر پیدا کرد. محمد هادی در
نگارش خط شکسته و همچنین مراسلات آمیخته به امثال
و اشعار و اخبار و آیات مهارت داشت و گاهی هم از سر
تفنن غزل می سرود. به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» وی
در ۱۲۹۶ ق زنده بوده است.
حدیقه الشعراء (۲/ ۹۵۵-۹۵۴).

صابر لاهیجی، محمد قاسم، (س یازدهم ق)، شاعر،
متخلص به صابر. از شاعران لاهیجان بوده که به امر
تجارت اشتغال داشت. در اوایل زندگی برای تجارت از
طریق دریا به روسیه می رفت، که در ضمن یکی از
مسافرتها کشتی ری شکست و او به سختی نجات یافت.
در پایان عمر تنگدست شد و به شغل قهوه چگیری روی

مروود و خود با خط نستعلیق خوش نوشت. صابر در
ابتدای امر خدمت میرزا ابوالقاسم سکوت و سپس از
محضر میرزا وصال کسب فیض نمود. وی مردی
گوشه نشین بود و برای امرار معاش به تعلیم و تدریس
محدودی از دختران و پسران بزرگان اشتغال داشت. با
صاحب تذکره «مرآت الفصاحه» ملاقات داشته است. از
دیگر آثار وی: «دیوان» شعر؛ یک قطعه «اشعار نوروزیه»
به قلم کتابت خوش، به سفیداب، با رقم: لافى سنه احدی و
ستین و مائتین بعد الالف ۱۲۶۱، راقمه، قائله صابر.

آثار عجم (۵۶۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۹۲۸)،
حدیقه الشعراء (۲/ ۹۵۱-۹۴۷)، دانشمندان و سخن
سرایان فارس (۳/ ۴۰۸-۴۰۹، ۵/ ۹۹۶-۹۹۷)، الذریعه
(۹/ ۵۷۲)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۵۰)، فارسنامه ناصری
(۱/ ۱۱۳۰-۱۱۳۱)، مرآت الفصاحه (۳۲۷-۳۲۰).

صابر شیرازی، عبیدی، (س یازدهم ق)، شاعر،
متخلص به صابر. مشهور به دنبه. وی از معاصرین
نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. از ایران به هند مهاجرت کرد
و گویا در همان سامان نیز وفات یافت. او علاوه بر
سرودن شعر، در ساختن تصنیفات نیز توانا بود.
تذکره نصرآبادی (۲۲۵-۲۲۶)، دانشمندان و سخن
سرایان فارس (۳/ ۴۰۷-۴۰۸)، الذریعه (۹/ ۵۷۲)، فرهنگ
سخنوران (۵۳۴)، کاروان هند (۱/ ۶۶۹-۶۷۰).

صابر شیرازی، میرزا علی نقی، (س سیزدهم ق)،
شاعر. اصلش از شیراز بود. مدتی در تهران مشغول
خدمات دیوانی بود. از اوست:

باز رخساره نمود آن بت سرمست، خدا را
صبر و آرام نمانده است من بی سرو پا را
سرو را دیده فبا پوش کسی در چمن آید
با که خورشید که او بر شکند طرف کلا را
حدیقه الشعراء (۲/ ۹۴۶-۹۴۷)، مرآت الفصاحه (۳۳۶).

صابر طوسی، (س دهم ق)، شاعر. از شاعران عهد شاه
طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) بود. وی در صنعت
آینه سازی مهارت داشت و در فن شعر نیز توانا بود. به
قولی آینه کلامش را با طبع زیبایش تزئین می داد. او به
دلیل همین صنعت آینه سازی، در بعضی تذکرها صابر
آینه ساز نیز نامیده شده است. از اوست:

آورد. از اوست:

آخر به امید نگهی چشم سیاهی
شد خاک نشین هر مژه‌ام بر سر راهی
تذکرهٔ نصرآبادی (۳۷۶-۳۷۷)، الذریعه (۵۷۲-۵۷۳)،
فرهنگ سخنوران (۵۳۴).

صابر مشهدی، محمد علی. (۹)، شاعر اصل وی از
مشهد و دارای مراتب علمی بود. در سرودن شعر طبیعی
لطیف داشت. از اوست:

هنگام شکر او به زبان شکوه‌ای گذشت
بی‌طالعی نگر که همان را شنید و رفت
آتشکدهٔ آذر (۲/ ۲۶۹)، الذریعه (۵۷۲/ ۹)، فرهنگ
سخنوران (۵۳۴)، لغت نامه (ذیل/ صابر)، مطلع الشمس
(۲/ ۲۳۶).

صابر همدانی، اسدالله، فرزند محمد هادی صنیعیان.
(۱۳۷۱/۱۲۸۲-۱۳۳۵ ش)، شاعر، متخلص به صابر. در
همدان به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد. علوم
قدیمه را در مکتب‌های همدان فراگرفت. از همان اوان
کودکی بر اثر مطالعهٔ «دیوان» حافظ، ذوق سرودن شعر در
وی پدیدار گشت. او در آغاز شاعری به سرودن مرثیه و
مدایح ائمه اطهار - علیهم السلام - می‌پرداخت. به انجمن
ادبی همدان که ریاست آن را غلام همدانی به عهده
داشت، راه یافت. صابر به تهران و مشهد مسافرت کرد و در
آنجا با شاعران و ادیبان آن سامان آشنا شد. وی در سرودن
انواع شعر مهارت داشت، اما هنر او غزلسرایي بود. در
تهران وفات یافت. وی دارای «دیوان» شعری است، که با
مقدمهٔ استاد غلامرضا کیوان سمیعی به چاپ رسیده
است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» نام صابر
همدانی را سید احمد ذکر کرده است.

بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲/ ۳۰۷-۳۱۲)، الذریعه
(۹/ ۵۷۲)، سخنوران نامی محاصر (۴/ ۲۲۰۷-۲۲۱۳)،
فرهنگ سخنوران (۵۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۵۰-
۵۵۱).

صابونی نیشابوری، ابویقلی اسحاق بن عبد الرحمن
بن احمد. (ح ۳۷۵-۴۵۶ ق)، مُسَنِّد، محدث و عالم.
وی برادر شیخ الاسلام ابوعثمان صابونی نیشابوری بود. از
ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوطاهر بن خزیمه و
حسن بن احمد مخلدی و احمد بن محمد قنطری خُفاف و

ابومعاذ شاه و ابوطاهر مخلف و عبدالرحمن بن ابی شریح
هروی و عده‌ای دیگر در نیشابور و هرات و بغداد حدیث
شنید. او گاهی به نیابت برادرش مجلس وعظ برقرار
می‌کرد. زاهر بن طاهر و ابوعبدالله فراوی و هبةالله سیدی
و عبیدالله بن محمد بیهقی از وی حدیث روایت کرده‌اند.
عبد الغافر فارسی گوید که ابویعلی شپخی مورد اعتماد و
بر طریقه صوفیه بود. کتاب «الاجزاء القرائد العشرة» یا
«الاجزاء القوائد العشرة» از آثار اوست.

الاعلام بالوفیات الاعلام (۱/ ۳۰۲)، انساب سمائی (۳/
۵۰۷)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۷۶-۷۷)، شذرات الذهب (۳/
۲۹۶)، العبر (۲/ ۳۰۴)، الرانی بالوفیات (۸/ ۴۱۷).

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل
بن عبد الرحمن بن احمد. (۳۷۳-۴۴۹ ق)، محدث، مفسر،
فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد. که
ساله بود که به دنبال قتل پدرش، از وعظ بزرگ نیشابور،
اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن
محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر
بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس
قاپوئی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن
فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات
و ندرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در
خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث
گفت. صابونی در معرعهٔ نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات
کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی
روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی از او با عنوان امام مسلمین
یاد کرده است و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظهٔ
سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبد الغافر، در
«السباق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون
ابوطیب معلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد
ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او
بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامهٔ نماز کرد.
سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از
خود به جای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»؛
«الفصول فی الاصول»؛ «الاربعین»؛ در حدیث.

اسرارالتوحید، تعلیقات (۶۸۸)، الاعلام (۷/ ۱۹۸)،
الاعلام بوفیات الاعلام (۱/ ۲۹۹)، انساب سمائی (۳/
۵۰۶)، ریحانه (۷/ ۱۹۸)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۴۴-۴۵)،
شذرات الذهب (۳/ ۲۸۲-۲۸۳)، العبر (۲/ ۲۹۴)، الکامل
(۸/ ۸۱)، کشف الطنون (۵۳)، لغت نامه (ذیل/

فارسی، شرح قصیده «بانت سعاده» کتب بن زهیر، در مدح پیغمبر (ص)؛ شرح قصیده «پرده» یوحنا بن زبانه (۱/ ۳۲، ۲/ ۳۵۳)، الذریعه (۱/ ۴۷۳، ۴/ ۳۱۱، ۳۱۲)؛ شهیدان راه نصیبت (۵۲۷)، عیاض معاصری (۳۳۳)، مکالم الآثار (۵/ ۱۶۸۸-۱۶۸۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۱۲۸-۱۲۹).

صاحب «اوتق الوسائل»، میرزا موسی بن جعفر بن احمد تبریزی. (وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، مفسر و راهب. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و آیت الله کوهکمری بود. از آثار وی: «اوتق الوسائل»، در شرح «رسائل» شیخ انصاری معروف به «حاشیه میرزا موسی»، که در ۱۲۹۵ ن از تألیف آن فارغ شد. این کتاب به عنوان بهترین شرح «رسائل» مورد استفاده خواص می باشد؛ حاشیه ای بر «قوانین الاصول» که خواهرزاده اش، میرزا طغی علی بن میرزا علی، آن را تدوین نمود و محتمل است که همان «عایة المأمول»، در کشف معضلات اصول فقه باشد؛ «تفسیر میرزا موسی»، به فارسی و عربی

عنا الشیعه (۱۰/ ۱۷۸)، الذریعه (۲/ ۲۷۳، ۶/ ۱۷۹، ۱۶/ ۱۶)، ریحانه (۱/ ۳۲۵، ۳/ ۲۵۲)، شهیدان راه نصیبت (۵۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۳۲-۳۳۳).

صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل بن عیاض بن عباس بن عباد طالقانی. (۴۸۵-۳۲۶ ق)، ادیب لغوی، متکلم و محدث. ملقب به کافی الکلمات و معروف به صاحب عنوان صاحب را برخی به دلیل ارتباط نزدیکی با ابوالفضل بن حمید و برخی به دلیل وفاداری و اخلاص وی به امیر مؤیدالدوله دیلمی دانسته اند. در شهر استخر و به تولی در طالقان به دنیا آمد. خاندنش از مأموران عالی رتبه دیوانی بودند. کودکی خود را در طالقان، نزدیک قزوین، گذراند. سپس در اصفهان ساکن شد. پس از مرگ پدر، به ابن حمید پیوست و ابتدا از مریدان و سپس دبیر او شد. در ۳۲۷ ق به سمت دبیری امیر منصور مؤیدالدوله انتخاب شد تا همراه وی به بغداد برود و از همین زمان رابطه دوستی آن دو با هم آغاز شد. پس از مرگ رکن الدوله، حکومت اصفهان به دست مؤیدالدوله افتاد. او نیز سمت دبیری را به صاحب بن عباد و وزارت را به ابوالفتح بن حمید سپرد، ولی ابوالفتح با توطئه سپاه ری در بر ضد صاحب بن عباد شوراند و همین امر منبب شد که مؤیدالدوله با کمک همدالدوله، ابوالفتح بن حمید را از کار

سماعیلی، معجم الابهاده (۷/ ۱۹-۱۶)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۷۵-۲۷۶)، المعجم الزاهر (۵/ ۶۳)، نوای بالوفیات (۹/ ۱۳۲-۱۳۳)، حدیقه المارین (۱/ ۲۱۰).

صاحب بن همدانی، عبدالوهاب بن مصطفی بن ابراهیم. (وف ۹۵۴ ق)، صوفی و شاعر. از شاهزاد و عمای ایرانی نژاد و همدانی الاصل بود و در عهد سلطان سلیمان خان قانونی عثمانی می زیست. وی سفرهایی به بلاد روم و مصر و شام داشت و بیشتر زندگی او در آن نواحی گذشت. در فن معما ماهر بود. در دمشق درگذشت. از آثارش: منظومه سه گانه «اصراط مستقیم» و «مناقب اعیان» و «مراثی المکاشفین فی احوال جلال الدین رومی»؛ «نرای خروم»؛ «شرح معانی میرحسین»؛ ایضاح البکون (۲/ ۶۶)، تلکوا هزار سزار (۲۶۷)، الذریعه (۹/ ۵۷۴)، ریحانه (۳/ ۳۴۵)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۳۰-۲۳۱)، حدیقه المارین (۱/ ۶۴۱).

صاحب اصفهانی، محمد کاظم. (وف ۱۰۷۹ ق)، شاعر، متخلص به صاحب، مشهور به مسیح البیان. وی از شاعران اصفهان است که در روزگار عالمگیر پادشاه هندی به هند رفت و ملازمت آن شاه را اختیار کرد. صاحب که بیشتر اوقات خود را به سرودن شعر می گذراند و اکثر فراوانی سروده است، در این فن به طرز و سبک مولوی نظر داشته است. از آثار وی مثنوی های: «آینه خانه»، «پریشان»، «ملاحات احمدی»، «صباح یوسفی» و «کمال محمدی»؛ مجموعه کليات مرسوم به «انامس مسیحی»؛ کاروان هند (۱/ ۶۷۲-۶۷۳)، تنایح الانکر (۱۹-۴۲۱).

صاحب «اوتق الوسائل»، میرزا طغی علی بن میرزا احمد مغانی تبریزی. (وف ۱۲۶۲ ق)، عالم دیسی و فقیه اصولی نزد پدرش میرزا احمد مجتهد تبریزی اخذ مراتب علمی نمود و در کریمه با پدر خود در خدمت آقا سید علی کریمایی درس خواند و از محضر صاحب «ریاض» بهره برد تا به مقامات شایسته علمی ارتقا یافت. آن گاه به تبریز بازگشت و در حیات پدر، امام جمعه آن شهر شد. وی در وای عمومی، سه سال پیش از وفات پدرش، با دو برادر دیگرش میرزا رخ و میرزا جعفر درگذشت. از آثار وی: «اوتق الوسائل»، در شرح «ریاض المسائل» استادش آق سید علی طاطایی؛ «تفسیر»ی برگ در دو جلد؛ کتبی در «رکوة»؛ کتاب «ملا الداعی»، در اخلاق و مواظبه به

اسلام (۵/ ۶۸۶-۶۸۷)، دایرةالمعارف الیستانی (۱/ ۵۸۰-۵۸۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۵۲۶-۱۵۲۷)، المریعة (۱/ ۵۷-۵۶)، ۲/ ۳۲۱، ۴/ ۲۲-۲۱، ۹/ ۵۷۷، ۲۰/ ۱۶۲-۱۶۳، روایات الحجاب، ۲/ ۲۲-۱۹، ری بناسان (۱/ ۳۵۵-۳۶۰)، ریحانه (۸/ ۹۶-۸۹)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۲۰۵۱)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۴/ ۶۳-۶۲)، المعیر (۲/ ۱۶۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۴)، فهرست لایب النادیم (۱۹۴)، الکامل (۷/ ۱۶۹-۱۷۰)، کشف الظنون (۶۱۹، ۷۹۶، ۹۰۱، ۱۲۷۸، ۱۳۷۶، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴، ۱۳۹۸، ۱۴۶۹، ۱۶۲۱، ۱۶۲۱)، للکشی والاقاب (۲/ ۴۰۹-۴۰۳)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۱۳-۱۰)، کسان المیراب (۱۱/ ۶۲۷-۶۲۸)، لغتنامه (دیل/ صاحب لیس عبید)، المستفاد من دیل تاریخ بغداد (۱۹/ ۸۹-۸۶)، معجم الادباء (۶/ ۱۶۸-۲۰۳)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۷۲-۲۷۵)، منظومه های فارسی (۴۶)، النجوم الزاهرة (۲/ ۱۷۳-۱۷۱)، الواسی بالوایات (۹/ ۱۲۵-۱۴۱)، وعیات الاعیان (۱/ ۲۲۸-۲۲۳).

صاحب «جامع ترمذی»، ابوعمیس محمد بن عیسی بن طوره سلمی یرضی ترمذی، (ح. ۲۷۹-۲۰۹ ق)، حافظ، محدث و مصنف اهل بوخ ترمذ، برکناره جیحون، بود. به دیال حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد و از قتیبہ بن سعید و اسحاق بن راهویه و محمد بن عمرو یافعی و محمد بن حمید رازی و ابراهیم بن عبدالله هروی و سید مروزی و صالح بن عبدالله ترمذی و محمد بن ابی معشر مسدی و بسیاری دیگر حدیث شنید. علم حدیث را از بخاری آموخت و در بسیاری از مشایخ با وی مشارکت داشت. احمد بن اسماعیل سمرقندی و ابو حامد احمد مرزوی و احمد بن علی حسویه و احمد بن یوسف نسفی و اسد بن حمدویه نسفی و عبد بن محمد نسفی و عی بن عمر سمرقندی و ابوالعباس محمد بن احمد محسوب و هیثم بن کلیب شاشی و بسیاری دیگر از وی حدیث شنیدند. ادبسی گوید که اربعی در قدرت حافظه ضرب المثل پرد و حاکم گوید که بعد از بخاری در خراسان از نظر علم و حفظ، خلف شایسته ای چون او نبود. در او احر عمر قایما شد و در قریه بوخ ترمذ درگذشت. وی صاحب یکی از «صحاح» شناسانه است. از آثارش «الجامع الصحیح» یا «جامع ترمذی»، در حدیث، در دو مجلد؛ «الشماطل النبوة»؛ «التاریخ»؛ «العلل»؛ در حدیث؛ رساله ای در «خلاف و جدل».

برکنار کند و صاحب بن صاد راه وراثت بگمارد. صاحب بن هبید در تحکیم پایه های قدرت مؤیدالدوله و دفع شورشها سار کوشید. در حفظ نظم عمومی و امور مالی بسیار کوشا بود. پس از مرگ عضدالدوله و مؤیدالدوله، هر چند که صاحب جساب فخرالدوله را گرفت، ولی بخاراندوله همه دارایی صاحب را، همان گونه که خود وی پیش بینی می کرد، مستصرف شد و هیچ یک از افراد آن خاندان در دستگاه آل بویه به مقام عالی نرسید. صاحب را بعضی شیعه اثنی عشری، برخی سنی حنفی و جمعی نیز معتزلی شمردند. وی در ری درگذشت و در اصفهان دفن شد. او علاوه بر شاگردی در محضر ابن همید، در بغداد به حداقل ادبی رفت و آمد و در ری با ابن فارس نحوی رابطه داشت. به سبب این اوصاف و احوال مساعد، صاحب توانست اطلاعات وسیعی در همه رشته های ادب عربی، از صرف و نحو و نقد ادبی و نیز تاریخ و تفسیر و حدیث و علم کلام کسب کند. او در نشر میل شدیدی به مسجع بویسی داشت، هر چند که شیوایی شر او به پای اشعارش که در آن از همه آرایشگری ها و صنعتگری های خاص آن زمان بهره برده است نمی رسد، ولی یکی از نمایندگان اصلی مکتبی است که اثر مسجع را در نشر دیوانی و سایر انواع مکاتیب وارد کرد از آثار او: در کلام، «الانحة عن مذهب اهل العدل صحیح من القرآن والعقل»، در بیان اصول معتزلیان در مقابل فرق و مذاهب دیگر؛ «اسماء الله عزوجل و صفاته»؛ «التذکرة فی الاصول الخمسة»؛ در بیان پنج اصل معتزلیان؛ «الاممة»؛ در برحیبت حصص علمی (ع) بر خاندان مسجع. در تاریخ، رساله ای در «احوال عبدالعظیم الحسینی»؛ «عنون المعارف و ذکر الخلائق»؛ «الانوار»؛ «الوزراء»؛ «تاریخ الملک و اختلاف الدول»؛ در صرف و نحو و لغت؛ «الاقتناع فی المروض و تحریج لغوی»؛ «المحیط بالغة»؛ لغت نامه عربی در چندین جلد طبق مخارج حروف صامت در نقد ادبی؛ «الکشف عن مساوی شعر المثنی»؛ در شعر؛ «ادبوان» شعر؛ «المنظومة المعریدة»؛ «السعنة»؛ در ادبیات، «الروایة»؛ مجموعه ای از حکایات ادبی؛ «احبار ابی العینة»؛ «ارماتس»؛ که بیشتر نامه ها و مکاتبات ادبی وی است؛ «الاحیاد و فصائل البیروز».

الاعلام (۱/ ۳۱۲-۳۱۳)، اعیان الشیعة (۳/ ۳۷۶-۳۷۸)، انساب سماعی (۴/ ۳۰-۳۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۳۹)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۵۲۹-۵۲۸)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۱-۴۰۰)، دانشنامه ایران و

است. تألیف این کتاب را در بیست و پنج سالگی شروع کرده و مشاوری از سی سال عمر خود را مصروف آن داشت. شیخ العزاقین که از شاگردان او بود و از وی اجازه روایت دارد، گوید که در عصر صاحب «جواهر» عجیب‌تر از تصنیف کتب «جواهر الکلام» واقعه‌ای رخ نداده است. از دیگر آثار او «نجات العباد»، شامل مباحث «حج»، «حکم»، «ترکوة»، «دعای ثلاثه»، «طهارت»، «صلوة» و «موارث» است.

عبان النبیمة (۹/ ۱۴۹-۱۵۰)، «یصالح المکون (۱/ ۳۷۸)، حاشیه مستدرک الوسائل (۲/ ۱۱۵-۱۱۲)، «مقدریه (۵، ۲۷۵، ۲۴/ ۵۹)، «ریحانه (۳/ ۳۵۸-۳۵۷)، «طیقات اعلام النبیمة (قرن ۱۳/ ۳۱۴-۳۱۰)، «نوائذ الرصیبه (۴۵۲-۴۵۶)، «لصغر المسلمه (۱۰۶-۱۰۳)، «کسحیة» «شمسان (۷/ ۶۰-۶۶)، «المآثر والأثار (۱۳۵-۱۳۶)، «نوائذ السعادت (۱/ ۲۰۱-۲۰۳)، «معجم المؤلفین (۹/ ۱۸۲)، «مکرم الآثار (۵/ ۱۸۲۶-۱۸۳۱)، مؤلفین کتب پهلوی (۲/ ۵۲۴-۵۲۱).

صاحب دارای استرآبادی، مولانا نصیح الدین (وف ۹۱۷ ق)، شاعر، متخلص به صاحب از شاعران معاصر امیرعلیشیر نوایی بود و در هرات می‌زیست. اصل او از کبود جامعه از توابع استرآباد بود. امیرعلیشیر نوایی در «محال النعائس» از او یاد کرده و نوشته که در فن معما و شطرنج و شعر توانا بوده است. در مرگ امیرعلیشیر قصیده‌ای ساخته که از تمام ابیات آن تاریخ ولادت و درگذشت امیر (۸۴۴-۹۰۶ ق) به دست می‌آید. صاحب تذکره «روز روشن» می‌نویسد که او کتابدار کتابخانه سلطنتی هرات بود.

اتشکده آور (۲/ ۷۸۹-۷۹۰)، تاریخ نظم و نشر (۳۲۰)، تذکره روز روشن (۴۵۶)، تذکره سرآبادی (۵۲۶)، الذریعة (۹/ ۵۷۶)، لغت نامه (ذیل / درای هروی)، «محال النعائس (۷۳، ۲۴۲، ۲۴۷).

صاحب «ریاض»، سید علی بن سید محمد بن علی بن ابوالمعالی طباطبایی (۱۱۶۱-۱۲۳۱ ق)، علامه کبیر، فقیه اصولی و عالم دینی. اصلش از اصفهان بود. در کابلین به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت. او خورزنده، شاگرد و داماد محقق بهبهانی بود و در کنار وی در کربلا مدفون است. سید محمد باقر حجة الاسلام و حاجی کرباسی و ملا محمد تقی برغانی و ملا صاحب

الاعلام (۷/ ۲۱۲)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱/ ۱۹۸)، انساب سمعی (۱/ ۲۵۹-۴۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴/ ۱)، «سند» «سند» (۹/ ۳۳۵-۳۳۶)، «دائرةالمعارف فارسی (۱/ ۶۳۳)، «روضات الجنات (۸)، ۱۹۵)، «ریحانه (۱/ ۳۳۲)، «سیرالسلا (۱۳/ ۲۷۷-۲۷۰)، «شذرات الذهب (۲/ ۱۷۵-۱۷۳)، «طبقات الحنفیة (۲۱۲)، «العبر (۱/ ۴۰۲)، «الفهرست این مدیم ترجمه (۲۱۲)، «الکامل (۶/ ۷۵)، «کشف الظنون (۵۵۹، ۸۶۳، ۱۰۵۹، ۱۴۲۰)، «الکفر و الکتاب (۲/ ۱۱۸-۱۱۹)، «سان المیزان (۹/ ۱۳۴)، «مجلد فصیحی (ذیل / سال ۲۷۹)، «معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۰۵-۱۰۲)، «المجموع الزاهر (۲/ ۹۳-۹۲)، «النواصی بالرفای (۲/ ۲۹۶-۲۹۲)، «وفیات الاعیان (۲/ ۲۷۸)، «مذبة الاحیاء (۱۲/ ۱)، «هدیة معارفین (۲/ ۱۹).

صاحب «جامع الرواة» - اردبیلی، محمد بن علی

صاحب «جواهر الکلام»، شیخ الفقهاء شیخ محمد حسن بن شیخ باقر شریف اصفهانی نجفی (ح ۱۲۰۲-۱۲۶۶ ق)، عالم و فقیه بزرگ شیعه. در نجف متولد شد. ابتدا به نجف آمد. نزد شیخ حسن و شیخ قاسم‌الله محبی‌الدین و سید حسین شمیری فراگرفت. آن‌گاه نزد سید جواد عاملی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و پسرش، شیخ موسی کاشف‌الغطاء، تعلیم نمود. او از عاملی و جمعی و شیخ احمد احسائی روایت کرده است. مدارج علمی و نا بداجا پیمود که رعایت و ریاست شیعه به او منتهی گشت و تمامی علمای هم‌زمانش تقدم او را تأیید کردند. تمامی شاگردان وی از ستارگان آسمان علم و فقاہت بودند که از آن جمله اند: سید میرزا ابراهیم شریعت‌مدار سبزواری و سید ابراهیم لواسانی و سید اسماعیل بهبهانی و شیخ راضی جمعی و سید محمد شهبهانی اصفهانی و شیخ محمد حسین آل یاسین و ملا علی حبیلی و میرزا حسین خلیلی و ملا علی گنی و سید میرزا محمود بروجرودی و شیخ حسن مامقانی و سید حسین آل بحر العلوم و آقا حسن نجم آبادی و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا عبدالرحیم لاهوتی و شیخ عبدالله نعمه عاملی. وی در نجف درگذشت و در محبة عمارة نجف در بقعه‌ای که امروزه محل زیارت است، دفن شد. اثر گرانبهای وی کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام» است که مانند «بحارالانوار» محسبی، در حدیث و اخبار، تمامی مروجات فقهی را از اول تا آخر با ادله آنها با کمال دقت نگاشته

۳۷۶-۳۷۷)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳ / ۱۱-۱۰)،
 موائد الرضوية (۹)، معجم رجال نجف (۲ / ۹۸۲-۹۸۳)،
 معجم المؤيدين (۱ / ۸۷)، مكارم الآثار (۲ / ۵۱۸-۵۲۶)،
 هدية الاحياء (۷۶) .

صاحب «طبقات الانوار» ← حامد حسين، سيد
 محمد تقی

صاحب «عمی آبادی مازندرانی، میرزا محمد تقی /
 محمد تقی، فرزند میرزا محمد زکی / زکی»، (وف ۱۲۵۶
 و)، شاعر، متخلص به ملالی و صاحب. ملقب به صاحب
 دیوان و معروف به آقا اصل وی از علی آباد مازندران بود.
 و مشی اسمانک دربار فتحعلی شاه قاجار بود. چند سال
 در ریحان به امر کارگزاری شاهزاده عبدالله میرزا پسر
 فتحعلی شاه، مشغول بود و مدت دو سال تیر وزارت
 محمدرضا میرزا، پسر فتحعلی شاه، را در گیلان عهده دار
 بود. تاریخی مختصر و مفید در شرح آباء و اجداد و روزگار
 فتحعلی شاه قاجار، از ربان وی، با انشای خود، به نام
 «تذکره الکلام» و «رساله خاقانیه» ترشده است وی دارای
 «دیوان» شعری نیز بوده است.

حدیقه الشعر، (۲ / ۹۵۷-۹۵۵)، الذریعه (۹ / ۵۷۶-۵۷۵)،
 ۱۰۹۷، ۱۹ / ۱۹۹، ۲۲ / ۲۲۱، ریحانه (۳ / ۳۶۴)، سیه
 المسعود (۲ / ۶۵۱-۶۴۹)، فرهنگ مسجوران (۵۳۵)
 امتنامه (دین / صاحب علی آبادی)، مجمع القصصا (۵)
 ۶۳۷-۶۷۲، مصیبه خراب (۱۰۹-۱۰۸)، مکارم الآثار
 ۵ / ۵۱۸-۵۲۶، نگارسان (۱۰۱-۱۰۲)

صاحب «عناوین الاصول» ← حسینی مر غی.

صاحب قلم ارومیه ای، میرزا آقا افشار، (ر ۱۳۰۹ ق)،
 خطاط معروف به صاحب قلم، از خاندان افشار ارومیه و
 مقیم استانبول بود که در آنجا به امر کتابت مشغول و در
 نوشتن خط نستعلیق بسیار ماهر بود وی ظاهراً در دربار
 سلطان عبدالحمید بیر سمت کاتبی داشته است. از آثار او
 یک نسخه «تصیحه الملوك» سعدی، به قلم نیم دو دانگ
 خوش، ب رقم، «بحجه تقدیم... سلطان عبدالحمید
 غاری... در دارالخلافه اسلامول... از قلم سده پی مقدار
 صاحب قلم افشار ۱۳۰۹»؛ یک قطعه به نلم چهار دانگ و
 نیم دو دانگ خوش، با رقم: «رأته صاحب قلم عقله سنة
 ۱۲۹۴»؛ یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خفی

برغانی و شریف العلمای مازندرانی و شیخ احمد احسائی
 و سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و شیخ ابوعلی
 رجالی از شاگردان وی بودند صاحب «ریاض» ما اینکه در
 اصول پیشگام بود، ولی کتاب فقهی اش، «ریاض المسائل»،
 معروف به «شرح کبیر» که شرح «مختصر نافع» محقر حلّی
 است، شهرتی همه گیر پیدا کرد. و دیگر آثار وی: «تکلیف
 الکفار بالمعروف»؛ حاشیه «حدائق» شرح یوسف بحرانی؛
 حاشیه «مدارک الاحکام»؛ حاشیه «معالم الاصول»؛ شرح
 «معانی» ملا محسن فیض؛ «حجّت الاجماع و
 الاستصحاب»

الذریه (۴ / ۴۰۷، ۱۶ / ۸۱، ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۶۹، ۱۱ / ۳۳۶)،
 ریحانه (۲ / ۳۷۰-۳۷۲)، گنجینه دانشمندان (۶ / ۲۲۲).

صاحب «ضوابط الاصول»، سید ابراهیم بن سید
 محمد باقر موسوی قزوینی حائری، (تو ۱۲۱۴ - وف
 ۱۲۶۲-۱۲۶۴ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مدرس. در
 قزوین به دنیا آمد. با پدرش، که از علمای بام آن دوره بود،
 به کرمانشاه رفت و در آنجا مقدمات علوم دینی را
 آموخت سپس هازم گریلا شد و نزد سید علی صاحب
 «ریاض» و ملا محمد شریف العلمای مازندرانی در سطح
 اصول را فراگرفت پس از آن به نجف رفت و در محضر
 شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء و
 سید محمد مجاهد تلمذ کرد و خود عهده دار مر تدریس
 شد. سپس به گریلا رفت و جلسه درس تشکیل داد. از
 مشهورترین شاگردان ایشان، شیخ ریس العابدین بارفروشی
 مازندرانی و آق جمال محلاتی و سید اسدالله شفتی
 حجه الاسلام اصفهانی و شیخ مهدی کجوری و سید
 حسین کوهکمری و میرزا محمد تکابیی، صاحب «قصص
 العلماء»، و حاج محمد کریم لاهیجی و شیخ عبدالحمید
 تهرانی و ملا علی کنی و میرزا محمد حسن اردبیلی بودند.
 او بر اثر وبا درگذشت. قبر وی در نزدیکی مشهد شریف
 حسینی است. از آثار وی: «ضوابط الاصول»، در دو مجلد؛
 «نایح الانکار فی الاصول الفقهیه»؛ «رسالة فی حجه الطل»؛
 «دلایل الاحکام فی شرح شرائع الاسلام»، در فقه و
 طهارت تا دیات؛ «مسائل لمصحح»؛ «رسالة فی الحیة»؛
 «رسالة فی صلاة الجمعة»؛ «رسالة فی القواعد الفقهیه»؛
 «رسالة صلیه»، در طهارت و نماز.

الاعلام (۱۱ / ۶۶)، امید النیبه (۲ / ۵۲۰-۵۲۰)، الذریه
 (۶ / ۲۷۶، ۸ / ۲۳۹-۲۴۰، ۱۱ / ۱۸۸، ۲۱۲، ۱۵ / ۱۱۹،
 ۲۴ / ۴۲)، روایات المحدث (۱ / ۵۱، ۲۷ / ۵۱)، ریحانه (۳ /

صادق اردلانی کردستانی

تخلص او نوشته‌اند. مؤلف «تاریخ مشاهیر کرده» نام پدر وی را کریم‌خان دلبلی آورده، و همچنین صاحب سلطانی را دارای تألیفاتی در نجوم دانسته است.

در رثعه تا پروین (۱۶۰-۱۶۱)، تشرح مشاهیر کرد (۱/۱)

(۳۴۱)، حذیفه الشعراء (۳/۲۱۷۰-۲۱۷۱)، الذریعه (۹/۵۵۸)، مشاهیر زنان (۱۴۱)

صادق، (ز ۱۲۴۰ ق)، معاش. تنها اثری که از این هرمند باقی مانده، تصویر آبرنگ حضرت مسیح (ع) است که روی دامن مریم نشسته و در مقابل آنها زسی به حالت احترام زانو زده و سببی را به حضرت مسیح تقدیم می‌کند و در دست مریم یک شاخه گل سرخ و در دست مسیح شاخه‌ای گل میحک چلب نظر می‌کند، با رقم: «شده احیا ز دم عیسی مریم. صادق سنه ۱۲۴۰».

احوال و آثار هاندان (۱/۲۵۵-۲۵۶)

صادق، علی‌خان میرزا، (س ۵۵۰ ق)، شاعر، متخصص به صادق، وی برادر کوچک نگاری و از بزرگان صفوی بود. شعری به گیلان داشت، به فارسی و ترکی، از هرگونه سحر، می‌سروده است، از ارست.

غریب ترگس مستش به قصد جهان برورد

چو رهبری که به دنبال کاروان برورد

تاریخ نظم و نثر (۵۰۱)، لغت‌نامه (ذیل / صادق)، مجمع

العوام (۶۷-۶۶)

صادق ملا رجب اصفهانی، (۱۲۲۵/۱۲۲۵-۱۳۰۵)، شاعر در اصفهان به دنیا آمد. از شعری معروف آن دیار و مردی زاهد و قناعت پیشه بود و از کتابت قرآن امرار معاش می‌کرد. او در کتابت خط نسخ مهارت داشت و وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. مهدی نامداد، صاحب «شرح حال رجال»، نام پدر وی را ملا رجب و محل دفن وی را صفهان، سر قمر آقا، سرون درویره درگذشت ذکر کرده است. در آثارش «دیوان» شعر می‌باشد.

تذکره‌التقویر (۲۶۱)، الذریعه (۹/۵۸۰)، شرح حال رجال

(۲/۱۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۵۰۳)

صادق اردلانی کردستانی، خواجه صادق، (س ۵۵۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخصص به صادق، وی به انشا و دیوبی می‌پرداخت و در شعر نیز طبعی بلند داشت.

خرش، با رقم: «کنه العبد الاحقر میرزا، آقا المتخصص صاحب قلم انشار ارومیه، سنه ۱۲۹۱».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/۵۰۶)، تذکره خوشنویسان

معاصر (۵۲-۵۳)، ریحانه (۳/۳۸۱-۳۸۲)، بحث نامه

(ذیل / صاحب قلم)

صاحب کبود چانه - صاحب دزای استرآبادی

صاحب مشهدی، محمد مؤمن گریاس فروش، (س ۵۵۰ ق)، شاعر و خطاط. از شاعران خراسان و معاصر حرین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) بود. در جوانی به نجف رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت و خط نسخ و شکسته را بیکو می‌نوشت در نجف درگذشت از اوست:

دلیل و سنگ نشان جذبه رسا چه کند

هنگام گسستگی سپهر رهنما چه کند

تذکره المعاصرین (۲۲۵-۲۲۶)، الذریعه (۹/۵۷۶-۵۷۷)

صاحب «عصباح لقیه» - همدانی نحقی، شیخ رضا بن شیخ محمد هادی.

صاحبه، (س ۵۵۰ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به صاحبه پ صاحب، وی عروس فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) بود. از اوست:

غم نیست که از حسرت بسیار تو مردم

طقت شود کم ر تو مقصود من ایس بود

از رثعه تا پروین (۱۶۱)، حذیفه الشعراء (۳/۲۱۷۱)،

زبان سفینور (۱/۳۰۴)، مرنگ سخروان (۵۳۶)،

مشاهیر زنان (۱۴۱)

صاحبه سلطان، فرزند شهباز خان دلبلی، (س ۵۵۰ ق)، شاعر. اهل آذربایجان بود. طبع شعر خوشی داشت و خط را نیز خوب می‌نوشت. رباعی ذیل که در مدح حسعلی میرزا شجاع السلطنه، پسر فتحعلی شاه، ز لی خراسان سروده به عنوان نمونه‌ای از آثار وی ضبط شده است:

شهراد، حسن دلیر و لشکر شکن است

شهر ده غوربری و شیرین سخن است

در باغ شهتشی حرامان مروی است

در گلشن خسروی گل یاسمن است

بعضی از تذکرها نام پدر او شهباز را اشتباهاً به جای

از اوست.

هر که آمد گل را باغ زندگی چید و رفت

آمد و بر سستی اهل جهان خدید و رفت

تاریخ مشاهیر کرد (۱/ ۲۳۱-۲۳۲)، حدیقه اسان اللیس

(۳۹۹-۳۹۸)، حدیقه السمره (۲/ ۹۶۱-۹۶۲) بحث نامه

دین، صادق، مجمع انصحا (۵۱، ۶۷۳)

صادق اردوبادی. (مفتول ۹۹۷ ق)، شاعر. از مددگار

خواجه نصیر طوسی و از شاعران دانشمند روزگار شاه
ظهماسب صفوی بود که از زادگاهش به مشهد رفت و
چون برگرد آن شهر را هجو کرد، از آنجا رانده شد پس از
آن به هندوستان رفت و پس از مدتی اقامت در دکن، به
احمدنگر رفت و به سلسله نظامشاهان پیوست. صادق در
صی شورشهای آن سامان کشته شد. از اشعار وی چند
رباعی مانده است. از اوست:

چشمم ز رگ انس فزون می‌گیرد

چشمی بگشا بین که چو می‌گیرد

در خاک غریبی به چه خواری حسی

بر بی کسی تو، سنگ خون می‌گیرد

تاریخ نظم و نثر (۵۰۳-۵۰۴)، دانشمند. آذربایجان

(۲۱۱-۲۱۲)، التریعه (۹/ ۵۷۷)، صبح گلشن (۲۲۳)

فرهنگ سخنوران (۵۳۶)، کاروان هند (۱/ ۶۷۵-۶۷۶)

بحث نامه (دین / صادق)، مجمع الخواص (۹۰-۹۱)

بحث اقلیم (۳/ ۲۶۲-۲۶۳)

صادق اصفهانی، نوزدهم محبسی. (س یاردهم ق)،

نقاش مگر نقوش زیبا و خطوط استادانه بر روی فنزات
بود و گویا در هند زندگی می‌کرد از آثار وی نقاشی نسخه
شمسیری است، با رقم «عمل صادق پس محب علی
اصفهانی» (اواخر قرن هفدهم میلادی)

حوال و آثار نقاشان (۲/ ۴۶۶)

صادق او به آقا صادق و

صادق بیگ انتشار تبرییری به صادقی بیگ انتشار
کتابدار

صادق توپسرکامی، مولانا محمد صادق. (س دهم

ق)، شاعر از شاعران توپسرکان در عهد صفویه بود
نخست در اصفهان اقامت داشت و در همان شهر به

تحصیل پرداخت. پس از مدتی به هندوستان رفت و در
آنجا ملازمت پادشاه اورنگ زیب (۱۰۹۸-۱۱۱۸ ق) را
اختیار نمود. اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است

بررگان و سخن سوزیه (۱/ ۳۰۷-۳۰۸)، تذکره

ور روشنس (۴۵۷) تذکره نصرآبادی (۱۹۵، ۵۳۴)

الدیسعه (۹/ ۵۷۸) فرهنگ سخنان (۵۲۶-۵۲۷)

کاروان هند (۱/ ۶۷۵-۶۷۶)

صادق بهرامی، محمد صادق، فرزند محمد حسن
طیب (وف ۱۲۸۸ ق)، شاعر و طیب طیب ناصرالدین
شاه قاجار و پدر میرزا علی خان اعلم الممناک بود. در
رودخانه جاجرود هنگام طغیان آب غرق شد. از آثار وی
«الغیة المصنوع» در بیست و سه ق به نظم درآورده
و حاج ملا علی کنی بر آن تقریظ نوشته است

الدیسعه (۲/ ۲۹۸، ۴/ ۵۷۹)، فهرست کتابهای چاپی

در روی (۳۲)، مژله‌ن ک چاپی (۳/ ۴۹۶)

صادق چوبک به چوبک، محمد صادق چوبین

صادق حمینی شیرازی به دستمیب شیرازی، میرزا
صادق.

صادق ممرندی به حوایی ممرندی

صادق شیرازی. (ز ۱۲۷۱ ق)، نقاش. اهل شیراز بود و
در هنرهای روحی دست داشت. از آثار رقم‌دار وی، یک
حجت چوب بنوی زیبا و پرکار که در داخل تریحهای
مذهب آن، تصاویری از گل و نیل نقش شده و در کمره
آنها اشعاری به مسابیت درج شده است، با رقم: «آف
صادق شیرازی ۱۲۷۱»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۸۳-۲۸۴)

صادق علیشاه محلاتی، سید صادق. (س سیزدهم
ق)، شاعر و صوفی اهل محلات و جد مادری آقاخان
محلاتی بود. او در مریدان مشدق علیشاه بود و از جانب او
رشاد می‌کرد. در قم و مات زیادت و همانجا دفن شد.
صاحب «حدیقه السمره» تاریخ مرگ وی را هزار و
دویست و سی و اندی ذکر کرده است.

حدیقه الشعر (۲/ ۱۰۴۷)

مثنوی کوتاهی با مصامین عرفانی به نام «رموز الماشقین» به جای مانده است. نسخه‌ای از این مثنوی در دانشگاه پنجاب نگهداری می‌شود.
مطومعه‌ای فارسی (۲۶۲).

صادقی اردستانی، شیخ احمد. (قر ۱۳۲۳ ق)، عالم ربی، مدرس و نویسنده در کجومقال اردستان به دنیا مد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در ۱۳۴۱ ق، به قم رفت و به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و در ضمن تحصیل در انجمنها و محافل ادبی و علمی نیز شرکت می‌کرد. از آثار وی: «اسمان فارسی»، اولین اثر تاریخی - اخلاقی او که در بیست و چهار سالگی تألیف کرد؛ از زندگی بهر ممانه مالک اشتر؛ «حسین پرچمدار آزادی»، ترجمه (الحسین) «سوره» آیت‌الله سید محمد شیرازی؛ «به دسال نور ظلمت»؛ «اخلاق خاواد»؛ ترجمه و نگارش؛ «اسلام و مسائل حسنی»؛ «نقش ثروت در پیشرفت اسلام»، ترجمه‌ای از «اتفقوا لکسی تخذمووا» آیت‌الله سید محمد شیرازی «طرح ساده‌ای از ریرینای امور اقتصادی و اجتماعی اسلام»، ترجمه‌ای از یکی از کتابهای آقا شیخ محمد ابراهیم جاتی.
گنجینه دانشدان (۷/ ۲۷۲-۲۷۴)

صادقی افشار - صادقی بیگ افشار کتابدار

صادقی بیگ افشار کتابدار (۱۳۲۳/۹۴۰-۱۳۱۷/۱۰۱۸ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به صادقی. معروف به صادقی کتابدار. از بزرگان ایل خداوندی بود. او در نزدیکی محله‌ای به نام ورجویا و بجزیه تریز به دنیا آمد بیست ساله بود که پدرش کشته شد. پس از آن مدتی با امیرخان موصلر و مدرخان و اسکندرخان افشار به سر برد، در عهد شاه اسماعیل دوم به کتابخانه دولتی راه یافت و در زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده و شاه عباس کبیر منصب کتابداری و عهده‌دار بود، که در حدود ۱۰۰۷ ق این منصب به علیرضا عباسی و گذار شد. صادقی در نظم و نثر فارسی و ترکی مهارت داشت و از دوران جوانی بزه هر نقاشی و طراحی علاقه زیادی نشان می‌داد و از شاگردان استاد مصطفی هروی نقاش محسوب می‌شد. وی در هر خطاطی نیز دست داشت و به روایی شاگرد میر علی هروی بود. او در ۱۰۱۰ ق، در صمهان تألیفات خود را جمع آوری و تدوین

صادق توبری تبریزی، حمید، فرزند اسماعیل. (قر ۱۲۹۲ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در تبریز، در ۱۳۱۲ ش، به پایان رساند. سپس وارد دانشکده کشاورزی کرج شد و موفق به اخذ مدرک مهندسی کشاورزی گردید. در ۱۳۲۳ ش قسمت قضایی دانشکده حقوق را به پایان رسانید. وی مهده‌دار مشاغل مختلفی در وزارت کشاورزی بود. ز آثار وی: «گنهای کرج»، شعر؛ «گوشه‌ای از دانشگاه» - فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۷۶۸-۲۷۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۶۳-۹۶۴)

صادق نیشابوری، سید جعفر علی خان، فرزند میر محمد مؤمن خان. (س دوازدهم ق)، شاعر. از شاعران خراسان بود. در روزگار پادشاهی محمد شاه (۱۳۱۱-۱۳۱۶ ق)، فرمانروای هند، به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید. وی ضمن کارهای دیوانی، شعر نیز می‌سرود. از اوست.

ما را ضعیف ساخته حسن تو در شباب
گل کرده است فصل خزان در بهار ما
تذکره بدر دوش (۲۵۸)، مطبع الشمس (۱۸۲/۳)

صادق هدایت - هدایت، صادق

صادق همدانی - صادق نویسرکانی

صادقی، صادق، فرزند علی. (قر ۱۲۸۷ ش)، نویسنده. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند. پس از آن به هنرستان صنعتی آلمانی رفت. پس از اخذ مدرک به هزینه دولت برای فراگرفتن کارهای راه آهن به آلمان رفت و بعد از پایان تحصیل به ایران بازگشت و در راه آهن مشغول به کار شد. صادقی برای بار دوم از طرف وزارت راه به سوئد رهسپار شد و پس از پنج سال توقف در آنجا با اخذ دانشنامه مکایک به ایران بازگشت و مجدداً در اداره راه آهن مشغول شد. اثر وی «آموزش لکوموتور» است.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۹۲-۲۹۳)

صادقی ابرکوهی. (قر ۱۰۳۸ ق)، شاعر از شاعران مثنوی پرداز یون در اوایل سده پانزدهم هجری بود. از او

صادق قاینی، ملا صادق گلکار (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از مردم قاین بود که به صنعت گلکاری اشتغال داشت و شعر سبزی می‌سرود. اشعاری از وی در تذکره «مجالس لعل‌النس» نقل شده است.

الذریعه (۵۸۱/۹)، لعب نامه (دیر/صادق)، مجالس لعل‌النس (۱۵۱-۱۵۲).

صادق کتایدار به صادق بیگ ایشار کتابدار

صادق هروی (س دهم ق)، شاعر از مردم هرات بود که در قندهار به دنیا آمد و در آنجا پرورش یافت. از ایران به هندوستان رفت و در سسلک ملاحان اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق)، درآمد. از وست:

دل مسجروح را پروای تن نیست
شهید عشق محتاج کفن نیست
الذریعه (۵۸۲/۹)، صبح گلشن (۲۴۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۹)، لعب نامه (دیل/صادق).

صارم، سیف‌الله خان به اردلان، سیف‌الله

صارم، السلطان، سیف‌الله خان به اردلان، سیف‌الله خان.

صارم السلطنه، سید محمد صالح حسنی نعمت‌اللهی. (۱۲۵۳-۱۳۲۳ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به حیران علیشاه. در ماهدشت کرمانشاه به دنیا آمد. او در سرودن شعر، نوبه عرب با مضامین عرفانی، مهارت داشت. در کرمانشاه درگذشت و جنب مقبره محمد تقی مظفر علیشاه دفن شد اثر وی: «کثر العرفان» یا «دیوان» غزلیات

الذریعه (۹۹۹/۱۸، ۱۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۵۲۸)

صارمی، ابوطالب، فرزند مهدعلی، (س چهاردهم ق)، نویسنده، مترجم و مدرس تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در راک و تهران به پایان رساند. از او آن که دکی به فراگیری زبان فراسه و انگلیسی پرداخت و پس از چندی بر این دو زبان مسلط شد. در ۱۳۱۲ ش به درجه افسری نایل گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود، از جمله مترجم دانشگاه جنگ، خدمت در اصل چهار و سازمان همکاری بهداشت در بابل و تدریس زبان

نمود و شرح حال مختصری بر آنها نوشت اثر معروف وی «مجمع الخواص» به زبان ترکی جغتایی است که شرح حال بسیاری از شاعران معاصر خود را در آن آورده و از آن معلوم می‌شود که سفرهای بسیاری به شهرهای مختلف کرده است. از دیگر آثار وی: «مدة الکلام»، مثنوی «صبح دمه» عباس نامدار، منظومه «قانون الصور» در نقاشی، «دیوان» غزلیات فارسی و ترکی، مقالات و حکایاتی موسوم به «شرح حال منظوم»، مسوی «سعد و سعید»، مجموعه «مشقات و مکاتبات»، به فارسی و ترکی، «تذکره الشعراء» مشتمل بر رباعیات معنایی، «حقیقات» از نقاشی‌های او: تصویر مردی که در شیوه اصمهان ترسیم شده و در پشت سرش، درخت پر حالتی جلب نظر می‌کند، با رقم: «صادق ایشار» تصویر زن زیبایی در شیوه ترکی که دستاری از گردش آویزان است، با رقم «رافعه صادقی کتابدار ۱۵۱۰» تصویر رستم، پهلوان قدیمی ایران، که کلاه پردها سفید به سرگدسته و دیوتیره رنگ سهم‌بکی به سر می‌سازد. رقم «صادق» در د

اشکذ آذر (۱/۷۱-۷۲)، احوال و آثار سفید (۱/

۲۶۵-۲۸۲، ۳/۱۲۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، ۵۷۰،

تاریخ اصمهان (۲۹۸-۳۰۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲/

۱۳۲-۱۴۰، ۶۲۳-۶۲۱)، تاریخ نظم و شعر (۳۵۸-۳۵۷)،

۸۲۱)، تاریخ سرحدی مثنوی (۸۴۸-۸۵۰)، تذکره

صراحتی (۳۹۰-۳۹۱)، حماسه سرپس در سرب (۳۶۸)،

حوشر (۱۰ و هر صد و ۶)، دانشمندان آذربایجان

(۲۱۲-۲۱۳)، دایرة المعارف فارسی (۲/۱۵۶۸)، الذریعه

۹/۵۸۲، ۵۸۱، ۱۳، ۱۸۴، ۱۶، ۱۰۹، ۹، ۲۰۵، ۲۰/

۲۷، ۲۳/۲۱)، دیخانه (۳/۴۰۵)، عالم آرای عباسی (۱/

۱۷۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳۸-۵۳۹)، گویانه پروگان

(۱۸۰-۱۷۹)، گلستان هنر (۵۲-۱۶۴)، مجمع الحرافص

بسمه (۳۱۷-۳۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۵۱۲)

صادق یزدی، محمد صادق خان، فرزند محمد کریم

خان/ حاجی کریم خان، (س سیزدهم ق)، شاعر. اصل

وی از یزد بود. در اصمهان به دنیا آمد. پس از تحصیلات

مقدمات و دانشهای زمان به قندهار و از آنجا به هندوستان

رفت و در شهر لکهنو اقامت کرد، گویا در همانجا

درگذشت. از وی اشعاری در تذکره‌ها موجود است

تذکره روز روشن (۴۵۸-۴۵۹)، تذکره مسجور (۱۹۲-۱۹۳)

۱۹۲-۱۹۳)

مدتی ملازم امام الحرمین بود و زوی فقه آموخت. خود نیز مدتی در الحرمین شریفین اقامت گزید و به فقه حرم مشهور گردید. ابوسعید سمعانی و یوسف بن آدم و ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوالحیر قزوینی و منصور بن عبدالمنعم فرازی و ابوالفتح محمد فاضلی و مزید بن محمد طوسی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور از دنیا رفت. از آثارش: «المجالس فی الریاض والتذکیر»، که به آرزو ذهبی بیش از هزار مجلس اسلاء است؛ «الریعون حدیث»، کتابی در «فروع الفقه» شافعی.

بشاح المکتون (۲/ ۴۲۹)، سیر النبلاء (۱۹/ ۶۱۹-۶۱۵)، شذرات الذهب (۴/ ۹۶)، المعیر (۲/ ۴۳۸-۴۳۹)، الکامل (۸/ ۲۵۶)، معجم السیاد (۲/ ۲۴۵)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۱۷)، قوانین بالذات (۲/ ۳۲۳)، وفیات الاعیان (۴/ ۲۹۰-۲۹۱)، هدیة المومنین (۲/ ۸۷).

صاعدي نیشابوري، ابوسعید محمد بن احمد بن محمد بن صاعد (۴۴۴-۵۲۷ ق)، فقیه، قاضی و محدث ذهبی نیشابور و مشهور به شیخ الاسلام بود. از پدرش، قاضی ابونصر صاعدي، و همسرش، یحیی صاعدي، و همسر بن مسرور و ابرعثمان صابونی و عبیدالمافر بن محمد خلدیث گنجدی. در بغداد حدیث می‌گفت. ابن ناصر و بن سعدی و دیگران روی روایت کرده‌اند.

سیر النبلاء (۱۹/ ۵۹۱)، شذرات الذهب (۲/ ۸۲)، المعیر (۲/ ۲۳۱)، النجوم الزاهرة (۵/ ۲۴۵).

صاعدي نیشابوري، ابوالعلاء صاعد بن منصور بن اسماعیل بن صاعد (وف ۵۰۶ ق)، خطیب، فقیه، قاضی و محدث. خطیب نیشابور و قاضی حصارم بود. از برجستگان خاندان صاعدي است. وی از پدر و جد و سایر برادریانش حدیث شنید. او گرچه بسیار حدیث شنیده، اما حدیث کمی را روایت کرده است. او واعظی شیرین بیان بوده است. نام وی در «هدیة المعاریف» تحت عنوان نیشابوری گرمائی آمده است. گفته‌اند که کتابی در مناقب ابوحنیفه و اصحاب وی نوشته است. از دیگر آثارش «الاجناس»، در فروع است که دستجردی، در بغداد، باره‌ای از آن را روایت کرده است.

کنش الفسئون (۱۱)، النجوم الزاهرة (۵/ ۲۰۱)، هدیة المعاریف (۲/ ۴۲۱).

انگیزی در دانشکده افسری و دانشکده تکمیلی دانشگاه جنگ از آثار وی: «آمریکا»، ترجمه؛ «اختراع تلن»، ترجمه؛ «اختلافات مال انگلیسی»، «ایده آلیست» یا «یار حسانت»؛ «سوده آزادی بحث»، ترجمه؛ «جنگیوخال»، ترجمه؛ «راهمای ترجمه»؛ «روح انسان»، ترجمه؛ «فلسفه علمی»، ترجمه.

بهرست کتبه‌ی چاپی فارسی (۱/ ۵۶-۵۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۴۱۱، ۱۱۲۰، ۲/ ۱۶۴۱، ۱۶۶۵، ۲۴۶۰)، مزین کتب چاپی (۱/ ۱۸۱-۱۸۲).

صاعدي اصفهانی، میرزا محمد هاشم (س دوازدهم ق)، شاعر وی از شاعران نظیره سار است که نظیره‌ای به نام «لبلی و مجنون» تحت تأثیر نظامی سروده است. تنها نسخه این مثنوی در کتابخانه مجلس موجود است. منظومه‌های فارسی (۲۶۵-۲۶۴).

صاعد قوجانی، زین‌الدین (س هفتم ق)، شاعر. اهل خوشان (قوچان) و مدتی کلیددار سلطان محمد خوارزمشاه (۵۹۶-۶۱۷ ق) بود. از آن جهت که سرود سخاوتمندی بود، لقب خاتم زمان به او دادند. در پایان عمر از بخارا به خبوشان بازگشت و در همان‌جا درگذشت. ری صاحب «دبیر» شعر بوده است.

آتشکده آبر (۱/ ۳۸۵-۳۸۶)، الذریعه (۹/ ۲۱)، صبح گلشن (۲۴۲)، لباب الالباب (۱/ ۱۴۵-۱۴۴)، لغت نامه (دیل/ صاعد خبوشانی)، تکبیر لایکار (۲۰۸)، هفت اقلیم (۲/ ۳۰۶).

صاعدي فراوی نیشابوري، ابوعبدالله محمد بن فضل بن احمد (۴۴۱-۵۳۰ ق)، مسند، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. «صحیح» مسلم را از ابوحسین عبدالله فر بن محمد فارسی و «جزء ابن نجید» را از عمر بن مسرور را هدیه استماع کرد و از ابوعثمان صابونی و ابوسعید کنجروزی و حافظ ابوبکر بیهمی و محمد بن عبی خیاری و ابویعلی اسحاق صابونی و احمد بن منصور مغربی و عبدالله بن محمد طوسی و ابوالقاسم قشیری و ابوسعید محمد خشاب و محمد بن عبدالله عدوی هروی و نصر بن علی طوسی حاکم و علی بن یوسف جرجینی و اسماعیل بن مسعدة بن اسماعیل و ابوالولید حسن بن محمد ملخی و قاضی محمد بن عبدالرحمن نسوی و امیر مظفر بن محمد میکالی و عده‌ای دیگر حدیث شنید.

حديث را از جدش، قاضي صاعدي، و پدرش، قاضي توسعيد، و همريش، قاضي ابوالحسن صاعدي، و قاضي اسويكر حيرى و ابوسعيد حيرى و ابوركربا مرگى و ابوالحسن بن عدان فرگرفت. او مجالس املاي حديث داشت و راهر شحامي و وجيه شحامي و عبدالله بن مروى خوارزمي و عبدالعالي بن زاهر از شاگردان وي بودند. وي در زمان سنجوقيان به صورت بررگزين رهبر ديني شهر خويش درآمد. ابونصر صاعدي پس از يك بيماري سخت و کوتاه درگذشت و در نيشابور به خاک سپرده شد.

سيرالنبلاء (۱۹/ ۸۷)، شذرات الذهب (۲/ ۳۶۶)، العبر (۲/ ۳۶۶)،
الكمال (۸/ ۱۵۲)، النجوم الزاهرة (۵/ ۱۲۷).

صاعدي نيشابوري، صفى الدين ابوالبركات عبيدالله بن محمد بن فصل بن احمد بن فروى، (وف ۵۴۹ ق)، فقيه و محدث. معروف به ابن فروى و منسوب به نروه شهرى از توابع ساء. از جد مادريش، طاهر شحامي، و محمد بن عبيدالله صرام و ابونصر سراج و ابوبكر بن خلف شيربرى و فاطمه بنت دقاق و بسيارى ديگر حديث شنيد. اين هساكر و سمعاني و مؤيد طوسى و منصور بن عبيدالمنعم بن عبدالله، نوهاش، از وي حديث روايت كرده‌اند. وي راوى «مسند» ابى عوانه ست. سمعاني او را پيشگامى دانشمند و مورد اعتماد و متدين و داراي حس اخلاق معرفى كرده است. او در فتنه خراسان گرسنگى و سرف در هفتاد و پنج سالگى در نيشابور درگذشت.

الاعلام بوفيات الاعلام (۲/ ۳۶۹)، سيرالنبلاء (۲۰/ ۱۲۷-۱۲۸)، شذرات الذهب (۴/ ۱۵۳)، العبر (۳/ ۱۰)،
الجزم الزاهرة (۵/ ۳۰۵).

صاعقه فارسي بغدادى، اسويحي محمد بن عبدالرحيم بن ابوزهير، (۸۵-۲۵۵ ق)، حافظ و محدث. معروف به ابن عبدالرحيم و حافظ صاعقه. از آنجاى كه داراي حافظه‌ي قوي بود، صاعقه نام گرفت. وي از غلامان آل عمر بن خطاب بود و شغل بزازى داشت. صاعقه از عبدالوهاب بن عطاء خفاف و على بن منصور رازى و روح بن هباده و حسين مروزى و سعيد بن سليمان سعدويه و ابواحمد ريزى و يزيد بن هارون و شايه بن سوار و همطبقه آنها حديث شنيد. صاحبان چهار «صحاح»: بخارى و ابوداود مستحسانى و ترمذى و نسائى، و همچنين محمد بن يحيى ذهلى و عبدالله بن احمد بن حنبل و قاضي محاملى و ابوبكر بن ابوداود و عبدالرحمن بن

صاعدي نيشابوري، ابوالفتح بابوقاسم منصور بن عبدالمنعم بن عبدالله بن محمد فراوى، (ج ۶۰۸-۵۲۲ ق)، محدث و مسند پدرش ابوالمعالي عبدالمنعم فراوى، مسند حراميان در زمان خود بود. جدش، ابوالبركات عبدالله، محدث و جد پدرش، ابوعبدالله محمد، فقيه حرم بود. او از پدرش و جدش و جد پدرش و عبدالجبار بن محمد خوارزمى و محمد بن اسماعيل فارسي و وجيه شحامي و ديگران حديث شنيد. ابن نقطه و زكى برزالي و ابوعمر بن صلاح و شرف مرسى و رضى ابراهيم بن برهان و عبدالعزير بن فيلاله و گروهى ديگر از وي حديث شنيدند. وي از راويان «صححيح» بخارى و «صححيح» مسلم و «عريب الحديث» خطائى و «تفسير» ثعلبى و «السنن الكبير» بيهقى است.

البلاء (۲۱/ ۲۹۶-۲۹۷)، شذرات الذهب (۵/ ۳۲)،
العبر (۳/ ۱۳۹)، معجم البلدان (۴/ ۲۷۸-۲۷۹)، النجوم الزاهرة (۶/ ۱۸۱).

صاعدي نيشابوري، ابوالمعالي عبدالمنعم بن عبدالله بن محمد فراوى، (۳۹۷-۵۸۷ ق)، محدث و مسند معروف به ابن فروى. مسند حراميان بود. اهل نيشابور ليكن خاندان علم و حديث بود. از جدش، ابوعبدالله محمد فراوى فقيه حرم، و عبدالغفار بن محمد شيروبى و ابونصر عبيدالرحيم بن عبدالكريم قشيري و عباس بن احمد شقاني و ظريف بن محمد حيرى و گروهى ديگر حديث شنيد. در نيشابور حديث گمت، در ۵۸۰ ق به بغداد وارد شد و از آنجا به حج رفت. ابوالمعالي در بغداد و در حرمين شريفيين حديث روايت كرد. مكرم بن مسعود و فقيه احمد بن عبدالواحد بخارى و ثقفى بن ماسويه و ابوعبدالله محمد قرطبي و ابوبكر محمد حارمى و ابوالعباس بن بنديجى و ابومحمد عزال و ابوطالب احقيقى از او حديث شنيده و روايت كرده‌اند. از آثار وي: «اربعون حديثاً».

دبل تاريخ بغداد (۱۶/ ۱۵۶-۱۵۷)، سيرالنبلاء (۲۱/ ۱۷۹-۱۸۰)، العبر (۳/ ۹۴)، المستماد من دبل تاريخ بغداد (۱۹/ ۱۷۵-۱۷۶)، النجوم الزاهرة (۶/ ۱۰۵).

صاعدي نيشابوري، ابونصر احمد بن محمد بن صاعد استوايى، (۴۱۰-۴۸۲ ق)، قاضي و محدث او را ناضى القصصات و رئيس نيشابور مى‌خواندند و به شيخ الاسلام مشهور و به ابونصر استوايى معروف بود. از كودكى در دامان جدش، قاضي صاعدي، پرورش يافت.

سگر دلا که هم عزیزت چسان گذشت
گاهی به رنج و غصه، گهی شادمان گذشت

تذکره شعری معاصر اصفهان (۱۳۰۱)، الذریعه (۹)
(۵۸۲)

صافی بمی - صافی خراسانی

صافی تبریزی، کریم، (وف ۱۳۴۸ ق)، شاعر مجموعه
شعر وی موسوم به «گنجینه حسینی» در تبریز مکرر به
چاپ رسیده است.

دانشندان آذربایجان (۲۱۴)، الذریعه (۹/۵۸۴، ۱۸/۲۴۶)، مؤسس کتب چاپی (۶۸/۵)

صافی تویوش هروی، (ر ۹۲۸ ق)، شاعر. از شاعران
هرات و معاصر امیر عیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) بود. از
و سب

ز شوق تشنگ دهایی دم از عدم رده‌ام
به لوح هستی خود نیستی رقم رده‌ام

لکزه روز روشن (۲۶۱-۲۶۲)، الذریعه (۹/۵۸۵)
فرهنگ سخنوران (۵۲۰)، لغت نامه (ذیل / صافی
تویوش)، مجالس التماس (۵۲).

صافی خراسانی، (س دهم ق)، شاعر. از شاعران و
امیران کرمان بود. در یم به دنیا آمد. پس از نشو و نما به
خراسان رفت و در آنجا ساکن شد. او در سخنوری مهارت
داشت و در سرودن شعر توان بود. میر صافی دو هفته
ریکد گشته شد. از او است:

شهی که از اثر عدل اوست تیج اجل
سرور ز تهمت خون ریختن چو تیج جمال

تاریخ طم و غر (۲۶۹)، الذریعه (۹/۵۸۵)، صبح گشت
(۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲۰)، لغت نامه (ذیل /
صافی)، حق اقلیم (۱/۲۸۳)

صافی شیرازی - صافی کازرونی

صافی کازرونی، (س یازدهم ق)، شاعر. در اصل اهل
کازرون بود، اما چون بیشتر در شیراز به سر برده به
شیرازی هم شهرت یافته است. صافی در اصفهان به
تحصیل مشغول شد و بعد از مدتی به هندوستان رفت و
در خدمت جعفرخان (م ۱۰۸۱ ق) به سر برد. اشعار

یوسف بن حواش و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت
کرده‌اند. تسائی و خطیب بغدادی وی را محدثی گفته و
مورد اعتماد دانسته‌اند.

الاعلام بوفیات الاعلام (۱، ۱۸۱)، تاریخ بغداد (۲/۳۶۲-
۳۶۴)، تذکره الحفاظ (۲/۵۵۴-۵۵۳)، تهذیب التهذیب
(۹/۲۶۸-۲۶۹)، الجرح و التعذیل (ج ۴، ق ۱/۹)،
سیرالنبلاء (۱۲/۲۹۵-۲۹۶)، شذرات الذهب (۲/۱۳۰-
۱۳۱)، طبقات الحفاظ (۲۵۱)، شعر (۱/۳۶۶)، السجود
الزائره (۳/۳۱)، الرافی بالروایات (۲/۲۴۵).

صافی، (س نهم ق)، شاعر، متخصص به صافی. از
بزرگان منطقه کوه صاف و از معاصران میر عیشیر نوایی
(م ۹۰۶ ق) بود. وی در شاعری از سبک خواجه حافظ
شیرازی پیروی می‌کرد. ترجمه منظومی از «شاهنامه» به
ردن ترکی به وی منتسب است.

تذکره روز روشن (۴۶۱)، الذریعه (۹/۵۸۴-۵۸۳)، لغت
نامه (ذیل / صافی)، مجالس التماس (۷۹، ۸۰، ۱۲۵۵).

صافی اصفهانی، میرزا جعفر، فرزند سید محمد امین
حسینی، (وف ۱۲۱۹ ق)، شاعر، متخصص به صافی. از
سادات اصفهان و از شاعران عریس، بود. او مدت و دو سال
از عمر خود را صرف کتاب «شهباشاه نامه» کرد که در گوزد
مجمرات و آثار پیامبر (ص) و جنگهای امیرالمؤمنین (ع)
است. نسخه‌ای از آن را نیز به فتحعلی شاه قاجار تقدیم
کرد. وی را در مقبره میرزا القاسم هندرسکی به خاک
سپردند. از دیگر آثارش: «مثنوی گلشن خیال»، «دیوان»
شعر، «زبده الانساب»، در انساب سادات مرعشیه.

برعلا (س ۷، ش ۲ و ۳، ص ۱۰۰)، «بفاح المکنون» (۲/
۶۱)، حدیقه سماء (۲/۹۶۲-۹۶۶)، الذریعه (۹/۵۸۴،
۱۸/۲۲۶)، ریحانه (۳/۴۰۹-۴۱۰)، سینه محمود (۲/
۲۳۴-۲۳۸)، فرهنگ سخنوران (۵۲۰)، لغت نامه (ذیل /
صافی اصفهانی)، مجمع النصوص (۵/۶۷۲-۶۸۸)، مصطفی
خسراب (۱۱۲-۱۱۶)، مکتب‌المآثر (۳/۶۵۲-۶۵۶)،
نگارستان دارا (۲۲۰-۲۲۱).

صافی اصفهانی، میرزا حسین گلشنی، (س چهاردهم
ق)، شاعر، متخصص به صافی او در دوره دوم تحمیل ادبی
شیدا شرکت می‌کرد و اشعارش در مجله دانشکده چاپ
می‌شد از او است

الدریعه (۹/ ۵۸۵، ۱۵/ ۵، ۱۸/ ۲۲۹، ۲۱/ ۱۱۶، ۲۴/ ۲۴۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۳۳۲-۳۳۱)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۴۲۴-۴۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۷۱)

صالح. (مر دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: مرقعی است در کتابخانه حزیة اوفاق استاسول، به قلمهای ثلث و رفاع و سح و از جمله، نستعلیق دودمگ خوش، یا رقم امشوق بیچاره سرگشته عبدطالح، کلب درگاه رضا، بنده مؤمن، صالح.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۵).

صالح، جهان‌نشا، فرزند حسین مبصر الممکنه، (تو ۱۲۸۳ ش)، پزشک، اسنادداشنگاه و نویسنده. در کاشان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و زبان فرانسه و انگلیسی را در زادگاه خود گاشان و تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکایی تهران به پایان رساند. او تحصیلات صافی را در آمریکا دنبال کرد و موفق به اخذ درجه دکتری در پزشکی شد. پس از آن به ایران آمد و عهده دار مشاغل مختلفی از جمله تدریس تشریح، ریاست بیمارستان وزیر، ریاست آموزشگاه مامایی، استادی کرسی بیمارهای زنان، ریاست دانشگاه تهران و وزارت بهداشت شد. از جمله خدماتی که وی در زمان ریاست دانشگاه انجام داد تأسیس کتابخانه مرکزی دانشگاه و تعمیر سیستم آموزشی دانشگاه و فراسوی به آمریکایی بود از آن وی: «بیمارهای زنان»، «سخنرانیهای هیئت اعزامی سازمان بهداشت در دانشکده پزشکی»، ترجمه: «گزارش سه ساله موسوم ریاست دانشکده پزشکی»، «بیمارهای زنان و پیشرفتهای علمی میهن».

پهرمهای آئین (۳۵۴-۳۵۲)، روزنامه تاریخ ایران (۲/ ۱۱، ۳۵، ۵۱، ۵۸، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۵۵، ۲۱۰، ۲۱۴، زندگنامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر (۱۵۱-۲۱۶)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۹۱۵-۹۱۴)، فهرست کتبهای چاپی فارس (۱/ ۵۶۷، ۲/ ۱۹۳۷، ۲۷۲۲)، کتابخانه نخستین دهه انقلاب (۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۴۴۰-۴۳۱)

صالح آزادانی اصفهانی، میرزا صالح (وف ۱۰۴۳ ق)، شاعر، متخصص به صالح، اصل وی از قریه آزادان اصفهان بود. از مرزندزادگان طیب‌الدین طیب اصفهانی

الذکی از وی در تذکره‌ها نقل شده است. در «صبح گلشن» و «دانشمندان آذربایجان» او را به خطا با نسبت تبریزی ذکر کرده‌اند.

تذکره روز روشن (۴۶۱)، تذکره نصرآبادی (۳۸۸-۳۸۷) دانشمندان آذربایجان (۲۱۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۴۱۹-۴۲۰)، الدریعه (۹/ ۵۸۵)، صبح گلشن (۲۴۲-۲۴۱)، کبریا و هند (۱/ ۶۷۸-۶۷۷)، لغت نامه (دیل / صافی)، مرآت الفصاحه (۳۴۵)

صافی گلپایگانی، شیخ لطیف‌الله بن شیخ محمد جواد. (مر چهاردهم ق)، عالم دینی در گلپایگان به دنیا آمد. پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نمود و در محضر آیت الله مروجرودی و آیت الله گلپایگانی در فقه و اصول استفاده نمود. آن‌گاه به همراه پدرش در ۱۳۶۶ ق به نجف مشرف شد. وی از ستاید حوزه علمیه قم و داماد آیت الله گلپایگانی بود. از آثارش: «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر»، در اثبات وجود حضرت امام زمان (عج)، «شهد آگاه»، رد بر «کتاب شهید جاوید»، «ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق».

الدریعه (۲۲/ ۳۶۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۱۸۹).

صافی گلپایگانی، شیخ ملا محمد جواد، فرزند صلاح عباس. (۱۲۸۸-۱۳۶۸ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر در گلپایگان به دنیا آمد و در همان شهر نشو و نما یافت. در حدود ۱۳۰۵ ق به اصفهان رفت و در محضر حکیم معروف، میرزا جهانگیر خان قشقایی، و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد علی تبرکاتی و سید محمد باقر درجه‌ی و آقاخان اصفهانی و برادرانش، آقا نورالله و ثقه الاسلام حاضر شد و حدود ده سال در آن شهر به کسب علم پرداخت. او همچنین در تهران نزد شیخ فضل الله نوری تلمذ کرد. در ۱۳۱۶ ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس و تصنیف و سایر امور دینی پرداخت. وی در قم مدفون است از آثار منظوم و منثور وی: «گنجینه گهر» یا سخنان پیمبر (ص)، شعر: «گنج حرفان» یا «سخنان امیرمؤمنان (ع)»، «مصباح الفلاح و مفتاح النجاح»، «نقایس الطوفان»، «دیوان» شعر، حدود پانزده هزار بیت، «صافی نامه» یا «فیض ایزدی»، در پاسخ احمدی، «بشارت میلاده»، «اشعار شیوا»، در رد باب و به «گنج دانش» به نامه شعر.

صالح تبریزی

در دیواره اردستان به دنیا آمد. ز شاعران دربار شاه عباس
درم بود. در پایان عمر به هندوستان مهاجرت کرد و در
حیدرآباد مسکن گزید و همان‌جا نیز درگذشت. از اوست:

خوش آن سالک که ره تنها سپارد
کسه تسمه‌یی پس افتادن ندارد
ز سرستان چه پرستی خیر و شر را؟
خیر خیرمب از خود سبخر را
صبح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، کاروان
هند (۶۸۵ / ۶۸۶)

صالح بروجردی، سید صالح (ز ۱۰۸۲ ق)، شاعر. از
سادات بروجرد که مدتی وزیر آن شهر بود. به هنگام
بارگشت از سفر حج، به سبب قابلیت، حسین پاشا حاکم
بصره او را در بصره نگاه داشت. او به همراه حسین پاشا به
هند رفت و از مقریان درگاه آریک‌زیب شد و به گفته
نصرآبادی در ۱۰۸۲ ق از صاحب منصبان بود. از اوست

با تعلق کی تواند زاهد از دنیا گذشت؟
کشتی از آبی خورد تواند دریا گذشت
یستی گر همچو دُر آلوده دامان از خاک
می‌توانی همچو رنگ ناده از مینا گذشت
تذکره نصرآبادی (۱۱۱-۱۱۲)، الذریعه (۵۸۶ / ۱)
فرهنگ سخنوران (۵۲۲)، کاروان هند (۶۸۱ / ۱)

صالح بن عسی رزی، (ز ۸۰۰ ق)، خطاط. از
قدیمی‌ترین مستملین نویسان دست‌نویس. یک نسخه
«دیوان» سلطان احمد، در کتابخانه «پمصریه» استاسول، به
قلم کتابت حنفی متوسط، با رقم «خدم بکتابه اقل المباد
صالح بن علی الرازی فی ضرة شهر جمادی‌الثانی سنة
ثممائه اهلایه، بمدينه السلام بعدا...»
احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۶ / ۲)

صالح بن مکتوم، (س سوم ق)، عارف. جامی گوید
«وی نیز از مریدان ابوبکر و زاق بود از بلخ و سخاوی یاد
داشتی و پیوسته از آن سخن می‌گفتی».
لمحات الانس (۱۲۶)

صالح تبریزی، محمد صالح بیگ، فرزند استاد
غضنفر تسبییری، (ز ۱۰۲۹ ق)، شاعر پدرش در سن
تعلیم سازی از مشاهیر روزگار خود بود. او نیز این فن را از
پدرش فراگرفت. او و پدرش نزد شاه عباس صفوی معزز و

است. وی چند میرزا طاهر نصرآبادی، نویسنده تذکره
«نصرآبادی» است. او از زادگاه خویش به هندوستان رفت
و در آن‌جا در خدمت جهانگیر و شاه جهان، پادشاهان
هند، به مراتب عالی‌نایل آمد. در اوایل پادشاهی شاه جهان
از دیار رفت از اوست:

بر گرد چمن بسی دویدیم چو آب
چرخ هکس گل و لاله ندیدیم چو آب
از یاد ز سی دلی تپیدیم چو آب
در خاک ماندگی خزیدیم چو آب

تذکره روز روشن (۴۶۳)، تذکره نصرآبادی (۴۵۲)،
الذریعه (۵۸۶ / ۹)، صبح گلشن (۲۲۳)، فرهنگ
سخنوران (۵۲۱)، کاروان هند (۶۸۱-۶۷۸ / ۱)، لغت نامه
دین / صالح، مائز، جیمی (۱۶۲۳-۱۶۲۷)

صالح اصفهانی، محمد صالح، فرزند زمین‌الدین، (س
سیردهم ق)، خطاط و شاعر. اهل اصفهان بود. نسب او به
شیخ راهد گیلانی می‌رسد. او در شکسته‌نویسی مهارت
داشت. در مدرسه دارالشفا به فراگیری ادب، فقه، اصول،
هندسه و نجوم و حساب پرداخت. وی مدتی هم‌زمان
مدرسه دارالفنون مست معلمی داشت. او نزد ملا محمد
ترکمان ترکی یاد گرفت و کتاب «سنگ‌الاج» میرزا
مهدی خان استرآبادی را تلخیص کرد و دستوری عینی بر
یافتن و ضبط لغات در مقدمه کتاب آورد و جدولی نیز
برای سهولت عمل در علم نجوم استخراج ترتیب داد
حدیقه الشعر (۱۶۸، ۲)، ج ۲، بنگال (۴۸۵-۴۸۷)

صالحانی اصفهانی، ابوبکر محمد بن علی بن شیخ
ابودر، (۳۳۸-۵۳۰ ق)، مستند و محدث. معروف به ابن
ابی‌ذر. از محله صالحان اصفهان و نسب او به اصفهان بود.
وی آخرین نفری است که از ابوطاهر بن عبدالرحیم کاتب،
حدیث روایت کرده است. به موسیقی مدینه و خلیف بن
احمد و سعید بن روح صالحانی و سعیدالله بن ابونصر
لغت‌نویس و محمد بن عاصم بن زبیه و زاهر بن احمد تفسیری و
آخرین بن محمد عطار و محمود بن احمد ثعلبی و عین
الشمس بنت احمد ثقفی و دیگران از وی حدیث روایت
کرده‌اند

نسب سماعی (۵۱۰ / ۳)، سیرالنبلاء (۵۸۵ / ۱۹)،
شذرات‌الذهب (۹۶ / ۴)، المیز (۴۳۸ / ۲)

صالحای روزه‌ای اردستانی، (وف ۱۰۶۵ ق)، شاعر.

مکرم بودند. وی پس از درگذشت پدرش، به هند رفت و در برهمنپور ساکن شد. در سرودن شعر به در زبان فارسی و ترکی و نیز ساختن ماده تاریخ مهارت داشت از اوست هست می تو طعنه به حمشید می رید
دیوانه تو خنده به خورشید می رید
تاریخ نظم و نثر (۶۹۹-۷۰۰)، تذکره رور ورش (۴۶۲)، تذکره بهار (۴۵۹-۴۸۸)، تذکره صرباری (۱۰۲)، (۱۰۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۵-۲۱۶)، الذریعه (۹۱/۵۸۷)، سخجوداد آذربایجان (۴۵۸-۴۶۰)، فرهنگ سخجوداد (۵۲۲)، کاروان هند (۱/۶۸۵-۶۸۳)، مآثر رحیمو (۴/۱۶۸۳-۱۶۸۸)

صالح جغتایی، امیر محمد صالح، فرزند امیر نور سعید دولفقار، (وف ۹۴۱ ق)، شاعر، متخصص به صالح از شاعران و امیران معروف اوخر عهد تیموری بود. سرد عبدالرحمن جامی تلمذ کرد. صالح در سرودن شعر و نوشتن خط مهارت داشت. در دیحارا درگذشت از اوست:
بیم آشفته گر پوشید کاکل ماه تابانش
چه هم از تیرگی شب چو باشد صبح پیدایش
آشکسده آذر (۱/۷۳)، الذریعه (۹/۵۸۸)، روضه السلاطین (۸۶)، فرهنگ سخجوداد (۵۴۲)، لمبانه (ذیل / صالح)، مجالس القائل (۱۱۰)، مجمع الفصحا (۱/۱۱۴)

صالح خراسانی، (س ۵۹۵ ق)، شاعر، متخصص به صالح، از شاعران خراسان بود، که مدتی در ولایت حصار شده مان بلغ ریست و به پیشه کننداری حاکم آن سامان مشغول بود. صالح علاوه بر مهارت در سرودن شعر، در همه عروض و دیگر صنایع شعری توانایی داشت و امیر صییر سوری (م ۹۰۶ ق) او را ستوده است. در تذکره «مجالس القائل» نام او یکبار تحت عنوان صالح و بار دیگر تحت عنوان صالحی آمده و به تبع آن در «فرهنگ سخجوداد» ذیل صالحی ذکر شده است.

الذریعه (۹/۵۸۸)، فرهنگ سخجوداد (۵۴۴)، لمبانه (ذیل / صالح)، مجالس القائل (۱۸، ۲۹۰).

صالح شیرازی، آقا محمد صالح رکش، (وف قبل از ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخصص به صالح. پس از فراگیری علوم مقدماتی در شیراز، به اصفهان رفت و در آن سامان به پیشه زرکشی اشتغال یافت. اشعاری چند از وی به جا مانده

ست. در صفا درگذشت

تذکره روز روشن (۴۶۳)، تذکره نصرانی (۴۲۵)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/۴۲۱-۴۲۰)، الذریعه (۹/۵۸۸)، مرآت المعاصره (۳۴۶-۳۴۷)

صالح عیسیا گابادی، شیخ محمد حسن، فرزند ملا علی نور عیسیا، (۱۳۰۸-۱۳۸۶ ق)، صوفی، شاعر و حکوکار در یدخت گاباد به دنیا آمد و نزد استادان آنجا به تحصیل ادبیت فارسی پرداخت بعد برد پدرش و جدش، حاج ملا سلطان محمد سلطان عیسیا، کسب فصاحت صوری و معنوی نمود و مدتی نیز در اصفهان تحصیل کرد در ۱۳۲۹ ق از جانب پدرش به صالح عیسیا ملقب گردید پس از فوت پدرش حاشین ری و قطب سلسله نعمت انبیهی شد و در یدخت گاباد خراسان مقیم گردید از آثار وی، احداث قنات صالحیه و آب انبار بزرگ و رختشوی خانه در یدخت. از آثار قلمی وی «پند صالح»، «نامه های صالح»

تذکره رحان و مشاهیر (۴/۱۷۷-۱۷۸)، شرح حال رحان (۵/۲۳۲)، فهرست کتبهای چاپی فارسی (۱/۶۲۳)، کتابخانه نجفیه دهه انقلاب (۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۶۰۳-۶۰۴)

صالح کاشانی، (س ۵۹۵ ق)، شاعر، یا شجاع کاشانی (م ۹۸۱ ق) و غصن کاشانی مصاحبت و مشاعره داشت از ایران به هندوستان سفر کرد و در لاهور درگذشت در تذکره «شعراى پنجاب» او با عنوان صالح لاهوری و در «هفت اقلیم» با عنوان صامعی نام برده شده است از اوست

نشنود هیچ کسی نام جدایی یارب
این سخن گوشتد هیچ مسلمان نشود
تذکره شعراى پنجاب (۲/۱۸)، الذریعه (۹/۵۸۹)، صبح گلش (۴۴۳)، فرهنگ سخجوداد (۵۴۳)، کاروان هند (۱/۶۸۵)، هفت اقلیم (۲/۴۷۸-۴۷۹)

صالح منشی، (س یازدهم ق)، شاعر وی مرادزاده اسکندر بیگ، مؤلف «تاریخ عالم آرای عباسی» است مدتی وزیر لاهیجان و مدتی هم وزیر ساروقتی (م ۱۰۵۵ ق) از رجال عهد صفوی، بود. او بیشتر وقت خود را با شاعران می گذراند و خود نیز شعر می سرود وی همچنین در خط نستعلیق و ششما ماهر بود.

صامت اصفهانی

به واسطه آن منصب در میان بزرگان و حامیان برتری یافت
 صالحی در فراش مهارت تمام داشت. از اوست
 ای شمع دیگر خلاف از گریه و سوز
 در عشق بسا سوختن از من آموز
 نسبت به تو سوز عشق من افزونست
 رآنو که توشت در آتشی من است و نور
 سلک: روز روشن (۳۸)، فرهنگ سخنران (۵۴۴)،
 کاروان هند (۱/ ۶۸۶-۶۸۷)، مکتب وقوع (۲۳۹-۲۴۳)،
 مکتب انجم (۲/ ۹-۱۰-۲)

صالحی خراسانی، محمد میرک فرزند خواجه عبدالله
 مروارید گرمائی، (س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به
 صالحی. در هرات به دنیا آمد و در مشهد مشو و سیاحت
 نسبت او به خواجه نظام الملک طرمسی می‌رسد. وی از
 مشایخ زبردست زمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴
 و) بود و به طرز وقوع شعر می‌گفت. تذکره‌نویسان معاصر
 او، وی را هروی و مشهدی هم نوشته‌اند. صالحی در فن
 محبت نیز مهارت کامل داشت. صالحی در زمان اکبرشاه به
 هند رفت و در سلک مشایخ وی درآمد و در مدح اکبرشاه
 اشعار بسیاری سرود. در مشهد درگذشت. اشعاری از او
 در «کاروان هند» آمده است

آتشکده آذر (۲/ ۲۶۹-۲۷۰)، حوال و آثار خوشنویسان
 (۲/ ۳۲۶-۳۲۷)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۲)، الذریعه (۹/
 ۵۹)، فرهنگ سخنران (۵۴۴)، کاروان هند (۱/
 ۶۸۶-۶۸۷)، مجمع المصنوع (۴۸-۵۰)، مکتب وقوع
 (۲۳۸-۲۵۳)، هفت‌اقیم (۲/ ۱۶۰-۲۱۰-۲۱۱)

صالحی طوسی، احمد میرک - صالحی خراسانی،
 احمد میرک

صالحی طوسی، محمد میرک - صالحی خراسانی،
 محمد میرک

صالحی مشهدی، محمد میرک - صالحی خراسانی،
 محمد میرک

صالحی هروی، محمد میرک - صالحی خراسانی،
 محمد میرک

صامت اصفهانی، محمد صادق، فرزند آقا مؤمن.

تذکره روز روشن (۲۶۳)، تذکره نصرمادی (۷۹)، الذریعه
 (۵۸۹/۹)، فرهنگ سخنران (۵۴۳)

صالح نیشابوری، فرزند غلامحسین. (س دوازدهم
 ق)، خطاط. از آثار وی. قرآن روغنی مذهب مرین مرصع،
 به خط نسخ کتات خفی متوسط، با رقم. «حور العبد
 المصطفی... صالح بن غلام حسین نیشابوری» (قرن ۱۲).
 حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۸۵)

صالح وزیری، محمد صالح بیگ، فرزند مقصود بیگ.
 (س دهم ق)، شاعر. از شاعران عهد صفویه و از معاصران
 صادقی کتابدار (م ۱۰۱۸ ق) بود و به قول وی طبع شعر
 خوبی داشت و بسیار زیبا شعر می‌سرود از اوست
 چه طعنه‌ها که ز عیار می‌گشتم هر دم
 چنین دبیری افیاری بی‌حمایت نیست
 الذریعه (۹/ ۵۸۶)، مجمع الحواری (۷۱-۷۲)

صالحی، حبیب‌الله. (تو ۱۲۹۵ ش)، نو زنده. از
 نوایندگان خوب و بنام‌دار بود که در شاهرود به دنیا آمد
 وی لیسانسیه علوم طبیعی و فارغ‌التحصیل رشته
 آهنگسازی از دانشکده موسیقی ملی بود و از اصیلانی
 چون علی اکبر شهرداری، موسی معررفی و ابوالحسن
 بهره‌گرفت. صالحی علاوه بر آنکه دبیر دبیرستانهای تهران
 بود، سالها با رادیو و ارکسترهای مختلف این سازمان نیز
 همکاری داشت و در ارکسترهای گلها، ارکستر بزرگ رادیو
 تلویزیون و گروه سمعی به عنوان نواینده تار همکاری
 می‌کرد. او تا ۱۳۵۸ ش با ارکستر فرهاد فخرالدینی
 همکاری داشت. وی پنجاه آهنگ و پیش درآمد ساخت که
 می‌توان از بزرگ ماهران «ابی گناه» «سایه لرزان» و
 «شکوه انقلاب» نام برد که همراه با صدای خوانندگان
 چون شجریان و سپهر اجرا شده است. قصه کمال او به نام
 «ننی آدم» بسیار مشهور است.
 مردان موسیقی (۱/ ۱۱۶-۱۱۸)

صالحی اردستانی - صالحی زواره‌ای اردستانی

صالحی خراسانی، احمد میرک، فرزند خواجه عبدالله
 مروارید گرمائی (س دهم ق)، منشی و شاعر، متخلص به
 صوفی. از مشایخ بزرگ زمان شاه طهماسب صفوی
 (۹۳۰-۹۸۴ و) بود. مدتی منصب وزارت مشهد داشت و

(وف ۱۱۰۰ ق)، شاعر، متخلص به صامت. از موطن خود، اصفهان، دوبار به هندوستان مهاجرت کرد و پس از بازده سال در آن سامان به سربرد از آثار وی «دیوان» شعر، در حدود سه هزار بیت

سندکده نصرآبادی (۳۴۷)، سندهال معاصرین (۱۸۷)،
الدریعه (۹/ ۵۹۰)، فرهنگ سخنوران (۵۴۴)، فهرست
سجده‌های خطی فارسی (۳/ ۲۴۰۲)، کدوان هند (۱/
۶۰۰، ۶۹۶)

صاعی، مولانا ملک. (م. دهم ق)، شاعر در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) زندگی می‌کرد. از اوست

از هم نادیدنت جان را شکیبایی نماید
در دل پر حسرتم تاب و ترمایی نماید
نذکره زر روشن (۳۶۳)، الدرر (۹/ ۵۹۱)، صبح گلشن
(۲۴۵، ۲۴۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴۵)

صاعی یا خورزی، علاءالدین علی، (مقبول ۸۹۱ ق)، شاعر، متخصص به صاعی از بزرگان خورز بود و خود را از خانواده برمکیان می‌دانست. وی در آغاز سلطنت سلطان حسین بایقرا وزیر او شد، اما پس از چندی مورد عصبانیت سلطان قرار گرفت و شش سال در حبس ماند و سرانجام در چهارموی هرات به دار کشیده شد و در قریه رده دفن شد. از وی اشعاری در مدح مراد و پیر خویش، جامی، باقی مانده است. از تصنیف معروف سلمان ساوجی را تتبع کرده است

لاریح نظم و نثر (۳۲۴)، حبیب‌الیر (۴/ ۳۲۹)، دستور
الوری (۲۱/ ۳۹۹-۳۹۷)، الدرر (۹/ ۵۹۱)، فرهنگ
سخنوران (۵۴۵، ۵۴۴)، محالین التندیس (۵۲، ۲۲۶)

صاعی کاشانی ← صانع کاشانی.

صایغ خراسانی، شهاب‌الدین محمد بن علی، (م. ششم ق)، شاعر معروف به شهاب زرگر. از شاعران خراسان بود. مؤلف «لباب‌الالباب» گوید "در هم صیافت ماهر و بر صناعت شعر کامل" بود.

الدریعه (۹/ ۵۷۰)، فرهنگ سخنوران (۵۴۶)، لباب
الالباب (۲/ ۴۱۵، ۴۱۴)، کتب نامه (دبل / صاع)

صاین تبریزی، صابین‌الدین یحیی، فرزند خواجه

عبدالمزیز. (وف ۶۸۳ ق)، صومعی و شاعر. از پدر خود خواجه عبدالعزیز را و از شیخ موفق‌الدین محتسب خرقه گرفت و سلسله ایشان به چند واسطه به شیخ جنید بغدادی می‌رسد. صابین‌الدین شش سال بعد از فوت کججانی در تبریز درگذشت و در مقبره چرنداب دفن شد او گاهی شعر نیز می‌سرود و چندین رباعی به وی منسوب است.
دانشمندان آذربایجان (۲۲۶)، الدرر (۹/ ۵۷۱)،
روصاف الجنان (۱/ ۲۹۹-۲۹۶)، سخنوران آذربایجان
(۲۷۵، ۲۷۴)، کوی سرخاب (۱۲۸، ۱۳۰)

صبا، ابوالحسن، فرزند ابرالقاسم خان کمال‌السلطنه. (۱۲۸۱-۱۳۳۶ ش)، موسیقیدان و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. وی از اعتقاد فتحعلی‌خان صای کاشانی، شاعر اواخر عهد زندیه، بود. پدرش طبعی هنرمند و هنردوست بود و سه تار می‌نواخت و منزله محفل آریاب دوف و موسیقی محسوب می‌شد. صبا تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه و متوسطه را در مدرسه آمریکایی طی کرد و مدتی نزد میرزا عبدالله به نواختن سه تار پرداخت و سپس فراگرفتن موسیقی را نزد دیوشی خان ادامه داد. او نزد حسین خان اسماعیل زاده، کمانچه‌باز فراگرفت و نزد هیک آفرین به فراگرفتن ویولن پرداخت. سنتور را نیز نزد علی اکبر شاهی و ضرب را از حاجی خان حسین‌الدوله آموخت. در ۱۳۰۲ ش که مدرسه عالی موسیقی توسط علیقلی وزیر تأسیس گشت، به آنجا رفت و نزد استاد ولیری به فراگرفتن ویولن پرداخت و در اثر تعلیمات استادانه وزیر سرلیست ارکستر گردید صبا در نقاشی، ثبت‌کاری، حسن خط و ادبیات نیز دست داشت. در ۱۳۰۸ ش از طرف وزیر به مدیریت مدرسه صنایع طریقه رشت منصوب شد و تعداد زیادی از آهنگهای محلی را جمع‌آوری کرد از سالها در ارکستر مدرسه موسیقی ملی، ارکستر نوین رادیو، ارکستر شماره یک و گلهای رادیو نوازندگی کرد و مدت‌ها رهبر ارکستر شماره یک اداره کل هنرهای زیبا بود. صبا صاحب روش خاصی در نواختن ویولن بود و مکتب ویژه‌ای برای این ساز بنیاد نهاد و شاگردان زیادی تربیت کرد که از مهمترین آنها: علی تجویدی، مهدی خالیدی، حبیب‌الله مدعی، حسین باحقی، پرویز باحقی و روح‌الله خالقی می‌باشد. استاد صبا دارای آثار فراوانی است از جمله: «سه دستور ریولن»، «سه دستور سنتور»، «سه دستور تار»، «قطعات ضربی» و نیز آهنگهایی در دستگاههای مختلف که

و مدت ده سال سر دبیر مجلهٔ ویانک ملی ایران بود. او مؤسس انجمن دوستداران کتاب بود و شماری از آثار پشتیبان را به سبکی زیبا و دلپسند انتشار داد. صبا استاد کرسی آمار دانشکده حقوق و استاد مابگانی و روش تحقیق در دانشکدهٔ ادبیات بود. او کتابشناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد و کتابهای فرانسه را جمع به ایران را دهرست کرد و مطالبی را جمع به ایران در ادبیات فرانسه گردآوری کرد. از دیگر آثار وی: ترجمهٔ «ستارگان» آرموس دود، «اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی»؛ «اصول بیگانی»؛ «اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی»؛ «گنجهای حافظ»؛ ترجمهٔ ترجمهٔ ویکی بود یکی بود؛ «فرائیس دوکرواسه در جملهٔ خدمات دکتر صبا پایه‌گذاری کتابخانهٔ بانک ملی ایران بود.

ایده (من ۱۹، ش ۳۰۱، ص ۲۲۲-۲۲۳)، زندگنامهٔ رجال و مشاهیر (۴/ ۱۸۳-۱۸۴)، کتابنامهٔ نخستین دههٔ انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۲۳۱-۲۳۹)

صبا تهرانی، علیرضا، فرزند غلامرضا ندیم پاشی، (۱۲۷۴-۱۳۳۴ ش)، شاعر، وی از فرزندان دگدان فتحعلی‌خان صبا بود. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مدارس تهران فراگرفت و علوم ادبی و عربی را از محضر ادیب پیشاوری در مشهد و سپس از علماء قریب، متخلص به ربانی، در تهران آموخت. وی دنون شعر را از استاد ملک الشعرای بهار و حسین سمیعی فراگرفت و از نوزده سالگی وارد خدمات دولتی شد. صبا در بیشتر انجمنهای ادبی تهران عضویت داشت و در دواوین شعرای متقدم مطالعات رسمی نمود و از این رهگذر توانست به شعرش رونق دهد و با رموز شعر اسانید فن آشنا شود. او در عین شعرای خراسان معالمةٔ سیار داشت و مضامین اشعارش بیشتر توصیفی مظاهر طبیعت و زیباییهای گل و گیاه بود.

الدریحه (۹/ ۵۹۲)، زندگنامهٔ رجال و مشاهیر (۲/ ۱۸۲-۱۸۱)، سطوران نامی معاصر (۴/ ۲۲۳۹-۲۲۴۳)، فرهنگ سخنوران (۵۴۶)، پیم (۳، ش ۳، ص ۱۵۴)، س ۲۲، ش ۱۱، ص ۶۳۶-۶۵۰.

صباحی، (ز ۹۸۲ و)، نقاش و طراح. هنرمند نازک قلم و لذات سخت بود که در توصیف نقوش مختلف اسلیمی دست پر قدرت داشت. از آثار رقم دار وی، تریپن پر

مهمترین آنها عبارتست از: «ربگ شتر»؛ «کله و ان»؛ «زرد ملیحه»؛ «به زندان»؛ «در قفس»؛ «کوهستانی»؛ «رقص چوبی قاسم آبد»؛ «به یاد گذشته» و چهار مضامینهای محف.

اسنادان موسیقی (۶۶-۶۷)، تاریخ پرگردنگان (۵۶۱-۵۶۲)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۶۲-۲۶۳)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۹۹-۵۸۹)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۶۱)، زندگنامهٔ رجال و مشاهیر (۴/ ۱۸۰-۱۷۹)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۴۴۱-۴۴۳)، سیمای هنرمندان (۱/ ۱۲۸-۱۳۹)، شخصیت‌های نامی (۲۷۸-۲۷۹)، شرح حال رجال (۵/ ۱۲-۱۳)، مردان موسیقی (۱/ ۴۲-۴۳).

صبا، حسین، فرزند میرزا حسین خان، (وف ۱۳۳۹ ش)، نوازنده، وی اولین استاد ستور هنرستان موسیقی ملی بود که ستور نواری را نزد حبیب سماعی فراگرفت و سپس به محضر ابوالحسن صبا رسید و نت خوانی و ستور نواری و پیانو را نزد این استاد تکمیل کرد. از شاگردان شاخص او خانم ارفع اطراپی است که خود صاحب تألیفاتی چند است. حسین صبا در جوانی وفات یافت و در مقبرهٔ طهیرالدوله به خاک سپرده شد. وی تألیفاتی در زمینهٔ موسیقی دارد، از جمله: «آموزش ستور»؛ بخش دوم «کتاب شور»؛ شام آهنگهای ابوعلی، اشاری، بیات ترک، دشتی و نوا بخش سوم «کتاب شور»؛ شامل آهنگهای همیون، اصفهان، ماهور و چهارگاه. تاریخ موسیقی (۲/ ۵۲۰)، مردان موسیقی (۱/ ۱۵-۱۶)، (۵۱۹).

صبا، محسن، (۱۲۸۵-۱۳۷۱ ش)، فهرست‌نویس، روزنامه‌نگار، مترجم، محقق و استاد دانشگاه از بودگان فتحعلی‌خان صبا بود. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را به تربیت در مدرسه‌های فرانکویسان، دارالعلوم و علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه دانشجوین عراقی به اروپا، به فرانسه رفت و در پاریس از دانشکدهٔ حقوق درجهٔ دکتری دریافت کرد. همچنین دورهٔ مدرسهٔ عالی شارل را که مخصوص تعلیمات مربوط به آرشئو، بایگانی و کتابداری است، در آن دیار گذراند و دیپلم آنجا را کسب کرد. صبا بعد از این بی‌نی است که درجهٔ علمی گرفته است وی در روزنامه‌هایی چون «اشفق سرخ»، «تربهار»، «عصر اقتصاد» و «کیهان» مقالات متعددی نوشته

مهارت و استادانه جام مسی بزرگی است که به نقوش میزون و دقیق پر مایه انجام یافته و در حواشی و کناره بالایی آن، شعاری به خط نستعلیق دیده می شود و در لبه جدم رقم نهاده «صاحبه محمد، عمل صباحی ۹۸۲»
حواز و نر نشان (۱/ ۲۸۴)

صباحی بیدگلی کاشانی، حاجی سلیمان (وف ۱۲۰۶/۱۲۰۷ ق)، شاعر، متخلص به صباحی. اصل وی از بیدگل کاشان است. وی از شاعران دوره اول بارگست ادبی و معاصر آذر و هاتف و مدیحه گری آقا محمدخان ناجار و استاد و مدح ملوک الشعرا فتحعلی خان صای کاشانی بود «دیوان» وی شامل قصاید، ترکیب بند، غزلیات، مرثی و ترانه هاست. صباحی در سرودن مرثیه مهارت داشت و «دوازده بند» او که به تقلید از محتشم ساخته، مشهور است. وی در علوم ریاضی و هندسه نیز دست داشت. وفات وی را یوخسی ۱۲۰۱ ق و بعضی ۱۲۲۸ ق دانسته اند. مدفن وی در خارج دروازه بیدگل کاشان است. تاریخ ادبیات ایران، دوره سزگشت ۲، ۳۱۳، ۳۲۰، تأیید المعارف فارسی (۲/ ۱۵۵۲)، دویست سجده (۱۸۶۰-۱۸۵۱)، الذریعه (۸/ ۲۷۰، ۹/ ۵۹۶)، رساله ۳، ۴۱۲-۴۱۳، سینه محمود (۲/ ۴۲۶-۴۲۷)، سیرت و سحر فارسی (۱۵۳)، شخصیت های نامی (۲۸۱)، فرهنگ سخنوران (۵۲۷)، گنج سخن (۲/ ۱۶۵-۱۶۱)، لغت نامه دبیر / حسی سیمان)، مجمع الفصحی ۵، ۵۶۵-۵۷۳، مؤلف کتب چاپی (۳/ ۳۶۴، ۳۶۵)، نتایج الانکار (۴۲۸-۴۲۷)، نگارسان دلا (۴/ ۵۰۲، ۵۰۳).

صبا خراسانی، صادق، فرزند فتحعلی مسیح السلطنه، (تو ۱۲۹۰ ش)، پزشک و نویسنده تحصیلات متوسطه را در ۱۳۱۲ ش و دوره دانشکده پزشکی را در ۱۳۱۸ ش به پایان رسانید، وی مشاغل زیر را عهده دار بود. کارمند مؤسسه سرم سازی حصورک، ریاست بهداری دانشکده کشاورزی کرج، پزشک بهداری آموزشگاه، مأمور درمانگاه بیماریهی مغر و پی در دانشکده پزشکی و ریاست درمانگاه بیماریهی مغر و پی بیمارستان پهلوی. از آثار وی: «بیماریهای اعصاب» «اراضیهای بجهه داری» «نشانه شناسی بیماریهای اعصاب»

مهرست کتابهای چاپی فارسی ۱۱/ ۵۶۳، ۱۶۳۸، ۳۲۷۰، کتابخانه محبتین دهه انقلاب (۲۵۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۴۹۵، ۴۹۴)

صبا خراسانی، فتحعلی مسیح السلطنه، فرزند محمد حسن ملک الحکما، (تو ۱۲۹۶ ق)، پزشک و نویسنده. در مشهد به دنیا آمد. بعد از تحصیلات مقدماتی در ۱۳۱۳ ق برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون مشغول تحصیل شد و در رشته طب موفق به اخذ گواهیه نامه گردید. پس از آن به فعالیت های پزشکی در نهد مختلف ایران پرداخت، اما بیشتر در مشهد «شغل» داشت از آثار وی، «اندرر پزشکی» «بهداشت کودکان»، فهرست کتابهای چاپی فارسی (/ ۲۵۲، ۵۲۱-۵۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۶۲)

صباغ، شیخ ملا محمد صادق، (س چهاردهم ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه. نزد ملا هادی سیرواری تحصیل کرد و از خواص و مشاهیر شاگردان وی شد. صاحب «المأثر و الآثار» وی را کاشانی و در فقه و زهد و اخلاق ممتاز توصیف کرده است. از آثارش شرح «تشریع الاهلاک» را می توان نام برد
طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ / ۸۵۵-۸۵۴)، التأثر و آثار (۱۶۰).

صباغ اصفهانی، ابونصر محمود بن اصل بن محمود بن عبد الواسع، (وف ۵۱۲ و)، حافظ و محدث. از عبد الرحمن بن منده و برادرش، عبد الوهاب بن منده و ابوالفضل جُرانی و ابونکر بن مایه و عیسه بنت حسن و رکبیه و در بغداد از ررق لله تمیمی و طراد ریبی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابن ناصر و سلفی و ابوالفتح محمد بن عی بن عبدالسلام و مبارک بن کامل و دیگران از وی روایت کرده اند. شیرویه دیمی گوید که وی در ۵۰۲ ق به همدان آمد او حافظ و فقه برد و بسیار خوش سیرت و آگاه به اسامی و نسب. در بغداد در ستین شصت سالگی درگذشت.

سیرالبلاء (۱۹/ ۳۷۴، ۳۷۵)

صبای شیرازی، میرزا نظام الدین محمد، فرزند میرزا بوالقاسم شریف الحکما، (و ۱۳۱۳ ق)، شاعر، متخلص به صبا پدر وی از اطباء حادق بود. (ز اوست.

چو دلم رسدی اول به پیام آشنایی
گنهم چه برد آخر که چنین کنی جدایی
تو به هر طریق خواهی بخش و بریز خونم
که حلال کردم اما نه به تیغ بی وقایی

آثار عجم (۵۶۱)، دانشمندک و سخن سرایان فارس (۳۱)
 (۴۲۱)، الذریعه (۵۹۲/۹)، مرآت الفصاحه (۳۴۷).

صبای کاشانی، فتحعلی خان، فرزند آقا محمد (وف
 ۱۲۳۲/۱۲۳۷/۱۲۳۸ ق)، شاعر، متخلص به صبا، ملقب
 به ملک الشعراء و احتساب اسمالک، جد اعلای ری از
 دشلی‌های آذربایجان بود که در پایان روزگار پادشاهی
 کریم خان زند از آنجا به عراق عجم رفته و در شهر کاشان
 اقامت گزید. صبا در کاشان به دنیا آمد. وی از شاگردان
 حاجی سلیمان بیگ صباحی بیدگلی و اجدا مداح لطفعلی
 خان زند بود. در ۱۲۱۱ ق به تهران آمد و در جشن جلوس
 فتحعلی شاه قاجار نصیده خرابی خواند که مورد پستند شاه
 واقع شد و لقب ملک الشعراء گرفت. صبا کتابی به ورد
 «شاهنامه فردوسی (بحر مقارب) به نام «شهنشاه نامه»
 که شمس چهل هزار بیت بود و سه سال به طول انجامید، به
 نظم درآورد. ملک الشعراء صبا در ادبیات فارسی تبحر و
 به لغت عرب احاطه کافی داشت. در تهران درگذشت. وی
 اشعار زیادی در فاسه‌ی: عرل و مشوی و رباعی و ترجیع
 بند سروده، ولی هنر بزرگ او قصیده سرایی است. صبا ۱۲
 یوزن از انوری پیروی کرده، اما در همین حال دارای سبک
 و شیوه خاصی است که بعدها قاتنی و ادیب اسمالک
 فراموشی و بسیاری از شعراء قرن سیزدهم از شیوه او تقلید
 کرده‌اند. از دیگر آثار او «دیوان» شعر؛ مشوی
 «خداوندنامه»، در بیان معجزات پیغمبر اسلام (ص) و
 دلاوری‌های امیرالمؤمنین علی (ع)؛ «عبرت‌نامه» به تقلید
 «تحفة المراقبین» خاقانی؛ «گلش صبا»، در اندرز به
 فرزندش

از صبا تأیید (۱/ ۲۰-۲۸)، تاریخ ادبیات ایران، برادر،
 (۴/ ۱۹۹-۲۰۰)، حسانه سرایی در ایران (۳۶۶-۳۶۷)،
 درویش سخور (۱۷۹-۱۸۱)، الذریعه (۵۹۲/۹)، ریاض
 التمرین (۲۶۳-۲۶۶)، ریحانه (۳/ ۲۱۱-۲۱۲)، معیة
 الممهور (۱/ ۱۷۷-۱۷۸)، سیری در شعر فارسی (۱۶۷-
 ۱۶۸)، شخصیت‌های نامی (۲۸۰)، شعر فارسی از آغاز تا
 امروز (۲۰۰-۲۰۳)، صبح گش (۲۲۶-۲۲۷)، سرهنگ
 سخوران (۵۲۶-۵۲۷)، گنج سخن (۳/ ۱۸۱-۱۸۶)،
 مجمع الفصحا (۵/ ۵۷۷-۵۳۷)، مصطفی خراب (۱۰۶-
 ۱۰۸)، مرآت الفرائخ (۳۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/
 ۷۶۲-۷۶۴)، نگارستان دار (۴۰-۴۶)، یادگار (س ۵، ش
 ۲، ص ۱۴۴)

صبایی. (س دهم ق)، شاعر از شاعران مدیحه سرای
 دربار شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) بود که به هند
 مهاجرت کرد و در آن سامان به مدح و ستایش امیران دربار
 اکبری پرداخت. وی دو سرودن افسام مختلف شعر تو ما
 بوده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تذکرة روز روشن (۳۶۹)، کاروان
 هند (۱/ ۷۱۳).

صبح صادق، سید جواد خان - بهشتی، سید
 جواد خان.

صبحی پروچردی. (ر ۱۰۲۰ ق)، شاعر، متخلص به
 صبحی در پروچردی به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات،
 در ۱۰۲۰ ق، از ایران به هند رفت و در آنجا به ظفرخان،
 پسر رین خان کوکه، از امرای اکبر و جهانگیر شاه، پیوست.
 از او است:

کسر اگر مانع گشتن نشدی سرگتم
 که ترانیر چو معبود تو همتایی نیست
 فرهنگ سخنوران (۵۲۸)، کاروان هند (۱/ ۷۱۳-۷۱۴).

صبحی نویسرکنی - صبحی همدانی

صبحی کاشانی، شیخ عبدالمصی، فرزند محمد باقر
 بیدگلی. (س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به صبحی.
 ملقب به مؤید از علوم عقلی و نقی و معارف قدیم و
 جدید اطلاع داشت. ری القابایی برای فراگرفتن اطماع
 دبستان اختراع کرد، که دارای قواعد هجاییه آسان بود.
 صبحی در تعلیم و تعلم فرزندان ایرانی با همت فراوان
 متحمل رنج و رحمت سسر گردید. از آثار وی: «احسنه
 نامه مؤید»، «مجموعه مؤید»، «نامه مؤید»، «صبح مؤید»،
 «ایستای مؤید»، «هیش خرد»، شعر

بهرت کتبهای چاپی فارسی (۱/ ۵۰۸، ۲/ ۲۹۳۲-
 ۲۹۳۵، ۳۲۲۷، ۳۲۶۸، ۳۴۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/
 ۸۸۰-۸۸۲).

صبحی مازندرانی. (س یازدهم ق)، شاعر از سادات
 مازندران بود. از علم طب و حکمت و موسیقی سر رشته
 داشت از او است:

صبحی چو شمع بر سم آمد جان
 از سر صر دم سردی اینای زمان

ایس قوم پی بریدن یکدیگر
همچون مراضی یکدلند و دو زبان
تذکره نصرآبادی (۴۲۰-۴۲۱)، الذریعه (۵۹۳/۹)، شعری
مازندران و گرگان (۱۶۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴۸)

صبحی مهندی، فضل الله، فرزند محمد حسین، فرزند
ملا علی اکبر، (ز. ۱۳۳۱ ش)، نویسنده، درکاشان به دنیا
آمد. در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی می خواند و
راویها برداری خود را و بیشتر بر مبنای یاد می گرفت
سپس در آموزشگاه تربیت بهائیان به تحصیل پرداخت و
در بیرون از آموزشگاه برد مبین بهایی تحت تأثیر آن
قرار گرفت پس از مدتی، پدرش و ربه فروید فرستاد و
در آنجا با یکی از معلم بهایی به ریحان و از ریحان به
آذربایجان و از آنجا به تعلیم و باکو و عشق آباد و بخارا و
سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به یون بارگشت
و از فرقه عایی تبری حست و مورد کینه و دشمنی آنان
قرار گرفت تا اینکه در ۱۳۱۱ ش در آذربایجان با مشهدی
محمد حسن آقا محبوب هلیشاه از اقطاب سلسله نعمت
اللهی، در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در
حسرت درویشان درآمد وی سالها آموزگاری مدرسه
سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را بعهده
داشت. او در ۱۳۱۹ ش گفتارهای خود را در رادیو آغاز
نمود و از آن پس هر روز جمعه و بعضی شنبها برای بچه ها
داستانهایی و قصه خوانی می کرد. وی در آخر عمر به
بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن
رفت، اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران رفت یافت
و در مقبره طهیرالدوله به خاک سپرده شد. از آثار وی
«افسانه ها»، «افسانه های باستانی ایران و مهاجر»،
«افسانه های بوعلی»، «افسانه های کهن»، «پیام پدر»،
«داستانهای سبل»، «داستانهای دیوان بلخ»، «کتاب
صبحی»، «حافظت صبحی درباره بهاییگری».

ادبیات سوزن (۱۳۹-۱۳۸)، از نیما نادرگرم
(۲۶۱-۲۶۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۲۹۲،
۲۹۳، ۲۹۵، ۳۲۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۹، ۲/ ۲۶۱۳)، کتابخانه
بخستین ده انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/
۸۵۸-۸۵۷)

صبحی همدانی، میرم بیگ، (س. یاردهم ق)، شاعر
وی از شاعران ایرانی بود که به هند و ستن مهاجرت کرد و
در آنجا ابتدا به خدمت مهاتم خان، از سرداران جبهه بکیر

شاه، درآمد. پس از چندی به حضور شاه جهان
(۱۰۳۶-۱۰۶۸ ق) رسید و ملازمت وی را اختیار کرد.
صبحی سرانجام در یکی از جنگها کشته شد. از وی
اشعاری در تذکره ها نقل شده است.

بررگان و سخن سربان همدان (۱/ ۲۷۵-۲۷۶)، تذکره
نصرآبادی (۳۲۳)، الذریعه (۵۹۳/۹)، ریحان (۲/ ۴۱۳)،
صبح گلشن (۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۵۴۸)، کاروان
هند (۱/ ۷۱۴، ۷۱۵)، لغت نامه ادبیل / صبی

صبری، خلیل الله، فرزند اسدالله (تو ۱۲۸۷ ش)،
شاعر، حقوقدان و روزنامه نگار. در سنینج به دنیا آمد
تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به اتمام
رسانید و همزمان با آن به تحصیل علوم قدیمه نیز
پرداخت. پس از اتمام دوره متوسطه، موفق به اخذ مدرک
کارشناسی در رشته معقول و معقول گردید، سپس به
مشاغل زیر پرداخت. ریاست دادگاه ریاست هیأت
بازرسی، سرپرستی سرانجامه عشایر کرد و عضویت در
شورای عالی عشایر. وی همچنین مؤسس روزنامه
«صباحه» بود اشعری از او در «سخنوران نامی معاصر
ایران» آمده است. از آثارش «روش دادرسی»، «مستخ
آثار خلیل صبری».

سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۲۴۶-۲۲۴۷)، فهرست
کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۷۸۰، ۲۲۵۰)، کتابخانه
بخستین ده انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳/
۳۱-۳۰)

صبری، نیکتاج، (تو ۱۲۹۸ ش)، بازیگر. از اولین
همرسان فعالیتهای هنری در تئاتر ایران بود. وی در تهران
به دنیا آمد و بازی در تئاتر را از ۱۳۱۱ ش آغاز کرد. برخی
ر فیلمهایی که از در آنها نقاشی کرده، عبارتند از:
«یاضی»، «روزنه امید»، «خروس جنگی».

تاریخ سینمای ایران (۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۲۴)، سینمای
همرسانان (۱/ ۲۹۸-۲۹۷)، فرهنگ فیلمهای سینمای
ایران (۱/ ۱۲، ۵۸، ۶۰، ۱۲۷)

صبری اردستانی، میر روزبهان، فرزند عمادالدین
محمود بن امیر روزبهانی، (تو ۹۸۲-۹۳۰ ق)، شاعر، متخلص
به صبری، از سادات اردستان بود و در اصفهان می زیست.
او معاصر شاه طهماسب صفوی و امام مسجد جامع
اصفهان بود. وی از چنان شهرتی برخوردار بود که او را

فقیه شافعی، پدرش، اسحاق بن ایوب، از علمای نیشابور بود. احمد از نیشابور به ری، بصره، بغداد و حجاز سفر کرد. او یحیی بن محمد ذهلی و ابوحاتم رازی و درک کرد و از نصل بن محمد شعرانی و اسماعیل بن قتیبه و یوسف بن یعقوب یا یعقوب بن یوسف قزوینی و حارث بن ابی امامه و هشام بن علی صیرافی و علی بن عبدالملک بن عمرو و محمد بن ابوب بختی و اسماعیل قاضی و همطایف آنان حدیث شنید و به جمع آوری و تصنیف حدیث پرداخت. صبحی در ققه و شاخت حدیث سرآمد بود. در ۲۸۳ ق به حج رفت. او رئیس شافعیه نیشابور شد و متجاوز از پنجاه سال متصدی منصب افتاء بود و به عقل و رای ضرب المثل. حاکم گوید که صبحی به احدی اجازه نمی داد که در مجلسش عیبت کند. حمزة بن محمد زیدی و ابوعلی حافظ نیشابوری و ابواحمد حاکم نیشابوری و ابو بکر اسماعیلی و محمد بن ابراهیم جرجانی و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و بسیاری دیگر از او حدیث روایت کرده اند از وی آثار میسوطی، در ققه و حدیث، به حای مابده است، از جمله «الطهارة» «الصلاة» «الزکاة» «المیسوط» «الاسماء و الصفات» «الایمان» «الکتاب» «الغیر» «فصائل الخلفاء الاربعة» «الروية» «الاحکام» «الامامة» در «الوفی بالوفیات» کتاب «الایمان» وی تحت عنوان «الایمان» و سه کتاب «الروية» و «الاحکام» و «الامامة» تحت یک عنوان «الروية و الاحکام و الامامة» ذکر شده است. در «شذرات الذهب» و «العبر» صاحب عنوان به نام ضعیف آمده است.

الاعلام (۱/ ۹۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱/ ۲۳۲)، انساب سمائی (۳/ ۵۲۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۹)، سیر النبلاء (۱۵/ ۲۸۳-۲۸۹)، فترات الذهب (۲/ ۳۶۱)، السیر (۲/ ۶۳)، الکامل (۶/ ۳۴۵)، کشف الظنون (۱۲۷۵)، لقت نامه (دین / احمد)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۶۰)، النجوم الزاهرة (۳/ ۲۵۴)، الوافی بالوفیات (۶/ ۲۳۹)، هداية العارفين (۱/ ۶۲).

صبح اصفهانی، میرزا محمد علی، (س دوازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان، از نزدیکان لطفعلی بیگ آذر (م ۱۱۹۵ ق) بود. او در سخن سرزینی و فن موسیقی بویژه نواحق چهار تار مهارتی تمام داشت.

تلذکرة رور روشن (۲۷۰)، الذریعة (۹/ ۵۹۲)، سعفة المسمود (۲/ ۲۴۰)، مگازستان درا (۲۲۰)

«شاهی قانی» می خواندند. صبری علاوه بر مهارت در سرودن شعر و علوم دینی، از موسیقی و شطرنج نیز سرورشته داشت. از آثار وی «دیوان» شعر.

آنشکده آذر (۳/ ۹۵۸-۹۵۶)، تاریخ ادبیات ایران، بزلون (۲۱/ ۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۹۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۰)، تلذکرة رور روشن (۲۷۱)، الذریعة (۹/ ۵۹۲)، ۵۹۲، ریحانه (۳/ ۴۱۳)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۸۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳۸)، کاروان هند (۱/ ۴۸۲)، لغت نامه (دین / صبری)، مجمع البحار (۱۵۵-۱۵۴)، تنایح الامکار (۲۲۲-۲۲۳)، حمت اقلیم (۱/ ۲۲۴-۲۲۳).

صبری تهرانی، شریف محمد، (س دهم ق)، شاعر، متخلص به صبری، از شاعران تهران بود. او است. مباد من تا علم حسن بر افراخته ای غوبریان همه را خاک نشین ساخته ای تحفة سامی (۲۵۱)، الذریعة (۹/ ۵۹۴).

صبری فروزی، غصنفر، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به راهب و صبری، از شاعران مرو بود، که به هند رفت و در آنجا به خدمت جهنگیر شاه درآمد. تقی الذریعی اوحدی از شاگردان او بود. اشعاری از او در تذکرةها نص شده است.

الذریعة (۹/ ۵۹۲)، ریحانه (۳/ ۴۱۲)، صبح گلشن (۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۵۳۹)، لغت نامه (ذیل / صبری).

صبحی نیشابوری، ابوالعباس محمد بن اسحاق بن ایوب (ح ۳۵۴-۳۵۰ ق)، محدث و برادر شیخ الاسلام احمد بن اسحاق صبحی نیشابوری بود. از یحیی بن محمد ذهلی و حسن بن علی سری و سهل بن عمار و ابراهیم بن عبدالله معدی و محمد بن ایوب رازی حدیث شنید و مجالس املاي حدیث برقرار کرد. ابوالقاسم سراج و حاکم نیشابوری از وی روایت کرده اند. وی ن پیاپی عمر سلازم اهل فترت بود، در حالی که برادرش وی را این کار نمی کرد.

انساب سمائی (۲/ ۵۲۲-۵۲۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۹)، سیر النبلاء (۱۵/ ۴۸۹).

صبحی نیشابوری، شیخ الاسلام ابوبکر احمد بن اسحاق بن ایوب، (۲۵۸-۳۴۲ ق)، مفتی، محدث، عالم و

صیوخی بدخشانی - صیوخی جغتایی

صیوخی جغتایی، ملا صیوخی. (وف ۹۷۳ ق)، شاعر در بدخشان به دنیا آمد. در بخارا به تحصیل علم و دانش پرداخت و در شهر هرات مسکن گزید. وی در سرودن عزل مهارت داشت. سفری به حج رفت. به تصریح برخی از تذکرها، صیوخی به هندوستان نیز سفر کرده و در سبک شاعران دربار اکبر شاه بوده است. اشعاری از او به جامانده است

آتشکده آذر (۲/ ۷۶۸)، تاریخ ظم و نثر (۶۵۳)، الذریعه (۹/ ۵۹۵-۵۹۶)، ریاضه (۳/ ۴۱۴)، صبح گلشن (۲۴۸)، درهنگ سخوراد (۵۵۰)، نعت نامه (ذیل / صیوخی)

صیوخی خراسانی، میر حسین. (سن سهم ق)، شاعر، متخلص به صیوخی از شاهزادگان سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ ق) بود امیر علیشیر نوایی، به جهت نزدیکی به او نسبت برزندی داد. صیوخی از روزگار کودکی به کسب علوم و مضامیل و سایر فنون پرداخته و در سرودن شعر نیز توانا بوده است. در «الذریعه» صاحب عنوان بهشت نام صیوخی هروی آمده است

الذریعه (۹/ ۵۹۶)، مجالس القفا (۱۰۹، ۱۸۲)

صیوخی خوالساری، حسین / حسینا (وف ۱۰۷۸ ق)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به صیوخی. از شعرا و نوازندگان عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی بود وی مدتها در لباس درویشی به سیر و سیاحت پرداخت و سپس در تبریز به خدمت رستم خان سپهسالار رسید. صیوخی پس از ترک لباس درویشی، به همراه واصب قندهاری، به لامیجان، نزد میرزا عبدالله وزیر رفت. در فن موسیقی مهارت داشت و در نواختن چهار تار استاد و از صوتی زیبا نیز بهره‌مند بود. او در اواخر عمر از توازن‌دگی و خوانندگی توبه کرد. در سرودن شعر نیز دست داشت و پیشتر اشعارش در قالب مثنوی است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

آتشکده آذر (۲/ ۱۰۵۵)، تاریخ اسدیه (۲۵۴)، تاریخ موسیقی (۱/ ۳۳۶-۳۳۵)، تذکره روز روشن (۴۷۰-۴۷۱)، تذکره شمعای خواستار (۱۲۶-۱۲۲)، تذکره نصرآبادی (۳۵۸-۳۵۷)، الذریعه (۹/ ۵۹۵)، صبح گلشن (۲۴۸)، درهنگ سخوراد (۵۴۹-۵۵۰)

صیوخی قمی، شاطر عباس، فرزند محمد عیسی. (۱۲۷۵-۱۳۱۵ ق)، شاعر، متخلص به صیوخی. در قم به دنیا آمد و در این شهر شو و نماز است و به حرفه شاطری روی آورد. سپس از قم به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر زیست. او خواندن و نوشتن نمی‌داشته، اما از دوق و استمدادی کامی بهره‌مند بوده و بنا بر قریحه دایمی اشعاری سروده است «دیوان» و بارها به چاپ رسیده و اشعاری از دیگران را در دیوان وی آورده‌اند، از جمله حرلی از ابوالقاسم لاهوتی و نیز حرلی از شاطر مصطفی قمی

الذریعه (۹/ ۵۹۶)، سخوراد نامی معاصر (۲/ ۲۲۲۷-۲۲۲۸)، درهنگ سخوراد (۵۵۰)، موهبین کتب چاپی (۳/ ۶۵۹-۶۶۰)، بادگار (س ۲، ش ۲، ص ۴۸).

صیوخی هروی - صیوخی جغتایی

صیوخی هروی - صیوخی خراسانی

صیوخی کاشانی، میرزا احمد. (مفتول ۱۲۲۸ ق)، شاعر و خطاط ار امانی کاشان و برادرزاده فتحعلی خان صاحب «ملک الشعراء» دربار فتحعلی شاه قاجار بود. وی در خوشنویسی مهارت داشت و در نظم و نثر نیز متبحر بود. مدتی ز منشیان عباس میرزا تائب السلطه بود. او سرانجام در یکی از جنگهای ایران و روس گشته شد. از آثار وی «دیوان» شعر است

الذریعه (۹/ ۵۹۷)، ریاضه (۳/ ۴۱۵)، سیدالمصمود (۲/ ۴۳۹-۴۳۸)، طرائف الحقائق (۲/ ۵۵۳)، درهنگ سخوراد (۵۵۰)، مجمع المصدا (۵/ ۶۸۸-۶۸۹)، مصطفی حراف (۱۱۶)

صیوخی تهریزی، محمد حسین، قرزلد قادر بیگ / قزایب زگر. (سن دهم ق)، شاعر، نقاش و مددگب. از شاعران مکتب رقع و از متبعان عهد شاه عباس صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ ق)، که به حسن اشعار و مکارم اخلاق و طریب عرب از امثال خود ممتاز و در فن سفاشی و تذهیب نیز سرآمد بود از آثار وی: «دیوان» شعر، «رساله‌ای در تقویم»، در چهار فصل، که آن را برای پیر بدای خان برناک و به نام شاه عباس صفوی تدوین کرده است

آتشکده آذر (۱/ ۱۲۸)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۸۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۰)، دانشمندان ادب‌پیشان (۲۲۷-۲۲۸)، الذریعه (۹/ ۵۹۷)، سخوراد آذر: به ان (۴۷۷-۴۷۸)

فرهنگ سحران (۵۵۱)، نعت نامه (ذیل اصبوری خراسانی).

صبوری خوانساری، ملا هاشم / محمد هاشم، (ر ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به صبوری، از شاعران خوانسار بود. مدتها در یزد و کرمان به سر برد و در آخر عمر به زادگاهش بازگشت. به گفته نصر آبادی در ۱۰۸۳ ق در خوانسار بوده است و در همانجا درگذشت. صبوری در سرودن شعر مهارت داشت اشعری از وی در تذکره ها نقل شده است.

تذکره شعرای خوانسار (۱۲۷)، تذکره نصرآبادی (۳۸۱)، الذریعه (۵۹۸/۹)، صبح گلشن (۲۲۸)، فرهنگ سحران (۵۵۱).

صبوری رشتی، میرزا باقر، فرزند سید محمد رشتی، (۱۲۶۵-۱۳۱۳ ق)، پزشک و شاعر، متخصص به صبوری، منتقب به مدیر الاطباء. در رشت به دنیا آمد. مقدمات ادبی و عربی را در زادگاهش فراگرفت. پس از آن برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و مدتی به تحصیل حکمت و کلام در آقا محضر میرزا ابوالحسن جلوه، و طب در نزد دکتر محمد حسن کرمانشاهی پرداخت، سپس به منظور تکمیل تحصیلات به مصر و لبنان و فرانسه رفت و مدت چهارده سال در آنجا اقامت کرد. سرانجام به ایران بازگشت و عهده دار ریاست اداره مطبعه الصحه گیلان شد و اولین داروخانه به سبک جدید مجهز به دستگاه قرص و کپسول سازی را در رشت دایر کرد. صبوری در فن موسیقی نیز صاحب نظر بود و در شعر از سمدی پیروی می کرد. از بر اثر سقوط از درشکه درگذشت و در وادی السلام بحف دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر، به اهتمام هادی جلوه و مقدمه بورداود و دکتر محمد معین

الذریعه (۵۹۸/۹)، کتاب گیلان (۲/ ۶۵۲)، مرثیه کتب چاپی (۲/ ۷۲-۷۳)، نامه ها و نامداران گیلان (۳۰۳-۳۰۲)، پیم (ص ۴، ش ۲، ص ۹۲-۹۳)

صبوری قمی، شیخ جعفر بن حسین بن باقر، (تو ۱۳۳۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مدرس و شاعر. پس از تحصیل مقدمات، در بیست سالگی شروع به تحصیل سطوح عالی در خدمت شیخ حسن ناصح و آیت الله میرزا محمود روحانی و آیت الله آقا میرزا محمد همدانی کرد. پس از تکمیل سطوح، مدت کوتاهی از درس خارج

(۴۸۲)، فرهنگ سحران (۵۵۱)، لغت نامه (ذیل / صبوری)، مکتب ولیع (۲۶۹-۲۷۰)، هفت النجم (۲/ ۲۴۶-۲۴۷).

صبوری تریس، مولانا محمد، (؟)، شاعر. از شاعران تربت حیدریه بود. در سرودن شعر مهارت داشت. از اوست:

به جانم آتش افتد چون روم من در چش بی او
نماید هر گل آتشپره ای در چشم من بی او
الذریعه (۵۹۸/۹)، صبح گلشن (۲۴۹)، فرهنگ خوراک (۵۵)

صبوری تهرانی، محمود کاتب، (س دهم ق)، شاعر اهل تهران بود و به کثایت روزگار می گذراند. از اوست:
بست اشک لاله گون کز چشم پر خون می رود
از همت خون شد جگر از دیده بیرون می رود
نحده سامی (۲۸۷)، الذریعه (۹/ ۱۰۱۱).

صبوری خراسانی، میرزا محمد کاظم، فرزند محمد باقر کاشانی، (۱۲۵۹-۱۳۲۲ ق)، شاعر، متخلص به صبوری. منتقب به ملک الشعراء. در مشهد به دنیا آمد. وی از فرزندزادگان میرزا احمد صبور کاشانی، برادرزاده فتحعلی خان صبا بود. پس از تحصیل علوم ادبی و عربی و فقه و فلسفه که معمول زمان بود در پی شغل پدر که سربرناقی بود، ترف و به شاعری پرداخت و از بزرگان عصر خود گردید وی قصایدی در منتقب پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) سروده است. غلامحسین خان افضل الملک از دوستان و معاشران وی بود. وی قصایدی در مدح ناصرالدین شاه قاجار و حکام و رجال خراسان دارد صبوری در مدح ناصرالدین شاه قصیده ای سرود و ب جلعت به تهران فرستاد و تقصای لقب کرد و ناصرالدین شاه لقب ملک الشعراء آستان قدس ما فرمان و حقوق به وی عطا کرد وی شاعری ستاد بود و «دیوان» او که به همت فرزندش محمد ملک زاده، برادر کهنتر استاد ملک اشعرا بهار، چاپ شده در حدود درازده هزار بیت می باشد. وی بر اثر بیماری وبا در مشهد درگذشت از دیگر آثار وی: «پزشک نامه»، «بحران نامه».

دویست سحران (۱۸۷-۱۸۹)، الذریعه (۸/ ۲۷۰، ۹، ۵۹۸)، شرح حال رجال (۵/ ۲۵۹)، صد سال شعر خراسان (۲۵۵-۲۴۶)، طرائق الحقائق (۲/ ۵۵۳-۵۵۴).

سفرهای دور و دراز زمینی و دریایی را به منظور تجارت، از حدود ۱۲۵۸ ش آغاز کرده بود، در یکی از این سفرها به دستگاه میقاتوگراف آشنا شد و در بازگشت به ایران، در ۱۳۲۲ ق نخستین سالن عمومی سینما را تأیید کرد. پس از مدتی به هندوستان رفت و در آنجا روزنامه «نامه وطن» را منتشر کرد. در پایان عمر در مشهد سکنتی گذشت او در این شهر، مدتی سمت مترجمی قشون انگیس را عهده دار بود و در اسام سیکاری به کار صحافی و پاکت سازی می پرداخت. در مشهد درگذشت و در باغ قادری دفن شد وی علاوه بر اینکه نخستین سالن سینمای ایران را بنیاد نهاد، حمام نمره را نیز در تهران ایجاد کرد و دارالانعامی نیز بنا نمود و آن را وقف کرد. کارهای نیک دیگری نیز به او نسبت می دهند. به گفته فرزندش، وی شعر نیر می سرود و «دیوان» شعری هم داشته و سه بار دور دنیا را گشته و حاصل این سفرها «سفرنامه» ای است که از وی بارمانده است. در «شرح حال رجال» از شخصی به نام محمد صحاف باشی یاد شده که شرح احوال او با صاحب عنوان بسیار نزدیک است و ممکن است که یکی باشند.

تاریخ جراید (۴/ ۲۷۶)، تاریخ سینمای ایران (۲۲-۲۶)
 (۱۲۵)، سفرنامه ابراهیم صحاف باشی (۸-۱۷)، شرح حال
 رجال (۲/ ۴۴۴-۴۴۵، ۱۵/ ۱۶، ۱۷).

صحبت اصفهانی، (س یازدهم ق)، طیب و شاعر، ساکن اصفهان بود. در روزگار حکومت عالمگیر پادشاه به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا منصب یافت. به روزگار محمد شاه گورکانی (۱۱۳۱-۱۶۱۰ ق) در هند وفات یافت. او است:

مکن دوری که از روز ازل بودی نصیب من
 بیا ای سبزه گندم من، آدم قریب من
 تذکره نور روشن (۲۷۲)، الذریعه (۹/ ۵۹۸-۵۹۹)،
 فرهنگ سخنران (۵۵۱)، کاروان هند (۱/ ۷۱۶).

صحبت فارسی - صحبت لاری

صحبت لاری، ملا محمد باقر، نورالد محمد علی، (ح ۱۱۶۲-۱۲۵۱ ق)، شاعر، متخلص به صحبت اصل وی از پیرم لار فارس بود و در کودکی به شیراز آمده و به تحصیل و کسب هنر و علوم پرداخت و به زادگاهش بازگشت. وی امام جمعه و جماعت لار بود. سرانجام در همان شهر درگذشت و در مجاورت مزار امامزاده میر علی بن حسین

آیت الله حابری و پس از فوت آن استاد از درس آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید صدراله بن صدر در فقه و اصول استفاده برد. آنگاه به یروجرد رفت و از درس آیت الله بروجرودی بهره برد. وی دارای اجازاتی از آیت الله حوی و آیت الله میلانی و آیت الله بحمی مرعشی و آیت الله سید علی علامه فانی اصفهانی بود. او در قم به انجام وظائف دینی مشغول بود تا به دعوت بعضی علمای کاشان در ۱۳۴۶ ق، برای تدریس و رسیدگی به امور محصلین آنجا، به آن شهر رفت و در مدرسه سلطانی و مدرسه گذر باناوی به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت. از آثارش: «العبیه» موسوم به «سلک الدرر فی نظم الاثر» «الدرر النویه» در ترجمه وصیت نامه امیرالمؤمنین (ع) «الحجة القائمة علی الکسرویه المبدعه» «انباء المیب» فیما فیہ لاریب»

گنجینه دانشمندان (۶/ ۲۶۹-۲۷۱).

صویری کاشانی، میرزا محمدکاظم - صویری خراسانی

صویری همدانی، کمال الدین حسین، (س دهم ق) شاعر. از ایران به هند رفت و ملازمت علی حاکم از خواص آن سرزمین را اختیار کرد. پس از چندی کتاب مرپور در ۹۷۴ ق به قتل رسید، صویری اسیر شد و به زندان اندول بعد از مدتی مورد عنایت اکبر شاه قرار گرفت و از حبس آزاد شد. شمار بازمانده از وی بیانگر لطف طبع او است

برگان و سحر سرایان همدان (۱۱/ ۲۷۶)، الذریعه (۹/ ۵۹۸)، صبح گش (۲۴۹)، فرهنگ سخنران (۵۵۱)، کاروان هند (۱/ ۷۱۶-۷۱۵)، انباء نامه (ذیل صویری).

صحافت، شیخ علی، (وف بعد از ۱۲۱۲ ق)، عالم دینی وی «اللقیه» شهید اول رکنات کرد و بر حواشی آن شروحنی نگاشت

صفت علامه السبعه (قرن ۱۲-۱۳)

صحافت باشی تهرانی، میرزا ابراهیم خا، (وف ح ۱۳۱۰ ش)، نویسنده، روزنامه نگار و شاعر. ملقب به صحافت باشی. مؤسس اولین سالن عمومی سینما در ایران بود و نخستین گام برای عمومی شدن سینما به وسیله وی آغاز شد. او در دارالفنون، زبان انگلیسی خوانده بود

مساجد و الواح قبور به خط او بود. او یکی از کتبه نویسان ری در دست دوره صفوی است. وی همچنین از تدبیب و صحافی و رسائی نیز سر رشته داشت. صحیفی بیش از هشتاد سال عمر کرد. اسیری شیرازی فرزند صحیفی است که در زمان حیات پدر فوت شد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ کتبه‌ای در مدخل مسجد جامع اصفهان، به قدم سه دانگ کتبه ثلث عالی و تستعلیق متوسط، با رقم: «السلطان شاه عباس الصفوی. وفق بتعمیر هذا البیعة. رقم صحیفی... ۹۹۶» کتبه سردر مسجد جرجی اصفهان به خط ثلث که چنین رقم دارد: «تیمنا و تبرکاً... سنة تسع عشر و الف، رقم صحیفی جوهری»؛ کتبه سردر مسجد کوچک جرجی اصفهان، «رقم: تغییر صحیفی جوهری فی سنة ثمان عشر و الف»؛ کتبه داخل بقعه شهبان اصفهان، به خط ثلث و با رقم: «فی... سنة ثلاث عشر و الف من الهجرة النبویة خط صحیفی الفارسی».

آثار ملی اصفهان (۵۲۷-۵۲۲، ۵۶۷-۵۶۶، ۶۴۵-۶۴۲)، حوال و آثار خوشنویسان (۳۲۷/۲)، احوال و آثار نقاشان (۲۸۶/۱)، اطلس خط (۳۴۸-۳۴۷)، تاریخ اصفهان (۱۲۹-۱۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۶-۵۱۷)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۷-۸۷۶)، تذکرة معتمد (۳۱۶-۳۲۰)، تذکرة نصرآبادی (۳۰۵)، دیوان و نسخ سرباک فارس (۳۲۲/۳)، الذریعة (۵۹۹/۹)، ۶، فرهنگ سخنران (۵۵۲)، فهرست بنمای تاریخ و مکان باستانی (۲۷)، کاروان هند (۵۹/۱)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۱۲۸، ۱۴۵-۱۴۴، ۳۲۹-۳۲۸، ۳۸۹، ۲۷۷-۲۷۵)، لغت نامه (ذیل/ صحیفی)، مجمع الخواص ۸، ۲، لغت اقلیم (۲۵۲، ۱).

صحیفی شیرازی - صحیفی جوهری شیرازی

صحری خوانزومی، ابوالفضل احمد بن محمد، (مقتول ۴۰۶ ق)، ادیب و شاعر. از مفاخر خوارزم بود و در ادب و هتوت شاعری بسیار توانا در جوانی به خدمت صاحب بن عباد رسید. او را در فن نثر از اقران مدح الرمان همدانی دانسته‌اند. از آثار وی «دیوان» شعر و چندین رساله بوده است.

ریحانه (۳۱۶-۲۱۶)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۵/ ۳۱-۱۹)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۱۲).

صدادرت، علی - نسیم اودکاسی

دفن شد. اثر وی: «دیوان» شعر، که به «تاج الدواویس» معروف است.

حدیقه الشعراء (۲/ ۱-۴)، دستنبدان و شعر رباع فائوس (۳/ ۲۲۳-۲۳۳)، درخت سخنتور (۱۹۰-۱۹۲)، الذریعة (۹/ ۵۹۹)، طرائف الحقائق (۳/ ۳۱۷-۳۱۸)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۵۱۵-۱۵۰۸)، فرهنگ سخنوران (۵۵۲-۵۵۱)، مرآت الفصاحه (۳۵۱-۳۴۹)، مصطلح خواب (۱۱۳)، مکارم الآثار (۴/ ۱۳۹۸-۱۴۰۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۷).

صحرائی تهرانی - صحرائی رازی

صحرائی رازی. (س دهم ق)، شاعر از شاعران ری بود و به شغل تحصیل مالیت دیوانی اشتغال داشت. از اوست:

بگردم ز آن سبب نسبت به ماه آن روی لیکورا
که می‌دانم ازین معنی تفاوت می‌کند او را
سده ساسی (۲۹۶)، الذریعة (۹/ ۵۹۹).

صحیفی، حبیب‌الله. (س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از تحصیل دوره‌های ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در دانشسرای آنجا به تحصیل پرداخت. پس از اخذ مدرک به ایران بازگشت. وی علاوه بر اشتغال به تألیف و ترجمه، به تدریس مساحت، تعلم و تربیت و روانشناسی در دبیرستان ملاحیت (کشاورزی) مشغول شد. از آثار وی: «دستور آموزش برای دانشسرای مقدماتی»؛ «دستور تعلیم حساب مقدماتی»؛ ترجمه «مفر هشتاد و نه» به دور دنیا؛ ژول ورن؛ «کتاب فرانسه» با مشارکت ورسته.

سهرت کتبه‌های سپاهی فارسی (۲/ ۲۰۰۱، ۲۶۱۴-۲۶۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۴۸۶-۴۸۵).

صحیفی جوهری شیرازی. (وف ۱۰۲۲ ق)، شاعر و خطاط. مشهور به جوهری. از بازماندگان صوفی خلیل، از بزرگان طایفه دوانقدر بود، که شعر فارسی و ترکی را خوب می‌سرود و اشعارش بیشتر در مدح ائمه معصومین (ع) بوده است. در شیراز به دنیا آمد و در اصفهان نشو و نما یافت. وی کتابخانه بسیار خوبی در مه‌تبان مسجد جامع اصفهان ترتیب داد و بیشتر در اصفهان می‌زیست. چون خط ثلث و کتبه را خوب می‌نوشت، بیشتر کتبه‌های

صدای کرمانی، (س دهم ق)، شاعر، متخلص به صد.
از شاهران کرمان بود در روزگار اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق)
به هند رفت و در آنجا سکونت گزید. او در سرود عزل
مهرت داشت

تاریخ نظم و نثر (۶۸۲)، تذکره روز روشن (۲۷۲)، کاروان
هند (۱/ ۷۱۶-۷۱۷)

صد تومانی، شیخ محمد سعید بن شیخ یوسف /
محمد یوسف دینوری قراچه داغی نجفی، (وف ح ۱۲۵۰
ق)، فقیه و عالم، خاندان صدتومانی از خانواده های
معروف و قدیم نجف است که علمای بزرگی از میان آنان
برخاسته اند. در محضر سید مهدی بحر العلوم و شیخ
جعفر کاشف لطفاء و سید محمد جواد عاملی، صاحب
«مفتاح الکرم» تلمذ کرد و از آنها با اجازه روایت کرد.
سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم و میرزا احمد بن
طهائی تسریزی و شیخ مرتضی انصاری از وی روایت
کرده اند. او رساله ای در مائمه استادش، سید بحر العلوم،
با علمای بهردی تألیف کرد.

الدریعه (۲۲/ ۳۰۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/
۶۰۲-۶۰۱)، معجم رجال نجف (۲/ ۸۰۱).

صدر، جواد، (تر ۱۲۹۱ ش)، مترجم و نویسنده ری
پس از تحصیل دوره های مقدماتی به اخذ دکترای حقوق
موفق شد. پس از آن به استخدام وزارت امور خارجه
درآمد و مشاغل متعددی را عهده دار شد که از آن جمله
وزارت کشور در کابینه منصور و هویدا و وزارت
داگستری در کابینه هویدا را می توان نام برد. دکتر صدر
در امر ترجمه دست داشت و با همکاری برادرش، کاظم
صدر، کتاب «تاریخ سیاست خارجی ایران» را به فارسی
ترجمه کرد. از دیگر آثار وی «تأسیسات و سازمانهای
بین الملل» و «چمبر مار» ترجمه

چهره های آشنا (۳۵۹)، روز شمار تاریخ (۱/ ۱۶۹، ۸۳،
۱۹۷)، فهرست کتبه های چاپی فارسی (۱/ ۷۱۴، ۱۵، ۱۱،
کتابخانه نخستین دمه اسلام (۲۲۶)، مؤلفین کتب چاپی
(۲/ ۴۱۹-۴۲۰)

صدر، سید اسماعیل بن سید محمد صدرالدین
عالمی اصفهانی، (۱۲۵۸-۱۳۳۸ ق)، عالم دینی، فقیه
اصولی و مرجع تقلید. معروف به صدر اصفهانی. ننسش به
ابراهیم اصغر فرزند امام کاظم (ع) می رسد. در اصفهان به

دنیا آمد و همان جا نشر و نما یافت. در شش سالگی پس از
بوت پدر تحت تربیت برادرش، حاج سید محمد علی آقا
مجتهد، قرار گرفت و مقدمات را نزد او خواند. بعد از فوت
برادرش، تحت تعلیم شوهر خواهرش، شیخ محمد باقر
اصفهانی صاحب «هدایه المسترشدين» قرار گرفت و نزد
وی فقه آموخت. در ۱۲۸۱ ق به نجف مهاجرت کرد و
ملازم بحث شیخ راضی نجفی و بحث شیخ مهدی بن علی
کاشف لطفاء گشت. سپس مدتی در خدمت میرزای
شیرازی قرار گرفت و ب وی به سمرا مهاجرت کرد و
عده ای از شاگردان سطح معوسط میرزا را درس گفت و بعد
از وفات میرزا حدود یک سال در سامرا ماند و در ۱۳۱۴
ق به کربلا رفت و در آنجا به ترویج دین و تعام وظائف
مذهبی مشغول شد و مرجع تقلید آن دیار گشت. میرزای
سایسی، سید شرق الدین عاملی، حاج سید حسین
نشارکی، شیخ علامه حسین مرندی حائری و شیخ موسی
کرمانشاهی حائری از شاگردان وی بودند. او در کاظمین از
وفات وی ۱۳۳۷ ق ذکر شده است. از آثارش، «انیس
المقلدین» حاشیه «انجاء العباد» شیخ محمد حسن صاحب
«جوهر» و «مفتاح الهدیه» رساله هملیه.

آثار العججه (۱/ ۲۰۸-۲۰۷)، اعیان الشیعه (۲/ ۲۰۲-
۲۰۴)، الدریعه (۵/ ۱۲۸)، ریحانه (۳/ ۲۲۱-۲۲۲)،
طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۱۵۹-۱۶۰)، لغت نامه
(دیل / سنر)، معجم رجال نجف (۲/ ۸۰۴)، مکارم الآثار
(۵/ ۱۵۶۵-۱۵۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۶۰۱-۶۰۲)،
میرزای شیرازی (۱۱۳-۱۱۴)

صدر، سید رضا بن سید صدرالدین موسوی عاملی
۱۳۳۹-۱۴۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مدرس و شاعر. در
مشهد به دنیا آمد و در دست علم و عزت نشو و نما یافت. او
نوه دختری آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی قمی است.
به همراه پدر به قم مهاجرت کرد. پس از خواندن ادبیات و
سطوح، خارج را در محضر مدرسی بزرگ حوره همچون،
پدرش و سید محمد تقی خوانساری و سید محمد حجت
کوهکمری و سید حسین پروچردی فراگرفت و در فلسفه
از محضر امام خمینی بهره مند شد. پس از طی مدارج
علمی، به تدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه نماز
پرداخت. در ۱۳۸۵ ق به خواسته آیت الله شریعتداری
به تهران آمد و در مسجد حضرت امام حسین (ع) به ترویج
دین و اقامه نماز و تفسیر قرآن پرداخت. آیت الله سید رضا

«اجتماعی، به عربی و فارسی؛ حاشیه «کفیه الاصول»؛ «اصول عقاید»؛ رسانه‌ای در «اصول دین»؛ رسانه‌ای در «ردّ شبهات و هائیه»؛ رسانه‌ای در «اثبات عدم تحریف کتاب»؛ «مختصر تاریخ الاسلام»، در پنج مجلد؛ «حدیث و احبار»؛ رسانه‌ای در «حقوق زن»؛ «لواء محمد (ص)» در اخبار خاصه و عامه، در دوازده مجلد؛ منظومه‌ای در «حج»؛ منظومه‌ای در «صوم»؛ رسانه‌ای در «حقیه»؛ و رسانه‌ای در «امر به معروف و نهی از مکر»؛ «سببه لاجه»، رساله عملیه؛ «الحقوق»، در بیان شخصیت و دو حق؛ «مدینه العلم»، در اخبار اهل بیت (ع)، در شش مجلد

آثار الحجة (۱/ ۲۱۵-۲۰۱)، آیه دانشوران (۱۶۸-۱۶۵)، تربیت پاکان قم (۲/ ۱۳۲-۱۳۱)، الذریعه (۲/ ۳۳۲، ۱۷/ ۴۲، ۲۳۱-۲۳۰، ۱۶/ ۱۹۹، ۲۰/ ۱۸۲، ۲۹۰)، رساله‌ها (۳/ ۳۲۷-۳۲۹)، طبقات اسلام الشیعه (قرن ۱۶/ ۹۴۳-۹۴۹)، علماء معاصرین (۲۱۶-۲۱۷)، گنجینه دانشمندان (۱/ ۳۲۹، ۳۲۶)، نه نامه (قبیل / مدر)، معجم المؤلفین (۵/ ۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۵۳۸-۵۳۷).

صدرا، حاج شیخ محمد تقی بن شیخ محمد باقر، (تو ۱۳۲۶ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در اراک به دنیا آمد. در رادگاه خود مقدمات و قسمت عمده سطوح را نزد اساتید فراگرفت. در اراک تأسیس حوره علمیه، به قم رفت و سطوح را در قم تکمیل کرد، سپس در فقه و اصول از محضر آیت‌الله حائری و آیت‌الله یثربی بهره برد. او همچنین در خدمت آیت‌الله میرزا محمد باقر همدانی و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آنادی تلمذ کرد و از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی نیز استفاده نمود. وی دارای صبیح موزون و ذوقی کامل بود. از آثارش: تأسیس کتابخانه در مسجد اراکیهای مقیم تهران و جمع آوری کتب برای آن بود. از آثار علمی او: «الغرائب» یا «مظهر العجائب فی غرائب الامام علی بن اسی طالب (ع)»، در چند مجلد؛ «بو طالب و فرزندانش»، در اثبات ایمان اهل بیت از طرق اهل سنت، دو مجلد؛ «الکیمیه و ولیدها»، «نوشه دان گدا»؛ «جهاز عروس و داماد»؛ «ادب گفتار»؛ «ادب کردار»؛ «تأثیر النجوم فی ارمس الطغرف»؛ «دیوان» شعر؛ «افاضة لحریمین»؛ «سراج الحاج»، منظومه‌ای در عمل حج؛ «صهاج الحاج»، مختصری در حج استدلالی؛ رسانه‌ای در

صدرا برادر بزرگ امام موسی صدر، مرجع و رهبر بزرگ لبنان، است. بر اثر بیماری سرطان در قم درگذشت، ماده تاریخ و دانش «این جهان حرد بود و مرد بزرگ» است. او در جوار حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از آثارش: «تفسیر سورة یوسف»؛ «المسیح فی القرآن»؛ «ایوم الانسانیة» درباره حدیث غدیر؛ «زیر درختان صدر»؛ حاشیه بر «اسفار» ملا صدرا؛ کتاب «استقامت»؛ کتاب «حسد»؛ کتاب «دروع»؛ «بابوی کر بلا رینب دختر و هراه»، ترجمه کتاب «رینب بعلنه کر بلا» دکتر عایشه بدت الشاطلی؛ «دیوان» شعر

آثار الحجة (۱/ ۲۰۵)، تربیت پاکان قم (۲/ ۵۳۸-۵۳۷)، گنجینه دانشمندان (۴/ ۵۰۳-۵۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۱۷۲-۱۷۱).

صدرا، سید صدورالدین، ابوالرضا سید محمد هلی بن سید اسماعیل موسوی هاملی، (۱۲۹۹-۱۳۷۳ ق)، عالم دینی، فقه، مرجع تقلید و شاعر. در کازمین به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در سامرا گذراند و ادبیات و ریاضیات و نزد استادان فن فراگرفت و به همراه پدرش به کر بلا مهاجرت کرد و در آنجا سطوح را نزد آیت‌الله شیخ حسن کر بلائی و سید حسین فشارکی و شیخ غلامحسین مرندی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی خواند. او تحصیلات عالی را نزد پدرش شروع کرد و در حدود ۱۳۲۸ ق برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و در حوره درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین نایبی و علامه بزدی حاصر و به درس و بحث تحقیقی مشغول شد. در ۱۳۲۹ ق به مشهد رفت و مدت پنج سال در آن شهر توقف کرد و به تدریس و ارشاد پرداخت. آنگاه به عراق بازگشت و چندی در آن سامان به تدریس و بحث مشغول شد. در ۱۳۴۹ ق پا به دعوت آیت‌الله حائری به قم آمد و با وی همکاری نمود. پس از وفات آیت‌الله حائری و تا ورود آیت‌الله بروجردی به همراهی آیت‌الله حاجت و آیت‌الله خوانساری عهده دار سرپرستی حوره علمیه قم بود. آیت‌الله صدر فقیهی اصولی و محدثی رحانی و محقق عمیق نظر و ادبی رب و شاعری ماهر بود. او در مکارم اخلاق و کمالات نفسانی و معنوی از سرآمدان روزگار بود. در قم درگذشت و مایین قبر آیت‌الله حائری و آیت‌الله خوانساری دفن شد. از آثار او: «خلاصة الفصول»، در علم اصول؛ کتاب «المهدی (عج)»، درباره حضرت ولی عصر (صج)؛ «دیوان» شعر مذهبی و

«ردّ عشره مبشره»؛ «انقلاب اسلامی قرن ۱۴»؛ «صراط مستقیم کی و کجاست».

گنجینه دانشمندان (۲/ ۳۷۹-۳۸۰، ۸/ ۱۹۴-۲۰۱).

صدرالادباء چابری انصاری - چابری اصفهانی، میرزا حسن

صدر اردبیلی - صدرالدین صفوی.

صدر اسکویی - اسکویی، امیر صدرالدین.

صدرالاسلام همدانی، ابوالکلام - دبیر همدانی

صدرا شیرازی، ابراهیم - شیرازی، ابراهیم بن صدرالدین محمد.

صدر اصفهانی، احمد خان، فرزند عبدالحمید خان. (ز ۱۲۷۷ ق)، خطوط. ری مستعالمی و بسیار سبک می‌نوشت از آثار وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کاتب خوش، با رقم «بر حسب امثال امر... ناصرالدین شاه تاجار احمد بن عبدالحمید خان بن الحاج محمد حسین خان صدر اصفهانی - سنه ۱۲۷۷»؛ یک نسخه مجموعه منتخب اشعار شعرائ دوره غزنوی، با رقم «بر حسب فرمایش... سنه ۱۲۷۳... لالعبد احمد بن عبدالحمید اصفهانی عفی عنهما».

احوال و آثار خورشیدان، ۱/ ۲۷.

صدر اصفهانی، عبدالحمید، فرزند میرزا محمود. (روح ۱۳۶۷ ق)، خط و خطیب. اصل ری از خوانسار بود. وی در خانواده‌ای روحانی، در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از خطبای باقریه و روضه خوانهای خوش صدای زمان خود بود. عبدالحمید تحصیلات فقه و حدیث و در اصفهان فراگرفت. سپس به تهران آمد و به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او در بهشت مشروطه در اصفهان و سایر شهرها به ایراد خطابه می‌پرداخت. در اواخر عمر دچار جوشن شد و در شیون خود را در چاهی انداخته فوت شد.

نکته: السور (۴۲۱-۴۲۲).

صدرالاطباء شاملی، میرزا غلامحسین، فرزند میرزا

ابراهیم. (۱۲۱۲/۱۲۱۸-۱۳۰۲ ش)، خطیب. در نزد استادان عصر به فراگیری فنون ادب و علوم متفوق و معقول پرداخت و در هنر خط نیز کار کرد. چون علاقه زیادی به رشته پزشکی داشت برای تحصیل این رشته به بهران آمد و در نزد حاج آقاابا رشتی ملک‌الاطباء، میرزا سید رضی سمائی حکیم‌باشی نظام و میرزا ابوالقاسم اصفهانی سلطان‌الحکما به تحصیل و تکمیل طب قدیم پرداخت و پس از اینکه اجازه نامه‌دهی از هر یک از آنان گرفت و مکتب به صدرالاطباء شد، به همراه امیر حسن خان شجاع‌الدوله حاکم قوچان به قوچان رفت و پزشکی مخصوص او گردید. پس از هفت سال اقامت در قوچان و معالجه بیماران به مشهد رفت و مقیم گردید و مدت پنجاه سال در آن شهر به طبابت اشتغال داشت و در این رشته در خراسان شهرتی تمام یافت. در مشهد درگذشت.

زندگنامه رجال و مشاهیر ایران (۲/ ۱۹۰)، شرح حال رجال (۳/ ۲۰، ۵/ ۱۷-۱۷۳).

صدرالافاضل، میرزا حبیب - نظام اشرار

صدرالافاضل تبریزی - دانش تبریزی، لطفعلی.

صدرالافاضل خوارزمی، ابومحمد قاسم بن حسین بن احمد. (۵۵۵ - مقتول ۶۱۷ ق)، ادیب، نحوی، فقه حنفی و شاعر مکتب به مجداندین. در خوارزم به دنیا آمد. از ادبای نامی عصر خود، که در نحو و خطب و فنون شعری و علوم ادبی و عربی و حید دهر بود. وی در فتنه تاتار کشته شد. از آثار وی: «مدایح الملح»؛ «التوضیح»؛ در شرح «مقامات» حریری؛ «الزواج فی الخبایه»؛ در نحو؛ «شرح الابنیه»؛ شرح «الاحاجی» زمخشری؛ شرح «معصل» زمخشری در سه بخش: شرح رمی و صغیر و کبیر به نامهای «سیک»؛ «مجمره» و «تجمیر»؛ شرح الامودح؛ «مخائب النحو»؛ «لهجه الشیخ»؛ در شرح العاصقه؛ «المحصل»؛ در بیان «غیرام المعط»؛ در شرح «معط الزند»؛ شرح مشکلات «دیوان» ابوالعلاء معری.

الاعلام (۶/ ۸)، ریحانه (۳/ ۴۲۴-۴۲۳)، کشف الظنون

(۲۳، ۹۵۶، ۹۹۳، ۹۹۲، ۱۶۱، ۱۷۷۵، ۱۷۸۹، ۷۱۰).

الکمی و لائق (۲/ ۴۱۰)، نعت نامه (دین/صدر

الافاضل)، معجم الادباء ۶ / ۲۵۳-۲۳۸، معجم

الزواج (۸/ ۹۸)، هدیة الاحباب (۱۸۵)، هدیه المارمیر

(۱/۸۲۸)

بشاپور آمد و در آن ساکن شد. صدرالدین در دمشق به دنیا آمد. در مکه از جدش و از ابوحفص میانشی و در دمشق از حبیب و ابن طررد و در هرات از ابی روح هروی و در نیشاپور از مزید طوسی و در اصفهان از ابوالفتح محمد بن محمد بن حبیب و عین الشمس نغیه و در مرو از ابوالفضل ابن سمائی و در بغداد از ابن اخضر و همچنین در موصل و اربل و حلب و مصر حدیث شنید و شنیده‌های خویش را تحت عنوان «اربعین السندان» یا «اربعین البلدیه» شامل چهل حدیث از چهل شهر بزرگ از چهل صحابی گردآوری کرد. دیباچی و قطب نسطرانی و ابوالفضل بن بالسی و بدر بن قوزی و ابوبکر بن یوسف حریری و تاج احمد بن مزیز و ابوعبدالله بن زکاد و محمد بن محب و علاء کندی و عبدالحمید بن سلیمان مغربی و جمال علی ابن شاطبی و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. صدرالدین زراویان کتب ابن حبان و «صحیح» ابی حنبله و «صحیح» مسلم است. از آنجایی که وی هفتاد و دو امر حسبه و به تبع آن نزدیک به امر بود، عده‌ای او را از نظر حدیث تضعیف کرده‌اند. او در اواخر عمر بلع شد و سپس مرگ مصر رفت و در اندک زمانی درگذشت. وی دارای تصانیف و مجموعه‌هایی است و بر «تاریخ دمشق» یا «تاریخ ابن عساکر» ذیلی نگاشته است.

الاعلام (۲/ ۲۳۲)، سیرالبناء (۲۳/ ۳۲۸، ۳۲۹)، المعجم (۳/ ۲۷۹)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۸۹)، التواریخ بالوفیات (۱۲۱/ ۲۵۲، ۲۵۱)

صدریلاعی، سید صدرالدین «بلاغی قابلی، سید صدرالدین محمد تقی»

صدر ترشیری (؟)، شاعر، معروف به میرصدرالاسلام، از شاعران و سادات ترشیز خراسان، از اوست.

بهشت آنجاست که زاری نباشد
کسی را بسا کسی کاری نباشد
رقبای دوست می‌جو و چنان باش
که باری بس دل پساری نباشد
سکرة روز روشن (۲۷۴)، فرهنگ سخنوران (۵۵۳)، هفت اقدیم (۲/ ۳۱۰).

صدر جهان طبعی، سید امیر حسین، فرزند روح الله حسینی حیدرآبادی، (مر دهم ق)، عالم دینی، فقیه و

صدرایی اشکوری، سید محمد علی بن سید موسی موسوی (۱۳۲۵/ ۱۳۳۰-۱۳۹۸ ق)، فقیه، خطیب، واعظ و شاعر، مسط سید محمد صدرایی حسینی است. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۵ ق به اتفاق پدرش از نجف به ایران آمد و در شهر لنگرود ساکن شد. بعد از آن به قم روت و ادبیات را نزد شیخ محمد رضا احمدی و شیخ ابوالقاسم نجوی خواند و سطوح را از آقا شیخ عباس تهرانی و آقا نور خمینی و ادیب تهرانی و آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی آموخت. معقول را خدمت امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت الله گلپایگانی و آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید احمد خوانساری و میرزا محمد همدانی و «اسفر» و «خلاصه الحساب» را خدمت شیخ ابراهیم نجف آبادی و تفسیر را نزد اشرفی بزرگ و حاج سید تقی اصفهانی و رجال و حدیث را نزد شیخ عبدالرحیم مصولی خواند سپس به تدریس ادبیات و سطوح پرداخت. دروس خارج را از محضر آیت الله حابری و آیت الله حجت و آیت الله سید محمد تقی خوانساری فراگرفت و مدت یک سال در حوزه درس فقه و اصول آیت الله بروجردی شرکت نمود تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسید. صدرایی از مکرر اجتماع بزرگی همچون آیت الله اصفهانی و آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله صدر اجازه اجتهاد گرفت، آنگاه به گیلان بازگشت و به خدمات دینی و تبلیغات مذهبی پرداخت. از آثارش: «حقایق اسلام»، مجموعه سخنرانیهای صدرایی در رادیو تهران؛ «وظایف ایرانیان در موقع انتخابات»؛ کتاب «معارف اسلام»؛ «پرتو حق در زندگانی علی بن ابی طالب (ع)»؛ رساله‌ای در «رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین و مکتب دیالکتیک ماتریالیست»؛ تفسیر «سوره پس»؛ «روح اسلام»؛ «رسالة نوریة»، در رد اعتراضات مسیحیان به دین اسلام؛ «سفرنامه مکه»؛ «برستان سلامی»؛ «دیوان» شعر به نام «گنار احمدی»؛ «هفته نامه طلوع اسلام»

گنجینه دانشمندان (۲/ ۳۸۱-۳۸۲)، معجم رجال نجف (۲/ ۲۸۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۹۵-۲۹۶).

صدر بکری بیشاپوری، صدرالدین، ابوعلی حسن بن محمد بن محمد، (۵۷۴-۶۵۶ ق)، حافظ، محدث و قسید نیای پررنگش عمروک بن محمد اهل مدینه بود و از آنجابه

در مدرسه سبز برامان و مدرسه بدیعیه و مدرسه غیاثیه هرات به تدریس اشتغال داشت. وی در روزگار چیرگی محمد خان شیبانی بر دیار حراسان، به منصب احتساب آن سامان گماشته شد. مدتی نیز منصب شیخ الاسلامی بلخ را عهده‌دار بود.

حبیب‌السیور (۲/ ۳۵۲).

صدرالدین دشتکی - دشتکی شیرازی، صدرالدین ابوالمعالی سید محمد.

صدرالدین سنگ تراش، (ز ۹۹۵ ق)، حجاز، از آثار وی: کیمیة فوقانی سنگ آرامگاه قاضی صبی‌الدین محمد، در اصفهان، که به خط ثلث برجسته حجاری شده و چهره رقم نهاده «وفات العالم الربانی... محمد ابن عمدة لقصة... فی منتصف شهر شعبان المعظم سنة خمس و تسعين و تسمائة... عمل صدرالدین سنگ تراش» به خط ستمعلیق برجسته بر جانب جنوبی سنگ آرامگاه، سال وفات قاضی صبی‌الدین محمد و بر جانب شمالی سنگ آرامگاه (شعاری حجاری شده است).

آثار ملی اصفهان (۷۶۰-۷۶۱)، گنجینه آثار تاریخی صفهان (۵۳۵-۵۳۳).

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم - ملا صدرای شیرازی.

صدرالدین صفوی، موسی بن شیخ صفی‌الدین. (۷۰۴-۷۹۴ ق)، صوفی و شاعر وی به موجب وصیت پدرش در سی و یک سالگی متصدی مسند ارشاد شد. اهتمام او در بنای گنبد مرقده شیخ صفی نیر که گوید ده سال طول کشید به خانه‌ها او اهمیت بیشتری بخشید. او از مشیخ و اسانید شاه قاسم توار بود. وی در منازعات بین برای محلی آذربایجان غائباً نقش وساطت داشت. ملک شرف چوپانی که در اوایل نسبت به وی اظهار تکریم و رادت می‌کرد، وقتی از دایرة نفوذ او نگرانی یافت، در صدد مسموم کردن وی برآمد که موفق نشد و بین آنها کدورت ایجاد شد او یکبار نیز به امر ملک اشرف در تبریز زندانی شد و پس از مدتی آزاد گردید و بار دیگر که ملک اشرف قصد نابودی او را داشت، به گیلان گریخت و پایان حکومت ملک اشرف بار نکشت. پس از گرفتار شدن ملک اشرف به دست جانی بیگ ازبک، شیخ صدرالدین

شاهر، متخصص به لسان او شاگردان شیخ محمود لاهیجی، شاگرد شهید ثانی، بود و از وی در ۹۷۴ ق اجازه گرفت او ساکن حیدرآباد دکن بود و در همان شهر میر وفات یافت. در «رباض العلماء» صاحب عنوان بکار تحت نام امیر حسن و بار دیگر تحت نام امیر حسین آمده است. ر آثارش: «العقید و الذیاق» به فارسی که برای همایون عظمی قطب شاه نگاشته و در آن اسامی حیوانات و پرندگان و حشرات را به فارسی و عربی و ترکی و دکنی مرتب بر حروف الفبا ذکر کرده و حکم هریک و فایده طبی هر کدام و حکایاتی درباره آنها آورده است. کتاب «ذخیرة الحنة» در اعمال سال و ادعیه و آداب، که آن را برای سلطان ابراهیم قطب شاه، ملک دکن (مثنوی ۹۸۸ ق)، تألیف کرده است.

لادریه (۱۰/ ۱۵، ۵/ ۱۰۵)، رباض العلماء (۱۱/ ۱۷۶)، ۲/ ۹۱، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/ ۱۰۸، قرن ۱۱/ ۲۹۲)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۲۰).

صدر حاج سید جوادی، سید حسن. (من چهاردهم ق)، نویسنده، روزنامه نگار و مترجم. از مسئولین روزنامه اطلاعات بود. ر آثارش: «داستانهای شکست انگیز»، ترجمه: «گنجینه اثر فارسی»؛ «مقایسه سعدی و حافظ از نظر عربی و سبک».

مهرست کتابهای چاپی فارسی ۲/ ۲۷۸۲-۲۰۸۷، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۷۹-۵۸۰).

صدر خوانساری - خوانساری صدر، حسن.

صدر خیابانی تبریزی - بحاتی تبریزی.

صدرالدین ابرقویی، اسماعیل بن نظام لملک. (ز ۷۶۲ ق)، نویسنده و قاضی. وی ز بزرگان و دانشمندان فارس بود. از آثار وی: «تعبیر سبطانی»، که به نام شاه شجاع مظفری، در ۷۶۳ ق به پایان رسانیده است؛ «تاریخ ابرقوه».

تاریخ نظم و بحر (۷۵۵)، کشف الظنون (۴۱۷)، هدیه المارین (۱/ ۲۱۲).

صدرالدین حسینی، یونس، فرزند امیر (صبی‌الدین عبدالاول. (من دهم ق)، عالم دینی و مدرس. از مدرسان و دانشمندان معاصر شاه طهماسب صفوی بود که سبک

اهل فصل و ادب و کمال بود. از صدرالدین آثاری مفید و سودمندی باقی است که همگی دلالت بر گستردگی دانش و مهارتش دارد. در شعر نیز صاحب ذوق و ماهر بود. از آثارش: «توان روان» یا «چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع)» به نظم، فارسی؛ «الدیاجة المرویة فی تضمین الایات المؤرودة»؛ «دیوان» شعر یا «دیوان» و آله انتشار، به فارسی و مرتب بر اساس حروف الفبا.

الدریة ۴ / ۴۷۵ / ۸ / ۲۸۹ / ۹ / ۱۲۵۵. طبقات اعلام الشیخ (قرن ۱۲ / ۱۲۶۶). علماء معاصرین (۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱ / ۹۶۲). مؤلفین کتب چاپی (۴ / ۳۰۷ / ۳۰۸).

صدرالشریعه، شیخ محمد صادق، فرزند شیخ عبدالملکی صدرالعلماء طالقانی. (تو ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. معروف به علامه شهریار. پدرش از مجتهدین و زهاد و صاحب حواشی بسیار بر کتب ادبی و فقهی و اصولی، و شاگرد میرزا و داماد علامه میرزا محمد تنکابنی صاحب «قصص العلماء» بود. مادر شیخ محمد صادق، دختر علامه تنکابنی، از زنان دانشمند و صاحب حنوفی بر کتب ادبی و «شرح لمعه» بود. محمد صادق در سلیمان آباد تنکابن به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا «شرح نسخه» و «قوانین»، در تنکابن فراگرفت. آن گاه به قم رفت و سطرح و در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول و سایر علوم را از محضر آیت الله مرعشی و آیت الله آقا میرزا محمد صی شاه آبادی و آیت الله شیخ مهدی پائیز شهری استفاده کرد و از درس حارح آیت الله حایری و آیت الله خوانساری و آیت الله حجت کسب فیض نمود. وی دارای اجارانی از سائید و «مخصوص ثقة المحدثین محدث قمی» بود. او بری خدمات دینی و تبلیغ احکام در شهریار اقامت گزید. صدرالشریعه در سرودن اشعار دستی توانا داشت و در هر مقوله اشعاری سروده است. از آثارش: «دیوان» شعر، نزدیک به پنج هزار بیت، با تریظ جامع و کاملی از آیت الله مرعشی نجفی که روشنگر مقام علمی و ادبی صاحب عنوان است؛ ترجمه «شرح منظومه حدیث قدسی»، در ده هزار بیت؛ ترجمه و شرح منظوم «مناجاة الهیات»، موسوم به «افاضات النعمیه و مناجاة العلویة»؛ «مولوی نامه»، در ده موی؛ رساله منظوم در «جبر و تعزیز»؛ کتاب «مراثی»؛ قصایدی در جواب بعضی از مدائین در علم ائمه طاهرین؛ کتاب «صدر الوقیع»، در واقعات هر روزی از روزهای ماه؛ «تفسیر» فارسی

خواست از او شصت کند و بی دیگران مانع شدند. وی در اواخر عمر به اردبیل بازگشت و به ارشاد مریدان و اداره خانه پرداخت و در همان جا درگذشت.

اریح نظم و نثر (۷۶۷). تذکره شمیرای آذربایجان (۱ / ۷۸-۷۶). حبیب السیر (۴ / ۴۲۰-۴۲۳). دانشمندان آذربایجان (۲۲۹-۲۳۸). دایرة المعارف فارسی (۲ / ۱۵۶-۱۵۶). دنباله مستعبر در تصوف (۶۷-۶۵). الدریمه (۹ / ۶۰۲). سخنوران آذربایجان (۴۱-۴۰). عالم آرای عباسی (۱ / ۱۶-۱۲). لغت نامه (دیل / صدرالدین). معانی الانس (۹۱۱).

صدرالدین قمی - رضوی قمی، سید صدرالدین محمد

صدرالدین کبیر - دانشکی شیرازی، صدرالدین ابرالمحالی سید محمد.

صدرالدین محمد قزوینی - میر صدرالدین محمد قزوینی.

صدرالدین محمد لواسانی، فرزند شمس الدین محمد حکیم الهی. (ز ۱۳۱۹ ق)، خطاط، مستعبر و استادانه می نوشت و در خط مستعبر شاگرد عموی خود، میرزا علی محمد صمائی لواسانی، بود. صاحب «طرائق الحقائق» وی را در ۱۳۱۴ ق در لواسان ملاقات کرده است. از آثار وی: یک نسخه «مصطلحات الصوفیه»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه صدرالدین محمد بن شمس الدین محمد بن محمد جعفر الالهی النظامی اللواسانی... سنه ۱۳۱۲»؛ نسخه ای دیگر از همان کتاب و به همان قلم، با رقم: «کتبه العبد... محمد صدرالدین... سنه ۱۳۱۱»؛ یک نسخه منتخب «شر الالهی»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «انا العبد صدرالدین بن شمس الدین الشهیر بحکیم الهی عفی عنه، سنه ۱۳۱۹».

احوال و آثار خوشریسان (۲ / ۳۲۹-۳۲۸ / ۳ / ۷۸۰). طرائق الحقائق (۳ / ۶۴۰).

صدرالدین اکبرین، شیخ میرزا علی بن عبدالحسن بن علی اصغر افشار رومی. (۱۲۵۱-۱۳۳۰ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به و آله. معروف به صدرالدین اکبرین. وی از مشاهیر و عاظم و عمیقان بررگ و از

گنجینه دانشمندان (۴/ ۶۷۴، ۷/ ۴۸۸-۴۸۵)

۵۶۳، ۵۶۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۳۱، ۱۴۳۵، ۱۴۷۱، ۱۹۹۸، معجم المؤلفین (۷/ ۲۹۱)، المحرم الزاهرة (۵/ ۲۶۲)، هدیة المعارین (۱/ ۷۸۳)

صدر هاملی کاظمی، ابو محمد سید حسن، فرزند سید هادی. (۱۲۷۲-۱۳۵۲ ق)، فقیه، اصولی، مکلم، محدث، رجایی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل عامل و سکونت در اصفهان و مهاجرتش به عراق بوده، به دنیا آمد. وی سر در زاده آیت الله سید صدرالدین هاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و منطق را فراگرفت و تحصیلات فقه را آغاز کرد. در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه حارح استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم عربیه را نزد شیخ عبدالحمید هندی حراست. در ۱۲۹۵ ق از نجف به سامرا رفت و در حوزه درس میرزای سیرازی نه تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴ ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خرد بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جعفری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقة الاسلام اصفهانی و آیت الله سید صدرالدین صدر و شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود که قسمت عمده نسخه‌های با ارزش حقیقی آن توسط شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الدریعه» معرفی شده است. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس اللبیه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الثیمة و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «سبایة الدرایة»، شرح «وجیهة» شیخ بهائی، در درایة الحدیث، «ذکری المحسنین»، «نزهة اهل الحرمین»، «وفیات الاعلام من الثیمة الکرام»، «رساله‌ای در ردّ

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبدالله بن مسعود بن تاج الشریعه محمود بن صدرالشریعه محبوبی. (وف ۷۲۷ ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، معسر، حکیم، طبعی‌دان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه اول فراگرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از عمی عصر خویش به حساب می‌آمد. در یخرا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج الشریعه، را تنقیح کرد. از آثار او: «تمذیل العلوم»، «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»، «شرح الوقایة»، شرح کتاب چند خود «وقایة الروایة فی مسائل الهدایة»، در فقه حنفی، «مختصر لرقعة»، نه نام «التفایة فی مختصر الوقایة»، «لوشاح»، در علم معانی و بیان، «فصول الحسین»، در نحو.

الإعلام (۴/ ۳۵۴)، روحانه (۲/ ۲۳۳-۲۳۴)، کشف المکنون (۲۹۶، ۲۹۷، ۱۰۲۷، ۱۲۷۰، ۱۹۷۱، ۲۰۹۱)، التکرر و الالفاظ (۲/ ۲۱۵)، لغت ساه (۱/ ۲۰۲۱)، عین الله، معجم المؤلفین (۶/ ۲۲۶)، هدیة المعارین (۱/ ۶۵۰-۶۲۹).

صدر بشراء قاحار به بهجت قاجار

صدر شهید، حسام الدین، ابو محمد / ابو حفص عمر بن عبدالعزیز بن عمر بن مازة بخاری (۴۸۳-۵۳۶ ق)، فقیه حنفی، معروف به ابن مازة. اهل خراسان بود. نزد پدرش فقه آموخت و به پایه‌ای رسید که ضرب المثل شد و نزد سلطان جابگاه رسمی یافت. حده‌ای از او فقه آموختند. وی از علی بن محمد حدام حدیث شنید و بوعلی بن وریز دمشقی او وی حدیث روایت کرده است. در واقعه نظران در سمرقند کشته شد و در بخارا دفن شد. از آثارش: «الجامع»، در فقه؛ «العتاوی لصغری» و «العتاوی نکبری»؛ «عمدةالمستمری و المستمری»؛ «الواقعات لحسامیه»، به نام «الاجتناس»، در فروع؛ «اصول حسام الدین»؛ شرح «ادب القاضی»؛ حصار؛ شرح «الجامع لصغیر»؛ شیبانی، در فروع فقه حنفی.

الإعلام (۵/ ۲۱۰)، یصاح المکنون (۲/ ۱۲۴)، سیر النبلاء (۲۰/ ۹۷)، کشف المکنون (۱۱/ ۴۶، ۱۱۳،

صدر هاشمی

ذکره روز روش (۲۷۳)، تذکره نصرآبادی (۱۷/۱۸۰)،
الدیسمة (۹/۶۰۵)، فرهنگ سخنوران (۵۵۴)، مطبع
الشمس (۲/۴۳۷)

صدرالمعالي شیرازی حائری، سید حسین. (و ف)
۱۲۹۶ ش، نویسنده و مترجم. در تربیت حیدریه رفات
یافت و همان جا دفن شد. از آثار وی: ترجمه «بوسه هدر»
مخرج ورید؛ «کشف الاسرار»؛ «مد آفری»
بهشت کتایب چاپی فارسی (۲/۲۶۲۲)، مؤلفین کتب
چاپی (۲/۷۶۹).

صدرالممالک، امیر محمد صالح رضوی - رضوی،
میرزا ابوصالح

صدر نیشابوری، سید صدرالدین مستوفی. (م ششم
ق)، مورخ و شاعر از سادات بزرگ نیشابور و معاصر
خوارزمشاهیان بود. در فصل و هنر پایه‌ای عالی داشت و
منصب دیوان استیعای نیشابور را عهده‌دار بود. در پایان
عمر ترک آن منصب گفت و آن را به فرزند خود واگذاشت
و خود به ریاضت و عبادت مشغول شد. سید صدرالدین
علاوه بر کتابی که در تاریخ سلاطین خوارزمشاهیه نوشته،
گاهی شعر نیز می‌سروده است.

آشنکده آخر (۲/۶۹۲، ۶۹۳)، تذکره روز روش (۲۷۳)
۲۷۴، الدیسمة (۹/۶۰۲)، رسالین السرافین (۲۱۹)،
فرهنگ سخنوران (۵۵۴)، باب الاباب (۱/۱۴۴، ۱۴۵)،
مجمع الفصحا (۲/۸۱۹)، مطبع الشمس (۲/۱۸۲)،
مقت اللیم (۲/۲۵۶)

صدر هاشمی، سید محمد، فرزند مهدی. (۱۲۸۴-)
۱۳۲۴ ش، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ در
اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیم و جدید در
۱۳۱۶ ش موفق به دریافت بیسانس از دانشسرای عالی و
دانشکده ادبیات گردید سپس به خدمت وزارت فرهنگ
درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از
جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، نارس سی و
ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی نیز
صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کرد و در این باره
مقاله‌ای نگاشت او روزنامه «چهلستون» را به طور هفتگی
به مدت پنج سال منتشر کرد. از دیگر آثار وی «تاریخ
جراید و مجلات ایران»؛ «تاریخ تمدن اسلام و عرب».

و هایت»؛ «سبیل الرشاد» در شرح «حجۃ العباد» در
سلوک و بیان طریق هیودیت؛ «سبیل النجاة» در فقه
معاملات؛ «تکملة أمل الأمل»؛ «جامع اخبار العیبه»؛ «تسین
الاساحة للمصلین»؛ «تحصیل الصروع الدینیة فی فقه
الامامية»؛ «حداثی الوصول الی علم الاصول»؛ «مجانس
لمؤمنین» در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف
ارحالی»؛ «مناقب آل الرسول من صریح الجمهور»؛
«خلاصة النحو»؛ «آداب الحج و اسرار»؛ «انتخابات القریب
من القریب»؛ گردآوری نام محدثانی که این حجر آنان را
شیمه ذکر کرده است؛ «الذکر الموسویة فی شرح المفائد
«بحفزیة»

آثار الحیة (۱/ ۲۰۹) الاعلام (۲/ ۲۲۹، ۲۴۰) بیان
الشیعة (۵/ ۳۲۵-۳۳۰)، تأسیس الشیعة (مقدمه ۳۵۰)،
الدیسمة (۱۱، ۱۶، ۲/ ۳۵۹، ۳/ ۱۳۷، ۲۲/ ۳۲۰، ۲۴/
۱۱۲)، زیجانه (۲/ ۴۲۵، ۴۲۶)، طسقات اعلام الشیعة
دقون (۱۴/ ۴۲۹، ۴۳۵)، علماء معاصرین (۱۷۵-۱۷۰)،
مجمع المؤلفین (۳/ ۲۹۹-۳۰)، مکرم الآثار (۶/
۲۰۱۹-۲۰۱۵)

صدر قزوینی، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا
فضل‌الله. (ر ۱۲۸۷ ق)، شاعر، پدرش از سادات و علمای
بزرگ قزوین و معلم عباس میرزا نایب السلطنة بود. در
محضر پدر فضل و ادب آموخت و در دوره محمد شاه
قاجار به صدارت دیوان خاتمه عبادت منصوب شد و در
روزگار ناصرالدین شاه به سفارت دولت روسیه رفت و
پس از بازگشت متولی آستانه مقدس رضوی شد. او در
بهایت عزت و احترام زیست تا از دنیا رفت. ری شعر
می‌سرود و «دیوان» شعر داشته است

حديقة الشعراء (۲/ ۱۰۵-۱۰۴)، الدیسمة (۹/ ۶۰۴)،
نصنامه (دین / صدر قزوینی)، مجمع الفصحا (۵/
۷۰۶-۷۰۷)

صدرالمعالي شیرازی - ملا صدراي شیرازی.

صدر مشهدی، صدرالدین، فرزند سید علی کبر. (م
یازدهم ق)، شاعر از سادات و شاعران مشهد و
خواهرزاده شیخ بهایی (م ۱۰۳۰/۱۰۳۱ ق) بود. در کمال
درویشی و آرامش می‌زیست و عهده‌دار منصب احتساب
هرات بود و در همان شهر درگذشت. اشعاری از او به جا
مانده است

ترجمه: «تاریخ کربلا و حائر حسین (ع)»، ترجمه: «شعر و شاعری در عصر صفوی»، «هشاق قندهار»، ترجمه: تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صغریه، چاپ «تذکره الانساب»، در اسباب خاندان مجلسی

تاریخ چراند و سچلات (۱/ سه - همت)، تذکره القیوم (۳۹۱)، الذریعه (۱۷/ ۱۰۶-۱۰۹)، زیلگیست رجال و مشاهیر (۲/ ۱۹۷-۱۹۸)، فهرست کتابهای چاپی (۱/ ۶۹۰، ۷۴۰، ۲/ ۲۱۵۱)، مولین کتب چاپی (۵/ ۵۲۵، ۵۲۶)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۳۸۳۴)

صدر هروی ← برهان لدین هروی.

صدریه، ریسب، فرزند صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (وف ۱۰۹۷ ق)، عالم، متکلم، فیلسوف، عارف و همد. همسر ملا محسن فیض کاشانی بود. مقدمات علوم را در محضر برادرش، میرزا ابراهیم، آموخت و در محضر پدرش صدرالمتألهین به تکمیل آموخته‌های خود پرداخت تا در علوم سرآمد شد. از ارمیض کاشانی دارای سه مرتبه دانشمند و عالم به نامهای محمد عمم الهدی و مهشید نورالهدی و احمد معین الدین شد

مستدرکات اعیان (۳/ ۸۴۸۳)، مشاهیر رجال (۱۶۲)، معادن الحکمة (مقدمه)، معاصر اسلام (۷/ ۳۵۳۴)

صدقی عییشه کرمانی ← صدقی کرمانی.

صدقی. (ز ۱۰۰۱ ق)، خطاط، از خوشنویسان برآمدست بود. از آثار وی. در قطعه در مرقعی از کتابخانه خریته اوقاف اسانول است که به قلم سه دانگ و دو رنگ و کتابت عالی نوشته، با رقم: «کتابه المدین صدقی عرافه سجانه دیوبه و متر عیوبه فی سنة ۱۰۰۱ هـ». (حرف ر آثار خوشنویسان ۳۲۹، ۲)

صدقی استرآبادی، سلطان محمد (وف ۹۵۲ ق)، شاعر، متخلص به صدقی اصل وی از استرآباد و ساکن کاشان بود. صدقی در شعر استاد محتشم کاشانی و از دانشمندان روزگار خود به شمار می‌رفت. وی در سرودن قسام شعر، پیژده قصیده توانا بود. در کاشان درگذشت و همان‌جا دفن شد. در تذکره «صبح گلشن» نام او به خطا، صدوی ضبط شده است. از آثارش: «دیوان» شعر؛ شرح «مطالع الانوار» ارموی؛ «ساقی نامه»

تشکده آذر (۲/ ۷۹۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۷۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۲)، تحفه ساسی (۸۱-۸۰)، تشکده بیمانه (۲۶۲-۲۶۴)، الذریعه (۹/ ۶۰۵، ۱۲/ ۹)، صبح گلشن (۲۵۲)، فرهنگ سخنوران (۵۵۵)، لغت نام (دیل / مسدنی)، هدیه المارمیر (۲/ ۲۴۰)، حققت اقبیم (۳/ ۱۱۶-۱۱۵)

صدقی اصفهانی ← سمیرمی نقاشباشی

صدقی زهابی، جمیل، فرزند مولوی محمد فاضل. (وف ۱۳۱۴ ش)، شاعر. اصل وی از زهاب است. در نمداد به دنیا آمد. نزد پدرش تحصیل کمال کرد و از تمام معلومات پدر بهره برد. وی چون در خارج از ایران بود و با ایرانیان معاشرت کمی داشت، نمی‌توانست به خوبی به زبان فارسی شعر بسراید، اما اشعار عربی او بسیار شیوا و فصیح است. چنان‌که وی یکی از شعرای بزرگ عراق و بلکه جهان عرب می‌باشد. در بغداد درگذشت

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۰۰۶-۱۰۰۷)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۶۷۶۴)

صدقی کرمانی، میرزا صدق. (س سیزدهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به صدقی منقلب به صدق عییشه در حریت خدمت فخرالدین میرزا محمد تقی مظفر علیشاه رسید و به سر و سلوک پرداخت. دکتر نوایی گوید. وی همان میر محمد صادق صدق عییشه محلاتی، جد مادری آقا خان محلاتی، است. از اوست

گر از پیمانه ما باده دادی چشیده را ساقی ز عقل و هوش در عالم نمادی ذره‌ای باقی

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۰۰۶)، الذریعه (۹/ ۶۰۶-۶۰۵)، ریاض المارمیر (۲۶۷)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۰۹)، لغت نامه (دیل / صدقی کرمانی).

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی ← ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد

صدوقی، شیح محمد، فرزند میرزا ابوظالب بن مرزا محمدرضا مجاهد کرم‌شاهی. (۱۲۸۷-۱۳۶۱ ش)، عالم دیسی، فقیه و مدرس. گویند اجدادش از فرزندزادگان شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، بوده‌اند. در یزد به دنیا آمد و تحصیلات

شش ماه ترفند در آن کشور، در ۱۳۱۷ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری بهداشت کودکان در دانشسرای عالی منصوب شد. وی بعدها به دانشیاری کرمی بهداشت و پس از آن به سمت اسنادی دانشکده پزشکی انتخاب گردید. از آثار وی 'بهداشت عذایی، بهداشت نسل' «فن بچه داری».

بهرست کتابهای چاپی (۱/ ۵۴۰، ۲/ ۲۴۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۶۰-۸۵۹)

صدیق احمد، عیسی، فرزند صدیق التجار اصفهانی (تو ۱۲۷۲ ش)، مؤسس دانشگاه تهران، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۰ ش عازم فرانسه شد و در ۱۲۹۷ ش دوره دانشسرای ورسای را به اتمام رساند و از دانشگاه پاریس، دانشنامه لیسانس در رشته ریاضی گرفت. چندی نیز در دانشگاه کمبریج به مطالعه و تدریس پرداخت. در ۱۲۹۷ ش به ایران مراجعت کرد و تا ۱۳۰۹ ش مشاغل مختلفی را بر عهده داشت، از جمله 'بازرس مدارس متوسطه و عالی، ریاست فرهنگ پهلان، ریاست تعلیمات عالی، معلمی دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و مدرسه حقوق و مدتی سیر مدیر دانشسرای متوسطه' «مرد آزاد» بود در ۱۳۰۹ ش به دعوت دانشگاه کلمبیا برای «مطالعه فرهنگ آمریکا» به نیویورک رفت و از آن دانشگاه موفقی به اخذ درجه دکترا در فلسفه گردید و پس از بازگشت به ایران مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۱۹ ش ریاست و استادی دانشسرای عالی، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم به عهده وی بود. او چندین بار به وزارت فرهنگ انتخاب شد. سرانجام در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری»، «اصول تعلیم و تربیت»، ترجمه: «تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا عصر حاضر»، «حقوق بین الملل»، «شرح حال و شخصیت و آثار فردوسی»، «صنایع ایران در گذشته و در آینده»، ترجمه: «یکسال در آمریکا».

الدبریه (۲/ ۱۷۹، ۱۵/ ۹۰)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۲/ ۲۰۵-۲۰۰)، شرح حال رجال سیاس و نظامی (۲/ ۹۲۹-۹۲۸)، بهرست کتبهای چاپی (۱/ ۲۴۹، ۲/ ۲۵۱، ۲۳۵۱)، کتابنامه محققین دهه انقلاب (۱۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۵۰-۶۵۲).

صدیق الحکماء، سید رضا، (س چهاردهم ق)،

معدمانی و قسمتی از سطوح را در مدرسه عبدالرحیم خان برداشتید زمان تلذ نمود. در ۱۳۴۸ ق به اصفهان رفت و چندی در خدمت استادان آن شهر درس خواند. زمستان همان سال از اصفهان به یزد مراجعت کرد و در ۱۳۴۹ ق برای تکمیل تحصیلات با خانواده خود به قم رفت و استادی سطوح عالی را درک و از محضر درس آیت الله حائری و آیت الله خواساری و آیت الله صدر و آیت الله حاجب استفاده نمود و همچنین سطوح عالی را تدریس کرد. سالها مقیم شهر به آیت الله صدر و آیت الله بروجردی بود. از ۱۳۷۱ ق در یزد اقامت گیرد و مرجع موردی مردم شد. وی پس از ایراد خطبه های تمار جمعه یزد بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. از آثار وی، تعمیر مسجد خطیر، احداث کتابخانه مدرسه عبدالرحیم خان، تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه عبدالرحیم خان، احداث مدرسه صدوقی در مشهد مقدس رضوی، ایجاد مؤسسات خیریه در شهرستان قم و اماکی دیگر، از آثار علمی وی: «حدیث کساء»، «قصه السیل»، در امر بین الامم.

الرحمة (۲/ ۳۹۱-۳۹۳)، گنجینه دانشمندان (۷/ ۴۴۲-۴۴۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۵۳۶-۵۳۷)

صدوقی خسروشاهی، سید رضا، (س چهاردهم ق)، نویسنده، از دانش آموختگان رشته ادبیات فارسی است که گنجینی از برجسته ترین آثار نویسندگان معاصر را تحت عنوان «صیحه های ادب یا شاهکارهای نویسندگان معاصر» فراهم آورده و در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۳۷ ش در تبریز منتشر کرده است.

بهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۱۷۳).

صدیق، فضل الله، (تو ۱۲۸۲ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده تحصیلات متوسطه را در دارالفنون گذراند و در ۱۳۰۹ ش به فرانسه رفت. تحصیلات پزشکی را تا آخر سال درم در بوردو و قه را در پاریس به پایان رساند. او پس از نگارش پایان نامه خود درباره «نگهداری و اصلاح نژاد انسانی» به اخذ درجه دکتری نایل شد. سپس در رشته بهداشت و بیماری کودکان مدت یکسال و نیم تحصیل کرد و گرایش به تخصصی از «مورسنگ» پرورش کودکان پاریس دریافت نمود. پس از آن از طرف دولت انگلستان برای تحقیق، به الجزیره رفت و پس از

برشکه، مترجم و نویسنده. از آثار وی: «اصول طب جدید»؛ «حفظ الصحة»؛ «هدیه التلقیح»؛ ترجمه «معرفة النسل»؛ الیوه ریاض

به‌رست کتابهای چاپی (۱/ ۲۵۹، ۱۱۷۸)، مؤلف کتب چاپی (۳/ ۱۷۳-۱۷۴)

صدیقی، غلامحسین، فرزند اعتضاد دفتر حسین باستانی نوری. (۱۲۸۴-۱۳۷۰ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه و رئیس انجمن آثار ملی. در تهران به دنیا آمد پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه‌های لیانس و دارالفنون در ۱۳۰۸ ش به فرانسه اعزام شد. او پس از اخذ دیپلم ادبیات از دانشسرای عالی سرگود، تحصیلات دوره دکترا را در دانشکده ادبیات دانشگاه سوربن آغاز کرد و با تقدیم رساله خویش تحت عنوان «جسهرهای دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری» دوره دکترا را خویش را به پایان برد. پس از سرگشت، به خدمت دانشگاه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد. معلم جامعه شناسی و تاریخ فلسفه، نماینده دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی در شورای دانشگاه، عضو هیأت نمایندگان ایران در کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تربیت (در ژنو) و بعد از همین سمت در لندن، عضو هیأت سوسیالی و اقتصادی و فرهنگی در هند، ریاست دبیرنگی در سکریتاریس کنفرانس سازمان تربیتی و علمی یونسکو به جهت شایستگی علمی و فرهنگی او مدتها عضو هیئت تحقیقی انجمن آثار ملی بود و چندین سال هم ریاست انجمن آثار ملی را بر عهده گرفت. وی همچنین در ویرای کاتبه دکتر مصدق بود. در تهران درگذشت. از آثار وی: «از طالب تا سفرای»؛ «گزارش سفر هند»؛ دکتر صدیقی برای مدتی هم با علی‌اکبر دهخدا همکاری علمی و فرهنگی نمود و تألیف و تصحیح دو جزء «الف نامه» را بر عهده گرفت و به پایان رساند. او همچنین در تصحیح تألیفات فارسی منسوب به ابن سینا شرکتی فعال داشت.

آینده (سن ۱۷، ش ۴۰۱، ص ۱۶۴-۱۷۳)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۹۲۹-۹۳۰)، مؤلف کتب چاپی (۴/ ۶۷۹-۶۸۰)

صدیقی تبریزی به صدیقی تهرانی

صدیقی تهرانی، رضا، فرزند محمد صادق صراف. (تو ۱۲۸۹ ش)، شاعر. در تبریز به دنیا آمد.

تحصیلات مقدماتی را در مدرسه تویق به پایان رسانید و چندی نیز به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت، ولی به علت چشم دردی که در طفولیت بر او عارض شد نتوانست به تحصیلات خود ادامه دهد. وی از اوایل کودکی به حفظ اشعار و مطالعه دواویس میل و فری داشت و به سرودن اشعار می‌پرداخت استیادش در صرف و نحو و سق، میرزا علی‌اکبر قاری و شیخ علی‌اکبر هری، و در فقه و تفسیر، آقا میرزا رضی تبریزی بود. صدیقی از حرف پدر، تشبیه به حکیم ثعلبی، شاعر معروف، می‌رسد از آثارش: «خیم پنداری»؛ «همد و یک تری»؛ «رساله اسلام بر نظر دانشمندان غرب» که ضمیمه کتاب «النهیه و الاسلام» به چاپ رسید.

سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۲۶۹-۲۲۶۴)، مرهنگ سخنوران (۵۵۵)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۱۷۴)

صراحی آرتیمانی، محترم النساء، فرزند صلا صلی مشهدی. (وف قبل از ۱۰۲۲ ق)، شاعر، متخصص به صراحی. معروف به محترم النساء وی همسر میر مرتضی آرتیمانی بود. با اینکه نام او در بسیاری از تذکره‌ها آمده است اما به اسامی وی پرداخته‌اند. از اوست:

صراحی گر غمی داری زیحت سرنگون خود
فلاح را همدم خرد ساز و خالی کن درون خرد

ذکره روروش (۴۷۴)، حدیقه‌الشعر (۳/ ۲۱۷۱)،
الدریعه (۹/ ۹۷۱)، زمان سخنور (۱/ ۱۱۷، ۳/ ۱۹۷)،
مشاهیر زمان (۱۲۳)

صراف تبریزی، حاج رضا. (وف ۱۳۲۵ ق)، شاعر، متخصص به صراف. در آغاز به تجارت و سپس به صراف و در اوخر عمر به تئذاری اشتغال داشت. وی از دانشوران آذربایجان و مقیم تبریز بود و همان جا درگذشت. انجمن ادبی لیکرانی غالب اوقات در خانه او تشکیل می‌شد. صراف «دیوانه شعری داشت که پس از وفاتش پسرانش آن را به طبع رسانیدند او در غزل ماهر بود اثر دیگر وی مثنوی «تهذیب الاخلاق» است

تذکره شعرای آذربایجان (۳/ ۴۷۹-۴۸۶)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۰)، الدرر (۹/ ۶۰۶)، سخنوران آذربایجان (۲۸۵-۲۸۶)، شرح حال رجال (۶/ ۱۰۶)، مرهنگ سخنوران (۵۵۶)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۱۷۴-۱۷۵)

آثار وی: «بیلی و مجنون»

آتشکده آذر (۳/ ۱۳۷-۱۱۴۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۲)،
تذکره شعراي پنجاب (۲۱۹)، التریمة (۹/ ۶۰۶، ۶۲۴)،
ریحانة (۳/ ۴۴۲)، کارون هند (۱/ ۷۲۹، ۷۱۷)، لغت نامه
«ذیل / صوفی»، مآثر وحیسی (۳/ ۷۲۱-۶۹۷)، مجمع
الخصائص (۲۲۲، ۲۷۸-۲۷۹)، هفت اقلیم (۲/ ۵۲۸-۵۳۰).

صعویکی نیشابوری، ابوسهل محمد بن سلیمان بن
محمد (۲۹۶-۳۶۹ ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی،
صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در
اصفهان به دنیا آمد. وی به مصره رفت و چندین سال در آن
شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت
داشت. سرانجام در ۳۶۷ ق به نیشابور آمد و سپس
خانواده خود را به آنجا منتقل کرد، او بیش از سی سال
کسری درسی و فتوای نیشابور را در اختیار داشت
صعویکی از ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد
ماسرجسی و احمد محمد آبادی و ابن ابی حاتم و
اسبن البیاری و محمد بن مسلم و دیگر حدیث شنید
همچون: ابوعلی، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه
آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحاق مروزی بود و
گفته اند که از وی فقه آموخت گویند که او خیلی را نیز
درک کرده بود. نسوی وی را پیشنگام علم تصرف می داند
ابونکر صیرفی گویند که اهل خراسان همچون ابوسهل را
هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفته که ما همچون
بوسهل ندیده ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده
ست. او در شریعت و طریقت یگانه روزگار خود بود. در
نیشابور درگذشت. ثعالی اشعار بسیاری به او نسبت داده
است و التوائله روایتی از او است

اسرارالتوحید، تعلیقات (۶۵۸)، الاعلام (۷/ ۲)، الاعلام
بوفیات الاعلام (۱/ ۲۵۳)، انساب سماعی (۳/ ۵۳۹،
۵۴۰)، ریحانة (۳/ ۴۴۲-۴۴۵)، سیرالسلا (۱۶/ ۲۳۵،
۲۳۹)، شذرات الذهب (۳/ ۷۰-۶۹)، طبقات الصوفیه
هروی (۵۸۵)، المعبر (۲/ ۱۳۲)، الکسی و الانقلاب (۲/ ۲۱۶-۲۱۷)،
نعت نامه (ذیل / صعویکی)، النجوم الزاهرة
(۲/ ۱۲۰-۱۲۱)، صفحات الانس (۲۱۷-۲۱۸)، الوافی
بالوفیات (۳/ ۱۲۵-۱۲۴)، ولسیات الاصفهان (۲/ ۵۲۸-۵۳۰).

صعویکی نیشابوری، ابوطیب احمد بن محمد بن

صرام نیشابوری، ابوالفضل محمد بن عبیدالله بن
محمد (وف ۴۷۹ ق)، محدث، شنیف و راهب. پدرش از
بررگان شهر بود. از ابوالحسن علوی و ابوعبدالله حاکم
نیشابوری حدیث شنید و «مسند» ابی عروانه را از ابونعیم
اسفرائینی استماع کرد. وجه شجاعتی و اسماعیل بن
ابوصالح مؤذن و محمد بن جامع صواف و عبدالله بن
محمد قزوی و دیگران از وی حدیث شنیدند.

الاعلام بوفیات الاعلام (۱/ ۳۷)، سیرالسلا (۱۸/ ۲۸۳-۲۸۴)، شذرات الذهب (۳/ ۲۶۲)، المعبر (۲/ ۳۲۴).

صرام هروی، ابوالفضل احمد بن ابی عمران (وف
۲۹۹ ق)، حافظ، محدث و فقیه معروف به ابن ابی عمران
وی شیخ الحرم و مجاور مکه بود. ارکسانی همچون حیثمه
بن سلیمان طرابلسی و محمد بن احمد محبوبی مروزی و
احمد بن بندار و دهلیج سجری و ابوالقاسم طبرانی و
دیگران حدیث شنید. او حدیث بسیاری در مکه روایت
کرد. ابویعقوب قرطاب و ابونعیم اصفهانی و علی بن محمد
حنانی و ابوعلی اهوازی و ابوالفضل بن بندار رازی و
دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. بسیاری از مردم
مغرب زمین که به دنبال حدیث بودند از او اخذ حدیث
کرده اند. وی با محمد بن داوود دقّی مصاحب داشت.

سیرالسلا (۱۷/ ۱۱۲-۱۱۱)، شذرات الذهب (۳/ ۱۵۳)،
المعبر (۲/ ۱۹۵-۱۹۴).

صرصر قزوینی، محمد علی، فرزند جعفر (س
سیزدهم ق)، شاعر از قزوین برای تجارت به یزد رفت و
در آنجا ساکن شد. صرصر اشعار ترکی و فارسی در مدق
و مرثیة الممه اظهار (ع) می گفت او در یزد درگذشت
حدیقه الشعر (۲/ ۱۰۸).

صرفی زوبیده موی - صرعی ساوجی، صلاح الدین

صرعی ساوجی، صلاح الدین (ر ۹۹۹ ق)، شاعر
مشهور به صرعی زوبیده موی. در ساره به دنیا آمد. پس از
نشو و نما از ایران به هند رفت و مدتی در گجرات و لاهور
به سر برد و در مسلک شاعران دربار جلال الدین اکبر
درآمد. پس از چندی، در ۹۹۹ ق، با فیضی به دکن رفت و
در آنجا وفات یافت. صرعی از شاگردان محشم کاشانی
بود و با مولانا وحشی و غیرتی مصاحب داشت او مردی
درویش مسلک بود و قصیده و غزل را نیکو می سرود. از

ماوراءالنهر است. در لاهور به دنیا آمد و در عزه شهر و بنا یافت. به بغداد رفت و سفری به یمین نمود و سرانجام تا پایان عمر در بغداد ماندگار شد. او در مکه از ابوالفتح نصر بن حصیری و در یمین از قاضی حلف حسن آبادی و در بغداد از سعید بن محمد بن رزاق حدیث شنید. در زبان عربی سرآمد همعصران خود بود؛ و از مشاهیر فقها و محدثین به شمار می‌رفت. در اکثر علوم ریاست علمی داشت. حوزه درس او مرجع استعاده افضل زمان بود. صغانی از مشایخ اجازه روایتی سید احمد بن طاووس و فرزندش سید عبدالکریم بن طاووس و علامه حلی است. از آثار وی، «مجمع البحرین»، در لغت؛ در چندین مجلد؛ «لغات»، معجمی در لغت که برای ابن حلقمی وزیر مستعصم نگارش کرده است؛ «النسوار»، در لغت؛ «الاضداد»؛ «مشارق الانوار»، در حدیث؛ که برای مستعصر عباسی تألیف کرده است؛ شرح «صحیح» بخاری به طور مختصر؛ «التکملة علی الصحاح» یا «تکملة لاصحاح»؛ «الدر السحابة فی مواضع و زینة المصحة»؛ «دیان الاحادیث الموضوعة» یا «الدر الملتصقة فی بیان الاحادیث الموضوعة».

الاعلام (۲/ ۲۳۲)، ایضاح المکنون (۲/ ۴۲۳)، روایات الحدیث (۳/ ۹۱، ۸۹)، ریحانة (۳/ ۹۰، ۲۰۷)، سیرالنبلاء (۲۳/ ۲۸۲-۲۸۴)، شذرات الذهب (۵/ ۲۵۰)، المعیر (۲/ ۲۶۵)، کشف الطون (۸۷/ ۱۱۶)، ۲۵۱، ۳۹۵، ۵۵۳، ۷۳۱، ۱۰۶۵، ۱۰۶۷، ۱۰۷۲، ۱۰۸۷، ۱۱۱۲، ۱۲۵۰، ۱۳۹۲، ۱۱۹۲، ۱۲۲۲، ۱۲۳۸، ۱۳۶۱، ۱۵۹۹، ۱۶۸۸، ۱۷۰۵، ۱۷۷۶، ۱۸۰۸، ۱۸۳۲، ۱۹۸۰، الکسی واللقاب (۲/ ۴۱۸-۴۱۷)، معجم الادبیات (۹/ ۱۸۹-۱۹۱)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۷۹)، المجموع الزاهرة (۷/ ۲۶-۲۷)، التوامی التوامی (۱۲/ ۲۴۳، ۲۴۴).

صعیر صفهانی، محمد حسین، فرزند سدا، (۱۲۷۳/ ۱۲۷۴-۱۳۴۹ ش)، صوفی و شاعر، متخلص به صعیر. در اصفهان به دنیا آمد و به شغل نساجی روزگار می‌گذراند. صعیر از اعضای انجمن ادبی شیدا بود و تا آخرین روزهای زندگی شیدا با وی همدم و همراز بود. مدتی ریاست انجمن ادبی کمال را عهده‌دار بود. ری برد میرزا عباس صابر علیشه پیر مدتی کسب فیض کرد. در صمغان درگذشت. از آثار وی، «دیوان» شعر؛ «وداد بشر»؛ شعر؛ «مصیبت نامه»؛ شعر؛ «فصائل الالب»؛ شعر؛ «خطبة القدير»؛ شعر.

سلیمان، (وف ۳۳۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه، مدرس و لغوی. پدرانش حنفی و خود شافعی مذهب و از بزرگان مذهب شافعی بود. از یحیی بن محمد ذهللی و علی بن حسن دارابجردی و محمد بن عبدالرهاب قرطبی و محمد بن یوب رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و همطقة آنان حدیث شنید. او در نیشابور به تدریس فقه و حدیث مشغول بود. برادرزاده اش، ابوسهل صعلوکی، و ابوعبدالله اخرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که از وی حدیثی شنیدم. او در فقه و لغت از پیشگامان بود و در حدیث صاحب تصنیف.

الاعلام بوفیات الاعلام (۱/ ۲۳۱)، اسباب سمعانی (۲/ ۵۴۱-۵۴۰)، سیرالنبلاء (۱۵/ ۲۹۱)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۰۸)، التوامی بالتوامی (۷/ ۳۹۶).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل بن ابی سهل محمد بن سلیمان عجللی حنفی، (وف ۳۸۷/ ۴۰۴ ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. معنی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان، و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاه آموخت. سپس به نیشابور درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برآی نگارش بیانات از فراهم می‌گردید. حاکم نیشابوری و ابونکر سلفی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش، «الفوتحة» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»؛ که همان طبقات شافعیه است.

الاعلام (۳/ ۲۱۰)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱/ ۲۷۳)، اسباب سمعانی (۲/ ۵۴۰)، روایات الحدیث (۴/ ۹۲)، ریحانة (۳/ ۴۴۵)، سیر النبلاء (۱۷/ ۲۰۷، ۲۰۹)، شذرات الذهب (۳/ ۱۷۳-۱۷۲)، طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، المعیر (۲/ ۸)، کشف الطون (۱۶۴۵)، الکسی واللقاب (۲/ ۴۱۶-۴۱۷)، نسب نامه (دیل/ سهل)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۸۴)، صحاح الانس (۳۱۸)، التوامی بالتوامی (۶۱/ ۱۲-۱۳)، وفیات الاعیان (۲/ ۲۳۶-۲۳۵)، هدیة العربین (۱/ ۴۱۲).

صغانی، رضی‌الدین ابوالفضائل حسن بن محمد بن حسن عمری، (۵۷۷-۶۵۰ ق)، فقه حنفی، محدث، لغوی و لغوی. اصل وی از صفان یا چغان مرو از ولایات

صغار حشّاب نیشابوری

نیشابوری وی را محدث عصر و مستجاب الدعوة توصیف کرده است.

انساب سمعانی (۳/ ۵۴۶)، تاریخ نیشابور (۱۸۳)، سی السلا (۱۵/ ۲۳۷-۲۳۸)، شذرات الذهب (۲/ ۳۲۹)، المعبر (۲/ ۵۷)، النجوم الزاهرة (۳/ ۳۴۷)، الواعی بالوایات (۳/ ۳۱۶)

صغار بخاری، ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل. (۴۶۰-۵۳۴ ق)، راهب، متکلم و فقیه حنفی معروف به راهب صغار وی در خرده گیری به پادشاهان دلیر بود. به همین دلیل به فرمان سلطان سنجر از بخارا به مرو تبعید شد، اما مجدداً به بخارا بازگشت. از آثارش: کتاب «السنة و انجباعه»، «صک الحنة»، به فارسی؛ «تخلیص الزاهد»؛ «تخلیص الأدلة لقواعد التوحید»

انساب سمعانی (۳/ ۵۲۸)، ایضاح المکنون (۱/ ۲۷۰)، کشف المکنون (۲۷۲، ۱۰۸۰)، هدیة الماروقین (۱/ ۹)، معجم المؤنقین (۱/ ۱۳)

صغار بخاری، ابونصر اسحاق بن احمد بن شیب/ شیب. (۴۰۵ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اهل بخارا بود. او در ارباب عربی در شناخت نکات و دقائق آن، و همچنین در فقه و حدیث یگانه زمان خود بود. ابرسعد سمعانی در «تاریخ مرو» و حاکم نیشابوری در «تاریخ نیشابور» و خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» به شرح حال او پرداخته اند. او احادیث بسیاری در انواع علوم تراگرفت و در ۴۰۵ ق، در سفر حج، در بغداد، از نصر بن احمد بن اسماعیل کنانی حدیث روایت کرد. ابوعلی حسن بن علی بن مذهب بغدادی از شاگردان و اوایان اوست و او را بسیار ستوده است. صغار در اواخر عمر به حجاز رفت و ساکن طایف شد و پس از مرگ در همانجا دفن شد. صغار شعر را بیکو می سرود. او در لغت و ادبیات تصانیفی دارد از جمله: «المدخل الی «سیبویه»، در نحو؛ «المدخل الصغیر»، در نحو؛ «الرد علی حمزة فی حدوث انصحب»

سار سمعانی (۳/ ۵۴۸-۵۴۷)، تاریخ بغداد (۶/ ۳۰۴)، ریحانة (۳/ ۲۵۲)، لغت سامه (دیل/ اسحاق)، معجم لادباء (۶/ ۶۹-۶۹)، معجم المؤنقین (۲/ ۲۳۰)

صغار حشّاب نیشابوری، یوسف بن محمد بن علی بن محمد. (۳۸۱-۴۵۶ ق)، محدث از ابومحمد قحطی و

مذکره خزان معتم (۱/ ۲۲۰-۲۲۲)، تذکره شعرائ معاصر اصمهان (۳۰۸-۳۰۶)، دیبست مستخبر (۱۹۵-۱۹۲)، الذریعة (۹/ ۶۰۷-۶۰۸)، ونگنامه رجال و مشاهیر (۴/ ۲۰۸-۲۰۶)، سخوران نامی معاصر (۲/ ۲۲۷-۲۲۷)، مرهنگ سخوران (۵۵۶) مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۷۱، ۷۶۹)

صفا، صفات الله - جمالی اسدآبادی، صفات الله

صفا، ذبیح الله - صفای شه میرزادی

صفاءالسلطنة، میرزا علی - مشتاقی نایبی

صفا سنگسری - صفایی سمنانی، محمود علی

صغار اصفهانی، ابوسعید عبدالرحمن بن احمد بن عمر. (وف ۲۲۶ ق)، محدث. وی برادر فقیه بزرگ ابوسهل صغار است. از احمد بن یثدار شعار و ابوالقاسم طبرانی حدیث روایت کرده است. گروهی از شیوخ سلفی از جمله محمد بن حسن علوی رشی و ابوعلی حذاد از وی روایت کرده اند
سیرالسلا (۱۷/ ۵۸۶-۵۸۵)

صغار اصفهانی خراسانی، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن احمد. (وف ۳۳۹ ق)، محدث و زاهد. معروف به محدث خراسان و صغار زاهد. در اصفهان از احمد بن همام و آبید بن عاصم و احمد بن مهدی و عبید غزال و در فارس از احمد بن مهران بن خالد و در بغداد از محمد بن ترح ازرق و احمد بن عبدالله قرسی و ابن ابی اسامه و در مکه از علی بن عبدالله مریر حدیث شنید. او را بونکر بن ابی دنیا تصانیفی را استماع کرد و مجموع نسبه هایش را تحت عنوان «رهريات» تصنیف کرد. بعد از ۳۰۰ ق به نیشابور رفت و در آنجا «مسند کبیر» را از عبدالله بن احمد بن حنبل شنید و از اسماعیل قاضی تصانیفش را نوشت. آنگاه مصاحب زهاد و عباد شد و تصبیعی در «رهبة» نگاشت. پس به سوی حسن بن سفیان رفت و «مسند» و همچنین کتب ابوبکر بن ابی شیبیه را از وی فراگرفت. ابوعلی حافظ نیشابوری و ابوعبدالله حاکم نیشابوری و ابوالحسن خجندی و ابن منده و ابوسعید صیرفی و محمد بن ابراهیم جرجانی از وی حدیث روایت کرده اند. حاکم

ربد خویش گشت در «شذرات الذهب» نام صاحب
عنوان صفار مریدی آمده است

الاعلام بویات الاعلام (۱/ ۳۱۲)، سیر النبلاء (۱۸/ ۳۸۴-۳۸۵)، شذرات الذهب (۳/ ۳۴۱)، المعبر (۲/ ۳۳۰)،
سبک میران (۶/ ۵۷۰، ۵۷۱)، الوافی بالوفیات (۵/ ۸۷)

صفار نیشابوری، ابوبکر محمد بن قاسم بن حبيب بن
عبدوس، (وف ۴۶۸ ق)، محدث و فقیه شافعی. وی مفتی
نیشابور بود. از ابونعیم اصفهانی، مهرجانی و ابوالحسن
علوی و ابوعبدالله حاکم نیشابوری حدیث شنید. به گفته
ابومعند سمعانی، نزد ابومحمد جوینی فقه آموخت و
چون جوینی به حج رفت در حلقه درس جانشین او گشت.
بوعاصم عبّادی دقت نظر صفار را در فوا مسوده است.
زهر شکامی و وجیه شکامی و دیگران از وی حدیث
روایت کرده اند

سیر النبلاء (۱۸/ ۴۳۷-۴۳۸)، شذرات الذهب (۳/ ۳۳۱)،
المعبر (۲/ ۳۲۵)، الکاس (۸/ ۱۲۳).

صفار نیشابوری، مجدالدین ابوسعید عبدالله بن همر
بنی محمد، (۵۰۸-۶۰۰ ق)، اصولی، فقیه و محدث شافعی
از حوزة مدری اش، ابوبصر ابن قشیری، و پدرش و عمه اش،
عائشه و جدّه اش، دُرْدانه خواهر عیدانغافر، و هبة الله
سیدی و سهیل بن ابراهیم مسجدی حدیث شنید. وی
«صحیح» مسلم را از فروزی و «سنن» دارقطنی را از فضل
بن محمد ابیوردی و «سنن کبیر» را از زاهر بن طاهر و
«سنن» ابی دؤود را از عبدلغافر و «سنن» و «الانوار» را از
عبدالجبار خوارزمی استماع کرد. پدرش، قاسم بن ابی سعد
صفار، و بدل تبریزی و نجم الدین خَیوقی و ابورشد خُوال
و اسماعیل بن ظفر و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند.
عبدالرحمن بن ابی عمر و ابن بخاری از وی اجازه روایت
داشتند. او را از پیشگامان فقه و حدیث و عالم به اصول به
شمار آورده اند

الاعلام بویات الاعلام (۲/ ۴۰۴)، سیر النبلاء (۲۱/ ۴۰۳-۴۰۴)، المعبر (۲/ ۱۲۹)، النجوم الزاهرة (۶/ ۱۶۶).

صفاری، رحیم، فرزند صدق، (تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر و
مرجم. در رشت به دنیا آمد و در کالج آمریکایی تهران
تحصیل کرد. او طبع شعر نیر داشت و در حدود هزار و
پانصد بیت شعر سروده است. اثر دیگر وی: «تذکره
روشنفکران»، ترجمه.

ابوالحسن حنّاف و حاکم نیشابوری و ابوعبدالله حاکم
سلمی و ابن مَحمّش و بسیاری دیگر حدیث شنید.
عبدالعزیز در «سیاق تاریخ نیشابور» گوید که صفار از
خواص ابوعبدالله الرحمن سلمی، و محدثی پر استفاده و
صاحب تصانیف و جمع کننده و بُندانر کتب حدیث نیشابور
بود. آخرین کسی که از وی حدیث روایت کرده، زاهر
شکامی است.

الاعلام بویات الاعلام (۱۱/ ۳۰۳)، انساب سمعانی (۲/ ۳۶۶)، سیر النبلاء (۱۸/ ۱۵۰-۱۵۲)، شذرات الذهب (۳/ ۳۰۱)، المعبر (۲/ ۳۰۷)، الوافی بالوفیات (۴/ ۱۲۶)

صفار قمی، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ (وف
۲۹۰ ق)، فقیه، محدث و عالم امامی. از بزرگان علما و
ثقات محدثین قم و از مشایخ روایت شیخ صدوق،
ابن بابویه قمی، برادر حضور حضرت امام حسن عسکری
(ع) را درک کرده و از آن حضرت روایت نموده است.
گفته اند که او بسیار جلیل القدر و دارای کمترین لغزش در
قول روایات بوده است. روی جمیع کتب و روایات از
شاگردش، محمد بن حسن بن ولید، است در ابواب
درگذشت از آثارش: «الاشربة»، «الایمان و التوفیق»،
«الکهارات»، «بصائر الدرجات»، «الحصائر»، «الحدود»،
«الصلوة»، «الوضوء»، «فصل القرآن»، «الجهاد»، «المثالب»،
«الملاحم»، «کتاب المؤمن»، «کتاب الرد علی العلاء»

ایضاح المکنون (۱/ ۱۸۵، ۲/ ۹۹، ۳۶۸، ۲۸۷، ۳۰۹،
۳۲۸، ۳۳۶، ۳۳۷)، الذریعة (۱/ ۵۱۶، ۲/ ۱۲۳، ۱۵/ ۱۴۹)، رجال الطوسی (۲۳۶)، رجال الجاشی (۲/ ۲۵۳، ۲۵۴)، ریحانه (۳/ ۲۵۳)، الفهرست للطوسی (۲۸۹-۲۸۸)، الکسی و الانساب (۲/ ۸، ۴)، مجمع
المؤلفین (۹/ ۲۰۸)، مدیة الماریف (۲/ ۲۲).

صفار مروزی، ابوالخیر محمد بن ابی عمران موسی
بن عبدالله، (وف ۴۷۱ ق)، مُسند و محدث معروف به
ابوالخیر صفار. وی راوی «صحیح» بخاری در عصر خود
بود. ابوبکر محمد بن منصور سمعانی و پدرش و ابوبکر
محمد بن اسماعیل مروزی و ابوجعفر محمد بن ابوعلی
همدانی و ابوالفتح محمد بن عبدالحسن کُشمیهی مروزی
خطیب و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. ابوسعید
سمعانی او را صالح توصیف کرده است و گوید که
«صحیح» و مقداری از «جامع» ابوعیسی ترمذی را حدیث
کرد و عمری طولانی - متجاوز از نود سال - یافت و شیخ

مهرست کتابهای چاپی (۱/ ۴۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۶۱۲/۳)

صفاری، محمدعلی، فرزند محمد حسن منتظم السلطنه گیلانی، (۱۲۷۷-۱۲۸۰/۱۳۶۷ ش)، نویسنده در لاهیجان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌های محلی گذراند و بعد در مدرسه‌های تربیت و ایران و آلمان تحصیلات خود را به اتمام رساند. سپس وارد مدرسه بریگاد تیراندازی دیویزیون قزاق گردید و پس از خروج از آن مدرسه، در ۱۳۰۱ ش در ارتش و ریاست کشور عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: ریاست شهرداری تهران، ریاست کل شهربانی، وکالت مردم لاهیجان در دوره‌های هجدهم و نوزدهم و بیستم شد. از آثار وی: «خان گیلانی - شرح حال خان احمد» «قربانهای محیط»

چهره‌های آشتا (۳۷۱-۳۷۱)، روز شمار تاریخ (۱/ ۲۹۸، ۲/ ۲۵، ۱۷۷، ۲۲۰)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۹۳۴-۹۳۵)، مهرست کتابهای چاپی (۱/ ۱۲۴۳، ۲/ ۲۵۳۰)، کتاب گیلان (۱/ ۶۷۵-۶۷۷، ۶۸۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۹۹-۲۹۹)، شخصان سیاسی ایران (۴/ ۵۴۲)

صفاری بخاری، قوام‌الدین ابومحمد حماد بن ابراهیم بن اسماعیل واثی، (وف ۵۷۶ ق)، محدث حنفی از پدرش و اسماعیل بن یهقی حدیث شنید. اسماعیل بن محمد تنقی و سرهیم بن سالار خوارزمی و عبیدالله بن ابراهیم محبوی و حسین بن عمر ترمذی ادیب و برهان الاسلام عمر بن ماز و تاج الاسلام محمد بن طاهر خدابادی از وی حدیث روایت کرده‌اند
سیرالنبلاء (۲۱/ ۹۲۰)

صفاری لاهیجانی، فتح‌الله، فرزند میرزا موسی، (۱۲۸۸-۱۳۶۱ ش)، شاعر، در خانواده‌ای معروف و اصیل در رشت به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر قرار گرفت. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی چندی نیز به تحصیل علوم قدیمی پرداخت و از حاصل رمان کسب فیض کرد. در آموزشگاه اختصاصی وزارت پست و تلگراف دوره تخصصی را گذراند و به استخدام این اداره درآمد. وی سالها در انجمن دینی ساری فعالیت داشت و در همانجا از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر متجاوز از پنج هزار بیت، «شکوفه‌هایی از

ادبیات مازندران» که شامل سروده‌های شعرای مازندران به زبان فارسی و محلی است.

سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۳۲۹-۲۳۳۳)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹-۵۵۸)، کتابنامه نخستین دهه انقلاب (۲۲۸)

صفاعلیشاه، میرزا علی خان - ظهیرالدوله قاجار، میرزا علی خان دولو.

صفاء علی محمد خان - صفایی، علی محمد خان

صفای اصفهانی، محمد حسین، (۱۲۶۹-۱۳۰۹/ ۱۳۲۲ ق)، شاعر در اصفهان به دنیا آمد. در حواسان به تحصیل پرداخت. وی با ادیب نیشابوری مصاحبت بود. صفا حظه‌ای قری داشت و به علوم ادبی و عربی مستعد بود. وی چندی در وادی حرمان پا نهاد. او تا پایان عمر مجرد رست. در مشهد درگذشت. متحیی از اشعار او به کوشش دکتر مظاهر مصفا با نام «برگی از دیوان صفای سپاهانی» چاپ و منتشر شده است. از دیگر آثار او: «دیوان» شعر که به اهتمام احمد سهیلی خراسانی طبع و نشر شد

ارمغان (ص ۷، ش ۶ و ۷، ص ۴۰۳-۴۱۷)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۲۷۵-۲۲۸۱)، لغت نامه (دین / صفای اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۷۱)

صفای تبریزی، میرزا فصلعلی مولوی، فرزند میرزا عبدالکریم ملایاشی، (۱۲۷۸-۱۳۳۷/ ۱۳۳۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به صفا. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد آقا میر علی زنوزی آموخت. سپس فقه و اصول را نزد میرزا محمد حسن زنوزی و برادرش، حاج میرزا محمد علی ملایاشی آدریایجان، فراگرفت. او تفسیر و کلام را نزد پدرش آموخت. برای تکمیل تحصیلات عالیه به عتبات سفر کرد و در محضر علمای بزرگ حاضر شد و سرانجام به دریافت حازه اجتهاد از فاضل شربیانی و فاضل ایروانی واردکنی و شیخ رین العابدین مازندرانی نایل گردید. در ۱۳۰۷ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت. در ۱۳۲۴ ق از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در ۱۳۳۶ ق برای معالجه به اروپا رفت، اما اقامت طولانی ری مفید واقع نشد و در

برلین درگذشت و در گورستان مسلمان آنجا دفن شد. روزند یادگان وی به نام مولوی مشهورند. از آثارش: «احکام الاراضی الخراجیه»؛ «استصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «حدود المعارفین»؛ در جمع آیات و حار کتب اربعه؛ شرح «قصیده عینیّه» سید حمیری؛ «مصباح الهندی فی حقیقه، نفیة و الیاء»؛ «کلید دانش»؛ در صرف فارسی؛ «ریاض الازهار»؛ «سمرنامه»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی؛ قصیده «لامیة السمر».

دانشمندان ادبیات (۲۹۸-۲۹۹)، الدریچه (۶/ ۲۸۹، ۹/ ۶۰۸، ۱۲/ ۲۷۱، ۱۴/ ۱۰)، ریساک (۲/ ۴۵۱-۴۴۸)، علمت معاصرین (۱۲۰-۱۲۱)، فرهنگ سحررا (۵۵۷)، مکارم الآثار (۶/ ۲۱۹۶-۲۱۹۷)، یادگار (س) ۳، ۶ و ۷، ص ۱۱۰-۱۱۶)

صفای تفرشی، عیدالحمید، (س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخصص به صفا، اصل وی ز تفرش است. قصیده را خوب می سرود. او نه کمالات معنوی آراسته و سرعت قلم از پر همه مسلم نرد، چنان که هر نشانه زور، هزار پست کتابت می کرد و از این طریق سرور معاش می نمود. او نیز تاریخ تألیف «گنج شایگان» در ۱۲۷۴ ق، در نید حلیات بوده است. از آثار وی «اکسیر حکماء»، (گنج دشر در بند حکماء)؛ «دیوان» شعر لازم به ذکر است که در «مجمع الفصحاء»؛ «دیوان» وی ر مفقود شده می داند.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۷۱)، المآثر والآثار (۲۰۵)، الدریچه (۹/ ۶۰۸)، حدیقة الشعراء (۲/ ۱۰۱۴-۱۵)، گنج شایگان (۳۳۱-۳۳۸)، لغتنامه (ذیل / صفای تفرشی)، مجمع الفصحاء (۵/ ۶۹۹-۶۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۷۷۹-۷۸۰)

صفای شهیرزادی، ذبیح الله، فرزند سید علی اصغر بن میر صفی، (۱۲۷۸-۱۲۹۰ ش)، محقق، مترجم، مصحح، نویسنده، ادیب، شاعر و استاد دانشگاه. در شهیرزاد سمان به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان جا و بابل گذراند، سپس به تهران آمد و تحصیلات خود را تا درجه دکترا ادامه داد و به استادی دانشگاه ادبیات رسید. او در مجلات «مهر»، «ایوان امروز» و «تلمیم و تربیت» مقالات ادبی و تاریخی می نوشت. وی مدیریت سال اول مجله «سخن» و مدیریت سال پنجم و هفتم مجله «مهر» را نیز در عهده داشت و تأسیس روزنامه «شاهنگ» نیز از اقدامات اوست. او مدتی دبیر کل

کمیسیون ملی بوسکو در ایران و زمانی رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود. دکتر صفا در سالهای آخر عمر در شهر لنینگ آلمان می رست. از آثارش «تاریخ ادبیات در یراس»؛ در پنج جلد «حمامه سرببی در یراس»؛ «تاریخ علوم عقلی»؛ در مبد اسلامی با قرن پنجم هجری؛ «سرمای پرستی در ایران قدیم»؛ ترجمه؛ تصحیح «اسرار التوحید»؛ تصحیح «دیوان عبدالواسع جلی»؛ «جشن نامه ابن مسعود»؛ «آیین سخن در معانی بیان»؛ «تربیت معنیه روستایی»؛ ترجمه؛ «شاهکارهای ادبیات فارسی»؛ در چند مجلد؛ «فلسفه لایب نیتس»؛ «گنج سخن»؛ «مرگ سقراط»؛ ترجمه؛ «نگهبانان ایران»؛ «یادنامه خواجه نصیر»؛ «مادر دیو نه»؛ ترجمه

چهره های آشنا (۳۶۸-۳۶۷)، سخروان نامی معاصر (۲/ ۲۲۹۵-۲۳۰۰)، فهرست کتبهای چاپی (۱/ ۱۲۱۱)، ۲/ ۲۷۱۰، ۲۸۲۸، ۳۲۴۲)، کتابخانه مستشرقین دهه انقلاب (۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۱۶-۸۰)

صفای شیرازی، شیخ محمد حسین بن شیخ ابوالقاسم تمامی، (۱۲۵۱-۱۳۱۳ ق)، قاضی، مدرس و شاعر، متخلص به صفا. معروف به شیخ الاسلام. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات، در محضر پدر و حاج شیخ مهدی کجوری و آخوند ملا محمد علی محلاتی فقه و اصول و تفسیر و حدیث را فرا گرفت. به حج و اماکن مشرفه عراق رفت و به شیراز بازگشت سالها منصب شیخ الاسلامی در خانواده ایشان بود و نسل به نسل این سمت را داشتند و صفا نیز مدتی عهده دار این منصب بود. بعد از وفات پدرش به قصبات مشغول شد، پسرش، حاج شیخ محمد باقر متخلص به وفا، نیز در علوم شرعی کامل بود و گاه به جای پدر بر مسند قصبات می نشست. صفا در نصیر و فقه کومسی تدریس داشت و اشعار عرفانه نیز می سرود. وی «دیوان» شعر عربی داشته که فرصت شیرازی در «آثار مجسم» (تألیف شده ۱۳۱۳ ق) ابیاتی را به نام او ضبط کرده است.

آثار عجم (۵۱۱-۵۱۰)، حدیقة الشعراء (۲/ ۱۰۱۵-۱۰۲۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۴۵۲)، الدریچه (۹/ ۶۰۹)، رحاله (۳/ ۴۴۸)، فارسنامه ناصری (۲/ ۹۲۳)، مرآت الفصاحه (۳۵۸-۳۵۶)، مکارم الآثار (۴/ ۲۰۲)

صفای شیرازی، شیرزا ابراهیم، (س دوازدهم ق)،

شکسته و تحریر او نیز دست کم از تستعینی ندارد. در تهران درگذشت و در جوار مزار حوین یزید ریاحی در عتبات به خاک سپرده شد. آثار وی «دیوان» شعر، «نصایح الامین»؛ یک نسخه از «رجیزه» حاج میرزا آقاسی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتابه العبد... علی محمد بن حسین علی اللواسانی النظامی... سنه ۱۲۶۱»؛ یک نسخه «نصایح» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «از روی خط استاد سانشاه اصفهانی... علی محمد اللواسانی ۱۲۷۶»؛ یک حکایت، به قلم کتابت خوش، با رقم: «از حلد اول و صاف نقل شد... علی محمد اللواسانی شعر دویه ۱۲۵۰»؛ یک نسخه از «شرح شمسیه»، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «تمت سنه ۱۲۶۴... انا العبد علی محمد اللواسانی عفر له و اولادیه»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۸۱-۴۸۴)، اطلس خط (۶۲۵)، حقیقه انشعرا (۲/ ۱۰۲۵-۱۰۲۳)، الدرر (۹/ ۶۱۰)، طبائع الحقائق (۳/ ۶۲۰)، فرهنگ سخنوران (۵۵۸)، لغت نامه (ذیل / صفای بواسانی)، المآثر والآثار (۱۹۹)، مجمع النصوص (۵/ ۷۰۹-۷۰۷)، مکارم الآثار (۳/ ۷۳۰-۷۳۲)، یادگار (من ۳، ش ۵، ص ۲۹)

صفای محلاتی، میرزا محمد رضا سلطان الکتاب، فرزند شیرزا حبیب الله خاقانی شیرازی، (ر ۱۳۲۱ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صفا ملقب به سلطان الکتاب. او از کاتبان خوشنویس بود که در دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار سمت لشکر نویسی داشت و کتابهای بسیاری به خط او چاپ شده است. از جمله یک نسخه «او صاف ناصری»، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتابه... اس حاجی میرزا حبیب الله متخلص سخا نانی شیرازی الاصل، حاجی میرزا محمد رضای متخلص صفا»؛ یک نسخه «دیوان» مجمر، به قلم کتابت و دو دانگ خوش، با رقم: «کتابه الحفیر الفقیر محمد رضای متخلص بصفا»؛ محلاتی الملقب به سلطان الکتاب ۱۳۱۲؛ یک نسخه «دیوان» حکیم سوری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتابه العبد حاجی صفای سلطان الکتاب... سنه ۱۳۲۱».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۷۳۰-۷۳۱)، الدرر (۹/ ۶۱۰)

صفای نابینی، ملا محمد باقر، فرزند مولاد هدایت حسین، (وف ۱۰۸۰/ ۱۰۸۲/ ۱۰۸۵ ق)، شاعر، متخلص به صفا. از شاعران و عالمان برجسته نابین بود که نسب وی با

شاهزادگان شیراز و از سلسله سادات دشتکی ر از احفاد غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. در اواخر سلطنت نادر شاه افشار (م ۱۱۶۱ ق) در شیراز درگذشت. از آثارش «دیوان» شعر.

دانشمندان و شمس سوریان مارس (۲/ ۴۵۷-۴۵۵)، الدرر (۹/ ۶۰۸)، بهانه (۲/ ۴۲۸)، فارسیه ناصری (۲/ ۱۰۵۸-۱۰۵۷)، فرهنگ سخنوران (۵۵۸-۵۵۷)، لغت نامه (ذیل / صفا)، مرآت النصاب (۳۶۰-۳۵۹)، مصطفی حراب (۱۱۸)، نتائج الافکار (۴۲۳-۴۲۴)، نگارستان دلا (۲۱۶-۲۱۷)

صفای قمی، محمد تقی نقوی، (ل ۱۲۸۴ ش)، شاعر، متخلص به صفا، ملقب به صفا عینی و مشهور به ناظم. در قم به دنیا آمد. پس از تمام تحصیلات مقدماتی در مدرسه خان آن شهر به تحصیل علوم عربی پرداخت و صرف و بحر و منطق و معانی و بیان و از اساتید فن آموخت. وی به علت علاقه به موبارگان، دستیاری را تأسیس کرد و مدت دوازده سال به کار آموزش و پرورش کودکان اشتغال ورزید. وی چندی نیز در طریق سیر و سلوک قدم نهاد و در رتب حال و تصوف درآمیخت و به اعتزال و گوشه گیری پرداخت. از اوست:

هر چند صفا عرق گناه است خدا
وز کسره خورش رو میا است خدا
انزود بسود او ز کوه جرم و گنهش
پیش کرم چو پر کلاه است خدا
سحرورد نامی معاصر (۲/ ۲۲۹۱-۲۲۹۴)

صفای قمی، شهید مهدیقلی خان ترکمانی اصفهانی

صفای بواسانی، میرزا علی محمد، فرزند میرزا حسینعلی، (۱۲۲۱-۱۲۹۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صفا معروف به حسن خلق. وی برادر کوچک میرزا محمد جعفر ملقب به حکیم الهی است. این سلسله پیوسته در ایران به فضل و کمال و جاه و جلال معروف و پدران ایشان نزد سلاطین افشاریه و قاجاریه به هرت موصوف بوده‌اند. میرزا علی محمد در آهاز جوانی به تحصیل کمالات پرداخت. مدتی در بهران و کرمان به سر برد و اکتساب کمالات کرد او به طریقه شیخ احمد احسائی مایل بود. صفا را در خط تستعینی ستوده‌اند، در حالی که خط

صفایی سوادکوهی

تحفة سامی (۲۸۷). جامع مفیدی (۳/ ۴۵۶)، الذریعة (۹/ ۶۱۱)، صبح گلشن (۲۵۲، ۲۵۳)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹)، لغت نامه (ذیل اسماعیلی)

صفایی خوانساری، سید مصطفی، فرزند سید احمد موسوی، (۱۳۲۱-۱۳۱۳ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مدرس. در خوانسار به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت و مقدمات را از آقا سید علی مهدوی خوانساری، دایمی خویش، فراگرفت. سطوح را نزد پدرش آموخت. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و در حوزه درس آیت الله حائری حاضر شد و چندین دوره فقه و اصول را نزد ایشان خواند و مقدم اجتهاد و استنباط را حائز شد. وی از آیت الله صمیه و آیت الله نبیسی، آن مدتی که آن دو در قم بودند، بهره‌مند گردید. همچنین مدتی از آیت الله قسبی و آماراده خراسانی و آقا رضا مسجدشاهی و میرزا محمد صادق اسمعانی استفاده کرد. با ورود آیت الله بروجرودی به قم از اصحاب استفتا و حواصی حواریون ایشان شد و به تدریس فقه و اصول اشتغال یافت. او از توره تن از مراجع عظام نجف و قم و مشهد و اسمعان و تهران اجازه اجتهاد و رزایش داشت. در قم درگذشت و در مسجد سالای سر حصار بن مصومه (س) دفن شد. دارای تصنیفات و تألیفات بسیاری است، از جمله: «الذیانة الاسلامیة و معتقدات الاممیه»، در اصول عقائدات، «تقریرات» درس آیت الله حائری، در اصول و صلاة و نکاح و مکیاسب؛ «الجواهر المودعة»؛ رساله‌هایی در تفسیر آیت «سید» و معاد.

آثارالحجة (۲/ ۷۶-۷۷، ۲۹۱-۲۹۳)، آینه دانشوران (۲۳۵-۲۳۷)، تسریع پاکان قم (۴/ ۹۵-۹۷)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۱۲۸-۱۳۹)

صفایی سمنانی، محمود علی، (س چهاردهم ق)، صوفی و شاعر سه واسعه صدای بیکو، سالها به مدیحه خوانی اشتغال داشت. در آخر کار در روم فقرای صفی علیشاهی درآمد و بعد سرپرست خانقاه سنگسر شد وی از طریق حکامی روزگار می‌گذراند. از آثار وی: «سرار تصوف»، شعر؛ «توحید عشق»، شعر.

بهشت کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۹۶، ۱۹۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۱۱۲-۱۱۳)

صفایی سوادکوهی، عبدالصاحب، فرزند شیخ محمد

صاحب «عنوان الکلام»، فراگرفت و پس از آن به نجف رفت و در مباحثات علامه طباطبایی یزدی و علامه خراسانی و آیت الله میرزا حسین خلیلی و آیت الله شریعت اسمعانی حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از نایل به مدارج عالی صم و مرتبه اجتهاد به خوانسار بازگشت و به خدمات دینی پرداخت. در خوانسار از دنیا رفت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کشف الاستار عن وجه الکتاب والاسفار» یا «کشف المحجوب من الاسفار و الکتاب»، به ترتیب «کشف الطنون»، در حالات مزینین شیعه و مؤلفات آنها؛ کتاب در «الاستصحاب»؛ کتاب «التعادل و التراجیح»؛ رساله در «حجیة القلبن»؛ کتاب در «مسألة ولایت»؛ کتاب در «معاطاة»؛ کتاب در «بیع الوقف»؛ «تاریخ بلدة خوانسار»

آثارالحجة (۲/ ۲۹۱-۲۹۲)، الذریعة (۱۸/ ۱۱، ۲۷)، ریحانه (۲/ ۴۵۱)، علماء معاصرین (۱۸۲)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۵۳-۵۴)، معجم رجال نجف (۲/ ۵۵۰).

صفایی اندبجانی به صفایی خراسانی

صفایی تبریزی (وف ۱۰۱۶ ق)، شاعر و خطاط. از تبریز نشو و نما یافت و بعدها به حلت تبریز شهر تبریز توسط عثمانی‌ها به قزوین گریخت. وی در فقه استاد بود و در قرائت قرآن دست داشت و خط نسخ را بسیار خوب می‌نوشت. صفایی غزل را استادانه می‌سرود. در قزوین درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر

تاریخ نظم و نثر (۷۰۰)، تحفه سامی (۳۱۷)، تذکرة شعرای آذربایجان (۲/ ۳۹۵-۳۹۶)، تذکرة علماء (۱۰۱۰-۹۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۰-۲۳۶)، الذریعة (۹/ ۶۱۱-۶۱۲)، سخنوران آذربایجان (۲۹۰-۲۹۱)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹)

صفایی خراسانی، (س نهم و دهم ق)، شاعر، معروف به صفایی کاردگر. از شاعران خراسان و از نزدیکان و معاصران جامی (م ۸۹۸ ق) بود صفایی از خراسان به پرد رفت و مدت مدیدی در آن سامان زیست تا آنجا که صاحب «جامع مفیدی» و را در شمار بزرگان آن سامان ذکر کرده است. صفایی بیشتر از راه کاردگری امرار معاش می‌کرد. در پایان عمر به خراسان بازگشت و در همان سامان درگذشت اشعاری از او در تذکرها به جا مانده است

خیان، (تو ۱۲۷۳ ق)، شاعر در قم به دنیا آمد از ده سالگی به تهران آمد از آثار وی، «دیوان» شعر در حدود بیست هزار بیت

اسات معاصر (۹۹)، الذریعه (۹/ ۶۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۸۰)

صفایی قبی، میرزا محمد صفی، فرزند شرف‌الدین و بایی، (۱۵۹۱-۱۲۱۵ ق)، شاعر برد پندر استادان عصر تحصیل کرد، پس از درگذشت پدرش، به هند مهاجرت نمود مدتی در لکهنو در خدمت نواب آصف الدوله بهادر بود و با دختر میرزا علی خان، پراخ نواب سالار جنگ، ازدواج کرد و به علت این وصلت به مصایب زیادی دچار گردید، صفایی در سرودن شعر مهارت داشت، بر آثار وی: «دیوان» شعر

الذریعه (۹/ ۶۱۲)، صبح گلشن (۲۵۳)، فردنگ مستخبران (۵۵۹)، نامه (نیل/ صفائی)، مدینه الفین (۲/ ۳۵۳)

صفایی کرمانی، آقا محمد، (س سیزدهم ق)، شاعر، اصلاً از کرمان بود. ظاهراً اشعار بسیاری داشته، که در فتنه کرمان و قتل عام آن سامان (۱۲۰۹ ق) به دستور آقا محمد خان قاجار، از میان رفته است. از او است:

نه به خاک سرگرویت دن خمناک نشست
هر که آمد به سرگروی تو بر خاک نشست
حدیده الشعره (۲/ ۱۰۲۶-۱۰۲۷)، فردنگ مستخبران (۵۵۹-۵۶۰)، مطیبه حرات (۱۱۷).

صفایی ملایری، ابراهیم، (تو ۱۲۹۶/۱۲۹۲ ش)، مورخ، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. در ملایر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و دوره متوسطه را در مدرسه آمریکایی همدان به پایان رسانید. پس از اتمام دوره دبیرستان به فراگرفتن علوم مقدماتی عربی همت گماشت و رموز فن شعر را از آزاد همدانی و وحید دستگردی در تهران آموخت و از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی در ۱۳۱۵ ش در اهواز با روزنامه «خبرستان» همکاری داشت، سپس به تهران آمد و به نشر هفته نامه «هس» پرداخت از دیگر آثارش: «اساد میاسی دوران قاجار»، «اساد مشروطه»، «اسناد بریافته»، «برگ‌های تاریخ»، «دادگری و دادرسی در ایران»، «رهبران مشروطه»، «نکته‌های برگزیده تاریخ».

علی (۱۲۸۸-۱۳۳۴ ش)، نویسنده و مورخ دارای تحصیلاتی در علوم قدیمه از فقه، اصول، کلام و حکمت، در نجف و قم بود. بعد به ریاست دفتر اسناد رسمی بابل منصوب گردید پس از چهار سال اشتغال به علت تمایلات سیاسی چپ و ارتباط با عناصر توده‌ای مورد سوءظن مأمورین دولت واقع و زندانی شد و تحت نظر بود. در دانشکده الهیات و کلاس قصایی و دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس بابل آمد. بعد عهده دار مشاغل مختلفی شد، از جمله: عضویت باررسی دارایی، سرپرستی شهرداریهای استان دوم، مدیریت روزنامه «صفا» منتشره در صاری، مدیریت مجله «صفا»، وکیل دادگستری، وکالت مجلس شورای ملی. از آثار وی: «بیوگرافی و کلامی دوره چهاردهم سارندران»، «تاریخ مختصر احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش»

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۵۷۵-۵۷۶، ۵۷۶)، فهرست کتبه‌های فارسی (۲/ ۹۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۵۹-۸۵۸)

صفایی قباینی، علیرضا حسینی، فرزند محمد اسماعیل، (ز ۱۳۰۸ ق)، خطاط، نقاش، طیب و شاعر، متخلص به صیدی. از سادات حسینی قاین بود که پدر اصمهان سکوت داشت. وی شعر می‌گفت و مستعین و شکسته را خوش می‌نوشت. صفایی در نقاشی نیز دست داشت و در شیوه‌های ایرانی و فرنگی نقش می‌آفرید. از آثار وی، «دیوان» شعر؛ یک نسخه غزلیات او، به قلم نستعلیق و شکسته مستعلیق خوش، با رقم: «بجهت تقدیم علی رضا الحسینی القباینی الطیب المتخلص به صفائی سنه ۱۳۰۸» جلد روحی مثنوی زیبایی که خط آن را برادرش، محمد علی قباینی به این رقم نوشته است «وهم کمترین اقل لسادات علیرضا بن محمد اسمعيل الحسینی القباینی»، مؤلف «احوال و اکر نهانشان» قسمی از وی دیده که در روی آن، تصویر کالسکه‌ای است، با رقم: «کمترین علیرضا الحسینی القباینی سنه ۱۳۰۵»، که احتمالاً صحیح این تاریخ ۱۳۰۵ ق است در «الذریعه» و «بررگان فانی» تحف صاحب هژان، صفا ذکر شده است.

احوال و آثار خوشرویان (۲/ ۴۶۳)، احوال و آثار نهانشان (۱/ ۳۸۴)، بررگان فانی (۲۷۷-۲۷۹)، الذریعه (۹/ ۶۹)

صفایی قبی، شاهر علامحسین، فرزند نور محمد

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۸۴۵، ۲۲۹۸)،
مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۹۹).

صفوی، محمد علی، نوزند شیخ محمد حسن واعظ
تبریزی، (۱۲۹۸-۱۳۷۶ ق)، محقق، ادیب و شاعر. ملقب
به صفوت. در تبریز به دین آمد. علوم ادبی و عربی، فقه،
اصول، منطق و حکمت را از محضر علما و دانشمندی
چون سید علی یردی، میرزا علی لکراتی، میرزا نصیر
نوبختی، آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید
کاظم هصار فراگرفت و به درجه اجتهاد رسید. سالهای
جوانی در سلک روحانیت بود و در ضمن به وعظ
می پرداخت. بعد از مدتی از لباس روحانیت خارج شد و به
استخدام فرهنگ درآمد و در مشاغل مختلفی مثل ریاست
لوفاف، کمیل اداره کل فرهنگ آذربایجان و سرپرست
دانشسرای تبریز انجام وظیفه کرد. صفوت پس از چهل
سال فعالیتهای فرهنگی، مجاور قم شد و به تألیف آثار
ادبی و تاریخی و اخلاقی پرداخت. او در قم درگذشت. از
آثار وی: «مصابیح الحکم»، در اخلاق؛ «دانش و پرورش
بازمندان هوش و سنجش است»، «دسته گل»، منتخب از
دیوان حضرت؛ «تاریخ فرهنگ آذربایجان»، «مرآت الاعتراف
فی احوال رجال الاعصار»؛ «داستان و دوستان» با «تذکره
اندباء» و «شعرا آذربایجان»؛ «نعم الرفیق» یا «غزل شفیق
لا رائة لطریق»؛ «چهارده محصور» - تربیت در اسلام؛
«دیوان» شعر.

الدیمه (۸/ ۱۷۱، ۹/ ۶۱۳، ۱۳/ ۲۴، ۲۳۴)، زندگنامه رجال
و مشاهیر (۴/ ۲۰۹)، سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۳۳۴-
۱۳۳۷)، شرح حال رجال (۶/ ۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی
(۲/ ۲۹۹-۳۰۶)

صفوت الملک مشرقی، اسدالله، (س چهاردهم ق)،
نویسنده و شاعر، متخصص به مشرقی و صفوت. در تصوف
طریقه ذهبیه را اختیار کرد و پیرو حاج محمد زمان جلایر
کلاتی، متخلص به حکیم، بود. اثر وی، «وسيلة النجاة فی
مناقب الائمة الولاية و مصابیح الهداة».

الدیمه (۲۵/ ۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/
۲۳۶۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱/ ۵۵۷-۵۵۶)

صفوی، میر حسین، (س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار
وی، یک نسخه «دیوان» بابا فغانی، به قلم کتبات جلی
خوش، با رقم، «کتابه العبد المذنب میر حمید انصغوی خمر

برزگان و سخن مرایان همدان (۲/ ۴۱۷-۴۱۶)، الدیمه
(۹/ ۶۱۲)، سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۳۱۶-۲۳۲۲)،
فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۷۹۷-۱۸، ۲۵۴۲)،
کتابنامه سنجین دهه انقلاب (۲۲۸-۲۲۹)،
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۷۱-۶۹)

صفایی یزدی، میرزا محمد علی، فرزند آقا عبدالقیوم
شمریاف (وف ۱۳۳۴/ ۱۲۴۴ ق)، شاعر اهل یزد بود.
جدی در خدمت شاهزاده محمد علی میرزا دولتشاه بود
با وفاق یزدی، صاحب تذکره «میکده»، معاصر و معاشر
بود. اشعاری از او در تذکرها آمده است.

تذکره سخنوران یزد (۱۸۹-۱۹)، حدیقه الشعراء (۲/
۱۰۳۱)، الدیمه (۹/ ۶۱۳)، سینه المصنوع (۲/ ۴۳۹)،
ست نامه (دبل / صفائی یردی)، مجمع المصباح (۵/
۶۷۳)، مصطفی خراب (۱۱۸)، مکالم الآثار (۴/ ۱۲۲۱)،
نگارستان دلرا (۲۲۲)

صفرشاه، خلیفه، (ز ۹۲۷ ق)، خطاط. از خوشنویسان
معاصر سناذعلی مشهدی است. از آثار وی: یک نسخه
«کلیات» خواجوی کرمانی، با رقم: «تمت الکلیات من کلام
افصح الشعراء... ابرالمعطا محمود الملقب و المشتهر
بخواجو (کرمانی) سنة سبع و عشرين و تسعمائة و کتبه
لعبد الفقیر خلیفه صفر شاه.»
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۴۰)

صفر علی، (س سیزدهم ق)، نقاش، هنرمند زیبانگار
کاشی بود و در زمان ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۲
ق) می زیست. از آثار وی، دو کاشی زیبا موجود است که
به صورت برجسته و لعابی عمل آمده و بر روی یکی از
کاشیها، تصویر چهار شاهزاده داری که هر کدام به شیوه
دوران صفوی لباس پوشیده اند، دیده می شود و بر روی
کاشی دیگر، تصویر دو زن و مرد جوان که سوار بر اسبهای
سعدی شده و لباس دوران صفوی پوشیده اند، نقش بسته
است، با رقم «عمل استاد صفر علی»
احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۶۶)

صفوی، علی، نوزند اسدالله، (تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده
و مترجم. در تبریز به دنیا آمد و به شغل قضاوت اشتغال
داشت. از آثار وی، «زندگانی بیسمارک»، ترجمه «دعروس
مرو، کیانوش دختر پردگردد».

دبونه و ستر عیوبه

اسرار و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۵۶)

مجله ۱ «شرح العوائد الميائية»، در معانی و بیان: شرح
«الشعاع» قاصی عیاض

الاعلام (۵/ ۲۹۲). ایضاً للمکون (۱/ ۰) «دوات

الذهب» (۸/ ۲۹۷-۲۹۸). کشف الظنون (۵۹۵، ۸۵۳،

۱۰۵۲، ۱۱۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۴، ۱۹۸۹)، هدیه

«درب» (۸۰۰).

صفوی گلپایگانی، رضا. (س چهاردهم ق)، محقق. اثر
ری کتابت ارزش تهیه مواد آلی. است که در ۱۳۱۸ و
۱۳۲۸ ش در تهران به چاپ رسیده است.

دهرست کتبهای چاپی فارسی (۲/ ۷۷۹)، کتابخانه

محسین ده انقلاب (۲۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳)

(۲۵)

صفوی گلپایگانی، عصمت السادات. (۱۲۸۱-۱۲۵۳

ش)، در بزرگ در تهران به دبا آمد پس ز پیدین سرد
تحصیلات ابتدایی به هرستان هریشگی نشان شهرداری
رفت و در ۱۳۱۷ ش فارغ التحصیل شد و از بازنگران
فلم فارسی بود. صفوی فعالیت بازیگری در تئاتر را از
۱۳۱۹ ش و فعالیت مییمایی خود را از ۱۳۳۰ ش، با فلم
«شکار چنانگی» آغاز کرد. از دیگر فلمهایی که وی در آنها
نازی کرده «ارو درخت مستجد»، «گاوه» و «رگاره» را می توان
نام برد

تاریخ سیمای ایران (۵۲۱، ۵۲۰، ۴۰۵)، سیمای هرستان (۱/

۳۹۸-۳۹۹)، فرهنگ سیمای ایران (۱۶۷)، فرهنگ

فلمهای سیمای ایران (۱/ ۱۵، ۲۶۷، ۲/ ۳۷۲، ۴۶۵)

صفیا اصفهانی، آقا صفی، فرزند خواجه قاسم، (وف
۱۰۲۸ ق)، شاعر، متخلص به صفی در اصفهان به دبا آمد
و در همان شهر به تحصیل علم میاق و حساب و فراگیری
حط شکسته پرداخت. او یز به هند سفر کرد و پس ر
مدتی سیر و سیاحت در آنجا، از مقریان مهیت حان شد و
به روزگار اکبر شاه گورگانی کار او بالا گرفت. وی در کس
درگذشت. از او شعاری در حدود چهارده هزار بیت مانی
مانده است. صفی صاحب «ساقی نامه» ای مشتمل بر
هشتاد و پنج بیت است و «مثنوی» های دیگری در بحر
«خسرو و شیرین» نظامی و «مثنوی» مولوی و جز آن
سروده است. وی در غزل سبک متحرلی، مابین مکتب
وقیع و شیوه اصفهانی، دارد

تاریخ ادبیات در ایرا (۵/ ۱۰۰۷-۱۰۰۲) تاریخ نظم و

صفوی اصفهانی نجفی، سید ایولقاسم بن سید
ابراهیم بن عبدالحسین موسوی. (۱۲۸۳-۱۳۷۰ ق)، عالم
دینی و فقیه اصولی. معروف به محرب. در اصفهان متولد
شد. در اصفهان و نجف تحصیل کرد. چون در نصف از
خواص آیت الله آق سید محمد کاظم یزدی بود و محرب
ایشان، مشهور به محرب شد. سید مهدی بحرانی وی را از
مشایخ خود شمرده است. صفوی از سید میرزا محمد
هاشم چهارسوقی با اجاره روایت کرده است. وی در
صحن علوی در نصف مدفون است. از آثار وی: «جامع
الرسائل المملیه»، فتاوی علامه یزدی و دیگران. «اسرار
الجبست»، در احسان شب و روز، به فارسی، «ایس
البنقیدین»، «صراط النجاه»

تذکره تقریر (۲۰)، الدریمه (۱/ ۷۴، ۲/ ۴۶۶، ۵/ ۳۷)،

طببات اعلام الشیمه (قرن ۱۶/ ۵۹)، معجم رجال نصف

(۱۳۰، ۱۱)

صفوی ابیحی، قطب الدین ابو بحر عسسی بن محمد
بن عبدالله حسینی حسینی. (۹۰۰-۹۵۳/۹۵۵ ق)، «عالم»
محقق شافعی، نحوی، منطقی و صوفی. و را به مسابست
جد مادری اش، صفی الدین ابیحی، صفوی گویند. موطن او
هند بود. مقدمات را برد پدرش فراگرفت. آنگاه ملازم
شیخ ابوالفضل کازوانی در گجرات شد و در محضر او
«مختصر» و «مطول» را خواند و از او به دریافت احاره نایل
شد پس از آن مدتی به خدمت ابوالفضل استرآبادی
درآمد سپس به مجامع علمی راه یافت و آواره فضل او
پیچید وی جلال الدین دوانی را بز درک کرد چند سال
مهاور مکه شد. او در ۹۳۹ ق از شام و بیت المقدس دیدار
کرد و در دمشق مجلس درس آراست و جماعتی از اهل
دمشق و حلب از او اخذ علم کردند. دو سفر نیز به عثمانی
(ترکیه) نمود. سرانجام به مصر رفت و در آنجا سکنی
گرفت. اسن عماد، صاحب «شدراب انده»، او را از
اعجابه های دوران می داند. از آثارش: «مختصر» «الهایه»
ابن اثیر، در غریب الحدیث؛ «شرح المعز» سید شریف، در
منطق؛ تفسیر قرآن از سوره «م» یتمه لون» تا آخر قرآن؛
رساله ای در «حمد»؛ شرح حدیث اول او «صحیح»
بحاری؛ شرح «الکافیه» ابن حاجب، در بحر، حاشیه بر
«شرح الکافیه» جامی؛ حاشیه بر «شرح جمع الجوامع»

صفي چركس، صفي قلی بیگ، فرزند قراخان چركس، (س یازدهم ق)، شاعر، از بزرگان چركس قفقاز و معاصر نصرآبادی (ر ۱۰۸۳ ق) بود. علاوه بر مهارت در نر سپاهیگری، در شاعری نیز توانا بود. از اوست: گردون پی شکست دل، با فتاده است ایس شیشه را به ساقی کوفر سپرده ایم تذکرة نصرآبادی (۳۶)، الذریعة (۹/ ۶۱۲)، فرهنگ سخوران، ۵۶۱، ستانده (دیل / صفي قلی بیگ).

صفي الدين ارموي، ابوالمفاخر عبدالمؤمن، فرزند يوسف بن قاخو، (۶۱۳-۶۹۳ ق)، موسیقیدان، خطاط و ادیب، اصلش از بلخ بود، اما خاندانش در ارومیه به سر می بردند و او در همان جا به دنیا آمد. در کودکی به بغداد رفت و در آنجا نشو و نما یافت. وی در مدرسه مستنصریه به تحصیل عربی و علوم دینی و ادب و ریاضی پرداخت و در نظم اشعار و علم انشا و تاریخ و حسن خط شهرت یافت و در علم و عمل موسیقی بی مانند شد. در تحریر سال خلافت مستعصم (م ۶۵۶ ق) مدیم و عودنوار و کتابدار و کاتب او بود و بعدها به خدمت هلاکو درآمد. به قول بعضی از محققین، در خط همپایه باقوت مستعصمی و ابن مقبله بود، اما در موسیقی، پس از اسحاق موصلی، کسی به پای او نرسیده است. صفي الدين یکی از بزرگ موسیقیدان بزرگ ایران و عالم اسلام است، که نخستین ایشان، ابونصر فارابی و دیگری، خواجه عبدالقادر غیبی سرآمدی است. صفي الدين پیشقدم نظریه معروف «فرضیه منتظم» است که در آن گامها به همد، فاصله تقسیم می شود. وی سازی به نام مغنی اختراع کرد که ترکیبی از فنون ویاب و نرعه بود، حتی برخی اختراع ساز نرعه را هم به او نسبت داده اند. صفي الدين شاگردان بسیاری تربیت کرده است، از جمله: شیخ شمس الدین سهروردی، علی ستیسی و حسین زامر. وی در سالهای پایان عمر به زندان افتاد و همان جا درگذشت. از آثار وی: «رسالة الایقاع»، به فارسی، در پنج فصل، «الادوار فی حل الاوتار»، که جمعی از دانشمندان و علمای فن به ترجمه یا شرح آن به زبان فارسی پرداخته اند؛ «رسالة فی علوم الغروض والقوافی و البديع»؛ «رسالة اشرفیه فی النسب تألیفیه»، که به عربی و به نام شرف الدین هارون، فرزند خواجه شمس الدین صاحب دیوان جویسی، نوشته شده است و به اختصار «کتاب الموسیقی» خوانده می شود.

استادان موسیقی (۲۵، ۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲)

نر (۶۸۲)، تذکرة میخانه (۲۲۹-۲۲۶)، تذکرة نصرآبادی (۳۵)، تذکرة زور روش (۴۷۵)، دریست سخنان (۱۹۸-۱۹۶)، الذریعة (۹/ ۱۴۶۱۳)، ۱۲/ ۱۰۹، فرهنگ سخوران (۵۶۲)، کاروان هند (۱/ ۷۲۵-۷۲۹)، ستانده (دیل / صفي)، آثار رجسی (۴/ ۱۶۵۵-۱۶۵۳)، ففت اقلیم (۲/ ۴۳۲-۴۳۳).

صغاری، محمد باقر - فخرالکتاب صغاری.

صفي اصفهانی، صفي الدين، (س ششم ق)، شاعر. از شهران نکته پرداز و از عالمان بی مانند بود که علاوه بر تحصیل مراتب علوم مختلف، شعر نیز می سرود. محمد عومی (م بعد از ۶۳۰ ق) او را دیده و در کتابش «لیاب الالاب» وی را ستوده است. از اوست:

ای آتش عشق یار دل صوری کس
وی باد هواش آتش افروزی کس
دردی است که درمانش هم از درد کند
یارب تو از آن درد مرا روری کس

ریاض العرفین (۲۱۸-۲۱۹)، فرهنگ سخوران (۵۶۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۷۷۹)، لباب الایات (۲/ ۴۰۵۴، ۴۰۴).

صفي اصفهانی، صفي قلی بیگ، فرزند ملک سلطان چرخچی باشی، (س یازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان. پدرش چرخچی باشی درگاه شاه عباس صفوی بود. صفي و موسیقیدانان و نوازندگان چهار نر در عهد شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) بود، اشعاری از او به جا مانده است.

تاریخ اسمهان (۲۴۱-۲۴۲)، تاریخ موسیقی (۱/ ۳۳۴-۳۳۵)، تذکرة زور روش (۴۷۷)، تذکرة نصرآبادی (۴۱-۴۲)، الذریعة (۹/ ۶۱۴)، فرهنگ سخوران (۵۶۱)، لنت نامه (دیل / صفي قلی بیگ).

صفي بن کریم، (ز ۱۰۲۴ ق)، خطاط از آثار وی شش دفتر «مثنوی»، جلد شاعری مشکوی قمری و مدح مرصع، به خط نسخ کتابت نزدیک به غبار عالی، با رسم: «... صفي بن کریم بن براهیم... تم الجلد الخامس من کتاب المثنوی... مسة اربع و ثلثین و الف من الهجرة...» (۱۰۳۴).

احوال و آثار عرشیوسان (۴/ ۱۰۸۶).

۲۷۱-۲۷۲). تاریخ برگزیدگان (۵۵۲-۵۵۳)، تاریخ
موسیقی (۱/ ۱۸۸-۱۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۶-۱۲۷)،
۷۳۲)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۹-۷۵۱)، حبیب السیر
(۳/ ۱۰۷)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۶-۲۳۷)،
دایه المعارف فارسی (۲/ ۱۵۷۳-۱۵۷۴)، دستور الوزراء
(۲۷۰)، کارنامه برگزگان (۶۲-۶۴)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۹۸)،
هدیه الماریین (/ ۶۳۰).

صفی الدین حنفی - بخاری، صفی الدین محمد.

صفی رشتی، میر صفی، فرزند میر منصور (س
یازدهم ق)، شاعر پدر وی در رشت منصب
شیخ الاسلامی داشت میر صفی بعد از کسب دانشهای
روزگار خود به اصفهان رفت و مدتها در آن سامان به سر
برد. وی از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود و با او
مصاحبت و معاشرت داشت. صفی در سرودن شعر توانا
بود.

تذکره نصرآبادی (۱۹۹)، الذریعه (۹/ ۶۱۵)، فرهنگ
سجوران (۵۶۱)، لغت نامه (دبلی/صفی)

صفیری قزوینی، فرزند مالک دیلمی. (س عجم ق)،
شاعر اهل قزوین بود. صاحب تذکره «روز روشن» و «کوی رز»
فرزند ملا ملک ذکر کرده است. از اوست
ز پیام من جوابی نشنیده قاصد اما
دهدم به این تسلی که ندیده‌ام هنوزش
اتشکله (۳/ ۱۱۹۳)، تذکره روز روشن (۲۷۸)،
فرهنگ سجوران (۵۶۳)، لغت نامه (دبلی/صفیری)،
میسر (۲/ ۴۸۳)

صفی شیرازی، خواجه شیخ محمد. (وف ۹۷۴ ق)،
شاعر، متخلص به صفی. در نیمه دوم قرن دهم ق از موطن
خسرد به هندوستان رفت و در شهر گنکنده در سلک
ملازمان ابراهیم قطب شاه درآمد و به حرفه محاسبی و
محاسبی اشتغال یافت. صفی در همان سامان درگذشت
خواجه شیخ محمد نه تنها سخن صنیع و با فضل و بذله گوی
بود که در علم ریاضی نیز استاد بود. از اوست

رحسار تو مصحفی است بی مهر و عنط
کش کدک فصا نوشته از مشک فقط
چشم و دهنت آیت وقف، «رو» مد
مزگان اعراب و خال و خط حرف و نقط

الذریعه (۹/ ۶۱۶)، صبح گلشن (۲۵۴)، فرهنگ
سجوران (۵۶۱)، کاروان هند (۱/ ۷۳۵-۷۳۶)، لغت نامه
(دبلی/صفی)، لغت نسیم (۱/ ۲۳۷).

صفی صفی‌های - صفی اصفهانی، آقا صفی

صفی عیشیه، میرزا حسن، فرزند محمد باقر
(۱۲۵۱-۱۳۱۶ ق)، صوفی، مفسر و شاعر، متخلص به
صفی. در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از پاررگانان بود، در
گردگی به اتفاق پدر به یزد رفت و تا بیست سالگی در آن
شهر زندگی کرد و به کسب دانش پرداخت و با عارفان و
صاحب‌دلان درآمیخت. وی پس از فراغت از تحصیل به
سیر و سیاحت پرداخت و به هندوستان و حجاز سفر کرد
و بیشتر ملازم مشایخ اهل طریقت بود و سیر و سلوک را از
آنان فراگرفت. از آن پس سفرهایی به نقاط مختلف ایران
کرد، تا سرانجام به شیراز رفت و دست ارادت به حاج
میرزا زین‌العابدین شیروانی داد و سپس به خدمت رحمت
عیشیه، حج میرز کوچک نایب‌الصدر، رسید و مورد
توجه قرار گرفت و به صفی عیشیه ملقب گردید. پس از
وفات نایب‌الصدر به خدمت حاج آقا محمد مور عیشیه
که نایب او را داشت رسید و چندی در مصاحبت او بود.
وی از آنجا به تهران مأمریت یافت و در این شهر رحل
اقامت افکند و به سرپرستی مریدان این فرقه پرداخت.
صفی عیشیه گذشته از اینکه در جنبه‌های عرفانی و
تصوف مقامی والا داشت مردی ادیب و شاعری سخن
متبحر بود و در نظم انواع شعر توانا و استاد بود او در تهران
درگذشت. قبرش در خنقاهی است که در محل سکونتش
در خیابان صفی عیشیه است کرده بود. از آثار وی:
«ریده لاسرار»، «انبات النشوة الحاصلة»، «بحران‌حقیق»
موسوم به «عرفان الحق»، «دیوان الحمدیق»، «میران
المعرفة و برهان الحقیقة فی آداب السلوک و انطریقة»،
«تفسیر قرآن» معروف به «تفسیر صفی»، منظوم، «دیوان»
شعر

ادبیات معاصر (۶۶-۶۷)، برهان (ص ۵، ش ۴ و ۵، ص
۸۳-۸۴)، احسان الشیمة (۵/ ۲۳-۲۴)، حدیقه
الشعراء (۲/ ۱۰۳۲-۱۰۳۳)، الذریعه (۱/ ۱۰۶، ۳/ ۳۶،
۴/ ۲۷۹، ۹/ ۱۶، ۱۲، ۱۸، ۱۵/ ۲۴۶-۲۴۷)، ریحانه
(۳/ ۴۶۷-۴۶۸)، سجوران نامی معاصر (۳/ ۲۳۴۲-۲۳۵۰)،
سیری در تصوف (۱۴۱، ۱۴۹)،
تخصیص‌های نامی ایران (۲۸۶)، شرح حال رجال (۱)

درسی (۲۷۰)

صفی نوربخش روی، شاه صفی الدین محمد، فرزند شمس الدین بن شاه قاسم نوربخش، (وف. ۹۶۷ ق)، عارف و شاعر، از سادات صوفیه نوربخشی بود که به فضل و نهذیب اخلاق مشهور آفاق بود. پس از آنکه برادرش، شاه قوام الدین، به قصاص خون امیدی، کشته شد اثر و اختیار کرد و به زیارت خانه خدا مشرف شد. از اوست:

ای عقل کجا ما سر سودای تو داریم

دیوانه عشقیم، چه پروای تو داریم

تشکده آذر (۳/ ۱۰۸۸-۱۰۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۸)،

تحفه سامی (۳۶-۳۷)، جامع مفیدی (۳/ ۱۰۵-۱۰۶)،

الدریعه (۹/ ۶۱۷)، فرهنگ سخنوران (۵۶۱)، نبت نامه

(دیل / صفی)، هفت انیم (۲/ ۴۴-۴۶)

صفی نیا، سید رضا، فرزند حسن، (س. چهاردهم ق)، نویسنده، مدتها در کارگزاری تبریز و ارومیه خدمت کرد و در خارج از ایران منصوبی کارهای سیاسی بود. صفی نیا همچنین عهده دار ریاست اداره اطلاعات وزارت خارجه یزدی اثر وی: «استقلال گمرکی ایران»

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۹۲)، مؤلفین کتب

چاپی (۲/ ۱۷۵-۱۷۶)

صفی نیشابوری - صنی نیشابوری

صفی هندی، میرزا صفی، (س. سیزدهم ق)، شاعر، مستخلص به صفی، اصلش از کاشان بود. پدرانش به هندوستان مهاجرت کرده بودند، او در آذربایجان به دنیا آمد. صفی «دیوان» شعر دانسته است.

حدیقه النعماء (۲/ ۱۰۳۱-۱۰۳۲)،

صفی یزدی، خواجه محمد صفی، فرزند حاجی محمد ظهیر، (س. یازدهم ق)، شاعر، معروف به مخملباف. از شاعران منطقه یزد بود. وی قطعه‌ای در تاریخ فوت قلی بیگ وزیر سروده است. از اوست:

کسو اختر ما زیر فلک اوج بگیرد

خورشید چو بر اوج رسد وقت زوال است

تذکره سخنوران یزد (۱۹۰-۱۹۲)، تذکره نصرآبادی

(۲۹۹)، جامع مفیدی (۲/ ۲۳۹-۲۴۰)، الدریعه (۹/

۶۷)

۱۰۳۳۹-۱۰۳۴۰)، هنرهای الحقائق (۳/ ۲۲۱-۲۲۲)، فرهنگ

سخنوران (۵۶۰-۵۶۱)، لغت نامه (ذیل / صفی علیشاه)،

لغات والآثار (۲۱۷)، معجم المؤسین (۲/ ۲۷۶)، مکارم

ناکار (۳/ ۱۳۸۷-۱۳۸۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۱۷-۵۱۸)،

یادگار (س. ۵، ش. ۴، ص. ۸۳-۸۴)

صفی قلی بیگ اصفهانی - صفی اصفهانی، صفی قلی بیگ

صفی کاشفی سبزواری، فخرالدین علی بن حسین واعظ، (۹۳۹-۹۶۷ ق)، عارف و شاعر، متخصص به صفی. در سبزواری به دنیا آمد. در هرات می‌زیست. او همانند پدرش از واعظان و مؤلفان و شاعران نام‌آور روزگار خود بود. وی با خاندان سعدالدین کاشمیری بست داشت، یعنی یکی از دو دختر خواجه محمد اکبر معروف به خواجه کلان، همسر او صفی کاشفی و دیگری همسر مولانا حامی بود. وی در ابتدا نزد پدر خویش به تحصیل و در طریقه نقشبندیه به ریاضت و سلوک پرداخت و پس از پدر به جای او نشست و وعظ و تذکیر را تا عهد دولتش صغری و در گریو دار حملات ازبکان بر هرات و خراسان ادامه داد. صفی پس از رهبری هرات از محاصره یک پادشاه به عرجهستان نبرد شاه محمد سلطان رفت و «لطائف المعونات» را به نام او تألیف کرد. در غرجهستان درگذشت و جنازه‌اش راه هرات بودند و در آن شهر به خاک سپردند. درباره او گفته‌اند که مثل پدر بر مذهب تشیع بوده است، ولی اعتقادش به سلسله نقشبندیه این امر را بعید می‌نماید. از آثارش: «رشحات عین الحیات»، در شرح احوال مشایخ و بزرگان طریقه نقشبندیه؛ «لطائف الطوائف»، در قصص و حکایات نصیب ر طبقات مختلف، «تیس العارفین»، در نصایح و مواظب، «حرز الامان من متن الزمان»، در علم اسرار حروف؛ منظومه‌ای به نام «محمود و یاز».

امین الشیعه (۸/ ۱۹۸)، ابصار المکنون (۲/ ۴۰۴)،

شرح «...» در ایران (۴/ ۵۳۲-۵۳۳)، تاریخ نظم و نثر

(۲۴۷-۲۴۸)، تصنیفات وزارت هرات (۱۳/ ۱۵)،

دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۸۴۶)، الدریعه (۲/ ۲۶۱-۲۶۲)،

۳۹۲-۳۹۳، ۹/ ۸۱۳-۸۱۴، ۱۱/ ۱۹۸، ۲۲/

(۳۹۶)، رشتحات عین الحیات (۱/ مقدمه ۹۹-۱۰۰)، ریخته

(۳/ ۲۰۳-۲۰۴)، صبح گلشن (۳۱۳)، فرهنگ سخنوران

(۶۹۲)، کنشست الفنون (۹۰۲-۹۰۳)، لغتنامه (ذیل /

صفی، صفی)، معجم المؤسین (۷/ ۷۶)، منظومه‌های

و ولی، بخش دوم در مناقب علاءالدین عطار و بخش سوم در مناقب خواجه بهاءالدین و بخش چهارم در کرامات وی. صلاح در ۷۸۵ ق از نگارش آن مرعت بدست

تاریخ نظم و نثر (۲۸۴)، کشف الظنون (۱۹۷)، معجم المزمین (۲۲/۵)، هدیه المارغبین (۴۲۷/۱)

صلایی اردستانی، امیر جلال‌الدین حسن/حسین، فرزند میر ابوالفتح (وف ۱۰۲۰/۱۰۱۵ ق)، شاعر، از بزرگان شهر اردستان بود و به ورورگار شاه عباس اول صفوی می‌زیست. وی از صهی روان در شعر بهره‌مند بود. ز اوست.

صد سال بهر کسب شرف از وجود تو
ممکن کشیده بر در تقدیر انتظار
الذریعه (۶۱۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲)، هفت اقلیم (۴۱۴، ۳/۲)

صلایی اسفراینی، حسن بیگ، (تو ۹۵۵ ق)، شاعر مولد و منشأ او اسفراین است، اما چون چندی در کاشان زیسته، به کاشانی معروف شده است او در زمان اکبر شاه به قند رفت و در ۹۹۹ ق به مکه مشرف شد و در سال بعد به هندوستان بازگشت. وی «دیوان» شعری دارد که در آن فخری در مدح ائمه (ع) سروده و مسحه‌های بسیاری از آن را با خط و تذهیب خوب فرهم آورده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره روز روشن (۲۷۸)، الذریعه (۶۱۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲)، کبریا بن شد (۷۳۹، ۷۳۶/۱)

صلحی خراسانی، (س دهم و یازدهم ق)، شاعر، به از شعر بنی است که به هند مهاجرت کرده است. او داسار «وامق و عذرا» را در قالب مثنوی به نظم کشیده است و در دیباجه آن، کرشاه (م ۱۰۱۴ ق)، سلطان سلیم، سلطان مراد (م ۱۰۰۷ ق) و دانیال (م ۹۷۹ ق) را ستوده است. مظهرهای فارسی (۳۷۱، ۳۷۰)

صمد، (س سیزدهم ق)، فلرگار، فولادکار و شمشیرساز ماهر دوره محمد شاه قاجار (۱۲۵۱-۱۲۶۴ ق) بود که در تزیین و آرایش طلایی و نقره‌ای بر روی فلزات مسخت، استادی صاحب‌کمال به شمار می‌رفت. از آثار وی شمشیر فولادی زیبایی است که بر روی فیضه حاج ابن شمشیر، تصویر موجهر شاه با لباس و کلاه و آرایش زن خود

صهی یزدی، صهی الدین، (س ششم ق)، عارف و شاعر. با طحان شاه پس مؤید مسجوقی (۵۶۹-۵۸۱ ق) معاصر بود و سلطان به وی ارادت می‌ورزید از وست

نه یکی روز ز وصل تر نشان یافته‌ام
نه یکی شب ز فراق ترسان یافته‌ام
تذکره روز روشن (۴۷۶)، تذکره سخنوران میرد (۱۸۴)

۱۸۵ (سریده ۶۰۵/۹)، رستم‌نامه (۱۰)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲)، باب‌الایات (۱۱/۲۷۹، ۲۷۸)، هفت نامه (دیل/صهی الدین یزدی)، مجمع الفصیح (۲/۸۲۱)، هفت اقلیم (۱۱/۱۴۹)

صهی یزدی، صهی قلی بیگ، فرزند محمد علی بیگ، (وف ۱۰۶۶ ق)، شاعر، متخلص به صهی او شاعران معاصر شاه عباس اول صفوی بود، که به سبب قابلیت که داشت به مرتبه مصاحبت و مجالست شاه نایل شد پس ر مرگ شاه عباس به هندوستان مهاجرت کرد و بعد از مدتی اقامت، دوباره به ایران بازگشت. در زمان شاه عباس ثانی محبت به سمت نظارت بیوتات و پس از آن به وزارت یزد منصوب شد. صهی علاوه بر اینکه از توان شاعری بهره‌مند بود، چندین کاروانسرا و ساختمان نیز بنا نهاد
تذکره روز روشن (۴۷۷)، تذکره سخنوران میرد (۸۶)، ۱۸۷ (تذکره نصرآبادی (۷۲، ۷۳)، جمع معجزات (۱۴۵، ۱۹۵)، الذریعه (۶۱۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲)، هفت نامه (دیل/صهی قلی بیگ)

صحبوکی مسقی، ابونکر محمد بن وکریا بن حسین، (وف ۳۲۲ ق)، حافظ و محدث. از محمد بن نصر مروزی و صانع بن محمد جرره و محمد بن ابراهیم بوشجی و منتظبه آنان حدیث روایت کرده است. جعفر مستغری در «تاریخ لصف» گوید: «وی حافظ و مؤلف ابراب بود و به حدیث همشهریانش آگاه». دیگران نیز او را صاحب تصانیف دانسته‌اند. سیوطی وی را تحت عنوان صحبوکی آورده است

سیرالسله (۲۳۲/۱۶)، شذرات الذهب (۲، ۳۶۹)، طعانت الحدیث (۳۷۷)

صلاح بخاری، صلاح بن مبارک، (وف ۷۹۲ ق)، عارف. وی مؤلف کتاب «الایس الصالحین و هده الساکین»، در مقامات خواجه بهاءالدین نقش شده است، که آن را در چهار بخش تصنیف کرده. بخش نخست در تعریف ولایت

دیده می‌شود؛ با رقم اعهده صمدیه

سوار و آثار عاشقان (۲۸۶/۱)

صمد اصفهانی، (س چهاردهم ق)، شاعر، از شاعران معاصر نصرآبادی (ر ۱۰۸۳ ق) بود. نصرآبادی گوید که او از طبعی موروثی و کلامی پر مضمون بهره‌مند بود. وی از اصفهان به شیراز رفت و در آنجا به امر کشاورزی اشتغال یافت.

تذکره نصرآبادی (۲۱۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان نارس (۳/ ۴۶۲-۴۶۴)، الذریعه (۹/ ۶۱۸)، صبح گلشن (۲۵۵-۲۵۴)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲).

صمد شیرازی - صمد صفهانی

صمدی، سید حبیب‌الله، (س چهاردهم ق)، باستان‌شناس و نویسنده. در ۱۳۱۹ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته باستان‌شناسی شد و پس از آن در موزه ایران باستان اشتغال یافت و در ضمن کار، به تألیف کتابهایی در زمینه کار خود پرداخت. از آثار وی: «راهنمای موزه آستان قدس رضوی»، «ویزانه‌های شوش».

سهرت کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۳۳۳-۳۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۴۸۶).

صمصامی، غلامعلی، (تو ۱۲۷۸ ش)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه علوم سیاسی وارد خدمت وزارت خارجه شد و عهده‌دار مش‌عن مختلفی چون دبیری و کاروداری سفارت‌های روسیه و افغانستان شد. از آثار وی: «آخرین خانواده امپراطور روس»، ترجمه «سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی بین‌المللی».

سهرت کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۷، ۲/ ۱۸۹۶-۱۸۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۷۲۶-۷۲۵).

صمصامی مه‌اجر، رضاقلی، فرزند مصطفی قلی رفعت‌الملک، (۱۳۳۵-۱۲۶۷ ش)، مترجم. ملقب به رفیع‌الملک. در خراسان متولد شد. او مدیر موزه ملی بود. از آثار وی: ترجمه «هود ارواح» گابریل دلان.

سهرت کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۳۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۱۰، ۲۱۱).

صمیمی، رضا، (۱۲۹۳-۱۲۶۹ ش)، نقاش. در مشهد به دنیا آمد. سالها در موناکو ساکن بود و به خلق آثار هنری اشتغال داشت. در مونت‌کارلو درگذشت. از آثار عالی‌پس هنرمند، تصویر منگه سائق موناکو است که خود معاش‌پیر با قلم مو و تحت رنگ در کنار تصویر ملکه معش شده است.

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۵۷)

صنّاری خوارزمی، ابوالحسن علی بن هزاق، (و ۵۳۹ ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوحنی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابوعبدالله و نیری فراگرفت. آنگاه به بخارا رفت و از محضر فقهایی آن دیار استفاده نمود. سپس به چرخایه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه مدانه از فرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی آنجا شد. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را حفظ بود. وی در مدانه درگذشت. از آثارش کتاب «شماریح الذریر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.

الإعلام (۵/ ۱۲۸)، روحانه (۳/ ۲۶۹-۲۷۰)، کشف الظنون (۴۴۷، ۱۰۱۹)، لغت نامه (ذیل / علی)، معجم الأدباء، (۱۴/ ۶۲-۶۳)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۴۹).

صناعی، محمود، (۱۲۹۷-۱۳۶۵ ش)، مترجم و نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی تهران و دانشکده ادبیات و دانشکده حقوق به پایان رسانید و در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات فارسی و زبان خارجه و حقوق به اخذ لیسانس توفیق یافت. پس از چند سال تدریس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران، جهت تکمیل تحصیلات به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه لندن به تحصیل پسیکوآنالیز (روانکاوی) پرداخت و در ۱۳۳۳ ش به عضویت انجمن بین‌المللی آن رشته انتخاب گردید. مقالات متعددی که وی در مسایل مختلف روانشناسی اجتماعی انتشار داد، او را در رده متخصصین بین‌المللی این فن درآورد. صناعی مدتی وایرن فرهنگی سفارت ایران در انگلستان بود. از آثار وی: «آزادی و تربیت»، «اصول روانشناسی»، ترجمه «پنج رساله از افلاطون»، ترجمه «چهار رساله افلاطون»، ترجمه «در آزادی»، ترجمه «پادی از استاد»، ترجمه.

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۹۴۳)، کتابخانه

حسنین دها، انقلاب (۲۳۰) مؤلفین کتب چاپی (۶)
(۴۸۲۷)

صندلی غزنوی، مجدد دین ابوالسحر. (من ششم ق)،
شاعر، سدیدالدین عوفی او را در شمار شاعران دوره
سلجوقی آورده و بسیار ستوده است و هدایت در «مجمع
الفصحی» را او به حکیمی حکمت مآب و ندیمی شیرین
خطبات تصویر می‌کند. گمینه وی در تذکره «روز روشن»
ابوسمیر و در «الدریعه» ابوالشجری ذکر شده است. در
آثار او «دیوان» شمر

تذکره روز روشن (۴۸۰)، الدریعه (۶۱۸/۹)، فرهنگ
سخنوران (۵۶۴)، لسان الالباب (۲/ ۳۳۴-۳۳۶)، لغت
نامه (دین/ صندلی غزنوی)، مجمع النصاب (۲/ ۸۲۱).

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی بن حسن (وف
۴۸۴/ ۴۸۹ ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. هل
نیشابور بود. با سلطان طغرل بگ به بغداد رفت، سپس به
بیتانور در گشت و مه رهد و ملوک روی آورد و از دیدار
سلطانین روی برید. روزی ملک شاه مسجوقی را در
مسجد جامع نیشابور و دید و او به علت عدم رفت و
آمد به دربار گله کرد صندلی در جواب گفت " غرض ما
آنست که شما را برایت علماء را اختیار ملوک باشیم به
اینکه ما یا ریارت ملوک از اشرار علماء". از آثارش «تفسیر
القرآن» و می‌توان نام برد. در «هدیه الحارثین» صندلی به
صورت صندلی و در «مجمع المؤلفین» به صورت صندلی
ذکر شده است.

اسرار السو حید، تعلیقات (۷۰۷)، الاعلام (۵/ ۸۲۸)،
ریحانه (۳/ ۲۷۰)، لغت نامه (دین/ علی)، مجمع المؤلفین
(۶۷/ ۶۷)، هدیه الحارثین (۱/ ۶۹۲).

شندوقی نیشابوری، ابوالعباس احمد بن ابوالحسن
محمد بن احمد. (ح ۲۹۶-۳۸ ق)، محدث. پدرش از
بررگان نیشابور بود. ابوالعباس از محمد بن شاد دل و اس
حریصه و محمد بن مسیب و ابوالعباس محمد بن اسحاق
سراج نقی حدیث شنید و به گفته حاکم، در روایت، از
بیش از ده نفر از مشایخ متفرد است. حاکم و ابوسعد
کنجی رودی و هدای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

انساب سمعانی (۳/ ۵۵۵)، تاریخ نیشابور (۱۵۲)،
سیرانیلا (۱۶/ ۳۹۵)، شذرات الذهب (۳/ ۹۶)، المعبر
(۱۵۶/ ۲)

صنعت، استاد عباسی (وف ۱۳۴۲ ش)، سارنده ساز
وی بهترین شاگرد یحیی تار ساز و برادر بزرگ جعفر
صنعت بود. تار را استخوان می‌ساخت و در تعمیر آلات
موسیقی، بوته تار و سه تار و تشخیص معایب آنها
ستعداد فراوان داشت. او در اوخر عمر به بیماری سختی
 دچار شد و پس از چندی درگذشت. استاد اصغر ریگه و
نوالقسم اعتمادی (مفتح السلطان) از شاگردان معروف
وی بودند.

تاریخ موسیقی (۲/ ۹۹۵، ۹۹۷، ۹۹۹)، سرگذشت
موسیقی (۱/ ۱۷۱-۱۷۲)، مردان موسیقی (۲/ ۳۲۲)،
۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷.

صنعت شیرازی، میرزا اقا. (وف ۱۲۹۰ ق)، شاعر،
متخلص به صنعت مشهور به میرزا قاسماعت ساز در
شیراز به دنیا آمد. شعلش صنعت سازی بود. در شیراز
و دت یافت و در دارالسلام دفن شد. از وی «دیوان» شعری
به جای مانده است.

آثار حجم (۵۶۱)، الدریعه (۶۱۸/ ۹)، ریحانه (۳/ ۲۷۱)،
دانشمندان و سخن سرايان فارس (۳/ ۴۶۸-۴۶۹)،
فرهنگ سخنوران (۵۰۴-۵۰۵)، سیرت الفصاحه (۳۲۱)،
(۳۶۲)

صنعت فدغی، صنعت لاری فدغی.

صنعت لاری فدغی. (وف ۱۲۶۴ ق)، شاعر، متخلص
به صنعت. وی دختر یکی از کدخدایان لارستان فارس
بود چون در صایع دستی زنانه مهارت داشت در اشعار
حدود صنعت تحلیص می‌کرد اشعاری از او به جا مانده
ست.

الدریعه (۹/ ۶۱۸)، حلیقه الشعره (۳/ ۱۷۱-۱۷۲)،
دانشمندان و سخن سرايان فارس (۳/ ۴۶۸)، فارسنامه
نصری (۲/ ۱۵۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۴۵).

صنعتی زاده کرمانی، میرزا عبدالحسین، فرزند عیسی
کبر صنعتی. (۱۲۷۴، ۱۲۷۵-۱۳۵۲ ش)، نویسنده. در
کرمان به دنیا آمد. از جوانی به داستان نویسی علاقه
داشت. در حدود ۱۲۹۰ ش نخستین رمان تاریخی خود به
نام «دام گستران» یا «انتقام خواهان مردک» را نوشت
محاسنی، صنعتی زاده را پدر رمانهای تاریخ، ایران

صنیع خاتم

صنعی نیشابوری، میر صنعی / میر صفی الدین (وف ۹۷۶ ق)، خطاط، نقاش و شاعر از سادات نیشابور بود. صادقی کتابدار از شاگردان صنعی در فن شعر است و در محضر وی رسائل شعر را آموخت. او در فن علاقه‌مندی استاد بود و از رنگ و افشان کاغذ و همچنین از سرنج و سبک و لاجوردشویی نیز اطلاع داشت و همه خطوط، بیژ، نستعلیق را خوب می‌نوشت. مؤلف «برهنگ سخنور» صنعی را از شاگردان میر عبدالحی اسرآدی می‌داند. در «آتشکده آذر» قوت وی ۹۷۲ ق و نام وی میر صفی الدین آمده و شاید به این دلیل او را صفی نیشابوری هم گفته‌اند. صنعی در تبریز درگذشت و قبرش در جوار مسجد جهان‌شاه است.

آتشکده آذر (۲/ ۶۹۵-۶۹۴) احوال و آثار خوشویسانه (۲/ ۱۳۱)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، تحفه سامی (۷۵/ ۲۸۲-۲۸۳)، تذکره دوز روشن (۲۸۰)، الذریعه (۹/ ۶۱۹)، برهنگ سخنوران (۵۶۲-۵۶۵)، لغت‌نامه (دیر / صمی، صفی)، مجمع‌الخواص (۷۶-۷۴، ۸۷-۸۶)، مطلع الشمس (۲/ ۱۸۲-۲/ ۲۳۱).

صنیع خاتم، محمد، فرزند محمد کاظم. (۱۳۳۲-۱۳۶۴ ش)، خاتم کار. ملقب به امین الصنائع. در شیراز به دنیا آمد. خاتم سازی را، در شیراز نزد پدرش مرگرفت. هنگام سلطنت رضاخان به تهران آمد و مأمور کارهای خاتم کاری کاحی سلطنتی گردید و به کمک جمعی از خاتم سازان ماهر، تالار خاتم را در ضلع شرقی کاخ مرمر پدید آورد. از ۱۳۱۰ ش تا پایان عمر به سمت استادی خاتم سازی در اداره هنرهای زیبا اشتغال داشت. اهل فن، صانت کارهایش را ستوده‌اند. وی در شیراز درگذشت و در همان‌جا دفن شد.

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۷۰۶)، تاریخ برگزیدگان (۵۳۳-۵۳۵)، دیراللمعارف فارسی (۲/ ۱۵۸۱).

صنیع خاتم، محمد، فرزند محمد کاظم. (تر ۱۲۷۰ ش)، خاتم کار ملقب به صنیع دیران. ری برادر محمد حسین صنیع خاتم است. او به تعمیر و مرمت صندوقهای مرآتیه اشتغال داشت و طراحی نقوش را به استادی طرح می‌کود و با همکاری شاگردانش به پایان می‌رسانید. از آثار وی. تجدید ساخت صریح بقعه‌ای حضرت شاه عبدالعظیم (ع)؛ ساختن و پرداختن تالار خاتم کاخ مرمر.

سامیده است سرانجام در پاریس درگذشت. از دیگر آثارش: «مسحور»؛ «مستم در قرن بیست و دوم»؛ «داستان مانی نقاش»؛ «سپاه پوشان»؛ داستان ابومسلم خراسانی؛ «مجمع دیوانگان».

«ذیات موی» (۳۶-۳۷) از صبا تا بیما (۲/ ۲۵۵-۲۵۸)، از بیما تا روزگار ما (۲۲۲-۲۲۷)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۴/ ۲۱۰-۲۱۲) حد سال داستان نویسی (۱ و ۲/ ۳۵-۳۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۷۴۱-۷۴۲)، بیما (س ۳-۹، ص ۵۴۴-۵۴۳).

صنعتی مشهدی، صنعتی قالب تراش. (س دهم ق)، شاعر از شاعران خراسان است که در مشهد اقامت داشت و از رهگذر صنعت قالب تراشی روزگار می‌گذرانید. اسعاری از او به جا مانده است.

الذریعه (۹/ ۶۱۹)، لغت‌نامه (دیل / صنعتی)، مجمع‌الخواص (۲۹۲).

صنعت کاشانی، ملا صنعت الله طیب (ز ۹۴۴ ق)، طیب و شاعر از شاعران و طبیبان کاشان، که مدتها در تبریز به امور صانت مشغول بود. او به تنها در طبابت حادق بود بلکه در سرودن شعر، ویژه ماده تاریخ نیز مهارت داشت. قصیده‌ای درباره فتح شیروان، در ۹۴۴ ق، سروده که مصرع آن در بردارنده ماده تاریخ فتح شیروان است. نحه سامی (۸۷-۸۶)، الذریعه (۹/ ۶۱۹).

صنعی رشیدپور درفولی، حسن، فرزند محمد رشید خان. (۱۲۸۶-۱۲۳۹ ش)، شاعر. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل معلومات عربی در مدرسه حاج آقا محمد به تحصیل پرداخت. پس از پایان تحصیل حرو مشیان درباری درآمد و در حکومت سپهسالار یا سمت منشی به همدان رفت، وی پس از اندک زمانی به تهران بازگشت و پس از چندی به عتبات رفت و پاسب و کلاه را به جبه فقر تبدیل کرد و به طریقه شاه نعمت‌اللهی گروید. در تهران وفات یافت و در قبرستان چهارده معصوم (س) دفن شد. در «الذریعه» سال نوید وی ۱۲۲۹ ش ذکر شده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

الذریعه (۹/ ۶۱۹)، برهنگ سخنوران (۵۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۵۶-۵۵۷).

صنعی مشهدی - صنعی نیشابوری

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۹۰۲)، تاریخ برگزیدگان (۵۳۴).

صنایع دیوان - صنایع خاتم، محمد

صنایع الرمان، محمد باقر موسوی. (س سیزدهم ق)، نقاش و مذهب، ملقب به صنایع الرمان. وی مذهب نازک و حل کاری و شیرین کار دوره ناصری بود. صنایع الرمان در تشعیر و حل کاری و ترصیع و گل آرایی مهارت داشت و انواع تزیینات متداوله را به خوبی انجام می داد. از کار وی آینه ای است که به نواح آرایش تذهیبی جلب نظر می کند. در وسط قاب آینه، تصویر گل بزرگی است که به حل کاری انجام یافته و حواشی آن نیز، به انواع تذهیب و تشعیر ریا آدین گشته، با رقم: «دهه محمد باقر الموسوی الملقب به صنایع الرمان»

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۶۶۹)

صنایع السلطان، عطاءالله. (ر ۱۳۲۶ ق)، نقاش. نقاش رنگ و روغن دوره مظفری. س. شاه قاجار بود، و صاهرا ر طرف این پادشاه ملقب به صنایع السلطان شده است. صنایع السلطان در شبیه سازی دست داشت و صورت رحمان و مشاهیر معاصر خود را به رنگ و روغن مصور می نمود. در آثار وی: تصویر رنگ و روغن جوانی کمال الملک است که شاهت زیادی به استاد دارد، با رقم: «عطاءالله صنایع السلطان ح - ۱۳۲۶»؛ دو تصویر رنگ و روغن از صورت حکیم تونوزان فرانسوی که رقم یکی پسان امضای تصویر کمال الملک است و دیگری رقم ساده ای دارد. «صنایع محرم ۱۳۲۶»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۰)

صنایع الملک، میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی، فرزند میرزا محمد. (ح ۱۲۲۹ - ح ۱۲۸۳ ق)، نقاش. ملقب به نقاش پاشی و صنایع الملک مشهور به ابوالحسن ثانی بزرگترین نقاش عصر قاجاریه است. وی سواده فاضلی عبدالمطلب غفاری کاشانی است پس از فراگرفتن هر نقاشی در ایران، به تشریف حسینی خان نظام الدوله مشیرالممالک، به ایالتی سفر کرد و چند سالی در موزه های فلورانس و رم به فرگیری نقاشی پرداخت و اغلب به گردن کردن آثار اساتید فن مشغول بود پس از بازگشت، در ۱۲۷۳ ق، هفت پرده نقاشی از صف سلام ناصرالدین شاه، شامل هشتاد و چهار صورت از شاهزادگان و رجال و صیره

را به دستور میرزا آقاخان سوری در تالار نظامیه کشید. صنایع الملک مؤسس اولین مدرسه نقاشی در ایران است و چون در فن نقاشی و صنعت چاپ نیز مهارت بسیار داشت، در ۱۲۷۷ ق ریاست دارانصاعه دولتی و «مشر روزنامه» و «ذبیح اتفاقی» به وی محول شد و از پس از مدتی عنوان روزنامه را به «روزنامه دولت علیه ایران» تغییر داد. او در شبیه سازی و چهره پردازی دستی توانا داشته و در نقاشی قلمندان مشهور محصور صی از خود نشان داده است. ناصرالدین شاه فن نقاشی را نزد او آموخت. کمال الملک غفاری، نقاش معروف، برادر راده وی بود. از دیگر آثار این هنرمند: تصاویر کتاب «الف لیلة و لیلة» که از شاهکارهای اوست؛ پنج تصویر آبرنگ در کتاب مشوی «شیرین و فرهاد» و حشی بافقی؛ شمایل حضرت علی (ع)؛ تصویر رنگ و روغن محمد شاه، با رقم: «هاکر جان تثار ابوالحسن ثانی غفاری تاریخ ۱۲۵۸»؛ تصویر آبرنگی شبیه میرزا عبدالله خان مستوفی، با رقم: «اثر ابوالحسن نقاشی کاشانی غفاری ۱۲۷۳»؛ کارت پستال چاپی از عمله طرب که میرزا علی اکبر تارون در وسط تار می زند و عده ای در اطراف دیده می شوند، با رقم: «صورت مجلس طارحوم آقا علی اکبر است که در ۱۲۷۳ میرزا ابوالحسن خان صنایع الملک کشیده»؛ تصاویر روزنامه «دولت علیه ایران»، که در دو سه جا با رقم «ابوالحسن» آمده است.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۰-۳۲۳)، تاریخ برگزیدگان (۲۸۸-۲۸۹)، تاریخ چیرید (۲/ ۳۲۱-۳۲۳)، تاریخ مسرهای ملی (۱/ ۵۸۳-۵۸۴)، ۲/ ۹۵۵-۹۵۷، دیرالمعارف فارسی (۲/ ۱۵۸۱، ۳۰۳۷)، شخصیه های ساسی (۲۹۶-۲۹۵)، شرح حال رجال (۱/ ۴۲-۴۱)، فهرست روزنامه های موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (۱۵۵-۱۵۶)، کارنامه برگزیدگان (۲۴۲-۲۴۳)، گنج هر پناه و یک، هرستاد (۲۰، ۲۹)

صنایع الملک معمار پاشی، ابوالحسن اصفهانی. (۱۳۰۵-۱۲۴۵ ق)، معمار. ملقب به صنایع الملک از محمد ابراهیم خان معمارپاشی، وزیر نظام و حاکم تهران، لقب معمار پاشی گرفت. از آثار خیره ریه وی، پتای مسجد و مدرسه ای عالی در نزدیکی امامزاده یحیی تهران است. شرح حال رجال (۱/ ۳۵۳-۳۵۴)

صنایع الممالک زرگر پاشی، میرزا علیقلی، فرزند ابوطالب زرگر اصفهانی. (۱۲۵۸-۱۳۳۳ ق)، نقاش و

صنیع همایون

رسمی صنیع همایون، که اصل متن بر روی تخته چسب نوشته شده: «هو- این مشق را که روی این تخته نوشته می شود مادگار قصر صاحب قرائه است... جمادی الثانیه ۱۳۲۲»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۶-۲۰۷)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۱۰۰۰-۱۰۰۱)، گلستان هنر (پنجشنبه و سه شنبه، مهر فلنداد (۱۲۵)

صنیع همایون اصفهانی، میرزا عبدالحمید، فرزند آقا محمد کاظم (۱۲۷۶-۱۳۲۰ ق)، نقاش، مذهب و قلمدان ساز ملقب به صنیع همایون. وی نواده آقا نجمعلی قهشباشی است که در اصفهان به دنیا آمد. او در ابتدای کار از پدر هرمندش بیضا برد و بعد در خدمت میرزا آق امامی و محمد باقر سمیرمی و سایر اسنادان دیگر به کسب هنر اشتغال داشت. صنیع همایون در صورت سازی و چهره پردازی نازک قلم و در گل و مرغ و منظره پردازی پر اعتبار بود و در تذهیب و آبرنگ مهارت داشت و اغلب قلمدان و قاب آینه و جلد کتاب می ساخت. سبک او متأثر از شیوه عباس شیرازی و محمد ابراهیم اصفهانی، ولی در عین آن متمایز از آن دو استاد است. از آثار وی قلمدان تاتوی بزرگی که در داخل مدالیون رویاش، تصویر رسمی سینه که به مشکایی تکیه داده و در دو دماغه قلمدان، صورت شیر ارائه شده، با رقم: «عبدالحمید صنیع همایون ۱۳۲۸»؛ قلمدانی با تصویر دخترانی با آرایش زنان فرنگی، بر رویه قلمدان تصویر شده و در زمینه آن، منظره سر سر درختان و کوهسارهای طرح افرا دیده می شود، با رقم: «عبدالحمید صنیع همایون ۱۳۲۴»؛ تصویر رنگ و روغنی مجلسی پذیرایی شده طهماسب از همایون شاه. رقم «عمل کمترین صنیع همایون»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۰-۳۲۱)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۳۰-۳۱)، گلستان هنر (پنجشنبه و سه شنبه، مهر فلنداد (۱۵۷-۱۵۸)

صنیع همایون، عبداللطیف. (ز ۱۳۴۱ ق)، قلمدان ساز از هنرمندانی است که در گل و مرغ و جانورسازی مهارت داشت. از آثار وی، قلمدان گل و مرغی خوش طرحی است که به شیوه آقا ابراهیم ترمیم شده، با رقم: «عمل کمترین عبداللطیف صنیع همایون ۱۳۴۱».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۴۳)

طراح ملقب به صنیع الممالک در ابتدا از محصلین و طلاب و از شاگردان حاج شیخ عبدالجی مجتهد نوری بود در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، قسمتی از امور زرگری دولت به او محول شد و بعد ملقب به زرگر باشی و صنیع الممالک گردید. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه تمام کارهای صندوقخانه که مربوط به جوهر و زرگری بود به او محول شد صنیع الممالک در تهران درگذشت. از آثار وی شمیر جواهر شانی است که به سفارش امین السلطان اتابک و جهت تقدیم به ناصرالدین شاه قاجار، تهیه و مرصع گشته، با رقم «مسارک و میمنت... در زرگر خانه مبارکه تمام شد. میرزا علینقی زرگر باشی ۱۳۰۶». در تهران درگذشت. در «احوال و آثار نقاشان» مدحلی تحت عنوان صنیع الممالک زرگر باشی آمده است که با توجه به اثر و زمان حیات وی، احتمال می رود که با صاحب عنوان یکی باشد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۸۷، ۳۰۳)، شرح حال رجال (۲/ ۵۰۱-۵۰۲)

صنیع همایون، میرزا رسمی طالقانی. (ز ۱۳۲۲ ق)؛ نقاش و مذهب. ملقب به صنیع همایون. اهل طهمان بود در مجمع الصنیع تهران حجره ای مخصوص به خود داشت و به خلق آثار بدیع می پرداخت. وی از هنر آیدن حرار اول و بلند پایه زمان ناصرالدین شاه قاجار است، که آثار بسیار خوبی در تذهیب و نقاشی پدید آورده و در هنر میناسازی نیز دست داشته است. میرزا رسمی در آرایش و تلمین گلها، با صورتهای انسانی و تصویر پرآذین جمع حیوانات به طلا و حل کاری بی همتا بود و شبیه سازی و چهره پردازی را خوب می دانست. او تا زمان مظفرالدین شاه زنده بود. از آثار وی، میز فولادی نعلیسی که از استادانه ترین آثار تذهیبی اوست و رویه این میز در شیوه های متنوع و پیچیده تذهیب ترمیم شده، با رقم «قل چاکران رسمی»؛ قلمدان مذهب و عالی که تصویری دورویه دارد، با رقم: «رسمی صنیع همایون»؛ جلد کتابی که در رویه آن، انواع تذهیبها به تردستی انجام یافته، با رقم: «در مجمع الصنایع دولتی مسارک» - قل چاکران رسمی مذهب منته ۱۲۹۹»؛ شاهکار دیگر، او که بر روی تخته اجرا شده، تذهیب زمینه و کنار خطوط مظفرالدین شاه است که تذهیب اطراف به رنگ لاجوردی بوده و برگهای خوشه انگوری خوش منظر و گل و برگهای مزین در کنار دست نوشته ها جلب نظر می کنند، با رقم «قل چاکران

مذنی سیر مدیر مجله «آموزش و پرورش» و عضو فرهنگستان بود. او سفرهایی به کشورهای روسیه، آمریکا و پاکستان کرده و به مدت یک سال در دانشگاه کلمبا سمب استادی داشته است. در شیراز به خاک سپرده شد. از آثارش: «عشاق نابل»، ترجمه: «سخن سنجی»؛ «تاریخ ادبیات انگلیسی»؛ «علم اقتصاد»؛ «دیوان»؛ شعر: «ادبیت توصیفی ایران»؛ «ادیات عنایی یزدی»؛ «برگهای پراکنده»؛ شعر

ادیات معاصر (۶۸-۶۷)، شرح جراید، ۱/ ۲۷۴، ۳/ ۲۸، چشمه روشنی (۵۳۳-۵۴۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۳/ ۴۶۸-۴۸۳)، الذریعه، ۱۹/ ۶۷۰، رنگینه روحان و مشاهیر (۲/ ۲۱۸-۲۱۷)، سخنوران نامی (۲/ ۳۴۸-۳۴۱)، سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۳۶۴-۲۳۶۹)، سواد و بیاض (۵۸۶-۵۸۳)، شخصیت‌های نامی (۲۹۱-۲۹۰)، صلیب (۳۹۷-۵۱۰)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، کتابخانه تخصصی دهه انقلاب (۲۲۱)، گمنام معانی (۲۳۲-۲۲۵)، مولفین کتب چاپی (۵/ ۱۳۰-۱۳۲)، بیاض رس، ۲۲، ش ۷، ص ۳۱۱-۳۱۲.

صورتی اصفهانی، علی صورت خان، (۴)، شاعر و بازیگر. از بازیگران و نقش آفرینان شهر اصفهان بود که به تئاتر صبر ملانکه و عاصیان و شرح روز محشر، در میدان مرکزی اصفهان، مشغول بود، لذا به او علی معرکه گیر هم گفته‌اند. صورتی در سرودن شعر نیز دست داشت. او مرثیه‌ای در سوگ فرزندی رضا سروده که عبارت است از:

بگری داد ای‌زدم ز قضا
هم قضا نام او نهاد رضا
عاقبت هم قضا رضا را برد
چکم داده‌ام رضا به قضا
تذکره روز روشنی (۲۸)، الذریعه (۹/ ۶۲۰)، هفت اقلیم (۲/ ۲۳۷)

صوفی آملی مازندرانی، ملا محمد، (وف ۱۰۳۵ ق)، شاعر و صوفی، متخصص به محمد در آمل متولد شد. در جوانی بنای جهانگردی گذاشت. چندی در شهرهای ایران به سیاحت گذرانید و در کاروان از محضر شیخ ابوالقاسم کازرونی، از مشایخ صوفیان مرشدیه آن روزگار، بهره‌مند شد. بعد از آن قصد حج کرد و گویند پانزده سال در مکه ماند و سپس به هند رفت. تقی‌الدین اوجندی و ملا

صمیمی، (ر ۱۲۷۰ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز هنرمندان دوره ناصری بود که در قلمدان سازی و کا. های روغنی دست داشت. از آثار وی قلمدان رباعی است که در روغنه آن تصاویر چند دختر جلب نظر می‌کند و مرشته‌ای با پرهای طلایی خود در مقابل آنها نشسته و با آنها صحبت می‌کند. در طرفین صحنه وسط، دو درخت مورون که یکی برگهای سر و دیگری زرد پاییزی دارد دیده می‌شود و در جنب آنها مجلس پر حانت شیخ صمدان و دختر ترسا در نازک قلمی استادانه تصویر شده، پ رقم صمیمی ۱۲۷۰

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۸۸-۲۸۷)

صوتی یزدی، سید حسینی، (وف ۱۰۸۰ ق)، شاعر و بوازنده ملقب به میر صوتی از شاعران عهد شاه عباس لالی و شاه سلیمان صفوی است که در نزد آنان محترم و مکرم بود. گریه به شیوه سارید شعر می‌سرود و می‌نواخت. از وی حدود سیصد رباعی به جای مانده است.

تاریخ موسیقی (۱/ ۳۳۸)، تذکره سخنوران یزد (۱/ ۱۸۸)، جامع مفیدی (۳/ ۳۲۰-۳۲۱)، الذریعه (۹/ ۶۲)، روحانه (۱۳/ ۴۷۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، کاروان هند (۱/ ۷۴۰)

صوئاسر میل ← جهانبگیر خان شیرازی.

صورتگر، لطفعلی، قهرمان میرزا آقا خان (۱۲۷۹-۱۳۲۸ ش)، شاعر، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه، جد وی، آقا لطفعلی از نقاشان هنرمند و چیره دست قرن سیزدهم هجری بود که کارهای او در دوره‌های پاریس و لیونگرا موجود است. صورتگر در شیراز به دین آمد. تحصیلات ابتدایی را در شیراز گذرانده سپس به هند رفت و تحصیلات متوسطه را در آمل به پایان رسانید. نگاه به ایران بازگشت و به خدمت اخراجات دارایی و فرهنگ درآمد و مجله «سپیده دم» را در شیراز تأسیس کرد. در ۱۳۰۶ ش پری ادامه تحصیل به لندن رفت و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دکتر گرفت. صورتگر پایان نامه دکترای خود را درباره «نمود ادبیات ایران در ادبیات انگلستان در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی» نوشت. بعد از بازگشت به تدریس ادبیات فارسی و انگلیسی پرداخت و چندی نیز ریاست دانشگاه شیراز را عهده‌دار بود. ری

صوفی کرمانی

الدیرمه (۱۵۱/۹۷)، فرهنگ ادبیات نارس (۳۱۹).

صوفی شیرازی، حکیم صوفی تاجر، (س. یازدهم ق)،
طبییب و شاعر معروف به حکیم صوفی، از طبیبان حدائق و
بارورگان بنام شیراز بود که در سرودن شعر نیز مهارت
داشت، از اوست.

ز رخس تیغ تو آگه شدند مدعیان
سغان که بخیه‌ام آخر به روی کار افتاد

تذکره روز روشن (۴۸۳)، تذکره نصرآبادی (۱۳۲)،
الدیرمه (۹/ ۲۶۳، ۲۶۱)، فرهنگ سخنوران (۵۶۷)،
مرآت الفصاحه (۳۶۳، ۳۶۲).

صوفی شیرازی، ملا محمد علی - صوفی کرمانی

صوفی علی، شیخ صوفی علی، (وف ۹۰۸ ق)، صوفی
از مریدان شیخ رین ندس حو می بود و خانقاهی در هرات
داشت. از روزگار کز دکی تا ایام پیری پیوسته به عبادت و
طاعت حق و ذکر الهی و دستگیری در نشان مشغول بود
در اواخر دولت سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱) در
هرات درگذشت و در مقبره خواجه جمال الدین عطاء الله
دفن شد.

تشیب السیر (۴/ ۳۴۷)، لقب نامه (ذیل / صوفی علی)،
مزارات موات (۱۲۱).

صوفی فوشنجی، ابوالحسن علی بن احمد بن
سهل، (وف ۲۴۸ ق)، صوفی اهل وی از پوشنگ و ساکن
نیشابور بود. ابوهشمان حیری را ملاقات کرده بود و در
هراق با ابوالعباس عطا و جریری و در شام با طاهر مقدسی
و ابوعمر و دمشقی مصاحبت داشت. همچنین با شبلی نیز
در بسیاری از مسائل مباحثه کرده و اقوال وی در کتب
صوفیه نقل شده است.

تذکره الاولیاء (۲/ ۹۱-۸۹)، حبیبه الاولیاء (۱۰/ ۳۷۹-
۳۸۰)، ترجمه رساله قشیریه (۸۰)، طبقات الصوفیه
سلسی (۲۵۸-۴۶۱)، طبقات الصوفیه مصری (۲۹۷-
۴۹۸)، مجلس نمیمی (ذیل / ۴۴۸)، نغمات الانس
(۲۳۰).

صوفی کرمانی، ملا محمد علی، (س. یازدهم ق)،
شاعر، متخلص به صوفی، اصلش از کرمان بوده اما بیشتر
ایام عمر را در شیراز به سر برد. در سرودن رباعی ماهر

عبدانسی قهرالزمانی قزوینی او را در هند ملاقات کرده‌اند
و نظیری نیشابوری با وی معاشر بوده است. در هند جلال
الدین صدر متخلص به رضایی از میان رجال و مشاهیر
هند، بیشتر با وی انس داشت و از وی کسب فیض می‌کرد.
او در هند مسافرت‌های سیار کرده و ظاهراً در احمد آباد
کجرات از دنیا رفته است. از آثارش: «بیت خانه»، که بخشی
از شعر شاعران پیشین است؛ «دیوان» شعر، حدود هزار و
پانصد بیت؛ «ساقی نامه»

ابصار المکون (۱/ ۵۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/
۱۰۳۷-۱۰۵۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۸-۵۳۷)، تذکره
سیحانه (۲۹۲-۲۷۶)، الدیرمه (۹/ ۹۹۹-۹۶۱)، ریاضی
العارفین (۱۳۶-۱۲۵)، صبح گلشن (۳۷۸-۳۷۹)، فرهنگ
سخنوران (۵۶۷)، کاروان هند (۲/ ۱۲۲۲، ۱۲۳۳-
۱۲۴۲)، لقب نامه (ذیل / صوفی)، مجمع الفصاحه (۲/
۷۸۷۷)، حفت اقیام (۳/ ۱۲۸-۱۳۱).

صوفی استرآبادی، پیر صوفی، (س. نهم ق)، شاعر
اهل استرآباد بود. از اوست:

نیست در هجر توام ضعف و بیماری دل
نرسم آورده شود طبع تو از راری دل

الدیرمه (۹/ ۵۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، لغت‌نامه
(ذیل / صوفی)، مجالس السائغی (۸۶، ۲۶۰).

صوفی آه یاری، فرزند الله قلی بخارایی، (ز ۱۱۱۲ ق)،
شاعر، ابتدا در دربار شاهان زمان خود به سر می‌برد و پس
ر آن به فرقه نقشبندیه پیوست و تحت تأثیر ارشادات پیر
خود، در ۱۱۱۱ ق به سرودن مثنوی به نام «مسئله
المتقین» پرداخت.

مطهر معای نارس (۲۷۱-۲۷۲).

صوفی خراسانی، احمد میرک - صالحی
خراسانی، احمد میرک

صوفی رازی، ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر (وف
۳۷۶ ق)، دانشمند و منجم. از دانشمندان و متجمدان
معروف قرن چهارم ق بود که عضدالدوله دیلمی نزد او به
تحصیل نجوم پرداخت. وی درباره صورت‌های فلک البروج
کتابی به زبان عربی تألیف کرده به نام «صورالکواکب
الثانیة» یا «الصور السماویة» و آن را به عضدالدوله تقدیم
کرده است. ترجمه فارسی این کتاب موجود است

بود. در کرمان درگذشت

تذکره صرآبادی (۳۱۲)، دانشمندان و سخن سرایان
فارس (۳/ ۴۸۵-۴۸۳)، الذریعه (۹/ ۶۲۲)، صبح گلشن
(۲۵۶)، فرهنگ سخنوران (۵۶۷)، لغت نامه (ذیل /
صوفی شیرازی)

صوفی نیشابوری، ابوبکر محمد بن داوود بن سلیمان
بن جعفر (وف ۳۴۲ ق)، حافظ، محدث، صوفی و راهب.
معروف به اَبی داوود و زاهد نیشابوری. از پیشگامان
حدیث و تصرف در قرن چهارم هجری بود. برای استماع
حدیث به شهرهای هرات و مرو و ری و گرگان و عراق و
حجاز و مصر و شام و جریره سفر کرد. قبل از ۳۰۰ ق به
بغداد رفت و در آنجا اقامت گزید. او در نیشابور از محمد
بن عمرو قنصلرد و ابوعبدالله یوشنچی و در بصره از
یوحنا یحیی و در بغداد از جعفر قریابی و در ری از
محمد بن ایوب بعلی و در هرات از حسین بن ادویس و در
گرگان از ابن محاشع و در اهواز از عیدان و در نسا از حسن
بن سفیان و در کوفه از محمد بن جعفر قنات و در موصل از
ابویعلی و در مصر از انو عبدالرحمن نسایی و در نهم از
فصل انطاکی و در مکه از معصل جندی حدیث شنید. وی
شیده‌های خود را گردآوری نمود و مجلس اجلا پوریا
ساخت. ابوبکر بن ابی داوود و اس صاعد، که از متنبخش
نیر بودند و اَبی صفه و ابوالاحمد حاکم نیشابوری و
مرو عبدالله حاکم سنبلری و بن مسد و بن جمیع و دیگران
از وی حدیث شنیدند. او را محدثی فاضل و مورد اعتماد
توصیف کرده‌اند. در آخر عمر به نیشابور بازگشت و در
آنجا از دنیا رفت. وی اخبار صوفیه را نیز جمع آوری نمود
از آثارش کتاب «الامواب» و کتاب «الشیوخ» و کتاب
«الرهديات» می‌باشد.

الاعلام (۶/ ۲۵۵)، تاریخ بغداد (۵/ ۲۶۵-۲۶۶)،
سیرالنجلاء (۱۵/ ۴۲۰)، سدرات الذهب (۲/ ۲۶۵)،
طبقات الحفاظ (۳۶۹)، العبر (۲/ ۶۵)، مجمع المؤلفین
(۹/ ۲۹۶)، الحوم الزاهرة (۳/ ۳۵۴)، الواسی بالرحمات
(۳/ ۶۳)

صوفی یزدی، (س یازدهم ق)، شاعر از سادات بنام
پرد بود که در سرودن شعر مهارت داشت از اوست:
در مجلس خاصیت ده حار و خس نیست
محروم از این بهشت جز ناکس نیست

خضر خرد نواست در خور می‌ناب

می آید بقاصت در خور هر کس نیست

تذکره صرآبادی (۲۲۶)، الذریعه (۹/ ۶۲۰، ۶۲۲)، لغت
نامه (ذیل / صوفی).

صهبا، ابراهیم، فرزند مهدی، (۱۲۹۰/۱۲۹۱-۱۳۷۷
ش)، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر، مشخص به
صهد. در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد.
پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر فاملازمت و
رنجهای برادران زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ
کرد. صهبا تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در
مدرسه شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یک سال هم در
آنجا درس گرفت. برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در
دارالفنون مشغول تحصیل گردید، وارد دانشکده افسری
شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری، سرودهای نظامی و
تصانیف فکاهی می‌سرود. پس از اتمام تحصیلات به تبریز
منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال
توقف در آن دیار رهسپار تهران شد و به تدریس در
دانشکده افسری پرداخت. در ۱۳۲۲ ش وارد وزارت
درایی شد، وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه
فکاهی «بابا شمس» آغاز کرد و اشعارش را با نام مستعار
شیخ شریا و ابرام سرپا منتشر می‌کرد. در همین دوران
بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا
گردید و مناظراتی بین آنها رد و بدل شد. صهبا از موسیقی
نیز بهره‌مند بود و تار می‌نواخت از آثارش: «دختر صهبا»
«سافر صهبا» «انسان و شعر و ماه»

سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۳۷۵-۲۳۷۰)،
نحیبت‌های نامی (۲۹۲)، صد سال شعر خراسان
(۳۶۵، ۳۶۱)، کتابخانه نخستین دهه انقلاب (۲۳۱)

صهبا قمی، آقا تقی / محمد تقی، فرزند پدافله، (وف
۱۱۹۱ ق)، شاعر، متخصص به صهبا. اصل وی از دماوند
بود. در قم به دنیا آمد و در صهبا مسکن گزید. صهبا از
معاصران آذر و میر مشتاق بود و گویا تخلص شعری خود
را نیز از مشتاق گرفته است. در شیراز درگذشت. از آثار
وی: «ادیوان» شعر، در حدود سه هزار بیت.

دو پست سخنور (۲۰۲۰-۲۰۲۲)، الذریعه (۹/ ۶۲۲)، وبعانه
۳ (۴۸۰)، سلسله‌المحمود (۲/ ۴۲۳-۴۲۴)، فرهنگ
سخنوران (۵۶۵)، لغت‌نامه (ذیل / صهبا)، مجمع‌الفصحی
(۱۵/ ۶۹۹-۷۰۰)، بگستان دیر (۲۲۵-۲۲۴).

۱۴۰۲)، روحانه (۳/ ۴۸۱). طبقات اعلام الشیعه (قرون
۵/ ۸۸)، شهرت مستحب الدین (۸۶-۸۵)، الکفی و
الانقلاب (۲/ ۴۳۵-۴۳۴)، لغت نامه (دیل / شهرشتی)،
معجم الیعدنان (۳/ ۲۹۵)، معجم المؤلفین (۴/ ۲۵۸)،
هدیه الاحیاء (۱۹۰)، هدیه المارین (۱/ ۲۹۷)

صید علی خان درگزی، فرزند سیمان خان.
(۱۲۷۲-۱۳۳۲ ق.)، ادیب و شاعر. از طبایف جابشلو از
خرابین و از فصلا و ادبا و شایه‌های معروف خراسان بود
در درگز به دنیا آمد. وی مدتها نزد میرزا مهدی گیلانی
متخلص به خدیو تمذد کرد و قنون ادب را از وی آموخت
از شاگردان وی عبدالعزیز معروف به ادیب نیشابوری بود.
او با ملک الشعرای بهار، صدر الاطبا و سلطان العلماء معاشر
بود و تنها کسی است که به وسیله ادیب نیشابوری سبک
نصحاای قدیم را احیا نمود و از این حیث از شخصیت‌های
بزرگ ادب معاصر ایران است. حافظه‌ای نیرومند داشت به
طوری که پنجاه هزار بیت اشعار فارسی و عربی و ترکی در
حفظ داشت و بهتر از هر کس به سبک خراسانی آشت بود
از کتاب وی «دیوان» شعر.

شرح حال رجال (۶/ ۱۲۲)، صد سال شعر خراسان
(۳۶۰-۳۶۵).

صیدلانی، ابوبکر، (من سوم و چهارم ق.)، عارف، از
بزرگان مشایخ و سرآمدان تصرف است که ابوبکر شبلی (م
۳۳۴ ق) از او با تکریم و تجلیل یاد می‌کرد. وی از حطه
فارس بود و در نیشابور وفات یافته است. اندکی از اقوال
وی در «تشفعات الانس» نقل شده است در «تاریخ
نیشابور» آمده که مدفن وی "در راه شارع اذک است در
عربی هم‌مدار".

تاریخ نیشابور (۲۲۶)، ترجمه رساله مشربیه (۴۳۱)،
معجم الانس (۸۸).

صیدلانی، یوسف محمد بن عبدالرحمن گرگانی.
(وف ۴۶۳ ق.)، شاعر، ادیب و دانشمند. وی از شاعران
دولس‌نشین عهد خرد بود که برخی از اشعار عربی وی در
«دیه انصر» باخرزی مضبوط است. از اشعار فارسی وی
بجز دو «لغت فارس» اسدی طوسی آمده است.

الاعلام (۷/ ۶۴)، شاعران بی‌دیوان (۵۴۵)، لغت نامه
(دیل / صیدلانی).

صهبای یلمایی، حسن، فرزند عبدالله موثق دقشور، (تو
۱۲۸۸ ش.)، نویسنده. در سمنان به دنیا آمد. پس از پایان
تحصیل به استخدام وزارت ده‌گسری درآمد و سی سال
در مقام‌های مختلف قضایی خدمت کرد. از آثار وی، «راه
اصلاح دادگستری»، که در ۱۳۳۱ ش در مشهد به چاپ
رسید! «درجه خدائشاسی»، که در ۱۳۳۹ ش چاپ شد.
شهرت کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۶۲۴)، کتابخانه
مختلن ده انقلاب (۲۳۱)، مؤلفین کتب پسین (۲/
۵۸۸-۵۸۷)

صهبای قمشه‌ای، محمد رضا - قمشه‌ای اصفهانی

صهبایی چشتی، سید عبدالیاقی، (س یازدهم ق.)،
خطاط و شاعر، متخلص به صهبایی. وی از احمد
قطب‌الدین مودود چشتی و از شاعران و ملازمان شاه
جهان و عالمگیر (۱۰۶۹-۱۱۱۸ ق.)، پادشاهان هند، بود و
در مدح عالمگیر تصاوید بسیار دارد. صهبایی خوشنویس
ماهری بود و غالب شعره را خوش می‌نوشت. در مرقم
از کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، قطعه‌ای است به
قلم سه دانگ خوش و آن قطعه شعری از شاعری به نام
عبدالباقی است، که در صدر آن نوشته: «لراقمه». از صها
«دیوان» شعری نیز باقی است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۶۵)، الذریعه (۹/ ۵۲۳)،
صبح گلشن (۲۵۸-۲۵۷)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶).

صهرشتی، نظام‌الدین ابو عبدالله / ابوالحسن سلیمان /
سلیمان بن حسن / حسین بن سلیمان / سلمان، (من پنجم
ق.)، فقیه و عالم امامی، فقهی موجه و متدین از شهرهای
دیس بود. وی از شاگردان نجاشی و شیخ طوسی (م ۲۶۰
ق) و سید مرتضی و دیگر بزرگان بود. شیخ متعجب‌الدین
از طریق پدر و جدش از وی روایت کرده است. رجال
نویسان در اسم و کنیه و اسم پدر و اسم جد او اختلاف نظر
دارند. از آثارش: «اصباح الشیعه بمصباح الشریعه»؛
«النیان فی صمل شهر رمضان»؛ «التبیه» یا «تبیه لعقیه»؛
«قبس المصباح» که تلخیص «مصباح المستهد» شیخ
طوسی است و حموی این کتاب را به ابوالفرج محمد بن
حسین صهرجی نسبت داده است؛ «المتعه»؛ «القفس»؛
«لواذر»؛ «معج المصانک ابی معروفه المناسک».

اعیان الشیعه (۷/ ۳۹۷)، الذریعه (۲/ ۱۱۹-۱۱۸)، ۳/
۳۳۲، ۱۷/ ۳۰، ۲۴/ ۱۸۶، ۲۴/ ۲۴، روایت الحناث (۴/

صیدلانی اصفهانی، ابوجعفر محمد بن احمد بن نصر. (۵۰۹-۶۰۳ ق)، مسند و محدث. از نوادگان محمد بن خالدویه و سیط حسین بن منته پیرد. محضر حدیث محمود بن اسماعیل اشقر و عبدالکریم بن علی نوری و حمزة بن عباس و جعفر بن عبدالواحد ثقفی و ابوعبدان محمد بن ابی نزار را درک کرد. او را فاطمه بنت عبدالله کل «المعجم الکبیر» طبرانی را شنید، در حالی که یارده ساله بود. شیخ ضیاء و محمد بن عمر عثمانی و عبدالله بن حافظ و بدن تبریزی و محمد بن احمد زنجانی و ابن خلیل و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن درجی و ابن بخاری و ابن شیبین و گروهی دیگر از او اجازه روایت داشتند.

الاعلام بوفیات اعلام (۲/ ۴۰۶)، سیر النبلاء (۲۱/ ۲۳۰)،
شذرات الذهب (۵/ ۱۰۱۰)، المعیر (۳/ ۱۲۵)،
انجود الزهراء (۶/ ۱۷۱)

صیدلانی اصفهانی، ابوجعفر محمد بن حسن بن حسین. (وف ۵۶۸ ق)، مسند و محدث. در ۲۷۴ ق از عبدالرحمن بن محمد یوشنجی و بی بی بنت عبدالله بن محمد هرثیه، و شیخ الاسلام عبدالله انصاری و چند نفر دیگر اجازه حدیث گرفت. وی در ۴۸۴ ق ر سلیمان بن ابراهیم حافظ و رزق الله تمیمی و رئیس ثقفی و ابوسعید حماد بن شمیر و محمد بن علی بن محمد بن نصیری و محمد بن علی شکرری و عمر بن احمد سمسار و مکی کرچی و محمد بن محمد بن عبدالوهاب مدینی حدیث شنید. عبدالعظیم بن عبداللطیف شرانی و حافظ عبدالقادر رزاری و عبدالکریم بن محمد مؤدب و دیگران از وی حدیث شنیدند. علم الدین ابوانحسین علی ابن صابوری و کریمه میطوریه و حبیبه بافساریه از او اجازه روایت داشتند. او را مسند زمان می دانستند. احمد بن عمر ثقفی کتابی به نام «الکلی القلائد» از احادیث وی تخریج کرده است.

سیر النبلاء (۲۰/ ۵۳۱-۵۳۰)، شذرات الذهب (۴/ ۲۲۸)،
المعیر (۳/ ۵۵)، المجموع الزهراء (۶/ ۶۳)،

صیدلانی اصفهانی، ابوالمظهر قاسم بن فضل بن عبدالواحد. (ح ۵۶۷-۴۷۰ ق)، عالم، محدث و مسند مسند اصفهان بود. از رزق الله تمیمی و رئیس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و مکی بن منصور کرچی و سیدمان بن ابراهیم حافظ و جد مادری اش، محمد بن علی بن

عبدالرزاق، و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن محمد جنری اصفهانی «مسند» شافعی را از وی استماع کرد. حافظ عبدالقادر رهاوی و ابونزار ربیع بن حسن یحیی و محمد بن مسعود مدینی و محمد بن ابوسعید بن طاهر، و از قدماء ابوسعید سمعانی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. شیخ موفق الدین مقدسی و کریمه و حبیبه بافساریه از وی، با اجازه روایت، حدیث نقل کرده‌اند. سمعانی گوید: منبع الخطر و در طلب حدیث سیری ناپذیر و در جمع شاخص بود.

الاعلام بوفیات الاعلام (۲/ ۳۸۳)، سیر النبلاء (۲۰/ ۵۲۹-۵۲۸)، شذرات الذهب (۴/ ۲۲۳)، المعیر (۳/ ۵۱)،
المجموع الزهراء (۶/ ۶۱)

صیدلانی اصفهانی، شیخ ابوالقاسم عبدالواحد بن ابی مظهر قاسم بن فضل. (وف ۶۰۵-۵۱۴ ق)، مسند و محدث. در اصفهان به دنیا آمد. از پدرش و جعفر بن عبدالواحد ثقفی و فاطمه جو رداییه و اسماعیل احشید و ابن ابی ذر صالحانی حدیث شنید و نیز در محضر عبدالواحد دشج حدیث استماع کرد. دو حافظ. شیخ ضیاء و ابن خلیل، و بسیاری دیگر از وی حدیث شنیدند. شیخ شمس الدین عبدالرحمن و کمال عبدالرحیم و احمد بن ابی الحیر و احمد بن شیمان و فخرالدین ابن البخاری را از او اجازه روایت داشتند. در اصفهان درگ داشت.

سیر النبلاء (۲۱/ ۴۳۵-۴۳۶)، شذرات الذهب (۵/ ۱۶)،
المعیر (۳/ ۱۳۹)

صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد بن احمد بن محمد (وف ۴۱۵ ق)، فقیه، مسند و اذنب. از نوادگان شادان نیشابوری است. از ابوالعاس صم و ابوعبدالله بن احمرم و ابونکر صمعی حدیث شنید. بیهقی و رئیس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد مؤذن از وی حدیث روایت کرده‌اند.

سیر النبلاء (۱۷/ ۴۰۱)

صیدی یونانی. (ز ۱۰۲۳ ق)، شاعر در قریه شیدان بوانات فارسی به دنیا آمد و در همان سامان رشد و ثمر یافت. وی نواده مرلانا حسنعلی مفتی، شاعر و از معاصران و مریدان عرفی شیرازی بود. در ۱۰۲۳ ق از عراق به هندوستان مهاجرت کرد و در بهابور اقامت گزید و در سلک ملایمان حاکم آنجا درآمد. صیدی غزل را بیک

می سرود

کاروان هند (۱/ ۷۴۰-۷۴۲)، مآثر رحیمی (۲/ ۱۱۲۹-۱۱۳۳)

صیدی طهرانی، میر علی. (وف ۱۰۶۹ ق)، شاعر. در تهران به دنیا آمد، به اصفهان رفت و در آن شهر به تحصیل دانش و شاعری پرداخت. چون در آنجا شعرش مورد قبول بیعتاد عدت دیگر شاعران آن روزگار به هندوستان رفت. در ۱۰۶۵ ق ملارم شاه جهان شد و ب سرودن قصایدی در ستایش او و دخترش مورد عنایت شاه جهان و جهان آرایگم قرار گرفت. وی سرانجام در هندوستان درگذشت و در مشهد رضوی دفن شد. از آثار او: «دبران» شعر که بیشتر قصیده است، مثنوی در تعریف کشمیر

نشدت آنر (۳/ ۸۸۹-۹۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۲۲۳-۱۲۲۷)، تذکره نصیرآبادی (۳۵۹-۳۵۸)، لایحه (۹/ ۶۲۳-۶۲۴)، ری بستان (۲/ ۳۱۲)، توکل سحرورد (۵۶۸) کاروان هند (۱/ ۷۴۲-۷۴۷)، ثبت نامه (دیل / صیدی)، شایع الافکار (۴۱۸-۴۱۹)

صیرفی. (س دهم ق)، شاعر. از شاعران مثنوی پوداز بود از آثار وی: مثنوی «کنزار صفا» درباره کاعدگری و رنگ آمیزی، در حدود ۴۰۸ بیت، که در ۹۵۰ ق مکتوب شده است

منظره های فارسی (۳۷۳).

صیرفی، عبدالله، فرزند خواجه محمود صراف تبریزی. (وف ۷۵۳ ق)، خطاط. از شاگردان سید حیدر کنده نویس است که او نیز شاگرد یاقوت مستعصمی بود. صیرفی در کتبه نویسی و کاشی تراشی تسلط و قدرت تمام داشت و بسیاری از کتیبه های عمارات تبریز از جمله عمارت معروف «استاد و شاگرد» از بناهای امیر سلارز چوپانی به خط اوست. وی معاصر اولجاایتو سلطان محمد غدابنده (۷۰۳-۷۱۶ ق) بود و سلسله حصان - خراسان به وی می رسد. علاوه بر آن، کتابت مدرسه «دمشقیه» از بناهای دمشق خواجه، پسر امیر چوپان، به قلم اوست خراسانزاده صیرفی، حاج محمد بنسگیر تبریزی و خبرالدین مرعشی از شاگردان وی بوده اند. مدفن وی در چرمذات تبریز است. از دیگر آثار وی «رساله ای در قواعد خط ثلث به زبان فارسی، در کتابخانه آستان قدس رضوی؛ قرآن سلطانی کرچک مذهب، جلد سوخته عالی، متن

نسخ کتابت یاقومی جمی خوش، سرسوره ها ثلث سه دانگ جلی، آخر رقاع سه دانگ خوش، با رقم: «ثبت المصحف کلام الله... عبدالله الصیرفی... سنة اربع و اربعین و سیمائة (۷۴۴)؛ یک صفحه از مرقع ثلث دو دانگ جلی خوش، با رقم: «کتبه عبدالله الصیرفی؛ یک صفحه از مرقع نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه... عبدالله الصیرفی... حمد الله تعالی»

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۹۰-۹۱، ۱۰۹۱)، اطلس خط (۲۲۱-۲۲۲)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۷۹۴-۷۹۵)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۸-۲۳۹)، خوشنویسان و هنرمندان (۵/ ۲۴، ۱۱۶)، گستان هنر (۲۴)، ساقب سرور، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۱۱۶

صیرفی اصفهانی سمسار، ابوالفرج سعید بن ابی رجا محمد بن بکر. (ح ۴۴۰-۵۳۱ ق)، عالم و محدث. چور شغلش واسطگی و دلالتی در آب و زمین بود به سمسار عفار معروف شد. او خواهرزاده محمد بن احمد خلخال محدث است. از احمد بن محمد بن نعمان صائغ «مسند» محمدی و از عبدالواحد بن احمد نعم «مسند» احمد بن منیع و از سبط بخرویه «مسند» ابی یحیی را استماع کرد. او از ابن نعمان و منصور بن حسین قانی و احمد بن فضل باطریق و ابونصر ابراهیم بن محمد کسائی و احمد بن محمد بن هاروشه و ابومسلم محمد بن علی بن مهربرد و سعید عیار رسی منده و دیگران حدیث شنید. سلفی و ابن عساکر و ابوموسی و سمعانی و محمود بن احمد ثقفی و محفوظ بن احمد ثقفی و ابولمجد راهر بن احمد و عائشه بنت معمر و عین الشمس بنت سلیم و ریحان بنت ابوجعفر حضائری و دیگران از وی حدیث شنیدند. سمعانی از او به عنوان شیخی صالح و سیری ناپذیر در احد روایت یاد کرده است.

الاعلام بربیات الاعلام (۱/ ۳۵۴)، سیرالنیل، (۱۹/ ۶۲۳-۶۲۴)، شذرات اللذات (۴/ ۹۹)، لایحه (۲/ ۴۴۲)

صیرفی ساوجی - صیرفی ساوجی، صلاح الدین.

صیرفی قمی، قاسمی صرافزاده. (س یازدهم ق)، شاعر، منحص به صیرفی. از شاعران قم و معاصر حکیم شهابی بود. چون پدرش پیشه صرافانی داشت، تخلص صیرفی را برگزید. اشعاری از او نقل شده است تذکره بمرآبادی (۲۸۲)، لایحه (۹/ ۸۶۵)، فرهنگ

سحوران (۵۶۹)

الاعلام بویات الاعلام (۳۰۹/۱)، سیرالنبلاء (۱۸)

(۲۴۶-۲۴۵)، شذرات الذهب (۳/۳۲۵)، العبر (۲/۳۲۱)

صیرفی همدانی، قاسم (مس دهم ق)، شاعر، متخلص به صیرفی در همدان به صرافانی رورگار می‌گذرایید و به همین جهت صیرفی تخلص می‌کرد. از غزل‌سریان بنام رورگار خود بود که در شاعری از امیر شاهی و کتابی ترشیوی پیروی می‌کرد.

رورگان و سلس سریان همدان (۱/۳۷۷)، تاریخ نظم و

نثر (۵۲۳)، الذریعه (۹/۶۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۶۹)،

لغت نامه (ذیل / صیرفی)، مجمع الخواص (۲۴۸).

صیقلانی رشتی، شیخ محمد رضا (وف ۱۳۳۸ ق)، عالم دینی اصل وی از صیقلان از توابع حمیران رشت بود. به نحف رفت و در درس و بحث آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی شرکت کرد و «تقریرات» درسها و بحثهای وی را نگاشت. وی در مجلس درس دیگر علمای نجف نیز حاضر شد. سپس به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت، او در اواخر عمر برای زیارت عتبات مجدداً به عراق رفت و در نحف درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۷۲۹)

صیفی بروجردی (ر ۱۰۰۴ ق)، شاعر، اهل بروجرد بود. در جوانی مدتی به هندوستان رفت و پس از چندی، در ۱۰۰۴ ق، به زادگاه خود بازگشت. وی در سرودن شعر به گویش لری در رورگار خویش مشهور بود و اشعاری چند از وی در تذکرها به جای مانده است.

تاریخ نظم و نثر (۵۲۷)، الذریعه (۹/۶۲۴)، فرهنگ

سحوران (۵۶۹)، کاروان هند (۱/۷۵۱-۷۴۷)، لغتنامه

(ذیل / صیفی)، مجمع الخواص (۲۶۷).

صیمری، ابوعبدالله حسین بن علی بن محمد (۳۳۶-۳۵۱ ق)، محدث، قاضی و فقیه حنفی. اصلش از صیمیر خورستان و شیخ حنفیه در بغداد بود. مدتی فصول مدنی و در پایان قصود کرخ را بر عهده داشت. از اس شاهین و هلال بن محمد و ابوبکر مفید جرجرانی و ابوالفضل رهوی و ابوبکر بن شاذان و ابوالفضل کتانی و ابوعبدالله مرزبانی و عیسی بن علی بن عیسی وزیر حدیث روایت کرده است. خطیب بغدادی و محدثان نیز

صیرفی کور تبریزی (مس دهم ق)، شاعر، معروف به صیرفی کور. از نجیب زادگان تبریز بود. چون یک چشمش عیب داشته به کور شهرت یافته است. در میدان کشتی‌گاه به صرافانی اشتغال داشت. وی پیشوای شاعران آن شهر بود و «میر صتمی نیشابوری، مولانا غانی و معروف تبریزی معاشر بود و در شعر نیز از سبک آصفی پیروی می‌کرد. در تبریز درگذشت و در چرنداب به خاک سپرده شد. اشعاری از او در تذکرها نقل شده است.

تاریخ نظم و نثر (۵۲۷-۵۲۸)، دفته ساسی (۲۶۱)، تذکره

شعری آذربایجان (۲/۳۹۷-۳۹۹)، دانشمندان آذربایجان

(۲۴۰، ۲۴۱)، الذریعه (۹/۶۲۴)، سحوران آذربایجان

(۲۹۵، ۲۹۶)، فرهنگ سخنوران (۵۶۸-۵۶۹)، لغت نامه

(ذیل / صیرفی)، مجمع الخواص (۲۶۹-۲۷۰).

صیرفی نیشابوری، ابوسعید محمد بن موسی بن فضل بن شاذان (وف ۴۲۱ ق)، محدث، معروف به ابن ابی عمرو نیشابوری. از پدرش و ابوعبدالله محمد بن یعقوب شیبانی و یحیی بن منصور قاضی و ابوحامد احمد بن محمد بن شعیب و دیگران حدیث شنید، امرای عهده استفاده وی از پدرش ابوعمر بود. ابوعمر و تا فرزندان محمد در محضر حاضر نمی‌شد حدیث نمی‌گفت و اگر قسمتی را در غیبت او یاد کرده بود، اعاده می‌کرد. ابوبکر بیهقی و خطیب و ابوصالح مؤذن و ابواسماعیل عبدالله بن محمد هروی و طاهر بن محمد شخامی و ابوالقاسم بن منده و قاسم بن فضل ثقفی و مکی بن هلال کرجی و احمد بن سهل سراج و ابن شبرویه و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

الاعلام بویات الاعلام (۱/۲۸۴)، سیرالنبلاء (۱۷/

(۳۵)، شذرات الذهب (۳/۳۲۱)، العبر (۲/۲۴۵)

صیرفی نیشابوری، شیخ رئیس ابوبکر یعقوب بن محمد بن محمد (وف ۴۶۶ ق)، مستند و محدث. از ابومحمد مخلدی و ابوحسین خفاف و ابونعیم احمد بن محمد بن ابراهیم ازهری و ابوعبدالله حاکم نیشابوری حدیث شنید. محمد بن فضل فروزی و طاهر بن طاهر و برادرش، وجیه بن طاهر شخامی، و اسماعیل بن ابی صالح مؤذن و هبة الرحمن ابن قشیری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

الخلافا» یا «تدخیص الخلاف» که انتخابی از کتاب «اخلاف» شیخ طوسی است! اجازه‌ای به ناصر بن ابراهیم سیمی در ۸۷۴ ق.

الاعلام (۸/ ۲۰۶)، اعیان الشیعه (۱۰/ ۱۲۳)، ایضاح المکون (۱/ ۳۲۶، ۳۷۹)، الدرر (۴/ ۴۲۸، ۲۷۹/ ۵، ۹/ ۱۰۸۶، ۱۱/ ۸۸، ۱۶/ ۷۰، ۱۸/ ۲۱، ۲۲/ ۲۰۰)، روفاات الجنات (۷/ ۱۵۹-۱۶۱)، ریحانه (۳/ ۴۸۲-۴۸۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹/ ۱۲۸-۱۲۷)، بوائد الرسیوه (۶۶۶)، لقت نامه (ذیل / صیمری)، معجم المؤمن (۱۲/ ۳۱۶-۳۱۷)، هذبة العرفین (۲/ ۴۶۹).

صیمری، نصیرالدین حسین بن مفلح بن حسین/ حسن، (وف ۹۳۳ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه و راهب. اخلاقی پسندیده داشت و سیار اهل عبادت بود و بر مستحبات سواظبت می نمود به طوری که او را مستجاب‌الدعوه می دانستند. نزد پدرش فقه آموخت و از محقق کرکی با اجازه حدیث روایت کرد. شیخ یونس مفتی اصفهان و شیخ یحیی بن حسین از شاگردان وی می باشد. در سی متجاوز از هشتاد در قریه سلماباد درگذشت و در همان جا دفن شد. از کُثرش: «الایقاعات فی العقود و الایقاعات فی معرفة النبات»؛ «المسک الکبیر» یا «النسک الکبیر» یا «مناسک کبیر» یا «مناسک الحج»؛ «الامثلة الصیمریة» مسائل که برای محقق کرکی فرستاده و جواب گرفته است؛ «جواز احکومة الشرعية».

عبان الشیعه (۶/ ۱۷۴-۱۷۵)، ایضاح المکون (۲/ ۱۴۱، ۴۴۰)، الدرر (۲/ ۸۹، ۵۰۸، ۵/ ۲۰۲، ۲۴۳، ۲۰/ ۱۲۷-۱۲۸)، روفاات الجنات (۷/ ۱۶۱)، ریاض المصدا (۲/ ۱۷۸-۱۸۰)، ریحانه (۳/ ۴۸۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/ ۶۶)، بوائد الرسیوه (۱۶۱)، لقت نامه (ذیل / حسین)، معجم المؤلفین (۴/ ۶۳).

کنانی و قاضی ابرهیدالله دامغانی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده اند. در بغداد درگذشت و در مرثش در درب زرادین به خاک سپرد، شد. از آثارش: «انخبار ابي حنيفة و اصحابه»، که کتابی حجیم است؛ شرح «مختصر الطحاوی»، در فروع حنفیه، در چندین مجلد.

الاعلام (۲/ ۲۶۷)، انساب سمعانی (۳/ ۵۷۶)، تاریخ بسملاذ (۸/ ۷۸-۷۹)، سیرالسبلاء (۱۷/ ۱۵۶۱۵)، شدرات الذهب (۳/ ۲۵۶)، العبر (۲/ ۲۷۲)، الکس (۸/ ۴۱)، کشف الظنون (۱۶۲۸، ۱۸۳۷)، معجم البلدان (۳/ ۲۹۹)، معجم المؤلفین (۲/ ۳۵)، النجوم الزاهرة (۵/ ۲۰)، هذبة العرفین (۱/ ۲۰۹).

صیمری، ابوحنیس محمد بن اسحاق صیمسی، (وف ۲۷۵ ق)، متبحر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. به بغداد رفت و ندیم متحرک شد. از آثار وی «اصیل الاصول»، در هیأت و نجرم است که متضمن بسیاری از اقوال ایرانیان در مسایل سیمی می باشد.

انساب سمعانی (۳/ ۵۷۷)، تاریخ علوم و فلسفه یرانی (۲۹۲)، النجوم الزاهرة (۳/ ۸۶).

صیمری، مفلح بن حسین/ حسن بن رشید، (وف بعد از ۸۷۳ ق)، فقیه و شاعر امامی. مستثنی به صیمر خوزستان می رود. یا محقق کرکی معاصر و از تلامذه ابوالعباس احمد بن فهد حلی، صاحب «هدیه الداعی» بود و از وی روایت کرده است. شیخ سلیمان خراسی او را با صفت فقیه علامه توصیف نموده است. از آثارش: «حایة الامرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام»؛ «کشف الالباس»، در شرح «الموجز» استادش، ابوالعباس احمد بن فهد حلی؛ «التبینات فی الارث و التورثات»؛ «التنبیه علی غرائب من لا یحصیه الفقیه»؛ «جواهر الکلمات فی العقود و الایقاعات»؛ «مختصر الصحاح»؛ «منتخب





صابط اسمعانی، محمد ابراهیم، (س درادهم ق)،
شاهر از شاهران معاصر حنین لاهیجی (م ۱۸۰ ق) بود
بعضی از تذکرها صاحب عنوان را تحت نام ضابط گیلانی
آورده‌اند از اوست.

مطلع حورشید رخسار تو را ای مه سرشت
یر بیاض دیده می‌یابد به خول دل نوشت
تذکره روز روشن (۴۸۸)، تذکره المعاصرین (۲۱۹، ۳۷۵)،
الدرب (۶۲۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۷۱)

ضبی اصفهانی، ابومصبر محمود بن جسر، (وف
۵۰۷/۵۰۸ ق)، ادیب لغوی، نحوی و طبیب ملقب به
فریدالعصر، نخستین کسی بود که مذهب کلامی معریه را
در خوارزم رواج داد. چون ضبی در صرف و نحو و لغت
عرب استاد زمان خود و در انواع علوم ضرب‌المثل بود،
امراد بسیاری برگردش جمع شدند و مذهب او را پذیرا
گشتند. او مدتی در خوارزم اقامت نمود و مردان بزرگی
چون زمخشری و جمعی دیگر از بزرگان را در محضر خود
تربیت کرد و آنها از علوم و معارف و مکارم اخلاق وی
استفاده کامل کردند. در سر درگذشت زمخشری در
سوگ او مرثیه گفت. از آثارش: «زبدالراکب» مجموعه‌ای
در شعر، ادب و احبار

الاسلام (۴۲/۸)، ریحانه (۲۳۵/۲)، کشف الظنون
(۹۲۵)، لغت‌نامه (دیس/محمود)، معجم الادب (۱۹/
۱۲۲-۱۲۳)، معجم المزمعین (۱۲/۱۵۶-۱۵۷).

ضحاک شیبانی، ابویکر احمد بن عمرو بن
ابی عاصم، (۲۰۶-۲۸۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه و قاضی

معروف به ابی عاصم. ظاهری مذهب بود و قیاس به
کار نمی‌برد. وی از مشاهیر محدثین بود که به دنبال حدیث
در کوفه و بصره و بغداد و دمشق و مصر و حجاز از
محدثین بسیاری چون جند مادری‌اش، موسی بن
اسماعیل، و ابولید طرابلسی و ابو عمر حرّی و شیبان بن
فرّج و ابراهیم بن محمد شافعی و دیگران حدیث شنید.
دخترش ام ضحاک عانکه و قاضی ابوالاحمد عسّال و
عبد الرحمن بن محمد بن ساه و احمد بن محمد بن عاصم
و احمد بن نزار و ابوهذله محمد کسانجی از وی حدیث
روایت کرده‌اند. ابن ابی عاصم پس از وفات صالح بن
احمد بن حنبل به مدت شانزده سال، از ۲۶۹ تا ۲۸۲ ق،
در اصفهان قضاوت می‌کرد. حدود سیصد تصنیف او، در
فقه صاحب الزیج، در بصره به یغما رفت و او از حمص،
پنجاه هزار حدیث را بازداشت. آثار به جامانده از او
«الندیات» که در قاهره چاپ شده؛ «المستد الکبیر» شامل
پنجاه هزار حدیث؛ «الآحاد و امثالی» شامل بیست هزار
حدیث؛ «السنّة»؛ «الارائل»

الاعلام (۱/۱۸۲-۱۸۱)، انساب سماعی (۳/۴۸۶)،
تذکره‌النبور (۳۹۲-۳۹۱)، المجرع و التمدیل ج ۱، ق ۱/
۶۷، ریحانه (۴/۷)، سیرالنبلاء (۱۳/۲۳۹-۲۳۰)،
شذرات الذهب (۲/۱۹۵-۱۹۶)، العبر (۱/۲۱۲-۲۱۳)،
انکی و الانساب (۲/۲۳۵)، لغت‌نامه (دیس/احمد)،
معجم المزمعین (۲/۲۶)، السجود الزاهرة (۳/۱۳۷)،
نواهی بالزهد (۷/۲۶۹-۲۷۰)

ضرایبی، مسعود، (تو ۱۲۹۲ ش)، چشم پزشک.
تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و

در ۱۳۱۱ ش رهبان فرانسه شد و در شهر پردو و پس از آن در پاریس در دانشکده طب به تحصیل پرداخت و در ۱۳۱۷ ش در رشته چشم پزشکی موفق به اخذ درجه دکتری شد سپس به ایران بازگشت و از ۱۳۲۰ ش به سمت دانشیار بخش چشم دانشکده پزشکی منصوب شد. اثر وی: «چشم پزشکی»

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۱۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپ ۶/۲۹، ۱۸۰۰.

صربانی، ملوک. (۱۲۸۹-۱۳۷۸ ش)، خواننده و نوازنده، از سیرده سانگی فعالیت‌های هنری خود را آغاز کرد. وی مدتی نزد خواننده معروف، اقبال آذر آوار و فراگرفت و صفحه‌هایی از او ضبط شد. به تأسیس رادیو، به اجرا رفت و در بعضی از برنامه‌ها شرکت جست. صربانی در نمایشنامه‌های جامعه بارید به سرپرستی مهرتاش همکاری داشت و در خواندن تصنیف و آهنگهای ضربی ماهر بود. از این بانوی خواننده صفحه‌های بسیاری باقی مانده که بهترین معرف هنری اوست

تاریخ تحول ضبط در دهه ۱۳۰۰ (۲۰۱۰-۲۰۰۷)، ۴۸۸-۲۰۷، ۲۴۰، ۳۱۴، تاریخ موسیقی (۲/۴۸۸، ۶۰۲، ۵۵۰)، ۶۹۰، ۶۹۰، ۷۳۵، سرگذشت موسیقی (۱/۴۴۰، ۴۵۴)، سیمای هنرمندان (۱/۵۰، ۶۵، ۱۶۸، ۲۸۵، ۴۱۱)، کرنامه زبان (۱۹۲-۱۹۲)

صربانی شیرازی، عبدالله، فرزند میرزا علی، (نو ۱۲۷۵ ش)، شاعر، متخصص به صربانی وی علوم قدیمه و آموخت و زبان انگلیسی را خوب می‌دانست. وجه تسمیه نام خانوادگی و تخلصش این است که جدش رئیس صربخانه فارس بود. وی بیشتر عمر خود را صرف تدریس در مدارس جدید کرد و چندی صاحب امتیاز روزنامه «هدایت» و مدیر مجله «جهان نما» بود

تاریخ سرایید (۲/۱۸۶)، دانشمندان و معین سرایان فارس (۳/۴۸۷)

ضعیف اصفهانی، محمد اسماعیل. (نو ۱۳۲۵ ق)، شاعر، متخلص به ضعیف. در اصفهان به دنیا آمد. روزگار به گماشی می‌گذراند و از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. از اوست.

تا ابد مهر تو بیرون نرود از دل ما
در ازل شد چو ر عشق تو سرشته گل ما

ذکر شعری محاصر اصفهان (۲۲۱).

ضعیف سمرقندی، (س بهم ق)، شاعر، مشهور به سببی ضعیفی از اهالی نیشابور و مناصر آرزوی سمرقندی و حکیم آذری طوسی (م ۸۶۶ ق) بود. از اوست

در دلم بود آرزویت بیش از هر آرزو
دیدم آن روی و فزون شد آرزو بر آرزو
از رابعه تا پروین (۱۶۱-۱۶۲)، الذریعه (۹/۶۲۵)،
رباعین الذریعه (۴/۲۷۱-۲۷۲)، زبان سحرور (۱/۳۰۵)، صبح گلشن (۲۵۸)، فرهنگ سحرور (۵۷۱)،
مشاهیر زبان (۱۴۵)

ضعیف نیشابوری - ضعیفی سمرقندی.

ضمیر اصفهانی، تقی حلوانی. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ضمیر از شاعران اصفهان بود که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا به جمع آوری ثروت پرداخت و پس از چندی به وطن خود بازگشت. ضمیر در تصنیف شعر توانا بود و بیشتر در قالب غزل طبع آزمایی می‌کرد. اثر اوست

بستون چو بر حیر به روز نیشه کند
عشق رنگ حدی بر روی فرهاد ست
تذکره نصرآبادی (۴۱۹)، الذریعه (۹/۶۲۶)، صبح گلشن (۲۵۸)، فرهنگ سحرور (۵۷۲)، کاروان هند (۱/۷۵۲)

ضمیری اصفهانی، کمال‌الدین حسین، فرزند محمد. (رف ۹۷۳ ق)، شاعر، متخلص به ضمیری، متخلص به خسرو ثانی. از شاعران پررنگ اصفهان بود. از روزگار جوانی به کسب دانش و ادب پرداخت و در محضر میر فیاض‌الدین منصور دشتکی شیرازی دانش آموخت و طب و ریاضی و نجوم را فراگرفت و در عمل مهارت یافت و از همین راه به خدمت شاه طهماسب و حاندان شاهی راه یافت و تا آخر عمر به همین شغل روزگار گذراند. مولانا کمال‌الدین در آخر شاعری به مناسبت شعل پدرش، ناهان تخلص می‌کرد و بعد از آن تخلص ضمیری را اختیار کرد و به همین نام شهرت یافت. او با شاعران معروف زمان خود مانند شرف و محتشم و حسابی معاشر بود. ضمیری از شاعران پرکار عهد خود و در قصیده و غزل و مشهور

بررگان و سخن سراپایان همدان (۱/ ۲۷۷-۲۷۹)، ترجمه
سامی (۲۲۴-۲۲۵)، صبح گلشن (۲۵۸-۲۵۹)، فرهنگ
سخنوران (۵۷۲-۵۷۳)، کشف الظنون (۱۰۶۲، ۱۹۲۳)،
بخت نامه (دیل / ضمیری)، مجمع الفواص (۱۷۸-۱۷۹).

صبیاء اصفهانی، ملا محمد حسین، فرزندان محمد
اسماعیل. (وفه ۱۲۶۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به
ضیاء. اجدادش از فضلا و علما بودند و در زمان نادر شاه
نثار می‌ریستند. از طرف مادر نسبش به میرزا مهدی خان
منشی، صاحب «جهانگشای نادری»، می‌رسید. صبیاء از
معاصران دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود و در
علوم ظاهری و هیئت و نجوم و هندسه و حساب مهارت
داشت و از مداحین متوجهر خان معتمدالدوله به شمار
می‌رفت. او هفت خط را خوش می‌نوشت و در شکسته و
ستعیق مهارت بسزایی داشت. وی بیشتر اوقات خود را
با ادبا و شعرای می‌گذراند و اشعارش در برخی تذکرةهای
معاصر آمده است. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد
به خاک سپرده شد. مؤلف «الدریعه» به نقل از «مدایح
سجتمندی»، وفات وی را ۱۲۶۳ ق ذکر کرده است. از
کتابش دو قطعه به خط نسخ کتات جلی خوش، با رقم:
محمد حسین ضیاء؛ تعلیقات به خط نسخ و رقاع
کتابت جلی خوش، با رقم: «... محمد حسین متخلص
بضمیاء الارجانی سنة ۱۲۵۰...» «دیوان» شعر.

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۶۱)، تاریخ اصفهان
(۱۹۳-۱۹۴)، تذکرة القیوم (۳۹۳)، حدیقة النسماء (۲/
۱۰۷۴-۱۰۷۹)، الدریعه (۹/ ۶۲۸)، فرهنگ سخنوران
(۵۷۳)

صبیاءالدین. (س ششم و هفتم ق)، شاعر. از شاعران
روزگار سلطان محمد بن لکثی خوارزمشاه (م ۶۱۷ ق) و از
معاصران سیف اسعدی بود. صبیاءالدین، زمانی که شاه
نظم سنجر را بر القاب خود افزوده، قصیده‌ای در این رابطه
سرود، از اوست.

سلطان علاء دنیا سحر که دوالجمال
از خلق سرگردش و جاده و جلال داد
شاه عجم سکندر ثانی که رای او
پر فتح ملک ترک حشم را مقال داد
حیرت‌انگیز (۲/ ۶۵۳)، الدریعه (۹/ ۶۲۹)، لست‌نامه
(دیل / صبیاءالدین)، مجمع الفصحا (۴/ ۸۴۵).

تو، و از این جهت تا امیر خسرو دهلوی هماسد بود و به
همین سبب است که او را خسرو ثانی می‌نامند. وی در
اصفهان فوت کرد و در همان جا دفن شد. از آثارش: فنش
مثنوی به نامهای: «غاز و نیزه»، «بهار و خیران»، «ایمنی و
مجنون»، «وامق و عذرا»، «چندالغیار» یا «حسنة الاحبار» و
«اسکندر نامه»؛ هفت دیوان به نامهای: «سفینه اقبال»،
«صورت حال»، «کنز الاقرال»، «عشق بی زوال»، «صیقل
ملال»، «عذر مقال»، «قدس خیال» یا «قدس خصال»؛
«مجموعه اجلال»، شامل چهار دیوان، در برابر غزلیات
سعدی، به نامهای: «دهرات»، «استایع»، «بداية الشعر» و
«نهاية السحر». ضمیری همچنین «عیون الرلال» را در
جواب خواجه حافظ شیرازی، «آینه جمال» را در جواب
بابا لغای، «معراج الامل» را در جواب مولانا جامی و
«انیس الیالی» را در جواب لسانی نوشته است.

آشکده آذر (۳/ ۹۵۸-۹۶۳)، بضح المکنون (۱/ ۱۹۸،
۲۶۹، ۶۹۱/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، میران (۴/ ۸۸)،
تاریخ «دیب» در ایران (۵/ ۶۹۲-۷۰)، تاریخ تذکرةهای
فرسی (۱/ ۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۶)، تحفه سامی
(۲۲۲-۲۲۳)، تذکرة القیوم (۲۹۹-۳۰۰)، دایرةالمعارف
فارسی (۲/ ۵)، الدریعه (۷/ ۲۶۰-۲۶۱، ۹/ ۶۴۶-
۶۴۷، ۱۸/ ۲۹۲، ۱۹/ ۱۱۵، ۱۲۹، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۰-۱۳۱،
۳۱۶، ۳۲۳)، ریحانه (۵/ ۸۵)، عالم آرای عباسی (۱۶/
۱۷۸-۱۷۹)، فرهنگ سخنوران (۵۷۲)، لغت نامه (دیل /
ضمیری)، مجمع الفواص (۱۳۶، ۱۳۷)، مجمع الفصحا
(۵/ ۷۰۹-۷۱۰)، معجم المؤلفین (۳/ ۳۱۵)، مکتب وقوع
(۲۹۶-۴۱۵)، هدیه‌الدرباری (۱/ ۳۱۹-۳۲۰)، هفت انبیم
(۲/ ۲۱۷-۲۲۱)

ضمیری قمی ← ضمیری همدانی.

ضمیری همدانی، فرزندان مولانا حیرانی قمی. (س دهم
ق)، شاعر. اصل وی از قم بود، ولی چون در همدان تولد
یافت و در همان جا پالید به همدانی مشهور شد. ضمیری
شاعری درویش نهاد و رارسته و بی‌تفات به سادیات و
عوش محاوره بوده است. زمانی قصیده‌ای در نرد شاه
اسماعیل ثانی (۹۸۴-۹۸۵ ق) خراسان و چون اشعارش
توهین به اهل مجلس نفی شد شاه فرمان داد تا روی او و
سده کنند و در شهر بگردانند. ضمیری در عجم رمل و
اسطرلاب نیز مهارت داشت. از آثار وی: «شمع و پروانه»؛
«ناهید و بهرام»

لاری شرح بر «نجات الانس» را برای وی نوشته‌اند.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۷۲)، از سعدی تاجامی
(۷۶۳، ۷۷۴)، بهارستان جامی (مقدمه/ ۱۲)، تاریخ
ادبیات در ایران (۴/ ۲۷۰، ۵۱۵)، حبیب السیر (۳/
۳۸۶)، رشحات عین المحبت (۱/ ۲۸۵-۲۸۳)، بیت نامه
(دیل / ضیاءالدین)، نجات الانس (مقدمه/ شانزده، چهار
و ده)

ضیاءالدین کریم، شیخ طاهر ضیاء رسایی، (وف ۱۲۴۵
ش)، ذاکر، موسیقیدان و خوشنویس، ملقب به ضیاءالدین کریم
از هم‌مدانی بود که در گرفتن ضرب مهارت و به تمام
گوشه‌های ردیف آواز ایرانی آشنایی داشت. وی آهنگ و
وزن تصنیف‌هایی را که در دوره قاجاریه معمول و یا از قدیم
بیارمانده بود، به خوبی می‌دانست و تصنیف‌های قدیم و
بسیار خوب می‌خواند، وی چون لباس روحانیت به تن
داشت، سعی می‌کرد که صدایش در حای مصروف نباشد،
نام خانوادگی وی رسایی بود، اما چون ذاکر امام حسین
(ع) بود، به ضیاءالدین کریم را برای خود برگزید. او بیش از
صدها سال عمر کرد. وی مرید شیخ عبدالله حایری و
علامه حسین بنان بود. حاتم عسکری از شاگردان او است.

ساریج موسیقی (۲/ ۲۶۲، ۵۹۲، ۶۷۰)، سرگذشت
موسیقی (۱/ ۳۵۸، ۴۰۰، ۲۳۲)، مردان موسیقی (۲/
۱۵۰، ۱۵۶)

ضیاءالسلطنه قاجار، شاه بیگم، فرزند فتحعلی شاه.
(وف ۱۲۶۵ ق)، شاعر و خطاط. ملقب به ضیاءالسلطنه وی
خواهر محمود میرزا قاجار، مؤلف تذکره «نقل مجلس» و
«سفینه‌المحمود» دیگر کاتب است. مادرش مریم‌خانم،
زنی یهودی بود که پس از ازدواج با شاه مسلمان شد. ضیاء
تحت نظر مهدعلیا، مادر شاه، پرورش یافت و بسیار مورد
توجه شاه بود. غزل شعر و ادب را مدتی نزد برادر خود
فرگرفت. خط شکسته و کلمات را خوش می‌نوشت و در
هنر خیاطی و نقاشی بر استاد بود. شاه بیگم به دلیل
فضایل و کمالاتی که دارا بود از طرف پدر لقب
ضیاءالسلطنه یافت و مسئولیت‌های مهمی از جمله تصدی
قرئت و تحریر نامه‌های محرمانه را بر عهده گرفت. وی در
سی و هفت سالگی به ازدواج میرزا محمود خان گرم‌رودی
انصاری، وزیر امور خارجه، درآمد. وی صاحب طبعی
موزون و اشعاری لطیف بود و به خواهرش او، محمود میرزا،
تذکره «نقل مجلس» را نوشت. از آثار وی: قرآن حلّی،

ضیاءالدین اردوبادی، (من دهم ق)، شاعر، متخصص به
شمیعی / شفیعی. وی شرحی بر «معنیات» میرحسین
معتمدی پشاوروی (تألیف شده در ۹۰۴ ق) نوشته است.
تاریخ دیات در ایران (۴/ ۱۱۹، ۲۰۰)، کشف الظنونا
(۱۷۴۲)، لغت نامه (ذیل / ضیاءالدین).

ضیاءالدین تبریزی، (وف ۷۱۳/۷۰۳ ق)، شاعر در
سرودن شعر، سوز و راعی، مهارت داشت در تریو
درگذشت و در قبرستان چرم‌دات دفن شد.
تاریخ گزیده (۶۷۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، تذکره روز
روشن (۲۸۹)، تذکره شعرائی آذربایجان (۲/ ۳۹۹-۴۰۰)،
اشعبدان آذربایجان (۲۴۱)، النورمه (۹/ ۶۲۹)،
مختصران آذربایجان (۴۹۵)، لغت نامه (دیل /
ضیاءالدین)، هب انیم (۳/ ۲۱۵)

ضیاءالدین حجتی - ضیایی خجندی

ضیاءالدین راوندی - راوندی کاشانی، ضیاءالدین
یوالرضا

ضیاءالدین طباطبایی یزدی - طباطبایی یزدی
ضیاءالدین

ضیاءالدین قزوینی، عیدالله بن سعد بن محمد بن
عثمان، (وف ۷۸۰ ق)، دانشمند و شاعر. در معنی، بیان،
فقه، اصول، کلام و تفسیر استاد بود. هوالدین بن جمعه و
ملا محمدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند.
ریحانه (۴/ ۹۸)، لغت نامه (دیل / ضیاءالدین)، میرود
(۲/ ۲۸۵، ۲۸۲)

ضیاءالدین محمد اکرمی - اکرمی قزوینی،
ضیاءالدین محمد

ضیاءالدین یوسف، فرزند مولانا نورالدین
عبدالرحمن چامی، (۹۱۹-۸۸۲ ق)، دانشمند. اهل جام و
از شاگردان علامه تفتازانی بود و در علوم معقول و منقول
زمان خود استادی و مهارت داشت. در تبریز درگذشت و
در آنجا به خاک سپرده شد. ضیاءالدین در خوشنویسی نیز
دست داشت و خط نستعلیق را به شیوه میرعسی هروی
خوش می‌نوشت. پدرش، کتب «بهارستان» و «صیاد»

مشره

تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹۳-۱۲۹۶)، تاریخ معرب (۱۲۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۵)، تالیفات معروف فارسی (۱۶۰۶)، التریبه (۱۷۹/۹)، ریحانه (۶)، ۱۵۴-۱۵۴، سبک شاسی (۲۵۷/۲)، صبح گلشن (۵۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۳-۵۶۴)، هدیه‌هاشین (۴۲۹/۱)

ضیاء الواعظین، سید ابراهیم ضیاء (۱۲۶۷-۱۳۲۲ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. اصلش از یزد بود و در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و پنج سالگی در همان‌جا به تحصیل اشتغال داشت پس از آن به هندوستان رفت و مدتی به مدیر روزنامه «الحل المتی» در کلکته همکاری کرد پس از برگشت به وطن، در ۱۲۹۵ ش در شیراز به زندان انگلیسی‌ها افتاد. پس از آزادی به تهران آمد و در ۱۳۰۰ ش روزنامه «ایران آزاد» را تأسیس کرد و در نتیجه نشر مقالات انتقادی شدید، به هندوستان تبعید شد، اما چون به شیراز رسید به کمک مردم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و در ۱۳۰۲ ش رهسپار تهران شد و همان سال مدرسه صنعتی شیراز را تأسیس و روزنامه «ایران آزاد» را مجدداً منتشر کرد و در دوره پنجم دوباره به سمت نمایندگی مجلس انتخاب شد. در ۱۳۱۱ ش از سیاست کناره گرفت. اثر وی: «اولین راهرت مدرسه صنعتی فارس» می‌باشد.

تاریخ جراید (۱/۳۱۸-۳۲۲)، دانشمند و سخن‌سرایان فارس (۳/۲۸۹-۲۹۰)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۴/۲۳۹-۲۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۲۲-۲۱).

ضیایادی قزوینی، سید محمد (س چهاردهم ق)، عالم دینی و واعظ. در ضیایاد قزوین به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در قزوین خوانده و به قم مهاجرت نمود. در مدرسه فیضیه سکونت اختیار کرد و سطوح وسطی و عالی را نزد مدرسی بزرگ حوزه خواند و چندین سال در درس خارج آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و امام خمینی و دیگران شرکت نمود. آن‌گاه به تهران آمد و به انجام خدمات دینی و اقامه نماز پرداخت. آثار آموزنده‌ای دارد که یکی از آنها «قساوس» می‌باشد.
گنجینه دانشمندان (۲/۳۸۳)

ضیای اردوبادی، ضیای اردوبادی

جلد سافری، دو صفحه احتیاج و مس و حاشیه مدقوب مرصع، نسخ و رقاع کتایت خفی متوسط، با رقم: ۱۱. صیاء السلطنه. بیت... فتح‌علیشاه... سال ۱۲۶۵ ق، در آستان حضرت معصومه قم؟ «دیوانه شعر».

احوال و آثار حشریسان (۴/۱۰۸۶)، از راسه تاپروین (۱۶۳-۱۶۴)، تاریخ همدی (۲۵-۲۷)، حدیقه الشعراء (۱/۲۲۲، ۲/۱۵۹۴)، الذریعه (۹/۶۳۰)، زبان سخنور (۱/۲۰۶-۲۱)، کارنامه زبان مشهور (۹۲-۹۳)، مشاهیر زمان (۱۲۶-۱۲۷)، مصیبه حراب (۱۱۸-۱۱۹).

صیاء العلماء، میرزا ابوالقاسم، فرزند میرزا یوسف شمس العلماء (۱۳۰۳-۱۳۳۰ ق)، روزنامه‌نگار. از اهالی تبریز بود. گذشته از دروس قدیمه به زبانهای اروپایی نیز تسلط داشت. طرفدار مشروطه خواهان آذربایجان بود. در ۱۳۲۴ ق پس از کسب امتیاز هفته‌نامه «اسلامیه» به نشر آن به صورت چاپ سنگی اقدام نمود. مدتی هم ریاست دادگستری تبریز را به عهده داشت. روسها او را به همراه هفت نفر دیگر، در روز عاشورا، در تبریز به دار آویختند.
تاریخ جراید (۱/۱۶۰)، شرح حال رجال (۱/۵۸-۵۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۵۵۱)، فهرست کتب کتبی فارسی (۱/۶۸).

ضیاء قاجار، صیاء السلطنه قاجار.

ضیاء بخشی بدایونی، سید صیاءالدین محمد (وف ۷۵۱/۷۵۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به بخشی یا ضیاء بخشی. از مردم بخش (نسب) سمرقند بود. در جوانی از ایران به هندوستان رفت و در آن سامان به یادگیری زبان سانسکریت پرداخت و آثاری چند از آن زبان به فارسی ترجمه کرد. او شاگرد نظام‌الدین اولیاء بود و با پادشاهان خلجی هندوستان رابطه نزدیکی داشت. ضیاءالدین برخی از آثار خود را به نام قطب‌الدین مبارکشاه خلجی تألیف کرده است. او مردی زاهد و صوفی مشرب بود و در بعضی از آثارش نشانه‌هایی از افکار صوفیه دیده می‌شود. در دهلی درگذشت. از آثارش: «صیغی سلوک»، «طرحی نامه»، «کلیات و جزویات»، که مجموعه‌ای از مقالات آمیخته به نثر و نظم درباره جسم آدمی است؛ «داسان گلریر»، کتابی است در سرگذشت معصوم شاه و دختری به نام نوشابه، که از جمله کتب بسیار معروف صیاء شمرده می‌شود؛ «لذات النبوة» - مشر:

هندوستان سفر کرد و بعد از بازگشت روانه زیارت حاتنه خدا شد و از آنجا به هتات رقت و مدت هفت سال در آن سامان مسکن گزید و به امور علمی مشغول شد. به گفته نقی کاشانی " ضیاءالدین در اقسام علوم معقول و تمامی صون مقول سرآمد علمای زمانست و پیشوای دانشمندان دورن و در سرودن شعر نیز توانا بوده است. وی به تولی درکاشان درگذشت و به روایتی در اجمیر هندوستان

تذکره سمرقادی (۱۶)، حدیقه الشعراء (۲ / ۱۰۷۹ - ۱۰۸۰)، الذریعه (۹ / ۶۳۱)، ریاض الماریس (۱۰۱)، ریحانه (۴ / ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۵۷۵)، کاروان هند (۱ / ۷۵۳-۷۵۶)، لمت نامه (ذیل / صباه)، دفت القلم (۲ / ۴۶۴)

صیدی کمرانی - ضیای اصفهانی

صیابی اردبیلی - صیابی اردویادی

صیابی اردویادی، مولانا ضیاء (و ۹۲۷ ق)، شاعر، استخلص به ضیایی، از سخن سرائان آذربایجان و از مشاهیران سلطان حسین بایقر و یعقوب میرزای آق قویونلو بود. برای تحصیل به هرات رفت و در آنجا مورد توجه امیر علشیر نوایی قرار گرفت. وی به دقت ذهن و حدت فهم شهرت یافت و اکثر قصایدش در لغز و معما است. در اواخر دوره گورکانیان، ضیایی به تبریز بازگشت و در ۹۰۲ ق تصیده ای در جلوس احمد بیگ بن اعرلو محمد بن اورون حسن پادشاه آق قویونلو گفت مدفن وی در تبریز است. در تذکره «مجالس الشفائس» شرح حال او تحت عنوان صیابی تبریزی آمده است.

انشکده، اد (۳ / ۱۴۱)، حسو الباریج بوصیحات (۶۶۲-۶۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۸)، تحفه سامی (۲۱۲)، تذکره شعرائی آذربایجان (۱ / ۸۷)، حبیب السیر (۲ / ۶۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۱-۲۴۲)، الذریعه (۹ / ۶۲۸، ۶۳۲)، فرهنگ سخنوران (۵۷۶)، لمت نامه (ذیل / صباه)، مجالس الشعراء (۴۵۶۴، ۲۳۸-۲۳۷)

ضیایی بلخی، ضیاءالدین واعظ. (س ششم ق)، شاعر و واعظ. از و عطار و شاعران بنام بلخ پرده در همان شهر مسکن داشت و به امر موعظه مشغول بود به آورده «مجمع الفصحاء» عوفی (م بعد از ۶۳۰ ق) او را ملاقات کرده و فاضل خوانده است. از اوست

صیدی اصفهانی، نورالله. (و ۱۰۵۲ ق)، شاعر از قریه کمران از توابع اصفهان بود و به همین جهت به ضیای کمرانی مشهور است. او از جمده سررگان اصفهان و در روزگار شاه عباس از کاتبان دیوان بود. ری طبع خوش داشت و در سرودن شعر توانا بود.

انشکده آذر (۳ / ۹۶۳-۹۶۶)، تذکره روز روشن (۲۹۰)، تذکره القیوم (۳۹۴)، تذکره نصرآدی (۸۹۱-۹۰۰)، عالم آری عباسی (۱ / ۱۶۶)، لمت نامه (ذیل / ضیاء)، مجمع الفصحاء (۵ / ۷۱۱-۷۱۲)

ضیای تبریزی - ضیایی اردویادی

صیای سنجری، ضیاءالدین. (س ششم ق)، شاعر منصب به محراب الشعراء از شاعران دوره سلجوقی بود گویا «دیوان» شعری نیز داشته است.

فرهنگ سخنوران (۵۷۲)، لباب الالباب (۲ / ۴۲۸-۴۲۶)، لمت نامه (ذیل / صیاءالدین، سنجری)

ضیای قزوینی، محمد یوسف. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ضیاء، اهل قزوین بود. ابتدا دستورنویس بود و بعد از آن مستوفی موقوفات کشور شد. ضیاء به بلخ و برنقورد حرد رزابه هندوستان شد و همان جا درگذشت. در ۱۰۳۲ ق آنگاه که شاه عباس عازم عراق بود ابیانی به عنوان ماده تاریخ سرود مؤلف «میتوده ضیای قزوینی صاحب «دیوان» را از ضیای قزوینی ضابطه نویس جدا کرده و برای هر یک شرح حالی جداگانه ذکر کرده است در «فرهنگ سخنوران» نام وی میرزا یوسف کاتب ذکر شده است.

تذکره نصرآدی (۸۸)، الذریعه (۹ / ۶۳۶)، صبح گلش (۲۵۹)، عالم آری عباسی (۲ / ۹۹۸)، فرهنگ سخنوران (۵۷۵)، کاروان هند (۱ / ۷۵۲-۷۵۳)، موادالتواریخ (۶۲)، ۷۳۲)، سیندر (۲ / ۲۸۴)

صیای کاشانی، صیاءالدین محمد، فرزند آخوند نور رازی. (و ۱۰۲۴ / ۱۰۲۵ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به ضیاء اصل وی از ری بوده در کاشان به دنیا آمد و در همان جا نشر و نما یافت. او و پدرش هر دو از عالمان کاشان بودند. او نزد مولانا ابوالحسن دانشمند درس خواند و صحبت و درس مولانا حبیب الله باغ نوی شیرازی، معروف به میرزا جهان را نیز درک کرد. ری مدتی کوتاه به

زهی در شأن تو منزل همه آیات سلطانی
بدیده عقل در دست تو ریای جهانانی
الدریعه (۹/ ۶۲۹)، ص ۸ نام (ذیل / ضیاءالدین)، مجمع
الفصحا (۲/ ۸۲۵).

ضیایی دهمخوارقانی، حسین، فرزند امیرالقاسم
ضیاءالعلاء (س چهاردهم ق)، مترجم اثر وی ترجمه
«شوالیه دو مزلن روزه از الکساندر دوما (پدر) است که در
دو جلد، در ۱۳۰۶ ش، در تهران منتشر شد و چاپ دوم آن
در ۱۳۳۶ ش صورت گرفت.

دهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۷۲)، مؤلفین کتب
چاپی (۲/ ۷۷۱).

ضیایی شیرازی، میرزا سید علی، فرزند سید باقر /
محمد باقر بهبهانی، (وف قبل از ۱۳۲۸ ش)، حکیم، فقیه،
طیب و شاعر، متخلص به ضیایی. از سادات حسینی
بهبهان بود که در شیراز سکونت داشت. به آورده تذکره
«شعاعیه» وی از چهرانی در تحصیل حکمت الهی کوشید و
در فقه شاگرد آیت الله آقا سید کاظم یزدی بود و اجازه
اجتهاد از ایشان داشت. بعدها قاضی دادگستری شد و
سپس به سمت ریاست دادگستری مازندران ارتقا یافت.
اثر وی، «دیوان» شعر که نسخه ای از آن در کتابخانه ملی
منک موجود است.

آثار هجتم (۵۶۱-۵۶۲)، حدیقه النعماء (۲/ ۱۰۸۳).
۱۰۸۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارسی (۳/ ۴۹۲).
۱۳۹۷، الدرریمه (۹/ ۶۳۳)، فرهنگ سموران (۵۷۲).
مرآت الفصاحه (۳۶۵-۳۶۶).

ضیایی فارسی، سید علی - ضیایی شیرازی، میرزا
سید علی

ضیایی کاردوسی شیرازی، سید ضیاءالدین محمد
شفیع. (س سیزدهم ق)، شاعر. از سادات کازرون بود که
در شیراز سکونت یافت و از فضلا و مدرسین آن شهر شد.
وی با رضافلی خان هدایت، صاحب «مجمع الفصحا»،
دوستی تمام داشت، اشعاری از او به جا مانده است.
حدیقه النعماء (۲/ ۱۰۸۲)، الدرریمه (۹/ ۶۳۳)، فارسنامه
ناصری (۲/ ۱۳۳۶)، لغت نامه (ذیل، ضیایی)، مجمع
الفصحا (۵/ ۷۱۲-۷۱۳)، مرآت الفصاحه (۳۶۷-۳۶۸).

ضیایی کرمانی، شاه ضیاءالدین میرم. (مفتول ۹۸۸
ق)، شاعر، متخلص به ضیائی از مردم هرات بود. پدرش
خواجه علاءالدین، برادر خواجه افضل الدین محمد
کرمانی، بود که مسابها سمت وزارت داشت. شاه
ضیاءالدین از جانب مادر، برادر امیر سلطان ابراهیم امینی

ضیایی خجندی، ضیاءالدین فارسی، فرزند
جلال الدین مسعود، (وف ۶۲۲ ق)، شاعر، متخلص به
فارسی. اصل او را از شیراز دانسته اند و گفته اند در جوانی
از آن شهر به خراسان رفت و در شهر خجند اقامت گزید.
صیالی مداح ملک شاه سلجوقی بود. نسب وی به سلمان
فارسی می رسد و بدین سبب فارسی تخلص می کرد. وی
از شاگردان امام غفرالدین محمد بن همر رازی و معاصر
شمس خاله فرد. در هرات درگذشت. از آثار وی: شرحی
بر کتاب «المحصول» امام همر رازی، «دیوان» شعر
تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۸۲۳-۸۲۷)، تاریخ نظم و نثر
(۱۶۵)، الدرریمه (۹/ ۶۲۹-۶۳۰)، دیحانه (۴/ ۸)، صبح
کلشن (۲۵۹)، لغت نامه (ذیل / خجندی و ضیاءالدین)،
مجمع الفصحا (۲/ ۸۴۵-۸۴۶)، مرآت الفصاحه (۳۶۲-
۳۶۵).

ضیایی دزفولی، ملا رشید / ملا محمد رشید، فرزند
حاجی یاقا. (۱۲۴۷ - ح ۱۳۳۲ ق)، فقیه، ادیب و شاعر،
متخلص به ضیایی. تحصیلاتش را در دزفول گذراند. سپس
به تعف رفت و از محضر شیخ انصاری و میرزای شیرازی
چندین سال کسب فیض نمود پس از گرفتن اجازه اجتهاد
به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول شد چندی
هم در خرم آباد و پروچرد اقامت کرد سپس به عراق رفت
و بعد از ۱۳۰۰ ق مجدداً به دزفول بازگشت و به تدریس و
ترویج علوم اسلامی و انجام وظایف شرعی پرداخت. او
بسیار راهد و پرهیزگار بود به حدی که هیچ گاه ز وجوه
حیرانی استفاده نکرد و از دست رنج و کسب و کار خود
روبرگار می گذراند. میرزا هادی دزفولی از شاگردان اوست.
وی در مقبرة اساد خود سید حسین بن عبدالکریم گرشه
در دزفول دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر که به نام
«اشعار ضیایی دزفولی»، در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ
رسیده است.

نهیان الشیعه (۹/ ۲۸۰)، الدرریمه (۹/ ۶۳۳-۶۳۲)، طبقات
علام الشیعه (قرن ۱۴/ ۷۲۵-۷۲۴)، معجم رجال نجف
۱/ ۳۰۸-۳۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۱۲۶)، میرزای
شیرازی (۱۴۱-۱۴۲).

مروری، شاعر معروف، بود. وی در عین سیاق و علم شعر مهارت داشت و در ورورگار شاه محمد خدابنده در اصفهان درازت داشته و در همان شهر به دست بوسف خان افشار کشته شده است.

تاریخ نظم و نثر (۱۳۶۴)، تذکره شاعران کرمان (۱۳۴۴)، حبیب السیر (۴/ ۳۶۰)، الذریعه (۹/ ۶۳۱)، ریاض العارفین (۱۰۲)، ستارگان کرمان (۲۶۰)، لغت نامه (دین صید).

صبایی مرندی، میرزا جهانگیرخان حسینی، فرزند محبعلی خان، (۱۲۷۵-۱۳۵۲ ق)، مترجم، مفسر و شاعر، مستخلص به صبایی، معروف به مسحی، ملقب به دظم نملک، در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود، وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زمان فرانسه آشنایی کامل یافت. صبایی

در اواخر عمر به تم مهاجرت کرد و در آنجا منیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روشنه حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی، «حقیقت نامه»، شعر، ترجمه وصیت نامه امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع)، «دیوان» شعر، «سیاست نامه»، شعر، که ترجمه عهدنامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشقر است؛ «قصیده مودیه»؛ «وصیت نامه حضرت رسول (ص) به امیر المؤمنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره انعام» به فارسی

قربت پاکان قم (۱/ ۴۹۷-۴۹۵)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۲)، الذریعه (۴/ ۲۳۸، ۹/ ۶۳۳)، رجحان (۶، ۱۲۳-۱۲۴)، رسدگنامه رجال و مشاهیر (۴/ ۲۴۰)، سخنران نامی معاصر (۲/ ۲۳۷۶-۲۳۷۹)، شرح حال رجال (۱/ ۲۸۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۱۹۶، ۱۵۴۵-۱۵۴۶، ۲/ ۲۰۵۳، ۲۵۵۰، ۳۳۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۴۴۷-۴۴۸).



حدیث از چهل شیخ و استاد و هر یک از احادیث از یکی از صحابه پیامبر (ص) است.

الاعلام بوفیات الاعلام (۲/ ۳۷۴)، سیوالنبلاء (۲۰/ ۳۶۱-۳۶۲)، شذرات الذهب (۲/ ۱۷۵)، العبر (۳/ ۲۵)،
کشف الظنون (۵۶)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۸، ۲۵۱)،
لنجوم الزاهرة (۵/ ۳۱۸)، الرافضی بالوفیات (۱/ ۱۲۲)،
مدیة العرفین (۲/ ۹۳).

طارمی، بابا دوست، (س دهم ق)، شاعر، متخلص به طارمی. معروف به بابا درست. از اهالی طارم بود و در قضا و دانش سرآمد. مدت دوازده سال در آستان قدس رضوی به خدمت مشغول بود سپس از ایران به هندوستان رفت و در آنجا به خدمت همایون پادشاه (۹۳۷-۹۶۳ ق) رسید و از مصاحبان و محصوران او گردید. بعضی از تذکرها نام صاحب عنوان را میردوست آورده‌اند. از وست:

فرید که با اهل وفا یار چما کرد
افسوس که قطع نظر از صاحب ما کرد
با روی چو گل آینه سی نصراں سد
قطع نظر ر صحت ربا وف کرد
الدریمة (۹/ ۶۳۶)، صبح گلشن (۲۶۰)، مرثیة
سختوران (۵۷۹)، گزارش حد (۱/ ۷۵۶-۷۵۷)، حقت
اقلیم (۳/ ۲۰۲)

طارمی، ملا علی محدث، (وف ۹۸۱/۹۸۲ ق)،
دانشمند و شاعر، متخلص به طارمی. اهل طارم بود در
ابتدای عمر، در میان جلال‌الدین محمد اکبر به هندوستان

طائی شمیرانی، مرتضی، فرزند علی اکبر، (تو ۱۲۹۸ ش)، شاعر، متخلص به طائی. در کاشانک نیاوران به دنیا آمد. پس از طائی تحصیلات مقدماتی به کار تجاری پرداخت. وی از کودکی به سرودن شعر روی آورد و در اسجمن‌های ادبی تهران شرکت کرد و ب بهره‌مندی از استادان، با فنون و رموز شعر آشنایی یافت. اشعار او بیشتر در قالب‌های کلاسیک بود و در انواع قالب‌های شعری مهارت داشت. از آثار وی سه مجموعه شعر به نام‌های: تکلیت و حرلیات، کرات «قصاید» و «حاطرات یک شب».

سختوران نامی معاصر (۴/ ۲۳۸۰-۲۳۸۲)، مؤلف کتب
چاپی (۶/ ۱۲۶۱-۱۲۶۲).

طائی همدانی، ابوالفتح محمد بن ابوجعفر محمد بن علی، (۵۵۵-۴۶۵ ق)، حافظ، محدث و راخط. در همدان به دنیا آمد. در خراسان و عراق و جبال ز فید بن عبدالرحمن شعرائی و عبدالرحمن بن محمد دوسی و ظریف بن محمد نیشابوری و دیب محمد بن ابوالعباس انیسوردی و اسماعیل بن حسن سجستانی قرانضی و عبدالغافر بن محمد شروی و علامه ابوالمحاسن رویانی و ابوالقاسم بن بیان رزاز و شیرویه دیلمی و ابن طاهر مقدسی و ابومحمد حسین بن مسعود بغوی و ابوبکر سمعانی حدیث شنید و نزد محیی‌السنه بغوی و سمعانی فقه آموخت. محمد بن عبدالله بن بقاء صوفی و ابوهیدانه حسین بن زبیدی و برادرش، حسن، و گروهی در بغداد از وی حدیث شنیدند. وی دو همدان درگذشت. اثر وی کتاب معروف «الاریعون حدیث» یا «الاریعین فی ارشاد السائرین الی منازل الیقین» یا «الاریعین العائنه» که چهل

(۲۸۵) رجانه (۲/ ۳۸۶-۳۸۵)، طبقات اعلام الشیعه
قرن ۱۲، ۳۳۹)، علماء محاسن (۸۹)، معجم رجال
سجف (۲/ ۸۱۶)، معجم الـ ذیل (۳/ ۱۶۷-۱۶۸)،
مکرم الآثار (۵/ ۱۷۱۷).

طارمی زنجان، عباس بن علی محمد حسن آبادی.
(۱۲۹۵-۱۳۵۱ ق)، فقیه، اصولی و شاعر اهل طارم
سهلی، بین قزوین و رجاء، بود. پس از فراگیری مقدمات
در ۱۳۱۷ ق به سجف رفت و از محضر شیخ الشریعه
اصغهبی و آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نمود.
آن‌گاه به زنجان بازگشت و برای مدتی مرجع امور دینی
مردم شد. وی در تهران از دنیا رفت و در جوار حضرت
عبدالمعظم حسینی (ع) در شهرری دفن شد. از آثارش:
«قاعد لا صرر» کتاب «متجرات المرض»؛ «کتاب فی
الاصول»؛ «کتاب الوقف»؛ «تنبیح الحباة»؛ «دیوان» شعر به
عربی و فارسی؛ «ذخیره الممات»؛ در مواظف و مصائب
رج رجاء (۳۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۴)
۱۰۱۲-۱۱۳۱، معجم رجال سجف (۲/ ۸۱۷)، معجم
المؤلفین (۵/ ۶۱-۶۲).

طاطبی، حسنعلی، فرزند محمدخان. (تو ۱۲۸۲
ق)، نوآورنده در تهران به دنیا آمد. ابتدا از پدرش گوشه‌ها
و ردیفهای موسیقی ایرانی را فراگرفت و سپس در مدرسه
موریک نظام تحت نظر غلامرضا میریاشین منسوف
تحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل، به استادانی چون
درویش حاد و صلیب‌خان چنگی و آقا میرزا عبدالله
شاگردی کرد و نواختن ویولن را به خوبی فراگرفت و
بعدها به اخذ دیپلم موسیقی ز کشور فرانسه نایل آمد
طاطبی علاوه بر تدریس موسیقی سالها با رادیو همکاری
داشت و سفرهای متعددی به کشورهای همسایه و اروپا
برای اجرای کنسرت نمود و صفحاتی پر کرد. از آثار وی:
«کوههای طلایی ایران»؛ «شهای خوزستان»؛ «کسر
کارون»؛ «قلب هرمد»

تاریخ بدون ضبط موسیقی (۲۳۸)، تاریخ موسیقی (۲/ ۶۰۱-۶۶۰)، مردان موسیقی (۲/ ۲۱۶۸-۲۱۶۹).

طاعتی خونساری. (س دهیم ق)، شاعر. از مشایخ
بزرگ خطه خونسار بود که علاوه بر مقام شیخی، شعر
نیر می‌سرود و رباعیاتی چند از وی به جای مانده است
سکرة شعری خونسار (۱۶۵-۱۶۹)، هفت قلم (۲/ ۲)

رفت، چندی در آنجا بود، سپس به عربستان رفت و به
سال، در اماکن شریفه، کتب علوم متد، و له و حدیث کرد و
مجدداً به هندوستان بازگشت و در آن دیار با عزت زیست
تا درگذشت در تذکرة «روز روشن»، شرح «مشکاة
المصابیح» و شرح «فقه اکبر» از آثار وی ذکر شده است.
تاریخ تذکرة‌های فارسی (۲/ ۲۸۰)، تاریخ نظم و نثر
(۵۴۸)، تذکرة روز روشن (۲۹۲)، فرهنگ سخنور.
(۵۷۹)، کاروان هند (۱/ ۷۵۸-۷۵۷)، هفت اقلیم (۳/ ۲۰۲).

طارمی، نجم‌الدین. (من نهم ق)، مترجم. از برگزینان
دربار میران شاه بن تیمور (م ۸۱۰ ق) بود. او در فن اثبات
تسلسل داشت و به فرمان میران شاه کتاب «کامل التواریخ»
ابن اثیر را به فارسی ترجمه کرد
تاریخ نظم و نثر (۲۵۶)، حبيب‌السیر (۳/ ۵۵۰).

طارمی زنجان، شیخ جواد بن ملا محرمعلی بن
قاسم آب‌پری. (۱۲۶۳-۱۳۲۵ ق)، عالم، فقیه امامی
اصولی، متکلم، نحوی و مدرس. در آب‌پری از نواب
طارم به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت
سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه وقت تهرانی، علی
فروغی، صاحب حاشیه «فوائید»، مقدمات را فراگرفت.
برای تکمیل تحصیلات به هرات مشرف شد و در حوزة
درس حاج سید حسین کوهکمری و فاضل ابروایی و
فاضل مامقانی و میرزی شیرازی حاضر شد و از ایشان
«سرة اجتهاد» دریافت کرد. پس از طی مراتب علمی، به
زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت
پرداخت وی در زنجان درگذشت و در جوار مزار سید
ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول
الجعفریة»؛ در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی
المواظف و المصائب»؛ که مقتضی است به فارسی؛ «تکمیل
الانسان فی اثبات وجود صاحب الزمان (عج)»؛ به فارسی؛
حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه «فوائید
الاصول»؛ «ربیع المنهجین»؛ در شمار شب؛ «الارث» و
«الدیات»؛ به فارسی؛ «شرح الاحتمام»؛ در شرح «نهیج
السلاحة»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقادیر»؛ شرح
«المصیبة»؛ «منتخب المعلوم»؛ در صرف و نحو؛ شرح
«الدرة» سید مهدی بحر العلوم

عیان الشیعه (۴/ ۱۶۷۹)، تاریخ رجاء (۳۱۸-۳۲۰)،
الدریعه (۱/ ۴۴۲، ۲/ ۱۷۹-۱۸۰، ۲۵۹)، ۴/ ۴۱۸، ۸/ ۴۱۸

(۲۸۶-۲۸۵)

صاعقی رشتی، عبدالملکی، فرزند اسماعیل. (۱۲۹۷-۱۳۵۷ ش)، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر به پایان رسانید و سپس به تهران آمد و در رشته ادبیات و ادبیات فارسی وارد دانشسرای عالی گردید و به دریافت لیسانس قائل شد و از آن پس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر ادبیات به رشت عزیمت کرد و پس از پنج سال به تهران بازگشت و ضمن تدریس در دبیرستان‌ها، دوره دکتری ادبیات را به پایان رسانید. وی مدتی اشعارش را در روزنامه‌ها و جراید به چاپ رسانید و مدتی نیز سردبیری روزنامه «سازمان» را به عهده داشت و از همکاران دهخدا در تألیف «لغت‌نامه» بود از آثارش رساله «دبیداری، دکانداری نیست»؛ «حدیث سعدی»؛ «دفاع استالینگراد / لنینگراد»؛ «تصحیح لغت‌نامه»؛ «صحاح العربی»؛ «دیوان» شعر.

الدریغ (۸/ ۲۸، ۹/ ۶۲۶)، سخنران نامی معاصر (۴/ ۲۳۸۷-۲۳۹۱)، کتاب گیلان (۲/ ۵۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۸۷-۸۸۸)، نامها و نام‌های گیلان (۲/ ۲۴۱-۲۴۲)

طاعنی رشتی، غلامرضا. (وف ۱۳۵۵ ش)، میکوکار سالها در کار نشر و بخش کتاب فعالیت می‌کرد و در زمانی که انجمن اخوت اولین کتابخانه عمومی را در شهر رشت بساز گذاشت، طاعنی از یاران آن انجمن بود. همچنین در افتتاح کتابخانه کاوه با سید عبدالرحیم خلخالی همکاری داشت و مدتی نیز مدیریت آن کتابخانه به عهده طاعنی بود. وی مسئولیت انتشارات طاعنی در شهر رشت می‌باشد.

آپده (ص ۵ ش ۴-۵ ص ۲۰۷)، کتاب گیلان (۳/ ۲۸۹).

طائی سجعانی هروی، ابوعبدالله محمد بن فضل (وف ۴۱۶ ق)، صوفی اهل طاق، شهر کوچکی نزدیک زنجان، و از هارمان بنام رورگر خویش بود که در علوم باطن و ظاهر مقام و درجه‌ای بلند داشت. او از مریدان موسی بن عمران جیرفتی به شمار می‌رفت و رسوم صوفیه و اشارات ایشان را بیکو می‌دانست و صاحب ولایت و کرامت و قرامت بود. شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری گوید: «هرگز هیچ بزرگی به هیبت‌تر از خواجه ابوعبدالله طائی

ندیده‌ام و او پیر من است و استاد من، اگر او را نمی‌دیدم اعتقاد چنینان نمی‌دانستم.» در هرات درگذشت و در مقبره درب خوش دفن شد و شاهرخ میرزا بر سر تربت آن بررگوار عمارتی عالی ساخت.

طبقات صوفیه هروی (۳۳۸، ۵۳۹، ۶۰۲)، مزارات هرات (۲۶-۲۷)، مصداق الانس (۳۴۱-۳۴۳).

طالب (ز ۱۰۷۷ ق)، تهاش هرمنه دوره صوفیه برد که در مکتب اصفهان و شیوه رضا هیامی تصویرسازی می‌کرد. در تنها اثر وی که در کتاب «لاپتوره» آمده، رقم او چنین یاد شده: «روم زد ذره ببقدر طالب ۱۰۷۷». احوال و آثار تهاش (۱/ ۲۸۸).

طالب، (ز ۱۲۱۴ ق)، نقاش و مدّلب. از هنرمندان دوره فتحعلی شاه قاجار بود که به آرایش و تذهیب‌کاری کتابهای مصور می‌پرداخت. تنها اثر وی در دبل مصححات نسخه‌ای خطی از «زادالمعادی» که نشانگر قدرت و مهارت نقاش می‌باشد، در داخل دو مستطیل، در طریق آن نام باری تعالی نوشته شده و به خط شکسته رقم: «طالب شیوه ملائم من سنه ۱۲۱۴ دارد. احوال و آثار تهاش (۱/ ۲۸۸).

طالب آملی مازندرانی، محمد. (وف ۱۰۳۵/۱۰۳۶ ی)، خطاط و شاعر، متخلص به طالب، معروف به طالب در آمل ولادت یافت و در همان جا تحصیل دانش و ادب کرد و از جوانی به شاعری روی آورد. در حدود بیست و شش سالگی مدح حکمران آمل گفت. در ۱۰۱۰ ق از مازندران خارج شد و مدتی در اصفهان اقامت کرد و با بقی اندیس اوجادی ملاقات داشت. سپس به کاشان رفت و در آنجا به اردواح کرد. سپس از آن شهر به زادگاه خود و بر آنجا به خراسان رفت و در سروشاهجان ملازم بکتش خان استاجلو، حاکم آن منطقه، شد و مثنوی به وزن «خسرو و شیرین» به نام او سرود. آنگاه به هندوستان رفت. و پس از مدتی به قندهار رفت و ملازم عازمی خان ترخان شد و به ستایش او پرداخت. وی بعد از مرگ محمود خود به هندوستان رفت و در آگره با مؤلف تذکره «میعانه» دیداری کرد. پس از سفر به شهرهای مختلف هندوستان، سرانجام در لاهور با شایر تهرانی دیدار نمود و به وسیله او به اعتمادالدوله وزیر معرفی شد و آن وزیر طالب را به درگاه سپه‌نیر رسانید. از آن پس طالب به سرعت پای در مدارج

آتشکده، آذر (۱/ ۲۸۲)، از سعدی تاجمسی (۶۳۵)، تاریخ
سظم و نشر (۱۰/ ۳)، تذکره الشعراء (۴۷۸-۴۸۰)،
ذایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۱۰)، الذریعة (۹/ ۶۳۸)،
۱۸/ ۲۵۳، ۱۱/ ۲۷۳، رهاص المازعین (۲۱۹)، ربحان
(۱/ ۳۷۷، ۳۷۶)، صبح گلشن (۲۶۰)، فرهنگ سخنوران
(۵۸۰)، نعت نامه (دیل / طبیب جواهرمی)، مجالس
القدس (۱۹، ۱۹۳).

طالب حکیم کاشانی - کلیم کاشانی.

طالب شیرازی، عبدالله خسان، فرزند یوسف خان /
احمد خسان گرجی. (وف ۱۳۰۶ / ۱۳۰۹ ق)، شاعر،
متخلص به طالب، اصیش از گرجستان و ساکن شیر بود و
به شعر سرایی در شهر خانه می بردا حب در شیراز
درگذشت و در میرون درب حافظیه نه خاک سپرده شد در
وست

مصور آمد و چشم مو را به بار کشید

چو شام هجر نور رب نور در او کشید

آثار عجم (۵۶۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/
۵۱۱-۵۱۲)، الذریعة (۹/ ۶۳۸)، ربحان (۴/ ۱۸)،
فرهنگ سخنوران (۵۸۰)، مرآت الفصاحه (۳۶۸).

طالب شیرازی، میرزا ابو طالب، فرزند سید میرزا
شیرازی. (وف ۱۳۰۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. در علوم
ادبی مهارت و در علوم عربی دست دایمه است. خط
شکسته را خوش می نوشت. در چند سال آخر عمر به
صدارت دیوان خانه عدلیه فارس منصوب شد. اشعاری در
او به جا مانده است.

حلیة الشعراء (۲/ ۱۰۸۹-۱۰۸۸)

طالب کل عالم. (س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان ساز
از تصویرگران شهرن قلم و قلمدان سازان دوره ناصری بود
که آثار خود را با سبع محصور من خود امضا می کرد. او
آثار وی قلمدانی است که حواشی آن تذهیب پر پیرایه و
پرکنده دارد و در وسط و کنارها به گل و مرغ ریا جلب
نظر می کند و به خط طلایی ریا رقم «طالب کل عالم»
دارد

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۸۸)

طالب گلستانی، یحیی خان (وف ۹۶۷ ق)، شاعر

ترقی نهاد و در ۱۰۲۸ ق به مرتبه ملک الشعرائی رسید و
بعد از آن در کمال عزت زیست تا در همان جا درگذشت
از دیگر آثارش «دیوان» شعر وی در نگارش اقسام خط
تیر توانا بود و جمله خطوط را خوش می نوشت. از خطوط
او، یک صفحه از مرقعی است، به قلم کثافت متوسط، با
رقم «لراقم» بارم از بقلک، عیب من مکن طالب».

آتشکده آذر (۲/ ۸۷۰-۹۰۲)، احوال و آثار خوشنویسان
(۲/ ۳۳۳)، تاریخ دیبای در ایران (۵/ ۵۶-۱۰۶۸)، تاریخ موسیقی
(۲/ ۲۹۵-۲۹۷)، تذکره سبانه (۵۴۵-۵۷۰)، تذکره
سمرقاندی (۲۲۵-۲۲۲)، دیرة المعارف فارسی (۲/
۱۶۱۰)، دیست مسطور (۷-۲۰۹-۲۰۷)، الذریعة (۹/
۶۳۶-۶۳۷، ۱۹/ ۱۶۷) ربحان (۴/ ۱۸)، سبک شناسی
(۳/ ۲۵۵)، شخصیت های نامی (۳۰۲)، فرهنگ
سخنوران (۵۷۹-۵۸۰)، گاروان هند (۱/ ۷۵۸-۷۸۲) گنج
سخن (۳/ ۸۵-۹۱)، لغت نامه (دیس / طالب آملی)،
منظم معانی فارسی (۳۷۴-۳۷۶)

طالب اصفهانی، میرزا طالب خان - بابا طالب اصفهانی

طالب تبریزی، میرزا طالب، فرزند حاج میرزا خان
کمال بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر، اهل تبریز و ساکن
عباس آباد اصفهان بود. میرزا طالب علاوه بر شعر در
بیشتر علوم زمان، طبع شمیری قوی نیز داشت. او آثار وی
«مناقی نامه» ای در بحر «ساقی نامه» ظهوری، «مثنوی در
حزب التحفة» عراقی، «مناقی

تذکره شعرائی آذربایجان (۲/ ۴۰۱-۴۰۲)، تذکره
نصرانادی (۱۲۵-۱۲۷)، تذکره الشعراء (۳۹۲)، دانشمندان
آذربایجان (۲۴۴-۲۴۵)، الذریعة (۹/ ۶۳۷، ۱۲/ ۱۱۰)،
۱۶/ ۹۱)، سخنوران آذربایجان (۴۹۵-۴۹۹)

طالب جاجرمی، محمد طالب. (وف ۸۵۴ ق)، شاعر
از شاگردان شیخ آذری و شاعران بدنام خراسان و از
کدخدانزدگان آن دیار بود که در جوانی به فارس رخت و در
شیراز شهرت یافت. وی مثنوی «گوری و چوگام» را به نام
سلطان عبدالله بن ابراهیم شهزاده تیموری، بوه شاه رخ،
سرود و می سال در شیراز ماند و در همان شهر درگذشت
و در جوار مزار حافظ، در مصلی دفن شد. از دیگر آثار
وی «دیوان» عربیت بوده است.

طالب هروی، مولانا محمد (مقتول ۹۱۸ق)، شاعر. از شاعران نامی دربار سلطان حسین گورکانی بود. سالها ملازم سلطان بدیع الزمان میرزا بود و منصب صدارت او را داشت و چون از خدمت او دست کشید به دستگاه، بهیراندین محمد پسر رفت و نزد او مقرب بود تا سال ۹۱۸ ق که در جنگ میان پسر و عیدالله غمان ازبک در ماوراءالنهر کشته شد. در سرودن اقسام شعر، سوز و حس ممایا مهارت داشت. او آثار وی: رسانه‌ای در ممایا.

تاریخ ظم و نثر (۳۳۳)، الذریعه (۹/ ۱۰۰۰)، مجلس العالی (۷۵، ۷۵۰)

طایی. (ص دهم ق)، شاعر، متخلص به طایی. وی از مثنوی سرایان قرن دهم هجری می‌باشد که مثنوی خود را با نام «شوق‌نامه» یا «شوق‌نامه احمدی»، در وزن «مثنوی معنوی» در ۹۲۴ یا ۹۴۷ ق سروده است.

مطومه‌های فارسی (۲۷۸-۲۷۶).

طایی زنجانی، عیدالله بن حسین. (ص دهم ق)، شاعر از مثنوی سرایان ایران در روزگار صفویه است که از بران به عثمانی رفت و در آنجا مثنوی در بحر «للی» و مجنون نظامی به نام «بحرالعماد فی رشاد العباد» سرود. طایی مثنوی را به نام سلطان سلیمان عثمانی در سال ۹۵۵ ق سروده است.

تاریخ نظم و نثر (۷۰-۷۰۷)، مطومه‌های فارسی (۳۷۸)، لغت‌نامه (ذیل / عالی).

طالع شیرازی، محمد. طالع کارونی.

طالع کارونی، محمد، فرزند میرزا محمد حسین / میرزا حسین طیب. (وب ۱۳۰۳ ق)، طیب، خطاط و شاعر، متخلص به طالع. پدرش از اطباء شیراز بود. او خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت و به شیوه شعری قدیم شعر می‌سرود و همانند پدر در شیراز طایب می‌کرد. وی در جوانی از دنیا رفت و پیکرش را به هتایت منتقل کردند. اشعاری از وی به جا مانده است.

آثار عجم (۵۶۲)، حلیفة الشعراء (۲/ ۱۰۹۵-۱۰۹۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۵۱۵۵-۵۱۵۶)، الذریعه (۹، ۳۳۹)، مرآت الفصاح (۲۶۹-۲۶۸).

طالع همدانی، عیدالله. (تو ۱۲۹۲ ش)، موسیقیدان،

صدش از لاهیجان بود. از دانش طب سر رشته و در صنایع و فنون شعری نیز مهارت داشت. وی در قزوین درگذشت. او آثارش: «رسانه»، در صنایع شعری؛ «دیوان» شعر.

نشدۀ آذر (۲/ ۸۲۰-۸۲۱)، تحفه سامی (۸۸)، الذریعه (۹/ ۶۳۸)، لغت سامه (ذیل / طالب گیلانی، طالب لاهیجانی)، مجمع الخواص (۲۸۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۶۱۷)

طالب لاهیجانی - طالب گیلانی.

طابوف تبریزی، عبدالرحیم بن ابوطالب بن علیمراد نجار. (وب ۱۳۲۸/۱۳۲۹ ق)، نویسنده و مترجم در تبریز به دنیا آمد. شانزده ساله بود که تبریز را ترک کرد و به فلس رفت و به کسب و کار و تحصیل پرداخت. در اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، از راه نوشتن به سداری مردم و انتقاد از استبداد پرداخت. چنان که بعد از صدور فرمان مشروطیت از طرف مردم آذربایجان به نمایندگی مجلس انتخاب شد، اما به دلیل نامعلومی از قول رکانت سر باز زد. او مردی وطن پرست و میهن دوست بود. در اواخر عمر بری درمان چشمش به تبریز رفت و پس از سازگشت درگذشت. از آثارش: «سینه صلی» یا «کتاب احمد»؛ «مسالك المحسنين»؛ «مکاشف الحیات»؛ «پندنامه مارکوس قیصر روم»؛ ترجمه «رسالة فیزیک»؛ «نخبة سپهری»؛ که خلاصه‌ای از «ناسخ التواریخ» است در احوال رسول اکرم (ص)؛ «ابحاث در خصوص آزادی»؛ «سیاست طایی»؛ ترجمه «رسالة هیئت جدید».

دیباچ بوین ایران (۱۰۲، ۱۲۶-۱۲۷)، از م. تا به ۱۳۰۴-۲۸۷، پژوهشی در نثر و نظم دوره بازگشت ادبی (۱۲۹-۱۲۵)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۱/ ۱۹۱-۱۹۱)، چهره سوی شنه (۱۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۴۲)، دیب المعارف فارسی (۲/ ۱۶۱۰)، الذریعه (۲/ ۱۹۹، ۱۷/ ۲۶۳، ۲۰/ ۳۲۵، ۲۳/ ۲۵، ۹۵/ ۲۵۶)، ریحانه (۳/ ۱۷)، سبک شناسی (۲/ ۳۶۶)، شخصیت‌های سامی (۱/ ۳۰۷-۳۰۱)، شرح حسن رجال (۲/ ۲۶۲-۲۶۳)، مد سال دبستان‌نویسی (۲/ ۲۵-۲۴)، طبقات اعلام الشیعه (نرد ۱۴/ ۱۱۰۱)، لغت‌نامه (ذیل / طابوف)، مکارم الآثار (۶/ ۲۰۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۲۶-۸۲۴)، یادگار (ص ۵، ۴-۵، ص ۸۶)، یسما (ص ۴، ش ۵، ص ۲۱۴-۲۲۱)

دفن شد. از آثارش: «کیمیای هستی»، «مقاله اثنی عشریه»، «محاكمة الحجاب»، «السیاسة الحسینیة»

الدرباره (۱۲/ ۲۷۱، ۲۰۲/ ۱۸، ۱۳۷/ ۲۰)، طبقات اعلام

الشیعة (فصل ۱۶/ ۳۳)، گنجینه دانشمندان (۲/

۹، ۵۱۰۵)، میرزای شیرازی (۱۰۰-۱۰۱)

طالقاسی، سید محمد تقی بن سید احمد حسینی اورانی. (وف ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و فقیه. نسبش به امامزاده سید نصرالدین از سرورندز دکان امام باقر (ع) می‌رسد. در نجف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران استفاده نمود و از جمعی از علمای بزرگ همچون علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوهکمری و فاضل ایروانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمی و علامه سید علی، مؤلف «البرهان»، و دیگران به دریافت اجازه نایل شد. وی در حدود ۱۳۰۰ ق به تهران یارگشت و به احیای وظائف دینی پرداخت تا درگذشت. او در مسجد ماشاءالله شهرری جنب قبرستان ابن‌بابویه مدفون شد. ر. انور وی. «المظاهر العرفیة»، در اصول دین، که اجازه فاضل ایروانی و سید محمد تقی قزوینی، در ۱۲۹۵ ق، بر آن مکتوب است؛ «کتاب الصلاة»

الدرباره (۱۵/ ۱۵۵، ۱۶۲/ ۲۱)، طبقات اعلام الشیعة (قرن

۱۲/ ۲۴۲، ۲۴۳)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۵۰۶-۵۰۵)،

معجم رجال نجف (۲/ ۸۷۲)

طالقانی، سید محمود، فرزند سید ابوالحسن. (ح ۱۲۸۹-۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، مفسر، فقیه، محقق و نویسنده. در قصبه گلیرد طالقان به دنیا آمد تحصیلات مقدماتی و در تهران گذراند و در ۱۳۰۵ ق به قم مهاجرت کرد و چندین سال از محضر اساتیدی چون آیت‌الله حائری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری بهره برد. او آنگاه در مدرسه سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۸ ش بر اثر مخالفت با دولت پهلوی نه شش ماه زندان محکوم گشت. پس از درگذشت استادش، آیت‌الله حائری، و پدرش، آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، در تهران مقیم گشت و در مسجد هدایت به تفسیر قرآن و ترویج دین و انتشار مقالات مذهبی و دیگر وظایف دینی مشغول شد. در ۱۳۲۰ ش وی به قاعه حرد را در محله «دانش آموز» پیرامون اوضاع تاریک مسلمین نوشت. پس از جنگ جهانی دوم به طور جدی وارد فعالیتهای سیاسی

خواننده و شاعر، متخلص به طالع. در همدان به دنیا آمد تحصیلات خود را در مدارس آلیانس و تأیید گذراند و به رباعی‌های فرانسه و انگلیسی تسلط یافت، سپس به تهران آمد و در رشته ادبیات و زبان فارسی ادامه تحصیل داد. وی علاوه بر عضویت در انجمن ادبی همدان و داشتن طبع شعر، به موسیقی هم علاقه‌مند بود و در نزد تقی شیدگان به فراگیری ریوی و دستگاههای موسیقی پرداخت. او از نخستین تصنیف‌سازان نس بعد از عارف است که کلام و آهنگ تصانیف را توأم ساخته است. وی اولین تصنیف خود را به نام «نادر خزان» در هجده سالگی ساخت و مورد توجه عارف قزوینی واقع شد. او با رادیر تحت عنوان خواننده گمنام همکاری داشت و در کنسرتهایی که به نفع امور خیریه اجرا می‌شد، شرکت می‌جست. از وی «دیوان» شعری به همراه ست آهنگها به چاپ رسیده است. او همچنین کتابی در زمینه لغات و اصطلاحات زبان راجسی (زبان یهودیان مقيم همدان و کاشان و اصفهان و خوانسار) تألیف نموده است.

تاریخ تحول صیغ موسیقی (۱۸۹)، مسعودان سامی

معاصر (۲/ ۲۳۹۲-۲۳۹۶)، سیمای هنرمندان (۲۸۹-۲۸۹)

۵۹۵۸، ۶۲)، مردان موسیقی (۲/ ۱۵۸-۱۶۴)

طالعی یزدی. (س دهم و یازدهم ق)، صحافت و کنعاف. متخلص به طالعی. در دوره جلال‌الدین محمد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) از یزد به هندوستان رفت و در اکبرآباد (اگره) ساکن و به صحافی مشغول شد. طالعی متعلق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۳۳)، تذکره در روش

(۲۹۵)، تذکره مسعودان یزد (۲۰۳-۲۰۲)، فرهنگ

سجود (۵۸۲)، کاروان هند (۱/ ۷۸۸-۷۹۰)

طالقانی، سید ابوالحسن. (وف ۱۳۵۰ ق)، عالم دینی و فقه سبش به امامزاده سید نصرالدین می‌رسد. در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. پس از خواندن دروس ابتدایی به تهران آمد و مقدمات و سطوح را در تهران خواند. آنگاه به هتبات مهاجرت کرد و در حوزه درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت نمود و پس از ایشان نزد آیت‌الله سید اسماعیل صدر به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۷ ق به حج رفت و در مراجعت، به تهران آمد و مقیم گشت و تا پایان عمر به انجام وظائف شرعی و دینی مشغول بود. پس از درگذشت، پیکرش به نجف حمل و در وادی السلام

طالقانی، شیخ علی محمد (۱۲۳۳-۱۳۱۲ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. در طالقان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، به نجف رفت و چند سال در درس و بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، شرکت کرد. سپس به زادگاهش بازگشت و پس از چندی برای بار دوم به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری و ملا آقای درستی و شیخ راضی نجفی حاضر شد تا به مدارج عالی فقه و فقهات دست یابد. او در ایام غیبت شیخ انصاری به جای او اقامه نماز می‌کرد. در ۱۲۸۸ ق به ایران بازگشت و ساکن تهران شد و به تدریس و انجام سایر وظائف دینی پرداخت و تا پایان عمر به تدریس و تصنیف مشغول بود. از آثارش «تقریرات» بحث استدلالش صاحب «جواهر» و شیخ انصاری می‌باشد.

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۱۶۱۸-۱۶۱۹)، معجم رجال نجف (۲/ ۸۲۸).

طالقانی، شیخ محمد حسن بن اخوند ملا عبدالله (۱۲۸۷-۱۳۶۹/۱۳۷۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه حاج راجی‌علی خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات، در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر آیت‌الله محمد باقر درجه‌ای، استاد آیت‌الله بیروجردی، و آیت‌الله بوالعالی کرباسی و دیگران استفاده نمود. در درس عقلی و فلسفی از میرزا جهانگیر خان حکیم قشغری و حجة الاسلام اخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدینش به تهران آمد. سپس به اصفهان مراجعت کرد و بعد از چند سال تدریس و تدریس به تهران بازگشت و در مدرسه دارالشفاء و محمودیه مشغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه جماعت و ترویج‌ات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگذشت، پیکرش در مسجد بالا سر قم در جوار حضرت معصومه (ع) نه خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «قباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غصب».

تربت پاکان دم (۲/ ۲۰۳-۲۰۴)، گنجینه دانشمندان (۴/ ۵۰۷-۵۰۶).

حالقانی، شیخ محمد علی بن ملا عبدالله (۱۳۲۰-۱۳۶۴ ق)، عالم دینی. در قشاقویه تهران به دنیا آمد و پس

شد و تا پایان عمر از رندایی به رندانی رفت و بیش از ده بار رندانی شد. او عانی روشفکر و مبارزی پیداردل بود. در ۱۳۳۴ ش با نوشتن ترجمه و شرح کتاب «تنبيه الامة» و تنزيه‌المنه علامه نایبی، دوران خفقان پس از کردتای ۲۸ مرداد را پیش بینی و خاطر نشان کرد که، با وجود استبداد، رشد علمی و اخلاقی ممکن نیست. آیت‌الله طالقانی در ۱۳۵۷ ش از طرف امام خمینی به ریاست شورای انقلاب و در ۱۳۵۸ ش به سمت اولین امام جمعه تهران - بعد از انقلاب - منصوب و با رأی مردم به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. آیت‌الله طالقانی در ۱۹ شهریور از دیب رفت و در کنار شهید ی ۱۷ شهریور در نهشت زهر (س) اقامت جاوید گزید. از دیگر آثار وی: «اسلام و مالکیت»؛ ترجمه «الامام علی بن ابی طالب (ع)» عبدالصالح عبدالقادر؛ «بسیوی خدا می‌رویم (با هم به حج می‌رویم)»؛ «پرتوی از قرآن»؛ تفسیر جزء سی‌ام قرآن و سورة حمد و بقره و آل عمران؛ ترجمه و شرحی بر «نهج البلاغه»؛ «محبت، وحی، غر حرا»؛ «گفتارهای دینی»؛ اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی.

آثار الحمیه (۲/ ۲۶۹-۲۶۸)، آیه دانشوران (۵۱۳-۵۱۲)، گنجینه دانشمندان (۸/ ۷۷-۷۷)، مستدرکات اعیان (۱۸/ ۲۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۱-۵۰).

طالقانی، سید محیی‌الدین بن سید کاظم (۱۳۰۵-۱۳۸۷ ق)، عالم دینی. در قریه‌گیر طالقان به دنیا آمد. از کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از طی مقدمات در طالقان، در شانزده سالگی به تهران آمد و دیبات و سطوح را از میرزا طاهر تنکابنی و آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، پدر همسر خود، فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت کرد و مدت نه سال از محضر آیت‌الله خراسانی و آیت‌الله حائری بهره‌مند گردید. علم اصول و اخلاق را از آیت‌الله شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفت. برای مدت کوتاهی به تهران آمد، ولی دوباره به قم بازگشت. سپس به درخواست مردم قنات آباد تهران و الرام آیت‌الله حائری، مجدداً به تهران آمد و در محله سات‌اناد به انجام وظائف دینی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در قبرستان ابوحنسین دفن شد. از آثارش: شرح «زیارت واریت»؛ شرح «دهاء»؛ رساله «مفتاح السعادة»؛ رساله در «اثبات اصليت مؤمنين عجم بر عرب».

آیه دانشوران (۵۱۹)، تربت پاکان قم (۳/ ۴۰۵-۴۰۴)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۵۱۱-۵۱۲).

الشکوک عن الشاک و المشکوک» به عربی، که در زمان حیات مؤلف، در ۱۳۱۴ ق، به چاپ رسید. «الرسالة فی قاعدة الضمان»، به عربی

الدريه ۱۸/۲۰، طبقات اعلام الشيعة (ج ۱۴/۵۸)، مومنين کتب چاپی، ۱، ۲۶۳.

طلوت دامغانی، سلیمان بن سلیمان بن حسن طابوت دامغانی.

طائفي اصفهاني، أبو محمد عبدالله بن علي بن هبة الله. (وف ۵۶۳ ق)، محدث و زاهد. اهل طامد اصفهان برد از ابو نصر عبد الرحمن بن محمد مسبار حديث شنيد. آنگاه در طلب حديث به مسافرت پرداخت و در بصره از حمزة بن محمد بن فضل عباداني و در بغداد از طراد بن محمد زبي و ابن طلحة نعماني و ديگران استماع حديث کرد.

سير النبلاء ۲۰۱، ۲۷۲، ۲۷۵ (شذوذب الذهب ۴/۲۰۸)، المعبر (۳/۲۰)، النجاة (۵/۳۶۰)

طاووس خاتم، تاج الدوله بن تاج الدوله، طاووس خانم.

طاووس بمانی، أبو عبد الرحمن طاووس بن گیان خولانی حمدنی. (۱۰۶-۳۳ ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد این جوزی اسم او را دکوان و آقا او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس نقره بود به طاووس مشهور شد او از بزرگان تابعین و از راویان یمن عباس و ابوهریره و فیهی گرانمایه به شمار می آمد. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده اند. در وعظ جلد و سلاطین بسیار بی باک بود. این عینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری گشته اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عش خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روصات الجات» او را در حداد فقهی شعه شمرده، اما محدث ثوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج،

از خواندن مقدمات و ادبیات در تهران، در ۱۳۴۰ ق به هم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت الله شیخ مهدی پائین شهری و آیت الله شیخ محمد علی حایری و همچنین از حوزة درس آیت الله شیخ عبدالبکریم حایری یزدی در فقه و اصول استفاده ها برد تا به مدارج عالی علم و کمال رسید. در ۱۳۶۴ ق به تهران بازگشت و در مسجد اکباتان به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخت. از آثارش: یکصدوره «اصول» آیت الله حایری، «تقریرات فقه» آیت الله حایری و آیت الله کبیر گنجینه دانشندان (۴/۵۰۷-۵۰۸).

طالقانی، عبدالمجید بن درویش عبدالمجید طالقانی

طالقانی، ملا نظیر علی، فرزند سلطان محمد، (۱۳۰۶-۱۳۴۰ ق)، فقیه اصولی، مکرم، حکیم، حافظ، مدرس، محدث و واعظ. از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری بود پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه مروی مقیم گشت و تدریس و تألیف پرداخت و به سواعظ مشری، شلمان ورزید. او در کلام و مروج و اصول ماهر و در محقق و مقول صاحب نظر بود در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی کثر سودمندی به عربی و فارسی باقی است، از جمله: «کاشف الاسرار» حاشیه بر «وسائل» شیخ انصاری، «مساهد الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و طواهر و فنی در بواطن و مسائل؛ رساله در «حجیت خیر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحش می قبول الشهادة»؛ «اجتماع الامر و التهی»؛ «طراز المصائب» در مقل: رساله ای در «فنا».

الدريه (۱/۲۶۹، ۱۶/۶۲، ۱۵/۱۵۹، ۱۷/۲۳۴، ۲۲/۲۷۸)، علماء معاصرين (۲۸۷-۲۸۸)، گنجینه دانشمندان (۶/۳، ۱۷، المأثر والآثر (۱۷۴)، مکارم الآثار (۴/۱۱۲۹)

طالقانی، میرزا حسن بن ادیب طالقانی

طالقانی قزوینی، رضی الدین بن رضی الدین طالقانی، ابوانخبر احمد.

طالقانی کسجوری سازدرانی، شیخ ابوالقاسم، (ر ۱۳۱۴ ق)، عالم دینی و نویسنده. از آثار وی: «کشف

روز قزوین، درگذشت

الاعلام (۳/ ۲۲۲)، اعیان النشیمه (۷/ ۳۹۵-۳۹۶)، البحیر الکبیر (ج ۲ ی ۲/ ۲۶۵)، تهذیب التهذیب (۵/ ۱۰۹)، الجرج و التمدیل (ج ۲ ی ۱/ ۵۰۱-۵۰۰)، حله الاویس، (۲/ ۲۲۰-۲)، رجال طوسی (۹۲)، روایات الجنات (۴/ ۱۲۶-۱۲۹)، ریحانه (۳/ ۲۲۰-۲۲۱)، سیر النبلاء (۵/ ۲۸-۲۹)، شرباب الذهب (۱/ ۱۲۲-۱۲۳)، طبقات ابن سعد (۶/ ۷۰۶)، المعبر (۱/ ۹۹)، النکی واللقاب (۲/ ۴۳۹-۴۴۱)، طب نامه (دیل / طاووس)، المعارف (۲۶۸)، المجرم الزاهرة (۱/ ۳۳۱)، ونبات الاعیان (۲/ ۵۱۵-۵۰۹)

طاووسی قزوینی، رکن الدین ابوالفضل عراقی / عزیز بن محمد بن عراقی. (وف ۶۰۱ ق)، متکلم در جدل و ماصره دستی توانا داشت. وی صاحب طریقه‌ی مشهور در جدل می‌باشد. در علم خلاف ماهر بود و آن را از استادش شیخ رضی الدین نیشابوری حنفی، صاحب طریقه‌ای در خلاف، برگرفت و سه کتاب «مبسوط» و «متوسط» و «مختصر» در این علم دارد. دانش پژوهان دور و نزدیک برگردش، در همدان، جمع می‌شدند. حاجب جمال الدین، در همدان، مدرسه‌ای به نام «حاجیه» برای وی ساخت تا شاگردان وی در آن به تحصیل بپردازند. قاضی نجم الدین ابن راجح از شاگردان بنام وی است. او در همدان درگذشت. ابن خلکان گوید که در قزوین گروهی به نام «طاووسی» وجود دارد که خودشان را از سلطه طاووس بن کیسان می‌دانند، و احتمال دارد که رکن الدین ابوالفضل عراقی نیز از آنان باشد.

الاعلام بویات الاعلام (۲/ ۴۰۵)، سیر النبلاء (۲۱/ ۳۵۳)، شیدرات الذهب (۴/ ۳۴۶-۳۴۷)، المعبر (۳/ ۱۲۹-۱۳۰)، ونبات الاعیان (۳/ ۲۵۸-۲۵۹).

طاهر (ز ۱۰۸۰ ق)، صراح و نافذه. وی طرح و باندۀ قبر پوش صریح رنگی و بی نظیر حریری موقد امام رضا (ع) که در اصفهان انجام یافته است، می‌باشد. در حواشی ابن اثیر، ادعیه‌ی به خط محمدرضا (امامی) پائنه شده و در وسط آن نیز ادعیه‌ای به خط ثلث جلب نظر می‌کند. ابن اثیر نفس را شاه سلیمان صفری تقدیم مرقم مطهر رضوی کرده است. در اشعار پایین قبر پوش به خط نستعلیق ریا چنین رقم نهاده:

کرد طاهر پیر تاریخش رقم
از سلیمان شه شده وقف امام ۱۰۸۰
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۸۹)

طاهر ایبوردی، (من نهم ق)، شاعر. هن ایبورد بود و از شاعران نامی خراسان در قرن نهم هجری. در روزگار سلطان بایسنقر میرزا (۲/ ۸۲۸-۸۳۰ ق) می‌زیست. وی از شاگردان عصمت بخاری و از معاصران ساطی سمرقندی و خیانی بخارایی (م ۸۷۰ ق) بود.

ریخ ادبیات در یوان (۴/ ۲۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۶)، تذکره روز روشن (۴۹۵)، تذکره الشعره (۴۰۲)، (۵۳۱)، الذریعه (۹/ ۶۴۰)، لست نامه (ذیل / طاهر).

طاهر اردبیلی، محمد کاظم، فرزند آقا میرزا صرامه. (وف ۱۰۸۵ ق)، شاعر، متخصص به طاهر. به زرگری روزگار می‌گذراند و از قدرت شعر نیز بهره‌مند بود. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، در حدود هفتصد بیت شعر در قالب‌های مثنوی، غزل و رباعی، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملک موجود است.

تذکره شعری آذربایجان (۱/ ۸۹۷-۸۹۸)، تذکره صرامه‌آبادی (۳۲۷-۳۲۸)، دانشستان آذربایجان (۲۴۸-۲۴۹) الذریعه (۹/ ۶۵۲)، سخنوران آذربایجان (۵۷-۵۶).

طاهر اصفهانی، طاهر بن عرب‌شاه بن ابراهیم بن احمد. (وف ۷۸۶ ق)، قاری و شاعر. معروف به استاد القراء اصفهانی. از آثار وی: قصیده «صاهر» در قرأت دهگانه به رویت شاطبیه؛ قصیده‌ای در «اختلاف الآیات»، پر وزن شاطبیه، «نظم الحواهر»، قصیده‌ای در رؤوس آیات. در «طبقات اعلام النشیمه» و جای جای «الذریعه» و تذکره «نصیر»؛ صاحب عنوان تحت نام طاهر بن عرب بن ابراهیم اصفهانی، ملا محمدالدین ابوالحسن معروف به حافظ طاهر، در ذیل علمای سده نهم قمری و از شاگردان محمد بن محمد بن جریری و استاد نجم الدین محمد سعدی حموی ذکر شده و کتبه‌ی بسیاری از جمله «الدر» فریده، در قراحت تجوید و «تجوید القرآن»، به فارسی به او نسبت داده شده است.

تذکره القیود (۳۹۵-۳۹۶)، الذریعه (۲/ ۳۶۹-۳۶۸)، طبقات اعلام النشیمه (قرن ۹/ ۷۱)، کشف القیود (۱۳۴۱، ۱۲۴۳، ۱۱۶۱)، معجم المؤلفین ۵، (۲۸)، هدیه الناریین (۱/ ۲۳۱).

جلال‌الدین محمد اکبر شاه (۱۰۱۲-۹۶۳ ق) به هند رفت.
ار اوسب

پنداشست مهر و وفايي داری
همچون دل من صدق و صفایی داری
چون هندوی مشتبه به اهل اسلام
بیگانه دل دوست نمایی داری

تاریخ نظم و سر (۶۸۵)، تذکره درویش (۴۹۶)،
الدریعه (۶۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)، کربان هند
(۸۰۲/۱)

طاهر توپسرکائی، میرزا طاهر، فرزند میرزا محمد
(س یازدهم ق)، شاعر، پدرش از وقایع نویسان دربار شاه
عباس بزرگ (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) بود، بنا به قول نصرآبادی،
طاهر مردی دانا و در قنون علم بویژه ریاضی و نجوم و
هندسه مهارت داشته است. میرزا طاهر دو «مستزومه» در
قالب مثنوی، داشته است

برزگان و سخن سرایان همدان (۲۸۱-۲۸۰)، تذکره
نصرآبادی (۸۳)، الدرریمه (۶۴۱/۹)، صبح گلشن
(۲۶۲ ۲۶۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)

صاهر چغانی، ابوالمظفر / ابویحیی / ابوالحسن طاهر،
فرزند فضل بن محمد بن مظفر بن محتاج، (مقتول ۳۷۷ ق)
(۳۸۱ ق)، شاعر، از امیران آل محتاج چغانیان و معاصر و
پسر عموی امیر ابوالمظفر فخرالدوله احمد بن محمد
چغانی، مددوح منجیک و دقیمی، بود. او از اسوالمظفر
بحرالدوله در ۳۸۱ ق شکست خورد و در حال فرار کشته
شد. منجیک قصائدی در مدح او دارد. هوفی می‌گوید: «او
شعار لطیف آندار است» و چند بیت از اشعار او را نقل
کرده است

تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۹-۴۲۸/۱)، الدرریمه (۹)
(۶۴۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)، لیل الالباب (۱)
(۲۹۲۷)، نشت نامه (دیس / طاهر، ابوالمظفر)، صبح
النصا (۸۴۷-۸۴۶/۲)

صاهر حسینی طالقانی، میر محمد طاهر- (س یازدهم
ق)، شاعر، از شاهزادگان و بازرگانان ابرائی است که در
رورگر جهانگیرشاه از طالقان به هندوستان رفت و در آنجا
با طهرخان، مددوح صائبی، معاشر شد. به واسطه حان
مذکور به دربار شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) راه یافت و
نزد او معزز و مکرم گشت. طاهر در سرودن شعر بویژه

طاهر اصفهانی، فرزند رضا، (س یازدهم ق)، خطاط.
از کتیبه نویسان زیردست و توانا بود، از آثار وی، کتیبه‌های
سردر رباط شیخعلی خان، در اصفهان، بنا شده در ۱۰۹۸
ق، است که به خط نستعلیق خوش نوشته شده است، با
رسم: «عمل استاد طاهر ولد استاد رضا الاصفهانی»
گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۶۴۸-۶۲۷)

طاهر اصفهانی، میرزا محمد طاهر، (مقتول ۱۱۲۹/
۱۱۲۹ ق)، شاعر. منقب به النعت خان و ملتفت خان، از
مشایخ ربودست دربار صفویه بود که در عهد اورنگ زیب
به همراه برادر خود به هندوستان رفت و ملازمت آن شاه
را اختیار کرد و منصب فوجداری یافت. در شاه جهان آباد
(دهلی کهنه) به دست دزدان کشته شد. اشعاری از او به حا
مانده است.

الدریعه (۶۴۱/۹)، سرور آزاد (۱۴۵-۱۲۴)، فرهنگ
سخنوران (۵۸۲)، کربان هند (۷۹۱/۱)

طاهر اصفهانی، میرزا محمد طاهر، فرزند واضی /
رحی‌الدین محمد حسینی، (س یازدهم ق)، عالم و شاعر.
پدرش فرزند خرایگم، دختر شاه عباس اول صفوی، بود
که به تصریح مؤلف تذکره «نصرآبادی» (ز ۸۳ ق) «دو
سرودن شعر مهارت داشته است. طاهر گویا در اصفهان
می‌زیسته و در همان شهر وفات یافته است. از آثار وی:
«تقویم الصلاة» مجنون» که به خط محمد حواد شریفی،
چاپ شده است.

تذکره نقشبور (۳۹۷-۳۹۶)، تذکره نصرآبادی (۳)، الدرریمه
(۶۴۰/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳/۳)

طاهر انجندانی، شاه طاهر به شه طاهر دکنی
انجندانی

صاهر بسجوری، (وف ۸۶۹ ق)، شاعر. معروف به
شیخ راده. در زمان سلطان ابوالقاسم بابر قجموری به هرات
رفت. مولان طاهر در سرودن شعر، بویژه غزل، مهارت
داشته است

تاریخ نظم و نثر (۳۰۶-۲۰۵)، تذکره الشعراء (۵۲۱-۵۲۰)،
الدریعه (۶۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳)

صاهر تفرشی (س دهم ق)، شاعر، از درباریان شاه
عباس صفوی بود که به همراه سفیر ایران به روزگار

قرن مهارت داشت. از «ومت»

دیوانه‌ریسم و پرماء باشد لباس رمدان

رنسجیر گردن هاست، رنسجیر گریبان

الدریحه (۹/ ۶۴۲، ۱۱۰۰)، صبح گلشن (۲۶۱)، فرهنگ

سحران (۵۸۳)، کاروان عهد (۱/ ۲، ۳، ۸)، لغت‌نامه

(دبیر / طاهر)

(۸۶، ۱۲۳، ۱۶۷، ۱۷۸)، تاریخ موسیقی (۲)

۶۷۹، ۶۸۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۳۷۳-۳۷۶)،

میبای هنرمندان (۱/ ۷۲)، شرح حال جهان (۴/ ۳۴۶)،

برهان موسیقی (۲/ ۱۶۵-۱۶۶)

طاهرزاده بهزاد، حسین. (وب ۱۳۳۶ ش)، نقاشی. در

تیریز به دنیا آمد او خود را از خاندان بهزاد می‌دانست

وی تا ۱۳۲۴ ش ریاست هنرهای ملی و کارگاهها را

بر عهده داشت و خود، رشته نقاشی قالی و تذهیب و

میناتور را تدریس می‌کرد و گاهی نیز به تعلیم نقاشی رنگ

و روغن می‌پرداخت. او سپس به ترکیه رفت و در آکادمی

هنرهای زیبای استانبول مشغول کار شد و بیشترین

نسخه‌های خطی موزه توب قاپوسری ترکیه را که داری

میناتورهای فرسوده بود، تعمیر و بازسازی کرد. وی در

تیریز مدفون است. از آثارش تابلوی رنگ و روغنی است

که برداشتی از بیت «بوی چون ماه زانو زد» است؛ مینیاتور

شکارگاه خسرو پرویز؛ کپی استادانه‌ای از مینیاتورهای

قدیمی هثمایی، با رقم «حسین طاهرزاده»

احمد، از آثار نقاشان (۳/ ۱۳۴۸-۱۳۴۹).

طاهرزاده بهزاد تبریزی، کریم، نورالدین ملا محمد

طاهر. (۲۰ ف ۱۳۴۶ ش)، محقق. تحصیلات خود را در دولن

انجام داد و بعد به ایران آمد و به کارهای فرهنگی پرداخت

و تا ۱۳۱۳ ش رئیس دبیرستان اردوسی مشهد بود. پس از

آن در سمت‌های مختلفی از جمله، ریاست دارالمعروف،

ریاست فرهنگ آذربایجان و باروس حالی وزارت فرهنگ

به خدمت اشتغال داشت و در ۱۳۲۸ ش بازنشسته شد

وی برادر مزین السلطان حسین طاهرزاده بهزاد بود. از

آثارش، «سرآمدان هنر یا نام نامی هنرمندان ایران»؛ «قیام

آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران»؛ «سرگذشت لوله

کشی تهران».

الدریحه (۱۷/ ۲۲۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲)

(۱۹۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۹۶۸).

طاهر سجری طبیب، ابوالحسن طاهر بن برهم بن

محمد، (س پنجم ق)، طبیب. از اطباء مشهور فارس بود.

از آثارش، «ایضاح منهای محیة العلاج»؛ یا «ایضاح محیة

العلاج»؛ در طب، که آن را برای قاضی ابوالفضل محمد بن

حمویه تألیف کرد؛ «کتاب فی شرح البرق والنصر»؛ تفسیر

کتاب «النصول» بقراط

طاهر خوشنویس، نورالدین عبدالرحمن. (ق ۱۲۶۷ ش)،

خطاط معروف به میرزا طاهر خوشنویس. در تبریز، در

خانواده‌ای روحانی، به دنیا آمد. تحصیلاتش را از هفت

سالگی برد پدر آغاز کرد و در محضر وی به فرائد قرآن

پرداخت. سپس صرف و نحو و فقه را نیز فرا گرفت و چون

علاقه وافری به هنر خوشنویسی داشت، در اثر پشتکار و

تمرین بسیار توانست به اصول و قواعد هنر خط پی ببرد.

مرتب‌اش در هنر خوشنویسی به درجه‌ای است که استادان

این فن به مهارت او در خط نسخ معترف‌اند. از آثار خطی

وی، کتابت: «جامع المقدمات»؛ «شرح جامی»؛ «کتاب

رجال»؛ «نهج البلاغه»؛ «صحیفة سجاده»؛

«کفایة الاصول»؛ «مکاسب»؛ «متهی الامال»؛ «مفاتیح

الجنة» و نسخه‌های متعدد قرآن

اطلس خط (۳۷۰)، تذکره خوشنویسان معاصر (۱۱۵).

(۱۱۲)

طاهرزاده، سید حسین. (۱۲۶۱-۱۳۳۳ ش)، خواننده

در اصفهان به دنیا آمد در هفده سالگی به تهران آمد و ب

جهاگیرخان حسام‌السلطنة آشنا شد و ردیف را از وی یاد

گرفت. او صدایش را در دستگاه فوگراف ضبط می‌کرد و

بعد به آن گوش می‌داد و ترانصص آن را اصلاح می‌کرد.

طاهرزاده به طور خیر مستقیم از سید عبدالرحیم اصفهانی

تعلیم یافت و یک دوره دستگاه شور را نزد حسن نصاب

فراگرفت و با سماع حضور نیز آشنایی پیدا کرد. سید

حسین عضو انجمن اخوت بود و در تمام کنسرت‌های آن

شرکت می‌کرد. وی برای پرکردن صفحه همراه درویش

حاج به تقییس و لندن مسافرت کرد و تنها کسی است که در

میان خوانندگان قدیم، سبک ممتازی داشت. تحریرهای

وی متنوع بود و به درست ادا کردن اشعار توجه خاص

داشت. او هیچ‌گاه موسیقی و پیشه خود قرار نداد.

صحافی از آثار او باقی مانده است.

مستادن موسیقی (۶۸۶۷)، تاریخ اصفهان (۲۲۲)، تاریخ

برگردگان (۵۶۱۵۶۰)، تاریخ تحول ضبط موسیقی

كشف الظنون (۲۰۹)، لغت نامه (دس / طاهر)، معجم المزمعین (۳۲ / ۵)، التواصی بالودیات (۱۶ / ۳۹۰)، مدیه العارفین (۲۲۰ / ۱)

طاهر مستجری - طاهر محزنی طیب

طاهر علی (س ششم ق)، مقدس نرات، همرند نقش آفرین بر روی فنزات سخت بود. از آثار وی، آتانه یا منقعه برفچی است که در رویه آن تزیینات متنوع اسلیمی با تلفیقی از خطوط کوفی ترتیب یافته، «رقم» «عمل طاهر صی».

احوال و آثار نقاشان (۱۲۶۷ / ۳)

طاهر کاشانی، شاه طاهر - شاه طاهر دکنی اتحاد نی

طاهر مارندوانی، میرزا محمد طاهر (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به طاهر. از شاعران مارندوان بود که در اواخر عهد شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) از ایران به هندوستان رفت و در آن سامان متیم شد و به سرودن شعر پرداخت. از اشعار اندکی که از او به جای مانده لطم طبع او آشکار است

تذکره روروشن (۴۹۶-۴۹۷)، کاروان هند (۱۱ / ۶۴)

طاهر محمد هلالی (س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «شرح گشتن راز»، به قلم کتابت متوسط، یا رقم «مکتب بخط عبدالصعب التحیف طاهر محمد هلالی، عمر ذریه و ستر هیوه، سنه ۹۵۹»
احوال و آثار خوشنویسان (۲ / ۳۳۲)

طاهر مشهدی (س یازدهم ق)، شاعر وی در مشهد به شغل عطاری اشتغال داشت. به نقل صاحب تذکره «نصرآبادی» از شاگردان انشی تربیتی (م ۱۰۱۹ ق بود در جرائی درگذشت از دوست:

از فریب باغبان خاقان مانش ای حدلیب
بیش از این من هم درین باغ آشنایی داشتم

تذکره «در ۲ / ۴۷۰»، تذکره نصرآبادی (۳۰۵۱)، سریمه (۹ / ۶۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)، لغتنامه (ذیل / طاهر)، مطلع الشمس (۲ / ۴۳۷)

طاهر نابینی، ملا طاهری. وف (۱۰۱۰ ق)، شاعر. از

شاعران خوش طبع نابین بوده، که گویا به علت اشتباهی، شاه عباس وی را تأدیب کرده است. صاحب «نتایج افکار» وی را تحت عنوان طاهری اصفهانی آورده است شعاری از او در تذکروه ها آمده است.

تذکره «در ۳ / ۹۶۲»، بدهره روروشن (۲۹۸-۲۹۹)، تذکره سخنوران یزد (۲۰۲)، تذکره نصرآبادی (۲۹۶)، حلیقه الشعره (۲ / ۱۰۹۵)، الذریعه (۹ / ۶۴۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳)، شب نامه (ذیل / طاهر)، نتایج افکار (۴۴۷)

طاهر همدانی، میرزا محمد طاهر (س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخصص به طاهر وی خط شکسته را خوش می نوشت و در فن انشا هم تسلط داشت شعر نیز می سرود و به غزلسرایی متمایل بود وی تا ۱۲۶۰ ق در بند حبس بوده است.

حلیقه الشعره (۲ / ۱۰۹۵-۱۰۹۶)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)

طاهری، ابوالقاسم (س چهاردهم ق)، مترجم. از ترجمه های وی: «جزیره پنهان» ژول ورن؛ «جزیره گنج» روبر لویی؛ «دام مهیب» ادیس؛ «کردار و گنهار محمد (ص)»؛ «خواجه کمال الدین»؛ «مرده زنده شده» فلورانس مازرات

الذریعه (۸ / ۷۳، ۱۷ / ۲۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱ / ۱۰۲۲، ۱۰۲۵، ۱۳۴۴، ۲ / ۷۶۲۳، ۲۹۹۰)، مرصع کتب چاپی (۱ / ۲۶۳، ۲۶۴)

طاهری، سید عبدالله، فرزند سید محمد طاهر مجتهد شمیرازی (۱۳۰۹/۱۳۱۹-۱۳۰۹ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در شیراز به دنیا آمد و در بیت علم و تقو پرورش یافت. دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خواند، آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله ساینی و آیت الله عراقی و آیت الله اصفهانی و دیگران استفاده نمود تا به مقام اجتهاد رسید. وی در نجف عهده دار تدریس خارج فقه و اصول شد سپس به ایران آمد و در مشهد ساکن شد و در همانجا درگذشت از آثار وی احداث سه مدرسه علمی در نجف برای طلاب است از آثار علمی اش: «عمدةالوسائل فی شرح الرسائل»، در مسباح قطع و ظن، در چهار محله؛ حاشیه بر «عروة لوفی»؛ «منجذات المریض»؛ «رفع الحاجب فی اخذ الاجرة عن الواجب»

الدیوبه (۱۸/ ۱۲۲، ۱۵/ ۲۴۲)، طبقات اعلام الشيعة (نور
۱۶/ ۹۷۲)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۴۵۲، ۷/ ۲۷۵)،
معجم رجال النجف (۲/ ۷۸۳-۷۸۴).

طاهری، سید محمد جعفر، فرزند سید محمد طاهر
مجتهد شیرازی (تو ۱۳۱۶ ق)، عالم دینی و فقیه. در
شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات و سطوح در
اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم رفت و از محضر آیت الله
حائری یزدی استفاده نمود و پس از آن به نجف رفت و از
محضر درس آیت الله نایبی و آیت الله عراقی و آیت الله
اصفهانی مدت هفت سال در فقه و اصول بهره برد. پس از
کسب اجازه به شیراز بازگشت و به تألیف و تصنیف کتب
علمی و تحقیقی پرداخت. وی مرجع امور دینی مردم
شیراز بود. از آثارش: «دارالاشکور فی لباس المشکوک»،
مجموعه مقالات اجتماعی و دینی، در دو جلد؛ «الهدایة»،
در شرح «الکفایة».

گنجینه دانشمندان (۵/ ۴۵۲-۴۵۳)، مؤلفین کتب چاپی
(۲/ ۳۲۶، ۳۲۷)

طاهری، محمد - عماد طاهری.

طاهری اهوازی، اسدالله (من چهاردهم ق)، مترجم
سلف به شوکت‌آل زاده. در ۱۳۱۳ ش موفق به اخذ
گواهنامه از کنالچ آمریکایی تهران گردید و بعد وارد
خدمت فرهنگ شد. وی علاوه بر دبیری زبان انگلیسی،
سیاست‌دانشسرای پسران را بر دارا بود. از آثار وی:
ترجمه «حاجی بابا در لندن» چهره موریه؛ ترجمه «سه یار
دبستانی» هالدرین ماکمال، با مشارکت عبدالله وزیری
موسس کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۱۴۰، ۲/ ۴۵، ۲)
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۵۱-۵۵۲)

طاهری قمی، شیخ محسن بن شیخ طاهر.
(۱۲۸۹-۱۳۵۹ ش)، عالم دینی و فقیه. در قم به دنیا آمد و
پس از فراغت از تحصیلات مقدماتی در ۱۳۰۴ ش به
تحصیل علوم دینی پرداخت و حدود سیزده سال سطوح
و سطی و بهایی را در خدمت آیت الله مرعشی نجفی و
آیت الله مرسوی و آیت الله شیخ مهدی مازندرانی و ادیب
نهرانی و آیت الله آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت الله سید
محمد خراسانی و دیگران به پایان رساند. او مدت سه
سال از دروس خارج آیت الله حائری و آیت الله آقا سید

محمد حجت و آیت الله سید محمد تقی خراسانی و
آیت الله بهمن استفاده نمود. در ۱۳۲۰ ش بنا بر دعوت
جمعی از مردم ورامین به آن شهر رفت و سالها در مسجد
بزرگ ورامین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام دینی
پرداخت. در ورامین درگذشت و در قم دفن شد. از آثارش:
تأسیس مسجد بزرگ در ورامین و تشکیل حوزه علمیه در
آنجا از آثار علمی اش: «جامع التفسیر»؛ «راهنمای
مسلم».

ثروت پاکان قم (۳/ ۲۴۰-۲۴۱)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۶۸۲-۶۸۱)

طاهری مازندرانی، سید محمد - شهاب مازندرانی.

طاهری نایبی - طاهر نایبی

طاهری هروی (من نهم و دهم ق)، شاعر. اهل هرات
بود. در زمان سلطنت حسین بایقرا (م ۹۱۱ ق) می‌زیست.
در هرات درگذشت. از اوست:

چو سایه پیغود اگر در پی تو می‌افتم
زمن مبین که مرا هیچ اختیاری نیست

تذکره روز روشن (۲۹۸)، الدیوبه (۹/ ۶۴۳-۶۴۴)، صبح
گلش (۲۶۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۵) نعت‌نامه (درب)،
طاهری هروی.

طاهری یزدی، احمد، فرزند شیخ عبدالغفور (تو
۱۲۷۸ ش)، مورخ. در پرد به دنیا آمد. بعد از اتمام
تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به تهران رهسپار
شد و پس از پایان دوره متوسطه وارد مدرسه فلاحیت
تهران شد و از آنجا فارغ التحصیل گردید. در ۱۳۰۷ ش
وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و عهده‌دار مشاغل
مختلف گردید. اثر وی «تاریخ پرد» می‌باشد.

تاریخ تذکرةهای فارسی (۲/ ۵۵۸)، زندگنامه رجال و
مشاهیر (۴/ ۲۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۱۹-۴۲۰).

طاهری یزدی، عبدالغفور، فرزند محمد، فرزند محمد
طاهر اصفهانی (۱۲۷۲-۱۳۵۶ ق)، تذکره نویسنده و شاعر،
متخلص به طاهری. از شاعران و دانشمندان سرشناس
پرد، که صاحب آثار منظوم و منثور متعددی است. از آثار
وی: «مصابیح الاسوار»، در تفسیر «لؤلؤ مشهور»، در
حکمت «تذکره الواعظین»، برای اهل وعظ و خطابه؛

عبدالرحیم خان. (وف ح ۱۲۴۴ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به طایر. وی از خاندان حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله بود و به فرمان فتحعلی شاه قاجار دنیا شد. در جوانی، چندی به اصفهان تبعید شد و در آن شهر به تحصیل کمالات پرداخت. بعد از مدتی به خدمت شاهزاده محمد علی میرزا دولتشاه درآمد و سمت ندیمی یافت. طایر شعر می‌گفت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. حکایت کرده که وی در سری شطرنج، با وجود نایبایی، مهارت مخصوصی داشت و در کرمانشاه درگذشت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد لازم به ذکر است صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» نام صاحب عنوان را حسین علی خان آورده است.

حوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۵۹-۱۶۰)،
حدیقه الشعراء (۲/ ۱۰۹۹-۱۱۰۲)، دانشمندان و سخن
سرایان فارس (۳/ ۵۰۷-۲۹۸)، الذریعه (۹/ ۶۳۵)،
روستخاران جاوید (۲۶۲-۲۷۶)، سفینه المصمود (۲/ ۵۷۴-۵۷۵)،
فارسنامه ناصری (۲/ ۹۶۱-۹۶۲)، فرهنگ
مختوران (۵۸۵)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۲۵-۷۲۸)، مرآت
الفصاحه (۳۷۰-۳۷۳)، مصطفی خراب (۱۲۳-۱۲۴)،
نگارستان دارا (۹/ ۱۱۱-۱۱۰).

طایر گلپایگنی، آقا سید محمد، (سر سیردهم ق)،
شاعر. در سفر حج درگذشت. از اوست:

اگر گویم که عشق گل نغان آموز بلبل شد
حطا باشد که این نسبت بود بی اصل و بی مبدا
نه بلبل عاشق گل شد نه گل معشوق بلبل شد
گل و بلبل شده هر یک نه رویی واله و نشید
هر آن کس رنگ بزداید ر مرآت ضمیر خود
بسپید جمله هستی نه ذکر ایزد بخت

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۱۰۲)، الذریعه (۹/ ۶۲۵)، مجمع
الفصحا (۵/ ۷۱۹-۷۲۰).

طایر نایینی، میرزا حسعلی، فرزند میرزا
محمد علی. (تر ۱۲۶۷ ق)، شاعر، متخصص به طایر از
شاعران نایین و از معاصران دیوان بیگی، صاحب
«حدیقه الشعراء» بود. از در اتشا و خط ماهر و مدتی در
یزد به کار دیوانی مشغول بود و بعد از آن به اصفهان رفت.
وی به درخواست دیوان بیگی، صاحب «حدیقه الشعراء»،
رساله‌ای مشتمل بر خصوصیات نایین نوشت به نام تذکره
«نایین» که در آن شرح حال و اشعار خود را نیز آورده

تذکره انسلطین، تاریخ عمومی از آفرینش تا رویدادهای
۱۳۱۴ ق با مقدمه‌ای در جغرافیای جهان و محتامه‌ای در
سرگذشت پیامبر (ص) و امامان (ع)؛ تذکره «جلالی»، که
به نام جلال الدوله سلطان حسین میرزا، پسر ظل السلطان،
فرمانروای یزد، در وصف شهرها و شاهان ایران نگاشته.
تذکره سخنوران یزد (۲۰۰-۲۰۱)، الذریعه (۴/ ۳۴، ۵۲،
۱۸/ ۲۸۶)، فهرستواره کتابهای فارسی (۱/ ۱۸۳، ۵۹۶)

طایر، (سر سیردهم ق)، سارنده ساز و شاعر، متخلص
به طایر. از صنعتکاران دارالفنایع بود. وی سارهای
مختلفی می‌ساخته و از میان کارهای او سه تارهای ممتاز
و معروف است. حاجی طایر تعمیر کار ماهری بود و سه
تارهای پخیای ول را سرمشق کار خود قرار می‌داد و اهل
دوق و شعر نیز بود.

تاریخ موسیقی (۲/ ۶۹۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۶۹)،
مردان موسیقی (۲/ ۳۴۴، ۳۴۸).

طایر، محمد هاشم، (ز ۱۱۰۳ ق)، خطاط، مشهور به
طایر. وی به غیر از اقلام شش‌گانه، نستعلیق و شکسته را
بیر خوش می‌نوشت از آثار وی: یک نسخه «اصحیفة
سجاده» که متن آن به قلم نسخ و ترجمه آن نستعلیق و
حواشی آن شکسته خوش است، ب رقم «کتابخانه
الاصحیفة متنا و هاشم» محمد هاشم الشهیر بالطایر، فی
۱۱۰۲؛ ترجمه ادویه نیم ربی با جلد روحنی عالی و
سرلوح مرصع عالی، به خط نسخ کتات خوش، با رقم:
«کتابه العدد الاقل محمد هاشم الشهیر بالطایر، فی ۱۱۰۳».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۸۶۰، ۱۲۰۸).

طایر جهرمی، سید مرتضی. (ز ۱۲۷۷ ق)، شاعر،
متخلص به طایر. از سادات جهرم بود که در اوایل عمر
مدتی تحصیل علوم مختلف کرد و مدتی به سیر و سیاحت
پرداخت و سی سال آخر عمر را در جهرم مسکن گزید. از
آثار وی: «مختارنامه» که مؤلف «حدیقه اشعر» قایمست
هرار بیت آن را، در ۱۲۷۷ ق، دیده بود.

بروگان جهرم (۳۲۹-۳۳۲)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۰۹۶-
۱۰۹۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۴۹۷-
۴۹۸)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۲۸۶)، فرهنگ سخنوران
(۵۸۵)، مرآت الفصاحه (۳۷۳-۳۷۴).

طایر شیرازی، میرزا حسن خان، فرزند

تاریخ مذکورهای فارسی (۱/ ۳۸۹-۳۹۲)، حدیقه النعمه (۲/ ۱۱۰۳-۱۱۰۵).

طباطبایی، سید علی - صاحب «ریاض».

طباطبایی، سید محمد حسین، فرزند سید محمد (۱۲۸۲-۱۳۶۰ ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبایی و معروف به فاضل طباطبایی. در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در ۱۲۹۷ ش به تحصیل علوم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فراگرفت. آنگاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب» در اصول کتاب «معالم»، «قوابل» و «وسائل» و «کتاب» در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه» در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در ۱۳۰۴ ش برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت الله آقا شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول نیز خارج فقه را نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد کلیات علم رجال را بر در محضر آیت الله حاجت کوهکمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میرزا علی آقا فاضل طباطبایی تهریری فراگرفت. او چندین سال بر در زمینه فلسفه در نزد آقا سید حسین یادکوهی «منظومه سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملا صدرا، دوره «شفای بر علی سمینا» کتاب «اثولوجیا»، «تمهید» ابن ترکه و «اخلاق» ابن مسکویه را خواند. علامه طباطبایی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و قضای» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابراهیم خراسانی گذراند او در ۱۳۱۴ ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در ۱۳۲۵ ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و معاینتهای علمی پرداخت برخی از شاگردان ایشان عبارتند از: آیت الله شهید مرتضی مطهری، آیت الله شهید بهشتی، امام

موسی صدر، شهید دکتر مفتاح، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله مصباح، آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله عیدالله جوادی آملی. پرهسور هنری کرین، استاد شیعه شناس دانشگاه مبرین نیز با ایشان مصاحبه های بسیار داشت که این مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب الشیخ» منتشر شد. علامه طباطبایی در خط نستعلیق و شکسته استاد و در علوم غریبه نیز وارد بود. او همچنین در علم اعداد و حساب مجمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود. وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است. از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایة الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملا صدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»؛ یا ترجمه های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»؛ فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی (ص)»؛ «اصول عقاید»؛ برای دبیرستانها، پنج جلد؛ «بدیة الحکمة» و «نهایة الحکمة»؛ در فلسفه؛ رسائل بسیاری در «مبدأ» و «معاد» و «سبوت» و «ولایت»؛ رساله ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی».

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۶۲۵-۶۲۶)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۸، ص ۱۶)، گنجینه دانشندان (۲/ ۲۲۶-۲۲۷)، مؤلفی کتب چاپی (۲/ ۸۶۳)، مهر نامه (بدانامه و مصاحبات علامه طباطبایی تهریری).

طباطبایی، سید مهدی بن علی بن محمد علی. (و. ۱۲۶۱ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مدرس. پدرش، سید علی طباطبایی صاحب «ریاض»، از علمای صاحب نام و مادرش دختر آقا محمدباقر وحید بهبهانی بود. نرد پندر علم آموخت و در زمان پدر و به امر او، مجلس درس آزاد است و حدود دویست نفر از علم در محضرش حاضر می شدند. شیخ انصاری از شاگردان وی بود. او دستی توانا در جیدن داشت و در دقت نظر بی نظیر بود. رشدت برهبرکاری متصدی امر فتوا و فتاوت نگشت. بر آثارش، «أصالة البرائة»؛ «حجیة ظواهر الکتاب».

ایان الشیعه (۱۰/ ۱۵۵)، الذریعه (۲/ ۱۱۶، ۶/ ۲۷۵)، رجانه (۴/ ۳۰).

طباطبایی بروجردی، سید عینقی بن سید جواد بن

یزدی. (۱۳۴۸-۱۳۷۰ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار در شیراز به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر به تبریز رفت و چندی در آنجا ماند و به تحصیلات ابتدایی پرداخت سپس به همراه پدر به تهران آمد و پس از چندی به زادگاه خود بازگشت. در این زمان که مصداق بود با مزمزه‌های بهجت مشروطیت، ضیاءالدین به نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های محلی پرداخت و پس از مدتی روزنامه‌ای به نام «ندای اسلام» در شیراز منتشر ساخت. پس از انتشار روزنامه مذکور به بهران آمد و وارد محفل مشروطه‌خواهان شد و پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان روزنامه «شرق» را به اتفاق چند تن از دوستانش انتشار داد. سید ضیاءالدین در این روزنامه مقالات تند می‌نوشت در نتیجه چند تن از وکلای مجلس علیه او اقامه دعوا کردند و روزنامه بسته شد. وی پس از این قضیه به اروپا رفت و بعد از مدتی بازگشت و به ترتیب روزنامه‌های «برق» و «رعذ» را منتشر کرد، البته در روزنامه‌های فوق مطالبی را می‌نوشت که مورد نظر و حمایت دولت انگلستان باشد. سید ضیاءالدین در ۱۲۹۹ ش به نخست‌وزیری رسید و پس از صد روز از این مقام کناره‌گذاشته شد و به اروپا رفت و سرانجام در ۱۳۲۲ ش به ایران بازگشت. او در ۱۳۲۵ چند ماهی بازداشت بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از معتمدین محمده‌ها بهزی شد و سرانجام در تهران درگذشت. از آثار قلمی او، «شعائر ملی»، «تعمیمات مدنی»، «قرآن شریف»، «تفسیر روش».

پنده (س ۴، ش ۹-۱۲، ص ۷۳۶-۷۳۵)، تاریخ برگردنگار ۲۴۹، ۲۴۷، تاریخ سرید و مجلات ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۳۲، ۳۳، ۶۶-۶۷، دایره‌المعرف مارس ۳، ۲، ۱۶، رجال ۴، رجال و مشاهیر (۴/۲۴۷-۲۵۸)، شرح حال رجال ۵/۱۲۲، ۱۲۸، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/۹۵۹، ۹۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۵۷۱-۵۷۲).

طب‌پایایی، سید محمد، (ر ۱۱۰۷ ق)، خطاط. از آثار وی. قرآن بغلی با جلد روغنی عالی، دو صفحه اول متن و حاشیه مدقّق مرصع، به خط نسخ عیار و آخر رقیع خوش، یا رثم. «قد وقت...سه سیم و مائة بعد الالف من الهجرة». و انا العبد سید محمد الطباطبائی، قرآن صد و هجدهم، ۰۷.

حوال و اثر جرسود ان (۱۸۳/۴)

سید مرتضی حسیبی. (۱۲۴۹-۱۲۸۸ ق)، عالم امامی و فقه اصولی. از علمای امامیه قرن سیزدهم و از شاگردان محقق قمی بود. فرزندش، سید میرزا محمود طباطبائی، در حاشیه شرحی که بر «منظومه سحرالعلوم نگاشته درباره پدرش گوید که ویا داشت فراوانی که داشت هیچ‌گاه سویی نداد و قفوتی نکرد، گرچه پاره‌ای از علما مردم به رجوع به او سوق می‌دادند. او در بروجرد درگذشت و در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد. از آثار وی. حاشیه بر اریدة الاحول فی صور ابعقه، شیخ بهایی. حاشیه بر «قرین لاصول فی اصول الفقه» میرزای قمی.

عیان الشیعه (۸/۲۶۷) الذریعه (۶/۱۰۳، ۱۰۷)، ریحانه (۴/۳۰)، لغت نامه (ذیل / طباطبائی، معجم المؤلفین (۷/۲۵۵)، مکارم، آثار (۴/۱۳۴۲).

طب‌پایایی تبریزی حایری، سید ابوالقاسم بن سید محمدرضا، (۱۲۸۶-۱۳۶۲ ق)، عالم دینی. مشهور به علامه. در تبریز به دنیا آمد. در ۱۳۰۰ ق به همراه پدر به عراق رفت و از علمای بزرگ کربلا کسب علم کرد. در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) سمت شهاداء اقامه جماعت می‌نمود و مجلس درس و محنی در منزلش برپا کرده بود. برادرش علم الهدی و معید نیز از او بهره می‌گرفتند. برادر دیگر ایشان سید محمد فقیه بود که تمامی آنان از علمای تبریز بودند. علامه طب‌پایایی در اواخر عمر به نجف رفت و همان‌جا درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «اکلیل الرشاد فی تحقیق المعاد»، «دلائل القیپ»، «در استنباط»، «لسان القیپ»، «در مستغرات تجومی»، «نیس الادب»، «منهج الرشاد»، «در شرح النجاة، معاد»، «الوجیز»، «در فقه»، «الاستصواب»، «در استصحاب»، «الریحانه»، «در احتیاط و راثت»، «اکلیل الاصول»، «المنهاج»، «در اصول»، «تقویم الاصول»، «کرائم القرآن»، «نمائن الدعوات»، «الوامیس الالهیه»، «در حکام فقهی»، «نمردج العلوم»، «شجره علمای امامیه»، «الاشرافات»، رساله عملیه.

الذریعه (۲/۱۰۴، ۱۵۱، ۱۸، ۳۴۲، ۳۴۷)، طبقات اعلام الشیعه (نرد ۱۶/۸۰۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۲۶۶-۲۶۷).

طب‌پایایی، میر احمد به رشتی طب‌پایایی

طب‌پایایی، سید ضیاءالدین، فرزند سید علی آقا

طباطبایی قمی، سید حسین - قمی، سید حسین.

طباطبایی نایینی، خانایا، فرزند مرتضی قلی. (س. چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم از صاحب منصبان اداره کل گمرکات بود. بعد به کتابخانه مجلس انتقال یافت. از آثارش: ترجمه «جبر جبرک» فلاماریون؛ «گامی لوراد رو به جهان شناخته نشده قرآن»؛ ترجمه «لومن» فلاماریون.

سهرت کتبیهای چاپی فارسی (۱/ ۹۱، ۲/ ۲۷۰۶، ۲۸۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸/ ۲).

طباطبایی نایینی، محمد حسن. (ز ۱۲۸۳ ق)، خطاط. وی شکسته نستعلیق و شکسته تعلیق را خوش می نوشت. از آثار او، مرقعی است مشتمل بر هفت رقمه، به قلمهای تیم دودانگ و کتابت که سه رقمه آن به خط شکسته و چهار رقمه به تعلیق خوش است، یا رقم «... سنه ۱۲۸۳... العبد الاقل المذنب الحقیق العاصی محمد حسن الطباطبائی نایینی».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۶۹).

طباطبایی یزدی، سید محمدکظم بن سید عبدالعظیم. (۱۲۴۷/ ۱۲۵۶-۱۳۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، نوی، شاعر و مرجع تقلید. در کسویه ر قرائ یزد به دنیا آمد. مقدمات و مطروح را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی و میرزا محمد هاشم چهارسوقیان ادامه داد، تا به درجه اجتهاد رسید. سپس برای تکمیل معلومات در ۱۲۸۱ ق به نجف رفت و در حوزه درس شیخ مهدی کاشف الغطاء و شیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضر شد. پس از درگذشت میرزا به تدریس علوم اسلامی پرداخت و سالها حوزه درسش از مهمترین حوزه های نجف بود. علامه یزدی در سرودن شعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت و در جیب در طوموسی صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: احداث ابیه خیریه و مدارس و مساجد است. مدرسه سید در نجف از جمله آثار او است. از آثار علمی اش: «المروءة الوقفی» که رساله ای است فتوایی، مشتمل بر سه هزار و دوست و شصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده،

طباطبایی، سید محمد بن سید محمد تقی - آل بحر العلوم، سید محمد.

طباطبایی، میرزا کاظم، فرزند میرزا عبدالوهاب وکیل. (۱۲۴۶-۱۳۳۱ ق)، مصحح، ادیب و نویسنده متنب به وکیل الرهائیا و احتضار المملک و معروف به حاجی وکیل. در تبریز به دنیا آمد. از خانواده های مشهور آن شهر بوده که سالیان دراز وکالت رحیت و مالیات آذربایجان را به عهده داشته است. وی به خراسته امیر نظام گروسی والی آذربایجان «کیل و دمنه» را تصحیح کرد. نادر میرای قاجار «تاریخ و جغرافیای تبریز» را به اصرار وی تألیف کرد. میرزا کاظم کتابخانه مفصل و نسخه های خطی زیادی داشت. وی کتابی در انساب آل ابی طالب (ع) نگاشته است.

زندگی نامه رجال و مشاهیر (۲/ ۲۶۹)، شرح حال رجال (۳/ ۱۲۹، ۶/ ۱۸۰-۱۸۱).

طباطبایی اردستانی، سید حسین - معجم اصفهانی.

طباطبایی حسامی، سید حسنی نقی - حبایری طباطبایی

طباطبایی ذوالمجد، علی محمد، فرزند حبیب الله طباطبایی قمی. (ز ۱۲۹۸ ش)، نویسنده و مترجم در قم به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در قم و متوسطه را در دبیرستانهای تهران و اترلی و کرمانشاه و قزوین به پایان رساند و در ۱۳۱۸ ش موفق به اخذ دیپلم شد. سپس دوره دانشکده کشاورزی کرج را گذراند و مهندس کشاورزی شد. بعد به دانشکده حقوق رفت. پس از آن به اروپا عزیمت نمود و پس از گرفتن دکترای حقوق در دانشگاه ژنو یک سال نیز به صورت مستمع آزاد در دانشگاه لندن جهت بررسی فلسفه حقوق به سر برد و در راه مراجعت به ایران مدت شش ماه در دانشگاه فواد اول در قاهره برای مطالعه در منطق ارسطو مشغول تحصیل شد. در تهران به وکالت دادگستری و مشاورت قضایی و وکالت بعضی از بانکها اشتغال داشت. از آثار وی: «مسائل اقتصادی مسائل اجتماعی»؛ «مختصری از فلسفه ابن سینا و نفوذ آن در غرب»؛ «مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق»؛ ترجمه.

سهرت کتبیهای چاپی فارسی (۲/ ۲۸۶۹، ۲۹۵۹، ۳۰۹۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۸۸-۵۸۶).

دهم دخی است: «الکافی»، در فقه: «مفاتیح» (مهر هـ س)؛
«مفاتیح» (مهر هـ س)؛ «مفاتیح» (مهر هـ س)؛

الاعلام (۱/ ۱۶۹)، امین الشیعه (۳/ ۲۹، ۳۰)، امین
المکون (۱/ ۳۱، ۳۲، ۳۳)، بحار الانوار (۱/ ۲۵۹، ۲۶۰)،
تاریخ نظم و نشر (۳۷۱)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۲۲۶،
۱۶۱۴)، الدرر (۱/ ۲۸۲، ۲۸۱)، ۳/ ۲۱۲، ۱۴/ ۲۲۶،
۱۶/ ۲۵۸، ۱۷/ ۲۴۷، ۲۱/ ۳۱۰، ۳۱۱)، روضات
الحنات (۱/ ۷۲، ۷۳)، روضات العلماء (۱/ ۴۸، ۴۹)،
و حیات (۴/ ۳۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۱۲)، الکافی و
الانکشاف (۲/ ۴۴۴، ۴۴۵)، بحث نامه (دیل / احمد)، معجم
المؤیدین (۲/ ۱۰، ۱۱)، فقه الاحکام (۱۹۳)، هدیة المفسرین
(۹،

طبرسی، امین الدین / امین الاسلام، ابوعلی فضل بن
حسن بن فضل، (وف ۵۴۸ ق)، فقیه، محدث، مفسر،
محقق و لغوی اُمّی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب
«مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه
در قرن ششم هجری بود. خودش و پسرش، حسن بن
فضل، صاحب «مکرم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن
فضل، صاحب «مشکاة الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی
از بزرگان علمای باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ
طوسی، و شیخ عبدالجبار فاری رازی، فقه بزرگ شیعه در
ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات
اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی الدین
ابونصر حسن بن فضل، و ابن شهر آشوب مازندرانی و
شیخ منتجب الدین و قطب راوندی و شادان بن جبریل
نمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان
علمای شیعه است. در ۵۲۳ ق از مشهد رضوی به سبزوار
رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحب «ریاض
العلماء» و «روضات الجنات» و تیر محدث سوری در
«مستدرک» گفته‌اند که وی به شهادت رسیده است.
جندب‌اش را به مشهد انتقاد دادند و در محل غسل امام
رضا (ع)، مشهور به «تنگاه» دفن کردند. از آثارش: «اعلام
النوری» «اعلام الهدی»، در مضامین ائمه (ع)، «ابوسیوط»، در
تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «کشف الشاف من
کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف زمخشری»، در تفسیر؛
«الوافی»، در تفسیر؛ «تاج المزیل»؛ «الادب الدینی»؛
«مجمع البیان لمعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش
گفته که این تفسیری است که مانندش نوشته نشده؛
«جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان»

و غنیة المفصّی» نامید و بسیاری از مراجع تقلید بر آن
حواسی نوشتند. رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعداد
و تراجم»؛ حاشیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شیخ انصاری؛
رساله‌ای در «احکام ظن»؛ رساله‌ای در «منجرات
المريض»؛ «السؤال و الجواب»، در فقه؛ «الاستصحاب»؛
«الصحیفة الکظمیة»؛ «بستان نیاز و گلستان راز»، در
مناجات، به فارسی؛ «الکلم الجامعة والحکم الدفعة»

الاعلام (۲/ ۲۳۴)، الدرر (۱/ ۲۶۸، ۲/ ۲۵، ۳/ ۱۰۸،
۲/ ۲۰۲، ۶/ ۱۶۰، ۱۵/ ۲۵۲، ۱۸، ۱۲۶)، روضات (۶/ ۳۹۳-۳۹۱)،
شرح حال رجال (۶/ ۲۵۱-۲۵۰)، عمماء
معاصرین (۱۱۲-۱۱۱)، فوائد الرصیة (۵۹۶-۵۹۷)،
معجم رجال نجف (۳/ ۱۳۵۸-۱۳۵۹)، معجم المؤلفین
(۱۱/ ۵۶)، مکرم الانوار (۴/ ۱۳۲۱-۱۳۲۴)، مؤلفین
کتب چاپی (۵/ ۳۰-۲۶).

طبخی قزوینی. (س دهم ق)، شاعر از شاعران عهد
شاه طهماسب صفوی (۹۴۸-۹۳۰ ق) بود و پیشه آشپزی
داشت و شعر نیز می‌سرود. ری «دیوان» همایون اسفرائینی
را جواب گفته و غزل را نیکو می‌سروده است.
تاریخ نظم و نشر (۴۶۱)، الدرر (۹/ ۶۴۴)، عالم‌الهدی
عباسی (۱/ ۱۸۸)، سرهنگ سخنوران (۵۸۶)، مجمع
الخواص (۱۹۹)، مبرور (۲/ ۴۸۹).

طبرخری، ابوبکر - خوارزمی، ابوبکر محمد.

طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب. (س
ششم ق)، عالم اُمّی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. اهل
ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه و
معاصر ابوالفتح رازی و امین الاسلام طبرسی بود. وی از
مهدی بن ابی حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از
شیخ انطویه شیخ طبرسی روایت کرده است. شیخ
منتجب الدین (م ۵۸۵ ق) و ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از
شاگردان وی بودند. شهید اول در «عنه‌المرد» فتاوا و
سفرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران
درگذشت و در روستایی نزدیک علی آباد (امام شهر
معنی) که امروزه نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از
آثار وی: «الاحتجاج علی اهل اللجاج»، معروف به
«احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتب و بر
مؤلفش درود مرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و
آنها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن

کرده است. وی صاحب کتاب مشهور «مکرم الاخلاق» است. او در این کتاب با استفاده از کتاب پدرش «الآداب الدینیة» و طرح باره‌ای از آداب به سبک محدثین شیعه آن را در دوازده باب مرتب ساخت. این کتاب در ایران و مصر و لبنان چاپ شده است. از دیروز از این کتاب ترجمه‌هایی به فارسی انجام شده و باقی مانده است. پسرش شیخ ابوالفضل علی بن حسن طبرسی در ابتدای کتاب «مشکاة الانوار» خود گوید: چون پدرم کتاب «مکرم الاخلاق» را نگاشت، مورد تحسین اهل آفاق شد، پس تصنیف کتاب دیگری که در برگزیده سایر اقوال و محاسن احوال باشد آغاز کرد، گرچه به اتمام آن موفق نشد.

اعیان الشیعة (۵/ ۲۲۳)، بحوالانوار (۱/ ۹)، تاریخ نظم و بشر (۳۷۱)، خاتمة مشترک الوسائل (۲/ ۴۲۰)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۱۴)، الدررمة (۲/ ۴۱، ۲۲/ ۱۲۹-۱۲۶)، ریحانة (۳/ ۴۰)، طبقات اعلام الشیعة قرن ۶/ ۶۵، الکسی و الاقباب (۲/ ۴۴۴)، نعت سامه (دبیل) طبرسی، معجم المؤلفین (۳/ ۲۶۹)، مدیه الاحباب ۱۹۳

طبرسی، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم املی (۲۲۶-۳۱۰ ق)، عالم امامی، معروف به ابن جریر طبری از بزرگان علمای امامیه در قرن چهارم بود. علمای رجال و را دانشمندی مورد اعتماد در حدیث معرفی می‌کنند. ابوالحسن بن بابویه در «تاریخ ری» گوید که او به ری آمد و از جمله متکلمین و دارای تصانیف بود. از آثارش: «دلائل الامامة» یا «دلائل الائمة»، «الایضاح» «المسترشد»، در امامت، «مناقب فاطمه (س) و ولدها (ع)» «انوار المعجزات»، در مناقب ائمه اطهار (ع)، «الرواة عن اهل البيت (ع)».

اعیان الشیعة (۱۹۹/۹)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۱۵)، الدررمة (۲/ ۴۸۹-۴۹۰)، ۸/ ۲۴۶-۲۴۱/ ۱۱، ۹-۱۰، ۲۲/ ۲۲۹)، رجسال الطوسی (۵۱۲)، رجسال السجاشی (۲/ ۲۸۹-۲۹۰)، ریاض العمدة (۵/ ۲۳۰)، ریحانة (۴/ ۴۴-۴۳)، سیر النبلاء (۱۴/ ۲۸۲)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۴/ ۲۵۰-۲۵۳، قرن ۵/ ۱۵۷-۱۵۳)، فهرست الفهرست (۲۸۶-۲۸۷)، فوائد الرمزیه (۳۴۸-۴۴۹)، لسان المیزان (۵/ ۷۶۲)، الکلی و الاقباب (۱/ ۲۴۳)، معجالی المؤلفین (۱/ ۴۹۱)، معجم رجال حدیث (۱۵/ ۱۲۷-۱۲۸)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۳۵۵).

تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فوائد «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللثالی»، به سبک «غرر و درره» آمدی؛ «غیة العابد و مسیة الزاهد»؛ «عدة السفر و عدة الحضر»؛ «العمدة»، در اصول دین و فرائض و توامل «التور المین»؛ «الجواهر» در نحو.

الاعلام (۵/ ۳۵۲-۳۵۳)، ایضاح المکسور (۲/ ۲۳۳)، اعیان الشیعة (۸/ ۳۹۸-۴۰۱)، تأسیس الشیعة (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۵۹)، الدررمة (۱/ ۶۸، ۲/ ۲۴۰-۲۴۲، ۵/ ۲۴۹-۲۴۸)، ۲۰/ ۲۲، روایات السمات (۵/ ۲۴۹-۲۴۲)، ریحانة (۴/ ۳۶)، شهیدان راه نصیحت (۹۱-۸۹)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۶/ ۲۱۶-۲۱۷)، فوائد الرمزیه (۳۵۰-۳۵۲)، کشف الطوس (۱۲۶)، ۱۶۰۲، الکلی و الاقباب (۲/ ۴۴۴)، نعت نامه (دبیل) طبرسی، معجم المؤلفین (۸/ ۶۷-۶۶)، مدیه الاحباب (۱۹۲-۱۹۳)، مدیه المارین (۱/ ۸۲۰)، یادداشت‌ها فروری (۵/ ۲۷۷-۲۸۰).

طبرسی، ثقة الاسلام، ابوالفضل علی بن حسن ابن الاسلام فصل بن حسن، (من ششم و هفتم ق)، عالم و فقیه امامی. او مؤسس الاسلام طبرسی صاحب «مجمع البیان» و از فقهایی بزرگ امامیه بود. وی صاحب کتاب «مشکاة الانوار فی غرر الاخبار» است، که به عنوان تفسیر کتاب پدرش «مکرم الاخلاق» نگاشته و در این کتاب از سید جلال‌الدین ابی علی بن حمزه موسوی روایت کرده است. از دیگر آثار وی کتاب «کنوز البحاج»، در ادعیه، که سید ابن طاووس در کتاب «المجتبی» و کفعمی در «المصباح» از این کتاب نقل کرده‌اند.

اعیان الشیعة (۸/ ۱۸۲)، بحوالانوار (۱/ ۹)، الدررمة (۱۸/ ۱۷۶-۱۷۵، ۲۱/ ۵۵-۵۴، ۲۲/ ۱۲۶)، ریاض العلماء (۳/ ۲۰۸-۲۰۶)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۶/ ۸۳، قرن ۷/ ۱۰۲)، الکلی و الاقباب (۲/ ۴۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۱۹۰).

طبرسی، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل بن حسن، (من ششم ق)، عالم، فقیه و محدث. از علمای بزرگ قرن ششم هجری بود که در مکتب پدرش امین الاسلام طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، تربیت یافت. ابونصر طبرسی از روایان پدرش می‌باشد و شیخ مهذب‌الدین حسین بن ابی‌الفرج نیلی از ابونصر روایت

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید، (۲۲۴-۳۱۰ ق)، محدث، مورخ، مفسر و فقیه شافعی معروف به امام طبری. یکنه دوران خویش در زمینه اکثر علوم بود. وی در اصل به دنیا آمد، در بغداد سکه بت گردید. در ابتدا بر مذهب شافعی بود ولی بعدها تغییر مذهب داد و خود مذهبی به نام مذهب جریری در مقابل مذاهب اربعه اهل سنت پدید آورد و کتبهایی در این زمینه تألیف کرد و عده‌ای پیروی او گردیدند و این کتبه‌ها مدت‌ها میان مردم رواج داشت. او در ایران و عراق و شام و مصر از محمد بن عبدالمکک بن ابی شوارب و اسحاق بن ابی اسرائیل و احمد بن منیع و محمد بن حمید رازی و ابوهمام سکونی و ابوکریب محمد بن علا و یعقوب بن ابراهیم دورقی و احمد بن مقدم عجل و هارون بن اسحاق همدانی و صالح بن مسمار سروری و احمد بن ابی سرج رازی و سیاری دیگر حدیث شنید. ابوشعیب عبدالله خزانی و ابوالقاسم طبرانی و احمد بن کامل قاضی و ابوبکر شافعی و ابن عدی و محمّد بن جعفر باقر حنفی فارسی و گروهی دیگر زوی روایت کرده‌اند. طبری در مصر دست‌نوشته‌هایی فراهم کرد و چون به بغداد مراجعت کرد تصانیف بیکویی بگاشت و از خود به دیگران گذاشت. علمای بزرگ او را در حد عالی ستوده‌اند. خطیب بغدادی او را یکی از پیشگامان علوم و سراسر انگار رمان و عارف به کتاب خدا و فقیه در دین و مستشاهان و از تاریخ‌نگاران می‌شناسد. ابن خزیمه گوید که در روی زمین دانشمندتر از او سراغ ندارد. مسعودی در «مروج الذهب» و ابن خلکان در «وفیات الاعیان» ستایش بلندی از نموده‌اند او مجتهدی آرا داشت و صریح‌القول بود و چون به مطلبی عقیده پیدا می‌کرد از اظهارش نمی‌هراسید. او کتابی درباره «حدیث غدیر» در دو مجلد بزرگ و کتابی درباره «حدیث طبر» نوشت. ابو محمد قرعانی گوید که گروهی از شاگردان طبری عمر مفید او یعنی از زمان بلوغ تا لحظه مرگش را حساب کردند و چون مصنفات او را بر این مدت زمان تقسیم کردند معلوم شد در هر روز چهارده صفحه نوشته است. از آثار وی «اخبار الرسل و الملوك» یا «تاریخ طبری» یا «تاریخ الامم و الملوك»، که صدی آن را صحیح‌ترین کتاب تاریخ توصیف کرده؛ «جامع البیان فی تفسیر القرآن» یا «تفسیر طبری»، در سی جز؛ «طرق حدیث غدیر» یا «غیر غدیر خم» به نام «الروایة»؛ «النسیط» در فقه؛ «ادب القاضی» یا «آداب القضاة»؛ «المحاضر و المسحلات»؛ «اجتلاف الفقهاء»؛ «الأداب الحميدة و الاخلاق النجیسة» که به نظر شیخ آف بزرگ

تهرانی این کتب به اشتباه منسوب به محمد بن جریر بن یزید طبری هاست؛ بلکه به حق از آن محمد بن جریر طبری هاست؛ «تهذیب الآثار»؛ «الجامع فی القراءات»؛ کتاب «الشذور»

لاعلام (۶/ ۲۹۴)، انساب سماعی (۴/ ۲۷۰۴۶)، ایضاح المکتون (۲/ ۳۱۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۷۱/ ۲۶۹، ۲۷۵)، تاریخ بغداد (۲/ ۶۲-۱۶۹)، الذریعة (۱/ ۱۸)، رجال النجاشی (۲/ ۱۹۷-۱۹۶)، روضات الجنات (۷/ ۲۸۶-۲۷۸)، ریاض المسلمة (۷/ ۱۸۵)، ریحانة (۲/ ۲۳۰۴۲)، سیر السیلة (۱۲/ ۲۸۲-۲۶۷)، شدواب الذهب (۲/ ۲۶۰)، طبقات الحفاظ (۳۱۰-۳۱۱)، المعبر (۱/ ۴۶۰)، مرآة الرشید (۴۴۶-۴۴۷)، الفهرست لابن النديم (۳۲۶-۳۲۷)، الفهرست سمرقانی (۱۸۰)، الکامل (۱۶/ ۱۷۰-۱۷۱)، کشف الطسوط (۳۴/ ۴۲، ۲۹۸-۲۹۹، ۳۳۷، ۵۱۴، ۵۷۶، ۱۰۳۶، ۱۳۲۹، ۱۲۴۹)، الکس و الاغلاب (۱/ ۲۴۱)، سناک المیزان (۵/ ۷۶۲-۷۵۷)، لغت‌نامه ادب (محمد)، مروج الذهب (۱/ ۶)، معجم الادب (۱۸/ ۹۴۰)، معجم رجال الحديث (۱۵/ ۱۴۷-۱۴۶)، معجم المؤلفين (۹/ ۱۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۳۵۶-۳۵۷)، النجوم الزاهرة (۳/ ۲۳۰-۲۳۱)، النواسی بالوفیات (۲/ ۲۸۷-۲۸۲)، و سیات الاعیان (۲/ ۱۹۱-۱۹۲)، هدية العارفين (۲/ ۲۶-۲۷)

طبری، ابوالحسن محمد بن محمد، (وف ۳۵۹/۳۶۶ ق)، پزشک، طبیب خاص رکن‌الدوله دیلمی (م ۳۶۶ ق) بود. وی مجموعه‌ای در علم طب در ده مقاله نوشت که تحریری از آن به نام «المعالجات القرطیبة» باقی است. تاریخ طب (۲/ ۶۵۶-۶۵۷)، «دائرة المعارف فارسی» (۲/ ۱۶۱۵)، الذریعة (۱۸/ ۱۴۱، ۲۱/ ۱۹۶)، ریحانة (۷/ ۵۹)، لغت‌نامه (دیل / احمد، ابوالحسن)، معجم المؤلفين (۱۲، ۱۱)

طبری، ابوحفص عمر بن قریخان، (وف ح ۲۰۰ ق)، معجم، مترجم و دانشمند از مترجمان و دانشمندان سرور علم نجرم بود که در خدمت یحیی بن خالد برمکی می‌زیست، در روزگار مأمون به بیت‌الحکمه فراخوانده شد و به ترجمه کتبه‌های بسیاری پرداخت. از آثار وی: «المسائل»؛ «اتفاق الفلاسفة و اختلافهم فی خطوط الکواکب»؛ «المحاسن»؛ «تفسیر الاربع مقالات لبطليموس من نقل ابی یحیی بن البطریق»

تاریخ الحکماء، قطعی (۳۳۵، ۳۳۴)، تاریخ علوم و سعه
پرسی (۲۸۱-۲۸۲)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۹۱-
۴۹۲)، معجم المزیلین (۲/ ۲۰۲).

طبری، ابوطیب طاهر بن هیداه بن طاهر (۳۴۸-۴۵۰ ق)، قسبی، محدث، فقیه، اصولی، دیب و شاعر شامی در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابراهیم بن قطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دوفطی و علی سگری و شیخ ابوحامد اسماعیلی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قصود مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می شد دیگری مجبور می شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبرة باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه فقه و مسائل فقهی می باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد. از آثارش: «مختصر المزی» در یازده جزء، در فقه شامی؛ «شرح فروع» این حداد مصری؛ کتابی در «طبقات الشافعیه»

الاعلام (۳/ ۳۲۱)، انساب سمعانی (۴/ ۲۷)، تاریخ بغداد (۸/ ۸۷)، (۹/ ۳۵۸-۳۶۰)، دایرةالمعارف مدرسی (۲/ ۱۶۱۵)، روضات الجنات (۴/ ۱۴۶-۱۴۵)، ریحانه (۲/ ۲۶-۲۵)، سیر النبلاء (۱۷/ ۶۷۱-۶۶۸)، المبر (۲/ ۲۹۶)، الکامل (۸/ ۸۷)، کشف الظنون (۲۲۲، ۱۱۰۰، ۱۲۵۷، ۱۶۳۵)، (۱۶۳۸)، لغت نامه (ذیل / طاهری)، معجم المزیلین (۵/ ۲۷)، السجود الزهره (۵/ ۶۵)، توافی بالوفیات (۱۶/ ۲۰۲-۲۰۱)، وسمیات الاحیاء (۲/ ۵۱۵-۵۱۲) هدیة المعرفین (۲۲۹).

طبری، ابوعبدالله حسین بن علی بن حسین (۴۱۸-۴۹۸ ق)، مفتی، محدث و فقیه شافعی مفتی و محدث مکه بود. در آمل به دنیا آمد. در ۴۳۹ ق «صحیح» مسلم را از ابوالحسن فارسی شنید و «صحیح» بخاری را از عبدالعزیز بن محمد روایت کرد. از ابوحفص بن مسرور و ابوعثمان صائونی و برادر کریمه مروزی حدیث شنید و از ناصر بن حسین عمری مروزی فقه آموخت. مدتی

ملازم شیخ ابواسحاق شیرازی بود تا ربورگاد اصحاب وی گشت. قبل از عزالی در نظامیه بغداد درس می گفت. اسماعیل قسبی و زرین عبدی و قاصی ابوبکر بن عربی و وحیه شخامی و احمد بن محمد عباسی و ابوعده هر سلفی و دیگران از وی حدیث شنیدند. وی از بزرگان شافعیه بود و او را امام الحرمین می خواندند. زیرا که در حدود سی سال مجاور مکه بود و در آنجا به تدریس و افتاء اشتغال داشت. عده ای در مکه نزد وی فقه آموختند. در مکه درگذشت. در آثارش: «المدة» در پنج جزء ضخیم؛ شرح «الابانة» عبدالرحمن قورانی مروزی، در فروع فقه شافعی، سیر النبلاء (۱۹/ ۲۰۳-۲۰۴)، شذرات النعیم (۲/ ۴۰۸)، المبر (۲/ ۳۷۷)، کشف الظنون (۱/ ۱)، معجم المزیلین (۲/ ۲۹)، توافی بالوفیات (۱۲/ ۱۶).

طبری، ابوعلی حسن بن قاسم (وف ۳۱۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. در بغداد سکنی گزید و فقه را نزد ابوعلی بن اسی هریره فراگرفت و پس از استادن به تدریس پرداخت و کتاب «المحرر فی النظر» را که «ولیس کتاب در خلاف مجرود است» تصنیف کرد که در «کشف العرف» به نام «المجرد فی النظر» نیز آمده است. از دیگر آثارش: کتاب «الانصاح»، در فروع فقه شافعی، که شرح «مختصر المزی» است؛ «الایضاح»، در فروع فقه شافعی؛ کتاب «المدة»، در فقه، در ده جزء؛ کتابی در «جدل»؛ کتابی در «اصول الفقه»؛ خطیب بغدادی در «التاریخ» خود نام وی را حسین و تاریخ وفات وی را ۳۵۰ ق ذکر کرده است؛ و در «الاعلام» دو مدخل یکی به نام حسن و دیگری به نام حسین یا اشتراکات و اختلافات آمده است.

الاعلام (۲/ ۲۲۷، ۲۲۲)، تاریخ بغداد (۸/ ۸۷)، رجال الطوسی (۲۷۲)، روضات الجنات (۳/ ۵۶)، ریحانه (۴/ ۲۵)، سیر النبلاء (۱۶/ ۶۲-۶۳)، کشف الظنون (۱۱/ ۲۱۱)، ۱۵۹۳، ۱۶۱۲، ۱۶۳۵، الکلی والافان (۲/ ۴۲۵-۴۲۶)، لغت نامه (ذیل / حسن)، معجم المزیلین (۳/ ۲۷۰)، توافی بالوفیات (۱۲/ ۲۰۵-۲۰۴)، وفیات الاعیان (۲/ ۷۶)، هدیة المعرفین (۱۱/ ۲۷۰).

طبری، احسان، فرزند حسین فخرالعارفین، (۱۲۹۵-۱۳۶۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر در ساری به دنیا آمد. قبل از هفت سالگی به یادگیری علوم دینی پرداخت. دوران دبستان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و

طبری، ضیاءالدین ابوعلی / ابومحمد هارون بن نجم‌الدین حسن بن میرشمس‌الدین علی. (س هشتم ق)، عالم امامی. از علمای بزرگ قرن هشتم و از شاگردان علامه حلی (م ۷۲۸ ق) بود. طبری «قواعد» علامه حلی را به خط خود نوشت و آن را نزد استاد خواند. استادش در ۷۰۱ ق، در پشت جلد «قواعد»، او را با القابی می‌ستاید و از او به عنوان فقیه فاضل نام می‌برد، آنگاه روایت «القواعد» و تمامی مصنفات خود را در علوم عقلی و نقلی به وی اجاره می‌دهد.

ریحانه (۴/ ۷۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸/ ۲۳۵)، لغت عامه (ذیل / هارون).

طبری، عمادالدین ابوجعفر محمد بن ابوالقاسم علی بن محمد آملی کوهی. (ز ۵۱۸ ق)، عالم و فقیه امامی پدرش ابوالقاسم علی بن محمد محدثی جلیل‌القدر و مورد اعتماد بود. وی از شاگردان شیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی است. او در کتابش «بشارة المصطفى» که تألیف آن از ۵۰۳ تا ۵۱۸ ق به طول انجامیده از مشاخص: پدرش، و ابوعلی فرزند شیخ طوسی و فقیه حسکا، حسن بن حسین بن بابویه، و محمد بن احمد بن شهریار حازن و شریف عمر بن ابراهیم صوری زیدی و سعید لنگی و ابوظالم یحیی بن حسن جوانی، صاحب «جریده طبرستان» و حذقه، ابومحمد جبار بن علی، و ابوعبدالله حسین بن احمد بغدادی روایت کرده است. شادان بن جبرئیل قمی و قطب راوندی (م ۵۷۳ ق) از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «بشارة المصطفى لشيعة المرتضى»، در هفده جزء؛ «الفرج فی الارقات والمخرج بالآیات أو الثبوت»؛ «شرح مسائل لدريجة» کتاب «الزهد و لتفوی».

بحرانوار (۱۰۵۱/ ۱۴۱)، خاتمه مستدرک الوسائل (۳/ ۱۷۰۱۳)، الذریعة (۳/ ۱۱۸-۱۱۷، ۱۲/ ۱۶-۱۵۶، ۱۷۰۱۳)، روایات الجنات (۶/ ۲۳۱-۲۳۴)، ریحانه (۲/ ۲۰۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/ ۲۴۲، ۲۷۸)، فهرست مسجبات‌الدین (۱۶۲-۱۶۳)، فوائد الرصوبه (۵۸۲)، الکس و الاقطاب (۲/ ۴۴۳)، لغت سامه (ذیل / عمادالدین)، مجمع المؤلفین (۱۳/ ۴۱۹-۴۲۰).

طبری، عمادالدین / عمادالاسلام حسن بن علی بن محمد آملی مازندرانی (ز ۶۹۸ ق)، عالم امامی، محدث، فقه، اصولی و متکلم. معروف به عماد طبرسی یا عماد طبری. از علمای بزرگ امامیه در قرن هفتم و از معاصرین

دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده حقوق رفت و فارغ‌التحصیل شد. وی در همان وقت به سرافرقتن علوم ادبی و عربی پرداخت و در مدرسه سپهسالار نزد استادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی پیر آشنایی کامل یافت. در ۱۳۱۶ ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یاران دکتر تقی ارانی زندانی شد. بعد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضای آن حزب شد. وی به علت تبلیغات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجا موفق به کسب دکترای فلسفه شد و سالها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس پرداخت. وی به زبانهای روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و ترکی تسلط کافی داشت. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت. در ۱۳۶۲ دستگیر و زندانی شد. احسان طبری ز بزرگترین نظریه پردازان مارکسیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و استعدادی شگرب برخوردار بود، و در زمینه شعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسیهای لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام ستی و زیش سرمایه‌داری»، «شناخت و بررسی مارکسیسم»، «حانواده برومند»، «در شمسکه مایکوس»، «رأبش و تکامل تئوری انقلابی»، «زبد ستم»، «دهه نخستین»، «کژراهه»، «حماسه گئومات»، «از میان ریگها و امامها»، مجموعه شعر، «ترانه خوابگونه»، مجموعه شعر، «آتش دوربتنگ»، ترجمه، «شکنتجه و امید»، «در دورخ»، «روزی چینی».

سخنران نامی معاصر (۱/ ۱۵۵-۱۲۸)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۶)، مازندرانی، شرح حال رجال معاصر (۲/ ۱۴۸-۱۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۳ ۴۰۳ ۳).

طبری، امیرکیکائوس - دیلمی طبری، امیرکیکائوس.

طبری، شیخ محمد باقر، فرزند شیخ لطف‌الله. (س چهاردهم ق)، نویسنده. اثر وی «آداب الانسان فی طریق الانسان» که در ۱۳۱۸ ش در تهران به چاپ رسیده است. فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۷).

«المقصورة الدريدية» به ۱۵ «الآيات المقصورة»/الرايات
لمقصورة على الآيات المقصورة؛ «كشف القباب عن
اسماء لاربعة الاقطاب»؛ «فحام المجاری فی افهام
انبیاری»؛ «حسن السريرة فی حسن السيرة»؛ در سیره
پیامبر (ص)؛ «سل السیف علی حل کلب»؛ «كشف الحی
من کتاب الکیمی»؛ در علم عروض و قافیه؛ «غرائس الابدکار
و غرائس الافکار»؛ در تفسیر.

الاعلام (۱۶۸/۴)، ایضاح المکنون (۱/۷، ۶۸، ۱۰۸،
۴۰۴، ۲/۲، ۹۷، ۱۱۹، ۱۳۵، ۲۵۹، ۳۶۸، ۳۷۹، ۴۲۶)،
ریحانه (۴/۴)، الکنی واللقاب (۱/۲۰۵)، لفت نامه
(دیل/عبدالقادر)، معجم المؤلفین (۵/۳۰۳)،
هدية العارفين (۱/۶۰).

طبری آملی، ابوالقاسم علی بن محمد کوهی. (ص)
بنحیم ق)، عالم امامی، محدث و فقیه. در کتب رجاییه او را
شفای جلیل القدر و محدث و فقیه بزرگ توصیف
کرده‌اند. فرزندش، شیخ عمادالدین ابوجعفر طبری، در
کتاب ارزشمند «نشارة المصطفی» از وی روایت کرده
است.

خانم مستدرک الوسائل (۳/۱۵)، الذریعة (۳/۱۱۷)،
رویات الجنات (۶/۲۳۲)، فوائد الرضویه (۵۸۲).

طبری بصری، ابو عمرو عثمان بن عبدالله بن محمد بن
خزّاذ. (وف ۲۸۱/۲۸۲ ق)، حافظ، محدث و فقیه. وی
ساکن انطاکیه بود و عالم آن شهر. از هفاد بن مسلم و قرة
بن حبیب و عمرو بن مرزوق و ابولید طرابلسی و سمید بن
عمیر و یحیی بن بکیر و یحیی جمالی و ابراهیم بن حجاج
سامی و احمد بن جئات و احمد بن یونس و امیة بن بسطم
و یگار بن محمد میرینی و حکم بن موسی و سهل بن یگار
و شیبان بن قزوح و سلیمان بن بنت شریحیل و ابی معمر
مقعد و عیدالله بن عاتشه و عمرو بن عون و اسطی و محمد
بن سنان عولی و مسدد حدیث شنید. وی شنیده‌های
خویش را جمع آوری و تصحیف و تألیف کرد. نسایی و
ابوحاتم رازی و ابو حنيفة در «صحیح» خود و محمد بن
منذر هروی و حاجب ارکین و احمد بن جابر رملی و
ابوالحسن بن جوص و علی بن حسن بن هبید بصری و
ابوبکر محمد بن احمد بن محمودیه هوازی و محمد بن
اسماعیل فارسی و هشام بن محمد بن جعفر کنذی از وی
حدیث روایت کرده‌اند. ابوالقاسم طبرسی از او اجازه
روایت داشت. ابن ابی حاتم رازی گوید که عثمان بن

محقق حلی و خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق) بود
در فقه و حدیث و تحقیق حقایق اصول مذهب و دیگر
فنون تصنیفات سودمندی دارد. فتاوی وی در کتب فقهی
مأخرین نقل شده است. در ۶۷۰ ق مناظره‌ای - در تبریه
خداوند از تشبیه بپا - اهل بروجرد کرد. در ۶۷۲ ق به دستور
وزیر خواجه بهاءالدین محمد از قم به اصفهان رفت و
هفت ماه در اصفهان اقامت گزید و همای اصفهان و شیراز
و ابرق و پرد و شهرهای آذربایجان برگردش جمع شدند و
علوم دینی را نزد وی تکمیل کردند. از آثار وی: «الاربعون
حدیثاً فی فضایل امیرالمؤمنین (ع) و اثبات امامته» یا
«اربعین بهائی»؛ «کامل السیف» یا «کامل بهائی» که در
۶۷۵ ق تألیف شده و دوازده سال جمع آوری آن به درازا
کشیده است چون این دو کتاب به خواهرش و نام وزیر
بهاءالدین محمد بن وزیر شمس الدین محمد جوینی
معروف به صاحب دیوان، تألیف شده بهائی نام گرفته
است. از دیگر آثارش: «اسرار الائمة» یا «اسرار الامامة» یا
«الاسرار فی امامة الاطهر» که در ۶۹۸ ق تألیف شده؛
«جوامع الدلائل»؛ «الکفیه فی الامامة»؛ «نحمة الاسرار»؛
«المعدة»؛ در اصول دین و فروع آن؛ «المتجه»؛ در فقه
عبادات و ادعیه؛ «سماوف الحقائق»؛ «سهج الفرقان الی
هدایة الایمان»؛ «نقض معالم التزیل» صخر رازی؛ «میرود
المحاسن»؛ «بضاعة الفردوس».

عیان الشیعة (۵/۲۱۲-۲۱۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۵۳)
۷۳۴، الذریعة (۱/۶۱۲، ۲/۴۰، ۳/۴۰۵، ۱۵/
۳۳۳، ۱۷/۲۵۲-۲۵۳)، روایات الجنات (۲/۲۵۶-
۲۶۰)، ریاض العلماء (۱/۲۷۳-۲۶۸)، ریحانه (۲/۱۹۹)،
طبقات اعلام الشیعة (قرن ۷/۲۱)، فوائد الرضویه
(۱۱۷-۱۱۹)، الکنی واللقاب (۲/۴۲۳)، لفت نامه
(دیل/حسن و حسن طبری)، معجم المؤلفین (۳/
۲۶۱-۲۶۲)، هدية العارفين (۱/۲۸۲)

طبری، محیی الدین عبد لقادر بن محمد بن یحیی
حسیسی. (۹۷۶-۱۰۳۳ ق)، عالم و ادیب شامی. در مکه به
دنیا آمد. در دوازده سالگی قرآن کریم و «انبیاء» ابن مالک و
«اربعین» بووی را حفظ کرد و در پانزده سالگی شروع به
تحصیلات علمی نمود. ادبیات، فقه، تفسیر، حدیث، طب،
منطق، هیئت و حکمت را از بزرگان زمان خویش فراگرفت
طبری نظم و نثر یکویی داشت و خطیب و معنی مکه بود
وی در مکه درگذشت. از آثارش: «عنون المسائل من اعیان
الرمائل»؛ «الاساطین فی حج السلاطین»؛ شرح

طیبی، سید علی نقی بن سید کاظم (توح ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی در گریلا به دنیا آمد و پس از شش و نیمه مقدمات و ادبیات را نزد مدرسین گریلا خواند و سطوح را از علمای آن سامان فراگرفت پس از آن در خارج آیت الله حاج آقا حسن طباطبائی قمی و آیت الله شیخ یوسف شاهرودی و دیگران بهره برد. بعد از مرگ پدر به مشهد رضوی مهاجرت نمود و به اقامه جماعت در جامع گوهرشاد و تألیف کتب و ترویج دین اشتغال ورزید. از آثارش کتاب «داستیهای نمودند» یا «کشکول طیبی» است

گنجینه دانشمندان (۶/ ۲۲)

طیبی، شیخ محمدرضا بن عباس بن علی (۱۳۲۲/۱۳۲۴-۱۴۰۵ ق)، عالم دینی، مجتهد، فقیه و مدرس. پس از فراگیری مقدمات علوم، در ۱۳۴۰ ق به مشهد رضوی رفت و سطوح اولیه را از ادیب بشارپوری و علامه سید محمد حسین شهرستانی و علامه سید محمد باقر مدرس و سید مرتضی یزدی آموخت پس از آن به قم مهاجرت کرد و فقه و اصول را از علمای بزرگ همچون آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفت و حکمت و معقول را نزد میرزا محمد آکبر حکیم یزدی و آیت الله میرزا محمد علی شاه آبادی خواند. او مدت هفت سال از محضر آیت الله حائری استعاده نمود و در خلال این مدت به عراق و هندت عالیات رفت و بازگشت. پس از مدتی به نجف مهاجرت نمود و از محضر علامه کبیر شیخ محمد جواد بلاغی و آیت الله حبیب الدین عراقی و آیت الله اصفهانی و آیت الله ربیسی در فقه و اصول و تفسیر و کلام ستمده بود و از حواریان صاحب آیت الله اصفهانی شد و تا پایان عمر وی از اعضای ریسه مجلس استفتاء ایشان بود. بعد از مرگ استاد به تدریس و تألیف پرداخت مرآت اجتهاد و مقامات علمی وی مورد گواهی و تصدیق علمای بزرگ قم و نجف بود. وی تا ۱۳۹۱ ق در نجف به وظائف دینی و اسلامی اشتغال داشت سپس احصاً به ایران مهاجرت کرد و در قم سکنتی گزید و به تألیف و تصنیف و مباحثات علمی پرداخت. در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) دفن شد. از آثارش: «هیه الطالب فی ایمان بی طاب (ع)»، «النشیه و الترجمة»، «درالاخبار فیما یعلق بحال الاحتضار»، «ذرایع البیان فی عوارض اللسان»، «المیة فی حکم الثارب واللحیة»، «الدر الثمین فی التعم

حرار. طبق پدرم در کتاب حدیث در حریره و شام بود بن محمودیه اهوازی گویند: عثمان بن خرزاد پرحافظه ترین فردی است که دیده‌ام. همچنین حاکم او را ستوده و مورد اعتماد توصیف کرده است.

تهذیب التهذیب (۷/ ۱۱۷-۱۱۶)، سیر النبلاء (۱۳/ ۳۷۸-۳۸۱)، شذرات الذهب (۲/ ۱۷۷)، طسقات الحفاد (۲۶۹)، المیر (۱/ ۴۰۲)

طیبی، ابوحسین/ ابوالحسن احمد بن محمد بن سهل (وف ۳۵۸ ق)، فقیه و محدث. وی شیخ شامیه و شاگرد امام ابواسحاق مروزی بود. در نیشابور از ابن خریجه و در عراق از ابومحمد یحیی بن صاعد و دیگران ویت کرده و حاکم بشارپوری را وی روایت کرده است. آثارش «تعلیقه» بزرگی است در مذهب که حدود هزار جزء دارد.

انساب سمعی (۴/ ۵۰۳۹)، سیر النبلاء (۱۶/ ۱۱۲)

طیبی، ابوالفضل محمد بن احمد بن ابوجعفر (وف ۴۸۲ ق)، محدث، عارف و صوفی. وی محدثی بزرگ و شیخ صوفیه بود. از حافظ ابوعبدالله حاکم و ابوطاهر بن محمد و عبدالله بن یوسف بن نمویه و سلمی و ابوبکر حیری و نظیر آنان حدیث شنید. شید بن محمد قبی و وجیه شحامی و ابواسعد بن قسیری و عبدالغافر بن اسماعیل و دیگران از وی حدیث روایت کرده و او را شیخی فقه و صوفی زاهد توصیف کرده‌اند. مدتی در نظامیه املانمود، سپس به طیب بازگشت و در همان شهر درگذشت. طیبی تصنیف بسیاری داشت و کتب زیادی نگاشت. از آثارش: کتاب «بستان العارفین»، در تصوف و اخلاق است. از دیگر آثارش «الشامل فی بحر الکام»، «الشامل من البحر الکامل»، در عزائم است که در ابتدا این کتاب را به نام «زهة الافاق یوم اجتماع الاخوة و التلاقی» نوشت، اما چون مورد توجه مردم، بویژه شیخ ابوالبرکات عبدالله صاعدی قراوی، قرار گرفت مورد تجدید نظر قرار داد

الاعلام برفیات الاعلام (۱/ ۳۱۸)، انساب سمعی (۲/ ۴۸)، ایضاح المکتون (۱/ ۱۸۱)، تلکرة الحفاظ (۳/ ۱۱۹۵)، سیر النبلاء (۱۸/ ۵۸۸)، شذرات الذهب (۲/ ۳۶۷)، المیر (۲/ ۳۲۵)، کشف الظنون (۱۰۲۴)، مجمع المؤلفین (۸/ ۲۴۷)، الواسی بالریات (۲/ ۸۸)، هذیه المعارض (۲/ ۷۵)

کتاب «المسائل الثمانية» که در جواب سؤالات سعد نثار حسین عظیم آبادی نگاشته است.

الذریعه (۱/ ۱۰۱، ۲/ ۲۱۲، ۳/ ۳۷۱)، طبقات اعلام

الشیعه (قرون ۱۲/ ۱۲۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/

۳۰۳، ۳۰۷)

طبعی واعظ، ملا محمد صادق. (وف ح ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی، فقیه و خطیب. معروف به مسأله گر. از مشاهیر اهل سر در تهران و مورد توجه خاص و حام، به ویژه بیکان و اهل نفوذ بود از آثارش: ترجمه الطوائف فی مذهب الطوائف، سید ابن طاووس؛ ترجمه «کشف المحجبه لثمرة المهجة»، سید ابن طاووس؛ «منهج أسداده» در ترجمه «نجات العباد» شیخ محمد حسن، صاحب «جوهر»، با حواشی شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی و میرزا محمد حسین سهر مستانی

الذریعه (۲/ ۱۳۰، ۲۳/ ۱۹۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن

۱۲/ ۸۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۹۵-۲۹۶)

طبعی اشترخانی - طبعی اصفهانی، عبد.

طبعی اصفهانی، عبد/عبدالله، فرزند شیخ محقق «عی» (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عبدی و طبعی. صاحب تذکرة «روز روشن» مثنوی «آدم و پری» را به او نسبت داده و گویند که آن را به نام شده طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۴۸ ق) سروده است.

تذکرة روز روشن (۵۲۲)، تذکرة نصر آبادی (۴۲۰)،

الذریعه (۹/ ۵۲۲، ۷۰۲، ۱۹/ ۱۰۶)، صحیح گلشن (۲۶۲)

نعت قلمه (دبل، طبعی).

طبعی اصفهانی، عنایت الله. (وف ۹۴۲ ق)، شاعر و طبیب. معروف به حکیم خیال. وی از پرشکان نام آور روزگار خود بود که علاوه بر مهارت در پرشکی، در سرودن عزن نیز توانا بود. از اوست:

شمع ما را تاب پر افشانی پروانه نیست

جافشانی از پروان النجم خواهم کرد

تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، مجمع سامی (۸۶)، تذکرة روز

روشن (۳۹۸)، الذریعه (۹/ ۶۲۴)، فرهنگ سخنوران

(۵۸۶)

طبعی رازی، اسماعیل. (ز ۱۰۳۶ ق)، شاعر، متخصص

بالیمن؛ حاشیه «طریق النجاة»؛ «الجمعة فی الرجعة»؛ «عقد الفراید فی اصول العاید»؛ «مصباح الظلام فی هدایة الانام»؛ «القول الفصیح فی اصول الدین الصبیح»؛ «قبصرة المتعلمین فی اصول الدین»؛ «ذخیرة الصالحین»، در شرح «مصرقة المتعلمین»، در هشت جلد؛ حاشیه «قبصرة» علامه. النجاة» حاشیه «اسس المقلدین»؛ حاشیه «قبصرة» علامه.

زیت پاکان قم (۲/ ۳۰۶، ۳۰۷)، الذریعه (۲/ ۱۹۷، ۱۵/

۲۹۲، ۲۱/ ۱۱۲، ۲۴/ ۲۷۷)، گنجینه دانشمندان (۲/

۱۹۲-۱۹۶، ۶/ ۲۱)

طبعی، ملا احمد بن محمد سک کی. (ز ۹۲۶ ق)، عالم و مترجم. از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به ورسی. در ۹۲۶ ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم الله جزئی از سوره به حساب می آید، مگر در سوره براءت؛ و در پایان متذکر شده که ملا عبدالمعلی بیرجندی پس کتاب را در ۹۰۱ ق شرح کرده است

الذریعه (۴/ ۱۰۱، ۸/ ۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن

۱۰/ ۱۲)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۳۰)

طبعی، ملا معین. (س نهم ق)، عالم دینی و ملاحطی در ۸۹۴ ق حاشیه ای بر حاشیه میر سید شریف جرجانی بر «شرح المغانع» در منطق نگاشته است

الذریعه (۶/ ۷۸، ۷۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹/

۱۳۷)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۳۰)

طبعی خراسانی حائری، شیخ محمد علی. (وف ۱۳۲۱ ق)، عالم امامی و مدرس اصلش از طلس خراسان و ساکن حیدرآباد دکن بود. مدتی طولانی در حیدرآباد مشغول به تدریس و تألیف و ارشاد و انجام سایر وظائف مذهبی بود. او در کرملا وفات یافت. از آثارش کتاب «انوار الانصار» به فارسی در رتبه پیمبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و اثبات برتری مقام امامت پیامبر (ص) بر مرگه بود. آن حضرت، که در ۱۳۰۲ ق از تألیف آن فارغ شده است بر این کتاب میرزای مرگ شیرازی و همچنین آیت الله میرزا حبیب الله رشتی و سید میرزا نوالقاسم حجت طباطبائی و ملا محمد فاضل شراسانی تهر بعدی نوشته اند. از دیگر آثار وی کتاب «اثبات السوة الحاصلة» است که با کتاب «انوار الانصار» در ۱۳۰۸ ق در حیدرآباد به چاپ رسید؛

است "سندی است عزیز و طیبی مشفق و مسیحادم. از سادات دارالسلطنة اصفهان از جمله رفقای قدیم فقیر و در حسن اخلاق بر نظیر. سار شکسته حال و درست آشنا. با نهایت وارستگی و کمال استغناء". وی از معاصران هدايت صاحب «مجمع الفصحا» بود. اثر وی «دیوان» شعر می باشد

تذکره الشعراء (۲/ ۳۹۹)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۱۵)، الذریعه (۵/ ۶۴۵)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۲).

طیب اصفهانی، میرزا عبدالباقی موسوی، فرزند میرزا محمد رحیم حکیم باشی. (وف ۱۱۶۸/۱۱۷۱ ق)، شاعر و طیب از سادات مرسوی اصفهان بود. نیاکان وی در روزگار شاه عباس اول صفوی از فارس به اصفهان کوچیدند و در آن شهر مسکن گزیدند. پدرش حکیم باشی شاه سلطان حسین صفوی بود و خود او نیز طیب و ندیم نادرشاه افشار. بعد از نادرشاه، کلاتر اصفهان شد و پس از چندی این کار را به برادرش میرزا عبدالوهاب واگذاشت و خود با شاعران و ادیبان اصفهان، هاتق، عاشق، آدره، مشفق و صبا به معاشرت پرداخت. طیب در سرودن حرز آوانا بود. از آثار وی «دیوان» شعر، مشتمن بر قصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات؛ مثنوی «محمود و ایاز» در حدود ۳۰۰۰ بیت

ارستان (س ۷، ش ۲ و ۳، ص ۱۰۱)، تاریخ ادبیات ایران، برون (۴/ ۱۸۶)، تذکره روز روشن (۳۹۹)، تذکره الشعراء (۳۹۹، ۳۹۷)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۱۸)، دویست سحرور (۲۱۵، ۲۱۴)، الذریعه (۹/ ۶۴۵، ۶۴۴)، سفیة المسمود (۱/ ۲۵۴، ۲۵۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶)، نعت نامه (دیل / طیب اصفهانی)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۲۱-۷۲۱)، منظومه های درسی (۳۷۹-۳۸۰)، مرثیة التواریخ (۳۸۸)، نگارستان دارا (۲۲۷)، پیم (ص ۱۸)، ش ۲، ص ۲۱۲).

طیب اصفهانی، نصیرالدین، میرزا نصیر / محمد نصیر حسینی شیرازی، فرزند میرزا عبدالله. (وف ۱۱۹۱ ق)، شاعر و طیب. در چهارم به دنیا آمد و در اصفهان به تحصیل پرداخت و به سبب اقامت طولانی در آن شهر به اصفهانی مشهور شد. به علت جامع الاطراف بودن در علم، به نصیرالدین ثانی یا نصیرالدین محمد ثانی شهرت یافت. وی جد بزرگ فرصت شیرازی و طیب و ندیم خاص کریم خان رند بود. نصیرالدین طراح مسعود وکیل و

به طبعی در روسی کند (کن) و مولفان به دنیا آمد. در قزوین نشو و نما یافت. در آثار جوانی به هندوستان سفر کرد و از شهرهای مختلف هندوستان دیدار نمود. تا ۱۰۲۶ ق دوبار به هند سفر کرد. در ۱۰۳۶ ق برای بار سوم به هندوستان رفت و دو سال در خدمت آصف خان ثانی از ارکان دولت جهانگیر پادشاه بود. وی به نقل تذکره «نصرآبادی» از شاگردان و مصاحبان حکیم شدنی اصفهانی است. صاحب تذکره «میخانه» در ضمن سفر هند، در ۱۰۲۶ ق، او را دیده و می نویسد که "سقی نامه گفته بود و دیوانی ترتیب نداده ولیکن قریب به سه هزار بیت از برده خیال بر روی کار آورده بود"

آتشکده آذر (۳/ ۱۱۹۵-۱۱۹۴)، تذکره روز روشن (۲۹۸)، تذکره میخانه (۱۸۵۳-۸۵۱)، تذکره نصرآبادی (۲۰۵۳-۲۰۴)، الذریعه (۹/ ۶۴۴)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶)، کارون هند (۱/ ۸۰۶-۸۱۳)، نعت نامه، دیوان / طبعی، میورد (۲/ ۲۸۹-۲۹۰)

طیبی سیستانی. (س یازدهم ق)، شاعر از بزرگان ادگان سیستان و از اقوان ملازمانی یزدی (م ۱۰۱۷ ق) بود اشعاری از او به جا مانده است. ۱۵؛ آذر (۱/ ۴۲۳)، تذکره مصری دی (۱/ ۳۱۲-۳۱۱)، الذریعه (۹/ ۶۴۴)، فرهنگ سخنوری (۵۸۶)، نعت نامه / دیوان / طبعی).

طیبی نژوسی - طبعی رازی.

طیبی کند و سولقانی - طبعی رازی، اسماعیل.

طیب، محمد مسیح، فرزند محمد صادق. (س یازدهم ق)، طیب و دانشمند. از پزشکان نامی عهد صفویه بود. او طب را نزد حکیم محمد مؤمن فراگرفت و همانند استاد خود در داروشناسی مهارت داشت. به روزگار شاه سلیمان (۱۰۷۷/۱۱۰۵ ق) و شاه سلطان حسین به طبابت مشغول بود. از آثار وی: نسخه «معجون مسیحی» ۱؛ نسخه «مفرح مسیحی»؛ کتاب «دمتور مسیحی»؛ در فن پزشکی تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۷۹۹).

طیب اصفهانی، میرزا زین العابدین. (س سیزدهم ق)، شاعر و طیب. صاحب تذکره «اختر» درباره او نوشته

متخصص به طیب. در شیراز به دنیا آمد و علوم عقلی را نزد ملا احمد یزدی و حکمت طبیعی را از حاج میرزا سید رعی فراگرفت. او با عارفان معاشرت داشت. وی از معاصران رضائلی خان هدایت بوده و لی چند سال پیش از تألیف کتاب «مجمع الفصحا» درگذشت. برخی از تذکرها در سال مرگ وی اختلاف دارند.

حذیقه ششمه (۲/ ۱۱۰۶-۱۱۰۷)، دانشمند و سخن
سرای فارس (۳/ ۵۱۹-۵۲۰)، الذریعه (۹/ ۶۴۵)، ریاض
المعارف (۲۶۸-۲۶۷)، طرق الحقائق (۲/ ۳۳۶-۳۳۷)،
فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۷۳-۱۱۷۴)، برهنگ سخنوران
(۵۸۷)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۲۱)، مرآت الفصحا
(۳۷۵-۳۷۶)، مصطفیٰ خراب (۱۲۱).

طیب شیرازی، تقی الدین، (س دهم ق)، طیب از
پرشکان عهد سلطان سلیمان خان (۹۷۴-۹۷۶ ق) و از
شدگردان ضیاءالدین منصور حکیم دشتکی مشهور بود. از
آثار وی: «انیس الاطباء» در طب، که کتابی است مشتمل
بر مجربات.

ریحانه (۱/ ۳۴۲)، کشف الطیر (۱۹۷).

طیب شیرازی، حلال الدین احمد ← جلال طیب
رازی

طیب شیرازی، منصور، فرزند محمد، (ز ۷۹۸ ق)،
طیب، از خاندان معروفی از پرشکان شیراز بود. از آثار
مهم او در این رشته کتاب «تشریح الیمن» یا «تشریح
منصوری» یا «تشریح الابدان» است که در ۷۹۸ ق آن را در
پنج بخش به نام امیرزاده پیر محمد بهادر خان گورکانی به
رشته تحریر درآورد. این کتاب تأثیر بسزایی در پیشرفت
علم تشریح داشته است. اثر دیگر وی «کفیه مجاهدیه» یا
«کفیه منصوری» است که آن را به نام سلطان
زین العابدین مظفری تألیف کرده است.

بررکان شیراز (۲۲۶-۲۲۷)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی
(۷۰۸-۷۰۷)، الذریعه (۳/ ۱۸۵-۱۸۶)، ۱۸/ ۹۸-۹۹.

طیب شیرازی، نجم الدین محبوبه، فرزند
صاین الدین الیاس، (وف ح ۶۹۰ ق)، طیب، نویسنده و
شاعر وی از خاندان معروفی از پرشکان شیراز بود که
مورد توجه خاص رشیدالدین فضل الله همدانی قرار
داشت و در طب و فقه صاحب نظر بود. وی ریاست

نعمت کننده قله آن بود. از آثارش: «اساس الصحه»، در
طب، به عربی؛ «جام گیتی نما»، در حکمت، به فارسی؛
«احل الثوبیم»، در نجوم، به فارسی؛ «دیوان» شعری مثنوی
«پیر و چران» یا «بهار و حزان» که مشهورترین اثر وی بوده
و به نام «بهریه» نیز مشهور است.

آثار مجسم (۱۰۷-۱۰۸)، بزرگان چهارم (۳۵۴-۳۷۲)،
تذکره القصر، (۵۲۴-۵۲۳)، دویست سخنور (۲۱۶-۲۱۷)،
الذریعه (۵/ ۲۶، ۷/ ۶۷، ۹/ ۱۱۹۷، ۱۲۰۰)، ریحانه (۶/
۱۸۸-۱۸۹)، سینه المصمود (۱/ ۳۲۷-۳۳۰)، صبیح
گلشن (۵۲۴)، قرنگ سخنوران (۹۳۶)، لغت نامه (ذیل)،
نصیر، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۳۷-۱۰۳۶)، مستطرب های
فارسی (۳۷۹-۳۷۸)، نگارستان دار (۲۶۲-۲۶۶).

طیب پروچردی، میرزا محمد، (س سیزدهم ق)،
شاعر و طیب. از اهالی پروچرد بود. برای تحصیل به
کردستان رفت و مدتی در آن دیار حکیم یاشی امان الله خان
والی آنجا بود و بعد از مدتی به پروچرد مراجعت کرده و
مشغول خدمت محمد تهی میرزا شد و در همان شهر
درگذشت. از اوست:

ر ساده دوش چنان مست کرد ساده فروشم
که تا به صبح نیامد خراب باده دوشم
چمن اگر همه باغ بهشت بی تو نخواهم
شراب اگر همه آب حیات بی تو نوشم

حذیقه ششمه (۲/ ۱۱۰۶-۱۱۰۷)، سینه المصمود (۱/
۲۶۲-۲۶۳)، برهنگ سخنوران (۵۸۷)، مصطفیٰ خراب
(۱۲۵-۱۲۴)، نگارستان دار (۲۲۶).

طیب تهرانی، میرزا محمد، فرزند میرزا خلیل، (س
سیزدهم ق)، پزشک و مترجم. پدرش در اوایل سلطنت
ناصرالدین شاه قاجار طبابت می کرد. میرزا محمد کتاب
«ویلیه در طب» را که مربوط به یکی از اعضای اروپایی بود
ترجمه و تهلیت کرد.

نهرست کتبهای جدید فارسی (۲/ ۳۳۹)، مؤمن کتب
چابی (۵/ ۲۶-۲۶۲).

طیب رازی، بهاء الدوله سید حسن ← شاه بهاء الدوله
رازی.

طیب شیرازی، آقا عهده، فرزند حاج علی اصغر/
علی عسکر جرج (س سیزدهم ق)، طیب و شاعر،

احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۱/۴)

طیبی کاشانی، میر مظفر. (وف ۹۳۰ ق)، شاعر و
طیب وی از طیبیان حادق بوده و غزل را سوز نیکو
می سروده است. از اوست
آمد رقیب و طره جانان من گرفت
گوی اجل رسید و رگ جان من گرفت
تاریخ نظم و شعر (۶۸۵)، تذکره روز روشن (۴۹۹)،
فرهنگ سخنوران (۵۸۷)

طیبی طیبی، (س یازدهم ق)، شاعر وی از شاعرانی
بوده که در موسیقی نیز مهارت داشته و از اهالی طلس
بوده است. اشعاری از او به جا مانده است.
الدیمه (۶۴۵/۹)، تذکره نیرآبادی (۲۲۳).

طرائفی غری نیشابوری، ابوالحسن احمد بن محمد
بن عبدوس. (وف ۳۴۶/۳۴۷ ق)، مستند و محدث نسبت
وی به طرائفی به جهت فروش طرائف یا اشیاء طرفه و
ذدنی است که از چوب و تخته می سازید. وی از محمد بن
اشرف و سری بن خزیمه حدیث شنید؛ آنگاه به سوی
عثمان بن سعید دارمی رفت و بیشترین حدیث را از وی
شنید. ابوعلی حافظ و ابوالحسن خجاجی و حاکم و
ابن محمش و سلمی و یحیی بن سزگی و دیگران از وی
حدیث روایت کرده اند. حاکم گوید که وی محدثی صدوق
بود. گویا مدتی، برای تجارت، نه برای استماع حدیث، در
بغداد قامت داشته است.

انساب سمعی (۵۷/۴)، سیرالنبلا (۱۵/۵۱۹-۵۲۰)،
شذرات الذهب (۳۷۲/۲)، المبر (۷۲/۷)، النجوم الزاهرة
(۲۶۲/۳)، الروای بالریب (۸/۲۵)

طربری بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی بن محمد
بن محمد. (وف ۴۲۲ ق)، مستند، محدث، فقه و ادیب
حبلی، مسند خراسان و از بزرگان نیشابور بود. از
ابوالعباس اصم و ابوجامد احمد بن علی بن حسنویه و
ابوبکر محمد بن مؤمل و ابوعمر بن قطر و دیگران
حدیث شنید. ابوبکر خلیف بغدادی و صاعد بن مبارک و
ابوسعید علی بن عبدالله بن ابی صادق و دیگران از وی
حدیث شنیدند. ابونعیم حافظ از او اجازه روایت داشت.
الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۴/۱)، سیرالنبلا (۱۷/۱)،
شذرات الذهب (۳۲۵/۳)، المبر (۱/۲۷۸-۲۷۹)

بیمارستان دروازه درب سلم شیراز را بر عهده داشت در
شیراز درگذشت و در محله باغ بو دفن شد. طیب شعر
فارسی را نیک می سرود و آثاری به دو زبان فارسی و
عربی تألیف کرده است. از جمله: «البحار فی علم
التداوی»، «غیانیه»، در طب به فارسی؛ «مختصر»، در
طب؛ «لطایف الرشیدی»، «تحفة الحکماء»؛ «اسرار
لکاح».

تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۶۹۷)، الدیمه (۶۱/۲۳۶)،
۷۳/۱۶، درسامه ناصری (۲/۱۱۵۱-۱۱۵۲)، کشف
تعلیم و (۶۲۸)

طیب کاشانی، میرزا حبیب الله، فرزند علی اکبر. (س
سیزدهم و چهاردهم ق)، مؤسس، از دانش آمرحتگان
مدرسه دارالفنون بود اثر وی «متحب الهیة» است که در
۱۳۰۱ ق در تهران به چاپ رسید
المآثر والآثار (۲۰۳)، مؤلفین کتب چاپ ۲ (۴۸۷)

طیب کرمانی، عبدلرراق بن عبدالکریم بن
عبدلرراق. (س نهم ق)، نویسنده و طیب. وی از پزشکان
معاصر سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی (م ۹۱۶
ق) بود و کتاب «شفاء الامقام» را در طب به نام امیر علیشیر
نوایی تألیف کرد
تاریخ نظم و شعر (۲۷۳)، ندرمه (۲/۳۰۲-۳۰۳)

طیب هروی، محمد، فرزند یوسف. (س نهم ق)،
طیب در هرات می زیست در پایان عمر همراه
ظهیرالدین بابر (۹۳۷-۸۹۹ ق) به هندوستان رفت و رساله
«ضرایب و عجایب هندوستان» را در آنجا تألیف کرد
طیب کتابی نیز در لغات و اصطلاحات طبی به نام «جواهر
اللغه» یا «بحر الجواهر» دارد که نخست آن به نام
جلال الدین ملک دیباز، از امرای زمان خود، تألیف کرد و
سپس روایت دیگری از آن انتشار داد.
تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۷۱۵-۷۱۶)

طیب یزدی، محمد باقر. (ز ۱۰۷۰ ق)، خطاط. از آثار
وی: قرآن و تفسیر، جلد میشن مذهب اندرون سرخته
تحریر، دو صفحه افتتاح مس و حاشیه مذهب مرصع و
صفحه ها تماماً یک حاشیه تشعیرسازی مذهب دارد، به
خط نسخ کتابت حقی ممتد، با رقم: «محمد باقر متطلب
یزدی» ۱۰۷۰ ق.

الملک تخت فولاد و مسجد آخوند ملا محمد حسین کرمانی و سرای ملک در بازار شاه اصفهان و غیره به یادگار مانده است و از خطوط چاپی او هم دو اثر باقی است: یکی «ترجیح بند» عرفانی خود اوست و دیگر چند تصیده و قطعه، از خود ار که در اثناء و پایان «دیوان» پدرش، همای شیرازی، در ۱۳۳۰ ق به چاپ رسیده است. طرب علاوه بر کتابت گوناگون، در مرکب سازی و ساخت جوهر فرمز دانه و حرکاری و طلا سازی و زرافشان کردن کاغذها و بر در شاخش خطوط اساتید مستعین و تقویم قطعات و عرقعات و کتب نفیسه مهارت بسیار داشت و از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. وی در اصفهان وفات یافت و در صحن امامزاده احمد، در جوار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.

آثار می اصفهان (۲۱۰-۲۱۱، ۵۹۳)، احوال و آثار خوشویسان (۳/ ۸۵۳-۸۵۶)، احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۰۹۳)، ادبیس خط (۵۸۰)، تاریخ اصفهان (۱۰۴-۱۰۳)، تذکره المصور (۳۹۹-۴۰۰)، حقیقه الشعر (۲/ ۱۱۱۰-۱۱۱۲)، دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۵۲۴-۵۲۱)، دوست سخنور (۲۱۷-۲۲۰)، الذریعه (۹/ ۶۲۶)، شرح حال رجال (۶/ ۱۱۱-۱۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۵۷۶-۸۰۸-۸۱۰)، ۸۱۶-۸۱۷، ۸۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۱۰۶-۱۰۷).

طرب شیرازی، میرزا ابوالقاسم - طرب اصفهانی.

طرب مروذشتی شیرازی، محمد رفیع خان، فرزند محمد رفیع خان، (وف ۱۲۶۲ ق)، شاعر، متخصص به طرب. وی پس از پدرش ضابط مروذشت شد و در طول حیات، حکومت آن حدود را داشت و مدتی نیز معیز کارزون شد. از اوست:

ر بیم استقام وصل یار از هجر حشودم
که تواند فلک یک لحظه هرگز با مت سیند

حقیقه الشعر (۲/ ۱۱۱۲-۱۱۱۴)، دانشندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۵۲۸-۵۲۴)، الذریعه (۹/ ۶۲۶)، سفینه المصمود (۲/ ۵۳۵-۵۳۴)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۲۸-۷۲۹)، مرآت الفصاحه (۲۷۷-۲۷۸)، مصطفی خراب (۱۲۰-۱۲۱)، مکارم الآثار (۵/ ۱۶۹۲-۱۶۹۵).

طرب نایینی اصفهانی، میرزا محمد جعفر، فرزند

طراز یردی، میرزا عبدالوهاب، فرزند حاج عیدالکریم. (۱۲۲۴-۱۲۶۱ ق)، خطاط و شاعر. پدر وی از زرتشتیان یزد بود که مسلمان شده بود. طراز در یزد به دنیا آمد و از کردگی به تحصیل پرداخت. وی در خوشنویسی به چندین قلم سمت استادی داشت. میرزا عبدالوهاب پس از جدی به شاعری روی آورد و سپس به تهران آمد و به دربار محمد شاه قاجار راه یافت، اما مورد بی مهری حاج میرزا آقاسی صدر اعظم قرار گرفت و میرزا عیدالوهاب نیز به هجو وی پرداخت و بعد از مدتی چون احساس خطر کرد به یزد گریخت، اما مورد ضرب و جرح مأمورین صدر اعظم قرار گرفت. وی در یزد درگذشت و در همان شهر دفن گردید. طراز در فنون مختلف شعر و ادب مسلط بود و اشعاری در حقیقت امامان دین (پ) سروده است. در تذکره سخنوران یرد و الذریعه تاریخ و ادب او ۱۲۲۱ ق ذکر شده است. اثر وی «دیوان» شعری می باشد. تذکره سخنوران یرد (۹۴-۹۹)، حقیقه الشعر (۲/ ۱۱۰۷-۱۱۱)، الذریعه (۹/ ۶۴۵-۶۴۶)، سخنوران نامی مبصر (۴/ ۲۴۰۷-۲۴۱۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۱۹)، مصطفی خراب (۱۲۲-۱۲۳)، مکارم الآثار (۳/ ۷۸۳-۷۸۴).

طرب اصفهانی، میرزا ابوالقاسم محمد نصیر، فرزند رضاقلی همای شیرازی. (۱۲۷۶-۱۳۳۰ ق)، حصاص، نقاش و شاعر، متخصص به طرب. منتق به ملک الشعر، وی پدر استاد حلال الدین همایی است. او را می توان اصفهانی شیرازی گفت، چرا که محل تولد و نشو و نما و مدفن او در اصفهان بوده و نه این اعتبار اصفهانی است، اما به رعایت سبب و نژاد پدر و اسلافش، اصلش شیرازی است. طرب چهارده ساله بود که پدرش درگذشت و هنر، برادر بزرگتر وی، تعلیم و تربیت او را بر عهده گرفت. در حدود ۱۳۱۲ ق به تهران آمد و عضو انجمن ادب شد و در یکی از تصاویر خود که آن را «قصیده انجمن» نامیده، نام شاعران آن زمان تهران را که عضو انجمن بوده اند، آورده است. او را استاد وی می توان، آخوند ملا محمد کاشانی، میرزا محمد باقر چهارسویی و میرزا ابوالحسن جیه را نام برد. او در خط شاگرد میرزا عبدالرحیم امیر بود، اما هر شیوه خط مدتها از روی خط میر عماد و محمد صالح و آب محمد باقر سمسوری و رضا قلی ادیب شیرازی مشق می کرد، تا خود صاحب شیوه ای ممتاز گردید. در کتبه نویسی هم مهارتی بسزا داشت و نمونه کتیبه نویسیهای او در مسجد رکس

در اشعار خود مصادر و ترکیب‌های جعلی به کار می‌برد. عزری سفرهایی به قم، اصفهان، ترکستان، عراق، عربستان و مازندران داشته است. به گفتهٔ بعضی تذکره‌نویسان در ۱۷ ربیع الاول ۱۰۶۰ ق، روز تولد رسول اکرم (ص)، در نجف بوده است. از سال ۱۰۶۰ ق، محل مرگ او اطلاعی نیست. از آثارش: «دیوان» شعر.

تذکرهٔ رور روشن (۵۰۰)، تذکرهٔ شعراء آذربایجان (۲۵۸-۲۵۹)، تذکرهٔ نصرآبادی (۴۰۹، ۴۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۶-۲۳۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۲۳)، الذریعه (۹/ ۶۲۷)، ریحانه (۴۱/ ۵۰۲۹)، سرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مجمع الفصحا (۲/ ۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۵۱۵-۵۱۴).

طرزی شیرازی، (وف ۹۹۲ ق)، شاعر معروف به میر عزری طریح از سادات شیراز بود که به تصویرگری اشتغال داشت و دکانش مجمع شعرا بود. در شعر از طریقهٔ نابا فعالی پیروی می‌کرد.

تذکرهٔ رور و شن (۵۰۱)، دانشمندان و سفر سرایان روس (۳/ ۵۲۸)، الذریعه (۹/ ۶۴۷)، سرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مرآة الفصاحه (۳۷۹-۳۸۰).

طرسوسی، ابوطاهر محمد بن علی /حسن بن علی بن موسی، (من ششم ق)، نویسنده و داستان‌سرا وی یکی از داستان‌سرایان چیره دست سدهٔ ششم قمری بود. نسبت وی به شهر طرسوس در آسیای صغیر می‌رسد، که زادگاه اصلی خاندان وی بوده است و افراد این خاندان بعد از ضعف خلافت عباسی از محل خود به ایران کوچ کرده‌اند. محل اقامت وی در ایران مشخص نیست، ولی ما توجه به نشاء و زبان او، ظاهراً در خراسان یا یکی دیگر از نواحی مشرق ایران بوده است. وی چند داستان منشور دارد، از جمله: «قهرمان نامه»، «آزاراب نامه»، که داستان آزاراب پادشاه داستانی، فرزندان همای چهارآزاد و پدر او بهمن و بهلوانیهای او و دیگر داستانها است.

تاریخ نظم و نثر (۷۱)، حماسه سرایی در ایران (۵۲۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۳۲۰)، گنج گنجینه (۷۱-۷۰).

طرسوسی اصفهانی، ابوجعفر محمد بن اسماعیل بن محمد، (۵۹۵-۵۹۴ ق)، مستند، محدث و فقیه حسلی. وی از ابوعلی حداد و یحیی بن منده و محمد بن طاهر و محمد

میرزا محمد حسین، (س سیزدهم ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد. وی در نزد ملا محمد علی همدانی یزدی علوم عربی و ادبی و تفسیر آموخت و علوم عقلی را نزد ملا اسماعیل واحدالمعین تحصیل کرد و از محضر ملا ولہ الله هزار جریبی و آقا محمد کاظم والہ نیز تحصیل کمالات کرد. در ۱۲۲۵ ق به تهران آمد و کتابی بر سیاق «تاریخ و صاف» یا «وصاف الذخیره» نوشت. سپس از ملازمان محمد ولی میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، حکمران یزد شد و در دیوان انشاء وی ریاست یافت. از آثار وی مجموعه‌ای مشتمل بر نظم و نثر عربی و فارسی و ترکی موسوم به «خزینة طرب» که در سه حقه است و هر حقه محتوی پنج عقد که به تقلید «گنجینه» نشاط اصفهانی ترتیب داد.

تذکرهٔ سخنوران یزد (۲۰۳-۲۱۱)، تذکرهٔ القیود (۳۹۹)، حذیقه الشعر (۲/ ۱۱۱۶-۱۱۱۶)، الذریعه (۷/ ۱۵۸)، ۱۵۹، ۲۶۶، لغت نامه (ذیل / طرب ساینی)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۱۲-۷۱۷).

طرب همدانی، میرزا یوسف شیخ الاسلام، (وف ۱۲۳۵ ق)، شاعر. در همدان به دنیا آمد. پدر وی میرزا یوسف، همگی در همدان دارای منصب شیخ لامیادی و صاحب اتوا و متصدی قضا بودند. خود وی نیز سر پدران عهددار منصب شیخ الاسلامی بود. ابتدا علوم عقلی را فراگرفت، سپس در اصفهان تحصیل علوم دینی و اصول فقه کرد و آن‌گاه به تهران آمد و مورد توجه حکام وقت قرار گرفت و مدتی معلم شاهزاده محمود میرزا، مؤلف «سفینهٔ المحمود» بود. بعد به همدان بازگشت و مورد لطف و عنایت محمدعلی میرزای دولتشاه قرار گرفت. وی در حوالی فروش درگذشت. اثرش «دیوان» شعری مشتمل بر سه هزار بیت می‌باشد.

حذیقه الشعر (۲/ ۱۱۱۶-۱۱۱۷)، الذریعه (۹/ ۶۲۶)، سفینهٔ المحمود (۱/ ۲۵۴-۲۵۷)، سرهنگ سخنوران (۵۸۸)، لغت نامه (ذیل / طرب همدانی)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۲۹)، مصطلح صرف (۲۵)، نگارستان دار (۱۱۱۶-۱۱۱۷).

طرزی افشار، (وف ۱۰۶۰ ق)، شاعر اصل وی از طرزیلوی تریه‌ای در دو فرسخی رومیه بود و از شاعران عهد شاه صبی اول و شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) طرزی در سخنوری طرز خاصی داشت، بدیهه‌گر و ظرافت‌جو بود و

«المآثر والآثر» (۱۳۰۶ ق) در گذشته بود. از آثار وی تذکره‌ای به نام «خارن لاشعارة» که به دستور ناصرالدین شاه کتابت کرده است. «دیوان» شعر و قطعه‌ای به نظم چهار دانگ و نیم در دانگ خوش، با رسم: «مشفه المبد فرج الله» که احتمالاً به خط او است.

بحرال و آثار خوشنویسان (۵۹۹/۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱/ ۲۱۹-۲۱۲)، حلیة الشجره (۲/ ۱۱۸-۱۲۱)، اللزیمه (۹/ ۶۴۸)، شوح حال رجال (۶/ ۱۷۷-۱۷۸)، فرهنگ سخنوران (۵۸۹)، گنج شایگان (۳۳۱-۳۳۹)، لغت نامه (ذیل / طرفه محلات)، المآثر والآثر (۲۰۶-۲۰۵)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۱۸-۷۱۷)، مرآت الفصاحه (۳۸۱-۳۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۰۵)

طرقی اصفهانی، ابوالعباس احمد بن ثابت بن محمد (رف ۵۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حافظ و محدث. از اهالی حرق از روستاهای اصفهان است. در فقه و اصول و ادب و نویسندگی مهارت داشت. وی در اصفهان از عبدالوهاب بن مشه و مظفر بن عبدالواحد بزرگ و عثمان بن محمد مخیمی و در هرات از ابواسماعیل انصاری و در بغداد از ابوالقاسم بن یسری و در بصره از ابوعلی تستری و در هراز از ابوسعید هرازی و همصنف آنان حدیث شنید. ابوالعلاء احمد بن محمد اصفهانی و ابوالفرج عبدالخان بن احمد از وی حدیث شنیدند. او تصانیف نیکویی در حدیث داشته است. معانی گوید که وی در «قدم روح» تصنیفی داشته است. ابن‌التجار کتاب «الذوایح فی اطراف الصحیحین» را از جمله کتابهای ربی وی ذکر کرده است. ابن حجر کتاب «الطراف الکتب الخمسة» را از جمله تصنیفات وی می‌داند.

انساب سیاسی (۴/ ۶۳) سیرالسلام (۱۹، ۵۲۸، ۵۲۹)، لسان المیزان (۱/ ۲۱۳-۲۱۴)، مجمع‌المؤلفین (۱/ ۱۸۱)، الرافعی یالونیات (۶/ ۲۸۲)

طرقی ساوجی، ظریفی ساوجی، محمود بیگ
ظریفی

طبری، ابوالحسن (س پنجم ق)، صوفی. وی از خطه فارس بود و در عهد خود از بزرگان صوفیه به شمار می‌آمد

طبقات الصوفیه مروی (۳/ ۶۰۵)، نقضات الانس (۲۷۹، ۲۸۰)

بن عبدالواحد دقاق ر محمود بن اسماعیل اشقر و ابی نهشل عبدالصمد حسری حدیث شنید. ابومرسی عبدالله بن عبدالغنی و یوسف بن خلیل و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او به احمد بن ابی الحیر اجازه روایت داد در «المبره»، صاحب عنوان تحت نام طرطوسی آمده است

سیرالبلاء (۲۱/ ۲۴۵-۲۴۶)، شذرات الذهب (۴/ ۳۲۰-۳۲۱)، المبر (۳/ ۱۱۲)، لتجزم الزاهرة (۶/ ۱۳۸)

طرقه، حسین، فرزند محمد کبظم. (لو ۱۲۹۲ ش)، پزشک و نویسنده. در کاشان به دنیا آمد. دوره ابتدایی و متوسطه را در دارالعلوم گذراند پس از آن به دانشکده پزشکی راه یافت و در ۱۳۱۷ ش فارغ التحصیل گردید. در ۱۳۲۰ ش در وزارت بهداشتی به سمت چشم پزشکی استخدام شد و در ۱۳۳۱ ش برای گذراندن دوره تخصصی تراخیم شناسی به فرانسه، مراکش و الجزایر مسافرت کرد و پس از اخذ دیپلم عالی تراخیم شناسی از دانشگاه الجزیره برای مطالعه در تراخیم به اسپانیا و ایتالیا مسافرت کرد. در ۱۳۳۳ ش به ایران مراجعت کرد و در بیمارستان فیروزآبادی مشغول کار شد. در ۱۳۳۶ ش برای ابراد سخنرانی درباره درمان تراخیم از طرف ریاست بیمارستان چشم پزشکی به پاریس دعوت شد و همچنین سخنرانی وی در محله رسمی بین المللی تراخیم شناسی پاریس به چاپ رسید. اثر وی: «تراخیم شناسی».

دهرست کتبه‌های چاپی فارسی (۱/ ۸۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۷۲-۷۷۳)

طرفه محلاتی، میرزا فرج الله (س سیردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به طرفه. ملقب به خازن الاشعار. اصلش شیرازی و برادر بزرگ حبیب‌الله خساقانی است. در طفولیت، پدر آنها از شیراز به محلات رفت و متوطن شد. میرزا فرح لله در آنجا به کسب علم و هنر پرداخت و از علوم متداول زمان خود بهره‌ها برد و در حفظ مستعین سرآمد گردید پس از چندی به تهران آمد و هنگامی که بهس میرزا به ایات آذربایجان می‌رفت، به ملازمت او گماشته شد و عهده‌دار دیوان رسائل گردید. سپس به تهران بازگشت و جزو مداحان ناصرالدین شاه شد و چون اشعار شاه را به خط خوش کرده آورد ملقب به خسارن الاشعار گردید. وی هنگام تألیف «مجمع المصاحف» (۱۲۸۸ ق) هنوز می‌زیست و در زمان تألیف

طسوجی، آقا احمد، فرزند آقا علی اشرف (۱۲۳۲/۱۲۳۹ - شهادت ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. سستش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کر بلا به دنیا آمد. مادرش دختر علی مرادخان رید بود. نیای بررگش ملا عبدالهی طسوجی از بویغ علما در دولت رندیه بود. در کر بلا نشو و نما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در ۱۲۵۴ ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در ۱۲۵۷ ق به نجف بازگشت و در محضر بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ و از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قصیده نجیب پاشا در کر بلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخی «شد شهید اشعیا افسوس وی» بود. از آثار وی: کتاب «کشکول»؛ حواشی متعرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»؛ «اتمام»؛ حاشیه بر «تفسیر» سیماوی؛ «الرحمة الی الحجار» یا «سفرنامه حجار»؛ «دیوان» شعر اعیان السیمة (۲/ ۳۹)، ریحانه (۲/ ۵۶)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳/ ۹۷)، مکرم الآثار (۳/ ۸۵۹).

درگذشت طسوجی به دستور شاهزاده بهمن میرزا، از پسران عباس میرزا نایب‌السلطنة، با همکاری میرزا محمد علی خان اصفهانی متخصص به سرورش، ترجمه کتاب «الف، ب، ج و د» را از عربی به فارسی با نام «هزار و یک شب» به عهده گرفت، ترجمه نثر این کتاب مربوط به طسوجی است و سرورش نیز به جای اشعار عربی آن شعرهای فارسی سروده و انتخاب کرده است. این کتاب در تبریز به خط میرزا علی خوشنویس به چاپ رسیده است.

از صبا ییما (۱/ ۱۸۵-۱۸۲)، الذریعة (۲/ ۲۹۲، ۲/ ۸۰)، ریحانه (۴/ ۵۶)، شرح حال رجال (۲/ ۲۷۵-۲۷۶)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۴/ ۱۲۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۴۷)، المآثر والآثار (۲۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۲۵-۹۲۳)، پاداشتهای قریبی (۸/ ۲۰۸-۲۰۵).

طسوجی، ملا عبدالنبی - آخروند طسوجی، ملا عبدالنسی

طغانشاه، فرزند مؤید آی آبه، (س ششم ق)، شاعر ملقب به عضدالدین، وی از حاکمان خراسان بود، که پس از سلطان سنجر سلجوقی بر خراسان مستولی شد و در سال ۵۶۹ تا ۵۸۱ ق در پیشاور حکمرانی کرد. کافرک و ظهیر قاریابی از معاصران وی بودند و ظهیر وی را مدح گشت.

ساریح ادبیات در ایران (۲/ ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴)، تذکره رور روشی (۵۰۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۲۵)، فرهنگ سخنران (۵۸۹)، لیاب‌الکتاب (۱/ ۴۶)، بحث‌نامه (ذبی/ طغانشاه).

طغانیان دهکردی، محمد، (تو ۱۲۹۹ ش)، قرازنده در دهکرد (شهر کرد فعلی) بروحرد به دنیا آمد. در سیزده سالگی به تهران آمد و نزد استاد صبا به فراگیری موسیقی پرداخت و در نواختن کمانچه مهارت یافت، سپس به اصفهان رفت و تعالیم هنری خود را از شانزده سالگی، تعدادی رادیو ارتش و سپس با رادیو اصفهان آغاز کرد. او به ره کنسرت‌های متعدد برای غنایان دادن موسیقی سنتی، در خارج از کشور اجرا کرده است.

مردان موسیقی (۳/ ۱۹۶-۲۰۰)

ضفرای تیرمزی - ع ظفری مشهدی.

طسوجی، سید علی اکبر، فرزند آقا میرزا حسین، (تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی، در طسوج آذربایجان به دنیا آمد. ادبیات را از عمری خود آقا سید علی طسوجی آبرو محقر در ۱۳۳۶ ق به تبریز رفت و در آنجا به کسب کلمات پرداخت. در ۱۳۴۱ ق به نجف مشرف شد و از محضر آیت‌الله نایینی و شیخ محمد حسین اصفهانی، صاحب حاشیه بر «کفایه»، و میرزا علی بیروانی استفاده کرد. معقول را برد آقا سید حسین نادرکویه‌ای و آقا میرزا احمد آشتیانی فرگرفت. در ۱۳۵۱ ق به قم رفت و از محضر آیت‌الله حائری بهره‌مند شد. وی در علم هندسه کتابی دارد و کتابی دیگر موسوم به «التخلیص والتشریح» بی‌نا دانشوران (۲۳۸).

طسوجی، ملا عبداللطیف، (تو ۱۳۰۶-۱۲۹۴ ق)، نویسنده و مترجم از مردم طسوج آذربایجان و ساکن تبریز بود که از یک خانواده روحانی برخاست و فارسی و عربی و علوم دینی را فراگرفت و به سنگ روحانیون و اهل منبر درآمد و لقب ملاذشی گرفت و چون به حج رفت، ملقب به حاجی ملاذشی شد. پس از درگذشت محمدشاه، با ولیمهد و میرزا تقی خان امیرکبیر به سوی تهران آمد ولی در قزوین به علت پیروی از آنها جدا شد. وی سپس به صتات رفت و ساکنان اسحاق معتکف بود و همان جا

نگارش فرمان‌های رسمی حکومتی بود. ابتدای امر در فرد حواجه نظام‌الملک به سر برد و در قصاید خود او را ملح گفت. در ۵۰۵ و دیوان طعرا و انشا سلطان مسعود بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی به وی واگذار شد و در همین سال به سبب گرفتاری که در بغداد برای او پیش آمد، نصیحه معروف «لامیه لعجم» را سرود و همین قصیده از اسباب عداوت و اشتباه او در ادب عربی است. طعرا بی‌چونگی که میان سلطان مسعود با برادرش سلطان محمود در نزدیکی همدان در گرفت، اسیر و به دست وزیر سلطان محمود گشته شد. از دیگر آثار وی: «ارشاد الاولاد»، «ترکیب الانوار»، «جامع الامراء»، «حقایق الاستبانات»، «دات لقوات»، «الرد علی ابن سینا»، «مفاتیح الرحمة و مصابیح الحکمة»، «دیوان» شعر.

الاحلام (۲/ ۲۶۷-۲۶۸)، ایمان الشیخ (۶/ ۱۲۷-۱۳۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۰۳۸-۱۰۳۹)، تاریخ ادبیات عربی (۵۲۴)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۲۶)، الدریچه (۹/ ۶۴۸-۶۴۹، ۱۳/ ۲۷۴-۲۷۵، ۱۷/ ۸-۱۹، ۱۸/ ۲۷۲-۲۷۳، ۲۱/ ۳۰۲-۳۰۳)، روایات الجنات (۳/ ۱۸۱-۱۸۳)، ریخته (۲/ ۵۹-۵۷)، سیرالنبله (۱۹/ ۲۵۵-۲۵۲)، تسنونات الذهب (۲/ ۲۱-۲۲)، شهبان راه فصیلت (۸۷-۸۸)، طبقات اعلام الشیخه (قرن ۶/ ۸۰)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۷)، کشف الظنون (۶۸/ ۳۹۴، ۵۳۴، ۵۷۲، ۷۹۸، ۸۲۱، ۸۲۸، ۱۵۳۷، ۱۷۵۵)، انکی و لالقاب (۲/ ۳۲۹-۳۵۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسین طعرا)، طعرائی، فخرالکتاب، معجم‌الادباء (۱۰/ ۷۹-۵۶)، معجم‌المؤلفین (۴/ ۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۲۰)، التهجیرم‌الزاهرا (۵/ ۲۲۰)، الراسی بالوفیات (۱۳/ ۳۳۱-۴۳۹)، ریفات‌الاهیان (۲/ ۱۸۵-۱۹۰)، هدیه‌العارفین (۱/ ۳۱۲-۳۱۱).

طغرل اصفهانی، علی محمد، (ر ۱۳۰۷ ق)، شاعر و خطاط، وی برادرزاده تاج الشعرا شهاب بود. صاحب فرهنگ سخنوران، بخش شهاب، بخش اولیه طغرل ذکر کرده و شهاب اصفهانی را با طغرل اصفهانی یکی می‌داند. مدتی در شیراز و سپس در تهران اقامت گرفت. او مدتی هم در اصفهان در دیوان خانه هدیه در خدمت میرزا سلیمان‌خان رکن‌المنک منشی بود. قسمتی از اشعار وی در «حدیقه الشعراء» آمده است.

حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۲۱-۱۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۹).

طعرا مشهده، ملا طعرا (س یازدهم ق)، شاعر و نویسنده، وی از شاعران و نویسندگان پرکار و خوش فکر عهد صفویه است که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و چندی ملارم شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق) بود. در ترمیمی دستی توانا دشت و شیوه‌ای خاص ابداع کرد که مورد پسند فارسی زبانان هندوستان قرار گرفت و رسائل منثور او مدتها جزو کتب‌های درسی دبستانی آن سامان بود. وی بدون دلیل به هجو شاعران خوشنام زمان خود پرداخته است. طعرا با شاهزاده محمد مراد در ۱۰۵۷ ق در مرگه بلخ و تسخیر آن همراه بود و بعد به کشمیر رفت و در آنجا ساکن شد. وی آخر عمر در کشمیر عزلت گرفت و درگذشت و در مرار شعرا در جوار گلیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود ده هزار بیت؛ مشاتل شامل: «فردوسیه»، «تاج‌المذایح»، «انعامیه»، «مرآةالمعرج»، «الحلیات»، «کنز‌المعانی»، «مرتعات»، «مجمع‌الفراسد»، «معیار الادراک»، «چشمه فیض»، «وجودیه»، «برخانه»، «کلمه‌الحق»، که اغلب آنها چاپ شده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۷۷۰-۱۷۷۲)، تذکره پیمانه (۲۸۹-۲۷۷)، تذکره شعرای آذربایجان (۲/ ۱۰۳۲-۱۰۳۳)، تذکره شعرای کشمیر (۲/ ۷۳۰-۷۶۶)، تذکره شریعتیه (۸۲۳)، تذکره نصرآبادی (۳۳۹-۳۳۰)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۲۶)، الدریچه (۹/ ۶۴۹، ۲۳/ ۳۱-۳۶)، بهرستور: کتبهای فارسی (۱/ ۱۸۷)، کاروان هند (۱/ ۸۱۳-۸۱۸)، دگرلو جویان (۲/ ۸۵۱)، لغت‌نامه (ذیل / طعرا)، مطبع‌النسب (۲/ ۴۳۷)، منظومه‌های فارسی (۳۸۰)، تاریخ الامکار (۲۴۱-۲۴۲).

طعرائی، حواجه جان، (س دهم ق)، خطاط اصلش قزوینی است. چون طعرائی عاشق و احکام را بسیار خوب می‌درشت، به طعرائی شهرت یافت. گستاخ (هر ۴۴).

طعرائی اصفهانی، ابواسماعیل حسین بن علی بن محمد بن عبد‌الصمد، (۴۵۳-مقتول ۵۱۳ ۵۱۵/۵۱۸ ق)، شاعر، ادیب و نویسنده، ملقب به مؤیدالدین، عمید و فخر الکتاب. معروف به طعرائی. وی از استادان بزرگ شعر و ادبیات عرب است، که در خانواده‌ای که نسب خود را به ابرالاسود دؤلی می‌رسانید، در اصفهان تولد یافت. شهرت طعرائی به جهت اشتغال او به منصب طعرائی‌سی یا

طغرل مسجوقی، وکن الدین ابوطالب فرزند ارسلان بن طغرل، (۵۶۲ هـ مقتول ۵۹۰ ق)، شاعر. وی آخرین پادشاه سلاجقه هراق است که بعد از وفات پدر به سعی اتابک جهات پهنان، در (۵۷۱ ق) به سلطنت رسید و تا اورنده بود منطقه قروین در امن و رفاه بود. وی سرانجام در جنگ با سلطان تکش کشته شد. ار اوست:

دیروز چنان وصال جان افروزی
و امروز چنین فراق عالمسوزی
افسوس کسه در دفتر عمرم ایام
یمن را روزی نویسد آن را روزی

اشکده آذر (۱/ ۷۳)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۲۶)،
الذریعه (۴/ ۶۲۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۹، ۵۹۰)، لایب
الایاب (۱/ ۲۴۰۲۱)، لغت نامه (ذیل / طغرل)، مجمع
معص (۱/ ۷۳، ۷۴).

طغرل قاجار، محمد ابراهیم خان، فرزند مهدی قلی
خان قاجار قواملو. (وف ۱۲۴۰/۱۲۴۱ ق)، شاعر،
متخلص به طغرل ملقب به ظهیرالدوله. وی پسرعمو و
پسر خوانده و داماد فتحعلی شاه قاجار بود. پس از چندی
خدمت در دربار، مأمور حراست راهبای فارس و اصفهان
شد. سپس حاکم بلوچستان و کرمان گردید و تا پایان عمر
حاکم کرمان باقی ماند. او در یزد شیخ محمد احسانی را
دیدار کرد. در تهران درگذشت. در اکثر کتابها سال و محل
مرگ پدرش را به اشتباه به وی نسبت داده‌اند. از آثارش:

حدیقه الشمره (۲/ ۱۱۲۳-۱۱۲۵)، الذریعه (۹/ ۶۴۹)،
ریحانه (۴/ ۵۹)، سینه المصنوع (۱/ ۴۵-۴۴)، شرح حال
وصال (۱/ ۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰)، مجمع
المصدا (۱/ ۷۶)، مصطفی حرات (۱۹)، نگارسان دار
(۳۷).

طفا نیشابوری، ابرالحسن محمد بن حسین بن
محمد. (۴۴۸-۳۵۹ ق)، قاری، مسجد و محدث. معروف به
ابن طفا. اصل وی از نیشابور است. پدرش در مصر
سکونت گزید و او در مصر به دنیا آمد. او از قاضی
ابوطاهر احمد دهلی و ابوالحسن بن حیویه نیشابوری و
ابو محمد حسن بن رشیق و احمد بن محمد بن سلیمه
خیاش و عبدالواحد بن احمد بن ابی محمد بن قتیبه و
احمد بن محمد بن هارون آسوانی و ابوطالب عباس بن
احمد هاشمی حدیث روایت کرده است. سهل بن یشر

اسفرائینی و ابوصادق مرشد بن یحیی مدینی و ابو عبدالله
محمد بن احمد رازی و ابومحمد عبدالعزیز نخشبی و
خفیه بت منشورین قانک از وی حدیث روایت کرده‌اند.
سلمی گوید که وی در مصر از مشاهیر راویان و ارتقات
ناید شده بود.

انساب سمعانی (۲/ ۶۸)، سیر النبلاء (۱۷/ ۶۶۵-۶۶۴)،
شعرا و شاعران (۳/ ۲۷۸)، العبر (۲/ ۲۹۲-۲۹۳)، لغت
نامه (ذیل / طفال).

طفیلی تبریزی، (س نهم ق)، شاعر، متخلص به طفیلی
پیشه دستار بندی داشت. طفیلی از بدگان جهان شاه
فرقوریونلو (۸۳۹-۸۷۲ ق) بوده است. طبعی روان داشته و
شعاری سروده که در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

در باغ ناشکفته به آن غنچه گل است
بر چوب کرده گل سرخوبین بلبل است

تحفه سامی (۲۵۳)، تذکره شرای آذربایجان (۲/ ۴۰۳-
۴۰۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۶)، الذریعه (۹/ ۶۴۹)،
سخنوران آذربایجان (۵۰۷)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰)،
لغت نامه (ذیل / طفیلی).

طفیسی جلایر، امیر حسن / حسین، فرزند علی. (وف
۹۲۵ ق)، شاعر، متخلص به طفیلی. از شاعران معاصر
سلطان حسین پایقر بوده و قصایدی در مدح وی سروده
است. طفیلی - امید شاعر، مکاتباتی داشته و بر خلاف
پدرش که در دربار بوده وی طریق راه و عرفان پیموده
است. شعری از او به جا مانده است.

اشکده آذر (۱/ ۷۴)، تحفه سامی (۳۴۳-۳۴۲)، تذکره
دور روشن (۵۰۲)، الذریعه (۹/ ۶۵۰)، ریحانه (۱/
۴۱۷-۴۱۶)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰)، مجالس السائن
(۱۰۹-۱۰۸).

طفیلی لاهیجی، (س نازدهم ق)، شاعر. وی از طبیبان
و شاعران عهد صفویه بوده که علاوه بر حذاقت در طب،
شاعر و منشی زبردستی نیز بوده است. مصرع‌آبادی (ز
۱۰۸۳ ق) که از معاصران وی است می‌نویسد که اقرون بر
«دیران» شعر از وی مشائی نثر به نظر رسید.
تذکره مصرع‌آبادی (۵۰۵)، الذریعه (۹/ ۶۵۰-۶۴۹)،
فرهنگ سخنوران (۵۹۰)، تانها و نامدارهای گیلان
(۳۱۸).

نورس بود. وی از دایی‌هایش، محمد بن عبید طنافسی و یعلی بن عبید طنافسی، و همچنین از ابوبکر بن عیاش و سنان بن سینة و ابومعاویه و ابن وهب و حفص بن غیاث و محمد بن فضیل و عبدالرحمن مختاری و وکیع و همطقة آنان حدیث روایت کرده است. ابن ماجه قزوینی و زیاد بن یوب طوسی و ابورزعه و ابوحاتم و ابن واره و علی بن حسین بن حمید رازی و محمد بن ابوب زاری و علی بن سعید بن بشیر رازی و حسین بن علی قاصی نرورین، بربریش، و یحیی بن عبدل از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابویعلی غنلی گریذ که علی بن محمد طنافسی و برادرش در قزوین مقیم بودند و بزرگان علم و دانش به نرد آنها می‌رفتند و آن دو جایگاه ویژه‌ای داشتند. اسحاقم رازی او را نقه‌ای راستگو توصیف کرده است.

التاریخ الکبیر (۶/ ۲۹۵)، نه‌دیب التهذیب (۷/ ۳۱۹)
 (۳۲۰)، الجرح و التمدیل (ج ۳ ق ۱/ ۲۰۲)، سیرالنبلاء
 (۱۱/ ۴۵۹-۴۶۱)، شذرات الذهب (۲/ ۶۹-۶۸)، طبقات
 الحفاظ (۱۹۷).

طنبوره، مولانا محمد، (س دهم و یازدهم ق)، نقاش، شاعر و نوآورنده. از نوآرندگان طنبور در عصر شاه عباس اول صفوی است. مولدش در فارس بود و در قزوین نشو و نما یافت. در اوایل جوانی، در ۱۰۱۴ ق به هندوستان رفت و از ملازمان خواجیه ویسی همدانی، از وزیران هندوستان، شد. پس از مدتی به دستگاه جهانگیر پادشاه گورکانی هند راه یافت و در سلک نقاشان دربار او قرار گرفت و در ۱۰۲۸ ق به شغل نقاشی مشغول شد. وی علاوه بر اسنادی در فنون نقاشی و موسیقی، در سرودن شعر نیز مهارت داشت. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد.

تاریخ موسیقی (۱/ ۳۲۷)، تذکره میخانه (۹۱۲-۹۱۶)،
 فرهنگ سخنوران (۸۱۵)، مبدور (۲/ ۲۹-۲۹).

طنبوره‌ای، سلطان محمود، (س دهم ق)، نوآورنده، هرمند عصر شاه طهماسب و شاه عباس صفوی و از ملازمان و ندمای سلطان ابراهیم میرزا پیرازاده شاه طهماسب بود. وی در طنبور ترازوی بی‌همتای بود.

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۱۷)، عالم آرای عباسی
 (۱۹۱/۱).

طنبوره‌ای، میرزا حسین، (س دهم ق)، نوآورنده. از نوآرندگان درجه اول طنبور در عصر شاه طهماسب و شاه

طلاکوب اصفهانی، رمضان، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط، مشهور به استاد رمضان. از هرمندان کتبه‌نویس است. از آثار وی کتبه‌هایی در آرامگاه سید حجة الاسلام در اصفهان که این کتبه‌ها اشعاری است به خط نستعلیق طلایی بر رویه مشکی.

آثار ملی اصفهان (۸۰۱)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان
 (۷۸۸-۷۸۷).

طلعت اصفهانی، آقا محمد، (س سیزدهم ق)، شاعر. وی به تجارت اشتغال داشت و در اصفهان زندگی می‌کرد. از آثارش: «دیوان» شعر، که حدود پنج هزار بیت می‌باشد و ی بیشتر به سرودن عزل تمایز داشت.

حديقة الشعر (۲/ ۱۱۲۶-۱۱۲۷)، الذریعة (۹/ ۵۵۰)،
 سمیة المحمود (۱/ ۲۵۹-۲۶۱)، فرهنگ سخنوران
 (۵۹۱)، مجمع الفصحی (۵/ ۷۲۸)، مصطفی خراب
 (۱۲۰)، نگارستان دار (۲۲۵-۲۲۶).

طلوخی اراکی، سید نضرالدین هاشمی، فرزند سید جلال، (۱۳۲۰-۱۳۶۹ ق)، شاعر، متخلص به طلوعی. از اراک به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در زادگاه خویش آیه پایان رسانید، سپس رهسپار قم شد و علوم تعلیمی از معاضل حرزة آن شهر فراگرفت و تا درس خارج پیش رفت و از درس آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی کسب فیض کرد. سپس به اراک بازگشت ولی طوولی نکشید که به تهران آمد و در وزارت کث وری مشغول شد. وی سرانجام در اراک درگذشت از آثارش: «دیوان» شعر
 الذریعة (۹/ ۴۵۰)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۴۲-۲۴۲۷).

طلوخی خواساری، (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی مدتها در دستگاه امیرخان سوکلی قورچی باغی (ز ۱۰۳۶ ق) بود. او بعد از فوت امیرخان درگذشت، از اوست، خون هزار بلبل زارم به گردن است
 در پای هر گلی که نشستم به یاد تو
 تذکره روز روشن (۵۰۳)، تذکره شماری خوانند
 (۱۵۱، ۱۵۰)، تذکره سمرآبادی (۷/ ۸۳، ۳-۲) فرهنگ
 سخنوران (۵۹۱).

طنافسی، ابوالحسن علی بن محمد بن اسحاق، (وی ۲۲۳ ق)، حافظ و محدث، ساکنی ری و قزوین و محدث

عباس صفوی بود و در فن خود بگفته عصر خویش به شمار می‌رفت. اسکندر بیگ، صاحب «عالم آرای عباسی»، می‌نویسد: «او در این فن برفی عظیم کرد و در عراق در طایور نواری منفرد و ممتاز بود اما در عالم جوابی به عالم بقا رفت».

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۹۱، ۳۱۲، ۳۱۷)، عالم آرای عباسی (۱/ ۹۱).

طوبی، سید عاشق. (ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به طوبی. از هنرمندان کتبیّه‌نویس بود و در اصفهان می‌زیست. از آثار وی: کتبیّه سر در مسجد مدرسه رکی الملک در اصفهان، به خط ثلث و با رقم ۱۱۳۲۰. «بعد الاقل الاثم سید هاشم المتخلص بطوبی ۱۱۳۲۰ آثار می اصفهان (۶۲۹)، تذکره القیوم (۲۳)، گنجینه آثار تاریخ اصفهان (۸۰۸).

طوبی، میرزا ابراهیم. (وف ۱۱۷۲ ق)، حکیم، ادیب، فیلسوف، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بود که در سخنوری توانا و در نظم هیت استاد بود. در اصفهان درگذشت و در بقعه امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد.

تذکره القیوم (۴۳)، الدرر (۹/ ۶۵۱)، رساله (۲۴/ ۶۲۴).

طوبی دژنوبی، شیخ محمد حسن. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر قسمتی از اشعار او در ۱۳۰۴ ق در دمشق ضمن مجموعه «مخزن الدرر» به چاپ رسیده است.

الدرر (۹/ ۳۵۱، ۲۰/ ۲۲۶-۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۸۲).

طوبی کاشانی، شیخ محمد حسین تاجر. (ز ۱۳۱۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به طوبی. از آثار چاپی وی، یک نسخه «دیوان» هلالی حقیقی است که به قلم کتابت متوسط نوشته و تاریخ ۱۳۱۵ ق دارد و چنین رقم نهاده: «این عید مدتب شیخ محمد حسین تاجر کاشانی المتخلص بطوبی...». از دیگر خطوط او: کتابت: «شرح دعای جوشن و صیاح»؛ «شرح منظومه»؛ «یوسف و زلیخا»؛ «دیوان حسین بن حسن کاشانی»؛ «شرح حکمة الاشراق»؛ «اسرار الحکیم».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۷۰۱-۷۰۲).

طوبی نایینی، میرزا سید محمد خان ثانی، فرزند حاجی میرزا حسن خان. (وف ۱۲۸۴ ق)، شاعر و ادیب در مدتی که پدرش کار وزارت با انشاء می‌کرد، او نیز نیابت نایین و سرحداری بلوچ و راهداری را در دست داشت صوبی مردی ادیب و صاحب قلم بود. اشعار عربی و فارسی وی در زمان حیاتش بالغ بر سی هزار بیت بود که به دلیل عدم جمع آوری خود در زمان حیات، بعد از مرگش فقط توانستند در حدود دو هزار بیت از اشعار وی را جمع آوری کنند.

حدیقه‌الشعر. ۲/ ۱۱۲۹-۱۱۳۰.

طوسی، ابوالبراهیم اسحاق بن ابراهیم بن عامر غرناطی (۶۵۵-۶۶۴ ق)، فارسی، محدث، ادیب و دانشمند در مراکش ادب آموخت. قسمتی از «صحیح» مسلم را از دایی مادرش، ابرهیدالله بن ررقون، استماع کرد و قرائت هفت‌گانه را نزد علی بن هشام جداسی آموخت. او از ابو محمد بن عبیدالله حدیث شنید و از ابو عبدالله بن خلیل قیسی، آخرین شاگرد ابوعلی عثمانی، اجازه روایت داشت. ابو جعفر بن ربیع از شاگردان وی بود. طوسی هر روز قرآنی ختم می‌کرد.

سیر النبلاء (۲۳/ ۳۰۰-۳۰)، نوای بالرباب (۸/ ۳۹۸).

طوسی، ابوبکر محمد بن علی بن محمد بن ابوالقاسم. (وف ۵۷۰ ق)، محدث و فقیه شافعی. وی از علی بن احمد بن اخرم و نصرالله نخشنامی و قصص بن عبد الواحد تاجر حدیث شنید. او «چهل حدیث» دارد که علی بن عمر طوسی آن را تخریج کرده است. هثمان بن ابوبکر خوششانی و محمد بن ابی طاهر عطاری و ابوحامد محمد بن محمد سمنانی و حسن بن عبیدالله قشیری و حزه زریتمه شعریه و دو فرزند این خانم، مؤید و بی بی، و همچنین عبدالمقادر رهاوی و چند تن دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

سیر النبلاء (۲۱/ ۶۵)، النجوم الزاهرة (۶/ ۶۹).

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن - شیخ طوسی.

طوسی، ابوجعفر محمد بن منصور بن داوود. (وف ۲۵۴ ق)، حافظ، محدث و عابد. ساکن بغداد بود. از سفیان بن عیینه و معاد بن معاد و اسماعیل بن عتیه و یعقوب بن ابراهیم زهری و سجی بن سمید فغان و هبطیه آنان

شیخ و استادش ابوحاتم رازی بر از وی حکایاتی روایت کرده است. ابوعلی خلیلی گوید که من شاگرد ده تن از شاگردان طوسی بودم، او را تصانیفی است که حاکی از علم و معرفت اوست. ابونعیم در «تاریخ» خود گوید که طوسی صاحب تصانیف بوده و از جمله آنها کتابی است در زمینه احکام که آن را «الاحکام» نامیده است.

تاریخ مشهور (۱۱۲) سیرالنبلاء (۱۴/ ۲۸۸-۲۸۷ / ۵ /

۸۶)، شذرات الذهب (۲۱/ ۲۶۴)، طبقات الحفاظ (۲۳۲)،

سیرالنبلاء (۲/ ۲۲۰-۲۲۱)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۶۴)

طوسی، ابوالفضل نصر بن ابوبصر محمد بن احمد بن یعقوب عطار (ح ۳۱۰-۲۸۳ ق)، حافظ و محدث، در طلب حدیث سفرهای بسیار کرد و از ابومحمد بن شریف و ابوحامد بن نلال و ابوعبدالله محاملی و ابن مخلد عطار و بن حنبله و محمد بن حسین قطان و ابن احرابی و محمد بن وردان عامری و احمد بن زکات کندی و ابن حبیب حصارثی و خیثمه و ربیع بن سلامه رملی و همطبعة آنان حدیث شنید. او دارای تصانیف فیکری بود حاکم و سلمی و ابونعیم و ابومسلم کنجروندی و دیگران از وی حدیث نقل کردند. حاکم گوید که او یکی از ارکان حدیث خراسان و در علوم صوفیه و اخبار آنان سرآمد اقران بود. مدتی تا شیخی «نظر بغداد» و چند تن دیگر از صوفیان مصاحبت داشت.

سیرالنبلاء (۱۷/ ۸۶)، شذرات الذهب (۲/ ۱۰۶)،

طبقات الحفاظ (۲۰۲)، النجوم الزاهرة (۲/ ۱۶۸)

طوسی، ابومحمد احمد بن محمد بن ابراهیم (وف ۳۳۹ ق)، حافظ، محدث و واعظ معروف به بلادری صغیر. از محمد بن ایوب بن ضریس و تمیم بن محمد حافظ و عبدالله بن محمد بن شیرویه و همطبعة آنان حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم گوید که او یگانه دوران خویش در حفظ و حفظ بود و مشایخ بزرگ همچون حافظ ابوعلی در محضرش حاضر می شدند و از حدیث خوانی او فرحناک می شدند و هیچگاه درباره اسناد یا اسمی و یا حدیثی بر او خرده نگرفتند. او در طایران طوس از دنیا رفت. از آثارش تخریج صحیحی به سبک «صحیح» مسلم است.

سیرالنبلاء (۱۶/ ۳۶)، شذرات الذهب (۲/ ۳۴۹)، طبقات

الحفاظ (۲۶۵-۲۶۶)، المعجم (۲/ ۵۶)

طوسی، ابومحمد حاجب بن احمد بن یحیی بن

حدیث شنید. اسوداورد سجستانی و بسایی در «سنن» هایشان و ابوحاتم و ابوجعفر طائفی و ابن صاعد و محمد بن هرون حصرمی و ابوعبدالله محاملی و عبدالرحمن بن یوسف بن حراش و عبدالله بن محمد بعری و دیگران از وی حدیث شنیدند. حافظ ابومسلم نقاش در کتاب «طبقات الصوفیه» گوید: این منصور طوسی استاد ابومسلم خزاز و ابوالعباس بن مسروق، احادیث بسیاری را نوشت و روایت کرد. از گفته های اوست. جاهل را به چهار چیز می شناسند، اول به غصب بی مورد، دوم افشاء راز، سوم اعتماد به هر کس، چهارم به نصیحت بی جا.

تاریخ مدد ۳، ۲۴۷-۲۵۰، تهذیب التهذیب (۹/ ۲۷۲-۲۷۳)

(۲۷۳)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۱/ ۹۲)، سیرالنبلاء

(۱۲/ ۲۱۱-۲۱۲)، طبقات الصوفیه هروی (۱۲۶-۱۲۹)،

النجوم الزاهرة (۱/ ۲۱۰)، الثوابی بالوفیات (۵/ ۷۰)

طوسی، ابوالحسن علی بن مسلم بن سعید (وف ۲۵۳ ق)، محدث و شنفد او را مسند عراق می گفتند. وی از جریر بن عبدالحمید رازی و یوسف بن یعقوب ماجشون و هشیم بن بشیر و عبدالله بن مبارک و یحیی بن ابی زائده و عبدالرحمن بن زید بن اسلم و ابویوسف قاضی و بسیری دیگر حدیث شنید. و مسموعات خویش را جمع آپری و تألیف کرد. ساکن بغداد شد و در آنجا حدیث گفت. بخاری و ابوداود سجستانی و نسائی و یحیی بن معین و ابویکر اثرم و ابن ابی دنیا و عبدالله بن احمد و ابومحمد بن صاعد و قاضی محاملی و حسین بن عیاش قطان و دیگران از وی حدیث شنیدند.

تاریخ بغداد (۱۲/ ۱۰۸-۱۰۹)، تهذیب التهذیب (۷/

۳۲۲)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۱/ ۲۰۲)، سیرالنبلاء

۱/ ۵۲۵-۵۲۶، النجوم الزاهرة (۲/ ۲۰۷)

طوسی، ابوعلی حسن بن علی بن نصر (وف ۳۱۲ ق)، حافظ و محدث. معروف به گردش در خراسان و عراق و حجاز از محدثانی چون محمد بن رافع و محمد بن اسلم طوسی و عبدالله بن هاشم و اسحاق بن منصور و ابن شاهین و یزید بن خرم و احمد بن مسیح و فصل بن عبدالله بن خرم هروی و همطبعة آنان حدیث شنید. در هرات و هروین حدیث گفت. عبدالله بن محمد بن مسلم اسفراینی و احمد بن علی رازی و احمد بن محمد بن عیسی و ابوسهل صعلوکی و محمد بن جعفر بسینی و ابواحمد حاکم نیشابوری از وی حدیث روایت کرده اند.

عَصَبی و «الرَسیط» واحدی را از عبدالجبار خُوارزمی و «العیة» ابن مهران را از زاهر بن طاهر و «الاریعین» حسنی بن صفیان را از فاطمه بنت زُغَل و همچنین «حزء» ابن کُجید را استماع کرد. او را قه‌ای تیکوکار و قاری درست کرداری توصیف کرده‌اند. گروه بسیاری از دانش پژوهان به دورش حلقه می‌زدند. علامه جمال‌الدین محمود ابن حصیری و ابن صلاح و قاضی خویی و ابن نقطه و بردالی و ابن حجار و صباء و مرسی و صریفی و مجد اسفرایی و عی بن یوسف صوری و شمس الدین رکی بیلقانی و مفضل قرشی و احمد بن عمر باذیمی و کمال بن طلحه و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. تاج الدین عَصَبی و ابن هساکر و عبدالواسع ابهری و زینب کندی از وی احادیث روایت داشتند.

سیرالسلا، (۲۲/ ۱۰۷، ۱۰۸)، العبر (۲/ ۱۷۶)، النجوم الزاهرة (۶/ ۲۲۲)، وفيات الاعیان (۵/ ۳۲۵-۳۲۶).

طوسی، شهاب‌الدین ابوالفتح محمد بن محمود بن محمد خراسانی، (۵۹۶-۵۲۲ ق)، محدث، فقیه و عالم شمری شافعی. معروف به شهاب طوسی. از آیه الودت سمری حدیث روایت کرده است. سفری به بغداد کرد و بسیار مورد احترام قرار گرفت و داماد قاضی القضاة ابوالبرکات اس‌النفی شد. آنگاه حج به جا آورد. در ۵۷۲ ق به مصر رفت و ابتدا در خانقاه سعیدالسعداء در قاهره متزلزل کرد و در جامع مصر وعظ گفت و مذهب اشعری را اشکار کرد. او در منازل العز درس می‌گفت، فقه و محدثین بر گردش جمع می‌شدند و از محضرش بهره می‌جستند. تقی‌الدین عمر بن شاهنشاه برایش مدرسه‌ای در منازل‌العز بنا کرد. در نزد هام و حاصر عزیز و محترم بود. گویند که وی مدار فتوی در مذهب شافعی در زمان خود بود.

سیرالسلا (۲۱/ ۳۸۹، ۳۸۷)، شذرات الذهب (۲/ ۳۲۷)، العبر (۲/ ۱۱۶-۱۱۷)، النجوم الزاهرة (۶/ ۱۲۲)، الوافی بالوفیات (۵/ ۹).

طوسی، شیخ الاسلام ابوالحسن محمد بن اسلم بن سالم خراسانی، (ح ۲۲۲-۱۸۰ ق)، حافظ و محدث. ذهبی را به شیخ‌اشعری ملقب کرده است. از یزید بن هارون و یعنی بن عبید و محمد بن عبید و جعفر بن عون و ابو عبدالرحمن مقرئ و حسین بن ولید نیشابوری و ابویعیم و نصر بن شمیل و برخی دیگر حدیث شنید. ابراهیم بن

صفیان، (وف ۳۲۶ ق)، محدث و مسند از محمد بن رقع و دهلی و محمد بن حماد ابیوردی و عبدالرحمن بن مسیب مروزی و عبدالله بن هاشم طوسی و دیگران حدیث شنید. منصور بن عبدالله خالیدی و ابن منده و احمد بن محمد بصیر و علی بن ابراهیم مژگنی و محمد بن ابراهیم جرجانی و قاضی ابوبکر حیری و ابوطاهر بن محبوبش از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن منده وی را فردی مورد رثق توصیف کرده است. حاکم نیشابوری سه جزوه وی را از او شنیده، اما گویند که این کتبهای عموی او بوده است.

انساب سمعانی (۴/ ۸۱)، سیرالسلا (۱۵/ ۳۳۶-۳۳۷)، سنان‌المیراد (۲/ ۱۲۶)، المحرم الزاهرة (۳/ ۳۴۰).

طوسی، ابونضر ابونصر محمد بن محمد بن یوسف، (ح ۳۲۴-۲۵۰ ق)، راجد، عابد، حافظ، محدث، فقیه شافعی و مفتی خراسان، در طلب حدیث به عراق و شام و مصر و حجاز سفر کرد و از عثمان بن سعید دارمی و حارث بن ابی اسامه و اسماعیل قاضی و عی بن عبدالعزیز مغری و فضل بن عبدالله بن حرّم یشکری هروی و احمد بن موسی کوفی حنّار و محمد بن عمرو قشیرد حوشی و محمد بن ایوب بن فریس و احمد بن سلمه حافظ و حسین بن محمد قنّانی و تمیم بن محمد حافظ و محمد بن نصر مروزی فقیه و دیگران حدیث شنید. بیشتر کلام محمد بن نصر مروزی بود و اکثر شنیده‌هایش از اوست. طوسی شنیده‌هایش را جمع‌آوری و تألیف کرد و کتابی به سبک مسلم نگاشت. وی شب را به سه قسمت تقسیم کرده بود. جرئی برای تصیّف، جرئی برای خراب و جرئی برای تلاوت قرآن، او حدود هفتاد سان مرجع امور دینی مردم بود و فتوی می‌داد. بیشتر ایام سال را روزه‌دار بود و آنچه ریاضه بر قوت روزه‌اش بود صدقه می‌داد و از امر به معروف و نهی از منکر هفت نداشت.

انساب سمعانی (۲/ ۸۰)، تاریخ نیشابور (۱۸۶)، سیرالسلا (۱۵/ ۴۹۰-۴۹۲)، شذرات الذهب (۲/ ۳۶۸)، طبقات الحفاظ (۲۲۶)، العبر (۲/ ۶۸)، النجوم الزاهرة (۳/ ۳۵۸-۳۵۹)، الوافی بالوفیات (۱/ ۲۱۰).

طوسی، رضی‌الدین ابوالحسن مؤید بن محمد بن علی بن حسن نیشابوری، (۶۱۷-۵۲۴ ق)، قاری، مسند و محدث. «صحیح» مسلم را از فراوی و «صحیح» بخاری را از وجیه و ابوالسمالی فارسی و عبدالوهاب بن شفاء و «الموطأ» را از عبدالله سیدی و «تفسیر ثعلبی» را از عباسه

طرف سلطان مرادخان به تدریس در مدرسه برده مصوب و پس از آن طرف سلطان محمد فاتح تدریس مدرسه ریزک بدو تعین شد. مدتی بعد به ریز و رنجنا به ماوراءالنهر رفت و از تمامی مشاغل دنیوی منصرف شد و در خدمت مشایخ صوفیه پا به دایره سیر و سنوک گذاشت. طوسی در سمرقند درگذشت. برخی از شرح حال نویسان گویند که وی در خراسان یا در تبریز درگذشت. در سال وفات او نیز از ۸۶۰ ق تا ۸۸۷ ق اختلاف نظر وجود دارد. از آثارش: «الدخیره»، در محاکمه بین دو کتاب «نهايت الفلاسفة» خراسانی و «الحکماء» ابن رشد که به حوشت سلطان عثمانی نوشت؛ حاشیه بر «التلویح» تفتازانی، در اصول؛ حواشی بر «شرح انواع»؛ حاشیه بر شرح عطف بر «مختصر المستفی»؛ حواشی بر «حاشیه الکشاف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر «الواعی الاسرار فی شرح مصالح الانوار».

الاعلام (۵/ ۱۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۹۲)،
ریحانه (۲/ ۱۵۹-۱۶۰)، کشف الفنون (۴۹۷/ ۱۲)،
۸۱۵، ۱۱۲۴، ۱۲۷۹، ۱۲۱۶، ۱۸۵۶، ۱۸۹۲. کتب نامه
(دبلیو/ علامتین)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۸۵)، مؤلفین
کتب چاپی (۴/ ۳۰۳-۳۰۶)، هدیه الماروقین (۱/ ۷۳۷)

طوسی بغدادی، ابوالحسن عینی بن عبدالرحمن بن محمد. (وف ۵۶۳ ق)، محدث، راهب و صوفی. معروف به ابن تاج القُرّاء از ابوهیثم الله مالک بن احمد بن ابیاسی و یحیی بن احمد سبّی و یوکر طریقیش حدیث شنید و راوی «جرء» بیاسی است. رشید بن مسلمه با «جرء» و همچنین عبدالملکی حافظ و شیخ موفق الدین و ابراهیم بن عثمان کاشعری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. سمعانی گوید که وی صوفی و خادم مشایخ و متحن به اخلاق ایشان بود.

الاعلام بیهیات الاعلام (۲/ ۳۸۰)، سیر السیلة (۲۰/ ۲۷۸-۲۷۹)، شذرات الذهب (۳/ ۲۰۹)، المبر (۲/ ۴۰)،
النجم الزهر (۵/ ۳۶۰)

طوسی خراسانی، مولانا عبدالله. (من نهم ق)، شاعر طبع شعر خوبی داشت. مورد لطف سلطان میرزا ابوالقاسم بایر بود و در مدح آن پادشاه مصیده‌ای گفته بود. طوسی به آذربایجان و عراق عجم سفر کرد و نزد امیر جهان‌شاه قراقویونلو (۸۳۹-۸۷۲ ق) و پسرش پیربودق خدمت کرد. در این مدب در شیراز زندگی می‌کرد و

ابن غالب و بن خزیمه و ابوبکر بن ابی داوود و محمد بن ربیع طوسی و محمد بن احمد طوسی و ربیعیه و حسن بن علی طوسی و گروه بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. بسیاری از علمای رجال شخصیت محمد بن اسم را در حد عالی ستوده‌اند. ابن خزیمه از او به ربانی است تعبیر می‌کند و گوید که مثل او را ندیده است. شیخ طوسی او را در شمار راویان و اصحاب امام رضا (ع) آورده است. او راوی حدیث «سلسلة الذهب» از امام رضا (ع) است که اربلی در «کشف الفتنه» آن را از «تاریخ پیش‌بر» نقل کرده است. محمد بن اسلم در نیشابور درگذشت و در مقبره شادباخ در کنار اسحاق بن راهویه دفن شد. از آثارش: «المستند»؛ «الرد علی الجهمیه»؛ «الایمان و الاعمال»؛ در ردّ کرامه؛ «الاریعون حدثاً»

الاعلام (۶/ ۲۵۷-۲۵۸)، تاریخ نیشابور (۹۴)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۲/ ۲۰۱)، حلیة الاولیاء (۹/ ۲۳۸-۲۵۲)، رجال الطوسی (۲۹۰)، سیر السیلة (۲/ ۱۹۵-۲۰۷)، شذرات الذهب (۲/ ۱۰۱-۱۰۰)، طبقات الحفاظ (۲۳۸)، المبر (۱/ ۲۴۴)، الرافی بالوقایف (۲/ ۲۰۲)

طوسی، ضیاء الدین بو محمد عبدالعزیز بن محمد بن علی. (وف ۷۰۶ ق)، فقیه شافعی و مدرس. اصل و پدر از طوس و ساکن دمشق بود و در این شهر در مدرسه نجیبیه تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در مقابر صوفیه دفن شد. بررالی و بن حبیب مراتب فصل و دانش وی را ستوده‌اند. از آثارش: «اصباح الحاوی» و «فتاح الفتوی» که شرح «الحاوی الصغیر» عبدالعزیز قزوینی است؛ در فروع فقه شافعی؛ در چهار مجلد؛ «کشف الرموز» و «مظهر الكنوز»؛ در شرح «منتهی السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل» یا «مختصر» ابن حاجب، در اصول.

الاعلام (۴/ ۱۵۱)، شذرات الذهب (۶/ ۱۲)، کشف الفنون (۲۵/ ۱۳۶۸، ۱۸۵۵)، معجم المؤلفین (۱۵/ ۲۶۰)، النجوم الزهر (۸/ ۱۷۷)، الرافی بالوقایف (۱۸/ ۵۵۶)، هدیه الماروقین (۱/ ۵۸۱)

طوسی بتارکندی، علاء الدین علی بن محمد. (وف ۸۷۷ ق)، حکیم، فقیه حنفی، اصولی و مدرس. در سمرقند به دنیا آمد. علوم عقلی و نقلی را در ایران تکمیل کرد، سپس به روم شرقی رفت و مدتی در قسطنطنیه ساکن شد و مورد تکریم سلطان عثمانی قرار گرفت. ابتدا از

سراجام در عراق محم درگذشت

تذکره روز و نرس (۵۰۴)، تذکره الشعراء (۵۱۵-۵۲۳)،
الذریعه (۹/ ۶۵۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۲)، لغت نامه
ردیل (طوسی)، مجالس العتاس (۱۸، ۱۹۲)

طوسی صبری، ابو سعید ابراهیم - صبری طوسی.

طوسی اهری، ملا حسن ادیب، (س چهاردهم ق)،
ادیب و نویسنده از ادیبان و سخنوران آذربایجان بود. از
آثارش: منظومه‌های «سبک المعانی فی المصادر و
المعانی» و «توقیعات التقریم» می باشد.

اسمندان آذربایجان (۲۴۶-۲۴۷)، مهرست کتابی
چاپی فارسی، ۱/ ۹۷۱، ۲/ ۹۳۳، مؤلفین کتب چاپی
۵۸۵-۵۸۲ / ۲

طوسی تبریزی، عبدالحمید ملک، فرزند حاج محسن
آقا ملک، (۱۲۶۲-۱۳۳۴ ش)، طبیب و شاعر، متخلص به
طوسی. در تبریز به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی
به تحصیل طب پرداخت و برای تکمیل آن به تهران آمد. بعد از پنج سال تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به
مدارای بیمارستان پرداخت، سپس به تهران آمد و به تدریس
و حلش در این شهر بود. مجموعه اشعار وی دو هزار بیت
می باشد.

سخنوران نامی معاصر (۲۳۲۸-۲۳۲۲).

طوسی ترشیزی، شهاب الدین علی، (وف ۸۶۶/ ۸۶۷
ق)، طبیب و شاعر، متخلص به طوسی. وی از شاعران
حرامان در عهد اسوالقاسم سابر تیموری و از سردیکان
سیر علیشیر توانی به شمار می رفت. شه الدس علاوه بر
مهارت در سخنوری از پرشکوه معروف زمان خود به
حساب می آمد. طوسی بیشتر ایام عمر خود را در هرات
میری کرد و در جوانی در همان سامان درگذشت. از آثار
وی «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۲۹۵)، تذکره الشعراء، (۲۳، ۴۹۲، ۵۲۶-
۵۲۷)، حبیب السیر (۲/ ۶۱)، الذریعه (۹/ ۶۵۲)، رجانه
(۲/ ۶۲)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۲)،
لغت نامه (طوسی)، مجالس العتاس (۳۱)، هفت
انیم (۲/ ۳۰۹، ۳۱۰).

طوسی جوانشیر قره باغی، اسوالفتح خان، فرزند

ابراهیم خلیل خان، (وف ۱۲۵۵ ق)، شاعر، متخلص به
طوسی از امرا و بزرگان طایفه جوانشیر آذربایجان
بود. در نظم و نثر نیز به لطافت طبع شهره آفاق بوده است
شعاری از او به جا مانده است

حدیقه شعراء (۲/ ۱۱۳۲-۱۱۳۳)، دانشنامه ادبایان
(۲۲۷)، الذریعه (۹/ ۶۵۲)، سبک المعانی (۲/ ۶۶۲)،
مجمع المصنعا (۵/ ۷۲۹)، مصطفی خات (۱۲۱-۱۲۲)،
مکارم الآثار (۵/ ۱۵۰۲)، نگارستان دارا (۱۰۸-۱۰۹)

طوسی همدانی، میرزا ابوالحسن، (۱۲۹۰-۱۳۶۶
ش)، شاعر، متخلص به طوسی. وی در همدان به دنیا آمد
و پس از فراگیری علوم مقدماتی به خیاطی پرداخت و پس
از چندی به تهران آمد. طوسی در سرودن اشعار و فصاحت و
غزلیات و مثنویات عرفانی خصوصاً در نظم «الهیات» و
«مناجات نامه» مهارت داشت و آثار چندی به نظم و نثر از
خود به جای گذاشته، از جمله: «مناجات نامه» پ «کبید
دوستی با خدا» (مفتاح المحبة)، شعر، در دو جلد،
«دیوان» شعر، «شکرستان»، در مدح و منقبت چهارده
مقصود - علیه السلام - «گوهری نامه»، در سیر و سلوک به
و «مخبر الاسرار»، «شیطان نامه» یا «مناظره با ابلیس» پر
تلیس لازم به ذکر است که تاریخ تولد وی در مؤلفین
کتب چاپی ۱۳۱۷ ق ذکر شده است.

الذریعه (۹/ ۶۵۲)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۲۳۳-
۲۲۳۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰/ ۱۵۹)

طوبان هزار جریبی مازندرانی، میرزا طبیب، (وف
۱۱۹۰ ق)، شعر، مشهور به میرزا طبیب، در هزارجریب
مازندران به دنیا آمد. از معاصران لطفعلی بیگ آذربادی در
جسواسی سعری به عراق هجوم کرد و در اصفهان به
محوگری های رکیکی پرداخت، ولی در پایان عمر دست
از هجوگری برداشت و به عراق عرب رفت و در نجف
دفتر هجویات خود را با آب شست و در منقبت امانان (ع)
شعر سرود. در نجف درگذشت. از آثار وی «دیوان» شعر

اعیان الشیعه (۷/ ۴۰۲)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۲۵)،
الذریعه (۹/ ۶۵۲-۶۵۳)، رجانه (۲/ ۶۲)،
سبک المعانی (۲/ ۶۲۷-۶۲۸)، فرهنگ سخنوران
(۵۹۲-۵۹۳)، لغت نامه، دین/ طوبان مازندرانی، مجمع
المصنعا (۵/ ۷۲۵-۷۲۶)، نگارستان دارا (۲۲۸-۲۲۷)

طوفی تبریزی، (س دهم ق)، شاعر وی از شاعران

شیرازی بهره گرفت و از وی اجازهٔ اجتهاد دریافت کرد. او همچنین در علوم حدیث از محضر محدث نوری بهره‌مند گردید. بیش از شصت سال در سامرا به تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بود. ابتدا کتاب «مصباح الانوار» را، در فهرست ابواب مجلدات «بحار الانوار» نگاشت. سپس به تصحیف «مستدرک بحار الانوار» پرداخت و در بسیاری از ابواب به استدراکاتی دست یافت و تصنیفات خود را در این زمینه به چندین مجلد بزرگ رسانید. از دیگر آثار وی «الصحیفة السعدیة»، حدود شصت دعا، از ادعیهٔ حضرت حجت (عج)، که از انسألت آن حضرت می‌باشد (الدریة ۲۴/۱۵، ۲۴/۲، ۸۶)، علماء معاصرین (۲۷۷-۲۸۳)، میرزای شیرازی (۱۹۱-۱۹۹).

طهماسبی کاشانی، حیدر (س دهم و)، شاعر از شاهراش کاشان در عهد صفویه بود، که به دلیل تبعیت از شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق) و اوامر او به طهماسبی معروف شد. طهماسبی غزل را سیکو می‌سرود و در آن مهارت داشت. اشعاری از وی در تذکرة‌ها نقل شده است. تاریخ نظم و نثر (۶۷۲)، تذکرةٔ روزنوس (۲۲۲)، الدریة (۲۶۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۲).

طهمانی مروزی، ابوالعباس عیسی بن محمد بن عیسی (وف ۲۹۲/۲۹۳ ق)، محدث، ادیب، کاتب و لغوی پیشگام اهل لغت و از بزرگان مرو بود. از اسحاق بن راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حدیث شنید. به بعد از رفت و از عمر بن محمد بخاری و احمد بن نکر تعلیم و به قلوب بن جراح حدیث روایت کرد. محمد بن محمد و عبدالباقی بن قانع و احمد بن خصو و یحیی بن محمد هنری و عمر بن خلک از وی حدیث شنیدند. ابومعید ابن الاعرابی گوید که در دراز یحیی از طهمانی حدیث شنیده است. خطیب بغدادی او را فردی مورد اعتماد توصیف کرده است.

نساب سمانی (۸۸/۲)، تاریخ بغداد (۱۷۱-۱۷۰)، سیرالبلا (۱۳/۵۷۱-۵۷۲)، شذرات الذهب (۲/۲۱۰-۲۱۱)، المبر (۱/۴۲۲) التاجم الزاهرة (۳/۱۷۷).

طیالسی رازی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن زیاد (وف ۳۱۳ ق)، محدث. ساکن کرمانشاه بود. به دنبال حدیث سفرها کرد و از یحیی بن معین و ابراهیم بن موسی قراء و ابومصعب زهری و قزازی و علی بن حکیم اودی

مکتب وقوع است که ابتدا، پیشهٔ سراجی داشت و سپس به زرگری روی آورد و آنگاه در پی کیمیاگری رفت و همه دارایی خود را بر سر این کار نهاد. طوئی علاوه بر «رساله‌ای که در فن کیمیاگری نوشته، گویا «تذکره‌ای هم در احوال شاعران پرداخته است. وی در سرودن غزل مهارت داشته و در این فن از ضمیری اصفهانی (م ۹۷۳ ق) پیروی می‌کرده است. از دیگر آثار وی «دیوان شعر تشکده» (۱/۲۹-۱۳)، تاریخ ادبیات در برون (۵/۵۲۵)، تاریخ علم و نثر (۵۰۹)، تذکرةٔ سمری (تربیع)، ۲/۴۰۵-۴۱۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۸-۲۴۷)، الدریة (۹/۶۵۳)، سخنوران آذربایجان (۵۱۳-۵۰۸)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، مجمع الشعراء (۱۷۱-۱۷۰)، مکتب وقوع (۳۶۶-۳۶۷)، هفت اقلیم (۳/۲۴۹-۲۴۸).

طهرانی رازی، ابو عبدالله محمد بن حماد (وف ۲۷۱ ق)، حافظ و محدث به دنبال حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد. از عبدالرزاق بن همام و عیبدالله بن موسی و ابو عاصم نبل و عبدالله بن عبدالمجید حنفی و ابونعیم و مصطفیٰ آنان حدیث شنید. ابن ماجه قزوینی و ابواسحاق بن ابی ثابت و عبدالرحمن بن ابی حاتم و عبدالله بن یحیی خطیب یاها از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن ابی حاتم او را ثقه و مورد اعتماد توصیف کرده و گوید که در گزینی و بعد از اسکندریه از وی احادیثی نوشته است. طهرانی در عقولان شامات درگذشت.

نساب سمانی (۸۶/۴)، تاریخ بغداد (۲/۲۷۱-۲۷۲)، تهذیب التهذیب (۹/۱۰۷-۱۰۶)، العرج و التحذیر (ج ۳، ق ۲/۲۴۰)، ری بستان (۲/۲۵۲-۲۵۳)، سیرالبلا (۱۲/۶۲۸-۶۲۹)، شذرات الذهب (۲/۱۶۱)، المبر (۱/۳۹۲)، لسان المیزان (۹/۹۶)، مجمع البلدان (۳/۵۹)، الوافی بالوفیات (۳/۲۲).

طهرانی عسکری، میرزا محمد، فرزند رجبه‌علی (۱۲۸۱-۱۳۷۱ ق)، بنیه اصولی و محدث. در تهران به دنیا آمد. پس از درگذشت پدرش در ۱۲۸۷ ق، به همراه دایی‌اش سید زین‌العابدین مشهور به سید آقا و مادرش به عتبات رفت و در سامرا مقیم گشت. مادرش شاطر خانم میرزای بزرگ شیرازی شد و وی در منزل میرزا نعت نظر اشاد تربیت یافت و از درس خصوصی که میرزا برای وی و پسرش، میرزا علی آقا، تشکیل داده بود، بهره‌مند شد. پس از درگذشت میرزا، از درس و بحث میرزا محمدتقی

و محمد بن محمد رازی و احمد بن حنبل و عبدانکریم دهقان و هارون حنبل و دیگران حدیث شنید. طیالسی در بغداد و مصر و طرمس حدیث گفت و ابوبکر جعابی و احمد بن محمد همدانی مغری و جعفر حندی و احمد بن اسحاق حلبی و ابوالاحمد حاکم و یحیی بن محمد بن صاعد و حسن بن محمد بن شعبه و مکرم بن احمد قاصی از وی حدیث شنیدند. دارقطنی و ابوالاحمد حاکم وی را، در حدیث، از صفحا شمرده‌اند.

انساب سمعی (۴/ ۹۲-۹۳)، تاریخ بغداد (۱/ ۲۰۳-۲۰۷)، ری باستان (۲/ ۳۴۵)، سیرالنبلاء (۱۲/ ۲۵۸-۲۶۰)، شذرات الذهب (۲/ ۲۶۸)، لسان المیزان (۵/ ۶۱۶-۶۱۷)

طیان بمی کرمائی، (س ششم ق)، شاعر و ادیب، از شاعران پرمکرمان بود. صاحب «مجمع الفصحا» احوال وی را با طیان زاخای مرغزی درهم آمیخته و اشعار طیان مرغزی را به او نسبت داده است. از آثارش «دیوان» شعر تشکله آذر (۲/ ۶۲۲-۶۲۶)، تذکره شاعران کرمان (۲۵۶-۳۶۰)، الدرر (۹/ ۶۵۳)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ محترمان (۵۹۳)، ستارگان کرمان (۲۶۹-۲۶۳)، مجمع الفصحا (۲/ ۸۲۷-۸۵۰)، هفت اقلیم (۱/ ۲۶۸-۲۷۰).

طیان زاخای مرغزی.

طیان مرغزی، ابوالعباس احمد بن محمد بن یوسف شیخی/ استنجی، (س چهارم و پنجم ق)، شاعر، از معروفترین شاعران هجوگوی و هزان پیش از سوزنی سمرقندی (م ۵۶۲ ق) است و مطایده‌ها و هجوهای وی آنچنان شهرت داشته که به طیان زاخای ملقب شده است. طیان مرغزی غیر از طیان بمی کرمائی است و باید در مورد او به هم اشتباه گرفت. در «الانساب» سمعی در باب وی همی نویسد که او در آخر توبه کرد و دهان و زبان به گفتار شعر نیلورد و چون به صفت بنایی آشنا بود بدان پیشه اشتغال ورزید و گوید متاره‌ای که بر در جامع مدینه و جامع قریه شیخ (تصحیف شیخ) یا سنج برپاست از بناهای رست

انساب سمعی (۴/ ۹۲-۹۳)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۱۶۳۹)، شاعران سی دیوان (۹۱-۳۲۱)، مرهمک سحران (۵۹۳)، لست‌نامه (ذیل/ طیان).

طیب اصفهانی، سید عبدالحسین بن سید محمد تقی، (تو ۱۳۱۰ ق)، مفسر، فقیه و مدرس. سب وی به چهل واسطه به امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و پس از پرورش در خانواده علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول، از محضر و درس آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای و آیات دیگر اصفهان استفاده کامل نمود و سپس به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن پرداخت و در مدرسه صدر اصفهان تشکیل حوزه داد و جماعت بسیاری از فضلا و علمای اصفهان از محضرش استفاده بردند. از آثارش «کلم انطیب»، در اصول دین، به فارسی، سه جلد؛ «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، در چندین جلد؛ «العمل الصالح»، در ایمان و تقوا

صیالسی فارسی، ابوداود سلیمان بن داود بن جارد (۱۳۳-۲۰۴ ق)، حافظ و محدث اصلش ایرانی و ساکن بصره بود و در آنجا هم از دنیا رفت. وی از ائمه بن باین و سعید ثوری و معروف بن خربوذ و هشام دستوایی و طلحه بن عمرو و شعبه بن حجاج و یسقط بن مسلم و ابوعاصم خزاز و داود بن ابی فرات و جریر بن حازم و فلیح بن سلیمان و مسعودی و حرب بن شداد و اسرئیل و همام بن یحیی و محمد بن ابی حمید و بسیاری دیگر حدیث شنید. جریر بن عبدالحمید و احمد بن حنبل و عمرو بن علی فلاس و علی بن مدینی و محمد بن بشار و یعقوب دورقی و محمد بن سعد کاتک و عباس دوری و احمد بن ابراهیم دورقی و احمد بن فرات و گندیسی و هارون بن سلیمان و ابومسعود رازی و یونس بن حبيب اصفهانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. فلاس گوید که احمدی را برحفظه‌تو از ابوداود ندیدم. گفته شده که او از حفظ، سی هزار حدیث را با رعایت سیاق و اسلوب روایت می‌کرد در اصفهان چهل هزار حدیث از او یادداشت کرده‌اند. در حالی که کتابی به همراه نداشت. از آثارش «المسند» که بعضی از حفاظ خراسانی آن را جمع‌آوری کرده‌اند.

الاعلام بونیات الاعلام (۱/ ۱۳۴)، انساب سمعی (۲/ ۹۲-۹۱)، التصانيف الكبير (۴/ ۱۰)، تاریخ بغداد (۹/ ۲۹۲-۲۹۴)، تهذیب التهذیب (۴/ ۱۶۵-۱۶۸)، الجرح و التعديل (ج ۲ ق ۱/ ۱۱۱-۱۱۳)، سیرالنبلاء (۹/ ۳۷۸-۳۸۴)، شذرات الذهب (۲/ ۱۲)، طبقات الحفاظ (۱۵۲/ العمر (۱/ ۲۷۰-۲۷۱)

مُحبیه دانشمندان (۳/ ۱۰۰-۱۰۶).

طیبه قاجار، بیگم جهان خانم، فرزنده فتحعلی شاه قاجار. (ز ۱۳۰۵ ق)، شاعر. همراه حسینی میرزا فرمانفرمای فارس و همسر میر محمد قاسم خان متخلص به شوکت بود. او طبعی نیکو داشته و با دوستش مکاتبه می‌کرده است. اشعارش در موعظ و نصیح و مرثی بود

وی چندی تحت تعلیم میرزا محمد حسن خان احمدالسلطنه قرار داشت. از اوست

طیب آمد و عاجز شد از علاج دلم
علاج درد دلم را بگو حبيب كند

از دیعه تاپوین (۱۶۶-۱۶۷)، حدیقه الشعریه (۳/ ۳۱۷۸.

۲۱۷۹)، رُسان سخور (۱/ ۳۲۲)، فرهنگ سخوراد

(۵۹۳)، مشامیر رنان (۱۲۹- ۱۵۰)





ظاهر بن محمد سنانج، عبدالله (مس سوم ق)، صوفی، از
بزرگان مشایخ بود، اما خود را ظالم می‌خواند، چون
می‌گفت: "هرگز از من بدگی نیامد، پس من ظالم باشم"
عبدالله از یاران ابوجعفر حداد، که در قرن سوم هجری
می‌زیست، بود

نجات الاس (۵۷)

ظاهر اردبیلی ← ظاهر اردبیلی، محمد کاظم

ظاهری، خلیل بن شاهین شیخی صفوی، (وف ۸۷۲-
۸۹۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به
عرب الدین و معروف به ابن شاهین. پدرش شاهین سرده
سلطان ملک ظاهر سیف الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت.
وی در بیت المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت.
چون به سن رشد رسید نظارت ضربخانه مصر بدو سپرده
شد. در ۸۴۰ ق امرالحاج شد. هر طرابلس درگذشت. در
حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند، از جمله
«کشف الممالک» و خلاصه آن به نام «ریذة کشف الممالک»
فی بیان الطرق و المسالك، درباره مصر، که در پاریس
چاپ شده است؛ «الانوارات فی علم العبارات»، تعبیر و بنا
در دو مجلد؛ «الکرمکب المستیر سی اصول التعمیر»؛
«المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیة فی الانشاء»
الشریف؛ «الدررة المضية فی السيرة المرحية»؛ «دیوان»
شعر، در چندین مجلد.

الاعلام (۲/ ۳۶۷). ایضاح المکنون (۱/ ۳۶۰، ۲/ ۵۹۶)،
رحمة (۸/ ۴۴)، کشف الظنون (۹۷، ۳۰۵، ۹۵۳، ۱۲۹۶،
۱۵۲۳)، معجم المؤیدین (۴/ ۱۲۰)

ظاهری اصلهانی، ابرهیم محمد بن داوود بن علی.
(۲۹۷-۲۵۵ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر مذهب
ظاهری بود و به پدرش منسوب است، اصلش از اصفهان
بود و در بغداد به دنیا آمد و در آنجا نشر و تباهاست. چون
بحیف و رنگ پریده بود به او گجشک لندوک می‌گفتند.
بن هزم گوید که در هفت سالگی قرآن را از پدر کرد و در ده
سالگی قادر به مذاکره شعر و ادب بود. با ابوالعاس بن
سریج در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مشاعره
داشت بعد از پدر متصدی کرسی قضا شد، گرچه مدتی
او را برای این مقام جوان می‌دانستند، اما او شایستگی
خود را اثبات کرد. در مجلس درس او چهارصد قلمدان
مشاهده می‌شد. او از پدرش و عباس دوری و ابوفلانه
رقاشی و احمد بن ابی خثیمه و محمد بن عیسی مدائنی
حدیث روایت می‌کرد. نعطریه و قاضی ابوعمر محمد بن
یوسف از شاگردان وی می‌باشند. از آثار وی: «الزهره»، در
دیمات و حرائب و ته ادر، که آن را زیر نظر پدرش نگاشت؛
«الانذار»؛ «الاعذار»؛ «الصقسی»؛ در فقه؛ «الوصول الی
معرفة الاصول»؛ «الایحار»؛ «اختلاف مصاحف الصحابة»
؛ «اختلاف مسائل الصحابة»؛ «المراغی»؛ «المناسک»؛
«الانصار»

الاعلام (۳۵۵/۶)، انساب سیمانی (۴/ ۱۰۰)، ایضاح
المکنون (۱/ ۶۲۰)، تاریخ بغداد (۵/ ۲۶۳-۲۵۶)،
تذکره الشعراء (۳۱۷)، دانشنامه ایران و اسلام (۳/ ۵۵۷-
۵۵۹)، ریحانه (۲/ ۷۱)، سوره سبله (۱۳/ ۱۰۹-۱۱۶)،
شذرات الذهب (۲/ ۲۲۶)، العبر (۱/ ۲۳۳)، الفهرست
لابن التمیم (۳۰۵)، الکامل (۶/ ۱۳۷)، کشف الظنون
(۱۷۳، ۹۶۲، ۱۳۹۹، ۱۲۹۳، ۲۰۱۲)، الکسبی و

الانقلاب (۲/ ۲۵۲)، لغتنامه (دیل/ ابن داوود)، مجمل
صیحی (دیل/ سال ۲۹۷)، سراج الذهب (۲/ ۶۸۹)،
معجم المؤلفین (۹/ ۲۹۶-۲۹۷)، التاجم الزاهر (۳
۱۹۰)، الواسی بالوفیات (۳/ ۶۱-۵۸)، وفیات الاعیان (۲
۲۶۱-۲۵۹)

ظاهری اصفهانی، ابوسلیمان داوود بن علی بن
خلف، (ح ۲۰۱-۲۷۰ ق)، فقیه و محدث، ملقب به ظاهری
پیشوی اهل ظاهر بود و فرقه ظاهریه بدو منسوب است
این گروه چون ظاهر کتاب و سنت را اتخاذ و از هر گونه
تأویل و رأی و قیاس پرهیز می‌کردند به ظاهری معروف
شدند، و داوود بن علی اولین کسی بود که این فکر را علمی
کرد. اصل وی از اصفهان بود و اهل کاشان. در کوفه به دین
آمد و در بغداد ساکن شد. در ابتدا فقه شافعی آموخت و
شدیداً نسبت به شافعی تعصب داشت و دو کتاب در
«انتقاص» او نوشت، اما بعدها مذهب شافعی را ترک گفت
و خود در فقه، بر اساس پیش خویش، کتابی نگاشت. او
از سلیمان بن حرب و ابوثور فقیه و عمرو بن سرورق و
قنبل و محمد بن کثیر عبادی و مسدد حدیث شنید، آن‌گاه
از بغداد به نیشابور رفت و در محضر اسحاق بن راهویه
«المسند» و «التفسیر» را استماع کرد. سپس سریندباد
در گذشت و ریاست علمی بغداد به او متعهد گشت. آن‌گاه
که در مجلس او چهار صد قاضی و خطیب ردای سبز پوش
حضور داشتند. فرزندش، محمد، زکریا ساجی و یوسف
بن یعقوب داوودی و عباس بن احمد مذکر از شاگردان وی
بودند. ظاهری گردآورنده‌ی خویش را در قالب کتابهای
بسیاری عرضه کرد. این تذکره در «بهرست» خویش حدود
دو صفحه به اسم کتابهای وی اختصاص داده است. از
دیگر آثار وی، «الایضاح»، «الافصاح»، «الدعوی و
اللبات»، «الاصول»، «الحیص»، «الطهاره»، «انکبه»،
«الصیام الفرض»، «الماسک»، «البکاح»، «البیوع»،
«الجهاد»، «الوصایا»، «القضاء»، «الذهب»، «المسائل
الاصفہانیات»، «المسائل الحواریات».

الاعلام (۳/ ۸)، الاعلام بویات الاعلام (۱/ ۱۹۲)،
الاعلام بسمعی (۴/ ۹۹-۱۰۰)، تاریخ بغداد (۸/ ۳۶۹-۳۷۵)،
الجرح و التعذیل (ج ۱ ق ۲/ ۲۱۰-۲۱۱)،
روایات الحداث (۳/ ۲۸۹-۲۹۱)، ریحانه (۴/ ۷۱-۷۰)،
سیر السلاطین (۱۳/ ۱۰۸-۹۷)، تذرات الذهب (۲/ ۱۵۸-
۱۵۹)، طبقات الحفاظ (۲۵۷-۲۵۸)، المعبر (۱/ ۲۸۹-
۲۹۰)، البهرست لابن التمیم (۳/ ۳۰۳-۳۰۵)، الکامل (۶/

۵۷)، کشف الطون (۲/ ۱۸۳۹)، الکنی و الانساب (۲/ ۴۵۲-۴۵۳)،
لسان المیزان (۳/ ۲۷-۲۳)، لغتنامه (دیل/
داوود)، مجمل صیحی (دیل/ سال ۲۷۰)، معجم
المؤلفین (۴/ ۱۳۹)، التاجم الزاهر، (۲/ ۶۰)، الواسی
بالوفیات (۳/ ۲۷۲-۲۷۳)، وفیات الاعیان (۲/ ۲۵۵-
۲۵۷)، هزار مزار (۱۲۲)، حلیة الماریین (۱/ ۳۵۹)

ظرفی تبریزی - ظرفی تبریزی

ظریف اصفهانی، میرزا محمد حسن، (س سیردهم
ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ظرفی. از اهیان اصفهان
بود و با بسمل، مؤلف تذکره «دلگشا»، دوستی داشت. وی
از مشیان نظام الدوله محمد حسین خان صدر اصفهانی به
شمار می‌رفت و در نوشتن خط شکسته مهارت داشت
ظریف شعر را نیکو می‌سرود از وی «دیوان» شعری
بحای مانده است.

حوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۶۱-۱۲۶۲)،
حدیقه‌الشمع (۲/ ۱۱۳۴)، الذریعه (۹/ ۶۵۵-۶۵۴)،
سفینه‌المحمود (۲/ ۲۹۸-۲۹۹)، فرهنگ سحر را،
(۵۹۵)، مجمع المصنوع (۵/ ۷۳۰)، مسطیحة خراب
(۱۲۵)، نگارستان دار (۲۲۸).

ظرفی تبریزی، (س دهم ق)، شاعر، متخلص وی در
تذکره «روز روشن» ظرفی قید شده است. از شاهران عهد
صعوبه پرد که در تبریز به غرضه فروشی روزگار
می‌گذراند از اوست:

نه به گریه رحمت آید نه به چاهه پاره کردن
نه من، نمی‌توانم به تو هیچ چاره کردن
چو اسیر توست این دل، به دگر یقان چه بدم
منم و دلی که نتوان به هزار پاره کردن

لحظه سانی (۳۱۶)، تذکره روز روشن (۵۰۶)، تذکره
شمزای آذربایجان (۲/ ۲۱۱)، دانشمند آذربایجان
(۲۴۹)، الذریعه (۹/ ۶۵۵)، سخنران آذربایجان
(۵۱۲-۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۵)، هفت اقلیم (۳/ ۲۵)

ظرفی تویی، (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. در تون (فردوس)
زاده شد و پیشتر ایام عمر خود را در همان سامان زیست
ظرفی در سرودن شعر، پیوسته قصیده، استاد بود از
وست

جهاں اگر چه به اسباب بی شمار خوش است
زهر چه هست به عالم، وصال یار خوش است
الذریعه (۶۵۵/۹)، مجالس النعاس (۱۶۳).

العمد الاول طغر حسین خان الحسینی المرعشی، (حدود
قرن ۱۲)،
احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۷/۴).

ظریفی ساوجی، محمود بیگ ظریفی. (س. دهم ق.)،
شاعر. در ساره به دنیا آمد و در همان شهر نشو و نما یافت.
در روزگار شاه طهماسب صفوی به کاشان رفت و پس از
چندی از آنجا رهپار هندوستان شد و قریب شانزده سال
در آن سامان از ملازمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق.) بود در
اواخر عمر به زیارت خانه خدا شتافت و در همان مکان
مقدس درگذشت. مولانا ظریفی شاعری شیرین کلام بوده
که در سرودن غزل و قصیده مهارت داشته و گویا از مشرب
صوفیه به نیز برخوردار بوده است. در برخی از تذکره‌ها نام
وی محمد بیگ و در پاره‌ای از آنها تحت عنوان ظریفی
سارچی آمده است.

آتشکده آذر (۱۱۴۲-۱۱۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۱)،
۵۳۶، ۶۵۴، الذریعه (۶۲۸، ۶۵۵)، صبح گلشن
(۱۶۳-۱۶۴)، گساروان حسد (۸۱۳-۸۰۶)، لعبیات
(دیل / ظریفی)، مجمع الثموص (۲۰۹)، مکتب و دیع
(۲۸۲، ۲۶۱)، حسب التلیف (۵۲۸-۵۲۷/۲).

ظفر ایندخان پختیاری، امیر حسین، فرزند سردار ظفر
یندخانی. (تو ۱۲۷۳ ش.)، مترجم. در چهار محال پختیاری
به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در ایران و تحصیلات
تکمیلی در امور سیاسی و اجتماعی را در بوران سوئیس و
انگلستان انجام داد. از ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ ش به حکومت بزد
منسوب و همچنین چند دوره (از دوره چهارم تا هشتم) به
رکابت مجلس انتخاب شد. وی در کابینه سپهد راهدی به
سمت وزیر مشاور منصوب داشت. او آثارش، ترجمه
«سفری به سرزمین دلاوران» مویان سی کویر؛ ترجمه
«زندگی و افکار و عقاید سقراط» کورا مایسون؛ ترجمه
«شاهزاده خاتم بعلنک» رابندر هاکارد.

رزد شمار تاریخ ایران (۲۰۹، ۲۷۵/۱)، ۱۹، ۱۸، ۳۵،
مؤلفین کتب چاپی (۷۰۶-۷۰۵/۲)، نسخگان سر - ن
ایران (۴۷۱/۴).

ظفر کرمانی، میرزا کاظم، فرزند میرزا محمد تقی
مظفر عیشاه کرمانی. (س. سیزدهم ق.)، طایب و شاعر.
ملقب به ظفر عیشاه. وی در جوانی به مطالعه علوم
مندوبه پرداخت و در حکمت طبیعی که فن موروثی او بود
ماهر و قادر گردید. وی از آغاز جرائی طالب مطالب
عرفانی شد و با آریاب کمال از جمله میرزا محمد حسین
روثی کرمانی معاشرت داشت. میرزا کاظم معاصر قاضی
شیرازی بود. از وی ۵ دیوان شعر به جای مانده است.

چهارصد شاعر برگزیده پارس‌گوی (۶۱۹)، حدیقه
الشعر (۲، ۱۱۳۵-۱۱۳۶)، الذریعه (۶۵۵/۹)، ریاض
المرعین (۲۶۸)، ستارگان کرمان (۲۷۲-۲۷۰)، طرائف
الحقائق (۲، ۲۰۸-۲۰۹)، مجمع المصفا (۵، ۷۲۹-
۷۳۰)، مصطفی سراج (۱۲۶)، لغت نامه (ذیل ظفر).

ظفر همدانی، کافی همدانی، ظفرالدین /
مظفرالدین

ظلی، رضا قلی میرزا. (۱۲۸۵-۱۳۲۴ ش.)، خواننده
تحصیلاتش را در تهران تا دوم متوسطه ادامه داد و بعد از
آن تحصیل را رها کرد. جدی پیشه امورگاری داشت،
سپس تا پایان عمر در اداره برق کار می‌کرد. وی پس از
فرآگیری معدمات ردیف آواز نزد هارف مروسی، به محضر
ابوالحسن خان اقبال آذر، خواننده نامدار آن روزگار، رفت
و به تکمیل فن خویش پرداخت. ظلی توسط کمپانی گلیم
برای ضبط صفحه دعوت شد و چندین صفحه پر کرد، که
از میان آنها «آواز اصفهان» و «مه گاه» قابل ذکر است. وی
چندی در شیراز و همدان اقامت داشت. سرانجام به تهران
بارگشت و در آنجا درگذشت.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۴۵، ۳۵۷)، تاریخ موسیقی
(۲، ۶۶۸-۶۶۷)، سرگذشت موسیقی (۱، ۲۴۷، ۲۴۹،
۳۵۳)، مردان موسیقی (۲، ۱۷۵-۱۷۷).

ظهوری، (ز ۹۰۲ ق.)، خطاط. از آثارش یک نسخه
«کلیات» عبدالرحمن جامی، به قلم کتاب متوسط، با رقم
«کتبه ظهوری»، ثبت کتابت یعون الملک انوهاب، بتاریخ
شهر شوال سنه اثنی و تسمائیه.

ظفر حسین خان حسینی مرعشی. (ج. س. دوازدهم
ق.)، خطاط. از آثار وی یک نسخه قرآن ثقی جلد سوخته
عالی، دو صفحه احتیاج متن و حاشیه مرصع عالی، به خط
نسخ غار خوش، با رقم: «قد وقع لمراف من تحریر» و انا

احوان و آثار خوشویسان (۲/ ۱۳۳۷).

ظهوری، تقی (۱۲۹۱-۱۳۳۷ ش)، بار بگر در تهران به دنیا آمد. فارغ التحصیل دوره اول هسرتاک هنریشگی تهران بود پس از پایان تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد. وی با نمایشنامه‌های: «مشدی عباد»، «محبوب»، «یوسف و زلیخا» و «خسپس» فعالیت‌های هنری خود را در صحنه تئاتر آغاز کرد. از با شرکت در فیلم «واریت بهاری» وارد عرصه سینما شد و کار دو ساله و نمایشنامه‌های رادیویی را نیز انجام می‌داد. وی در تهران درگذشت از بهترین فیلم‌هایی که او به بازیگری پرداخته: «گوهر شب چراغ»، «شهر آشوب»، «گنج قارون».

تاریخ سینمای ایران (۲۰۲، ۲۵۲، ۵۷۶)، سیای هرمندان (۱/ ۲۳۵-۴۳۷)، فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران (۱/ ۱۳، ۲۳، ۸۰، ۱۱۰، ۱۱۰).

ظهوری تبریزی (ز ۱۰۱۰ ق)، شاعر از شاعران عهد صفویه بود. صادقی کنابداز در تذکره خود، «مجمع الخواص» که در ۱۰۱۰ ق تنظیم یافته، او را نام برده و او را به نیکی ستوده و اشعاری از وی نقل کرده است. از او سنت چه رشک می‌ری ای دل به کشندگان غمش تو هم به مقصد خود می‌رسی شتاب مکن
آذری، آ. (۱/ ۱۳۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۹)، الذریعه (۹/ ۶۵۶) سخوران آذربایجان (۵۱۵-۵۱۶)، فرهنگ سخوران (۵۹۶)، لغت نامه (دیل، زهوری)، مجمع الخواص (۲۵۹).

ظهوری تهرانی، سوادالدین محمد (و)، ۱۰۲۴-۱۰۲۶ ق)، شاعر و نویسنده، متخلص به ظهوری ملقب به ملک الشعرا. وی در قره قیتمند، از توابع توشیر، به دنیا آمد. در جوانی به کسب ادب و دانش در خراسان پرداخت، سپس به پرد رفت و در آنجا به شاعری مشغول شد و با گروهی از اهل ادب معاشرت نمود و در همان دیر با وحشی سافقی آشنایی و مصاحبت یافت. پس از آن چندگاهی به شیراز عزیمت کرد و در آنجا با درویش حسین سالک شیرازی، شاعر و نقاش و مذهب معروف، دوستی و ملازمت یافت سپس قصد هند کرد و وارد دکن شد و در سحابور به درگاه عادل شاهان رسید و ملازمت عادل شاه ابراهیم ثانی را یافت و او را مدح گفت آشنایی ظهوری با ملک قمی هم در همین ناحیه دکن و ظاهراً در

بجایور حاصل شد و به مواصالت ظهوری با دختر ملک انجامید و از آن پس دو شاعر با یکدیگر به سربردند و در ایجاد بعضی اثرها با هم همکاری داشتند. ظهوری پس از چندی آهنگ حجاز کرد و در بارگشت به هند در احمدنکر پاتنج نظامشاهیان به خدمت عبدالرحیم حاکم حاکم رسید و آثارش مجموعه مشنات به نامهای: «دباجه نورس»، که مقدمه‌ای است بر کتاب «نورس حمال» اثر ابراهیم عادل شاه؛ «گلزار ابراهیم»، در مستایش اسراهم عادل شاه؛ «خوان خیل»، که با مشارکت ملک قمی به نام ابراهیم عادل شاه تصنیف کرد؛ «بج رفعه»، «دیوان» شعری و «ساقی نامه»، حدود چهار هزار و پانصد بیت که به نام برهان ثانی بنامشده سرود.

شکوه، آ. (۱/ ۲۶۶-۲۷۱)، ایضاح المکنون (۱/ ۴۴۰-۵۱۵)، تاریخ ادبیات ایران، پروان (۴/ ۱۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۹۷۷-۹۸۸)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۵-۴۴۶)، تذکره حاکم (۳۶۳-۴۱۲)، دیوانه‌نورد (۲/ ۱۶۴۸)، الذریعه (۹/ ۶۵۶-۶۵۷)، ۲۲/ ۳۲)، رحمانه (۲/ ۷۲)، سبوری در شعر فارسی (۲۷۶-۳۷۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۲)، فرهنگ سخوران (۵۹۶)، ۵۹۷)، کساروان هند (۲/ ۸۳۸-۸۳۹)، گنج سخن (۳/ ۸۰۷)، لغت نامه (دیل / زهوری)، مآثر رحیمی (۳/ ۲۹۲-۲۹۳)، منظومه‌های فارسی (۳۸۱-۳۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۵۵۱-۵۵۰)، تاریخ‌الانکار (۲۳۷-۲۵۱).

ظهوری شیرازی (س دهم ق)، شاعر. از شاعران شیراز در اوایل دوره صفویه بود او را شاگردان وحشی بافقی (م ۹۹۱ ق) بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

تذکره رود روشن (۵۰۷)، الذریعه (۹/ ۶۵۷)، فرهنگ سخوران (۵۹۷)، لغت نامه (دیل / زهوری)، مجمع الخواص (۲/ ۸۰۷)، مرآت الفصاحه (۳۸۵-۳۸۶).

ظهرا تفرشی - ظهیر تفرشی.

ظهیر استرآبادی (س یازدهم ق)، شاعر وی از سادات استرآباد بود که پس از تحصیل علم و کسب دانش، از رهگذر سرودن شعر و نقاشی روزگار می‌گذرانید صرآبادی اشعاری از وی نقل کرده است.

تذکره صرآبادی (۴۱۴)، الذریعه (۹/ ۶۵۷)، فرهنگ سخوران (۵۹۷).

ظهرالدوله قاجار، میرزا علی خان دولو، فرزند محمد ناصرخان، (۱۲۸۱-۱۳۴۲ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به صفا، مشهور به ظهورالدوله و ملقب به صفا علیشاه. در جمال آباد شمیران به دنیا آمد. وی داماد ناصرالدین شاه ناجار و شوهر فروغ الدوله بود و در دوره ناصرالدین شاه سمت وزیر دربار داشت. در جوانی به سلسله نعمت‌الدهی پیوست و در سلک مریدان صعی علیشاه درآمد و لقب صفا علیشاه گرفت و در ۱۳۱۶ ق که حاج میرزا حسن صعی علیشاه درگذشت علی خان ظهورالدوله بنا به وصیت صعی علیشاه به جانشینی او منصوب شد و بعد از انتصاب به این مقام، با اجازه مظفرالدین شاه، انجمنی به نام اخوت، در خانه خود واقع در خیابان فردوسی بنا عضویت صد و ده نفر به عدد نام مولی علی (ع) دایر کرد. وی طرفدار مساوات بود و در انجمن اخوت او از وضع و شریف برابری می‌نشتند. البته لازم به ذکر است که ظهورالدوله قبل از تأسیس انجمن اخوت سفری به اروپا کرد و مدتی که در آنجا اقامت داشت و وارد مجمع دراماسونری شد و پس از بازگشت به ایران خواست که در برین هم لژی تربیت دهد. از این رو الکابران دراماسونری خود را به صورت انجمن اخوت درآورد. در ۱۳۲۳ ق مجله‌ای به نام «مجموعه اخلاق» انتشار داد. از آنجایی که «انجمن اخوت» از مشروطه‌خواهی طرفداری کرد بعد از پشامد قصیه به توبه بستن مجلس در ۱۳۲۶ ق خانه ظهورالدوله نیز در تهران به توبه بسته شد و اموالش به غارت رفت. ظهورالدوله در تهران درگذشت و در بین راه امام‌زده قاسم و تجریش که امروز به قبرستان ظهورالدوله یا سر قبر ظهورالدوله معروف است مدفون گردید. از آثار او: «دیوان» شعر؛ چند رساله مظلوم به نامهای «سبحه صفا»؛ «رعنا و ریاء»؛ «مجمع الاطوار». یادداشت‌های او در باب انقلاب مشروطیت نیز مضمون نکات دقیقی است.

تاریخ جرایم (۱/ ۷۹-۷۶، ۴/ ۱۹۰-۱۹۱)، چهارصد شعر برگزیده، پارسی‌گوی (۶۲۰)، دایرة المعارف فارسی (۲)، (۱۶۴۸)، القریب (۲۰/ ۵۸، ۹/ ۶۰۹، ۱۲/ ۱۲۶)، و دگیتانه رجال و مشاهیر (۴/ ۲۸۳-۲۸۶)، مخوراد نامی معاصر (۴/ ۲۲۸۲-۲۲۸۶)، سیری در تصوف (۱۵۲-۱۶۶)، شرح حال رجال (۲/ ۳۳۷-۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۹۶-۲۹۷)

ظهرالدین بخاری - بخاری، ظهورالدین.

ظهر اصفهانی، ظهورالدین عبدالله بن شفره، (س ششم ق)، شاعر. از شاعران اصفهان و از سردیکان شرف‌اندین شفره (س ششم ق) و صوفی مشرب بود. از وی حدود دویست و میزده بیت شعر بحای مانده که در متن و تعلیقات «لباب الالباب» صوفی نقل شده است. ظهورالدین در «ریحانة الادب» تحت عنوان شفره آمده و از شعرای هندوستان دانسته شده است.

شک: ۱، ۳/ ۹۶۶-۹۶۷، ارمغان (س ۷، ص ۹۲)، چهارصد شعر برگزیده، پارسی‌گوی (۶۱۸)، الذریعه (۹/ ۶۵۹-۶۵۹)، ریاض الصوفین (۱۰۴)، ریحانة (۴/ ۷۴)، صبح گنجش (۲۶۴)، لباب الالباب (۱/ ۲۷۳-۲۷۴)، مفت اقلیم (۲/ ۲۶۶)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۶ و ۱۲)

ظهر اصفهانی، میرزا ظهورالدین ابراهیم، فرزند کمال‌الدین شاه حسین اصفهانی، (س دهم ق)، خطاط و شاعر. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. امین احمد رژی آورده که میرزا ابراهیم خط نستعلیق را در غایت جودت تحریر می‌نموده و گاه گاه به شیوه جد و روش هنر پیتی یا ریاضی انشاء می‌کرد. برخی از اشعار وی به اشتهار در «دیوان» ظهور فارابی وارد شده است.

الذریعه (۹/ ۶۵۷)، فرهنگ سخنوران (۵۹۷)، مفت اقلیم (۲/ ۴۰۱)

ظهر تهرانی، ظهورالدین، فرزند ملا مراد، (وف بعد از ۱۱۰۳ ق)، شاعر. از نویسندگان و دانشمندان عهد صفویه است که پس از تحصین هلم و ادب از زادگاهش به گرجستان مهاجرت کرد و در آنجا علاوه بر شاعری، سمت پش نمازی نیز داشت. حرین لاهیجی (تو ۱۱۰۳ ق) گوید که از مجلس ظهور تهرانی پدرش ابوطالب استفاده برده است. از آثار وی: «فرهنگ نایاب»؛ «شرح شبنم شاداب»؛ «شر ششم شاداب».

تذکره‌المصنفین (۱۱۹-۱۱۸، ۲۲۹-۲۳۷)، تذکره نصرآبادی (۱۷۰-۱۷۱)، الذریعه (۹/ ۶۵۸)، ریحانة (۴/ ۷۲)، صبح گنجش (۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۵۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۶۱۲-۶۱۱)

ظهرالدوله قاجار، محمد ابراهیم خان، طهران قاجار.

ظهیر فارسی، ابوعلی حسن - فارسی، ابوعلی حسن بن خطیر.

ظهیر فارسی، ظهیرالدین ابوالفضل طاهر بن محمد صاریبی. (وف ۵۹۸ ق)، شاعر، محقق به ظهیر معروفترین شعرائ عصر خویش و اصلاً از مردم قاریاب، زبلاط خراسان، بود. در جوانی به کسب علوم و اطلاعات مختلف علمی و ادبی در قاریاب و بیشاپور پرداخت. در بیشاپور مدح عضدالدین طغانشاه بن مؤید آی آنه را گفت. وی علاوه بر ادب به تحقیق در مباحث نجومی نیز پرداخت و پیش پشی منجمان را در وقوع طوفان در ۵۸۲ ق، تالیف رساله‌ای رد کرد، اما مطلقاً مورد توجه پادشاه طغانشاه بن مؤید قرار نگرفت. در ۵۸۲ ق ناگزیر بیشاپور ترک کرد و به اصفهان به خدمت صدرالدین حیندی رفت و نصایب در مدح وی گفت. در ۵۸۵ ق از اصفهان به مازندران و آذربایجان رفت و در آنجا به مذاحمی هله‌ای از فراد و ورزا و رجال همچون اصفهاند اعظم حسام‌الدوله بوالحسن اردشیر، و مشاهیر ملوک آل ماوند، پرداخت. از دیگر ممدوحان ظهیر، طغرل بن ارسلان آخرین پادشاه مسجوقی، قزول ارسلان سن اینلدر، اتابک سمرقندالدین سونکر یلدیز و دیگر اتابکان آذربایجان بودند. بیشتر ابد عمر را در تبریز است او با خاقانی شروانی، شیخ نظامی، مجیرالدین بیلقانی و جمال الدین اصفهانی معاصر بود. در پایان عمر ترک ملازمت سلاطین گفت و به طاعت و کسب علم مشغول گشت. در تبریز فوت کرد و در قبرستان مرحاب نزدیک قبر خاقانی مدفون گردید. ظهیر صاحب ادبوان شعر مشتمل بر چهار هزار بیت است.

بهارستان (۱۱۱-۱۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲)
۷۵۰-۷۶۴، تاریخ ادبی ایران (۱/ ۵۶۵)، تاریخ طبرستان (۱۲۰-۱۲۱)، تاریخ گزیده (۷۳۷-۷۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۶-۱۰۷)، تذکره الشعراء (۱۲۲-۱۲۸)، چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی (۶۱۴-۶۱۷)، حبیب السیر (۲)
۵۵۹-۵۵۹، نویسند سنجور (۲۲۰-۲۲۲)، القریحه (۹)
۶۵۹-۶۶۰، ریاضی و ریاضی سوابق (۱۲۵-۱۲۴)، ریاضی معاصر (۲۱۹-۲۲۰)، ریاضیه (۴/ ۷۵-۷۶)، شخصیت‌های نامی (۳۰۹-۳۱۰)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۳-۳۳۴)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، گنج سخن (۲)
۵۱-۵۲، لیدب الاکباب (۲/ ۳۰۷-۳۰۸)، لغت نامه (ذیل / عساکره، ظهیر)، محاسن النعمان (۳۳۹-۳۴۱)، مجمع النعمان (۲/ ۸۵۲-۸۶۳)، مؤلفین کتب فارسی (۲)

ظهیرالدین شیرازی، عبدالرحمن بن علی ابن پُرغش. (وف ۷۱۴/۷۱۶ ق)، عارف و شاعر. از بزرگان طریقه سهروردیه بود، که پس از پدرش منصب خلافت داشت. او پس خرقه‌ای که به تن کرد، خرقه‌ای بود که شیخ شهاب‌الدین سهروردی برای مادرش فرستاده بود. با شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سعدی معاصر بود. در یم حیات پدر به مکه مشرف شد و بعد از حوایی که در شب عرقه دید، به رویت کردن حدیث پرداخت. وی در شعر نیز دست داشت. ظهیرالدین در شیراز درگذشت و همان‌جا دفن شد. از آثارش کتاب ترجمه «عوارف» می‌باشد که مزب «شیرازنامه» کتاب «عوارف» را در نزد وی خوانده و از او اخاره دریافت کرده است.

سایح سظم و ستر (۷۴۶/۷۴۷)، تذکره هزار مزار (۲۷۶-۲۷۷)، سیراز نامه (۱۹۱)، مجمل فصیحی (دیر / سال ۷۱۲)، نجات الاس (۲۷۶).

ظهیرالدین محمد اصفهانی. (س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع سید احمد منهدی، به خط ثلث سه دانگ جلی عالی و نسخ و رقاع کتابت خوش و بد رفتم: «مشقه المبد الاقل ظهیرالدین محمد اصفهانی» (قرن ۱۰)

حوال و آثار خوشویساک (۴/ ۱۱۴۵)

ظهیرالدینی، غلامحسین. (۱۲۹۰-۱۳۶۰ ش)، نوازنده. در تهران به دنیا آمد. بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی وارد هنرستان عالی موسیقی شد و در رشته تخصصی فووت و موسیقی کلاسیک دیپلم گرفت. وی ردیفهای موسیقی ایرانی را از همسر خود، که نوه آقا حسینعلی بود، آموخت و سپس فعالیت خود را در رشته موسیقی، از جمله تدریس و کار در ارکسترهای مختلف، شروع کرد. ظهیرالدینی مدتی تصدی مرکز آموزش موسیقی را در وزارت فرهنگ و هنر به عهده داشت و مدتی هم به عوان کارشناس موسیقی و رهبر ارکستر ملی فعالیتش را در حواسان ادامه داد و موفق شد هنر اصیل موسیقی را در این استان اشاعه دهد. وی علاوه بر نوازندگی فلوت، به عنوان ساز تخصصی کلاسیک، در نواختن سازهای ویولون و کمانچه نیز مهارت کامل داشت. سرانجام بر اثر ابتلا به سرعده، در تهران درگذشت و در امام زاده عبدالله شهر ری دفن شد.

مردان موسیقی (۳/ ۱۰۶-۱۰۹).

(۵۸۶)، هفت اقلیم (۲/ ۷۷-۸۲)، یحیٰ (۳/ ۲، ۳، ص ۱۰۲-۹۶)

ظهر کارروبی، علی بن محمد بن محمود. (۱۱۶۱ع-۶۹۷ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، بغوی و شاعر در راجان دور معرب بود که در عراق زندگی می‌کرد خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد، از جمله: «روضة الاریت» در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب» در حساب؛ «الملاحه فی الملاحه»؛ «انبراس المضي» یا «نبراس المفتی» در فقه شافعی؛ «الدروة الملی فی سيرة المصطفى (ص)» منظومه «الاسديه» در لغت

الاعلام (۵/ ۱۵۵)، اصباح المکون (۱/ ۳۲۸، ۲/ ۷۱۴، ۷/ ۱۵)، ریحانه (۲/ ۷۶)، کشف الظنون (۴۹۴، ۱۹۲۳، ۱۰۱۲)، لغت نامه (دین / علی)، معجم المؤلفین ۲۲۲، ۷/ ۱۵، مدیة العارفین (۱/ ۷۱۵).

ظهر کرمانی، ظهور لدین. (۱۱۶۲ق)، شاعر از مشاهیر شعرای متأخر ایران می‌باشد که منظومه‌ای موسوم به «مجموعه البحرین» یا «معجم البحرین» را در ۶۲۴ق سروده است. در «فرهنگ سخنوران» به اشتباه وی زنده در ۱۲۶۲ق ذکر شده است. از دیگر آثارش «دیوان» شعر است. صاحب «الذریعه» تحت عنوان ظهور کرمانی، ظهورالدین حسن بن ناصرالدین یحیی خطیب کرمانی را نیز جداگانه معرفی می‌کند و به او نیز «دیوان» شعری نسبت می‌دهد.

تذکره شاعران کرمان (۳۶۴)، الذریعه (۹/ ۶۶۰)، ریحانه (۷۷/ ۴۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، منظومه‌های فارسی (۳۸۲-۳۸۱)

ظهر مرعشی، سید ظهور لدین بن نصیر لدین بن کمال الدین بن قوام لدین. (ح ۸۱۵- بعد از ۸۹۲ق)، مورخ. در آمل به دنیا آمد. خاندانش در آمل و ساری و دیگر نواحی مازندران حکومت داشته‌اند، از جمله نیای وی قوم‌الدین که مدتها در آن سامان حکومت داشته است. خود وی نیز از طرف کارکیا سلطان محمد، پادشاه گیلان، عهده‌دار سرداری سپاه و امارت سیاکله‌رود بود. از آثارش «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» که تألیف آن در ۸۸۱ق به پایان رسید؛ «تاریخ گیلان و دیلمستان».

تاریخ در ایران (۱۳۷-۱۳۸)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۲)، حبیب‌السیر (۲/ ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۵۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۲۸)، الذریعه (۳/ ۲۶۱-۲۶۲، ۲۸۴)، کشف الظنون (۲۹۷)، لغت نامه (دین / ظهورالدین)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۱۳-۶۱۲)

ظهر نسوی، امام ظهورالدین ولی. (س ششم ق)، شاعر. از دانشمندان و عالمان نام آور نما بود. حرفی (م بعد از ۶۳۰ق) او را ملاقات کرده و در تذکره خود، وی را به مزید فضل و دانش ستوده و گوید در نما مصاحبت او را دریافتیم حرفی از اشیاء وی یک ریاضی و یک قطعه یازده بیتی نقل کرده است.

الذریعه (۹/ ۶۶۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، لیاب لالیاب (۱/ ۲۲۳-۲۲۷)، لغت‌نامه (دین / ظهورالدین)، هفت اقلیم (۲/ ۳۳)

ظهر نهاوندی، میرزا ظهورالدین محمد. (س یازدهم ق)، شاعر. از سادات نهاوند بود و در دربار صفوی به رقع نویسی اشتغال داشت و در ضمن شعر هم می‌سرود. از اوست:

آز آتش دل دماغ ما می‌سوزد
چون لاله همیشه دغ ما می‌سوزد
رخساره‌اش از عرق برافروخته است
از روغن گس چراغ ما می‌سوزد
تذکره نصراবাদی (۹۲)، الذریعه (۹/ ۱۰۰۶)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸-۵۹۹)

ظهر نیشابوری، ظهور لدین / مخبرالدین، ابو جعفر محمد بن محمود بن احمد مروری. (وف ۵۹۹ق)، مفسر پدرش از عثمای زمان خود و صاحب تصانیف بود. ظهور در عهد بهرام شاه غزنوی می‌زیست و به عنوان سفیر بهرام شاه به نزد سلطان سنجر سلجوقی رفت. از آثارش کتب «النصائر» یا «تفسیر النصائر» یا «النصائر فی تحقیق الرجز» و «النصائر» در معانی مختلف برای لفاظ قرآن، در چند مجلد، به فارسی، به ترتیب حروف هجا که به آورده «کشف الظنون»، در ۵۷۷ق و تألیف آن فراغت یافته است. دو تذکره «لیاب الالیاب»، این کتاب تحت عنوان «تفسیر بصائر دمنی» آمده است. همچنین در آن تذکره، کتاب «صحیفة الاقبال» که در معارضه شمشیر و قلم است

بدو نسبت داده شده است.

الدیلمه (۱۲۲-۱۲۳، ۴/۲۶۲)، ریحانه (۴/۷۸۷۷)،
کشف الظنون (۱۰۷۶، ۲۳۶)، لیساندالایب (۱/۲۸۱-
۲۸۲)، معجم المؤلفین (۷/۱۲)، هدیه العارفین (۳/۱۰۵)

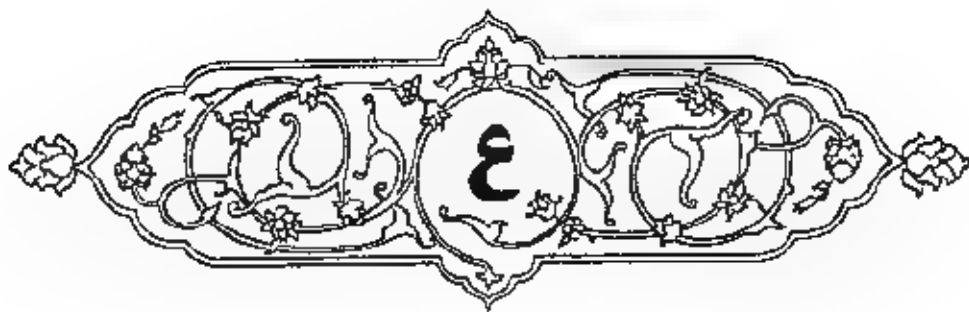
ظهر همدانی، میرزا سید ابراهیم، فرزند میرزا
قوام‌الدین حسین بن عطاءالله حسینی حسینی. (وف ح
۱۰۲۶ هـ)، عالم امامی، متکلم، حکیم، اديب و شاعر
پدرش در عهد شاه طهماسب صفوی در همدان عهددار
منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، مدین جهت
میرزا ابراهیم به ناضی زاده نیز مشهور است وی به همراه
پدرش مدتی در قزوین بود، لذا توانست در محضر میر
فخرالدین سمانکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد چون
به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا محمود
صفا شد. وی تحصیلات خود را در فقه و ادب و
حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب
علمی او با رشد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ‌های
مراگرف و از او اجازه روایت دریافت کرد. در سفری که به
مکه رفت، با شیخ محمد بن احمد بن نعمت‌الله عاملی
ملاقات کرد و از او نیز اجازه روایت دریافت کرد. او بعد از
وفات پدر قاضی همدان شد، یکی اکثر اوقات خود را در
درس و مطالعه و میا حاشیه می‌گذراند. شیخ بهایی او را پس
میرداد قریح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان
داشت. ظهور همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و
جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند.
علامه مجلسی اول از وی اجازه روایت گرفت. او تألیفات و
تصحیفات بسیار دارد، از جمله: رساله «اثبات الواجب»
حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر
«نهایات شفا»؛ «نموذج الاسراهمیه»، تصنیفات بر دو
کتاب «شفا» و «نجاه» ابن میا؛ حاشیه بر «شرح اشارات»
خواجہ نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر
«کتاب».

الاعلام (۱/۲۹)، امیان‌الشیعه (۲/۱۲۸-۱۲۹)، برگار و

سخن سربازان همدان (۱/۲۱۳-۲۰۹)، تاریخ نظم و نشر
(۵۰۲)، الدیلمه (۴/۲۰۹، ۱۱/۶، ۱۱۰، ۱۱۳)، روایات
الحنات (۱/۴۳-۴۲)، ریاض‌العلماء (۱/۱۳-۹)، ریحانه
(۴/۷۳-۷۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱/۱۲-۱۲)،
موائد الارضیه (۵)، الکس و الاقاب (۲/۵۱-۵۰)، لغت
سامه (دبیل / ابراهیم)، معجم المؤلفین (۱/۲۳)،
هدیه العارفین (۱/۲۹).

ظهیری سمرقندی، ظهورالدین / بهاء‌الدین محمد بن
علی بن محمد ظهوری کاتب. (ص ششم و هفتم ق)،
ادیب، از مترسلان و کاتبان بزرگ ایران و از وزیران خاندان
خانیه یا آل افرسیاب بود. مدتی صاحب دیوان رکن‌الدین
نوح طمناج خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این
سلسله بود. عرقی او را با لقب الصمدالاجل یاد کرده و
اسم او را در باب وزر و صدور آورده است. لغش را در
تذکره ظهورالدین آورده‌اند اما او خود، به تصریح،
بهاء‌الدین ذکر کرده است. از آثار او: «اعراض الیاسه فی
اعراض الیاسه»، در آداب سلطنت، که پس از ۵۵۲ ق
مجموعه است؛ «مجمع الظهور فی جمیع الظهور»؛
«مجموعه» به اثر مرین ادبی به فارسی، که آن را به نام
نوح طمناج خان سرشته است. این کتاب از داستانهای
عصری است که ظاهراً از هند به ایران آمده و در زمان
سامانیان به پهلوی ترجمه شده و رودکی آن را به نظم
آورده است. تهذیب دیگری از این کتاب به زبان پارسی، به
وسیله شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد دقیقی
مروزی در اواخر قرن ششم هجری انجام گرفته است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/۱۰۳-۹۹۹)، تاریخ نظم و نشر
(۱۲۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۱۶۴۸)، مرمت
ادبیات فارسی (۳۳)، فهرست کتبهای چاپی فارسی (۲/
۲۰۲۴)، کشف الظنون (۱۳۰، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳)، گنج
کنجه (۲۴۶-۲۴۰)، لیاب‌الالباب (۱/۹۲-۹۱)، لغت‌نامه
(دبیل / محمد)، مع موسوعات رجال‌الشیعه (۱/
۱۶۲-۱۶۱)



در ۱۳۱۹ ش به ایران مرجعت کرد و مدتی ریاست هنرستان رنگرزی و به عهده داشت و چندی نیز ریاست دارة آموزش وزارت پیشه و هنر با او بود. در ۱۳۲۴ ش به سمت اسب‌داری دانشگاه رسید و بعدها به معاونت دانشکده فنی منصوب شد. از آثار وی: «پتروشیمی»، «شیمی آلی». کتابخانه نخستین همه انقلاب (۲۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۵-۱۱۲/۳)

عاجز: (س دوازدهم ق)، شاعر وی از مثنوی پردازان عصر خود بود که منظومه صوفیه‌ای به نام «شورش نامه» در بحر «مثنوی» مولوی سروده است. این مثنوی در برگزیده حکایات و تمثیلهای زیبا است که چهار بحث دارد: «شورش لاشاده»، «شورش دیو»، «شورش مثنوی» و «شورش سرار» منظومه‌های فارسی (۲۸۲-۲۸۳)

عادل، شاه اسماعیل دوم، فرزند شاه طهماسب صفوی. (۹۸۵-۹۲۲ ق)، شاعر، متخلص به عادی. وی شاهزاده‌ای شاعر و خوش ذوق، لیکن بی‌باک و سفاک بود و از این روی پدرش او را به مدت بیست سال در قفسه قهقهه زندانی کرد. وی پس از مرگ پدر بر تخت نشست و مدت کوتاهی حکومت کرد. عدلی در سرودن شعر بویژه مثنوی مهارت داشت. از او مثنوی «استخلاصیه» بر جای مانده، که شاعر این مثنوی را در اتمام حبس بند سروده و در آن از پدر اظهار انتقاد نموده است به دین امید که پدر از او آراء کند.

سذکره میخانه (۲۰۵-۲۰۴)، حبسپه در ادب فارسی

عابد، (س یازدهم ق)، شاعر. در ۱۰۶۲ ق منظومه «اساس الاسلام» را سرود. این منظومه به احتمال، شرح حدیث «نسی الاسلام علی خمس» است، در پنج باب. ۱- یمان مجمل ۲- نماز ۳- روزه ۴- رکعت ۵- حج، و در هر باب چند فصل یا دید اهل سنت. منظومه‌های فارسی (۲۸۲)

عابد بیرمی لاری، شاه زمین‌العباد. (۹)، شاعر مشهور به شاه رنده. هر سیم لار و از سرشناسان فارس/گرجان دانشمندان و عرفان رمان خود بود که در سرودن شعر مهارت داشت. در تذکرها اشعاری از وی نقل است در بعضی از تذکرها نام صاحب عنوان را زمین‌العابدین ذکر کرده و در بعضی او را مشهور به شاه رند یا شاه رندیان دانسته‌اند.

تاریخ نظم و نثر (۱۸۱، ۷۰۸)، دانشمندان و سخن‌مرايان فارس (۵۳۶-۵۳۷)، الذریعه (۹/۶۶۲)، ریاض العارفين (۱۱۰)، فارسنامه ناصری (۲/۱۵۱۶)، فرهنگ سخنوران (۲/۶۰۱)، نعت نامه زبیل/عابد، سرآت انصاحه (۲۸۶-۲۸۷)، مجمع الفصح (۲/۸۶۶)

عابد فارسی - عابد بیرمی لاری

عابدی، رحیم، (س چهاردهم ق)، نویسنده و استاد دانشگاه در ۱۳۱۲ ش با آخرین گروه دانشجویان اهزامی به فرانسه، به آن کشور حریمت نمود و در دانشگاه شهر بوردو به اخذ مهندسی شیمی قابل شد و دکترای خویش را در همین رشته از مدرسه پلی‌تکنیک در لین اخذ کرد. وی

(۱۰۲-۱۰۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۴۶)، الذریعه (۹/ ۶۶۳)، عالم‌الکرای عباسی (صحاحات متعدد)، فارسنامه ناصری (۱/ ۶۸، ۴۱۲، ۴۱۷)، بحث‌نامه (ذیل/ عادل، اسدعلی، مجمع الحواصیر (۱۲-۱۰)، مجمع الفصحا (۱/ ۷۹)، مظلومه‌های فارسی (۳۸۳)، ستایح الامیر (۴۶۶-۴۶۷)

عارف اردبیلی، (س. هشتم ق)، شاعر اهل آذربایجان بود نخست در دربار سلطان اریس جلایر و سپس به دعوت شروان‌شاه یک‌کوس بن کیفیاد (۷۷۴-۷۷۵ ق) به شروان رفت و آموزگار پسر وی شد. عارف در آنجا شروع به سرودن مثنوی «هره‌نامه» در وزن خسرو و شیرین تصانی کرد و تا سال ۷۷۱ ق آن را به پایان رسانید تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، تذکره شعراء آذربایجان (۱/ ۹۶-۹۷)، دانشمندان آذربایجان (۲۵۲-۲۵۱)، الذریعه (۹/ ۶۶۵، ۱۹/ ۲۵۷)، سخنوران آذربایجان (۶۳-۶۲)، فرهنگ سخنوران (۶۰۳)، بحث‌نامه (ذیل/ عارف اردبیلی).

عارف اصفهانی، حاجی عبدالله - عارف تبریزی.

عارف اصفهانی، میرزا ابراهیم، (س. یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عارف، از تبریزیان ساکن مکه عیاس آباد اصفهان بود او در شش تحصیل علم و دانش، شاعری نیز می‌کرد و بیشتر غزل می‌سرود. عارف اشعار بسیاری در خاطر داشت و مردی درویش مسلک بود وی مدتی قبل از ۱۰۸۳ ق سفری به هندوستان کرد و از آنجا به ریارت خانه حیدر رفت و بعد از بازگشت به وطن، درگذشت

تذکره نصرآبادی (۴۳۱-۴۳۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۸-۱۷)، الذریعه (۹/ ۶۶۶)، صبح گلشن (۲۶۸)، کرون هند (۲/ ۸۲۹)

عارف ایجی - عارف ایگی

عارف ایگی، سراج‌الدین حسین، فرزند خیاب‌الدین علی، (۱۰۳۵-۹۷۶ ق)، شاعر، متخلص به عارف، در ایگ از توابع داراب گرد فارس به دنیا آمد. مدتها در شیراز به تحصیل حکمت طبیعی پرداخت، سپس به زادگاه خرد بازگشت. بعد از مرگ پدر، برادرش اثیرالدین حسن به جای پدر سر مسند کلاتری ایگی نشست و چون با

سراج‌الدین سر ناساگراری گذاشت، در نتیجه سراج‌الدین از وطن آواره شد و ناچار به سیر در شهرها پرداخت. مدتی در کرمان و یرد به سر برد و آنگاه از راه سیستان به هند رفت. در آنجا به مجلس جهانگیر پسر اکبر شاه راه یافت، بعد از مدتی حاسدان در نزد شاه از او بدگویی کردند و شاه او را به مدت دو سال به زندان انداخت. سرانجام پس از هابی رسا، مجدداً جهانگیر را مدح کرد ولی بعد از مدت پنج سال بی‌اجازه از نرد جهانگیر گریخت و در آگره اکبر شاه را مدح گفت. بعد از مرگ اکبر شاه در ۱۰۱۴ ق از آگره هم خارج شد و در گلکنده، محمد فنی قلع‌شاه را ملازمت کرد و از آنجا به وطن بازگشت و مدت پنج سال در ایگ به سر برد. مجدداً از وطن خارج شد و پس از گشت و گذار در خراسان باز به هند رفت و ملازم جهانگیر پادشاه شد. عارف در هندوستان به مؤلف تذکره «میخانه» ملاقات کرد و شرح حال خود را برای او تعریف نمود سرانجام در بنگاله درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر، مثنوی «اندروز نامه»، در دو هزار و سیصد ست، در بحر «شاهنامه» «ساقی نامه»؛ مثنوی در بحر «محرر لامراره»

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۹۹۲-۱۰۰۰)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۹)، تذکره میخانه (۶۲۸-۶۲۰)، دانشمندان و سخن سزبان فارس (۳/ ۵۳۸-۵۴)، الذریعه (۹/ ۶۶۶-۶۶۷، ۱۲/ ۱۰۱، ۱۹/ ۱۲۱)، ریخته (۲/ ۷۹)، صبح گلشن (۲۶۷)، کرون هند (۲/ ۸۲۹-۸۵۰)، بحث‌نامه (ذیل/ عارف ایگی)، مظلومه‌های فارسی (۳۸۲)، هفت اقلیم (۱/ ۱۶۹-۱۷۱)

عارف بخارایی، بیزید (س. دهم ق)، شاعر در بخار به دنیا آمد. وی مداح عبیدالله خان ازبک (م ۹۴۶ ق) بود. «دیوان» شعر او در هفت هزار بیت بوده است. تذکره نور روشن (۵۱۰)، تذکره نصرآبادی (۵۲۲)، الذریعه (۹/ ۶۶۴)، فرهنگ سخنوران (۶۰۴)

عارف تبریزی، حاج عبدالله، (س. دوازدهم و سیزدهم ق)، شاعر، در آغاز جوانی به هند مسافرت کرد و با میرزا محمد علی فروغ (م ۱۲۱۰ ق) مشاعره داشت. پس از به کسوت درویشی درآمد و در پارس سکونت اختیار کرد و همان‌جا درگذشت. او در سرودن شعر توانا بود. تذکره نور روش (۵۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۵۳)، ذریعه (۹/ ۶۶۸-۶۶۷)

خطاط و شاعر، متخلص به عارف. در قزوین چشم به جهان گشود. وی تحصیلات قدیم را در زادگاه خود فراگرفت و به دو هنر خط و موسیقی اهتمام بیشتری ورزید و به شهرت رسید. اساتیدش در خوشنویسی، آقا محمدرضا کتب فروش، آقا شیخ علی شالی، معروف به سکا، خوشنویس و آقا شیخ علی شالی، معروف به سکا، بودند. فن موسیقی را نزد حاج صادق خرازی آموخت. در جوانی به رشت رفت و به ریعت عرشاه آشنا شد سپس به تهران آمد. او پس از انقلاب مشروطیت، طبع شعر خود را در راه دماغ از آزادی و مشروطه ریر صد مظالم طبقه حاکم به کار گرفت. هنگام قیام محمدتقی خان پسیان، به خراسان رفت و در تئاتری به قاجاریه ناموا گفت. به همین سبب، برج میرزا منظومه «عارفنامه» را در هجو او سرود. عارف بیشتر اوقات متواری و در حال مسافرت بود. در ایام سهاجرت، به نواحی غرب و یمنده و کرمانشاهان و استانبول نیز مسافرت کرد و با آزادبخواهان آن شهرها همکاری داشت. وی اواخر عمر را در تنگدستی در همدان گذرانید و همانجا درگذشت و در جوار مقبره ابوعلی سینا دفن شد. کار بزرگ عارف تحوّل عظیمی بود که پدر ترانه سرایی پدید آورد. شهرت و حیثیت ملی وی برای تصنیفهای وطنی اوست که در مواقعی حساس **شعر** و **شعر** با ملت ایران همدلی کرده است. دیگر از امتیازهای بزرگ تصنیفهای آن است که او خود هم شاعر و موسیقیدان و هم آوازخوان بود و تصنیف را با مهارت و ستادی فوق العاده‌ای برای بیان مقاصد و مضامین می به کار می برد. وی در غزلهای خود از صمدی و حافظ پیروی کرده است. اثر از «دیوانه» شعر است.

ادبیات معاصر (۷۰-۶۹)، از بهار تا شهریور (۱/ ۲۲۸-۲۴۰)، از صبا تا تابا (۲/ ۱۶۸-۱۳۶)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۵۲-۲۵۲)، تاریخ موسیقی (۲/ ۴۷۶-۴۶۹)، چشمه روشن (۲۰۳-۳۹۵)، چوک میری تشه (۶۳-۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۵۱)، دريست سخنور (۲۲۸-۲۲۶)، الذریعه (۹/ ۶۶۹)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۴/ ۲۸۹-۳۰۳)، سخنوران سامی (۱/ ۲۲۸-۲۲۶)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۲۶-۲۲۶)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۴۲۷-۴۱۱)، شخصیت‌های نامی (۳/ ۲۰۳)، شرح حال رجال (۱/ ۵۹-۶۰)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۲۵۷-۲۲۹)، فرهنگ «ادبیات فارسی» (۳۳۶-۳۳۵)، فرهنگ سخنوران (۶۰۵)، قزوین دو گذرگاه هنر (۲۶۱، ۳۱۲-۳۱۹)، لغت نامه (دین / عارف قزوینی)،

عارف حسینی هروی، فرزندان میر روح الله حسینی. (۹۰۱ ق)، خطاط و شاعر. از خوشنویسان و شاعران دوره سلطان حسین میرزا باقر بود و در خط نستعلیق مهارت داشت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. بعضی وی را یردی می دانند از آثار او: یک نسخه «نزهة الارواح» امیر حسینی و «المعات» عراقی، به قلم کتابت خفی متوسطه با رقم: «تمت». عارف بن روح الله الحسینی. می سنه ۹۰۱؛ یک نسخه از مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم دو دانگ و کتابت متوسطه، به شوه اظهار تشریری، با رقم: «العبد المذنب عارف الحسینی، اصلح الله».

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۳۹-۳۲۸)، تذکره دور روشن (۵۱۱)، الذریعه (۹/ ۶۷۰)، صبح گلشن (۲۷۰)، فرهنگ سخنوران (۶۰۶)، هنر عهد تیموریان (۵۸۳)، (۶۲۵)

سازند شیرازی، میرزا علی اکبر، فرزند میرزا ابوالحسن. (وف ۱۲۶۱ ق)، شاعر در جوانی از شیراز به عتبات رفت و به تحصیل انواع علوم پرداخت و از آنجا به هندوستان عزیمت نمود و سرانجام در لکهنو اقامت گزید؛ او در دربار نصرالدین حیدر، پادشاه آن سامان، مسودی ندید بعد از آن محمد علی شاه، سلطان اود، مقرری برای وی در نظر گرفت، ب این حال عارف زندگی را به **عزیمت** می گذراند تا در همان شهر از دنیا رفت. اشعاری از او به جا مانده است.

حذیقه الشعر (۲/ ۱۱۲۷-۱۱۲۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۵۵۰-۵۲۸)، الذریعه (۹/ ۶۶۹)، ریحانه (۲/ ۸۰)، صبح گلشن (۲۶۹-۲۶۸)، فرهنگ سخنوران (۵-۶)، لغت نامه (ذیل / عارف شیرازی)، مکالم الآثار (۵/ ۱۶۵۹).

عارف عجمی، فتح الله. (وف ۹۶۹ ق)، شاعر و مورخ از شاعران عهد سلطان سلیمان خان عثمانی قانونی بود و اشعار بسیاری درباره سفرها و جنگها و مدح وی سروده است.

ریحانه (۲/ ۸۰)، لغت نامه (ذیل / عارف عجمی).

عارف فارسی به عارف کاروسی، شیخ عابد.

عارف قزوینی، 'بوالقاسم'، فرزند ملا هادی وکیل. (۱۳۵۲-۱۳۰۰ ق)، موسیقیدان، تصنیف ساز، خواننده،

مردان موسیقی (۱/ ۲۵-۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱)
 ۲۶۴-۲۶۵، میودر (۲/ ۲۹۳-۵۰۷)

عارف کازرونی، شیخ عابد. (وف ۱۲۵۸ ق)، شاعر،
 متخلص به عارف در کازرون به دنیا آمد و در شیراز ساکن
 شد و به تحصیل علوم و معارف پرداخت. وی سالها در
 تحصیل مراقب علم عرفان گزید. وی خط شکسته را
 سکر می نوشت. صاحب «حدیقه الشعراء» وفات وی در
 ۱۲۵۰ ق ذکر کرده است

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۱۴۸-۱۱۴۹)، دانشمندان و سخن
 سرایان فارس (۳/ ۵۵۴-۵۵۳)، طرلس الحقائق (۳/
 ۲۷۹)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۴۴۶-۱۴۴۷)، فرهنگ
 سحوران (۵/ ۶۰۶-۶۰۵)، مرآت المصاحبه (۳۹-۳۹)
 مصطفی حواب (۱۳۱)، مکارم الآثار (۵/ ۱۵۷۰)

عارف کاشانی، میر هبه الله حسین. (ز ۱۰۸۳ ق)، خطاط
 و شاعر، متخلص به عارف از سادات حسینی کاشانی و
 معاصر و مصاحب میرزا ظاهر نصرآبادی بود. نستعلیق و
 نسخ را خوب می نوشت و با اجرت کتابت مصاحف، املا
 معاش می کرد. مدتی در اصفهان بود، سپس به کاشان
 بازگشت و هنگام تألیف تذکرة «نصرآبادی»، در ۸۳ ق به
 در کاشان می زیست از آثار وی «دیوان» شعر است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۷۰-۳۷۱) تذکرة
 نصرآبادی (۳۶۸-۳۶۹)، الدررجه (۹/ ۶۷۰)، صبح گلشن
 (۲۶۹)

عارف کرمانی، اسماعیل. (س یازدهم ق)، نقاش و
 شاعر، متخلص به عارف. وی اهل کرمان بود و در آنجا به
 مصافی اشتغال داشت. صوفی مشرب بود و در نقاشی و
 کاسه گری مهارت داشت. عارف قصیده ای در مدح
 حضرت علی (ع) سروده که مطلعش این است:

جهان و هر چه درو هست از صفار و کبار
 شمع خلاق تو است ای گن همیشه بهار

تذکرة نصرآبادی (۲۸۲)، صبح گلشن (۲۶۶)، فرهنگ
 سحوران (۶۰۶)

عارف هروی به عارف حسینی هروی

عارف یزدی به عارف حسینی هروی

عارفی سرخسی، محمد میرک. (س یازدهم ق)،
 شاعر. از سادات موسوی زور آباد سرخس بود
 تحصیلات مقدماتی را در نچه جام به انجام رسانید، از
 آنجا به مشهد رفت و در این شهر با حدسی و نظیری
 مشهیدی مصاحبت داشت. مدتی نیز ملازم حاکم سرخس
 بود و پس از جسدی به همراه پدر خود به هندوستان رفت.
 فخرالزمان نوری، صاحب تذکرة «میخانه»، او را در آن
 سامان ملاقات کرده و اشعاری از وی در تذکرة خود که
 تألیف آن را در ۱۰۲۸ ق به پایان برده، آورده است.

تذکرة میخانه (۹۰۸-۹۰۷)، کاروان هند (۲/ ۸۵۵)

عارفی هروی، مولانا محمود. (۷۹۲-۸۵۳/۸۵۳ ق)،
 شاعر در هرات به دنیا آمد. وی از شاعران مشهور عهد
 شاهرح بن تیمور و از ستایندگان خاص وزیر او، خواجه پیر
 احمد بن سحاق، بود. چون به سبک سلمان ساوجی شعر
 می سرود و مهارتی خاص در سخنوری داشت به سلمان
 نامی معروف بود. عارفی در طریقه حنفی تعصب داشت
 در هرات درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. وی در
 شعر و فنون و مثنوی مهارت داشت. از آثارش: «دیوان»
 عربیت؟ مثنوی «حاله نامه»، یا «گوی و چوگان»، «جواهر
 لاسلام»، مثنوی اخلاقی و دیسی، «ده نامه»، که به نام
 خواجه پیر احمد بن اسحاق سروده است.

از سده تا جامی (۷۲۰-۷۱۸)، بهارستان جامی (۱۲۱).
 (۱۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۴۵۸-۴۵۷)، تاریخ نظم
 و نثر (۳۰۳-۳۰۲)، تذکرة الشعراء (۶۹۶)، حبیب السیر
 (۲/ ۱۸)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۵۱)، الدررجه (۹/
 ۶۷۱)، ۱۸/ ۲۵۳، ۱۹/ ۱۵۶، ۲۷۲)، فرهنگ سخنوران
 (۶۰۷)، لغت نامه (دیل / عارفی)، مجالس المائیس (۲۰)،
 (۱۹۴)، منظومه های فارسی (۳۸۸-۳۸۵)، مؤلفین کتب
 چاپی (۶/ ۵۳-۵۲).

عازم زنجان، نوروز علی، فرزند قربانعلی.
 (۱۳۰۲-۱۳۵۶ ق)، شاعر. در زنجان به دنیا آمد. شمش
 کلاهدوزی بود. او «دیوان» شعری به فارسی و ترکی دارد.
 مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۶۶۳).

عاشق اصفهانی، آقا محمد خیاط. (۱۱۱۱/۱۱۱۱-
 ۱۱۸۲/۱۱۸۱ ق)، شاعر از اهالی اصفهان و با هاتف و
 آذر معاصر بود او به خیاطی روزگار می گذراند و در ضمن
 شاعری بود درویش مسکین. تشویق مشتاق اصفهانی - از

تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، صفحه سیمای (۵۵)، تذکرة روز
روشن (۵۱۲-۵۱۳)، الذریعه (۶۷۳/۹)

عاشقی خراسانی (من دهم ق)، شاعر. از شاعران
خراسان بود. وی «دیوان» عزلی داشته است.
آشنکده آور (۱/ ۲۲۳-۲۲۴)، تحفه سامی (۲۵۴-۲۵۶)،
تذکرة روز روشن (۵۱۲)، الذریعه (۶۷۳/۹)، فرهنگ
سخنوران (۶۰۸)، هفت اقلیم (۲۰۰/۱).

عاشقی سیستانی ← عاشقی خراسانی.

عاصم سنجی، عیدالعزيز (س سیزدهم ق)، شاعر.
پس از کسب علوم مقدمانی در سنج، به بغداد رفت و در
آنجا به تحصیل پرداخت و در همانجا ماندگار شد.
صاحب «حديقة الشعراء» او را در ۱۲۹۷ ق در بغداد
ملاقات کرده که به نوشتن نامه‌های فارسی اشتغال داشته
است. وی ترکی و عربی را خوب می‌دانست و اشعاری هم
سروده است.

تاریخ مشاهیر کرد (۶۵/۲)، «حديقة الشعراء» (۲/ ۱۱۵۵-
۱۱۵۷)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۶۵).

عاصی رشتی اصفهانی، شیخ محمد محسن بن شیخ
محمد رفیع (وف ۱۲۷۰-۱۲۸۰ ق)، عالم و شاعر،
متخلص به عاصی. پدرش صاحب «جواهر الاصول» بود.
وی در گیلان نشو و نما یافت و برای تکمیل تحصیلات به
اصفهان رفت. از محققان کثیرالتألیف و شاعری ادیب و
زهدي عارف بود. در اواخر عمر به تهران آمد و در این
شهر وفات یافت. جنازه‌اش به نجف منتقل و در آنجا دفن
شد. شمار تألیفاتش، از کتاب و رساله، متجاوز از یکصد و
شانزده مجلد می‌شود. از آثارش: «جامع المصائب»، در دو
مجلد؛ «وسيلة النجاة فی رفع المنهكات»، به فارسی، در
حس و نحو، که در ۱۲۶۹ ق آن را به خواهرش دوستش
حاج محمد علی قزوینی نگاشته؛ «اربعین»؛ «بیان
الاصول»؛ «كشف المقال»؛ «القواعد والمراشد»؛ «مجمع
الادکوار»؛ «مجمع المعانی»؛ «مراجع الفصایح»؛ در دو
مجلد؛ «منهاج الدین»؛ در اصول دین؛ «دیوان» شعرا «نظم
المعانی»؛ «مثنوی عشق دفتر»؛ «مثنوی شریعت»؛
تظیر «سان و حلوا»؛ «مهرج انشاده»؛ تظیر «حملة
حیدری»؛ در «ریحانة الادب» و «انام» و نامدارهای گیلان
زم صاحب عنوان محمد حسن ذکر شده است.

پشگامان بهشت ادبی اول در عهد کریم‌خان زند - به
پیرری سبک کلام استادان قدیم، بسیاری از سرایندگان
جوان آن زمان از جمله عاشق را به بازگشت ادبی کشاند.
عاصی در غزلسرایی طرری دلپسند و عاشقانه داشت و
همه معاصرین او خیزلانش را به شیرینی و شیرایی
ستوده‌اند. وی در اصفهان درگذشت. از آثارش، «دیوان»
سر

از صبا تا نیما (۱/ ۱۳)، دایرةالمعارف فارسی ۲،
۱۶۵۱)، دریست سخور (۲۲۸-۲۳۰)، الذریعه (۹/ ۶۷۲)،
ریحانة (۴/ ۸۱-۸۰)، سفةالمحمود (۲/ ۴۰۳-۳۸۷)،
فرهنگ سخنوران (۶۰۷)، گنج سخن (۳/ ۱۳۸-۱۳۲)،
نفت‌نامه (ذیل / عاشق اصفهانی)، مجمع
النصوص (۵/ ۷۳۲-۷۳۸)، مر و سورج (۳۸۹)، زبیر
کتب چاپی (۵/ ۵۵۳-۵۵۴)، نگارستان دارا (۲۲۹-۲۳۲)

عاشق سمرقندی، کمال‌الدین ابوالحسین طبیب (وف
۹۵۷ ق)، شاعر از دانشمندان و شاعران عهد تیموری بود
که در هرات می‌زیست و مورد عداوت سلطان حسین ناصر
بود. عاشق در سرودن شعر توانا بود و شماری از رباعیات
وی باقی مانده است. او در مورد اثنهر درگذشت.

تاریخ نظم و نثر (۶۵۴)، الذریعه (۹/ ۶۷۲)، فرهنگ
سخنوران (۶۰۸)، صبح گلشن (۲۷۰)، فرهنگ سخنوران (۶۰۸)،
نفت‌نامه (ذیل / عاشق سمرقندی)، هفت اقلیم (۳/ ۳۷۶).

عاشق کرمانشاهی، محمد، فرزند ملا ابراهیم (س
سیردهم ق)، شاعر ملقب به وکیل شرعیات و علمای
کرمانشاه بود. به طواف مکه مشرف و پس از آن به حاجی
وکیل معروف شد. صاحب «حديقة الشعراء» که با وی
ملاقات داشته، گوید: "در علوم ادبیه خیلی خوب است و
نظمش مطلوب و نثرش مرغوب، خطش بد نیست و شعر
سار می‌گویند". اشعاری از او به جا مانده است.

حديقة الشعراء ۱۲۹/۲- ۱۵۴

عاشقی تربتی، امیر (وف ۹۴۵ ق)، شاعر. از شاعران
غزلسرایی ایران در سده دهم هجری بوده است. وی ب
اینکه خواندن و نوشتن نمی‌دانسته، در سرودن شعر توانا
بوده و اشعار بسیاری سروده است. عاشقی در تربت
حیدریه درگذشت. از آثار وی «دیوان» شعر، در حدود
پانزده هزار بیت

سطنعت اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سمان به تعليم پرداخت. در تذکرة اشام عربان به شتاء نسبت وی یردی و در تذکرة یرور روش کالمی ذکر شده است.

تذکرة یرور روش (۵۱۶)، الذریعة (۶۷۵/۹)، فرهنگ سخنران (۶۱۰)، کدوان هند (۸۵۵-۸۵۶/۲)

عالمی، ابراهیم، (تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه، در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و مدرسه حقوق، در ۱۳۱۱ ش به فرانسه اعزام و در آنجا به دریافت لیسانس حقوق و درجه دکتری در رشته اقتصاد و حقوق عمومی نایل شد. عالمی در ضمن تحصیل حقوق، مدرسه علوم سیاسی پاریس را نیز طی کرد و پس از آن به ایران مراجعت نمود و در ۱۳۲۰ ش تدریس علم اقتصاد به وی محول گردید. اثرش: «مجم مائه»، برنامه سال اول دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۳۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۷۳، ۷۴)

عالمی، اوانگردی، میرزا سهراب، (وف ۹۷۵ ق)، شاعر. در عهد شاه طهماسب صفوی در شیراز اقامت داشت و در همان شهر از دبیران و شاعران از او به جا مانده است.

تار عجم (۱۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۷۰)، تذکرة یرور روش (۵۰۷-۵۱۶)، دانشستان و سخن سریان فارس (۳/ ۵۶۴)، الذریعة (۹/ ۶۷۶)، فهرستنامه سامری (۲/ ۱۳۱۵)، فرهنگ سخنران (۶۱۰)، مجمع المصاحف (۲۴۵-۲۴۴)، مرآة المصاحف (۳۹۶-۳۹۷).

عالمی اصفهانی - عالمی اصفهانی

عالمی بخارایی، ملا شتاء محمد، (من یازدهم ق)، شاعر از هانی بخارا بود و در همان شهر به تحصیل علوم متداول زمان پرداخت و پس از آن بساطت تعلم گسترانید و به نشر دانشهای زمان مشغول شد. عالمی شعر نیز می سرود و اشعار چندی از وی به جای مانده است.

تذکرة نصرآبادی (۲۳۳)، الذریعة (۹/ ۶۷۶)، صبح گیس (۲۷۵)، فرهنگ سخنران (۱/ ۶)

تذکرة القصر (۳۴-۳۴۲)، الذریعة (۵/ ۷۱۷-۷۱۸/ ۷)، ۱۹/ ۶۷۳-۶۷۴، ۱۰۰۴/ ۱۷، ۱۹۲/ ۳، ۲۷/ ۲، ۲۳/ ۵، ۱۶۲/ ۲۰، ۲۹۲/ ۳۰۲، ۱۹۶/ ۲۴، ۱۴۶/ ۲۲۹، ۶۷/ ۲۵، ۹۰/ ۲۵، ریحانة (۴/ ۸۳-۸۲)، نعتنامه (دیل/ عاصی)، نامها و نامادهای گیلان (۵۱۵)

عاقلاى طالقانى، محمد تقی، (من یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عاقل، وی در عهد صفوی می زیست و سسار پرورش بود و این حالت در شعارش نمود پیدا کرده است. در عهد شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) فوت شد. شاعری او به جا مانده است.

تذکرة نصرآبادی (۲۹۲-۲۹۳)، الذریعة (۹/ ۶۷۴)، ریحانة (۴/ ۸۴)

عاقلاى خان راری هندی، میر علی عسکر، (وف ۱۱۰۸ ق)، شاعر، متخلص به راری. ملقب به عاقل خان. از ساهران ری بود اصل او از سادات خواف بود و به همین علت در بعضی از تذکرها تحت عنوان عاقل خوانده شده است. از او چندین مثنوی به جا مانده، «مرفع»، مثنوی عرفانی به تمهید «مثنوی معنوی» حدود ۳۵۰ بیت؛ «مهر و ماء» یا «مذهوبات» و مثنوی «المنعمات العشر»؛ «بحر هرج مسدس محدود»؛ «شع و پروانه»؛ در شرح دندادگی دو عاشق هندی به نامهای پندمارت و رتن؛ «سهر بحر معنوی»؛ گریدهای از «مثنوی معنوی».

ذریعة (۹/ ۶۷۵-۶۷۴/ ۱۹، ۲۲۷/ ۳)، فرهنگ سخنران (۶۱۰)، منظومهای فارسی (۳۸۸-۲۹۲)، نتایج الانکار (۲۷۵-۲۷۴).

عالم سمرقندی، محمد عالم، (من نهم ق)، عالم و شاعر. از دانشمندان سمرقند بود که با الخ بیگ میرزا (م ۸۵۳ ق) مصاحب و همدرس بود. گویند به عایت دلیر و در سخن گفتن گستاخ بود و به همین سبب از سمرقند اخراج شد و به هرات رفت. در هرات درگذشت. اشعاری از او به جا مانده است.

تذکرة یرور روش (۵۱۶)، الذریعة (۹/ ۱۰۰۰)، فرهنگ سخنران (۶۱۰)، محالین الفانس (۶۵، ۶۹)

عالم هروی، (من یازدهم ق)، شاعر، متخصص به عالم، وی، هل هرات و از دانشمندان دورگار خود بود که به جهت کثرت دانی به عالم تخلص می کرد. او در اوایل

عالی سندیجی ← عالی کردستانی

۵۵۳-۵۲۸، «ادبستانه ماصری (۲/ ۹۴۲)، سرهنگ
سختوران (۶۱۱)، لغت نامه (دیل / عالی شرف)، مجمع
الفصحا (۵/ ۷۳۲-۷۳۲)، مرآت الفصحا (۳۹۸-۳۹۹)،
مصطفی خراب (۱۲۸)، نگارستان دار (۲۳۹-۲۴۰).

عالی کردستانی، سیرزا محمد حسین. (وف ۱۲۴۱
ق)، شاعر، متخصص به عالی. اهل سندیج بود. مدتی
ر پیشکار محمد پدر رونق سندیجی، مؤلف تذکرة
«حديقة امان اللهی»، بود بعد از چندی طریقه درویشان در
پیش گرفت و سالها به مسافرت و سیاحت پرداخت و به
زیارت کعبه مشرف شد. وی در ارومیه وفات یافت. عالی
گویا بیش از سه هزار بیت شعر سروده است. اثرش
«دیوان» شعر است.

تایخ مشاهیر کرد (۱/ ۲۹۶)، «حديقة امان اللهی» (۴۰۰
- ۲۰۱)، «حديقة الشعراء» (۲/ ۱۶۴-۱۱۶۴)، «الدريجة» (۹/
۶۷۷)، «امتنامه» (دیل / عالی کردستانی)، مجمع الفصحا
(۵/ ۷۴۲).

عامری، جواد. (تو ۱۲۹۹ ش)، «تاورنده». در تهران به
دنیا آمد. از کودکی به نواختن چار و موسیقی نوین
علاقه مند شد. پس از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی به
مهرستان عالی موسیقی رفت و باواحن ویولن را نزد روبن
صاریان و بعد نزد سرژ خوتسوف فراگرفت. بعد از آن به
یادگیری تیمپانی پرداخت. پس از چندی با شرکت در
«رکستری» که به رهبری حشمت منجری تشکیل شده
بود، فعالیت نمود و بعد از آن با اوکتر سمفونیک تهران و
رکستر پرا نیز همکاری کرد. عامری در این ارکسترها،
سمت نوازنده تیمپانی را داشت.
مردان موسیقی (۳/ ۱۱۱-۱۱۲).

عامری، سلطان محمد. (تو ۱۳۱۰ ق)، مترجم،
نویسنده و روزنامه نگار. در کالج آمریکایی تهران تحصیل
کرد و بعد به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی مشاعر
مختلفی را عهده دار بود: نمایندگی مردم نبین در مجلس
در دوره های چهارم و ششم، معاونت وزارت راه و
ستانداری آذربایجان غربی. او مدتی به کار روزنامه نگاری
مشغول بود و چندین شماره روزنامه «صور» را در تهران
منتشر کرد. لازم به ذکر است که عامری فعالیت را در
روزنامه «ارخند» که مدیریت آن با سید ضیاء الدین طباطبایی
بود ترجمه می کرد و با او دوستی تمام داشت. از آثار وی.

عالی شیرازی، میرزا محمد، فرزند حکیم فتح الدین.
(وف ۱۱۲۱ ق)، نویسنده، طیب و شاعر، متخصص به
حکیم و عالی. ملقب به نعمت خان و مقرب خان و
داشتند خان. در هندوستان به دنیا آمد و در کودکی به
همراه پدر خویش به شیراز رفت و در آنجا به تحصیل
پرداخت. پس از چندی به هندوستان بازگشت و در
خدمت ملا شعیبای یزدی به تلمذ پرداخت. به سفارش
بهادرشاه، فرزند اورنگ زیب، به تحریر «شاهنامه» مشغول
شد، ولی نتوانست آن را به پایان برساند و درگذشت از
آندرش: مثنوی «امن و سلوی»، به فارسی، در اخلاق؛
مثنوی «سحر عالی»، در ۴۲۰۰ بیت؛ تفسیر «نعمت
عظمی»، به فارسی؛ «روزنامه محاصره حیدرآباد»؛
«جنگ نامه اعظم شاه و بهادر شاه»، دو فرزند اورنگ زیب؛
مثنیات «حسن و عشق»؛ «دیوان» شعر.

تذکرة شعرائ پنجاب (۲۳-۲۳۲)، تذکرة شعری کشمیر
(۵/ ۲۵۲-۲۵۵)، «انستدک و سخن سرایان فارس» (۲/
۵۶۲-۵۷۳)، «الدريجة» (۵/ ۱۶۹، ۷/ ۱۷، ۹/ ۶۷۶-۶۷۷،
۱/ ۲۷۰، ۹/ ۹۲، ۲۰۳، ۲۳، ۱۵۲، ۲۴/ ۲۵۳)،
مرحک سخموران (۶۱۱-۶۱۲)، لغت نامه (دیل / عالی)
شیرازی، منظومه های فارسی (۳۹۲-۳۹۳)، «تایخ الانکار»
(۴۸۵-۴۹۰).

عالی شیرازی، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا
محمد کلاتر (وف ۱۲۴۶ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به
عالی. اهل شیراز و از احفاد میر سید شریف علامه بود.
پدرش قیل از حاجی ابراهیم خان، کلاتر شیراز بود و لقب
صاحب احساری داشت. تولد آستانه احمدیه در زمان
نادرشاه افشار در دست این خانواده بود. وی مورد ادب
درست و محبتش مجمع ادبا و فضلا بود. خط نستعلیق را
خوب می نوشت و پیشتر شاعرش غزل بود. «دیوان» شعر
وی حدود هفت هزار بیت است. صاحب «مجمع الفصحا»
وفات وی را ۱۲۳۶ ق نوشته است، اما از قطعه ای که
و سال شیرازی برای فوت او سروده، معلوم است که وی
در ۱۲۴۳ ق در قید حیات بوده است.

آثار عام (۴۴۶)، احوال و آثار حوت ریس (۲/
۶۸۸-۶۸۹)، «حديقة الشعراء» (۲/ ۱۱۵۷-۱۱۶۱)،
«انستدک و سخن سرایان فارس» (۳/ ۵۷۴-۵۷۷)،
«الدريجة» (۹/ ۶۷۶)، «ریحانه» (۲/ ۸۵)، «سبحة المحمود» (۲/

ترجمه «اسرار زندگی» فرمان هیر؛ «تاریخ کشورهای
متحدہ آمریکا»؛ «شرح حال توماس جفرسون مؤلفین
رئیس جمهور آمریکا»؛ ترجمه «قانون تجارت»؛ «تقریر».

زندگی نامه رجال و مشاهیر (۲/ ۳۰۶)، مؤلفین کتب چاپ
(۳/ ۲۵۲، ۳۵۱)

عامری الحسینی، هادی، فرزند سید احمد. (تو ۱۲۹۳
ش)، سواژده. در تهران به دنیا آمد پس از گذراندن
تحصیلات ابتدایی و متوسطه به هرستان عالی موسیقی
رفت و تعلیم ویولن را زیر نظر استاد خرب آهاز کرد. پس
از چندی به مشق تار تحت نظر استاد علی قلی وزیری
پرداخت. از همچنین در زمان تصدی غلامحسین
مین بهشیان، قره نی (کلارینت) را زیر نظر استادان
چکسلوواکی آموخت و در ۱۳۱۶ ش از هرستان
فارغ التحصیل شد. عامری در دانشکده افسری سرپرستی
موزیک را بر عهده داشت و تک مارش نظامی هم برای
دسته موزیک آن مدرسه ساخت. وی در تهران کلام
موسیقی دایر کرد که پنج سال فعالیت آن ادامه داشت، ولی
بیشترین کار تدریس وی در هرستان عالی موسیقی بود.
در ۱۳۴۹ ش به سرپرستی موسیقی فرهنگ و هنر
شیراز منصوب شد و ضمناً رهبری ارکستر موسیقی آن
شهر را بر عهده دار گردید. از جمله کارهای وی کنسرتی
بود که به نفع طرفان ردگان کشور پاکستان بر پا کرد. او پس
از چندی به تهران آمد و سمت مدیریت دانشی ارکستر اپرا
را بر عهده گرفت.

مردان موسیقی (۳/ ۱۱۸، ۱۱۳)

عامری ساینی، علی محمد. (س چهاردهم ق)،
مترجم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه
آمریکایی تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۷ ش موفق به
گذراندن دوره دبیرستان شد. پس از آن مدت هشت سال
سمت دبیری انگلیسی و فارسی و معاونت مدرسه
شاهروزی آمریکایی را عهده دار بود در ۱۳۰۵ ش در
وزارت دارایی به سمت مترجمی استخدام شد. سپس به
عنوان معلم زبان فارسی و تحصیل علوم اجتماعی و تربیتی
در دانشگاه آمریکایی بیروت به آنجا رفت و در ۱۳۱۰ ش
موفق به اخذ بیاسنس در رشته فوق گردید و در وزارت
معارف به خدمت مشغول شد. از آثار وی: «تصحیح عقد
العلی للموقف الاعلی» اخص الدین ابوحامد کرمانی؛
ترجمه کتابهای برتامورس پاکو، از جمله: «آن سوی

مظلمه نسبی»؛ «آهی ریا»؛ «اجتماعات حشره ها»؛ «ار
هواستاس پیرس»؛ «بیرق»؛ «جانداران»؛ «حرارت برای
کردگان»؛ «حیوانات گذشته»؛ «صوت»؛ «گل»؛ «مویه تخم»؛
«موجان»؛ «نزدیکترین همسایه زمین»؛ «نور»

سهرت کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۷۰، ۱۱۳، ۱۷۶،

۲۸۵، ۱۰۶، ۶۲، ۱، ۲، ۱۲۳۰، ۲۲۲، ۲۲۲۴، ۳۳۱۸،

مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۹۱، ۵۸۸)

عامری پنهانی، ملا عامل. (س یازدهم ق)، شاعر. پدر
وی از واقعه نویسان حاکم بلخ بود و او نیز مدتی مانند پدر
به واقعه نویسی مشغول بود. پس از آن به هندوستان رفت
و از آنجا به اصفهان بازگشت، گویا در همین شهر یا صائب
نیریزی (م ۱۰۸۶ ق) دیدار کرد و مدتی نیز شاگرد وی بود.
پس از اصفهان به شیراز رفت و در تکیه ای که
محمدرمان خان بری او ساخت مقیم شد تا در همان شهر
درگذشت از اشعاری که به نام وی در تذکره ها آمده، لطف
طبع او آشکار است.

تذکره صراندی (۲۱ - ۲۱)، الدریه (۹/ ۶۷۸)، صبح

گلشن (۲۷۵)، لومنگ سفیرال (۶/ ۱۲).

عامری، شیخ بهاء الدین - شیخ بهایی، بهاء الدین
محمد.

عامری، شیخ عبداللطیف بن علی بن احمد بن
ابی جامع. (رف ۱۰۵۰ ق)، عالم امامی، فقیه و محقق. بعد
از درگذشت پدرش، که از اکابر شاگردان شهید ثانی است،
به خلف آباد رفت. وی از علمای بزرگ قرن یازدهم و از
شاگردان شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی و سید
محمد بن علی بن حسین عامری، صاحب «مدارک
الاحکام»، و دیگر بزرگان می باشد و از آنها اجازه داشت
ست. در «ریاض العلماء» و «امل الامل» ذکر شده که وی از
بزرگترین شاگردان شیخ بهایی بوده است. سید علی خان
حویری از شاگردان عامری است. بین او و شیخ علی، سبط
شهید ثانی مسامت (پیرش و پاسح) بوده است. از آثار
وی: «جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار» که شرحی
است بر «استبصار» شیخ طوسی؛ کتاب «الرجال»؛ در شن
طبقه که آن را به صورت مقدمه ای بر «جامع الاخبار»
تألیف کرده است.

اعیان الشیعه (۸/ ۲۵، ۲۴)، الدریه (۵/ ۳۸، ۳۷، ۱۰/

۱۲۸-۱۳۰)، روایات الجناد (۲/ ۲۲۲، ۲۲۰)، ریاض

العلماء (۳/ ۲۵۶)، ریحانه (۴/ ۹۱)، لغت‌نامه (دبیل / عبداللطیف).

عاملی تهرانی، شرف‌الدین سید جعفر، فرزند سید ابوالحسن بن سید صالح موسوی عاملی، (۱۲۹۷-۱۲۹۶ ق)، عالم امامی، فقیه، شاعر و ادیب. در نجف به دنیا آمد و در همان‌جا بشو و نما یافت. مبادی و مقدمات را فراگرفت و در فقه و اصول از محضر شیخ مهدی آل کشف‌المطاء استفاده نمود تا از علمای بزرگ گردید و داماد شیخ اسدالله کاظمی شد، آن‌گاه به تهران آمد و مدتی ماند. سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا ساکن شد و در همان‌جا درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «قوامین الاصول»، «ادیوان» شعر.

الدربیه (۶/ ۱۷۵-۱۷۶، ۹/ ۱۹۶)، طبقات «شعبه» (قرن ۱۲/ ۲۴۳)، مجمع‌المؤلفین (۳/ ۱۳۶-۱۳۷).

عامی، اسماعیل، فرزند ابراهیم یگانی، (تو ۱۲۶۶ ش)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به عامی. وی رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات وزارت دادگستری بود. از آثار وی: «خرد، فرهنگ یا لغت منظوم»، فارسی و قرآنچه؛ «سرآغاز» شعر.

به‌رست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۲۵۸، ۷۲/ ۱۹۵۷)، مؤهین کتب چاپی (۱/ ۸۱۸).

عامی اصفهانی، (ز ۱۰۲۶ ق)، شاعر از شاعران اصفهان است که در آن جوانی از ایران به هندوستان رفت و در آنجا مال و مکتب بسیار اندوخت. عامی بیشتر اسامی عمر را در دکن سپری کرد. تقی اوجدی او را، در ۱۰۲۶ ق، در اردوی جهانگیری در احمدآباد دیده و اشعاری از وی نقل کرده است.

کاروان هند (۲/ ۸۵۶-۸۵۷).

عامی اصفهانی، میرزا محمد باقر، (ح س سیزدهم ق)، شاعر. از مردم اصفهان است به‌کریاس فروشی روزگار می‌گذرانید و با اینکه سودی نداشت شعر می‌گفت. نمونه‌ای از شعر او در «حدیقه‌الشعراء» آمده است.

اربعان (ص ۷، ش ۲ و ۳، ص ۱۰۱)، حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۱۶۴)، الدربیه (۹/ ۶۷۸)، سمیه‌المحمود (۲/ ۴۰۸)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲)، لغت‌نامه (دبیل / عامی).

اصفهانی، مجمع‌الفصحا (۵/ ۷۳۱)، نگارستان دار (۲۳۷).

عامی شیرازی، حسین، (رح ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به عامی. وی از خواندن و نوشتن بی‌بهره بود و به پیله‌وری روزگار می‌گذراند. او خدمت بزرگان طریقت و درک کرده بود، از اوست:

در همه عالم سرا حاصل نیامد نیم دوست
دوست خود ناممکن است ای کاش پردی آشنا
من حسین وقت و ناله‌لان یزید و شمر من
روزگارم جملہ عاشورا و عالم گریلا
حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۱۶۵)، مرآت النصاحه (۱/ ۲۰۱).

عامی کاشانی، میرزا آقاسی، (ح س سیزدهم ق)، شاعر. اهل کاشان بود و به تجارت زندگی می‌گذراند. در شعر به قصیده‌سرایی تمایل داشت. به گفته صاحب «حدیقه‌الشعراء» وی ده هزار بیت شعر گفته است.

حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۱۶۵-۱۱۶۶)، سمیه‌المحمود (۲/ ۴۰۴-۴۰۳)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲).

عامی نهاوندی، (س یازدهم ق)، شاعر از شاعران نهاوند است که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان به سربرد تا درگذشت. عامی در ساختن قصیده توانا بود. در تذکره «روز روشن» از او با نام عارفی نهاوندی یاد شده است که با توجه به منابع دیگر خطا به نظر می‌رسد.

تذکره روز روشن (۵۱۱)، تذکره مصرآبادی (۲۸۴)، الدربیه (۹/ ۶۷۸)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲)، کاروان هند (۲/ ۸۵۹-۸۵۸).

عایشه سمرقندی، (س هفتم ق)، شاعر. از شاعران و بزرگ زادگان سمرقند بود و پدرش در آن سامان منصب قضاوت داشت. عایشه در سرودن شعر طبیعی لطیف داشت و اشعار بسیاری سرود از آثار وی: «ادیوان» شعر، مشتمل بر پنج هزار بیت، برخی منابع صاحب عنوان را با عایشه مقریه یکی دانسته‌اند.

۱) رابعه تد پروین (۱۶۷-۱۶۸)، تذکره روز روشن (۵۱۹-۵۲۰)، حدیقه‌الشعراء (۳/ ۲۱۷۹-۲۱۸۰)، ریان سخنور (۱/ ۲۲۳-۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲)، مناهیر ریان (۱۵۸-۱۵۹).

عایشه مقریه. (س هشتم ق)، شاعر. رباعی را نیکو می‌سرود و در عصر خرد بی‌نظیر بود. وی از شاهوان پیش از ۷۳۰ ق می‌باشد. بعضی ز تذکرة‌ها صاحب عنوان را عایشه سمرقندی (س هفتم ق) یکی دانسته‌اند. از اوست گفتم دلم از تو بوسه‌ای خواهان است گفتا که بهای بوسه من جان است دل آمد و در پهلوی جان زد انگشت یعنی که بحر، بیج بکن، دران است تاریخ‌گریه (۷۲۲، ۷۵۷)، الذریعه (۹/ ۶۷۸)، رسال مسطور (۱/ ۳۲۲-۳۲۴)، فرهنگ سخنران (۱۳/ ۵۶۱)، محاسن العالی (۲۵۰)، مشاهیر زنان (۱۶۰، ۱۶۱)

عبادته کاشانی. (س یازدهم ق)، شاعر. وی شاعری حکیم و دانشمند و ظاهراً از پیروان رفته نقطویه نیز بوده است. صاحب «عرفات العاشقین» که احوال وی را ذکر کرده است، می‌نویسد که «قریب بیست سالست از این زمان که حرار و بیست و پنجست که وی از ایران به هند آمده اکثر اوقات در لاهور تمکّن یافته، درین ارمه به خدمت جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) کتابی گذرانیده از سرکار آن حضرت به وظیفه مستمره سرافران گردیده» هم او تصریح دارد که صاحب اشعار فراوانی است. کاران هفت (۲/ ۸۵۸)

غیب‌دانی، ابوبکر احمد بن سلیمان بن ایوب. (۲۲۸-۲۳۴/۳۲۵ ق)، محدث. وی در بغداد از حسن بن محمد رعمانی و علی بن حرب و محمد بن عبدالمملک دققی و عباس گررقی و احمد بن منصور رمادی و دیگران حدیث روایت نمود. ابن رزقویه و ابوهلی بن شادان و حسین بن صمر بن برهان و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

الاعلام بویات الاعلام (۱/ ۲۳۶)، انساب معانی (۲/ ۱۲۲)، ریح بمعد (۳/ ۱۷۹-۱۷۸)، سیوانیله (۱۵/ ۴۷۹-۴۸۰)، تلذذات اللذی (۲/ ۳۶۹)، المیز (۲/ ۶۹)، رسال المیزان (۱/ ۲۷۵-۲۷۶)، اجرم‌الدرة (۳/ ۳۶۰)

عبادی، احمد، فرزند میرزا عیدالله. (۱۲۸۳/۱۲۸۵-۱۳۷۱ ش)، موسیقیدان و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. وی نوه آقا حلی اکبر خراهای بود که از دوران کودکی با موسیقی آشنا شد و از همان هنگام با سار پدرش صرب می‌نواخت. عبادی سده‌تار را نزد خواهرانش، مولود و

ملوک، آموخت و آلتور در نواختن این سار تمرین کرد که توانست جای خدای پدرش را پر کنند. بی‌گمان او یکی از استادان مسلم سده‌تار است که در برنامه «کلها» هنرنمایی می‌کرد. احمد عبادی سار سه‌تار را که کمتر مورد توجه بود به مردم ایران بیشتر شناساند. او با کوشش فراوان، ناصبه سیمها را از صفحه کاسه سه‌تار که خیلی کم بود، عوض کرد و به این طریق، سبک و صدای سه‌تار را تغییر داد

استادان موسیقی (۶۸)، تاریخ بزرگینگان (۵۶۷)، تاریخ تحول شیط موسیقی (۳۲۳، ۳۲۴)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۶۱، ۵۷۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۲۸، ۲۵۳، ۲۵۵)، سیمای هنرمندان (۱/ ۱۶۰-۱۶۱، ۱۹۹)، مردان موسیقی (۳/ ۳۲۹، ۳۲۷، ۴۲۲، ۴۲۳)

عبادی خویزی، عیدالله‌قاهر بن حاج عبد بن وجب بن محلی. (ز ۱۱۰۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود، لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بود، شهرت خویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یا اوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الامل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود ۱۱۰۰ ق از مشهد رضوی ملاقات کرده است. او آثار وی، حاشیه بر «تفسیر» یضای، «الغرائد النصابیه علی الفوائد الوافیة»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الفهران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعة الیقینیة»، در کلام؛ «شعر الخیر الزائل البتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوة الاصول و نفی مغفوة المضول»؛ در اصول فقه؛ «المقائد الدینیة»؛ «ابراهیم عقلی»؛ «رفع الغویة لشرح الهدایة»؛ رساله «البلوغیة»؛ «دیوان» شعر.

اهیان الشیعه (۸/ ۳۲)، ایضاح المکنون (۱/ ۴۴۱، ۵۸۰)، ۱۲/ ۶۶۱، ۶۸، ۱۱۰۳، (۱۸۳)، الذریعه (۶/ ۳۳، ۷/ ۳۸، ۹/ ۶۹۲، ۱۱/ ۲۳۲، ۱۲/ ۳۲۷، ۱۵/ ۵۱، ۲۸۳، ۱۶/ ۱۳۸، ۲۱/ ۱۲، ۲۲/ ۴۳۸)، روایات المصنفات (۴/ ۲۱۵-۲۱۶)، رحله (۴/ ۹۲-۹۳)، فوائد الرصوبه (۲۳۸)، سبانه (دیس / مبدنصر)، معجم المزیین (۵/ ۳۰۹، ۳۱۰)، هدیه الماریف (۱/ ۶۰۷).

عبادی طالقانی، یحیی بن شیخ محمد حسن. (ز ۱۲۹۵ ش)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد و پس از

شیروی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. او از طرف سلطان سنجر به بغداد رفت و مدت سه سال در جامع قصر و در دارالسلطنة به وعظ پرداخت و مردم سرگردش از ده‌حام می‌بودند. او در جامع قصر املائی حدیث می‌کرد. ابن‌اخضر و حمزة بن قنیطی و محمد بن مکرم از وی حدیث رویت کرده‌اند. نیکویی و حسن وعظ وی ضرب‌المثل بود. ابن‌جویری گوید که او زیبا کلام بود و از مواظب او مجلداتی گردآوری کرده‌اند. ابوسعید سمعانی گوید که از او رساله‌ای در «شرب الحمر» دیده است. عبادی در عسکر مکرم خوزستان درگذشت.

انساب سمعانی (۱۲۳/۴)، ریحانه (۹۳/۴)، سیرالنبلاء (۲۳۱-۲۳۲)، لغت نامه (دیل)، ابو منصور، محمد المولین (۱۲/ ۲۹۷-۲۹۸)، الحوم الزاهرة (۵/ ۲۹۱)، هدیه‌العارفین (۲/ ۲۶۳).

عبادی هروی، ابوحاصم محمد بن احمد بن محمد، (۳۷۵-۴۵۸ ق)، محدث، فقیه و قاضی شافعی. در هرات به دنیا آمد. وی از احمد بن محمد بن سهل قزاق و دیگران حدیث شنید. از قاضی ابومنصور محمد بن محمد اردبیلی در هرات و از ابوهیثم بسطامی در نیشابور فقه، موخت، تا اینکه در فقه پیشگی می‌صاحب نظر شد. سپس در شهرهای بسیاری گشت و خلق کثیری از اساتید و مشایخ را ملاقات کرد و از هر یک بهره‌ای گرفت. قاضی ابوسعید هروی از وی فقه آموخت و اسماعیل بن ابی‌صالح مؤدب از وی حدیث شنید. پسرش ابوالحسن عبادی نیز در مکتب پدر پرورش یافت. از آثارش: «ادب القضاء» یا «ادب القاضي»؛ «المبسوط»؛ در فروع فقه شافعی، در حدود سی مجلد؛ «انهدی الی مذهب العلماء»؛ «طبقات الشافعیین» یا «طبقات الفقهاء»؛ کتاب «الامیاء»؛ کتاب «الاطعمه»؛ کتاب «الزیادات»؛ در فروع؛ «الزیادات الزیادات»؛ «الزیادات علی زیادات الزیادات».

الاعلام (۶/ ۲۰۶)، انساب سمعانی (۴۱/ ۱۲۳)، ابضاح لمکون (۲/ ۲۶۹)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۱۸۰-۱۸۱)، تذکرات الذهب (۲/ ۳۰۶)، العبر (۲/ ۳۰۹-۳۰۸)، کشف‌المنون (۴۷/ ۹۶۴، ۱۱۰۰، ۱۵۸۱-۱۵۸۲، ۲۰۲۶)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۰)، التواریخ والابیات (۲/ ۸۲-۸۳)، ریات الاعیان (۴/ ۲۱۲)، هدیه‌العارفین (۲/ ۷۲-۷۱).

عباس (ز ۱۲۰۹ ق)، قلمدان‌ساز هنرمند پیر مهارتی بود که در راثه مجالس رزمی مهارت داشت از آثار وی

فرگیری دروس جدید، اقدام به تحصیل علوم عربی و دیبی نمود و مقدمات را در تهران فراگرفت، سپس برای ادامه تحصیل در ۱۲۵۳ ق به امر پدرش به قم رفت و ادبیات را در خدمت میرزا محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را در محضر آیت‌الله سید میرزا آقایی تهرانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله سید احمد زنجانی و آیت‌الله سید احمد فرامانی تکمیل نمود. آنگاه در درس حارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خراسانی و آیت‌الله صدر حاضر شد و چند سالی هم از فقه و اصول آیت‌الله بروجردی بهره برد. تا به درجات بلند علمی رسید. در ۱۳۷۱ ق به تهران برگشت. پس از درگذشت پدر در مسجد خیابان طبرالاسلام به اقامه جماعت و ترویج امور دینی اشتغال ورزید. از مآثر وی: تعمیر اساسی مسجد علقا؛ تعمیر مسجد سراج الملک؛ تکمیل مسجد حسین آباد نویزان و تأسیس دبستان در آنجا. از آثار علمی‌اش: رساله‌ای در «جبر و تفویض»؛ «الایات امر بین الامرین»؛ «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حجت؛ «مباحث و انماط»؛ در اصول و «لباس مشکوک»؛ در فقه.

گسیته دانشمندان (۴/ ۹۵۰-۹۵۱)

عبادی محبوبی بخاری، جمال‌الدین ابوالفضل عبيدالله بن ابراهیم بن احمد انصاری (وفه ۶۳۰ ق)، فقیه حنفی شیخ حنفیان در زمان خود بود. وی در نزد هلاکاه عمادالدین عمر بن یکر زنجری و صحرالدین حسن بن منصور قاضی حاکم اوزجندی فقه آموخت. او از پدرش، ابراهیم بن احمد، و ابن‌مازه و نیز از صحرالدین حسن بن منصور قاضی بخان و ابوالمظفر ابن سمعانی حدیث شنید. سیف‌الدین سعید بن مظفر باخوری و شرف‌الدین محمد بن محمد هندی و جمال‌الدین محمد بن محمد حسینی و علامه حافظ الدین محمد بن محمد بن نصر بخاری و دیگران در محضر وی فقه آموختند. وی در هشتاد و چهار سالگی در بخارا درگذشت.

سیرالنبلاء (۲۲/ ۳۴۵-۳۴۶)، تذکرات الذهب (۵۱/ ۱۳۷)، المر (۲/ ۲۰۷)

عبادی مروزی، امیر قطب‌الدین ابومنصور مظفر بن اردشیر، (۴۹۱-۵۴۷ ق)، واعظ، فقیه و محدث، ملقب به امیر و معروف به امیر قطب‌الدین یا قطب عبادی در روستای سنج همدان، از قرای مرو، به دنیا آمد و بدین جهت به عبادی مشهور شد. وی از نصرالله خنجمی و صدانمدر

قلمدانی است که منظره جنگی را به تصویر کشیده و طرفین متخاصم با همدیگر به جنگ و گریز پرداخته‌اند و حاشیه‌ها و کناره قلمدان، منظره دشت و دمن و گل و مرغ است، با رقم: «عمل کمترین عباس ۱۲۰۹».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۵)

عباس، فرزند صبور، (س سیزدهم ق)، خطاط، از آثار وی: دو قطعه در مرقعی، در کتابخانه «ستان قدس رضوی»، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «المصنف عباس، سنه ۱۲۲۳» قطعه‌ای به خط نستعلیق گلزار به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «حزوه عباس بن صبور».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۴۰)

عباس بیگ ترکمان، فرزند فرخ‌زاد، (س دهم ق)، شاعر، وی از بزرگان و اشراف دربار صفویه بود و شاعر توانایی نیز به شمار می‌رفت. عباس بیگ ترکمان در سرودن غزل مهارت داشت.

تاریخ نظم و شعر (۵۰۱)، الذریعه (۹/ ۶۸۱)، مجمع الحواری (۷۱)

عباس تبریزی، فرزند محمد شفیح، (س سیزدهم ق)، خطاط وی ظاهراً شاعر هم بوده و قدرت تخلص می‌گرفته است. از آثار وی «برج رواهر» است که به قلم کتابت خفی متوسط نوشته و در ۱۲۷۶ ق به چاپ رسیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۴۲)

عباس شیرازی، (ر ۱۲۹۲ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از هنرمندان دوره قاجاری است. وی یکی از شاگردان برجسته دارالصنایع ابوالحسن خان غفاری صنایع‌الملک بود که برای تحصیل فنون نقاشی به اروپا رفت و سالها نقاشیهای نقاشان اروپایی را تمرین و نتایج کرد، اما خود ابداع کننده سبکی متناسب با ذوق ایرانی بود. این هنرمند در تصویر و شبیه‌ساز و گل و مرغ و منظره‌پردازی مهارت و فر داشت و صنعت نذهیب را خوب می‌دانست. از آثار او بر می‌آید که از آقا طاهر علی شیرازی و علی اشرف و رفائیل، نقاش ایتالیایی، تأثیر پذیرفته است. از شاگردان وی، آقا ابراهیم مصطفی شیرازی بودند. از آثارش: قلمدان تابوتی بر روی که پنج مدالین در رویه و چهار مدالین در کناره‌ها دارد و در حواشی قلمدان، تصاویر دختران و پسران نقش بسته و در زمینه آنها گل و مرغ دیده

می‌شود و رقم نقاش چنین است: «رقم عباس شیرازی ۱۲۷۷» قلمدانی که در وسط رویه آن، تصاویر مریم و مسیح (ع) است که صورت آنها در آینه نمودار شده، با رقم: «عمل عباس شیرازی سنه ۱۲۹۱» قلمدان بر صورتی که تصاویر عرفا و شیوخ معروفه، از قبیل شمس تبریزی و مولوی، در نهایت قدرت برسیم شده و کناره‌های نفوس نیز به نذهیب اسنادانه‌ای آرایش یافته، و رقم نقاش چنین است: «رقم کمترین عباس شیرازی ۱۲۹۲».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۵-۲۹۳)

(۲/ ۱۰۰۳-۱۰۰۲)، گلستان مهر (پسگاه و یک)، مهر

سیدان (۲۹۱-۱۳۰)

عباسعلی، (س سیزدهم ق)، میناساز، از هنرمندان پرودست بوده که در چهره‌نگاری و شبیه‌سازی و ارائه گل و مرغ و پرندگان استعداد فراوان داشت از آثار وی صرفدانی است که در حاشیه و کناره‌های آن، تصاویر زنان و دخترانی به شیوه فرنگی آرایش یافته است. در بین تصاویری که در مدلیونهای متعدد انجام یافته، مرغی دیده می‌شود که در تریجهای کوچک نقش بسته و در حواشی و گوشه‌ها آتشدان، تصویر خورشید جلوه نموده است و رقم «عباسعلی» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۷)

عباسعلی تفرشی، (ز ۱۳۰۴ ق)، خطاط. از آثار وی کتابت «المطبعة غیبیه» است که در ۱۳۰۴ ق در تهران به چاپ سگی رسیده و دیگر، کتابت «بهرالجواهر»، در علم حساب و میناق، که رساله اول به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش و رساله دوم به قلم شکسته کتابت خوش است، و به ترتیب با رقمهای: «نقمت بالخیر» و «بید اقل الکتاب عباس علی تفرشی» می‌سنه ۱۳۰۴ و «بید اقل الکتاب عباس علی تفرشی» سمت اختتام پذیرفته.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۴۱-۳۴۰)

عباسقلی، (ر ۱۲۷۳ ق)، شبیه‌ساز و نقاش ترینگ‌کار. از آثار وی: تصویر میرزا محمد خان کشیکچی پاشی در ۱۲۷۲ ق است که بر روی صندلی نشسته، با رقم: «بیده درگاه عباسقلی» تصویر ناصرالدین شاه در شکارگاه که با لباسهای سلطنتی سوار بر اسب است و منظره شکارگاه و تپه و ماهور و مسیر رودخانه و درختی تنومند، با هنرمندی تصویر شده است، با رقم «مشق بنده کمترین عباسقلی».

۲۷۳ هـ.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۸-۲۹۷)

عباسقلی حجاج، (س سیزدهم ق)، حجاج و طراح، هرمتد دوره ناصری برد که با اسماعیل جلایر و استاد علی اکبر مصور همکاری می کرد. از آثار حجاجی این هنرمند، گل و بوته های سنگ قبر ناصرالدین شاه قاجار است که صورتها را علی اکبر حجاج و گل و بوته ها را عباسقلی تراشیده است.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۸)

عباسقلی میرزا قاجار، (ز ۱۳۰۳ ق)، خطاط. از شاگردان میرزا سید حسین خوشنویسی است. از آثار وی یک قطعه سیاه مشق، به قلم چهاردانگ و سیم دو دانگ خوش، به شیوه خوشنویسی و با رسم، «منطقه عباسقلی قاجار از طایفه قو تلر سنه ۱۳۰۳»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۱)

عباس کاشانی، (ز ۱۱۳۸ ق)، مذهب و نقاش. کاشان برد و همان جا می زیست. از آثار رقم دار وی، تصویر زن بلند قامتی است که لباس حلایی بلندی پوشیده و به روی آن تک گر قرمز رنگی جلب توجه می کند. بر آبرنگ در شیوه رضا عباسی تصویر شده و از جهتی شبیه به آثار ثولثی، نقاش عثمانی، است و به خط سرخ رقم نهاده. «هو بتاريخ شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۳۸ در بلدة کاشان ساخته شد. رقم کمترین عباس ثمت».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۶۷)

عباس میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار، (۱۲۴۹-۱۲۰۳ ق)، خدمتگزار علم، فرهنگ و تمدن. وی در قصبه نوای مازندران به دنیا آمد. عباس میرزا مردی آزادمنش، وطن پرست و شجاع بود و تمام کسانی که درباره تاریخ قاجار کتاب نوشته اند به زندگی و اقدامات او بسیار پرداخته اند. وی هنگامی که برای پایان بخشیدن به عائله هرات و سرگیری یاهیان به خراسان رفته بود، بیمار شد و در آنجا درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. در طول حیات خود اقدامات و اصلاحات مهمی انجام داد، از جمله، تحکیم موقعیت نظامی شهرهای آذربایجان؛ دگرگونی در امر تجهیزات و ادوات جنگی؛ سامان بخشیدن به وضعیت چاپخانه ها؛ تنظیم کارهای عمومی

و حتمای آناد کردن شهرهای آذربایجان؛ ایجاد بناها و ساختمانهای عمومی و گردشگاه در تبریز؛ فرستادن محصلین ایرانی به اروپا برای فراگیری علوم و فنون جدید که هر کدام از آنها مصدر خدمات برجسته ای شدند؛ ورود صنعت چاپ به ایران.

تاریخ عضدی (صفحات متعدد)، دیرالعارف فارسی

تاریخ (۱۶۶۰/۲) روضه الصفا (صفحات متعدد)،

شخصیت های نامی (۳۱۸-۳۰۷)، شرح حال رجال (۲/ ۲۱۵-۲۲۲)، صدراقتاریخ (صفحات متعدد)، لغت نامه

(دیل / نایب السلطنه)، ناسخ التواریخ (۲/ ۱۲۱-۱۲۲)

عباس نقاشیاشی، (س سیزدهم ق)، نقاش. هرمتد پر استعدادی بود که به دستور عباس میرزا برای یادگیری هنر نقاشی به ایتالیا رفت و در شهر رم ساکن شد و به کار نقاشی پرداخت، سپس با همسر ایتالیایی خود به ایران بازگشت و لقب نقاشیاشی را از عباس میرزا گرفت و معلم نقاشخانه دولتی بود. در طراحی و آبرنگ و رنگ و روغن به شیوه کلاسیک مهارت داشت و در مواردی نیز از روی آثار مشاهیر معروف اروپایی کپی می کرد. وی در اواخر عمر به هند رفت و در آنجا درگذشت. تنها اثر رقم دار وی، تصویر کپی شده ای از روی کارهای رادنل معروف است که در این تابلو، حضرت مریم و مسیح (ع) روی ابرها دراز گرفته اند و پشت سر مریم، درخشندگی بر نور آفتاب جلب نظر می کنند. در بالای تابلو، جماعت حواریون در اطراف حضرت مسیح ایستاده اند و فرشته ای میان آنها قرار گرفته است و به خط نستعلیق رقم نهاده. «رقم میرزا عباس که از روی پرده بزرگ عمل ربائل نقل نموده است سنه ۱۲۷۸، نقاشخانه دولتی»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۷-۲۹۶)

عباسه عسکری طابرائی طوسی، ابو محمد عباس بن محمد بن ابومنصور، (وف ۵۴۹ ق)، عالم دینی، واعظ و محدث. وی «کشف الایمان» ثعلبی را از طریق محمد بن سعید فرخزادی، از مؤلفش، روایت کرده است. از ابوالحسن بن اخیزم حدیث شنید. مؤید طوسی و عبدالرحیم ممجانی و ابوسعید صفا از وی حدیث سیدند. در فقه عر در بیشابور کشته شد.

سیر السلا (۲۰۱/ ۲۸۸-۲۸۹)

عباسی، محمد محمدلوی، (تو ۱۲۹۵ ش)، محقق،

«صبح صادق» وی را ملاقات کرده و می‌نویسد که طبعی
نقیص داشت و به عهد قاسم خان درگذشت.

صه گنش ۲۷۵، برهنگ سحرآور (۶۱۲)، کاروان
هند (۲/ ۸۶۰)

عبدالله (ز ۱۱۲۷ ق)، نقاش فلرات و اسطراب
ساز وی در هنر خرد شهرت داشت و به رموز و ذقاب
اسطراب واقف بود. او همچنین در علم هیئت و ستاره
شناسی نیز صاحب کمال بود و در نقوش دقیق و ارائه
محاسبات افلاکی و جرج دوا بر بروج به روی فلرات
مخت، مهارت داشت. از شاگردان نامدار وی، استاد
محمد طاهر بن محمد امین است که آثاری استادانه از
خود به یادگار دارد. از آثار او: اسطراب نفیسی، با رقم
اصعه عبدالله (۱۱۲۷)؛ اسطراب دیگری، با رقم
اصعه عبدالله (۱۱۲۷)؛ اسطراب نفیسی که در مرکز آن رقم
اصعه عبدالله دارد؛ اسطرابی که روی دایره انتهای
صفحه رقم «اصعه عبدالله» دارد.

(حوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۸)

عبدان مروزی، ابو محمد عبدان / عبدالله بن محمد بن
عسی (۲۲۰-۲۹۳ ق)، حاضط، محدث، عالم و زاهد
شاهمی که شجر جرد مرو بود، ساه عبدالله جرجردی بر
مشهور است. او از تئیه بن سعد و اسحق بن راهویه و
علی بن حجر و عمار بن حسن رازی و محمد بن یسار و
بسیاری دیگر از طبقه ایشان روایت کرده است. ابوالقاسم
طبرانی و ابو حامد بن شرقی و ابوالعباس دقنولی و علی بن
حمشاد و ابو احمد هلال و یحیی بن محمد عبیری از وی
حدیث روایت کرده‌اند. خطیب وی را مردی مورد اعتماد
در حدیث و عابد و زاهد توصیف کرده است. وی مفتی
مرو بود. مدت کوتاهی در مصر معیم شد اما دوباره به مرو
بارگشت. عده‌ای او را اول کسی دانسته‌اند که در خراسان
مذهب شافعی را اظهار کرد. وی در شب عرفه به دنیا آمد
و در شب عرفه سیر، در مرو، از دنیا رفت. از آثارش
«المعرفة» در صد جزء؛ «الموطأ»

الاعلام (۴/ ۲۶۱)، انساب سمائی (۴/ ۱۲۹-۱۳۰)،
تاریخ بغداد (۱۱/ ۱۳۵-۱۳۶)، سیر النبلاء (۱۴/ ۱۵۰-۱۵۱)،
شذرات الذهب (۲/ ۲۱۵)، طبقات الحفاظ (۳۷۰)، التبر
(۱۱/ ۲۲۴)

عبدالباقی قاجار به عشرت ناجار، عبدالباقی میرزا

مصحح، مترجم، مؤلف و فرهنگ‌نویس. در مدارس قدیم
داخلی و ممالک مختلف خارجی به تحصیل زیاتها و
ادبیات شرق و غرب پرداخت و سالیان دراز مشغول
تحقیقات و تتبع در علوم فلسفه و اقتصاد و سیاست بود. او
با صرف نیم قرن از عمر خویش به بررسی آثار و ادبیات
زبانهای شرقی و غربی به ویژه آلمانی، فرانسه، انگلیسی،
روسی، عربی، ترکی، آذری و تالیب و ترجمه آثار علمی و
ادبی گرانهای متعددی در زبانهای رنده صدور و باختری
پرداخت. نگارش چند مجلد «فرهنگ آلمانی به فارسی» و
«فرهنگ فارسی به آلمانی»، ترجمه «سپهرت نامه
شاردن»، انتشار آثار فلسفی مشاهیر فلاسفه معاصر،
تحقیق و تتبع در متون گرانهای نظم و نشر پارسی و تازی و
احیای نسخه‌های خطی قدیم ایران از آثار ایش دانشمند
برکار است. در ۱۳۴۱ ش یکی از ترجمه‌های او به نام
«جهانگردی مارکوپولو» برنده جایزه ادبی کتاب سال ایران
شد. از دیگر آثار وی: «انشاء و نامه‌نگاری آلمانی»؛ مقدمه
و حواشی «برهان قاطع»؛ «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران
در دوره مشروطیت»؛ ترجمه؛ تصحیح «دیوان» خاقانی
شروانی؛ تصحیح «لباب الالباب»؛ «خود آموز مصوب»
آلمانی؛ ترجمه «فلسفه اجتماع و تاریخ» استالین؛ ترجمه
«کاپسال» کارل مارکس؛ ترجمه «مردان پی زن» لوانیت
همبگری.

کتابنامه نخستین دهه انقلاب (۲۴۴)، مؤلفین کتب چاپی
(۵/ ۵۵۹-۵۵۵)

عباسی، مرتضی (ز ۱۲۷۷ ش)، شاعر، متخصص به
انسر. در بروجن به دنیا آمد. در مکاتب قدیم تحصیل
مختصری کرد. از اوست

ریخت خون دل عشاق کسی کوز اول
نیغ خسریز در ابروی تو پیوست به هم
شد پریشان سر زلف تو و دلها بگرفت
به یکی تار دو صد سلسله شان بست به هم
نذکره شعری معاصر اسفهان (۴۸)، فرهنگ سحران
(۷۲)

عباسی اسفندی (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به
عباسی. از بزرگان سادات و شاعران ریان آور و معربان
دربار شاه عباس اول صفوی بود. وی پس از مرگ شاه
عاس به هندوستان رفت و مدتی از همروهان قاسم خان
جویس (۱۰۳۸-۱۰۴۱ ق)، حاکم بنگاله، شد. صاحب

رقاع متوسط، با رقم ۱. کان تحریر... سنه ۱۲۳۷ من الهجرة... ابن ابوالقاسم، عبدالجواد النیریزی و دومی قرآن وزیری جلد روغنی عالی مذهبی است، به نسخ کتابت خفی تند و تیز خوش بلکه متوسط، با رقم «حرره العبد... بن ابوالقاسم عبدالجواد النیریزی... سنه ۱۲۹۱» حوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۲/۲).

عبدالجواد سیشبوری، (ر ۱۳۱۹ ق)، خطاط از ری یک نسخه «طرائق الحقائق» به خط نسخ، در ۱۳۱۹ ق، در تهران به چاپ سنگی رسیده، که مقدمه آن را به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط نوشته است. حوال و آثار خوشنویسان (۳۶۹/۲).

عبدالحسین (ز ۱۲۷۱ ق)، نقاش و قلمدان ساز از آثار وی قلمدانی است که در چهار مدالیون رویه آن، تصاویر زن و مرد و طفل خردسالی به زیبایی عمل آمده و در زمینه و حواشی نیز گل و سرعده‌ی ماهرانه، به شیوه عهد صفوی، نقش بسته و رقم نقاش چمن است. «ارقم کمترین عبدالحسین ۱۲۷۱» حوال و آثار نقاشان (۳۱۹/۱).

عبدالحسین، فرزند میرزا عبدالرحیم مستوفی... (س سیزدهم ق)، خطاط. ظاهراً از ملازمان ناصرالدین شاه قاجار بوده است. از آثار وی دو قطعه در مرقعی است به قلم شش دانگ و پنج دانگ خوش، با رقم «المذنب عبدالحسین»؛ قطعه دیگر در مرقع دیگر، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم «حرره و منقحه غلام زاده فدائی، عبدالحسین بن میرزا عبدالرحیم مستوفی». حوال و آثار خوشنویسان (۲۷۰/۲).

عبدالحسین اصفهانی. (ز ۱۲۸۵ ق)، نقاش. نگارگر اصفهانی بود و در چهره‌سازی مهارت داشت. از آثار وی، تصویر حکیم زین‌العابدین شیاری است که عمامه سفیدی بر سر نهاده و لباس و عبای تیره‌ای پوشیده و به برشیدن قهوه مشغول است. در کنار دست وی، چند جلد کتاب و تصویر قلمدان نیبه باز و قلمهای دیگر دیده می‌شود. با رقم: «عمل حقایق فقیر آنا عبدالحسین الاصفهانی سنه ۱۲۸۵» و در طرف دیگر این چنین آمده: «ارقمه حکیم زین‌العابدین شیرازی سنه ۱۲۸۵» حوال و آثار نقاشان (۱۲۶۸/۳).

عبدابناتی نیسی (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به سبکی از مشهوری‌پردازان. روزگار شاه عباس دوم (۱۰۵۵-۱۰۷۷ ق) است که مثنوی «ذات الصفات» را در بحر رمل مسدس، سروده است. این مثنوی مشتمل بر موضوعاتی چون: محمد (ص) باعث کاینات، چگونگی خلق آدم به جهت معرفت، تقدم معرفت بر عبادت، جبر و اختیار و ترجیح شرع محمدی، قویه و ندامت. مجموعه‌های فارسی (۳۹۳).

عبدابناتی نیاوندی... باقی نیاوندی.

عبدالجبار اصفهانی. (وف ۱۰۶۵ ق)، خطاط. از شاگردان طراز اول میرعماد و از استادان برجسته نستعلیق بود. وی به سبک استادش خطاطی می‌کرد. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: چهار قطعه، به قلمهای دودانگ و نیم دودانگ و کتابت عالی و خوش، با رقم: «العبد عبدالجبار سنه ۱۰۴۰» و «العقیر الحقیق عبدالجبار» یک نسخه «کلمات» حضرت علی (ع)، به قسم دو دانگ و کتابت عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب الراجی، عبدالحیاء... سنه ۱۰۲۹» یک نسخه «مباحات» خواجه عبدالله نصاری، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد... فی سنه ۱۰۳۰» من الهجرة...

حوال و آثار خوشنویسان (۳۶۷-۳۶۶/۲)، اطلس خط (۵۳۶-۵۳۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۴۱-۱۴۲)، تاریخ اصفهان (۱۷۱)، تاریخ شهرهای مس (۲/ ۹۳۹)، تذکره القبور (۲۱۹).

عبدالجواد شریف یزدی. (ر ۱۳۱۵ ق)، خطاط. از خوشنویسان سده سیزدهم و چهاردهم هجری است. از آثار وی: یک نسخه «ده فصل» خواجه نصیر طوسی و «سلم السماء» فیث‌الدین جمشید کاشانی، به قطع نیم ریعی و خط نسخ و رقاع کتابت متوسط، با رقم: «تمت هذه النسخة الشریفه... عبدالجواد الشریف الیزدی، فی... هزار و مئصد و پانزده من الهجرة المصطفویه ۱۳۱۵». حوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۶/۲).

عبدالجواد فییری، فرزند ابوالقاسم. (ر ۱۲۹۱ ق)، خطاط. از وی دو اثر بر جای مانده که فاصله تاریخ تحریر آنها بسیار است. اومی سور قرآن و ادعیه‌ای است که چک با جلد روغنی روی پارچه و به خط نسخ کتابت خوش ر

ساحتمان آن محمد هادی کاشانی بوده است. کتبه روی گچ محراب مسجد هادی کاشانی، در امامزاده اسماعیل اصفهان، به خط ثلث چهاردانگ یا کتیبه خوش، با رقم: ۱. محراب مسجد هادی کاشانی، کتبه عبدالحمید الاذهمی ۱۱۱۵ از آثار و مت

آثار ملی اصفهان (۷۵۷)، احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۹۹)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۵۳۳)

عبدالحمید شیرازی ← بهجت شیرازی، عبدالحمید

عبدالحی استرآبادی، (س هشتم و نهم ق)، خطاط و نقاش. از اهالی استرآباد بود. در زمان علاءالدوله، پسر بایستقر میرزا (۸۶۵-۸۲۰ ق)، می‌زیست. در بغداد نشو و نما یافت. وی به امر امیر تیمور گورکانی در حدود ۷۹۵ ق بعد از فتح بغداد به سمرقند رفت و به خواجه عبدالحی هروی معروف شد. او پایه‌گذار سبک تیموری در سمرقند است که به همراه استادان تصویر ساز نامی دیگر، مکتب ثانی بغداد را به سمرقند و سپس به هرت برد و به وسیله سلطان ابراهیم میرزا شاهرخی به شیراز برگشت و در آن دیار توسعه یافت. از استادان وی، خواجه قاسم‌الدین سلیمانی، استاد شمس‌الدین را می‌توان نام برد. صاحب «مناقب هنروران» وی را در خط و نقاشی شاگرد محمد سیمی نیشابوری ذکر کرده است. سلطان احمد بن اویس جلایر، پسر احمد ناغ شمالی و محمد بن محمود خیامی از شاگردان مهم وی به شمار می‌آیند. از آثار منسوب به او نسخه «دیوان» مصور خواجوی کرمانی، که در ۷۹۹ ق اتمام یافته است

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۲-۳۲۱/ ۳)، تاریخ هنرهای سی (۱/ ۳۲۵-۳۲۴)، گلستان هنر (سی و پنجم، سی و ششم، ۱۵۰)، منتخب هنروران (۵۷/ ۹۸)

عبدالحی کردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود. (ز ۲۴۰ ق)، مورخ از مورخان برجسته ایرانی است که در تیمه اول قرن پنجم هجری، در روزگار سلطنت عبدالرشید بن سلطان مسعود هزنوی، می‌زیست. از احوال او اطلاعی در دست نیست جز آنکه منسوب به گردیز است و آن منطقه‌ای است در یک مری فی غربه مر حاده هند، وی در غریب سکونت داشت و در همین شهر کتاب خود را نوشت. در اواخر زندگی ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) با او دیدار کرد. اثر برجسته او «فیز الاخیار» مشهور به «تاریخ

عبدالحسین عبدالله (ز ۱۰۶۳ ق)، خطاط از آثار وی یک نسخه «برهان قاطع» نیم ورقی مجدول مذهب، به خط نسخ تحریر حقی متوسط و عناوین ثلث و رقاع نیم دو دانگ خوش، با رقم: «...تمام شد... بتاریخ بیست و هشتم ماه شوال... سال هزار و شصت و سه هجری (۱۰۶۳)» کاتبها عبدالحسین عبدالله...

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۹۷)

عبدالحسین یردی قلمه کهنه‌ای، فرزند ملا رین انبازدین، (س سیردهم ق)، خطاط از آثار وی چهار نسخه کتاب «جئات الخلود» است که با رقم و تاریخهای مختلف نوشته و همه نسخه‌ها به خط نسخ است و تاریخهای آن: ۱۲۵۰، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰ و ۱۲۶۱ ق می‌باشد. احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۹۸)

عبدالحق اصفهانی، (و ۱۰۶۳ ق)، شاعر وی از مردم قریه ورنوسا دران اصفهان بود. در فن موسیقی و شعر و معما مهارت داشت. در «الذریعه» صاحب صواب، تحت نام عبدالحق ورنوسا درانی آمده است. تذکره نصرآبادی (۲۰۵-۲۰۶، ۵۲۸)، الذریعه (۹/ ۶۸۲)

عبدالحق سبزواری، فرزند محمد، (ز ۹۲۲ ق)، خطاط از شاگردان عبدالله طناخ هروی و از استادان خوشنویس خراسان بود. کتیبه بیرونی گنبد حضرت امام رضا (ع) به خط اوست. از دیگر آثار وی: یک نسخه «ادعیه» با قطع وریزی خوشی، مجدول مذهب و نسخ کتات حقی و رقاع کتات خوش، با رقم: «تمت الادهوات... وکتبها العبد...» عبدالحق بن محمد السبزواری فی شهر رانی و هشرین و سمعانه

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۹۸)، گلستان هنر (۳۲)

عبدالحق قمی، (س یازدهم ق)، شاعر. از سادات قم بود که طبعش خالی از لطیف بوده است. تذکره نصرآبادی (۱۱۳-۱۱۴)، الذریعه (۹/ ۶۸۲)، صبح گلش (۲۷۵)

عبدالحمید اذهمی، (ز ۱۱۱۵ ق)، خطاط. از استادان خوشنویس بود. در امامزاده اسماعیل اصفهان، در ضلع شرقی مسجد کوچک شعبا، شبستانی وجود دارد که بانی

شمار می آمد. در زادگاهش درگذشت. وی در تصرف و حر
طریقه خود کتبهای زیادی تألیف کرده، از جمله: رسالة
«صاحبه»، در مقامات یوسف همدانی، رسالة «طریقت»،
از اشعار او ابیانی به جای مانده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۷۶)، تاریخ نظم و نثر
(۱۱۰-۱۱۱)، تذکرة روضه روشن (۵۲۳-۵۲۴)، الذریعة (۹/
۶۸۵)، رشحات عین الحیاب (۱/ مقدمه ۵۰-۲۳-
۵۰)، فرهنگ سخوراد (۶۱۵)، مجمع الفصح (۲/
۸۶۷)، نجات الانس (۳۸۲-۳۸۳)، هفت اقلیم (۳/ ۴۲۵-
۴۲۷).

عبد الخالق لنجانی، فرزند حاج میرزا رضا. (ز ۱۳۰۵
ق)، خطوط و آثار وی: دو قطعه نسخ کتابت و رقاع کتابت
خوش، با رقم «حرره العبد... عبد الخالق ابن مرحوم
حاجی میرزا رضا لنجانی... سنة ۱۳۰۵ هـ»
اسوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۹۹).

عبد الخالق هروی، فرزند حبیب الله. (ز ۹۸۶ ق)،
خطوط، از آثار وی: یک قطعه از مرقع ثلث در دایره خوش
و نسخ و رقاع خوش، با رقم «مشقه العبد... عبد الخالق بن
حبیب الله الهروی» تاریخ تحریر ۹۷۷ ق؛ سور قرآن
وریزی، به خط نسخ کتابت خفی متوسط و ثلث و رقاع
جلی خوش، با رقم «... عبد الخالق بن حبیب الله هروی...»
۹۸۶ ق.

اسوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۹۹)، هنر عهد
تیموریان (۳۳۴، ۵۲۹).

عبدالرحمن. (س هفتم و هشتم ق)، مجلد. هنرمند پر
اعتبار و تصویرگر نامی دوره ایلخانی است از آثار وی
جلدی است با ترنجهای زیبا و ستاره چهار پر که در میان
گوشه های آن، نیم هلالیهایی زیبا دیده می شود و در بالا و
پایین جلد، نیم ترنجهایی به صورت آویز نقش بسته و رقم
«عبدالرحمن» دارد.

اسوال و آثار شاهان (۱/ ۳۲۵).

عبدالرحمن، فرزند محمد صوفی. (ز ۵۹۷ ق)،
مذهب از تذهیب کاران نازک قلم بود که به تذهیب
سخنهای قرآن اشتغال داشت. از آثار وی قرآنی است که
خط آن را محمد بن احمد جلی نوشته و تذهیب و
تزیین آن را استاد عبدالرحمن به فرجام رسانده است و

گردیزی است، مشتمل بر تاریخ عالم و اسلام از
قدیمترین روزگار تا اندکی بعد از ۴۴۰ ق، که به نثری پخته
نوشته شده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۳۵)، دیرالعارف فارسی
(۱/ ۱۲۰۱)، ریس الاخبار (مقدمه)، سرآمدان فرهنگ
(۱۱۱، ۱۱۲)، لغت نامه (ذیل / ابوسعید).

عبدالحی مشهدی. (وف ۹۸۰ ق)، شاعر. از مسادات
موسوی مشهد بود. در جوانی از ایران به هندوستان
مهاجرت کرد و در آنجا سه پادشاه گورکانی هند (بابر،
هم بود و اکبر) را درک کرد میر عبدالحی خط ختصاصی
محمد بابر شاه را که بدان مصحف نوشته بود، خوب
می دانست. در زمان همایون پادشاه منصب صدارت یافت
در دهلی درگذشت اشعاری از او به جا مانده است
«بیج نظم و نثر» (۵۲۹)، کاروان هند (۲/ ۸۶۲).

عبدالحی منشی استرآبادی. (وف ۹۰۷ ق)، خطوط
در عصر سلطان ابوسعید گورکانی می زیست و منشی
دربار وی بود. او مدتی هم در دربار اوروک حسن و سلطان
یعقوب آق قویونلو به کار انشا مشغول بود. از شاگردان
معروف وی، حاج علی منشی استرآبادی، خواجہ نصیرخان
طغرائی قزوینی، شیخ محمد تمیمی و میر محمد مکشی
نمندی است. از آثار وی چند قطعه در کتابخانه
توپ تاپورسرای ترکیه موجود است که بیشتر به قلم تملین و
بعضی به قلم ترقیع است و یکی از آنها تاریخ ۸۷۰ ق دارد.
در تبریز درگذشت و در آرامگاهی مشهور به عبدالحی
دفن شد.

اطلس خط (۴۰۷)، حبیب السیر (۴/ ۱۰۸)، خوشنویسان
و هنرمندان (۸۰)، گلستان هنر (۴۲-۴۳)، لغت نامه (ذیل /
عبدالحی).

عبد الخالق یحارایی - عبد الخالق غجدوانی.

عبد الخالق غجدوانی، فرزند عبد الجلیل /
عبد الجلیل. (وف ۶۱۷ ق)، صوفی و شاعر. از مشایخ
برجسته سلسله نقشبندیه بود که پدر وی از ملاحیه روم به
بحارا مهاجرت کرده و در آنجا توطن جسته بود در قریه
غجدوان بخارا به دنیا آمد و در همان سامان نشو و نما
یافت و به تحصیل علوم پرداخت. عبد الخالق از خدای
چهارگانه خواجہ ابویعقوب یوسف بن ایوب همدانی به

تاریخ ۵۹۷ ق دارد.

احوال و آثار خورشیدیان (۱۴۶۹/۳)

(بسم...)

احوال و آثار خورشیدیان (۱۱۰۰/۳)

عبدالرحیم اصفهانی. (وف ح ۱۳۱۹ ش)، خواننده. از استادان بنام اواخر عصر قاجاریه بود که در اصفهان به دنیا آمد. از اندکی جوانی به واسطه داشتن صدای خوشی، به روحیه حواسی اشتغال داشت. ردیف دستگاههای موسیقی را از ابراهیم آقاباشی آموخت و در احاطه به موسیقی ملی و سلیقه خوانندگی و تنوع اطلاع از گوشه‌ها در عصر خود بی‌مانند بود و شاگردان بسیاری تربیت کرد. محفوظات بسیار داشت، به طوری که اشعار مناسب دستگاهها و گوشه‌ها را به مقدار فراوان به خاطر می‌سپرد. وی بها خواننده‌ای است که طاهرزاده روش او را قابل اقتباس دانسته است. از شاگردان معروف وی ادیب خوانساری، تاج اصفهانی، حسین ادیب و سید حسین طاهرزاده را می‌توان نام برد که آخری میر مستقیم را او بهره‌مند شد.

تاریخ تحول سبک موسیقی (۱۳۷۰، ۲۴۳)، تاریخ موسیقی

(۲/ ۶۷۵-۶۷۶)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۳۷۲، ۳۷۶-۳۷۷)

مردان موسیقی (۲/ ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۰۵)،

عبدالرحیم انیسوی خوارزمی - انیسوی خوارزمی

عبدالرحیم جزایری. (ز ۱۱۲۹ ق)، خطاط. از اساتید هر خوشنویسی و معاصر شاه سلطان حسین صفوی و عینی امامی بود. از آثار وی. یک قطعه ثلث سه دانگ جلی و رقاع کتابت متوسط، با رقم: «مشقه العبد الاقل... عبدالرحیم الجزایری... فی ۱۱۱۱ یک قطعه رقاع سه دانگ جلی و ثلث کتابت خفی متوسط، با رقم: «مشقه الشفیر عبدالرحیم الجزایری، فی ۱۱۱۲۱ دو کتیبه پیشانی و دیوان اصلی مسجد چهار باغ اصفهان، به خط ثلث دو و سه و چهار دانگ خوش، با رقم: «کتبه عبدالرحیم فی ۱۱۱۲۲ کتیبه سردر امامزده ابراهیم به خط ثلث سفید، و رقم: «قد وقع... فیها مرار السید السیدین امامزاده ابراهیم... کتبه الشفیر عبدالرحیم فی ۱۱۲۹». وی آثار دیگری در مدرسه شمس آباد و مدرسه چهار باغ دارد.

آثار ملی اصفهان (۴۵۲، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۶، ۴۷۵)

۷۶۷، احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۰۰)، اطلس

خط (۳۵۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۳۶-۱۳۷)، تاریخ

اصفهان (۹۹، ۲۲۲)، تاریخ مرهای ملی (۲/ ۹۲۲)،

عبدالرحمن خوارزمی. (س نهم ق)، خطاط. از استادان قدیم نستعلیق و معاصر اظهار تیریری و سلطانعلی مشهدی و به قولی، شاگرد میر عیدالله بن میر علی تبریزی بود. استاد وی و بعد دو فرزندش، عبدالرحیم انیسوی و عبدالکریم پادشاه، در شیوه خط نستعلیق و روش سلطانعلی مشهدی تغییراتی ایجاد کردند که مدت‌ها در حروب و غرب ایران رایج شد، اما بعدها متروک گم دید. او در دربار جهان‌شاه پس یوسف قراقیلو و فرزند وی، پیربوداق می‌زیست. سپس در ۸۸۶ ق به دربار سلطان یعقوب آق قریلو پیوست و اعتبار یابد از آثار وی. یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولان جلال‌الدین، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «عبدالرحیم کاتب، سنه ۸۳۹»؛ یک نسخه «خمسه» نظامی، به قلم کتابت خفی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «تمام شد خمسه... کتبه العبد عبدالرحیم انکاتب... سنه تسع و ثمانین و ثمانمائه»؛ یک «ترجیع سه» جزو مجموعه بیست و یک ترجیع بند، از شانزده شاعر، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تم الترجیع... سنه تسع و ثمانین و ثمانمائه، کتبه العبد عبدالرحمن الخوارزمی... فی دارالسلام بغداد»؛ یک نسخه «دیوان» کاتبی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... سنه ستین و ثمانمائه».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۷۸، ۳۸۰)، اطلس خط

(۴۶۰)، مناقب معروفان (۸۸-۸۹، ۱۱۲)، عصر عهد

نوریان (۲۹۷-۲۹۸)

عبدالرحمن یزدی، فرزند محمد. (ز ۷۵۳ ق)، خطاط. از آثار وی. قرآن وزیر کوچک، دو صفحه اول و سر سوره‌ها مذهب مرصع، به خط نسخ کتابت یا فوننی خفی خوش و عالی، با رقم: «قد وقع المراج... عبدالرحمن بن محمد بن ابی المعاصر التیمی محتداً الیردی... سنه ثلث و خمسين سعمائة».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۹۹)،

عبدالرحیم، فرزند محمد تقی. (ز ۱۲۷۸ ق)، خطاط. از آثار وی. یک قطعه طلا اندازی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «انا العبد المذنب الاقل... ابی محمد تقی، عبدالرحیم... سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائین بعد

به‌رست پناهای تاریخی و اماکن باستانی (۲۲)، گنجینه
تاریخی اصفهان (۱۳۸۸، ۱۳۹۷، ۷۰)

عبدالرحیم خلوتی ← خلوتی تبریزی، خواجه عبدالرحیم

عبدالرحیم سمیرمی. (وف ۱۳۰۵ ق)، خطاط. از
حوشویسان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود که در
اصفهان نشو و نما یافت و از شاگردان محمد باقر
سمسوری و میرزا علی اکبر محلاتی به شمار می‌رفت. او
کتیبه را از کتات سیکوتر می‌نوشت. وی در تهران
درگذشت. از آثار او: کتیبه مر در شمس‌العماره؛ کتیبه
آرامگاه میرزا یوسف مستوفی‌الممالک در رفک‌شمیران؛
مقداری کرده کتیبه و یک لوحه که به قلم شش‌دنگ به زر
روی کاغذ مشک‌نوشته شده، قطعه‌ای به قلم نستعلیق
چهار دنگ و شکسته نستعلیق نیم در دنگ خوش، با رقم
عبدالغفور عبدالرحیم نوشت.

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۳۸۸-۳۸۹)

عبدالرحیم هنرین قلم هروی. (س دهم و یازدهم ق)،
خطاط. ملقب به هنرین قلم و روشن رقم. اصنس از هرات
بود. در جوانی از خراسان به هندوستان رفت و به خدمت
عبدالرحیم خان خاند رسید و بعدها خان خاند او را به
دربار جهانگیر شاه (۱۰۱۲-۱۰۳۷ ق) معرفی کرد و جزو
کاتبان دربار شد و لقب هنرین قلم و روشن رقم گرفت. از
گاهی نیز جهانگیرشاهی نیز رقم کرده است. از آثار وی،
دو قطعه به قلم نیم در دنگ و کتات و فبر و دو دنگ و
کتات خوش، با رقمهای: «کتبه الغفور عبدالرحیم هنرین
قلم» و یکی با تاریخ: «سنه ۱۰۹۹؛ پانزده قطعه از مرقعی، به
قلمهای چهار دنگ با کتات عالی و خوش، ب رقمهای:
«عبدالرحیم»، «عبدالرحیم کاتب»، «عبدالرحیم هروی» که
یکی تاریخ ۱۰۰۲ ق دارد؛ یک نسخه «چهل مجلس»
صلاه‌الدوله سمنانی، به قلم کتات جلی خوش، با رقم:
«عبدالرحیم روشن رقم ۱۰۲۰؛ سه قطعه از مرقعی، به
قلم دو دنگ و نیم دو دنگ و کتات خفی خوش، با
رقمهای مختلف که یکی رقم «غفور عبدالرحیم جهانگیر
شاهی» می‌شهر. سنه ۱۰۳۲؛ دارد؛ یک نسخه «جهانگیر
نامه»، به قلم نیم دو دنگ خوش، با رقم: «سنه ۱۰۳۴»
کتبه‌العد... عبدالرحیم لهروی صبرین قلم...

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۳۸۹-۳۹۱)، مآثر رحیمی

(۴/ ۱۶۷۸)، هنر عهد تیموریان (۳۳۷، ۴۴۱، ۵۳۲-۵۳۳،
۶۴۹-۶۴۸، ۷۵۱).

عبدالرحیم فیروزکوهی، فرزند محمدعلی. (ز ۱۰۳۱ ق)،
خطاط از آثار وی: «شرح مازل السائرین» عبدالرزاق
کشانی، به قطع نیم ریعی، نسخ کتات خفی متوسط، با
رتم. «قد وقع من تسرید هد، الکتاب المستطاب اقل الطلبة
ابن محمد علی، عبدالرحیم فیروز کوهی... سنه احدی و
ثلاث بعد الالف من الهجرة النبویه...».

احوال و آثار خوشویسان (۴/ ۱۱۰۱-۱۱۰۱).

عبدالرحیم مشهدی. (س نهم ق)، نویسنده، از آثار
وی: «مسائل الممالک» در جغرافیه
تاریخ نظم و نشر (۷۸۲)، التریبه (۲۰/ ۳۷۷)

عبدالرحیم نجفی. (ز ۱۱۳۴ ق)، خطاط از آثار وی:
دعیه‌ای به خط نسخ جلی دو دنگ و رقاع عالی و ترجمه
نسخ کتات خفی عالی، با رقم: «تمت الدهرات
عبدالرحیم انجمن... سنه أربع و ثلثین و مائة بعد الالف من
الهجرة النبویه»
احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۱۱۰۱).

عبدالرحیم نقاشی اصفهانی. (س سیزدهم و
چهاردهم ق)، نقاش و میانساز. اهل اصفهان بود. در
قلمدان‌سازی و مینا‌سازی و ریخت آن‌بیر صاحب ذوق بود
وی ابتدا معلم نقاشی نورخانه بود و لقب مذهب‌نشی
داشت. از آثار او قلمدان‌تابوتی است که مجلس عقد و
عروسی به زیبایی نقش شده و عروس نیم تاج مرصعی به
سرگذاشته و خود را به شیوه قاجاری آرایش داده است، با
رقم: «عبدالرحیم اصفهانی ۱۳۳۲؛ از آثار میایی وی،
سرقلیان مینایی حلایی است که در زمینه گل و مرغ
استادانه‌ای عمل آمده و تصاویر زن و مرد جوانی را به
بهارت دو داخل مدالیونها نقش کرده است و رقم نهاده:
از رقم عبدالرحیم».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۸).

عبدالرزاق اصفهانی. (ز ۱۲۷۶ ق)، نقاش، مدح‌ب و
خطاط. اهل اصفهان بود. وی آبرنگ کار بود و در ارائه
چهره و شبیه‌پردازی مهارت داشت. او به غیر از آبرنگ،
در کارهای روغنی و فن‌تذهیب نیز دست داشت و خط

از سده‌ی تا حاشی ۱۶۹۶ (۶۱۹۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۵۱۲-۵۱۰)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۰، ۳۲۹)، حبیب السیر (۲/ ۳۲۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۶۸)، الدریه (۹/ ۶۸۷، ۲۱/ ۱۵۴)، ریحانه (۵/ ۸۶)، سبک شناس (۳/ ۱۸۲، ۲۰۶-۲۰۷)، سرهنگ مستحوران (۶۱۶)، تصانف (فیل / عبدالرزاق)، مجالس التفاضل (۲۰۳، ۲۰۴-۲۰۶)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۳۶-۸۳۷)، هدیه العرفین (۵۶۷).

عبدالرزاق غزوی، (وف ۱۰۶۰/ ۱۰۶۳ ق)، مختصصه وی خواهرزاده و شاگرد میرعماد بود. در دربار شاه عباس اول، خط می نوشت و شاهنامه می خواند. عبدالرزاق، نستعلیق را خورش می نوشت، ولی پایه خط رشید را داشت. میر سبکلاخ به او لقب زید، آفاق داد، و گرد که در اصفهان درگذشته و در جوار آرامگاه میرعماد به خاک سپرده شده است. از او یک نسخه منتخب «حدیقه الحقیقه» سبایی عربی به قلم کتابت خوش موجود است که رقم «تمت انتخاب الحدیقه فی سنه تسع و عشرين و ثلث» مؤده عبدالرزاق هقی عهه دارد.

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۹۲-۲۹۳)، تذکره الخطاطین (۱/ ۲۹۵-۳۰۵)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۸).

عبدالرزاق لاهیجی - فیاض لاهیجی قمی.

عبدالرسولی، شیخ علی، فرزند ملا عبدالرسول فیروزکوهی مازندرانی. (۱۲۵۸-۱۳۲۲ ش)، خطاط، مصحح، مترجم، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به ثابت. در تهران به دنیا آمد. علوم مقدماتی را از افاضل عصر و پدر خود فراگرفت و در قزوین، ادبی از سید احمد ادیب پیشروی سود جست. در ۱۳۱۴ ش رساله‌ای در باب عرفان و تصوف نوشت و از دانشگاه تهران به اخذ دکترا و مقام استادی تایل آمد. خطوط نسخ و ثلث و شکسته را به خوبی می نوشت و از اسنادان خط به شمار می رفت. وی در اصفهان درگذشت و در تخب فولاد دفن شد. عبدالرسولی بیشتر به تصحیح متون قدیم و دیوان‌های شعر می پرداخت از آثارش: تصحیح «دیوان» فرخی سیستانی؛ تصحیح «دیوان» خاقانی؛ تصحیح «دیوان» منوچهری؛ تصحیح «دیوان» عتصری؛ تصحیح «دیوان» سروش اصفهانی؛ تصحیح «دیوان» میرزا ابوالحسن جلوه؛ تصحیح «دیوان» محمود حاک صبا؛ «رسالة شطرنجیه».

نستعلیق و نیکو می نوشت. وی در یکی از آثارش خود را عبدالرزاق مخترع نامیده است. از آثار وی: تصویر در آتش انداختن حضرت ابراهیم (ع) است که چنین بر می آید در زمان محمد شاه قاجار ترتیب یافته، با رقم: «حاجی عبدالرزاق مخترع توطهور»؛ تصویر حمامی که به زیبایی وضع داخلی حمام قدیم و شیوه استحمام و رسیدن نظیف و نورم را در بهایت دقت، ظاهر ساخته و حوشی تصویر که به دست نقاش تدبیر شده و همچنین حصولی که نقاش نوشته، در کمال مهارت است، با رقم «فی سنه ۱۲۶۶». عبدالرزاق، چند مرگی در شیوه لایه چینی که رویه آن از گل و مرغهای شیوا و نقش طاووس و تزیینات دیگر ترکیب یافته است، با رقم: «کارخانه حاجی عبدالرزاق مخترع توطهور مبارکه تاریخ ۱۲۷۴» جلد روغنی آورده‌ای که در رویه دو طرف جلد، مناظر رقص و شادمانی، در حضور شاه عباس و خلیفه سلطان، سفیر هند مشاهده می شود، با رقم: «عمل حاجی عبدالرزاق اصفهانی ۱۲۷۶».

اسرار و آثار نشاناد (۱/ ۳۲۵-۳۲۷، ۲/ ۱۲۷۰).

عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین، فرزند جلال‌الدین اسحاق. (۸۱۶، ۸۸۷ ق)، مورخ و شاعر. از رجال بزرگ عهد تیموری و از مورخان نام آن عهد است. در هرات به دنیا آمد. پدرش اهل سمرقند بود و در اردوی شاهرخ تیموری منصب قضا داشت وی در نزد پدر با علوم ادبی و دینی آشنایی کامل پیدا کرد و در اثنای تحصیلات، شرحی بر «رساله» قصی عضدالدین ایچی درباره تحقیق معانی حروف و اسم اشاره و هیره ترتیب داد و به نام شاهرخ مرین کرد و به همین سبب به دربار راه پیدا کرد. وی پیوسته از حمایت و تربیت شاهرخ برخوردار بود و از جانب همین شاه به عنوان سفیر دربار سلطان یحیی‌بکر به هندوستان سرکرد و پس از مراجعت به گیلان رفت. عبدالرزاق بعد از مرگ شاهرخ به دیگر شهراذگان تیموری نیز خدمت نمود و در نهایت به خدمت سید انوسعید درآمد. عقب به سید شیخی خانقاه شاهرخی منسوب شد و در هرات درگذشت اثر معروف و جاویدان وی «مطلع سعدین و مجمع بحرین» در دو جلد، در تاریخ تیموریان ایران از عهد بوسعید بهادرخان (م ۷۳۶ ق) تا جلوس سلطان حسین بایقرا (م ۸۷۵ ق) است از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر در «الدریه» از او با عنوان عبدالرزاق هروی نام برده شده است.

ترجمه

سذکره القیور (۳۶۴)، رسدگینامه رجال و مشاهیر (۴/ ۳۰۸)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۹۵۸-۹۵۳)، شرح حال رجال (۶/ ۱۶۳)، طبقات اسلام الشیمه (قرن ۱۲/ ۱۱۱۵)، گلزار چاریدان (۱/ ۲۹۲-۲۹۴)، مؤلفین کتب بیهی (۲/ ۳۱۲-۳۱۶)

عبدالشید دیلمی - رشیدای قزوینی.

عبدالسلام اشکوری گیلانی، فرزند محمد امین (س هم و دهم ق)، خطاط از مشاهیر خوشنویسان زمان سلطان حسین بایقرا و در طرز و روش خود ممتاز بود. از آثار او: قرآن مذهب نیم ربعی، نسخ کتابت خمی خوش، یا رقم: «...عبدالسلام بن محمد امین الکیلانی الاشکوری السلکونی فی عام الف...».

حوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۰۶).

عبدالشکور (س دوازدهم ق)، نقاش هنرمند گل و بوته ساز و آخر عصر صفوی بود از آثار وی تصویر گل (بوته ای است، با رقم: «عمل عبدالشکور».

حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۹).

عبدالصمد اشکوری، فرزند جعفر قی، (ز ۱۲۸۷ ق)، خطاط از خوشنویسان نستعلیق و شکسته است از آثار وی: قطعی به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتابه عبدالصمد ۱۲۸۷»، دو قطعه به قلم دو دانگ و کلمات نستعلیق و شکسته خوش، با رقم: «عبدالصمد» و «کمترین بندگان عبدالصمد اشکوری»، مسوده سمود، ۱۲۷۴؛ یک نسخه «هدایه الطالین» حاج ملاهادی سبزواری، به عدم کتابت عالی و نسخ خوش، با رقم: «...عبدالصمد ابن مرحوم جعفر بنی اشکوری چلاتی... در ماه رجب هزار و دوست و هفتاد و هفت هجری بپایان رسید...».

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۰۱).

عبدالصمد شیرازی، (ز ۹۴۳ ق)، مذهب و خطاط. از آثار وی، قرآنی به خط نسخ خوش و سرلوحها و سرسوره ها تذهیب گردیده، با رقم: «...خدمه به تذهیب و تحریر عبدالصمد شیرازی سنه ۹۴۳».

حوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۷۰).

عبدالصمد مشهدی، (ز ۹۲۸ ق)، خطاط، نقاش و شاعر. وی از شاگردان سبطعلی مشهدی بود. طبعی خوش داشت و شعر می سرود. امیر عبشیرنویسی (۹۰۶-۸۲۴ ق) کتابت «دیوان» عبدالرحمن جامی را به وی واگذاشت و چون پس از اتمام اشکالاتی در آن دید از جامی خواست تا خود این نسخه را مقابله کند. پس از این اتفاق او روی به افشاندگری و سیاهی سازی و رنگ کاری آورد و در این فنون مهارت یافت. از آثار وی «دیوان» شعر می باشد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۰۲)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۹)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹-۳۲۸)، تاریخ هنرهای می (۲/ ۸۵۵)، الذریعه (۹/ ۶۸۹)، سرهنگ سخنوران (۶/ ۱۶)، گلستان شعر (۱۲۸-۱۲۷)، مجالس السلس (۱۵۰)، هفت اقلیم (۲/ ۲۰۸-۲۰۷).

عبدالعزیز تبریزی، فرزند شرف الدین، (س هشتم ق)، حکاک و فلزکار. از آثار رقم دار وی، جام فلزی پایه دار بربری است که در اسلیمی های گوناگون، تصویر و حکاکای شده و به خطوط نست و کوفی تزیینی، آرایش شده است، با رقم: «عمل عبدالعزیز بن محمد شرف الدین تبریزی».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۳۷).

عبدالعزیز کاشانی، خواجه عبدالعزیز، فرزند عبدالوهاب (س دهم ق)، نقاش و شاعر این کاشان بود و در چهره پردازی و منظره سازی مهارت داشت و از نقاشان کتابخانه شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۴۸ ق) به شمار می رفت. او همچنین در تصویر گل و گیاه و منظره داشت و صحرا و حتی در تذهیب و تشعیر تیر ماهر بود. خواجه عبدالعزیز از شاگردان استاد کمال الدین بهرام بود. از شاگردان و همکاران او، استاد کمال مصور کاشی و میرزا محمد اصفهانی در خور ذکرند. او همچنین دارای درق و تریچه شاعری بود و غزل سرایی می کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ تصویر پسر میرزا محمد قاسم که چهره پردازی استادانه ای دارد، با رقم: «عمل...خواجه عبدالعزیز»؛ تصویری از «شاهنامه» طهماسبی که ردشیر بر روی تخت نشسته و رجال و ندیمان در اطراف او قرار گرفته اند؛ تصویر زال فرزند سام که عریان و با موهای سفید در بالای کوه نشسته و به سیمرغ عظیم النجه ای می نگرد؛ تصویر شاهزاده جوانی که کلاهی به شیوه

فرزانش، پر سرگذاشته و لباس سرمه‌ای رنگ به تن دارد،
با رقم: «صوره کمینه شاگرد استاد بهزاد، حواجه
عبدالعزیز»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۷-۳۲۰)، تاریخ نظم و نشر
(۵۲۴-۵۲۵)، تاریخ همرای مسی (۲/ ۸۴۱-۸۴۵)،
الدویعه (۹/ ۶۸۹)، گلستان هنر (۱۴۰-۱۴۱)، مجموع
المواص (۲۵۲-۲۵۵)، هر نمدان (۲۴)

عبدالعزیز کاشی، (س هشتم ق)، شاعر، از مسجوراد
ایران در عهد تیموری است که به دو زبان فارسی و عربی
شعر می‌سرود. از آثار وی، «روضه‌الناظر و نزهة‌الحاطر»،
مجموعه اشعار تازی و پارسی، در آداب و حکم، که
نسخه‌ای از آن به خط وی موجود است و در سال ۷۷۷ ق
نوشته شده است.

تاریخ نظم و نشر (۷۵۷)، کشف الطنون (۹۳۳)

عبدالعزیز کاشی، فرزند ابوالعتایم بن ابوالفضایل، (ز
۷۰۳ ق)، خطاط و مذهب از آثار وی تذهیب قرآنی است
که در کمال مهارت انجام یافته و تذهیب صفحات تفسیر
قرآن، مذهب مرصع است و زمینه نقره‌ای هاشوردار دلخواه
با رقم: «کتبه و دهه... عبدالعزیز بن ابی العتایم بن ابی
الفضایل الکاشی ختم الله بالحسینی... سنه ۷۰۳».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۰)

عبدالعزیز مراغی، فرزند عبدالقادر غیبی مراغی (س
هفتم ق)، موسیقیدان، از موسیقیدانان معروف زمان خود
بود. کتابی در فن موسیقی دارد به نام «نقاوة الادوار» که آن
را به نام سلطان محمد ثانی، ملقب به فاتح، پادشاه
عثمانی، تألیف کرده است. بعضی وی را فرزند نورالدین
عبدالرحمن و ثوة عبدالقادر غیبی دانسته‌اند.

تاریخ موسیقی (۱/ ۱۳۴، ۲۲۵-۲۲۴)، تاریخ نظم و نشر
(۸۱۴)، تاریخ همرای مسی (۲/ ۷۶۷)، دیرة‌المعارف
دارس (۲/ ۱۶۷)

عبدالعزیز نقاشی - عبدالعزیز کاشانی

۱۹۴۱: یک قطعه نسخ ممتاز، با رقم: «حرره عبدالعظیم
نایینی»

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۰۲)، خوشنویسان ر
۸۰۰-۹۲

عبدالعلی (ز ۱۲۳۷ ق)، خطاط از خوشنویسان دوره
فتحعلی شاه قاجار بود. خطوط وی از ۱۲۱۶ تا ۱۳۳۸ ق
موجود است، از جمله: یک رقع از مرفع نسخ کتابت
خوش، با رقم: «کتبه تراب... عبدالعلی فی سنه ۱۲۳۷ من
الهجرة الشریفة الثوة»؛ یک رقع طلائع اندازی نسخ و کتابت
عالی، با رقم: «... عبدالعلی... سنه ۱۲۲۵ من الهجرة
الشریفة»؛ یک صفحه مذهب، به نسخ کتابت عالی، با رقم:
«کتبه الداعی... عبدالعلی فی سنه ۱۲۳۷ من الهجرة».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۰۲)

عبدالعلی تریش، فرزند محمد، (ز ۹۸۴ ق)، خطاط، از
آثار وی رسیدی با جلد ساغری مشکمی مذهب، دو
صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی، نسخ خبار خوش،
با رقم: «وقع الفراغ عی بد عبدالعلی سر محمد
تریش سنه اربع و ثمان و تسعمائة».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۰۳)

عبدالعلی جزایی، فرزند محمد رفیع، (ز ۱۱۲۴ ق)،
اسطوانات‌ساز، از طراحان نقوش هندسی و تزیینی روی
فلزات بود و در ترسیم و گرده‌سازی و کنده‌کاری بر روی
اسطرابها مهارت داشت. در «تاریخ اصفهان» نام وی تحت
صوان عبدالعنی جزی آمده است. از آثارش، اسطرابی
است که با همکاری برادر خود، محمدباقر، بر روی شاه
سلطان حسین صوری تهیه کرده و در نهایت دقت و مهارت
صور تجومی ساخته شده است، با رقم: «صنعه اقل الطلبة
عبدالعلی بن محمد الجرائی سنه اقل الطلبة رخ الصانع
محمد باقر ۱۱۲۴»؛ اسطراب پر مهارت دیگری که آن نیز
با همکاری برادرش انجام یافته، با رقم: «صنعه اقل الطلبة
عبدالعلی سنه اقل الطلبة محمد باقر».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۴۱)، تاریخ اصفهان (۳۸۳)

عبدالعلی خسروآسانی، (ز ۱۲۳۳ ق)، خطاط، از
خوشنویسان دوره فتحعلی شاه قاجار بود. از آثار وی،
سور و ادعیه رزیری جلد روضی، به خط نسخ و رقاع
کتابت عالی، با رقم: «... سنه ۱۲۳۳ ثلث و ثلثون و مائین

عبدالعظیم نایینی، فرزند محمد رفیع، (ز ۱۱۹۴ ق)،
خطاط از استادان خط نسخ بوده است. از آثار وی: یک
قطعه نسخ کتابت خوش، با رقم: «کتبه ابن محمد رفیع،
عبدالعظیم اندیسی فی سنه اربع و تسعون و مائة بعد الالف

عبدالعلی یزدی اشرف محمدی. (ز ۱۳۲۷ ق)، خطاط. از خوشنویسان دوره متأخر است و کتیبه کاشی معرق ایوان شمالی مسجد وکیل شیراز را که اصل آن به خط حمصین بن محمد شریف حکاک است، این خوشنویس تکمیل کرده که بعضی به خط ثلث و برخی به سلیقه چهار دانگ کتیب خوش است، با رقم: «... شرفی بکتابه نواقص من کتبه هذا الیت الجامع، و انا المحدث عبدالعلی الیردی شرف محمدی ۱۳۴۷»
احوال و آثار خوشنویسان (۴/۲) ۴۰۴

عبدالعقار (ز ۱۳۱۴ ق)، شاعر و مبدع ار هنرمندانی بود که به حیران بخشی، در رشته مسماری بر دست داشت. از آثار وی تصویر گل و مرغی مبتنی است، با رقم: «عبدالعقار ۱۳۱۴»
احوال و آثار نقاشان (۱/۲۲۲)

عبدالعقار. (س چهاردهم ق)، خطاط. از آثار وی کتاب گنج دانش است که به قلم کتابت خفی و در دانگ متوسط نوشته و در ۱۳۰۵ ق در تهران به چاپ رسیده است.
احوال و آثار خوشنویسان (۲/۴۰۴)

عبدالعقار. (ز ۱۲۳۳ ق)، خطاط از خوشنویسان دوره تحلی شاه قاجار بود که خطوط وی از ۱۲۱۹ تا ۱۲۳۳ ق موجود است. از آثار وی: یک رقه، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد العقار ۱۲۱۹» سه قطعه مذهب نسخ کتابت خوش و با رقمهای: «تمقه عبدالعقار فی ۱۲۲۱» و «مشقه عبدالعقار فی ۱۲۲۳» و «مشقه عبدالعقار فی ۱۲۲۱» دو رقه از مرقع نسخ کتابت خوش، با رقمهای: «تمقه انعمد عبدالعقار ۱۲۳۰» و «مشقه عبدالعقار» یک نسخه ادعیه «همت حصار»، جلد روحی مذهب، نسخ کتابت جلی خوش و رقاع کتابت متوسط، با رقم: «... انا العبد ... عبدالعقار فی ... ثلث و ثلثین و مائین بعد الالف من الهجرة»
احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۱۰۵-۱۱۰۶)

عبدالعقار اصفهانی - قریب اصفهانی

عبدالعقار تاشکندی چاچی. (س دهم ق)، شاعر مشهور به مولاناراده. از شاعران ایرانی در منطقه

بعد الالف من الهجرة... عبدالعلی الحرامسانی بمحروسة دارالسلطنة طهران» قطعات متعدد نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «کتبه العبد الاقل عبدالعلی، ۱۲۲۶»
احوال و آثار خوشنویسان (۲/۱۱۰۳-۱۱۰۴)

عبد العلی عروسی - حریزی، عبدالعلی.

عبدالعلی کاظمی (ز ۱۰۸۰ ق)، خطاط. از آثار وی: یک مرقع وزیر یزرگ خشتی و یک قصیده از مرو القیس بن حنجر بن عمر کندی، به خط ثلث دو دانگ جلی عالی و نسخ کتابت یاقوتی خوش، با رقم: «کتبه الضعیف عبد علی الکاظمی فی سنة الف و ثمانین من الهجرة النبویه...»
احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۱۰۵)

عبدالعلی مشهدی. (ز ۱۳۰۶ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «نثر الالکی» چند روحی، سر لوح مرصع، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «جهة هدیة... علی ید المعبود... عبدالعلی مشهدی، فی شهر ربیع الاولی من شهر سنة ۱۳۰۶»
احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۱۰۳)

عبدالعلی نطنزی کاشانی، حسن / محمد حاکم، فرزند مولانا احمد. (وف ۱۳۰۲ ق)، صوفی و شاعر، متخصص به عبدعلی ملقب به عبدالعلیشاه و مشهور به حاجی ملا حسن کاشی نعمت اللهی وی از سلسله علمای کاشان بود برادرش، حاجی محمد حسین، از علمای درجه اول کاشان و اهل و رجح از دیگران بود. عبدالعلیشاه و برادرش نخست در مدرسه «شاه» کاشان نزد پسر و سایر فضلاء کاشان تحصیل کردند تا به درجه اجتهاد رسیدند. پس از آن عبدالعلیشاه سالها در طلب اهل حق جستجو کرد و به خدمت حاجی زین العابدین شیروانی و میر حاجی زین العابدین شیرازی، مشهور به میرا کوچک نایب الصدر و معروف به رحمت علیشاه رسید. او سپس در خدمت سید محمد متورعلیشاه قرار گرفت و از جانب متورعلیشاه مأمور دستگیری فقرای هراق و حراسان و کرمالشاهاان شد. اشعار او که در حدود ده هزار بیت است بیشتر در زمینه حکمت و عرفان است اشعری از وی به جا مانده است

حدیقه الشجره (۲/ ۱۱۷۷-۱۱۷۹)، سیری در تصوف (۱۶۹)، طرائق الحقائق (۳/ ۴۰۳-۴۰۵)

هجری *

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۰۶).

عبدالقادر تونی، میرزا عبدالقادر (س یازدهم ق)، شاعر از بزرگان منطقه تون (مردوس) خراسان بود که سمت کلاتری آن ولایت را بر عهده داشت و پس از آن به اصفهان رفت عبدالقادر در سرودن شعر به ویژه مثنوی مهارت داشت و آثارش «فتح نامه قندهار» است که آن را برای شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) سروده است.

نسخه آخر (۱/ ۲۶۱)، تکره تصانیف (۱۰۴۱-۱۰۶۱)، الذریعه (۹/ ۶۹۱-۶۹۲، ۱۶/ ۱۰۹، ۱۹/ ۲۵۲)، فرهنگ سخنوران (۶۱۸).

عبدالقادر حسینی، فرزند عبدالوهاب (س دهم و یازدهم ق)، خطاط، از آثار وی قرآن رحلی مذهبی است که به همکاری قاسم بن ملا حسین به فرجام رسانیده است. این قرآن به خط ریحان نیم دو دانگ به زر و لاجورد محراب عالی است و چنین رقم دارد «کتاب... عبدالقادر بن عبدالوهاب الحسینی» (قرن ۱۰-۱۱) و «حرره الفقیر قاسم بن ملا حسین».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۰۶).

عبدالقادر غیبی، کمال الدین ابوالفصائل، سرورند غیبی حافظ (۷۵۴-۸۳۷/۸۳۸-۸۳۹ ق)، موسیقیدان، شاعر و خطاط. معروف به عبدالقادر گوینده و هودی. پدرش از فضلا و موسیقیدانانی بود که در اعصاب علوم دست داشت. عبدالقادر در مراجه به دنیا آمد. وی بتدایه تحصیل صرف و نحو و معانی و بیاد همت گماشت و قرن را جمع کرد و چون به علم ریاضی و فن موسیقی پیش از دیگر علم توجه داشت، به مطالعه کتابهای این رشته پرداخت و از تعلیم پدرش در زیر زمینه بهره مند شد پس از مدتی در استنشاء اوزان و استخراج الحان و تألیف نغمات و اختراع نغمات و ساختن تصنیف مهارت یافت و برآورده ترین موسیقیدان و موسیقی شناس عصر خود شد و در جوانی از مراجه به تبریز رفت و مورد توجه شیخ اوس قرار گرفت و دو دربار سرورندش، سلطان حسین جلایر، مقام و منزلت یافت. پس از تسخیر آذربایجان به دست امیر تیمور، وی به بغداد، فرد سلطان احمد جلایر، رفت و بعد از فتح بغداد، امیر تیمور از و گروهی از صنعتگران و هنرمندان را روانه سمرقند کرد. عبدالقادر

ماوراءالنهر است که در بدو امر منصب قصا داشت و چون از منصب خود عزل شد، گوشه نشینی اختیار کرد و به سرودن شعر پرداخت. از میان قالب های شعری، بیش از همه به غزل توجه داشت. اشعاری از او به جا مانده است تاریخ نظم و نثر (۶۱۲)، الذریعه (۹/ ۶۹۱)، فرهنگ سخنوران (۶۱۸)، هفت الملم (۳/ ۴۲۰).

عبدالفار تبریزی (ز ۱۲۷۰ ق)، خطاط، از خوشنویسان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود. از آثار وی، یک نسخه «دیوان» معتصری، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم «حسب الترمایش... ناصرالدین میرزا... سده درگاه عبدالعزیز تبریزی... سنه ۱۲۶۳» ۱۰ صفحه آخر قرآن معروف نستعلیق میرزا اسدالله شیرازی، که به قلم تستعلیق کتابت جلی خوش نوشته، با رقم «این کلمات بتحریر عبدالغفار تبریزی است... سنه ۱۲۷۰».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۱۵).

عبدالفار شیرازی، فرزند محمد حسین (ز ۱۲۰۲ ق)، خطاط، از آثار وی، یک قطعه طلا اندازی نسخ و دفع کتابت خوش، با رقم «نمقه ابن محمد حسیر الشیرازی، عبدالغفار فی شهر ذی القعدة الحرام من شهر سنه ۱۲۰۲».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۰۶).

عبدالفار طباطبایی نوری (ز ۱۲۰۱ ق)، نقاش، از سادات طباطبایی نایی بود که در رشته آبرنگ و رنگ و روغن و تصاویر پشت شیشه ای مهارت داشت. از آثار وی، تصویر دخترانی که دست در دست همدیگر نهاده و به دفع و پایکوبی سرگرم هستند، و چنین رقم دارد «رقم کمترین فاضی ثانی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۱» تصویر رفاصه ای در رنگ و روغن که لباسهای دوره زندیه را بر تن کرده و به زر و زور و جواهرات گوناگون آراسته شده، و رقم آن به خط نستعلیق چنین است «رقم کمترین حاصی ثانی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۱».

احوال و آثار نقاشان (۱۱/ ۲۳۲).

عبدالفار همدانی (ز ۱۲۸۹ ق)، خطاط، از آثار وی، یک نسخه «شیر و شکر» شیخ بهایی، به قلم دو دانگ خوش، با رقم «در دارالعلم شیراز عبدالغفار همدانی، فی شهر محرم الحرام سنه هزار و دویست و هشتاد و نه

عمرن شد. پس از چندی قاضی دمیاط شد و تا پایان عمر به
پس کار اشتغال ورزید. وی شعر را سیکو می‌سرود. از
آثارش «مجموعه خطب» می‌باشد.
(الاعلام (۴/ ۱۷۴)

عبدالقیوم تهریزی، ابومحمد عیدالقیوم بن محمد بن
کرمشاه (سر هشتم ق)، خطاط. از آثار وی: یک حرو از
قرآن، به خط ریحان سه دانگ هائی و به شیوه احمد
سهروردی و ثلث رفیع مانند خوش، با رقم. «کتابه العید
الصغیر الراجی». ابومحمد عیدالقیوم بن محمد بن
کرمشاه التهریزی، (قرن ۸).
حوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۰۷).

عبدالکافی خراسانی، فرزند ابوالبرکات. (س ششم
ق)، کاتب. وی اهل خراسان بود و چنان که در مطاری
کتاب «اسکنر نامه» بر می‌آید، این کتاب را وی از روی
چند نسخه استنساخ کرده است.
ذریع نظم و نثر (۷۷۹)، سبک شناسی (۲/ ۱۲۸-۱۳۱).

عبدالکریم. (وف ح ۹۱۰ ق)، حکیم و منطقی.
حاشیه‌ای، به فارسی، بر شرح «حکمه الاشراف» علامه
قطب‌الدین شیرازی نوشته است. از دیگر آثارش
حاشیه‌ای بر «مطالع الانوار» ارموی در منطق است.
تاریخ نظم و نثر (۲۶۲)، کشف الظنون (۸۲/ ۶۸۵)،
۱۷۱۷، معجم‌المزین (۵/ ۲۱۲)

عبدالکریم، فرزند محمد اسماعیل. (ز ۱۲۵۹ ق)،
خطاط. از آثار وی. یک نسخه «زاد المعاد» ربیع مدشپ، به
خط نسخ کتات خمی خوش، با رقم «هذا الکتاب علی
یدالعلد... عبدالکریم ابن محمد اسمعیل. سنة ۱۲۵۹».
احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۰۷)

عبدالکریم پادشاه خوارزمی، فرزند عبدالرحمن. (س
نهم ق)، خطاط و شاعر. معروف به پادشاه و عبدالکریم
پادشاه. وی برادر عبدالوحید ابیسی و از خوشنویسان
دربار سلطان یعقوب آق قویلو بود و یعقوبی هم رقم
می‌کرد. عبدالکریم به شیوه پدر و برادر خود که به شیوه
ابیسی شهرت دارد، می‌نوشت و جز نستعلیق، همه قلام
را استادانه می‌نوشت. او در اواخر عمر به پریشانی حواس
مبتلا شد و در قطعاتش «کتابه خدا» یا «کتابه زرافه» و «کتابه

پس از ۸۰۰ ق به تبریز بارگشت و در مسلک تدویمان و
بوازندگان دربار میرانشاه درآمد و دوباره از آنجا به بغداد
رفت. وقتی که امیر تیمور دیگر مار بغداد را به تصرف در
آورد، او را زندانی کرد و فرمان قتلش را صادر نمود، اما او
جان سالم به در برد. وی پس از مرگ تیمور (۸۰۷ ق)
مدتی در سمرقند، در دربار سلطان خلیل بود و سپس به
دربار شاهرخ پیوست. عبدالقادر تا آخر عمر در هرات و
در درس شاهرخ زیست و در حانی که پیش از هشتاد سال
داشت، به مرض طاعون درگذشت او احتمالاً آخرین
موسیقیدان بزرگ ایران است که در علم و عمل موسیقی و
داشتن قریحه و هنر تألیف و ساختن آهنگ و تصنیف
استادی بی‌مانند بود. آواز را خوش می‌خواند و عود را
نیکو می‌نواخت و به همین سبب به عبدالقادر گوینده و
هردی معروف بود. او همچنین خط را خوب می‌نوشت.
عبدالقادر می‌توان در ردیف صفی‌الدین ارموی دانست.
از تألیفات متعدد و پرورش وی: «جامع الالهام» که در
۸۱۶ ق برای فرزندش نورالدین عبدالرحمن تألیف و
تنظیم کرده است؛ «مقاصد الالهام» کتابی است مفید و
مختصر در علم و عمل موسیقی قدیم ایران، با یک مقدمه
و دوازده باب و چند فصل؛ «کنز الالهام فی علم الادوار»،
که اثری از این کتاب در دست نیست؛ «شرح ادوار» که
شرحی است بر «الادوار فی حل الاوتار» صفی‌الدین
ارموی.

استادان موسیقی (۳۷-۳۶)، ابضاح المکتوب (۲/ ۲۸۴)،
تاریخ موسیقی (۱۱/ ۱۹۹-۲۲۴)، تاریخ نظم و نثر
(۲۶۱-۲۶۲)، تاریخ هرهای ملی (۲/ ۷۵۶-۷۶۶)،
تذکره‌الشعراء (۲۵۰-۲۵۱، ۳۴۲، ۳۷۹)، حبیب‌السیر (۲/ ۱۴-۱۳)،
دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۷۰)، فرهنگ سمحوران
(۶/ ۱۸)، کدنامهٔ یرگانی (۳۰۷-۳۰۵)، کاروان هند (۱/ ۶۷۰)،
کشف الظنون (۱۵۱۳)، لساننامه (دیل) عبدالقادر
گوینده، معجم‌المزین (۵/ ۲۶۷-۲۹۶)، هدیه‌المبارکین
(۵۹۷ / ۲)

عبدالقادر گوینده - عبدالقادر قیپی مرغزی

عبدالقاهر تهریزی، فرزند محمد بن عبدالواحد
حرانی دمشقی. (۶۴۸-۷۴۰ ق)، قاضی و شاعر. اصل وی
از تبریز بود. در حران به دب آمد و در دمشق نشو و نما
یافت. او به ضاوت صفهٔ شامات گمارده شد، ولی بروی

موجود است در انتهای مقدمه مشور آن آمد، که این کتاب در ۱۰۸۲ ق به پایان رسیده است.

التدوین (۱۶۱/۱۹)، منظومه‌های فارسی (۳۹۴-۳۹۶)

عبداللطیف حسینی، (س دهم و یازدهم ق)، خطاط، از آثار وی: دو قطعه به خط رقاع ثلث دو دانگ حلی خوش و نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «نمقه عبداللطیف لحسینی»، (قرن ۱۰ - ۱۱)

حوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۸/۲)

عبداللطیف لاریجانی، (وف ۱۲۴۵ ق)، خطاط و شاعر، از کاتبان و مشایخ دیوان قاجریه بود و جوان کاتب السلطانی داشت. هنگامی که میرزا سنگلاخ در تهران قامت داشت، نزد وی تعلیم خط نستعلیق و شکسته گرفت از آثار وی: یک قطعه به قسم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «بغز و شرکت فتح علی شه قاجار». کاتب حضرت السلطانی، عبداللطیف لاریجانی، قطعه‌ای به قلم دو دانگ و کتابت جلی متوسط، با رقم: «عبداللطیف اللاریجانی».

احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۲۱۳/۲)، تذکره

الخطاطین (۳۸۰-۳۷۱/۱)

عبدالله، (س دهم و یازدهم ق)، نقاش، از هنرمندان ایرانی مقیم عثمانی بود و در آنجا به نقاشی اشتغال داشت. تنها نمونه آبرنگی این نقاش، تصویر مهرانه دو کشتی گیر با حالات و حرکات نمایشی است که به اسنادی تصویر شده و تاریخ این اثر را ۱۰۱۹ ق دانسته‌اند، با رقم: «عمل عبدالله».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۶۸/۳)

عبدالله، (س یازدهم ق)، طراح و نقاش پارچه از آثار رقم دار وی، مشوجی است با طرحی زیبا که در شیوه اصمهان بافته شده و ورود یک مرد فرنگی را نشان می‌دهد و نوازندگان، ورود وی را با هنله پذیرا شده‌اند، با رقم: «عبدالله» تصویر دیگر، نقش سوارکری است که دشمن اسیر شده را به طایب کشیده و با خود می‌برد و در زمینه نقش پارچه، حیواناتی از قبیل سگ و آهو و قوچ و مرغابی و رویاه دیده می‌شود و به خط کوفی رقم «عبدالله» دارد.

احوال و آثار پارچه‌ها، (۳۹۵/۱)

پادشاه، رقم می‌کرد و به همین مناسبت معروف به عبدالکریم پادشاه بود. از آثار وی، «دیوان» شعری یک نسخه «حال نامه» عارفی و «روشایی نامه»، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تحت الکتاب... عبدالکریم بن عبدالرحمن الخوارزمی». ستة ثلاث و ثمانین و ثمان مائة نهجریه؛ یک صفحه از مرقع شاه طهماسب، به قسم دستمیق چهار دانگ جلی خوش و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتابه عبدالکریم الخوارزمی» و چندین قطعه مختلف که در احوال و آثار خوشنویسان به آنها اشاره شده است لازم به ذکر است که وفات صاحب هتوان را سپهر ۹۸۲ ق و مؤلف «هر عهد تیموریان» ۹۹۶ ق آورده‌اند.

احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۱-۴۰۹/۲) اطلال خط

(۴۶۱-۴۶۰)، محله سیمی (۱۳۵)، التدوین (۶۹۲/۹۱)،

خوشنویسان و هنرمندان (۴۲)، صبیح گلشن (۲۷۶)،

فرهنگ سخنوران (۶۱۹)، گلستان هنر (۵۸)، مناقب

مهرورزان (۸۸)، ۸۹، ۱۱۴)، هنر عهد تیموریان (۳۱۶)،

۲۹۸، ۵۷۷، ۵۹۵، ۶۲۸)

عبدالکریم حسینی تهرانی، (ز ۱۳۰۷ ق)، خطاط، از شاگردان میرزا غلامرضا اصفهانی بود که دستمیق را به شیوه استاد خود می‌نوشت. گویند وی جز دستمیق دو شکسته نویسی نیز استاد بوده، ولی خط شکسته او به دست نیامده است. از آثار او یک مرقع پانزده قطعه‌ای، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «الفقیر عبدالکریم ۱۲۹۳» یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «راقمه عبدالکریم التهرانی ۱۲۸۶» یک قطعه چهار دانگ جلی عالی، با رقم: «الفقیر المذهب عبدالکریم الحسینی سنة ۱۳۰۷».

احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۲/۲)

عبدالکریم خوارزمی - عبدالکریم پادشاه خوارزمی.

عبداللطیف چشتی (ز ۱۰۸۲ ق)، صوفی و شاعر از حلقه‌ای مسلط چشتیه و از شاهران روزگار، درنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق)، پادشاه هند، که در مثنوی سرایی توانا بوده است. وی صاحب منظومه‌ای عارفانه به نام «حقیقت الحق» یا «آیه حق سما» است. این مثنوی مشتمل بر دیباچه نثر و حدود چهار هزار بیت در ۹۳ قطعه است. نسخه‌ای از این منظومه در کتابخانه ملک به شماره ۵۴۴۸

ق)، شاعر توه میرزا شاه حسین اصفهانی، وزیر اعظم شاه اسماعیل، بود. عبدالله مدتی وزارت لاهیجان و قزوین را بر عهده داشت و در قزوین درگذشت. از در سرودن شعر مهارت داشت.

تذکره صرپادی (۷۸۷۷)، الذریعه (۹/ ۶۹۶)، فرهنگ سخودان، ۱۹.

عبدالله بن محمد (ر ۵۱۰ ق)، حجار مسک تراش ماهری بود. از آثار گرانقدر ابن هنرمند، مسک تاریخی مزار امام رضا (ع) در آستان قدس رضوی است که در کمال قدرت حجاری شده و به خط کوفی تزیینی آرایش یافته و در وسط آله این کلمات درج شده است: «الله، کبر هذا مقام الرضا علیه السلام... شعبان سه عشر و خمس مائه» و در طراف آن: «بسم الله الرحمن الرحيم... حمل عبدالله بن احمد» و در حاشیه داخلی سنگ نوشته: «امر بعمارة مشهد الرضوی... العبد المذنب... احمد بن علی بن حمد العوی الحسینی قتل الله مته».

سواد و آثار نقاشان (۱- ۲۹۸-۲۹۹).

عبدالله بن عاشور- عبدالله عاشور

عبدالله بن فضل (من هتم ق)، نقاش- وی در شیوه سوری و بین‌الهرین نقش می‌ساخت. از آثار او نقوشی در نسخه «دیسفوریوس» است که تصویر دو نفر را نشان داده که یکی از آنها ظرفی را در میان نهاده و دیگری با چوبی دخیل ظرف را مالش می‌دهد و در پشت سر آنها، دو درخت دیده می‌شود. این اثر در ۶۱۹ ق تصویر شده و در وسط دو نفر نوشته شده: «صناع اثر خاص».

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۱۴۶۸).

عبدالله حافظ شیرازی (ز ۱۰۹۸ ق)، خطاط نستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار وی یک نسخه قرآن در موزة آثار اسلامی و ترک استانبول است که متن آن به قلم رحمان و ثلث و نسخ به زر و حواصی سور به نستعلیق بسم در دایره خوش است و رقم نهاده: «کتبه العبد... عبدالله الحافظ شیرازی» فی سنة ۱۰۹۸.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۵۷).

عبدالله خان سرهنگ شیرازی، فرزند میرزا محمد هادی نسایی (۱۲۷۳-۱۲۷۴ ق)، خطاط- وی شش دایره

عبدالله (ز ۱۱۰۱ ق)، خطاط- از آثار وی: یک قطعه رقاغ ثلث سه دایره چلی، ثلث در دایره چلی، نسخ کتابت و رقاغ کتابت چلی خوش، با رقم «کسه... عبدالله فی شهر سنة ثمانین بعد الالف» مرقع ثلث چهار و سه و دو دایره عالی و ثلث رقاغ و نسخ کتات عالی، با رقم: «کسه... عبدالله فی ۱۱۰۹۲ یک رقمه نسخ کتابت خوش» با رقم «کتبه عبدالله... سنة ۱۱۰۱».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸۷).

عبدالله (ز ۱۲۳۹ ق)، نقاش- وی در شیوه آقا لطفعلی شیرازی نقش می‌آفرید و در گل و بوته و پرده سازی توان بود. از آثار رقم دار وی، آبرنگی در شیوه سیاه قلم است که در آن تصویر، شاحه شکوفه‌ای با گل‌های سفید ترسیم شده و مختصر رنگ سرخی نیز دارد. حواشی آبرنگ تذهیب شده است و به خط شکسته مشککی رقم «عبدالله ۱۲۳۹» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۶۷)، هر قلمدان (۱۸).

عبدالله ارباب (ز ۱۳۵۴ ق)، خطاط- از خوشنویسان اصفهان بود. از آثار وی: «السحفة القوامیة» به قطع جانمازی، نسخ کتابت غفی و رقاغ خوش، با رقم «کتبه العبد... عبدالله ارباب... سنة ۱۳۴۷ من الهجرة...» حضرت علی (ع) به مالک اشتر، مدقپ مزین، نسخ کتات خوش، با رقم «کمترین... عبدالله ارباب مقیم اصفهان ۱۳۴۴» دعای تعقیب صلوة صبح جانمازی، نسخ کتابت خوش، با رقم «کتبه العبد... عبدالله ارباب سنة ۱۳۵۴».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸۸-۱۰۸۹)، تاریخ اصفهان (۱۸).

عبدالله اصفهانی (س سیر دهم ق)، نقاش و قلمدان ساز- اهل اصفهان بود و در آن شهر به کار قلمدان‌سازی مشغول داشت. از آثار وی قلمدانی است که در کناره‌های آن، منظره پی‌افوردی‌خان و کلیسای جلعای آرامنه را به طرز زیبایی به روی قلمدان ظاهر ساخته و در رویه و حراشی نیز تزاریری از مردان و زنان فرنگی را در شش مدالیون نقاشی کرده است و «رقم عبدالله» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۹).

عبدالله اصفهانی، فرزند خواجه علی‌شاه (س سیر دهم

تستعلیق را خوش می نوشت. در شراز درگذشت

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۳۵۷)، فارسی نامه صامری
۱۲/ ۹۳۵

عبدالله خان نقاشباشی. (ز ۱۲۲۲ ق)، نقاش و معمار.
ملقب به معمارباشی و نقاشباشی. در دربار فتحعلی شاه و
محمد شاه و اوبل سلطنت ناصرالدین شاه تاجار خدمت
می کرد. از آثار او معلوم است که در موردی شیوه مهرعلی
نقاشباشی را دنبال کرده و چه بسا که شاگرد او نیز بوده
است. عبدالله خان در چهره سازی و شبیه پردازی دقیق و
پر مایه بود و در رنگ و روغن و آبرنگ و نقش تصویر بر
روی مینا، همچنین در طرحی و آرایش داخلی و خارجی
قصرهای سلطنتی و مسکن عمارات مهارت داشت. از آثار
وی: نابلوی رنگ و روغن سوزگ و طوین صدف سلام
فتحعلی شاه که اصل نابلو از میان رفته و فقط نشانه هایی از
آن به یادگار مانده است؛ تصویر تمام قد عباس میرزا که
لباس سرح رنگی به تن کرده و تاج مرصع و کنگره داری بر
سر گذاشته و به خط نستعلیق ریا رقم نهاده. از رقم پند،
شاه عبدالله می سنه ۱۲۲۲؛ تصویر آبرنگی شاهراه
خانی که در داخل دایره ای نقش بسته و به خط نستعلیق
زینا «رقم عبدالله نقاشباشی» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۱۶-۳۰۱)، گلستان گستر
(پنجده)

عبدالله دادور، فرزند میرزا علی خان قوام السلطان. (تو
۱۲۷۳ ش)، نوازنده، او از کودکی با موسیقی مأثرس شد و
برای فراگیری آن نزد درویش خان رفت. تحصیلاتش را در
مدرسه دارالفنون گذرانید، سپس در مدرسه سن لویی،
زبان فرانسه آموخت. دادور مدتی هم برای تکمیل هنر
خود و فراگرفتن آهنگهای غربی به محضر حاجی خان،
استاد ضرب، رفت. او با پیانو نیز آشنایی داشت، ولی
بیشتر توجه به سه تار داشت و مدتی هم سرود
منتظم الحکماء کار کرد وی در ادارات گمرک، دارایی و
وزارت جنگ خدمت می کرد و یکی از اعضای مؤسس
انجمن موسیقی ملی بود.

ستادان موسیقی (۶۲)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۱۸)،
سرگذشت موسیقی (۱۱/ ۴۳۲-۴۳۶)، مردان موسیقی (۲/ ۴)

۲

عبدالله زیارتگاهی. (ز ۸۳۲ ق)، خطاط. از

خوشویسان و بردست اقلام شش گانه است که مستعلیق و
بیز خوش می نوشته و از قدیمی ترین خوشویسان بر خط
و معاصر جعفر بایستغری است. از آثار وی. دو قطعه در
موقع امیرعبد بیگ، به اقلام مذکور و مستعلیق کتابت
متوسط، به شیوه اظهار تبریزی، با رقم «کتبه عبدالله
الزیارتگاهی... فی سنة الثانی و ثلاثین و ثمانمائة الهجرية»
احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۳۵۶، ۱۰۸۹)، گلستان
هر (نورده)، هر عهد تیموریان (۵۷۷)

عبدالله سلطان حسینی. (ز ۱۱۱۹ ق)، خطاط. مشهور
به خوشحال. ز آثار وی. یک قطعه از مرقع ثلث دو دانگ
چلی و نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه عبدالله
السلطان حسینی النهری بحوشحان ۱۱۱۹»
احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۱۰۸۹).

عبدالله سلطانی. (س دهم ق)، نقاش. هرمند پر
اعتباری بود و گویا در دربار پادشاهی قرب و منزلی داشته
که خود را سلطانی خوانده است. بیشترین آثار وی، در
بیشک بخارایی و شیوه خراسانی انجام یافته و در بعضی
موراد با خط شاه محمود نیشابوری نیز همراه بوده است
از آثار وی: تصویر شاهزاده جوانی است که در پاهای
نشسته و منظره صحرا و درختان سرسبز و گلزار و کوهها
و مناظر آبرها در زمینه لاجوردی چیده می نماید، با رقم:
«صوره عبدالله»؛ تصویر دو جوان که به گفت و گو مشغول
هستند، با رقم: «مشقه عبدالله»؛ تصویر پیر مردی که باران
محبوبه ای مشغول صحبت است و در ۹۸۲ ق و در شیوه
بخارایی حمل آمده است، با رقم: «عبدالله»؛ تصویر
دختری که لباس آبی گلدار به تن کرده و در حواشی،
حطوط شاه محمود نیشابوری جلب نظر می کند، با رقم:
«صوره عبدالله سلطانی»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۱۷-۳۱۵)

عبدالله سلطانی بنحی، درویش. (وف ۹۲۰ ق)، خطاط
اصالتش از پنج بود و در هرات به سر می برد. وی از
شاگردان خواجه عبدالله بنحی منشی بود و استاد و شاگرد هر
دو در عصر سلطان ابوسعید می ریستند و درویش عبدالله
انشاء فرزند سلطان ابوسعید و میرزا سلطان حسین
نقرا و فرزندانش و شاهی بیگ خان اریک را بر عهد
داشت. شاگردان او خواجه جهان جبریل و میر منصور
منشی بوده اند. از آثار وی «منشآت» می است به خط او، و

نوطه‌ای، محمود کاتب و عبدالله بیانی معروف به خواجه مروارید در خور دگرند. از آثار از یک قطعه به قسم مستعلق کثات متوسط، در ضمن سایر اقلام، با رقم: «مشقه العبد المرحوم عبدالله هروی، فی سنة ست و اربعین و ثمانمائة...» یک قطعه از مرقع پایقرا - طهماسب، به خط ربیعان دو دنگ جلی و رقاع دو دنگ جلی و نسخ کتابت حقی عالی، با رقم «کتابه... عبدالله الهروی... سنة تسع و خمسمین و ثمانمائة...» یک نسخه ادعیه، با عنوان «حفظ لایات» در ضمن سایر اقلام، چند صفحه به قلم کثات متوسط، با رقم «احمد بکثاة هذه الدعوات... عبدالله الهروی... سنة ست و ستین و ثمانمائة...» یک نسخه از مرقع هراة... یک قطعه از مرقع، به خط نسخ نیم دو دنگ جلی خوش، با رقم «مشقه عبدالله الطلیح» یک قطعه از مرقع ثلث سه دنگ جلی ممتاز و توقع کثات جلی و نسخ کتابت خفی هائی، با رقم «مشقه لعبد... عبدالله الهروی... سنة ست و ستین و ثمانمائة...» (۸۶۶)

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۶۰-۳۶۲، ۱/ ۱۰۸۱، ۱۰۹۳-۱۰۹۵)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۱۲-۳۱۱)، اطللس خط (۳۲۶-۳۲۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۳۷-۱۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۱)، تاریخ هرمای ملی (۲/ ۸۰۰-۸۰۱)، حبیب السیر (۴/ ۱۹)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۶)، ربیعان (۱/ ۴۸)، گلستان مسر (۲۷)، مستائب مستوران (۴۴، ۱۱۴)، مسر عهد تیموریان (۴۹۷، ۵۸۶، ۵۸۹-۵۹۰، ۵۹۷، ۷۸۵)

عبدالله عاشور، فرزند عاشور رنائی اصفهانی، (ز ۱۲۳۵ ق)، خطاط، وی از مردم رنن اصفهان و از مشاهیر خوشنویسان نسخ در آغاز دوره قاجار و به کثرت کتاب معروف بود. چنان که جز قطعات و ادعیه و کتابهای متفرقه فراوان، صد و یکمین قرآنی را هم که نوشته، دیده شده است. عاشور به اشاره فتحعلی شاه قاجار آثار گرانهایی کتابت کرده است. از آثار وی: قرآن نیم ربعی، با جلد روعی، دو صفحه اول و آخر مذهب، نسخ کتابت خفی عالی، با رقم «قد فرغ من تسوید هذا القرآن... عبدالله بن عاشور...» ۱۲۷۰ ق قرآن جلد روعی، نسخ کتابت خفی نزدیک به فبار عالی، با رقم «...انا العبد الاقل... عبدالله بن عاشور الاصفهانی فی سنة ۱۲۲۷» ازادالمعاد و ربی، ساغری مذهب، درون سوخته عالی، دو صفحه اول من و حاشیه مذهب عالی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «حسب

خواجه احتیور، که رقم دارد: «درویش عبدالله سلطانی» خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، گلستان مسر (۴۴-۴۵)، مسر عهد تیموریان (۴۸۴)

عبدالله شیرازی، فرزند شیخ مرشد کاتب، (وف ۹۸۲ و)، خطاط، از کثات شیراز بود. شاه طهماسب صفوی او را به قزوین حواله و کاتب خود قرار داد و او همان جا درگذشت. از آثار وی یک نسخه «دیوان» امیرشاهی، به قلم کتابت حقی خوش، با رقم: «تم الدیوان... عبدالله بن شیخ مرشد الکاتب» یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتابه العبد... عبدالله بن شیخ الکاتب الشیرازی...» یک نسخه «گوی و چرگان» عارفی، به قلم کتابت خوش، با رقم «کتابه العبد... عبدالله بن شیخ مرشد الکاتب» یک نسخه «قه شاهي»، به قلم کتابت خوش، با رقم «تمت کتاب عبدالله ابن شیخ مرشد الکاتب الشیرازی»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۵۷-۳۵۶)، تاریخ صمدان (۲۳۳)، گلستان مسر (۱۰۳)

عبدالله شیرازی، نوربخشی، (ز ۱۲۵۰ ق)، خطاط، از خوشنویسان دوره محمد شاه قاجار بود. از آثار وی: «سوره و ادعیه نیم ربعی جلد روعی عالی، نسخ کتابت ررقع کتابت خوش به زر و سفیداب، با رقم «الحمد لله الذی... اقل الحاج عبدالله الشیرازی النوربخشی فی دارالخلافة طهران... سنة خمسین و مائین و الف ۱۲۵۰» احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۹۰)

عبدالله طبایح هروی، (وف ۸۸۰ ق)، خطاط، نقاش و شاعر، در هرات به دنیا آمد. بدان جهت به او طبایح گفته‌اند که پدرش شغل آفبردی داشت و عبدالله در دکان پدر مشغول کار بود. اغلب تذکره نویسان او را در اقلام سته شاگرد جعفر تبریزی دانسته‌اند. در خط نستعلیق سب مهارت داشت و در خط ثلث پیروی یاقوت می‌کرد. به قول مؤلف «گلستان هنر» وی در روافشانی و وصافی نیز دست داشته و اکثر کتب‌های صدرات هرات، خصوصاً گارگاه و مشهد به خط او است. گوید وی ابتدا در هرات به تحصیل علوم پرداخت، آنگاه به بغداد رفت و چون در آنجا نیز از کسب معونات مر عت بابت به هندوستان رفت و در خدمت پادشاه زمان و وررا مقامی عالی یافت و در شعر نیز تصیده سرا بود. در هرات درگذشت. از شاگردان او، حافظ

الامير يواب... عبدالله خان. حرره العبد الاقل عبدالله بن
حاشور رناني الاصفهاني، سنة ۱۲۳۵هـ.

حوال و آثار خوشويسان، ۴/ ۱۰۹۳-۱۰۹۱، اطلس
خط (۲۵۷)، تاريخ اصفهان (۱۴۰-۱۴۱)، تاريخ هنرهای
ملی (۲/ ۹۵۸)، تذکره القیوم (۴۲۳)، گزینة سرگاز
(۲۹۷)، گسسان هر (پیست).

عبدالله قاطع، (س دهم ق)، قاطع. در هنرات به دنیا آمد
و همانجا نشو و نما یافت و شهرت فراوان پیدا کرد. وی
در هنر قاطعی و برشکاری ماهر بود و از یاران همرمند
سلطانعلی مشهدی به شمار می آمد. از آثار وی قطعه
سستعینق استادانه ای است که به مهارت و استادی تمام
بریده و رویه آن را به رنگهای گوناگون آرایش داده است و
قم نهاده: «فاصحا شیع عبدالله»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۱۲)، مناب هریران (۱۰۳)

عبدالله قطب به قطب محیی شیرازی.

عبدالله مذهب شیرازی، (س دهم ق)، نقاش و مذهب
وی در تذهیب و ترتیب سرلوحه و شمشه ها دستنی توانا
داشت. رنگ روغن را با مهارت کار می کرد و مدت بیست
سال در کتابخانه شاهزاده سلطان ابراهیم میرزا خدمت
کرد. بعد از کشته شدن سلطان ابراهیم میرزا به مشهد رفت
و در آن شهر ساکن شد و همانجا درگذشت. از آثار وی
تذهیب نسخه «دیوان» سلطان ابراهیم میرزا متخلص به
جاهی، که جمال مشهدی خط آن را نوشته است، با رقم
«در مشهد مقدس... مرلانا عبدالله المذهب الشیرازی
صورت اتحاف یافت فی شهر سنه ۹۸۹ کتبه جمال
المشهدی...» دو تصویر شیوا و پرمایه که یکی از آنها،
تصویر شاهزاده ای است که در آلاچیق مزین و الرانی
نخسته و به پذیرایی از مهمانان اشتغال دارد و دیگری
تصویری از جمع مهمانان همدان شاهزاده است، با رقم:
«عمل عبدالله مذهب»؛ تصویر مرد رهگذری که کلاه ساده
سدی به سر گذاشته و لباسی بسال شیوة دورۀ صفوی به
تن کرده است، با رقم «عمل عبدالله مذهب»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۱۲-۳۱۳)، تاریخ اصفهان
(۲۹۳)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۵۶)، عالم آرای عباسی
(۱/ ۱۷۷)، گلستان هنر (۱۴۸)، هنر نبدان (۲۵)

عبدالله مصور اصفهانی، (وف ح ۱۳۵۰ ق)، نقاش و

نمدان ساز هر اصفهان به دنیا آمد و همانجا درگذشت.
وی در قلندان سازی و آبرنگ و در رنگ و روغن و
تذهیب کاری مهارت داشت. از آثار او: تصویر حضرت
علی (ع) به رنگ و روغن، با رقم «عبدالله مصور ۱۲۳۰هـ»؛
نمدان جمعی که در رویه آن و در داخل مدالیونهای
مستعد، تصاویری از عرفا و درویشان را تصویر کرده و
کنارها را با مناظر دریا و کوه و دشت و صحرا آرایش داده
و رقم گذاشته است «رقم عبدالله مصور»؛ منظره غدیر خم
که پیامبر اکرم (ص) روی چند جماره شتر رفته و حضرت
علی (ع) را به جماعت مؤمنین معرفی می نماید، با رقم:
«کمترین عبدالله مصور اصفهانی».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۱۵-۳۱۶)

عبدالله منازل نیشابوری، ابو محمد عبدالله بن محمد
بن منازل، (وف ۳۲۹/ ۳۳۰ ق)، صوفی از مشایخ برجسته
نیشابور بود و عالم به علوم ظاهری. عبدالله از مصاحبان
حمزون قصار به شمار می رفت و در طریقت از پیروان او
بود. بررگی در حق وی گفته که: «من مردی و نیم شناسم،
نیم کرد نصرآبادی است که مردمان را به بدنام نبرد و مرد
تعلیم عبدالله بن منازل که مردمان را بخرد نام سرد»

تذکره الاولیاء (۲/ ۱۰۹۱-۱۰۹۰)، رساله قسیرید، ترجمه
(۷۳)، سیر النبلاء (۱۵/ ۲۹۷)، طبقات الصوفیه سلمی
(۳۶۹-۳۶۶)، طبقات الصوفیه هروی (۴۵۹-۴۶۱)،
محمل فصیحی (دیل / سال ۳۲۹)، نقحات الانس (۲۱۲).

(۱۳)

عبدالله همدانی، فرزند سلطان محمد، (ر ۹۸۹ ق)،
خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی، به خط نسخ و رقاع کتبت
عالی، با رقم. «وفق بکتاتها العبد الضعف عبدالله من
سلطان محمد الهروی فی شهر سنه ۹۸۹هـ».

احوال و آثار خوشویسان (۴/ ۱۰۸۹).

عبدالله همدانی، فرزند محمد بن محمود، (ز ۷۱۳ ق)،
مذهب و خطاط. از اهالی همدان بود و در تذهیب و
طلاکاری و کتابت خطوط مختلف از قبیل ریحان و لث و
نسخ مهارت داشت. از آثار او: نقده وی، کتات و تذهیب
شش جبرو از قرآن مجید است که جهت دارالخبرات
رشیدیة همدان کتبت شده، با رقم: «کتبه و ذهبه. عبدالله
بن محمد بن محمود الهمدانی فی شهر سنه ۷۱۳. مدار
انحیرات الرشیدیة همدان».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۲-۳۶۳)، گلستان هنر (پارده).

عبدالله یزدی، (س یازدهم ق)، خطوط، از آثار وی، «ادحیه الاسبوع» وزیر، به قلم زر کسح کتابت خوش، با رقم، «کتبه عبدالله الیزدی»، (حدود قرن یازدهم)، احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۹۵).

عبدالله یزدی، فرزند محمد محسن (ز ۱۱۰۲ ق)، خطوط، از آثار وی، «مصباح» کفعمی، وزیر بزرگ، مجدول مذهب زرافشان، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، به خط نسخ کتابت و ترجمه فارسی در حواشی، کتابت خفی عالی و آخر رفاع خوش، با رقم، «تم بعون الله... این محمد محسن الیزدی، عبدالله... سنة ۱۰۸۰ ثمانین بعد الالف من الهجرة...»، «صحیفه» وزیر جلد روغنی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع، نسخ کتابت عالی، با رقم «کتبه اقل عبدالله، عبدالله الیزدی سه ۱۱۰۲».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۹۶).

عبدالمجید (ح س سیردهم ق)، خطوط از آثار وی یک قطعه نسخ کاتبه مرصط، با رقم «کتبه الجانی و الفانی عبدالمجید».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۰۸).

عبدالمجید طالقانی - درویش عبدالمجید طالقانی.

عبدالمحمد میرزا جانی، (ز ۱۲۰۵ ق)، نقش، هنر مند دوره رندیه و اوایل قاجاریه بود که در سیاه قلم و آبرنگ ساری مهارت داشت. از آثار وی، تصویر گل و مرغی شیرا با آبرنگ که رقم «کمترین عبدالمحمد» دارد؛ تصویر دسته گلی پرآرایش با رقم «کمترین عبدالمحمد میرزا جانی ۲۰۵».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۴۳)، گلستان هنر (چهل و نه).

عبدالمطلب، فرزند میرزا حسین اصفهانی، (ز ۱۳۲۱ ق)، نقاش و قلمدان ساز ملقب به مطلب خان و مستشار پستخانه دختر وی یکی از زبان ناصرالدین شاه قاجار بود. در دوران کودکی از اصفهان به تهران آمد و تحت نظر استادان فن به تکمیل هنر پرداخت. ابتدا قلمدان

سازی می‌کرد و گاهی آبرنگ نیز می‌ساخت و چون حلاقه خود را به رنگ و روغن ریاضی دید، به این شیوه روی آورد و مورد توجه واقع شد. در ۱۲۷۵ ق به همراهی میر حسین خان مشیرالدوله و میرزا علی، کبرخان مزیں الدوله، جرو چهل و در نفر شاگردان انتخابی، به فرانسه اعزام شد و در مسک کلاسیک صاحب کمال گردید. پس از بازگشت به ایران، در ۱۲۹۵ ق در اداره پستخانه مشغول به خدمت شد و در ۱۳۰۹ ق منصب سرتیپی به او محول گردید. وی تا ۱۳۱۷ ق در اداره پست به سمت مستشار و تحویلدار کل مشغول به کار بود. در ۱۳۲۱ ق، به همراه میرزا محمود خان حکیم الملک به رشت رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: تصویر رنگ و روغنی یاضی پر درخت که دیوار کشی شده و منظره کوه و فضای زمین وسیع در روبروی باغ دیده می‌شود، با رقم، «بند درگاه میرزا مطلب»؛ تصویر مددی میرزا حسین خان مشیرالدوله که پستان بهرین کارهای نقاشان اروپایی به فرجام رسیده، با رقم: «حسن کمترین میرزا مطلب اصفهانی در پاریس اتمام یافت ۱۲۹۲».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۴۵-۳۴۶ / ۳ / ۱۳۲۰)، شرح حال رجال (۵/ ۱۵۹-۱۵۶)، گلستان هنر (پنجم، رس).

عبدالمک ابن عطاش - ابن عطاش.

عبد مناف قمی، (س یازدهم ق)، شاعر، از سادات نظام قم و معاصر نصرآبادی و تقی اوجدی بود و مدتی در اصفهان می‌زیست. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) در مورد او می‌نویسد: «فیر از تاذسیها به خدمت ایشان فرسیده طبعش در ترتیب نظم نهایت لطیف دارد» و سپس اشعاری از وی نقل می‌کند.

تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره روز روشن (۵۳۰)، تذکره نصرآبادی (۱۱۲-۱۱۳)، الذریعه (۹/ ۷۰۰).

عبدالمؤمن نقاش تبریزی، فرزند شرفشاه، (ز ۶۷۶ ق)، نقاش و طراح نگارگری با مهارت بود که در گچ بری و طراحی نقوش هندسی و شیوه‌های اسیمی مهارت فوق العاده داشت. از آثار به جا مانده این استاد، طراحی و گچ بری محراب مسجد جامع رضایه (ارومیه) است که در زمان ایلخانی آباخان معول ساخته شده و به خطوط و ادعیه کوفی آرایش یافته و زمینه خطوط سوزن کاری شده و رقم نقاش به خط لث رقاصی چنین است: «اعمل

عبدالمؤمن بن شرفشاه التمش التبریزی می شهر ربیع
الآخر سه ست و سمن منماه.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۳۶)، تاریخ هنرهای معی (۱/
۴۰)، فهرست پنجاهی تاریخی و امکن باستانی (۱۰)

عبدالمؤمن نقاش خویی، فرزند محمد، (س هتم ق)،
صراح و لذات اهل خوی بود و در طرح و ترسیم نقوش
اسلامی بر روی فیرات سحت، مهتر سرایی داشت. اثر
ریای ری، در فقره کربی استادهای است که در نقش
زیبای اسیمی و طرح هندسی به عمل آمده، با رقم «عمل
عبدالمؤمن بن محمد نقاش خویی»
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۴۶)

عبدالبی بریزی، فرزند محمد امین، (ز ۱۲۸۳ ق)،
خطاط ار خوشنویسان عصر قاصری بود که خط نستعلیق
را به شیوه میر حماد می نوشت و در شکسته نویسی نیز
مهتر داشت. از آثار وی، یک قطعه به قلم سه دانگ
خوش، با رقم «صداسی»؛ دو قطعه به قلم شش دانگ و
سه دانگ خوش، با رقمهای «بند درگاه عبدالبی» و
«عبدالبی سنة ۱۲۸۳».

احوال و آثار خوشنویسان ۲/ ۴۱۵، ۴۱۶.

عبدالواحد، (ز ۹۷۱ ق)، نقاش و طراح، وی هنرمند
صراح و نقاش روی کاسه و بشقاب و ظروف سفالین بود. از
آثار او، بشقاب است که به گنهای آبی و سیاه تزیین یافته و
در حواشی آن، دوازده صورت فلکی را به اشکال مخصوص
خود، نقش کرده است و در منصفه الروح و در تصویر برج
اسد، خورشید را در پشت شبر تصویر کرده و در وسط
دایره ای که به خطوط اسیمی نقش بسته، رقم «عمل
عبدالواحد فی سه ۹۷۱» دارد.
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۶، ۳۲۷)

عبدالواحد، فرزند علی سیاری (ز ۳۷۵ ق)،
صوفی شاگرد ابوالعاس سیاری و حواهراده او بود و
مرویدگی می کرد و خانه اش را وقف صوفیان کرد.
طبقات الصوفیه سلمی (۴۴۶)، طبقات الصوفیه هروی
(۳۶۵)، محمد مصبحی (دین سال ۳۷۵)، صفحات
آلاس (۱۴۸)

عبدالواحد مشهدی، (س دهم ق)، خطاط، از شاگردان

سلطانعلی مشهدی بود که از ایران به عثمانی مسافرت کرد
و در استانبول، به دربار سلطان سلیمان راه یافت گویا وی
در کوبانه در مدرسه ای ساکن بود که بعدها به واحده
سهرت یافت. وی از علوم محصن بهره داشت. در شرح
«نقایه»، «نقایه الفقه الراحدیه» را نگاشت. از دیگر آثار او
رساله ای در فن اسطرلاب بود. او در ۹۹۵ ق، تاریخ تألیف
«مناقب هروان» درگذشته بود. از خطوط وی، یک
نسخه «دیوان» سلطان سلیم عثمانی، به قلم کتابت خوش،
با رقم «عمل عبادالله عبدالواحد» یک نسخه مشوی
«روشنایی نامه» مسموب به ناصر خسرو، به قسم کتاب
خوش، با رقم «عبدالواحد المشهدی»؛ یک نسخه
«بوستان» سمدی، به قلم کتابت خوش، با رقم «المت
الکتاب عبدالواحد المشهدی غفر ذریه»؛ نسخه دیگر
«روشنایی نامه»، به قلم کتابت خوش، با رقم «تست
لکتاب عبدالواحد مشهدی غفر ذریه».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۱۷، ۴۱۸)، پیدایش خط

و خطاطان (۱۴۵)، مناقب هروان (۶۷)، هنر عهد

نموران (۵۴۹، ۶۲۵، ۶۸۸).

عبدالوهاب، فرزند مهر علی، (ز ۱۲۲۶ ق)، خطاط، از
آثار وی، دو قطعه نسخ کتابت خطی متوسط، با رقم: «حرره
للمخدوم... رشقلی خان المتخلص بهادیت و اب العبد
عبدالوهاب ابن مرحوم مهر علی، سنة ست و اربعون و
مئتان بعد الالف».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۰۹).

عبدالوهاب، فرزند میرزا حسین رئیس الکتاب، (س
سیردهم ق)، نقاش در شماره نهم روزنامه «ملتی» ۱۲۸۴
ق، و عبدالوهاب نامی ذکر شده به همراه اسماعیل چلار
جزو شاگردان مرتبه اول مدرسه دارالفنون بودند و شاید
ای همان کسی است که نامش در روزنامه «ایران» ۱۲۹۹
ق، جرو هنرمندان مجمع اصناف آمده، که به همراه میرزا
عنی محمد نامس و به همراهی میرزا علی صحاف با چهار
شاگردش مشغول تذهیب و صحافی کتاب «الف لیلة و
لیلة» بوده است.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۴۶، ۳۵).

عبدالوهاب اسفراینی، مولانا عبدالوهاب، (س نهم
ق)، شاعر از شعرب عهد تیموری است که منصب قضی
سزوار و امیران و رهای احتساب استرآباد داشته

و ثبث عالی، عالمانه تستعلیق نیم دو دانگ عالی، با رقم:
«کتب هذا الكتاب الکريم... ابن قاسم داعی، عبدالوهاب
شیرازی فی شهر سنة الف»
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۵۰-۲۵۱) (۱۱۰۹)

عبدالوهاب شیرازی، کمال‌الدین، (س دهم ق)،
مذهّب و نقاش. هن شیراز و هرمندی قابل بود. دوست
محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا، او را جزو
مذهبان کتابخانه سلطنتی معرفی کرده است.
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۵۰-۲۵۱)، خوشنویسان و
هرمندان (۲۰، ۱۰۲).

عبدالوهاب کاشانی، (س دهم ق)، نقاش. «هل کاشان و
پدر عبدالعزیز نقاش بود. سید احمد آهر چشم، در مرقع
امیر غیب بیگ که در زمان شاه طهماسب اول ترتیب یافته،
هر یکن پدر و پسر را ستوده است. از آثار وی «دیوان» شعر
می‌باشد.
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۱)، گلستان هنر (۱۴۰)

عبدالوهاب مذهّب یاشی شیرازی، (ر ۱۲۸۹ ق)،
نقاش، مذهّب و قلمدان ساز. هرمند ماهر شیرازی بود که
از طرف ناصرالدین شاه «مختار به لقب مذهّب یاشی شد.
وی در تمام شیوه‌های طلاکاری و تذهیب و تصویر و احسان
و حل کاری و ترصیع ألوان سرلوحه‌ها، اسادی تمام عیار
بود. همچنین در آبرنگ و قلمدان و جلدسازی نیز استاد
بود و در گل و مرغ و تصویر و شبیه‌پردازی دستانی مورو
داشت. از آثار وی، قلمدان زیبایی که در انواع شیوه‌های
حلاکاری تصویر شده و در وسط رویه آن، گل و مرغ جلب
نظر می‌کند و در کنارها رقم «یا وهاب ۱۲۷۱» دارد،
تذهیب و آرایش قرآنی که به خط میر علی کاتب شیرازی
است، با رقم: «قد فرغ من تذهیب القرآن... عبدالوهاب
۱۲۷۷»، جلد قرآنی با تذهیهای انبوه و افشان گل‌گشیزی
که در حواشی کنده‌ها، نقوش اسلیمی جلوه‌گر است، با
رقم «ذهب الهند المذنب عبدالوهاب ۱۲۸۲» قلمدانی که
به انواع نقوش اسلیمی ترصیع و تذهیب شده و در وسط
رویه آن، دسته گل آلوانی به نازک قلمی تصویر گشته و در
کنارها رقم «یا وهاب ۱۲۸۹» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۱-۳۵۲)، گلستان هنر (پنجاد
و دو)، هرمندان (۱۳۴)

است. به قول امیر علیشیرازی به شعر خرد مشهور بود.
عبدالوهاب به استقلال اشعار امیر خسرو دهلوی رفته
است. وی در اسرآباد درگذشت
الدریحه (۹/ ۷۰۲)، فرهنگ سخنوران (۶۲۱)، مجالس
المناس (۲۲، ۲۱۵-۲۱۴)

عبدالوهاب حسینی مشهدی، (س دهم و یازدهم ق)،
خطاط از سادات حسینی مشهد و نواده دختری و پرورش
یافته سلطانعلی مشهدی است. قاصی احمد منشی،
صاحب «گلستان هنر»، وی را در مشهد ملاقات کرده و
گرفت: «خطشی به عایت صاف بود اما نزاکت نداشت...
همیشه جزوه‌دان بزرگ پر از قطعه به خط خود همراه
داشت که همه را افشان و حاشیه و جدول کرده بود و به
مردم می‌فروخت...» از آثار وی، سه قطعه از مرقع امیر غیب
بیک، به قلمهای سه دانگ و نیم دو دانگ خوش و متوسط،
بعضی رنگی و محزّره با رقمهای: «کتاب عبدالوهاب
الحسینی المشهدی...» و «انا الفقیر عبدالوهاب الحسینی
المشهدی عمر ذریه...» سه قطعه از مرقع سید احمد
مشهدی، به قلمهای سه دانگ و نیم دو دانگ خوش و
متوسط، با رقمهای: «الفقیر عبدالوهاب الحسینی...» و
«...فقیر عبدالوهاب الحسینی...» یک قطعه از مرقعی، به قلم
دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «...بسته گلستان»
عبدالوهاب الحسینی المشهدی...»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۲۱-۴۲۲)، گلستان هنر
(۹۰)، هنر عهد نیریزبان (۵۷۷)

عبدالوهاب حمزوی شیرازی، (ر ۱۳۳۶ ق)، نقاش و
قلمدان ساز. از سادات حمزوی شیراز بود و در
چهره‌سازی گل و مرغ دست توانایی داشت از آثار وی
قلمدان زیبایی است که در وسط رویه آن، تصویر دختری
با لباسهای رنگی ترسیم شده و پایین و بالای آن با گل و
مرغ ریا آراسته شده و حواشی قلمدان نیز سنغره گل و
مرغ ساده دارد، با رقم: «عبدالوهاب حمزوی شیرازی
۱۳۳۶»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۰)

عبدالوهاب شیرازی، فرزند قاسم داعی، (ز ۱۰۱۰ ق)،
خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی عظیم، تماماً روی مش در و
بهترین تذهیب در سراسر قرآن، جلد سوخته ممتاز، سه
خط سیح نیم دو دانگ عالی و ریحان دو دانگ جلی و رفاع

بن مختشوع طیب گماشت

تاریخ نظم و نثر (۷۳۷)، الذریعه (۲۲/ ۳۱۰)

عبدالهادی دیمی - عبداللهادی قزوینی

عبدالهادی قزوینی، (وف ۹۷۶ ق)، خطاط، موسیقیدان و شاعر. شاگرد مالک دیلمی خوشنویس بود. از علوم ریاضی بهره داشت و در موسیقی از مشاهیر عصر بود و تصنیفهای خوب می ساخت و شعر نیز می سرود. گفته می شود که وی صاحب «دیوان» نیز بوده است. عبداللهادی در خط نستعلیق، بخصوص کتیبه نویسی قدرت تمام داشت. وی در قزوین درگذشت.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۲۲)، تاریخ موسیقی (۱/

۳۲۴)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۳۸)، گلستان هنر

(۱۰۶-۱۰۵)

عبده بروجردی، شیح محمد (تو ۱۳۰۰ ق)، استاد دانشگاه و نویسنده. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم معقول و منقول، از دانشگاه تهران دکترای حقوق گرفت. از جمله مشاغل که وی عهده دار بود تدریس عربی در دبیرستان ثروت و مدرسه آلمانی، ریاست تشکله عالی انتظامی، استادی حقوق مدنی و اصول محاکمات حقوق در دانشکده حقوق و مستشار دیوان عالی تبریز از آثارش: «اصول الفقه» عربی، «اصول قضایی (جزایی) دیوان عالی کشور»، «اصول قضایی (حقوقی) دیوان عالی کشور»، «حقوق مدنی»، «کلیات حقوق اسلامی»، «اصول حقوق اسلامی یا مختلف الاصول».

رنگینامه رجال و مشاهیر (۲/ ۳۰۹-۳۱۰)، مؤلفین کتب

چهار (۵/ ۵۹۱-۵۹۰)

عبدی، عبدالستار بن شهیدزخان، (ز ۱۰۱۵ ق)، شاعر، متخصص به عبدی. از احوال او اطلاع چندانی در دست نیست چرا اینکه او را مشنوی به نام «خوت نامه» به جای مانده است. وی این مشنوی را در ۱۰۱۵ ق در حالات و آموزه های شیخ عبدالقادر گیلانی، خوت اعظم، سروده است.

سفرنامه های فارسی (۳۹۷)

عبدی ابرقومی، (س هفتم ق)، شاعر. وی بر مردم ابرقره و معاصر شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۴۸ ق) بود.

عبد الوهاب مشهدی، (س نهم ق)، شاعر وی معاصر با میرزا ابوالقاسم باقر فرزند بایسقر بوده و در نظم و نثر فارسی مهارت داشت.

تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۹/ ۷۰۳، ۸۷۱)،

فرهنگ مستوران (۶۲۲)، نثر نامه (دیل، قاسمی

مشهدی)، محاسن المعانی (۲۶)

عبدوی تیشابوری، ابوحازم عمر بن احمد بن ابراهیم بن عبدویه هذلی مسعودی، (وف ۴۱۷ ق)، حافظ و محدث. ملقب به شرف المحدثین. او از اسماعیل بن نجید و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن عبدالله سلطی و ابو عمرو بن مطر و ابوالفضل بن خمیرویه هروی و ابوالاحمد عطری و ابو عمرو بن حمدان و ابوسعید بن عبدالوهاب و ابوالاحمد حاکم و حنطقه آنان در تیشابور و هرات و شهرهای دیگر حدیث شنید و شصدهای خویش را ده شیخ خود را در ده هزار جزء با خط خود نوشت. به آورده دهی حدیث عالی و نازل را نگاشت و تمام آنها را گردآوری و سپس تخریج کرد و در علم حدیث قوه تمیز فعال نمود. ابوالفتح بن ابوالقاسم علی بن محسن و احمد بن عبدالواحد وکیل و بریکر غصیل و ابوصالح مؤذن و محمد بن یحیی مرکی و ابوعبدالله قفقی رئیس و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. حدیث سعدادی او را مورد اعتماد، راستگو و هارف حافظ توصیف کرده است.

انساب سمعانی (۴/ ۱۳۴)، تاریخ بغداد (۱۱/

۲۷۲-۲۷۳)، سیرالسله (۱۷/ ۲۳۲، ۲۳۳)، تذکره الذهب

(۳/ ۲۰۸)، طبقات الصفا (۴۱۸)، العبر (۲/ ۲۳۳)،

معجم المؤلفین (۷/ ۲۷۲)، النجوم الزاهرة (۴/ ۲۶۶)

عبدوی تیشابوری، ابوالحسن احمد بن ابراهیم بن عبدویه هذلی، (وف ۳۸۵ ق)، محدث، فقیه و زاهد. وی از ابوالعباس سراج و ابن خریمه و حاتم بن محبوب و دیگران حدیث شنید. پسرش ابوحازم و حاکم تیشابوری و ابوسعید کججوردی و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند.

انساب سمعانی (۴/ ۱۳۴)، تاریخ الاسلام (حوادث

۲۸۰-۲۸۱، ۴/ ۹۰)، سیرالسله (۶/ ۵۰۴)

عبدالهادی، (س هفتم ق)، دانشمند در دربار ایلخانان مغول بود و در ۶۹۰ ق هازان خان وی را به ترجمه کتاب «مناهی الحيوان» ابوسعید عیدالله بن جبرئیل بن عیدالله

الاحلاص». دکتر صفا منظومه «خزائن المملکوت» ۱. جدا از «خزائن المملکوت» دانسته و آن را مثنوی مذهب متشکک از هفت بخش یا خزانه در برار «حدیقه» «صحیفه» «سائی» به نام «سبعة عبدی» ذکر کرده است. سبعة مذکور شامل «صحیفه لاریب»، «لرح مسطور»، «بحر مسجور»، «مشور شامی»، «مسروج الاسواق»، «مهیج الاشراق» و «نهایة الاحجار». عبدی بیگ کتابی در تاریخ عهد خود به نام «تکملة الاخبار» نیز نوشته و آن را در ۹۷۸ ق به پایان رسانده است. کتاب «صریح الملک» در شرح املاک و عسرتها و نه‌های بقعه شیخ صفی‌الدین اوردیلی نیز از آثار و ست

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۷۵۲-۷۲۶)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱/ ۱۵۷-۱۵۶، ۱۶۹، ۲/ ۵۵۵-۵۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۹۵/ ۹۶)، تکملة الاحبار (۱۹-۳۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/ ۷۲۶-۷۵۰)، الدررجه (۹/ ۲۳۶-۱۲۳۷)، فرهنگ سخنوران (۹۵۹-۹۶۰)، منظومه‌های فارسی (۳۱۸-۳۹۷)، هفت اقلیم (۱/ ۲۲۶-۲۲۷)

عبدی جنبادی - عبدی گابادی.

عبدی خوشنویس - عبدی شروانی.

عبدی شروانی. (وف ۹۸۵/۹۷۵ ق)، شاعر، خطاط و صوفی معروف به عبدی خوشنویس. وی در شطرنج مهارت داشته و قزل را به سبک اهلی شیرازی استاده می‌سرود. در تبریز درگذشت.

تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۹-۲۶۸)، النوبسته (۹/ ۷۰۲)، هفت اقلیم (۳/ ۲۹۸-۲۹۷)

عبدی فسوی، ابوطالب احمد بن بکر بن بقیه. (وف ۴۰۶ ق)، نحوی و لغوی. شاگرد ابوسعید سیرامی و ابوعلی قاسمی و ابوالحسن رمانی بود. از آثار وی: شرح «الایضاح»، به فارسی؛ شرح «الجرمی» الاعلام (۱/ ۱۰۰)، ایضاح السکنود (۲/ ۴۵۱)، ریحانه (۴/ ۹۸)، الکمل (۷/ ۲۸۰)، لغتنامه (ذیل / احمد)، معجم‌الادباء (۲/ ۲۳۸-۲۳۶)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۷۲)، مدینه‌المعرفین (۱/ ۷۱).

مؤلف «هفت اقلیم» گزید * به لطف طبع و صفای ذهن انصاف داشته شاعر شیرین کلام بوده و از حیثیت خوش طبعی و نکته‌سنجی قدوة امثال و اقران است *.

تاریخ نظم و نثر (۲۷۰)، صبیح کسش (۲۷۷)، فرهنگ سخنوران (۶۲۲)، هفت اقلیم (۱/ ۱۶۶).

عبدی اصفهانی، عبدالحسین. (وف ۱۳۷۲ ق)، شاعر، متخصص به عبدی از شاعران اصفهان بود. «دیوان» اشعارش با نام «درر المصائب» در هزار بیت، در ۱۳۶۸ ق چاپ شده است. وی در اصفهان درگذشت.

تذکره شعرائی معاصر اصفهان (۳۲۰)، الذریعه (۹/ ۷۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۷۴۵-۷۴۶)

عبدی اصفهانی، عبدالوهاب - این متده اصفهانی، ابو عمرو

عبدی اصفهانی، میر عبدالله - طبعی اصفهانی، عبد.

عبدی پوشنجی، ابو عبدالله - پوشنجی، ابو عبدالله محمد.

عبدی بیگ نویدی شیرازی، خواجه زین‌العابدین حنی بن عبدالمؤمن. (۹۸۸ ق)، مورخ و شاعر، متخصص به عبدی. از دبیران و شاعران دربار شاه طهماسب صفوی (۹۳۸-۹۴۸ ق) بود. اغلب تذکره‌نویسان مولد وی را شیراز نوشته‌اند، اما صاحب تذکره «روز روشن» او را اصفهانی دانسته و تست شیرازی وی را به جهت کثرت اقامتش در آن شهر می‌داند. عبدی بیگ در جوانی به فراگیری ادب و علم و سیاق و ترمیل پرداخت و در این رشته‌ها بویژه، سبک و حساب پرودی نام آور و عهده‌دار منصب استعاشد او در سرودن مثنوی مهارت سسر داشت و مثنوی‌های بسیاری سروده است، از جمله آثارش «بوستان حیان» که به تمبک از «بوستان سعدی» به همان وزن و به نام شاه طهماسب سروده است. از دیگر آثار وی، سه خمسه در جواب «خمسه» نظامی است. خمسه او: «مظهر اسرار»، «چام جمشیدی»، «مجنون و لیلی»، «هفت اختر» و «آیین اسکندری». خمسه دوم: «جوهر فردا»، «دور فردا»، «فر دوس المارم»، «انوار تحلی» و «خزائن الملک» یا «خزائن المملکوت» خمسه سوم: «روضه الصفات»، «دوحه الانهار»، «جنة الانوار»، «زينة الاوراق» و «صحیفه

بود. از آثار رقم‌دار وی، تصویر فرمانروایی است که کلاه سفید عبامه‌ای به سر گذاشته و به تمام سلاحهای جنگی مجهز است. در بالای تصویر به خط نستعلیق نوشته شده: «الحسب الحکم حضرت نواب عباسی صورت تحریر یافت. پند دولتخواه عبدی مصور بدارالسلطنه هراة... فی شهر محرم الحرام...». لازم به ذکر است به گفته صاحب «احوال و آثار نقاشان» تاریخ نقاشی به وضوح دیده نمی‌شده، ولی حدود ۱۰۵۸ ق به نظر می‌رسیده است. حوال و آثار نقاشان (۱/۳۵۳)

عبدی نیشابوری، ابومحمد عبدالرحمن بن بشر بن حکم. (وف ۲۶۰ ق)، حافظ و محدث پدرش، ابو عبدالرحمن بشر بن حکم، فقیه و محدثی زاهد بود. ابومحمد از سعید بن عبید و یحیی بن سعید قطان و وکیع بن جراح و عبدالرزاق بن همام و عبدالله بن ولید هذلی و حسین بن ولید نیشابوری و عیسی بن حسینی بن واقد و حمص بن عبدالله و حمص بن عبدالرحمن و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرده است. بخاری و مسلم و ابوداود و ابن ماجه، صاحبان چهار «صحیح» از «صحاب» ششگانه، و یوفکر بن ابی داود و ابن خزیمه و ابراهیم بن ابی طالب و یحیی بن سعید و ابوعرواحه اسفراینی و مکی بن عبد الله و حاتم بن سنان و ابومحمد جازودی و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت و ابراهیم حری و ابوبکر بن ابی الدنیا و عبدالله بن محمد بن ناحیه و عبدالله طرابلسی و عیسی ابن حنبل و احمد بن سیمه نیشابوری روی و ابواب کردند.

ساریج یمنه (۱۰/ ۲۷۱-۲۷۲)، تهذیب الکفیه (۶/ ۱۲۱-۱۲۲)، الجرح و التحذیل (ج ۲ ق ۲/ ۲۱۵)، سیرالانباء (۱۲/ ۳۳۳-۳۳۴)

عبدی نیشابوری، عبدالله، فرزند حسن. (ز ۹۹۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عبدی. از خوشنویسان دربار شاه طهماسب اول، صنوی بود که ظاهراً در دربار شاه اسماعیل نیز به امر کتابت اشتغال داشته و به همین مناسبت شاهی رقم می‌کرده است. متقدمین خط کتابت عبدی را ستوده و او را کاتبی می‌دان خوانده‌اند. او در خط عشق و جلی سیر آثار شیوایی دارد. وی از شاگردان سلطانعلی مشهدی بود. شاگرد برجسته او، شاه محمود نیشابوری است. از آثار او «دیوان» شعری، یک نسخه «حائمانه» عارفی، سه قسم کتابت خوش، ب رقم

عبدی قاجار، عبدالعلی میرزا، فرزند فرهاد میرزا معتمدالدوله. (وف ح ۱۳۳۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عبدی. ملقب به احتشام، الملک، احتشام الدوله و معتمدالدوله. وی نواده فتحعلی شاه قاجار بود و به مشاغل دولتی و حکومت ولایات اشتغال داشت. عبدی در ادبیات و شعر و موسیقی و ریاضیات مهارت داشت و در حکمت متعالیه و فنون ریاضی و تصوف، شاگرد میرزا محمد علی قزینی و میرزا محمد رضا قمشه‌ای بود. از خطوط نیز، نستعلیق و شکسته و خوش می‌نوشت. وی همچنین تار را نیکو می‌نواخت. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۰۶)، تاریخ موسیقی (۱/ ۳۷۲)، الذریعه (۹/ ۷۰۵)، شرح حسن رجال (۲/ ۲۷۰-۲۷۳)، طرائف الحقائق (۲/ ۴۴۶)، مرصع سحران (۶۲۳)، الباکر و الآثار (۱۹)

عبدی قلندر، ع. عبدی نیشابوری، عبدالله

عبدی گنابادی. (س دهم ق)، شاعر از مردم گناباد بود. در برخی از کتبها به خطا تحمیل وی را عهده ضبط کرده‌اند. عبدی به سلطان ابراهیم میرزا (م ۹۸۲ ق) شهراده معروف صنوی، متخلص به جاهی، بسیار شگفت بود و از شاعران متعصب در طریقه تشیع به شمار می‌رفت. بیشتر اشعارش در مدح ائمه (ع) است. از میان قالب‌های شعر فارسی بیشتر به غزل و مثنوی گرایش داشت. از آثار وی: مثنوی «گوهر شاهراره»، در بحر «مخزن الاسرار» نظامی

آتشکده آذر (۱/ ۲۷۷-۲۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۴۷۰)، تکره دوزخوش (۵۳۲)، الذریعه (۹/ ۷۰۴)، صبح گلشن (۲۷۷)، فرهنگ سحران (۲/ ۶۲۲)، مجمع المراس (۱۸۵-۱۸۶)، منظومه‌های فارسی (۴۱۸)، هست انجلیم (۲/ ۳۱۳-۳۱۴)

عبدی لبانی اصفهانی، ابراهیم حسن محمد بن محمد بن حمزه. (وف ۳۳۲ ق)، محدث از ابن ابی اندلیس حدیث شنید و تمامی «مسند» را از فرزند احمد حنبل استماع کرد. حسن بن محمد بن اریوه و اسعدالله بن مسده و عبدالوهاب سنن و دیگران از وی روایت کرده‌اند. سیرالانباء (۱۵/ ۳۱۲-۳۱۱)

عبدی مصور. (ز ۱۰۵۸ ق)، نقاش هنرمند اهل هرات

انصوری فی درایة افتوی» و «المصباح الارواح» و «طرائع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح» در کلام؛ «استمد الخلائق فی علم الوائلق» شرح «المصباح» مطرری، در نحو.

الاعلام (۴/ ۲۷۱): بیضاح المکون (۲/ ۵۰۸)، کشف الطسبون (۲۱۳/ ۱۱۱۶، ۱۱۹۲، ۱۷۰۴، ۱۷۰۹، ۱۷۳۲، ۱۸۷۹)، معجم المولین (۶/ ۱۲۶).

عبدشعی اصفهانی، ابوالاحمد معمر بن عبدالواحد بن رجاء بن عبدالواحد بن محمد بن فاحر قرشی، (۵۶۴-۴۹۴ ق)، حنطه محدث و واعظ. معروف به ابن فاحر. اهل اصفهان و مورد احترام مردم بود. وی از ابوالفتح احمد حنطه و ابوالحسن رویانی و ابوعلی احمد بن محمد بن فضل بن شهریار و ابوزکریا بن منده و عبدالواحد دشتی و بسیاری دیگر در اصفهان و همدان بن حنین و ابوغالب بن بقاء و احمد بن رضوان و عده‌ای دیگر در بغداد حدیث شنید. هفت بار به بغداد مسافرت کرد. او از ابوالحسن بن حلاف و اسماعیل بن حسن متنبیجستی اجازه روایت داشت. بزرگانی چون ابوسعید سمعانی و ابن عساکر و ابی جوزی و ابوحسن سهروردی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی وی را از چهره‌های درخشان اصفهان یا اخلاصی یکتا دانسته و قلمی نبیه برای باری همخوان معرفی می‌کند و این جوزی حدیث شناسی وی را می‌ستاید. به آورده دهی وی کتب بسیاری در حدیث و تاریخ و فرهنگ لغت تصنیف کرده‌است.

الاعلام (۸/ ۱۹۰-۱۹۱)، الاعلام بویات الاعلام، ۲/ ۳۸۱، سیرالبلاء (۲۰/ ۲۸۵-۲۸۷)، شذرات الذهب (۴/ ۲۱۲)، العبر (۳/ ۴۵)، الکامل (۹/ ۱۰۵)، السقاده سی دین تاریخ بغداد (۱۹/ ۲۳۱-۲۳۲)، النجوم الزاهرة (۵/ ۳۶۲).

عبدشعی اصفهانی، مخلص الدین ابوعبدالله محمد بن معمر بن عبدالواحد ابن فاحر قرشی، (۶۰۳-۵۲۰ ق)، فقیه، محدث، نحوی و دیب. معروف به ابن فاحر. پدرش او را به معمر فاضله جوزدانیه برد تا از او حدیث استماع کند. او همچنین از جمعی بن هیدانو حد تقی و اسماعیل حشید و ابن ابی ذر صالحانی و اسماعیل مؤدب و راغر شحامی حدیث شنید. او به مذهب شافعی کاملاً آگاه بود و در نحو و حدیث دستی نوری داشت و محتشم و سرور احترام مردم بود. به بغداد رفت و در آنجا املائی حدیث

«تمت... علی يد الضعیف عبدی تیشابری»؛ دو قطعه از مرقع شاه اسماعیل، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ و کفایت خفی خوش، با رقمهای: «مشقه... صدی بن حسن قیلندر ۹۹۶» و «مشقه انصیر المحدث، عبدی تیشابری».

اسوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۲۴-۴۲۶)، تحفه سامی (۱۳۴)، الذریعه (۹/ ۷۰۴-۷۰۵)، گستان هنر (۸۷)، مجالس العالی (۱۲۸)، هر عه، تیموریان ۵۰۱، ۵۴۱، ۵۸۲، ۵۹۷، ۶۳۵، ۷۴۵، ۷۴۶.

عبرت نایینی، میرزا محمد علی مصاحبی، فرزند عبدالخالق، (۱۲۳۷-۱۳۲۱ ش)، شاعر، متخلص به عبرت. ملقب به عارفعلی. در نایین به دنیا آمد. صرف و نحو را نزد شیخ محمد احمی آموخت و بیان و بدیع و سجع و مقدمات حکمت را از محضر ملا محمد کاشی استفاده کرد و رموز خط را از یکی از بستگان خود آموخت تا جایی که از خوشنویسان زمان خود گردید. وی هفده سال از عمرش را به سیر و سیاحت گذراند و به نقاط مختلف ایران سفر کرد و به خدمت مشایخ صرفیه درآمد. آنگاه به زادگاه خود بازگشت و به سختی از رهگذر استساح کلب زندگی می‌کرد. بعد به تهران آمد و تا پایان عمر در آن شهر زندگی کرد. او در اسبابیه مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعری که منتخبی از آن در تهران در ۱۳۱۳ ش به چاپ رسید؛ «مدینه الادب» یا «نامه فرهنگیان»، مشتمل بر شرح حال ۳۵ شاعر معاصر خود. در «مختصرات نامی معاصر» اثر فوق دو کتاب مستقل از هم در یک زمینه معرفی شده است.

نستکه شعری معاصر اصفهان (۳۳۱-۳۳۲)، دیوبست سخور (۲۳۱-۲۳۲)، الذریعه (۹/ ۷۰۵، ۷۰۶/ ۲۰، ۲۵۱/ ۲۲/ ۲۴)، سخوران نامی (۲/ ۳۵۱-۳۶۲)، سخوران نامی معاصر (۴/ ۲۲۷۸-۲۲۸۲)، کتابنامه مستقیم دعا و غلاب (۲۲۵)، گلزار معانی (۲۴۱-۲۵۰)، مؤلفین کتب همایی (۳۱۸-۳۱۷/ ۴).

عبری لرغانی، پرهان الدین عبدالله/عبدالله بن محمد بن غانم هیدانی ماشمی حسینی (وف ۷۴۳ ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضی شامی در تبریز به دنیا آمد. قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش: شرح اکثر آثار و مصنفات یصوی، از جمله: «المتهاج الوصول ابی علم الاصول» و «الفیه

روزگار سلاجقه و ملازم آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی بود و با شاهراش آن عهد چون حکیم سنایی (م ح ۵۳۵ ق) و ادیب صابری و سورلی (م ۵۶۲ ق) مصاحبت داشت اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

الدریسه (۷۰۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۳)، لایب لایب (۲/۲۹۵)، مجمع المصنعا (۲/۸۶۵-۸۶۴)

عشید زاکانی، نظام‌اند بن رنجم لدیس. (۷۰۰-۷۷۱/۷۷۲ ق) نویسنده و شاعر، محصل به عهد از خاندان زکانیان، تیره‌ای از اعراب بی حداده، بد که در قزوین به دیب آمد و در همان شهر سر و معایف در ابتدای امر در شمار وزیران بود. در زمان شیخ جمال‌الدین ابواسحاق ایجری به شیراز رفت و رئیس رکن‌الدین حمیدالملک را مدح گفت. حمید همچنین سلطان ویس جلایر و شاه شجاع را نیز مدح گفت. مدتی در پنداده به همراه سلمان ساوجی به سر برد حمید علاوه بر اینکه در سرودن شعر در قالبهای مختلف استاد بود، از قری‌ترین طنز پردازان ایران به شمار می‌رود که با تزیانه انتقاد و طنز و صیغ اخلاقی و سیاسی عصر خود را به زبان هزل و طنز نکوهش کرده است. حماس اقبال آشتیانی نخستین کسی است که به اهمیت آثار عشید از لحاظ جامعه شناسی پی برد و آن را در مقدمه اش بر «کلیات عشید زاکانی» متذکر شد. از آثار وی: منظومه «موش و گربه» که سراسر طنز و استعاره است؛ رساله «النامة بروج»؛ رساله «دلگشا»؛ در حکایات به زبان عربی و فارسی؛ «اخلاق الاشراف»؛ «صد پند»؛ درش نامه؛ «مثنوی عشاق نامه»؛ «دیوان» شعر

آشکده آذر (۳/۱۱۹۵-۱۱۹۸)، از سده ۱۱ جمعی (۲۸۶)، امیال النیمة (۸/۱۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/۹۸۵-۹۶۳، ۱۲۷۰-۱۲۷۲)، نسایح گسریده (۲/۸۰۶-۸۰۲)، تاریخ ممول (۵۵۰-۵۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۱-۲۰۲)، دایرة المعارف فارسی (۲/۱۶۷۸-۱۶۷۹)، دروست سخنور (۲۳۲-۲۳۶)، الدرر (۹/۷۰۶، ۱۵/۲۶۲، ۱۲/۹۸)، ریحانه (۲/۳۵۵-۳۵۲)، شخصیت‌های نام (۳۲۶-۳۲۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۸-۳۳۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۳)، الکسی و الاکباب (۲/۲۸۶-۲۸۷)، کلیات عشید زاکانی (مقدمه)، نعت‌نامه (دیل/راکانی)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۳۷۰-۳۷۲)، میرودر (۲/۵۱۵-۵۰۳)، ممت‌الذلیل (۳/۱۶۴-۱۶۸)

عبدالله احرار نقشبندی، خواجه فاضل‌الدین، فرزند

کرد، ابن خلیل و ضیاء و ابوموسی ابن حافظ و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن درجی و ابن بخاری از وی دارای اجازه بودند، در شیراز درگذشت.

الاعلام بروفات الاحلام (۲/۴۰۶)، سیرالنبلاء (۲۱/۴۲۹-۴۲۸)، شذرات الذهب (۵/۱۱)، المعبر (۳/۱۳۵)، الهجوم الزاهرة (۶/۱۷۱)

عیشمیه قرشیه اصفهانیه، ام حبیبه عائشه بنت محمر بن فاخر، (وف ۶۱۷ ق)، مستند و محدث، وی حضوراً از فاطمه جوزدانی و سماعی از زاهر بن طاهر و سعید بن ابی رجاء و دیگران حدیث شنید. ابن نقطه و شیخ ضیاء و تقی بن مؤ و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن نقطه گوید که «مستند ابی یعلی موصلی را از وی شنیدم و او از سعید صیرفی استماع کرده بود

سیرالنبلاء (۲۱/۴۹۹-۵۰۰)، شذرات الذهب (۵/۲۵)، المعبر (۳/۱۳۵)، الهجوم الزاهرة (۶/۱۷۹)

عبقری، میرزا تقی‌خان مجدالملک، فرزند حاجی میرزا محمدخان، (تو ۱۲۷۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عبقری، ملقب به مجدالملک، اهل مازندران بود و نهال خود را به ابرمیت هروی می‌رسانید. وی در ابتلا و معقول تحصیل علوم ادبی شد، سپس هنگامی که مدرسه معتبره به ریاست هشتیج الدوله در تهران تشکیل شد، در آن مدرسه به تحصیل علوم جدید پرداخت. در ۱۲۹۹ ق از طرف ناصرالدین شاه به لقب مجدالملک، ملقب گردید. در ۱۳۰۰ ق رئیس اداره و طبایف و اوقاف شد. در دوره اول مجلس (۱۳۲۲ ق)، از طرف اعیان تهران نماینده گردید و بعد در کابینه میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزیر تجارت شد. در حدود ۱۳۳۲ ق، به همراه محمد حسن میرزای ولعهد به تبریز رفت و پس از مدتی به تهران بازگشت. عبقری شعر را نیک می‌سرود و از علوم معقول و منقول و ریاضیات نیز بهره‌مند بود. او جز نستعلیق، خطوط دیگر، بویژه شکسته را بسیار خوش می‌نوشت و در نقاشی و شکاری و حکاکی نیز دست داشت.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/۱۱۰، ۲/۱۲۵۹)، شرح حال رجال (۱/۲۲۱-۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۶۲۳)، السائر و الآثار (۱۸۷)

صهری عزیزی، عبدالمجید، (س ششم ق)، شاعر، ملقب به جمال‌الشعرا، از شاعران دانشمند و حکیمان

دیا آمد و نه روایتی در قزوین و به قولی در ری نشر و نما یافت. در دانش و فقه مهارت داشت. در آثار شاعری به «صهبا» رفت و ملازمت شاه عباس را اختیار کرد و به دستور شاه مشوبی به نام «منظر لایزال» در بحر «مخزن لاسرار» سرود و صله‌ای گرانها دریافت کرد. عتابی در ۱۰۱۳ ق به همراه میر محمد معصوم بگری، سفیر حلال‌الدین آکر شاه به هند رفت و به پایمردی وی به دربار کبرشاه راه یافت. پس از سیر و سیاحت در سرزمین هند به اصفهان بازگشت و پس از مدتی اقامت مجدداً به هند سفر کرد و سرانجام در لاهور درگذشت. عتابی در سرودن عربی، قصیده و مثنوی مهارت داشت این امر از اشعار و آثاری که از وی به جای مانده آشکار است. از دیگر آثار وی: «حمسه» ای در مقابل «حمسه نظامی» (سام و پری)؛ «البرج و گیتی»؛ «حداثات الارهاق»؛ «مجمع البحرين»؛ «الرهاد و شیرین»؛ «مناقب نامه»؛ «دیوان» شعر.

آشکده آذر (۱/ ۷۹-۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۹۸۹-۹۹۲)، تذکره سیحانه (۲۵۱-۲۳۷)، فرهنگ سخنران (۲۲۲-۲۲۳)، کاروان هند (۲/ ۸۶۵-۸۷۱)، منابع الانکار (۲۷۴).

عتابی نجفی، سید محمد. (س هفتم ق)، شاعر. از برایان استاکی عراقی بود در نجف به دیا آمد و همانجا نشو و نما یافت. پس از چندی به ایران آمد و مدتی شاگرد میر حضوری قمی، شهر معروف آن دوره بود، سپس از ایران به هند مهاجرت کرد. در آنجا مدتی در دربار علی هادلشاه، پادشاه دکن، به سربرد و پس از مرگ وی به دربار اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) رفت و در آنجا به دلایلی برای مدتی طولانی به زندان افتاد. عتابی در سرودن شعر به دو زبان فارسی و عربی مهارت داشت و در فن تشا و خط نیز توانا بود. اشعاری از وی در برخی تذکرها نقل شده است. تاریخ نظم و نثر (۲۳۲-۲۳۳)، فرهنگ سخنران (۲/ ۶۲۲)، مفید اقلیم (۱/ ۱۱۸-۱۲۲).

عَنکي نیشابوری، ابومنصور محمد بن قاسم بن عبدالرحمن. (وف ۳۴۶ ق)، محدث. چون رنگ فروش بود به صبی نیز مشهور است. از سری بن خرمه و محمد بن اشرس و حسین بن فصل و اسماعیل بن قتیبه و احمد بن سَلمه و همطرا آنان حدیث شنید. حاکم نیشابوری پیش از دیگران از وی روایت کرده و استادش را چنین ستوده است: «وی شیخی پندارد، فهم و صدوق و نیکو

محمود. (۸۹۵-۸۰۶ ق)، صوفی. از بزرگترین مشایخ سقسیه بود. در روستای باغستان به دیا آمد و در روستای کماگران یا کوماگران نزدیک سمرقند ریست و در همان جا نیر وفات یافت. قبرش هم اکنون در سمرقند زیارتگاه است. از مولانا چرخ‌سی و مولانا نظام‌الدین حاموش، ارشاد و تربیت یافت و نوشته‌اند که امیر عیشیر نوابی بدو توجه داشته و عبدالرحمن جامی از شاگردان او بوده است. مولانا محمد قاصی که از اصحابش بود کتابی در مناقب وی به نام «مسئله العارفین و تذکره الصديقين» نوشته است. خواجه عیدالله در تصوف تألیفات بسیار دارد، از جمله: «تحفة الاحرار»؛ «انيس السالكين».

امصاح المکتون (۱/ ۱۴۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۷۶، ۲۵۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۲-۲۶۳)، حبیب السیر (۴/ ۱۰۹-۱۱)، دانشنامه ایران و اسلام (۹/ ۱۲۰۰-۱۲۰۱)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۶۷۸)، دنبال جستجو در تصوف (۲۰۷)، رنجات عین الحیات (۱/ ۱۲۱)، ریحانه (۱/ ۷۸)، مجمع المؤلفین (۶/ ۲۲۵-۲۲۶)، سفح‌الاسر (۲۱۰-۲۱۱)، هدیه العارفین (۱/ ۶۵۰).

عبدی، شمس‌الدین. (س هفتم و هشتم ق)، عالم و ریاضیدان وی از علمای ریاضی دوره غازان‌خان (۶۹۴-۷۰۳ ق) بود که آثاری از خود به یادگار گذاشت. از آثار وی: «مثنی اقلیدس»؛ «رسالة حساب».

حبیب‌السیر (۳/ ۱۹۱)، لغت نامه (دین / شمس‌الدین).

عتابی بخاری، زین‌الدین ابونصر / ابونقاسم احمد بن محمد بن همر. (وف ۵۸۶ ق)، مفسر و فقیه حنفی. اهل عتَب بخارا بود و در همانجا نیز وفات یافت. عتابی از بزرگان حنفیه بود که دارای تصنیفات و آثار جسی است. از آثارش: «جوامع الفقه» معروف به «الفتاوی الکتابیه» در چهار مجلد؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر العتابی»؛ شرح «الجامع الکبیر» و شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الریادات» شیایی، همگی در فروع فقه حنفی.

الإعلام (۱/ ۲۰۹)، کشف الظنون (۳۵۳، ۵۶۳، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱)، مجمع المؤلفین (۲/ ۱۴۰)، تراجم بالوفیات (۸/ ۷۲)، هدیه العارفین (۱/ ۸۷).

عتابی تکلوه، حسن بیگ، سرزنده بخشی بیگ. (۹۷۳-۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخصص به عتابی. در هرات به

فرائت و صحیح الاصول بود.

الاعلام بویات الاعلام (۱/ ۲۳۸)، سیرالسلام (۱۵/ ۵۲۹)، المجموع الزمعه (۳/ ۳۶۲).

حَنکي نیشابوری، ابویحیی سهل بن عمار، (وف ۲۶۷ ق)، فاضلی، محدث و فقیه حنفی، شیخ اهل رأی در حراسان و قاضی هرات و مدتی فی قاضی طرسوس بود در طلب حدیث سفرها نمود و از یزید بن هارون و شبابه بن سرار و جعفر بن عون و عبدالرحمن بن قیس و واقدی و عیدالله بن موسی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. عباس بن حمزه و ابویحیی بزاز و ابراهیم بن محمد بن سفیان فقیه و محمد بن سیمان بن فارس و احمد بن شعیب فقیه و محمد بن علی بن عمر مدنگر و دیگران روی حدیث روایت کرده‌اند.

سیرالسلام (۱۳/ ۳۳۰-۳۳۱)، لسان المیزان (۳/ ۲۴۰-۲۴۱).

عَتیقی تبریزی، جلال‌الدین مسعود، فرزند قطب‌الدین. (وف ۷۱۸/۷۴۱ ق)، واعظ و شاعر از حبیبیان و واعظان برجسته ایرانی در دوره ایلخانان معزول بود که با حواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مصاحبت داشت. عتقی در فصاحت و بلاغت مقامی پندداشتند و عالا در مدرسه عیالیه تدریس و حفظ می‌کرد. او به نگارش پدرش در سرودن شعر توانا بود و گویا هر دو، عتقی تخصص می‌کرده‌اند از آثار وی «دیوان» شعر

تاریخ گبریه، (۷۴۵)، تذکره روز روشن (۵۳۴-۵۳۵) دانشمندان آذربایجان (۲۶۹-۲۷۱)، الذریعه (۹/ ۷۰۷) سخنوران آذربایجان (۱۹-۵۲۴)، فرهنگ سخنوران (۲۵۶)، مجالس القائلین (۳۲۹)، مفت اقلیم (۳/ ۲۲۶-۲۲۷).

عثمان بن احمد مراغی، (س نهیم ق)، نقاش و منبت‌کار. اهل مراغه و از نگارگران و منبت‌کاران ماهر زمان خود بود. از آثار وی ترسیم و تزیین و منبت‌کاری صندوق مرقد دختر شیخ صبی‌الدین در اردبیل است که رقم «اهمل استاد عثمان بن احمد المراغی» دارد. حوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۷۱).

عثمان ریجانی، فرزند ابوبکر، (س هفتم ق)، مرکا و قلمدان ساز. از استادان شهر زنجان بود. از آثار او سده‌وی، قلمدان برنجی با مهارتی است که به خطوط و نقوش متنوع

اسلمی آرایش یافته و به خط کوفی تزیینی رقم «العز و الاقبال...مقرب عثمان بن ابوبکر زنجانی» دارد. احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۲).

عثمان وراق غروی، ابوعمر و عثمان بن حسین بن ابی سهل. (ر ۴۶۴ ق)، مذهب و خطاط. وی مذهب نادره کار عصر خویش بود که در خط و کتابت نیز دست پر قدرت و استواری داشت. تنها اثر رقم دار وی، تذهیب و کتابت سی جزو قرآن مجید است که در کمال شیوایی تذهیب شده و در آغاز هر جزو و سر سوره‌ها، صفحات تمام تذهیب و ترصیع در مقابل هم قرار گرفته است. اسامی سوره و سسله، به خطوط و شیوه معروف زمان و به خط کوفی و ثلث و رقاع کتابت شده و رقم هر مند در صفحه آخر جزو پنجم چنین است: «کتبه و تذهیب عثمان بن الحسین بن ابی سهل الوراق غروی... فی سنه أربع و ستین و اربعمائه».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۵-۳۵۶)، گلستان هنر (بست د پنچ).

عجری تبریزی، حسن بیگ، (س دهم ق)، شاعر. وی از سرایندگان نامی زمان خود بود. با صبوری سربیزی و قومی تبریزی (م ۱۰۱۸ ق) معاشرت داشت و «دیوان» شعری در جواب «دیوان» بابا فغانی گفته است. آشکده اثر (۱/ ۱۳۰-۱۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۱-۲۷۲)، الذریعه (۹/ ۷۰۸)، فرهنگ سخنوران (۲۵۶-۶۲۷)، مجمع البحرین (۹ - ۱۹۱).

عجلی اصفهانی، منتخب‌الدین ابوالفتح اسعد بن محمود بن خلف. (۵۰۵-۶۰۵ ق)، راهب، واعظ و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و همالجا نشو و نما یافت و ناپایان عمر در آنجا باقی ماند. از فاطمه جوردانی «معجم صغیر» و «معجم کبیر» را ستماع کرد و نیز از اسماعیل بن محمد حافظ و غلام بن احمد و ابن بطلی و گروهی دیگر حدیث شنید. ابرار ریعه یمنی و حافظ طیبیه و ابن خلیل از وی روایت کرده‌اند. ابن ابی خیر و ابن بخاری از وی اجازه روایت داشتند. او اسلامی حدیث می‌کرد و وعظ می‌گفت و شیخ شافعیه در اصفهان و صاحب فتا بود. وی اهدی بود که از دست رنج خویش رورگار می‌گذرانید بدین ترتیب به سسناح کتب می‌پرداخت و حاضر کار

مروود خراسان درگذشت. از آثار وی «تعلیقات» بر «الحاوی» موردی، در مروج، در «معجم البلدان» کنیه وی ابوسعید و نام جدش شرف ذکر شده است.

الاعلام (۴/ ۳۷۲-۳۷۳)، انساب سمعی (۴/ ۱۶۰)،

سیرالنبلاء (۱۹/ ۶۲۳-۶۲۴)، معجم البلدان (۵/ ۱۲۶)،

هدیه الماریس (۱/ ۶۵۳).

عجیب مازندرانی، محمد حیدر، فرزند محمد حسین (رف ۱۲۸۹/۱۲۸۰ ق)، شاعر، متخلص به عجب در روزگار محمدشاه قاجار با پدرش از مازندران به تهران آمد. از همان دوران جوانی به مدح محمد شاه پرداخت و بعد از چندی به دربار ناصرالدین شاه قاجار راه یافت. اثر وی «دیوان» شعر می باشد.

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۸۴-۱۸۷)، الذریعه (۹/ ۷۰۸)،

فرهنگ سخنوران (۶۲۶)، گنج شایگان (۳۲۵-۳۲۹)،

معجم المصفا (۵/ ۷۲۰-۷۲۱).

عجیبی جرجانی ← عجیبی گرگانی

عجیبی گرگانی، شمس الدین محمد، (م دهم ق)، شاعر از مداحان سام میرزا صفوی (م ۹۷۴ ق) بود و قصیده ها در صنعت سیب در مدح او گفته است. عجیبی قسام مختلف شعر را لیک می سرود

انشکده آذر (۲/ ۸۰۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۶)، تذکره

روز روشن (۵۳۵)، تذکره صرآبادی (۲۹۲)، ندویه (۹/ ۲۰۸)،

فرهنگ سخنوران (۶۲۶)، معجم المصفا (۲/ ۸۶۶-۸۶۵)

عدالت، سید محمد حسن، فرزند ابوتراب مجتهد سروسازی، (۱۲۷۱/۱۲۷۲-۱۳۴۰ ش)، روزنامه نگار در شهرنیز به دنیا آمد. از ده سالگی تا واپس مشروطیت در یکی از حجره های مدرسه خان شیراز مشغول تحصیل بود. در ۱۲۹۹ ش امتیاز هفته نامه «عدالت» را در شیراز گرفت و تا ۱۳۰۸ ش به انتشار آن ادامه داد و از آن به بعد به امر زراعت و اداره املاک موروثی خود پرداخت.

تاریخ جراید (۴/ ۷۵)، دانشمندان و سخن سرایان

نارس (۳/ ۶۰۵)، الذریعه (۱۵/ ۲۶)، زندگانه ریحال و

مشاهیر (۲/ ۳۱۱-۳۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۰۳-۸۰۲)

(۸۰۲)

خویش را به فروشی می رسانید. زمانی ترک وعظ گفت و به تألیف کتاب پرداخت. از آثارش: «آفات الوعاظ» شرح مشکلات «الوسیع» و «الرجیر» عزالی؛ «تتمة التتمة» در فقه شافعی

الاعلام (۱/ ۲۹۴)، تذکره القیور (۸۴)، روایات السنن

(۷/ ۹۰۷)، سیرالنبلاء (۲۱/ ۴۰۲-۴۰۳)، کشف الظنون

(۱۳۱، ۱۹۱۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۸)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۴۸)،

النجوم الزاهرة (۶/ ۱۶۶)، هدیه الماریس (۱/ ۷۰۴)

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمن بن احمد بن حسن بن بندنادر (۴۵۱-۴۷۰ ق)، قری، ادیب و شاعر، معروف به بن بندنادر و مشهور به شیخ الاسلام. در مکه به دنیا آمد و قرآن را بر ابوعبدالله مجاهدی و علی بن داود دارانی و ابوالحسن حنّامی قرائت کرد. عجلی حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و همدان و نسا و گرگان از محدثین بزرگ فراگرفت. مستثنوی و ابوبکر خطیب و ابرصالح مؤذن و نصر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فاطمه بنت یفعدی حدیث را وی روایت کرده اند. عجلی در یک شهر مدتی طولانی اقامت نمی کرد و به شهرهای بسیاری سفر می نمود. در هر شهر دو مسجد خراب آن سکنی می کرد و چون شناخته می شد به مکانی دیگر می رفت. وی سرانجام در یزدبور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف» کتابی در «فضائل القرآن» پاره ای از رجال نویسان وی را همان ابوالفضل رازی، عبدالرحمن بن حسن، صاحب کتاب «الوابع»، در قرائت می دانند.

الاعلام (۲/ ۶۵)، ری یاسان (۲/ ۳۱۸)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۱۲۵-۱۲۸)،

المیر (۲/ ۳۰۲)، کشف الظنون (۱۲۷۷)،

معجم المؤلفین (۵/ ۱۱۶).

عجلی مروزی، ابوسعید عثمان بن علی بن شراف پنجدهی، (۴۲۵-۵۲۶ ق)، محدث و فقیه شافعی چون پدرش وی سرسده گری بودند به عجلی مشهور شده است. وی ملازم قاضی حسین پرد در فقه تهریافت و از ابوسعید احمد یحیی و سعید بن ابوسعید عیار و قاضی حسین حدیث شنید. ابوسعید سعیدی وی را به زهد و تقوا ستوده است و گوید که در محضر او احدی قادر به غیث و پشت سر دیگران صحبت کردن نبود. وی در پنجده

سختور (۲۳۸-۲۳۷)، الذریعه (۷۱۹/۹)، روحانه (۴۱)
 (۱۱۷)، سفینه المصنوع (۲/ ۴۱۱-۴۰۹)، برهنگ
 سخوروان (۶۲۶-۶۲۷)، نگارستان دلا (۲۲۷/۱).

عدری تبریزی، (س ۵هـ ق)، شاعر مدنی در یزد به
 طلب علم پرداخت. در زمان شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ق)
 در اصفهان به پیشه زرگری مشغول شد. از اوست:
 آمد بهار و گل شد و سوزور هم گذشت
 گرد سرت نگشم و یمن روز هم گذشت
 آتشکده آذر (۱/ ۱۲۱)، نسکه روز روشن (۵۲۶)،
 دانشمند آذربایجان (۲۷۲)، برهنگ سخوروان (۶۲۷).

عراقی، احمد، فرزند ابوالقاسم، (تو ۱۲۹۷ ش)،
 بنسبت. در کاشان به دنیا آمد. لیسانس حقوق و اقتصاد از
 دانشگاه تهران گرفت. عراقی دارای مدرک کارشناسی
 شرکتهای تعاونی از کشور آمریکا بود. مدتی در آمریکا و
 اروپا به تکمیل معلومات و مطالعات پرداخت. بعد از
 مراجعت به ایران مشاغل مختلفی را عهده دار شد، از
 جمله ریاست امور شرکتهای تعاونی و صندوقهای
 روستایی در سازمان برنامه، از آثارش: «اساسنامه
 شرکتهای تعاونی»، «اصول که باید در اساسنامه شرکتهای
 تعاونی رعایت شود»، «شرکت تعاونی چیست»، «حقوق
 اختصاصی ایران».

کتابنامه محسین دهنه انقلاب (۲۰۶۱)، مؤلف کتب چاپی
 (۴۲۴-۴۲۳/۱).

عراقی، صیاءالدین - آقا ضیاء عراقی (اراکي).

عراقی همدانی، قنبرالدین ابراهیم بن یزرگمهر بن
 عبدالغفار فراهمانی، (۶۸۸-۶۸۶ ق)، عارف و شاعر،
 متخلص به عراقی از عارفان و شاعران ایرانی است که در
 تریه کماجان همدان به دنیا آمد و در همدان به فراگیری
 علوم متداول و ادبیات پرداخت. دیری نگذشت که در ایام
 جوانی به تدریس در مدرسه شهرستان همدان منصوب
 شد، ولی ما دیدن جماعتی از قلندران حال وی دگرگون شد
 و در پی ایشان به راه اعتاد و به هندوستان رفت و در آنجا به
 خدمت بهاءالدین زکریای مولنای رسید و مرید وی شد و
 عرقه از او دریافت کرد و دختر شیخ خود را به همسری
 برگزید و صاحب فرزندی به نام کبیرالدین شد. پس از
 مرگ شیخ، هندوستان را ترک گفته به حج رفت و از آنجا
 رهسپار آسیای صغیر شد. در قریه به خدمت صدرالدین

عدل، یاقو عظمی نفسی، (س چهاردهم ق)، مترجم.
 تحصیلات فارسی و فرانسه خود را از مدرسه ژاندارک
 بهران آغاز کرد. پس از اتمام آن به مطالعه ادبیات ایران و
 آثار نویسندگان فرانسه پرداخت. وی از مترجمان صاحب
 دوق به شمار می آید. بانو عظمی از کشورهای فرانسه و
 انگلستان و سوئیس و آمریکا دیدن کرد و گذشته از زبان
 فرانسه به زبان انگلیسی نیز آشنایی داشت. از
 ترجمه هایش: «توس از زندگی» هانری بر دو؛ «داستانهای
 دوشنبه» آلفونس دود؛ «سرح و میاه» استاندل؛ «جامه
 پشمین» هانری بر دو.

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۳۳۶، ۲/ ۱۹۵۸)،
 مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۸۷۷).

عدری مروزی، ابو محمد محمود بن غیلان، (وف
 ۲۳۹/۲۳۹ ق)، حافظ و محدث. محدث مرو بود. از
 سفیان بن عیینه و فضل بن موسی سیستانی و ولید بن مسلم
 و ابومعویه و وکیع و یحیی بن سلیم طائفی و عبدالرزاق و
 نصر بن شمیل و ابوداود طرابلسی و همطریق آنان حدیث
 شنید. او کثیر الحدیث بود و به نیکویی روایت می کرد.
 بخاری و مسلم و ترمذی و نسائی و ابن ماجه قزوینی و
 محمد بن یحیی ذهلی و ابوزرعه و ابوحاتم و معمر و حسن
 بن سفیان و ابراهیم بن بی طالب و ابوالعباس سراج و
 جعفر بن احمد بن نصر و محمد بن شاذان و ابن خرمیه و
 دیگران از وی حدیث شنیدند. در بازگشت از حج به بغداد
 رفت و در آنجا حدیث گفت. اسحاق بن حسن حریری و
 محمد بن هبثم قاضی و حسن بن علی معمری و هبثم بن
 حنبل دوری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن هارون بن
 مجدر از وی استماع حدیث کردند.

تاریخ بغداد (۱۳/ ۹۰-۸۹)، تهذیب التهذیب (۱۰/ ۵۸)،
 الحرج و القنديل (ج ۴ ق ۱/ ۲۹)، سیر السیاد (۱۲/ ۲۲۲-۲۲۳)،
 شذرات التهذیب (۲/ ۹۲)، حلیات الحماة
 (۲۰۹-۲۱۰)، المبر (۱/ ۲۳۸)، النجوم الزاهرة (۲/ ۳۶۱).

عدری پیگدلی، اسحاق پیگ. (وف ۱۱۸۵ ق)،
 تذکره نویس و شاعر، متخصص به عدری. وی برادر
 آدریگدلی را از تذکره نویسان و شاعران غزل سرای ایران
 است که در جوانی درگذشت. عدری تذکره ای به نام تذکره
 «اسحاق» در چهار قسمت قصاید، مقطعات، غزلیات و
 رباعیات تألیف کرده است.

تاریخ تذکره های فارسی (۱/ ۱۸۲-۱۸۳)، در دست

عرب شیرازی، ملا عرب، (س یازدهم ق)، شاعر. در شیراز تحصیل کرد، سپس به اصفهان رفت و در آنجا به شاعران و بزرگان آن شهر مانند لطفعلی بگ آذر حشر و نشر داشت. پس از مدتی به هندوستان مهاجرت کرد و در همان سامان درگذشت. در سرودن شعر توانا بود.

تذکره نصرآبادی (۲۰۳)، دانشمندان ر سمن سراپان فارس (۲/ ۱۸۹)، الذریعه (۹/ ۲۱۹)، کاروان هند (۲/ ۸۷۲-۸۷۱).

عرشی اکبرآبادی، میر محمد مؤمن، فرزند میر عبدالله مشکین قلم، (وف ۱۰۹۱ ق)، حارث، خطاط و شاعر، متخلص به عرشی ملقب به نادرالعصر و مشهور به عرش‌الله. پدر وی از خوشنویسان معروف و از مشایخ نعمت‌اللهیه بود و وصفی تخلص می‌کرد. عرشی در اکبرآباد هند به دنیا آمد و همان‌جا تشو و نما یافت. سپس به چند واسطه به شاه نعمت‌الله ولی می‌رسد. عرشی از معاصران شاه جهان گورکانی بود و از سوی وی به نادرالعصر ملقب و در میان مریدان به عرش‌الله مشهور شد. داراشکوه بن شاه جهان او را به تعلیم فرزند خود، سلیمان شکوه، گماشت، اما پس از چندی وی از خدمت کناره گرفت و به گوشه‌گیری رو آورد. از آثار وی، «دیوان» شعر، منظومه «مهر و وفا»؛ «شاهد عرشی»؛ «مناقب نامه مر قسوی»؛ که بعضی تألیف این اثر اخیر را به برادرش، میر صالح کشفی هم نسبت داده‌اند. از خطوط او: یک قطعه به قلم سه دانگ جلی و نیم دو دانگ عالی، با رقم، «الفخیر لحقیر محمد مزمن الحسینی... ۱۰۷۳»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۸۲۲)، ابطاح المکتون (۱/ ۵۱۷، ۲/ ۴۰، ۳/ ۶۰۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۳۱۰-۱۳۱۶)، الذریعه (۹/ ۷۱۰)، ریحانه (۴/ ۱۲۱)، صیغ گشتن (۲۷۹-۲۸۰)، فرهنگ معجزان (۱۲۲)، منظومه‌های فارسی (۱/ ۴۲۲-۴۲۱).

عرشی تبریزی، طهماسب قلی بیگ، (س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عرشی. وی از شاعران عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) است که قصایدی در مدح میر میران سروده است. در بعضی تذکرها او را از مردم یزد نوشته‌اند، ولی در تذکره «نصرآبادی» آمده که اصالتش ترک است و دارای «دیوان» شعری قریب به ده هزار بیت.

آتشکده آذر (۱/ ۸۰-۷۹)، تذکره نصرآبادی (۲۶۶-۲۶۷)،

قویبری رسید. از جمله مریدان شبح در توبه معین ندین پروانه بود. معین‌الدین به اشاره مولانا جلال‌الدین برای شیخ خانقاهی در شهر توقات بنا نمود و عراقی در آن خانقاه به ارشاد پرداخت. وی بعد از مرگ معین‌الدین به مصر رفت، ولی در آنجا زیاد توقف نکرد و به شامات بازگشت و سیزده سال پس از وفات پروانه در دمشق درگذشت و در جبل صالحیه (قاسیون) نزدیکی مقبره محیی‌الدین عری دهن شد. از آثار وی، «دیوان» شعر شامل: قصاید، غزلیات و دیگر قالب‌های شعری؛ مثنوی «عشقنامه» یا «ده نامه»؛ بر وزن «حدیقه» ستایی؛ «المعد»

آثار حجم (۷۱)، از سغدی تا جامی (۱۷۰-۱۸۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۵۸۴-۵۶۷، ۱۱۹۶-۱۱۹۸)، تاریخ گریده (۷۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۵-۱۶۳)، تذکره میخانه (۲۷-۵۶)، حبیب السیر (۳/ ۲۵۵-۲۵۶)، دیبانه حسنجو در تصوف (۱۲۳-۱۲۹)، الذریعه (۹/ ۷۰۹-۷۱۰)، ریاض العارفين (۱۰۵-۱۰۷)، ریحانه (۲/ ۱۱۹-۱۱۷)، سیری در شعر فارسی (۳۴۶-۳۲۷)، طرائف الحقائق (۲/ ۳۱۷، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۴۱-۳۴۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷)، کشف‌الطریق (۱۵۶۳)، گنج سخن (۲/ ۱۷۵-۱۸۳)، مذهب نامه (ذیل / محراب‌الدین)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۱۰۶۰)، مجمع القصص (۲/ ۸۶۸-۸۶۹)، معجم المؤلفین (۱/ ۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۷۶-۷۴)، نفحات الانس (۵۹۹-۶۰۲)، هفت اقلیم (۲/ ۵۳۶-۵۳۹)، یادگار (س ۴، ش ۵، ص ۶۸-۵۶).

عرب‌شاه یزدی، عمادالدین، (س هشتم ق)، شاعر و صوفی. از دانشمندان و شاعران عهد آل مظفر بود و با شاه یحیی (مقتول ۷۹۵ ق)، فرزند شرف‌الدین مظفر، ارتباط داشت. عمادالدین، شاه یحیی مظفری و در پسرش را در مقدمه منظومه خود موسوم به «مونس العشاق» ستوده است. این منظومه در حدود یک هزار بیت و بر وزن «البلی و مجنون» منظمی است. عرب‌شاه یکی از رسایل شیخ اشراق درباره عشق و کیفیت حدوث و مبادی و مراحل آن به طریق رمز و اشاره را با مهارتی بسیار و در کلامی استادانه و ممتاز به نظم آورده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۱۰۵-۱۰۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۵)

جامع مفیدی (۲/ ۳۲۷-۳۲۵)، الذریعه (۹/ ۷۱۰-۷۱۱)،
ریحانه (۴/ ۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۶۲۸)
مجمع المصنف (۶۱-۶۲).

عرشی دهلوی به عرشی اکبرآبادی، میر محمد مؤمن

عرفان تهرانی، (س یاردهم ق)، شاعر اصل وی از
تهران بود. به اصفهان رفت و در آن شهر به کتاب فروشی
مشغول شد و از این طریقمرار معاش می‌کرد. عرفان در
سرودن شعر نیز دست داشت و اشعری لطیف می‌سرود
ار اوست:

تا قیامت لب خمیاره گشاید چو کمال
یک بتل هر که ترا تنگ در آغوش کشید

مذکره نصرآبادی (۴۰۹)، الذریعه (۷۱۱)، صبح گلش
(۲۸۰)، فرهنگ سخنوران (۶۲۸)

عرفان شهرستانی، میرزا عبدالله، فرزند میرزا
علاءالدین محمد، (س یاردهم ق)، شاعر، متخصص
عرفان، پدرش خواهرزاده شاه عباس صفوی بود. به
صحن (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق) او و پدر او را کور نمودند. میرزا
شهرستان رتبع اصفهان بود که از علوم رمان خود چگون
مطلق، صرف و نحو، نجوم و تاریخ سر رشته داشت
نصرآبادی گوید: "طبعش در ترتیب نظم نهایت لطیف دارد"
مذکره روز روشن (۵۳۷)، مذکره نصرآبادی (۱۴۱۳)،
الذریعه (۹۹۷/۹، ۷۱۱)، فرهنگ سخنوران (۶۲۸)
مجمع المصنف (۸۰/۱)

عرفان شیرازی، محمود، (تو ۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار
و مترجم. در شیراز به دب امتد خدمات اداری خود را در
ردگاهش شروع کرد و تا ۱۳۳۸ ق در شیراز به سر برد و
در همان سال چهار شماره از محله «حاور» منتشر کرد.
پس از آن به تهران آمد و در وزارت دادگستری به خدمت
مشغول شد و چند سالی نیز در دادگستری اصفهان کار
می‌کرد. سپس به تهران بازگشت و در ۱۳۴۱ ق روزنامه
«آسمان» را منتشر کرد. وی از اعضای عالی رتبه وزارت
دادگستری بود. از آثارش: «اطلس تاریخی اسلامی»،
ترجمه «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»،
ترجمه «حواء امروز»، ترجمه.

تاریخ جراید (۱/ ۷۲-۱۷۰، ۷۲/ ۲۲۰-۲۲۱)، زندگینامه

رحال و منامیر (۴/ ۲۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۷)،
۵۹.

عرفی شیرازی، جمال الدین محمد س رین اندین عی
بلو، (۹۹۹-۹۶۳ ق)، شاعر، متخصص به عرفی در شیراز به
دبیا آمد. در زادگهش به تحصیل علم و دانش پرداخته و
به قدر توان در موسیقی و خط نسخ مهارت بدست آورد
ز جوانی به سرودن شعر تمایل داشت، دیری نپایید که در
شیراز شهرت یافت و به محافل ادبی آن شهر، چون محفل
ادبی که در دکان طراح میبر محمود طرحی شیرازی
برگزار می‌شد، راه پیدا کرد و در آنجا با شاعرانی چون
غیرتی شیرازی، عرف لاهیجی، قیدی شیرازی، تقیای
شوشتری و تقی الدین اوحدی بلیانی آشنایی یافت. در
اون جوانی از راه دریا به هندوستان مهاجرت کرد و ب
فیضی دکنی برخورد کرد و مصاحبت وی را اختیار نمود و
سپس توسط وی با حکیم مسیح الدین ابوالفتح گیلانی آشنا
شد و در قصدهای مدح او را گفت. ابوالفتح گیلانی نیز از
راه عبدا برحیم خاندانان، سپهسالار ادب پرور
جلال الدین اکبر شاه، معرفی کرد و از آنجا در مسک
مناحان ریژه اکبر شاه در لاهور درآمد. عرفی همچنان در
لاهور به سر برد تا درگذشت. پس از چندی پیکرش را به
نحب منقل کردند. شهرت او در قصیده سازی است و آن
به چند سبب است: نخست به علت توانایی در تنج شیوه
استادان پیش از خود، دو دیگر برای آوردن سخن روان به
همراه مازک خیالی ها و همچنین برای گنجاندن اندیشه های
علمی و نکته های که از آن می توان استخراج کرد عرفی
در قالب های دیگر شعر نیز طبع آزمایی کرده، اما مهارت
او در قصیده، دیگر سروده های وی را تحت الشعاع قرار
داده است «کلیات» اشعار عرفی مشتمل بر چهارده هزار
بیت شامل قصیده و رباعی و مثنوی و قطعه است
جمال الدین خو مثنوی به نامهای «مجمع الایکار» و «فرهاد
و شیرین» و رساله ای به تشر دوباره تصرف به نام «نقیسه»
نیز نگاشته است.

ایضاح المکرم (۱/ ۵۱۸)، تاریخ ادبیات ایران به روش
(۲/ ۱۶۲-۱۶۳، ۱۶۵-۱۶۶)، تاریخ ادبیات ایران (۵/ ۱۶۵-۱۶۶)،
تاریخ بنگره های فارسی (۲/ ۷۶۹، ۸۳۳)،
تاریخ نظم و نثر (۴۱۸-۴۱۷)، تذکره میخانه (۲۱۵-۲۳۴)،
دانشمندان و سس سرایان فارس (۳/ ۶۰۶-۶۲۲)،
دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۷۲۹)، الذریعه (۹/ ۷۱۲-۷۱۴)،
ریحانه (۴/ ۱۲۴-۱۲۵)، سیری در شعر فارسی

جوامع العلم» یا «جو مع العلم»، در چهار مبحث شناخت رب و شناخت نفس و شناخت احکام و شناخت چیزهایی که انسان را از دین خارج می‌کند که در ۱۲۴۰ ق تألیف شده؛ «الموائد الحائریة فی فقه الامامیة» در شرح مبحث سوم «اصول جوامع العلم» در معرفت احکام او این کتاب «فوائد» و در ۱۲۳۷ ق و قبل اولادش کرده است. صاحب ترجمه همان است که شیخ احمد احسائی رساله «العلم» را در جواب او نوشته است.

الدریة (۱/ ۱۸۰، ۱۶/ ۲۳۲)، ریحانه (۴/ ۱۲۵).

عزت پور، (س چهاردهم ق)، روزنامه نگار، مورخ و نویسنده. وی مسدیر و صاحب امتیاز هفته نامه «نامه آر دگان» بود که از ۱۳۰۵ ش انتشار آن آغاز شد. از آثارش «آثار بزرگان در اخلاق»، «افکار صد مرد نامی»، «امیرالمؤمنین علی (ع)»، «تاریخ ملل قدیمه شرق و غرب»، «پیغمبر اسلام»، «تاریخ نو» و «انتهای حفظ» و «گلهای خوشبو».

تاریخ جراید (۴/ ۲۵۹-۲۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۸۴۷).

عزت شیرازی، خواجه باقر/ باقی، فرزند حاج معز عصار، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عزت. از نارنگان معروف بود که در ضمن تجارت به هندوستان رفت و در آنجا با بسیاری از بزرگان شعر و ادب ملاقات داشت. آزاد بلگرامی (م ۱۲۰۰ ق) می‌گوید: «دیوان عزت به خط او قریب پنج هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی موجود است».

تذکره نصرآبادی (۱۲۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۵۲۸-۵۲۶)، الدررینه (۹/ ۲۱۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۱)، کاروان هند (۲/ ۸۹۵-۸۹۱)، تنبیح الانکار (۴۹۱).

عزت قاجار، امیر سلیمان خان، فرزند محمد خان قاجار (۱۸۳-۱۲۲۰ ق)، شاعر، متخلص به عزت. متعلق به «تصاوت‌الدوله» معروف به خال اوغلی. در شیراز به دنیا آمد. وی پسر «ای آقا محمدخان قاجار بود و در به قدرت رساندن خان قاجار نقش داشت. عزت قاجار در سلطنت آقا محمد خان و فتحعلی شاه عهده دار کارهای مهم حکومتی بود و حکومت گیلان و آذربایجان را به عهده داشت. خاندان امیر سلیمانی بازماندگان او هستند لازم به

(۲۷۶-۲۷۵)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۷۵-۱۱۷۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۴۳)، فرهنگ سخنوران (۶۲۹)، کاروان هند (۲/ ۸۷۲-۸۹۰)، کشف الظنون (۱/ ۸۰۱)، گنج سخن (۲/ ۵۲۳-۵۲۲)، نعت نامه (دیس/ عربی)، مآثر رحیمی (۲/ ۲۹۳-۲۵۲)، مجمع التوحید (۱۵۰-۱۵۱)، مرآت‌الخیال (۸۱-۸۲)، مرآت‌القصاحه (۴۰۹-۴۰۷)، منظومه‌های فارسی (۲۲۵-۲۲۳)، عزتین کتب چاپی (۵/ ۶۱۰-۶۱۱)، تنبیح الانکار (۲۷۳-۲۶۸)، همت اقلیم (۱/ ۲۳۸-۲۴۶).

عربی گمانگر تبریزی، (س دهم ق)، شاعر، معروف به عرفی گمانگر وی از شاعران دربار شاه عباس صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) و مداح وی بود. از آثارش «دیوان شعر» و «مثنوی گوی و چوگان»، در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض.

ساریع نظم و نثر (۶۵۴)، تحفه سامی (۳۱۱-۳۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۲-۲۷۳)، الدررینه (۹/ ۷۱۲)، ریحانه (۲/ ۱۲۲)، صبح گلشن (۲۸۱)، فرهنگ سخنوران (۶۲۹-۶۲۸)، کاروان هند (۲/ ۱۱۹۶)، منظومه‌های فارسی (۲۲۵)، همت اقلیم (۲/ ۲۴۷-۲۴۸).

عروس الزهراء اصفهانی، ابو عبدالله محمد بن یونس بن معدان، (وف ۱۸۴ ق)، محدث و راهب. ابن مبارک او را عروس الزهراء نامید. یحیی بن سعید قطان و ابن مهدی و راستوده‌اند. وی از احداث پدری ابونعیم حافظ می‌باشد از یونس بن سعید و اعمش و اسان حدیث روایت کرد. ابن‌المهدی و قطان و ابن مبارک و شاذکونی و زهیر بن عدد و صالح بن مهران و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند نقل کرده‌اند که وی فقط از یک نانوا و یک پقال خرید نمی‌کرد و می‌گفت: «می‌ترسم که مرا بپاشند و با من دوستی گیرند و در آن صورت من از دسته آنان باشم که ز رهگذر دین زندگی کنند».

الدرج و التمدیل (ج ۴، ق ۱/ ۱۲۱)، حیل الاولیاء (۸/ ۲۲۷-۲۲۵)، سیر النبلاء (۹/ ۱۲۶-۱۲۵)، صعه‌الصوم (۲/ ۲۹۱-۲۹۲)، النجوم الزاهرة (۲/ ۱۲۹).

عرب‌نوی خراسانی، جمال‌الدین، سید حسن بن محمد باقر بن عبدالطلب علوی حسینی، (س سیزدهم ق)، عالم، از بزرگان علمای امامیه در قرن سیزدهم و از مجتهدین حائری شریف حسینی بود. از تألیفات وی «اصول».

ذکر است که صاحب «الذریعه» وفات وی را ۱۲۵۲ ق ذکر کرده است. از آثارش «دیوان» شعر می باشد.

تاریخ عمده (۱۷۷)، تذکره پیمانه (۲۹۶-۲۹۹)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۱۹۰-۱۱۹۱)، الذریعه (۹/ ۷۱۴)، سفینه المصمود (۱/ ۴۵-۴۶)، شرح حال رجال (۲/ ۱۱۸-۱۲۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳۰-۶۳۱)، مجمع الفصحا (۱/ ۸۱)، مکارم الآثار (۳/ ۶۷۶-۶۷۸)، نگارستان دارا (۳۸)

عزالدین اصفهانی، فرزند تاج الدین، (س هشتم ق)، بزرگوار، از آثار وی که در ۷۹۲ ق انجام پذیرفته، شمعان مفرعی مرصعی است که جهت امیر تیمور گورکاسی حمل آورده و نام خود را ذیل اثر یاد کرده است اسرار و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۶۱)

عزالدین شروانی، (س ششم ق)، شاعر، از بزرگان و ریاض کمال زمان خود و حاقانی شروانی (م ۵۹۵ ق) و ابوالعلائی گنجوی همعصر بود. از اشعاری که از عزالدین به جای مانده، نطف طبع و هنر شاعری وی پیداست. تذکره آذر (۱/ ۱۹۸-۱۹۷)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۲)، مجمع الفصحا (۲/ ۸۶۸)

عزالدین کاشانی، محمود بن علی، (وف ۷۳۵ ق)، دانشمند، صرف و شاعر، در علوم متداول عصر خود مخصوصاً ادبیات، فلسفه، عرفان، کلام و حدیث تسلط و تبحر داشت. در تصوف شاگرد و پیرو شیخ نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی نطنزی و شیخ ظهیرالدین عبدالرحمن بن علی بن بزغش شیرازی و باکمال الدین عبدالرزاق کاشانی همدرس و دارای مذهب شافعی و در مسلک، صوفی متشیع و معتبد و در اصول عقاید پیرو اشعریان بود. از آثار وی «مصباح الهدایه و مفتاح انکبایه»، در شرح اصول و مبانی تصوف که برگرفته از اصول و چهارچوب کتاب «عوارف المعارف» شیخ شهاب الدین سهروردی است و عمادالدین علی کرمانی آن را به نظم در آورد. از دیگر آثارش، شرح «قصیده تائیه» ابن فارض، به عربی، به نام «کشف الوجوه الغری لمعانی نظم الدر» مشهور «عشق نامه» مثنوی «عقل نامه».

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۲۶۲-۱۲۶۵)، تاریخ گریته (۶۲۲)، تذکره دور روشن (۵۴۰-۵۴۱)، الذریعه (۹/ ۷۱۶، ۷۱۸)، ریاض المارغبین (۲۲۰)، ریحانه (۴/ ۳۸)

۱۳۲-۱۳۳، طرائق الحقائق (۲/ ۳۱۳، ۳۵۰-۳۵۱)، فرهنگ سخنوران (۶۳۰)، کشف الطنون (۲۶۶، ۱۷۱)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (مقدمه/ ۱۹-۱۳، ۳۱-۳۶)، مقدمه ای بر مثنوی عرفان و تصوف (۱۳۲۵)، ۱۶۵-۲۰۴، نسمات الانس (۴۸۳-۴۸۴)، هفت نغم (۲/ ۴۴۶-۴۴۷)

عزالدین نطنزی، محمود بن عزالدین کاشانی، محمود

هرتلی خلغالی، ملا ادهم بن ادهم خجعالی

عربی تبریزی، سلطان محمد، (وف ۱۰۱۰ ق)، شاعر، از شاعران عهد صفویه بود که در تبریز به تجارت اشتغال داشت. عربی قصاید بسیاری در ستایش حضرت رسول (ص) و خاندان وی سروده است. تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۴)، الذریعه (۹/ ۷۱۷)، سخنوران آذربایجان (۵۲۲)

عزیری سجستانی، ابوبکر محمد بن عزیز، (وف ۳۳۰ ق)، مفسر و مصنف، او به کتابش «غریب القرآن» که بر اساس حروف معجم در مدت پانزده سال تصنیف کرده، مشهور است. عزیری کتابش را بر این تجاری خود و اصلاحاتی در آن نمود. ابو عبدالله بن بطه و عثمان بن احمد بن سیمان و عبدالله بن حسین سامری مفسر و مفسر این کتاب را روایت کرده اند. دارقطنی و حافظ عبدالعزیز و خطیب و ابن ماکولا اسم پدر وی را عزیز آورده اند. الاعلام (۷/ ۱۳۹-۱۴۰)، سیر النبلا، (۱۵/ ۲۱۷-۲۱۶)، النواوی بالویداد (۴/ ۹۵)

عزیز، (ز ۱۲۰۷ ق)، میناساز، هنرمند ماهر اواخر دوره زندیه بود و در ارائه گل و بوته دست شیوایی داشت. از آثار وی، جلد نغمه میسای ریایی که در زمینه سفید و آرایش گلهای مختصر و لوزی شکل، که در بین آنها گلهای خوش ترکیب و ریزی جا داده است، نهایی شده و به خط طغریایی قرمز رقم نهاده، (یا عزیز ۱۲۰۷)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۵۶)

عزیز بن محمد، (س نهم ق)، خطاط، از آثار وی، قرآن و زبیری جلد روشنی عالی، کار محمد اشرف، در نسخه

هست. از آثارش: «منارل السائرين»؛ «مقصد الاقصی»؛ «کشف الحقایق»؛ «زبدة الحقایق»؛ «مبداء و معاد»؛ «کشف الصراط»؛ «انسان کامل».

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۲۲۳-۱۲۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۱-۱۱۲)، تذکره روز روشن (۵۲۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۲۰۲۷)، دیبانه جستجو در تصوف (۱۶۰-۱۶۶)، الذریعة (۹/ ۷۱۸، ۱۸/ ۳۰، ۲۲/ ۱۱۰-۱۱۱)، ریاض المارین (۱۰۷)، ریحانه (۶/ ۱۷۲)، طبقات اعلام الشیخ (قرن ۷/ ۹۷-۹۶)، کشف الظنون (۱۸۰۵-۱۸۰۶)، مجمع الفصحا (۲/ ۸۶۹)، مجمع المؤتین (۵/ ۲۶۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۵۵-۵۵۴).

عزیزی، محسن، فرزند محمود، (نور ۱۲۸۴ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در مدرسه دارالفنون گذراند. بعد برای تکمیل تحصیلات به اروپا رفت و مدت ده سال در فرانسه در رشته‌های مختلف تحصیل کرد و موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه پاریس شد و بعد از آن دوره دانشکده ادبیات پاریس و مدرسه جغرافیایی آنجا را گذراند و رساله خود را درباره «ارضاع اجتماعی ایران در زمان اسلام» نوشت. در ۱۳۱۷ ش به ایران مراجعت کرد و ب رتبه یک دانشیاری در دانشگاه استعدام و مشغول تدریس شد. از دیگر آثارش: «تاریخ عقاید سیاسی»، از افلاطون تا مائیکول؛ «جغرافیای اقتصادی»؛ «تاریخ دیپلماسی همرمی».

کتابنامه نخستین ده انقلاب (۲۴۶)، مؤلفین کتب چاپی ۵- ۲۳۶-۲۳۷

عزیزی، نصر بن عبدالله، (مس چهارم ق)، ریاضیدان، از زندگی وی آگاهی درستی در دست نیست، جز اینکه در قرن چهارم می‌زیسته است. بنابر گفته خودش کتبی برای کتابخانه الملک المنصور، که به احتمال قوی همان عبدالدره دیلمی (۳۷۲-۳۳۸ ق) می‌شد، تألیف کرده است. وی صاحب آثار چندی در زمینه ریاضی است، از جمله: «رسالة فی ان لاشکال کنها من الدائرة»؛ «رسالة فی تفسیح الناقص»؛ «رسالة ای» در تعیین سمت ثلث، به زبان عربی، که ترجمه آن به انگلیسی در ۱۹۸۲ م به چاپ رسید.

تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۶۶-۵۶۷).

عزیزی سیفی بهری قزوینی، میر عزیزالله، (وف ۹۸۸

اول متن و حاشیه مذهب عالی و یک سرلوح مذهب، به خط ثلث کتابت خفی و رقاع کتابت چلی حوش، با رقم. ۱... عزیز بن محمد... (حدود قرن نهم).

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۱۲)

عزیز کاشانی، محمود - عزالدين کاشانی، محمود.

عزیز لاهیجی، میرزا یوسف، (س سیردهم ق)، شاعر، متخلص به عزیز. از اشراف گیلان بود. مقدمات علوم را در گیلان کسب کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و به دربار راه یافت و پیشخدمت و کتابخوان فتحعلی شاه شد و تخلص از او گرفت. بعد از فوت فتحعلی شاه، ششتر اوقات را در شیراز زندگی می‌کرد و خانه‌اش در شیراز محفل ادیبان بود. در شعر به غزلسرایی تمایل داشت. خط را نیز خوب می‌نوشت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

حدیقه الضمراء (۲/ ۱۱۹۳-۱۱۹۲)، الذریعة (۹/ ۷۱۹)، سعد الم محمود (۲/ ۶۲۵-۶۲۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳۲)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۳۸-۷۳۹)، نامه و نامدارهای گیلان (۳۳۵)، نگارستان دارا (۱۱۸).

عزیز نسفی، عزیزالدین بن محمد، (ز ۶۷۱ ق)، عرف در نسف به دنیا آمد. روزگار جوانی را در ماوراءالنهر بویژه در بخارا سپری کرد. در جوانی بیشتر اوقات خود را صرف تعلیم و تزکیه نفس نمود حتی گریختن طلب ذیر آموزش و در بخارا شروع به تصنیف و تألیف کرد، اما در بی تنه‌های پیایی و هجوم مغول به بخارا مجبور به ترک آن سامان شد و در ۶۷۱ ق، به خراسان و نواحی مرکزی ایران مهاجرت کرد. گاه در بحرآباد جوین، در کنار بقعه شیخ خرد، سعدالدین حسینی می‌ریسب و گاه در شیراز بر تربت شیخ کبیر ابو عبدالله خفیف معتکف بود و گاه در ابرق در مسجد جمعه یا در کوه ابراهیم و گاه در کرمان، او میراث قابل ملاحظه‌ای از عرفان و تصوف آبیخته به حکمت در زبان فارسی باقی گذاشته است. وی با وجود انساب به طریقه کبرویه نوعی سعه مشرب و تسامح فکری نشان می‌دهد که در بین کبرویه و سایر سلسله‌های صوفیه به ندرت دیده می‌شود. او از پیروان طریقه لحنیق علمی در مسائل مربوط به عقید و مخصوصاً مربوط به تصوف به شمار می‌آید. آثار وی که مشتمل بر نثری خطابی، ما ساد و لطیف و فری است در بعضی موارد متضمن نقل ادیبان و رباعیات عرفانه نیز

«عسل الجمعة» «المرآة»

الاعلام (۶/ ۲۰۱)، انساب سمعانی (۲/ ۱۸۹-۱۹۰)،
تاریخ بغداد (۱/ ۲۷۰)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۱۵۶)، شذرات
مذهب (۲/ ۲۸۱-۲۸۰)، طغایب الحفاظ (۳۶۲-۳۶۳)،
لمعبر (۲/ ۸۲)، معجم المؤلفین (۸/ ۲۲۶)، التواصی
بالوفیات (۲/ ۴۱)، هدیه العارفين (۲/ ۴۳).

عسجدی مروری، یونظر عبدالعزیز بن منصور، (وف
بعد از ۴۳۲ ق)، شاعر از شاعران برجسته دربار غزنویان
بود که با هنصری و غریخی و فردوسی معاشرت داشت و از
شاگردان هنصری بود عسجدی از مداحان سلطان محمود
غزنوی بود و قصیده‌ای در فتح سونبات سرود که معروف
است وی علاوه بر محمود، فرزند او را در خدمت کرده
و گویا تا ورگ بر سلطنت سعد، مودود بن مسعود
(۴۳۲-۴۴۰ ق) در قید حیات بوده است، بعضی از تذکرها
و مروری قزوینی و بعضی هروری دانسته‌اند، اشعاری از
و در تذکرها می‌آید مقدم نقل شده است.

آتشکده نور (۲/ ۶۵۹-۶۵۷)، تاریخ «بیات در ایران» (۱/
۵۷۷-۵۸۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۶)، سلوک و رور و نرس
(۵۲۴-۵۲۳)، تذکرة الشعراء (۵۲)، دایرة المعارف فارسی
(۲/ ۱۷۳۳)، الدریچه (۹/ ۷۲۰)، ریحانة (۲/ ۱۳۵-۱۳۲)،
سخن و سخنوران (۱۵۲-۱۵۳)، فرهنگ سخنوران
(۶۳۳-۶۳۴)، الکنی والالقب (۲/ ۴۶۸)، گنج معنی (۱/
۱۳۹-۱۳۹)، لیاب الالباب (۲/ ۵۳۰-۵۳۱)، لغتنامه (دیل /
عسجدی) مجمع المصنف (۲/ ۸۷۳-۸۷۴)، مؤلفین کتب
چاپی (۳/ ۸۶۸)، هفت اقلیم (۲/ ۱۱-۹).

عسکر بیگ اردوبادی، فرزند حسین بیگ، (س
سیزدهم ق)، خطاط ساکن تبریز بود از آثار وی: یک
نسخه «دره نادر»، که در ۱۲۷۴ ق در تبریز به چاپ رسیده
و به قلم کتابت خفی دو دانگ خوش نوشته است؛ بعضی
از مجلدات «ارشاد العوام»، که در ۱۲۷۱ ق به قلم کتابت
خفی دو دانگ خوش در بمبئی چاپ شده است؛ یک
نسخه «کلیات سعدی و دیوان ناصر خسرو و شمس
الحقایی» که در تبریز به چاپ رسیده است
حوال و ثار خوشنویس (۲/ ۴۳).

عسکرزده، جبار، باعجه‌بان

عسکری، ابوالاحمد حسن بن عبدالله بن سعد (۲۹۳-

ق)، شاعر، متخلص به عزیز، اصل وی از سادات حسنی
اهر بود که در قزوین به دنیا آمد، عزیزی در زمان اکبر شاه
از قزوین به هند رفت و چندی عهده‌دار شغل دیوانی بود.
در پایان کارش به حسن و شکجه احامید، و در قن میاق
و انشا مهارت داشت، علوم غریبه را می‌دانست و در شعر
استاد بود، از آثارش: «دیوان» شعر، «گل و گل» «وجه
الفتحة» «رسالة منظوم رم» «صحيفة العشاق» «شهر
آشوب»

«ایح نظم و نثر» (۴۳۰)، تحفه ساس (۵۱-۵۰)، حکر
رور و نرس (۵۲۳)، الدریچه (۹/ ۷۱۹)، صبح گلشن
(۲۸۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳۲)، کاروان هند (۲/
۸۹۷)، منظومه‌های فارسی (۲۲۶)، مینودر (۲/ ۵۲۰)،
هفت اقلیم (۳/ ۱۷۷).

عُشال صفهانی، ابوالاحمد محمد بن احمد بن
ابراهیم، (۳۲۹-۳۲۹ ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری،
معسر، فقیه و مورخ از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم
کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن
ابی حاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن مزی و ابراهیم
حلوانی و بکر بن سهل دمشقی و همچنین از شیوخ
شهرهای صفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و
حرمین و واسط و ری و حوزستان حدیث شنید، قرآن را نزد
استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد،
پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود سر
پدر خود ابوالاحمد عسل تلاوت نمود عُشال سفری به
بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت فرزندان محدثش به
نمندی: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسن
عاصر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند،
ابن عدی و ابن مردویه و ابن مده و ابن مقرئ نیز از روایان
او هستند، او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند،
خودش گفته که در قرأت قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ
داشته است، گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را در حفظ املا
کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ
املا کرد و چون به شهر خرمین سارگشت و مقابله کرد
املا خرمین را صحیح یافت ابن مده گوید که دوبار در
دنیا را گشته، اما مانند عُشال ندیده است او مدنی
عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود، از آثارش: «تفسیر
القرآن» «التاریخ» «المعروف فی السنة» «الامثال» «ممنند
الانواب» «الانواب»، در «عرب الحدیث» «احادیث
مالک» «الرفیق» «کرامات الاولیاء» «معجم الشیوخ»

عسکری، ابوالحسن عیسی بن سعید/سعد بن عبدالله. (وف ۳۰/۳۰۵/۳۱۳ ق)، حافظ و محدث سمنش به عسکر سامرا می‌رسد در ۲۹۸ ق به اصفهان و از آنجا به بشاربور رفت وی را عمرو بن علی صیرمی و محمد بن مثنی و یعقوب دورق و زبیر بن یگدر و هبطقه ندر حدیث روایت کرده است. او از محدثین بنام زمان خود بود و حافظان بزرگ زمانش همچون ابوالشیخ و ابوبکر ثباب و ابوعمر بن حمدان و ابوعمر بن مطر و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عسکری در ری مکنی گزید و همان‌جا درگذشت. به آورده «الاعلام» از «اخیار اصفهان» محل وفات وی بشاربور است. از آثارش: «الشیوخ»؛ «المسند»؛ کتاب «السراثر».

الاعلام (۵/۱۰۲)، انساب سمانی (۲/۱۹۵)، ایضاح المکنون (۲/۳۰۲)، تاریخ بشاربور (۱۸)، سیر النبلاء (۱۲/۲۶۳)، طبقات الحفاظ (۳۱۸)، العبر (۱/۳۳۸)، معجم المؤلفین (۷/۹۹)، النجوم الزاهرة (۳/۲۰۱)، مدینه العارفین (۱/۶۷۵).

عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله بن سهل بن بیهک. (وف ۳۹۵ ق)، ادیب، ثوری، نحوی و شاعر. اهل عسکر خوزستان بود. نزد دایی خویش، حسن بن عبدالله بن سنان عسکری، کسب علم کرد. از آثار وی: «الصناعین فی النظم و النثر»؛ «التفضیل بین بلاغة العرب و المعجم»؛ «جسمه الامثال»؛ «معانی الادب»؛ «تفسیر المعسکری»؛ «دیوان شعر».

الاعلام (۲/۲۱۱-۲۱۲)، احکام النبیة (۵/۱۲۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/۶۴۳)، روضات الجنات (۳/۶۰۵۷)، ریحانة (۷/۳۰۵۳-۳۰۵۴)، کشف الظنون (۱۹۹-۲۰۱، ۲۳۳، ۲۹۳، ۳۵۳، ۳۷۹، ۴۰۶، ۴۹۱، ۱۰۸۲، ۱۳۴۰، ۱۳۶۲، ۱۶۲۸، ۱۶۵۲، ۱۸۲۳، ۱۹۸۰)، نکى و الاقبا (۱/۸۲-۱۸۳)، لقسمه (دیل/حسن، عسکری)، معجم الادباء (۸/۲۶۷-۲۵۸)، معجم البلدان (۴/۱۴۰)، معجم المؤلفین (۳/۲۲۰)، مدینه العارفین (۱/۲۷۳).

عسکری، سید مرتضی بن سید محمد شیخ الاسلام ساوجی. (س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده، مشهور به علامه عسکری. در سامرا شو و نمایان و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از محضر بزرگان سامرا و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت الله حکیم در بغداد

۳۸۲ ق، مقه، لموی، بحری و ادیب در عسکر مکره از بواحی هوار به دیب آمد در آنجا شو و ریافت و سپس به بغداد منتقل شد. او سفرهایی به مصر و اصفهان و دیگر شهرها داشت. از عسکران اهوازی و احمد تستری و ابوالقاسم بقری و محمد بن جریر طبری و یوبکر بن قزید و ابراهیم مطویه و عدس بن ولد اصفهانی و هبطقه آباد روایت کرده است. بزرگان حدیث به سریش می‌آمدند تا از او کسب روایت کنند. ریاست عالیة تحدیث و املا و تدریس در شهرهای خوزستان در عصر وی بدو مستهی می‌شد. وی در عسکر و تستر و شهرهای اطراف آن نواحی اهلائی حدیث می‌کرد. ابوسعید صالحی و ابوبکر یزدی اصفهانی و ابوالحسن نسیمی و ابوالحسن محمد اهوازی و ابوعلی حسن اهوازی و ابوسعید اصفهانی حافظ و عبد الواحد باطرقانی و احمد بن محمد بن رنجویه و محمد بن منصور تستری و علی بن عمر ایدچی و ابومعید حسن بن علی تستری سقطی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برخی ابوهلال عسکری را خواهرزاده و شاگرد ابواحمد عسکری می‌دانند. در «ریاض العلماء» آمده که عسکری از مشایخ شیخ صدوق است و صاحب «عیان الشیعه» این را دلیل بر تشیع عسکری دانسته و بعلاوه شوق صاحب بن عباد را برای دیدار وی و رثاء گفتن صاحب را در ویرگ او لایقیدی بر تشیع وی آورده است. عسکری در مکتوب مختلف و فتون گوناگون مشحور بود. همگان زیبایی تألیف و تهتیف وی را ستوده‌اند. از آثارش: «تصحیفات المحدثین»؛ «الحکم و الامثال»؛ «راحة الارواح»؛ «الرواجر و المراعط»؛ «المحتلف و المختلف»؛ «التفصیل بین ملاعتی العرب و المعجم»؛ «تصحیح الوجوه و النظائر»؛ «المصون»؛ در ادب: «صناعة الشعر».

الاعلام (۲/۲۱۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱/۲۶۰)، احکام النبیة (۵/۱۲۸-۱۲۹)، انساب سمانی (۴/۱۹۳)، ایضاح المکنون (۲/۳۳۳)، الدرر (۱۲/۶۰)، روضات الجنات (۳/۶۰۵۷)، ریاض العلماء (۱/۲۰۱-۲۰۰)، سیر النبلاء (۱۶/۴۱۵-۴۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/۸۸)، العبر (۷/۱۶۱)، کشف الظنون (۲۳۳، ۲۱۱، ۲۷۵، ۳۰۱، ۳۵۳، ۳۷۹، ۴۰۶، ۴۹۱، ۱۰۸۲، ۱۳۴۰، ۱۳۶۲، ۱۶۲۸، ۱۶۵۲، ۱۸۲۳، ۱۹۸۰)، لغت نامه (دیل/حسن)، معجم الادباء (۸/۲۵۸-۲۳۳)، معجم البلدان (۴/۱۳۹-۱۴۰)، معجم المؤلفین (۳/۲۳۹-۲۳۰)، النجوم الزاهرة (۴/۱۶۶)، قوانین بالقریبات (۱۲/۷۷-۷۷)، وافیات الاعلیان (۲/۸۵-۸۳)، مدینه العارفین (۱/۲۷۳-۲۷۲).

سخنوران (۶۳۲)، کاروان هند (۲/ ۸۹۸-۸۹۹).

عشرت توپسوکامی، علی محمد، فرزند شیر محمد، (۱۲۵۷-۱۳۳۴ ق)، شاعر اهل همدان بود. تحصیلات خود را در پدر آموخت و در بیست سالگی به تهران، شیر، حرسان، صفهان و کرمانشاه سفر کرد. متدا شوقی تحصیل داشت و سه تصانیف حسینی حان سلطانی، که او را در اشعارش مستوده است، به عشرت تعبیر تحلیص داد. عشرت مقدمه‌ای منظوم بر «باز فردوس» اثر «هامی کرمانشاهی نگاشته است.

حدیقه الشعره (۲/ ۱۱۹۶-۱۱۹۷)، فرهنگ سخنوران (۶۳۴).

عشرت شیرازی، میرزا محمد شافع، فرزند میرزا احمد و قز، (۱۲۵۵-۱۳۱۸ ش)، خطاط و شاعر، متخلص به عنبر، وی منسوب به یکی از بزرگترین خاندانهای شعر و ادب شیراز (وصال شیرازی) است. در شیراز به دنیا آمد. در شش سالگی پدرش را از دست داد و از آن پس تحت سرپرستی همیش، پردانی، قرار گرفت. ادبیات فارسی و عربی و فنون شعر را به خوبی آموخت. خط نسخ را نزد پراورش همت فراگرفت و آن را به زیبایی می‌نوشت. فقهی به عتبات کرد و چندی در خدمت میرزای بزرگ شیرازی بود. در اواخر عمر در تهران اقامت کرد و سرانجام در شیراز وفات یافت. مرارش در جرار قلمه شاه داعی الله قرار دارد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

انار عجم (۳۶۳)، او سعدی تا جامی (۴۲۱-۴۲۲)، دانشمندان و سخن سراپان فارس (۳/ ۶۳۶-۶۳۹)، الدریمه (۹/ ۷۲۱)، رباعه (۶/ ۲۳۸)، فارسیه ناصری (۲/ ۱۰۲۰-۱۰۲۱)، فرهنگ سخنوران (۶۳۴)، سراج الناصح (۲۱۲-۲۱۴).

عشرت نواغانی، سید میرزا محمد مهدی، فرزند میرزا روح الله، (۱۱۸۲-۱۲۶۰/ ۱۲۷۰ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به عشرت. ملقب به ملک الکتاب، وی تحصیلات مقدماتی خود را در فراهان عراق و پیروچرد فراگرفت، سپس به تهران آمد و بر اثر معاشرت با فضلایی چون فتحعلی خان ملک الشعر، میرزا صادق رفایع نگارمروزی و محمدتقی علی آبادی، متخلص به صاحب، و بیشتر از همه کارکردن در زیر دست میرزا بزرگ قائم مقام - که عشرت پسر هم و داماد وی نیز بود - مواضع خود را

افامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به امور دیسی، اقامه جماعت و تألیف مشغول بود. چندی بار مورد حسنه و اعتراض دولت معنی عراق واقع شد، قادر ۱۳۹۱ ق اجبراً به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورید. در «تاریخ» «عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه»، به عربی؛ «احسنون» و «مائه صحابی مختلف» یا «۱۵۰ صحابی ساحتگر»، دو مجلد کتبه دانشمندان (۲/ ۶۵۹-۶۶۰).

عسکری حسینی سمنانی، سید محمد حسن، فرزند محمد، (سیردهم ق)، عالم، فقیه و محدث، معروف به میرزا عسکری، از علمای نیک و بکان صالح بود. در پی درگیری با حاکم سمنان و اخراجش از شهر، و حوایی که متحملی شاه در این زمینه دید، به دستور شاه مسجیدی بزرگ، مشهور به مسجد شاه سمنان، به جهت تکریم او ساختند و تولیت آن را به او و مرزنداناش واگذار کردند. وی دارای تألیفات چندی است، از جمله: «منهاج الماروفین و معراج العبدین»، در ادعیه، که آن را در ۱۲۴۸ ق به شاهزاده بهمن میرزای قاجار، فرزند فتحعلی شاه، تألیف کرده است؛ «میر القلوب و کاشف الکروب»، در اصول دین و مذهب و مسائل لائمه (ع)، که در ۱۲۴۹ ق تألیف خواست بهمن میرزا و به اسم فتحعلی شاه تألیف کرده است.

اعیان الشیعه (۹/ ۱۷۳)، الدریمه (۲۳/ ۱۶۷، ۲۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۲۳۳)، مؤلفین کتب جای، (۲/ ۶۳۲).

عسکری کاشانی، میر حسن بن میر حسین (ز ۱۰۲۸ ق)، شاعر، متخلص به عسکری از بزرگ زادگان کاشان بود. در جوانی به تجارت پرداخت، ابتدا به روم سفر کرد و بعد از بازگشت به هندوستان رفت و در دکن با پسری از شاعران ایرانی مباحث چون ملک قسی و ظهوری ترشیزی دمدار کرد و تمام عمر خویش را در هندوستان در ملازمت شاهان و حاکمان آن سامان به سربرد. صاحب «لکرة میخانه» او را در ۱۰۲۸ ق در اجمیر در ملازمت شاه جهان دیده و از وی «ساقی نامه»ای نقل کرده است. عسکری «دیوان» شعری داشته، در حدود سه هزار بیت.

تذکره شعری کشمیر (۲/ ۸۷۵-۸۷۷)، تذکره میخانه (۷۱۹-۷۳۱)، الدریمه (۹/ ۷۲۰، ۱۶، ۱۱)، فرهنگ

(۴۲۱)، «ارسانامه ناصری» (۲/ ۱۲۰)، فرهنگ سخنوران
(۶۱۴)، گنج شایگان (۶۶-۷۴)، المأثر والأثار (۲۰۱)،
بدگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴).

عشرت نایینی، میرزا عید، له‌حسین، (س سیزدهم ق)،
شاعر، از سادات نایین و معاصر صاحب «حدیقه لشعراء»
بوده و با وی دیداری داشته است. از اوست:
به سر رلف سیاه تو که از هجر رخت
روز من همچو سر رلف سیاه تو شب است
حدیقه لشعراء (۲/ ۱۲۰-۱۲۵).

عشرتی فروشانی اصمعه‌نی، آقا علی، فرزند
عین‌عی. (س یازدهم ق)، شاعر، معروف به ملا عشرتی
از مردم قریه ورنوسفادان اصمهان است. طبع وی خالی از
طلب نبود او معاصر میرزا محمد عده، صاحب تذکره
(نصرآبادی)، (ز ۱۰۸۳ ق) است. مدتی نزد مولانا
حسنعلی، فرزند ملا عیدالله شوشتری، تحصیل کرد و طلب
را نزد حکیم شعایی (م ۱۰۳۷ ق) فراگرفت و از ایران،
همراه آقا محمد پیشکش‌نویس، به هندوستان رفت و به
خدمت نواب میرزا رستم، فدایی صفوی، راه یافت، پس از
مدتی به وطن مراجعت کرد و در مشهد مقدس به خدمت
خاجی محمد جهان قدسی مشغول رسید و در همان شهر
درگذشت. در آثارش: «دیوانه شعر»

آتشکده آذر (۳/ ۹۶۸-۹۶۷)، تذکره روز روشن (۵۴۶)،
تذکره نصرآبادی (۳۳۸-۳۳۹)، الذریعه (۹/ ۷۲۱)، ریسه
(۲/ ۱۳۹)، صبح گلشن (۲۸۶)، کاروان خست (۲/ ۸۹۹-
۹۰۰).

عشرتی گیلانی، (س یازدهم ق)، شاعر، از شاعران
گیلان زمین است که در تحصیل حکمت تلاش فراوان کرد
و مدتی در اصمهان در مدرسه شیخ لطف‌الله به تحصیل
مشغول بود. از ایران به هندوستان رفت و به خدمت
عالیجاه محمد امین خان (م ۱۰۶۵ ق) فرزند میرجمعه،
رسید. وی در همان سامان درگذشت. عشرتی در
سخنوری مهارت داشته و اشعاری از او به جای مانده
است.

تذکره نصرآبادی (۲۰۴)، الذریعه (۹/ ۷۲۱)، کاروان خست
(۲/ ۹۰۱).

عشرتی یزدی، (و ۱۰۳۷ ق)، خطاط و شاعر،

تکمیل نمود. او در نوشتن انواع خط استاد بود و به شیوه
نرویش عیدالمجید می‌نوشت. سرعت کتابت او به قدری
بود که در هفت ساعت هرا بیت می‌نوشت. میرزا محمد
شعر هم می‌سرود، اثر وی «الذوال» شعر می‌باشد. از
وست.

در میان من و معشوق بهان رازی هست
که بیاری رمن و گنه را و نازی هست
بال بشکسته و پر بسته و تن خسته و باز
در گمانی که سرا قوت پروازی هست

حدیقه لشعراء (۲/ ۱۱۹۷-۱۱۹۹)، الذریعه (۹/ ۷۲۱)،
سینه السجود (۲/ ۴۰۶-۴۰۵)، فرهنگ سخنوران
(۶۳۵-۶۳۴)، مجمع المصنعا (۵/ ۷۲۰)، مصیبه غراب
(۱۳۰)، مکارم الآثار (۵/ ۱۶۳۵)، بدگار (س ۴، ش ۸،
ص ۲۲-۲۴).

عشرت نسایی، میرزا عبدالرحیم، فرزند میرزا مهدی،
(۱۲۶۳-۱۲۱۰ ق)، صوفی و شاعر، متخصص به عشرت،
وی در قریه ششده فسا به دنیا آمد و در شیراز به کسب
علم پرداخت گویا اندک دانش تحصیل می‌کرده و بعد از
تعبیر تحلیص داده است. از او اشعاری بجای مانده است.

حدیقه لشعراء (۲/ ۱۱۹۹-۱۲۰۱)، دانشمندان (ص ۱۱۵)،
سرایان فارس (۳/ ۶۲۲-۶۲۰)، ارسانامه ناصری (۲/ ۱۲۰)،
مکارم الآثار (۱۳۹۹-۱۳۹۸)، مؤلف الفصاحه (۴۱۶-۴۱۷)، مکارم الآثار
(۲/ ۳۸۵-۳۹۰).

عشرت قاجار، عیدالباقی میرزا، فرزند مؤیدالدوله
طهماسب میرزا، (و ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر،
متخصص به عشرت، در اندای سلطنت محمد شاه قاجار،
که پدرش حکومت همدان را داشت، به دنیا آمد. در
جوانی مقدمات علوم را فراگرفت و در ادبیات سرآمد شد.
در نزد میرزا ابوالفضل ساوچی هم تحصیل هم کرد، هم
تعلیم خط گرفت و در نستعلیق مهارت یافت. عیدالباقی
علاوه بر خوشنویسی، شعر نیز می‌سرود و اشعارش
بیشتر، قصیده و غزل و رباعی و مقطعات است. ناصرالدین
شاه وی را محترم می‌داشت و عبدالعاضل می‌نامید. او
چندی مأمور قارص بود و سپس حکومت لارستان شد و
نقوض شد. در «المأثر و الآثار» تحت عنوان عیدالعاضل
بیر ذکر وی آمده است.

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۶۶-۳۶۵)،
حدیقه لشعراء (۲/ ۱۲۰۴-۱۲۰۱)، طرائق الحقائق (۳/

عشقی کرم‌شاهی، میرزا حسن، (من سیزدهم ق)،
شاعر، متخلص به عشقی. از سادات حسینی و اصل آنها از
عراق عرب بود. عشقی با آنکه بی سواد بود، به گفته مؤلف
«حدیقه الشعراء» طبع مور و مصمون ساز خوبی داشت.
حسنت بابا نخلص می‌کرد. حسینی خلیا سلطانی به
خواهش صاحب «حدیقه الشعراء» نخلص او را به عشقی
تغییر داد و به تربیتش کوشید و اشعار او را تصحیح کرد. او
است.

ایمن شور و مستخیر که افتاده در جهنم
ز آشوب حس آن صم سرو قامت است
ای ساریان مسهار شتر را نگاه دار
ما را به گری دوست هوای اقامت است
حدیقه الشعراء (۲/ ۱۲۰۶-۱۲۰۷).

عشقی همدانی، میر محمد رضا همیرزاده عشقی.

عصار آشفته، عمادالدین، فرزند سید محمد
(۱۲۷۶-۱۳۳۵ ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده در تهران به
دکما آمد. برای ادامه تحصیل به اروپا سفر کرد، اما پس از
بیماری از این کار منصرف شده و تنها به یادگیری علم
مینیچیم پرداخت. بعد از بازگشت به ایران به شوق
آموزش هیپنوسم به هندوستان سفر کرد. در زمانی که
پدرش، به خواصان تبعید شد، او نیز مدت پنج سال در
مشهد نزد پدر زندگی کرد و در ۱۲۰۸ ش امتیاز هفته‌نامه
«آشفته» را گرفت. عصار در کارهای فکاهی راضع اصم
می‌کرد که عکس عصار است. از او تألیفاتی نیز باقی مانده
که عبارتند از: «اسرار حقه بازی»، «اشباهات خنده آور»،
«ندشه یک مفر پرک»، «باشرفها»، «راهمای بیگان»،
«عدالت بشر»، «درام»، «محاكمة ارواح متعین در آن دنیا»،
«محاكمة تبهکاران جنگ آلمان»، «محاكمة عشق و جنون و
شهوت»، «ولده آقا مصطفی».

تاریخ عواید (۱/ ۱۷۷)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۴/ ۳۲۷)، مؤلف کتب چاپی (۴/ ۹۱۸-۹۱۹).

عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (وف
۷۸۳/۷۹۲ ق)، دانشمند، شاعر و نحوی، متخلص به
محمد. در تبریز به دنیا آمده در علوم ریاضی، فلکیات،
رمل و اسطرلاب متبحر و با تصوف آشنا بود. سلطان اویس
جلایر را مدح می‌گفت. بیشتر در انزوا و خلوت می‌زیست
و به شاعری می‌پرداخت و در شعر به صنعت (عراق توجه

متخلص به عشرتی از سادات و بزرگان یرد و از شاعران
عهد صفویه بود. در عهد محمد قلی قطشاه به گندکده
رفت و مورد توجه میر محمد مؤمن استرآبادی قرار گرفت
وی در حسن خط، بویژه نستعلیق، مشهور بود و شعر نیز
می‌سرود. او دارای «دیوان» شعر است و برخی از
اشعارش در تذکرها نقل شده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۳۰)، تاریخ نظم و شعر
(۴۷۰)، تذکره سخنوران یرد (۲۱۸-۲۱۹)، جامع مفیدی
(۳/ ۴۶۸)، الدرر (۹/ ۷۲۲)، صبیح گلشن (۲۸۶)،
فرهنگ سخنوران (۶۲۵)، کاروان هند (۲/ ۹۱۶).

عشقی، محمد. (۱۲۸۵-۱۳۶۶ ش)، مازنده ساز. در
تهران به دنیا آمد. وی از سازندگان معروف سه تار و شاگرد
سید جلال بود. عشقی در جوانی به درودگری پرداخت و
چون از صدای کمانچه لذت می‌برد، ساختن آن را بدون
استاد شروع کرد، سپس نزد سید جلال رفت و هفت سال
از او تعلیم گرفت. پس از درگذشت استاد، هفت سال هم
در کارگاه آقا ضیاء به ساختن تار اشتغال جست و ویول و
سه تار نیز می‌ساخت. سپس خود کارگاهی دایر نمود و به
ساختن سازهای گوناگون مشغول شد. سه تارهای ساخته
او بین اهل فن معروف است.

تاریخ موسیقی (۲/ ۶۹۸)، سرگذشت موسیقی (۲/ ۱۶۳)،
مردان موسیقی (۳/ ۳۹۳-۳۹۵).

عشقی خوانی، (من دهم ق)، شاعر. از مردم حراب
حراسان بود، که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در
آن سامان به شاعری پرداخت و در شعر معارض ابوالفضل
فیضی، ملک‌اشعری خریار اکبرشاه بود. وی در اعتراض
به فیضی قصیده مستی سروده و در انتها اکبر شاه
(۹۶۳-۱۰۱۴ ق) را مدح گفته است از وی «دیوان» شعری
به جای مانده است. عشقی ریاضیات شهرآشوبی نیز دارد.
فرهنگ سخنوران (۶۲۶)، کاروان هند (۲/ ۹۰۲-۹۰۳).

عشقی کاشانی، عزیزالدین محمود. (وف ۹۶۰/۹۶۵
ق)، شاعر، متخلص به عشقی. وی در سنین بالا به تحصیل
پرداخت و از شاگردان میر مقول ثقی بود و در کاشان
می‌زیست. در ابتدا همنی نخلص می‌کرد.

تاریخ نظم و شعر (۲۷۰)، تحفه سامی (۲۸۵-۲۸۴)، تذکره
روز روشن (۵۴۸)، الدرر (۹/ ۷۲۲)، فرهنگ سخنوران
(۶۳۶، ۶۱۲).

۱۳۴۰ ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او ب کهنوت س و از دست دادن یکی چشم و کمی دید چشم دیگر، غالباً به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایران صحن مصوی دفن شد. از آثار وی «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ نصاری؛ حاشیه «القواعد الکلیة (الاصولیة و الفرعیة)» شهید اول؛ حاشیه «کشف الریبه فی احکام العیة» شهید ثانی؛ «مفاهیم الرسویة»، فقه استدلالی؛ در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف التوائد» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التماسیر» در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قسمتی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح یادکوبه ای است؛ «رسالة رجاییه»، «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛ «الحجج الرصویة فی تأیید الهدیة المهدویة و الرد علی النابیة»، به فارسی؛ «المواهب الرصویة فی رفع الشبهات المستولة و المنسوبة»، در ثبوت خصاصه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بایان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب انسلوک للرعیة و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «الشفعة المهدیة»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در ۱۳۹۰ ق در مدینه تألیف کرد؛ «اسان العیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان خواجه حافظ»؛ «طسان الغیب»؛ «نایح العیب»؛ «دیوان عصار»؛ منظومه «خیر لرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».

لأعلام (۷/ ۳۱۲)، اعیان الشیخ (۱۰/ ۵۵)، الذریعه (۱/ ۲۰، ۲۷۷-۲۷۶، ۳/ ۱۸۲، ۴/ ۵۶۸، ۵/ ۴۸۵، ۶/ ۱۷۳، ۱۸۶، ۹/ ۷۲۲، ۱۰/ ۵۰۰، ۱۱/ ۶۲۰، ۱۲/ ۱۲۳، ۱۳/ ۱۱۵، ۱۴/ ۲۳۹، ۱۵/ ۲۲)، رجحانه (۲/ ۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۳۹۸)، مکرم الأثر (۵/ ۱۷۶۵-۱۷۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۵۹۸-۵۹۶).

عصام الدین سمرقندی - ابن عربشاه اسفراهنی، عصام الدین ابراهیم.

عصری دامغانی، حضور (م. یزد هم ق)، شاعر، از شاعران دانشمند بود که در جوانی در زمان جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) رهسپار هندوستان شد. وی پس از دو سال به کشمیر رفته و ملازم صفدرخان گردید. شماری از وی در تذکرها نقل شده است.

تذکره شمیرای کشمیر (۲/ ۷۸۹-۸۸۰)، تذکره میخانه

حاصر داشت. از آثار وی «مثنوی مهر و مشتری»، که در بعضی از تذکرها به اشتباه نام آن را «سهر و ماه» بیان کرده اند، و در «رجحانه» از هر دو نام برده شده است، رساله «الو فی فی تعدد القوافی»؛ «دیوان» شعر.

آتشکده (۱/ ۱۳۱-۱۳۲)، بهارستان (۱۱۶-۱۱۷)، تاریخ نظم و سحر (۲۰۳)، دانشمندان افریاجان (۲۷۵-۲۷۶)، الذریعه (۹/ ۷۲۲، ۱۰/ ۱۰۰، ۱۱/ ۳۱۴، ۱۲/ ۳۱۵، ۱۳/ ۲۵)، روضات الجنان (۱/ ۳۶۳-۳۶۶)، رجحانه (۲/ ۱۲۰-۱۲۹)، سخنوران افریاجان (۵۳۲-۵۳۳)، صبح گشن (۲۸۶-۲۸۷)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، لغت نامه (دیل / عصار)، مجالس المجالس (۲۵۳)، عهد انظم (۲/ ۲۲۹-۲۲۷).

عصار لواسانی، سید کاظم بن محمد بن محمود حسینی. (ت. ۱۳۰۱/ ۱۳۰۵ ق)، عالم و مدرس. در کلمین به دنیا آمد. در حالی که یک سال داشت، پدرش او را به تهران آورد وی مقدمات و ادبیات را در تهران گذراند و در ۱۳۲۳ ق به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل فلسفه مشغول شد. بعد از مدتی به تهران بازگشت و نزد اساتید این شهر فلسفه و عرفان و فقه آموخت. در ۱۳۳۰ ق به عتبات رفت و پس از بهره گیری از عالمان آنجا به دریافت اجازه نایل گردید. در ۱۳۴۰ ق مجدداً به تهران بازگشت و به تدریس فلسفه در مدرسه عالی سهپالار (شهید مطهری فعلی) مشغول شد. عصار در نزد پدرش و شریعت اصفهانی و میرزا محمد تقی شرازی و آقا ضیاء عراقی تعلیم نموده است. وی مدتی در اروپا به سربرد و به زبان فرانسه تسلط داشت. از آثار وی: «تفسیر سرور حید»؛ کتاب درسی «علم الحدیث».

گلزار مسمانی (۶۰-۴۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۳۱-۳۰).

عصار لواسانی، سید محمد بن محمود حسینی تهرانی. (۱۲۶۴-۱۳۵۵/ ۱۳۵۶ ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخصص به عصار. در ابتدا آشنایته تخلص می کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او ناظم بود. قبل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه در تهران، در ۱۲۸۹ ق، به عراق رفت و از آنجا سفری به مکه نمود و در بارگشت، در ۱۲۹۶ ق، به سامرا مهاجرت کرد و تا ۱۳۰۱ ق در آنجا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در

(۹۱۳)، کاروان هند (۲/ ۹۰۲-۹۰۳)

عصمت بخاری، خواجه فخرالدین عصمت‌الله پس خواجه مسعود، (وف ۸۲۹/۸۴۰ ق)، شاعر، متخلص به عصمت از دانشمندان و شاعران اوایل عهد تیموری است. نسب وی به جعفر بن ابی طالب می‌رسید و اجدادش در بخارا شهرت و حرمت داشتند و مورد توجه ملوک آن دیار بودند. خود نیز در این شهر به دسا آمد و تحصیلات علمی خود را آنجا به پایان رسانید و در بیشتر علوم عصر خود سرآمد بود. در مجلس درس وی خواص و طالبان علم حضور داشتند، مثل: سراج‌الدین بساطی سمرفندی، خیالی بخاری، خواجه رستم خوریانی و طاهر ایبودی. از آثارش: «دیوان شعر».

تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۲۸۶-۲۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۶)، تذکره رور ورتسن (۵۵۰-۵۵۱)، تذکره اشعرا (۲۰۸۳۹۸)، حبیب‌السیر (۳/ ۵۵۰)، دایره‌المعارف فارسی (۲/ ۱۷۲۰)، الذریعه (۹/ ۷۲۶-۱۲۰۰)، ورجانه (۲/ ۱۷۰)، فرهنگ سخنران (۶۲۸)، لغت‌نامه (ریل/ عصمت)، مجالس العارفین (۱۲)، مرآة الخیال (۱/ ۸۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۶۷-۶۸)، امت‌الاسلام (۳/ ۴۳۳-۴۳۴).

عصمت خورفی - عصمت سمرفندی

عصمت سمرفندی، (س دهیم ق)، شاعر. وی در سمرفند می‌زیست و پدرش در آن سامان منصب قضاوت داشت. در برخی تذکرها او با عنوان بی‌بی هممتی یا هممتی سمرفندی یا هممت سمرفندی به عظمت سمرفندی و یا حاکمی خورافی یاد کرده‌اند. از اشعار چندی که از وی نامانده، لطف طبع وی آشکار است.

الذریعه ت پروین (۱۷۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۹)، حلیة الشریع (۳/ ۲۱۸۰)، الذریعه (۹/ ۷۲۶-۷۳۰)، (۷۳۱)، ریحانه (۴/ ۱۴۲)، رنک سمور (۱/ ۳۲۸)، صبح گلشن (۷۸۸)، فرهنگ سخنران (۶۳۸)، مشاهیر رنات (۱۶۵).

عبدالدوله، سلطان احمد میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۳۴-۱۳۱۹ ق)، مورخ معروف به موجول میرزا و ملقب به عضدالدوله پس از طی تحصیلات اولیه، در عهد پادشاهی پدر، حکومت کاشان به پیشکاری علی

محمدحاج نظام‌الدوله به وی تفویض شد. از ۱۲۷۰ ق در زمان پادشاهی پدرش به حکومت شهرهای محلی رسید. مدتی نیز بولیت آستان مقدس قدس رضوی پا او بود. اثر وی «تاریخ عضدی» است، در شرح زندگی خصوصی فتحعلی‌شاه که در هندوستان و ایران چاپ شده است. لازم به ذکر است که آقای دکتر نوایی، در کتاب «تاریخ عضدی»، سال تولد وی را ۱۲۳۹ ق ذکر کرده است.

تاریخ عضدی (۲۲۲-۲۲۴)، الذریعه (۳/ ۲۶۵)، شرح حال رجال (۲/ ۷۳-۷۴)، فرهنگ رجال قاجار (۱۲۲)، لغت نامه (ریل/ عضدالدوله)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۲۵-۲۲۶).

عصدی، علی اصغر، (س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج اصفهان به پایان رساند و به روزنامه‌نگاری پرداخت و برای بیشتر روزنامه‌های اصفهان مقاله تهیه می‌کرد. در ۱۳۲۸ ش به شیراز رفت و امتیاز روزنامه «عصدا» را گرفت. این روزنامه به‌طور هفتگی انتشار می‌یافت. از آثار وی: «جملات جنس لطیف» - حق گرفتگی است.

سهرت‌کنایه‌های چاپی فارسی (۱/ ۱۰۵۲-۱۰۵۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۷۰-۱۱۸۳).

عطاء حسین سمیمی - ادیب‌السنطه سمیمی، حسین

عطاء خراسانی، ابوایوب عطاء بن ابی‌محم (۱۳۵۰ ق)، مفسر، محدث و واضع. اصل وی از خراسان بود اما در دمشق و بیت المقدس زندگی می‌کرد. از بن عباس و ابوهریزه و ابودرداء و انس و معاذ بن جبل به طریق ارباب روایت کرده است. او از بن جریر و بسیاری از تابعین چون سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و عروه و عطاء بن ابی رباح و نافع و حکمره حدیث شنید. معمر و شعبه و سفیان و مالک و حماد بن سلمه و حتی شیعش، عطاء بن ابی رباح، نیز در وی روایت کرده‌اند. گفته‌اند که وی در حدیث مردی مورد اعتماد بود، اما بخاری و حقیقی و ابن حبان او را از جمله ضعیفان محدثین ذکر کرده‌اند. در بحث درگذشت و در بیت المقدس دفن شد. از آثار وی: «الناسخ و المنسوخ» که بخشی از آن باقی مانده است؛ «التعسیر» که تنها چند برگ از آن بر جای مانده است.

تاریخ بغداد (۱/ ۴۱۷)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۳۲۹-۳۳۸)،
شذرات الذهب (۳/ ۳۲۵)، القمیر (۲/ ۳۲۰)، النجوم
الزاهرة (۵/ ۹۸)، الوافی بالوفیات (۱۱/ ۳۵۵)

عطار بخاری، علاءالدین محمد بن محمد، (وف ۸۰۲ ق)
(ق)، صوفی. معروف به علاءالدین عطار اصل وی از
حوارزم بود. در بخارا تولد یافت و از کودکی در حلقة
اصحاب بهاءالدین نقشبند درآمد و سپس از خلفای او شد.
در بخارا درگذشت. اشعاری از وی بجا مانده است
تاریخ نظم و نثر (۷۶۷)، حبیب السیر (۳/ ۵۲۴)،
شعاب عین الحیات (/ ۱۵۸-۱۳۹)، نفحات الانس
(۳۹۴-۳۹۶).

عطار سوادکوهی، میرزا عباس، فرزند مرتضی قلی
خان، (س سیزدهم ق)، شاعر. ساکن تبریز و در سمره
منشیان دیوان برد او قسمتی از نامه‌ها را یا مقدیری از
اشعار خود که در حواشی آن نوشته به چاپ رسانید.
حدیقه السمره (۲/ ۱۲۰۷-۱۲۰۸)، شعری مبارکدان و
کرکان (۱۸۵).

عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین ابوحامد محمد،
فرید ابراهیم، (تو ۵۱۲ هـ، ۵۴۰ ق، ۶۱۶-۶۲۷ ق)، صوفی و
شاعر، متخصص به عطار. وی از پیشروان جلال‌الدین
مولوی در نظم مشوی عرفانی است. در گذن از آبادیهای
قدیم نیشابور به دنیا آمد، سپس به نیشابور رفت. او مانند
پدر خود، عطار بوده است. درباره سبب علاقه او به فقر و
تصرف مضایق فقر کرده‌اند که اساس درستی ندارد.
اتساب، و به طریقه گبرویه محل تردید است. شیخ عطار
در مدارج سبک از معنویت شیخ ابرسمیک ابوالخیر بهره
جسته بود عطار گذشته از طب و ادویه، در حکمت و
نجوم و ادب و علوم دینی نیز بصیر بوده، ولی بیشتر به
عرفان نظر داشته است. در سفرها و ملاقاتهایی که داشت
به خدمت مجدالدین بغدادی تیر رسید. مولانا او را قدرة
عشاق دانسته، او را بمنزله روی و سانی را چون چشم او
معرفی کرده است. اکابر او را شیخ الاولیا و متأخرین عرفا
وی را سلیمان ثانی خواندند. درباره نحره وفات او مشهور
آن است که در نیشابور به دست مغولان کشته شده است.
تاریخ‌های متعددی برای وفاتش ذکر کرده‌اند که محل
تردید است. مزار عطار در شهر نیشابور، نزدیک مزار عمر
حیام، از قدیم مورد توجه بوده است و در قرن نهم و

الناریخ الکبیر (۱۶/ ۴۷۴-۴۷۵)، تهذیب التهذیب (۷/ ۱۸۶-۱۸۷)، الجرح و التصدیق (ج ۲ ق ۱/ ۳۳۵-۳۳۴)،
سیرالنبلاء (۶/ ۱۴۰-۱۴۳)، شذرات الذهب (۱/ ۱۹۲-
۱۹۳)، طعانت ابن سعد (۷/ ۲۶۱)، المعبر (۱/ ۱۴۰)،
کشف الظنون (۲۵۲)، معجم‌المؤتمین (۶/ ۲۸۳).

عطایی، منصور، (تو ۱۲۸۳ ش)، استاد دانشگاه و
نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از مدرسه کشاورزی کرج
فارغ التحصیل شد و به فرانسه رفت و در رشته کشاورزی
به تحصیل پرداخت و پس از بازگشت به ایران، به تدریس
در دانشکده کشاورزی معمول شد. وی مدتی ریاست
مؤسسه اصلاح نباتات و دانشکده کشاورزی کرج را نیز
عهد دار بود. اثر وی: «زراعت»، در دو مجلد

دهرت کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۸۳۰)، مؤلفین کتب
چاپی (۶/ ۲۹۷)

عطار، زین‌الدین عمی، فرزند حسین انصاری، (ز ۷۷۰
ق)، طبیب. در شیراز به دنیا آمد. پس از فراگیری طب در
بیمارستان مظفری شیراز به مداوی بیماران پرداخت. آثار
آثار معروف وی در این رشته کتاب «اختصارات بدعی»، «فد
مفردات طب است که در ۷۶۷ ق به نام عصمت‌الدین بدیع
الجمال، همسر امیر مبارالدین محمد و مادر سلطان
بایزید مظفری، تألیف کرده و در ۷۷۰ ق روایت دومی از
آن نوشته است. در «الدررسمه» نام وی علی بن حسین
انصاری، معروف به حاج رین‌المابدین عطار، ذکر شده
ست.

تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۷۰۶)، الذریعه (۱/ ۳۶۸)

عطار اصفهانی، ابوبکر محمد بن ابراهیم بن
علی، (وف ۴۶۶ ق)، حافظ، محدث و رجالی وی نویسنده
ابونعیم حافظ بود. در طب حدیث سفرها نمود و از
ابوهریر هاشمی و علی بن قاسم نجاد در بصره، و از
ابوالقاسم حریری و ابوعلی بن شاذان در بغداد، و از ابوبکر
بن مردویه و ابوسعید محمد بن علی بن عمرو نقاش و
همطه آنها در اصفهان حدیث شنید. سعید بن ابی رجا و
حسین خلال و فاطمه بنت محمد بن بغدادی و اسماعیل
بن علی حمّامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند
سمعی گریه که او حافظ حدیث و در نزد اهل شهرش
عظیم‌الشان بود و مجالس املائی حدیث برقرار می‌کرد
دقیق‌گریه او را حفاظی بود که ر حفظ املاء می‌کرد.

مصطفی بن شعبان (متول ۷۲۷ ق)، شاعر. از شاعران مشهور بود که از او چندین مثنوی به جای مانده است، از جمله: «مفتاح الفصح»؛ «ترجمة الاحادیث» که ترجمه منظومی از احادیث نبوی است؛ «کنز الحقائق»؛ «کنز الاسرار»

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۱۲۵-۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۹، ۲۱۸)

عطار طوسی، معجدالدین ابومصنوع محمد بن اسعد بن محمد بن حسین. (۴۸۶-۵۷۲/۵۷۲ ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به خفنده. اصیش از علوم بود. در نیشابور درآمد. از ابوکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد عزلی در طوس و از محیی السنة ابو محمد حسین بن مسعود بغوی در مرورود فقه آموخت. در بعضی در کتابش «معالم التریل» و «شرح السنة» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان الدین عبدالعزیز بن ماره حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا مجلس وعظ آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در سنه ۵۴۸ ق به هرق و از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علی حسن وعظش همه برگرد او جمع شدند ابوسعد سمعانی گوید او فقیه و واعظ و فصیح بود و از عبدالغفار شیرازی و حافظ ابی القتیان روایی و ناصر بن احمد عیاضی حدیث شنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشتم ابوالاحمد بن سکینه و ابن لایحضر و شمس الدین عبدالغفور بن بدل تمریزی بروزی و ابوالموهب بن صصری و قاصی بهاء الدین یوسف بن شداد و ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی از وی حدیث شنیده اند. وی در تریر درگذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به خط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «احرر مسائل» در فقه و تصوف، که در جواب سؤالات یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.

الاعلام (۶/ ۲۵۶)، سیرالنبلاء (۲۰/ ۵۴۰-۵۲۹)، شذرات الذهب (۴/ ۲۴۰)، المعبر (۳/ ۶۱)، معجم المؤلفین (۹/ ۵۰)، النجوم الزاهرة (۶/ ۷۱)، الراسی بالویات (۲/ ۲۰۲-۲۰۳)، و غیره (۴/ ۲۳۸، ۲۳۹)

عظامک جوینی، علاءالدین ابوالمنظر عظامک بن بهاء الدین محمد بن شمس الدین محمد. (۶۲۳-۶۸۳ ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب

توسط امیر حلشیر نوایی تجدید بنا شده است. وی دارای آثار متعددی است و در تعداد آنها نیز روایات تذکره نویسان سالمه آمیز است. از ۴۵ تا ۱۹۰ کتاب به او نسبت داده اند. قاضی نورالله شوشتری ۱۱۴ کتاب و رساله به او منسوب می داند. از آثار او: «الهی نامه»؛ «اسرارنامه»؛ «المستطی الطیر»؛ «مسیبیت»؛ «تذکره الاولیاء»؛ «مختارنامه»

تشکله ادبی (۲۱/ ۷۰۵-۶۹۵)، باکاروان حبه (۲۰۵/ ۲۲۳) تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۸۵۸-۸۷۱)، تاریخ گزیده (۷۴۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۳/ ۱۱۵)، تذکره الاولیاء، مقدمه، تذکره روز روشن (۵۵۲-۵۵۳)، تذکره الشعراء (۲۰۷-۲۱۳)، جستجو در آثار و احوال عطار، جستجو در تصوف (۲۵۸-۲۷۱)، الدرریمه (۳/ ۲۰۰، ۹/ ۷۲۹-۷۳۰)، ریحانه (۳/ ۱۶۵-۱۶۰)، سبک ناسی (۱/ ۲۵۸-۳۶۸)، شرح احوال و آثار عطار، طبقات اعلام الشیعه قرن ۷/ ۱۲۷-۱۲۸)، طرائق الحقائق (۲/ ۶۳۷)، فرهنگ سموران (۶۴۰)، کشف الظنون (۳۸۵، ۱۷۱۲، ۱۸۶۴)، فکمی والکتاب (۲/ ۴۷۲-۴۷۳)، گنج حسن (۲/ ۱۰۸)، دیب الالیاب (۲/ ۳۳۹-۳۳۷)، لذت نامه (پیش/ عطاری)، میانی عرفان و احوال عارفان (۴۶۶/ ۴۶)، مجالس القنادس (۲۰۷)، مختار نامه (یازده شصت و چهار)، معجم المؤلفین (۸/ ۲۰۹)، مؤلفین کتب جایی (۵/ ۲۵۷-۲۵۱)، صفحات الانس (۵۹۸-۵۹۶)، هدیة الاحیاء (۱۹۹-۲۰۰)، همت انبلیم (۲/ ۲۲۶-۲۲۰)، پادشاهی قزوینی (۶/ ۴۲).

عطار همدانی، ابوالعلاء. همدانی، ابوالعلاء حسن بن احمد.

عطار همدانی، ابوالکرم علی بن عبدالکرم بن ابوالعلاء عباسی. (ز ۵۸۵ ق)، محدث و مستند. مسند همدان بود. وی در ۵۸۵ ق در همدان از ابرعالب احمد بن محمد عدل و از قید بن عبدالرحمن شعرانی و گروهی دیگر حدیث روایت کرد. علی بن اسفهلار (= مسهلار) رازی و شمس الدین محمد بن عبدالواحد مقدسی بخاری و حافظ عبدالقادر رهاوی و جماعتی دیگر ز وی حدیث روایت کرده اند. سیرالنبلاء (۲۱/ ۱۰).

عطار همدانی، زین الدین محمد بن ابراهیم بن

قدیم تر ۴۹۱ ق را سال مرگ وی ذکر کرده‌اند. رازی در دو زبان عربی و فارسی درای «دیوان» مشهور است. از دیگر آثار معروف او «بررونامه»، «بیژن نامه»، «دیوان» ناکوک.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۴۸۳-۲۷۷)، تاریخ نظم و نثر

(۴۳)، الذریعه (۹/ ۷۲۷، ۱۱۶۴)، فرهنگ سخنوران

(۶۳۹)، لیب‌الایاب (۱/ ۷۵۷۲)، مجمع‌الصفا (۲/

۸۷۶-۸۷۳).

عطایی، جهرودی شیرازی، ملا حیدر، (مس‌یازدهم ق)، خطاط و شاعر. از مردم چهرود فارس بود. او ایران به هندوستان رفت و در آنجا به مس‌هنگری و روزگار می‌گذرانید. عطایی خط نستعلیق و خوش می‌نوشت و مدت بیست سال به کثافت روزگار می‌گذرانید. او در برهاسپور ملازمت خان حاکم عبدالرحیم خان (۹۶۴-۱۰۳۶ ق) را اختیار کرد و به مدح او پرداخت. «فرهنگ سخنوران» صاحب عنوان را تحت عطایی جهرودی آورده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۷۲-۱۷۳)، کاروان هند

(۲/ ۹۰۵-۹۰۶)، مآثر رحیمی (۴/ ۱۵۲۵، ۱۵۲۷)

عطری کاتب، محمد، (مس‌دهم و یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، یا رقم. «کتابه الفقیر الحفیر المندب محمد الشهیر بعطری الکاتب، غفر دویه و مسر عیوده». حوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۷۸۷).

عظامی، سید علی قشایی، فرزند سید حسن (تو ۱۲۷۵ ش)، شاعر، متخلص به عظامی. عظامی بعد از آنکه علوم مقدماتی را فراگرفت نزد استاد محمد علی ناصح و سید منصور دستغیب شیرازی به تکمیل معلومات ادبی و فتون شعری پرداخت. او شعر و شاعری را از دوران کودکی آغاز کرد و بر اثر مطالعه دواوین بزرگان شعر و ادب و بهره‌وری از محضر ادبا به رشد و کمال رسید. آثارش در باره‌ای از محله‌ها به چاپ رسیده است. از او است:

هوای دوست گریز سر نباشد

تسهال زندگی را بر لب باشد

چنان در نرد عشقت یکه بارم

که حشم چرخ باز یگر نباشد

سخنران نامی معسر (۲/ ۲۵۱۳-۲۵۱۵).

دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیرارغون آقا، حکمران خراسان، پیوست و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و در ایس سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در ۶۵۴ ق که هولاکو خان مغول به خراسان آمد، عظامی به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه عباسی در بغداد همراه او بود. پس از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعادت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در ازل با معاد درگذشت و پیکر او را به تبریز بردند و در آنجا به خاک سپردند. از مآثر وی: کشیدن نهری از فرات به جنوب فری نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشاه» در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغرلی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلية الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلية الاخوان»؛ «دیوان» شعر.

آب‌کده‌آذر (۲۸۸-۲۸۶) از سده‌های ۵ و ۶، ۳۵۲۷.

۹۲۹۰، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۲۰۹-۱۲۱۰)

تاریخ جهان‌گشای جوینی (۱/ ۱ یا ۲-قه)، تاریخ معول

(۴۸۶-۳۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۹۴، ۱۲۶)، حبیب‌السیر

(۳/ صفحات متعدد)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۷۲۳)،

دستورالوراء (۲۹۵-۲۶۷)، الذریعه (۳/ ۱۲۴۸-۱۲۴۷/ ۱۵

۳۰۰، ۷۲۸/ ۹)، دیخانه (۱/ ۴۴۲)، سبک‌شناسی (۲/

۵۱-۵۲، ۱۰۰)، طبقات اعلام الشيعة، قرن ۷/ ۹۸-۹۷،

گنج و گنجینه (۳۲۶-۳۵۴)، است‌نامه (دبل/ عظامی

جوینی)، مجمع‌الصفا (۲/ ۸۷۷)، مؤلفین کتب چاپی

(۲/ ۷۷-۷۵)، هدیه‌نمازین (۱/ ۶۶۵).

عطای ناکوک رازی، خواججه عمید ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب، (مس‌پنجم ق)، شاعر معروف به عمید عطاء، عطاء یعقوب و ناکوک. معاصر سلطان ابراهیم غزنوی (۴۵۱-۴۹۲ ق) بود و در دستگاه غزنویان مقامات عالی داشت. سلطان ابراهیم بر اثر ورنجش که از او بی‌افه بود وی را از مشاعلی که داشت برکنار کرد و به هند فرستاد، او بیش از هشت سال در لاهور زندانی بود. در برخی منابع سال وفات وی ۴۷۱ ق ذکر شده است و منابع

ناصری» و صاحب «از رابعه تا پروین»، تولد وی را به اشتباه ۱۲۹۲ ق ذکر کرده‌اند. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد. از او تا رزمین (۱۶۹، ۱۷۲) حدیقه‌الشعراء (۳/ ۲۱۸۵-۲۱۸۲) دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۶۴۶-۶۴۷)، الذریعه (۹/ ۷۳۱)، طرائف الحقائق (۳/ ۲۲۵)، فارستاه ناصری (۲/ ۱۰۶۳-۱۰۶۴)، فرهنگ سخوران (۶۴۲)، مشاهیر رمان (۱۶۶-۱۶۷)، مصدیه حریف (۲۹)

عفی اسفراہی، (س بهم ق)، شاعر تذکرها او را از حالی اسفراہی و برخی نیز از اهالی سمرقند دانسته‌اند. در بعضی از تذکرها نام او عقی ذکر شده و در پاره‌ای از آنها هر دو نام آمده است. عقی از شاگردان یا خدمتکاران شیخ آدری (م ۸۶۶ ق) بوده و به نوشته تذکره «رور روش» وی «دیوان» شعری داشته که به غارت رفته است از اوست

قامت سرو که در آب نمودار شد،
کرده دصوی به قد یار و نگرسار شده

از رابعه تا پروین (۱۷۲)، تذکره رور روش (۵۵۵)
حدیقه‌الشعراء (۳/ ۲۱۸۵-۲۱۸۶)، الذریعه (۹/ ۷۳۱)
(۷۳۲)، دیحانه (۴/ ۱۵۰-۱۵۱)، رمان سخور (۱/ ۳۳۸)،
فرهنگ سخوران (۶۴۲)، مشاهیر رمان (۱۶۷-۱۶۸).

حقیقه اصفهانی - دارقاییه اصفهانی.

عقاب شوشتری خراسانی، شهاب الدین عباد الله بن محمود بن سعید، (شهادت ۹۹۷ ق)، عالم، متکلم و فقیه مامی. معروف به شهید لک. از علمای عهد شاه طهماسب صفوی بود. در شوشتر به دنیا آمد. در جرائی در شیراز به تحصیل علوم عقی پرداخت، سپس به شامات رفت و در نزد عده‌ای از علما و فقهای جبل عامل درس خواند تا به مذارح حالی رسید. آن‌گاه به ایران بازگشت و در خراسان سکنی گزید. او از ابراهیم بن علی بن عبدالعالمی میسی روایت کرده و نظام الدین ابوالفتح عامری بن حباض جویبری مشهدی و ابو محمد علی بن عنایت الله مشهور به نابریه بسطامی و تاج الدین حسین صاعدی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. مدتی در مشهد به موعظه و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود تا در ۹۹۷ ق به دستور اربکان که در آن زمان بر خراسان استیلا یافته بودند دستگیر شد و به بخارا فرستاده شد، تا با علمای خانه

عظیمای ششابوری، عظیم، فرزند ملا فیلی (وف ۱۱۱۱ ق)، شاعر. از شاعران ششابور در عهد صفوی بود وی مثنوی «نور عظیم» را در قندهار بعد از مرگ پدرش (۱۰۶۴ ق) در نعت پیامبر (ص) و ستایش امیرالمؤمنین و انمه اظهار (ع) سروده و در مقدمه آن شاه عباس دوم و میرزا محمدالدین راقم، وزیر خراسان، را مدح گفته است از دیگر آثار او: منظومه «گفت و گفتمش» «دیوان» شعر. تذکره صرابطی (۳۱۶)، الذریعه (۹/ ۷۳۱)، ۱۶/ ۳۷۰، ۱۸/ ۲۰۹، ۱۹/ ۲۵۹، فرهنگ سخوران (۶۴۲)، منظومه‌های فارسی (۴۳۳)، تابحالانکار (۲۸۳-۲۸۴)

عماد قاجار، فرزند مهر علی خان قاجار، (س سیزدهم ق)، شاعر و خوشنویس. وی همسر شاهزاده حیدر قلی میرزا، (نو ۱۲۱۴ ق) فرزند فتحعلی شاه قاجار بود. خط شکسته را خوش می‌نوشت، با علوم فربیه آشنا بود و طبع شعر نیز داشت و است

به کوی عشق ای دل با خبر باش
که آسجا ره‌رنگان اندر کیمین‌اند

از رابعه تا پروین (۱۶۸-۱۶۹)، تاریخ عمودی (۲۲۲)،
حدیقه‌الشعراء (۳/ ۲۱۸۲-۲۱۸۳)، زنان سخور (۱/ ۳۳۰)،
فرهنگ سخوران (۶۴۲)، مشاهیر رمان (۱۶۶-۱۶۷)

عفت قاجار، همایون سلطان خانم، فرزند فتحعلی شاه. (س سیزدهم ق)، عارف، خطاط و شاعر، متخلص به عفت. ملقب به نواب متعالیه و معروف به خانم خاندان. از علوم نجوم و مقدمات عربی بهره داشت، خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت. وی بیشتر به اشعار موی علاقه داشت و سبک او و در مثنوی پیروی می‌کرد

از رابعه تا پروین (۱۷۲-۱۷۳)، حدیقه‌الشعراء (۳/ ۲۱۸۶)، رمان سخور (۱/ ۳۳۷)، طرائف الحقائق (۳/ ۲۲۹)، فرهنگ سخوران (۶۴۲)، مشاهیر رمان (۱۶۶)

عفت نسایه شیرازی، سکنیه بیگم، فرزند میرزا عباد الله نسایه حسنی حسینی، (۱۱۹۰- بعد از ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به عفت. اهل شیراز و زنی با کمال و استعداد بود و تعلیم و تربیت زنان حسینی میرزا فرمان‌فرما را بر عهده داشت. وی معاصر نشاط فتحعلی خاندان و مجمر اصفهانی بود و از آنان الهام می‌گرفت عفت، فتحعلی شاه را مدح کرده است. لازم به ذکر است که صاحب «فان سنانه»

آمد و همان‌جا کسب علم و هنر کرد. او در زمان حمزه میرزا صفوی، کتابدار اصلی خان شملو (اسماعیل قلی بیگ) شد و حمزه میرزا او را صاحب السیف و القلم خطاب می‌کرد. پس از مرگ حمزه میرزا منوچهر شد و به مشق و کتابت اکتفا نمود و گاهی شعر ترکی می‌گفت. عقیلی از شاگردان محمد حسین تبریزی بود و خط جلی و حنفی را غرض می‌نوشت. صاحب «گلستان هنر»، در ۱۰۶۵ ق او را در قزوین ملاقات کرده است. سپهر تاریخ وفاتش را ۱۰۷۸ ق آورده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۲۹-۶۲۹)، گلستان هنر (۱۲۳-۱۲۴).

عقیلی خدمتبری، ارسلان، فرزند امیر اسعد (قو ۱۲۸۳ ش)، نویسنده. در تکبیر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در کالج آمریکایی تهران به پایان رساند و در ۱۳۱۰ ش در رشته حقوق از دانشکده هامپتن آمریکا از طریق مکاتبه لیسانس گرفت. در ۱۳۱۱ ش لیسانس حقوق را از دانشکده حقوق تهران دریافت کرد و در ضمن به تحصیل فقه و اصول هم پرداخت. او در ۱۳۲۸ ش به انعام مصطفی رتبی چند در کاخ شاه متعین شد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. آموزش حقوق در شعبة تجارت دبیرستان البرز، مشاورت حقوقی وزارت فرهنگ، وکالت (دبکستری)، عضویت هیئت مدیره کانون وکلا و سپس ریاست آن، شهرداری تهران و یکبار استانداری گیلان. در دوره وکالت مجلس در ۱۳۳۳ ش عضو کمیسیون خاص نفت بود. از آثار وی: «آرستوکراتی در ایران»، «حقوق بازرگانی و شرح قانون تجارت»، «حقوق بین‌الملل خصوصی» «معارض قوانین» «مقصرین را بشناسید».

فهرست کتب چاپی فارسی (۱/ ۳۲، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۲/ ۳۰۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۲۸-۵۲۹).

عقیلی هروی، شریف حمزه، (س چهارم ق)، صرفی. از مردم هرات بود که در بلغ مسکن داشت گویند پیر پیر شیخ الاسلام، خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ ق)، و مستحاجات الدعوة بود از یاران وی می‌توان به پیر فرسی، عبدالملک اسکاف، ابوالقاسم حنانه، حسن طبری، هرب عیار و پدر شیخ الاسلام، محمد بن هلی انصاری، اشاره کرد.

طبقات الصوویه هروی (۲/ ۶۱۳-۶)، مخطبات الانس (۲۸۴).

مناظره نماید. او با علمای آنجا بحث نمود و چون از مقابله با وی درماندند به عبدالله خان ازبک گفتند که باید از گفتگو با او دوری کرد، مبادا که عامه مردم فریب خورند و بشربند پس او را با خنجر کشتند و جسدش را در میدان بخارا به آتش کشیدند. از آثارش: کتابی در «امامت» کتاب (الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)).

الاعلام (۴/ ۲۷۹)، لیسان الثیمه (۸/ ۵۰)، تکمله اسل لامن (۸۲)، الدرجه (۱۱/ ۱۶۹، ۲۰۶، ۴۲۱، ۴۲۰)، روایات الحداث (۴/ ۲۲۸، ۲۲۹)، ریاض العلماء (۳/ ۲۴۸، ۲۴۹)، لیسانه (۲/ ۱۵۲)، شهیدان راه فضیلت (۲۷۹-۲۸۱)، طبقات اسلام الشیعه (قرن ۱۰/ ۱۲۸-۱۲۹)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۵۴-۱۵۵)، سواند الرصیه (۲۵۶)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۲۶-۱۲۷).

عقیلی کرمانشاهی، غلامعلی، فرزند مسعود (قر ۱۳۲۵ ق)، نویسنده. در کرمانشاه به دنیا آمد. نزد بزرگان دینی موطن خود به تحصیل پرداخت. اثر وی «دلائل الرجعة» یا «ایمان و رجعت» می‌باشد. فهرست کتب چاپی فارسی (۱/ ۱۲۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۷۲۶-۷۲۷).

عقین الدین حسینی، فرزند سید رکن الدین مسعود (س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» ملا محسن فیض کاشانی، به قطع وزیری کوچک و خط نسخ کتابت خمی متوسط، یا رقم: «تم بالخیر عم و الحمدله»، کتبه ابن سید رکن الدین مسعود، عقین الدین الحسینی، قبی اوامر شهر جمادی الاول سنة ۱۰۸۵، خمس و ثمانین بعد الالف من الهجرة السویه. احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۱۲).

عقیلی بخاری، شرف الدین ابوحفص عمر بن محمد بن عمر انصاری، (وف ۵۷۶ ق)، متکلم و فقیه حنفی. از آثارش: «مهاج الفتوی»، در فقه، «الهادی»، در علم کلام. الاعلام (۵/ ۲۲۳)، کشف الظنون (۱۸۷۷، ۲۰۲۷)، معجم المؤلفین (۷/ ۳۱۶)، هدیه المارین (۱/ ۷۸۴).

عقینی تبریزی، محمد امین، (س دهم و یازدهم ق)، خطاط و شاعر. از اولاد عقیل بن ابی طالب بود و خاندان وی در رستمدر ماربدران بوده‌اند. پدرش همراه سام میرزا صفوی، به اردبیل رفت و محمد امین در آن شهر به دنیا

کتاب در شرح «عبون المسائل» ابی لیث سمرقندی است؛ «العوائد العلانیة»؛ «میران الاصول فی نتائج العقول»؛ الاعلام (۵۸ / ۷)، ایضاح المکسول (۱۱ / ۱۷۵)، کشف الظنون (۵۶۹ / ۱۱۸۷، ۱۶۳۶، ۱۸۶۸، ۲۰۴۰)، لسان السیران (۶ / ۲۶۸-۲۶۹)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۱۳۰-۱۳۱)، الذیج المزمرة (۵ / ۳۵۹)، الواسع بالوفیات (۳ / ۲۱۸)، هدیة العارمین (۲ / ۹۲)

علاء اودی، میر سید علاء الدین. (مقتول ۹۹۸ ق)، موسیقیدان و شاعر، متخصص به علاء از مردم خراسان بود لذا به خراسانی نیز مشهور است. از به هند رفت و در سرزمین اود ساکن شد. وی از مشایخ معروف زمان خود و صاحب مقامات عالی و کرامات بود و در موسیقی نیز دست داشت از عرب و تسکو سرگمت و ترجیع بند معروفی مشهور به «مامعیمان» به سبک ترجیع بند هرازی، سروده است

سراج نظم و شعر (۶۲۲-۶۲۳)، تذکرة دور رؤس ۵۵۶-۵۵۷، مدرسه (۹ / ۷۳۳)، ریاض العارص (۲۰۰۱)، فرهنگ سخنوران (۶۲۳)، کاروان هند (۲ / ۸۶۹)، تنذیع الادکار (۲۶۷-۲۶۸)، همت اقلیم (۱ / ۲۸۱)

علاء ترجمانی خوازمی، علاء الدین محمد بن محمود مکی (وف ۶۴۵ ق)، فقیه حنفی از فقهای حنفی قرن هفتم هجری است در جرجیه جو روم درگذشت. از آثارش «تسمه الدهر فی فتاوی اهل العصر» است. در «هدیة العارمین» سال تولد و مرگ وی به ترتیب ۵۹۳ و ۶۵۵ ق ذکر شده است

الاعلام (۷ / ۳۰۸)، معجم المؤلفین (۱۱ / ۳۱۶)، مدینه العارمین (۲ / ۲۵)

علاءالدوله سمنانی، رکن الدین ابوالفتح محمد بن شرف الدین محمد بن احمد، (۶۵۹-۷۳۶ ق)، عارف و شاعر در خانرادهای از اعیان و محتشمان سمنان در قریه بیابانک به دنیا آمد. پدرش در دستگاه مغول و رارت داشت. علاءالدوله نیز در چرانی به خدمت دستگاه مغول درآمد و ده سال در خدمت آنان بود تا اینکه در اثر تحول روحی که در او بوجود آمد، ترک خدمت گفت و به سمنان بازگشت و روی به آموختن شریعت آورد. در سمنان از درویشی به نام «حسی شرف الدین سعدالله» که از صوبه کبروی بود تلقین ذکر یاف و چندی بعد به تشویق او به

عکاسیاش، میرزا ابراهیم خان، فرزند میرزا احمد صنیع السلطنه. (۱۲۵۳-۱۲۹۴ ش)، عکاس، فیلمبردار و مترجم. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش عکاسیاشی دربار ناصرالدین شاه قاجار بود او از بوجوای تحصیلات خود را در هنر عکاسی و گرافیک در پاریس آموخت. پس از مدتی همراه پدر به تهران آمد و ملتزم مظفرالدین شاه شد و در ۱۲۷۷ ش لقب عکاسیاشی گرفت. میرزا ابراهیم خان نخستین فیلم را در استودیو یک در مراسم جشن گنجا فیلمبرداری کرد و سپس همراه شده به تهران برگشت. عکاسیاشی ضمن نمایش فیلم در دربار، گاهی نیز به فیلمبرداری می پرداخت. در «تاریخ سینمای ایران» محل رفت وی چاکسری قزوین ذکر شده که به نظر افشاده می رسد و باید چاکسری لاهیجان باشد. از دیگر آثار او، ترجمه فرسالة لکه گیری، از فراسه به فارسی است

تاریخ سینمای ایران (۲۲، ۲۱)، مولفین کتب چاپی (۱ / ۷۴)

عکاشه، جلال الدین فریدون. (س هشتم ق)، شاعر و ادیب، متخصص به عکاشه وی به دستگاه جلال الدین مسعود اینجو (م ۷۲۲ ق) و برادرش شاه شیخ ابوالفتح اینجو اختصاص داشت. او در شعر فارسی و هندی و نظم فصاید مصنوع و موشح دست داشت. از آثارش «فصاید رباعیه» و «در حقیقه» مجموعه «منتشآت» که به چاپ رسیده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲ / ۱۰۹۱)، تاریخ نظم و شعر (۲۱۴، ۷۶۵)

علاء اسقندی سمرقندی، علاء الدین ابوالفتح محمد بن عبدالحمید بن حسین. (۴۸۸-۵۵۲/۵۶۳ ق)، متکلم و فقیه حنفی معروف به علاء عالم. در سمنان از بواحی سمرقند به دنیا آمد. او از ابن مازة بخاری حدیث روایت کرده و ابوالبرکات محمد بن علی بن محمد انصاری، فاضل اسیوط، از وی روایت کرده است. علاء از بزرگان فقه حنفی و از جیره دست ترین متکلمان زمان خود بود او به بغداد رفت و با علمای آنجا به مناظره نشست و در «خلاف» تصنیف نمود. از آثار وی. «مختلف الروایة» در خلاف؛ «التعلیق» در چند مجلد به نام «العلمی»؛ «بدل النظر» در اصول؛ «الهدایة» در کلام؛ شرح «الجماع الکبیر» شیخی، در فروع؛ «حصر المسائل» و «قصر الدلائل»، در شرح «مظلومه» سق، در خلاف و گفته شده که این

بغداد رفت و صحبت شیخ نورالدین عبدالرحمن کسرفی اسفرائینی را دریافت و به اشارت وی به عزلت نشست و پس از چندی به زیارت خانه خدا رفت و در بازگشت مجدداً در بغداد در عزلت ریست بعد از مراجعت به سمت در حائنه سکا کی مدتی به عزلت نشست، ولی این بار به ارشاد طالبان طریقت پرداخت. علاءالدوله قسمت عمده‌ای از املاک خود را بر صوفیه وقف کرد، وی سرانجام در صوفی آباد سمتان وفات یافت و در برج احمر دفن شد. رکن‌الدین سمغانی از متکران سر سخت وحدت وجود این عری بود و از مشایخ برجسته طریقه کبرویه که نمایانگی شیعی داشت بین او و شیخ عبدالرزق کاشانی که از معاصرانش بود مشاجرات بسیاری جریان داشت، از وی آثاری چند به جای مانده که بیانگر دیدگاه مستقل او در باب عرفان و تصوف است، از جمله: «ملفوظات» یا «چهل مجلس»، مجموعه کلمات او، که توسط شاگرد و مریدش میر اقبال سیستانی جمع شده است؛ «العمرة لاهل الخلوة و المحبرة»؛ «دیران» شعر مختصری که توسط مرید وی خواجوی کرمانی گردآوری شده است؛ تلمیذی بر «تفسیر» نجم‌الدین دایه رزی؛ «نجم القرآن فی تأویلات القرآن»؛ «مأثر المعاصر للناظر الحاضر» درباره واقعه خدیج خم و شرح آیه تبلیغ، «فصل الشریعة» یا «فصل الطریقه»؛ «قواعد العقائد» یا «قواعد العقائد»؛ «سریات لیل فی اطوار سلوک اهل الحال»؛ «آداب الخلوة».

آتشکده آذر (۱/ ۳۰۹-۳۱۲)، اعیان الشیعه (۳/ ۸۷)،
ایضاح المکتوب (۱/ ۲۰۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۷۹۸-۸۱۶، ۱۲۸۹)، تاریخ عرفان و عرفان‌پرسی (۵۵۳)،
تاریخ نظم و نشر (۱۲۸)، تذکرة الشعراء (۲۸۱-۲۸۰)، حبیب‌السمیر (۳/ ۲۲۰)، فایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۷۵۵)، فیهالکلیة جسد و صوف (۱۶۸-۱۷۸)، الذریعة (۹/ ۷۳۴، ۷۳۳، ۱۵/ ۲۵۱، ۲۰/ ۲۳۷)، رشحات غیر الحیات (۱/ ۲۹۶)، روحانه (۳/ ۷۷، ۴/ ۱۵۸-۱۵۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸/ ۱۰)،
مرمک، سمنردان (۶۴۳)، کشف‌النور (۴۲/ ۱۰۵۶)،
۱۳۳، ۱۲۹۹، ۱۶۴۰، ۱۹۳۰، الکسی و الانقلاب (۲)،
۴۷۶)، لغت‌نامه (ذیل / علاءالدوله سمغانی)، مجالس المؤمنین (۲/ ۱۳۶-۱۳۹)، مجمع‌المصنعا (۲/ ۸۶۹)،
مجمع‌المؤلفین (۲/ ۶۹، ۶/ ۲۹۱)، تدبیر الادکار (۴۵۹-۴۵۹)، صفحات‌الاس (صفحات متعدد)،
هدیه الاحیاء (۲۰۱-۲۰۰)، هدیه‌العساکرین (۱/ ۱۰۸)،
یادداشت‌های فروغی (۴/ ۲۵).

علاءالدین (ر ۹۸۸ ق)، خطاط، از آثار وی: یک قطعه زمرق سید احمد مشهدی، به خط ثلث سه دانگ جلی و رقاع کتابت جلی و نسخ کتابت عالی، با رقم «کتبه الفقیر لحقیر علاءالدین فی قرية انارجان فی سنة ثمان و ثمانین و تسعمائة»

احوال و آثار خورشویسان (۴/ ۱۱۱۳)

علاءالدین بیرجندی، فرزند شمسی محمد (ز ۹۰۸ ق)، سزکان، اهل بیرجند بود و در فلزکاری و طلا و نقره‌کاری مهارت داشت. اثر رقم‌دار وی، مصروع نوری پر مهرانی است، با رقم، «عمل اقل العباد علاءالدین بن شمسی محمد البیرجندی می غره شهر رمضان المبارک سه ثمان و تسعمائة»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۷).

علاءالدین تبریزی، حکیم علاءالدین (س دهم ق)، طبیب، از پزشکان معروف تبریز بود در آن شهر ولادت یافت. وی مؤلف کتاب «کامل هلائی» است که آن را برای ابن اسماعیل صفوی (۹۰۵-۹۳۰ ق) تألیف کرده است این کتاب به فارسی است و شامل واژه‌ها و اصطلاحات پزشکی بر اساس حروف الفبا می‌باشد.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۳۵۸)، تاریخ نظم و نشر (۸۱۴)، الذریعة (۱۷/ ۲۵۶).

علاءالدین طوسی ← طوسی یازگانی

علاءالدین گلستانه، میرزا محمد بن میرزا ابوتراب حسینی / حسنی اصفهانی. (وف ۱۱۰۰ ق)، عالم دینی، محدث و زاهد. معروف به میرزا علاءالدین گلستانه ری بزرگ سادات گلستانه اصفهان بود و بسبب به امام حسن مجتبی (ع) می‌رساند. گفته‌اند که او عالمی هاید و محقق جلیل‌القدر و از ثقات محدثین بود. وی تمام عمر را در عبادت به سر برد و دارای اخلاق و حصال بیکو و جامع علوم عقلی و نقلی بود، دو مرتبه به او صدارت را پیشنهاد و تکلیف نمودند، لیکن از کثرت عقل و زهد قبول ننمود. تصنیفات او در اثبات تبخیر علمی او در زمینه‌های گوناگون کافی است. از آثارش: «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله العالی» و «بهجة الحقائق»، در شرح «نهج البلاغه» «منهج‌الیقین» شرحی بر «درسانه» وصیت حضرت صادق

خطاطان (۱۴۰۱-۱۴۱۰)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۵/۲).
 ۸۷۶)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۸)، گارنامه بزرگان
 (۱۵۸-۱۵۷)، گستان هنر (۴۰)، گنجینه آثار تاریخی
 اصفهان (۴۰۱)، مناقب هروزی (۴۲)

علاءالدین محمد حسینی، (س دوازدهم ق)، خطاط.
 ر آثار وی: یک نسخه «اعمال حج» وریزی، یا جلد روحی
 عالی، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم... من شهر سده
 ۱۱۳۴ مرقوم قلم شکسته رقم کمترین غلام و غلام رادگان
 ندیمی، علاءالدین محمد الحسینی گردید...
 احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۵/۴)

علاءالدین محمد رژه ای ← علاءالدین محمد هروی.

علاءالدین محمد هروی، (ز ۹۰۹ ق)، خطاط از مردم
 رژه باخرز و شاگرد مسطغانعلی مشهدی بود وی در
 کتابخانه امیر علیشیر نوایی پیوسته به مشق اشتغال داشت.
 از آثار او: نسخه ای از «خمس» امیر خسرو دهلوی که
 اکنون چند صفحه ای از آن موجود است و به قلم کتابت
 حنفی خوش نوشته شده و رقم «تمت علی بد اصعب»
 علاءالدین محمد الهروی قی شهر سده تسع و
 تسعمائة... دارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۸-۷۸۷/۲)، خوشنویسان
 و هنرمندان (۳۵-۳۶)، مناقب هروزی (۶۵)، هنر عهد
 تیمریان (۳۹۴)

علاءالدین منصور شیرازی، (ز ۹۸۹ ق)، خطاط. به
 نقل از صاحب «گلستان هنر» وی از گره رود بود و خط
 تعلیق را خوش می نوشت علاءالدین منصور در بدو حال
 در خدمت میرزا کافی هندی به تحریر درالانشاء
 اشتغال داشت و در ایام محمدی بیگ منشی لیر اعتبارش
 بیشتر شد و در آخر، در ولایت کوه رود منزوی شد و
 عزلت اختیار کرد. از آثار وی، یک نسخه «شاهنامه»
 فارسی «سلطان مراد خان همدانی» به قلم کتابت جلی
 متوسط، با رقم: «تم بالخیر و الحسن» قی سلخ شهر رمضان
 سنه ۹۸۹... علاءالدین منصور...
 اسرار و آثار خوشنویسان (۹۲۱/۳)، تاریخ اصفهان
 (۲۲۸)، گلستان هنر (۵۶)

علاءالدین منصور کوه رودی ← علاءالدین منصور

(ع) که آن حصرت برای اصحاب خویش نگاشته و آنان را
 به مدارست و نظر و حمل بدان امر کرده است و ایشان آن
 را در نمازخانه مرلشان قرار داده بودند و چون از نماز
 فارغ می شدند در آن می نگریستند این رساله در کتاب
 «بحار الانوار» ج ۷۵ آمده است؛ «روضة الشهداء»
 «روضة المرفاء» یا «کاشف الاسماء»، در شرح «الاسماء
 الحسنی»؛ «ترتیب مشیخته من لا یحضره الفقیه».

عیان الشیم (۶۱/۹)، بحار الانوار (۷۵/۲۲۴-۲۱۰)،
 الذریعه (۲/۱۶۱، ۴/۶۹، ۶/۲۸۵-۲۸۶، ۱۱/۲۹۵،
 ۱۲۹۹-۲۰۰، ۱۲/۸۹، ۱۳/۲۲۵-۲۲۶، ۱۴/۱۲، ۱۵/۱۷،
 ۲۳-۲۰۱، ۲۴/۴۲۷)، ریحانه (۴/۱۶۵-۱۶۳)،
 صفات اعلام لشیم (قرن ۱۲/۴۸۸-۴۸۶)، الکلی و
 الکتاب (۲/۲۷۷)، مولدالتواریخ (۲۰۸)، هدیة الاحباب
 (۲۰۱)

علاءالدین محمد تبریزی، فرزند شمس الدین محمد
 حافظ، (س دهم و یازدهم ق)، خطاط، معروف به ملا علاء
 بیگ ملقب به جمال الملک. وی از استادان معروف و
 همعصر دوست محمد کتابدار است، که در خطوط نسخ و
 ثلث از نوادر روزگار به شمار می رفت. او از شاگردان
 شمس الدین محمد تبریزی، نویسنده «فرع»
 طلسم است صاحب «گلستان هنر» آورده که وی به
 هند سفر کرده است. علاءالدین شاگردان معروفی چون
 عبدالغنی تبریزی و علیرضا عباسی تربیت کرده است، که
 هر یک از استادان معروف اند. از آثار وی بعضی کتیبه های
 عمارات تبریز بوده که غالباً بر اثر مرور زمان از میان رفته
 است، اما بعضی نسخه ها و قصعات وی در کتابخانه های
 مختلف موجود است، از جمله: قرآن وحلی جلد معرق
 طلاپوش، به خط نسخ کتابت و ثلث عالی، با رقم: «
 علاءالدین بن محمد لحافظ التبریزی...» سال ۹۹۴ هجری
 قطعه نسخ کتابت عالی، با رقم: «نقل من خط قله الکتاب
 باقرت المستعصمی، علاءالدین السیری، می ۹۸۰» قرآن
 وزیر جلد روحی مذهبی، به خط نسخ و رقاع کتابت
 عالی، با رقم: «... المعید العقیر علاءالدین بن شمس الدین
 محمد القاری التبریزی... قی سنه تسع و ثمانین و
 تسعمائة» مرقع بیست و دو رقمه ای، به خط ثلث سه دانگ
 جلی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه المعید المذهب
 علاءالدین تبریزی، بندر السلطنه قزوین، قی سنه ۱۰۰۱»

آثار ملی اصفهان (۶۷۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۴)
 ۱۱۱۳-۱۱۱۴)، اطلال خط (۳۷۷)، پیدایش خط و

شعری

علاء شاشی. (س بهم ق)، شاعر از دانشمندان و بزرگان سمرقند در زمان الغ بیگ (م ۸۵۳ ق) و معاصر میرعلیشیر توایی بود. گذشته از احاطه‌ای که در علوم متداول زمان خود داشت، در شعر و معما نیز استاد بود. در سن معما او را قریه مولانا شرف‌الدین علی یزدی می‌دانستند. وی در سمرقند درگذشت.

تاریخ نظم و سحر (۳۲۹)، الذریعه (۹/ ۷۳۲)، فرهنگ مشهوران (۶۴۳)، مجالس المفاکس (۲۷، ۲۰۱-۲۰۲)

علامه پهرالمعلوم - پهرالمعلوم، سید محمد مهدی طباطبایی

علامه چلبی بیگ - چلبی بیگ علامی

علامه زاری، قطب‌الدین محمد - قطب زاری، قطب‌الدین بن ابوجعفر محمد / محمود.

علامه شهرستانی - هبة‌الدین شهرستانی، سید محمد علی.

علامه شهریار - صدر الشریعه، شیخ محمد صادق.

علامه طباطبایی، سید محمد حسین - طباطبایی، سید محمد حسین

علامه فانی - فانی (اصفہانی)، میر سید علی.

علامه قزوینی - قزوینی، میرزا محمد خان

علامه گریاسچیان، علی اصفهر. (۱۲۹۳-۱۳۸۲ ش)، عالم دینی، مدرس، مؤسس مدرسه حلوی و پایه‌گذار مکتب نویسنده تربیت دینی. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات حوزوی و در مدرسه صدر و مروی آغاز نمود و از محضر بزرگانی چون، سید رفیع دزفندی و شیخ آقا بزرگ سوری و میرزا ابوالحسن شعرانی استفاده کرد. در ۱۳۲۴ ش جهت تکمیل تحصیلات دینی به قم رفت و از محضر علامه طباطبایی و آیت‌الله بروجردی کسب فیض نمود. وی اولین کسی است که «رساله عملیه» استادش، آیت‌الله بروجردی، را که به رسم رساله‌های عمیه فنی و پیچیده

نوشته می‌شد و تنها علما و کارشناسان مذهبی توان استفاده از آن را داشتند، جهت استفاده عموم ب نام «توضیح المسائل» بازنویسی کرد و پس از آن تمامی مراجع تقلید رساله‌های خود را، در قالب «توضیح المسائل» ارائه نمودند. پس از تأیید شدن به درجه اجتهاد، در ۱۳۳۴ ش به قصد تعمیم و تربیت نوجوانان از قم به تهران مراجعت کرد و با همفکری حاج شیخ هادی مقدس دبیرستان حلوی را در ۱۳۳۵ ش پایه‌گذاری نمود. و مدیریت مدرسه را به استاد رضا روبریه رنجانی واگذار کرد. علامه در ابتدای تأسیس این مدرسه همه امور حتی نظافت آن را خود انجام می‌داد و به همراهی استاد روبریه بیشتر دروس را تدریس می‌کرد، اما با توسعه مدرسه و دعوت استاذان دیگر، ایشان در سالهای آخر تنها به تدریس درس اخلاق اشتغال داشت. علامه علاوه بر تأسیس دبیرستان حلوی، دبستان حسدی و راهنمایی نیک‌پرور و مؤسسه نیکان را نیز پایه‌گذاری نمود، که این مدارس از مقطع ابتدایی تا پیش دانشگاهی دانش‌آموزان خود را تربیت می‌کنند. مدرسه‌ای که علامه در آن سال در تهران پایه‌گذاری کرد چنان هویتی به دست آورد که به تدریج ده‌ها مدرسه به همان پیشگام توسط شاگردان ایشان تأسیس شد. علامه سرانجام پس از عمری خدمت فرهنگی و تربیت شاگردان بسیار در تهران درگذشت و پس از تشییع شکوه‌مند در مدرسه حلوی، به قم منتقل و در کنار استاد رضا روبریه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی، که به چاپ رسیده: «راه خداشناسی یا خلاصه توحید مبطل»؛ «رسائل استاد» در دو جلد؛ «وصایای استاد»؛ «توصیه‌های استاد» سخنرانی‌های ایشان در قالب دو مجموعه با عناوین «در محضر استاد» و «در مکتب استاد» منتشر می‌شود.

ح. پت. آورو مندی، دو مکتب استاد (مقدمه)، رسائل استاد (مقدمه)، فیض گل (صحاحات متعدد)

عسلائی، نورالدین. (س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم از نویسندگان و مترجمان پرکار معاصر بود از آثار وی: «دار مکتبه نا شاه»، «تاریخ هوایمائی»؛ «چهار سرباز پیاده ارتش آلمان»، ترجمه؛ «در پناه بودن از خطر حملات هوایی»؛ «فتح آسمان».

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۷۵-۱۷۶، ۱۱۲۵)، سوابق چاپی (۶/ ۶۴۹، ۶۵۰)

علم، مصطفی. (س چهاردهم ق)، مترجم. از آثار وی

«پیامبر»، ترجمه؛ «راهنمای توبین اسکی»، ترجمه؛ «شخص نامرئی»، ترجمه؛ «عقیده و عمل»، ترجمه؛ «میراث اسلام» (در سیرده فصل و هر فصل به قلم یکی از مؤلفین)، ترجمه

مؤلفین کتب چاپی (۱۳۲۷/۶)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۱-۱۲۴، ش ۵، ص ۴۸-۵۱)، یفا (س ۱، ش ۳، ص ۱۲۵-۱۳۲)

علم الهدی، سید علی بن سید محمدحسین نجفی، (تو ۱۳۱۲ ق)، عالم امامی، در کرمانه دسا آمد و در مهد علم و شرافت پرورش یافت. به اتفاق پدرش به ایران آمد و به مشهد رضوی رهسپار شد. مقدمات و مقدری از سطوح را از محضر معین الغریبا تحصیل نمود و در بعضی از حوره‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت کرد و در اثر تبحر و جدیت به مقام اجتهاد رسید و از آیت‌الله سید محمد عصار به دریافت اجازه اجتهاد بایل شد. پس از پذیرش به اقامه جماعت در جامع گهرشاد پرداخت. چند سال بعد برای ادامه تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌الله بایینی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌ها بردار به دریافت اجازه اجتهاد از آن بزرگواران نیز نایل شد و به مشهد برگشت و در آثارش: کتاب «رسالة الموضوع»، عربی؛ «ارسالة انبیاء»، عربی، در حکام انبیا، «ارایات رهنما»، در چهار جلد، در اصول عقاید، امامت و اثبات آن و نقل معجزات ائمه اطهار (ع)، کتاب «عدل و معاد»، کتاب «نهج الخطاه» که جلد اول آن به خط پیامبر اکرم (ص) و جلد دوم به خطبه‌های حضرت امیرالمؤمنین (ع) و جلد سوم به خطبه‌های سایر ائمه اطهار (ع) به ضمیمه خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا (س) و خطبه‌های حضرت زینب (س) پرداخته است؛ کتاب «مناظرات»

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۶۲/۲، ۱۳۶۴) گ. ج. ۲، دانشدان (۱۳۴۶-۱۳۴۷)

پدرش؛ «الحامع فی الاصول والمروع و الاخلاق»، به فارسی؛ «تحفة الابرار فی العقائد و الاخلاق»، به فارسی، در سه جلد. اول در معارف پنج‌گانه، دوم در حسنات و سیئات ابدان و سوم در طاعت و معصیت قلوب؛ «عروةالاحیاء فیما یقال عند الاحوال و الاوقات» و مقتصر آن «مرقاةالجنان الی روشات الجنان»، در ادعیه و اعمال روز و هفت و ماه و سال؛ «در نور الهی»؛ «نصدا لایصح»؛ «معادن الحکمة فی مکاتب الائمة (ع)»

عیان الشیعه (۱۰/۴۶)، الذریعه (۲/۱۹۲، ۳/۴۰۷، ۵/۲۸، ۵۶/۱۲، ۳۶/۳۷، ۱۵/۲۳۸، ۲۰/۳۱۲، ۳۱۳/۲۱) ۱۷۶-۱۷۷، ۲۲/۱۸۶)، ریحانه (۴/۱۹۰)، طبقات اعلام الشیعه، جلد ۲، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰

علم الهدی شیرازی عابطنحی شیرازی

علم الهدی کاشانی، ملا علم الهدی، فرزند داهی بن مسلک اردشیر، (ز ۱۱۰۷ ق)، عقیده، محدث، مفسر و ریاضیدان، در نوادگان صاحب «معالم» بود که در کاشان می‌زیست. از آدرش کتابی در «فقه استدلالی» است که در مجلد ۱۱ ق از تألیف آن فراغت یافت

عیان الشیعه (۸/۱۲۹)، الذریعه (۱۶/۲۸۸)، طبقات اعلام الشیعه (تو ۱۲/۴۸۸)، معجم المؤلفین (۶/۲۹۴)

علمی قزوینی، (وف ۱۲۰۰ ق)، شاعر، هدایت وی را در رمه اهل طریقت و حکمت دانسته و می‌گوید که او سالکی محدود و طالبی مطلوب بود وی ز جمله سادات قروین بوده است. از اوست

با سائل ما مسموم را سودایی است
در آتش ما جحیم را مأوی است
برسپیه ماست هر کجا کوه غمی است
در دیده ماست هر کجا دریایی است

حدیقه الشعراء (۲/۱۲۱۵)، دیوان المعرفین (۱۱۰)

علمی لاری، شمس‌الدین محمد، (وف ۱۳۷۵/۹۷۷ ق)، شاعر، برادر صدرالدین محمد کلامی، از امرای دکن، بود. چون در طرشت ری قاضی بود، لذا می‌بایست از مردم لاری حوالی تهران باشد. او به زیارت حرمین رفت و از آنجا رهسپار هندوستان شد و مدتی در سرزمین بهکر و چندی نیز در دکن ریست. علمی لاری در سرود شعر توانا بوده است

علم الهدی، ملا محمد بن ملا محمد محسن فیض کاشانی، (وف ۱۱۱۲-۱۱۲۳ ق)، عالم امامی، از محضر جد مادری ش، صدرالمتألهین، بهره گرفت. وی همچنین شاگرد پدرش، فیض کاشانی، بود و او اجازه گرفت و از جانب او به علم الهدی ملقب گردید. خط زیبای داشت و بسیاری زکات پدر و جدش را کثافت کرد. ر آثار وی «اصول الدین»، به فارسی؛ حاشیه بر «مفاتیح الشریع»

تاریخ نظم و بشر (۶۲۵)، فرهنگ سحران (۶۲۵)،
کبریا هند (۹۰۶/۲)، هفت انبیا (۲۵۸/۱).

عمومی، شیخ احمد، فرزند آخوند ملا حسین اردکانی، (۱۳۱۹-ح ۱۳۹۳ ق)، عالم دینی و فقیه در یزد به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات و مراعات از سطوح به نجف سفر کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله میرزا حسین نایینی و آیت الله صفهانی و آیت الله آقا سید محمد فیروزآبادی و آیت الله میرزا سید اقای اصطهباناتی و دیگران مدت هشت سال استفاده نمود، تا به درجه اجتهاد نایل شد و با دریافت اجزه به ایران مراجعت کرد. چندی در قم توقف نمود و در زمان آیت الله خایری یزدی به تدریس پرداخت. سپس به وطن خویش بازگشت، و حوزه علوم دینی یزد را پی‌ریزی نمود. در ۱۳۱۴ ش به مشهد رفت و با خاندان حاج میرزا عبدالرسول درانیاں وصلت نمود. وی مدت سی سال حوزه یزد را سرپرستی و در آن تدریس کرد. از آثارش چند رساله در مسائل فقه: در «وقایع صلاة»، «صلاة مسافر» و «رکعات» حواشی بر «قطع» «فرق الاصول» و «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری حواشی بر «کتاب الاصول» آخوند خراسانی؛ شرح «قصیده» شیخ محمد سمیری، معروف به «قصیده پرده» در مدح حضرت رسول اکرم (ص)؛ شرح «قصیده باقیه» و «قصیده عینیه» ابن ابی الحدید معتزلی در مدح امیرالمؤمنین (ع)؛ «المفی عن المفی» که تلخیص کتاب «معنی» ابن هشام، در ادبیات است.
گنجینه دشتمدان (۷- ۴۴۰، ۴۴۱)

علوی، احمد، فرزند مهدی، (تو ۱۲۸۲ ش)، نویسنده، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه خرد آغاز کرد و پس از آن به مدرسه سن لوئی رفت و در ۱۲۹۵ ش موفق به اخذ گواهینامه شد، سپس به آموزشگاه پست و نگراف رفت و پس از دو سال گواهینامه گرفت. در ۱۳۰۱ ش برای ادامه تحصیلات عازم اروپا شد، متجاوز از دو سال در برلین به تحصیل فزیک و ریاضی اشتغال داشت و بنا به دلایلی از آنجا به فرانسه رفت و در مدرسه مکانیک و الکتریسیته و مدرسه هالی الکتریسیته پاریس تحصیل کرد و به اخذ گواهینامه عالی توفیق یافت. بعد از مراجعت به ایران مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله ریاست اداره بی‌سیم، ریاست اداره امور تنص، ریاست اداره دواپ مس، مدیر کل وزارت راه، یارین

صالحی وزارت راه، از آثار وی: «مخاطرات سفر ترکیه»؛ «مرزهای باختری ایران»؛ در سیر دو هزار و پانصد سال تاریخ؛ «یک هزار واژه سرء فارسی».

کتابنامه نسخی ده انقلاب (۲۵)، فهرست کتب چاپی چاپی فارسی (۲/ ۲۹۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۳۲۷) (۴۲).

علوی اصصهانی، سید ابومحمد حمزه بن عباس بن علی حسینی. (وف ۵۱۷ ق)، محدث و صوفی، شیخ صوفیه اصصهان بود. بیشترین حدیث را از ابوذر بن عبدالرحیم شقیله سلفی و ابومعد صانع و ابوموسی مدینی و محمد بن عبدالخالق بن ابی شکر جوهری و عقیقه فارقیه از وی حدیث روایت کرده‌اند. مسجحاتی، علوی را در شمار استادان خود که از آنان اجاره داشته، یاد کرده است.

سیر النبلاء (۱۹/ ۲۵۸-۲۵۹)، سیرات النعم (۳/ ۵۵)،
النور (۲/ ۴۰۹).

علوی حسنی نیشابوری، ابوالحسن محمد بن حسین بن ابی‌آزود. (وف ۴۰۱ ق)، مستند، محدث و فقیه، ری رئیس سادات و شیخ الاشراف و مستند خراسان زمان خود و سنی بزرگوار و نیکوکار بود. او برادر بزرگتر ابوعلی محمد بن حسین عموی حسنی نیشابوری است. از محمد بن اسماعیل بن اسحاق مروزی و ابویحی بن شریقی و برادرش عبدالله بن محمد و همچنین محمد بن عمر بن جمیل و ابونصر محمد بن حمدویه غازی و ابوبکر بن دلویه دقاق و محمد بن حسین قطان و عبدالله بن ابراهیم بن ثانویه و دیگران حدیث شنید. حاکم و ابوبکر بیهقی و محمد بن قاسم صفار و اسعید صخر بن محمد و ابوالقاسم اسماعیل بن زاهر و محمد بن عبدالله صرام و عثمان بن محمد محمی و عمر بن شاه مقری و شیب بن حمد بستیقی و احمد بن محمد بن مکرم هیدلانی و موسی بن عمران انصاری و ابوصالح احمد بن عبدالملک مؤذن و فاطمه دختر ابوعلی دقاق و بسیاری دیگر از ری حدیث روایت کرده‌اند. حاکم گوید: وی صاحب همتی عالی بود و ظاهری نروانی داشت. پیوسته از او خواسته می‌شد تا حدیث گوید، اما نمی‌گفت. دست آخر من مجلس املاتی برپا ساختم و هزار حدیث برایش برگزیدم. در آن مجلس هزار قلمدان شمارش شد و او سه سال املای حدیث کرد. ابوالحسن علوی به مکتب درگذشت

الاعلام بویاب الاعلام (۱/ ۲۷۱)، سیرالسلام (۷/ ۹۸-۹۹)، شذرات الذهب (۳/ ۱۶۲)، العبر (۲/ ۹۹)، الزمان بالرمات (۲/ ۳۷۳)

علوی حسینی نیشابوری، ابوعلی محمد بن حسین بن داوود. (وف ۳۹۳ ق)، محدث. وی برادر کوچک ابوالحسن علوی حسینی نیشابوری است. از این سلال و ابوبکر قطان حدیث شنید و حاکم نیشابوری نیز از وی روایت کرده است.

سرساله (۶/ ۹۹)

علوی حسینی تبریزی، سید محمود بن میرزا یوسف بن میرزا قاجار توبوچی. (۱۳۲۰-۱۳۸۱ ق)، عالم دینی و فقیه در تبریز به دنیا آمد. پس از خواندن سطوح از محضر آیت الله حاج سید علی مولانا و آیت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود. آن گاه به مشهد مهاجرت کرد و از محضر آقا زاده کفای و آیت الله آشتیانی بهره برد. پس به انجام وظائف دینی پرداخت، تا در ۱۳۸۱ ق برای معالجه به تهران آمد و در تهران درگذشت. پیکرش در مشهد در یکی از حجره های صحن عتیق به خاک سپرده شد. از آثارش «الحمد» «الرحمة» «الرباع» «المعالم» «هدیه الاحوان» در اثبات اسلام، به فارسی؛ «مکاتبة المسترشدين الى معارف الدين العيين» در سه مجلد؛ «بو حید» «نبوت عامه و خاصه» و «امامت و معاد» (دریجه ۲/ ۲۵۶، ۲۵، ۱۹۴، ۲۰۵)، گنجینه دانشمندان (۷/ ۱۲۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۹-۶۰)

علوی حسینی نیشابوری، ابومنصور ظفر بن محمد بن احمد بیهقی غازی. (وف ۴۱۰ ق)، شمسید و محدث. گفته اند که وی بزرگ مستبدان و آقای مجاهدان بود. از عمویش، ابوعلی بن زبیر، و ابوالعباس اصم و محمد بن علی بن دحیم شیبانی و ابوبکر نجاد و علی بن عیسی بن مانی و خلف بن محمد بخاری خیام و ابوزکریا عسری و دیگران حدیث شنید. ابوبکر بیهقی و ابوصالح مرزبان و ابوبکر بن خلف ادیب و عمر بن ابی عمر بسطامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. وی در روستای خود درگذشت و در همان جا دفن شد.

سرساله (۷/ ۲۶۳)

علوی سبزواری، سید ابراهیم بن سید اسماعیل. (وف

۱۳۱۴-۱۳۱۶ ق)، فقیه، مدرس، مرجع و پیکوکار معروف به شریعتمدار. در مشهد از محضر میرزا حسن و ملا محمد تقی و ملا علی، داماد صاحب «قوانین»، استفاده کرد سپس به اصفهان رفت و از محضر حاج شیخ محمد ابراهیم کلپاسی بهره مند شد. آن گاه به نجف مهاجرت کرد و از مجالس بحث صاحب «جواهر» و صاحب «انوار العقاید» و علامه نصاری و ملا ربیع العابدین گلپایگانی استفاده کامل نمود. علوی پس از تکمیل علوم و دریافت اجرة اجتهاد از صاحب «جواهر» به سبزوار بازگشت و ریاست و مرجعیت مردم را بر عهده گرفت و صاحب ثروت و شهرت فراوان گردید. او در سبزواری درگذشت و در مقبره ای، در ضلع جنوبی مدرسه شریعتمدار دفن شد. آثار وی: مدرسه ضلوت، معروف به مدرسه شریعتمدار، در سبزواری که گوید در ۱۳۰۵ ق ز اموال شخصی خود هزینه کرده است؛ حمای در جنب مدرسه شریعتمدار؛ کارواسرای مشهور به سرای آقا؛ آثار خیری در کاشمر

طبقات اعلام الشيعة (قر ۱۴/ ۹)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۰۵، ۳۰۴)

علوی سبزواری، سید محمد مهدی بن سید ابراهیم. (۱۳۲۶-۱۳۵ ق)، عالم دینی و نویسنده. در سبزواری به دنیا آمد. به کاشمر رفت و در آن شهر نشو و نما یافت و از محضر شیخ علی شاهرودی و دیگران استفاده نمود. وی در زمان حیات پدرش، در جوانی، در سبزواری به دنیا رفت. از آثارش کتاب «تاریخ طوس» یا «تاریخ مشهد الرضوی» که در ۱۳۴۶ ق در بغداد به چاپ رسید؛ رساله ای در «زندگانی علامه سید هبة الدین شهرستانی»

الاعلام (۷/ ۲۳۶)، (دریجه ۳/ ۲۶۳)، گنجینه دانشمندان (۷/ ۲۴)

علوی سبزواری، سید میرزا حسین، فورقده میرزا حسن / میرزا محسن. (۱۲۶۸-۱۲۵۲/ ۱۳۵۳ ق)، فقیه، محدث، حکیم، متکلم و شاعر. در همدان سانگی با اجاره حاج ملاهادی سبزواری در مجلس درس آن حکیم حاضر شد و کتاب «اسفار» را نزد آن استاد تحصیل نمود. آن گاه به عراق رفت و در درس فاضل اردکانی و میرزای شیرازی حضور یافت. بعد از وفات جلوه چند ماهی در مدرسه سیهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس ریاضی و حکمت پرداخت. پس از آن به سبزواری بازگشت و در آن

گنسن (۲۹۰-۲۹۱)، قریمگ سخوروان (۶۲۵)، کاروان
هند (۲/ ۹۰۷-۹۰۸)، منظومه‌های فارسی (۲۳۳)،
هدیه‌العاریین (۲/ ۳۱۷)

علوی ورامینی، محمد بن ابی زید بن عربشاه بن
ابی زید حسینی. (س نهم ق)، نقاشی از آثار وی: «احسن
لکبار فی معرفة ائمة الاطهار (ع)» یا «احسن الکبار فی
مقابله الائمة الاطهار (ع)»، در تاریخ ائمه، در هشتاد و
هشت باب که در ۸۳۷ ق به خواست شاه طهماسب
صموی تألیف کرد

تاریخ نظم و نثر (۲۴۵)، الدرریمه (۱/ ۲۸۹-۲۸۸).

علویه. (ر ۱۳۱۳ ق)، نقاش و خطاط. از زبان هنرمند
عصر خود به شمار می‌رفت. نقاش و خطاط ناخنی با ذوقی
بود که خطوط را به شیوه ناخنی کتیب می‌کرد و نقوش
نریسنی را نیز در همان شیوه آرایش می‌داد. از آثار وی
مرقمی به خط نستعلیق شش دانگ، که به شیوه ناخنی
عمل آورده و حواشی صفحات را با ترسیمات ساده‌ای به
شیوه ناخنی تزیین کرده و رقم نهاده: «علویه ۱۳۱۲»
مرقمی به خط نستعلیق شش دانگ که به خط ناخنی کتیب
گرفته و ترسیماتی نیز به آن اضافه کرده و به خط ناخنی رقم
نهاده: «در ارض اقدم قم تحریر شد. کتبه علویه فی سنه
۱۳۱۳»

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۷۱).

علی. (س نهم ق)، نقاش. از هنرمندان دوره امیرعلیشیر
سویسی (۹۰۶-۸۴۴ ق) است. از آثار وی: تصویر امیر
عیشیر برای پادشاه قهرمانی یلندی است که در مقابل او،
جوانی رجا به نام میرزا چوچوک ایستاده و کلاه پر
طاووسی و تاجداری به سرگذاشته است. در بالای تصویر
به خط ریز نوشته شده: صورت دلپذیر میرزا چوچوک و
امیر بی‌شبهه و نظیر امیر نظام‌الدین عیشیر و در پایین
تصویر رقم نهاده: «صوره الفقیر علی»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۵-۳۶۶).

علی. (س دهم ق)، نقاش، قاطع و مدّس. از آثار وی.
تصویر شیر مدّس و طغرای که پستان سایر تصاویر
طغرای، از جملات «داد علیاً مظهر العجایب...» سود
حسبه و در هیکل یک شیر محسوس ساخته است. ریمه شیر
آبی پررنگ است و خطوط نوشته شده، در شیوه رناعی و

شهر مرجعیت و ریاستی تمام یافت. به از در قبال حاج
میرزا حسین سبزواری، میرزا حسین کبیر لقب دادند.
آیت‌الله نجفی مرعشی از وی دارای اجازه بود. سید عبدالله
برهان المحققین سبزواری و حاج میرزا علی اکبر نوقانی از
شاگردان وی بودند. در سرور درگذشت و در ۵۴۰
استادش دفن شد. از آثار وی: «الارجوزة فی الفلسفة
العلیه»، حاشیه بر «فرآله» شیخ انصاری، «کتاب الصهاره»،
«کتاب الصرم»، «کتاب اندر»، «مشکاة انصیاء»، در پناه
تفسیر «آیه الخلافة» (انی جاعل فی الارض خلفه...)

قدیمه (۱/ ۳۹۱، ۶/ ۱۵۶)، ریحانه (۴/ ۱۹۱)، حقیقات
اصلام النسیمه (نرس ۱۴/ ۵۶۹-۵۷۰)، المآثر والآثار
(۱۷۲)، مکرم الآثار (۶/ ۱۸۹۶-۸۹۷)

علوی شیرازی، میرزا محمد هاشم، فرزند حکیم
میرزا محمد هادی. (ح ۱۰۸۱-۱۱۶۲/۱۱۶۲ ق)، طبیب و
شاعر. ملقب به معتمدالمسوک و حکیم علوی خان. جدش
سید مظفرالدین حسین خراسانی او اطدی خراسان بود که
به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا محمد هاشم در
شیراز به دنیا آمد و پس از کسب علوم و تحصیل علم
پزشکی به هندوستان رفت و در دربار اورنگ زیب
هالمگیر تقرب یافت. در هنگام یورش نادر به آنجا به
همراه او به ایران آمد و به قولی از میان راه گریخت و به
هندوستان بازگشت و در همانجا درگذشت و در جوار مزار
خواجه نظام‌الدین اولیا دفن شد. او در سرودن شعر نیز
دست داشت از آثار وی: «مطب» (جمع الحوامع) یا
«جامع الجوامع» (تجمله اعلوکه) شرح موجز بر «قانون» و
«مجلسی» و «عشرة کامده»

تذکره روز روشن (۵۵۸-۵۵۹)، دانشمندان و سخن
سرایان فارس (۳/ ۶۶۲-۶۶۳)، الدرریمه (۵/ ۴۸، ۹/
۷۳۸-۷۳۷)، قریمگ سخوروان (۶۲۵)، کاروان هند (۲/
۹۰۶-۹۰۷)، مرآة المصاحبه (۴۲۵-۴۲۶)

علوی کاشانی، میرزا طاهر / میر محمد طاهر. (وف
۱۳۶ ق)، شاعر، متحضر به علوی. از شعرای عهد شاه
سلیمان صموی است. نخست در اصفهان می‌زیست، در
۱۸۳ ق به کشمیر رفت و در همانجا به سر برد تا وفات
یافت. از او منظومه‌ای موسوم به «احمد و حلاج» و
«دیوان» شعری باقی مانده است

تذکره روز روشن (۴۹۷)، تذکره شعرای کشمیر (۲/ ۷۲۹-
۷۳۰)، الدرریمه (۹/ ۶۲۲)، ریحانه (۴/ ۱۹۱)، صبح

طلای نابیه، پا رقم. «فاطمه کاتبه علی».
حوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۷۳)

علی. (س دهم ق)، نقاش. وی در شیوه محمد زمان تصویر می‌ساخت. از آثار رقم دار وی، تصویر شاهزاده جوانی است که لباسهای دوره صفوی به تن کرده و تاج بلندی به سر نهاده است. در مقابل شاهزاده، دختری با چند رشته مروارید به گردن آویخته و در حال صحبت با شاهزاده، گلی را به او تعارف می‌کند. با رقم «غلامراده قدیمی علی».
حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۵)

علی. (ر ۱۲۰۲ ق)، نقاش. وی با مسجع و عیسی ابوطالب رقم می‌نهاد. از آثارش یک چندر عیسی پرمایه‌ای است که به شیوه آقا میرکی انجام یافته و در نوع خود دلانگیز است. این اثر پیرایه که در زمینه خودی انجام یافته، خرم رنگی از گل‌های گوناگون است که به رنگهای سیر و تاریک، نقش بسته و با تشعیر و حل کاری استادانه حاشیه‌گیری شده است و رقم «ای علی».
ابوطالب ۱۲۰۲ دارد.
حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۵، ۳۶۴)

علی. (ز ۱۲۴۱ ق)، تلمذ آن ساز و مجلد هنرمند دوره فتحعلی شاه قاجار بود که در ترسیم گل و مرغ و تذهیب و ترصیع آن، استادی خوش قدم به شمار می‌آمد. از آثار وی جلدی است که به گل و مرغ آرایش و تذهیب شده و اشعری در وصف فتحعلی شاه به نسبتی زیبا ثبت کرده و چنین رقم نهاده است. «رقم کلک علی سده حایر آمد» ۱۲۴۱
حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۲)

علی. (س سیزدهم ق)، نقاش و میناساز. نقاش چهره‌پرداز و شیبه‌ساز دوره فتحعلی شاه قاجار بود که در گل و مرغ و ترصیع جواهرات و میناسازی مهارت داشت. از آثار وی، آینه پراچین میانی بیضی شکلی که حواشی و کدهای آن مرصع به جواهرات قیمتی است و دسته‌ی یشم سفید دارد، با رقم «علام خانواد علی» تصویر اینستاده فتحعلی شاه که روی سنگ یشم ارائه شده و جوانان آن مرصع به جواهرات قیمتی است و رقم «غلام حبه‌رود علی» دارد؛ تصویر محمدعلی میرزا دولتشاه به کلاه جواهر

نشان که در مدالیون گلابی شکلی به استدی نقش بسته، با رقم «علام خانه‌رود صبی».
حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۲-۳۶۳)

علی. (ز ۱۳۱۰ ق)، نقاش و خطاط. وی تصاویر حیوانات و گل و مرغ و سایر اشکال مختلف را در کمال ریزدستی و به شیوه ناحی به مهارت انجام می‌داد و در مستعین و نسخ ناحی هم قلمی خوش داشت از آثار وی: تصویر دسته‌گر متزعی که روی کاعدهای آهاری و شیوه ناحی انجام یافته، با رقم «عبد علی» تصویر گوی وحشی با خرسی قوی هیکل که به هم در آویخته‌اند، با رقم «ارفعه صبی ۱۳۱۰» تصویر کودک عربی که با چوبدستی خود با لک لک بلند قدی بازی می‌کند و او را پرواز می‌دهد، با رقم «نقشه علی».
حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۵)

علی. (ر ۱۳۱۲ ق)، خطاط. از آثار وی، دو لوحه بر مرمر موزون، به خط ثلث سه دایک کبیسه خوش، و رقم «کنه علی ۱۳۰۳» و «۱۳۱۲».
حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۵)

علی آبادی، احمد، فرزند فتح الله. (تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده و مدرس در تهران به دنیا آمد پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ۱۳۰۸ ش امتحانات کلامی ثبت اسناد را گذراند و به خدمات دولتی مشغول گردید. در ضمن در دارالمعلمین عالی به تحصیلات خود ادامه داد و به اخذ لیسانس نایل گردید. در ۱۳۱۲ ش به آمریکا رفت و در آنجا ادامه تحصیل داد. در ۱۳۱۹ ش به آن برگشت و عهده‌دار مشاعلی گردید. ریاست تعلیمات، بازرس وزارت دادگستری، وکالت، ده‌گستری، مشاور حقوقی شرکت نفت، ریاست محاکمات و ررت فرهنگ، ریاست تعلیمات و روابط فرهنگی، تدریس در آموزشگاههای عالی، اثر وی: «حق تعیم و تربیت»؛ «سیاست ملی و پیشرفتهای اجتماعی».

کتابنامه: سنجین ده انقلاب (۲۵۱)، مؤلف: کتب چاپی (۱/ ۲۲۸-۲۲۹)

علی آبادی، هیدر حسین. (تو ۱۲۸۱ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات سادایی و متوسطه وارد مدرسه علوم سیاسی شد. بعد از

علی آقا خوانساری (ر ۱۳۰۴ ق)، سفارش، مذهب و خطاط، اهل خوانسار بود و مذهب چانکی فقه و خطاط خوش رقصی نه شمار می‌رفت. تنها اثر رقم‌دار وی، جلد روشنی رحلی است که به انواع نقوش تذهیبی و طلاکاری رایش یافته و رقم نقاش در داخل هشت تریج گوناگون و به خط رقاع استادانه و رنگ طلایی جلد بظر می‌کند که چنین است: ۵. علی آقا خوانساری ۱۳۰۴.

حوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۶۶-۲۶۷)

عیاری تبریزی، ملا علی، فرزند عیدالله بن محمد قراچه‌داعی دیزماری، (۱۲۳۶-۱۳۲۷ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، دیب و شاعر در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزا احمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقا مجتهد به نجف رفت و در آنجا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای برگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تشمد سود و به اجازه اجتهاد و رتبه از هر یک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و سی‌وقه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر دروسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «مباح‌الامان فی علم الرجال» که شرحی است بر «زبدة المقال» و «متممی الامال» در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح العوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاة الوصول فی علم الاحصول»؛ در شش مجلد؛ «مناهی الاحکام فی اصول الفقه»؛ شرح مزجی بر «معالم»؛ در پنج مجلد؛ «مباح‌الملة فی تعیین الوقت و القبلة»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»؛ در پنج مجلد؛ «ریاس المتقاصد»؛ در شرح فعیلة حسن بن راشد علی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛ شرح «دعای مسات»؛ «نهج الاعلان فیما یشیت به دخول رمضان»؛ «الوفیة»؛ در شرح «الغز، الکافیة» شیخ بهایی؛ «هدایة انطالس»؛ رساله عملیه؛ «دیوان» شعر.

اعتمادالشمیسه (۸/ ۲۸۲)، قدیمه (۲/ ۲۹۶، ۳/

۱۵۹-۱۶۰، ۹/ ۷۶۰، ۱۳/ ۲۵۰، ۲۱/ ۲۱، ۲۲/ ۲۳، ۲۳/ ۲۱۰،

۲۵/ ۱۷، ریحانه (۲/ ۱۹۶-۱۹۷)، سخنران آذربایجان،

(۱۲۰-۱۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/

پایان تحصیلات خود در آن مدرسه با اولیای دسته دانشجویان اعزامی به خارج به فرانسه رفت و موفق به اخذ لیسانس در رشته حقوق خصوصی و اقتصاد شد. پس از آن به تحصیل فلسفه پرداخت، سپس به انگلستان مسافرت کرد و در دانشگاه لندن به فراگیری زبان و ادبیات انگلیسی پرداخت و به ایران مراجعت کرد و در دانشکده حقوق و دبیرستان دارایی به تدریس اشتغال ورزید. بعد در وزارت دادگستری به سمت مشاور عالی قضایی اشتغال یافت. اثر وی: «حقوق جایی».

کتابنامه مستقیم دهه انقلاب (۲۵۱)، مؤلف کتب چاپی

(۳/ ۷۳۶-۷۳۷)

علی آبادی، محمد حسین، فرزند حبیب‌الله (ن ۱۲۸۸ ش)، مدرس، شاعر و نویسنده در تهران به دنیا آمد. دوره متوسطه را در دبیرستان دارالفنون به پایان رسانید و در رشته حقوق و علوم سیاسی به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ لیسانس شد و دوره دکترای همین رشته را در پاریس به اتمام رسانید و به ایران بازگشت. چندی به سمت مستشار استیفاء در اصفهان به خدمت اشتغال ورزید و مدتی نیز در کرمان انجام وظیفه کرد. سپس به تهران منتقل شد و در وزارت دادگستری و در سمتهای مختلف به کار پرداخت و بعد به دانشیاری دانشکده حقوق منصوب گردید و در همان سال به استادی دانشگاه تهران انتخاب شد. وی غیر از مقالات و نوشته‌هایی که در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسانده، چند اثر دیگر بطور جداگانه تألیف کرده است که می‌توان «اعل شکست جامعه ملل» را از آن جمله نام برد. شعر «خاکستر» او نیز مشهور است.

چشمه روشی (۶۷۵-۶۶۵)، سخنران نامی معاصر (۴/

۲۵۲۵-۲۵۳۱)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۸۲۲-۸۲۳).

علی آقا (س چهاردهم ق)، قاطع و نقاش کامدیر چابکدستی بود که نقوش مورد دلخواه را بر روی کاسه‌های مخصوص طرح کرده و با قیچی و ادوات مخصوص آن را می‌برید و حالت می‌داد. از آثار وی، قرین و کتانت اسماء مبارکه الهی و امامان (ع) که به خط استادانه‌ای طراحی شده و حواشی آن را به گلنهای تزیینی بسیار خوش منظر و سازگ قطعی ارائه داده است و در داخل تریجی رقم نهاده: «علی آقا».

سوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۶۶).

۱۲۷۶-۱۲۷۷، عصماء معاصرین (۹۷، ۹۶)، لغت نامه
(دیل / علی علیاری، معجم المولفین (۷/ ۱۴۰)

علیاری تبریزی، میرزا حسن / محمد حسن، فرزندان
ملا صبی (۱۲۶۶-۱۳۵۸ ق)، عالم، در روستای علیار تبریز
به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم عقلی و نقلی، علم رجال،
درایه و ریاضیات در نزد پدرش علامه حاج ملا صبی
مجتهد علیاری، برای ادامه و تکمیل تحصیلات در ۱۲۹۷
ق به نجف رفت وی در نجف در برد فاضل ایروانی و
فاضل شرایانی و آقا میرزا محمد عبی رشی و حاج ملا
احمد شبستری و حاج میرزا ابوالقاسم حایری و آقا میرزا
نعم الله مازندرانی و آقا میرزا محمد علی حکیم الهی
مرفندی تلمذ نمود. او از فاضل شرایانی و ملا احمد
شبستری و میرزا ابوالقاسم حجت حایری و میرزا محمد
علی رشتی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن
اصمہانی اجازه اجتهاد و روایت گرفت و به تبریز بازگشت
از آثار وی: «حقائق الحق»، «نظم الترهات»، در تفسیر قرآن،
«مجمع المعارف»، در تعیین مواقع، در دو جلد؛ «مشکاة
الانوار فی اصول الدین»، در دو جلد؛ «مشکاة الوصول الی
علم الاصول»، در پنج جلد؛ «مقاید الايمان»، در شرح
«دعای حدیثه»، «اصراط النجاة»، «محنة لیبیة»،
«مواهب السیئة»، در دو جلد؛ «حبیب المتین»، «جامع
السعادة»، در سه جلد؛ «زالال المقام»، در دو جلد؛ «بدائع
الاسلام»، در شرح «اشرایع الاسلام»، «اللاکی المخزونة»،
در تفسیر «ابا اعطیناک الکوثر»، «کسر الغرائب»،
«مصابن الابرار»، در دو جلد؛ «دلائل الشهادة»، در سه
جلد؛ تعدیفات بر «الریاض» و «الرسائل» و «المکاسب» و
«انوارین».

الذریعه (۳۹/ ۱، ۱۳۰، ۶۲/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه
(قرن ۱۲/ ۴۱۶)، علماء معاصرین (۱۸۰-۱۸۱)، مکرم
الأنار (۱۸۲۳-۱۸۲۴).

علی اشرف نقاش افشار (ز ۱۱۶۹ ق)، نقاش، مذهب،
حصاص و شاعر از ایل معروف افشار ارومیه بود و چینی بر
می آید که وی، برادر بزرگ الله وردی نقاش باشد. وی
شاگرد ممتاز استاد محمد زمان اول بود و برخی نیز او را
شاگرد استاد محمد علی بیگ، نقاشی دربار نادرشاه،
دانسته اند. وی با میرزا احمد تبریزی، خطاط معروف
تسخیر، دوست و همدم بود و در خلق بعضی از آثار
همکاری داشته اند. علی اشرف در ارائه گل و مرغ و حالت

پرندگان و حشرات مهارت داشت و در رنگ آمیزی و سایه
پردازی آنها به پایه طبیعت، وسواس داشت. در چهره
پردازی و شبیه سازی ببر، نقاش قوی دستی بود و به غیر
ز آنها، در تذهیب و ترصیع و تشعیر و حل کاری و مرعش
سازی و حتی کتابت خطوط سیخ و نستعلیق و شکسته نیز
صاحب قلم بود و شعر را هم نیکو می سرود. سبک وی
مورد تقلید عده ای از نقاشان بعد از او قرار گرفت و
نقاشانی از جمله، استاد محمد نقاش، آقا باقر اول و آقا
صادق اول پیرو او بودند و از شاگردان مهم وی به شمار
می آمدند. از آثار او: جلد گل و مرغی قرآنی که در کمال
لطافت و ملاحظت است و به حد شکسته طلایی رقم از
بعد محمد عبی اشرفست ۱۱۳۵ هـ دارد؛ قلمدان مرعشی
قرمز رنگی که بر روی آن گل و مرغ نقش شده، با رقم، «ز
بعد محمد عبی اشرف است ۱۱۵۹ هـ؛ قلمدان شبویی که
تصاویر آن قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسانست، با
رقم، «ز بعد محمد عبی اشرف است سنه ۱۱۶۱ هـ؛ قاب
آینه گل و مرغی دلواری که به تردستی و مهارت انجام یافته،
با رقم، «ز بعد محمد عبی اشرف است ۱۱۶۹ هـ».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۶۸-۳۷۳)، تاریخ هنرهای ملی
(۲/ ۹۳۲-۹۳۳)، گرامت بزرگان (۳۱۱-۳۱۲)، گلستان
« (۶) دل، « (۶) پهل و « (۶) البائر و الآثار (۲۱۹)،
هنر قلمدان (۱۰۱-۱۰۲)

علی اصغر (ز ۱۱۳۸ هـ)، مذهب، نقاش و تلمذ سار
از هرمند دو ناصربالدین شده و مظفرالدین شاه قاجار
بود، که در شبه پردازی و قلمدان سازی و ارائه
علاکارهای متنوع مهارت داشت. از آثار وی: تصویر
انابک اعظم که روی صندلی نشسته و در حاشیه، هلالهای
ریبا و اسلیمیهای گوناگون ترسیم شده است، با رقم «خانه
راد حقیر علی اصغر ۱۱۳۱۲ هـ؛ قلمدان مذهب و عالی که در
زمینه زرد نخودی، به استادی تذهیب و تشعیر شده و
تصویری از پرندگان و جانوران به نازک قلمی نقش شده
است، با رقم «خانه راد علی اصغر ۱۱۳۱۸ هـ
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۴-۳۷۵)

علی اصغر شیرازی - اصغر شیرازی، ملا علی صفر.

علی اصغر شیرازی - شمشیرگر شیرازی

علی اصغر مذهب (س دوم ق)، مذهب و نقاش اهل

است: «شارت نامه»، در وزن «مثنوی» مولان در حدود ۸۰۳ ق به پایان رسیده «کرمی نامه» به همان وزن که در ۸۱۰ ق تمام کرده «قیامت نامه» در بحر هزج که در ۸۱۴ ق به پایان رسیده «توحید نامه» به وزن «مثنوی» مولوی. او او کتابی به نثر به نام «مختصر نامه»، باقی مانده است. سیرج نظم و سحر (۷۹۰-۷۹۱)، خسرویه در ساریج (۲۸-۲۴)، مبله جستجو در تصوف (۵۸)، مفرمه‌های فارسی (۲۳۲)

علی اعلی اصفهانی، فرزند زمین‌الماییدین بته. (وف ۱۱۳۶ ق)، خطاط، موسیقیدان و شاعر. از مردم کوسار اصفهان بود و از کودکی با محمد علی حوین معاشرت داشت. وی در موسیقی ماهر بود و خوش می‌خواند و همه خطوط را نیک می‌نوشت از علوم متداول نیز بهره‌مند بود و شعر می‌گفت و اشعار فراوان از حفظ داشت و به هلم فرائد مسلط بود. هنگام غلبه رومیه بر همدان به قتل رسید.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۳۵)، تذکره‌ای معاصرین (۲، ۸۰۲)

علی کبر. (ز ۱۰۳۵ ق)، نقاش، تصویرگر و شبیه‌پرداز. بنّای تیره محمد زمان و حلیقی جبارداره شبیه‌پردازی و چهره‌سازی می‌کرد و کداره‌ها و زمینه را به گل و بوته استادانه آرایش می‌داد. از آثار وی، قیامانی است که صورت یکی از شاهزادگان صفوی را در کمال مهارت تصویر کرده است و رقم نهاده «علی اکبر ۱۰۳۵». احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۶)

علی اکبر. (ز ۱۱۲۰ ق)، فلک‌کش، نقاش و هراج فلزات سخت و فولادی بود. از آثار وی: تیغه استادانه قیمة فولادیه است که به نقوش و ترمیم موزون اسلیمی آرایش یافته و به خط طلایی رقم «عمل علی اکبر» دارد؛ رحل فولادی و مشک دق و معناری که در کنارها، ادعیه و خطوط زیبا جلب نظر می‌کند، با رقم «... بنده کمترین علی اکبر (۱۱۱۲)» قیمة ارزنده‌ای که کناره قبضه آن به اشکال اسلیمی طلاکوب شده و به خط نسخ طلایی رقم «عمل کمترین علی اکبر ۱۱۲۰» دارد. احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۹)

علی اکبر. (مس سیزدهم ق)، نقاش. اهل اصفهان بود

قروین و از شاگردان خواجه عبدالعزیز اصفهانی بود و در کتابخانه شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) به خلق آثار هنری اشتغال داشت. تنها اثر به جا مانده وی، تصویر پرازمه‌ای است که در متن نسخه «تیمور نامه» هاتمی جلب نظر می‌کند و در آن، نقش دو دختر که با پسر جوانی سرگرم صحبت هستند و زمینه اثر، با طلای ناب، حل کاری شده و رقم «صوره ملا علی اصفی» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۰۴)، مناقب خسروان (۱۰۶۱۰۵)

علی اصفهانی. (ز ۱۲۹۶ ق)، قلمدان‌ساز هنرمند ماهر اصفهانی بود که در عصر ناصری می‌زیست. از آثار وی: قلمدان گل و مرغی خوش نقشی که در شیوة لطفعلی انجام یافته، و چنین رقم نهاده «رقم بنده علی اصفهانی ۱۲۹۶». احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۸)

علی پیگ اصفهانی. (مس یازدهم ق)، موسیقیدان و شاعر استاد موسیقی و نوازنده کمانچه بود. از ایران به هندوستان رفت و به خدمت خان خانان عبدالرحیم خان (۹۶۴-۱۰۳۶ ق) پیوست. وی شعر نیز می‌سرود. مرنگ سخنوران (۶۴۶)، کاروان هند (۲/ ۹۰۸)، سنجی رجبی (۲/ ۱۶۹۹-۱۶۹۷)

علی اصفهانی، فرزند محمد ابراهیم. (مس چهاردهم ق)، نقاش اهل اصفهان بود. تحت نظر پدر تعلیم یافت و در آبرنگ مهارت پیدا کرد از آثار آبرنگی وی، تصویر مسجمان و ستاره‌شناسان است که به رصد فلک نشسته‌اند و سایه‌های اثر، هاشوری است، با رقم: «علی بن محمد ابراهیم اصفهانی».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۹-۳۶۰)

علی الاعلی، ابوالحسن دستگردی اصفهانی. (ز ۸۱۴ ق)، صوفی و شاعر متقرب به خلیفه‌الله و وصی‌الله. هلم دستگرد اصفهان بود. در توحه سانگی به خدمت فضل‌الله حررفی رسید و پ دختر وی ازدواج کرد و بعد از کشته شدن فضل‌الله، جانشین او شد و برای تبلیغ طریقه وی به خاک آناطولی (روم شرقی) رفت و در آنجا ساکن شد او نیز همانند شیخ خود جان بر سر تعالیم و هدف خود گذاشت و به قتل رسید. او «حاجان نامه» استادش را به نظم کشید. وی درباره طریقه خسرویه چند مثنوی سروده

۴۲۹، ۴۳۰)، چاپ انکار (۶۸)

علی اکبر اصفهانی. (ز ۱۲۶۶ ق)، خطاط از آثار وی. یک مرقع، به قلم پنج دانگ تا دو دانگ خوش، به رقم: «کمترین علی اکبر، فی ۱۲۶۶؛ یک مرقع به قلم پنج دانگ تا دو دانگ خوش و بیشتر ناحی، یا رقمی، از انچه الحروف علی اکبر» و «اکبر الاصفهانی، فی ۱۲۶۶» احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۳۵-۲۳۶).

علی اکبر تفرشی. (ز ۱۲۴۵ ق)، خطاط ملقب به کاتب السیطان. از خوشنویسان دربار فتحعلی شاه قاجار بود. وفات او را سپهر ۱۲۴۵ ق ضبط کرده است. از کتبی یک نسخه «کتابت» فتحعلی خان صبا، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتاب الحصره لاطی، علی اکبر تفرشی... ۱۲۴۰» یک صفحه به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتاب علی اکبر تفرشی فی سنه ۱۲۳۷» احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۳۶).

علی اکبر حجار - علی اکبر مصور حجار

علی اکبر مصور حجار، فرزند محمد علی. (ز ۱۲۶۳ ق)، حجار و نقاش. وی همکار اسماعیل خلایر و در ابتدا از شاگردان او در مدرسه دارالفنون بود. این هنرمند با کمال آمیختگی به اروپا رفت و صنعت تصویر و مجسمه‌سازی را در فرانسه تکمیل کرد و به پراگ بازگشت. استاد علی اکبر در طراحی و شیوه کلاسیک، نقاشی تیریس و دقیق بود و رنگ و روغن را بسیار خوش می‌ساخت. از آثار وی: تصویر تمام قدرنگ و روغنی ناصرالدین شاه قاجار که گلاب بوفی به سر نهاده و در سمت راست تصویر، نقاشی کوچکی بر روی دیوار دیده می‌شود که یکی از تصاویر اسماعیل خلایر است، یا رقم: «عمل بنده درگاه علی اکبر مصور مشهور به حجار شاگرد استاد المصوری میرزا اسماعیل خلایر سنه ۱۲۶۳؛ مجسمه برنزی ناصرالدین شاه سوار بر اسب که از کارهای عمده اوست.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۹-۳۷۸)، تاریخ سرگزشتگان (۲۰۹-۵۲۰)، تاریخ هنرهای منی ۲/ ۱۰۰۹-۱۰۰۶، گستان هنر (پناه و دی).

علی اکبر نایینی (ز ۱۲۹۹ ق)، خطاط از آثار وی: یک نسخه «تحفه المؤمنین» به قلم نیم دو دانگ مترسط، با

در تصویر و کتابت خطوط، به شیوه ناحی مهارت داشت. از آثار وی: تصویر ناحی ناصرالدین شاه که در کمال چهره دستی اسحاق داده، یا رقم: «علی اکبر» تصویر فرشته براف که صورتی انسانی دارد و بدنش به سان اسب است. در این معراج آسمانی، حضرت محمد (ص) سوار بر برای به طرف آسمان عروج می‌نماید و به خط مستطیل ناحی با رقم کمترین علی اکبر» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۵-۳۷۶)

علی اکبر. (من سیردهم ق)، قلمدان سار. هرمد دوره قاصری بود. از آثار روحانی وی، قلمدانی است که در زمینه مرعشی تیره انجام یافته و به تذهیب بسیار شیوا آراسته شده است و رقم «علی اکبر» دارد. احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۶).

علی اکبر بهری، فرزند محمد علی (ز ۱۲۴۲ ق) خطاط، از آثار وی: یک نسخه «فوائد الاصفیة» علی اقص طیب قزوینی، به خط نسخ کتابت حمی متوسط، با رقم «قد فرغ من تصویر هذا الكتاب... علی اقل لکتاب...» محمد علی، علی اکبر الانهری، فی تاریخ... اثن و عشر... ماه و الاث ۱۲۲ هـ

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۱۶).

علی اکبر اصفهانی. (من یازدهم ق)، معمار، طراح و شاعر، متخلص به اکبر. ملقب به معمار ناشی. در اصفهان فعالیت داشت و در عهد شاه عباس کبیر (۹۸۵-۱۰۳۸ ق) بر دو طراحی و نقشه‌های درونی و بیرونی بناها و مساجد را خود انجام می‌داد و در ساخت آنها نیز شرکت می‌کرد. یکی از آثار مشهور وی، مسجد شاه اصفهان است که نام معمار آن در کتیبه سر در مسجد و به خط محمد رضا امامی (و به قوی عبیر رضا عباسی) کتابت شده و چنین رقم نهاده است: «قد تمت بعمول الله... به معماریه من فی العمل کالمهندسین... استاد علی اکبر الاصفهانی...» از دیگر آثار وی «ادب» شعر می‌باشد.

آثار ملی اصفهان (۶۶۶)، حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۵)، تاریخ اصفهان (۳۵۸-۳۵۷)، تاریخ هنرهای منی (۲/ ۹۲۶)، تذکره روز روشن (۶۹)، تذکره نصرآبادی (۱۳۸)، التریفه (۸۸/ ۹)، سیح گلشی (۳۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹)، فهرست بناهای تاریخی و اماکی باستانی (۳۰)، کمرنامه برگز (۲۰۳-۲۰۴)، گنجینه اثر تاریخی اصفهان.

بن احمد طبرانی، قمی، مشهد دیوری و ابریکر محمد بن عبدالله طبرانی را می‌توان نام برد خود تیز شاگرد احمد بن مهدی، جنید بغدادی (م ۲۹۸/۲۹۷ ق) یونس بن حبیب و ابوعبدالله محمد بن یوسف بن معدان پناه

اصعدهی بود. در قبرستان طویجی مدفون است

تذکره‌القبور (۲۳۲-۲۳۳)، حلیه‌الاولیاء (۱۰/ ۴۰۵-۴۰۴)، ترجمه رساله کشویه (۶۲)، شرح شطحیات (۲۹)، طبقات الصوفیه سلمی (۲۲۶-۲۲۳)، طبقات الصوفیه هروی (۲۸۶-۲۸۳)، نقحاحات لاس (۱۰۲-۱۰۳).

علی بن شعیب سقاء، (س سوم ق)، صوفی، از اهالی حیره سینا بود و با ابوجعفر حداد (س سوم ق)، صحبت داشت. وی پنجاه و پنج بار حج گزارده بود.

طبقات الصوفیه هروی (۲۸۸)، لست سماء (۱۰۸)، سقاء، معجم الاس (۱۰۸).

علی بن عیسی کحال، (وف بعد ر ۴۰۰ ق)، طبیب. در علم چشم پزشکی ماهر و صادق و نظرش مورد احترام همگان بود. از آثار وی «تذکره الکحالیین» که در سه مدنه تحویر یافته و در آن از جمیع بیماری‌های چشم و درمان آن و آرا و عقاید اطباء پیشین یاد کرده است که در دوران خود و پیش از وی عموم چشم پزشکان از آن استفاده می‌کرده‌اند، این ابی اصیبه گوید. اهمیت این کتاب به قدری است که چشم پزشکان باید آن را بخوانند و به آن اکتفا کنند چرا که به کتاب دیگری احتیاج نیست.

تاریخ طب (۲/ ۶۸۰)، کشف‌الغلبون (۳۹۰)، هدیه‌الدربین (۱/ ۶۸۵).

علی بن محمد بن ابوالقاسم نقاش، (ز ۶۰۳ ق)، طراح فلزات، نگارگر و حراح قدرت سعت بود و در نقش و نفر تصاویر به شیوه نقره و طلاکوبی مهارت داشت و در قالب ریزی و مجسمه‌سازی نیز، از استادان بی‌قرینة زمان به شمار می‌آمد. از آثار استادانه این هنرمند، مجسمه فولادی سه حیوان است که در این اثر، گاوی که به گوساله خود شیر می‌دهد، مرده حمله شیری واقع شده و شیر به پشت گاو تشسته و کوهان و گردن وی را به دهن گرفته است این مجسمه، یکجا قالب گیری و نقره کوب شده است، با رقم «عمل علی ابن محمد ابن ابوالقاسم نقاش تاریخ محرم سنه ثلاث و ستیانه»

حوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۶۰)

رقم: «مرقوم قلم شکسته رقم اقل... علی اکبر التاشی گردید. تحریراً فی شهر رمضان المبارک من شهر سنه ۱۱۹۹»

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۳۸)

علی بابا شیرازی، فرزند میرزا محمد شبیه ساز، (ز ۱۲۵۸ ق)، خطاط، از آثار وی یک نسخه «ادبوان» میرزا تقی علی آبادی، به قلم کتات حقی خوش، با رقم: «لکتاب... علی ساد اس مرحمت پناه، میرزا محمد شیرازی... فی سنه ۱۲۵۸»؛ یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا به قلم کتات حقی خوش، با رقم: «... علی بابا ابن مرحوم میرزا محمد شبیه ساز شیرازی تحریر یافته... فی سنه ۱۲۵۵».

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۳۹)

علی بادامپاری - بادامپاری، خواجه علی.

علی پدر، (س هشتم ق)، شاعر از شاعران دربار هرات بود. در ۷۹۱ ق به خدمت میرانشاه پسر امیر تیمور گورکان رسیده و قصیده‌ای در مدح وی سروده است.

حبیب‌السیر (۳/ ۵۵۰)

علی یگانی ابوالحسن، (س دوم ق)، صوفی، وی با متقدمان مشایخ صوفیه همچون، ابراهیم ادهم (م ۱۶۱/۱۶۲ ق)، ابواسحاق قزازی و محمد ابن حسین مصاحبت داشت.

حلیه‌الاولیاء (۹/ ۳۱۷-۳۲۲)، نقحاحات لاس (۱۱۹-۱۲۰).

علی بن جعفر، (س دهم ق)، خطاط، از خوشنویسان عصر شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) است. از آثار وی، لوحه مرمر منصوب در ایوان صفه صاحب مسجد جامع اصفهان، به خط ثلث در دایره کتیبه خوش، با رقم: «السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب به درخانه... سنه العید علی بن جعفر...».

آثار منی اصعدهان (۵۸۳-۵۸۲)، احوال و آثار خوشنویسان

(۴/ ۱۱۲۵)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۹۰)

علی بن سهر بن ازهر اصفهانی، ابوالحسن، (وف ۲۸۰ ق)، عارف، از مشایخ شهر اصفهان بود. با جنید مکتبه داشت و به او ارادت می‌ورزید. از شاگردان وی: سیمان

موجود است که در تصویر اول، صحنه مهمانی و ضیافت سلطنتی را در باغ مصفاای نشان می‌دهد. ر حواشی آن به تذهیب و ترمیم آراسته شده و در تصویر دوم، نقش درخت تنومند و بزرگی است که در روی تخته پهن‌ورش آلاچین ریایی وجود دارد و پنه‌های چوبی آن به سطح زمین متصل شده است، با رقم: «عمل فقیر علی بیک ابن مولانا مانی نقاش»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۸۱-۳۸۱)

همی بیگ تبریزی. (س دهم ق)، خطاط. از خوشنویسان تبریز بود. وی خطوط را با مهارت می‌نوشت و اکثر کتیبه‌های مساجد و عمارات تبریز به خط اوست صاحب «گستان هنر» با وی ملاقات داشته است. ظاهراً قاضی میر احمد منشی ترجمه حال وی را در دیل دو مدخل آورده است.

گستان هنر (۳۸)

علی بیگ کاتب، مرزند شاطر محمد رکابدار. (س دهم ق)، خطاط. وی رکابدار شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۴۴ ق) و در قطعه نرسی و رنگه نرسی می‌نیل بود. از آثار وی: دو قطعه از یک مربع، به قلمهای دو دانگ و نیم دو کتبی و کتابت جلی عالی، با رقم: «کتابه العبد الفقیر علی بیگ الکاتب» و «مشقه العبد علی بیگ الکاتب»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۴۰)

علی بیلدار پهلوان تبریزی. (س دهم ق)، شاعر وی از غزل‌سرایان دستگاه سام میرزا صفوی (م ۹۷۴ ق) بود از اوست:

تا گشت مرا دل رخم یار پریشان
جمعیت خاطر شده بسیار پریشان
چنانا نغری همدم اختیار که آخر
گل می‌شود از همدمی خار پریشان

تاج نظم و نثر (۶۹۴) تحفه سامی (۳۴۹)، دانشمندان در پهلوان (۷۷۰-۷۷۱)، سحران آذربایجان (۲۶۴)

علی ترکمان خراسانی، میرزا علی قلی، فرزند سلیمان حلقه. (ز ۱۰۲۲ ق)، شاعر، متخلص به علی در خراسان به دست آمد و در همان جا بشو و سما رفت. پس از کسبه شد پدرش به و میبده اوزنکان، به همراه خانواده خود به عراق رفت و به ملازم شاه عباس صفوی رسید. چون او

علی بن محمد بن ابی طاهر. (ر ۶۸۸ ق)، کاشی ساز و خطاط. وی در تصویر بر روی کاشیها و پخت و لعاب کاری آنها و همچنین در خط نسخ و ثلث و رقاع مهارت داشت. از آثار وی، کاشیهای زیبا و پر مهارت محراب مسجد ورامین، با رقم: «کاتبه علی بن محمد بن ابی طاهر» دارد؛ محراب باشکوه و پرآرایش مسجدی در قم، با رقم: «کاتبه علی بن محمد بن ابی طاهر، عاشر من صفر ثلاث، ستین و ستمائه» محراب امامزاده حبیب بن موسی (ع) در کاشان که تاریخ ۶۸۸ ق دارد. در «آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز» دو تاریخ ۶۷۰ و ۶۷۷ ق به جای آن ذکر شده است.

آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز (۱۱۰)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۶۱-۳۶۰)، کارنامه پرزگان (۰۲)

علی بن محمد بن مقدم. (س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی عظیم مذهب، متن نسخ کتابت جلی باقونی خوش، مر سوره‌ها و سه سطر در هر صحنه ریحان و ثلث سه دانگ خوش، بلکه عالی، با رقم: «خدم بکتاتیه العبد المذنب علی بن محمد بن مقدم...» (قرآن ۱۰)

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۲۳)

علی بن محمد رضا سلطان الکاتب. (س سیر دهم ق)، نقاش و مذهب پدر وی شاعر بود و صفا محصل می‌کرد و خود نیز هنرمندی صاحب قلم بود که تذهیب را پر مهارت می‌ساخت و در آبرنگ و چهره پردازی ماهر و صاحب کمال بود. از آثار آن: تصویر شسته مظفرالدین شاه با آبرنگ، که در حواشی تصویر، تذهیب و جداول زریں دارد، با رقم: «رقم جان نثار علی بن سلطان الکاتب»؛ تصویر یکی از رجال قاجاری که با تذهیب و تشعیر آراسته شده، با رقم: «علی بن سلطان الکاتب»؛ تصویر یکی از رجال شیرازی که تذهیب خوش نقشی دارد، با رقم: «کمترین علی بن سلطان الکاتب»

حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۵۹-۳۵۸)

همی بیگ بن مولانا مانی نقاش. (س دهم ق)، نقاش هنر تصویرسازی را از پدر خود و سایر استادان رمان فراگرفت او در چهره سازی و منظره پردازی و تصویر مجانس گوناگون صاحب ابتکار بود از آثار وی دو تصویر پر حالت و زنده، در کتاب «یوسف و زلیخا»ی جامی

علی الکاتب لسلطانی... سنه ۱۰۰۸؛ یک قطعه از مرقع، به قلم دو دانگ و کتابت جلی عالی با رقم: «کتابه لعبد علی الحسینی الکاتب غفرله»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم دو دانگ و کتابت خوش با رقم: «فی شهر سنه سبع و ثمانین و تسعمائة، میر علی الحسینی».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۵۲-۴۵۳)

عسلی حسینی موسوی، (ز ۹۳۸ ق)، خطاط. از خوشنویسان معاصر میر علی هروی است. از آثار وی: قطعه‌ای در مرقع سید احمد مشهدی، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «کتابه لعبد المذنب علی الحسینی الموسوی فی شهر سنه ثمان و ثلاثین و تسعمائة».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۵۳)

عی خان کاشی، نوزند محمود خان ملک الشعراء، (ز ۱۳۲۶ ق)، نقاش وی شاکره در نقوش بود و در کنار پدر به اکتساب علوم و فنون تصویر سازی نیز می‌پرداخت. علی خان در آبرنگ و رنگ و روغن ماهر بود و در دوره ناصرالدین شاه قاجار مواجبی کافی داشت و جرو حقوق گیران رسمی دولتی به شمار می‌آمد. از آثار آن تصویر آبرنگ «امامزاده قاسم که در دامنه کوهی نقاشی شده و رقم ۱۳۲۶ زاده علی ولد محمود خان ملک الشعراء دارد؛ تصویر رنگ و روغنی گنج شکار شده‌ای که به وسیله سخی از دیوار آویزان شده، با رقم «بند فقیر علی ۱۳۲۶» تصویر ساده از ملایی که با فرزند خرد نشسته و به خوردن چای مشغول‌اند، با رقم «العبد علی ملک الشعراء ۱۳۲۶».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۸۳-۳۸۴)، تاریخ هنرهای ملی

(۱/ ۹۶۰-۹۶۱)، هنرستان (۱۳۳-۱۳۴)

علی خان نایب السلطنه، (وف بعد از ۱۳۰۲ ش)، خوشنویس و سرازنده، اهل سیستان و بلوچستان و از خزانندگان درجه اول و پام عهد مظفری بود و به مناسبت حضور در دستگاه نایب السلطنه به این عنوان مشهور شد. از آنجا که ماهی رمضان در منزل عضدالملک مناجات می‌کرد، به او علی خان عضدالملکی هم می‌گفتند. وی صدایی شش‌دانگ و رسا و پرطنین داشت و به قدری شدت صد و حنجره‌اش قوی بود که به او حنجره دریده هم می‌گفتند می‌گوید آقا حسینقلی به او بسیار احترام می‌گذاشت و او را استاد کامل می‌دانست. او در جوانی از محضر جناب فزونی و بیشتر از محضر آقا جان ساوادی

حاج شاه عباس مورد تکریم و رز گرفت به هندوستان رفت و به ملازمت هیدالرحیم خان خااا رسید و تا ۱۰۲۴ ق که صاحب «مأثر رحیمی» در هند بوده، او در ملازمت حال خانان بوده است. علی ترکمان در شعر از عرفی تشع می‌کرد

صبح گنش (۲۹۳)، فرهنگ مستوران (۶۲۷)، کاروان

هند (۲/ ۹۰۹-۹۱۳)، مأثر رحیمی (۲/ ۶۱۳-۱۶۲۷)

عسی تقی، (ز ۱۱۱۲ ق)، نقاش، آبرنگ‌ساز ریانگار و پرده‌ساز نازک قدم بود. از یادگارهای ارنده این هنرمند، پرده زیبای است که بسیار هنرمندانه ترمیم شده و رقم عسی تقی سنه ۱۱۱۲ دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۸۱)

علی حسینی، (ز ۱۳۰۵ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز چهره‌ساز و تصویرسازی بود که در گل و مرغ و ارنه مجالس با شکوه مهارت داشت از آثار وی: قلمدان کیانی است که تمام جوانب آن، تصاویر با شکوه و الزان پادشاهان قدیم و امپاطیری ایوانی نقش شده که از قصه‌های رزمی و نزمی «شاهنامه» فردوسی اقتباس شده تصویر شده، با رقم: «حاجی علی الحسینی»؛ قلمدان ربایی با رینه زرد بخودی که رویه و اطراف آن در گل و بوته‌های رنگین و متنوع آرایش یافته و در شیوه فتحعلی شیرازی عمل آمده است، با رقم: «کمترین علی الحسینی»؛ قلمدان شیوای گل و مرغی که در بین مدالیونها، تصاویر استادانه زلفان نقش بسته و رقم «علی الحسینی ۱۳۰۵» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۷۹-۳۸۰)

علی حسینی، (ز ۱۱۳۲ ق)، خطاط. از آثار وی: یک رفته از مرقع نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «العبد عبد عسی الحسینی، فی ۱۱۳۲».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۱۵)

علی حسینی، (ز ۱۰۰۸ ق)، خطاط. ز خوشنویسان قرن دهم و یازدهم قمری است که چندی از دوران آخر زندگی میر عسی حسینی هروی را درک کرده و مانند او «کاتب السلطانی» رقم و به شیوه میر علی هروی کتابت می‌کرد. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» امیر شاهی به قلم کتابت خفی عیار خوش، با رقم: «وقت نکتاتها العفیر میر

کری جلب نظر می‌کند، با رقم: «کتابه صبی رضا ۱۲۵ هـ».
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۸۴)

عبیرضا، فرزند محمد جعفر (ز ۱۲۵۸ ق)، خطاط، از آثار وی: یک نسخه «تذکره العابدین»، وزیر، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم «ایس سحۃ شرافت تضمین که موسوم به تذکره العابدین است». سید العبد الاحققر الکتاب علی رضا ابن حاجی محمد جعفر سمت نگارش یافت. سنه ۱۲۵۸

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۱۹).

علیرضا، (س چهاردهم ق)، نقاش، وی در گن و مرغ و آبرنگ قلم خوش پردازی داشت، از تنها اثر رقم دار این نقاش، آبرنگ خوش نقشی است که رنگ آمیزی آن جلالت چشم‌گیری دارد و رقمش چنین است: «حسب لمرموده سرکار مهربان. میرزا علیرضا».
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۸۳)

عبیرضا اصصهانی (وف ۹۸۱ ق)، خطاط معروف به عبیق وی شاگرد میرعلی هروی بود و از آثار وی قطعه‌ای موجود است که به هم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش نوشته شده و رقم «عده علی رضا الاصصهانی» دارد
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۵۶)

عبیرضا تبریزی - عبیرضا عباسی تبریزی

عبیرضا حسینی شیرازی، فرزند سید شریف، (ز ۱۲۹۷ ق)، خطاط، ز کاتبان شیراز و نواده میر محمد کلاتر بود. هنگام فرمانروایی فرهاد میرزا معتمدالدوله در فارس، کاتب مختصر وی او و در تاریخ تألیف «فارسنامه ناصری» ۱۳۰۴ ق، در قید حیات بود. از آثار وی: یک نسخه «روزنامه» میرزا محمد کلاتر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... اقل السادات علی رضا الحسینی الشیرازی، نواده مرحوم میرزا محمد کلاتر سابق شیراز... سنه ۱۲۹۷ هـ» یک نسخه «دبوان» فرخی، به قسم کتابت متوسط، با رقم، «تمت الکتاب... علی رضای حسینی شیرازی... سنه ۱۲۹۶ هـ» یک نسخه «دبوان» معری، به قلم کتابت جلی، با رقم، «کبه العبد علی رضا الحسینی الشریعی، ابن السید الشریف الشیرازی... سنه

استنداده می‌کرد. علی خان دستگه‌های موسیقی را کاملاً می‌شناخت و فی‌هم می‌بواخت و از شاگردان صفدرخان بود. وی در خواندن آهنگهای ضربی نیز ماهر بود و به قول استاد طاهرزاده تنوع تحریر علی خان را کسی نداشت. علی خان پیش از هشتاد سال عمر کرد و اندکی پس از انقراض سلسله قاجاریه درگذشت. استاد احمد مستنصر از شاگردان او بود. از وی چند صفحه از جمله همایون باقی مانده است

استاد موسیقی (۶۱)، تاریخ محول صبط موسیقی ۱۵۲-۱۵۳-۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۸، تاریخ موسیقی (۲/ ۶۶)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۶۷، ۲۹۳، ۳۷۲، ۳۸۲)، سیمای شترمدان (۲۵۶)، مردان موسیقی (۲/ ۱۷۷، ۸)

علی خویی، میرزا علی، (س سیزدهم ق)، نقاش، اهل خمی و از نقاشان دوره ناصری بود. از آثار وی: تصاویر چوبی «شاه‌مه» است که در دوره ناصری چاپ شده و در یکی از آن تصاویر، اسیر شدن خاقان چین را به دست رستم نشان می‌دهد و چنین رقم دارد: «رسم میرزا علی خویی»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۹۷).

علیرضا، (س دهم ق)، خطاط از آثار وی، یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی به جای مانده است، به خط ثلث سه دانگ جلی عالی و نسخ کتابت خوش، با رقم: «مشعه علی رضا» (فر ۱۰)

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۱۹)

علیرضا، (ز ۱۰۳۸ ق)، خطاط از آثار وی «مصباح الملاح» نیم دهمی، حلقه روغنی سر لوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، به خط نسخ کتابت تحریر خفی متوسط، با رقم: «... علی رضا فی شهر سنه ثمان و ثلاثین و الف».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۱۸-۱۱۱۷)

علیرضا، (ز ۱۲۲۵ ق)، مجلد و نقاش، از نقاشان و مدینه‌بان بود و در حل کاری مهارت داشت. از آثار وی جلد خط دار و مزین قرآنی است که در کناره‌های هر دو طرف جلد، با خطوط بسیار پخته نسخ کتابت شده و در صحنه داخلی آن، برگهای طلائی و خوشه بگوری در شیوه حل

۱۲۸۰

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۶۶۱-۶۶۲).

طبرضا خان چنگی - چنگی، علیرضا خان.

علیرضا عباسی، (ز ۱۰۹۵ ق)، نقاش و مذهب وی
عیر از علیرضا عباسی، خوشنویس معروف، است او در
تذهیب و تفسیر، استاد نادره‌کاری بود و در تصویر و
چهره‌پردازی به شیوه ایرانی و هندی دست توانایی
داشت از آثار وی، قلمدان قابوتی زیبایی است که تذهیب
پر میه و چهره‌های طلایی دارد و در شیوه‌های متنوع
تذهیب و آرایش گلهای اسلیمی و ختایی مکتب صفویه
عمل آمده است، با رقم: «علی رضای عباسی» قلمدانی
که در رویه آن تصویر شاهزاده‌ای با کلاه عمامه‌ای دوران
صفویه دیده می‌شود و کساره‌های قلمدان گلهای متنوع
دارد، با رقم: «عبیرضا عباسی ۱۰۹۵». پنج قطعه مینیاتور
در کتاب «سبحة الارباب» حاشی که کتات خطوط و قدرت
تشعیر و استادی نقاش به طرز چشم‌گیری جلوه‌گر شده، با
رقم علیرضای عباسی خطاط: «کاتبه و مصوره و مذهبه
عبیرضا عباسی بی‌مده ساری ۱۰۲۲».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۸۵-۳۸۶، ۳/ ۴۷۳).

علیرضا عباسی تبریزی، (ز ۱۰۳۸ ق)، خطاط و شاعر
ملقب به شاهسوار از بزرگترین خوشنویسان دوره صفوی و
اهل تبریز بود. وی نخست، نزد ملا علاء‌بیگ خطوط
اصول را تعلیم گرفت. بعد از حمله عثمانی‌ها به
آذربایجان، به قزوین رفت و در مسجد جامع قزوین سکنی
گرفت و به کتات مشغول شد و در همان جا به ملازمت
فرهاد خان قزلباش، از سرداران دربار شاه عباس صفوی
درآمد و در مساعره‌های مبارزین و خراسان همراه وی
بود. پس از مدتی به اصفهان رفت و به دربار شاه عباس او
پیوست و سمت خوشنویس پادشاهی یافت و به همین
مناسبت عباسی رقم کرد و کتاتاری مخصوص سلطنتی
نیر، که قل از آن صادقی کنار عهده‌دار آن بود، به وی
تفریق شد. او در همه افلام خط مهارت داشت، اما جز
ثلث و نستعلیق اثری از وی دیده نشده است. او خط
نستعلیق را به شیوه محمد حسین تبریزی می‌نوشت. میرزا
سنگلاخ و برخی متأخرین به وی لقب شاهنواز و شیخ
الحصاطین داده‌اند. وی علاوه بر خوشنویسی، طبع شعر
بیز داشت. تاریخ وفاتش را کسی ذکر نکرده، اما آنچه

معلوم است وی در تمام دوره سلطنت شاه عباس
(۱۰۳۸-۹۹۶ ق) در قید حیات بوده است. از شاگردان او،
محمد رضا امامی، محمد صانع اصفهانی و عبدالقاسم
تبریزی از همه معروفترند. از آثار وی «دیوان» شعر، کتبه
سر در ورودی عالی قابوی قزوین، به خط ثلث شش دانگ
عانی، با رقم: «...شاه عباس الحسینی... کتبه علی رضا
عباسی» کتبه سر در ورودی و گلرخی زیر گنبد مسجد
شیخ لطف‌الله اصفهانی، ثلث پنج دانگ کتبه ستار، با رقم:
«الحمد لله رب العالمین کتبه علیرضا العباسی...» کتبه
سر در ورودی مسجد اصفهان، ثلث دو دانگ کتبه عالی،
با رقم: «...ابوالمظفر عباسی الحسینی الموسوی... کتبه
علی رضا العباسی ۱۰۲۵» یک رساله کوچک، به فلم بیم
دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه العبد... علی رضا عباسی... فی
سنة ۱۰۱۰» کتبه طلای صریح مقدس آستان قدس در
مشهد، که سالها از صریح جدا شده و اکنون در موزه آستان
قدس است این کتبه ساخت مستعلی زرگر است و خط
آن، نستعلیق یک دانگ کتبه، از آثار جاویدان علیرضا
عباسی است.

آثار ملی اصفهان (۲/ ۷۰۳، ۴/ ۷۰۵، ۷۲۹)، احوال و آثار

خوشنویسان (۲/ ۴۶۱-۴۵۶، ۴/ ۱۱۱۹)، اطلس خط

(۲۹۹-۲۹۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۳۰-۱۲۸).

: تاریخ اصفهان (۳۰۴-۳۱۰)، تاریخ برگردگان

(۲۶۲-۲۶۳)، تاریخ شهرهای ملی (۲/ ۹۰۳-۹۰۵)

تذکره الخطاطین (۱/ ۲۲۷-۲۰۸)، تذکره شعری

آذربایجان (۲/ ۴۶۷-۴۶۲)، تذکره مصراعات (۲۰۷)،

خوشنویسان و هنرمندان (۵۶-۵۵)، دانشمندان آذربایجان

(۲۸۰)، دیرینه‌های فارسی (۲/ ۱۷۶۴-۱۷۶۵)

الدیرینه (۹/ ۷۵۸-۷۵۷)، ریحانه (۱/ ۳۲۴-۳۲۳، ۴/

۹۵۹۴)، مخزوان آذربایجان (۵۵۵-۵۵۹)، فرهنگ

مخزوان (۶۵۱)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن

یاستانی (۲۹، ۲۲، ۶۷، ۷۳)، گارنامه بزرگان (۱۹۸-۱۹۷)،

گنجینه شعر (۴۰، ۱۲۴-۱۲۶)، گنجینه آثار تاریخی

اصفهان (۱-۲۰، ۲۰۴-۴۰)، گنجینه (دیر)

عباسی، یادگار (س ۲، ش ۱۰ ص ۳۷-۵۷)

عبیرضا قمصری، فرزندان سید باقر (ز ۱۳۱۲ ق)، نقاش
و قلمدان سار در کاشان ساکن و شمس آبرنگ کار دوره
ناصری بود و اغلب به شیوه پدر نقاش می‌آورد. از آثار وی
قلمدان مرغش ساده‌ای است که به طلای دانه، تصاویر گل
و مرغی دارد، با رقم: «علیرضا ۱۳۱۲».

حوال و آثار عثمان ۱۱ (۳۸۷-۳۸۶).

ح ۱۰۵۲ ق) دیده بوده است.

حوال و آثار خوشویسان (۲/ ۴۶۸-۴۶۹).

علیرضا مستوفی، (ر ۱۲۷۵ ق)، خطاط از آثار وی
کتاب اشعار بالای صریح حضرت معصومه (ع)، در قم که
تاریخ ۱۲۷۵ ق دارد

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۲۶۶).

علیرضا مشهدی، (س دهم ق)، خطاط، وی شاگرد
میرزا سید احمد مشهدی بود و بسیار خوش می نوشت در
مشهد درگذشت. ر آثار وی یک قطعه ر مرقع سید
احمد، به قلم پنج دنگ چلی و نیم دو دنگ هانی، و رقم
الفید علی رضا مشهدی، یک قطعه از مرقعی دیگر، به
قلم سه دنگ و کتات خوش، با رقم «کتبه احمد علی
رضا مشهدی».

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۴۶۷)، گیلستان مر
(۹۱-۹۲)، هم عهد بمریان، ۳۲۶-۳۲۷، ۵۹۸-۶۸۹.

علیراده، سید رضا، (س چهاردهم ق)، نویسنده و
مترجم. از آثار وی: ترجمه «ترکستان» مختار بیک؛ «مذقیات
اسلام»؛ «مراسلات».

سهرت کتبهای چاپی فارسی (۲/ ۲۹۷-۲۹۸)،
مزمین کتب چاپی (۳/ ۱۸۶).

علی سلطان، (س دهم ق)، خطاط. از شاگردان
عبدالرحیم انیسی خودرعی بود در زمان سلطان ملیکان
حال به عثمانی رفت و در استانبول در جوار مرار ابویوب
انصاری مقیم و به کتابت مشغول شد. میر مصطفی
خودنواز از شاگردان او بود.

حوال و آثار خوشویسان (۲/ ۴۶۸)، مناقب همدان
(۹۱، ۹۲).

علی سلطانیه ای، (س دهم و یازدهم ق)، خطاط، ادیب
و فقیه. از علوم متداول مانند فقه و حدیث و لغت و تجوید
و قرائت و ادب بهره مند و خط شناسی ماهر بود و خطوط
را خوش می نوشت. در کتابت و انشا رتبه اعلی داشت و
بعضی از کتبه های حدیث و فقه و ادبیه را به خط خود
نوشته و تصحیح و تحشیه کرده است. میرزا علی بسیاری
از فرمایشات دیوانی و قبایله را به خط خود نوشته است.
او مدتی قاضی سلطانیه بود، به گفته صاحب «حوال و آثار
خوشویسان» صاحب عنوان در تاریخ تألیف «گیلستان همدان»

علی سمنانی، سید علی، همدان، عزیزانه طباطبای،
طباطبایی حسینی، (ز ۱۰۱۰ ق)، مورخ و شاعر. بعد از
حصول کمال و علوم مختلف در ایران، به هندوستان رفت
و مدتی در دکن ر گنکنده اقامت کرد پس از چندی به
احمدنگر رفت و در ۱۰۱۰ ق «برهان مؤثر» را به دستور
برهان نظام شاه قاضی تألیف کرد. وی شعر نیز می سرود.
«بیخ نظم و نثر» (۳۵۹)، کربان هند (۲/ ۹۱۵-۹۱۶)،
هفت اقلیم (۳/ ۹۴).

علی شیرازی، (ز ۱۲۷۰ ق)، شاعر، محضر به علی. به
محررت اشتغال و با درویش مصاحبت داشت. با دیوان
بیگی صاحب «حدیقه اشعراء» نیز معاشر بود به گفته
دیوان بیگی در ۱۲۷۰ ق به هندوستان رفته و اطلاع
دیگری از او به دست نیامده است. از اوست:

گو بساز از خاک ما خشت سر خم بعد مرگ
ران که از آسمان از خاک در میخانه ایم
گر جهان بیگانه باشد آشنایی را چه هم
بسا سگاسب آشنا و از کسان بیگانه ایم

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۲۱۸)، مرآت الفصاحه (۲۲۱-۲۲۲).

علی عسکری، (ز ۱۱۸۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک
رقعه ز مرقعی، به خط نسخ کتات خوش، با رقم «مشقه
لاقل الاحقر علی عسکری، فی سنة ۱۱۸۹»
احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۱۱۲۰).

علیقلی، (ر ۱۲۹۷ ق)، قلمدان ساز همدان، و
ناصری بود که در گل و مرغ و صورت سازی مهارت
داشت. از آثار او: قلمدان حاتمه گل و مرغی که در وسط
روی آن، تصویر دختری است که مگ خود را به سفل
گرفته، و رقم «کمترین علیقلی ۱۲۹۷»
احوال و آثار قلمدان (۱/ ۳۹۷).

علیقلی، (ر ۱۲۵۳ ق)، نقاش و خطاط. تلاش شیشه سر
دوره محمد شاه قاجار بود و در خط نسخ نیز قلم شیویی
داشت از آثار وی: تصویر حضرت علی (ع) که با قمار و
صلابت حص خود بنشسته و شمشیر را به آلتار بر روی
زنان نهاده است و در طرفین وی، امام حسن و امام

نشانی به سر گذاشته و در روی چهار پایه‌ی نشسته است و چنین رقم دارد: «رقم علی‌قنی جبادار بتاریخ شهر صفر... در دارالسلطنه قزوین مرقوم شد. رقم کمترین غلامان علی‌قنی جبادار سه ۱۰۸۵؛ تصویر مجنون که در حالت افسردگی و خستگی است و چنین رقم نوشته: «رقم کمترین آونوات ۱۰۹۹؛ قلمدان بعیم و زیبایی که در زمینه زرد آن، تصویر دختر شاهزاده‌ای جلب نظر می‌کند، با رقم. «هر حسب امر اشرف اعلی علقنی سنه ۱۱۱۷؛ تصویر سحر روسیه که کلاه پوست سموری به سر گذاشته است، با رقم: «رقم علقنی سنه ۱۱۲۹»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۸۸-۳۹۷، ۲/ ۱۲۷۳)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۲۶۲)، گلستان هنر (چهل و هشت)، هنر تمدن (۹۵-۹۶)

علیق‌لی مصور- مصور مشهدی، علی‌قنی.

علیق‌لی همدانی. (مر سیردهم ق)، نقاش و مذهب هنر همدان و نقاش گل و مرغ دوره ناصری و مظفری از پیروان مکتب ابوطالب ملامی بود که در تصویر و شبیه‌سازی نیز دست داشت و در جانور سازی و نقش پیاختن‌ها ماهر بود. از آثار او، قلمدان گل و مرغی زیبایی است که در رویه آن تصویر یکی از رجال ناجاری که گویا سفارش دهنده قلمدان بوده نقش بسته است و رقم «علیق‌لی همدانی» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۹۹)، هنر قلمدان (۱۲۹).

علی‌ک رازی، ابوالحسن علی بن سعید بن بشیر بن مهران. (وف ۲۹۹ ق)، حافظ و محدث. از عبدالاعلی بن حماد نرسمی و جبار بن مغلس ریش‌بن معاذ عقدی و نوح بن عمرو سکسکی و محمد بن هاشم بعلی و عبدالرحمن بن خالد بن جعجع و نصر بن علی جهصی و هشام بن مروان و دیگران حدیث شنید احمد بن حسن بن خثیه رازی و عداقه بن جعفر بن ورد و محمد بن احمد بن خرووف و ابوالقاسم طبرانی و حسن بن رشیق و یوم‌تصور محمد بن سعید ابیوردی و دیگران از وی حدیث شنیدند. دارقطنی او را در حدیث ثقه، آن‌گونه که باید باشد، نمی‌داند و گوید که او احادیثی بدون پشتوانه رویت کرده است. وی در مصر ساکن و والی قریه‌ای در آنجا بود و طبخ خراج می‌کرد، و در همان‌جا نیز درگذشت.

تاریخ اسلام (سوادث ۲۹۱، ۳۰۰/ ۲۱۰)، تذکره‌الاحد

حسین (ع) با لباسهای سبز و قیانه آرام به در رانر نشسته‌اند و فرشته‌ای، هاله نورانی و چشم نواری را در بالای سر آنها افکنده است، با رقم «دره بیمقدس علی قلی ۱۲۵۳».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۹۹).

علیق‌لی آونوات - علی‌قنی جبادار

علیق‌لی بن محمد. (ز ۱۰۶۸ ق)، نقاش. از آثار او، تصویری که از روی یک اثر فرنگی نقاشی کرده و در آن، منظره یک خانه و پل قدیمی را به تصویر کشیده است و چنین رقم دارد: «رقم کمینه علقنی بن محمد ۱۰۵۹؛ تصویر مجنون در صحرا که از روی اثر گوردی، نقاش نامی هند، تصویر شده و مجنون ظرف آبی به سر گذاشته و در حال راه رفتن است و منظره قافله لیلی در کنار آنها دیده می‌شود و به خط نستعلیق «رقم کمینه علقنی سنه ۱۰۶۸» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۹۸-۳۹۹)

علیق‌لی جبادار. (ز ۱۱۲۹ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. این هنرمند به نامهای علق‌لی بیگ فرنگی و علق‌لی بیگته‌دور عباسی و علق‌لی آونوات و علق‌لی بیگ ارساوت یادری اصمهبانی در هنر تصویر سازی ایران شهره بوده است. وی مسیحی و از مردم آونوات (آلبانی) بود که در زمان شاه عباس دوم سموری (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) به ایران آمد و تغییر مذهب داد و در بدایت حال به جبه خانه (اسلحه خانه) دولتی راه یافت و مشغول کار شد. وی به سبک نقاشی اروپا آشنایی داشت و در تحول سبک، از میسنور صفوی به شیوه ایرانی ساری، در شمار پیشگامان است. وی در مکتب هند و ایران نیز دست داشت و آثاری در این مکتب از او به یادگار مانده است. علق‌لی، تک صورت را بسیار لطیف می‌ساخت و عمارت تاریخی و منظره‌ها را با لطافت و رعایت تردید نمایی و دور نمایی استادانه وی به تصویر می‌کشید، علاوه بر این در تصویر سازی جانوران نیز توانا بود. قلم‌دهی کار او از نوع بهترین قلم‌دهی‌های عصر صفوی محسوب می‌شود. عمده‌ترین آثار علق‌لی در آبرنگ بوده اما در آثار روغنی نیز مهارت داشت. از آثار وی: تصویر اجتماع دراریش و نوازندگان در مهتاب شبانه که در صحن باغی جمع شده‌اند و رقم «عمل علی قلی بیگ جبادار» دارد؛ تصویر زن جوانی که نیم تاج جواهر

خودشی و کتاره آن را تمسیر کرده و رقم نهاده. «علی محمد ۱۲۲۵»

احوال و آثار نقاشان (۴۰۲/۱)

عمی محمد حسینی. (من سیردهم ق)، خطاط از آثار وی یک قصه خط مرقعی است، به خط نسخ خوش کتابت، با رقم «علی محمد الحسینی»، (قرن ۱۳).
احوال آثار خوشنویسان ۴ ۱۱۲۲.

علی محمد خان مستوفی. (وف ۱۲۷۹ ش)، نقاش، خطاط و نوایریده. در فراختن نازار شاگردان آقا حسینی و آقا میرزا عبدالله و در نقاشی شاگرد کمال الممک بود. وی خط نستعلیق و تحریر را خوب می‌نوشت. علی محمد از مستوفیان معروف بود که در آخر عمر سفری هم به اروپا رفت و در آنجا با فراختن و یولی آشنا شد. در حدود پنجاه سالگی، در تهران درگذشت.

تج بحرن سبط موسیقی (۱۲۰)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۶۵)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۹۷۵)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۲۴)

علی محمد شیرازی. (ز ۱۲۴۸ ق)، خطاط از خوشنویسان دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود که مستعلیق را خوش و شیرین و شکسته را نکو می‌نوشت. از آثار و نسخه مشوی «پیر و حواله» میرزا محمد نصیر اصفهانی، به قلم مستعلیق نیم دو دانگ متوسط و شکسته خوش، با رقم «حسب الامر». کمترین پس‌دگن علی محمد... سنه ۱۲۲۶؛ یک نسخه نفیس قرآن، به خط مستعلیق کتابت خوش، با جلد گهر نشان و رقم... علی محمد شیرازی، مرقوم قدم شکسته رقم کرده... سنه ۱۲۴۸؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم کتابت غنی خوش، با رقم «جهت پندگان». میرزا علی اکبر. علی محمد شیرازی، سنه ۱۲۴۵

احوال و آثار خوشنویسان ۲ ۴۷۸-۴۸۱

علی محمد شیرازی ایرانی. (ز ۱۲۳۶ ق)، نقاش هنرمند شیرازی بود که در هند به خلق آثار روغنی همت می‌گماشت. وی شیوه ایرانی را با سبک خاص هندی درآمیخت. از آثار وی: جعبه مدور و بیضی شکلی که به گل و مرغ پرآیین تصویر شده و در گاردها و حاشیه‌های آن، اشعاری در وصف گلها درج شده، با رقم «علی میرزا

(۲/ ۷۵۰)، ری باستان (۲۰/ ۳۳۰)، سیرالسلام (۴/ ۱۴۵، ۱۴۶)، شقرات الذهب (۲/ ۲۳۴)، طبقات الحفظ (۳۱۸)، لندن البیزان (۵/ ۳۵، ۳۴)، الرمعی بالرمات (۲۱/ ۱۳۶)

عمی کرمانی، صیرضا (من سیردهم ق)، شاعر از طایفه دوله‌ای و ساکن قلعه عسکر بردسیر کرمان بود. صاحب «نصایح العارض» (م ۱۲۸۸ ق) که نزدیک با او ملاقات داشته، او را از طایفه دوله‌ای دانسته است. وی اهل طریقت و در خدمت روس عیشیه بود اشعار او بیشتر رباعی است و مضمون عرفانی دارد. او است

باری که به بیرنگ و فسون مشهور است و از دیده اهل حسن رخش مستور است کورانی نشاند سند جمالی ورنه صاحب نظران را همه جا منظور است

ذکره شاعران کرمان (۳۷۲-۳۷۱)، حدقه در سر (۲/ ۱۲۱۹)، الذریعه (۹/ ۷۵۸)، ریاض الماروفین (۲۶۹)، سیرگان کرمان (۲۷۶-۲۷۷)، هنرهای الحقائق (۳/ ۲۰۶)

عمی کله گوش. (من سیردهم ق)، نقاش. اهل کاشان و از پادشاهان دوره شاه طهماسب صفوی (۹۲۰-۹۸۴ ق) بود. در ماحزای نقاش مهر شاه طهماسب، وی نیز محاربات شد و گوش و بینی خود را از دست داد. از قبل از آن، در کتابخانه شاهزاده ابراهیم میرزا، در مشهد مشغول کار بود.
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۶۲)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۵۲)، گلستان هنر (۱۲۴).

علی گچ بر. (من ششم ق)، معمار و گچ بر از آثار به جاء نذری، آجرکاری و گچ برهای متنوع مسجد فریوما در محیه می‌می، از توابع شهرمندان شاهرود است
تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۷۲۸)، کادنامه یروگان (۳۳)

علی محمد. (ز ۱۲۲۵ ق)، نقاش و مذهب هنرمند دوره فتحعلی شاه قاجار بود از آثار وی، قلمدان تابوتی بررگی که تذهیب اسعدنامه‌ای دارد و رویه آن، به گل و مرغ رنگین آذین شده و در پس آنها پیکار بین شیر و پلنگی به طرزی ماهرانه مصور شده است. از حل کاری و طلا اندازی و تاریخ ۱۱۵۰ ق معلوم است که این قلمدان از آثار مشاهیر هنرمندان صفوی است و استاد عمی محمد

بیماریهای گوش و حلق و بینی، ریاضت بخش بیماریهای گوش و حلق و بینی در بیمارستان امیراعلم. از آثار وی. «اسراض حلق و بینی و حنجره»؛ «اندازه گیری شنوایی و مویند آن». وی بیمارستانی در تهران تأسیس کرد که به نام خود او شهرت یافت.

کتابنامه نخستین دهه انقلاب (۱۳۵۲)، مؤسسه کتب چاپی

۴ ۶۸۳ ۶۸۴.

عینی منشی استرآبادی. (س دهم ق)، خطاط. از شاگردان خواجه عبدالحمی در هرات، منشی کبک میرزا، پسر سلطان حسین باقرا بود. وی به استرآباد رفت و سمت منشیگری حکام شیروان و گیلان را هم عهده‌دار بود.

اطلس خط (۲۰۷)، گلستان هنر (۲۳-۴۳).

علی مهابادی، محمد علی. (س یازدهم ق)، شاعر. از مهاباد اصفهان بود و به تصرف گرایش داشت. به تقلید از مولوی شعر می‌سرود. به قصد تجارت از ایران به هندوستان رفت. پس از جدی برگشت و سرانجام در مشهد درگذشت.

تذکره سمیراآبادی (۱۳۹-۱۳۸)، تذکره (۹۱/۷۶۳)،

فرهنگ سخنوران (۶۵۱)، کانون هند (۲/۹۱۶-۹۱۷).

عینقی. (ز ۱۲۵۳ ق)، نقاش، آبرنگ سازی استاد و در قلمدان سازی و نقاشیهای روحی ماهر بود. از آثار وی تصویر حضرت علی (ع) به آبرنگ است که جیفه و روح سلطنتی را به محمد شاه قاجار اعطا می‌کند، با رقم: «۱۲۵۳».

احوال و آثار نقاشان (۱/۴۰۳).

عینقی، فرزند حکیم الهی. (ز ۱۳۱۰ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه نسخ کتابت جلی و رقاع کتابت خفی خوش، با رقم: «کتابه العبد الاقل علی نفی بن حکیم الهی، فی یوم لجمعة شهر ربیع الاول من شهر سنه ۱۳۱۰ هرات و سیصد و ۵۵».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/۱۱۲۳).

عینقی. (ز ۱۳۲۱ ق)، خطاط. از کتیبه نگاران اصفهان بود. اثر اثر وی کتیبه سقاخانه پیرسته به سر در صحر مامزاده احمد که محتری اشعاری از محتشم کاشانی

علی محمد ایرانی در سنه ۱۲۱۷؛ قلمدان گل و مرعی زیبایی در شیوه همان چمبه که رقم «علی محمد ایرانی» دارد؛ صراحی مقوایی زیبایی در زمینه تیره که در رویه آن، مجالس پر از دحام ضیافت امیان هندی نقش بسته است، با رقم: «علی محمد شیرازی ۱۸۲۰ م» (۱۲۳۶ ق).

احوال و آثار نقاشان (۱/۴۰۰-۴۰۱).

عنی محمد قانع، فرزند علی محمد. (ز ۱۳۱۳ ق)، نقاش از هنرمندان دوره ناصری بود که در نقاشی آبرنگ و قلمدان سازی مهارت داشت. صاحب «احوال و آثار نقاشان» او را شاعر و متخلص به قانع می‌داند. از آثار رقم دار وی، تصویر درویش با برهنه‌ای با آبرنگ است، با رقم: «علی محمد ۱۳۱۳».

احوال و آثار نقاشان (۲۰۶).

علی محمد کاشی پز اصفهانی. (ز ۱۳۰۴ ق)، نقاش و کاشی کار. هل اصفهان و نقاش کاشی کار بود و در نزدیکی دروازه شاه عبدالعظیم تهران کارخانه کاشی پزی داشت. از آثار رقم دار وی که به تزیینات زیبایی آراسته شده، کاشی بررگی است که نقوش متوهی دارد و در وسط آن، تصویر کلس ربوب مورد آک سمیت جب نظر می‌کند. خوشی کاشی به نقش و نگار ساده آدین شده، با رقم: «علی محمد کاشی پز اصفهانی در دارالحلافه ناصره تهران ۱۳۰۴».

کارخانه کاشی در دروازه شاهزاده عبدالعظیم.

احوال و آثار نقاشان (۱/۴۰۲).

علی مذهبی. (س دهم ق)، مذهب و خطاط. وی علاوه بر اینکه خط نستعلیق را استادانه می‌نوشت، تحریر و رنگ‌نویسی و مذهب را نیز ماهرانه انجام می‌داد. از آثار وی، قطعه خط نستعلیق به تحریر سفیدایی است که در کمال مهارت تحریر کرده و محض تذهیبی نیز دارد، با رقم: «علی مذهبی».

احوال و آثار نقاشان (۳/۱۴۷۴).

علیم مروستی، غلامحسین. (ز ۱۲۹۱ ش)، پزشک و استاد دانشگاه. تحصیلات متوسطه را در کرمان و پزشکی را در ۱۳۱۸ ش در دانشکده پزشکی تهران به پایان رساند و پایان نامه خود را در باب «درمان ذات انجمن چرکی» نگاشت و پس از فراغت از تحصیل وارد خدمت شد و مشغول دیل را عهده‌دار گردید. دانشیاری کرمی

ست، با رقم: «کتابه المحدث المذنب حاجی میرزا علی نقی، فی شهر ربیع المولود سنة ۱۳۲۱ هـ».

آثار ملی اصفهان (۷۴۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۹۰)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۶۷۳-۶۷۴)

عسقلی بن شیخ عباسی، (ز ۱۱۱۲ ق)، نقاش، او مکتب نوپردازی محمد زمان و عسقلی جبه دار را درک کرده و به سبک آنها نقش می ساخت. عسقلی در چهره سازی و ارائه مجالس بزمی، در پرده سازی و تذهیب و نقوش هندسی، مهارت داشت. از آثار وی: تصویر استادانه پیرمردی که به آبرنگ و شیرۀ اصفهانی و تا حدی شبیه کارهای رضا عباسی عمل آمده و حواشی آن به طلا کاری و تذهیب استادانه ای تزیین شده است، با رقم: «علی نقی ابن شیخ عباسی»؛ تصویر پرشاهت سلطان یازید که شیری در مقابل وی آرام گرفته... با رقم: «علی نقی علام خاصه ۱۰۹۶ هـ»؛ تصویر پرورده ای که به استادی عمل آمده و تاریخ ۱۱۱۲ ق دارد؛ چند تصویر در نسخه ای از «شاهنامه» به خط ابن شمس الدین شیخ محمد، با تاریخهای ۱۱۰۴ و ۱۱۰۸ ق

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۵، ۲۰۴)

عسقلی شیرازی، فرزند میرزا یوسف مذهب گاشی، (س چهاردهم ق)، خطاط. از کاتبان زبردست و برجسته عهد خود بود از آثار وی: یک نسخه «کلیات» سعدی و شش دفتر مرثیاتی، به قلم کاتب جلی عالی، با رقم: «علی نقی الشریف الشیرازی ابن یوسف» ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۸ ق، یک مرقع «مناجات» حصرت علی (ع)، به قلم نیم دو دانگ و کتات خوش، با رقم: «المجد المذنب علی نقی»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، که رقم ندارد، ولی صفحات اول و آخر آن به قلم کتات عالی نوشته شده و تاریخ ۱۳۳۵ ق دارد.

آثار عجم (۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۹۱، ۲۹۲)

عسقلی کمره ای - نقی کمره ای.

عسقلی مدغیب، (ز ۱۱۵۷ ق)، مدغیب. هنرمند دوره افشاری و رتبه بود و در هنر خود مهارت داشت از آثار وی، تذهیب برانده و پرمایه قرآنی است که به حسن سلیقه تمام آرایش و تذهیب شده، با رقم: «الم التذهیب

علی نقی المحدث سنة ۱۵۷ هـ

حوال و آثار نقاشان (۱/ ۴۰۵)

عمادی، صدیق، (س چهاردهم ق)، مترجم. از آثار وی: ترجمه «ایمازان پاریس» یوسون دوترای؛ ترجمه «اسکندر مقدونی» رامهف؛ ترجمه «پادشاه شکم پرست» زامهف؛ ترجمه «فرشته و راهبه» زامهف

بهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۲۱۳، ۵۶۱، ۵۷۹، ۲/ ۲۳۰۶، ۲۹۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۲۶-۵۲۵)

عماد، شیخ یوسف رحمانیان، (۱۲۸۰-۱۳۳۷ ش)، شاعر، متخلص به عماد در تم درگذشت و در همان جا مدحون شد. اثر وی: «روح القواد»، شعر که به اهتمام شیخ عبدالمتنظر مقدسیان، در ۱۳۳۸ ش، در تهران به چاپ رسید

مؤلفین کتب چاپی (۱۶/ ۸۸۹)

عماد تربتی خراسانی، عمادالدین برقی، فرزند محمد نقی معین دفتر، (۱۲۹۹/ ۱۳۱۰-۱۳۸۳ ش)، شاعر، متخصص به عماد، در مشهد به دنیا آمد و تحصیلاتش را در دگرگانش به انجام رسانید. از دوازده سالگی به نظم پرداخت و بر اثر تشویقهای پدرش گام در راه پیشرفت گذاشت و با شرکت در انجمنهای ادبی به رموز و فنون شعر آگاهی یافت. وی به کنسورزی اشتغال داشت. از آثارش: «یک شب در بهشت»؛ «چند غزل از عماد»؛ مثنوی «شبی بر مرار خیام»

سریه (۹/ ۷۶۵-۷۶۶)، سخنوران ساسی معاصر (۲/ ۲۵۳۲، ۲۵۳۳)، حد سال شعر خراسان (۴۰۶-۴۱۰)،

مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۶۱۷)

عماد جویی، شیخ الشیوخ یوالفتح عمر بن شیخ الشیوخ صدرالدین محمد بن عمادالدین عمر بن حنویه، (۵۸۱-۶۳۶ ق)، محدث، فقه و مدرس در دمشق به دنیا آمد و در مصر مشو و نما یافت. وی از ائمه ابن تیان و شهاب عرونی حدیث شنید. بعد از پدرش عهددار تدریس در قبه شاهمی و مشهد الحسین و مشیحة السعدیه یا مشیحة الشیوخ مصر شد.

سیر السیلاء (۲۳/ ۹۹۹۷)، فدرات الذهب (۵/ ۱۸۱)،

العبر (۳/ ۲۲۸)، النجوم الزاهرة (۶/ ۲۷۸)

عماد خوانی - عماد زوزنی

عمادالدین ابهری، عبدالعزیز بن محمد بن عبدالعزیز. (وف ۸۹۵/۸۴۳ ق)، محدث و فقیه در علم حدیث و فقه حنفی و شافعی مهارت داشت. سالها در مدرسه شاهرخ میرزا و مدرسه سلطانی و خانواده اخلاصیه به تدریس اشتغال داشت. در اواخر عمر به هند رفت و در ولایات سند درگذشت ابهری محدثی برجسته بود و کتابهایی در موضوعات مختلف نگاشت. او همچنین بر بسیاری از کتب حوائسی نوشت. از آثار وی: «مفتاح المشکاة» شرح و تفسیری بر «مشکاة المصابیح» خطیب تبریزی، در حدیث، که آن را به نام امیر علینیر نوایی تألیف کرده است.

تاریخ نظم و نثر (۲۶۲-۲۶۳)، حبیب السیر (۲/ ۳۴۹)، دانشنامه ایران و اسلام (۹/ ۱۱۴۲)، رجال حبیب السیر (۱۹۹)، کشف الظنون (۱۷۰)، هدیه العرفین (۱/ ۵۸۲).

عمادالدین پرورش آبادی طوسی، فضل الله بن علاء الدین (مقتول ۹۱۴ ق)، صوفی از پررگان صوفیه در عهد خود بود و از خلفای حاج شیخ محمد خیابانی و از مشایخ سلسله نوربخشی به شمار می‌رفت. نخست به دو واسطه به سید محمد نوربخش می‌رسد. عمادالدین در فتنه ازبکان در مشهد به قتل رسید. از آثارش: شرح «الوابع» جامی در تصوف. وی اشعاری هم داشته، که از بین رفته است.

تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، طبقات اعلام الشیخه (قرن ۱۰/ ۱۸۲)، مجالس المؤمنین (۲/ ۱۵۸-۱۶۱).

عمادالدین شیرازی، محمود، فرزند مسعود (ز ۹۵۴ ق)، حکیم و طبیب. از کودکی زیر دست پدرش که طبیب حادقی بود، پرورش یافت و مدتی طبیب امیر عبدالله خان امت‌چلو حاکم شروان بود. سپس به دربار شاه طهماسب صفوی رفت و مدت بیست سال در همد زندگی نکرد در اواخر عمر مجاور مشهد رضوی شد و طبابت بیمارستان رضوی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «رسالة جوب چیئی»، در خواص و طبایع و منافع و طریق خوردن آن؛ «رسالة بیخ چیئی» که در ۹۵۲ ق تألیف شده؛ «رساله‌ای در سیماری آنشک»؛ «رسالة اخویه» یا «الافیونیه»؛ «سنة ضروریة طیه»؛ به نام شاه قلی خان بن حمزه سلطان است جلوه «معراج یاقوتی».

تاریخ نظم و نثر (۳۹۹)، دانشندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۷۱۳-۷۱۲)، الذریعه (۲/ ۲۶۲)، ۵/ ۳۹۰، ۷/ ۲۷۱، ۱۱/ ۱۰۰، ۱۶۸، ۱۳/ ۲۸، ۲۱/ ۳۶۳، طبقات اعلام الشیخه (قرن ۱۰/ ۲۴۰-۲۴۱)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۵۶، ۱۶۸)، فرهنگ سخنوران (۶۵۲).

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابو عبدالله محمد بن صفی الدین محمد بن حامد. (۵۱۹-۵۹۷ ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. منقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به ابن اخبر العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر بشو و بماند. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشا گردید. وی به در بیان فارسی و عربی می‌نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح الدین ایوبی را نیز می‌ستود و مورد علاقه او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگذار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در ملوکیه‌ای که به نام خود او خوانده می‌شود (مدرسه عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شده اما مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد، ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح الدین ایوبی به دمشق، مجدداً به آن شهر بازگشت و در همان شهر درگذشت و در مقابر صوفیه دمی شد از آثار وی: «خریده القصر» و «خریده العصر»، در ده مجلد، «الفتح القدسی فی الفتح القدسی» یا «الفتح القدسی فی الفتح القدسی» یا «العجیب القدسی فی الفتح القدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله صلاح الدین؛ «اسرق الشامی»، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛ «نصرة الفتره» و «عصره امطرة» یا «نصرة الفتره» و «عصره القطرة»، در تاریخ سلاجقه عراق؛ «السیون علی الدیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العنسی و العنسی»؛ «نحلة الرحلة».

الاعلام (۷/ ۲۵۲-۲۵۳)، «بضاح المکتون» (۲/ ۹۲، ۵۲۹)، تذکره القبور (۲۵۱)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۷۶۷)، ریحانه (۴/ ۲۰۰-۲۰۱)، سیر النبلاء (۲/ ۳۴۵-۳۴۵)، شذرات الذهب (۲/ ۳۳۳-۳۳۳)، المسیر (۳/ ۱۲۰)، کشف الظنون (۲۳۹، ۲۸۸، ۷۰۲-۷۰۱، ۸۰۳، ۹۵۴)، ۱۱۰۳، ۱۳۱۶، ۱۹۵۶، ۷۰۲۹، الکنی واللقاب (۲/ ۱۱۰۳).

(۴۸۴)، لغت‌نامه (ویل / عمادالدین کاتب)، معجم لادیه
(۱۹/ ۲۸-۱۱)، معجم المؤلفین (۱/ ۲۰۵۲-۲۰۵۲)، النجوم
الزاهرة (۱۶/ ۱۵۹-۱۶۰)

عمادزاده اصفهانی، حسین، فرزند میرزا احمد
عمادالواصفین (۱۲۸۳-۱۳۶۹ ش)، مورخ، مدرس و
نویسنده در اصفهان به دنیا آمد. در حوزه اصفهان به کسب
علم و تلمذ در محضر علمای بزرگوار، چون سید علی
محمد آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ
محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج
میرزا رضا کسائی پرداخت و به کسب اجازات روایتی از
آقا سید اسوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت
کوه‌کمری، شیخ محمد رضا مظفر، سید دونس اردبیلی و
بزرگ‌ترین آقا بزرگ تهرانی و شخصتهای علمی دیگر نایل
آمد. عمادزاده به تدریس در محیطهای آموزشی و دانشگاه
رغبت فراوان نشان می‌داد. او از ابتدای تحصیلات خود
علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر در هک و معارف
اسلامی و خدمت به اهل بیت (ع) داشت و همواره به
دبالت هدف خویش بود. نشر و حاصل تلاش وی بیش از
صد و بیست تألیف درباره موضوعات مختلف است، از
جمله ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه کامله جادیه»
زبور آل محمد؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا حاتم»؛ «زندگانی
حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل
اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی طالب (ع)»؛
«طایفه از هواء (ع)»؛ «شرح خطبه عذیر»؛ «شرح زندگانی
هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه
زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت معصی
(ع)»؛ «زندگانی حضرت خدای مس آل عباسی علیه السلام»
سیدالشهدا (ع)؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛
«زندگانی حضرت اسوالفضل، قمر بنی هاشم (ع)»؛
«زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر»؛ «زندگانی ریس
کبری»؛ ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ
جغرافیایی کرمان»؛ «پستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در
جهان»؛ «مکتب اسلام»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا
(ع)»؛ «منتقم حقیقی» مهدی قائم صاحب انصهر و الرمان
(عج)؛ «مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات.

کتابنامه نخستین دهه انقلاب (۲۵۲)، کیهان فرهنگی، ش
۷، ش ۲، ص ۵۰، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۲۹-۸۳۱)

عماد روزنی، عمادالدین. (من پنجم ق)، شاعر، ارباب

آوران و بزرگان رورن حواف خراسان بود وی طعان‌شاه بن
آلب ارسلان (م ۴۶۵ ق) را مدح می‌گفت. بر حسب ارشاد
امام محمد غزالی (م ۵۰۵ ق) ترک ذی کرد و به تصوف
گرایید. عمادالدین در سختوری شاگرد سید حسن عزیزی
(م ۵۰۵ ق) بود و با علی باخرری مشاعره داشت. در
«نصحات الانس» و «ریحانه» وی از شعرای قرن هشتم به
حساب آمده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱/ ۳۹۶-۳۹۵)، تاریخ نظم و شعر (۵۲)،
تذکره الشعراء ۸۱-۸۲، حبیب‌المیر (۳/ ۵۴۳)، الدرر
(۹/ ۷۶۶)، ریحانه (۴/ ۲۰۲)، لغت‌نامه (ویل / عمادالدین
روزنی)، مجمع‌النصا (۲/ ۸۹۴-۸۹۳)، نصحات الانس
۸۸۱-۸۸۲.

عمادالسلطان جهرمی، سید محمود، فرزند سید
مصطفی حسام‌السادات صدرالمک. (ز ۱۳۰۷ ق)،
خطاط. از دوره ناصرالدین شاه قاجار تا ۱۳۲۰ ق در دفتر
استیفا انجام خدمت می‌کرد و جز نستعلیق، شکسته را نیز
خوش می‌نوشت و از حسابداری سر رشته داشت و خط
نهایی را به کمال می‌دانست. از آثار او یک نسخه منتخبات
«گنستان» به قلم نیم دو دانگ خوش بلکه عالی، با رقم.
«در سپیده سالگی... پرشته نگارش در آورده... سده ۱۳۰۵»
یک نسخه منتخبات اشعار حافظ، به قلم کثات خوش، با
رقم: «... محمود بن مصطفی الموسوی المستوی» در سن
سیزده سالگی به رشته نگارش در آورده، فی شهر صفر
۱۳۰۷

احوال و آثار خوشویسان (۳/ ۸۸۲-۸۸۳)

عماد شیرازی، میر عمادالدین (س ده ق)، شاعر از
سادات شیراز بود و در خراسان می‌زیست. عمادالدین از
نزدیکان سلطان حیلر میرزا (م ۹۸۴ ق)، پسر شاه
صهاسب صفوی، به شمار می‌رفت و هرل را نیک
می‌گفت

تذکره رو. روش (۵۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۶)، تذکره
مرآت‌القصا، ۲۲۶-۲۲۷، دانشدار و سخن سرایان
فارس (۳/ ۷۱۶)، الدرر (۹/ ۷۶۶)، فرهنگ سخنوران
(۶۵۳)

عماد ظهیری، محمد، فرزند احمد. (تو ۱۲۶۴ ش)،
خطاط در تهران به دنیا آمد پس از کسب علوم متداول
عصر خویش، به نزد محمد حسین خوشویسپاشی رفت و

می‌پرند. عمادالکتاب نه تنها در خط نسخ و نستعلیق استادی توانا بود، بلکه شکسته و ثلث را نیز در کمال زیبایی می‌نوشت و با نقاشی سیاه قلم و آبرنگ، نیز آشنایی داشت. عمادالکتاب با کمیته مجازات همکاری داشت و تحریرات بیانیه‌های کمیته به خط او بود. وی قبل از دوره مشروطیت جزو کاتبان وزارت انطباعات و در دوره سلطنت احمد شاه قاجار، مدتی در وزارت داخله، منشی و همان اوقات معلم مشق خط سلطان احمد شاه نیز بود. در اواخر عمر در دربار پهلوی سمت خوشنویسی مخصوص داشت. وی قریحه شاعری نیز داشت و گاهی شعر می‌سرود. آثار خوشنویسی عمادالکتاب قطعات مختلف سیاه، مشق است و همچنین یک دوره «رسم‌المشق» که برای نوآموزان دبستانها و دبیرستانها تألیف کرد و به چاپ رساند. وی شاگردان بسیاری داشت، از جمله علی منظوری، ملک‌الخطاطین، حسن زرین خط، علی اکبر کاوه و ابراهیم بوذری که هر یک به مقام استادی رسیدند. عمادالکتاب در تهران می‌زیست و در همانجا درگذشت و در امامزاده عبدالله دفن شد. ز دیگر آثار او: کتیبه سر در مداخل سپهسالار و لوحه‌ای بر آرامگاه فردوسی در طوس؛ یک نسخه «شاهنامه» فردوسی در ۱۳۳۶ ق؛ یک نسخه «نامه داشبوران» ناصری در ۱۳۱۸ و «ترجیع‌نند» هاتم. از آثار نقاشی وی: تصویر یکی از حواریون حضرت مسیح که به خط شکسته و تعقیق زیب، با رقم، «در ماه رمضان هزار و سیصد و سی...» العبد عمادالمیقی قزوینی؛ تصویر سیاه قلمی کریم خان زند که کلاه مخمصری به سر نهاده است؛ تصویر دستی که طرز صحیح قلم به دست گرفتن و خط نوشتن را نشان می‌دهد. با رقم «عمادالمیقی»؛ تصویر خود نقاش به سیاه قلم. با رقم «صورت عمادالکتاب سیاهی که به دست خود ساخته است»

حوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۹۷-۷۰، احوال و آثار هائیان (۲/ ۷۰۷، ۷۰۶، ۷۰۵، ۷۰۴)، تاریخ برگزیدگان (۴۷۰-۴۷۷)، تاریخ هوای ملی (۲/ ۱۰۲۱-۱۰۲۳)، تذکره خوشنویسان معاصر (۲۷-۳۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۷۶۷)، شرح حال رجال (۲/ ۲۸۲-۲۸۳)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۷-۲۵۰)، گلستان هنر (پیست و یک)

عمادلر، عمادالدین قصوری/عضولی، (س هفتم ق)، شاعر. از طایفه منصوبه از مردم لرستان و یکی از

به تحصیل قواعد و رموز خط تسملیق همت گماشت. او همچنین این هنر را در نزد استادان دیگر نیز دنبال کرد و در خوشنویسی مهارت کامل یافت. طاهری در جوانی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در ۱۳۲۲ ش بارشسته شد. ابراهیم بوذری از جمله شاگردان وی بود. تذکره خوشنویسان معاصر (۱۰۵-۱۰۶).

عماد طوسی - طبری، عمادالدین/عمادالاسلام.

عماد طبری - طبری، عمادالدین/عمادالاسلام.

عماد طوسی، ابوجعفر - ابن حمزه طوسی، عمادالدین.

عماد فقیه گرماتی، عمادالدین عینی. (وف ۷۷۲ ق)، عارف و شاعر، متخصص به عماد، معروف به خواجه عماد فقیه و ملقب به شیخ الاسلام. وی معاصر حافظ و از مداحان آل مظفر و مخصوصاً شاه شجاع بود از آثارش: مثنویهای: «صحبت‌نامه»، «صحبت‌نامه»، «دعای»؛ «صیفا»؛ «نامه» یا «مونس‌الابرار»؛ «طریقت‌نامه». البته این مثنویها به همراه قطعات، عزلیات و رباعیات عماد در مجموعه «کلیات» وی جمع شده است.

شکده آذر (۲/ ۶۲۲-۶۲۳)، از سده تا جامی (۳۴۰، ۳۴۴)، بهارستان جامی (۱۱۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۹۸۵-۹۹۵)، تذکره الشعراء (۲۸۲-۲۸۶)، حبیب‌المیر (۳/ ۳۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۷۶۸)، الذریعه (۹/ ۷۶۶-۷۶۷)، ریاض‌المعاریف (۱۰۹-۱۱۰)، تصحیف‌های نامی (۳۲۲)، طریق الحقائق (۲/ ۶۸۰-۶۸۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۰)، فرهنگ سخنوران (۶۵۴)

عماد قزوینی - قزوینی، عمادالدین

عماد نکتات سبفی قزوینی، میرزا محمد حسین (۱۳۱۵-۱۳۴۰ ش)، خطاط، نقاش و شاعر. ملقب به عمادالکتاب در طایفه سبفی قزوینی، در قزوین به دنیا آمد و بیشتر عمرش را به نوشتن و تعلیم خط گذراند. وی ابتدا خوشنویسی و با نسخ نویسی آغاز کرد و سپس به خط نستعلیق روی آورد و پیرو شیوه میرزا رضای کنهر شد؛ طوری که او را به عنوان کامل‌کننده شیوه کلهر نام

حسن خان. (ر ۱۲۰۲ ق)، شاعر. او بسیاری از اشعار و مثال و حکایات عربی را حفظ بود. قصاید عربی و فارسی بسیاری دارد وی به تهران آمد و مشی صدراعظم شد. از اوست:

دوست در آمد ز دره مدعیان دوست دوست
تا کی پرسی که کیست همتان اوست اوست
حدیقه اشعر. ۲ (۱۲۲۷-۱۲۲۸)

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی بن محمد بن علی. (وف ح ۵۶۰ ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی ملقب به حجة الافاضل و خزانة المشایخ، به آورده «هدیه العارفين»، معروف به ابن عراق. از خاندان بزرگی در سرحس بود. ادب را برد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و اصحاب وی شد. همزی از عمر ترجمانی و حسن بن مسلمان خجندی و قاضی عبدالواحد ناقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل به کسب علم داشت. در اواخر عمر آنچنان سرآمد شد که علمای بزرگ به محضرش می آمدند و دانش خود را بر او قسراست می کردند و حل مشکلات خویش را از او نمی خواستند، از وی اشعار زیبایی به جای مانده است. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «شمارخ الدور فی التفسیر الای و التور» «المواصح و البلدان»

الاعلام (۵/ ۹۵۰)، روایات الجنات (۵/ ۲۴۳-۲۴۴)،
ریحان (۴/ ۲۰۵-۲۰۶)، کشف الطون (۲/ ۱۰۲، ۴۴۶)،
دست نامه، دین / علی و ابوالحسن، معجم الادبا، (۱۵)،
۶۵۶)، معجم الموعین (۷/ ۲۱۵)، الواسی بالوایات
(۲۲/ ۹۵۰-۹۶)، هدیه العارفين (۱/ ۶۹۸).

عمرکی بونکی نیشابوری، ابو محمد عمرکی / عمران بن علی بن محمد، رس سوم ق)، عالم و محدث. در یو فک یکی از روستاهای نیشابور به دنیا آمد. او از ثقات اصحاب حضرت امام حسن عسکری (ع) و از کبار مشایخ حدیث بود و بسیاری از مشایخ چون عبدالله بن جعفر جمیری از وی روایت می کنند این داوود حلی در «رجالش»، از سید جمال الدین نقل کرده، که نام صاحب عنوان علی بن یوفکی است. از وی آثار وی به جا مانده که از آن جمله کتاب «الملاحم» است.

اندویه (۲۲/ ۱۸۹)، رجال لب داود (قسم ۱/ ۲۶۳-۲۶۴)،
رجال الطوسی (۲۳۳-۲۳۴)، رجال الجیش (۲/ ۱۶۱)،
ریحان (۲/ ۲۰۶)، معجم رجال الحديث (۱۳/ ۱۶۱)

معمود بن شاعران دربار سلجوقیان روم و مداح ملک غیاث الدین مسعود بن کبک ووس (۶۸۱-۶۹۷ ق) بوده است. «تاریخ گزیده» رساله ای در شکایت اخوان و ذم زمان به او نسبت می دهد

تشکده آذر (۸۰/ ۱)، تاریخ گزیده، (۷۴۱) تاریخ علم و
نثر (۷۵۱)، حبیبة السیر (۳/ ۱۱۷)، الدرریمه (۹/ ۷۶۸)،
تذکرة روز روشن (۵۶۶)، فرهنگ سخنوران (۲/ ۶۵۴)،
مجلس المفاہیس (۳۴۳).

عماد محلاتی، مسعود بن علی. (ز ۸۹۰ ق)، خطاط. از خوشنویسان اقلام مشرکانه بود که مستعلیق را بر سبک می نوشت. از آثار وی: قطعه ای به قلم مستعلیق کتابت خوش، با رقم «العبد... عمادالمحلاتی، من بعد مسعین، س ۸۹۰»

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۲۰)

هبات سامانی چهارمحالی، میرزا نورالله، نوزند میرزا عبد الله. (۱۲۶۴-۱۳۲۲ ق)، شاعر. ملقب به تاج اشعر. در قصیه سامان به دنیا آمد و در خانواده ای اهل علم و ادب پرورش یافت پدر بزرگ و پدر برادرانش نیز شاعر بودند. نورالله پس از فراگیری علوم دین، در خدمت آقا میرزا محمد هادی به تصوف گرایید وی مؤلف «تذکره اشعراء» نامی است در ذکر احوال و آثار شعرای چهارمحال و بختاری که بنا به آورده ذکر بویی، در «حدیقه اشعراء»، استاد جلال همامی، در مقدمه «دیوان طرب»، آن را «سفینه الدور» نامیده است و محمد گنجین معانی در «تاریخ تذکره های فارسی» و علامه معلم حبیب آبادی در «مکارم الآثار» سیر کتابت حقوق را حسب حوال «محرر الدور» ذکر کرده است. در فریه سامان و نایافت و در قزوستان وادی السلام تعجب دهن شد. در تاریخ تولد و وفات او اختلاف وجود دارد که صاحب «مکارم الآثار» به رفع این اختلافها پرداخته است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر، شامل قصاید، غزلیات و مقطعات؛ «کنجینه الاسرار»، مثنوی بر وزن «زیده الاسرار»، در مرثی حضرت سید الشهدا (ع).

تاریخ تذکره های فارسی (۲/ ۱۷۳-۱۷۶)، حدیقه اشعراء
(۲/ ۱۲۲۶-۱۲۲۷)، الدرریمه (۹/ ۷۶۹)، مکارم الآثار (۵/ ۱۲۸۵-۱۲۹۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۶۵۹-۶۶۰)

عماد مابینی، میرزا مرتضی قلی خان، نوزند میرزا

۱۵۷۰۱۵۵.

عمیق بخاراسی، شهاب‌الدین ابوالنحیب، (وف ۵۴۲، ۵۴۳ ق)، شاعر، متخلص به عمیق، ملقب به امیرالشعراء و مکی به نجیب‌الدین. در بخارا به دنیا آمد بعد از کسب مهارت در شعر و ادب از بخارا به سمرقند رفت و به دربار آل خاقان راه یافت و به شهرت و جاه رسید. عمیق از شاهرازان مساوراء‌السهل و ب رشیدی سمرقندی معاصر و معاشر بود، با سلطان سنجر سلجوقی نیز دوستی داشت و به درخواست سلطان، در سرگ دخترش مرلیه‌ای سرود. شهاب‌الدین و به روایتی نجیب‌الدین، با انوری نیز معاصر بود و هم‌و به استادی وی در شعر اقرار کرده است. عمیق در قصیده، سکی نزدیک به مینک عنصری و مسعود سعد سلمان داشته و از علوم متداوله عصر خود آگاه بوده است. «دیران» شعر وی مشتمل است بر فصاید و رباعیات و پاره‌ای قطعات که به چاپ رسیده است. ظاهراً وی منظومه‌ای به نام «یوسف و زلیخا» هم داشته که به دو بحر خوانده می‌شده، ولی از بین رفته است. در بعضی از تذکرها آمده است که تخلص وی عمیق به معنی مرغی هشیار بوده و بعدها به صورت عمیق که کلمه‌ای بی معنی می‌باشد در آمده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۵۳۷-۵۳۵)، تاریخ نظم و نثر (۹۶-۹۷)، تذکره ریز روش (۵۶۹-۵۷)، تذکره‌الشعراء (۷۶-۷۳)، الذریعه (۹/ ۷۷۰)، ریحانه (۱/ ۲۳۶-۲۳۷)، شخصیت‌های نامی (۳۴۶-۳۴۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۲-۳۵)، فرهنگ سخنران (۶۵۵)، گنج سخی (۱/ ۳۰۲-۳۱)، لب‌الالساب (۲/ ۱۸۱-۱۹۱)، لغت‌نامه (دیل / عمیق)، مجمع‌المصاب (۲/ ۸۷۹-۸۸۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۴۴۶-۴۴۷)، مفت‌النیم (۲/ ۴۰۹-۴۲۰)، یادداشت‌های قزوینی (۶/ ۵۹-۵۸).

عمو، عبدالله، (وف ۷۱۶ ق)، عارف، ری از عارفان بنام اصفهان در سده هشتم هجری است که به بابا موصوف و به بابا عمو عبدالله معروف بوده است. معبره وی در همان شهر ریز طوقی است که در در طرف آن مناره‌ای ساخته‌اند و به منارجردن مشهور است.
ریحانه، ۴، ۲۰۹.

عمید، حسن، (س چهاردهم ق)، فرهنگ‌نویس، نویسنده و روزنامه‌نگار در مشهد به دنیا آمد و در همان

شهر به تحصیل پرداخت و وی در جوانی به عضویت انجمن ادبی درآمد و به کار نویسندگی و فرهنگ‌نویسی پرداخت و مدت‌ها در خراسان به پیشه روزنامه‌نگاری مشغول بود. عمید مدیر «سالمه خراسان» و روزنامه «طوس» بود. از آثارش: «اسوار مائیتسم»، «بر خرابه‌های تخت جمشید»، «غلطهای فاحش فرهنگهای فارسی»، «فرهنگ عمید»، «نیکوکاران».

تاریخ حراید (۲/ ۱۶۷-۱۶۸)، فرهنگهای فارسی (۲۰۹-۲۱۲)، کتابنامه نخستین دهه انقلاب (۲۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۱۵-۶۱۶).

عمید، موسی، فرزند احمد، (۱۲۸۷-۱۳۴۲ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده، در تبریز به دنیا آمد. علوم قدیمه را در تبریز و تهران تحصیل کرد، سپس جزء محصلین اهوازی، به اروپا رفت و در پاریس درجه دکتری در حقوق و در ژنو درجه دکتری در فلسفه گرفت. پس از بازگشت به ایران در ۱۳۱۹ ش به استادی در دانشکده‌های حقوق و الهیات منصوب شد. وی از ۱۳۳۰ ش تا زمان مرگ، ریاست دانشکده حقوق را عهده‌دار بود. در دانشکده حقوق، حقوق مدنی و در دانشکده الهیات، تاریخ فلسفه در اسلام را تدریس می‌کرد. از آثارش «ث»، «دهه» و وصیت در حقوق مدنی ایران».

راهنمای کتاب (س ۶، ش ۳، ص ۲۴۸-۲۴۷)، شرح حال رجال (۶/ ۲۶۹)، فهرست کتبه‌های چاپی فارسی (۲/ ۳۳۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۴۰-۳۴۱).

عمید خراسانی، عیسی، (س چهاردهم ق)، نویسنده، وی از مؤلفان خراسانی است که کتابی به نام «طب جدید» در ۱۳۱۷ ش در مشهد به چاپ رسانیده است. از دیگر آثار او «آرزوی وصال»، «عشاق تهران» و «مشحبات» عمید.

سهرت کتبه‌های چاپی فارسی (۱/ ۳۲، ۲/ ۲۲۴۹، ۲۳۰۲، ۳۱۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۶۵۲).

عمیدی سمرقندی، رکن‌الدین ابوجامع محمد/احمد بن محمد بن محمد، (وف ۶۱۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه حنفی. در علم خلاف و مناظره ماهر بود و در مباحثه روشی مشهور داشت. او یکی از چهار تن شاگردان معروف رصی‌الدین نیشابوری است که شهرت بسیار داشتند. نظام‌الدین احمد ابن شیخ جمال‌الدین محمود

حمیر و ابونضر دامی و مجید قایمی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را به عنوان پیشوایی راهب و مورد اعتماد در حدیث ستوده‌اند. ابوعبدالله دقاق گوید که برای حمیری در حراسان نظیری نبود تا چه رسد به هرات

انساب سمعانی (۲/ ۲۴۲)، سیرالسله (۱۹/ ۷۱۶)،
شذرات الذهب (۳/ ۳۹۴)، المعبر (۲/ ۳۶۱)، الواسی
بالریات (۴/ ۱۴۱)

عبایت اصفهانی، میر عبدالوهاب معموری. (ز ۱۰۳۰ ق)، شاعر، متخصص به عبایت از سادات پیام اصفهان بود در فنون مختلف بویژه میناق و حساب مهارت داشت. به هندوستان رفت و در آنجا منصب امیری یافت و چندی صاحب دیوان شهراده سلطان پرویز بود. در ۱۰۲۴ ق به خواسته خود از ریاست دیوان آن شاهزاده باز داشته و به ریاست دیوان صوبه سرهند و غیره مشغول شد. تقی اوحدی در ۱۰۳۰ ق او را در آگره هند ملاقات کرده است. در آثارش مشهور در بحر «فرهاد و سربس» نظم شده «دیوان» شعر، در حدود ۵۰۰ بیت عربی و قصیده تذکرة روز روشن (۵۷۲)، فرهنگ سخنوران (۶۵۶)، کربان هند (۲/ ۹۱۷-۹۲۱).

عبایت الله اصفهانی. (س یازدهم ق)، نقاش. مشهور به آفا هنایت از میناقورمازان عصر خویش بود. شیوه کار او در مکتب اصفهان بود و در آرایش و پرداخت تصاویر دست داشت از آثار وی تصویر اژدهای قری هیکلی که از درخت خشک و تکیدهای بالا می‌رود و زمینه میناقور، نمش کوهها و بیابان است که به شیوه خاصی انجام یافته و چنین رقم دارد. «رقم آفا هنایت الله اصفهانی».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۴۰۶)، تاریخ اصفهان (۳۰۴)،
هر عهد تیموریان (۷۷۹).

عبایت الله شیرازی - فرسی شیرازی.

عبایت الله محسن. (س دهم و یازدهم ق)، حشاش. از خوشنویسان زمان شاه عباس اول است. از آثار وی: یک نسخه «احلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «بتاریخ ۲۲ شهر رمضان المبارک سنة ۱۰۰۰». راجعه عبایت الله محسن.

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۴۱)

حمیری از شاگردان و ملازمان اوست. گفته‌اند که او دارای حسن اخلاق و تواضع بسیار بود. در بخارا درگذشت. از آثارش: «النجست»؛ کتاب «الارشاد» در علم خلاف و جدل، که گروهی از جمله: قاضی دمشقی، شمس الدین احمد حویلی و بدرالدین مراغی و اوحالدین دونس و نعم الدین ابن مرتندی به شرح آن پرداخته‌اند؛ «الطریقه فی الخلاف و الحدل» یا «الطریقه العمیدیه»؛ «السعاس»؛ در جدل، که قاضی شمس الدین حویلی آن را مختصر کرد و «عرائس العرائس» نامید

سیرالسله (۲۲/ ۷۶-۷۸، ۹۷-۹۸)، شذرات الذهب (۵)،
۵۴، المعبر (۲/ ۱۶۷)، کشف القفوس (۶۹۱، ۱۱۱۳)،
معجم المؤلفین (۱۱/ ۲۸۷)

همیدی نوری، ابوالحسن، فرزند عمیدالشعرا. (س ۱۲۸۲ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سبهر و دوره متوسطه را در رشته ادبی در دارالفنون تمام کرد. در ۱۳۰۷ ش از دانشکده حقوق فارغ التحصیل شد. وی مقالاتی در روزنامه‌های «ستاره ایران» و «طوفان» می‌نوشت. مدتی دادیار دادستان تهران و وکیل دادگستری بود. وی صاحب استیز روزنامه «داد» و مدیر روزنامه‌های «پروگرس» و «مورور یون» بود و تا ۱۳۳۲ ش میر به سمت وکالت دادگستری اشتغال داشت. از آثار وی: «آدریجان دمکرات»، «تحت جمشد»؛ «حرم و محازات». لازم به ذکر است که عمیدی نوری یکی از افراد مؤسس اتحادیه مطبوعات ایران بود

ادبیات نوین ایران (۲۸۱-۲۸۲)، تاریخ جراید (۳/ ۲۱)،
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۱۵۹-۱۶)

عمیری هروی، ابوعبدالله محمد بن علی بن محمد بن عمیر. (۳۹۸-۴۸۹ ق)، فقیه، محدث و زاهد. در فقه پیشگام بود. سماع حدیث را از ۴۰۷ ق آغاز کرد. وی از پدرش، از عباس بن فضل ضروری، و علی بن اسی طالب حواری و علی بن جعفر گهتدیری و عبدالرحمن بن محمد دیناری و صمام بن محمد شعرانی و عده‌ای دیگر در هرات و از قاضی ابوبکر حیری در بیشاور و از ابو علی بن شادان و افراش در بغداد و از محمد بن حسین صمغانی در مکه حدیث شنید. عمیری حج گزارد و به یمن نیز مسافرت کرد. او روایات بسیاری نقل کرد. اسی طاهر و مؤمن و محمد بن ابی حمی همدانی و بوالوقت و علی بن

معجم رجال الحديث (۷/ ۲۶۵-۲۶۶)، معجم المؤلفين (۲/ ۱۸۱)، السجود الزاهر، (۲/ ۲۱)، انواری بالروایات (۱۴/ ۲۰۱-۲۰۱)، وفسیحات الاحسیان (۲/ ۳۱۹-۳۱۷)، هدیه العارفين (۱/ ۳۷۲).

عنبری طوسی، ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل (وف ح ۲۹۰ ق)، حافظ، محدث و مستند. محدث طوس در زمان خویش و از خواص شاگردان محمد بن اسلم طوسی بود. در پی حدیث سفرها کرد و به دمشق و حجاز و عراق و مصر رفت و از یحیی بن یحیی تمیمی و ابن راهویه و علی بن حجر و ابن حمید و حسین بن حرب و عبیدالله قزویری و ابراهیم بن یوسف فقیه حدیث شنید. ابو نصر فقیه و ابوالحسن بن زهیر و محمد بن صالح بن هانی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. دهی در «العبر» او را از دهگشتگان سال ۲۸۲ ق ذکر کرده است. از آثارش «مستند» یا «مستند لعنری» که متجاوز از دویست جلد است. شاگردش ابو نصر فقیه گوید که با خط خود «مستند» عنبری را در دویست و نود جلد نوشته است. عنبری پس از «حصیف» «مستند» برای استحکام آورده‌های خویش کرشید و آنها را مقرر کرد.

سیرالنبلاء (۱۳/ ۳۷۷)، شذرات الذهب (۲/ ۲۰۵)، طبقات الحفاظ (۲۹۹)، کشف الظنون (۱۶۸۴)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۲).

عنبری نیشابوری، ابورکریا یحیی بن محمد بن عبدالله بن عنبر (وف ۳۴۴ ق)، محدث، مفسر، فقیه، لغوی و ادیب. اهل نیشابور بود. از ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن عمرو قشمری و حسین بن محمد قاتانی و ابراهیم بن ابی طاب و ابن خریمه و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن عبدش (عندوس) مفسر و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابوحسین حجاجی و حاکم و ابن منده و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعلی حافظ قدرت حافظه وی و وسعت آن را ستوده و حاکم گوید که ابورکریا متجاوز از ده سال گوشه‌گیری کرد، او می‌گفت: عالم برگزیننده باید که به بهترین حالت خویش بازگشت نماید، پاکیزه و حلال بخورد. هلم را وسیله‌ای برای مال‌اندوختن قرار ندهد و هلم برایش زیایی آورد. مال خود را فضل الهی محسوب کند و سیاست‌گزار خداوندگار خویش باشد. در «معجم الادباء» سال وفات وی ۴۴۴ ق ذکر شده است.

عنبری اصفهانی، ابونهدیل عید بن محمد بن ابو لهواریس احمد بن فضل تمیمی، (۲۲۷-۵۱۷ ق)، فقیه و محدث. پدرش از ادبا بود. ابوالحسن بن عابدشاه به وی اجازه داد و عنبری از او «جزء الزهد» اسد بن موسی را شنید. از بن ریزه «معجم الکبیر و الصغیر» طبرانی و از هارون بن محمد «فضایل القرآن» عبدالرزاق و همچنین «بزرگواران» برانشیخ را شنید. سنقی و ابوموسی مدینی و ابوجعفر محمد بن اسماعیل طبرستانی و مسعود بن اسی منصور جمال و مسعود بن محمود عسلی و عبدالواحد بن ابی مطهر صیدلانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوسعید سمعانی گوید که عنبری به وی اجازه روایت داده است سیرالنبلاء، (۱۹/ ۲۸۳-۲۸۵).

عنبری اصفهانی، ابوهذیل زقر بن هدیل بن قیس، (۱۱۰-۱۵۸ ق)، فقیه حنفی. معروف به ابوهذیل عنبری. اصل وی از اصفهان و مقیم بصره بود. ابونعمان حافظ گوید که پدر عنبری، هدیل، والی اصفهان بود. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) و ابن داود او را از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) شمرده‌اند. دهی او را برجسته‌ترین شاگرد ابوحنفه می‌داند و می‌گوید که از نزد ابوحنفه فقه آموخت تا فقهی کامل گشت. حنفی‌ها را بخوبی فهم می‌کرد و خود می‌گفت که قادر به ضرب حدیث است. او از حنّان بن ابراهیم کرمانی و اکثم بن محمد و ابونعیم ملائی و نعمان تمیمی و مالک بن قنطیک و اقرا بن آبان حدیث روایت کرده است. ابن معین او را محدثی مورد اعتماد توصیف نموده است. او در ابتدا از اصحاب حدیث بود، اما تحت تربیت ابوحنفه به اصحاب الرأی مایل شد، گرچه او تا زمانی که حدیثی می‌یافت به رأی نمی‌پرداخت. وی مدتها متولی قضای بصره بود و در همان شهر نیز وفات یافت. عنبری یکی از کسانی است که جامع بین هلم و عمل و عبادت بود. تصانیفی چند از وی بجای مانده، که از آن جمله «المقالات» و «مجرد» در ترویج می‌باشد.

الاعلام (۳/ ۷۸)، اعیان الشیخه (۷/ ۶۱)، المعجم والتعديل (ج ۱ ق ۲/ ۶۰۹-۶۰۸)، رجال ابن دلود (قسم ۲/ ۴۵۳)، رجسالت الطوسی (۲۰۱)، رجسالت (۷/ ۳۰۱-۳۰۰)، سیرالنبلاء، (۸/ ۳۸-۴)، شذرات الذهب (۱/ ۲۲۳)، طبقات ابن سعد (۶/ ۳۶۱)، العبر (۱/ ۱۷۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۷۶)، کشف الظنون (۱۷۸۲)، لسان المیزان (۳/ ۱۳۶-۱۳۶)، لغت نامه (دیل) ابوالهدیل،

سیرالبله (۱۵/۵۳۳-۵۳۴)، ملزب الذهب (۲/۲۶۹)،
المیر (۲/۶۹)، معجم الادبیاه (۲۰/۳۲)، التاجم الزاهرة
(۳/۲۵۸)

عندلیب السلطنة، زیور سلطان، فرزند میرزا
علامه حسین (س چهاردهم ق)، نوازنده و خواننده ملقب
به عندلیب السلطنة وی خواهر حبیب سماع حضور و
شاگردش بود. او در نواختن ستور و ارگ و خواندن آواز
شهرت بسیاری داشت و از خوانندگان و نوازندگان مطلع و
با قریحه زمان خود و خواننده مخصوص امین الدوله، زن
محمد تقی افشار حاجب الدوله بود.

تاریخ موسیقی (۱/۳۹۲، ۲/۵۱۶)، سرگذشت موسیقی
۴۶۷-۴۶۹، شرح حال رجال (۳/۲۰۹).

عندلیب فارسی، مداری، شیخ ملا محمد صادق

عندلیب کاشانی، محمد حسین خان، فرزند فتحعلی
خان ملک الشعراء (س سیزدهم ق)، شاعر ملقب به
ملک الشعراء ثانی و خان. وی بعد از پدر، کلیددار آستانه
حضرت معصومه (ع) بود. طرز سخن سرایی او به طرز
شعراء قدیم مثل رودکی و کسایی مروی شبیه است و
شیوه گفتار خفای و ناصر خسرو دارد و ریختن به کلمات
فوس بسیار آشنا است. در نقاشی و منبت سازی نیز متبحر
بود. عبدالرزاق دینی، بر حسب خواهش محمد حسین
خان صدر اصفهانی کتاب «نگارستان» خود را که شرح
حال شعر است با صا شروع کرد (البته بعد از خاقان و
نورددانش) و با عندلیب به پایان برد. اثر وی «دیوان» شعر
می باشد.

تذکره روز دزنس (۵۷۲-۵۷۵)، حلیقه الشعراء (۲/
۱۲۳۴-۱۲۳۵)، الذریعه (۹/۷۷۲-۷۷۳)، معجم المصنوع
(۲/۳۸۵-۳۸۷)، فرهنگ سخنوران (۲/۶۵۷)، معجم
الفصحا (۵/۷۴۴-۷۷۳)، مصطفی خراب (۱۲۶-۱۲۸)،
نگارستان دار (۲۹۷-۳۰۰)

عندلیب کاشی، حافظ محمد تقی (س یازدهم ق)،
شاعر، خواننده و موسیقیدان. مشهور به عندلیب کاشی
در زمان شاه سیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۶ ق) در اصفهان
میریست. در موسیقی مهارت داشت و آواز را خوش
می خواند. اشعاری از او به جا مانده است.

تاریخ اصفهان (۲۵۵)، تاریخ موسیقی (۱/۳۳۶)، تذکره

نصرآبادی (۴۰۶-۴۰۷)، الذریعه (۹/۷۷۲)، صبح گلش
(۸۸)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰).

عنری جرجانی، ابو عبدالله حسین بن جعفر بن
محمد (وف ۳۹۸ ق)، فقیه، معروف به وراق جرجانی در
مقداد ساکن بود. او به دنبال حدیث سفرها کرد. از محمد
بن حسن بن سیرویه و اسحاق بن ابراهیم جرجانی و احمد
بن محمد جرجانی و محمد بن یعقوب اخرم نیشابوری و
محمد بن قاسم هنکی نیشابوری و ابوسعید بن اعرابی و
اسماعیل صفار و خثیمه بن سلیمان و ابوالعباس اصم و
احمد بن ابی طحیه فارسی و همطبقه آنان حدیث شنید.
ابو عبدالله حاکم و حمزه سهمی و سیم رازی و علی بن
محسن قنوجی و ابومسمود احمد بن محمد بجلي رازی و
دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. در «تاریخ بغداد»
صاحب عنوان تحت نام هنری ذکر شده است.

تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۱-۴۰۳)، تاریخ بغداد
(۸/۲۰۲۷-۲۰۲۸)، سیرالبله (۱۷/۶۲-۶۳)

عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن
وُشلمگیر (ز ۲۷۵ ق)، نویسنده و شاعر از امیران و
شاهزادگان آل ریاری بود که در ادبیات مقامی رفیع داشت.
وی به ظاهر مدتی بر بخشی از کوهستانهای مازندران
حکومت داشت و مدتی نیز در دربار سلطان مودود
غزنوی سمت ندیمی داشت. سفری به حج کرد. آنچه
سبب شهرت و ماندگاری وی شده است، کتاب
«قابوس نامه» است که آن را در چهل و چهار باب برای
فرزند خود گیلان شاه در ۴۷۵ ق تألیف کرده است. این
کتاب از مهمترین متون شعر فارسی به شمار می رود.
عنصرالمعالی قریحه شاعری سیر داشته و قطعات و
رباعیاتی از او باقی مانده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/۸۹۸-۹۰۲)، تاریخ طبرستان و
رویان و مازندران (۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۴۵-۴۶)، تذکره
رور روش (۶۸۸-۶۸۷)، حبیب السیر (۲/۴۲۲)، دایره
المعارف فارسی (۲/۲۳۳۸)، الذریعه (۲/۹۰۶-۹۱۷)،
ریحانه (۲/۲۱۵)، سبک شناسی (۳/۱۸۹)، شاهراان
بی دیوان (۵۷۴-۵۷۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۱)،
نابرس نامه (مقدمه- ۵)، گنج و گنجینه (۱۰۶-۱۰۰)،
ساز-الانسب / ۳۱-۳۰، لسان نامه ردرس /
عنصرالمعالی، معجم الفصحا (۱/۱۰۰-۱۰۷)، معجم
المزلفین (۱۳/۴۱۵)، حفت انلیم (۲/۹۹-۹۷).

پدر به سیر و سلوک پرداخت. از آثار وی: تذکره «سیر خرقه»، در تراجم احوال اویسی مشربها از اویس تا قطب لدیس محمد؛ «دیوان شعر»؛ «عشق و سرنوشت»؛ «دانشمندان در بیسی»؛ «پندیده‌های فکر»؛ «چته»؛ شعر با شرح فارسی و عربی؛ «کراکب ادب»؛ مجموعه اشعار، دو کتاب اخیر به چاپ رسیده‌اند.

کتابخانه نخستین دهه انقلاب (۱۳۵۲) مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۹۶-۴۹۷)

عقدا اصفهانی، میرزا جواد/محمد جواد/عبدالجواد، نورند علی اشرف، (وف ۱۲۷۵ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به عقدا پدرش از اعیان و معارف اصفهان بود. در اصفهان به دنیا آمد. هنگامی که سلطان محمد میرزا سیف الدوله والی اصفهان بود، تعلیم خط از عقدا می‌گرفت. عقدا مدتی بعد همراه سیف الدوله به تهران آمد و متوطن شد و در همان شهر درگذشت. وی در خط شکسته مهارت داشت و خط نستعلیق را نیز نیکو می‌نوشت و همچنین در غزل‌سرایی، صاحب طبع و سبکش نزدیک به مدق قلم معروف بود. اثر وی «دیوان» شعرا یک نسخه «دیوان» ناصر خسرو، که قسمتی از آن به قلم شکسته و بقیه به نستعلیق تیم در دانگ خوش است، به شماره ۱۳۶۱ در عهد ناصرالدین شاه عبدالجواد... سنه ۱۲۶۱.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۶۸-۲۶۹)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۲۳۴-۱۲۳۶)، الدرر (۹/ ۷۷۳)، شرح حال رجال (۶/ ۱۳۱)، گنج شایگان (۳۲۸-۳۵۰)، المآثر والآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۴۰)

عقدا شیرازی، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا رضی‌قلی همای شیرازی، (۱۲۶۰-۱۳۰۸ ق)، ادیب، خوشنویس و شاعر، متخصص به عقدا. ملقب به ملک‌الشعرا در اصفهان به دنیا آمد. مردی درویش مسلک بود. وی عمری استاد جلال‌الدین همایی شد و به نوشته او مرگ عقدا بر اثر مسمومیت از قهوه فحری به دنبال مشاجره‌اش با ظل‌السلطان و کتک خوردن در ۱۳۰۸ ق روی داده، اما به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» عقدا در ۱۳۱۰ ق در اصفهان رننده بوده است. عقدا در اصفهان درگذشت و در تحت پیولاد دفن شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده که به همت استاد جلال‌الدین همایی منتشر شده است.

عنصری بسخی، ابوالقاسم حسن بی احمد، (۳۳۱-۳۵۰ ق)، شاعر. در بلخ در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد و به تحصیل علوم متداول زمان پرداخت. از جوانی به سرودن شعر روی آورد و ابتدا به مدح امیر نصر بن سبکتگین پرداخت و به وسیله او به خدمت محمود مزبوی رسید و در شمار ندیمان وی درآمد. عنصری در غالب سفرهای جنگی همراه محمود بود و برخی از سروده‌هایش در وصف همین جنگها و فتوحات است. او از رهگذر مدحها، صله‌های گران دریافت کرد و چنان توانگر شد که ثروت از زبانزد شاعران فارسی زبان گردید. وی پس از محمود تا پایان عمر در خدمت پسرش، مسعود، بود. عنصری در شعر فارسی و انواع آن، از قصیده و غزل، قطعه و مثنوی توانا بود. از آثار وی، منظومه «وامق و عذرا»؛ منظومه «شادبهر و عین‌الحیوة»؛ منظومه «خسگ بت و سرخ بس»؛ «دیوان» شعر.

تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۵۵۹-۵۶۰)، تاریخ ادبی ایران (۱/ ۵۶۵، ۵۶۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۸)، تذکره روز روشن (۵۷۹-۵۷۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۷۸۲-۱۷۸۳)، دیوان عنصری (مقدمه)، اندریمه (۷/ ۲۶۶، ۷۷۳، ۱۹/ ۳۳۱)، روحانه (۲/ ۲۱۵-۲۱۷)، شمیت‌های نامی (۳۴۸-۳۴۷)، الکنی والکنایه (۲/ ۴۸۸)، گنج سخن (۱/ ۱۳۶-۱۲۷)، گنج و گنجینه (۵۴۳-۵۴۴)، لایب‌الایاب (۲/ ۲۲-۲۹)، لغتنامه (ذیل)، عنصری، مجمع‌النصوص (۲/ ۸۹۷-۹۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۱۳-۵۱۲)، تابع‌الافکار (۲۶۱-۲۵۹)، همت افسیم (۲/ ۶۰)

عقدا، قطب‌الدین محمد، فرزند جلال‌الدین ابوالفضل علی عقدا، (ح ۱۲۶۷-۱۳۴۱ ش)، شاعر و عارف. از عرفای نامدار ایران است. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در مدرسه شرف، وارد دارالفنون شد. پس از اتمام تحصیلات در اداره حکمرانی تهران تا اویس مشروطه با سمت نویسندگی مشغول خدمت بود. از آثار وی «ادبیات عقدا»، شعر، «تجلیات»، مجموعه شعر.

رشدگانه رجال و مشاهیر (۴/ ۳۶۸)، گزارش معانی (۲۸۷-۲۸۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۴۹-۶۵۰)

عقدا اویسی، صادق/محمد صادی، فرزند محمد، (تو ۱۲۹۲ ش)، نویسنده و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات در رشته‌های ادبیات و معقول و منقول نزد

سذكرالقبور (۹۸)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۲۳۸-۱۲۳۶)،
الذریعه (۹/ ۷۷۳-۷۷۴)، شرح حال رجال (۶/ ۳۲۹).

عتقاي طالقانی، جلال‌الدین میرزا ابوالفضل/حلی
ابوالفضل، فرزند ملا علی بن هاشم قزوینی.
(۱۲۶۶-۱۳۳۲/۱۳۳۳ ق)، نویسنده و شاعر، متفلسف به
عتقا در قزوین به دنیا آمد. پس از تحصیلات نزد پدر
خویش و استادانی چون سید رضى حکیم‌الهی و شیخ
محمد صادق بن شهید ثالث، از قزوین به تهران آمد و در
این شهر نزد استادانی چون آقا علی مدرّس که از مشاهیر
مدرّسین حکمت بود و نیز حاج ملا هادی مدرّس به
تحصیل پرداخت و در مسلک درویش اریسیه درآمد. عتقا
در مضایل علمی و ادبی و حسن خط بهره داشت و سئالان
دراز با علامه حسین خان غفاری صاحب اختیار ارتباط و
معاشرت داشت، گویند که بعضی اشعاری که به نام
صاحب اختیار شهرت داشته از سروده‌های عتقا است. وی
در بهران درگذشت و در این بابویه دفن شد. از آثارش:
رسالة «آئینه جهانگیری»؛ رساله‌ای در اثبات نبوت و
ولایت؛ «اشارات حسینیّه»، مثنوی؛ «اسرار قلوب»
السانکین، مثنوی؛ «دیوان» غزلیات؛ «مغایده حقّه»،
صول دین.

سذكر صلحت (۱۴۸-۶۶)، الذریعه (۹/ ۷۷۴، ۵۹، ۱۶،
۱۲۱)، شرح حال رجال (۶/ ۹)، طرقت الحقائق (۳/
۵۵۸۷-۵۵۸۵)، فرهنگ سخنوران (۶۵۸)، مکرم الآثار (۵/
۱۸۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۱۰-۲۱۱).

عتقاي قاچار، محمد رحیم خان، فرزند محمد
خان، (س سیزدهم ق)، شاعر. پدرش مدتی حاکم سبزوار
بود. خورد وی نیز چندی به همراهی سرچهره‌خان
مستبدالدوله مأمور حکومت بعضی از شهرها شد. وی
اواخر عمر را در تهران سپری کرد. در «حدیقه الشعراء»
عنوان دیگری به نام عتقاي خراسانی ذکر شده که به نظر
آقای دکتر نوایی این دو عنوان یکی هستند. از اوست:
خداى ر ممدى همراه که ره نبرم من
کنید راهنمایی به کوی ساده فروشم
حدیقه الشعراء (۲/ ۱۲۳۶-۱۲۳۸)، الذریعه (۹/
۷۷۴)، فرهنگ سخنوران (۶۵۸)، مجمع الفصحا (۵/
۷۳۹).

عنوان تیرمیزی - چلبی، محمدرضا.

عوام کردستانی، میرزا عبیدالله، فرزند میرزا احمد
وزیر، (مقتول ۱۲۳۵ ق)، شاعر، متفلسف به عوام. پدرش
وزارت سندج را داشت. خود او در زمان امارت و ولایت
امان‌الله خان والی رتبه وزارت داشت و از جانب فتحعلی
شاه مأمور سفارت روسیه شد. وی در آشوبهای سندج
درگذشت. اشعاری داشته است.

تکره حدیقه امان‌اللهی (۴۰۳-۴۰۱)، حدیقه الشعراء (۲/
۱۲۳۹)، الذریعه (۹/ ۷۷۵)، ریحانه (۲/ ۲۱۸-۲۱۷)،
فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، مجمع الفصحا (۵/ ۷۴۲).

عوض بن محمد، (س نهم ق)، طراح و نقاش گاشی.
وی سارنده کاشیهای تراش و معرق گنبد شیخ صفی‌الدین
«ردیبنی است که رقم نهاده: «عمل العبد العفیر الراجی الی
عفو صمد - عوض بن محمد».
حوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۶۲۴).

عوفی، نورالدین اسدالدین محمد، فرزند محمد
بخاری، (ز ۶۳۰ ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب
بهمن‌الرحمن بن عرف از صحابه رسول (ص) بود. ولادتش
در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت
گرفت. او به بسیاری از بلاد مسوراء السهر و خراسان و
میسرستان سفر کرد. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام
تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل برهان و امام رکن‌الدین
مسعود بن محمد امیرزاده تحصیل کرد. وی مدتی در
قندهار در دربار قلیچ طمغاج خان ابراهیم ره داشت و در
خدمت پسرش قلیچ ارسلان حقایق نصره‌نویس شد. پس
ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشای آن
شاهزاده را داشت. او تا اواخر حکومت سلطان محمد
خوارزمشاه در خراسان و ماوراءالنهر به سر می‌برد و به
جمع آوری اطلاعات دی‌قیمت خود، که در کتابهای
خویش ثبت کرده است، مشغول بود. در اوایل حمله مغول
به بلاد سمرقند و خدمت «صراالدین قباچه» در ممبیک
عوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباچه به
خدمت شمس‌الدین التمش درآمد و به هندوستان رفت و
بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست.
از آثار مشهور او «ایات الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در
احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «مجموع الحکایات و لواعج
الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در ۶۳۰ ق به
نیایان رسیده است.

ساریج، ابیات در ایران (۲/ ۱۰۳۰-۱۰۲۶)، تاریخ

تاریخ نظم و نثر (۴۷۱)، فرهنگ سخنران (۶۵۹)،
کاروان هند (۲/ ۹۲۵-۹۲۲).

عیسایز فیسابوری، ابوعثمان سعید بن احمد بن محمد، (وف ۴۵۷ ق)، محدث، فقیه، زاهد و صوفی. چون در ابتدا به مملکت عیاران سوک می‌گردد، معروف به عیار شد. در ۳۷۸ ق برای کسب حدیث سفر نمود و «صحیح» بخاری را، در مرو، از محمد بن عسیرن شنبویه استماع کرد و همچنین در نیشابور از ابومحمد محمّدی و ابوطاهر بن خزیمه و ابوالفضل عبیدالله بن محمد قامی و ابوالحسن خفاف و دیگران حدیث شنید، و در دمشق و اصفهان و نیشابور و هرات و غزنه حدیث گفت. بزرگانی چون محمد بن فضل عروای و زهر شخامی و ابوالمعالی محمد بن اسماعیل فارسی و در صغها، عام بن احمد جلودی و دطمه بنت محمد بغدادی و حسین بن طحطحه صالحنی و عشق بن حسین رویدشتی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. عیار در غزنه درگذشت. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی «فوائد»ی، در پیست جزء، برگرفته و برگزیده از «اصول» وی نگاشته است.

الاعلام بوفیات الاعلام (۱، ۳۰۳)، میرالمیلاء (۱۸/ ۸۶-۸۹)، شذرات الذهب (۳/ ۳۰۴)، المعبر (۲/ ۳۰۸-۳۰۷)، لسان السیران (۳/ ۲۵۰-۲۵۱، ۲۶۶-۲۶۷)، الوانی بالرمیات، ۱۵/ ۱۹۸-۱۹۷.

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش سلمی (وف ح ۳۲۰ ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی اهل سمرقند و از فقهای بزرگ فرقه اثنی عشری در زمان شیخ کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنان را استماع می‌کرد، ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبیدالله بن محمد خالد طرابلسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل قیسایی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه رمان خویش برد و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و دکاوت در مشرق نظیر نداشته. او محسنی برای خواص و محلی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش

تذکره‌های فارسی (۲/ ۸۰-۷۷)، تاریخ نظم و نثر (۹۸-۹۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۷۸۵)، الذریعه (۲/ ۲۵، ۲۵، ۲۵، ۲۷۵، ۱۰۰۱)، ریحانه (۲/ ۲۱۹)، نسک شامی (۲/ ۳۸۲۶)، فرهنگ سخنران (۶۶۰)، لباب الالباب (ترجمه مصطفی کرب - کب)، لغت نامه (دیل / حوثی)، مجله دانشکده مشهد (ص ۳، ص ۸۹-۹۲)، مجمع النصارا (۳/ ۱۱۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۷۷۷-۷۷۶).

عهدی تبریزی (س دهم ق)، شاعر در سرودن اشعار مصنوع دست داشت و ظاهراً در ماوراءالنهر می‌زیست. قصیده‌ای در مدح سلطان ابومعید، سلطان اوزبک، گفته که از مصراع‌های اول تاریخ تولد و از مصراع‌های ثانی تاریخ حلوس به دست می‌آید.

تاریخ نظم و نثر (۷، ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۲)، الذریعه (۹/ ۷۷۶).

عهدی خراسانی، قاضی عبدالرزاق (س دهم ق)، قاضی و شاعر، متخلص به هندی یا عهدی. در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۲ ق) به هندوستان رفت و توسط شخصی نورالله شورشتری به دربار اکبر راه یافت و منصب قضاوت کنایات و به او دادند، ولی پس از چندی دفتگی شد. خراسان بازگشت. عهدی در سرودن غزل توانا بوده است. تاریخ نظم و نثر (۶۸۶)، تنکرة روز روشن (۵۸۰)، الذریعه (۹/ ۷۷۶)، فرهنگ سخنران (۶۵۹)، کاروان هند (۲/ ۹۲۳-۹۲۱).

عهدی شهریاروی، (ز ۹۹۲ ق)، شاعر. از مردم ری و شهریار بود. پس از تحصیل مقدمات علوم و آگاهی از نجوم و عروض و قافیه قدم در وادی شاعری نهاد. در خوانی به هندوستان رفت و در ۹۹۲ ق، در اوایل حکومت خال خانان، به خدمت او رسید و از او مدح گفت. کاروان هند (۲/ ۹۲۳-۹۲۲)، مآثر رحیمی (۲/ ۱۳۰۵-۱۳۱۲).

عهدی شیرازی، (س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران ایرانی است که به هندوستان مهاجرت کرد و مدتی در گجرات با میرزا نظام‌الدین احمد، مؤلف «طلقات اکبری»، به سربرد عهدی در سرودن غزل و قصیده دست داشت. در برخی از تذکره‌ها نام او را عهدی رازی ذکر کرده‌اند.

المعراف (۲۲۱)

عیانی جهرمی، احمد خان، فرزند احمد خان. (س. سیزدهم ق)، شاعر. چون به هنگام تولد پدرش درگذشته بود، به نام پدرش او را نامیدند اهل جهرم بود و حاندانش در آنجا حکومت داشتند. عیانی بر خلاف اخلاف و اسلاف خویش به حکومت داری انتفاعی نداشت و بیشتر به سرودن شعر می پرداخت. از آثارش: «دیوان» شعر

حذیقه الشعراء (۲/ ۱۲۴۱-۱۲۴۳)، ریاض المعارفین (۲۶۸-۲۶۹)، فارسنامه صابری (۲/ ۱۲۸۵)، مرآت القاص (۲۲۹-۲۳۰)

عیانی شیرازی ← همدان شیرازی، معین الدین.

عیسی بن جنید شیرازی ← جنید شیرازی، عیسی بن جنید

عیسی بن چهاربخت ← ابن چهاربخت.

عیسی بن صهاربخت ← ابن چهاربخت

عیسی بیگ، فرزند شاطر محمد، (ز ۹۸۶ ق)، خطاط. معروف به رنگ کار پدرش از شاطران رکاب شاه اسماعیل اول صفوی و خود از رکابداران شاه طهماسب صفوی بود. صاحب «قواعد خطوط» که او را ملاقات کرده او را شاعر و معنایی و شاگرد جمشید خوشنویس دانسته است عیسی بیگ ستملیق را خوش می نوشت و در قطعه نویسی و رنگه نگاری دست داشت. پس از مرگ شاه طهماسب به تولیت بقعه امامزاده ای در گنبد گماشته شد و تا آخر عمر همان جا می ریست. به روایتی، میر عماد مدنی شاگرد وی بوده است از آثار او: دو قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلمهای پنج دانگ و سه دانگ و دو دانگ، به زر و سفیداب خوش و عالی، با رقمهای «عیسی» و «فقیر حفر عیسی...» و «السلطنة قزوین فی سنة ۹۸۶ هجریه»؛ یک قطعه از مرقع مالک دیلمی، به قلم پنج دانگ و دو دانگ عالی، به زر و سفیداب، با رقم: «فقیر عیسی، مدار السلطنة قرین»؛ فی سنة ۹۸۴.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۳۲-۵۴۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۳)

همانند مسجد، مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیر محدثین و علما بود که در آن عده ای به تألیف و مقاله و گروهی به استنساخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و روبا تبحر داشت و در زمینه ابواب فقهی متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتها کامل رسید. در فهرست ابن الدیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر عیاشی»؛ که بسیار شش به «تفسیر قرأت» و «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید و النصیحة»؛ «الصلاة»؛ «الزکوة»؛ «الصوم»؛ «المساک»؛ «المال» و «المعلم»؛ «الغلب»؛ «التجارة و الکسب»؛ «القضاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیة و الخراج»؛ «اطاعة»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلائل الاثمة»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبياء و الاثمة»؛ «النبوم»؛ «الرؤیا»؛ «معارض الشعر»

الاحلام (۷/ ۳۱۶)، اعیان الشیعة (۱۰/ ۵۶)، الذریعة (۲/ ۲۵۶، ۳/ ۳۲۸، ۴/ ۲۹۵، ۵/ ۱۰۵، ۷/ ۴۲، ۸/ ۳۳۹، ۱۱/ ۲۰۷، ۱۲/ ۴۲، ۱۵/ ۶۰، ۱۳۳، ۱۳۹، ۲۰۷، ۱۷/ ۱۴۰، ۲۰۹، ۲۱/ ۱۲۵، ۲۱/ ۱۹۵، ۲۲/ ۲۷)، رجال الطبرستان (۲۹۷)، رجال القضاة (۲/ ۲۵۰-۲۵۱)، روضت الحساب (۶/ ۱۲۳-۱۲۴)، ریاض صابری (۲/ ۱۲۸۵)، سفیة البحار (۲/ ۳۰۱)، طبقات اعلام الشیعة (توک / ۳۰۶-۳۰۵)، فوائد النوریه (۶۴۱)، النهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۶۱-۳۶۲)، النهرست للطوسی (۱۲۰، ۲۰۹، ۳۰۷، ۳۲۱)، الکسب والاثبات (۲/ ۲۹۰، ۲۹۱)، لمب سانه (دیل / ابوالصیر)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۲۰)، هدیه الاسباب (۲۰۵-۲۰۴)، هدیه المعارفین (۲/ ۳۳۰-۳۳۲)

عیانی. (س. دهم ق)، خطاط و شاعر از آثار وی قطعه ای در مرقع شاه اسماعیل صفوی است. که به قلم نیم دو دانگ خوش نوشته شده و رقم «لکانه» العبد المدب، عیانی» دارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۴۳)

عیانی تکلو هروی. (س. دهم ق)، شاعر. اصل وی از هرات و از ایل تکلو بود چون بیشتر ایام در ری می زیست به رازی نیز مشهور شد. عیانی از شاعران مشهور سراسی بود که به پیروی از «خمسه» نظامی گنجوی حمسه ای سروده است

تاریخ نظم و نثر (۵۱۹)، الذریعة (۹/ ۷۷۷، ۷۷۸)، مجمع

۱۹۶۵

احوال و آثار خوشنویسان (۵۳۶-۵۲۵/۲)، خوشنویسان و هرمندان (۲۵)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۳)، گلستان هنر (۱۰۵)، مسابق مسووران (۷۱، ۸۵)، هنر عهد تیموریان (۵۷۸، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۰).

عیشی اردبیلی، (ز ۱۰۲۶ ق)، شاعر. در اردبیل به دنیا آمد. پس از تشو و نما در همان شهر و کسب مقدمات علم، در ۱۰۲۶ ق به هرات رفت و پس از مدتی اقامت روانه هندوستان شد. عیشی در سرودن شعر طبعی روان داشته است.

تذکره شعری آذربایجان (۱/ ۱۰۳-۱۰۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۳)، الذریعه (۹/ ۷۷۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۱) کدوان هند (۲/ ۹۲۸-۹۲۷).

عیشی شیرازی، (س نهم ق)، شاعر. معروف به کل عیشی. از شاعران معروف شیراز بود و بیشتر مردم را هجو می‌گفته و اهاجی او معروف بوده است. اوایل عهد شاهی از مصداق بوده یا دوران سلطنت حلیل، پسر میرانشاه بن تیمور، (۸۰۷-۸۱۲/۸۱۴ ق)، عیشی عمری طولانی کرده و در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا، (۸۷۳-۹۱۱ ق) حیات داشته است. از وی «ده نامه» ای باقی مانده که به «هشتر نامه» مرسوم و به اسم سلطان حلیل تیموری سروده است. شاعر در این اثر به «ده نامه» اوحدی مراغه‌ای و «مهر و مشتری» عصار قیصری نظر داشته است.

سایخ ادبیات در ایران (۴/ ۲۶۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۹)، تذکره روز روشن (۵۸۱)، دانشمندان و سخن سراپان فارس (۳/ ۷۲۸-۷۲۷)، الذریعه (۹/ ۷۷۹)، ۹۱۵-۹۱۲، فرهنگ سخنوران (۶۶۱)، مجالس العالی (۳۰۳)، منظومه‌های فارسی (۲۴۵).

عین القضاة همدانی، ابوالعالی / ابوالقضاة همدانی، بن محمد بن عی میانجی، (۵۲۵-۵۲۹ ق)، فقیه، حکیم و عارف. معروف به قاضی همدانی در همدان به دنیا آمده و بی چون پدر و جدش از میانه بودند به میانجی نیز معروف بود. در جوانی در زادگاه خویش به کسب علوم متداول پرداخت و به سرعت در ادب و حکمت و کلام مایه‌ور شد و به سبب مهارتی که در فقه پیدا کرد، به عنوان قاضی و مدرس منصوب گردید و با وجود جوانی شهرت و نفوذ فراوان پیدا کرد و همین امر باعث پرسنجخته شدن

عیسی تفرشی، میرزا عیسی، فرزند میرزا عیسی وزیر (وف ۱۳۱۰ ق)، بیکوکار، معروف به وزیر. وی پس از مرگ پدر شایب الحکومه تهران شد. در ۱۲۸۳ ق به سمت ریاست املاک خالصه و وزارت و پیشگیری کاسران میرزا نایب السلطنه منصوب گردید و از این تاریخ بود که معروف به وزیر شد. در قحطی که در ۱۲۸۸ ق سراسر ایران را فراگرفت، به علت گرانی نان، معزول شد و پس از درگذشت محمد ابراهیم خان وزیر نظام برای بار دوم وزیر تهران گردید. وی به مرض وبا درگذشت و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی را وصی خود قرار داد. بنای مسجد آنا شیخ هادی در تهران و نیز بیمارستان رژیوری در خیابان شیخ هادی از محل ثلث درائی میرزا عیسی ساخته شده است و خود وزیر در زاویه شمال غربی مسجد مدفون می‌باشد. تاریخ مستظم ناصری (۳/ ۱۸۸۶ به بعد)، دورنامه خاطرات اهتمام السلطنه (صفحات متعدد)، شرح حال رجال ۲/ ۵۱۴-۵۱۵.

عیسی قزوینی، قاضی میر صفی‌الدین، (وف ۹۸۰ ق)، شاعر. وی از مردم قرین بود. برادرش علاءالدوله سیفی حسنی قزوینی متخلص به کاسی و صاحب تذکره «مجالس المآثر» است. از اکثر علوم زمان بهره‌مند بود. در ۹۷۶ ق به هندوستان رفت و به دربار اکبری راه پیدا کرد و مقام قضا یافت. وی در آگره درگذشت و در جوار مزار شیخ نظام‌الدین اولیا در دهلی دفن شد. قاضی در سرودن شعر مهارت داشت. تاریخ نظم و نثر (۸۴۰-۸۴۱)، کدوان هند (۲/ ۹۲۵-۹۲۶).

عیشی، (ز ۹۶۵ ق)، خطاط و شاعر در هرات می‌زیست و از آنجا به مشهد رفت و در کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا صفوی به امر کتابت مشغول شد و همانجا درگذشت و در آستان حضرت رضا (ع) دفن شد. بعضی وی را تبریزی دسته‌اند. عیشی را شاگردان محمد قاسم شادشاه بود و به قول صاحب «گلستان هنر» به روش سلطان محمد نور می‌نوشت. او همچنین در رنگه نویسی مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود. آثار وی صفحه‌ای از یک نسخه «یوسف و زلیخا» ای جامی، «رقم» عیشی ۹۴۴؛ شش قطعه از مرقع امیر غیبی بیک، به قلم بیم دو دانگ و کتابت و غبار عالی و خوش، با رقمهای: «العبد عیشی» و «کتابه عیشی» و «فائله عیشی» و «المحرر... ستا

عین‌القضاة و استادان او، فرهنگ سموراد (۶۶۲)،
کتابخانه بزرگان (۱۷۵-۱۷۷)، کشف‌الظنون (۹۵۱)، گنج و
گنجینه (۱۴۸-۱۵۳)، لسان‌المیران (۳۹۹-۳۹۸/۵)، مع
دانه (دین / عین‌القضاة)، مبانئ عرفان و احوال عارفان
(۴۱۹-۴۲۵)، مجمع‌الفصحا (۸۶۹/۲)، معجم‌المؤلفین
(۱۳۲/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۱۱-۱۰۱۲)، تلایح
لافتار (۴۵۲)، سائیم‌الاسفار (۷۶)، مصحات الاس
(۲۱۸-۲۱۹)، هدیه‌المعارفین (۲۵۵/۱)، هفت اسبیم (۲/
۵۳۲-۵۳۴).

عین‌الملک هویدا، حبیب‌الله، (من چهاردهم ق)،
نویسنده و مترجم، از کارگزاران دولتی بود که آثار چندینی به
زبان فارسی نگاشته و ترجمه کرده است. وی در ۱۳۳۸
ش با سمت نمایندگی ایران به حجاز رفت تا برای تجدید
روابط ایران و حجاز وارد مذاکره شود. از آثارش: «اسرار
سلطانی دربار شاهی»، «اسرار پادشاهان»، ترجمه «ادامستان
آدم حذیل»، ترجمه «روکامبول»، «مهر فرزندی»، ترجمه
دهرست‌کنایهای چاپی و فارسی (۱۱/۲۰۲، ۹، ۱۳۳۴،
۲/۱۷۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۴۹۸-۴۹۷).

عسبی، (ز ۹۸۹ ق)، خطاط. از مساهران صاحب
در کتاب تستعلیق بود و همو گوید که وی سیار ماهرانه
می‌نوشته است. او ظاهراً از هرات بوده و با سلطان حبشی
میرزا بایقرا و امیر حبشیر نوایی دوسنی داشته است.
حوال و آثار خوشنویسان (۳/۵۲۷).

عیونف، (من پنجم ق)، شاعر، معاصر با سلطان محمود
غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ ق) بود و مثنوی عاشقانه «لورنه و
گفتاش» را به نام او به نظم درآورد. وی مثنوی دیگری به
بحر رمل مسدس و قصایدی داشته است.
تاریخ ادبیات در ایران (۱/۶۰۳-۶۰۱)، تاریخ نظم و نثر
(۴۴، ۷۲۶)، دائرةالمعارف فارسی (۲/۱۷۹۶)، الذیعه
(۹/۷۸۱-۷۸۲، ۱۹/۳۳۱)، شاعران بی‌دیوان (۲۲۲)،
گنج سخن (۱/۱۵۸-۱۵۲).

حسد و رشک فقها و متکلمان شد. فلسفه و کلام، طبع
حقیقت‌جویی وی را فنان ساخت و گرفتار بحرانهای
روحی شد و همین امر او را دچار شک و شبهه کرد. پس از
آشنایی با آثار امام محمد غزالی با حسدی خاطرش آرام
گرفت و چندی بعد با احمد غزالی آشنا شد و به او دست
ارادت داد. او همانند احمد غزالی در بیان عقاید خود
بی‌پروا بود، همین صراحت در گفتار باعث مذگمانی
مشرعه شد. ابوالفاسم درگزی که خود اندکی بعد به
جرم مذهب اسماعیلی کشته شده، او را دستگیر و روانه
بغداد نمود. قاضی مدتی در بغداد زندانی بود و در همین
رندان رساله معروف «شکوی انشرب عن الاوطان الی
علماء البیدان» را به زبان عربی، خطاب به علمای عصر
نوشته و در آن، که مشحون از نکات عرفانی و فلسفی
است، نهایاتی را که به وی نسبت داده بودند رد کرد و به
بوحی شبهات نیز پاسخ گفت، اما چندی بعد او را به
همدان برگردانیدند و برادر مدرسه‌ای که ظاهراً محض
تدریس او بود بر دار کردند و سپس جسدش را با نکت و
سوریا آتش زدند. از دیگر آثار وی: «تمهیدات»،
«زبدةالحقایق»، «ترهه العشاق و نهره المشاق»، «نغمه‌های
عین‌القضاة همدانی»، «رسالة جمالی».

حوال و آثار عین‌القضاة، به‌صاحب حکیمون (۴۵۳)،
تاریخ ادبیات ایران، یوان (۲/۲۸۲)، تاریخ ادبیات در
ایران (۲/۹۳۶-۹۳۴)، تاریخ سرگزیدگان (۵۸۱)، تاریخ
عرفان و عارفان ایرانی (۴۲۴، ۳۲۵-۴۲۶)، تاریخ نظم و
نثر (۱۱۱)، نصیرف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۷۶)،
۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲-۲۰۱)، تمهیدات (مقدمه/
۱۰۷-۱)، جستجو در تصوف (صفحات متعدد)،
دانشمندان آذربایجان (۲۸۳-۲۸۵)، دائرةالمعارف فارسی
(۲/۱۷۹۴-۱۷۹۵)، درةالاسفار (۷۳-۷۴)، دستورالزوریه
(۲۰۵)، المریعه (۸/۲۸۲، ۹/۷۸۱، ۱۲/۲۴، ۱۵/۱۶۷،
۲۲/۲۲)، ریاض‌الصبرین (۱۰۷-۱۰۸)، ریحانه (۴/
۲۲۴-۲۲۶)، سلطان العشاق (صفحات متعدد)، شفرات
الذهب (۴/۷۵)، طبقات اعلام الشیعه (نثر ۶/۱۶۶)،
طرائف‌المحدثین (۲/۵۷۲-۵۶۸)، العیون (۲/۴۲۶).



غارت زکد تهرانی، امام قلی خان. (وف ۱۲۸۰ ق)،
شاهر، متخلص به غارت. در تهران زندگی می‌کرد و از
بررگ این شهر بود. اشعار وی را سید حسین نهری از
خویشانش جمع‌آوری کرده است. غارت با صاحب «المآثر
و الآثار» جلیس و همشین بوده و در تألیف کتاب «نامه
خسروان» یا «تاریخ سلاطین عجم» با سلطان جلال‌الدین
میرزا همکاری داشته است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
تاریخ عهدی (۲۱۱-۲۱۰)، حدیقه الشعراء (۱/ ۳۷۶-۳۷۷)،
۱۲۴۵-۱۲۴۴، الذریعه (۹/ ۷۸۳، ۲۲/ ۲۱)، شرح کمال
رجال (۶/ ۵۱-۵۰)، فرنگ سننوران (۶۶۳) الآثار و
الانوار (۲۲۲).

غازی، استاد محمود اصفهانی. (ز ۵۵۳ ق)، معمار
معروف به غازی. از آثار وی، طراحی و بنای مسجد جامع
اردستان است که ابوطاهر حسین بن غالی، نانی آن بوده
است. کتیبه گنبد و محراب مسجد به خط ثلث است و
چنین رقم دارد: «امر ببناء هذه القبة... ابوطاهر الحسين
بن غالی بن احمد... علی بنی الاستاد محمود اصفهانی
المعروف بالغازی فی سنة ثلث و خمسين و خمسمائة
۵۵۳ ق». ر آثار منسوب به او مسجد زواره است که از
مشابهات بین دو مسجد جامع اردستان و زواره و وجود
کلمه «احمد» بعد از «امر بناء» که ذکر شده، می‌توان
احتمال داد که بنای آن را نیز استاد محمود اصفهانی
معروف به غازی انجام داده باشد.

آثار منی اصفهان (۸۸۲-۸۸۳)، احوال و آثار قاضان (۳/ ۱۱۳۵)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۲۱۱-۲۱۲، ۲۳۱).

غازی اصفهانی، ابونصر احمد بن عمر بن محمد.
(۵۳۲-۴۴۸ ق)، حافظ، شیک و محدث. در اصفهان به دنیا
آمد. در طلب حدیث سفرهای بسیار کرد. وی در پندار از
ابو حسین بن ثور و عبدالباقی بن محمد عطار و ابوالقاسم
بن ثوری و عدای دیگر، و در بهره از ابوحلی ثوری، و
در بهره از محمد بن عبدالمکمل مظفری، و در اصفهان
از عابد الرحمن بن منده و هراذرش ابوعمر و ابن شکریه و
بسیاری دیگر، و در نیشابور از فضل بن عبدالله بن محب و
مطهره وی، و در هرات از ابوعامر ازدی و ابواسماعیل
انصاری و همطیقه آنها حدیث شنید. سلمی و سمعانی و
ابوموسی مدینی و ابن هساکر و مؤید بن اخوه و محمود بن
احمد مضری و دیگران از وی حدیث رویت کرده‌اند.
سمعانی گوید که او فقه‌ای دیندار بود. روایات بسیاری ر
شنیده و کتب را جمع‌آوری و استنساخ کرده و نوشته‌های
بسیاری را از خود باقی گذاشته است.

الاعلام بوفیات الاعلام ۱ (۳۵۴)، سیرالنبلاء (۲۰)،
۹۸، ندراب اللذات (۲/ ۹۸)، طبقات المسانید
(۲۶۲-۲۶۳)، المعبر (۲/ ۲۴۱)، الفرائی بالروایات (۷/ ۲۶۳-۲۶۴).

غازی جرجانی، ابوالحسین محمد بن ابراهیم بن
شمیب (وف ح ۳۱۱ ق)، حافظ و محدث. محدث جرجان
بود. به دنبال حدیث سفرها کرد. از محمد بن عبدالمکمل
بن ابی شوارب و عمرو بن علی فلاس و محمد بن حمید
زاری و محمد بن عبدالمکمل بن زنجویه و محمد بن یحیی
دهلی و بخاری و ابورزعه رازی حدیث شنید. ابوالاحمد بن
هدی ر ابوبکر اسماعیلی و ابوالاحمد حاکم از وی روایت

کرده‌اند.

سیرالنسب (۱۲/ ۲۰۷)، تذرات الذهب (۲/ ۲۶۲)،
طبقات الحفاظ (۳۲۲)

غازی قلندر، (س دهم ق)، شاعر، متخصص به خاری
اصدش از اصفهان بود، ولی در سمنان سکونت داشت، لذا
او را خاری اصفهانی و خاری سمنانی هم نامیده‌اند. از وی
اشعاری باقی نده ست

انتشاده در (۳/ ۹۶۹-۹۶۸)، الذریعه (۹/ ۷۸۳)، فرهنگ
سخنوران (۶۶۳)، مجمع الخواص (۱۹۵-۱۹۴)

غافل سیستانی، منک حمزه، خسرو، فرزند ملک
جلاله‌الدین. (وف قبل از ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخصص به
عاقص. از شاعران سیستان بود. در اصفهان با نصرآبادی،
قبل از تألیف «تذکره» در ۱۰۸۳ ق، ملاقات داشت. اثر وی
«دیوان» شعر است. در «الذریعه» نام پدر او جلال‌الدین
ذکر شده است

تذکره نصرآبادی (۳۶-۳۷، ۳۸۳)، الذریعه (۹/ ۷۸۳)،
صبح گلشن (۲۹۸)، فرهنگ سخنوران (۶۶۲)، لغت نامه
ذیل / غافل.

غافل مازندرانی، محمد اسماعیل. (ز ۹۷۰ ق)،
حافظ و شاعر، متخصص به غافل اهل مازندران بود. وی به
هندوستان رفت و به دربار اورنگ‌زیب راه یافت و سمب
دبیری مخصوص اورنگ‌زیب را بر عهده گرفت و خطاب
به دوشرف‌رم شد. محمد اسماعیل خطوط نث و ریاض و
رقاع و نستعلیق را خوش می‌نوشت و منشی زیردستی بود
شعر نیز می‌سرود و از او اشعاری در تذکرها نقل شده
است. او سفری به مکه کرد و با صاحب «مرآة العالم»
مصاحب بود. از آثار وی یک صفحه از «ناصر»
بخشاورخان، به قلم کتابت خوش، با رقم «محمد
اسمعیل» یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ خوش، با
رقم «العبد محمد اسمعیل» می‌شهرمسة احدی و تسعین
و الف» سه قطعه مختلف که یکی دو بیت شعر از خود
اوست، به قلم سه دانگ و دو دانگ، با رقم «بی شهر
سه اربع و تسعین و الف، العبد محمد اسمعیل» و «قد
تشریف... محمد اسمعیل، می‌منه ۱۱۰۹۳ یک قطعه از
مرقعی، به قلم پنج دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد روشن
رقم ۱۱۰۹۷» «دیوان» شعر.

احوال و آثار خوشویسان (۳/ ۶۳۶-۶۳۸)، الذریعه (۹/

۷۸۴)، فرهنگ سخنوران (۶۶۲)

غالب اصفهانی، میرزا محمد حسین (س دوازدهم
ق). شاعر از سادات مأمیه اصفهان بود نسب وی به
شاهان صغری می‌رسید. در جوانی به هندوستان رفت و از
جانب دولت گورکانی هند به لقب غالب هلی‌خانی ملقب
شد. در دوران ناصر شاه افشار به ایران آمد و در عهد دولت
کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ ق) وفات یافت. اشعاری از
وی در تذکرها نقل شده است.

تذکره روز روشن (۵۸۳)، سینه‌المحمود (۲/ ۵۰۱)،
فرهنگ سخنوران (۶۶۲)، لغت‌نامه (ذیل / غالب)،
نگارستان دریا (۲۲۰-۲۲۱).

غالب تهرانی، اسدالله خان، فرزند رمضان خان. (تو
۱۲۵۵ ق)، شاعر، متخصص به غالب. اصلش از آذربایجان
بود. در تهران به دنیا آمد. وی از شاگردان رضاقلی خان
هدایت بود، عزت را به سبک و مینای مولوی می‌سرود. از
آثارش «عشق نامه»، بر وزن «مثنوی» مرلوی، «دیوان»
شعر

حقیقه‌الشعره (۲/ ۱۲۴۸-۱۲۵۴)، دانشمندان آذربایجان
(۲۸۵)، الذریعه (۹/ ۷۸۴)، ریاض‌المعارفین (۲۶۹-۲۷۱)،
لغت نامه (ذیل / غالب تهرانی)، مکارم‌الآثار (۵/ ۱۳۹۶)،
مؤنن کتب چاپی (۱/ ۵۵۵)

غالب خوزستانی، عبدالله منجی ثانی، فرزند
ابی حفص منجی اول. (س هفتم ق)، نویسنده و شاعر از
دانشوران بتم خوزستان که با شیخ محیی‌الدین حریری (م
۶۳۸ ق) معاصر و معاشر بود. وی علاوه بر اینکه در
شاعری توانایی داشت، صاحب تصنیف ارزشمندی چون
«طراز الذهب»، در فضائل و مناقب ائمه اثنی عشر و اثبات
حقانیت ایشان، نیز می‌باشد. در «ریاض‌المعارفین» نام او
تحت عنوان غالب خوزی و نسب وی به صورت عبدالله بن
ابی عبدالله منجی ثانی فرزندان ابی حفص منجی ماضی آمده
ست.

بیضاح المکتوب (۲/ ۸۱)، الذریعه (۹/ ۷۸۴)، ریاض
المعارفین (۲۲۲)، ریاضه (۶/ ۱۳-۱۴)، فرهنگ سخنوران
(۶۶۲)، لغت نامه (ذیل / غالب خوزستانی)، مجمع
المفصلا (۲/ ۹۲۹-۹۳۰).

غالب خوزی به غالب خوزستانی

پیشرفت چشمگیری از خود نشان داد و در شمار استادان بنام شعر و ادب همدان قرار گرفت. غبار چندی در طریق عرفان قدم گذاشت و به سیر رسلوک در این رهگذر عمر صرف کرد «دیوان» شعر غبار با اینکه بیش از هزار بیت نیست، اما مکرر در همدان و اصفهان و تهران طبع و نشر گردیده است. وی در همدان درگذشت و پیکرش را به قم منتقل کرده در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپردند.

بررگان و سخن سوادان همدان، ۲/ ۱۶۶-۱۷۸، الذریعه
۹/ ۷۸۵، سخنوران نامی معاصر، ۲/ ۲۵۲۰-۲۵۲۶،
مؤلفین کتب چاپی، ۲/ ۷۲۵-۷۲۶.

غباری گیلانی، (س دهم ق)، خطاط، نوآورنده و شاعر، متخلص به عباری. وی خط غبار را خوش می‌نوشته و به همین جهت غباری متخلص می‌کرده است. غباری از کمانداری روزگار می‌گذراند و در موسیقی دست داشت و ساز و خوب می‌نواخت. او در عزل‌نمایی نیز استاد بود.

تاریخ موسیقی، ۱/ ۳۲۲، تاریخ نظم و نثر، ۵۳۶، تاریخ هنرهای ملی، ۲/ ۸۶۸، الذریعه، ۹/ ۷۸۶، لغت‌نامه (ذیل / غباری)، مجمع الفواص، ۳۱۰.

غباری هروی، محمدامین، فرزند ابراهیم، (س دهم ق)، شاعر و خطاط. از هرات بود. از علم هیئت سررشته داشت و در سخنوری هم توانا بود. در احوال و آثار خوشنویسان از شخصی به نام محمد امین هروی نام برده شده که دو اثر از خود به یادگار گذاشته، که یکی تاریخ ۹۹۲ ق دارد و ممکن است با صاحب عنوان یکی باشد. این دو اثر عبارت‌اند از: یک نسخه «یوسف و زلیخا» و «تحفة الاحرار» و «سبحة الابرار» و «خردنامه اسکندری»، سه قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «کتبه الغفر محمدامین الکاتب الهروی... سنه ۹۹۲». قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم دودانگ خوش، با رقم: «مشقه محمد امین الهروی» همچنین در «هتر عهد تیموریان» علاوه بر خطوط مذکور، سه قطعه از وی آمده که چنین رقم نهاده است: «محمد بن ابراهیم المذهب ۹۹۰ ق» و بر یکی از آنها «حروه نمکه فی شهر سنه ۹۹۱» نوشته شده است. از دیگر آثارش، «دیوان» شعر می‌باشد.

احوال و آثار خوشنویسان، ۳/ ۶۵۱، احوال و آثار نشان، ۲/ ۶۵۲، تاریخ نظم و نثر، ۵۲۶، الذریعه، ۹/ ۷۸۶، فرهنگ سخنوران، ۶۶۵، لغت‌نامه (ذیل /

غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود بن محمد بن غانم، ۲۲۴/۴۶۲-۵۵۳ ق)، فقیه، ادیب، محدث، عابد و شاعر در طوس به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت. همچنین گفته شده در نیشابور به دین آمد و در طوس نشو و نما یافت. وی از ابوالقاسم قشیری و ابومالح مؤذن اجاره داشت. از ابوسعحق ابراهیم بن محمد اصفهانی و گروهی دیگر حدیث شنید و «مسند» هشتم شاشی را از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی استماع کرد. ابن عسکرو سمعانی و تاج مسعودی و عبدالرحیم بن سمعانی از او حدیث شنیدند. ابن سمعانی همچنین «مسند» شاشی و «رسالة» قشیری را از او استماع کرد. ابوسعید سمعانی گوید که او بسیار همد و زهد و یرغیرکار بود. هروی که از سفره پدرش چون ما حاکمان احتیلاط داشت، پرهیز می‌کرد. غانمی شاعری چیره‌دست بود و اشعار بدیعی می‌سرود از آثار وی نظم ایاتی است به نام «السحرية»، یعنی آنچه که مربوط به وقت سحر است.

نسب سمعانی، ۴/ ۲۷۸-۲۷۹، سیرالبلاء، ۲۰/ ۳۵۹-۳۶۰.

غایب پروچردی، آغا عباس شانه‌ساز، (س سیزدهم ق)، شاعر. وی قصیده‌ای در مدح معتمدالدوله مغن‌چهره خان داشته است.

حديقة الشجرة، ۲/ ۱۲۵۷-۱۲۵۸، فرهنگ سخنوران، ۶۶۵.

غبار دازی، میرزا نسی تهران‌نسی، (ح ۱۲۳۸-۱۲۷۲ ق)، شاعر متخلص به غبار. در کردکی نابینا شد. حدود دوازده سال به حرفه عطاری پرداخت و در اواخر عمر به زیارت مشهد رفت و آنجا محاور گردید و پس از بارگشتن به دنیا رفت از او اشعاری به جا مانده است.

حديقة الشجرة، ۲/ ۱۲۵۸-۱۲۶۰، الذریعه، ۹/ ۷۸۵، فرهنگ سخنوران، ۶۶۵، لغت‌نامه (ذیل / غبار دازی)، المآثر و الآثار، ۲/ ۷۸۶، مجمع المصاب، ۵/ ۷۸۶-۷۸۸.

غبار همدانی، سید حسین رضوی، فرزند سید رضا، ۱۲۶۵/۱۲۷۰-۱۳۲۲ ق)، شاعر، متخلص به غبار. از دودمان حاج سید صادق امام جمعه همدان و از سادات کیایی آن دیار بود. در همدان به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را در زادگاهش فراگرفت و با استعداد سرشار و هوش و ذکاوت فوق‌العاده‌ای که داشت در تحصیل دانش،

بخاری)، مجمع الحواص (۱۲۶۳-۱۲۶۴)، هر عهد تیموریان (۶۳۸).

غراب، سید حسین - قراب، سید حسین

غراب، قاسم - قراب، قاسم.

عزای شیرازی، سید اسدالله، (وف ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به غُرا. از سادات والا مقام کازرون است. در شیراز به دنیا آمد و در همانجا نشو و نما یافت علوم عربی و قواعد شاعری و فراگرفت. در سرودن شعر بسیار توانا بود. در ابتدا هجو می‌گفت، ولی در اواخر توبه کرد و مدیحه می‌گفت شعر «هاشمیه» از اوست. و در شیراز دفن شد. از آثارش «دیوان» شعری که در بمبئی به چاپ رسیده است.

آثار عجم (۵۶۲-۵۶۵)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۲۶۰-۱۲۶۲)، دانشمندان و سخن سراپایان مدرن (۲/ ۵۳)، الذریعه (۹/ ۷۸۶)، رجانه (۲/ ۲۳۰-۲۳۱)، مرآت النعاسه (۲۳۳-۲۳۵).

غروی اصفهانی، شیخ محمد حسین بن حاج محمد حسن معین‌التجاری، (۱۲۹۶-۱۳۶۱ ق)، فقیه اُکَرْتی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به معتز. مشهور به کمپانی اصلش از نجوان است. ثیابی او پس از سقوط معتز در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آنگاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن نويسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره کامل برد و مذهب سیزده سال فقه و اصول را از ایشان همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی به طور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فسون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محمد باقر اصفهانی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نجف درگذشت و در صحن علوی در مقبره جنب مناره ایوان طلا دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از آثار وی: «نهاية الدراية» در شرح «ابکفیه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «ربیع قواعد فقه»؛

«الحقیقه الشرعیة» ارجور، ای در «الفلسفة العالیة»؛ ارجور، ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقليد و العدالة»؛ «الاصول علی منهج الحديث»؛ «الوسيلة فی اهم ابواب الفقه» یا «رسالة حمده»؛ «انوار القدسية»؛ شعر عربی، بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگی پیامبر (ص)، «عموهایش و ائمه (ع) و فرزندان ایشان»؛ «تحفة الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعری در مدائح و مراثی اهل بیت (ع).

مذکره القیوم (۲۸۶-۲۸۷)، الذریعه (۱/ ۲۷۱، ۲۸۳، ۶/ ۱۶۸، ۱۱۷، ۹/ ۲۲۷، ۱۰۸۱-۱۰۸۳، ۲۳/ ۲۰۰)، رجانه (۵/ ۹۳۹)، سخنوران ساسی معاصر (۵/ ۲۹۷۲-۲۹۷۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶، ۵۶۲-۵۶۰)، علماء معاصری (۱۹۰-۱۹۱)، فرهنگ سحرران (۸۶۵)، گنجینه دانشمندان (۷/ ۲۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۲۷-۷۲۶).

غروی بروجردی، شیخ محمد حسین، (۱۲۷۵-۱۳۵۴ ق)، عله دینی، فقه اصولی و مرجع تقلید در بروجرد. دیپ آمد. مقدمات و سطوح را از استادان همان شهر فراگرفت. بعد از ۱۳۰۰ ق برای تکمیل تحصیلات خود به عراق رفت و در سامرا در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد. او همچنین از بزرگان حوزة سامرا به ویژه آیت‌الله سید محمد اصفهانی فشارکی و آیت‌الله میرزا محمد مهدی شیرازی نهایت استفاده را برد. در ۱۳۱۲ ق پس از وفات میرزای بزرگ شیرازی به نجف رفت و در بحث آخوند خراسانی شرکت کرد، تا اینکه یکی از شاگردان میرزا ایشان شد. او همچنین از آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یردی نیز بهره برد. غروی بر اثر کسالت به ایران بازگشت و مدتی در تهران به معاینه پرداخت سپس در بروجرد ساکن شد و زعامت امور دینی مردم آنجا را بر عهده گرفت. او مدت یکسال و چند ماه نیز در مشهد رضوی به تدریس مشغول گشت، اما همان بیماری او را ناچار به بازگشت به تهران و سپس به بروجرد نمود. آقا ابوتراب شیخ الاسلامی و آقا سید ابوالحسن قدغونی و حاج سید ابوالفضل مجاهدی و شیخ حسن کمره‌ای خاتمی و شیخ محمد رضا خاتمی و سید محسن شریعتداری و شیخ محمود جریلی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت و جوارش به قم منتقل و در قریستان نودفن شد. از آثار وی: «مجموعه‌ای در «اخلاق»» در شرح

رفت. در ۱۳۴۳ ق پس از مرگ پدر تحت کفالت آیت الله حایری درآمد، مقدمات و ادبیات را نزد شیخ ابوالقاسم بحوی خواند و سطوح عالی را از محضر میرزا محمد مهدی و آیت الله حایری و شیخ محمد علی حایری و آیت الله گلپایگانی بهره برد و سالهای متعددی از سنجش فقه و اصول آیت الله حایری و آیت الله حجت استفاده نمود. پس از ایشان محضراً در درس و بحث آیت الله بروجرودی شرکت نمود، او چند سالی متصدی مدرسه فیضیه و دارالشعاع بود در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) دفن شد. از آثارش: «دراسات» کتاب «طهارت» آیت الله حایری و «نقه و اصول» آیت الله حجت تربت پاکان شم (۱/ ۳۷۸-۳۷۹)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۱۲۰۷).

غروی عیاری، میرزا علی بن میرزا محسن، فرزند میرزا محمد محسن، (۱۳۱۹-۱۴۱۸ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی در تبریز به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و تحت تعلیمات جدش قرار گرفت. بعد از فراگیری سطوح، به نجف رفت و از محضر بزرگانی چون آیت الله اصفهانی و آیت الله نایبی و آیت الله آقا سیاءالدین عراقی و آیت الله شیخ اسدالله رشیدی و آیت الله آقا سید انور اب خواساری و آیت الله میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت الله میرزا علی آقا نیروانی و آیت الله اصعبانانی استفاده کامل نمود و دروس عقلی را از محضر آیت الله میرزا احمد آشتیانی فراگرفت و از آنان به دریافت اجازه اجتهاد و روایت نایل شد سپس به تبریز مراجعت نمود و به انجام وظائف دینی و اقامه جماعت اشتغال ورزید. از آثارش: «اصول» و «تقریر» بحث آیت الله عراقی؛ «دوره» «اصول» آیت الله میرزا حسین ربی؛ «اعمال ابواب فقه» «تقریرات» آیت الله عراقی؛ «تقریرات» بحثهای آیت الله صفهانی و آیت الله حجت کوهکمری و آیت الله برومی و آیت الله مشکینی؛ شرح «دعاء سمات»؛ شرح «دعاء صاخر»؛ شرح «اربعین حدیث»؛ رساله‌ای در «سلامت»؛ رساله در «جریان استصحاب در اعدام ازیله»؛ رساله‌ای در «اخلل» از «تقریرات» بحث آیت الله محقق زنجانی؛ رساله‌ای در «قاعده لا ضرر»؛ رساله‌ای در «نجاست متنجس»؛ رساله‌ای در «لباس مشکوک».

تربت پاکان شم (۲/ ۲۷۶-۲۹۲)، گنجینه دانشمندان (۳/ ۳۲۰-۳۲۲).

صفات و فضائل یک سال نمونه و جمعی، مشتمل بر نظرات فلاسفه شرق و غرب از عصر اهلطون تا عصر حاضر و کلمات بزرگان و آیات و اخبار ورده؛ مجموعه‌ای در «فقه استدلالی»، شامل معارف فقهی با ذکر فتاوی علمای مذهب مختلف؛ مجموعه‌ای در «شرح مصائب سیدالشهداء (ع)».

تاریخ بروجرودی (۲/ ۵۶۱-۵۷۶)، طبقات اسلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۴۹۶)، گنجینه دانشمندان (۳/ ۱۹۳).

غروی تبریزی، میرزا عبدالحسین، فرزند شیخ مرتضی چهره‌فانی (۱۳۲۸-۱۴۱۵ ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف به دنیا آمد و تا ۱۳۵۰ ق در آنجا به تحصیل علم پرداخت و از محضر اساتیدی همچون شیخ حسین هری و شیخ ابوالحسن مشکینی و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرد، و در همان سال به تبریز و سه سال بعد به قم رفت، مدت دو سال از محضر آیت الله حایری و آیت الله حجت در فقه و اصول استفاده نمود. وی دارای اجازه‌ای از آیت الله اصفهانی و آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله حجت بود. در ۱۳۶۲ ق به تبریز بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. در بهر درگذشت و در وادی السلام قم دفن شد. از آثار وی: «تقریرات» «تقریرات» آیت الله حجت، در اصول فقه، کتاب «اسلام و شیعه»؛ «نقه فارسی» کتابی در «امامت حضرت ولی عصر (عج)» کتابی در «اخلاق».

تربت پاکان شم (۲/ ۲۶۵-۲۷۱)، گنجینه دانشمندان (۳/ ۳۱۹-۳۲۰).

غروی تبریزی، میرزا یحیی، (س چهاردهم ق)، فقیه و مدرس از فضلاء بزرگ و شاگردان آیت الله مرعشی نجفی بود. از تبریز به قم مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح، از محضر آیت الله بروجرودی و آیت الله مرعشی نجفی استفاده نمود. از آثارش تعلیقاتی بر «من لاسحیره العقیه» شیخ صدوق است.

گنجینه دانشمندان (۲/ ۳۲۰).

غروی توپسرکانی، شیخ احمد، فرزند شیخ محمد، (۱۳۲۹-۱۴۰۳ ق)، عالم دینی و فقیه. جد مادری‌اش آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۳۹ ق به همراه پدرش به اراک عزیمت کرد و از آنجا در خدمت جدش، آیت الله حایری، به قم

غروی کاشانی، برهان - برهان غرووی کاشانی

عربی کاشانی - عربی کاشانی

غریبی بلخانی کاروونی، فرزند اوجده الدین عیدالله کاروویی، (س ۵۰۰)، شاعر و نویسنده، از دانشمندان و شاعران بنام روزگار خود بود که در علوم عربیه و جفر و اعداد دسب داشت، از آثار وی، «رساله دایره»، «ساقی نامه»، «دیوان» و «عریات» نام دارد.

تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، دانشمندان و سحر سریان درین (۷/۴)، فارسنامه قاضی (۲/۱۲۲۷).

غریبی کابلی، میر محمد علی، (س ۵۰۰)، خطاط، موسیقیان و شاعر، متخلص به غریبی وی برادر میر سعید کابلی بود خطوط را تنگ می نوشت و از علم موسیقی بهره مند بود و اکثر سازها مانند هرد و طبل و کمانچه و بویزه قانوق را خوب می نواخت او همچنین در سرودن شعر طبعی داشت و به دو زبان ترکی و فارسی شعر می سرود، غریبی در سمرقند کشته شد.

قدیمه (۷۸۷/۹)، مجالس النقائس (۲۲۷، ۵۴، ۵۳)

عربی کاشانی، (س ۵۰۰)، شاعر، وی ملک الشعری دربار خان احمد خان حاکم گیلان (۹۷۵-۹۴۳ ق) بود و در گیلان می زیست، در غزل از روش سانی پیروی می کرد.

تاریخ نظم و نثر (۵۸)، قدیمه (۷۸۷/۹)، لغت نامه (دبیر/کاشانی، عربی)، مجمع الخواص (۲۲۷)

غزال زعفرانی اصفهانی، ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمن بن سهل / سهل، (رف ۳۶۹ ق)، حافظ، محدث، قاری و نویسنده، ملقب به شیخ القراء وی از محمد بن علی فرقندی و عیدان اهورای و محمد بن زبان و علی بن احمد علان و قاسم بن عصار دمشقی و دیگران حدیث شنید، ابوسعید مالکی و ابی نعیم حافظ و ابوبکر احمد بن محمد بن حارث ادیب و عبدالعزیز بن احمد بن مدویه از وی حدیث شنیدند، گفته اند که او صاحب تصانیف در قرأت و حدیث بوده است، از آثارش کتب «الوقف و الاتداء» است، در «شذرات الذهب» وفات وی را در ۳۶۳ ق ذکر کرده است.

تذکره الحفاظ (۳/۹۶۵-۹۶۴)، سیر السلا (۱۶/۲۱۷)، شذرات الذهب (۳/۴۷)، طبقات الحماة (۳۸۵-۳۸۶)

محمد المربعین (۱۰/۱۲۲)، هدیه الماریس (۶۹/۲)

غزال کرمانی، میرزا محمد حسن / محسن، (س ۵۰۰)، شاعر، متخلص به غزال در جوانی از موطر خود، کرمان، حرکت کرد و به سیر و سیاحت پرداخت و شهرهای بسیاری را زیر پا گذاشت و با اهل علم و فضل مصاحبت کرد، سرانجام به تهران آمد و پس از چندی به اصفهان رفت و در آن شهر اقامت گزید و از مداحان مسوچهر حان معتمدالدوله شد، در «مصلحه خراسان» و «فرهنگ سخنوران» نام صاحب عنوان به ترتیب شیخ حسین و میرزا محمد حسین (محمد محسن) ذکر شده است، به آورده «تاریخ تذکرة های فارسی»، در کتاب «مدیر معتمدی» درباره وی و اشعارش توضیحاتی داده شده است.

تاریخ تذکرة های فارسی (۲/۱۹۱-۲۰۱)، هدیه الماریس (۲/۱۲۶۶-۱۲۶۵)، ستارگان کرمان (۲۸۸-۲۸۷)، فرهنگ سخنوران (۶۶۷)، مصلحه خراسان (۱۳۴)

غزالی بلخی، امیر اسلام، (س ۵۰۰)، طبیب و شاعر، لشکرانگان امام محمد غزالی بود و در علم طب و حکمت مهارت کامل داشت، امیر اسلام در سرودن قصیده توانا بود و در آن از انوری پیروی می نمود وی در دوره هزار اسپیان در بلخ بود و در زمان سلطان ابوسعید گورکانی (۸۵۴-۸۷۲ ق) در بلخ درگذشت و در همان شهر دفن شد، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، حبیب السیر (۴/۶۲-۶۱)، قدیمه (۷۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۷)، لغت نامه (دبیر/اسلام)، مجالس النقائس (۱۲، ۱۸۹)

غزالی طوسی، حجة الاسلام زین الدین ابوحامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد، (۵۰۵-۴۵۰ ق)، فیلسوف، حکیم، عارف و فقیه شافعی، معروف به امام عراقی در طبرستان طوس به دنیا آمد و در طوس، جرجان و نیشابور تحصیل کرد، محضر امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فقه و متکلم بزرگ شافعی را دریافت و در بیست و هشت سالگی در بیشتر علوم زمان خود استاد مسلم بود، پس از درگذشت ابوالمعالی به خدمت خواججه نظام الملک طوسی رسید و بسیار مورد احترام قرار گرفت، از ۴۸۴ ق در نظامیه بغداد به تدریس پرداخت و به وعظ و تصنیف نیز اشتغال داشت، وی در سی و نه سالگی دچار تحول روحی شده از دنیا و مقامات دنیوی پرید و برادرش را به

شیخ و ابوبکر نسیج بود. از برجسته‌ترین شاگردان غزالی، باید از عین لقصات همدانی، سنایی عزنوی و ابوالنجیب سهروردی نام برد. وی پس از کثرت گسری برادرش امام محمد غزالی از تدریس در نظامیه، یک چند به جای او تدریس کرد. غزالی علاوه بر این در نصوص نام آور بود. در وعظ و خطابه نیز استاد بود؛ مواعظ او در هشتاد و سه مجلس توسط صاعد بن فارس لیانی جمع‌آوری شده است. احمد غزالی به دوریان فارسی و عربی شعر می‌سروده است. در ترویج درگذشت، از آثار وی «صوانح المعشائی»؛ «احیاء الاحیاء» یا «لباب الاحیاء»؛ در تسمیص «احیاء العلوم» برادرش؛ «الذخیره فی علم البصیر»؛ «بحر المحیة فی اسرار المردة»؛ تفسیر سورة یوسف؛ «تاریئة سنوک» یا «رسالة صیبه»

- الاعلام (۱/ ۲۰۸)، ایضاح المکتون (۱/ ۱۹۷)، ۴۴۰، ۵۶۶، ۹/ ۲، ۴۵۵، تاریخ البیئات در ایران (۲/ ۹۳۳، ۹۳۴)، تاریخ عرفان و عارفان ابوالی (۲/ ۴۱۵، ۴۲۳)، تاریخ‌گزیده (۶۶۵، ۶۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۹)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲)، فیه معرفة المعارف فارسی (۲/ ۱۸۰۶)، روضات الجنات (۱/ ۲۸۸، ۲۸۵)، ریاض‌المعرفین (۳۷)، ریحانة (۴/ ۲۲۵، ۲۲۳)، شذرات الذهب (۲/ ۴۰، ۴۶)، نمیر (۲/ ۴۱۳، ۴۱۲)، فرهنگ سخورون (۶۶۸)، الکامل (۱۸/ ۳۲۳)، کشف الظنون (۸۷۵، ۹۰۱، ۹۸۵، ۱۰۰۹، ۱۳۱۳، ۱۵۹۰)، الکفی و الاقتساب (۲/ ۲۹۵)، لسان المیزان (۱/ ۲۲۰، ۲۲۲)، لغت‌نامه (دیل / احمد)، مبنی عرفان و احوال عارفان (۴۱۸، ۴۱۵)، مبنی‌الاشیاء (۳۱۸)، الاستعداد من دیل تاریخ بغداد (۱۹/ ۸۱، ۸۰)، معجم‌المؤلفین (۲/ ۱۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۲۹، ۴۳۰)، النجوم الزاهرة (۵/ ۲۲۲)، صحاح‌الاس (۳۸۰، ۳۷۹)، وفيات الاعیان (۱/ ۹۸، ۹۷).

غزالی مشهدی، (ح ۹۸۰-۹۳۶ ق)، شاعر، ملقب به ملک‌الشعرا. در مشهد به دنیا آمد و همان‌جا به تحصیل ادب پرداخت و در شاعری شهرت یافت. در اوان جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت، ولی به الحاد متهم شد؛ ناگزیر به هند رفت و علی قلی خان س حیدر سلطان ازبک شیبانی او را به خدمت پذیرفت. غزالی منظومه «نقش بدیع» خود را که به نام شاه طهماسب آهار کرده بود به نام علی قلی خان به پایان رسانید. وی نخستین شاعری است که در دولت گورکانی هند مشرق به

جاشینی خورد برگزید و به قصد سیر و ریاضت به سفر رفت و ده سال در شهرهای شام و حجاز و جزیره به سر برد و در ۹۹۸ ق به طوس بازگشت. در ۹۹۹ ق به درخواست سلطان متجرب برای تدریس در مدرسه نظامیه به نیشابور رفت. در ۱۰۰۰ ق به طوس و خانقاه خود بازگشت و به ارشاد و تعلیم پرداخت و دیگر دعوت سلاطین و رجال را نپذیرفت و در زهد و قناعت عمر را به پایا رسانید. غزالی در طوس درگذشت و در همان‌جا دفن شد. شمار آثار وی بسیار است؛ اما مشهورترین آثار او عبارتند از: «نصیحة الممک»؛ «فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام»؛ «احیاء علوم الدین» یا «احیاء العلوم»؛ «کیمیای سعادت»؛ که خلاصه و ترجمه‌ای فارسی از کتاب «احیاء العلوم» است؛ «تهافت التلافیة»؛ «المستند من الصلح»

- الاعلام (۷/ ۲۲۸، ۲۲۷)، ایضاح المکتون (۲/ ۱۱)، تاریخ البیئات در ایران (۲/ ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۷۸، ۲۷۷، ۹۲-۹۲۶)، تاریخ عرفان و عارفان ابوالی (۲/ ۲۲۲، ۲۰۷)، تاریخ فلاسفة ایرانی (۳۰۲، ۲۷۵)، تجرید در تصوف (۱۱۰، ۸۵)، ایزة المعارف فارسی (۲/ ۱۸۰۵، ۱۸۰۶)، ریاض‌المعارف (۱۳۲، ۱۳۱)، ریحانة (۴/ ۲۳۳، ۲۳۷)، سیر النبلاء (۱۹/ ۳۲۲، ۳۲۳)، شخصیت‌های نسائی (۲۵۸، ۲۵۷)، شذرات الذهب (۴/ ۱۳، ۱۰)، النمیر (۲/ ۳۸۷)، نوار در مدرسه فرهنگ سخورون (۶۶۸)، الکامل (۸/ ۲۶۲)، کشف الظنون (۵۱۳، ۵۰۹، ۵۲۳، ۱۵۳۲، ۱۵۶۹، ۱۸۶۹)، مکنی و الاقتساب (۲/ ۲۹۲، ۲۹۵)، لغت‌نامه (دیل / ابوحامد غزالی)، مبنی عرفان و احوال عارفان (۲۰۲، ۲۱۲)، مجلس فصیحی (دیل / سال ۵۰۵)، المستند من دیل تاریخ بغداد (۱۹/ ۳۸۲، ۳۷۹)، معجم‌المؤلفین (۱۱/ ۲۶۹، ۲۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۷۲۹، ۷۲۴)، النجوم الزاهرة (۵/ ۹۹، ۲۰۰)، صحاح‌الاس (۳۷۹، ۳۷۶)، الواصی بالوفا (۱/ ۲۷۴، ۲۷۷)، وفيات الاعیان (۴/ ۲۱۹، ۲۱۶)، هدیة السامعین (۲/ ۸۱، ۷۹)، هفت اقلیم (۲/ ۱۹۴)

غزالی طوسی، مجدالدین ابوالفتح احمد بن محمد، (وف ۵۱۷/ ۵۲۰ ق)، عارف، واعظ و شاعر. برادر امام محمد غزالی طوسی است. در طوس به دنیا آمد. در کودکی پدر خویش را از دست داد و در نهیت فقر و درویشی زندگی را سپری کرد. احمد اگر چه مقه را فراگرفت، اما به زهد و تصوف گرایش داشت. در طریقت،

محمود بن سعید، (وف ۵۹۳ ق)، فقیه و اصولی حنفی از
عصری قرن ششم بود که در حلب درگذشت. از آثارش
«روضة اختلاف العلماء»، در اصول فقه، «المقدمة القزوينية»
یا «المقدمة المختصرة»، در فروع فقه حنفی؛
«روضة المتكلمين في اصول الدين»، در کلام؛ «مختصر
روضة المتكلمين»، «عقائد الغرغری»؛ کتاب «الاصول»، در
فقه؛ «الحواری القدسی»، در فروع؛ «النتف في الحواری».

الاعلام (۲۰۹/۱)، ايضاح المکنون (۵۷۱/۲)، كشف
الظنون (۹۳۲، ۱۸۰۳-۱۸۰۴)، معجم المؤلفين
(۱۵۶/۲).

غزالی معروف به ابن سفيان، ابو الحسن علي بن ابراهيم بن
عصرون بن سفيان (۳۶۵-۴۲۱ ق)، محدث و فقیه حنفی
معروف به ابن سفيان، در بغداد و شام از پدرش و محمد
بن قتيب اشتقاقی و ابراهيم بن عبدالله رازی بخاری و
ابوسعبد عبدالرحمن بن محمد ادریسی و منصور بن نصر
کاعدی و محمد بن یحیی عیانی و دیگران حدیث شنید.
ابوعلی اهواری و ابوبکر خطیب و منصور بن عبدالجبار
سهمانی و فقیه نصر مقدسی و فید بن عبدالرحمن همدانی
را ابو طاهر حنایی و دیگران از وی حدیث شنیدند گویند
که او دارای «ثلاثة اجزاء» در حدیث بوده است. در راه
بازگشت از بغداد به سوی خراسان درگذشت. در
«شذرات الذهب» او را تحت عنوان غزالی و در «تاریخ
بغداد» عربی ذکر کرده اند.

تاریخ بغداد (۳۴۲/۱۱)، سیر النبلاء (۶۰۵-۶۰۶/۱۷)،
شذرات الذهب (۲۶۶/۳)، البر (۲۷۹/۲).

غصایری رازی، ابوزید/ابوزید محمد بن علی، (وف
۲۲۶ ق)، شاعر. بعضی لقب شعری او را غصایری ذکر
کرده اند. در ری به دنیا آمد. پس از تحصیل فنون شاعری
در سلوک شعرای آل یویه درآمد و به مدح بهاءالدوله
دیلمی پرداخت. تذکره نویسان متأخر در شرح احوال
غصایری نوشته اند که، از وی به عزم خدمت سلطان
محمود به مره رخت و در خدمت او تقرب یافت، ولی این
درست نمی نماید، زیرا اولاً خود اشاره به دوری از مره
کرده، ثانیاً مسعود سعد سلمان در یکی از اشعار خود به
دوری او از هژنین را رسال قصیدش از وی اشاره می کند و
ثالثاً شعری بوده و به آن شهر هرگز نرفته است. غصایری
همواره با شاعران دربار محمود مکاتبه داشت و قصیده
معروف «لایله» خود را در مدح سلطان محمود به آن دربار

میکال شعری می یافت او در هند با شیخ فیض دکنی صحبت
داشت و عقب در احمدآباد گجرات درگذشت. از دیگر
آثارش «گنج اکبری»، حواری اشعری در ستایش
جلال الدین اکبر؛ «آثار الشباب»؛ «اسرار مکتوم»؛ «سنت
الشعراء»، که مجمره ایست از قصاید، به نظم البای، با
مقدمه ی به قرا؛ «اسرار المکتونة»؛ «وشحات الحیات»؛
«مرآت الکائنات»؛ «دیوان» شعر.

آشکده آذر (۲/۲۷۵-۲۷۱)، تاریخ ادبیات در هند (۵)
۷۰۰-۷۱۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۴-۴۱۵) تذکره بیهقه
(۳۱۵-۳۱۵)، دائرة المعارف فارسی (۱۸۰۶/۲)، الذریعه
(۲/۵۵، ۷۸۹/۹)، ریاض الماریین (۱۱۸-۱۱۹)، ریحانه
(۲/۲۲۵-۲۲۶)، مرهنگ سخنوران (۴۱۹)، گزوان هند
(۳/۹۳۲-۹۳۵)، كشف الظنون (۱۹۷۲)، الکنی و الاقارب
(۲/۴۹۵)، ثبت نامه (ذیل/غزالی)، مجمع الخواص
(۳۸-۱۳۹)، مجمع الفصحا (۲/۴۸۰-۴۸۱)، معجم المؤلفين
(۸/۶۰)، مستطرمعانی مدرسی (۲۳۸-۲۳۹)، همدیه
الماریین (۱/۸۱۲)، معنی تکریم (۲/۲۱۱-۲۱۵).

غزالی هراتی، (وف ۹۷۲ ق)، شاعر. مشهور به جنبک
اصلاً از مردم هرات بود و در مشهد می زیست. او شاگرد
حیدر کلجه (کلوجه) پر بود. شعری نیز به عربی و
هندوستان داشت و در آنجا با مولان غزالی مشهدی دیدار
داشت. غزالی در سرودن غزل توانا بود. «مجمع الخواص»
وی را تحت عنوان غزالی جنبک آورده است.

آشکده آذر (۲/۷۶۹-۷۷۰)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۱)،
حقیقه سامی (۲۲۲-۲۲۳)، الذریعه (۷۸۹/۹)، ریحانه (۴/۲۲۷)،
تاروان هند (۲/۹۳۹)، ثبت نامه (ذیل/غزالی)،
مجمع الخواص (۱۸۱-۱۸۲)، تاریخ الامکار (۵۱۲).

غزوی، ناصرالدین تاج انشیرمه، ابوعلی عالی بن
ابراهیم بن اسماعیل، (وف ۵۸۱/۵۸۲ ق)، فقیه و مفسر
حنفی. در حلب ساکن بود از آثارش «تفسیر التفسیر»، در
دو جلد؛ «مشارع الشارح» یا «مشارع الشرائع»، در فروع
فقه حنفی، این کتاب به عمر نسفی میر منسوب است که در
صورت صحبت، شرحش به هرنوی مربوط است؛ «المایع»
در شرح «المشارع»؛ شرح «مقدمة فی النحو» ابن بابشاد.

اعلام (۱۵/۲)، كشف الظنون (۴۶۶، ۱۶۸۷، ۱۸۰۴)،
معجم المؤلفين (۵/۵۲-۵۳)، هدیه الماریین (۱/۲۳۵).

غزوی کاشانی، جمال الدین احمد بن محمد بن

فرستاد. میان عصری و عضابری همیشه مشعره بوده و گویا به تیرگی نیز انجامیده است. عضابری «دیوان» شعری نیز داشته است. در «هفت اقلیم» تحت عنوان عضابری آمده است.

آتشکده آذر (۳/ ۹۸-۱۰۱-۱۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۵۷۰-۵۷۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۶)، مذکره اشعراء (۳۹/ ۲)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۸۱۱)، الذریعه (۹/ ۷۹۰)، رباعیات (۴/ ۲۴۸-۲۴۷)، سس و سحرورین (۱۲۴/ ۱۲۱)، فرهنگ سحرورین (۶۷۰-۶۶۹)، گنج سس (۱۲۰-۱۴۱)، لغت نامه (ذیل / قصاری)، مجمع الفصحی (۲/ ۹۲۱)، مرآت الخیال (۲۳/ ۲۲)، هفت اقلیم (۲/ ۱۹-۱۲).

وی از قریه گلجاری، میان قم و کاشان است و لذا به عضنفر گلجاری نیز معروف است. او با وحشی و شاعران نامبردار کاشان چون محتشم و قهی معاصر بود و با ایشان مشاعره و معارضه و مناظره داشت. مهاجرتی از او با برخی از شاعران زمان خود باقی مانده است. او در پایان عمر به تدریس و تعلیم اشتغال داشت. صاحب «هفت اقلیم» به وی سه اثر: مثنوی لایبر و جوان، «دیوان» عزّ و پیش آمد احوال، از همه قسم محلی را نسبت می دهد. صاحبان «لغت نامه» و «فرهنگ سخنوران» غضنفر گلجاری را همان غضنفر قمی می دانند، ولی در «تاریخ نظم و نثر» ذیل دو نام آورده شده است، همچنین در «صبح گلشن» تحت عنوان غضنفر گلخوری آمده است.

آتشکده آذر (۳/ ۱۲۷۵-۱۲۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۵)، تذکره سحرورین پره (۲۲۴)، الذریعه (۳/ ۲۰۰، ۹/ ۷۹۰)، صبح گلشن (۳۰-۲۹۹)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰)، لغت نامه (ذیل / غضنفر)، مجمع المصنوع (۲۰۷-۲۰۶)، هفت اقلیم (۲/ ۵۱۶-۵۱۷).

غضنفر گلجاری - غضنفر کله جاری

غضنفری، سید مهدی بن سید محمد تقی، (۱۳۳۵-۱۳۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در خوانسار به دنیا آمد. پس از پرورش در مهد علم و فراگیری مقدمات، برای تحصیل و تهذیب اخلاق و تکمیل مبنای علمی در ۱۳۵۲ ق به قم رفت و سطوح وسطی و عالی را در خدمت احیاء تهرانی و آیت الله ترمسی و آیت الله سرعشی نجفی خواند و پس از تکمیل آن از محضر آیت الله خوانساری و آیت الله صدر استفاده نمود. در ۱۳۶۲ ق به مکه و عتبات رفت. پس از مراجعت چند ماهی از سال را در خوانسار و بیشتر آن در قم مقیم بود. در ۱۳۹۱ ق پس از درگذشت پدرش بنا به تقاضای مردم خوانسار به جای پدر نشست و حوزه علمیه خوانسار را در مدرسه میرباقری تشکیل داد و کتابخانه‌ای به نام مهدویه تأسیس کرد. از دیگر آثارش: تجدید بنای حسینیه خوانسار؛ تجدید بنای مسجد دوره خوانسار؛ بنای سقخانه در خوانسار؛ تجدید مقبره ملازمین؛ احداث دو پل در خوانسار؛ تجدید بنای دو حمام رفاه و مردانه؛ تعمیر مقبره دهکردی در زیتیه اصفهان؛ تعمیر بقعه بانا احمد خمین. از آثار علمی ش: «جواهر الکلام»، «توضیح الکفایه»، ترجمه منظومه بی الف و همزه، میرزا ابوالقاسم خوانساری، شاگرد علامه مجلسی؛ خودآموز «لمعه»، در

غضبان اصفهانی، سید جعفر، فرزند سید حسین حبیبی، (تو ۱۲۷۷ ش)، نویسنده و مترجم. از سوادگان میرداماد بود. تحصیلات مقدماتی جدید و قدیم و سطوح را نزد اسنادانی چون میرزا محمدرضا آبرافانی و شیخ موسی خوانساری و سید ابراهیم اصفهانی فراگرفت. سپس به تهران آمد و وارد خدمات دولتی گردید. از آثار وی: ترجمه «احمد بن طوبون» جرجی ریدان؛ ترجمه «ارمانوس مصریه» جرجی ریدان؛ «اقتصاد در اسلام»؛ ترجمه «امام جعفر صادق» احمد متقیه؛ ترجمه «بنی هاشم و بی امیه» مقریزی؛ ترجمه «زینب کبری عقبه بنی هاشم (ع)» هایشه بنش الشاطی؛ «یک سمجوه دائم» ترجمه «امام قرآن» سید هبة الدین شهرستانی. رنگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۱۰۴)، فهرست کتابهای چاپ فارسی (۱/ ۱۶۱، ۲/ ۱۸۸۰، ۳۴۵۵)، مؤلفین کتب چاپ (۲/ ۳۲۹، ۳۳۱).

غضنفر برارجانی، میرزا محمد خان، (مقتول ۱۳۰۸ ش)، شاعر، متخلص به غضنفر، ملقب به عضنفر السلسله از خوانین دشتستان و شعرا و آرایه خواهان وطن دوست و مدافکار معاصر است. او اشعاری در قابلهای غزل، رباعی، قطعه، مسطر، ترکیب بند و قصیده داشته، که تاکنون به چاپ نرسیده است. وی «دیوان» شعری داشته مسلح از اشعار فارسی و عربی که موقمی که کشته شد، آن «دیوان» به اضافه مقدار زیادی جواهر به دست قاتلش افتاد. دانشمندان و سخن سرایان فارسی (۴/ ۱۰۷).

غضنفر کله جاری، شجاع الدین، (س دهه ق)، شاعر

دو جلد؛ شرح «صحیفة الحسیثیه».

کتابخانه دانشندان (۵/ ۵۸-۶۰)

غفرینی جرجانی، ابراهیم محمد بن احمد بن حسین رباطی. (وف ۳۷۷ ق)، حافظ، مسند و محدث پدرش نیشابوری بود و در مرز دهستان سکونت داشت و از مرزداران بود. ابراهیم در همانجا به دنیا آمد و در جرجان نشو و نما یافت. از یوحنا بن حنیف و حسن بن سیمان و ابراهیم بن یوسف هیسجانی و عبدالله بن نجیه و هشم بن خلف و احمد بن حسن صوفی و ابوالعباس بن سربج، شیخ شافعیان، و ابوبکر بن خزیمه و عبدوس بن احمد همدانی و احمد بن محمد وزان و محمد بن محمد بن سلیمان ناصدی و عمر بن محمد کعدی و همطایف آنان در جرجان و ری و بصره و نیشابور و بغداد و همدان حدیث شنید. رقیفش ابوبکر اسماعیلی، در تالیفاتش، متجاوز از صد حدیث از وی روایت کرده است. ابویحیی حافظ و حمزه سهمی و رمی بن اسحاق نصری و ابوالعلاء سری و قاضی ابوطییب طبری و تیر دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثار وی نگارش «الصحیح» یا «المصحح صلی المانی» به سبک «صحیح بخاری» است، که به اصطلاح «المسند الصحیح علی صحیح البخاری» نیز مشهور شده است.

نسب اسمانی (۴/ ۳۰۱)، ایضاح المکنون (۲/ ۶۴)، سیر النبلاء (۱۶/ ۲۵۶-۲۵۷)، طبقات الحفاظ (۳۸۷)، (۳۸۸)، لسان المیزان (۵/ ۶۳۸-۶۳۹)، معجم المؤلفین (۲/ ۶۸، ۸/ ۲۵۲)، الوافی بالوفیات (۲/ ۸۲)، هذیة المعارف (۲/ ۵۰).

غفار اصفهانی. (س سیزدهم ق)، نقاش. استاد لایه‌چین و اهل اصفهان بود و در هنر خرد مهارت تمام داشت. از آثار وی تصویر بزرگی است که چند مجلس گوناگون را نشان می‌دهد، مجلس اوان سجاد دادن یوسف از قمر چاه است و دومی یوسف در حضور پادشاه و سومی منظرهٔ مکتب خانه و چهارمی مجلس بزمی که حواشی آن را تصاویر حیوانات و انسان مستور کرده، با رقم: «عمل غفار اصفهانی ۱۲۰۶». احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۰۹-۳۰۸).

غفاری، میرزا ابوالحسن - صنیع الملک.

غفاری، حسینی، فرزند کمان الملک. (۱۲۷۰-۱۲۹۹ ش)، موسیقیدان از بهترین شاگردان درویش خان بوده؛ قبل از آن نیز مکتب آقا حسینی را دیده بود. وی را در سداقل از دیگر شاگردان درویش برتر دانسته‌اند و می‌گویند استاد، او را جانشین خود می‌دانست؛ حتی بعضی او را عصارهٔ درویش گفته‌اند.

استادان موسیقی (۵۵)، تاریخ هنرهای موسیقی (۱/ ۶۱۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۲۸).

غفاری، مسعود. (ر ۱۲۹۶ ق)، نقاش. از حامیان معروف و هنرمند غفاری بود و در رنگ و روغن و آبرنگ و سیاه‌قلم دست داشت و پیرو سبک کلاسیک بود. اغلب آثار این هنرمند، کپی از تابلوهای اروپایی است که به سبب خود مصور ساخته و در بعضی موارد امضای لاین نیز در ذیل آنها درج نموده است. تصاویر سیاه‌قلمی او که در کتاب «بخجلیه» در ۱۲۹۰ ق چاپ شده، نام وی را در ردیف «ولس کاریک‌تورسرا» برآی قرار داده است. عدوی از روی طبیعت بزرگ‌نمایی می‌کرد و در منظره‌نمایی و مجلس بزمی و رزمی مهارت داشت. آثار وی «تصویر رنگ و روغن عمارت شهرستانک، با رقم: «مسعود عدوی ۱۲۹۶»؛ تصویر دختری که از آثار اروپایی کپی کرده، با رقم: «مسعود غفاری»؛ تصویر حضرت مسیح (ع) در اوان کودکی که با بره زیبایی بازی می‌کند. زیر این اثر زیاده‌اشد کپی استادیانه‌ای از کارهای اروپایی باشد، به خط فرسه و فارسی رقم نهاده. «مسعود غفاری ۱۲۸۰»؛ تصاویر مرکبی آثار قدیم شیراز که از روی طبیعت نقش کرده و در کتاب «فارسنامهٔ ناصری» به چاپ رسیده است، با رقم: «عمل حقیر مسعود».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۸-۱۴۹).

غفاری قزوینی، قاضی احمد، فرزند نجم‌الدین عبدالغفار. (وف ۹۷۵ ق)، شاعر و مورخ. در پایان عمر به زیارت خدایهٔ حداثه رفت و در راه بازگشت به سرای ساف شادت را آثارش تدریج «نگارستان» (تدریج جهاد آرا) نشکسته در ۳۰۸-۱۰۵، الدریه (۲/ ۲۴۶، ۹، ۵۹، ۲۴/ ۳۰۹-۳۰۸)، عالم‌آرای عباسی (۱/ ۸۲، ۹۹)، فرهنگ سحروران (۶۷۰)، هفت اقلیم (۳/ ۱۷۸).

غفاری کاشانی، اسدالله خان، فرزند میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک. (س سیزدهم ق)، نقاش. در مکتب

می‌گفتند، او احمد نرسی و موسی بن سهل و شاه و ابوالعباس کذیمی و بشر اسدی و احمد بن رید بن مهراب سمسار حدیث شنید. ابوالحسن بن ررقویه، بن مسدد، ابو عبدالله حاکم نیشابوری و قاضی محاملی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی گوید: غلام ثعلب نسبت به معاویه تمصب داشت، او جزوه‌ای به نام فضایل معاویه نوشته بود و تمام شاگردان خود را که برای کسب علوم نزدش می‌آمدند وادار می‌کرد که پیش از گذراندن هر درسی که برای آن آمده بودند ابتدا این جزوه را بخوانند. بسیاری از بزرگان ادب بر او خرده گرفتند و او را حتی در علم لغت از درجه اعتماد ساقط دانستند. ابن حجر گوید: «این جزوه را من دیدم، بسیاری از مطالب آن جمع است» عجب است از صاحب «ریاض العماء» و به تسبیح او صاحب «أعيان الشيعة» که او را ظاهراً امامی می‌دانند. وی در بغداد درگذشت و روبروی ایوان معروف کرخی دفن شد، او در لغت، از حفظ، در حدود سی هزار برگ املاء کرد. از آثارش: «الباوقیت»، در لغت؛ رساله‌ای در «غریب القرآن»؛ «غرائب الحديث»؛ تصنیفی بر اساس «مسند» احمد حنبل؛ «جزء فی الحديث والادب»؛ «تفسیر اسماء الثمراء»؛ «المدخل»؛ در لغت؛ «القنات»؛ «ایرم و بیل»؛ «بخار العرب»؛ «العشرات»؛ مستدرکی بر کتاب «الفصح» ثعلب به نام «فائت الفصح»؛ و شرح آن به نام «شرح الفصح»؛ «فائت العین»؛ «فائت الجمهرة»؛ «المستحسن»؛ «فائت المستحسن»؛ «المرجان»؛ در لغت

الاعلام (۷/ ۱۳۳، ۱۳۴)، اعیان الشیعه (۹/ ۳۹۳)، ایشاح المکون (۲/ ۱۵۲، ۳۱۲)، تاریخ بغداد (۲/ ۳۵۹-۳۵۶)، روفاات الحیات (۷/ ۳۱۴-۳۱۷)، ریاض العماء (۵/ ۴۷۹-۴۸۰)، سیر النبلاء (۱۵/ ۵۱۳-۵۰۸)، کشف الظنون (۸۸/ ۴۲۶، ۱۱۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۷۳، ۱۴۲۳، ۱۴۳۱، ۱۴۴۳، ۱۴۴۸، ۱۴۵۸، ۱۴۶۲، ۱۴۷۲، ۱۴۸۰، ۱۴۹۰، ۱۹۸۰، ۲۰۵۲، ۲۰۵۴)، الکنی و لالقاب (۳/ ۸۶-۸۷)، لسان المسیران (۶/ ۳۱۴-۳۱۶)، معجم الابهاء (۱۸/ ۲۳۴-۲۳۶)، معجم المونین (۱۰/ ۲۶۶-۲۶۷)، السجور الزاهرة (۳/ ۳۶۰)، فوائی بالوفیات (۲/ ۷۳-۷۲)، وفیات لاهیان (۴/ ۳۲۹-۳۳۳)، هدیة العربی (۲/ ۴۲)

غلامحسین پنهان به پنهان، غلامحسین

غلامحسین درویش به درویش خان

هتري پدرش کسب کمال کرد، از آثار وی: تصاویری از آق رحیم هتري پینگ، الله باشی امیر دوست محمد خان، و میرزا پیدل کرمانشاهی به آیرنگ، که در مرقمی جمع آوری شده و در ۱۲۸۲ ق. ندم یافته است. سوال و آثار هاشان (۱/ ۶۴)

غفاری مروزی، ابو محمد رجاء بن مرجی سمرقندی. (وف ۲۳۹ ق.)، حافظ، محدث و مصنف. در سمرقند و سپس در بغداد ساکن بود از نصر بن شکیل و ابوتریم و ابومصالح کاتب و محمد بن مجیب و علی بن حسن بن شقیق حدیث شنید. ابوداود و ابن ماجه قزوینی و ابوحاتم رزی و محاملی و ابوالعباس سراج و ابن ابی الدنیا و ابوحامد خضرمی و یحیی بن صاعد و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در بغداد درگذشت. خطیب او را در علم حدیث پیشگام و ثقة‌ای مورد اعتماد می‌دانند. ابن حبان گوید که غفاری شنیده‌های خویش را جمع آوری و بر اساس آن تصانیفی بر خود به جای گذاشت.

تاریخ بغداد (۸/ ۳۱۱-۳۱۰)، تلکوه الحماض (۲/ ۵۲۲-۵۲۳)، تهذیب التهذیب (۳/ ۲۴۰-۲۴۱)، التجریح (۳/ التهذیل (ج ۱ ق ۲/ ۵۰۳)، سیر النبلاء (۱۲/ ۹۸-۱۰۰)، شرات القعب (۲/ ۱۲۰)، طبایع الحماض (۲۴۲-۲۴۳)، العبر (۱/ ۲۵۷)، معجم المونین (۴/ ۱۵۲).

غفور حکاکه. (وف ۱۳۵۵ ق.)، حکاک، مشهور به سید غفور نظام‌الدینی حکاک، شاعری اهل تبریز و یکی از سنگ‌تراشان نامی آن دیار بود. از آثار او: سنگ نوشته یکی از خلیفانهای قیریز، به رقم: «...سید غفور حکاک ۱۳۰۶ ش». تاریخ مرگ وی در «موادالتواریخ»، در قطعه‌ای که رضایی، شاعر آذری، برای او سروده چنین است.

...میرسال و فسات را رصبتی

خود جست هم از (غفور حکاک) ۱۳۵۵

به نظر می‌رسد که شاعر حرف مشدد را بر خلاف معمول، حساب کرده است.

اسوال و آثار هاشان (۱/ ۴۰۹)، مواد للتواریخ (۳۳۰)

غلام ثعلب پاوردی، ابو عمر محمد بن هبداواحد. (۳۴۵-۲۶۱ ق.)، ادیب و لغوی. چون شغلش گلدوزی روی لباس بود، به مطرز مشهور و چون از ایبورد خراسان بود، به پاورد مسسوب و چون مدتی در خدمت ثعلب نهری بود، به غلام ثعلب معروف بود. به او ابو عمر زاهد نیز

علامه محسن مینا کار باشی. (ز ۱۳۱۹ ق)، میت‌سار از نقاشان و میناسازان معروف دوره مظفری بود و از آن پادشاه لقب مینا کار باشی داشت. از آثار وی: سر فلک‌الطایی و مینایی استادانه‌ای که در وسط مدالیون بزرگ آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین شاه و در پشت سرش فرمانروایان ترسیم شده است. از طرفین و کناره‌ها نیز تصاویر گوناگون و مناظر گل و مرغ به طرز شیوا و تقیسی ترسیم شده و در داخل چهار تریخ کوچک، رقم «عمل کمترین غلام محسن مینا کار باشی سنه ۱۳۱۹» دارد.
(حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۰).

غلامرضا. (ز ۱۳۱۵ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی در آبرنگ مهارت داشت و در گل و مرغ و مرغش سازی و حل کاری با استعداد بود. از آثار وی: تصویر گل و مرغی شیرایی در سبک سیاه قلم، با رقم: «مشت غلامرضا ۱۳۱۵»؛ قلمدان مرغش عنابی که در رویه آن ساقه بلند و امشان خوشه انگوری به حل کاری استادانه‌ای انجام یافته و کناره‌ها نیز با زنجیره طلایی محدود شده است، با رقم «غلامرضا ۱۳۱۱».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۱۰).

غلامرضا اصفهانی، فرزند میرزا جهان فساد. (ز ۱۲۵۰-۱۳۰۲/۱۳۰۷ ق)، خطاط. در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از فنادان اصفهان بود که در اواخر عمر به تهران آمد. وی یکی از معروفترین خوشنویسان سرگ و معاصر میرزا محمدرضا کلهر بود. او سوره کودک بود که به علت حسن خطش شهره گردید. روزی سطرری از خود او را به نظر محمد شاه قاجار رسانیدند و وی او را احضار و پس از امتحان، او را به تعلیم مشق خط شاهزادگان مأمور کرد و او چند سال مشغول این امر بود. بعد از فوت محمد شاه، در خانه خود به تحریر و تعلیم پرداخت. میرزا غلامرضا جمله خطاط نستعلیق، از شش دانگ کتبه تا کتابت خفی و غبار، و استادانه می‌نوشت و در شکسته نویسی هم مهارت داشت و غالباً خط خود را با رقمهای «غلامرضا»، «غلامرضا» یا «عی مدد» و «یا علی مدد» مشخص کرده است. از شاگردان وی، میرزا ابراهیم تهرانی مشهور به میرزا حمزه، میرزا حسین خان کاتب‌المحققان، شاهزاده عباسقلی میرزا دیبج لسلطه، میرزا حسین خوشنویس و عبید نکیرم صهرانی می‌باشد. مقبره‌اش در صمیانه شهروری است. از آثار وی: یک صفحه به خط شکسته

نستعلیق کتابت خفی عالی؛ صفحه دیگر به قلم نستعلیق نیم دودانگ عالی، که ظاهراً عریضه‌ای است که خطاب به «صرد» بن شاه قاجار نوشته؛ یک مکتوب به خط شکسته نستعلیق کتابت عالی، به ناصرالدین شاه؛ کتبه‌های مد سته سپهسالار، به قلم چهار دانگ کتبه عالی و قطعات مختلفی که تاریخ رقمهای آن بین سالهای ۱۲۶۰ و ۱۳۰۳ ق است احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۵۰-۵۵۶)، اطلس خط (۵۷۳-۵۷۵)، تاریخ اصفهان (۱۵۲-۱۵۶)، تاریخ مرهای ملی (۱/ ۶۵۶)، تذکره خوشنویسان معاصر (۲۵-۲۶)، گلستان هنر (بیست و یک).

غلامرضا شیرازی. (وف ۱۲۹۹ ق)، موسیقیدان. وی تبریز مشهوری بود. در تهران سرت آقا حسینقلی تعلیم دید. وی عضو انجمن آخوان اصفهان بود و در کسرتیهایی که انجمن ترتیب می‌داد، شرکت می‌کرد.
تاریخ مرهای ملی (۱/ ۶۱۲)، سرگشت موسیقی (۱/ ۳۰۳، ۳۰۴، ۲۹۶).

غلامرضا معمار تبریزی. (س دوازدهم ق)، معمار اسلامی ساز و رسم نقوش هندسی و معماری و از اهالی تبریز بود که با خانواده زندیه سبب سببی داشت و به امر کریم خان زند، ارگ تهران را ساخت و پسر او، حاج جعفر خان، از معماران مشهور دوران فتحعلی شاه تا اوایل سلطنت ناصر می‌است که بعضی ساختمانهای ندم آن دوران، اثر این معمار است.
احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۷۵).

غلام شیرزاد. (ز ۹۷۹ ق)، نقاش و طراح. وی از طراحان و نقاشان و با صدگان بنام پارچه‌های حریر زمان خود بود تنها اثر پازمانده وی، تصویر در جوان است که به قرینه رو به روی یکدیگر نشسته‌اند. این نقاشی که بر پارچه اطلسی به رنگ سبز انجام پذیرفته، در حراشی و کناره آن تصویر درختان و گلها نقش بسته است و به خط رفیع قرمز چنین رقم دارد: «تقدیم آستانه مقدمه نمود غلام شیرزاد سنه ۱۹۷۹»
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۴۱۱).

غلامعلی. (ز ۱۲۷۵ ق)، مجلد و قلمدان ساز هنرمند معروف دوره ناصری بود و ب همکاری استادان نقاش دیگر در ساختن جلدهای روشنی برای کتاب معروف

نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتابه فی شهر جمادی الاول و انا العبد غلامعلی [اصفهان] ۱۲۶۸».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶/۴)، تاریخ اصفهان (۹۰-۸۶).

غلامعلی اصفهانی، فرزند میرزا ابراهیم مسافر، (وف ۱۳۲۹ ق)، خطاط وی دخترزاده آقا غلامعلی اصفهانی است که در خط شکسته نستعلیق و نسخ استاد بود و خط نسخ را از سید بقا و میرزا آقاخان پرتو فرا گرفته بود و در کتابت نسخ خود، غلامعلی ثانی امضا می‌کرد. از آثار وی: «ادعیه الاسبوع»، «جانمازی»، «جلد روحانی»، «سر لوح مرصع»، «دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب»، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «هدیه حضور... ولیعهد مظفرالدین... ابن میرزا محمد ابراهیم المستخلص مسافر، غلامعلی الاصفهانی... سنه اربع و ثمانین و مائین بعد الالف...» ۱۲۸۴.

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶/۴)

غلامعلی نایینی، فرزند محمد، (ر ۱۳۱۴ ق)، خطاط و نقاش، از آثار وی: «دعای صباح»، «وزیری کوچک جلد روحانی»، متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت و کتبت حتی خوش، با رقم: «کتابه العبد الجانی غلامعلی بن محمد النائینی... سنه ۱۳۱۴ لثلاثه اربع عشر بعد الالف»، یک صفحه قطعه سازی زیبا، نسخ کتابت و خط خوش، با رقم: «ناظم هذا الايات... علامعلی ابن محمد النائینی... سنه ۱۳۱۰».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸/۴)

غلام قاجار، فرزند محمدعلی، (ر ۱۲۱۵ ق)، نقاش و طراح، وی رسمی سار ترسیمات تفرش منظم هندسی و اسکلنت اولیه صنعت تذهیب بود. تنها اثری که از وی در دست است، انواع ترسیمات هندسی و متنوع و حیوانات ابتکاری اوست که در یک بوله کاغذی ترسیم نموده و رقم نهاده است: «علام بن محمد علی قاجار ۱۲۱۵».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۵/۳)

علام‌محسن اصفهانی، ابوعلی احمد بن ابراهیم بن برداد، (وف ۴۱۸ ق)، محدث، از ابومحمد بن فارس و ابوالاحمد عمال حدیث شنید، ابرحیف عمر بن احمد معلم و ابریکر احمد بن محمد بن حافظ ابن مردویه و

«الف لیل و لیل»، مضبوط در کتابخانه گلستان تهران شرکت داشته است. از آثار وی جلد روحانی کتاب چهارم «الف لیل و لیل» است که در مسجد آن مجلس بزم گسترده‌ای نقاشی شده و حواشی و روئے آن منظر و دورنماهای گوناگون و تصاویر شیر و حورشید و تاج کبک را و رسم نموده است، با رقم: «بدستاری استاد کل فی الکر جان پناه استاد آقا سمت اتمام پذیرفت، العبد غلامعلی ۱۲۷۵».

احوال و آثار نقاشان (۱۱/۴۱۱-۴۱۲)

غلامعلی، (ز ۱۲۶۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه نسخ کتابت و کتابت خطی خوش و عالی، با رقم: «امشعه علام علی سنه ۱۲۶۹».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶/۴)

غلامعلی، (ص چهاردهم ق)، میهن‌ساز، از هنرمندان دوره ناصری بود و در مجمع الصایح ناصری که مجمع هنرمندان آن دوره بود، حجره کوچکی داشت و به میهن‌سازی مشغول بود. غلامعلی در کارگاه خیمه سرقلبه‌های طلایی و مسی و انگشتری و گوشواره میبای بهیسه می‌کرد و در اختیار علاقه‌مندان می‌گذاشت. از آثار وی: کوزه قلیان مینایی ریایی که به گن و سرخ شیشه‌ای و صورت‌های خوش حالت تصویر شده، با رقم: «کمترین علامعلی»؛ کوزه قلیان مینایی که تصویر بهرام گور و نقوش دیگر به استادی میاکرده، با رقم: «کمترین علامعلی».

احوال و آثار نقاشان (۱/۴۱۳)

علامعلی اصفهانی، فرزند مسعود رحیم، (ح ۱۲۶۹-۱۲۱۵ ق)، خطاط در اصفهان به دین آمد. نزد آن محمود خوشنویس تعلیم خط گرفت و از دوستان نزدیک اشرف لکتاب بود او علاوه بر حسن خط، از آواز خوش نیز بهره داشت. غلامعلی بسیار سریع‌ل‌قسم بود و وی در مدت عمر خود، چندین قرآن نوشت. پسرش، محمد رحیم، نیز در خط نسخ خوشنویس و شاگرد پدر بود. از آثار وی: قرآن نیم ربی چند روحانی عالی، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی، نسخ کتابت خطی و رقاع خوش، با رقم: «جهت... آقا میرزا بزرگ مستوفی... غلامعلی بن محمد رحیم اصفهانی... سنه ۱۲۶۷»؛ یک قطعه نسخ کتابت و رقاع عالی، با رقم: «حرره العبد الاقل علامعلی الاصفهانی فی سنه ۱۲۲۶»؛ یک رقبه

گروهی از مشایخ حافظ سلمی از وی حدیث روایت کرده اند.

سیرالبلاء (۱۷/۳۸۸).

شعاع همدانی، سید محمد یوسفزاده، فرزند سید یوسف (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ش)، روبرو به نگار و شاعر، متخلص به همام، در نجف به دنیا آمد تحصیلات مقدماتی را تا سیزده سالگی در آن شهر گذراند. سپس به ایران آمد و در همدان ادبیات فارسی و عربی و فقه را از اساتید آن دیار فراگرفت. بعد از آن مدتی به تجارت و خدمت در ادارات دولتی مشغول شد. در آغاز بهضت مشروطه به آزادیخواهان پیوست و به تأسیس انجمن اتحاد و مشار روزنامه «اتحاد» و «الفت» همت گماشت. در سرودن عربیها ت حاصی داشت وی در تهران در دبیر رف و در مفره خانوادگی جنب شاهزاده حسین در همدان دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر که با مقدمه‌ای از موسی نثری به چاپ رسید، لازم به ذکر است که صاحب «سحوران نامی معاصر ایران» محل تولد وی را کربلا ذکر کرده است.

حیات معاصر (۷۶-۷۷)، تاریخ جراید و مجلات (۱) ۲۶، ۲۶۶-۲۶۸، الذریعه (۹/۷۹۲)، زندگنامه رجال در شامیر (۵/۲۳-۲۴)، سحوران نامی معاصر (۲/۲۵۵۸-۲۵۵۹)، مرهنگ سحوران (۶۷۲)، گزراو مکتوب (۴۹۸-۴۹۵).

شمگین اصفهانی، حاج محمدکاظم، فرزند میرزا عباس (۱۲۸۰/۱۲۸۶-۱۳۵۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به شمگین وی نواده دخترى آقا غلامعلی خطاط بود. در اصفهان متولد و در خدمت عموی بزرگوار خود، میرزا ابراهیم شاعر، تربیت شد. در انواع شعر از قصیده و غزل و مثنوی طبع آزمایی کرد، فصاحتی به پیروی از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی ساخته است. اشعارش در حدود بیست هزار بیت می‌باشد. وی از مؤسسين اولیه انجمن ادبی شهید و از رؤسا و اساتید آن انجمن بود و در بحسب ادب نیز شرکت می‌کرد. در اصفهان درگذشت و در تحت مولا دفن شد از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد. صاحب تذکره «شعراي معاصر اصفهان» یکی از آثار وی را «سرالامراء» ذکر کرده است.

تذکره القیوم (۴۵۴)، تذکره شعراي معاصر اصفهان (۳۳۸) ۳۳۹، الذریعه (۹/۷۹۲)، سحوران نامی معاصر (۴/۲۵۶۳-۲۵۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۲۶).

فتحجار بخاری، ابو عبدالله محمد بن احمد بن محمد (۳۳۷-۴۱۲ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل بخارا بود. از حلف بن محمد ختیم و سهل بن عثمان سلمی و ابو عید احمد کریمینی و ابراهیم ملاحمی و بسیاری دیگر از علما و محدثین دیارش حدیث شنید. هناد سلمی و گروهی دیگر از شاگردان وی بودند. فتحجار در بخارا درگذشت و در مقبره حوض قدام دفن شد. از آثارش «تاریخ بخارا»، «فصائل اصحابه»، تصنیفی در «فضائل لاریمه».

الاعلام (۶/۲۰۵)، انساب سمعانی (۴/۳۱۲-۳۱۱)، سیرالبلاء (۱۷/۳۰۵-۳۰۴)، شذرات الذهب (۲/۱۹۶)، طبقات الحفاظ (۴۱۳)، المعیر (۲/۷۲۱)، کتب الظنون (۲۸۶-۱۲۷۶) مجمع الادب (۱۷/۲۱۳-۲۱۲)، مجمع المؤلفین (۹/۷-۱۰۵)، الوافی بالروایات (۲/۶۰)، هدیة المرفین (۲/۶۱).

فتحجار بخاری ازرق، شیخ ابوالاحمد عیسی بن موسی (وف ۱۸۶ ق)، محدث، معروف به محدث بخارا و مدبرین شهر و مشهور به عیسی فتحجار. چون سرخ روی بود به بخارا ملقب شد. او از متفیان ثوری و عیسی بن عسید کندی و ررقاء بن عمر و ابو حمزه سکری و دیگران حدیث روایت کرد. بئحیر بن نصر و محمد بن سلام نیکبندی و اسحاق بن حمزه بخاری و محمد بن امیه سوری و محمد بن فضل و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم گرید که فتحجار پیشوای عصرش بوده، او در برگسالی به طلب حدیث پرداخت و خردش فردی راستگر بود، گرچه از صد شیخ و استادی که معروف نیستند حدیث روایت کرده است.

تاریخ الاسلام (حرادث ۱۸۱/۱۹۰-۳۲۱)، تاریخ الکبیر (۶/۳۹۴)، تهذیب التهذیب (۸/۲۰۲-۲۰۱)، المعرج و التعذیل (ج ۳/۱-۲۸۵-۲۸۶)، سیرالبلاء (۸/۴۸۸-۴۸۷)، شذرات الذهب (۱/۳۱۰)، المعیر (۱/۲۲۷)، لسان المیزان (۵/۲۹۰)، المعجم الزمهره (۲/۱۵۳).

غندجانی هرازی، ابوالاحمد عبدالوهاب بن محمد بن موسی (۳۶۶-۴۴۷ ق)، محدث. در هراز به دنیا آمد. «تاریخ» بخاری را از حافظ احمد بن عبدان شیرازی در هراز شنید. او از ابوطاهر محلی و ابوالقاسم بن حیدلانی در بغداد حدیث شنید. غندجانی ساکن بغداد گشت و در آنجا حدیث گفت. خطیب بغدادی از روایان ا حدیث

سفر کرد. پس از یک سال و اندی به وطن مراجعت نمود و پس از چندی دوباره به فرانسه رفت و در ۱۳۰۷ ش مجدداً به ایران بازگشت و در سبزوار و مشهد به طبابت پرداخت. پس از مدتی طبابت را کنار گذاشت و به کارهای سیاسی روی آورد. وی در دوره‌های دهم تا سیزدهم از جنانب مردم مشهد به نمایندگی مجلس منصوب گردید و در ضمن در دانشکده طب و علوم حقوق و مستقر و روانشناسی تدریس می‌کرد. مدتی نیز سفیر ایران در کشورهای ترکیه و مصر بود. سرانجام در ایالات متحده از دی رفت. دکتر غنی در طول حیات خود کتب چند تألیف و ترجمه کرده است. از آثار وی: «ابن سینا»؛ بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ شامل دو قسمت، قسمت اول «تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم» و قسمت دوم «تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حاضر»؛ «بحث در تصوف»؛ «بحث در سیاست»؛ «معرفه النفس»؛ «اصحیاء فرشتگان»؛ ترجمه: «فیس»؛ ترجمه: «پریان بزی ملکه سلا»؛ ترجمه.

آینده (س ۷، ش ۷، ص ۵۰۳-۵۰۲، س ۸، ش ۱، ص ۵۹، ۶۲، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، رسدگینامه رجال و مشاهیر (۱۵/ ۲۹-۲۵)، شرح حال رجال (۵/ ۱۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۹۷-۸۹۹)، بهمن (س ۲۴، ش ۱۰، ص ۵۹۹-۶۰۶).

غنی، محمد. (ز ۱۰۳۸ ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه شبستان شرفی مسجد شاه اصفهان، به خط ثلث پنج و چهار دانگ کتیبه خوش، یا رقم: «کتابه العلی القوی می ثمان و ثلثین و الف»، (۱۰۳۸)، کتیبه گنومای شمالی مسجد شاه، به خط ثلث چهار دانگ کتیبه خوش، یا رقم: «حرره محمد غنی».

آثار ملی اصفهان (۶۷۶، ۶۷۷)، احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۹۱)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۲۴۹-۲۴۶، ۲۴۸).

غنی اسدآبادی، میرزا عبدالغنی / غنی بیگ. (مستقر) ۱۰۱۲/۱۰۰۸ ق)، شاعر. وی از مردم اسدآباد همدان بود در آغاز مثل احداثش به تجارت می‌پرداخت. در اوایل سلطنت شاه عباس صفوی چون وضع همدان را مفشوش یافت به عزم تجارت به سوی خراسان رفت و در آن سامان با ملا نظیری نیشابوری رفیق و یار شد و به همراه او به هند

اوست. ابوالفضل بن حیر و مبارک بن طیوری و ابوعناتم رسی نیز از وی حدیث روایت کرده‌اند.

انساب معانی (۴/ ۳۱۳)، تاریخ بغداد (۱۱/ ۳۳-۳۲)، سیر النبلاء (۱۷/ ۶۶۱-۶۶۲)، شذرات الذهب (۲/ ۲۷۶)، المعبر (۲/ ۲۹۱).

غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن بن احمد اعرابی. (ز ۴۲۸ ق)، ادیب، لغوی و سب شناس. معروف به اسود غندجانی. به آورده حموی در «معجم البلدان» نسبت وی به غندجان فارس است. او در شناخت روزگاران عرب و اشعار آنها تبصر داشت. هم او گوید که یکی از تصانیف غندجانی را دیده که در آن نوشته بوده: در ۴۱۲ ق تصنیف و در ۴۲۸ ق بر او خصوفه شده است. از آثارش: «فرجه الادیب»، در رد یوسف بن ابی سعید سیراف، در شرح «ابیات سیویه»؛ «صله الادیب»، در رد ابی عرابی، در «لواذری» که ثعلب روایت کرده است؛ «نزه الادیب»، رد بر ابوعلی؛ «فید الاوابد»، در رد ابن سیراف، در شرح «ابیات اصلاح المنطق»؛ کتاب «الحلی» یا «الحلی»، مع ترتیب حروف معجم: «السّل و السّرة»؛ کتابی در «الشیء لا ماکن».

الاعلام (۲/ ۱۹۲)، افحاح المکون (۲/ ۱۹۳)، کسب النکون (۷۷، ۱۹۳۹)، لسان المیران (۲/ ۲۶۶-۲۶۷)، معجم الادباء (۷/ ۲۶۵-۲۶۱)، معجم البلدان (۱/ ۲۴۴)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۹۷)، هدیة العارین (۱/ ۲۷۵).

غندر رازی، ابو نعین محمد بن جعفر. (ز ۳۳۰ ق)، محدث. در طبرستان ز ابوحاتم رازی و محمد بن خریس حدیث روایت کرد. محمد بن جعفر بن حمویه که وی و در ۳۳۰ ق ملاقات کرده، احادیثی از او روایت می‌کند. ذهبی گوید که حدیثی را در کتاب «الانساب» شیرازی یافت. سیر النبلاء (۱۶/ ۲۱۷).

غنی، قاسم، فرزند سید عبدالغنی سبزواری. (ح ۱۲۷۲-۱۳۳۱ ش)، پزشک، نویسنده و مترجم. در سبزوار به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر گذراند. پس از موت پدر همراه دایی اش به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه دارالفنون به پایان رساند. وی برای ادامه تحصیلات در رشته طب به بیروت اعزام و در ۱۲۹۷ ش دوره دانشکده پزشکی آنجا را به پایان رسانید. بعد به ایران آمد و پس از سه سال اقامت در سبزواری به فرانسه

«برقلمون» را منتشر کرد. چون در ۱۳۲۹ ق مأمور تشکیل هدلیه سمس شد از همکاری با این روزنامه‌ها دست کشید. در ۱۳۳۰ ق که سپاهیان روس وارد تبریز شدند با جمعی از ارادیه‌خواهان آذربایجان به استنول مهاجرت کرد و در آن شهر علاوه بر نوشتن مقالات و اشعار در روزنامه «استر» که ایرانیان مقیم استنول انتشار می‌دادند، نازنان و ادبیات ترکی استانبولی آشنا شد. در پیوسته جنگ جهانی اول به برلین عزیمت نمود و در آنجا با تقری زده در تحریر مجله «کاه» همکاری داشت. در ۱۳۰۵ ش به ایران بازگشت و در همان سال روزنامه «سهند» را در تبریز منتشر کرد. وی سرانجام در تبریز وفات یافت. از آثارش: مقدمه «سفرنامه ناصر خسرو»؛ تصحیح «ترادالمسافرین»؛ تصحیح «وجه دپس»؛ «پانتو»؛ ترجمه «آدم نامرئی»؛ ترجمه «دوای خواب»؛ ترجمه «جیسوره یا واهمه»؛ ترجمه از آثار منظوم غنی‌زاده بحر چند غزل و مفتوی «هدیان» چیزی در دست نیست.

سده (س) ۱۷، ش ۵۵، ص ۵۰۴-۵۰۹، در صبا تا صبا
(۲/ ۳۷۵-۳۷۲)، تاریخ جراید (۱/ ۲۸۸-۲۸۶)، ۷۶ / ۲
۳/ ۴۹-۴۸، ۷۲ / ۴، ۷۸-۸۰، ۱۹۴، اللریسمه (۹/ ۷۹۲)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۵/ ۳۲۳)، سخنران
نامی معاصر (۴/ ۲۵۶۷-۲۵۶۴)، شرح حال رجال (۶/ ۲۵۷-۲۵۶)، کفنامه (دیل / عی) «ده»، مؤلفین کتب
جایی (۶/ ۵۹-۵۸)، یادداشت‌های لژیونی (۸/ ۲۱۹-۲۱۸).

عنی فراهایی، میر عبدالقیوم بن سید محمد (وف بعد از ۱۰۲۲ ق)، شاعر، متخصص به غنی وی ظاهراً از فرامان به هندوستان رفت و از ملازمان قاسم خان جوینی (م ۱۰۶۲ ق) حاکم بنگاله شد. مدتی بعد از وفات قاسم خان جوینی، غنی هم در داکا درگذشت. غنی در سرایش شعر توانا بود. تحلیص این شاعر در «صبح گلش» عینی و در تذکره روز روشن» غنایی آمده است.

تذکره روز روشن (۵۷۴)، صبح گلش (۲۹۸)، کاروان
هند (۲۱/ ۹۵۰)

غنی یزدی، عیدالغنی، سرزند قطب شعرایان (ر ۱۰۲۰ ق)، شاعر. مشهور به افع مرگبی در یزد با پسران محمود پسیخانی قطری آشنایی یافت و به این فرقه گروید و چون قطریان از طرف شاه عباس، مورد تعقیب قرار گرفتند در ۱۰۲۰ ق از بیم جان به هندوستان شافت و به دربار جهانگیر پادشاه راه یافت.

سفر کرد. مدتی نزد حاکم کشمیر در عزت ریست، سپس از تسخیر کشور توسط اکبر شاه به زندان افتاد و در زندان قصید پر شور و گدازی سرود او بالاخره به امر شاه کشته شد.

برگان و سخن سراپان همدان (۱/ ۲۸۶-۲۸۶)، صبح
عظم و نثر (۶۸۶-۶۸۷)، تذکره روز روشن (۵۸۸-۵۸۷)،
فرهنگ سخنوران (۶۷۲)، کاروان هند (۲/ ۹۵۰-۹۵۱)،
مآثر رحیمی (۴/ ۹۷۹-۱۰۰۴)، هفت اقسام (۲/ ۵۶۷-۵۶۹).

عنی تفرشی، میر عبدالغنی (وف ۱۰۰۸ ق)، شاعر. از سادات تفرش و از شاعران فاضل و سرشناس روزگار شاه عباس بزرگ (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) و از شاگردان میر بوالقاسم کازروبی بود. به گفته تذکره نویسان به رموز فصیلت و حدت فهم بر اقربان رجحان داشت و بنابر مرزونی طبیعت و شکستگی خاطر شعری می‌سرود. غنی اوحدی که با وی معاصر و معاشر بوده است، سال وفات او را ۱۰۰۸ ق ذکر می‌کند.

تذکره حر (۳/ ۱۲۷۸-۱۲۸۱)، تذکره روز روشن (۵۸۸)،
تذکره المعاصرين (۱۸۷-۱۸۸)، تذکره نصرایندی
۲۶۴، الدریعه (۹/ ۷۹۲)، سینه‌المحمود (۲/ ۵۰۳)،
فرهنگ سخنوران (۶۷۳)

غنی‌زاده سلماسی، میرزا محمود، فرزند میرزا غنی. (۱۲۵۷-۱۳۱۲/۱۳۱۳ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، مصحح، نویسنده و شاعر. در سلماسی به دنیا آمد. در زادگاهش به کسب دانش و ادب پرداخت. وی در اوایل جوانی در دور با سید جلال‌الدین کاشانی، مدیر روزنامه «چهل المتی» مکاتبه داشت و گاهی اوقات مقالاتی برای این روزنامه می‌فرستاد غنی‌زاده سفری به قفقاز داشت که در این سفر با طایف آشنا شد. وی پس از بازگشت از این سفر در ۱۳۲۵ ق روزنامه «فریاد» را در شهر ارومیه منتشر کرد و در ۱۳۲۶ ق به تبریز مهاجرت نمود و در روزنامه «شورای ایران» به چاپ مقالات مختلف همت گماشت مدتی متنی مخصوص ستارخان بود و از طرف او به نمایندگی انجمن ایرانی تعیین شد و با تصویب این انجمن روزنامه‌ای به نام «انجمن» تأسیس شد که اداره آن را غنی‌زاده و علی اکبر وکیللی به عهده داشتند غنی‌زاده همزمان روزنامه «محاکمات» را تأسیس و با هفته‌نامه «شعق» نیز همکاری می‌کرد. در ۱۳۲۷ ق روزنامه

در مینگ سخوروان (۶۷۲) کازوان هت (۹۵۸-۹۵۹).

غوصی یزدی، شاه عزالدین، (وف ۹۶۰ ق)، شاعر. وی از شاعران سرشناس یزد بود، که نسب به آل مظفر می‌رساند. وی با شاه طهماسب صفوی معاصر بود. گرچه در تذکره «سخوروان یزد»، به غلط، معاصر شاه عباس صفوی ذکر شده است. پیشه معلمی داشت و دوانگری نیز می‌کرد. هراسی در سرودن شعر طبعی روان و سیال داشت. وی کتابهای «کلیله و دمنه»، «قصص الانبیاء»، «تاریخ طبری» و «روضة الشهدا» را به نظم در آورده است.

تسفة ساسی (۳۲۵-۳۲۶)، تذکره روز روشن (۵۸۹)، تذکره سخوروان یزد (۲۲۵-۲۲۶)، الذریعه (۹/ ۷۹۳، ۱۷/ ۴، ۱/ ۱۸)، فرهنگ سخوروان (۶۷۴)، ده ... ده (دین، عوامی)، نسیم‌الانکر (۹، ۵).

خورجی هروی، ابوبکر احمد بن ابی حاتم عبدالصمد بن ابوالفضل، (وف ۲۸۱ ق)، محدث. او راوی «جامع» ترمذی از ابو محمد عبدالجبار جزاحی است. مؤتمز ساجی و ابوالفتح کروخی و دیگران از او روایت کرده‌اند. حسین بن محمد کتبی محدث او را در حدیث مورد اعتماد دانسته است. وی در حدود ۱۵۰ سالگی در هرات درگذشت.

میرالبلاء (۱۹/ ۷)، شذرات الذهب (۳/ ۳۶۵)، المعبر (۲/ ۳۴۳)، الکامل (۸/ ۱۴۸).

غیاث استرآبادی، (س ۵۵۵ ق)، شاعر. وی از شاعران فاضل و سرشناس استرآباد در عهد صفویه بود، که به صاحب «مجمع الخواص» (ز ۱۰۱۰ ق) مصاحبت داشت اشعاری از او به جا مانده است.

آتشکده آذر (۲/ ۷۹۱)، الذریعه (۹/ ۷۹۲)، فرهنگ سخوروان (۶۷۴)، لغت نامه (دیل / غیاث استرآبادی)، مجمع الخواص (۲۵۰-۲۵۱).

غیاثای حدراپی ← غیاث شیرازی، غیاث‌الدین.

غیاث حسینی اصفهانی، غیاث‌الدین علی بن علی، (ر ۸۷۹ ق)، نویسنده. ساکن بدخشان بود. از آثار وی «دانشنامه جهان»، در ده فصل، که مشتمل بر همه علوم زمان بود و آن را در ۸۷۹ ق تألیف کرد تاریخ نظم و نثر (۲۶۱)، الذریعه (۸/ ۴۶).

غیاث حسینی رازی هروی، امیر غیاث‌الدین محمد بن عزم‌الدین یوسف، (مقتول ۹۲۷ ق)، شاعر. اصلش از شکراب ری بود. پدرش در زمان سلطان حسین بایقرا از ری به هرات رفت و وی در آنجا تربیت یافت تا به جایی که به منصب صدایت و امارت رسید. جوابد میر کتاب «حبیب‌السیر» خود را با نام او شروع کرد ولی چون اوضاع هرات بر اثر تسلط عیدالله خان از یک آشفته شد، تألیف کتاب مدتی به تعویق افتاد تا اینکه بعدها به فرمان کریم‌الدین حبیب‌الله ساوچی نگارش تاریخ خود را به پایان رسانید. غیاث‌الدین به دست امیرخان موصو ترکمان، حکمران خراسان، کشته شد. وی در شعر فارسی مهارت داشت و لسانی شاعر، او را بسیار مدح گفته است.

تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۵۴۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، رجال حبیب‌السیر (۲۳۵-۲۴۰).

غیاث‌الدین، میرزا احمد، (ز ۱۱۴۰ ق)، نقاش. از آثار او: قلمدان تانوتی گلی و گلزاری که به شیوه برجسته لایه چینی عمل آمده و کناره‌های قلمدان با نولا و رنجبر خصوصی به هم وصل شده است، با رقم: «میرزا احمد - غیاث‌الدین - ۱۱۲۲»؛ قلمدانی به شیوه لایه چینی که برجستگی‌های آن زیاد معلوم نیست و رویه و کناره‌های آن بر یک اقسام گل و برگها آرایش شده، با رقم: «غیاث‌الدین احمد ۱۱۴۰».

حوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۷۲).

غیاث‌الدین جامی، (ز ۹۲۹ ق)، طراح و نقاش. طرح نقوش و احتمالاً بافنده فرش نفیسی است که در وسط آن شمسه فوق‌العاده‌ای بافته شده و در متن آبی آن، منظره شکارگاه جلب نظر می‌کند و تعدادی شکارچی و حیوانات به قریه در آن دافته شده، با رقم: «شدار سعی غیاث‌الدین جامی - بدین خوبی تمام این کار بامی» سه ۹۲۹.

حوال و آثار نقاشان (۱/ ۴۱۲).

غیاث‌الدین جمشید کاشانی، فرزند مسعود بن مسعود، (وف ۸۳۷/ ۸۴۰ ق)، ریاضیدان و منجم. در کاشان به دنیا آمد. پس از فراگیری دانش‌های زمان و انجام کارهای نجومی در زادگشت، به دعوت الفریبک، به سمرقند رفت و در زمره برگزین منجمانی درآمد که در خدمت الفریبک به رصد و تحقیقات نجومی مشغول بودند. غیاث‌الدین به دستور او به همراه معین‌الدین کاشی

و بحسب در روزهای هفته، به قلم کتبت چلی خورش، با رقم «قد وقع الفراغ... سنة ۱۰۸۶»، العبد الضعیف احمد بن عیث‌الدین محمود بن سلیم گیلانی»
(احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۸۷۶)

غیاث‌الدین محمد مذهب مشهدی، (رف ۹۴۲ ق)، معاش و خطاطی وی واضح افشان بوده و امیر هنشیر برایی، وزیر دانشمند سلطان حسین سابقه به ابن استاد ردت داشت و او را مورد توجه و عنایت خود قرار می‌داد. او در تذهیب نیز مهارت داشت و در خوشنویسی شاگرد مستطاعلی مشهدی بود. غیاث‌الدین، در مشهد درگذشت و در جنب مزار مولانا سلطانعلی مشهدی دفن شد. از آثار وی، یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی به قلم تیم دو دانگ خورش، با رقم: «مشقة العبد... غیاث‌الدین امشدهی المذهب غفر ذنوبه» سه قطعه از مرقع بهرام میرا به قلم سه دانگ و دو دانگ و تیم دو دانگ و کتات حوش و متوسط، با رقمهای «العبد الفقیر الدین عیث‌الدین المذهب» و «مشقة العبد غیاث‌الدین مشهدی عمر ذنوبه» و «العبد المذهب غیاث‌الدین المذهب»

(احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۵۹)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۴۱۵)، تاریخ هنرهای منی (۱/ ۴۹۱)، گلستان هنر (چهار و چهار، ۱۴۵)، هنر عهد تیموریان (۵۸۳، ۵۹۸)

غیاث‌الدین نقاش، پیر احمد زرکوب، (س نهم ق)، نقاش، در عصر شاهرخ و بایستقر میرزا می‌ریست. او به دستور بایستقر میرزا به ختای (چینی) رفت و طرح باغهای چینی را با خود به ارمغان آورد و با شیوه و هنر چینی آشنا شود. از آثار وی «سفرنامه» ای است که در ۸۲۲ ق به همراه سفرای منتخب فرمانروایان و شاهزادگان مختلف از قسقل بایستقر میرزا والی هرات، الح بیگ میرزا والی سمرقند، سیر و غمتش میرزا والی غزنه و هد و غیره به چین انجام یافته و پس از دو سال و ده ماه پایانه یافته است. این کتاب متضمن آگاهیهای زیادی درباره رسوم و آداب و انیه و البسة چین است. پارچه ابریشمی زیبایی در موزة نیویورک موجود است که طبق روش چینی در مکتب هرات نقش شده و شاید از آثار این هنرمند باشد.

(حوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۳-۳۱۵)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۳۳۶، ۳۷۰)، حبیب السیر (۳/ ۵۵۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۵)، گلستان هنر (سی و نشی، سی و هشت)، هنر عهد تیموریان (۳۹۹، ۳۹۸)

مأمور تأسیس رصدخانه سمرقند شد. وی مخترع کسور عشاری است و از دیگر کارهای نجومی او تهیه و تدوین «زیج خفانی»، به فارسی، است که در آن «زیج ابلحانی» خواجه نصیرالدین طوسی را به دقت تحلیل و تصحیح و تکمیل نمود. عیث‌الدین در سمرقند درگذشت از آثارش: «مفتاح الحساب»، و مختصر آن «تلخیص المفتاح»، و شرح آن «توسیر المصباح فی شرح تلخیص المفتاح»، «سلم السماء»، در استخراج ابعاد زمین و ستارگان، که آقا بزرگ تهرانی گویند: همدان «الابعاد و الاجرام» اوست؛ «نزهة لحدائق»، در بیان طرز عمل ابرار «طبق المناطق»، موسوم به «جام جمشید» که خود برای شناخت و تقویم ابعاد ستارگان اختراع کرده بود؛ «الاحصاءات المشروعة»، در دلیل «نزهة لحدائق»، «السیطیة»، در نسبت قطر به محیط الاضلاع (۱۳۲/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳/۴)، (۱۰۴)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۶۹۳-۶۹۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۹-۲۷۹)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۱۹۷-۱۱۹۸، ۱۸۱۶-۱۸۷، ۱۸۱۶)، الدرر (۱/ ۷۲، ۲/ ۲۱، ۲۲، ۲۸۹، ۴/ ۱۸۸، ۴۲۸، ۴۷۱-۴۷۲، ۵/ ۲۲، ۴۹، ۷/ ۶، ۱۲/ ۸۵، ۱۳/ ۲۲۱-۲۲۱، ۱۸/ ۱۹۳، ۲۰/ ۱۶۳، ۲۱/ ۳۲۶، ۲۲/ ۱۱۵)، ریاضات (۲/ ۲۵۷، ۲۵۶)، طبقات اعلام الشیخه (سرد ۹/ ۲۶)، کشف الظنون (۸۹۵-۸۹۷، ۸۹۷-۸۹۸، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳)، لب نامه (دیل / غیاث‌الدین)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۵۸)

غیاث‌الدین علی جامی، (ز ۹۵۰ ق)، خطاط، از آثار وی: یک نسخه «دیوان» عبدالرحمن جامی، به قلم کتات خفی خورش و به شیوه سلطان محمد تور، با رقم: «تحریراً فی... سنة سبع و ثلاثین و تسعمائة، راقمه الفقیر البعانی، عیث‌الدین علی الجمالی»؛ یک نسخه «تیمور نامه» هاتمی، به قلم کتات متوسط، با رقم: «تمت بتاریخ سنة ۹۵۰» خمسمین و تسعمائة، راقمه عیث‌الدین علی الجمالی عفر له.

(احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۵۰)، هنر عهد تیموریان (۵۳۵، ۷۷)

غیاث‌الدین گیلانی، محمود بن سلیم، (ز ۱۰۸۶ ق)، خطاط، از آثار وی: یک نسخه «کلیات» وحشی، به قلم کتات حوش، به شیوه عبدالجبار اصفهانی، با رقم: «تمت الکتاب المسمی بديوان الروحانی... کتبه العبد غیاث‌الدین محمود بن سلیم گیلانی»؛ یک نسخه «رسالة احکام سعد

شهر سکونت گزید و بسیار مورد توجه ادب شناسان قرار گرفت. او از معاصران ملا منهی و میرزا نظام دستغیب بود. وی به شیوهٔ بابا قعدی شعر می‌سرود و از او سه هزار بیت شعر باقی است. در اصفهان درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر؛ «مقای نامه».

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۰۸۷-۱۰۹۰)، تذکرهٔ مصطفی‌آبادی (۲۳۹-۲۳۸)، تذکرهٔ پیمانه (۳۲۲-۳۱۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی (۴/ ۱۵۰۱)، الذریعه (۹/ ۲۶۵-۷۹۵، ۱۲/ ۱۱۲)، رساله (۴/ ۲۵۵-۲۵۶)، نارسنامهٔ ناصری (۲/ ۱۱۷۵)، فرمینگ سخنوران (۶۷۵)، لغت نامه (ذیل/ غیث حلوانی)، سرآتش‌فصاحه (۴۳۷-۴۳۶).

غیث مجلد اصفهانی. (ز ۸۸۱ ق)، خطاط و نقاش اهل اصفهان و مقیم عثمانی بود. در خط نستعلیق مهارت داشت. از آثار وی، یک نسخه «لمعات» عراقی، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «... غیث المجلد الاصفهانی... سته احدى و ثمانین و ثمانمائة مقسطه»؛ یک نسخه «دیوان» فارسی و ترکی قبولی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... غیث المجلد الاصفهانی بدارالسلطنة قسطنطنیه فی شهر سنه ثمانین و ثمانمائة الهجرية»؛ یک قطعه از مرقع «بیت قلم نیم دودانگ جلی و کتابت متوسط، با رقم ۱۵۰۰ العبد الحقیر غیث المجلد الفقیر... سنه ۸۷۹ بقسطنطنیه». احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۵۹-۵۶۰)، احوال و آثار (۴۳۲ /)

غیث نقشبند. غیث شیرازی، خواجه غیث‌الدین علی نقشبند یزدی.

غیث یزدی. غیث شیرازی، خواجه غیث‌الدین علی نقشبند یزدی.

غیب‌الله امامی. (ز ۸۹۳ ق)، خطاط، بعضی از راگیلانی می‌دانند. وی معاصر سلطانعلی قاپی (م ۹۱۴ ق) است. از آثار وی: یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و کتابت خفی خوش، با رقم: «... کنیه العبد الفقیر غیب‌الله الامامی عفا الله عنه»؛ یک نسخه «صد کلمه» حضرت علی (ع)، به قلم نیم دودانگ جلی و کتابت خفی خوش، با رقم: «کنیه العبد... غیب‌الله امامی... فی سنه ثلث و تسعين و ثمانمائة الهجرية» (سویه).

غیاث‌الدین یزدی، علی بن جمال اسلام. (س هشتم و نهم ق)، نویسنده و مورخ. مؤلف «دورنامهٔ غزوات هندوستان» است. در سفری که در ۸۰۶ ق به همراه تیمور به هندوستان رفته، این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته که در پطروگراف به چاپ رسیده است.

تاریخ نظم و نشر (۲۵۰)، الذریعه (۱۱/ ۲۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۱۶۷)

غیث زریاف. غیث شیرازی، خواجه غیاث‌الدین علی نقشبند یزدی.

غیث شیرازی، خواجه غیاث‌الدین علی نقشبند یزدی. (س دهم ق)، نقاش، هنرمند و شاعر. اهل شیراز بود و به قولی از نوادگان سعدی. وی در دورهٔ شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) می‌زیست. در یزد سکونت داشت، سپس به اصفهان رفت. وی در محفل و پدیده بافی از مشاهیر زمان خود به شمار می‌آمد و پرچه‌های حریر را نقشندی می‌سرود. او در کمال گیری هم استاد بود. غیث طبع بسیار روانی داشت، چنان‌که گاهی صد بیت پدیده پی در پی می‌گفت و در غزلسرایی نیز ماهر بود و همه گونه شعر می‌سرود. از آثار وی: زری اطلسی که تصاویری از شعر و کجاوه دارد و ساریانی مشمول هدایت است، با رقم «عمل غیث» و پرورش زری صندوقی که در حواشی آن ادویه‌ای به خط ثلث زیبا درج شده و در وسط آن گل‌های ختایی استادانه‌ای جلوه گر است، با رقم «غیث»، بافت مرده؛ زری ابریشمی قرینهٔ چهارتایی و دو تایی الوان سیر و سفید رگلی که در متن آن، نقوش تزیین مانند یاخته شده، با رقم: «عمل غیث»، بافت یزدی «دیوان» شعر.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۴۱۵-۴۱۴)، تاریخ نظم و نشر (۲/ ۵۰۲)، تذکرهٔ دور روشن (۵۸۹-۵۹۰)، تذکرهٔ سخنوران یزد (۲۲۴-۲۲۷)، تذکرهٔ مصطفی‌آبادی (۵۰۰-۴۹۰)، جامع نقیدی (۲/ ۴۲۶-۴۲۱)، حبیب السیر (۳/ ۲۸۲-۲۸۳)، الذریعه (۹/ ۷۹۶)، فرمینگ سخنوران (۶۷۵)، لغت نامه (ذیل/ غیث نقشبند)، مجمع الخواص (۱۸۶-۱۸۸)، تاریخ الامم (۵۱۱-۵۱۲)، محنت‌العلم (۱/ ۵۹-۱۶۰).

غیث شیرازی، غیاث‌الدین، فرزند صافی. (وف ۱۰۴۰ ق)، شاعر. معروف به غیاثای شیرازی و غیاثای حلوانی. در شیراز به دنیا آمد و در همان‌جا نشو و نما یافت. در اواسط عمر از شیراز به اصفهان رفت و در آن

احوال و آثار خوشویان (۲/ ۵۶۱-۵۶۰)

بررگان و سخن سرایان همدان (۱۱/ ۵۸۳)، تذکرة دور
روشن (۵۹۲)، تذکرة نصرآبادی (۲۲۲)، الذریعة (۹/
۷۹۷)، فرهنگ سخنوران (۶۷۷)، نعت نامه (دیل / عبرت
همدانی

عبرت اصفهانی، میرزا جعفر موسوی. (وف ۱۲۱۵
ن)، شعر از سادات موسوی اصفهان بود. در اصفهان
درگذشت از اوست

افسوس که تا پوی گلی بود به گلشن
صیباد نیویخت به گلشن قفس ما
تذکرة روز روشن (۵۹۱)، الذریعة (۹/ ۷۹۷)، ریخته (۲/
۲۶۰)، سبحة المجدود (۲/ ۵۰۱-۴۹۹)، لعب نامه (دیل /
غیرت اصفهانی)، مجمع الفصحی (۵/ ۷۷۶)، مصطفی
غراب (۱۳۳-۱۳۴)، مکارم الآثار (۲/ ۳۷۲-۳۷۳).

غیرت کرمانشاهی، سید عبدالکریم، فرزند سید
عباس عرب. (۱۲۵۷-۱۳۳۵ ش)، خطاط، روزنامه‌نگار و
شاعر. در همدان به دنیا آمد. نسب وی به حضرت امام
حسن مجتبی (ع) می‌رسید. در هفت سالگی به کرمانشاه
مهاجرت کرد و علوم ادبی را در مدارس قدیمه آموخت.
در هفده سالگی به انجمن ادبی کرمانشاه پیوست. وی چنانچه
موسیقی آشنا بود. غیرت در اوان پیدایش بهجت
مشروطیت جزو آزادیخواهان این نهضت شد. برای
روزنامه‌های «کرمانشاه»، «بیتول»، «غیرت» و «ایران»
اداش و سر فعالیت کرد. ری عضو هیأت تحریریه
«اخوت» نیز بود و در انواع خط بخصوص نستعلیق مهارت
داشت. سرانجام در تهران درگذشت و در قم مدفون
گردید از آثارش: «دل‌نامه»، «مجنون‌نامه»، شعر مرزندش
سید محمد سمید غیرت کلیه آثار پدر را تحت عنوان
«کلیات آثار عبدالکریم غیرت کرمانشاهی» به چاپ
رسانید

«ریح مشاهیر کرد» (۲/ ۲۳۲-۲۳۴) الذریعة (۹/ ۷۹۷)،
«ردگشاه رجال و مشاهیر» (۵/ ۳۴-۳۳)، سخنوران نامی
معاصر (۲/ ۲۵۷۳-۲۵۷۷)، فرهنگ سخنوران (۶۷۷)،
گسلرلو معانی (۲۲۹-۵۰۷)، نعت‌نامه (دیل / غیرت
کرمانشاهی)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۲۶-۹۲۷).

غیرت همدانی. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به
غیرت / غیرتی. معاصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷/ ۱۰۷۸-
۱۱۰۵ ق) بود. غیرت در غزل از افغان و معاصران دست
کمی نداشت و در فن موسیقی و علم اصوات نیز استاد
بود وی چند مقام اختراع کرد و چند تصنیف و آهنگ در
زمان خود ساخت اشعاری از او به جا مانده است

غیرتی شیرازی، مولانا شرف الدین. (س دهم ق)،
شاعر از شاعران و سخنوران سرشناس روزگار خود بود
نام اصلی وی به گفته مؤلف «کاروان هند» بهوان شرف
که تدار است و در شیوه کمانداری و پرتاب امانتی ماهر
بوده است. از شیراز به قزوین رفت و در آنجا صحبت
مولانا ضمیری اصفهانی را در یافت و سپس از ایران به
هندوستان رفت. پس از چهار سال اقامت در هند به ایران
درگشت و چندی در کاشان به سر برد و از آنجا به شیراز
رفت وی در شیراز به دکان میر محمود طرحی که مسکن
شعرا و فصیحین چون عرفی شیرازی و عارف لاهیجی و
تقدی شریعتی بود راه یافت و همه روزه غزل طرح
می‌کردند غیرتی، عرفی (۹۹۹-۹۹۳ ق) را که در این زمان
شاعری خوان بود به سرودن اشعار تحریض می‌نمود. از
آثار وی: «دیوان» شعر، حدود پنج هزار بیت.

دانشندان و سخن سرایان فارس (۴/ ۲۱۰-۲۱۸)، الذریعة
(۹/ ۷۹۸)، «ارستائه ناصری» (۲/ ۱۱۷۵)، کاروان هند
(۲/ ۹۶۹-۹۵۹)، نعت‌نامه (دیل / غیرتی شیرازی)، مجمع
الخواص (۲۱۸-۲۱۹)، همت‌القیوم (۱/ ۲۲۹-۲۵۰)

عبری کرمانی. (ممنون ۱۰۱۷ ق)، شاعر. از طایفه ترکی
کرمان بود. از بسیار سفر می‌کرد و در ضمن یکی از سفرها
«نقی الدین اوحدی ملاقاتی داشت اوحدی می‌نویسد:»
او را ملاقات کردم متبع اخوان عرفا بوده است و مسافرت
می‌نمود» از غیرتی چند رباعی به جای مانده که توانایی او
در شاعری را نشان می‌دهد. در تذکرة «شاهرازان کرمان»
تاریخ قتل او به اشتباه ۷۱۱ ق ذکر شده است

تاریخ نظم و نثر (۷۰۸)، تذکرة شاعران کرمان (۳۸۲-
۲۸۲)، ریاض المادین (۱۱۹)، ستارگان کرمان (۷۸۸)،
فرهنگ سخنوران (۶۷۸)، نعت نامه (دیل / عبیری
کرمانی).

غیلان سمرقندی. (س سوم و چهارم ق)، عارف. از
بزرگان مشایخ روزگار خود بود که در سده‌ها با جنید (م
۲۹۸/ ۲۹۷) هم صحبت بوده و از او طریقت گرفته و در
معارف صاحب سخن بوده است. از گفته‌های اوست.

عارف از حق به حق بگردد و عانم از دلیل به حق، و صاحب وجد از دلیل مستمسی باشد».
نصاحات الانس (۱۴۳).

غیور کرمانی، میرزا حسن، (وف ح ۱۱۰۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به غیور از استادان شکسته‌نویس بود. در مقدمات علمی و شعر و انشا و فن سیاق مهارتش کامل و در صنایع لطیفه عرب مختار بود او مدتی به وزارت گرجستان مأمور بود و در مراجعت از این مأموریت اکثر اوقات را صرف سرودن اشعار می‌کرد. طبعی روان داشت و در سرودن مثنوی ماهر بود. در خط شکسته شاگرد شمیمای هروی بود. از آثار وی: «مثنوی فی علم السیاق»؛ «دسوال» شعر از خطوط او: یک نسخه «گلشن راو» شمس‌توی، به قلم کتابت حمی خوش، ما رقم. «کتابه المبد الحقیق حسن الکرمانی فی سنه ۱۰۶۸ هـ» یک قطعه به قلم بیم دو دانگ عالی، یا رقم: «...الفقیق میرزا حسن بتاریخ شهر شعبان یک هزار و هشتاد و شش ۱۰۸۶ هجری».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۲/۲)، اطلس خط ۴۱، ۵۶، تذکره شاعران کرمان (۳۸۳)، تذکره المعاصرين (۱۸۱-۱۸۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۷)، ۱۳۵، الذریعه (۹/ ۷۹۷، ۱۹/ ۲۵۰)، ستارگان کرمان (۲۸۸)، فرهنگ - زبان (۶۶۸)

متوسطه را در رادگانش به انجام رسانید و به تهران آمد و تحصیلات خود را در آنجا ادامه داد و لیسانس ریاضی گرفت. آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی از موجودی شعر و شاعری را شروع کرد و اشعارش را در جراید محلی به چاپ رسانید. در ۱۳۳۶ ش قسمتی از اشعارش به نام «رقیاء» طبع و نشر گردید. او از شاعران نوپرداز است و کمتر به سرودن وزن و قصیده پرداخته و بیشتر شاعری را در شکل دوبیتی عرضه داشته است.

بررگان و سخن سرایان همدان (۲/ ۳۸۲-۳۸۶)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۵۷۸-۲۵۸۲)، مؤهین کتب چاپی (۲/ ۸۳۱-۸۳۲).

غیوری، وردی جان بیگ / شاهویردی، چمدان و غلی، فرزند علیقلی بیگ دوانقیر. (س ۵۵۵ ق)، شاعر، متخصص به غیوری از امرای ترک دربار صفویه در زمان شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق) و شاه عباس اول صفوی بود. به همدان رفت و از ملازمان کورشاه گشت و در یکی از جنگهای او کشته شد. وی عزل را بیکو می‌سرود. «مجمع الخواص» نمونه‌ای از اشعار او آمده است.

تاریخ نظم و نثر (۴۹۶-۴۹۵)، الذریعه (۹/ ۷۹۷)، صبح گلشن (۳۰۲)، فرهنگ سخنوران (۶۷۸)، لغت‌نامه (دیل / غیوری)، مجمع الخواص (۳۲۱ ۳۲۲)

غیوری شوشتری - تقی شوشتری، تقی‌الدین.

غیور همدانی، حسین، (تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر در همدان به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی و قسمتی از





فاتح، مصطفی، فرزند سرتیپ احمد خان فاتح‌الملک، (۱۲۷۷-۱۳۵۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. از نویسندگان مشروطه خواه بود. در اصفهان به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و وارد مدرسه عالی آمریکایی شد. سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت نمود. او در دانشگاه کلمبیا به تحصیل رشته اقتصاد پرداخت و پایان نامه خود را در موضوع «وضع اقتصادی ایران» ارائه داد. پس از بازگشت به ایران در اواخر ۱۳۰۰ ش به استخدام شرکت ملی نفت ایران و انگلیس درآمد. در ۱۳۰۸ ش پس از تأسیس اداره پخش مواد نفتی به ریاست آن اداره منصوب شد. او پس از شهریور ۱۳۲۰ به تشکیل جمعیت ضد فاشیست پرداخت و امتیاز روزنامه‌ای به نام «مردم» را گرفت. در مرداد ماه ۱۳۲۱ حزب همراهان را تشکیل داد که در این حزب دو روزنامه به نامهای «امروز و فردا» و «شمع» برای بیان مرام این حزب منتشر می‌شد. فاتح در ۱۳۲۶ ش به معاونت کل شرکت نفت منصوب شد. او پس از ملی شدن صنعت نفت و کناره‌گیری از مقام خود، به همراه مهدی لاله و عباس تراقی، دو تن از اعضای حزب توده، بانکی به نام بانک تهران تأسیس نمود. در ۱۳۵۷ ش به لندن رفت و در همان سال در لندن درگذشت. از آثارش: «پنج‌جاه سال نفت ایران»، «پول و بانکداری»، «پیشنهاد واژه‌های دانش سودوری»، «راه پیشرفت در خط هارسی».

شرح حال: رجاء، سیاسی و نظامی (۲/ ۱۰۶۸-۱۰۶۶). فهرست کتابهای چاپی فارس (۱/ ۶۱۱، ۶۳۰، ۶۴۵، ۲/ ۱۶۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۳۲-۲۳۴).

فاتح گیلانی، میرزا محمد وحسی، (اس دوازدهم ق)، شاعر. مشهور به فاتح. در رشت به دنیا آمد. وی معاصر با حنین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) بود. در جوانی از گیلان به اصفهان رفت و در آنجا به تصوف گروید و به سیر و سبک و ترکیه نفس و ریاضت پرداخت و به شاه فاتح مشهور شد. در آنجا به هندوستان رفت و در دهلی مقیم شد. بعد از مدتی قصد زیارت خانه خدا کرد، ولی در راه گجرات به دست دزدان به قتل رسید. از او «دیوان» شعری بالغ بر چهار هزار بیت باقی مانده است.

تذکره روز روشن (۵۹۲)، تذکره قلمحاصلین (۲۱۱، ۲۱۲، ۲۷۰-۲۷۱)، الذریعه (۹/ ۷۹۸)، ریاض العرفین (۲۲۶)، درنگ سحران (۶۷۹)، کاروان هند (۲/ ۹۶۹-۹۷۰)، کتاب گیلان (۲/ ۶۶۰)، لغت‌نامه (ذیل / فاتح گیلانی)، مهابا و نامدارهای گیلان (۲۶۵-۳۶۴).

فاتحی، علیرضا، فرزند شیخ محمد حسین گل و بلبل، (نو ۱۲۸۹ ش)، شاعر، متخصص به فاتحی. مشهور به محمد شعبی. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و زمانی نیز به فراگیری علوم قدیمه پرداخت. در شعر طبع خوشی داشت اشعارش بیشتر مکتومی است. فاتحی آموزگار بود از آثار وی «حقیقت گوین فاتحی»، شعرا، «تعلیمات دینی منظوم با سرود مذهبی»، «شپاه لایسار»، دو حالات ائمه اطهار (ع) «ذیر» شعر.

تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۴۲-۲۴۴)، الذریعه (۹/ ۷۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۶۸-۵۶۷).

فاخته‌ای، حسین ← قوامی، حسین

فارابی، ابوالبراهیم اسحاق بن ابراهیم (وف ۳۵۰/۳۷۰ ق)، ادیب و لغوی. از دستان دانشور ایرانی، که اصل وی از فاراب ماوراءالنهر بود. فارابی دایمی استاد مغری بزرگ، اسماعیل جوهری صاحب «صباح اللغة» است. او از موطن خود به یمن مهاجرت کرد و در رسیدن اقامت گزید و «دیوان لادب» در لغت را در آنجا به درخواست اتسار خوارزمشاه، در پنج بخش: اسم، فعل، حرف، صرف اسم و صرف فعل نگاشت. از دیگر آثار وی: شرحی بر «ادب الکاتب» ابرققیه دیسوری؛ «بیان لاعراب»

لاعلام (۱/ ۲۸۴-۲۸۵)، انساب سمانی (۴/ ۳۴۱)، مصحح المکنون (۱/ ۷۰۳)، روشات الجنات (۲/ ۴۴)، ریحانه (۴/ ۲۶۱)، کشف الظنون (۳۸، ۷۷۵-۷۷۴)، معجم الادماء (۶/ ۶۵۶)، معجم البلدان (۴/ ۷۵۵)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۲۷)، هدیة العارفين (۱/ ۱۹۹)

فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اورلج (۲۵۹/۳۲۸-۳۳۹ ق)، ریاضیدان، عارف، فیلسوف، دانشمند، حکیم و موسیقیدان. ملقب به معلم ثانی و در فاراب ماوراءالنهر به دنیا آمد. بیشتر عمر خود را در نگاشتن گذراند و اکثر کتابهای خود را در آنجا نوشت. فارابی سفرهایی به شام، مصر، حراک و مرو داشت و در آنجا به تعلیم و تألیف مشغول بود. او نزد استادانی چون متی بن یونس و یوحنا بن حیلان فلسفه آموخت. از شاگردان فارابی، یحیی بن عدی می‌باشد. فارابی مانند صوفیان زندگی می‌کرد و از موسیقی علمی نظری اطلاعات زیادی داشت و وی کتابی هم در این فن سرشته است. بیشترین اهمیت او در شرح آثار ارسطو است و به همین سبب او را معلم ثانی نامیده‌اند. وی در دمشق درگذشت. از آثار او: «احصاء العلوم»؛ «آراء اهل المذنبه الفاضله»؛ «عیون انمسائل»؛ در منطق؛ «الجمع بین الرأی الحکیمین»؛ «ملاحطون و ارسطو»؛ در حدودت عالم؛ «اعراض مابعدالطبیعه»؛ «تحصیل السعادة»؛ «رسالة فی [مابهة] العقل»؛ «السیاسة المدنیة»؛ «رسالة فی اثبات لمفارقات»؛ «المدخل الی [صناعة] الموسیقی»؛ که قطعی در «اخبار العلماء» و صفدی در «الوافی بالوقیات» آن را «کتاب لموسیقی» ذکر کرده‌اند و گفته شده که وی این کتاب را به درخواست وزیر ابوجعفر محمد کرخی نگاشته است

الاعلام (۷/ ۲۲۳-۲۲۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۲۹۳-۲۹۹)، تاریخ الحکماء قطعی (۳۸۳-۳۷۹)، تاریخ علوم و فلسفه ایران (۵۱۱-۵۰۶)، تاریخ فلسفه یونانی (۱۳۰-۹۸)، ساریج فلسفه در اسلام (۲/ ۱۸۲-۱۶۵)، تاریخ فلسفه در جهان اسلام (۲۴۸-۲۳۵)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۸۲۰-۱۸۲۱)، الذریعة (۱/ ۳۱-۳۲، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳

(۲/ ۲۶۹)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۵/ ۸۳-۸۴)، كشف الظنون (۱۲/ ۶۹۱)، معجم الادباء (۱۱/ ۷۶-۱۷۷)، معجم المؤلفين (۲/ ۱۹۰-۱۹۱).

فارسى نیشابورى، ابو الحسن عبيد العافى بن اسماعيل بن عبد العافى بن محمد قشیرى، (۲۵۱-۵۲۹ ق)، حافظ، محدث، لغوى، اديب، مورخ، خطيب و فقيه شافعى از طرف پدر توة شيخ بزرگ ابو حسين فارسى نیشابورى و از طرف مادر توة شيخ ابوالقاسم قشیرى بود. در نیشابور به دنيا آمد. نزد امام الحرمین جوینى اصول علم حديث و فقه را آموخت و از پدرش، اسماعيل، و مادرش، ام رحيم، دختر قشیرى ر حدیث، ابوالقاسم عبيدالكريم قشیرى، و جده اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایى اش ابوسعید و ابوسعید، فرزندان قشیرى، و احمد بن منصور مغربى و حمد بن عبدالرحيم اسماعيلی و احمد بن حسن اهرى و حلقى كثير، احادیث بسيارى استماع کرد و در علوم مذهبى سرآمد گشت و به غرقة و هدى و خوارزم مسافرت کرد و سررگان را دیدار نمود و از ابو محمد جوهرى و بوسعد كنجروذى و ابوبكر محمد طبرى اجازه دریافت كرد. ابوسعید عبدالله بن صر صمد آخرى كسى است كه از رى حديث روايت كرده است. از را ميبی محقق و مصنف خوش زبان و ادیبى كامل توصیف کرده اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت از آثارش «مجمع الفوائد فى غريب الحديث»، «السياق»، در تاريخ نیشابور كه نكته‌ای بر كتاب «تاريخ نیشابور» حاكم نیشابورى است؛ «المفهم»، شرح «عرب صبح مسلم».

الاعلام (۲/ ۱۵۷)، روایات الجنات (۸/ ۲۲)، ریحانه (۲/ ۲۷۲-۲۷۳)، سیر السیلة (۲۰/ ۱۸-۱۶)، ندرات الذهب (۲/ ۹۲)، العبر (۲/ ۲۳۵-۲۳۶)، كشف الظنون (۳۰۸/ ۵۵۸)، ۱۰۱۱، ۱۶۰۲)، الفکى والاقصاب (۳/ ۶۷)، لغ نامه (دیل / ابوالحسن)، معجم المؤلفين (۵/ ۲۶۷)، ریحان الامیان (۳/ ۲۲۵)، مذبة العارفين (۱/ ۵۸۷).

فارسى نیشابورى، ابوالحسن عبدالعافى بن محمد بن عبدالعافى، (ح ۳۵۰-۴۴۸ ق)، محدث و فقيه. از ابواحمد محمد بن عيسى بن عمرويه جلودى در ۳۶۵ ق «صحیح» مسلم و از ابو سلیمان خطیبی «عرب الحديث» را استماع کرد و ز بشر بن احمد اسفرائیسی و چند تن دیگر حديث شنید و خود حدود پنجاه سال حديث گفت. نصر بن حسن

نكرة شمراى معاصر اصحاب (۳۴۴-۳۴۶)، الدررمة (۹/ ۷۹۹)، مؤمنين كتب چاپى (۵/ ۹۱-۹۳).

فارس بواناتى - گویایى بواناتى

فارسى، ابوعلی حسن بن احمد - ابوعلی فارسى.

فارسى، ضياء الدين - ضیایى خجندى.

فارسى، ابوعلی حسن بن خطير، (وف ۵۹۸ ق)، نقبه حنفى، مفسر، نحوى، لغوى، مورخ، رياضيدان و طبيب. معروف به ظهير. وی خود را در نامه هيش با امضاى حسن نعمانى معرفى مى کرد، زیرا از فرزندان اذکان نعمان بن منذر بود. در قرية نعمانيه به دنيا آمد و در جوانى به شيراز هجرت کرد و در آنجا مقيم گشت و لذا به فارسى مشهور شد. در شيراز فقه اموخت. او در فنون مختلف دانش و تدوین. به ده قرائت قرآن را مى خواند. در تفسير و شاحب آیات فاسخ و منسوخ عالمى توانا بود. در منطق، حساب، هيت، طب، لغت، فحو، عروض، قوافى و اشعار عرب مبز بود و در هر فنى از علوم كتابى از حفظ داشت. او كتابى در تفسير قرآن املا كرد و تا پايان عمرش پراييان سورة بقره برسيد از آثارش: كتاب «الحجة»، در شرح «صحیح» بخارى و «صحیح» مسلم، به سبك حميدى، كه آن را از كتاب «الافصاح فى تفسير الصحاح»، برآى وزير ابي هبيرة برگرفته و بر آن منتخباتى اضافه نموده است؛ كتابى در «اختلاف الصحابة و التابعين و فقهاء الانصار»؛ «خطب و فصول و مصد».

روایات الجنات (۳/ ۸۸۸۷)، ریحانه (۲/ ۲۶۹)، معجم الادباء (۸/ ۱۰۰-۱۰۸).

فارسى، ابن ابي اشعث - ابن ابي اشعث فارسى

فارسى فسوى، ابوالقاسم زيد بن علی، (وف ۴۶۷ ق)، نحوى و لغوى. ز بسيارى علوم متداول زمان خود آگاهى داشت. مدنى در حلب و دمشق بود و زبان عربى را در آنجا فراگرفت. علم نحو را از ابوالحسن خواهرزاده ابوعلی فارسى و علم حديث را از ابوذر هروى آموخت. وی در طرابلس شام درگذشت. از آثارش: شرح «ابيضاح ابوعلی»، در نحو؛ شرح «حماسة ابراهيم».

الاعلام (۳/ ۹۹)، روایات الجنات (۳/ ۳۷۲)، ریحانه

عالمگیر بخشگیر و وقایع نگار بود، به دهلی مسافرت کرد و در آنجا به ملازمت سلطان فرح سیر (۱۱۲۳-۱۱۳۱ ق) درآمد و عهده دار منصب و لقب ناظم خان گشت و به نظم «کارنامه شاهی» یا «شاهنامه فرح میر» با همکاری ملا فخرالدین دایای کشمیری مأمور شد.

نکته: روز روشن (۷۹۶)، الذریعه (۸۰۰/۹)، صبح گلشن (۱۶۰-۱۵۹)، فرهنگ معجروان (۶۸۰، ۹۱۶)، کاروان هند (۹۷۹-۹۸۰/۲).

فارغ گیلانی، حسین بن حسن، (س دهم و یازدهم ق)، نویسنده، در دوره شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) می زیست. وی در سال ۱۰۰۰ ق منظومه ای حماسی در ستایش حضرت علی (ع) و جنگ های شگفت انگیز آن حضرت به نام «فارغ نامه» در بحر حقیف سروده و در آن از شاه عباس نام برده است.

الذریعه (۷۹۹-۸۰۰/۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱/۱۵۵۶)، منظومه های فارسی (۴۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۷۲۵)، نامها و نامداریهای گیلان (۳۶۵).

فارغ وروسیفاداری به فارغای اصفهانی.

فارغی شیرازی، (س دهم ق)، شاعر، متخلص به فارغی، برادرزاده یا برادر شاه فتح الله شیرازی (م ۹۹۷ ق) بود. در علم اعداد و جفر مهارت داشت. به هندوستان مسافرت کرد و در خدمت بیروم خان خانان (م ۹۶۸ ق) قرار گرفت. سپس به زادگاهش بازگشت و با تخلص فارغی شعر گفت. در سفر دوم به هند ملازم اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. مدفن وی در آگره است. اشعاری از او در تذکره ها آمده است.

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴/۴۷-۴۶)، الذریعه (۸۰۱/۹)، صبح گلشن (۳۰۶)، فارستامه ناصری (۲/۱۱۷۵)، فرهنگ معجروان (۶۸۱، ۶۸۷)، کاروان هند (۲/۹۸۲-۹۸۰)، لغت نامه (دبلیو/فارغی)، مرآت القاصد (۲/۲۲۵-۲۲۴)، نتایج الافکار (۵۲۲-۵۲۳)، هفت انبلیم (۱/۲۴۶).

فارغی هروی، شیخ ابوالوجد / ابوالواحد بن شیخ وجیه الدین (وف ۹۴۰ ق)، صوفی، عارف و شاعر از مشایخ بام هرات بود. در عهد سلطنت ظهیرالدین محمد بابر (۹۳۲-۹۳۷ ق) به اتفاق دایای خود، شیخ ریس اندیس

تذکته شاهی و ابوعبدالله حسین بن علی طبری و عیدالله بن ابوالقاسم کشمیری و عبدالرحمن بن ابوعفان صابونی و محمد بن فضل صاعدی هراوی و اسماعیل بن ابوبکر قاری و فاضله ست زحفل و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. «صحیح» مسلم را حسن بن احمد صمرقندی حدود سی مرتبه و ابوسعید بخیری حدود بیست مرتبه بر او قرائت کرده اند. نوه اش عبدالعافر بن اسماعیل فارسی پیشانوری جد خود را مردی مورد اعتماد، صابح و دیدار معرفی کرده است. شیخ ابوالحسن فارسی در پیشانور درگذشت.

الإعلام بوفیات الإیلام (۲/۲۹۸)، سیرالنبلاء (۱۸/۱۹-۲۱)، شذرات الذهب (۳/۲۷۸-۲۷۹)، البر (۲/۲۹۲).

فارغ اصفهانی به فارغای اصفهانی

فارغای قمی به فارغ قمی

فارغای اصفهانی، محمد ابراهیم، فرزند حاج عین علی فروشانی، (س یازدهم ق)، شاعر. برادر ملا علی هنرتری و حاج اسماعیل قسطنطین اعیان است. زحفل وروسیفاداری او قرائ اصفهان بود. در عهد سلطیه جهون (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق) به هند رفت و با ظفرخان احسن ترسی، حاکم گیل، هم صحبت شد. بعد از آن به لامور رفت و در آنجا بر اثر بیماری درگذشت. پیکر وی توسط سنی حرم خواهر طالب منی با عظمت و احترام به خاک سپرده شد. اروست.

یارب دل شکسته اگر نیست جای تو
پس در کجایی ای همه جانها فدای تو؟

سنگرة نصرابادی (۳۳۹)، تذکره روز روشن (۵۹۶)، الذریعه (۸۰۰/۹)، فرهنگ معجروان (۶۸۰-۶۸۱)، کاروان هند (۲/۹۷۲-۹۷۱).

فارغای فروشانی به فارغای اصفهانی.

فارغ تبریزی، جمال الدین ابوالفضل به چلبی پیگ علامی.

فارغ قمی، فارغها، (س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر در عهد اورنگ زیب عالمگیر (۱۰۶۹-۱۱۱۸ ق) به هند رفت. وی به کمک میر عبدالخلیل بلگرامی، که از طرف

او شد. از دیگر استادان وی در تصوف ابوالحسن خرقانی را می‌توان نام برد. فارمدی معاصر شیخ ابوسمید ابوالخیر بود و در مجلس درس وی نیز حاضر می‌شد. مجالس ذکر و موعظه فارمدی شهرت فراگیر داشت، به این دلیل او را لسان‌الوقت می‌خوانده‌اند. عبدالقافر از او تعبیر به شیخ الشیوخ کرده، گوید که طریقه او در وعظ ممتاز بود و نچندان نیکو ادا می‌شد که در دلها می‌نشست. او بیشتر دارای خویش را بر صوفیه اتفاق کرد. وی در طوس درگذشت.

اسرارالتوحید (۶/ ۶۶۹-۶۶۸)، اسباب سمائی (۴/ ۳۲۵)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۵۶۶-۵۶۵)، شدوات الذهب (۳/ ۳۵۵-۳۵۶)، العبر (۲/ ۳۲۷)، کشف‌الصحیر (۲۱۱/ ۳۵۵)، کیمیای سعادت (۲/ ۳۵-۳۴)، معجم‌البلدان (۴/ ۷۵۹)، بحارالانس (۲۷۲-۲۷۵).

فاریا، قاسم به قربه، قاسم.

فریان، نصرالله، فرزند علیرضا خراسانی. (تو ۱۲۸۱ ش) نویسنده. از خاندان نقیب خراسانی بود. در مشهد به دنیا آمد و بعد در تهران اقامت نمود. از آثار وی: «اسرار گیتی»، «فرخ با نمایشگاه طبیعت»، «فلسفه ماوراء طبیعت»، «نمای زندگی».

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۳۹۹، ۲۴۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۸۵-۵۸۷).

فاضل آبی به آبی، عزالدین / زین‌الدین.

فاضل اردکانی به اردکانی، شیخ ملا حسین.

فاضل اصمهاپی، بهاء‌الدین محمد به فاضل هندی.

فاضل ایروانی، ملا محمد بن محمد باقر. (تو ۱۲۳۲-۱۳۰۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و مجتهد اصلش از ایروان بود در چهارده سانگی وارد کربلا شد و چهار سال نزد صاحب «صواب» تلمذ نمود. سپس به نجف مهاجرت کرد و در محضر صاحبان «حواهر» و «انوار اللمعه» شاگردی کرد، و بعدها از محضر شیخ انصاری استفاده بسیار نمود و بعد از ایشان علامه کوه‌کمری در ۱۲۹۹ ق به تدریس مشغول شد و مرجع تقلید گشت. ریاست دینی و شهرت فراگیرش در ایران و روسیه و ترکیه و هند سبب

خوافی، به هند رفت و در دربار وی تقرب یافت. پس از او به ملازمت همایون پادشاه رسید و به امیرالشعراء مقرر شد. در آگره درگذشت و در خاتمه شیخ رین دفن شد. وی در سرودن اقسام شعر توانا بود. در «صبح گلشن» به اشتباه هموی شیخ زین‌الدین حو فی ذکر شده است. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۵۵)، تذکره رور روشن (۵۹۶-۵۹۷)، حبیب‌السر (۴/ ۳۵۶-۳۵۷)، الدریه (۹/ ۸۰۱)، صبح گلشن (۵/ ۳۰۶-۳۰۵)، فرهنگ سخنوران (۶۸۱)، کاروان هند (۲/ ۹۸۵-۹۸۴)، لغت‌نامه (۱/ فصل / فارسی)، مجالس سنان (۶۹)، حبس‌انیم (۲/ ۱۵۷-۱۵۸).

فارماتة اصمهاسه، عقبه بنت محمد بن عبدالله.

(۶۰۶-۵۱۶ ق)، محدث و مستند. مسنده اصمهاه بود و در فقه و حدیث شهره شهر. از عبدالواحد بن محمد دشتیج و حمزة بن عباس حلوی و اسحاق بن احمد اشنانی و جعفر بن عبدالواحد ثقفی حدیث شنید و از ماطمه جورذانیه «المعجم الکبیر» و «المعجم الصغیر» طبرانی و «العتی» نیم بن حماد را شنید و از ابوعلی حداد اجازه روایت گرفت. ابوعسی بن مهدی و ابوغوثم بن مهتدی بالله و ابوسعید ابن طبری و ابوصالب یوسفی برای وی اجازه ارجاع داشتند. گویند که مشایخ وی بیش از پانصد نفر بودند. ابوهوسی بن عبدالغنی و شیخ ضیاء و رفیع اسحاق ابوقوهی و ابوبکر ابن نقطه از وی حدیث روایت کرده‌اند. الاعلام (۵/ ۳۵)، سیرالنبلاء (۲۱/ ۴۸۱-۴۸۳)، المجموع لرموة (۶/ ۷۷).

فارمدی طوسی خراسانی، ابوعلی فضل بن محمد.

(۴۰۵/ ۴۰۷-۴۷۷ ق)، محدث، راهب، صوفی و واعظ. در فارمد طوس به دنیا آمد. از مشایخ بزرگ صوفیه خراسان، و به گفته سمعی ریان گویای خراسان و شیخ آنجا بود. او از شاگردان امام محمد فضالی و استاد حجة الاسلام ابوحامد غزالی است. از ابوعثمان صابونی و دیگران فقه آموخت و از ابوعبدالله بن باکویه و ابومنصور عبدالقاهر بغدادی و ابوحسان مزکی حدیث شنید. عبدالقافر بن اسماعیل و عبدالله بن علی خرقوشی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. فارمدی به نیشابور رفت و مدتی در نزد بکان و مریدان خاص امام ابوالقاسم قشیری شد. سپس در پی تحولات روحی به طوس بازگشت و در آنجا با ابوالقاسم کزگانی آشنا شد و مرید او گردید و سپس داماد

متخلص به فاضل. معروف و ملقب به فاضل جم. وی به روستای جسم رزیر در چهار فرسخی سیراف فارس منسوب است. او از شاگردان علامه شیخ مهدی کجوری بود و مدتی در شیراز در محضر شیخ حاصر شد و از او کسب اجاره نمود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در محضر ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا و سید حسین کوه کمری در نجف شاگردی نمود. از سید حسین کوه کمری نیز کسب اجازه نمود. او در بسیاری از علوم ماهر و دارای خط بسیار خوبی بود. از آثار وی: «جام جم فی آثار النجم»، کشکول ماندنی است مشتمل بر فرائد علمی و تاریخی، از آن جمله ذکر ادرار تاریخی سیراف که امروزه به بندر طاهری معروف است و همچنین ذکر آثار برجسته و قدیمی، مانند مسجدی که در نزدیکی کوه آسما بنا شده و غیره؛ «ریاض المصائب»، مقتضی در مواضع و تواریخ و سیر و مصائب؛ «المشآت الطیفة» نظم و نثری به فارسی و عربی است که آن را با سفرنامه حشّش آغاز و در ضمن آن پاره‌ای از اسرار حج را ذکر کرده و در پایان، منظومه «لیلی و مجنون» را آورده است.

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

شد تا عاتقان بزرگی برگردش جمع شده و در محضرش شاگردی نمایند. وی در مدرسه معروف خودش در نجف دفن شد. از او تألیفات و رسائل بسیار در فقه و اصول باقی مانده است، از جمله، تعلیقه بر «رسائل» اسنادش، علامه نصاری: حاشیه بر «قواعد»، حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «رسالة صلیه»، فارسی، در جمیع فقه، مجلد اول در عبادت و دوم در معاملات؛ رساله‌ای در «اجتماع الامر و النهی»؛ «المکاسب المحرمه»؛ کتاب «اسیخ» استدلالی؛ «اصول الفقه»؛ «الاجتهاد و التقیید»؛ «الاجزاء»؛ «الاستصحاب»؛ «اصالة الراهة»؛ «التعادل و التراجیح»؛ «حجیه المظنه»

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

اصیان الشیعه (۹/ ۴۱۰)، الذریعه (۱/ ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲/ ۲۵، ۱۱۵، ۲۰۹، ۳/ ۱۹۲، ۴/ ۲۰۴، ۶/ ۴۳، ۷۳،

۲۷۸، ۱۱/ ۳۰، ۲۱۸، ۱۵/ ۶۲، ۲۲/ ۱۵۱)، ریحانه (۲/

۲۷۹، ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲-۲۱)، بوالد الرضویه

(۱/ ۶۰)، الکسب والالتفات (۳/ ۹۸)، مصانیه (دبیر فاضل

ایروانی)، المآثر والآثار (۱۵۲)، معجم رجال نجف (۱/

۱۹۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

فاضل دربندی - دربندی، آخوند ملا آقا

فاضل راده بدیع شیرازی، عباس، فرزند شیخ محمد. (تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و خطاط در شیراز به دنیا آمد. در کودکی به مشهد مهاجرت کرد و در محضر علمای بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نمود تا به درجات بالائی از فضل و کمال رسید از آثارش: «التحفة الحسینیة» در بیان حالات حضرت سید الشهداء (ع) و حدیث بیت او، در ده مجلد؛ «التحفة الرضویة» در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن الائمه (ع)؛ «سرور العارفين» در حوائج مستقار؛ «نجات الخائفین فی ثواب زیارة الحسین (ع)»؛ کتاب «ذخیرة المعاد» در اخلاق و موعظه و ارشاد؛ کتاب «سراج المتجهدين» مستحیی از اتحمة الابرار» شیخ حسین اصفهانی؛ کتاب «تؤلوة البحرین فی ذکر مناقب الحسین (ع)».

الذریعه (۳/ ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۱۱/ ۱۶۰-۱۶۱، ۱۷۵،

۱۸/ ۳۷۸، ۲۴/ ۵۸-۵۷)، گنجیه ششمندان (۷/ ۱۵۱-۱۵۲)

الذریعه (۳/ ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۱۱/ ۱۶۰-۱۶۱، ۱۷۵،

۱۸/ ۳۷۸، ۲۴/ ۵۸-۵۷)، گنجیه ششمندان (۷/ ۱۵۱-۱۵۲)

الذریعه (۳/ ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۱۱/ ۱۶۰-۱۶۱، ۱۷۵،

۱۸/ ۳۷۸، ۲۴/ ۵۸-۵۷)، گنجیه ششمندان (۷/ ۱۵۱-۱۵۲)

الذریعه (۳/ ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۱۱/ ۱۶۰-۱۶۱، ۱۷۵،

۱۸/ ۳۷۸، ۲۴/ ۵۸-۵۷)، گنجیه ششمندان (۷/ ۱۵۱-۱۵۲)

فاضل تونی - تونی، ملا عیدالله

فاضل جم، ملا حسین جمی دشتی، فرزند ملا محمد درویش. (وف ۱۳۱۹ ق)، عالم، ادیب، خطیب و شاعر،

چاپی فارسی (۱ / ۱۴۸، ۱۴۹۹)، مؤلف کتب چاپی (۳)
(۶۶۶-۶۶۵)

فاضل زرقانی، ملا عبدالله، فرزند آقا صفرعلی، (ر ۱۳۰۳ ق)، شاعر، متخلص به شایق مشهور به فاضل در رزاق فارس به دنیا آمد و در شیراز نزد علمای عصر خود شاگردی کرد و با فنون هری، حکمت الهی، اخبار و احادیث اهل بیت (ع) آشنایی یافت. وی خط نسخ و شکسته را با مهارت خاصی می نوشت. فاضل گاهی به وعظ و روضه خوانی نیز می پرداخت. او با صاحب «مرآت الفصاحه» آشت بود و سعی زیر از اوست

هستی چو به خود هست و نمی گردد نیست
بس حق خود اوست، و ره دیگر حق کیست
ار حال عدم می رمی و از ماهیت
کاین هر دو به وهم تو هست، در وهم میست

آثار حجم (۱۳۱)، حقیقة الشعراء (۲ / ۱۲۷۱)، دانشمندان و سخن سرایان مدرن (۴ / ۱۴۸)، ترجمه سخنوران (۶۸۲)، مرآة الفصاحه (۴۴۸-۴۴۹)

فاضل سراب - سراب تنکابنی، ملا محمد

فاضل سمرقندی، (س تهم ق)، عالم اهل سمرقند و از علمای زمان سلطان حسین گورکانی بود. از آثار وی حاشیه ای بر «شرح شمسیه» است.

حبیب السیر (۴ / ۱۰۴)، رجال حبیب السیر (۱۳۹)،
كشف الظنون (۱۰۶۴).

فاضل شریانی - شریانی، ملا محمد.

فاضل شیرازی، ملا عبدالله - فاضل زرقانی.

فاضل فارسی، ملا عبدالله - فاضل زرقانی

فاضل قندهاری، ملا عبدالله بن نجم الدین (۱۲۲۷- ۱۳۱۱/۱۳۱۲/۱۳۱۳ ق)، عالم «سامی»، فقیه اصولی، محدث، و باخندان، مدرس و شاعر، متخلص به رصالح. اصلش از قندهار و ساکن مشهد بود. نزد پدرش که از علمای معروف افغانستان و از مراجع آن دیار بود، مشغول به تحصیل گردید و علاوه بر باگون و فیل تفسیر، حدیث، اصول، فقه، کلام، حکمت و اخبار و سربوردی آموخت.

تا به دریافت اجازه اجتهاد از وی سائل شد. سپس در محضر حاج سید محمد باقر اصفهانی شمتی مشرف به حجة الاسلام حاضر شد. پس از آن به نجف رفت و در سلک شاگردان شیخ انصاری درآمد. در باوگشت به ایران در مشهد ساکن شد او در ۱۲۵۷ ق پس از اشغال قندهار توسط نیروهای انگلیس به کابل رفت و توانست اتحادی بین فرقه های شیعه و سنی ساکن آنجا پدید آورد و بر ضد کلیسیا ها فیامی قدارک کند. در ۱۲۷۱ ق به مشهد بازگشت و تا آخر عمر در آنجا رست و به عنوان مرجعی بزرگ و مدرس توانا کرسی تدریس فقه و اصول و حدیث و تفسیر و کلام و عقاید و حکمت و تاریخ و ادبیات را اداره و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. نامبرده علاوه بر یکله جامع معقول و منقول بوده، طبع شعر نیز داشته است. در اوایل مهجور تخصص می کرد و در اواخر وصال را برای تخلص خویش برگزید. در ده سال آخر عمر رمی گیر شد او در «ازاصباحه آستان رضوی مدفون است» ر آثار وی «حل المقال فی حلل الاعمال»، «الفرائد البهیة»، در شرح «المقید» شیخ بهائی، «کحل الطرف فی علم لصرق»، «الهدایة فی تفسیر آیه الولاية»، شرح «مشکاة الانوار»، «الترهان فی قطع شبه الشیطان» با رساله «سرهایی»، در کلام، ترجمه «تفسیر العسکری (ع)»، «تحریر الاصول»، در صوفی فقه، «تذکره العلماء»، «دلالة السالکین فی قواعد المعارف»، «كشف العطاء عن مسئله انبهاء»، «خوان الوان»، در متفرقات، به سبک کشکول

اعیان النبیة (۸ / ۸۷)، الذریعة (۳ / ۹۰، ۳۷۹، ۴ / ۸۱، ۹۰، ۷ / ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۸ / ۲۵۵، ۱۶ / ۱۳۳-۱۳۴، ۱۷ / ۲۸۵، ۱۸ / ۲۵، ۲۵ / ۱۸۲)، وبعانه (۶ / ۳۲۱-۳۲۰)، شرح سال رجال (۶ / ۱۴۶)، طبقات اعلام الشیعة (تکران ۱۶ / ۱۲۱۸-۱۲۱۹)، مکارم الآثار (۳ / ۸۴۶-۸۵)

فاضل کاشانی (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به فاضل. نواده ملا شانی یا میر شانی بود. نصرآبادی در «تذکره اش» (تألیف شده ۱۰۸۳ ق) از او به گونه همعصرش نام می برد. «دیوان» شعر او متجاوز از صد هزار بیت بوده است.

تذکره نصرآبادی (۳۷۲)، الذریعة (۹ / ۸۰۱)، صبح گلشن (۳۰۶)، ترجمه سخنوران (۶۸۲).

فاضل لاریجانی، جواد، فرزند اسوالحسن (۲۹۳- ۱۳۴۰ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر تحصیلات ابتدایی

بر «فرائد الاصول» یا «مسائل» شیخ انصاری.

عیان النشیبه (۳/ ۵)، الذریعه (۳/ ۳۶۹-۴۷۰)، ۳۴/ ۶،
۱۵۳، ۱۷۴، ۲۰۲، ۱۱۵/ ۱۳، ۱۰۸/ ۱۵، و بیحانه (۴/ ۲۸۲)،
طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۱۴)، عشاء
معاصریں (۲۵)، لست نامه (دیل / فاضل مراعی)، معجم
رجال نجف (۲، ۱۲۶-۱۲۷)، معجم الموبین (۱/ ۳۱۹)،
مؤلف کتب چاپی (۱/ ۴۳۰)

فاضل همدانی، شیخ یحیی بن شیخ علی اکبر،
(۱۳۲۶-۱۴۰۰ ق)، عالم امامی و فقیه در روستای سیماد
آباد عمد * به دب آمد در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت نمود و
پس از تکمیل سطوح در ۱۳۴۹ ق در درس آیت الله حائری
و آیت الله حجت شرکت نمود و تمام دروس آیت الله حجت
را به رشته تحریر درآورد. او همچنین از محضر و دروس
آیت الله خواساری و آیت الله شیخ محمد علی حائری قمی
استفاده کرد و حدود هجده سال هم در درس آیت الله
سروجردی و پس از آن دوبرده سال در درس آیت الله
شریعتداری شرکت کرد و مورد توجه آن آیات بود. و
عقب نوشته هایش مورد تحسین آیت الله حجت قرار گرفته
و برای ایشان استنساخ شده است. در قم دو گذشت. از آثار
وی دوره «اصول» از او تا آخر «تقریرات و دراسات»
آیت الله نجف، در دو جلد؛ کتاب «بیع» از اول تا آخر، در
سه جلد؛ «صلاة» از اول تا آخر، در دو جلد؛ «قاعده
لاضرر»؛ «قاعده لباس مشرک»

آثارالحجة (۲/ ۱۲۹-۱۳۰)، تربت پاکان قم (۴/ ۲۲۷-۲۲۸)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۱۵-۲۱۶)

فاضل هندی، بهاء الدین محمد اصفهانی، فرزند ملا
ساج لدین حسن بن محمد نطنجانی رویدشتی.
(۱۰۶۲-۱۱۳۵/ ۱۱۳۷ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و
مفسر معروف به بها و تاج العقبا و فاضل اصفهانی. به
جهت تألیف کتاب «کشف الدنایا» به او کشف الثام نیز
گفته اند. با اینکه اصفهانی است، اما چون در اوایل زندگی
با پدرش، ملا تاج الدین حسن، به هندوستان رمت و مدتی
در آنجا اقامت کرد، بعد از مراجعت به اصفهان به فاضل
هندی مشهور شد. وی قبل از رسیدن به دوازده سالگی به
تصنیف مشغول شد. در دوازده سالگی از فراگیری علوم
عملی فارغ شد. او از شاگردان ملا محمد یاقر مجلسی بود
وی به واسطه پدرش از ملا حسنعلی بن ملا عبدالله از
مشایخ علامه مجلسی، روایت حدیث کرد. شیخ احمد

را در آمل به پایان رساند و سپس به تحصیلات دینی
پرداخت. در ۱۳۱۷ ش با سمت دبیر ادبیات و
روانشناسی در دانشسرای مقدماتی بابل مشغول خدمت
شد. بعد از یک سال بری ادامه تحصیلات به تهران آمد و
در ۱۳۲۴ ش از دانشکده الهیات در رشته فلسفه
فارغ التحصیل شد. سپس به سمت مترجمی در وزارت
کشاورزی وارد خدمت شد. از آثار وی «اسرار اشهدام
اروپا»، ترجمه «افسوسکن»؛ «بیب اتمی»؛ «خطبه های
محمد (ص)»؛ ترجمه «سخنای علی (ع)»؛ ترجمه
«دختران محمد (ص) سخن می گویند»؛ ترجمه «طب و
بهداشت در اسلام»؛ ترجمه «طب النبی»؛ «حب الصادق»؛
«حب الرضا» و «طب الانمة»؛ «تویسه»؛ «وفا»؛ «هفت
دریا»

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۹۵، ۲۹۷، ۵۱۶،
۱۳۵۹، ۲/ ۱۹۲۲، ۲۲۵۲-۲۲۵۴، ۳۳۲۹، ۳۳۶۸،
۳۴۰۶)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۳۳۹۷، ۲)

فاضل مازندرانی، میرزا محمد، فرزند ملا محمد باقر
فایض، (س دوازدهم ق)، شاعر. با علیقلی خان راله
دافستانی (م ۱۱۶۱ ق) به هندوستان رمت و در دهلی
درگذشت. از اوست.

به گوش آید همان العطش یار از لب زخم
مگر این تشنه تیغ آبداری در نظر دارد

الذریعه (۹/ ۸۰۳-۸۰۱)، صبح گش (۳۰۷-۳۰۶)،
رونگ سحران، ۱۶۸۲

فاضل مراعی، ملا احمد بن علی اکبر (وف ۱۳۱۰
ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، ادیب و
شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراعی اصل وی از مراغه
و ساکن تبریز بود وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی
انصاری و حاج میرزا حسین کوه کمری و دیگر بزرگان بود،
و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز
بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز
به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در
وادی السلام دفن شد. از آثار وی «التحفة المظفریة»؛ به
فارسی، در ردّ حاج محمد کریم خان قاجاری کرمانی،
حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛
حاشیه بر «تحریر القواعد المظفریة فی شرح الشمسیة»؛
حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزی
قمی، «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه

آموزش متوسطه شد و به سمت دبیری در دبیرستانهای تهران منصوب گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. تصدی دایرة تعلیمات متوسطه در اداره تعلیمات مرکزی، معاونت دبیرستان انوشیروان دادگر اثر وی. «تاریخ ملل مشرق و یونان» با مشارکت بهمن کریمی.

زندگیامه رجال و مشاهیر (۵/ ۴۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۷۵۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۱۸۸-۱۸۹).

فاصلی گرمائی، امیر فاضلی. (مقتول ۱۰۰۱ ق)، شاعر اهل بم بود و لذا به فاضلی بمی نیز مشهور است. او در خراسان می‌زیست. به گفته مؤلف «تاریخ نظم و نثر» ظاهراً ترک نژاد بود. وی در قزاقی که بین او و پسر عمویش امیر صافی بمی درگرفت، کشته شد. از اوست:

حسبم مکن که طاققت دل سرفراز نیست
صبر مرا چهر و عهده و حسلت مبادر نیست

تاریخ نظم و نثر (۲۶۹)، تذکره روز روشن (۵۹۷)، تذکره شاعران کرمان (۳۸۳)، سارگن کرمان (۲۸۹-۲۸۸)، مرثیه سخنوران (۶۸۲، ۷۱۲)، هفت المیم (/ ۲۸۲-۲۸۳).

فاضلی نثلی، عطاءالله (تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. در قریه بندپی به دنیا آمد. در ده سالگی به فراگیری علوم دینی پرداخت و پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، در بابل، به تهران آمد و در مدرسه سپهسالار مشغول تحصیل شد. از منظومه‌های وی: «دسته گل حسبی»، «سحر الکساد»، «امصائب المؤمنین».

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۳-۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۲-۷۳).

فاطمه سلطان، فرزید مقصود علی. (ز ۹۸۲ ق)، خطاط، پدرش از ترکان عثمانی بود که در اوایل حکومت صفویان به ایران مهاجرت کرد. او خوشنویسی را از پدر آموخت. از کار وی قرن ویزی، دو صفحه اول متن حاشیه مذهب هائی، جلد سوخته عالی قدیم، اصل متن نسخ کتابت خفی خوش قرن نهم، با رقم «حسب الامر حضرت خورشید... بنت مقصود علی، فاطمه سلطان...» سنه ۹۸۲.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۲۹)، مشاهیر زنان (۷۷).

حلی و محمد علی کشمیری از شاگردان او هستند که از وی دارای اجازه بودند. به هنگام فتنه اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. بعدها حاج ملا محمد نایبی در گذرش به خاک سپرده شد و قبور این دو تر به اصلان مشهور گشت. از آثار وی، «تفسیر قرآن»، «تلخیص الشفاء»، در حکمت که ملخص «شفای ای بس سینا است»، «کشف النام و الابهام عن قواعد الاحکام»، در فقه، که شرح «قواعد» علامه حلی و از مهمترین تألیفات فاضل همدی است که صاحب «جوهر» و صاحب «ریاض» به آن اعتماد بسیار داشتند و از مدرک کتب ایشان است: «المناهی السویه السویه» در شرح «روضه البهیة»، «مناسک الحج»، «کلید بهشت»، به فارسی، در اصول دین، «الحج»، «احیاء السطر»، در قصا و قدر، «التمحیص» یا «مخصص التمحیص»، خلاصه‌ای از «التمحیص المستخرج» خطیب قزوینی دمشقی، در علم بلاغت، «چهار آنسه»، به فارسی، در اثبات امور چهارگانه که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرده است، «جوابات المسائل الفقهیه»، که بیشتر آن در عبادات است، حاشیه بر «شرح المواظف» سید شریف جرجانی، حاشیه بر شرح «الهدایة الالبیة» میدی، شرح «المقائد انفسیه»، «رسالة ملی الاحتیاطات اللازمة الممل»، که شاگردش شیخ عبدالحسین بن عبدالرحمن بغدادی آن را از املاک او نوشته است، «الذکای العبریه فی شرح العینة الحمیریة»، «الخور الیریة فی اصول الشریعة» و شرح آن، «الزبد»، در اصول دین.

عیان الشیعة (۱/ ۱۲۸)، بیضاح المکنون (۱/ ۳۰۹، ۴۴۰، ۵۸۳، ۲/ ۳۶۶، ۵۶۴، ۵۹۶)، تذکره القیور (۴۵۷، ۴۵۶)، انزعه (۱/ ۲۸۰، ۴/ ۲۶۵، ۲۹۶، ۴۲۲، ۴۳۱، ۵/ ۲۲۹، ۳۱۱، ۶/ ۱۳۷، ۱۳۹، ۷/ ۲۷۷، ۲۷۶، ۱۰/ ۲۵۷، ۱۱/ ۳۵۲، ۱۲/ ۶۸، ۱۳/ ۳۷۰، ۱۵/ ۳۶۱، ۱۷/ ۳۲۳، ۱۸/ ۵۶-۵۵، ۱۲۲، ۲۵۹-۲۶۰، ۲۲/ ۲۰۶، ۲۷۲، ۳۲۵، ۳۶۱، ۲۴/ ۵۷)، روایات انجیل (۷/ ۱۰۶-۱۱۲)، ریحانه (۴/ ۲۸۵-۲۸۴)، طعاب احلام الشیعة (ترن ۱۲/ ۵۷۷-۵۷۵)، مرثیه انصویه (۴۸۲-۴۷۷)، الکسی والالاب (۳/ ۱۱)، مستند (ذیل / اصل هندی)، مجمع المؤلفین (۹/ ۲۱۴)، هدیه العارمین (۲/ ۳۶۸).

فاضلی، رصدا. (تو ۱۲۸۶ ش)، مورخ. در تهران به دنیا آمد. از پانزده سالگی به خدمت وراثت فرهنگ درآمد و مدت هشت سال آموزگار بود. پس از چندی وارد اداره

به استادی کرسی جانورشناسی دانشکده علوم منصوب شد. اثر وی: «جانورشناسی عمومی»
سهرت کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۰۰۷-۱۰۰۸)،
مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۳۴).

دانی خوزستانی، ابوالحسن / ابوالحسن مؤدب علی بن احمد بن علی. (وف ۴۲۸ ق)، محدث، نحوی، ادیب و شاعر. او به قافله از توابع ایدج (ایذه) خوزستان منتسب است. وی در بصره مدتی ریست و در آنجا از ابوعمر هاشمی و ابن خریکان بهودندی و ابوالحسن بن تحار/نحدر دیگر شیوخ آن زمان حدیث شنید، سپس به بغداد رفت و در آنجا ساکن شد. خطیب در «تاریخ بغداد» و ابوالحسن بن طبری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او نظم نیکویی داشت. هائی در مقبرة جامع المنصور مدفون است. از آثارش «کتاب الاستقامة»

انساب سمعی (۴/ ۳۷۲)، افحاح المکون (۲/ ۲۶۶)، تاریخ بغداد (۱۱/ ۲۳۴)، ریحانه (۴/ ۲۸۹-۲۹۰)، سیر النبلاء (۱۸، ۵۵۵۴)، شذرات الذهب (۳/ ۲۷۸)، الکامل (۸/ ۷۹)، کشف الظنون (۱۳۸۹)، الکنز والافان (۳/ ۱۲)، مصابحه (۱۰۰/ ۱)، عمر غالی، معجم الادب، (۱۲/ ۲۳۰-۲۳۶)، معجم البلدان (۴/ ۲۶۴)، معجم المؤلفین (۷/ ۲۰-۲۱)، المعجم الزاهرة (۵/ ۶۱)، حلیة النعمانین (۱/ ۶۸۸)

فابزیان، شیخ ابوبکر. (ز ۳۷۰ ق)، صوفی. اهل بشارا بود و از مشایخ بزرگ صوفیان عهد خویش. بیشتر ایام عمر را در زادگاهش سپری کرد و گوید وی چنین بغدادی را دیده است. خواجه عبدالله انصاری نام و را تحت عنوان شیخ بوبکر پالیزان آورده و گوید که شیخ عمودر ۳۷۰ ق به بشارا رفته و پالیزان را دیده است.

طبقات الصوفیه هروی (۵۲۸۵۲۶)، طرائق الحقائق (۲/ ۴۲۳)، نزهات الانس (۲۳۴)

فامی شیرازی، ابومحمد عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب. (۴۱۴-۵۰۰ ق)، فقیه، محدث، مدرس و مفتی معتزلی شافعی. از استان فارس و اهل شیراز بود. از طرف خواجه نظام الملک، در ۴۸۳ ق، برای تدریس در نظامیه به همراهی ابوعبدالله حسین بن محمد طبری به بغداد رفت. پس هر یک از آنها یک روز در میان درس می‌گفتند، ولی بعد از سالی عزل شدند. فامی از ابوبکر

فاطمی، تقی. (۱۲۸۳-۱۳۷۴ ش)، ریاضیدان در اصفهان به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی در یزد به خدمت آموزش و پرورش درآمد. در ۱۳۰۶ ش با اولین دسته محصلین اعزامی به اروپا برای تحصیل به فرانسه رفت و در دانشسرای عالی پاریس در رشته ریاضیات به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۲ ش به ایران بازگشت و به تدریس ریاضیات پرداخت و در ۱۳۵۰ ش به عرب دومین استاد ممتاز دانشگاه تهران سائل گشت و وی پس از پست‌ریشگی در مشهد سکس گزید و در آن شهر درگذشت. از و تألیفات متعددی در رشته ریاضیات به جای مانده است، از جمله: «جبر برای سال چهارم و پنجم دبیرستانها»، «با مشارکت محمد رحید تنکابی: «جبر برای سال چهارم»، «با مشارکت محسن هریخش و موسی آذربونی و باقر نحوی: «مثلثات»، «با مشارکت محمد وحید تنکابی: «مکابیک استدلالی»

سهرت کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۰۱۰-۱۰۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۳۱-۲۳۰)

فاطمی، سید حسین راهد، فرزند سید اسحاق رضوی قمی. (وف ۱۳۸۹ ق)، عالم امامی، مدرس، عارف و راهب. در قم به دنیا آمد و در همان شهر پرورش یافت. بهائیان متعادی از محضر آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا مکنی تبریزی و آیت‌الله حایری استفاده نمود. وی از علمای اخلاق حوزه علمیه قم بود. بیشتر عمر خود را در تزکیه نفس و ترویج دین و تعلیم شعائر مذهبی و تدریس اخلاق و تربیت نفوس گذراند. بابر امر آیت‌الله حجت در مدرسه حجتیه در روزه‌های تعطیل درس اخلاق می‌گفت. فاطمی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان جنب مقبرة زکریا بن آدم به خاک سپرده شد. از آثارش «دور الاخبار»، در دو جلد می‌باشد.

زیت پاکان قم (۱/ ۶۰۹۶۰۸)، شیخان قم (۸/ ۲۰۹۰۲۰)، کحیة دانشمندان (۲/ ۲۱۲-۲۱۳).

فاطمی، مصطفی. (۱۲۸۸-۱۳۳۸ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در اصفهان به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه در اصفهان و مشهد و اخذ لیسانس از دانشسرای عالی تهران برای ادامه تحصیل از طرف وزارت فرهنگ به فرانسه اعزام شد و در ۱۳۱۷ ش با اخذ درجه دکترای علوم طبیعی، در رشته جانورشناسی، از دانشگاه مونپیه، به ایران مراجعت کرد. وی در ۱۳۲۳ ش

هرثمیه و عبدالرحمن بن محمد گلار سوشجی حدیث شنید. او همچنین از شیخ الاسلام خواجه عبدالله بن محمد انصاری حدیث روایت کرد. وی آخرین کسی است که به استادی عالی حدیث ابوالقاسم بفوی نقل کرده است. سمعی و فرزندش، ابوالمظفر، و عبدالباقی بن عبدواسع ازدی و حافظ عبدالقادر رهاوی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او بزرگترین استاد حافظ عبدالقادر رهاوی است. سمعی او را ستوده و وی را اهل نسکی و راستی هم‌داد کرده است.

الاعلام بوفیات الاسلام (۲/ ۳۷۸)، سیرالبلاء (۲۰)
شذرات الذهب (۲/ ۲۰۵)، العبر (۲/ ۲۷)

نامی هروی، ثقةالدین ابونصر/ یونس عبدالرحمن بن عبدالنجار. (۵۴۶-۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی حمیری و نجیب بن میمون وسطی و قاصی ابرعمر ازدی و همطایق آنان حدیث شنید. در کهنوت به حج رفت و از هیئت الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن عساکر و سمعی و ابی‌الروح عبدالعزیز بزاز و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعی گوید که او دارای شفاخت کافی در حدیث و کتبات بود و اخلاقی بیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات» است.

انساب سمعی (۲/ ۳۷۳)، سیرالبلاء (۲۰/ ۲۹۹-۲۹۷)،
شذرات الذهب (۲/ ۱۴۰)، طبقات الحداد (۴۷۱)، معجم
المؤلفین (۵/ ۱۲۳)، الهجوم الزامرة (۵/ ۲۹۰)،
هدیه سمری (۵۱۸)

فانی، عباسقلی. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، موسیقیدان. پدر عباسقلی او را از اران کودکی زیر نظر استادان موسیقی قرار داد و او گوشه‌های مختلف دستگاه‌های موسیقی ایرانی را به خوبی فراگرفت. ت جایی که مورد احترام و محبت اساتید خود بود در خلال این مدت به تحصیل علوم مختلف نیز اشتغال داشت. خصوص در دیب بسیار پیشرفت کرد. فانی شعر سیر می‌گفت و گوی «دیوان» شعری میرد شته که بعد از فوت وی به سرقت رفته است. او دایی چهار برادر به نامهای حسین سلیم فرزاد (سلیمی تبار) (متولد ۱۲۹۷ ق) و علی سلیمی تبار (متولد ۱۲۹۹ ق) و اکبر و امیر سلیمی تبار می‌باشد که موجب گرایش ایشان به موسیقی گردید.

احمد بن حسن بن لیث و عبدالواحد بن یوسف قرزاز و علی بن بیدار حنفی و ابورعه احمد بن یحیی خطیب شیرازی و حسن بن محمد بن عثمان بن کرامه شیرازی حدیث سوشت. وی در جامع قصر اسلامی حدیث می‌کرد. عبدالوهاب اتماطی و ابن ناصر از وی حدیث روایت کرده‌اند. فانی در شیراز درگذشت. و از پیروان مرقه شافعی بود که حدود هفتاد اثر در هجده شاخه علمی از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «تفسیر» ی بزرگ، متضمن صد هزار سطر؛ «تاریخ الفقهاء»؛ کتاب «الاحاد»

الاعلام (۲/ ۳۳۶)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶/ ۳۹۹-۳۹۱)،
سیرالبلاء (۱۹/ ۲۵۲-۲۴۸)، شذرات الذهب (۳/ ۴۱۳)،
یکم (۸/ ۲۴۵)، کشف الصنوک (۳۵۱، ۱۱۰۰)، سنان
السیر (۳/ ۵۱۲-۵۰۹)، مدرس نظامیه (۱۲۲)، معجم
المؤلفین (۶/ ۲۲۹)، هدیه الماریین (۳۷ / ۶۳۷)

نامی قزوینی، ابوداود سلیمان بن یزید. (وف ۳۳۹ ق)، عالم و محدث. در مسافرتی هسفر ابوالحسن قزاز بود. از ابوحاتم رازی و نسج بن صلت و ابوعبدالله بن ماجه و اسحاق بن ابراهیم دهری و همطایق آنان حدیث شنید. سلیمان بن احمد نساج و ابوالحسن احمد بن فارسی لموی و حسن بن عبدالرازق و محمد بن احمد بن عثمان بن طلحه زبیری قزوینی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

سیرالبلاء، ۱۵/ ۵۱۵، ۴۶۰

نامی هروی، ابوصابر عبدالصبور بن عبدالسلام. (۵۵۲-۴۷۰ ق)، محدث و فقیه. از تاجری نیکوکار بود که همین نامیده می‌شد. وی «الجامع» ترمذی را از ابوعامر ازدی، در بغداد، استماع کرد و از شیخ الاسلام و نجیب واصطی و الیاس بن مصر حدیث شنید. در همدان و بغداد در ۵۲۹ ق حدیث گفت. سمعی و فرزندش عبدالرحیم و ابوالحسن بن نجای و اعظم و احمد بن حسن هاقولی از وی روایت کرده‌اند.

الاعلام بوفیات الاسلام (۲/ ۳۷۲)، سیرالبلاء (۲۰/ ۳۲۸-۳۲۹)، شذرات الذهب (۴/ ۱۶۲)، الهجوم الزامرة (۵/ ۳۳)

نامی هروی، ابومحمد عبدالجلیل بن ابوسعید منصور بن اسماعیل. (۵۶۲-۴۷۰ ق)، محدث و مستند وی مستند هرات بود. آخرین کسی است که از بی بی بنت عبدالصمد

مردان موسیقی (۲/ ۱۷۱-۱۷۲).

فانی اصفهانی، سید رضا، فرزند میرفاضل هندی، (س. سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به فانی پدر وی از سادات موسوی بود که از هندوستان به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان ساکن شده بود. مشغول نیست که سید رضا در اصفهان به دنیا آمده یا اینکه به همراه پدر از هندوستان به ایران آمده است. او انواع علوم را تحصیل کرد، سپس به تصوف گروید. «دیوان» شعر او را رضاقلی خان هدایت مرتب کرده و دیبچه‌ای بر آن نگاشته است.

حدیقه‌النسراء (۲/ ۱۲۷۸-۱۲۷۹)، الذریعه (۹/ ۸۰۲)، ریاض‌العاریض (۲۷۱-۲۷۲)، طرائق‌الحقائق (۳/ ۱۹۷)، لغتنامه (دین / فانی اصفهانی)، مجمع‌الفصحا (۵/ ۸۰۲).

فارسی، در شرح «اربعین حدیث»؛ ترجمه «انصایح الهدی»؛ رساله «توضیح المسائل»؛ به فارسی، به عربی و اردو؛ ترجمه «تقویم المحسنین» فیض؛ «مناسک حج»؛ تعلیقه بر «عروة الوثقی»؛ «دیوان» شعر، در مواعظ، حکم، مدیحه و مراثی اهل بیت (ع)؛ «قوائد رجالیه»، در بیان احوال اصحاب اجماع و جماعتی از روایت «معارف العلویه»؛ در کلام؛ «غایة البیان فی عدم تحریف القرآن»؛ رساله‌ای در «معاصی کبیره»؛ رساله‌ای در «ذخایره»؛ رساله‌ای در «معاملات الریبه»؛ رساله‌ای در «مفدمات التفسیر»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره جمعه»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره فاتحه»؛ رساله‌ای در «بداهه».

تربت پاکاد قم (۲/ ۲۶۷-۲۶۸)، الذریعه (۱۷/ ۳۴)، کیهان فرهنگی (س. ۶، ش. ۳، ص. ۴۸)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۰۶-۲۰۷).

فانی تبریزی، (س. دهم ق)، شاعر، اهل تبریز و از اشخاص مسمول آن شهر در زمان سام میرزا صفوی (م. ۹۷۴ ق) بود. به گفته سعید نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» نزدیک به هزار بیت غزل دارد. او از سبک درویش دهکی پیروی می‌کرد.

تاریخ نظم و نثر (۵۲۸)، نغمه سامی (۲۴۸)، تذکره درویش (س. ۵۹۷)، دانشساز آذربایجان (۲۹۱)، الذریعه (۹/ ۸۰۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۳).

فانی تبریزی، میرزا باقر، (۱۲۴۹-۱۳۰۹ ش)، شاعر در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات خود به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و مدتها مدیریت دبستان صمصامیه را به عهده داشت. دارای طبعی روان بود از آثار او، منظومه «گل و بلبل»؛ منظومه «گنج پهلوی»؛ «دیوان» شعر.

الذریعه (۹/ ۸۰۲)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۵/ ۴۶)، شهرت کتبه‌های چاپی فارسی (۲/ ۲۷۶۲، ۲۷۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۵).

فانی خشتی فارسی، مولانا غلامعلی، (ز. ۱۳۰۳ ق)، شاعر. از قصیده خشت فارسی بود انواع صنوم را تحصیل کرده بود. از او مست.

رخش چو ماه، گر او را بدی ر حالیه تاج
قدش چو سرو، گر او را بدی ر نسیم بار
حدیقه‌النسراء (۲/ ۱۲۷۹-۱۲۸۰).

فانی اصفهانی، میر سید علی بن سید حسن / محمد حسن یزدی، (۱۲۳۳-۱۳۱۰ ق)، عالم آسامی و فقیه اصولی. در اصفهان به دنیا آمد. از ۱۳۴۲ ق شروع به تحصیل مفدمات نمود. سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر عده‌ای از علمای بزرگ اصفهان خواند. «قوانین» را نزد شیخ محمد حکیم خراسانی و «فرائد» شیخ انصاری را در خدمت سید مرتضی خراسانی و «مناجر» و «کلیله» در خدمت آیت الله میر سید علی نجف آبادی مدت سیزده سال فراگرفت. بعد از درگذشت استادش، میر سید علی نجف آبادی، در ۱۳۶۲ ق، به نجف مهاجرت کرد و در حوزه علمیه آنجا به تدریس فقه، اصول، تفسیر، کلام، اخلاق و بحث در متن و حراشی «عروة الوثقی» پرداخت. در ۱۳۹۳ ق به ایران بازگشت و در قم مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آثار باقیمانده از وی متجاوز از هشتاد جلد می‌باشد که عموماً در علوم اسلامی چون فقه، اصول، کلام، فلسفه، تفسیر و غیره نگاشته است. از جمله «تقریرات»، دوره کامل اصول که جرئی ز آن به نام «المختار فی الجبر و الاختیار» به چاپ رسیده؛ شرح «شرایع»، در فقه، در دوازده جزء؛ «رکوة» و «خمس» و «صوم» و «اجاره» و «وصایا» و «اجرت بر واجبات» و «قرعه» و «مسجرات سریش» و «مکاسب» به روش «مکاسب» شیخ نصاری؛ حاشیه بر «وسيلة النجاة» آیت الله صفهانی؛ «قصدت العقول فی المروع و الاصول»، به

جند دیگر در اخلاق و مواظبات «التوفیقات الالهية»، در مواظبات ماه رمضان در سی مجلس؛ «حبرز المؤمنین»، در احرار و ادعیه و برخی از نمازهای متفرقه؛ «صلاح الایمان»، به فارسی در مواظبات و مضامین؛ «قوت الامة فی اثبات نفیة»؛ «عقیده الحق»؛ در شرح «باب الحادی عشر»؛ «هدایة السالکین»؛ «حبیب العاشقین»؛ «درر اللثالی فی سرار انصالی».

تذکره السیر (۲۶۰)، الذریعة (۱/ ۲۷۸-۲۷۹/ ۴)، ۵۰۰/ ۱۶

۳۹۴/ ۸، ۱۳۳/ ۹، ۸۰۴/ ۱۵، ۳۰۶/ ۱۶، ۷۲/ ۳۰۰

۳۰۱/ ۳، ریحانة، (۲۹۰/ ۴)، طبعات اعلام الشیخ (قرن ۱۶/ ۱)

۳۹۳-۳۹۴، معجم المؤلفین (۳/ ۲۱۷)

فایز شهرستانی، میرزا علاء الدین محمد، فرزند میرزا رفیع صدرالممالک، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به فایز اهل شهرستان از افعال اصمهان بود. نسب وی به دودمان صفویه می‌رسد. اسم او محمد صادق بود که از طسرف شاه عباس اول (۱۵۹۶-۱۶۲۸ ق) موسوم به علاءالدین محمد شد و از طرف صایب شاعر اصفهانی تبریزی متخلص به فایز گردید. فایز از اکثر علوم بویژه فقه، کلام و نجوم بهره‌مند بود. وی در زمان شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) به دستور وی کور گردید.

تذکره روز روشن (۵۵۷-۵۵۸)، تذکره سمرکندی

(۱۳۰۲)، الذریعة (۹/ ۸۰۵)، صبیح گمش (۳۰۹)

فرهنگ سخنوران (۶۸۵)

فایز یزدی، شاه محمد، (و ف ۱۰۷۹)، شاعر. در دوره شاه سلیمان صفوی می‌زیست. از راهبان عصر خود بود که عزن و ریاضی می‌سود. شهرت وی بیشتر در سرودن رباعیات است. خطوط سبعة را می‌دانست و در خط نسخ استاد بود. از اوست:

خوش حرفی است چرخ شعبده باز

هر کسه بسازی نمی‌خورد سر است

تذکره سخنوران یزد (۲۳۵، ۱۷۳-۱۷۴)، جامع نفیدی

(۳/ ۲۲۶-۲۲۷، ۴۴۱-۴۴۲)، الذریعة (۹/ ۸۰۵)، فرهنگ

سخنوران (۶۸۵)

فایض اردبیلی، ملا حیدر علی، فرزند مسیح‌الله، (و ف ۱۰۸۱)، شاعر، متخلص به فایض. از خوشویسان عصر خود به شمار می‌رفت. در تذکره «زور روشن» نام وی تحت عنوان میر حیدر علی اصفهانی ذکر شده است. از

فانی خوارزمی، کمال‌الدین حسین، (و ف ۹۵۳ ق)، قاصی، «دیب و شعر» متخلص به فانی طاهر آاز مردم قصه‌نما در خوارزم یا در قشدر (قاسان) ماوراءالنهر بود در حوررم منصب قضاوت داشت و مردی دانشمند به شمار می‌رفت. وی غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: شرح «شوه‌د مغنی اللیب»؛ شرح «شواهد معن»؛ حاشیه بر «شرح تجرید»؛ شرح «مطالع»

تاریخ نظم و شعر (۶۸۸-۶۸۹)، تذکره زور روشن

(۶۸۳-۶۸۴)، فرهنگ سخنوران (۷۶۸)

فانی رازی، محسن، (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی در زمان جلال‌الدین اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت و در نارمن درگذشت. از آثارش مشهور «شیرین و خسرو» می‌باشد و رباعیاتی نیز از وی به جا مانده است

تاریخ نظم و شعر (۶۵۸)، صبیح گمش (۳۷۳-۳۷۴)

فرهنگ سخنوران (۶۸۴)، کدروان هند (۲/ ۱۲۲۶-۱۲۲۸)

فانی شیرازی، سدهدار شیرازی، خواجه احمد.

فانی گیلانی، مصطفی، (ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص به فانی. اهل گیلان بود. مدتی در اصفهان به سر برد. در زمان عبدالرحیم خان خانان به هندوستان مسافرت کرد و از ملازمان وی گردید. عبدالیاتی نهادندی در «مآثر رحیمی» (تألیف شده در ۱۰۲۵ ق) به شرح حال او به عنوان معاصر خود پرداخته است. از اوست:

به سادگی تو هرگز ندیده‌ام فانی

جفاکشی و توجی که اینست شرط وفا

کاروان هند (۲/ ۹۸۷)، مآثر رحیمی (۲/ ۱۲۲۳-۱۲۲۶)

فانی یزدی، سید حسن/محمد حسن بن حسین بن اسماعیل حسینی، (۱۲۸۱-۱۳۳۸ ق)، عالم، خطیب، مصنف، دیب و شاعر، متخلص به فانی. معروف به سید آقای، وی ساکن اصفهان بود از جوانی در تحصیل علم و ادب کوشید، سپس به خطابه پرداخت و در این فن سرآمد شد او ادیبی شعر و نویسندگی پرتلاش بود در اصفهان درگذشت و در ثکبة ملک از تخت پولاد دفن شد. از آثار وی: «اکسیر الاخبار»، در چهار مجلد؛ جلد اول در توحید و صفات الله، جلد دوم در فضائل ثمه طهار (ع) و تعویض مامت و بعضی از خطب و مواظبات امیرالمؤمنین (ع)، ر دو

وست

امشب به من آن ماه که از مهر قرین بود
بزم ز صفا رشک صتم حانه چمن بود
گسمنامیم از آفت شهرت براهید
کاری که فلک کرد به کام دلم این بود
تذکره روز روشن (۵۹۹)، تذکره نصرآبادی (۱۹۱-۱۹۰)،
۴۸۳-۴۸۴، دانشمندان آذربایجان (۲۹۳)، اللریجه (۹)
۸۰۵-۸۰۶، فرهنگ سخنوران (۶۸۵).

فایضی اردبیلی، (س یازدهم ق)، شاعر، از آثار وی:
منظومه شقایق و مهر و وفا که در بحر سریع، در ۱۰۴۳ ق
سروده است منظومه با حمد خداوند و ثمت رسول اکرم
(ص) آغاز می شود.

شکر که دیباچه مهر و وفا
گشت مشرف به سپاس خدا
سپس شاعر وارد داستان اصلی می گردد. نسخه این
منظومه در کتابخانه ملی تهران موجود است.
مطبوعات پایتخت (۲۴۲-۲۴۵).

فایض گیلانی (ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر در ۱۰۲۵، الی آخر
برای به لاهور رفت روست

می تو امشب شمع سحر چشم گریبان سرحم
چون چراغ حیفه ماتم پیریشان سرحم
در حور بال و پر به شمع سرم کش بدشت
شعله ها فروخت گن تا در گنبد سرحم
تذکره روز روشن (۵۹۸-۵۹۹)، فرهنگ سخنوران
(۶۸۶)، کاروان هند (۹۸۷-۹۸۸).

فایض نظری، حسین (س یازدهم ق)، شاعر، در
دوره جهانگیر شاه (۱۰۱۳-۱۰۳۷ ق) به هندوستان رفت و
در گجرات ساکن شد. وی خط نستعلیق را احراز
می نوشت. فایض داماد مولانا نظیری بود و بعد از مرگ
مولانا از حاشیان وی شد. از دست.

به جستجوی تو هر دم ز سامیدی دل
لفس نفس بشیخ رمان رمان بروم
تاریخ تذکرات فارسی (۲/ ۱۰۲)، تذکره روز روشن
(۵۹۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۶)، کاروان هند (۹۸۷-۹۸۸).

فایض آشتیانی، محمد تقی، (ز ۱۲۹۵ ق)، شاعر و

خطاط در جوانی در بوج مظهر مراغه بود و در قصه مرو
به دست ترکمنان اسیر شد و در این رانعه «دیوان» شعر
چهار هزار بیتی او مفقود شد. سپس شاهرخ خان پسر
ابراهیم خان قاجار او را آزاد کرد و به خدمت خود درآورد.
دقیق بعد از کشته شدن شاهرخ خان به خدمت محمد شاه
وزیر بحارا درآمد و در خدمت او به نگارش مکاتیب
می پرداخت و در احیاء قصیده و غزل می گفت. سرانجام به
برای بارگشت. دیوان بیگی او را در کرمانشاه ملاقات کرده
است. دقیق در توشن خط لث متبحر بوده است.

حدیقه اشعار (۲/ ۲۸۳-۲۸۵).

دقیق لاهیجانی، شمسای زرین قلم، (س یازدهم ق)،
شاعر اهل لاهیجان بود. در اوایل زندگی در خدمت
سیب خان تکلو، از امرای شاه جهاناسب صفوی، نشو و
نما یافت. وی مدتها در ولایت گیلان و مازندران در خدمت
سلاطین و سادات عالی درجات و ملوک آن دیار به سر
برد. خط نسخ و نستعلیق را بسیار خوب می نوشت و در
علم موسیقی نیز مهارت داشت. و در قندهار به خدمت
میرزا غری رسید و بعد از فوت وی در خدمت ابول
بلی زبک بود. فایض نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۱۲-۱۰۳۷ ق)
بزرگوار و گرامی بود.

فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، کاروان هند (۲/ ۹۹۰-۹۹۱).

فایضی شیرازی به فارغی شیرازی

قتال نیشابوری، ابوالحسن / ابوجعفر محمد بن حسن
بن علی بن احمد، (س ششم ق)، فقیه، حافظ، معسر،
محدث و واعظ معروف به قتال و فارسی و ابن الفارسی
نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پدرش، محمد
بن حسن، و گاهی به مناسبت جدش، محمد بن علی، و
گاهی به ملاحظه جد هالی اش، محمد بن احمد، ذکر
کرده اند. او از مشایخ ابن شهر آشوب است. قتال از شیخ
طوسی و به واسطه پدرش از سید مرتضی حدیث روایت
کرده است. بارمخشی صاحب «کشاف» از عمای همه و
ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی از مفسران خاصه
معاصر و مطلقه بود. در فقه و حدیث استادی توانا بود.
دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سخنرانی با منطق
رسم و کزیده بود و واعظی که با سخن و عمل پند می داد.
گویش زیبای او باعث شد که نه او قتال یا پند گویند.
ابن داود در کتاب «رجال» گوید که قتال عقیده شتاسی

وکالت یافت. بعد از کشته شدن هاجل شاه به دعوت اکبرشاه در ۹۹۱ ق، به فتحپور رفت و در ۹۹۳ ق به منصب امین‌الملکی رسید و لقب عسک‌الدوله یافت و در ۹۹۴ و به صدارت کل بلاد هندوستان رسید او در کشمیر درگذشت و در تخت سلیمان دفن شد وی علاوه بر تبحر در علوم متداوله زمان خود و شعر، از مخترعین و صنعتگران عصر خود نیز به شمار می‌آمد. از جمله اختراعات وی، آسیایی خودکار بود که حسوبات را آرد می‌کرد؛ آینه‌ای که در آن اشکال عجیب از دور و نزدیک معکس می‌شد؛ نمکی که در یک دور دوارده گنبد بر آن خارج می‌شد؛ تقویم ایگوری جدیدی از روی دوره شمسی. به آورده «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» از «مأثر الکلام» وی اولین کسی بود که اهالی هند را به تصنیفات و افکار عمده‌ای متأخر ایران مانند: علامه دوانی، ملاصدرای شیرازی، فیض‌الدین منصور دشتکی شیرازی و میرزا جان آشنا ساخت و کتابهای آنها را در هندوستان تدریس کرد از جمله تألیفاتش تکملة «حاشیه علامه دوانی» بر «تهذیب المنطق» اعتقارانی است رکن‌زاده اُدّه‌ت به اشتباه تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح‌الله کاشانی را به وی نسبت داده است.

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۶۱-۵۹)، ریسر
الاردین (۲۲۷)، فارسی‌نامه ناصری (۲/ ۱۱۷۵)، فرهنگ
صحران (۶۸۷)، کاروان هند (۲/ ۹۹۳-۹۹۲)، نظم‌نامه
(ذیل / فتح‌الله)، مرآت الفصاحه (۲۵۲-۲۵۳)، عمادالقیوم
(۲۳۵-۲۳۴)

فتح‌الله کاتب، (س دهم ق)، خطاط و شاعر. وی جمیع خطوط را خوب می‌نوشت و در تیریز کاتب شاه اسماعیل اول صفوی (۹۰۷-۹۳۰ ق) بود بعد به عثمانی رفت و در استانبول کاتب سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ ق) شد وی اشعار زیادی از حفظ بود و خود نیز شعر می‌سرود از آثار وی «دیوان» شعر. از خطوط وی، قطعه‌ای در مرقع بهرام میرزای صفوی، به فلم سه دانگ و کتات حقی خورش، با رقم: «المبدع فتح‌الله»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۵۴، ۱۱۲۹)، الذریعه
(۹/ ۸۰۷)، لغت‌نامه (ذیل / فتح‌الله)، مجالس‌السمائن
(۳۹۳)

فتح‌الله کاشانی، امین‌الدین - امیرالدین کاشانی

جنس‌انقدر و همهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزق ملقب به شهاب‌الاسلام، رئیس سیشابور به جرم شیعه بودن شهادت شد. از آثارش اروضة الوعظین و بصرة المنعظین «۴» «الشمس» در فی معانی التفسیر، که این شهر آشوب راوی هر دو اثر می‌باشد.

الربیعه (۲/ ۲۹۶-۲۹۷، ۳۷۰-۳۶۹، ۳۱۵ / ۱۱)، رجال
اسی داود (قسم ۱ / ۲۹۵)، روضات الجنات (۱۶ / ۲۳۳-۲۳۴)، ریحانه (۲ / ۲۹۱-۲۹۲)، مهدیان راه فضیلت
(۲۷۸-۲۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶ / ۲۷۵)، موائد
الرصیوه (۴۶۹)، فهرست مستحبات‌الدین (۱۶۶، ۱۶۱)،
الکتی والاثاب (۳ / ۱۳-۱۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعلی،
مثال)، معجم‌المزلفین (۹ / ۲۰۰)

فتح‌الله، شیخ فتح‌الله، فرزند شیخ مظفرالدین علی روف (۹۲۰ ق)، شاعر مادرش فرزند مولانا جلال‌الدین دوانی بود. در جوانی به کسب فضایل و کمالات حکمی و شرعی پرداخت وی در زمینه شعر نیز تبحر داشت. در پورمه، نخستین پاشحت دولت عثمانیان، درگذشت. از اوست:

چندان به در می‌کده آرام گرفتیم

کآخر رکف پیر مغان جام گرفتیم

لغت‌نامه (ذیل / فتح‌الله)، الذریعه (۹ / ۸۰۷)، مجالس
سمائن (۳۸۹)

فتح‌الله، فرزند مجلسی. (ز ۱۳۰۵ ق)، نقاش از تصویرگران روحانی دوره ناصری بود. از آثار وی، قاب یک گل مرخی مستطیل شکلی است که به شیوه میرزا نصرالله اناسی اصنهانی نقش یافته است. در دو طرف قاب آینه، گل‌های متنوع و گنبدی فدقی و پروانه‌ها نقش بسته است. در حواشی طلاپی آن، اشعاری به خط نسخ مشکی دیده می‌شود. با رقم: «فتح‌الله بن مجلسی ۱۳۰۵»

معاون آثار نقاشان (۲ / ۲۹۹)

فتح‌الله شیرازی، شاه فتح‌الله / امیر فتح‌الله، روف ۹۹۷ ق)، عالم، حکیم و شاعر. در شیراز به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی در محضر دوس استادانی چون علامه جهان‌الدین محمود و کمال‌الدین شیروانی و مولانا گُرد و میر حبیب‌الدین منصور شیرازی به مقامات عالیه دانش رسید. تا جایی که سلطان عادل شاه بجاپوری او را به هندوستان دعوت کرد و فتح‌الله به آنجا رفت و منصب

فتحای اصفهانی، مرزند کاظم بیگ (س یردهم ق)،
شاعر وی به قصد تجارت به هندوستان رفت بعد ر
مراجعت، در رمان وراثت محمدقلی خان عمادالدوله، به
عنوان نویسنده حضور (مباحث مالیت) بدر عباس به کار
منقول شد. از او شعاری به جا مانده است.
تذکره نصرآبادی (۱۲۸-۱۲۹)، الذریعه (۸۰۷/۹)، صبح
گلشن (۲۱۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۸).

فتحعلی (س سیردهم ق)، نقاش. تصویرگر و گل و
مرغ ساز دوره قاجار بود که در اواخر سلطنت محمد شاه
قاجار و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه فعالیت داشت و به
شیوه علی اشرف کار می کرد. از آثار وی، قلمدان خوش
نقش گل و بلبل است که در شیوه علی اشرف به عمل
آورده و رقم نقاش با سجع انحصاری هرمتد تعیین گشته
است، با رقم: «افتح منظماً الی علی».
حوال و آثار نقاشان (۵۰۰-۲۹۹/۲)

فتحعلی، فرزند سلیمان بیگ قورچی باشی (س
دراردهم ق)، نقاش. پدرش ز قورچی باشیان دوره افشاریه
و اوایل رندیه بود از آثار وی، تصویر آبرنگی جوانی آیه
شیوه صغری است که کلاه خرداری به سر نهاده و رقم
«عمل بنده درگاه فتح علی ولد سلیمان بیگ قورچی باشی»
۱۶۰۱۶۰۱۶۰۱ ق.
حوال و آثار نقاشان (۵۰۰/۲)

فتحعلی تنکابنی (ز ۱۲۷۵ ق)، خطاط. از کاتبان دربار
محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار بود. از آثار وی یک
نسخه «جَنَاتُ الْحُلُود» به قلم کتابت خرش، با رقم: «در
عهد خجسته... محمد شاه قاجار... فتح علی تنکابی... سنه
۱۲۵۶...» یک نسخه «آتشکده...» به قلم کتابت علی،
با رقم: «از آسازگری سپهردوب... فتح علی تنکابی عفرالله
دوبه و سترعیوبه... فی سنه هزار و دوست و شصت و
هجده...» یک مرقع صاحب حصرت علی (ع)، به قلم
دودانگ و کتابت حمی عینی، با رقم: «فتح علی تنکابی،
سنه ۱۲۷۲...» یک مرقع، به قلم بیم دردنگ و کتابت رنگه
خرش، با رقم: «السلطان... ناصرالدین شاه... فتح علی
تنکابی ۱۲۷۵»
حوال و آثار خوشنویسان (۵۶۴-۵۶۵/۲)

فتح مسئولی، فخرالدین فتح الله بن اسی بکر (س هفتم

و هشتم ق)، شاعر، منحلص به فتح برادر حمدالله
مستوفی بورخ معروف بود و مانند دیگر افراد خانواده
حود متصدی مشاعل دولتی بود. به گفته مؤلف «تاریخ نظم
و نشر» در شعر استاد بود و از روش اوحدی مراعی (م ۷۲۸
ق) پیروی می کرد. بنا به گفته بعضی تذکرها در سبک
نویسندگان خواجه رشیدالدین فضل الله و پسرش خواجه
عباس الدین محمد بود.

تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۷/۳)، تاریخ نظم و نشر
(۲۲۲)، تاریخ گریده (مقدمه طه ۷۲۲-۷۲۵)، حبیب
السیور (۳/۲۲۱)، رجال حبیب السیر (۳۱)، لغت نامه
(دیل / فخرالدین)، مینودر (۵۳۲/۲)، حسن التلهم (۳/۶۰).

فتحی اردستانی (وف ۱۰۴۵ ق)، شاعر اصل وی از
اردستان از توابع اصفهان بود. او بیشتر عمر خود را در
اصفهان سپری کرد. سپس به دکن رفت و در ۱۰۲۵ ق با
تقی اوحدی در احمیر دیداری داشت فتحی بعد از مدتی
به وطن بازگشت. از اوست.

فتحی که رنگ این چمن از آب چشم اوست
هرگز به کام خویش گسی بو نمی کند
آتشکده آذر (۳/۹۶۹-۹۷۰)، تذکره نصرآبادی (۲۷۶)،
الذریعه (۸۰۸)، سرآورد (۵۰۰-۲۹۹)، فرهنگ سخنوران
(۶۸۸)، کاروان هند (۲/۹۹۳-۹۹۶).

فتحی اندجاسی (ز ۹۲۸ ق)، شاعر در زمان
طهیرالدین بابر می زیست و از ملازمان و مداحان وی به
شمار می آمد. از اوست
مکر عشق می دردان حمدالله که من
دردمند عاشقم می درد باری بیستم
تذکره روز روشی (۶۰۲)، الذریعه (۸۰۸/۹)، فرهنگ
سخنوران (۶۸۸)، لغت نامه (دیل / فتحی)، مجالس
العائس (۱۵۸)

فتحی غزنوی به فتحی غزنوی

فتحی غزنوی، حکیم عینی بن محمد (س ششم ق)،
شاعر از شهران و حکیمان بنام عهد سلطان بهرام شاه
غزنوی (۵۱۲-۵۴۷ ق) بود که با مختاری غزنوی و ستایی
غزنوی معاصر و معاشر بوده است
تذکره روز روشی (۶۰۲)، الذریعه (۸۰۸/۹)، ریاض

المبارین (۲۲۸)، ریحانه (۴/ ۲۹۵-۲۹۶)، فرهنگ
سخنوران (۶۸۸)، لباب‌الآلیاب (۲/ ۲۰۴۱۳)،
مجمع‌الفصحی (۲/ ۹۳۰)، هفت‌تعلیم (۱/ ۲۳۳).

فتحی/فتح اصفهانی جهت‌های اصفهانی.

فتوحی شیرازی، آقا فتح‌الله. (وف ۱۳۰۰ ق)، شاعر،
متخلص به فتوحی از شاعران شیراز بود که شعر را
استادانه می‌سرود. در شیراز درگذشت و در دارالسلام
دفن گردید. اشعاری از وی در تذکرها نقل است.

آثار عجم (۵۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۴
۶۲-۶۱، فرهنگ سخنوران (۶۸۹)، مرآت‌المصنفین
(۴۵۴-۴۵۳)

فتوحی مروزی، ابوالدین. (س ششم ق)، شاعر
ملقب به شریف‌الحکماء. در مرو به دنیا آمد و در آنجا نشو
و نما یافت. معاصر سلطان سنجر سلجوقی (۵۱۱-۵۵۲ ق)
بود و با ادیب صابری دوستی و معاشرت داشت. وی
همچنین معاصر حکیم ابوری بود که با هم خصومت
داشتند و به هجو یکدیگر می‌پرداختند. فتوحی در نظم، نثر
نثر استاد بود.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۸۸-۶۹۰)، تذکرة رور روشن
(۶۰۳)، الذریعة (۹/ ۸)، ریحانه (۴/ ۲۹۵-۲۹۶)،
سخن و سخنوران (۳۶۱)، فرهنگ سخنوران (۶۸۹)،
لباب‌الآلیاب (۲/ ۱۶۸-۱۵۳)، امتیاز دین/ ابوالدین،
مجمع‌الفصحی (۲/ ۹۳۰-۹۳۲)، هفت‌تعلیم (۲/ ۲۰۱۶)،
ادگار (س ۲، ش ۹، ص ۷۵۷۴)

فتوحی عاملی بیاطی اصفهانی، ابوالحسن علی بن
محمد طاهر بن عبدالحمید. (رح ۱۰۷۰-ح ۱۱۳۹ ق)، فقیه،
اصولی، مفسر و شاعر. معروف به شریف، چون مادرش
خواهر میر محمد صالح خاتون آبادی بود. پدراش همگی
از علما بودند. در محله درب امام اصفهان به دنیا آمد. ندین
دلیل به از امامی نیر می‌گفتند. در نجف ساکن بود. او
شاگرد علامه مجلسی ثانی و از ایشان و از علمای دیگری
از جمله احمد بن محمد بن یوسف بحرینی و قاسم بن
محمد کاظمی و محمد حسین بن حسن میسی و
صمدالدین بن فخرالدین طریحی و عبدالواحد بن محمد
بن احمد بورانی و محمد صالح خاتون آبادی و محمود
میدی صاحب اجازه بود. مردنش، ملا ابوطالب فتوحی، و

محمد بن علی بن حیدر عامی و احمد بن اسماعیل
جزئی از شاگردان وی بودند و از او اجازه داشتند.
عبدالله بن کریم‌الله حویزوی و نصرالله شهید حائری نیز از
حساب وی به دریافت اجازه فائل شدند. فتوحی جد مادری
شیخ باقر پدر صاحب «جواهر» است. از آثار وی: شرح
«الکیمیة» سبزواری؛ «شرح الصحیفة»؛ «شریعة الشیعة» و
دلایل الشریعة؛ «الفوائد المعروية و الدرر النجفیه»، در
اصول دین و اصول لغت؛ «مرآة الانوار و مشکاة الاسرار فی
تفسیر القرآن» یا «مشکاة الانوار فی تفسیر القرآن»؛
«الرسالة الرضاعیه»؛ «الاسباب»؛ رساله در «حقیقة مذهب
الامامیه»؛ «نصایح الملوك و آداب السلوك»؛ در شرح
«عهدنامه مالک اشتر»؛ «ضیاء العالمین»؛ در امامت؛ «تنزیه
القمین»؛ «معراج الکمال»؛ «الکشکول»؛ «دیوان» شعر، در
مرآئی

ایضاح المکنون (۲/ ۲۸، ۲۸۷)، اعیان‌الشیعة (۷/ ۳۲۲-
۳۴۳)، تلامذة العلامة المجلسی (۱۲۰۱۲)، معاصمه
ستدرک الوسائل (۲/ ۵۲-۵۶)، الذریعة (۱/ ۱۸۲، ۱۹۹،
۲۰۸، ۲۲۶-۲۲۷، ۲۳۹، ۲/ ۳۷۱-۳۷۲، ۴/ ۲۵۷،
۵۰۲-۵۰۳، ۱۱/ ۱۸۸-۱۸۹، ۱۳/ ۳۴۶، ۱۴/ ۳۶۳-۳۶۴،
۱۸۷، ۱۵/ ۱۲۴، ۱۶/ ۳۵۲-۳۵۳، ۱۸/ ۷۰، ۲۰/ ۱۲۰،
۲۶۵-۲۶۶، ۲۱/ ۵۲، ۲۳۳-۲۳۴، ۲۴/ ۱۷۱)، طبقات
اعلام الشیعة (قول ۱۲/ ۱۷۴-۱۷۵)، معجم المؤلفین (۷/ ۲۰۵-۲۰۶)،
هدیة‌المعرفین (۱/ ۷۶۶).

فتوحی عامی - فتوحی مروزی

فتوحی مروزی، میرزا نوری. (س یازدهم ق)، شاعر،
متخلص به فتوحی. برادرزاده شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی
بود و مدتی شیخ الاسلام هرات شد. در نظم و نثر تبحر
داشت و وی در هرات درگذشت. از اوست

و غای و عده همین بس که در دلت گذرد

که این امیر یلاکش در انتظار من است

تذکرة رور روشن (۳/ ۶۰۳-۶۰۴)، تذکرة نصرآبادی (۱۹۴)،

الذریعة (۹/ ۸۰۹)، صبح گلشن (۳۱۲)، فرهنگ

سخنوران (۶۸۹).

فخار شیرازی، جمال‌الدین حسین. (ز ۹۵۱ ق)،
خطاط. به اتابکان متسوب و از خوشنویسان شیراز بود. در
انواع خطوط، بخصوص ثلث و نسخ مهارت بسیار داشت.
در کتاب «پیدایش خط و خطاطان» وفات وی اواخر سد؛

فی تأیید برهان المسلمین؛ «حلاصه الکلام فی افتحار الاسلام»؛ «وجوب الحجاب و حرمة الشراب»؛ «السیاسة الاسلامیه»؛ در اخلاق و مصائب

اندرسه ۲/ ۴۵۲-۴۵۳، ۳/ ۱۰۲-۱۰۱، ۴/ ۱۸۰، ۲۱۰،

۷/ ۲۳۲، ۱۲/ ۲۷۱-۲۵۰، ۲۵/ ۳۲، ریحانه (۴/ ۲۰۱-۲۰۳)،

حقیقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴، ۸۵۰، ۸۵)

فخر جهان خانم، فرزند فتحعلی شاه قاجار، (ز ۱۲۶۰ ق)، خطاط و نقاش. ملقب به خیرالدوله. خواهر تنی شجاع السلطنه و همسر میرزا محمدحاج، پسر عمویش، بود. وی در گل آرایشی و تصویر سازی و کتابت خطوط به شیوه ناخنی مهارت داشت از آثار او یک مرقع خطوط و کار ناخنی به خطوط دستعلیق، شکسته نه یق، نسخ، شکسته دستعلیق خوش و متوسط، با رقم «خزوه اقل خادمةالدولة القاهرة البهرة، فخر جهان»؛ تصویر ناخنی تمام قد محمد شاه قاجار در لباس و کلاه و آرایش سلطنتی، با رقم: «فخر جهان ۱۲۶۰»؛ تصویر ناخنی دسته گل سرخ محمدی که یک گل درشت در وسط آن جلب نظر می‌کند. حواشی اثر: تذهیب طلاکاری دارد و زیر صفحه‌های گل به خط ناخنی رقم «فخر جهان نور جهان» دارد

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۶۷، احوال و آثار

نقاشان ۲ ۵۱۱)، تاریخ عصری (۳۱، ۳۱۷)، حیوات

حسان (۳ ۲۲)، دایره المعارف ب. پیرانی (۲ ۷۳۴)

گلستان هنر (پنجاه و یک)، مشاهیر زنان (۱۸۲)

فخر خوارزمی، فخرالدین مبارکشاه بن حسین مسرورودی، (وف ۶۰۴ ق)، نویسنده و شاعر شیعی پدرانیش از مشاهیر شیعه خوارزم بودند. وی از رجال و وزرای دربار ملوک غور بود و نزد علاءالدین جهانسور و پسرش سیف‌الدین محمد غوری و همچنین در دستگاه سلطان قیث‌الدین غوری تقرب تمام داشت. او وی به عنوان پناه حاجتمندان نامبرده شده است. از آثار او کتاب «تاریخ خیرالدین مبارک شاه»، به تشر بسیار روان در تاریخ هندوستان است که شاعر به شیوه «شاهنامه» آن را به نظم درآورده است. این کتاب اطلاعات جالبی درباره طوایف ترک دارد به گفته عوفی در «لباب الالیاب» وی دارای تصاویر ریاضیات مشهوری است و قصیده‌ای در مدح ملک سیف‌الدین غوری دارد به گفته نعیمی وی منظومه‌ای در تاریخ سلاطین غور به بحر متعارف سروده

هرار هجری ثبت شده است. از آثار وی یک قطعه از مرقع، نسخ کتابت جلی و خفی عالی، با رقم. «کتابه حسین الفجار»؛ یک نسخه «بهجة المباهج»، زبیری بزرگ، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب عالی، نسخ کتابت عالی، با رقم «تمام شد کتاب بهجة المباهج فی... سنه احدى و خمسين و تسعمائة... جمال‌الدین المشهور بحسین الفجار»؛ یک قطعه از مرقع مالک، ثلث و ریحان سه دانگ جلی و دفاع کتابت جلی ممتاز، با رقم. «مشقه العبد لصعیف حسین الفجار الشیرازی...»

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۶۲)، پیدایش خط و

حفظ هنر (۱۰۵۱-۱۰۶۲)، گلستان هنر (۳۲)

فخام بهزادی، علی محمد، فرزند محمود سراج‌الدویه، (تو ۱۲۶۴ ش)، نوازنده، ملقب به فخام‌الدوله ارکودکی به فراگیری موسیقی علاقه داشت. نخست از یوسف‌خان صفایی و سپس از آقا حنیف‌لی نواختن تار را فراگرفت و از بهترین شاگردان ایشان محسوب می‌شد مدتی نیز نزد میرزا عبدالله مشق سه تار کرد. وی در ارکسترهای انجمن احوت شرکت داشت

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۳۱)، تاریخ موسیقی ایران

(۵۵۱، ۵۷۸)، تاریخ هنرهای موسیقی (۱/ ۶۲۴-۶۲۵)

سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۳۷-۱۳۹)، مردان موسیقی (۲/

۳۳، ۳۴)

فخام‌الدوله - فخام بهزادی، علی محمد.

فخرالاسلام ارومی، جدیدالاسلام میرزا محمد صادق. (وف ح ۱۳۳۰ ق)، عالم، متکلم و نویسنده اصل وی از ارومیه آذربایجان بود. پدرش و خود وی مسیحی بودند، و از کشیشان دانشمند به شمار می‌رفتند او پس از مطالعات به دین اسلام گروید، و در تهران ساکن شد. وی از جانب ناصرالدین شاه قاجار ملقب به فخرالاسلام و مسمی به محمد صادق گردید. صاحب تالیفاتی دینی و محققانه در حقایق اسلام و قرآن و رد تصاری است. از آثار وی. «انیس الاحلام فی نصرة الاسلام و الرد علی لتصاری»، به فارسی، در دو مجلد؛ «برهان المسلمین»، در رد تصاری، به فارسی، مشتمل بر سؤال و جواب با مسیحیان در تهران است؛ «بین الحق و الصدق المطلق»، به فارسی، در ده مجلد، که چهار مجلد آن در ثبوت قرآن مجید و ثبوت پیامبر (ص) می‌باشد؛ «تعجیر المسیحین

فخر دهراجی، قاضی فخرالدین (س ششم ق)، شاعر، اهل دهراج از توابع کاشغر بود. خاندان وی در فضل و کمال در خراسان مشهور بودند و از خود نیز از بزرگان عصر خود بود (زاوست).

مهرتانی که در جهان هستند
همه از جام پهل مرستند
پای احسان خویش نگشادند
دست امکسان ما فرو بستند

تذکره روز روشن (۶۰۲)، تذکره شعری بهجات (۲۷۴، ۲۷۳)، الدریچه (۸۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹۰)، لایب‌الایب (۲۸۷، ۲۸۶/۱)، لغت‌نامه (دیل/فخرالدین)، مجمع الفصحی (۹۳۳/۲).

فخرالدین علی بن هدایه الله حسینی کاشانی، (ر ۹۹۱ ق)، خطاط، از آثار وی: قرآن رحلی مذهب عالی و حواشی تفسیر سازی، به خط ریحان و ثلث دو دانگ عالی، و نسخ یاقوتی و رقاع کتابت عالی، با رقم: «کتابه العبد الفقیر... فخرالدین علی بن هدایه الله حسینی... قد فرغ... فی الخمیس و انعمین من شهر دی الحجة الحرام سنة احدى و تسعين و تسعمائة»؛ قرآن رحلی مذهب عالی، به خط ریحان و ثلث دو دانگ عالی و نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «فخرالدین علی بن هدایه الله الحسینی الکاشانی». احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۷/۲).

فخرالدین علی جامی، فرزند محمد اصغر، (ر ۹۹۱ ق)، خطاط، از آثار وی یک نسخه «یوسف و زلیخا»ی جامی، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «فی سادس شهر ربیع الاول سنة ۹۹۱ بدارالسنن هراة واقع شد، علی يد العبد الضعیف، فخرالدین علی بن محمد اصغر الجامی عمر الله دویبه و ستر میریه». احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۰/۲)، هنر عهد تیموریان (۵۳۹، ۵۳۸).

فخرالدین محمد، فرزند طی، (س دهم ق)، متکلم و عالم (مهمی). از علمای بزرگ زمان خود بود که کتاب «سلیمانیه» را در کلام و اصول دین در ۹۷۰ ق در مراغه برای سلطان سلیمان میرزا صفوی نگاشت. از دیگر آثار وی «الشوارق الالامه» یا «المشارق الالامه» و «السبحات المأخذه»، در دو بخش بحث اول در کلام در پنج شارحه به ترتیب اصول دین و بخش دوم در احلاق در سه سبحه

منت و کتابی هم به نام «آداب الحرب و الشجاعة» نگاشته که از کتابهای مهم زبان فارسی است.

آتشکده آذر (۶۵۶/۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۰، ۸۹)، (۱۲۱، ۱۲۲)، دایره المعارف فارسی (۱۸۴۶/۲)، الذریعه (۸۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹۰)، لایب‌الایب (۱/۱۳۳، ۱۳۲)، لغت‌نامه (دیل/فخرالدین)، مجمع الفصحی (۹۳۳، ۹۳۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲، ۱۷۱/۵).

فخر داعی گیلانی، سید محمد تقی، (۱۲۸۳-۱۲۹۹)، عالم، مدرس و مترجم. منسوب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام، در گیلان به دنیا آمد. در تهران از محضر علمایی چون شیخ محمد طالقانی و میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا مسیح سمائی استعداد نمود. آن گاه به عتبات رعت و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مارندران بهره‌ها برد و به مقدم اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آرایخوهران ایران متبیم عراق پیوست. وی به دستور آخرین خراسانی به شش رفت و اداره امور انجمن دهر الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انگلیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندوره تدریس ادبیات فارسی و سری پر داخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزا یوسف مستوفی و مقابل صحن طلائع دفن شد. از آثار وی: ترجمه «تسمان اسلام و عرب» گوستاووبون، ترجمه «تاریخ عرب و اسلام» امیر علی؛ «تاریخ هندوستان»؛ ترجمه «تاریخ علم کلام» سلی نعمان؛ ترجمه «کتابخانه اسکندریه» شلی نعمان؛ ترجمه «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن» سید احمدخان؛ ترجمه «سوانح مولوی» شبلی نعمان؛ ترجمه «شعر المعجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان؛ ترجمه «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس.

تربت پاکان نم (۱۵۹/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۷۳/۱)، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۶۸، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴/۲، ۲۶۰۸، مؤلفین کتب چاپی (۲/۲۳۳، ۲۳۱)، نامه و نامدادهای گیلان (۳۷۱).

فخر دهراجی - فخر دهراجی

فخرالدوله قاجار - فخر جهان خانم.

تاريخ نظم و شر (٨١٣)، الذريعه (٢٢٨ / ١٢، ٢٢٨ / ١٤).
٢٢٩، ٢٢٦ / ٢٦، طبقات اعلام النبيله (قرن ١٠ / ١٧٨)

فخرالدین محمد حسینی استرآبادی. (ر ۱۰۷۹ ق)،
حفاظ. از آثار وی: صحیفه روحی مذهب، نسخ کتبات
خفی متوسط، با رقم: د. سلخ شهر ربیع الثانی من شهر
سنه ۱۱۷۹. فخرالدین محمد الحسینی الاسترآبادی.
احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۹/۲).

فخرالدین یحییٰ (ز ۱۱۵۶ ق)، خطاط از آثار وی
 یک قطعه ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت عالی، بارقم
 «کتابه الفقیر فخرالدین یحییٰ؛ یک قطعه ثلث دو دانگ
 جلی و نسخ کتابت عالی، بارقم: «کتابه الفقیر یحییٰ
 فخرالدین عفرالله دموه سنه ۱۱۵۶»
 احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۳۰).

فخر رازی، فخرالدین حسین قزوینی (۱۰۶۰ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و مؤلف معروف شیخ الاسلام و اس خطیب و بس خطب... ری، اصل وی از طبرستان بود در ری به دنیا آمد وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین همی در کلام بود و سلسله استادانش را از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که فاضلی مرند بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه درس او می‌شدند و حتی در موقع سواری نیز دهان آن رفقای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و نه گفته ابن حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد، پس به ماوراءالنهر رفت و باره همان دلیل تعبد شد. سرانجام به ری موطن خود بازگشت و از آنجا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمد خوارزمشاه قرار گرفت. در هرات ساکن شد.

و شیخ الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گشت. در هرات درگذشت و در دامنه کوه مؤذخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفتاح العیوب»، «تفسیر قرآن در هشت مجلد»، «تفسیر الفاتحه»، «اسرار التزیل و انوار التأویل»، «اساس التعلیم» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عبون المسائل»؛ «باب الاسرار»؛ «لوامع البیئات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المستأخرین من العلماء و الحكماء و المتکلمین»؛ «المحصل»؛ شرح «قانون» ابن سینا، در طب؛ شرح «تهج ابلاعه»؛ «هابة الایجار فی درایة الاحجاز»؛ در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ «دائرة المعارف» جامع العلوم، یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستجی»، به فارسی در پیرامون شخصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی، در هشت باب در توحید و بیوت و معاد و اُمت و اصول فقه؛ «رسالة روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخر رازی مرسته بود؛ رساله «الاحتیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویة»، به فارسی، در احتیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در آن مقاله نوشته است؛ اشعاری به عربی و فارسی.

الاعلام (۱/ ۳)، تاريخ ادبيات در ايران (۲/ ۱۰۱۶-۱۰۱۷)، تاريخ خلافت ايراني (۳۸۲-۱۰۱۳)، دایرةالمعارف فارسي (۲/ ۱۸۲۷-۱۸۴۸)، روضات الجنات (۸/ ۳۶-۴۴)، روضه (۴/ ۲۹۷-۳۱)، ري - ياستان (۲/ ۳۷۶، ۳۷۷)، ميرالبلاء (۲۱/ ۵۰۰-۵۰۱)، شخصيت‌های نامی (۳۶۴-۳۶۳)، ثلوث الذهب (۵/ ۲۱، ۲۲)، ترجمه ادبيات فارسي (۳۶۸-۳۶۷)، الکامل (۹/ ۳۰۲)، كشف‌الظنون (۱۱/ ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲)، الکلی والافان (۴/ ۱۳-۱۲)، لسان‌المیزان (۵/ ۴۳۵-۴۳۶)، بغض‌نامه (دیل / بحر دزی)، مجمل مصیعی (دیل / سال ۶۰۶)، معجم‌المؤلفین (۱۱/ ۷۹-۸۰)، منتخب التواريخ (۴۰۹)، برهین کتب جایی (۵/ ۶۴۲-۶۴۳)، البحر والامارة (۵/

۱۷۵-۱۷۶)، الرافعی پالویات (۲۵۰-۲۲۸ / ۴)، و دیوان
الاحیان (۲۵۲-۲۲۸ / ۳)، رفایح السین و الاعوام (۳۳۵)،
بامدائنه‌ی تدریس (۹۵ / ۶).

فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی، فرزند خلف بیگ (ز.
۱۰۴۱ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نبی. در قزوین به
دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت پدرش از تجار آن شهر
بود که به مرض صاهون درگذشت. عبدالنبی در اوایل کار
عزتی تحلیص می‌کرد و سپس تحلیص خود را به نبی معیر
داد. در «فرهنگ سخنوران» و «هدیه‌العربین» تخلص وی
را زلالی قزوینی ذکر کرده‌اند. وی در جوانی به زیارت
مشهد رفت و از آنجا به هند مسافرت کرد. سم هندی به
قندهار، لاهور و آگره میر داشت. در ۱۰۲۲ ق به خاطر
حویشی با میرزا نظامی قزوینی، از ملازمان بهادر میرزا
امان‌الله، پسر مهات خان و مدتی قصه‌خوان و کتابدار وی
شد. بعد از مدتی به علت بیماری به لاهور و از آنجا به
کشمیر رفت و تا ۱۰۴۹ ق در پتنه بود. ظاهراً ملا عبدالنبی
اولین کسی است که ساقی‌نامه‌ها را جمع کرد و
«ساقی‌نامه» پرتوی را بهترین ساقی‌نامه قرار داد. از زمان
فوت وی «طلاهی در دست نیست، جز اینکه
«نوادالعیالیات و مرایب الروایات» یا «بحران‌تواریخ» -
مجموعه‌ای از داستانهای تاریخی پیامبران و اماهان و
شاهان و شاهزادگان - را در ۱۰۴۱ ق تکلیف کرده است. از
دیگر آثار وی: «دستور الفصحاء»، تذکره «میخانه»، «طراز
الاحیان»، «دیوان» شعر.

تساریح ادبیات در ایران (۱۷۳۵-۱۷۳۹)، تاریخ
تذکره‌های فارسی (۱ / ۳۷۷-۲۸۰)، تذکره میخانه
(مقدمه به - همد)، الذریعه، ۸ / ۸۶۲، ۹ / ۷۱۵، ۸۱۱
۲۲ / ۲۴۶-۲۴۵، کاروان هند (۲ / ۱۲۲۱-۱۲۲۵)، مینور
(۲ / ۱۸۵-۱۸۸)، هدیه‌العربین (۱ / ۶۳۲).

فخر عدل خلیجی، فخرعظمی ارغون، فرزند
مرتضی قلی خان ارغون (تو ۱۲۷۷-۱۲۷۹، وف ۱۳۴۵
ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. در تهران به
دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به
استخدام وزارت فرهنگ درآمد و سالها به تدریس اشتغال
داشت. وی به زبان فرانسه و انگلیسی مسلط بود. او
روزنامه «نامه بانوان ایران» را منتشر کرد و علاوه بر آن در
شاعری و نقاشی و موسیقی نیز مهارت داشت.
ادبیات برین (۲۵۷)، اندیشه نگاران در شعر مشروطه

(۱۱۹-۱۱۷)، تاریخ جراید (۲ / ۲۶۳)، رمان روزنامه‌نگار و
اندیشمند (۱۵۸-۱۶۰)، رمان سخنور (۲ / ۳۷-۳۲)،
سخنوران سیاسی معاصر (۴ / ۲۵۹۵-۲۵۹۳)، فردنگ
سخنوران (۶۹۲)، کارنامه رمان مشهور (۱۱۸-۱۲۰).

فخر فارسی، فخرالدین ابوعلی‌الله محمد بن ابراهیم
فیروزآبادی خجیری شیرازی. (ح ۵۲۸-۶۲۲ ق)، محدث،
راهنما، صوفی و فیلسوف شافعی اصلش شیرازی و ساکن
مصر بود. احادیث بسیاری از سلمی شنید و آنها را به رشته
تحریر درآورد و در دمشق نیز از ابن‌حساکر حدیث شد.
برزانی و منذری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
دهبی نیز از طریق ابوالمعالی ابوقوهی و ابوالحسن ابن قیم
از وی حدیث روایت کرده است. در خبانه ذوالنون
مصری راویه داشت و پس از مرگ در همان جا دفن شد. او
در نظم و نثر توانا بود و صاحب تصنیفاتی در زمینه تصوف
و کلام است، که برخی از آنها به سبک سلاسه صوفیه
است. از آثار وی: کتاب «مغنی‌اسقل و عطیة المعثر»، در
اصول و کلام؛ «الاسرار و سرالادکار / الاسکار»، که در آن
بین حقیقت و شریعت جمع کرده است؛ «بقری القفا و
شلمی لنقا»؛ «جمعة الهی عن لمحة المها»؛ «الفرق بین
الصوفی و الفقیه»؛ «تذکره مناهج السالکین»؛ «بلغة فاضل
و عروة بواصل».

الاعلام (۶ / ۱۸۷)، ایضاح المکنون (۱ / ۷۶، ۱۷۶، ۳۶۵)،
۲ / ۱۸۸، ۵۰۱-۵۰۲)، سیر السیلاء (۲۲ / ۱۸۱-۱۷۹)،
شذرات الذهب (۵ / ۱۰۱)، القبر (۲ / ۱۸۸)، لسان المیزان
(۵ / ۶۲۹-۶۳۱)، معجم المؤلفین، ۸ / ۱۹۱-۱۹۲،
النجوم الزاهرة (۶ / ۲۳۲)، الرافعی پالویات (۲ / ۹)،
هدیه‌العربین (۲ / ۱۱۱-۱۱۲).

فخرالکتاب صفیری، محمد باقر. (۱۲۴۰-۱۳۱۰
ش)، خطاط. ملقب به فخرالکتاب. در آذربایجان به دنیا
آمد. تحصیلات متداول زمان را از علمای آن دیار فراگرفت
و در همان وقت به تعلیم خط نیز همت گماشت و از
حوش‌وسان بنام روزگار خود شد. صفیری چندی در
خدمت عظمی خان ذیلی ناصرالسلطان خدمت کرد،
پس با آخر عمر در دستگاه امامعلی میرزا قاجار، سمت
متشی‌گری و پیشکاری داشت. وی در شهرستان مرند
مدفون است. از آثار او، علاوه بر چند مرقع خطی بسیار
ریا و «گاستان» سعدی، یک نسخه «کلیله و دمنه»
بهرامشاهی است که به اشرف‌الدین امیر حسنعلی حاکم امیرنظام

گروسی به قلم بیم دودانگ خوش نوشته، ما رقم «قد
وقع... علی ید الحفیر محمد باقر منشی التبریری هی... سنه
خمس و ثلاثمائة بعد الالف... هزار و سیصد و پنج
محری»

احوال و آثار خوشویسان (۱/ ۹۳-۹۲: ۳/ ۶۵۲)، اطلس
خط (۶۲۹)، تذکره خوشویسان معاصر (۸۲-۸۶)

فخر گیلانی، فخرالدوله حمیدالدین، (۷۳۸-۷۹۲ ق)،
شاعر اصل وی از دیار دیلمان بود. مدتی به هندوستان
رفت و مورد احترام و عزت پادشاهان آنجا قرار گرفت. وی
در سرودن شعر مهارت داشت از اوست:

خواجسته بفزود، ولیکن ز دم
گشت مشغول، ولیکن به شکم
میزبان بود، ولیکن به ریاض
نمانم آورد، ولیکن به دم

آتشکده آذر (۲/ ۸۴۱)، الدرر (۹/ ۸۱۰)، مرهنگ
سختریان (۶۹۱)

فخرالمحققین، محمد تقی - فخر داعی گیلانی

محررالمحققین شیرازی، شیخ محمد هاشم شیخ
الاسلامی، فرزند شیخ المحققین میرزا احمد
اصطهباناتی. (تو ۱۳۲۸ ق)، عالم امامی، واعظ، عارف و
نویسنده در اصطهبانات به دنیا آمد برای فراگیری علوم
اسلامی به شیراز مهاجرت کرد پس از تحصیل معقول و
منقول نه وعظ و خطابه و تألیف پرداخت وی به اکثر
شهرستانهای ایران برای تبیین و نشر مبانی و معارف
اسلامی مسافرت کرد. از آثارش: «بستان معرفت» یا
«کشف کرم شیخ الاسلامی»، در چند مجلد؛ «دانش نامه
شیخ الاسلامی»، در اصول معارف، در پنج جلد؛ «فلسفه
شهادت» یا «امر محبت»، به عربی و ترجمه آن به فارسی.
تدریس (۱۶/ ۳۰۸)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۴۵۵)

فخری خنعتیری - فخر عادل خنعتیری.

فخری قاجار، بیگم جان خاتم، فرزند ناصرالدین شاه.
(۱۲۶۳-۱۳۱۱ ق)، نیکوکار و شاعر، متخلص به فخری
معروف به بالاجه خاتم و ملقب به فخرالملوک این بانو
همه ساله در مسائل خود تولد پدرش شعری می سرود و
نقدیم وی می کرد و مورد لطف و قبول پدر واقع می شد.

فخرالملوک اهل حیرات و میراث پرد و از فقرا و مستمندان
دستگیری می کرد. در قم درگذشت
ریاحین الشریعه (۵/ ۳۶)، شرح حال رجال (۶/ ۱۷۶)
(۱۷۷)، مشاهیر ریان (۱۸۱)

فخری گرگانی، فخرالدین اسعد، (ر ۴۴۶ ق)، شاعر و
نویسنده. ر داستان سرایان برگ ایران و معاصر و مداح
امیر ابوطالب طغرل بیگ محمد بن میکائیل سلجوقی
(۴۵۵-۴۲۹ ق) بود. در دانشهای روزگار خود آگاهی داشته
و زبان پهلوی را نیز می دانسته و از ادبیات عرب نیز آگاه
بوده است. شهرتش به واسطه منظومه عاشقانه «ویس
و رامین» است که به تشویق ابوالفتح مظفر نیشابوری از ریان
پهلوی به نظم درآورد و به نام او در ۴۴۶ ق به پایان برد.

تشکده آذر (۲/ ۸۰۵-۸۰۴)، باکاردان حسه (۶۹-۸۳)،
تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۳۷۰-۳۸۳)، تاریخ گنبد
(۷۲۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۲-۵۱)، دیرالعارف فارسی
(۲/ ۱۸۴۶)، الدرر (۹/ ۸۱۴-۸۱۳)، سخن و سخنوران
(۴۲۸-۳۶۲)، شاعران بی دیوان (۵۲۱-۵۲۰)، شعری
گرگان و مازندران (۲۱۸-۲۲۰)، صبح گلشن (۳۱۳)،
مرهنگ ادبیات فارسی (۵۲۲)، مرهنگ سخنوران (۶۹۲)،
۶۹۲، کربانه بورگان (۵۸-۵۷)، کشف المظنون (۲۰-۲۵)،
گنج سخن (۱/ ۱۸۰-۱۹۱)، گنج و گنجینه (۵۶۰-۵۵۷)،
باب الاکباب (۲/ ۲۴۰)، بحثنامه (دین / فخرالدین، فخر
گرگانی، فخری گرگانی)، مجمع الفصحی (۲/ ۹۳۶-۹۳۳)،
المجمع فی معاییر اشعار العجم (۸۲)، مؤلفین کتب جدید
(۱/ ۵۶۳)، محنت القلم (۳/ ۱۰۵-۱۰۴)، پیمان (ص ۱۰)،
ش ۹، ص ۳۱۷-۳۲۱، ش ۱۰، ص ۴۶۱-۴۶۴.

فخری هروی، سلطان محمد بن امیری، (س دهم ق)،
مترجم و شاعر، متخلص به فخری. در هرات به دنیا آمد و
در اوایل عهد شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) به
قصد زیارت خانه خدا به سند رفت و در ملک ملازمان
میرزا شاه حسین ازخون (۹۲۸-۹۶۲ ق) درآمد و تذکره
«روضه السلاطین» و کتاب «صنایع الحس» را، در صنایع و
بدایع شعری، به نام وی تألیف کرد و پس از درگذشت او به
دربار جلال الدین محمد اکبر شاه رفت و تذکره «جواهر
العجایب» را که قبلاً به نام حاجیه ماه بیگم، همسر میرزا
شاه حسین، تألیف کرده بود با اندک تغییری به ماهم «نکه»،
دایه جلال الدین اکبر شاه تقدیم کرد از دیگر آثار وی: دو
«دیوان» عربی به نامهای: «بوستان خیال» و «تحفة الحبيب».

شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «معار التمهید فی شرح الوجیه» یا شرح «وجیه» مجلسی دوم؛ ۵۵ نوال شعر و شرح آن تحت عنوان «کشف الاسرار فی رموز الاشعار».

الذریعه (۲/ ۱۱۹، ۱۵ / ۳۰۷-۳۰۶، ۱۶ / ۳۱۱-۳۱۰، ۱۸ /

۱۶، ۱۲، ۲۱ / ۲۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ /

۱۳۰-۱۳۱)، مکارم الآثار (۵ / ۱۶۷۱-۱۶۷۲)

فدایی استرآبادی، میر عبدالدین محمد، (س نهم ق)، شاعر. از سادات استرآباد بود که همراه پدر خود به زیارت مکه مشرف شد وی در سرودن شعر توانا بود. در بعضی از تذکرها وی را فدایی تبریزی ذکر کرده اند که البته با فدایی تبریزی سده دهم متفاوت است از رست؛ همیشه روی به دیوار بود مجنون را که از رقیب بیوشد سرشکه گنگون را

آتشکده آذر (۲، ۷۹۲)، تحفه سامی (۷۲-۷۱)، الذریعه

(۹ / ۸۱۴، ۸۱۵)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، بحثنامه

(دیل / فدایی)، مجالس العائس (۸۷، ۲۶۱).

فدایی اصفهانی، میرزا نصرالله، فرزند محمد حسین، (وف ح ۱۳۰۸ ق)، شاعر، متخلص به فدایی ملقب به دولیار جنگ، در حیدرآباد از معلمان زبان فارسی بود که نامه نگاری و سرودن شعر توانا و با معصوم علیشاه لغتی تمام داشت. از آثار وی: «تاریخ حکمرانان همد» مشهور به «ترکانان» در پنج جلد به زبان دری؛ «دیوان عزلیات»؛ «دیوان» قصائد

ربطه (۴ / ۳۱۱، ۳۱۰)، طرائف حقائق (۳ / ۵۰۷، ۵۰۶،

مؤلفین کتب چاپی (۶ / ۵۷۷-۵۷۸)

فدایی تبریزی، (س نهم و دهم ق)، شاعر. از خواجهرادگان تبریز بود و غزل و استادانه می سرود. از دوست

مردم از حسرت و آن شوخ به من رام نشد
جان به ناکام شد و حاصل از او کام نشد
تا به بد نامیم از عشق بر آمد نامی
چه بلاه که نصیب من بدنام نشد

تاریخ نظم و نثر (۷۰۲)، تحفه سامی (۳۱۵)، تذکره روز

روشن (۶۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۵)، الذریعه (۹ /

۸۱۵)

فدایی داغستانی، عباسقلی خان، (س دوازدهم ق)،

«لطایف نامه»، ترجمه فارسی «مجالس العائس»؛ «جواهر المعجیز»؛ در شرح حال بیست و پنج تن از رفاان سختگو؛ «هفت کشور»؛ در تاریخ و اخلاق و افسانه؛ «روضه السلاطین»؛ در ذکر هشتاد نفر از سلاطین و امرا

تاریخ ادبیات در ایران (۲ / ۱۲۹-۱۳۰)، تاریخ تذکره

فارسی (۱ / ۴۱۷-۴۲۹، ۴۳۹-۴۴۰، ۲ / ۱۱۸-۱۲۰)،

دیرة المعارف فارسی (۲ / ۱۸۲۸)، الذریعه (۹ / ۸۱۴)،

روضه السلاطین (مقدمه / ی یح)، مرهنگ سخنوران

(۶۹۳)، فهرست نسخه های خطی فارسی (۲ / ۲۴۶۰،

۲۲۶۱)، کارون هند (۲ / ۹۹۸-۹۹۶)، بحثنامه (دیل /

تخری)، مجالس العائس (مقدمه / کج - ن)، مؤلفین کتب

چاپی (۲، ۷۹۵-۷۹۶).

فدای اردستانی، میرزا سعید / محمد سعید، (ز ۱۲۶۶ ق)، شاعر از سادات حسینی اردستان و از سوادگان حکیم المصنعه، بانی مدرسه و مسجد پیمورد اصفهان بود. در اردستان به دنیا آمد. در جوانی برای تحصیل علوم دینی به عتبات رعت و به تحصیل پرداخت پس از هفت سال به اصفهان بازگشت و در آن سامان به تکمیل علوم ادبی مشغول شد. وی در مدایح ائمه و پیشوایان دین قصایدی سروده است. سرانجام به تهران آمد و در دربار فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار تقرب یافت و در مدح آنها قصایدی سرود. اثر وی «دیوان» شعر می باشد.

تذکره القبر (۳۵۴-۳۵۳)، حدیقه الشمره (۲ / ۱۲۹۶-۱۲۹۹)

الذریعه (۹ / ۸۱۴)، سهیلة السعیرد (۲ / ۲۱۷،

۴۱۸)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، بحثنامه (دیل / فدا)،

مصطفی خراب (۱۳۶-۱۳۷)، نگارستان دارا (۲۴۳-۲۴۴)

فدایی آستانی، سلا اسماعیل / محمد اسماعیل، فرزند محمد هادی، (وف ۱۲۶۲ ق)، عالم، صبه، محقق، متکلم و شاعر، متخلص به فدایی اصل وی از آستان از روستاهای کسار است. در زادگاهش، آستان، علوم مقدمانی را فرا گرفت. در ۱۲۱۷ ق برای تکمیل معلومات ابتدا به بروجرود سپس به اصفهان و همدان رفت، پس از فراگیری علوم و مهارت در فقه و اصول به زادگاهش بازگشت و به وظائف دینی و خدمات اجتماعی مشغول گردید. از آثار وی: «الاشعة البدریة»، در شرح «الاصغریة» محقق کرکی؛ «اللالی»، در اصول و اعتقادات؛ «تقریضات القدسیة فی شرح الرسالة المجسیة»؛ منظومه «العتیدة الوحیدة»، ارجوزة ای در کلام؛ «کناه الطالب»، در

گوید: «درین سال فوت شد»

تذکره نصرآبادی (۲۰۵)، الذریعه (۹/ ۸۱۵)، صبح گلشن (۲۱۲: ۲۱۲)، فرهنگ سخنوران (۶۹۴)، امتحانه (وبل / دتی)

فدایی لاهیجی، شیخ احمد، فرزند شیخ شمس‌الدین محمد. (وف ۹۲۷/۹۷۷ ق)، شاعر و صرفی معروف به شیخ‌زاده. از اکابر سلسله یورنحشیه بود. در شیراز به دنیا آمد و در آنجا به تحصیل علوم متداول رهن خود پرداخت. وی همانند پدرش از مشایخ بنام تصوف بود و پس از انقراض سلسله تیموری (۹۱۳ ق) از ملایمان شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷-۹۳۰ ق) شد و از بجانب وی به عنوان سفیر به دربار سلطان محمد شیبانی رفت. سرانجام گوشه‌نشین شد و در شیراز عزلت‌گزید و همان‌جا درگذشت. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

آسکده نثر (۲/ ۸۲۱-۸۲۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، حجه سامی (۱۰۹-۱۱۰)، تذکره روز روشن (۶۰۹)، الذریعه (۹/ ۸۱۵)، ریاض‌العزمین (۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۹۴)، لغت‌نامه (ذیل / فدایی لاهیجی)، مجالس القائن (۳۸۳)، نامه و نامادریهای کیلان (۳۷۲)، نتایج الانکار (۵۳۲)، هفت اقلیم (۳/ ۱۴۲-۱۴۱).

فدایی یزدی، میرزا سید یحیی، فرزند میرزا محمد علی رافق. (وف ۱۲۸۲ ق)، ادیب و شاعر، متخصص به فدایی. پس از تحصیل علوم دینی به افتخار پدر قدم در وادی شاعری گذاشت. وی به مرض ویا وفات یافت او کتاب «تذکره میکرده» پدرش را به خط خود به تاریخ ۱۲۶۲ ق استنساخ نمود.

حجیه الشعراء (۲/ ۱۳۰۴-۱۳۰۵)، الذریعه (۹/ ۸۱۶)، ریحانه (۶/ ۳۰۳-۳۰۴)، فرهنگ سخنوران (۵۹۴).

قزاق، ابوبکر محمد بن احمد بن حمدون. (وف ۳۷۰ ق)، صوفی. از مشایخ نیشابور بود و با ابوعلی ثقفی و عبدالله سنارلی و ابوبکر شملی و ابوبکر طاهر ابهری و مرتضی صحبت داشت.

تاریخ نیشابور (۱۷۳، ۲۲۲)، طبقات الصوفیه سلمی (۵۰۸-۵۰۷)، طبقات الصوفیه حروری (۵۲۲-۵۲۳)، عبادت‌الاس (۱۹۴-۱۹۵).

شاعر. در دوره اورنگ‌زیب عالمگیر پادشاه (۸۱۰-۸۱۶ ق) به دکن رفت و مورد احترام و عزت اورنگ‌زیب قرار گرفت. در زمان فرخ سیر پادشاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱ ق) در شهر لاهور در کسوت درویشی گوشه‌نشینی انتخاب نمود و مورد احترام نواب عبدالصمدخان قرار گرفت. تخلص وی فلانی نیز ذکر شده است.

تذکره روز روشن (۶۰۹)، تذکره شعرای سیاحت (۲۷۳)، کاروان هند (۲، ۹۹۹).

فدایی شیرازی، رضا علی، فرزند ملا عبدالغفور. (وف ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخصص به فدایی. وی مدتی تحصیل علم کرد و از موسیقی نیز بهره داشت و از راه روضه‌خوانی گذران زندگی می‌کرد. در بدو امر ذاکر تخلص داشت. در حدود پنجاه سالگی به نجف مهاجرت و در آنجا کتابی در «مصائب» تألیف کرد وی در نجف درگذشت صاحب «حدیقه الشعراء»، «دیوان» شعر او را دیده و بیانی چند از او در تذکره خرد نقل کرده است.

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۳۰۱-۱۳۰۳).

فدایی صفوی، رستم میرزا، فرزند سلطان حسین میرزا (وف ۱۰۵۲ ق)، شاعر، متخصص به فدایی. سره‌نشین اسماعیل صفوی بود و مذهب حکومت زمین‌دوار و فکهار را داشت. در ۱۰۰۲ ق به دربار اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۳ ق) رفت و مورد احترام و صرت قرار گرفت و مناصب دولتی به او داده شد. وی در عهد جهانگیر شاه بیهوده‌دار مشاغل دولتی بود. در عهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق) به دلیل بیماری از ملازمت شاه معاف شد و شاه مقرری پیرایش معین کرد که بتواند به فراخ‌خاطر زندگی کند. فدایی دارای ۵۵ دیوان شعر بود.

تاریخ تذکره‌های فارسی (۱/ ۲۷۹-۲۸۰)، تذکره میحان (۸۶۸-۸۶۹)، عالم‌آرای عباسی (۱/ ۴۷۸-۴۸۷)، کاروان هند (۲، ۹۹۹-۱۰۰۳).

فدایی طهرانی، محمود بیگ. (س یاردهم ق)، شاعر، متخصص به فدایی. از یل تکلوه طایفه‌ای از قزلباش، و ساکن تهران بود. بعد از مدتی از مناصب دنیایی عزلت‌گزید و لباس فقر و درویشی پوشید، اما به دلیل آزار و فشار حوشتوانان و سزدیکان که درویشی را برای او سنگ می‌دانستند به اصفهان رفت و به خدمت افشارلوخان درآمد. نصرآبادی در «تذکره» خود (تألیف شده ۱۰۸۳ ق)

فزاء بغوی - بغوی، ظهیرالدین ابومحمد حسین.

چاپی (۴/ ۲۷۰-۴۷۱)

فزاء همدانی، ابو عمران موسی بن سعید بن موسی، (س چهارم ق)، فقیه و محدث. از محمد بن اسماعیل صالح و بشیر بن موسی و یحیی بن عبدالله کرابیسی و ابن شریس و عبدالله بن احمد و محمد بن صالح اشج و همطبقه آنان حدیث شنید. در بغداد حدیث گفت. صالح بن احمد و عبدالله بن ابی زرعه قزوینی و ابوبکر بن مقری اصفهانی و بوالقاسم بن ثلاج (۳۸۷-۴۰۷ ق) و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

تاریخ بغداد (۱۳/ ۵۹)، سیر النبلاء (۱۵/ ۳۰۶-۳۰۵)

فرات یزدی، عباس، فرزند محمد کاظم. (۱۲۷۳-۱۳۴۷ ش)، شاعر، متخلص به فرات. در یزد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطئش به پایان رسانید و برای فر گرفتن فقه و اصول به اصفهان و خم آساک و بعد به تهران آمد و دوره دبیرستان را در دارالمعین به پایان رسانید. وی در ۱۲۹۸ ش که انجمن ادبی ایران تأسیس شد سمت منشی انجمن داشت. سپس در انجمن ادبی حکیم نظامی و انجمن ادبی فرهنگستان عضو گردید. چندی نیرانه تدریس مشغول و نظامت مدارس را عهده‌دار بود. در ۱۳۰۵ ش به استخدام اداره کل ژاندارمری درآمد. فرات از ۱۳۲۵ ش به نشر قسمتهایی از اشعار خود همت گماشت. در تهران درگذشت. در غزل‌سرایی ماهر بود و قسمتی از اشعار هکاهی او نیز با نام مستعار «ابن جنتی» در روزنامه‌ها منتشر شده است. از آثارش: «المرات»، «الرشحات»، «نعمات»، «فقرت»، «المعات»، «نفحات»، «دیون» شعر. ادبیات معاصر (۷۸-۷۷)، مذکور سمنوران بود (۲/ ۶۴۴-۶۵۸) الدرعه (۹/ ۸۱۶)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۵/ ۵۵-۵۴)، سمنوران نامی (۲۸۹-۲۸۲)، سمنوران نامی معاصر (۲/ ۲۵۹۹-۲۵۹۶).

فراری گیلانی - قزازی گیلانی.

فراسیون، سید علی اصغر. (ز ۱۳۴۲ ش)، نویسنده. به زبان فرانسه آشنایی کامل داشت و مدتی مترجم وزارت دارایی و مدتی نیز به وکالت دعاری مشغول بوده است. از آثار وی: «الفبای فرانسه»، یا شرح فارسی، «فرهنگ فراسیون»، «متد فراسیون».

فهرست کتبهای چاپی فارسی (۱/ ۳۱۶)، مؤلف کتب

فراشندی، علیمراد، فرزند حسین. (سو ۱۳۰۰ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار در برازجان به دنیا آمد. دوره ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان فرخی برازجان به پایان رساند. در ۱۳۱۸ ش در اداره فرهنگ بنادر جنوب وارد خدمت شد و در برازجان به تدریس مشغول گشت. در ۱۳۲۴ ش به اداره فرهنگ شیراز منتقل شد. در ۱۳۳۱ ش امتیاز روزنامه «حائت ملت» را گرفت. از آثار وی: «تاریخ و جغرافیای برازجان»، «دکتر مصدق یا جرج واشنگتن ایران»، «فطری به گذشته ایران»، «ایران و ایرانیان»، «آمریکایی‌ها را بشناسید»، «زندانیهای من»، «تاریخ مختصر سلسله قاجاریه»، «انگلیسی‌ها را بهتر بشناسید».

دانشمندان و سخن سرایان ما (۳/ ۷۰۹-۷۰۷)

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۰۱-۶۰۰)

فراغی قاجار، ابوتوب میرزا، فرزند حاجی محمد ولی میرزا، فرزند فتح‌محمدی شاه قاجار. (سر سیزدهم ق)، شاعر، مستخلص به فراغی. نمونه اشعارش در «حدیقه الشعراء» آمده است.

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۳۰۵)

فراقی تهریزی. (وف ۹۳۶ ق)، خواننده، موسیقیدان و شاعر، معروف به حافظ چرگر. اهل تبریز و خواننده بود و از همین رو به او چرگر گفته‌اند که به معنی خنیاگر است. فراقی در آواز استاد بود و هجو و غزل نیز می‌سرود. شعاری از او به جا مانده است.

تاریخ نظم و شعر (۶۹۵)، تاریخ موسیقی (۱/ ۳۲۲)

دانشمندان آذربایجان (۱۰۳)، ترجمه سامی (۱۲۱)

الدریعه (۹/ ۸۱۶)

فرامرزی، احمد، فرزند عبدالواحد. (سو ۱۲۶۸ ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. در روستای کجویه فرامروزان در توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجدداً مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تهارت مشغول گشت و در ۱۳۰۱ ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در ۱۳۲۴

ست

حدیده اشعر، (۱/ ۱۲۶-۱۲۷)، گنج شیگان (۱۳۲)
(۱۳۶).

فراهانی، میرزا سید عی اکبر، فرزند علی، فرزند
یو القاسم قائم مقام، (۱۲۶۹-۱۳۲۹ ق)، نویسنده. در
قصه ساروق از محال فراهان به دنیا آمد. در پنج سالگی به
همراه پدرش به تهران آمد. وی در تحصیل علوم کوشید و
توانست در مذهب رمانی کوتاه از علوم معقول و مستقول
بهره‌های زیادی ببرد. در ۱۲۹۰ ق به مکه مشرف شد و در
سراجعت در وزارت خارجه به سمت بیات مشغول
خدمت گردید. پس از پنج سال به تبریز عزیمت کرد و در
دستگاه ولیعهد مشغول شد. در ۱۳۰۰ ق که پدرش وفات
یافت به تهران آمد و به سمت ساقی خویش، بیات در
وزارت خارجه، مجدداً منصوب شد. از آثار وی: «جهان
جهان»، به طرز گلستان سعدی

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۰۸۶)، مؤلفین کتب
چاپی (۴/ ۵۲۰-۵۲۱).

فرج‌الله، (من سیردهم ق)، خطاط از آثار وی: یک قطعه
مذهبی تسخ کتابت خوش، با رقم: «حروه لرح‌الله»
احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۲۰)

فرج‌الله، (من سیردهم ق)، سازنده ساز، از معروفترین
سازندگان کمانچه، سه تار و بخصوص تار است. تارهای
ساخت از سرشناسان بعد قرار گرفت و تارهای
معروف به حسینی از کار این استاد تقلید شده است. او و
نایب اسدالله با هم به تهران آمدند و استاد فرج‌الله در
دارالضایع کارگاه داشت و غیر از سه تار و تار سستور نیز
می ساخت.

تاریخ موسیقی (۳/ ۵۹۳)، سرگذشت موسیقی (۱)
(۱۶۹)، مردان موسیقی (۲/ ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۸۴)

فرج شوشتری، مولانا فرج‌الله، (من یاردهم ق)، شاعر
نزد میر تقی‌الدین قسبه شیرازی (م ۱۰۱۸ ق) به فراگیری
علم پرداخت. در زمان سلطان عبدالله قطب شاه (۱۰۳۵-
۱۰۸۳ ق) به حیدرآباد دکن رفت و از ملازمان وی گردید و
صاحب منزلت و ثروت شد. او به فارسی و عربی شعر
می سرود. نصرآبادی «دیوان» شعر او را در حدود چهار
هزار بیت ذکر کرده است.

ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند
دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در
۱۳۰۶ ش به همراه برادرش محله «تقدم» و بعد از شهریور
۱۳۲۰ ش روزنامه «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. ز آثار
او «چرا فرانسه شکست خورد؟» ترجمه «نتایج سیاسی
جنگ بین‌المللی» رمزی میور؛ ترجمه «انگلیسی‌ها در
«نگلستان» حافظ عقیقی؛ ترجمه «تاریخ تشکیلات سیاسی
و قانونی و قضایی و اقتصادی» رکی عبدالمتعال؛ «تاریخ
صومعه» «تاریخ کوریت».

تاریخ حرید (۲/ ۱۳۲-۱۳۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان
فارسی (۴/ ۷۴-۷۵)، رنگینامه رجال و مشاهیر (۵/ ۵۶-
۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۳۰-۴۳۱).

فرامرزی، عبدالرحمن، فرزند عبدالواحد، (۱۲۷۵-
۱۳۵۲ ش)، شاعر، ادیب، نویسنده، مترجم و
روزنامه‌نگار. وی در قریه کجویه فرامرزان لار به دنیا آمد.
پس از تحصیل علوم مقدماتی در زادگاهش به اتعای
خوانده به بحرین رهسپار گردید و برای تکمیل تحصیلات
به چند کشور عربی مسافرت کرد و پس از چندی به بحرین
بازگشت و به تدریس در مدرسه ایرانیان پرداخت. سپس
به ایران بازگشت و در تهران به خدمت وزارت فرهنگ
درآمد و به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت، اما
چندی طول نکشید که از این کار دست کشید و به
روزنامه‌نگاری روی آورد و بیست سال سردبیری روزنامه
«کیهان» را عهده‌دار بود. وی در دوره‌های ۱۵ و ۱۶ از
طرف مردم لار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب
شد. از آثار او «راه زندگی»، «داستان دوستان»، «مجموعه
داستان»، «مجموعه مقالات فرامرزی»، «دستور زندگانی»،
ترجمه «سرگذشت یک پدیده» ترجمه

ایمنده (من ۸ ش ۵ ص ۳۴۰-۳۴۲)، محبوبان نامی
معاصر (۴/ ۲۶۰۳-۲۶۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۱۶-
۸۱۶)، نخبگان سیاسی (۴/ ۵۴۲)

فراهانی، میرزا اسحاق، فرزند میرزا حسن، (۱۲۷۳
ق)، شاعر، برادرزاده میرزا ابوالقاسم قائم مقام مود و به
چندین واسطه نسب آنها به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد.
در کودکی پدر خویش را از دست داد و تحت حمایت پدر
بزرگ و همیش تربیت شد و عهده‌دار مشاعر محته
دولتی گردید. پس از قتل قائم مقام در قم کتب عزت‌گزید
دیران یکی در «حدیقه‌اشعرا» نمونه شعر او را آورده

قدشخانه سطحی را بر عهدۀ داشت. فرخ بیگ در کهنسالی نیز تصویرگری می‌کرد و تا هفتاد سالگی قدرت قلمش پدیدار بود. از شاگردان معروف وی فرخ جیل و فرخ حرد بودند. فرخ بیگ در شبیه سازی قدرت تمام داشت. در هنر چهره پردازی نیز ماهر بود. همۀ کارهای وی تک چهره سازی و شبیه پردازی بود و در جانور و پرندۀ سازی و آرائه دشت و دمن و گل و گلزار و تذهیب و حل کاری و آرایش صحنه ها و نقاشی، نیز قلم بود. فرخ بیگ در ۱۰۲۳ ق هجری می‌زیست. از آثار او، تصویر شاهزاده جوانی که کلاه عمامه ای پر دار به سر گذاشته، با رقم: «کمترین بنده ها فرخ مصور»؛ تصویر استادانه دریش پیری که عبای تیره و بندنی به تن کرده و چنین رقم نهاده: «رقم فرخ بیگ در سن هفتاد سالگی کشیده»؛ تصویر شاهزاده هندی که در یک دست طوطی گرفته و در دست دیگر گلی را نشان می‌دهد، با رقم: «عمل فرخ بیگ»؛ مینیاتور استادانه و پر مهارت تصویر پیرمردی که روی صندلی بافت حصیری نشسته است، با رقم: «عمل نادر العصر فرخ بیگ در سن هفتاد سالگی مرقوم ساخت... در سنه ۱۰۲۳ جلوس ۱۰۲۳ هجری».

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۰۹-۵۰۳)، عالم آرای عباسی (۱۰۲/ ۱۷۶)، گلستان هنر (چهل و پنج، ۱۲۹)، هنر (۲۴).

فرخ خانم، فرزند نجفقلی میرزا، فرزند حسینعلی میرزا فرمانفرما (من سیزدهم ق)، شاعر، وی از مرندزادگان فتحعلی شاه قاجار و نرۀ حسینعلی میرزا فرمانفرما بود. از اوست.

رُفَعُ سُلْسُلٍ بِرُخِ أَفْشَينِ
أُزْلِفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُحْتَقِنِ

حقیقه الشعر (۳/ ۲۱۸۷)، منامیر زبان (۱۸۲-۱۸۳).

فرخ خراسانی - فرخ مشهدی.

فرخ زند، محمد حسن خان، فرزند صمیم‌راد خان زند. (مقتول ۱۲۴۲ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به فرخ، مشهور به خانلرخان و معروف به فرخ زند. از نوادگان دختری محمد حسن خان قاجار بود. پس از فتح شیراز و قتل عام طایفۀ زند به دست آغا محمد خان قاجار، به دلیل غرضناویدی نزدیک از قتل رهید و بعدها در دربار آغا محمد خان و فتحعلی شاه مقرب شد، تا آنجا که در

مذکرۀ نصرآبادی (۳۳۵-۳۳۴)، المومنه (۸۱۸-۱۹)، سرور آزاد (۵۹۶)، صبح گلشن (۳۱۵-۳۱۴)، فرهنگ سخنوران (۶۹۶)، گزوان هند (۱۰۰۳-۱۰۰۲)، مرآت المصاحبه (۶۶۲-۶۶۳)، نتایج الادکار (۵۲۳-۵۲۲).

فرخ شوشتری - فرخ شوشتری

فرخ، سید مهدی، فرزند سید محمد مستوفی سادات تهرنی. (۱۳۰۴-۱۳۹۲ ق)، مورخ و نویسنده ملقب به متین السطی و مستقیم السلطنه. پس از پایان تحصیلات خود در مدرسه علوم سیاسی، در وزارت خارجه مشغول خدمت شد. وی پس از آن عهده دار مشاغل مختلفی گردید و به استانداری و وزارت و سفارت رسید و مدتی ستانور شد. از آثار وی، «تاریخ مختصر افغانستان»؛ «نظری به مشرق»؛ «تاریخ سیاسی افغانستان»؛ «یک سال در چین»؛ «مخاطرات سیاسی فرخ»؛ «شجره خبیثه»؛ «رنگینه رحال و مشاعر» (۵/ ۶۳-۵۸)، شرح حال رحال سیاسی و نظامی (۲/ ۱۰۸۵-۱۰۸۲)، فهرست کتبه ای چاپی فارسی (۱/ ۷۱۴، ۷۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۴۱۸-۴۱۷).

فرخ اصفهانی، میرزا کلیعی. (من سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، اجدادش از کارمندان جزء دیوانی بودند. وی چندی به سیاحت و پیله وری پرداخت، ولی پس از مدتی به کارهای دیوانی روی آورد. فرخ در انجمن شعرای اصفهان شرکت می‌جسته و دیوان بیگی او را در ۱۳۱۲ ق در این انجمن ملاقات کرده است. راوست.

اگر تو تیغ رسی من سپر نیمه دارم
که طالبان ولا از بلا نپندیشند

حقیقه الشعر (۲/ ۸۱۳-۸۱۲).

فرخ بیگ مصور. (۹۵۴-۱۰۲۴ ق)، نقاش. وی گرجی راده نره مسلیمی بود که در گرجستان به ارباب آمده بود و در هر مورد علاقه خود پیشرفت فراوان کرد. وی با برادرش سیاوش بیگ تحت حمایت شاه طهماسب صفوی قرار گرفت و در دربار سلطنتی اجر و قریب پیدا کرد و سپس در جرگه معتمدان سلطان حمزه میرزا ولیعهد درآمد. وی گوی در ۹۹۶ ق به هند رفت و چون نقاش زبردستی بود در دربار سلطنتی اکبر شاه نیز راه یافت. در زمان جدیدگی نیز مورد اصرار و احترام بود و ریاست

د، فرخ، سیاوش، پوسان، وه آزاد مردان، وهرامشاه و دیگران می باشد.

تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۲۸۷-۲۸۶)، نمدن
ساسانی (۱/ ۲۱۹-۲۲۰)، ریان پهلوی (۲۹-۲۸)

فرخ مشهدی، سید محمود، فرزند سید احمد
جواهری. (۱۲۷۵-۱۳۶۰ ش)، مصحح و شاعر، مخلص
به فرخ در مشهد به دنیا آمد. پدرش از ادیبان خراسان بود.
علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه آن شهر و فنون ادب را
در محضر شیخ محمد حسین مسزوری و پدر خود
آموخت و در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت. وی
دارای مشاعل مختلفی از جمله: ریاست دفتر آستان
قدس رصوی، نمایندگی مردم قوچان در دوره های
دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی بود. فرخ در
۱۳۲۳ ش به ازبکستان سفر کرد. از آثارش: «سفینه فرخ»،
تصحیح «مجموع فصیحی»، تصحیح کتاب «روضه خلده»
مجد خوانی، «خلاصه احوال و منتخب آثار اوحدی
اصمعی».

آیینه (س ۷ ش ۴، ص ۳۳۱-۳۳۰)، ادبیات معاصر
(۷۸-۷۹)، زندگی نامه رجال و مشاهیر (۵/ ۶۷-۶۸)،
سخنران نامی (۱/ ۲۹۰-۲۹۹)، سخنران نامی معاصر
(۴/ ۲۶۱۸-۲۶۲۳)، صدف (۵۳۳-۵۳۲)، صد سال نمر
خراسان (۴۳۱-۴۳۰)، فرهنگ سخنران (۶۹۷)، مؤلفین
کتاب چاپی (۶/ ۷۱-۷۲)

فرخنده ساوجی، فرزند محمدکاظم خان. (س
سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. وی همسر میف لشکر
خنج بود که در قریه عبدالله آباد نزدیک ساوه زندگی
می کرد. فرخنده از کودکی شعر می سرود و در اواخر عمر
گویا نابینا شد اما این عارضه او را از شعر گفتن باز
سداشت. قصیده و غزل را نیکو می سرود. از آثارش،
«دیوان» شعر که با مقدمه ای از افخم السادات سلطانی به
چاپ رسید و مشتمل بر سه مجموعه شعر: «ساقی نامه»،
«گل و بیل» و «خدیجه» می باشد.

اربابه تا بدین (۱۷۹-۱۸۳)، اندیشه نگاران زن در شعر
مشروطه (۹۹)، الذریعه (۹/ ۸۱۹)، فرهنگ سخنوران
(۶۹۸)، مشاهیر زنان (۱۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۸۱۰)

فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوع. (وف

شورش عباسقلی خان، پسر ابراهیم خان، در کرمان، از
طرف فتحعلی شاه مأمور شد، که به کرمان رود و عاقبت
قار را به او گوشزد نماید. وی سرانجام در هنگام بازگشت
از کرمان در منطقه ای به نام پاعین، در نزدیکی کرمان،
بوسیله افراد عباسقلی خان به قتل رسید. در بیشتر مآخذ
وفات فرخ در ۱۲۳۷ ق ذکر شده که ظاهراً اشتباه است. از
آثار وی «دیوان» شعر می باشد. به گفته محمود میرزا قاجار
در «مسیب المحمود»، فرخ رند بر علوم ریاضی و هندسه
بیز مسلط بوده و به حکم فتحعلی شاه کتابی در این رسبه
تألیف نموده است. همچنین گفته، که فرخ در طبابت نیز
دست داشته است. از دیگر آثار وی می توان به مثنوی
«جمشید و خورشید» اشاره کرد.

اسرار و آثار خوشویسان (۱/ ۱۷۴)، تاریخ عضدی
(۱۸، ۱۱۰، ۱۱۱)، حدیقه لشعراء (۲/ ۱۳۱۲-۱۳۰۸)،
الذریعه (۵/ ۱۳۳، ۹/ ۸۱۹-۸۱۸)، رحمانه (۲/ ۳۱۸-۳۱۷)،
سفینه المحمود (۱/ ۱۱۷-۱۲۳)، شرح سال
رجال (۵/ ۹۲)، مجمع الفصحا (۵/ ۸۰۶-۸۰۷)، مسیبه
حزب (۱۳۹-۱۴۰)، نگارستان دار (۱/ ۱۱۸-۱۲۰)

فرخ قاجار، فریدون میرزا، فرزند عباس میرزا
نایب السلطنه. (وف ۱۲۷۰-۱۲۷۲ ق)، شاعر مخلص به
فرمان فرما وی در اغلب سفرهای پدرش، عباس میرزا،
همراه بود. پس از به پادشاهی رسیدن محمد شاه به
فرمان فرمایی فارس منصوب شد. سپس ولایت خراسان
یافت و به سرکوبی خوانین ترکمان پرداخت و بالاخره در
مشهد از دنیا رفت. اثر وی «دیوان» شعر می باشد.

حدیقه لشعراء (۲/ ۱۳۱۲-۱۳۱۶)، الذریعه (۹/ ۸۱۹)،
شرح حال رجال (۳/ ۹۲-۹۹)، مجمع الفصحا (۱/ ۹۰-۹۵)

فرخ مروجهرمان، فرزند بهرام. (س سوم ق)، نویسنده،
وی نویسنده مجموعه «مغنی» «ماتیکان هزار داستان»
یمی مجموعه «گزارش هزار فتوی قضایی» است که
بیشتر مربوط به نوانین همدی می باشد. امروزه از این
مجموعه که یکی از معتبرترین مدارک قضایی زمان
ساسانی محسوب می شود، تنها یک نسخه خطی ناقص
باقی مانده است. این کتاب بیشتر نمایانگر وضع دوره
ساسانی تا عهد اسلامی است و شامل بسیاری از واژه های
قضایی معمول و متداول زمان و آراء و فتاری پیچیده و به تر
از حقوق دینها و قانون شناسان درجه یک از قبیل وهرام،

نماینده مجلس شد؛ ولی بعدها به دلیل فقدان امنیت جانی به مسکو و از آنجا به آلمان گریخت و در برلین که مرکز مهاجران ایرانی بود مقالات تنذی در روزنامه «پیکار» منتشر کرد که باعث اخراج وی از آلمان گردید. فرخی پس از اخراج به خواهرش تیمورتاش به ایران بازگشت؛ ولی پس از مدتی اقامت در ایران دستگیر و زندانی شد و سرانجام در بیمارستان شهربانی تهران درگذشت. وی روزنامه‌نگار و شاعری توانا، ملی و سیاسی بود که خود را عاشق آزادی می‌نامید و در تمام اشعار خود از این عشق مقدس دفاع و حمایت می‌کرد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

آینده (س ۱۷، ش ۸۵، ص ۵۲۲)، از نیما تا روزگار ما (۵۰۴-۵۰۳)، تاریخ جراید و مجلات (۱۸۶-۱۶۸/۲)، تذکره سخنوران یزد (۶۳۱-۶۳۲)، چون سبزی نشسته (۷۱-۷۰)، دیوان فرخی (مقدمه)، اندیشه (۸۲۰/۹)، سنگینه رجان و مشاهیر (۷۴۰-۷۴۱/۵)، سخنوران نامی (۳۲۶-۳۱۳/۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۳۲/۲)، ۲۶۳۷، شخصیت‌های نامی (۲۶۹-۲۶۸)، شرح حال رجان سیاسی و نظامی (۸۵-۸۷/۲)، موهبت کتب جامی (۶۶۰-۶۵۹/۵)

فردوس، قدرت‌الله، فرزند تقی، (ص ۴۰۰)، (ص ۴۰۰)، نویسنده ۱۳۰۶ ش جزو محصلین احرامی ارتش به فرانسه عزیمت نمود. تحصیلات خود را در دانشگاه ماسی در رشته مکتب به پایان رساند و همچنین در رشته علوم سیاسی گرفت. در رشته تخصصی تومیلیر مدت یک سال، در کارخانجات فرانسه و آلمان، به مطالعه علمی پرداخت. در ۱۳۱۳ ش به ایران مراجعت کرد و در تویخانه شد هوایی به خدمت مشمول شد و در دانشکده افسری به تدریس رشته اتومبیل پرداخت. چند ماه هم به ریاست اداره راهنمایی و رانندگی مأموریت یافت. او آگار وی، «تعمیمات کامل رانندگی»، «رانندگی اتومبیل»، «راننده و اتومبیل»، «مولودهای دیوان»، «مکتبیک اتومبیل»، «سهرت کنایای چایی فارسی (۱/۹۱۶، ۲/۱۶۲۲-۱۶۲۳، ۳۱۰۲)، مؤلف کتب چاپی (۴/۲۰۹۱۱، ۹)

فردوس مطریه، (س ششم)، شاعر از زنان شاعر سرقد بود و در دوره سلطان محمد خوارزم‌شاه (۵۹۶-۶۱۷ ق) می‌زیست. مطریه زمانی که محمد خوارزم‌شاه، سلطان عور را شکست داد مطلع ریر را در مدح سلطان سرود

۴۲۹ و)، شاعر. اهل سیستان بود. در جوانی برد یکی از دهقانان سیستان به کار مشغول شد سپس به دربار چغان رفت و با سرودن قصیده‌ای، در شمار شاعران دربار چغانی درآمد و مورد توجه ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی قرار گرفت. وی بعدها به دربار محمود غزنوی راه یافت. فرخی در سفرهای جنگی به همراه سلطان محمود می‌رفت و کشورگشاییهای او را توصیف می‌کرد. وی از علوم ادبی و موسیقی اطلاعات کاملی داشت. در جوانی درگذشت. اثرش «دیوان» شعری است مشتمل بر قصیده، غزل، قطعه و ترجیع بد در تذکرها، نام پدر و جملوع، قلوع و جملوع ذکر شده است.

اشکده آذر (۲۲۵-۲۲۶)، با کربان حد (۵۴۲۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/۵۳۱-۵۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۳۸)، تذکره الشعراء (۶۵۶۳)، چشمه روشن (۲۵/۶۰)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۱۸۶۸)، اندیشه (۹/۸۱۹-۸۲)، ریحانه (۴/۳۱۸)، سخن و سخنوران (۱۱۳۴-۱۱۳۵)، سبزی در شعر فارسی (۲۲۱-۲۲۲، ۲۴۲-۲۴۳)، فرهنگ سخنوران (۶۹۸)، الکسی والاقاب (۲/۲۰)، نیاب‌الالیاب (۲/۵۰-۴۷)، لغت‌نامه (دیوان/فرخی)، مجمع الفصحی (۲/۱۱۰۲-۱۰۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۳۳-۱۳۳۱)، هفت انبیا (۱/۲۹۸۷-۲۹۸۸)، دانشهای قریبی (۶/۱۰۰)

فرخی یزدی، میرزا محمد، فرزند ابراهیم، (۱۲۶۷-مقتول ۱۳۱۸ ش)، شاعر. در یزد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه مرسلین انگلیسی یزد به پایان برد. شاعری را از دوران مدرسه آغاز کرد. پانزده ساله بود که به علت سرودن اشعاری از منبر به اخراج و چندی به کارگری مشغول شد تا در اوان مشروطیت به گروه آزادی جوان پیوست. در فوریه ۱۲۸۹ در مسقطی خطاب به حاکم یزد او را مورد انتقاد قرار داد و در پی آن به دستور حکمران نان وی را با یخ و سوزن دوختند و به زندانش انداختند. یکی دو ماه بعد به تهران گریخت و به صف مبارزان ملی پیوست. در ۱۳۰۰ ش روزنامه «طوفان» را منتشر کرد؛ ولی این روزنامه تا سال هفتم پانزده بار توقیف شد. تا اینکه در سال هشتم محله همتگی «طوفان» را جایگزین روزنامه «طوفان» نمود. وی در ۱۳۰۶ ش جزو هیاتی برای شرکت در جشن دهمین سال انقلاب اکبر به روسیه رفت و اشعاری در این زمینه سرود و سفرنامه‌ای هم نوشت. فرخی در دوره هفتم مجلس از طرف مردم یزد

شاهان را تو عبوری به ناسات بحسب
مسندة بهرزه از کف حیات بحسب
ز اسب پیاده گشت و بر پنهان کرد
بیلان به سو شاه داد و از مات بحسب

تاریخ گریده (۲۰۶، ۷۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۴)، رنات
سنورد (۲/ ۲۰۶)، مشاهیر رنات (۱۸۳).

فردوسی، ابوالقاسم منصور بن حسن،
۳۲۹/۳۳۰-۴۱۱/۴۱۶ ق)، حکیم و شاعر. در قریه بازاری
ناحیه طبران طوس در خانواده دهقانی به دنیا آمد و در
طوس نشو و نما یافت. وی در ابتدا زندگی مرفه و
آسوده‌ای داشت، ولی بر اثر گذشت زمان و صرف سرمایه
خوشی در راه اتمام «شاهنامه» و ضعف عمومی طفله
دهقانان، در اواخر عمر تنگدست شد. فردوسی بر ادبیات
عرب و فلسفه و کلام نیز تسلط داشت. وی سراسر عمر را
در وطن خویش طوس گذراند و جز یکی دوبار به سفر
رفت. او علاقه وافری به ایران و ایرانیان داشت، لذا به
محض آگاهی از کار ناتمام دقیقی هوسایی که به کار نظم
«شاهنامه» پرداخته بود، در صدد برآمد که آن را به پایان
برساند. فردوسی در سرودن «شاهنامه» گذشته از روح
وطن خراسانی و احساسات میهنی، کما بیش به موقعیت
داشته است که بعضی از آنها را نام می‌برد. وی پس از تمام
«شاهنامه» به احتمالی، خود آن را از طوس به هرات برد و
به سلطان محمود تقدیم کرد، تا هم از این راه آسایشی در
ازدحام زندگی خود بیابد و هم از رهگذر نام محمود و نفوذ
او، اثر کتابش یا توفیق بیشتر همراه باشد و از گزند حوادث
در امان بماند، ولی بر خلاف انتظارش مورد توجه و محبت
محمود قرار نگرفت. شاید به دلایل اختلاف مذهب شاعر
و شاه و حسد و سعایت شاعران درباری بود که پادشاه
خرنوی چنین رفتاری با شاعر نمود. فردوسی بعد از
ملایمات محمود خرنوی عمر زیادی نکرد و زندگی را
بدرود گفت. قبر وی در طوس مشهود است. او با سرودن
«شاهنامه» زبان فارسی را مستحکم کرد و «شاهنامه» را
شتاسنامه قوم ایرانی فرد داد. «شاهنامه» حدود پانجاه
هزار بیت و بزرگترین حماسه تاریخ بشر و یکی از گنجهای
پر ارزش فرهنگ و ادب فارسی است که در مدت سی
سال سروده شده و بیشک اکثر منظومه‌های تاریخی و
حماسی بعد از آن از «شاهنامه» متأثر شده‌اند. در مورد
نام، نام پدر، کنیه، لقب، سال تولد و وفات وی در تذکره‌ها
اقوال متفاوتی به چشم می‌خورد که به آورده دکتر صفا

که برترین قون همان است که ذکر شد

افشکده آخر (۲/ ۳۷۵-۳۹۰)، با کاروان حد (۲۵۳۵)،
تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۵۲۱-۴۵۸)، تاریخ ادبی ایران،
برون (۱/ صفحات منمده)، تاریخ گریده (۷۲۳)، تاریخ
نظم و نثر (۲۹۱-۳۹)، تذکره الشعراء (۶۲۵۷)، چشمه
روشن (۲۴-۲۷)، چهارصد شاعر پارسی‌گوی (۶۸۵)،
۷۰۲)، حماسه سرایی در ایران (۲۸۶-۱۸۳)، دبیره
المعارف فارسی (۲/ ۱۸۷۲-۱۸۷۳)، الذریعه (۹/ ۸۲۳-۸۲۱،
۱۳/ ۲۰۱۶، ۱۹/ ۳۲۸-۳۲۷)، روضه
الاصحاح (۱۱-۱۲)، ریاض العارفين (۲۲۳-۲۲۲)، ریحانه
(۴/ ۳۲۲-۳۱۸)، سخی و سخنوران (۱۱۲-۱۱۱)، شاعران
پرس (۲۹۹-۲۰۶)، شخصیت‌های نامی ایران (۳۷۰-
۳۷۱)، سرخ حال رجال (۲۳۵-۲۴۷)، فرهنگ ادبیات
فارسی (۳۷۱-۳۷۲)، فرهنگ سخنوران (۶۹۹-۷۰۱)،
گنج الفنون (۱۰۲۵-۱۰۲۶)، الکشف والایات (۲/ ۲۲-۲۰)،
گنج سخن (۱/ ۱۱۱-۱۱۰)، لغت نامه (دیل/ ۲۰-۲۱)،
فردوسی، مجالس السؤمین (۲/ ۵۸۶-۶۰۹)، مجمع
القصص (۲/ ۹۴۸-۱۰۵۴)، مجمل قصصی (دیل/ سال
۴۱۶)، مؤلفین کتب چاپ (۱/ ۲۶۸-۲۷۱)، وایع السنین
و الاغوام (۲۳۹)، هدیه الاحیاء (۲۱۰-۲۱۱)، هفت اقلیم
(۲/ ۱۹۸-۲۰۲)، یادداشت‌های فردوسی (۵/ ۱۹۲-۱۹۹)،
یادگار (س ۴، ش ۹-۱۰، ص ۸۸۸).

فردوسی ثانی، محمد علی خراسانی، (س دوازدهم
ق)، شاعر. به گفته «الذریعه» او نسب خود را به فردوسی
طوسی می‌رساند. از ملازمان نادر شاه (۱۴۸-۱۱۶۰ ق)
بود و همراه وی به هند رفت و منظومه‌ای حماسی سرود و
آن را «نادر شاه‌نامه» یا «شاهنامه نادری» نام نهاد که در ذکر
احوال نادرشاه و شرح پیروزیهای او می‌باشد. این کتب
توسط احمد سهیلی خوانساری، در ۱۳۳۹ ش، در پنج
هزار و سیصد و سیصد بیت به چاپ رسید. دکتر صفا، اثر
وی را تحت عنوان «منظومه نادری»، در هفت هزار و
پانصد بیت ذکر می‌کند.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۵۸۴-۵۸۳)، حماسه سرایی در
ایران (۲۶۹)، الذریعه (۹/ ۱۰۰۱-۱۰۰۲)، منظومه‌های
فارسی (۴۲۷)، مؤلفین کتب چاپ (۳/ ۳۲۲-۳۲۳).

فردوسی فراغانی، اسماعیل، فرزند محمد جواد، (تو
۱۲۸۲ ش)، مترجم و شاعر. در قریه ابراهیم آباد از توابع
اراک به دنیا آمد. وی مدت بیست و شش سال به تحصیل

فرید، سید احمد، (۱۲۹۱-۱۳۷۳ ش)، استاد دانشگاه و فیلسوف، اصل وی از یزد بود. از دانشگاه سوربن موفق به خد دکتری فلسفه شد. مسالها در دانشگاه تهران به تدریس فلسفه اشتغال داشت و پس از بازنگشتن به مدت چند سال در انجمن حکمت و فلسفه به تدریس اصول و مبانی فلسفه پرداخت. دکتر فرید با زبانهای عربی، فرانسه و آلمانی آشنا بود و اصطلاح معروف عربزدگی که بسیار شایع شده است از دوست. از آثار وی «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، با مشارکت عبدالحمید گنشی.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۷۵۲)، مؤسسه کتب

چاپی (۱/ ۲۳۲-۲۳۱)، نشر دانش (ص ۱۵)، ش ۱ و ۲،

ص ۸۲

فردی شیرازی، صفرعلی بیگ رند، (ص سیزدهم ق)، شاعر، متخصص به فردی، از اعیان رندیه و مردی یا کمان بود که به سلک درویشی درآمد. صاحب «تنگرستان دارا» با وی معاصر و همصحبیت بوده است. اثر وی «دیوان» شعر می باشد.

دانشندان و سخن سرایان فارسی (۲/ ۹۲)، سفینه

المحمود (۲/ ۵۷۴-۵۷۳)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱)،

(۷۰۰)، مجمع النصوص (۵/ ۸۰۵)، مرآت القضاة (۲۶۶)،

(۲۶۷)، معطیة خراب (۱۳۱-۱۳۲)، نگارستان دار

(۲۴۳).

فرزاد، مسعود، فرزند حبیب الله، (۱۲۸۵-۱۳۶۰ ش)، شهر، نویسنده، محقق، مترجم، ستاد دانشگاه و مصحح در سندج به دنیا آمد. در کودکی به اتفاق خانواده از کردستان به تهران مهاجرت کرد و در این شهر سکونت اختیار نمود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، دوره متوسطه را در دارالفنون به اتمام رسانید و با زبان انگلیسی آشنایی کامل یافت. فراد از آن پس به استخدام وزارت دارایی درآمد و به عنوان مترجم مشغول کار شد و در ۱۳۰۸ ش سرانجام مایر محصلین اعزامی به اروپا به لندن رفت و در رشته اقتصاد به تحصیل پرداخت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت خارجه به عنوان مترجم به خدمت مشغول شد و در ضمن در دانشکده اسیری و دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. فراد یکبار دیگر به لندن سفر کرد و در آغاز جنگ بین الملل دوم از طرف بتگاه رادیو لندن برای بخش فارسی و ادبی آن

پرداخت. تحصیلات مقدماتی را در رادگاه خود به پایان رسانید. از آن پس برای ادامه تحصیل به شهر قم عزیمت کرد و در حوزه علمیه به تحصیل اشتغال ورزید. پس از آن در اداره ثبت اسناد و املاک به خدمت مشغول شد. در ۱۳۲۸ ش به تهران انتقال یافت و در این شهر ساکن شد. از آثار وی: «اسلام و هیئت»، ترجمه، «کمال آتاتورک»، ترجمه

ردگیناله رجال و مشاهیر (۵/ ۸۱-۷۵)، سخنوران سنی

معاصر (۴/ ۲۶۰-۲۶۰)، فهرست کتابهای چاپی

فارسی (۱/ ۲۲۱، ۲/ ۲۶۷)، مؤسسه کتب چاپی (۱/

۶۰۵-۶۰۶)

فردی اردبیلی، (ز ۹۸۹ ق)، شاعر، متخصص به فردی، اهل اردبیل بود و در آنجا تعلیم و تربیت یافت. مدت بیست سال عمر خود را میان شعر و فصلا و دانشمندان گذراند. در سرودن شعر طبعی لطیف داشت و در شاعری او را با قیدی شیرازی همطراز می دانند. فردی در ۹۸۹ ق برای تکمیل علوم قصد شیراز کرده بود به کاشان رسید و مدتی در میان شخصیتهای علمی آنجا به سر برد. آنجا اوست.

در کوی سلامت ز پی دیداری

شادم به جمعی سیب آرازی

صدشکر که از دولت جان سختی خورش

شمرنده نیم ز محنت او باری

تاریخ نظم و نثر (۲/ ۷۰۲)، تذکره روز روشن (۱۶۱)، تذکره

شعراي آذربایجان (۱/ ۱۰۷-۱۰۴)، دانشمندان آذربایجان

(۲۹۶)، الذریعه (۹/ ۸۲۳)، سخنوران آذربایجان (۷۱-۷۲)

فرهنگ سخنوران (۷۰۱).

فردی تبریزی (ص دهم ق)، شاعر، متخصص به فردی وی علاقه مند بود و به معنی و شعر نیز می پرداخت. در اواخر عمر شغل علاقه مندی را کنار گذاشت و از صلاحیت دیبایی نیز فارغ شد و سر و پا برهنه می گشت. اوست

سواد خط تو دیوانه ام بدین سان کرد

سینه بهان، دماغ مرا پریشان کرد

آشکده ادر (۱/ ۱۳۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۲)، نسخه

سامی (۲۵۹)، تذکره روز روشن (۶-۵)، تذکره شعراي

آذربایجان (۲/ ۴۹۸-۴۹۷)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۶)،

ذریعه (۹/ ۸۲۳)، فرهنگ سخنوران (۷۰۱)

فرزانه، فریدون، (تو ۱۲۹۰ ش)، موسیقیدان، در تهران به دنیا آمد، در کودکی به اروپا رفت و تحصیلات موسیقی را در کنسرواتوارهای کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس و نژیک در رشته کمپوزسیون و پیانو به پایان برد. وی بعد از بازگشت به ایران در هنرستان عالی موسیقی به تدریس پیانو و ساز پیانو پرداخت و مدتی نیز معاون فنی مین‌باشیان، رئیس هنرستان عالی موسیقی شد. از آثار وی هشت قطعه برای آواز به نام سن‌های ایران، سرنا آذربایجانی برای ویولن و پیانو و غیره.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۵۲)، مردان موسیقی (۲)
(۱۲۷-۱۲۶)

فرساده پردی، شیخ محمود مجده، فرزند حاج شیخ علی اصغر مجد العلماء اردکانی، (۱۳۰۹-۱۳۸۳ ق)، عالم اصنامی، ادیب و شاعر. پدرش صاحب کتاب «هدیه المهدویة» یا «هدایة المهدویة»، از علمای بزرگ اردکان و استاد علوم مقدماتی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. شیخ محمود فرساده در صحرائی عدد در راه مکه به دنیا آمد. او قسمتی از علوم مقدماتی را در یزد آموخت، در یازده سالگی به اصفهان رفت، و از محضر شیخ علی مدرس یزدی اصفهانی استفاده نمود. فقه و اصول را در محضر شیخ عبدالکریم درگزی و حاج سید محمد صادق اصفهانی فراگرفت سپس به نجف رفت و تحصیلات خود را کامل کرد و به درجه اجتهاد نایل و صاحب اجازه گردید. وی پس از مراجعت به ایران در یرد ساکن شد. پس از دو سال در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حایری نیز بهره‌مند گردید و در ضمن به تدریس پرداخت، و از مدرسین طراز اول گردید. بسیاری از فضلا از محضرش بهره بردند. امام خمینی نیز «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد او فراگرفت. وی پس از دو سال توفیق در قم به یزد بازگشت و تا پایان عمر آنجا ماند. آقای سید علیرضا ریحان یزدی، صاحب «آینه دانشوران»، از شاگردان اوست که در یزد منطق را از او آموخته است. آیت‌الله شیخ محمود فرساده در خط و انشاء و شاعری توانا بود و سالها انجمن ادبی یزد تحت ریاستش در منزلش تشکیل می‌شد، و شعرا و دبای یرد و سایر شهرها از محضرش بهره‌مند می‌شدند.

آینه دانشوران (۲۲۳-۲۲۴)، تذکره سخنوران یرد (۶۲۹، ۶۳۰)، الذریعه (۸۲۴/۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۵۵-۲۶۵۶)، فرهنگ حیران (۷۰۲)

مؤسسه برگزیده شد و چندین سال در آنجا محکوم بود. پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد دانشگاه شیراز به تدریس مشغول گردید و سرانجام در ۱۳۶۰ ش که جهت معالجه به لندن رفته بود، در آنجا درگذشت. او با صادق هدایت دوستی تمام داشته و با وی در کتاب «وغ و سادب» همکاری کرده است. از آثارش، «کوه تنهایی»، «برم درده»، «گل خم»، «دیوان» شعر، «روای مساره»، ترجمه «مترانه» «داری محبت»، ترجمه.

آینه (س ۷، ش ۸، ص ۱۰۵۸۸)، انجمن‌های ادبی شیراز از او شرف‌نوم دهم تا به سرور (۴۵۵-۴۵۹)، الذریعه (۸۲۳/۹)، (۱۰۳۸)، رتبه‌نامه رجال و مشاهیر (۵/۸۲)، (۸۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۴۴-۲۶۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵-۱۸۲/۶)

فرزن بیرجندی، سید محمد، (۱۳۴۹-۱۳۷۳ ش)، عالم و ادیب، در بیرجند به دنیا آمد. زبان و ادبیات عرب را از «انصاف الفصیحان» فراهی آغار و تا مراحل پایان‌ی ادبیه داد. در خلال فراگرفتن کتب صرفی و نحوی که در مدارس حلال تدریس می‌شد، از مطالعه کتبی که درین بین به کشورهای عربی مانند لبنان و مصر تألف می‌گردید، غفلت نداشت و به موازات آن ادبیات عرب را در دورش‌ساحل به خوری فراگرفت. وی عضو وزارت فرهنگ بود و در وزارت خدمات فرهنگی را در سیستان و بلوچستان و خراسان و بوشهر گذراند و سالها مربی، معلم و رئیس فرهنگ بود. شتاباننده او به جامعه ادبی ایران سید حسن تقی‌زاده بود و به وسیله او از خراسان به تهران آمد و چندی به تدریس در دانشکده الهیات و ادبیات پرداخت و با بنگاه ترجمه و نشر کتاب همکاری علمی داشت. وی علاوه بر اطلاعات وسیع در ادبیات عربیه، زبان فرانسه را نیز خوب می‌دانست. در پایان عمر در دانش‌سرا عزلت گزیده بود. در تهران درگذشت و در بقعه ابوالفتح رازی در مرقد عبدالعظیم حسنی (ع) به خاک سپرده شد. از وی آثار عمده‌ای باقی مانده و آنچه نوشته عالاً درباره کتبهایی است که بیامده ادب به آنها علاقه دارند، مثل «کبیله و دمنه»، «مرزبان نامه»، «دیوان» حافظ، «مثنوی» مولوی، و در صدر همه اینها قرآن کریم.

آینه (س ۸، ش ۲، ص ۱۱۹)، از بیت تا روزگار (۱۶۷-۱۷۰)، راهمای کتاب (س ۱۳، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۹-۱۲۲)، سواد و سیاست (۲/۶۱۰-۶۱۱)، پنجاه (س ۱۱۹، ص ۳۹۶-۳۹۷، س ۲۳، ش ۱، ص ۶۱۰-۶۱۱).

فرسی شیدانی - فرسی شیرازی، عنایت‌الله

فرسی شیرازی، عنایت‌الله. (ز ۹۸۵ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به فرسی اهل شیدان فارس بود. خط نسخ، ثلث و تملیق را خوب می‌نوشت. در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت و مورد توجه پادشاه قرار گرفت و در دربار وی نخست به کار کتابت و بعد به منصب کتابداری گماشته شد. در زمان جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) علاوه بر منصب کتابداری، مکتوب خوانی نیز به وی واگذار شد. از او منظومه‌ای به نام «نسب نامه قطبشاهی» در ذکر وقایع و سوانح دوران سلطنت محمد قلی قطبشاه (۹۸۸-۱۰۲۰ ق) و اسلاف وی مشتمل بر پانزده هزار بیت به جا مانده که در ۱۰۱۹ ق آن را به اتمام رسانیده است. از آثار حلی وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خلی خوش، یا تاریخ و رقم: ۹۸۵ عنایت‌الله شیرازی؛ یک نسخه «کلیات سعدی» به قلم کتابت خوش، یا تاریخ سال ۹۶۲.

حوال و آثار حوثنویسان (۵۲۲-۵۲۱/۲)، تذکره پیمانه (۲۶۲-۲۶۱)، تذکره روز روشن (۶۱۶-۶۱۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۲/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲)، کاروان هند (۲/۱۰۰۸-۱۰۰۶)، مرآة الفیضیه (۲۶۷)

فرشاد، فریدون. (تو ۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشسرای عالی وارد شد و در ۱۳۱۰ ش به دریافت درجه لیسانس در علوم طبیعی نایل گردید. برای ادامه تحصیل به فرانسه هزیمت نمود و از دانشگاه پاریس به دریافت دکتری در علوم طبیعی موفق شد. در ۱۳۱۶ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری علوم طبیعی، دانشسرای عالی برگزیده شد و عهده‌دار تدریس دیرین شناسی گردید. از آثار وی: «چینه شناسی»، «دیرین شناسی»، «فسیل شناسی مهره داران»، «پسرد من»، «مسلمه داسیوپال سومنیسم»، ترجمه.

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۴۴۵، ۳۲۴۶-۲۲۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۸۳۲-۸۳۳)

فرشته استرآبادی، محمد قاسم هندوشاه بن مولان غلامعلی. (تو ۹۶۰ ق)، مورخ و ادیب وی در استرآباد به دپ آمد در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در

احمدنکر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقا یافت. وی چنان که در مقدمه کتابش می‌گوید، از احمدنکر خارج شد و به دربار عادل شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی، عادل شاه (۱۰۳۵-۹۸۷ ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای ریادی در ۱۰۱۵ ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته» است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس شاه» نامید، ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «احتیارات قاسمی»، در پزشکی است.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/۱۷۰۹-۱۷۱۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱/۷۳۲-۷۳۳)، تذکره روز روشن (۶۱۷)، الذریعه (۳/۲۷۲-۲۷۳)، ۸/۱۵۰، ۹/۸۲۴، ۱۸/۲۲۲، ۲۴/۲۶۹، ریساله (۴/۳۲۹-۳۲۸)، مهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۷۵۸-۲۷۵۷)

فرشته خوشفی فائقی، ملا محمد بن علی اکبر خراسانی. (س سیردهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده، محقق و شاعر، متخصص به فرشته. وی معاصر فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود. کتابی در مصائب اهل بیت (ع)، به نظم فارسی، به نام «ماتمکده» دارد، که مرتب بر چهارده ماتمکده به عدد معصومین (ع) و یک خاتمه است و در آن غیر از سروده‌های خود سروده‌های کسانی چون وصال، جوهری، یدیل، ناجی، هادی و دیگران را نیز آورده است. وی در این کتاب از روایات صحیح و معتبر استفاده کرده و از نقل مطالب نادرست اجتناب نموده است.

بزرگان لایق (۱/۳۵۵-۳۵۴)، الذریعه (۱۹/۱۷-۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۱۶۲۹)

فرشیدی، محمد حسین. (س چهاردهم ق)، محقق و نویسنده. از محققان و نویسندگان در زمینه کشاورزی است. آثار وی: «حشرات و امراض مهم مو و طرد دفع

(۲۸)

فرغانی، معزالدين ابو عبدالله محمد بن احمد بن محمد (ز ۷۳۰ ق)، صوفی. از افاضل قرن هشتم هجری و از معاصران جلال‌الدین محمد مولوی و شمس‌الدین مازدینی و هراتی بود. او با عراقی در قولیه معاشرت داشت از آثار وی. شرح «الفصیلة الثانیة» ابن فارض، در نصوص، که آن را در ۷۳۰ ق به پایان برده و گفته‌اند که فارسی این شرح به نام «مشارق الدراری الزهر لی کشف حقائق نظم الدر» است؛ «منتهی المدارک و مشتهی لب کل کامل و عارف و سالک»، که به آورده «ریحانة الادب» همان «شرح قصیده تالیف ابن فارض» به عربی است، اما صاحب «کشف الظنون» این کتاب را مقدمه و دیباچه «شرح قصیده تالیف» می‌داند؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی، در نصوص

ایضاح المکنون (۲/ ۲۸۶). - بیج ادبیات در ایران (۲/ ۵۷۴)، ریحان (۲/ ۳۸۲۷)، کشف‌الظنون (۲۶۵-۲۶۶، ۱۲۶۳، ۱۸۵۸)، معجم‌المؤلفین (۸/ ۳۰۷)، هدیه‌المارمین (۲/ ۱۳۹-۱۴۰)

فرقتی جوشقانی کاشانی، میرزا ابوتراب بیگ، فرزند خواجه زین‌الدین علی بیگ انجمنی. (وف ۱۰۲۵/ ۱۰۲۶ ق)، شاعر، متخلص به فرقتی. نخست کامی‌تخلص می‌کرد. در محل تولد او اختلاف وجود دارد، بعضی تذکره‌نویسان به تعاون جوشقانی، انجمن و حتی قزوین ترشته‌اند. بشو و نمای او در کاشان بود. بخش کوتاهی از زندگی وی در اردوی شاه عباس صفوی گذشت. مدتی منصب رزرت را در دستگاه مقصود بیگ داشت و نقیه دوران جوانی وی در کاشان به فراگیری شعر و ادب سپری شد و همان‌جا ماند، به همین دلیل به کاشانی بیشتر مشهور است. وی سفرهایی به قزوین، کاشان و خراسان داشت. در هرات یا ملک الشعراء خراسان، میرزا فصیحی هروی، هم صحبت شد. فرقتی خط نستعلیق و شکسته را نیکو می‌نوشت و از علم حساب و سیاق آگاهی داشت. وی در کاشان درگذشت. از آثارش «دیوان» شعری حدود دو هزار بیت که میرزا عبدالکریم کاشی بر آن مقدمه نوشته است. این دیوان مشتمل است بر: «مثنوی»، بر وزن «مخزن الاسرار»، «قصاید»، در مدح ائمه (ع) و «ساقی‌نامه»، به ورش ترجع نه

اشکده نثر (۳/ ۱۲۸۷-۱۲۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران

آنها؟ «دستور عملی کشت پیله»

سهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۱۷۶، ۱۲۲۸)، مؤلفی کتب چاپی (۲/ ۸۳۴)

فرصت، محمد بیگ. (وف ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به فرصت از نوپدیدان شاه عباس دوم صفوی بود و به سبب شجاعتش در جنگ مخصوص جنگ قندهار نعامهای فراوانی گرفت. او اوست:

جبره دوست به هر دشت که پیدا گردد

دله نسا قوم صم خانه صحران گردد

اشکده نثر (۱/ ۸۰)، تذکره نصابی (۴۹-۴۸)، الذریعه (۹/ ۸۲۲)، فرهنگ سحران (۷۰۳-۷۰۴)

فرصت شیرازی، سید محمد نصیر حسینی فرزند میرزا جعفر. (۱۳۳۹-۱۲۷۱ ق)، نویسنده، نقاش و شاعر، متخلص به فرصت. ملقب به میرزا آقا و فرصت‌الدوله در شیراز به دنیا آمد. در همان شهر علوم متداوله از جمله صرف و نحو، معانی و بیان و منطق و حکمت را تحصیل کرد و از شیخ مفید متخلص به داور پیش از دیگر اساتیدش دانش آموخت. او در شعر و شاعری نیز مشهور بود. ^۱ وی به زبان انگلیسی و فرانسه و پهلوی آشنایی و در قزوین و موسیقی شهرتی به سرا داشت. مدتی از عمر خود را در هندوستان و عراق به سیر و سیاحت گذراند و هنگام بازگشت به شیراز به اتفاق شماع السلطنه، حاکم فارس، به تهران آمد و نزد مظفرالدین شاه رفت و لقب فرصت‌الدوله یافت. در آوان مشروطیت به سمت نخستین رئیس معارف و اوقاف فارس منصوب گردید وی تا پایان عمر مجرد زیست. مدتی او در حافظیه شیراز است. از آثار وی: «آثار مجسم» یا «شیرازنامه»، «اشکال المیران»، در علم منطق، «بحور الانحال»، در علم موسیقی و عروض، «جغرافیای هندوستان»، «صرف و نحو حقه آری»، «دبستان الفرصه»، «دیوان» شعر، «مشاب» فرصت، «مقالات علمی و سیاسی»، «دریای کبیر»، «شظرنحیه».

آثار مجسم (۳-۹۱، ۵۹۴-۵۹۶)، دانشمندان و سخن براین فارس (۲/ ۱۲۵۹۳)، الذریعه (۱/ ۸۰/ ۳، ۵۰۰/ ۸۲۲)، ریحان (۲/ ۳۳۹، ۳۳)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۶۶۰-۲۶۶۶)، شرح حال رجال (۲/ ۱۵)، لغت‌نامه (دیل فرصت)، مراتب تصحیح (۲۶۷-۲۶۷)، مکرم‌الآثار (۶/ ۲۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۶۰۳-۶۰۱)، یادداشت‌های قزوینی (۸/ ۲۲۰)، یادگار (س ۲، ش ۷، ص

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۳۱-۵۳۲).

فروتن، یوسف. (۱۳۷۰-۱۳۵۷ ش)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. خانه پدری او محل آمد و شد اساتید موسیقی بود و همین امر سبب شد تا وی از آوان کزدکی به موسیقی علاقه‌مند شود. تار و سه‌تار را در نزد میرزا عبدالله و آقا حسینقلی فراگرفت و به‌خصوص در نواختن سه تار مهارت بسیار یافت، همچنین ویولن و پیانو را خوب می‌نواخت. فعالیت‌های هنری او محدود بود و به‌جز چند برنامه -از جمله برنامه‌ای در حافظیه شیراز که قطعاتی را با سه تار اجرا کرد- در انتظار عموم به هنرنمایی نمی‌پرداخت. از آگار وی یک دوره آوازا و دستگاه‌های موسیقی اصیل و سنتی است که وی با سه تار نواخته و اکنون موجود است.

استادان موسیقی (۶۹-۶۸)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۲۶-۵۲۹)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۳۹)، مردان موسیقی (۱/ ۴۲۲-۴۲۳)

فروزان، علی اصغر. (س چهاردهم ق)، نویسنده. از صاحب‌منصبان وزارت دارایی بود و چندی نیز کفالت آن وزارتخانه را به عهده داشت. از آثار وی: «اقتصاد ایران»، «اقتصاد کامل قائم بر بردجه کامل است»، «هدیه به دکتر میلیمپو».

به‌رست کتبه‌های چاپی فارسی (۱/ ۳۰۶، ۳۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۷۱).

فروغفر خراسانی، پدیع‌الزمان محمد حسن، فرزند شیخ علی. (تر ۱۲۷۸-۱۲۸۲-وف ۱۳۲۹ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، محقق، مصحح، مترجم و شاعر در روستای بشرویه از توابع طبرستان خراسان در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. نسب وی به ملا احمد تونی، از علمای عصر شاه عباس صفوی، می‌رسید وی مقدمات علوم قدیمه را در زادگاه خود آموخت و در ۱۳۳۸ ق به مشهد رفت و محضر ادیب نیشابوری را درک کرد و ادب و منطق را نزد او خواند و مدتی نزد میرزا حسین سیزواری تلمذ کرد و اصول و بعضی از مباحث فقه را از حناج نسج مرتضی آشتیانی فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و یک دوره شرح «اشارات» و «شعاع» و «کلیات قانون» را نزد میرزا طاهر تنکابنی خواند و نزد آقا حسین نجم‌آبادی تحصیل فقه و اصول کرد. وی قسمت الهیات کتاب «اسفار» را نزد

۵/ ۹۵۷-۹۶۵، تاریخ نظم و شعر (۵۱۸-۵۱۷)، تذکره روزروشن (۷/ ۶)، تذکره میخانه (۲۲۸-۲۱۲)، تذکره نصرآبادی (۲۹۷)، الذریعه (۹/ ۳۷، ۸۲۵-۸۲۴، ۱۲/ ۱۲)، ریحانه (۳/ ۳۳۱)، سرو آزاد (۳۷)، صبح گلشن (۱۰)، قرمک سمخوران (۷۰۳)، لغت‌نامه (دین / برقی)، مجمع العوام (۲۲۵-۲۲۶)، تلخیص‌الانکار (۵۳۸-۵۳۷).

فروغفر خراسانی، محمد بن عمر. (س ششم ق)، شاعر اهل خراسان و از شعرای دوران سلجوقیان بود در زمان سلطان عیث‌الدین محمد بن سام (۵۵۹-۵۳۶ ق) از سلاطین سلسله آل شمس که زمام امور همکنت خوار (در افغانستان کنونی) را به عهده داشت، می‌زیست که به دربار وی راه یافت و به مدح او پرداخت. از وی اشعار اسدکی نامی مانده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۷۱۸-۷۲۰)، الذریعه (۹/ ۸۲۵)، ریاضی و ریاضی سرایان (۱۲۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۳)، باب‌الالباب (۲/ ۳۱۸-۳۱۲)، مجمع‌العصا (۷/ ۹۲۲).

نرمافرمای قاجار، حسینعلی میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار. (۱۲۰۳-۱۲۵۱ ق)، خطاط، ملقب به مریم‌نیرمیرا در پیلاق ده‌توا به دنیا آمد. مادرش بدر جهان خانم سوزک حسینعلی میرزا از ۱۲۱۴ ق به حکومت فارس رسید و تا ۱۲۵۰ ق، یعنی در حدود سی و هفت سال سلطان بی قاج و تحت فارس بود. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. او در تهران به مرض وب درگذشت. از آثار وی: یک لوحه به نام فتحعلی شاه، به قلم پنج دانگ خوش، با رقم: «رد رقم خدمه فرم‌نیرما».

اسوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۶۰)، تاریخ عضدی (۹/ ۲۲۱-۲۲۰)، حلیه‌الشعر (۲/ ۳۱۹، ۳۲۷)، شرح حال رجال (۱/ ۲۳۸-۲۴۲)، مکرم‌الآثر (۱/ ۱۲۹-۱۲۸).

فروتن، علی اکبر. (س چهاردهم ق)، استاد دانشگاه و نویسنده. در رشته تعلیم و تربیت، تحصیلات عالی داشت و به استادی دانشگاه تهران رسید. از آثار وی: «بقای روح»، «توافق علم و دین»، «چند نکته تربیتی»، «حافظه و طریق تقویت آن»، «دانش‌پنهای مادران و پدران»، «ده اندرز تربیتی»، «دیان و مدنیت»، «راه تربیت نوجوانان»، «روح انسانی»، «طرز رفتار با کودکان».

فهرست کتبه‌های چاپی فارسی (۱/ ۵۱۱، ۹۶۲، ۱۱۹)،

فروزانفر، مستدرکات اعیان (۳/ ۲۲۶-۲۲۷)، مقدمه
مجموعه مقالات و اشعار فروزانفر (مقدمه/ سیزده -
بیست و پنج)، بهما (س ۲۳، ش ۲، ص ۱۲۳-۱۲۵)

فروزش، ریس العابدین، (تو ۱۲۷۶ ش)، نویسنده و
رورنامه‌نگار وی در دهکده کوهپرا از توابع کلاردشت دیده
به جهان گشود. در شایسته سانگی پس از طی تحصیلات
ابتدایی جهت ادامه تحصیل در تهران به محضر استادانی
چون حاج شیخ علی نوری حکمی و آقا میرزا طاهر
تنکاسی حاضرگشت فروزش به علوم فقه، منطق، فلسفه و
اصول، ادبیات عرب و فارسی و ریاضیات آشنا بود و به
اخذ نمره اول در میان داوطلبان دارالفنون در رشته
ریاضیات و جغرافیا و تاریخ شائل آمد. در جریان
فعالیت‌های سیاسی خویش رورنامه «نجات ایران» را
منتشر نمود، که پس از نشر چهار شماره توقیف گردید و به
تبع آن فروزش مدتی زیر نظر پلیس در تبعید به سر برد.
پس از آن در ۱۳۱۵ ش وارد خدمت اداره کل آمار و ثبت
احوال گردید. از شهریور ۱۳۲۰ دوره جدید روزنامه
«نجات ایران» نیز انتشار یافت. از جمله آثارش: «ما و سید
صبا اندین»، «رسانه سیاسی»، «ارمغان جمهوری از پاکستان»
و «یادگار سفر ناشکند»

ناریح حواید و مجلات (۲/ ۲۷۶-۲۷۹)، مؤلفین کتب
چایی (۳/ ۲۷۰)

فرورشانی سدهی، آق سید محمد باقر بن آق سید
حسینی، (۱۳۲۵-۱۳۲۵ ق)، عالم افسی و فقیه. پس از
خواندن متون فقه و اصول در اصفهان، به عتبات رفت و در
نجمت از آیت‌الله حاج شیخ زس العابدین مازندرانی و
آیت‌الله آقا میرزا ابوالقاسم کلانتر ثوری استفاده نمود. وی
از استادش، مازندرانی، اجازه چتها و روایت داشت. بعد
از مراجعت به اصفهان به خدمات دینی و اقامه جماعت و
تدریس و تألیف پرداخت. از آثارش: کتابهای فقهیه در
«طهارت»، «صلوة» و «الصوم» رساله‌ای در «معجزات
مربض» رساله‌ای در «ارث».

گنجینه دانشمندان (۷/ ۳۵۱-۳۵۲)

فروغ، مهدی، (تو ۱۲۹۰ ش)، موسیقیدان، مترجم و
نویسنده در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در رادگاه
خرد و شیراز گذراند از اساتید بزرگ آواز، سید رحیم و
سید حسین ماضی‌ساز، تعلیم آواز گرفت و با ردیفها و

آقا میرزا مهدی آشتیانی و «شرح جمعینی» را نزد ادیب
پیشاوری فراگرفت. فروزانفر، از آغاز ورود به تهران، با
دیپ پیشاوری و شمس‌العلمای گرکانی و میرزا نطفعلی
صدرالافاضل و میرزا رضاخان نائیبی و شاهزاده افسر و
دکاءالملک فروغی و صلامه محمد قزوینی مانوس و
محشور بود. در ۱۳۰۵ ش به جای شمس‌العلمای گرکانی
در مدرسه دارالفنون به تدریس فقه و اصول مشغول شد و
در ۱۳۰۶ ش معلم متعلق در مدرسه حقوق شد و سال بعد
معلم زبان عربی و متعلق و از ۱۳۰۸ ش معلم زبان و ادبیات
فارسی در دارالمعلمین شد. پس از تأسیس دانشکده علوم
معقول و منقول به سمت معاونت آنجا انتخاب و ریاست
مؤسسه حفظ و خطابه را به عهده داشت. از ابتدای تأسیس
دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی شد. وی
سمت‌های متعددی در دانشکده‌های مختلف داشت.
فروزانفر سفرهای متعدد به خارج کشور کرده از جمله به
دعوت دانشگاه بیروت برای تأسیس کرسی زبان فارسی به
لبنان، و برای مشارکت در کنفره اسلامی پاکستان به لاهور
و برای بازدید از مؤسسات فرهنگی و خردورشناسی و
زیارت مزار مولانا جلال‌الدین رومی و دیدار از
کتابخانه‌های علمی به ترکیه سفر کرد. وی دانشمندی نکته
سنج، استادی محقق و مفرسی بی نظیر بود. سرافهم‌ترین
اثر نکته‌نایی در تهران درگذشت از آثارش: «مشکبات
شاهنامه»، «سخن و سخنوران»، «منتخب ادبیات
فارسی»، «رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا
جلال‌الدین محمد»، «تاریخ ادبیات ایران»، «فرهنگ تازی
به فارسی»، «خلاصه مثنوی»، «احوال و تحلیل آثار
فریدالدین عطار نیشابوری»، «دستور زبان فارسی»، «شرح
مثنوی شریف»، «نصحیح «یه ماهیه»، «زنده بیدار (حی بن
یقطان)، «ترجمه»، «قدیمترین اطلاع از زندگی خسام»،
«احادیث مثنوی»، «تصحیح «کلیات شمس» یا «دیوان کمر».
لازم به ذکر است که در مجله «راهمای کتاب» نام
فروزانفر، جلیل ذکر شده است.

۱. بات معاصر (۲۹-۲۷)، از سیما روزگار ما
(۱۲۲-۱۲۲)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۳ و ۴، ص
۱۶۷ مکرر - ۱۷۰ مکرر، ص ۲۶۲-۲۶۷)، زندگینامه رجال
و مشاهیر (۵/ ۹۲-۹۳)، سخنوران نسی معاصر (۱/
۵۱۲-۵۰۹)، سواد و بیاض (۱۱-۹۱۷)، شرح حال
رجال (۵/ ۳۶-۳۷)، فرهنگ سخنوران (۱۲۸)، کلک (س
۷۲ ش ۷۲-۷۰ ص ۱۸۶-۳۰۶)، محله دانشکده ادبیات و
علوم انسانی دانشگاه تهران (به یاد استاد بدیع‌الزمان

فارسی: «صحائف المصمم»: «دیوان» شعر. لازم به ذکر است که در «مکارم الآثار» وفات وی ۱۲۸۹ ق ذکر شده است

تذکره پهبانه (۳۷۲-۲۸۰)، حقیقه‌الاشعراء (۱۳۲۹ / ۲)
 (۱۳۳۲)، الذریعه (۸۲۵-۸۲۶ / ۹)، ریحانه (۲۹۷ / ۱)،
 فرهنگ سخنوران (۷۰۴)، بحث نامه (ذیل / فروع‌الدین)،
 المائر والآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحى (۸۳۳-۸۴۰)،
 مکارم الآثار (۷۷۴-۷۷۵ / ۴).

فروغ فسائی، محمدعلی مخیره، فرزند شیخ محمد کاظم، (۱۲۸۸-۱۳۳۶ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به فروغ، در قضا به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نگاهش و شیر به پایان رسانید سپس به تهران آمد و در رشته مهندسی نقشه برداری به تحصیل پرداخت فروع از طرف وزارت امور خارجه مأموریت یافت تا ر مرزهای کشور و کمیسیونهای سرحدی و تحدید حدود پاکستان همسایه نقشه برداری کند. از آثارش: «مرزهای ایران»؛ «نقشه برداری علمی و عملی»؛ «نقشه ایران»

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۲۶-۱۳۱)،
 سخنران نامی معاصر (۲۴ / ۲۶۸۰-۱۶۸۲)، مؤلفین کتب
 جایی (۲ / ۳۹۲-۳۹۳)، یادگار (ص ۲، ش ۲، ص ۷۹-۸۰).

فروغی، محمدعلی ذکاء الملک، فرزند محمد حسین ادیب، (۱۲۹۲-۱۳۶۱ ق)، نویسنده، ادیب، مترجم و دانشمند تحصیلات خود را از پنج سالگی نزد پدر آغاز کرد و ظرف مدت هفت سال کلیات زبانهای فارسی، عربی و فرانسه را آموخت و از علوم جدید نیز بهره گرفت. بعد از آن وارد مدرسه دارالمعروف شد و به تحصیل در رشته طب پرداخت، اما پس از چندی به علت علاقه به فلسفه و ادبیات در این دو ربه مشغول فعالیت شد چندی نیز در مدرسه صدر به تکمیل تحصیلات پرداخت. بعد از اینکه پدرش هفت نامه «قریبت» را انتشار داد محمد علی به عنوان سر دبیر، نویسنده و مترجم هفته نامه مقالاتی در آن نوشت. پس از تأسیس مدرسه علوم سیاسی در ابتدا به عنوان مترجم و سپس به عنوان استاد و معاون مدرسه به خدمت پرداخت. بعد از درگذشت محمد حسین فروغی، محمد علی ملقب به ذکاءالملک شد و ریاست مدرسه علوم سیاسی را به عهده گرفت. فروغی در طی زندگی سیاسی خود چند بار به وکالت مجلس و سفارت رسید و چندین بار وزیر و نخست وزیر شد وی در تهران

گوشه‌های دستگامهای موسیقی ایران آشنا شد سپس به تهران آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل رشته زبان انگلیسی پرداخت و ضمن آن سرپرستی انجمن موسیقی را نیز به عهده داشت. پس از چندی برای تکمیل تحصیلات به انگلستان رفت و در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک فارغ التحصیل و به آکادمی پادشاهی موزیک وارد شد. پس از بازگشت به ایران، به مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد و سپس به آمریکا رفت و در رشته ادبیات دراماتیک از دانشگاه کلمبیا دکترای گرفت. سپس به ایران بازگشت و بار دیگر در هنرستان موسیقی به تدریس پرداخت و در همان وقت ریاست اداره هنرهای دراماتیک (از ادارات تابعه اداره کل هنرهای ریا) بر عهده و بود. از آثار وی: «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا»؛ «نقد علمی و عملی موسیقی ایران» و ترجمه‌های: «علم موسیقی»؛ «تأسیسات پلر»؛ «باغ وحش شیشه‌ای»؛ «خانه عروسک و اشباح»؛ «منمایشنامه نویسی» و دهها مقاله در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر.

تاریخ موسیقی (۱ / ۱۲۶)، شخصیهای نامی (۳۷۲)،
 فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲ / ۲۳۲۰، ۲۳۱۰)،
 کتب معین حسین دهه انقلاب (۲۶۶)، مراد موسیقی (۲ / ۲۰۵-۲۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶ / ۴۲۰-۴۱۹).

فروغ اصفهانی، میرزا محمد متحجم، (س سیزدهم ق)، شاعر در جوانی به تحصیل شد طب و نجوم پرداخت. خط مستملق را بسیار خوب و خوش می نوشت. از اوست چشم تو زده گساروان سلامت
 بر لب لعلت حلاله کرده غرامت
 حقیقه‌الاشعراء (۲ / ۱۳۲۸-۱۳۲۷)، الذریعه (۸۲۶ / ۹)

فروغ اصفهانی، میرزا محمد مهدی، فرزند میرزا محمد باقر بهجت، (۱۲۹۳-۱۳۶۱ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به فروغ، معروف به فروع الدین. در تبریز به دنیا آمد. با رضاقلی خان هدایت معاصر بود. در آذربایجان مستوفی عباس میرزا، ولیعهد ایران، شد و پس از فوت او به تهران آمد و مستوفی دیران محمد شاه قاجار شد. چون به نیردین میرزا متخلص به فرخ، پسر بزرگ عباس میرزا، خدمت می کرد خود را فروغ فرحی معرفی می کرد. از تدریس: «مروغستان» که به کوشش ایرج افشار به چاپ رسید؛ «تذکره الشیاب»؛ «مکتوبات و قصاید عربی و

«عجز بشر»؛ «علم بدیع»؛ «عرائف زمیں و عجایب آسمان»؛ ترجمه: «کلبه هندی»؛ ترجمه: همچنین از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

تاریخ حرید (۱/ ۱۹۸، ۳۰۶، ۲/ ۱۱۶-۱۲۲)، حدیقه السمره (۲/ ۳۳۸-۱۲۴۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۰-۳۶۲)، شرح حال رجال (۳/ ۳۸۸-۳۸۲)، فهرست کتبهای چاپی (۱/ ۶۶۱، ۷۱۲، ۲/ ۲۲۱، ۲۳۲)، لغت نامه (دبیر، فروغی)، مکارم الآثار (۵/ ۱۲۹۱-۱۲۹۲)

فروغی اصفهانی، ابوالحسن، فرزند محمد حسین ذکاءالملک اصفهانی (۱۲۶۳-۱۳۳۸ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار در تهران به دنیا آمد. پدرش ز رجال دانشمند دوره ناصری بود. وی علوم مسذماتی را نزد پدر آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه دارالعلوم و آلبس به پایان برد و زبان فرانسه را به خوبی آموخت، آنگاه به فرانسه عزیمت نمود. بعد از بازگشت به ایران، معلم دارالعلوم و مدرسه علوم سیاسی شد و علاوه بر مترجمی، تدریس جغرافیا و تاریخ و علوم طبیعی را نیز عهده‌دار شد. وی در تربیت دانش‌آموزان سلیقه خاصی داشت و بدین منظور یک مدرسه عالی به نام «دارالمعلمین» در ۱۲۹۸ ش تأسیس کرد. ریاست آن را به عهده داشت. وی همچنین نظارت و سرپرستی مجله «اصول تعلیمات» را، که از طرف وزارت معارف منتشر می‌شد، به عهده داشت. فررض پس از نشر شش شماره از آن مجله نام آن را به «اصول تعلیم» تغییر داد. چندی بعد ماهنامه «فروغ تربیت» را دایر کرد. وی جمعی چهار سفر به اروپا داشت که سفر آخر او به عنوان وزیر مختار ایران در سوئیس بود. ابوالحسن فروغی عضو فرهنگستان زبان فارسی و استاد دانشگاه تهران بود. در ادبیات و انشای زبان فرانسه بسیار پرمایه و زبردست و در ادبیات فارسی و عربی هم صاحب مطالبات زیاد بود. شعر را خوب می‌نوشت و شعر می‌گفت. سرانجام در تهران درگذشت. از آثار وی: مجموعه «اشعار»؛ «اوراق مشرق»؛ «مقالات مختلفه»؛ «رساله»؛ «تجدد و ملیت»؛ «مظلومه»؛ «شیدوش و ساهید»؛ «تاریخ شعرا»؛ با همکاری محمد علی فروغی؛ «سرمایه سعادت» یا «علم و آزادی».

ادبیات معاصر (۸۰-۷۹)، از سینا تا روزگار ما (۱۵۹-۱۵۷)، تاریخ برگزیدگان (۲۷۱-۲۷۲)، تاریخ حرید (۱/ ۱۹۸-۱۸۵، ۲/ ۶۹)، الذریعه (۹/ ۸۲۸)، زندگینامه

درگذشت و در این بابویه به خاک سپرده شد. از آثار او عبارتند از: «آئین سخسوری در فن خطابه»؛ «حکمت سقراط»؛ «تاریخ ملل شرق»؛ ترجمه: «اصول علم ثروت»؛ «سیر حکمت در اروپا»؛ «تاریخ ساسانیان» یا «تاریخ سلاطین ساسانی»؛ ترجمه: با همکاری پدرش؛ «فهرست رجال بزرگ ممالک».

آینده (ص ۱۹، ش ۹۷، ص ۵۷۷-۵۸۳)، تذکر القیوم (۴۴۸-۴۴۷)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۵/ ۱۰۸-۹۶)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۳۶۳-۳۶۴)، شخصیت‌های نامی (۳۷۵-۳۷۶)، شرح حال رجال (۳/ ۲۵۰-۲۵۱)، گذر معانی (۵۲۶-۵۲۳)، لغت نامه (دبیر، فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۳۸-۳۳۲)

فروغی، میرزا محمد حسین ذکاءالملک، فرزند محمد مهدی ارباب اصفهانی (۱۲۵۵-۱۳۲۵ ق)، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. ابتدا فدی، سپس ادیب و سرانجام فروغی تخلص نمود. در جوانی تجارت می‌کرد و چون سرمایه خودش را در راه تجارت هدیه به خلیج فارس از دست داد مدتی در بندرلنگه، جهرم، فاس، یزد گذراند و سپس به کرمان رفت و به خدمت حاکم کرمان، محمد اسماعیل خان نوری وکیل‌الملک درآمد. مدتی نیز در کرمانشاه اقامت گرفت و وارد جمع درویشان شد. در آنجا نیز به مدیحه‌سرایی شاهرده هم‌داندوله پرداخت و ادیب تخلص می‌کرد. سرانجام به تهران آمد و در دستگاه وزارت انصاعات و دارالترجمه سرزا محمد حسن خان اعتمادالسلطنه به مشی‌گری پرداخت. در ۱۲۹۱ ق از طرف ناصرالدین شاه ملقب و متخلص به فروغی شد. مدتی نیز مدیریت دارالترجمه و دارالطباعه دولتی و مترجمی زبان عربی و فرانسه را عهده‌دار بود و روزنامه‌های دولتی «ایران»، «اطلاع»، «رسمی» و «شرف» معمولاً با انشای وی نوشته می‌شد. در ۱۳۱۱ ق ملقب به ذکاءالملک شد. وی روزنامه «تربیت» را در ۱۳۱۴ ق منتشر کرد. با تأسیس مدرسه عالی علوم سیاسی در ۱۳۱۷ ق به استادی مدرسه و در ۱۳۲۳ ق به ریاست آن منصوب گشت. فروغی در این بابویه شهر ری مدفون شد. از آثار وی عبارتند از: «تاریخ سلاطین ساسانی» یا «تاریخ ساسانیان»؛ ترجمه: با همکاری فرزندش محمد علی فروغی؛ تصحیح: «بوسه حیدره»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «چرا و به این جهت»؛ ترجمه: «سفر هشتاد روزه دور دنیا»؛ ترجمه: «عشق و صفت»؛ به نظم، ترجمه: تصحیح

در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) می‌زیست. از شاعران مکتب وقوع بود که به هندوستان مسافرت کرد. در قزوین دکان عطاری داشت که عده‌ای از شاعران همه روزه در آنجا حسیع می‌شدند و اکثر اشعار، مابین آنان، در همان جا طرح می‌شد. مطربی قزوینی، از شاگردان وی بود. آتشکده آذر (۳/ ۱۱۹۹)، تاریخ ادبیات ایران (۴/ ۸۸)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۱، ۵۳۱، ۵۳۰)، الذریعه (۹/ ۸۲۸)، صبح گلشن (۳۱۵-۳۱۶)، عالم‌نرای عباسی ۱- ۱۸۷، فرهنگ سخنوران (۷۰۶)، کاروان هند (۲/ ۱۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مجمع‌الخواص (۱۰۱۱-۱۰۰۰)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مجمع‌الخواص (۲۸۲-۲۸۳)، مکتب وقوع (۱۸۳، ۶۶۶)، هفت‌اقیم (۳/ ۱۸۵-۸۶).

فرهر، ابوالقاسم، فرزند محمود قوم‌الدوله. (۱۲۵۷-۱۳۲۹ ش)، نویسنده و حقوق‌دان. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه سیاسی تهران به اروپا عزیمت نمود و از دانشکده حقوق ژنو فارغ‌التحصیل شد. سپس به ایران بازگشت. در ۱۲۸۸ ش وارد خدمات دولتی شد و تا ۱۳۳۳ ش بجهت‌دار مشاغل مختلف سیاسی بود. اثر وی «دقوب مجاریات عمومی».

زندگی‌نامه رجال و مشاهیر (۵/ ۱۰۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۵۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۷۱) (۲۷۲)

فرهاد، احمد. (۱۲۸۱-۱۳۵۰ ش)، پزشک، نویسنده و استاد دانشگاه در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و تحصیلات عالی را در برلین و هایدلبرگ در رشته پزشکی به پایان رساند و در ۱۳۲۷ ق به دریافت دانشنامه دکتری در پزشکی و اجازه‌نامه رسمی طبابت در آلمان توفیق یافت. وی به مدت چهار سال برای احراز تخصص در رشته رادیولوژی تلاش کرد و در ۱۳۱۲ ش به ایران مراجعت نمود و به سمت استادی رادیولوژی در دانشکده پزشکی تهران منصوب شد. پس از آن به تدریس کرمی فیزیک، پزشکی به بیمارستان گردید و بعدها به ریاست دانشگاه تهران نیز نائل آمد. وی از نخستین کسانی است که دستگاه رادیولوژی را برای کمک تشخیص بیماران به ایران آورد. از آثار وی، «فیزیک پزشکی»، «تأثیر حرکت دیافراگم»، پایان‌نامه.

زندگی‌نامه رجال و مشاهیر پزشکی (۱/ ۴۸-۱۲۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۴۹۵)، مؤلفین کتب

رجال و مشاهیر (۵/ ۹۴-۹۵)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۶۹۷-۲۷۰۰)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۶۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۱۶۱-۱۶۲)، پیم (س ۱۹، ش ۳، ص ۱۷۲، س ۲۱، ش ۱۰، ص ۵۷۴-۵۷۶).

فروغی بسطامی، میرزا عباس، فرزند آقا موسی. (۱۲۱۳-۱۲۷۴/۱۲۷۵ ق)، شاعر. در ابتدا مسکین و سپس فروغی تحصیل می‌کرد. در عتبات به دنیا آمد. در یحیوانی، پدرش از دنیا رفت. پس از چندی با مادر به بران آمد و نزد هموی خود دوستانه‌ای خان به هارندران رفت و در ساری اقامت گزید. پس از فراگیری خواندن و نوشتن، به مطالعه دیوان شاعران پرداخت و عزلت‌هایی سرود که در آنها مسکین بجهت کرد. پس از چندی عمرش که خزانه‌دار فتحعلی شاه قاجار بود، به تهران آمد و فروغی را نیز با خود آورد و عزلی را که در مدح شاه سروده بود به او ارائه داد و شاه وی را نزد شجاع السلطه به خراسان فرستاد. شجاع السلطه مقام متشیگری به او داد و پس از چندی به علت انتساب به امیرزاده فروغ الدوله به فروغی متخلص شد. فروغی در ۱۲۴۹ ق به همراه شجاع السلطه به کرمان و سپس به تهران آمد و در زمان محمد شاه در تهران بود، ولی پس از آن به عتبات رفت. پس از بازگشت به ایران تغییر حال داد و از مردم دوری گزید. در زمان ناصرالدین شاه نیز مورد احترام و علاقه شاه بود. گویند اشعارش بیست هزار بیت بوده، ولی آنچه که به صمیمه «دیوان» قافانی به چاپ رسیده بیش از سه هزار بیت است.

ارسیا تا بهما (۱/ ۸۲-۸۶)، تاریخ ادبیات ایران، ایران (۴/ ۲۱۶-۲۱۷)، حیدر بنک‌الشمراء (۲/ ۱۳۳۸-۱۳۴۳)، الذریعه (۹، ۸۲۷)، ریحانه (۲/ ۱۳۱-۱۳۲)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۲۶۹۱-۲۶۹۶)، صبیحة‌المحمود (۲/ ۶۲۸-۶۲۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۶)، گنج سخن (۲/ ۲۰۶-۲۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی بسطامی)، المآثر و الآثار (۳۰۶)، مجمع‌القصص (۵/ ۸۲۹-۸۳۳)، مکارم الآثار (۲/ ۲۷۸-۲۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۶۶۸-۶۶۹)، یدگار (س ۵، ش ۲۰۱، ص ۱۴۵-۱۴۶)، پیم (س ۳، ش ۱۲، ص ۵۲۹-۵۳۱).

فروغی عطریه فروغی قزوینی

فروغی قزوینی. (س دهم ق)، شاعر. اهل قزوین بود و

فرهاد، رضا مشایخی، (تو ۱۲۸۴ ش)، مترجم و سویسده، در تهران به دنیا آمد. از آنجایی که پیشتر ترجمه‌های او به نام فرهاد به چاپ رسیده است، معروف به فرهاد بود. پس از تکمیل تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالفنون و گذراندن مسبقه ورودی وزارت فواید عامه، به منظور تحصیل در رشته مهندسی ساختمان و راهسازی به بلژیک مریمت نمود و دوره چهار ساله دانشگاه آن کشور را با موفقیت به پایان رساند و به ایران بازگشت. در ۱۳۱۰ ش به خدمت وزارت راه درآمد و سه سال در دانشکده فنی که تازه تأسیس شده بود تدریس کرد. از ۱۳۲۶ ش که ساخت خطوط راه آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رئیس و مدیر کل اداره ساختمان منصوب شد و مدتی معاونت وزارت راه و عهده‌دار بود. از آثار وی «حیات مردان نامی»، ترجمه؛ «احترافات»، ترجمه؛ «میدواری در یک شب»، ترجمه؛ «تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تاریخ تا دوره معاصر»، ترجمه؛ «مریخ»، ترجمه؛ «گئوپاترا»، ترجمه؛ «گوروش نامه»، ترجمه؛ «ماری استوارت»، ترجمه

مهرست کتابهای چاپی (۱/ ۲۷۹-۲۸۰، ۲/ ۲۴۱)
مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۰۰-۲۰۲)

فرهاد مصور، (ز ۸۸۲ ق)، نقاش. وی گویا از اهالی شیراز بوده و این حدس از آنجا مایه گرفته است که میابورهای و به شوه مکتب ترکمن در شیراز پرداخت شده است. مهمترین اثر این نقاش نسخه تصویری «خاوران نامه» ابن حسام است که ظاهراً پرداخت آن از ۸۸۱ تا ۸۹۲ ق به طول انجامیده است. آنچه به شوه کار فرهاد نقاش امتیازی بخشیده است یکی، شیوه اوست در مجلس آرایشی و ارائه درختان سرو و گیاهان نواحی گرمسیری و ترسیم حیوانات دریایی و مناظر کشتی‌ها و ساحل کایه‌ها و نقوش روی کشتیها و اسلیمی گل اتاری و دیگر، شوه مذهبی و شعیر صفحات، و به و آخر کتاب در مکتب شیراز و نقش نهجای کیدنی و رگه‌های مریخی طررف ساسانی و شوه‌های حدایی و نقوش در و دیور ساختمان و ساس و بیاف ربه، کلاه‌های بعدی عیاران شیرازی دوازش که این شیوه حدس شیرازی بودن وی را تقریت می‌کند. یکی از این نقاشیها رقم «کمترین بندگان فرهاد ۸۸۲» دارد؛ اثر دیگر وی، شاهی است که بر تخت

نشسته و دو زن چادر به سر در اطراف نشسته‌اند، با رقم «کمترین بندگان فرهاد ۸۸۱»

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۱۳-۵۱۱)، مهر عهد تیموریان (۳۹۹-۴۰۰)

فرهاد میرزا، فرزند عباس میرزا نایب‌السنطه، (۱۲۳۳-۱۳۰۵ ق)، نویسنده، مترجم، ادیب و حفر فیدن ملقب به محمدالدوله. در جوانی همراه پدر به آذربایجان رفت و در تبریز به تحصیل علوم پرداخت. در ۱۲۵۰ ق از طرف محمد شاه به تهران احضار شد و مدتی حکومت شهرهای مختلف را به عهده داشت. پس از چندی به عنوان ارتباط با انگلیسی‌ها، مورد سوءظن قرار گرفت و شوه او را به طالقان قزوین تبعید کرد. تا اینکه توانست اتهاماتی را که به وی نسبت داده بودند رد کند و دوباره عهده‌دار حکومت فارس و کردستان شود. از در اواخر عمر از خدمت دولت گماره گرفت و در تهران درگذشت. از آثارش: «هدایه السبیل»، که سرنامه حج اوست؛ «ربیع»، نه مسک «کشکول» شیخ بهایی؛ «مقدم و مختار» صنصام ثاره، از کتابهای علمی آن «جام جم» در جغرافیا، که ترجمه‌ای است از «جغرافیا» ویلیام پیتاک؛ «کسب الحساب»، که شرحی فارسی است از «احلاصة الحساب» شیخ بهایی؛ «دیوان» شعر

ز صیا تا نبیا (۱/ ۱۶۵-۱۵۶)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۳۳۸-۱۳۵۹)، الذریعه (۵/ ۲۴، ۹/ ۸۲۹، ۱۶/ ۱۹۷، ۷/ ۱۷۱)، ریحانه (۵/ ۲۳۱-۲۳۲)، شرح حال رجال (۳/ ۸۶-۹۲)، استبانه (دیل / فرهاد میرزا)، مجمع القصصا (۱۰۶۹۵)

فرهپور، مهدی صدیق دفتر، فرزند محمد قناد سنه‌جی، (۱۲۵۸-۱۳۲۸ ش)، نویسنده پس از تحصیلات مقدماتی در مدارس کدانیان به تحصیل زبان فرانسه پرداخت. پس از آن در اداره کارگزاری مستند به خدمت مشغول شد و بعد از چندی به همدان مهاجرت کرد و در اداره دریایی آنجا وارد خدمت شد. بعد از آن در وزارت فرهنگ کرامتشاه به کار مشغول شد. اثر وی، «تاریخ ایران و عام»، برای مدارس ابتدایی فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۶۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۴۲۰)

فرهمند، بیوک، (س چهاردهم ق)، نویسنده. وی از

جوانی به تحصیل علوم ادبی و فنون ریاضی پرداخت. علم جبر و رمل را نیز فراگرفت و زبان فرانسه را به تشریب حکیم قاضی آموخت. فرهنگ شاعری توانا و در آداب سخنوری استاد بود. وی هفت قلم و خوش می‌نوشت و در خط ثلث مهارت خاصی داشت. او در شیراز درگذشت و در حرم سید میر محمد، برادر شاهچراغ، به خاک سپرده شد. از آثار خطی وی: یک نسخه «حدائق السحر» رشید و طوطی، به خط نسخ و شکسته کتابت خوش، با رقم: «حرره البد الاقل... ابوالقاسم بن... وصال الشاعر... سنة ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائین بعد الالف». دیگر آثار وی: شرح «حدائق السحر» رشید و طوطی، به حرز چهار مقاله نظامی عروضی، متجاوز از پانزده هزار بیت؛ کتب لغتی به نام «فرهنگ فرهنگ»، شامل لغات مصطلحه فارسی، عربی و ترکی؛ رساله «طب البدن» یا «سکینه‌بیه»، در مطایبات؛ شرح و ترجمه کتاب «بارخ»، در علم نجوم بالغ بر ده هزار بیت؛ «دیوان» شعر، نزدیک به دوازده هزار بیت، به فارسی و عربی.

آثار عجم (۲۵۴-۲۵۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۳۴۰-۳۴۲)، ۲/ ۱۰۲۰، اطلس خط (۵۶۶)، تاریخ ادبیات ایران، پروان (۲/ ۲۰۸-۲۱۰)، تاریخ شعرهای ملی (۲/ ۹۸۸)، حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۳۶۰-۱۳۷۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴/ ۱۳۱-۱۳۵)، الذریعه (۹/ ۲۹)، ۱۱/ ۲۰۷، ۱۳/ ۱۸۵، ۱۶/ ۲۱۳، ریشه‌خانه (۴/ ۳۳۲-۳۳۴)، شرح حال رجال (۶/ ۹-۱)، طرائف بحقائق (۳/ ۳۷۹-۳۸۱)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۰۱۱-۱۰۱۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲)، گلستان هنر (بیست)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحى (۵/ ۸۱۷-۸۱۷)، مرآت الفصحى (۴۷۱-۴۷۳)، مکارم‌الآثار (۴/ ۱۱۷۳-۱۱۷۴)، مؤید کتب چاپی (۱/ ۲۷۲-۲۷۳)

فرهنگ نایبی، میرزا حسن‌العابدین، فرزند میرزا حسن‌علی، (سیردهم ق)، شاعر، اهل نایب بود و با میرزا جعفر طرب‌آشنایی داشت از آثارش: «دیوان» شعر، شامل بیست هزار بیت، که بیشتر آن قصیده می‌باشد حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۲۷)

فرهودی، سید حسین، (تو ۱۲۸۵ ش)، مورخ، مترجم و نویسنده، در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه علوم سیاسی و دانشکده حقوق در ۱۳۱۴ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد

دانشگاه لوزان سویس موقت به اخذ لیسانس در رشته حقوق شد. بعد از بازگشت به ایران، دبیر ادبیات فرانسه در دبیرستانهای فروین شد. اثر وی، «قوانین و تشکیلات محاکم نظامی و اصول و محاکمات و قوانین جرایم».

هرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۵۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۱۲۸-۱۲۹)

فرهنگد لاریجانی، محمد، فرزند عباس، (تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، در آمل به دنیا آمد تحصیلات مقدماتی را در آمل و دوره متوسطه را در تهران و رشته حقوق را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران به پایان رساند سپس هجده‌در مشاغل متعددی شد. از آثار وی: «تاریخ دیپلماسی در اوضاع سیاسی و اقتصادی افغانستان»، «در آغوش طبیعت»، «سیزده نوروز»، «عشق زندانی».

هرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۷۰۶، ۱۳۶۸، ۲/ ۲۰۶۴، ۲۲۷۹-۲۲۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۶۲-۶۶۱)

فرهنگ اصفهانی، محمدعلی، فرزند ابوهالب مذهب، (ر ۱۲۹۸ ق)، نقاش، مذهب، نویسنده و شاعر، منخلص به فرهنگ، وی شاعری توانا و در انشا نیز متوسط بود. در ابتدا بهار تخلص می‌کرد، ولی بعدها تخلص نکود را به فرهنگ تغییر داد. شغلش تذهیب «کلام‌الله مجید» بود از آثار امضادار او جلد روحانی مذهب و ممتازی است که بهترین معرف او در امر طلاکاری است. رقم این اثر «محمد علی مذهب» و سال اتمام آن ۱۲۹۸ ق است. وی در صهبان درگذشت از آثار او: «مدایح معتمدی»، در شرح حال شعرائی که معتمدالدوله متوجه خان‌گریجی حاکم اصفهان را مدح کرده‌اند؛ تذکره «پنجانبه»، «طرب الاحباب»، «دیوان» شعر.

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۹۱۲-۹۲۸)، حدیقه‌الشعراء (۱/ ۲۶۲-۲۷۱، ۲/ ۱۲۵۹-۱۳۶)، الذریعه (۹/ ۱۳۲-۱۳۵، ۸۲۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۴-۷۰۳)، لقب نامه (دیل / فرهنگ اصفهانی)، المآثر و الآثار (۲۱۳)، مجمع الفصحى (۵/ ۸۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۱۰۲)

فرهنگ شیرازی، میرزا ابوالقاسم، فرزند محمد شفیع وصال، (۱۲۴۲-۱۳۰۹ ق)، خطاط، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به فرهنگ در شیراز به دنیا آمد. در آغاز

کتابهایی به زبان فارسی ترجمه کرده است. آثارش «آبهای بهری»، ترجمه «اسرار موفقیب»، ترجمه «اشعه کتاب و فرایند آن»، ترجمه «عشق محبتین»، ترجمه «فرد عصبی»، ترجمه

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۵/ ۴۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۰-۵۱).

فریابی، ابوبکر جعفر بن محمد بن حسن، (۲۰۷-۲۰۱۰ ق)، قاضی و محدث، اهل فریاب بلخ و ساکن بغداد بود. برای کسب حدیث سفرهای زیادی کرد و در خراسان و ماوراءالنهر و عراق و حجاز و مصر و شام و جزیره بزرگان و محدثین را ملاقات کرد و از آنان حدیث شنید. چون به بغداد رسید، مورد استقبال قرار گرفت. وی در بغداد سکنی گزید و مجلس درس آراست. در مجلس او گاه در حدود سی هزار نفر شرکت می‌کردند، که در میان آنها سیصد و شانزده نویسنده حدیث بودند. او در آنجا از عده بن خالد و علی بن مدینی و محمد بن یسار و هشام بن ابوب طالقانی و ابوقدامة سرحسی و قتیبة بن سعید بسجی و اسحاق بن راهویه و محمد بن حمید رازی و احمد بن یونس رازی و یونس بن حبيب اصفهانی و عبدالرحیم بن حبیب فریبی و محمد ابن رنجیه و فرزندان ابراهیم دورقی و بسیاری دیگر حدیث روایت کرد. محمد بن مخنف دوری و ابوالحسن بن متادی و ابوبکر شافعی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالاحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و ابوبکر جمعی و ابوبکر آجری و ابوالحسن محمد رازی و حسن بن عبدالرحمن راهموری و خلق بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی در مصر و بغداد روایت حدیث کرد. خطیب بغدادی او را شقیه‌ای مورد اعتماد توصیف کرده است. فریبی مدتی قاضی دیور بود. او را یکی از بزرگان معرفت و فهم و علم خوانده‌اند. وی در بغداد درگذشت و در مقبر باب الاثیر دفن شد. از آثار وی: رساله «صفة النفاق و ذم المصافیق» رساله «دلائل النبوة»

لأعلام (۲/ ۱۲۳)، انساب سماعی (۴/ ۲۷۶)، تاریخ بغداد (۷/ ۱۹۹-۲۰۲)، سیرالنبلاء (۱۳/ ۱۱۱-۹۶)، شذرات الذهب (۲/ ۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۰۵)، کمال (۶/ ۱۲۷)، معجم البلدان (۲/ ۲۹۲)

فریاد، عبدالله، (تر ۱۲۸۹ ش)، مترجم و نویسنده. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ

ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره اوقاف، ریاست دفتر وراثتی و ریاست دانشکده کشاورزی. در ۱۳۲۲ ش به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه «دوره تاریخ عمومی»، «ره‌های پیشرفت اقتصادی»، ترجمه «فروغ زندگی»، پرورش فکر سالمندان و دانش آموزان.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۲۶-۱۲۶۷)، مزین کتب چاپی (۲/ ۸۳۸-۸۳۹).

فره‌وشی، علی محمد مترجم همایون، (۱۲۵۴-۱۳۴۷ ش)، نویسنده و مترجم. مشهور به مترجم همایون. در اصفهان به دنیا آمد پس از فراگیری مقدمات، در زادگاهش، برای تحصیل عربی و مبنی طلب به تهران آمد. وی مفری به استناد کرد و پس از بارگشت در مدرسه دارالمعین به فرگیری زبان فرانسه و ریاضیات پرداخت و بعد وارد وزارت فرهنگ شد و کار خود را با سرپرستی «نشان دانش و آموزش» و ریاست معارف رنجان پی‌ریزی عالی فرهنگ، ریاست مدرسه معقول و منقول چهارباغ اصفهان، سرپرستی مدرسه «راسته در جلعا و سرپرستی آموزشگاههای زیرکشان تهران. او در تهران درگذشت. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»، «حساب مقدماتی»، «حساب سال اول»، «حساب مظهری»، «حساب نرین»، «حل المسائل جبر»، «هندسه»، «علم الاشياء»، «جغرافیای رهنما»، «دستور دانش»، «باستان نامه»، «ایرانی که من شناختم»، ترجمه «ارنسن سوسس»، ترجمه «سفرنامه مادام دیولانو»، ترجمه

التربیه (۲/ ۱۲۹، ۷-۸، ۵۲/ ۲۰، ۱۸۹/ ۱)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۵/ ۱۱۳-۱۱۲)، شرح حال رجال (۵/ ۱۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۴۱، ۱۰۳۶، ۱۱۷، ۱۲۰۷، ۱۳۱۸، ۱۳/ ۱۶۷۷، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۹۳، ۵۹۰).

فرهی، هوت‌آله شادان، (س چهاردهم ق)، مترجم. وی در رشته زبان انگلیسی در دانشسرای عالی تحصیل کرده و

به شیراز رفت و به درگاه اتابکان سفیری فارس پیوست
وی اگر چه در پارکگاه اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی بود،
ولی بیشتر فرزند ادب دوستش سعد بن زنگی را مدح
می کرد. بعد از مرگ آنها به مدح دیگر اعضای این خاندان
از جمله اتابک ابش خاتون دختر سعد بن ابی بکر
(۶۶۲-۶۶۳ ق) پرداخت وی معاصر سعدی بود از
ممدوحان معروف فریداحول، شمس الدین محمد جوینی
صاحب دیوان است وی غالب قصاید استادان بزرگ پیش
از خود را جواب گفته و از عهده این کار به خوبی برآمده
است آثار از: دیوان، شعر، بیش از سه هزار بیت
آشکذآذر (۳/ ۹۷۰-۹۷۶)، تاریخ اعیان در ایران (۳/
۲۱۵-۲۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۶)، تذکره روز روشن
(۶۲۳)، تذکره الشعراء (۱۸۹-۹)، الذریعه (۹/ ۸۳۰)،
سرهنگ سخوران (۷۰۷)، مجمع المصنعا (۲/ ۹۳۸-
۹۳۳)، هفت الحییم (۲/ ۲۸۸-۲۸۹).

فرید اسفرائینی - فریداحول.

فرید اصفهانی - فریداحول

فرید پاک، فرهاد (من چهاردهم ق)، نویسنده و
مترجم وی سائب رئیس اداره بهره برداری شبلات در
بندرانزلی بود از آثار وی: «آب و هوای کرانه های شمالی
ایران»، «اماری استوارت»، ترجمه.
بهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۵، ۲/ ۲۸۵۳)، مؤلفین
کتاب چاپی (۴/ ۸۱۸).

فرید خراسان - بیهقی، ابوالحسن عی بن زید.

فرید گلپایگانی، شیخ حسن بن ملا محمد مهدی، (نور
۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه. دوره مقدمات را در گلپایگانی
خواند و در ۱۲۳۶ ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح
و در حوزه علمیه آنجا به پایان رسانید. در ۱۳۴۰ ق به قم
رفت و معقول را نزد میرزا علی اکبر حکیم بزدی خواند و
تا پایان ۱۳۴۵ ق از محضر دوس مقله و اصول آیت الله
حاجری بزدی بهره مند شد. آنگاه به نجف رفت و سه سال
از محضر آیت الله میرزا حسین نایبی و آیت الله آب
صبا الدین عراقی و آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی
استفاده نمود. سپس به حوزه علمیه قم بازگشت. وی در
۱۳۴۵ ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد

به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود در آمریکا به
تکمیل تحصیلات خود در رشته آموزش و پرورش
پرداخت و در دانشگاه کلمبیا فارغ التحصیل شد و در ضمن
در دبیرخانه سازمان ملل متحد به کار مشغول گشت. وی
سپس به دانشگاه تهران منتقل شد و به استادی رسید و
مدتی بر ریاست دانشگاه مشهد را عهده دار بود. از آثار
وی: «تاریخ صدیق ایران، باستانشناسی»، ترجمه؛ «میرح
و اشننگن کارو»، ترجمه؛ «راههای صنایع اسلامی»،
ترجمه؛ «طوفا»، ترجمه؛ «مفسر تاریخ»، ترجمه؛ «روش
آموزش و پرورش در چند کشور انگلستان، سوئیس و
مصر»، «کتاب انگلیسی» برای دوره دبیرستان، با مشارکت
همی پاشا صالح

بهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۷۱۹، ۲/ ۱۶۵۲)،
مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۷۹-۹۸۰).

فرید اصفهانی، میرزا عبدالغفار، فرزند فتحعلی، (من
سیزدهم ق)، عیسا، خطاط و شاعر، متخلص به خطاط و
فرید. پدرش از افاضل اصفهان بود. وی تحصیلات خود
را در اصفهان و سپس در تهران به پایان رسانید و در هیچده
سالگی جامع علوم ادبی بود. او از علوم معقول و منقول نیز
پسره داشت و در علم طب ماهر بود. صاحب
«مجمع المصنعا» آورده که: «از فرط کجاست طرز کماله
جدید اطباء فرنگ را مزید طب قدیم کرده». «وی قصیده
ر بیکو می سرود و در خط ستعلیق سرآمد اقران خود بود
از آثار وی: رساله ای درباره «بیماری ریا»، به عربی؛
منظومه ای در «تشریح»، به فارسی

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۰۵-۲۰۶)،
حدیقه الشعراء (۲/ ۱۳۷۲-۱۳۷۴)، الذریعه (۹/ ۸۲۹،
۲۳/ ۹۶)، سرهنگ سخوران (۷۰۷-۷۰۶)، مجمع المصنعا
(۵/ ۸۲۰-۸۲۸).

فریدی اصفهانی - زمان اصفهانی.

فریداحول، فریداندیس، (ز ۶۶۳ ق)، شاعر، معروف به
احول. در اسفرائین به دنیا آمد به همین علت او را فرید
اسفرائینی نیز می گویند. از اقران امامی هروی بود. پس از
کسب معلومات در خراسان به اصفهان رفت و در آنجا به
ملازمت آل صاعده که ریاست شعبان اصفهان را داشتند،
درآمد و آنان را مدح گفت و چون مدت زیادی در اصفهان
به سربرد به فرید اصفهانی هم معروف شد. بعد از مدتی

از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمان فرید»؛ «ششمین خویشتن‌اندان» به «عدوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ «رساله استدلالی در «خمس»»؛ «ملاحظات المرید علی موافد الوحید».

کتابخانه دانشمندان (۴/ ۵۲۰-۵۲۱، ۶/ ۴۲۶)، مؤلفین

کتاب چاپی (۲، ۴۵۳-۴۵۴).

فرید محسنی نجفی، سید آقا حسن، فرزند سید مصطفی بن محسن عراقی، (۱۳۱۵-۱۳۹۰ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس در نجف به دنیا آمد و در مهد علم تربیت یافت. سپس با پدرش به اراک رفت و پس از تحصیل مقدمات و فراگیری علوم ریاضی و حسابی در محضر برخی از علما همچون آخوند ملا محمد صابونی و آقا میرزا ابوالحسن کمره‌ای، که از شاگردان برجسته خراسانی بود، و آخوند ملا محمد تقی گنپایگانی استفاده کرد و پس از آن از محضر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی که در آن زمان در اراک بودند، در فقه و اصول استفاده نمود. سپس به وی به قم مهاجرت نمود و تا ۱۳۵۱ ق از بحثهای آن بزرگ بهره جست. آن‌گاه به اراک مراجعت کرد و تا ۱۳۷۵ ق به تدریس فقه و اصول خارج پرداخت و شاگردان فاضلی تربیت نمود. در همان سال برای همیشه به قم رفت و به تدریس استدلالی فقه و اصول پرداخت و عده‌ای از ریشه‌ترین محصلین به درسش حاضرمی‌شدند. او به بیماری سرطان در تهران درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و طبق وصیتش در جوار امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده شد. از آثار وی: «تقریرت و دراسات» آیت‌الله حایری؛ تألیفاتی در فقه و اصول و تفسیر

کتابخانه دانشمندان (۲/ ۲۱۸-۲۱۹).

فریدون سپهسالار، فرزند احمد، (ت. ۱۳۵۶ ق)، سوبنده و صوفی معروف به سپهسالار از پیروان و نزدیکان جلال‌الدین محمد بلخی بود، که مدت چهل سال از عمر خود را در ملازمت مولوی سپری کرد. فریدون بعد از مرگ مولوی، رساله‌ای در «احوال مولانا جلال‌الدین رومی» به نام «رساله فریدون سپهسالار» در شرح احوال مولوی و مشایخ طریقه مولویه نوشت که از کتب بسیار مهم در تاریخ تصوف و علوم و آداب است. از دیگر آثارش «امروذج المتأقب» در احوال مولوی رومی، که در خاتمه

دهر ششم «مثنوی» به چاپ رسیده است.

یا کساروان حبه (۲۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/

۱۲۵۲-۱۲۵۳)، تاریخ عراق و عارفان ایرانی (۴۸۹)،

تاریخ نظم و نثر (۱۳۹۷-۱۳۹۸)، جستجو در تصوف (۲۷۵،

۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۹۳)، فهرست کتبهای چاپی

درسی (۱/ ۱۲۵، ۳۸۳-۳۸۴، ۲/ ۱۷۱۸)، مؤلفین کتب

چاپی (۴/ ۸۷۶).

فریدون شیرازی، (س. یازدهم ق)، شاعر، مدتی در شیراز به تحصیل پرداخت. بعد از آن به اصفهان رفت و در آنجا از شاگردان آخوند ملا رحیمعلی تبریزی (م ۱۰۸۰ ق) شد. وی در محله شمس آباد اصفهان منزل داشت و در آنجا بیرون رفت کرد و در مرار بابا رکن الدین (حب پولاد) در کنار آخوند ملا رحیمعلی دفن شد. پس از درگذشت او کتابخانه نفیس وی پراکنده گشت.

تذکره‌القبور، ۴۵۹، تذکره دور رؤس (۵۲۵)، تذکره

مصرآبادی (۱۹۹-۱۹۸)، دانشمندان و سخن‌بران فارسی

(۳/ ۱۲۶)، الذریعه (۹/ ۸۳۱)، فرهنگ سخنوران

(۷۰۹-۷۰۸)، مرتب الفصاحه، ۲۷۵-۲۷۶.

فریور همدانی، محمد، فرزند سعید، (ت. ۱۲۸۸ ش)، شاعر، متخلص به فریور، در همدان به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قزوین و تهران گذراند. آن‌گاه وارد دانشگاه افسری شد و در ۱۳۱۲ ش فارغ‌التحصیل گردید. سپس برای گذراندن دوره عالی پیاده نظام به آمریکا رفت و بعد از مراجعت به ایران در زندان‌داری به خدمت پرداخت. فریور همدانی در سلک درویش شصت الهی و از سرمدان مونس شاهنشاه دوازدهمین بود و منصور علی لقب داشت. اشعار وی در سکره‌ها موجود است.

سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۷۲۰-۲۷۲۳).

فریومدی، امیر مختارالدین «ابن یحیی فریومدی، امیر مختارالدین»

نزاری مروتی، ابوالمنوچه محمد بن عمرو بن منوچه، (و. ۲۸۲/ ۲۹۰ ق)، لغوی، حافظ و محدث، محدث مرو بود. از عباد بن عثمان و علی بن محمد و سعدویه واسطی و سعید بن منصور و صدقه بن فضل و سعید بن هبیره و دیگران حدیث شنید. حسن بن محمد بن

تذکره روز روشن (۶۲۶)، ریحانه (۳۴۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)

فسایی، میرزا حسن حسینی، فرزند میرزا حسن. (۱۲۳۷-۱۳۱۶ ق)، محقق، مفسر، ادیب، صوفی، شاعر و طبیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد و در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر بزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خدمت میرزا ابوالحسن محمّد فسایی ابتدا «شرح هدایه»، «شرح تفسیر» و «معالم الاصول» و «مطول» را خواند. سپس نزد میرزا محمد علی راحدالعین «مناجیح التاریخ» فیض کاشانی را، در نقه خواند. بعد از آن سفری به اصفهان داشت. پس از بازگشت به شیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و ریاضی را فرا گرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیاز و حاجی میرزا بابا حکیم پاشی اصفهانی آموخت. وی در ۱۲۷۹ ق سفری به تهران و نزد کرد و پس از بازگشت به شیراز به معالجه بیماران پرداخت و شهرتی کسب کرد. چنان که پزشک منحصر ص سلطان آریان میرزا احتشام الدوله پسر فرهاد میرزا معتمدالدوله شد از آثار وی: «فارستامه ناصری»، «تفسیر حسن»، «تحفه احتشامی»، در اندرز و نصیحه به نظم، «نقشه مملکت فارس».

دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۲۵۱-۲۵۷)، سبک شناسی (۳/ ۳۴۵)، سرآمدان فرهنگ و تاریخ (۱/ ۲۸۹)، شرح حال رجال (۱/ ۳۲۲)، فارستامه صحری (۱/ ۱۲-۴۲)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، المآثر والآثار (۲۰۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۲۱-۵۲۰)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۶۸-۷۱).

فسایی، میرزا عبدالصمد. (وف ۱۲۵۷ ق)، ع. ص. وی از سادات دشتکی شیراز و از نوادگان امیر خلیف الدین منصور و سید علی خان بود. در طریقت و سلوک از برادر بزرگش، میرزا عبدالرحیم عشوت، تبعیت می کرد. وی شعر می گفت و «دیوان» نیز داشت. نمونه شعر او در «حدیقه الشعر» نقل شده است.
حدیقه الشعر، ۲/ ۱۱۶۹-۱۱۷۰.

فسونی استاجلو، امام قلی بیگ - فسونی قزوینی.

حاجیم و عبدالرحمن بن بی حاتم و علی بن محمد حبیبی قزوینی و ابونکر بن ابی نصر مروری و عده ای دیگر از وی حدیث شنیده اند. گفته اند که او محدثی بزرگ و ادیبی کثیرالحدیث بود. ابوالمرجه در مرو درگذشت. وی «السنن» و «الاحکام» را تصنیف کرد.

المرج و التمدیل (ج ۴ ق ۱/ ۳۵)، سیرالنبلا، ۳۴۷/۱۲-۳۴۸، طبقات الحفاظ (۲۷۴)، الفرائس بالوفیات (۲/ ۲۹۰).

فسزونی استرآبادی، میر محمد هاشم، فرزند جلال الدین نقاش. (ز ۱۰۲۵ ق)، مورخ و شاعر، متخصص به فزونی در استرآباد به دنیا آمد و در آسجا نشو و نما یافت. وی از علمای عصر دولت صفوی بود، که در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) می زیست. در ایام جوانی به قصد تجارت به سیر و سفر می پرداخت. در زمان صفدرخان بن میرزا یوسف خان رضوی مشهدی ساکن کشمیر به آسجا سفر کرد. بعد از برکناری صفدرخان همراه وی در ۱۰۲۵ ق به هندوستان رفت، در لاهور از او جدا شد و به دکن رفت. از آثار وی: «بحیره» یا «تاریخ البحیره»، به فارسی، در حکایات تاریخی و احوال حبشه و زبّا و شگفتیهای حیوانات و کوهها و چشمه ها و رودها و ساختمانها در حدود پنجاه هزار بیت، «البحین الطریقه» یا «بحیره الطریقه»، در تاریخ و مناسبتهای تاریخی، «دیوان» شعر، «صافی نامه»، که به اسم شاه عباس صفوی سرود. در تذکره «میحانه» نام وی تحت عنوان هاشم سگ آمده است.
تذکره شعری کشمیر (۲/ ۱۰۹۲-۱۰۹۳)، تذکره مبحث (۶۷۹، ۶۷۴)، الذریعه (۳/ ۵۱-۵۰، ۸۳۲/ ۹، ۱۱۲/ ۱۲، ۱۱۸/ ۲۹۲)، ریاض العلماء (۷/ ۲۲۴)، ریحانه (۲/ ۲۳۷-۲۳۸، ۲۳۰)، صبح گلشن (۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)، کاران هند (۲/ ۱۰۱۲-۱۰۳۰).

فسزونی سبزواری، میر محمود/میر محمد. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر، معاصر فتحی الدین اوحدی میانی (۱۰۳۰-۹۷۳ ق) بود. به هندوستان مسافرت کرد در شهر کرنال گرفتار جربانی در رابطه با خون ناحق گردید، لذا مجبور شد که به اصفهان بگریزد. از اوست:
باز آ که دیده ها نه ره انتظار تو
امیدوار از مژه بیرون نشسته اند
در حیرتم که بر در و دیوار چون نه هم
بی اضطراب لیلی و مجنون نشسته اند

فلسونی تبریزی، محمود بیگ بن عبد الله (وف ۱۰۲۷

ق)، نویسنده، دانشمند، مجسم و شاعر. در بعضی از تذکرها و را شیرازی الاصل و در بعضی تبریزی ذکر کرده‌اند. وی از شماری مکتب وقوع بود و در سرودن غزل مهارت داشت، در خط و عریضی و علم نجوم توانا بود. در عهد اکبر شاه به هندوستان رفت و در سلطنت ملازمان وی درآمد و به سمت نویسندگی و متجمعی دربار رسید. در زمان جهانبگیر شاه منصب استیضای شاهزاده حرم (شاه جهان) را داشت از آثار وی «رساله‌ای»، در علم حساب؛ «مفتاح المعانی»، فرهنگ فارسی؛ «دیوان» شعر از آنجایی که آیتی، صاحب «تاریخ یزد»، فلسونی یزدی را نشو و نما یافته در تبریز و سفر کرده به هند می‌داند؛ مؤلف افرهنگ سخورانی، پیر هوسوی یزدی را با فلسونی تبریزی یکی دانسته است.

آتشکده آذر (۱/ ۱۳۳-۱۳۴)، تاریخ نظم و منثر (۵۱۲)، تذکرة سخوردان سرود (۲۳۹، ۲۳۸)، تذکرة شماری آذربایجان (۲/ ۵۰۲-۵۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۶/ ۱۳۹)، الذریعه (۹/ ۸۳۲-۸۳۳)، فرهنگ سخورانی (۷، ۹)، کاروان هند (۴/ ۱۳، ۱۹، ۱۰)، لغت سامه (ذیل / فلسونی)، مجمع الحواصی (۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱

شدراب‌اللعاب (۳/ ۲۲۲)، کتبه‌الطبول (۱۲۹۲)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۲۲)، التواقی بالودیات (۱۲/ ۳۶۱)، مدینه‌المریث (۱/ ۳۰۹)

فصیح خوافی، احمد بن جلال‌الدین محمد. (۷۷۷- بعد از ۸۲۵ ق)، مورخ و شاعر. ملقب و مشهور به نصیح. خاندانش اهل روی خواف بودند و خود در هرات به دنیا آمد و همان‌جا نشو و نما یافت. وی در خدمت شاهرخ و پسرش پایستقر عهده‌دار مشاغل دولتی بود. در ۸۳۶ ق مورد غضب واقع و چندی هم مقید و محبوس شد. فصیح بعد از معزولی و بیکاری، به تألیف کتاب خود «مجمعل» پرداخت. سرانجام در ۸۴۵ ق از زندان خلاص شد و به ملازمت شاهرخ تیموری رسید. از آثار وی «مجمعل فصیحی» است که به صورت اجمال از هیوط آدم تا تاریخ زمان خود را نگاشته است.

از سعدی تا جامی (۶۱۳-۶۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۲۹۶-۲۹۹)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸)، رجال حبیب السیر (۲۷۲-۲۷۳)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۶۷-۱۶۸)، لغت‌نامه (دبیر/ فصیح خوافی)، مجمعل فصیحی (مقدمه/ هشت - بیست و یک).

فصیح‌ان‌زمان شیرازی، سید محمد رضوانی-رضوانی نسایی

فصیحی، ابوالحسن علی بن ابی زید محمد بن علی استرآبادی. (وف ۵۱۶ ق)، عالم‌امامی، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به ابن ابی زید. به دلیل مطالعه بسیار کتب النصیح، ثعب نحوی و همچنین تدریس آن ملقب به النصیحی شد. اصل وی از استرآباد و از شاگردان شیخ عبدالقاهر جرجانی در نحو و استاد ملک النحاة حسن بن صافی و حیص بیض شاهر بود. وی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد و پس از یحیی بن علی خطیب تبریزی مدتی در مدرسه نظامیه بغداد نحو تدریس کرد. وقتی او را به تشیع متهم ساختند، گفت: انکار نمی‌کنم و از مرق تا به قدم خود را شیمی می‌دانم. بنابراین و را از مقام مدرسی معزول و ابومصنوع جوالیقی را جانشین وی ساختند. پس از آن از مردم کتاره گرفت و گوشه‌نشینی اختیار کرد؛ حتی شاگردانش را از خود دور می‌کرد که مسأله آنان نیز از مدرسه محروم شوند، اما شاگردانش در خانه به حضورش می‌رسیدند. حافظ ابوطاهر سلفی اصفهانی از شاگردان

نشارکی اصفهانی، میر سید محمد بن امیر سید قاسم / ابوالقاسم طباطبایی زواره‌ای. (۱۲۵۲-۱۳۱۶ / ۱۳۱۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محقق و مدرس. او در کلمات بعضی از بزرگان معروف به اسناد کبیر است. در مشارک از روستاهای قهایه اصفهان به دنیا آمد. پس از درگذشت پدرش در یارده مدنگی برای فراگیری علوم به عتبات رفت و در کربلا ساکن شد. وی از شاگردان حاجی آقا حسن بن سید مجاهد و ماضل اردکائی و میرزی شیرازی بود. در زمان حیات ستادش، میرزای شیرزی، مرجعیت تقید و تدریس در سامرا را بر عهده داشت. بعد از درگذشت استادش به نجف مهاجرت کرد و مرجعیت آنجا را بر عهده گرفت و به تدریس در حوزه علمیه نجف مشغول گشت. میرزا محمد حسین نائینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا شیخ محمد رضا نجمی و حاج شیخ محمد حسین طبسی و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «أصالة البرائة»، «الأعمال»، «الصروع المحمدية»، مجموعه رسائلی در فقه و غیره؛ شرح «اوائل رسالة البرائة» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «حافل نماز».

آینه دانشوران (۱۳۶-۱۳۷)، اعیان الشیعه (۳۵/ ۳۵)، تذکره‌القبور (۱۶۵-۱۶۶)، الدرر (۲/ ۱۱۵-۱۱۶، ۲۵۴، ۱۶/ ۱۸۵)، ریحانه (۲/ ۳۲۱-۳۲۲)، فوائد الرضویه (۵۹۵-۵۹۶)، مسجدم رجال نجف (۲/ ۹۳۸-۹۳۹)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۲۷)، مکارم الآثار (۴/ ۴۳۷، ۱۴۳۵)

فتیدیزجی نسفی بخاری، ابوالحسن بن خضر بن محمد / یوسف. (وف ۴۲۴/۴۲۵/۴۲۸ ق)، قاضی و فقیه حنفی نسبت وی به شهر فتیدیز یا فتیدیزج بخارا می‌رسد. وی قاضی بخارا و پیشوای اهل رأی بود به بغداد رفت و فقه آموخت. از ابن شسویه و جعفر بن قذکی نیز بهره گرفت. شریعت سید مرتضی با او مناظره‌ای داشت. او از ابوالفضل رهبری در بغداد حدیث شنید. وی همچنین در بخارا از ابی عمرو محمد بن محمد بن صابر حدیث شنید. شاگردانش در هر سو پراکنده شدند. آخرین کسی که از وی حدیث روایت کرد، دخترزاده‌اش علی بن محمد بخاری است. از آثارش «العوائد» در فروع و فتوی انقاصی»

بیض‌المنکر (۲/ ۱۵۷)، سیرالنبلا، (۱۷/ ۲۲۴-۲۲۶)،

گلغذر من نه تنها چنانچه اغیار داشت
هر کج شاخ گلی دیدم سری با خار داشت
بزرگان و سخی سربازان همدان (۱/ ۲۸۶-۲۸۷)، تاریخ
نظم و نثر (۵۲۳)، تذکره روز روشن (۶۳۱-۶۳۹)، الذریعه
(۹/ ۸۲۵)، نعت نامه (ویل / فصیحی)، مجمع الخواص
(۲۴۷)

فضل اصفهانی، مین لیدین ایوانحسیر فصل الله بن
روزبهان بن فضل الله خنصی اصفهانی شیرزی. (وف بعد
از ۹۲۱ ق)، عالم و مورخ. ملقب به امین و معروف به
خواجه ملا یا خواجه مولانا و پادشاه در بدو امر از پیروستگان
دربار آق قویونلو و پوژه سلطان یعقوب بیگ بود. او سخی
بسیار متمصبی بود و در اصفهان و شیراز می زیست و چون
شاه اسماعیل اصفهان را گرفت، وی به کاشان و از آنجا به
ماوراءالنهر گریخت تا در کشف حمایت سلاطین سخی
از یک به سر برد. او تا سان تألیف شرح «قصیده سرده»
بوصیری (۹۲۱ ق) زنده بود قبر وی در بخارا است. از
اثرش «تاج مع عم آری امینی»، در تاریخ حادان
آق قویونلو؛ «بدیع الزمان فی قصة حی بن یصاف»، «مصل
یح ساطل و افعال کشف العاطل»، معروف به «ابطال
الباطل» که رد کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» علامه
نظری است و قاضی مورالله شهید شوشتری کتاب فضل
روزبهان را با کتاب «احقاق الحق» خویش جواب گفته
است؛ شرح «وصایای عبدالحق غجدوانی»، از مشایخ
نقشبندیه؛ «المقاصد»، در علم کلام؛ «صنوک الملوک»، که
در ۹۲۰ ق نه نام عییدالله خان از یک نگاشته است

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۵۳۸-۵۴۰)، تاریخ نظم و نثر
(۲۵-۲۵۲)، تذکره القبر (۴۶۰)، الذریعه (۲۴/ ۴۱۶)،
کشف الطوط (۲۳۶، ۱۱۲۱، ۲۰۱۲)، مجمع التواریخ
(۸/ ۶۸)، هدیة العارمین (۱/ ۸۲۰)

فصل الله دیوانه. (س دهم ق)، نقاش. لقب دیوانه که در
دبل رقم این هنرمند دیده می شود این تصور را پیش
می آورد که این نقاش یا دیوانه بوده یا به علت درویش
مسکینی و قلندری و احیاناً ارائه تصاویر غیر معمول که در
آن زمان ها باب روز نبوده، به نام دیوانه معرفی شده
است. او در شیراز استاد محمد سیاه قلم و استاد شیخ
تصویر می نمود و کارهایش شگفت زبانی به شیوه
اریعوری و چینی داشته است. وی در زمان فرمانروایی
سلطان یعقوب و سلطان خلیل آق قویونلو در آذربایجان

راویان و محاسنان اوست. وی اشعاری در رد این سکره
نحوی ناصبی، در حرمت متعه دارد، که شیخ ابوالفتح در
تفسیرش «روض الجنان»، آن را ذکر کرده است
روصات الجنات (۵/ ۲۳۹-۲۴۰)، ریحانه (۴/ ۳۴۳)،
الکسی واللقاب (۳/ ۳۲-۳۱)، مجالس المؤمنین (۱/ ۵۶۸-۵۶۲)،
معجم الاشیاء (۵/ ۷۵۶۶)، هدیة الاحیاء
۱۲، ۳، صاب الاعیان (۳/ ۳۴۷)

فصیحی تبریزی. (وف ۹۵۶ ق)، شاعر، متخلص به
فصیحی در دوره شاه طهماسب صفوی می زیست. او
معاصر مولانا شریف تبریزی (م ۹۵۷ ق) بود و اکثر
فرزهایشان را با هم می سرودند. فصیحی معاصر میرزا
شرف جهان نیز بود و مصاحبت و معاشرت با شرف جهان
باعث شهرت او در میان شعرا شد. وی در تبریز
درگذشت. از اوست

از سرور صحبت چه خبر اهل هوس را
این آتش عشق است نسورد همه کس را

آتشکده آذر (۱/ ۱۳۲-۱۳۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۹)،
۷۰۲، نسخه سامی (۲۶۰)، دانشمندان آذربایجان
(۲۹۸-۲۹۷)، الذریعه (۹/ ۸۳۲)، فرهنگ سخنوران
(۷۰۰)، نعت نامه (س)، فصیحی، مجمع الخواص
(۱۷۲)، نتائج الافکار (۵۳۹).

فصیحی گرگانی (س پنجم ق)، شاعر از ملازمان
عنصرالامالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس (ز ۴۷۵ ق)
بود که مثنوی «وامق و حذرا» را به نظم درآورد. از اوست
هر آن کو مردمان را خوار دارد
سوار کسو دشمن بسیار دارد

تاریخ نظم و نثر (۲۶)، تذکره الشعراء (۷۹۷-۷۹۸)، الذریعه
(۹/ ۸۳۲، ۱۹/ ۳۲۱، ۲۵/ ۲۴)، شعرای ماوندان و
گرگان (۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۷۱۰)، نعت نامه (ویل /
فصیحی چرمانی)، مجمع القصص (۲/ ۹۲۶)، هفت التیم
(۲/ ۱۰۶).

فصیحی همدانی. (س دهم ق)، شاعر اهل همدان بود
در تذکره «روز روشن» و «تاریخ نظم و نثر» فصیحی از
شاگردان ملا روحی هروی و ملا کاهمی سبزواری قلمداد
شده و «مثنوی» در بحر رمل به او نسبت داده شده است
فصیحی استاد صادق کتانداز (ز ۱۰۱۰ ق) بود. از اوست:

آثار عجم (۵۴۵-۵۴۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۲) / ۵۷۳، ۵۷۴.

فضل الله صحافیاشی. (س دوازدهم ق)، نقاش و مذهب. ملقب به صحافیاشی. از نقاشان عهد مظفرالدین شاه قاجار بود و شاید لقب خود را از او دریافت کرده باشد. در معرق سازی و تذهیب و نقوش ابتکاری و تجلید استادانه نسخه های خطی و تعمیر و ترتیب صفحات آب دیده و از بین رفته کتابها، مهارت استادانه ای داشت و صحافیاشی آستان قدس رضوی بود.

احوال و آثار نقاشان (۲) / ۵۱۵.

فضل ایرانی، فضلعلی خان. (س دوازدهم ق)، شاعر. در عهد محمد فرح سیر پادشاه (۱۱۳۴-۱۱۳۱ ق) به هند رفت و عهده دار مشاغل دولتی گردید. وی در عصر محمد شاه نیز مشاعلی داشت. فضلعلی خان در تاریخ آمدن نواب آصف خان ناظم دکن به دارالخلافه شاه جهان آید در ۱۱۵۰ ق ماده تاریخی به نظم آورد که مورد توجه قرار گرفت و از نواب هدایا و جوایز فراوانی دریافت کرد.

الدیریه (۹) / ۸۳۶، فرهنگ سبزوکار (۷۱۱)، کاروان هند (۲) / ۱۰۲۵.

فضل خلخالی. (و ف ۹۵۴ ق)، شاعر. وی معاصر میرزا شرف جهان بود و سالها در مصاحبت او به سر می برد. در علوم معقول دست داشت. پیکرش را بعد از درگذشت به نژوس انتقال دادند و در کنار مرقد جدش بایرید خلخالی به خاک سپردند. از او هست:

به رغم من نمید مهر با اغیار یار من

خرشمن باری که پادش می دهد از اعتبار من

تاریخ نظم و نثر (۷۰۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۸)،

الدیریه (۹) / ۸۳۶، فرهنگ سبزوکار (۷۱۱)، معنائیم

(۳) / ۲۵۹-۲۶۰.

فضل سمرقندی، خواجه فضل الله، فرزند شمس ابراهیم ثقیه. (س نهم ق)، شاعر و عالم. او را به واسطه کثرت دانش فقه، ابو حلیفه ثانی می گنند. وی اهل علم علمی سمرقند و شاگرد امیر سید شریف بود و به شعر و معانییر تمایل داشت. امیر علی شیر نوایی (م ۹۰۶ ق) شاگرد او بوده و می گوید که خواجه به من چندان انعام داشت که مرا فرزند خود می خواند. قبرش در خانقاه اجدادی وی در

فعالیت هنری داشت و پس از ۹۰۷ ق که به سلاطین حکومت آق قویونلوها، به دست شاه اسماعیل صفوی برچیده شد به جمع سرمدان تبریز پیوست و در جاسورسازی مهارت داشت. از آثارش: جمع سرها و کلاه های حیوانات و نقوش انسانها و سر و کلاه و حرکت دست های آنهاست؛ تصویر کلاه و صورت چند نفر، با کلاه های گوناگون و در تصویر نیم قله با رقم: «فضل الله دیوانه»؛ تصویر زن و مرد چینی که شیشه کارهای محمد سیاه قلم و استاد شیخی است. با رقم: «کار فضل الله دیوانه»

احوال و آثار نقاشان (۲) / ۵۱۷-۵۱۶.

فضل الله ساوچی. (و ف ۱۲۷۵ ق)، ادیب، طیب و خطاط. پدر ابوالفضل ساوچی و از خاندان شاملو و از عصاب حسن خان شاملو والی هرات بود. میرزا فضل الله، خود از مشاهیر اطباء ساکن تهران بود. فتحعلی شاه قاجار او را به سمت معلمی عینی خان قزلباشخان، دهمین فرزند خود، منصوب داشت. در خطوط، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را نیز خوش می نوشت. او را به داشتن سجایای اخلاقی و مراتب فضل و کمال یاد کرده اند و بعضی شاعران عصر، مانند: شب هنگ در اشعار خود وی را ستوده اند. در تهران درگذشت و در وادی السلام بجهنم به خاک سپرده شد. از آثارش، قطعه سیاه مشقی است که در قلم چهار دانگ خوش نوشته شده و رقم «ذلک فضل الله» دارد؛ قطعه ای به قلم شش دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم «یا هو، در نهایت افسردگی و پیدماری نوشته شد، کتبه الحقیقه، فضل الله ۱۲۵۷.

احوال و آثار خوشنویسان (۲) / ۵۷۲-۵۷۳، شرح حال

رجال (۶) / ۱۷۸، حدیقه الشعراء (۳) / ۱۵۰۸، ۱۵۱۲-۱۵۱۳،

طرائق الحفائ (۳) / ۵۸۲-۵۸۳، مجمع الفصحا

(۵) / ۹۰۱، گنج شایگان (۵۰۹).

فضل الله شیرزی، فرزند میرزا یوسف مذهب پاشی. (و ف ۱۳۱۰ ق)، خطاط. برادر میرزا حنیفی خوشنویس است. ابتدا به خط شکسته نستعلیق رغبت داشت، ولی بعدها به ستملک همت گماشت. از آثار وی: یک نسخه «لرایح جامی به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «بر حسب فرمایش... العبد... فضل الله ابن المرحوم المفقود» میرزا محمد یوسف المذهب طاب نره، می... سنة ۱۳۰۵؛ یک نسخه «کلمات» سعدی، که به چاپ مسگی رسیده است.

سمرقند است.

الذریعه (۹/ ۳۰۷)، فرهنگ سخنوران (۷۱۲)، مجالس
العالمین (۲۶-۲۷، ۲۰۱، ۲۸۷)

فضل شیرازی، مولانا فضل الله. (س نهم ق)، شاعر
اهل شیراز بود. به رسم تجارت به استرآباد رفت و در
همان جا ساکن شد. وی در باری شهرت استاد بود و شعر
و معما نیز می گفت. از اوست:

سعدت تو برون باد و دولت تو ریادت
هزار سال بمائی به دولت و به سعادت

داشمدان و سخن سراپا، فارس (۴/ ۱۴۳)، الذریعه (۹/
۸۳۶، ۸۳۷)، مجالس العالمین (۱۲۱، ۲۹۹).

فضلعلی. (س یازدهم ق)، نقاش. شاگرد معین مصور
بود. این هنرمند در شیوه رصا عباسی و معین مصور
تصویر می ساخت و در زمان خود از معاریف تصویر سازان
به شمار می رفت. وی در چهره سازی و منظره پردازی و
ترسیم مجالس بزمی و رزمی مهارت داشت و با ارقام «رقم
کمینه فضل علی» و «رحصیان امیدم به فضل علی است»
امضا می نهاد. همدۀ آثار این استاد، تصاویری است در
نسخه «شاهنامه» که در ۱۰۷۹ ق و به خط ابن شمس بند
شیخ محمد، فرجام پذیرفته است. این کتاب که با همکاری
نقاشان بنام آن دوره، از قبیل محمد زمان و علی قی بن شیخ
عباسی و پیر بیگ غلام (آقابویان) مصور شده، هیچده اثر
رقم دار است که از ۱۱۰۳ تا ۱۱۰۹ ق به نقش در آمده
است. از آثار وی، تصویر حضرت خضر (ع) که سوار بر
قاطر شده، با رقم «کمینه فضلعلی»؛ نقش بهرام گور که
دبوی را به وسیله تیر و کمان به قتل رسانده و چنین رقم
نهاد: «رقم فضل علی»؛ تصویر دختری به شیوه صفوی با
رقم. «از حصیان امیدم به فضل علی است»
احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۱۷-۵۱۸).

فضلک صانع ربوی، ابوبکر فضل بن عباس. (وف ۲۷۰
ق)، حافظ، محدث و محقق. وی از عیسی بن میافالون و
شبیان بن فروخ و اسحاق بن راهویه و ابوریع زهرانی و
هیدالعریز بن عبدالله اویسی و قتیبة بن سعید و هدیه بن
مخلد و احمد بن عبده و مطیفة آثار حدیث روایت کرده
است. ابوعوانه اسماعیلی و صالح بن ابی مقاتل و ابوبکر
خرائطی و محمد بن مخلد عطار و محمد بن جعفر مطبری
و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. وی صاحب

تصانیفی چند می باشد.

تاریخ بغداد (۱۲/ ۳۶۸-۳۶۷)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق
۶۶/ ۲)، ری باستان (۱/ ۳۳۰)، سیرالسلاطین (۱۲/ ۶۳۰-
۶۳۱)، شذرات الذهب (۲/ ۱۶۰)، طبقات الحفاظ (۲۷۱-
۲۷۲)، معجم المؤمنین (۸/ ۶۹)، هدیه المعارفین (/
۸۱۸).

فضل نویختی «ابوسهل فارسی».

فضلی جرفادقانی «فضللی گلپایگانی

فضلی قزوینی، ملا فضل الله. (س دهم ق)، خطاط و
شاعر، متخصص به فضلی در قزوین به دنیا آمد. در
خوشنویسی و خطاطی معروف و در سرودن شعر توانا
بود. در زمان اکبر شاه گورکانی (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) همراه پسر
خود، مقصود قزوینی به هند رفت و در آنجا اقامت کرد و
همان جا درگذشت. از اوست:

فضلی چو عنجه خلعت هستی نه خود مبیج
بر چهره چین میمکن و دامن نه خون مکش
چون گل شکفته باش و چو سرو از غم جهان
آزاد باش و مست این چرخ دون مکش

نحمة سامی (۱۲۹)، الذریعه (۹/ ۸۳۷)، فرهنگ
سخنوران (۷۱۲)، گاروان هند (۲، ۱۰۲۵-۱۰۲۶)،
میزدور (۲/ ۵۳۸).

فضلی کرمانی «فاضلی کرمانی

فضلی گلپایگانی. (س یازدهم ق)، شاعر از شاگردان
حکیم شهابی (م ۱۰۳۷ ق) و از ملازمان سرکار امامقلی
خان حاکم فارس بود. فضلی در سرودن رباعی و غزل توانا
بود و دارای رباعی های زیبایی است. از اوست:

خونابه فرستند به هم چشم و دل من
چون کاسه که همسایه به همسایه فرستد

تذکره روز روشن (۶۳۲-۶۳۳)، تذکره نصرآبادی (۲۶۳-
۲۶۴)، الذریعه (۹/ ۸۳۷)، فرهنگ سخنوران (۷۱۲-
۷۱۳).

فضلی هروی. (وف ۹۴۷ ق)، نقاش و شاعر اهل
هرات و معاصر با مولانا کلچین در عصر سلطان حسین
بایقرا بود. ابتدا نقاشی می کرد و در آن تبحر داشت. بعد از

مصیحی (ذیل / سال ۱۸۷)، الشجره الزاهرة (۲ / ۱۵۵-
۱۵۶)، نجات الانس (۳۴۰۳۳)، وفیات الامیاء (۴ / ۳۷-
۵۰)

فَضِیلِ هروی، ابوعاصم فضیل بن یحیی بن فضیل.
(۴۷۱-۳۸۲ ق)، فقیه، مستند و محدث از عیدالرحمن بن
ابی شریح انصاری و ابوعلی منصور بن عبدالله خاندی و
ابوالحسن بن بشران معذل و عده‌ای دیگر حدیث روایت
کرده است. عبدالسلام بکتره و محمد بن حسین علوی و
عبدالاول سجزی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت
کرده‌اند. او مستند هرات بود و به گفته ابوسعید سمعانی،
فقیهی وارسته و راستگویی مورد اعتماد که در طول عمر
خود احادیث بسیاری را به آیندگان سپرد.

الاعلام برفیات الاعلام (۱ / ۳۱۲)، سیرالنبلاء (۱۸ /
۳۹۸-۳۹۷)، شذرات الذهب (۳ / ۳۴۱)

فَضِیلِ هروی، ابوالفضل محمد بن اسماعیل بن
فضیل انصاری. (وف ۵۳۷/۵۳۴ ق)، مستند و محدث از
مُحَمَّد بن اسماعیل قسبی و ابوعمر عبدالواحد بن احمد
خلیقی و سعید بن ابوسعید عیار حدیث شنید. از جمله
سرویات او «صحیح» بخاری است؛ که آن را از مایحی
اصحاح کرده بود. سمعانی و ابن عساکر و ابی‌روح عبدالعزیز
و گروهی دیگر از وی روایت کرده‌اند. سمعانی در «تجیر»
خود آورده: او مدتی در جامع هرات مجلس املای حدیث
سرقرار کرد و به من اجازه روایت داد. وی در مرو
درگذشت.

سیرالنبلاء (۲۰ / ۶۴-۶۶)، شذرات الذهب (۴ / ۱۰۵)

فطرت پروچردی لرستانی، محمدامین بیگ. (م)
سبزه‌دم ق)، شاعر اصلش از لرستان و مردی با دانش و
کمال برد در اصفهان به دنیا آمد و به هندوستان سفر کرد.
پس از مراجعت، در اصفهان مقیم شد و در همان سامان
درگذشت. وی معاصر رضاقلی خان هدایت (تو ۱۲۱۵ ق)
بود. او در هندوستان به کیش جوکیان در آمد. فطرت در
سرودن قصیده توانا بود.

حدیقه‌الشعراء (۲ / ۱۳۷۸-۱۳۷۷)، الذریعه (۹ / ۸۲۹)،
سمیه‌المحمود (۲ / ۴۱۲)، فرهنگ سمجوران (۷۱۴)،
مجمع الفصحا (۵ / ۸۰۵-۸۰۴)، مصطفی خراب (۱۳۶)

فطرت مشهدی، میرزا معزالدین محمد، فرزند میرزا

مدنی نقاشی را کنار گذاشت و به شعر روی آورد. در
«محافل انعمش» یکبار تحت عنوان فضلی هروی و بار
دیگر تحت عنوان فیضی هروی آمده است از اوست:

راهند بسیار خسرقة و رهن شراب کن

بیاد رهند و خانه تقوی شراب کن

الذریعه (۹ / ۳۸۷، ۸۵۵)، فرهنگ سمجوران (۷۱۲)،

محافل‌الانعم (۸۲ / ۲۵۷-۲۵۶)

فصولی، عمادالدین - عمادالدین، عمادالدین فصولی.

فضیل عیاض، شیخ لاسلام ابوعلی فضیل بن عیاض
بن مسعود. (تو ۱۰۵۱-۱۰۸۷ ق)، محدث، صوفی،
عارف و راهب. در خراسان به دنیا آمد. روزگار جوانی
فضیل در ردیکی ایبورد و میان ایبورد و مرزسپهری گردید.
وی در جوانی مدتی راهرنی می‌کرد. سپس توبه کرد و در
کوفه به فراگیری حدیث و علم پرداخت و یکی از
پیشگامان تصوف گردید. او از محضر امام صادق (ع)
کسب فیض نمود. از دیگر استادان وی: امش، ابی
ابی‌لیلی، حمید طویل، یحیی بن سعید انصاری را می‌توان
نام برد. او مدتی در کوفه تحت تربیت سفیان‌ثوری (م)
فرگرفت. یکبار در مکه به هارون‌الرشید، حلیه‌مقتدر
عباسی، اندرز داد و این کار باعث شد که در بغداد نزد
صوفیه و رها محبوب شود و حتی مورد احترام امام احمد
حبیل نیز قرار گرفت. ابن‌عساکر، یحیی بن سعید طغان، ابن
مهدی، ابن‌عمیته، اصمعی، شافعی، بشر حافی،
عبدالصمد ابن مردویه، عده مورری و حسین بن داود
نحوی و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.
بخاری، مسلم، ابن‌داود، نسائی و ترمذی در «صحاح»
خود به نقل حدیث از وی پرداخته‌اند. فضیل در مکه وفات
یافت. از سخنان اوست: به عزت پروردگار سوگند که اگر
در آتشم کند، می‌دم به وی از دست نروم؛ نیم برتر از امید
است مادام که انسان از صحت و سلامت برخوردار است و
چون به کام مرگ افتد امید برتر خواهد بود.

تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۷۳-۲۸۸)، تذکره‌الاولیاء
(۱ / ۸۵۷۴)، تهذیب‌التهدیب (۸ / ۲۵۸-۲۵۶)، الجرح و
التعديل (ج ۳ ق ۲ / ۷۳)، جستجو در تصوف (۱۱۲)،
حله‌الاولیاء (۸ / ۱۴۰-۸۴)، ترجمه رساله قشیریه (۲۷-
۲۸)، سیرالنبلاء (۸ / ۴۲۲-۴۲۱)، شذرات‌الذهب (۱ /
۳۱۶-۳۱۸)، صف‌الصوفیه (۱ / ۴۷۶-۴۸۱)، طبقات
الصوفیه سلمی (۱۲-۶)، کارنامه بزرگان (۱۸-۲۰)، مجلس

به ویژه دانش پزشکی گذراند. علم طب را نزد دایی خود، حکیم تابع‌الدین حسین، آموخت و بیشتر کتابهای مربوط به علم طب را مطالعه کرد و به همین جهت او را حکیم نیز گفته‌اند. وی در زمینه ادبیات فارسی و عربی، خط، شعر، تاریخ، علم ادوار و موسیقی نیز تبحر داشت. در اوایل عمر به خدمت خان احمد خان گیلانی که خرد شاعر و مشوق شاعران و عالمان بود رسید و منظومه «شهر آشوب» را در آن زمان به نظم درآورد. سپس به گرجستان، آذربایجان و اصفهان مسافرت کرد. در اصفهان با حکیم شفایی آشنا شد. در زمان شاه عباس صفوی مورد توجه علی‌قلی خان شاملو که دیوان بیگی و ایشیک آقاسی پادشاه بود قرار گرفت. وی مسافرتی هم به هند داشت و در آنجا در خدمت حکیم علی گیلانی از پزشکان معروف ایرانی در هند بود. در هند با عبدالرحیم خان خانان ملاقات کرد و تحت ملازمت وی قرار گرفت و به وساطت وی از مریان شاهزاده پرور شد و در مدح او اشعار زیادی سرود. قفقور در الله‌آباد بر سر راه آگریه درگذشت. از آثار وی: رسالاتی در موسیقی؛ رساله در «حساب اصابع»؛ دیوان شعر، در چهار هزار بیت

تألیف شده. (۲/ ۸۲۲-۸۳۵) احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۷۵-۵۷۶، ۲/ ۷۰۵)، ایضاح المکنون (۱/ ۵۲۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۰۲۴-۱۰۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۴/ ۲۱۴)، تذکره نصرآبادی (۲۳۲-۲۳۳)، تذکره میخانه (۲۵۳-۲۷۱)، الذریعه (۹/ ۳۵۸، ۸۴۰-۸۴۱)، سرود آزاد (۳۸-۳۷)، فرهنگ سخنوران (۷۱۵)، کاروان هند (۲/ ۱۰۲۸-۱۰۲۴)، لغت‌نامه (دیل / قفقور گیلانی)، مآثر رحیمی (۲/ ۹۰۱-۹۲۷)، مجمع الحواسب (۲۳۳-۲۳۴)، دیوان و نامداهای گیلان (۳۷۵).

فقیر خوشنوی، سید عبدالله - جرابری خوشنوی، سید عبدالله.

فقیه سبزواری، میرزا حسین بن میرزا موسی. (۱۳۰۹-۱۳۸۶ ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. در سمرقند به دنیا آمد و در خانواده‌ای اهل علم پرورش یافت. در ۱۳۱۸ ق به همراه پدرش به نجف رهسپار شد و مدت چهار سال در آنجا، تحت نظر پدرش، مقدمات و ادبیات را خواند و در ۱۳۲۲ ق به همراه پدر به سبزواری و چهار سال در آنجا به تحصیل پرداخت. در همده سالگی با اجازه و امر پدر به مشهد رفت و از محضر ادیب بزرگ میسبوری و

فخرآ. (۱۰۵۰/۱۰۵۶-۱۱۰۱ ق)، شاعر، متخلص به فطرت. اصل وی از سادات قم است. او دخترزاده میر محمد زمان مشهدی است که در مشهد به دنیا آمد و در همان‌جا به کسب علوم پرداخت. سپس به اصفهان رفت و ده سال در حوزه درس آقا حسین خراسانی به کسب علوم پرداخت. در ۱۰۸۲ ق هازم هندوستان شد و مورد توجه اوونک ریب عالمگیر قرار گرفت و شاه با تزویج دختر شاهنور خان صفوی به او، وی را مقرب ساخت. او در ۱۰۹۹ ق از طرف آن پادشاه ملقب به موسوی شد و از این به بعد تخلص خود را به موسوی تغییر داد. سال بعد منصب دیوانی مجموع ممالک دکن به او داده شد. سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی: گلشن فطرت، مشتمل بر اشعار تازه گویان که سرحشر در تدوین «کلمات الشجره» از آن استفاده کرد؛ «دیوان» شعر تألیف شده. (۲/ ۲۹۱-۲۹۶)، تذکره المعاصرين (۱۵۳-۱۵۴، ۲۸۷-۲۸۸)، تذکره نصرآبادی (۱۷۷-۱۷۶)، الذریعه (۹/ ۸۳۹، ۱۱۹)، سرود آزاد (۱۲۸-۱۲۶)، سرهنگ سخنوران (۷۱۴، ۸۹۴)، کاروان هند (۲/ ۱۰۲۸-۱۰۲۶)، نتائج الافکار (۶۵۸-۶۵۲).

فطرت نوایی مازندرانی، چراغعلی خان (سبزواری) (ق)، شاعر. اصل وی از قصبه نوای مازندران و از بزرگان آن سامان بود. در دولت فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۳-۱۲۵۰ ق) اعتبار بسیار داشت. بعد از چندی به وزارت حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس مأمور شد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

حدیقه الشعراء (۲/ ۱۳۷۸-۱۳۷۹)، الذریعه (۹/ ۸۳۹)، سرهنگ سخنوران (۷۱۴)، مجمع القصص (۵/ ۸۲۹)، مصطفی خراب (۱۳۹).

غلام‌الدین دیل - بلبل، غلام‌الدین

غفور گیلانی - غفور لاهیجی.

غفور لاهیجی، محمد حسین، فوزلد سید احمد. (وب ۱۰۳۹/۱۰۳۰ ق)، دانشمند، طبیب، موسیقیدان و شاعر، متخلص به غفور. در ابتدا، رسمی تخلص می‌کرد و زمانی که به هند رفت تخلص غفور را برگزید. وی گاهی میر نیز تخلص می‌کرد. از سادات لاهیجان گیلان بود. دوران جوانی را در همان ولایت به فراگیری دانش و ادب

ویسویه را عهده‌دار بود. در قم درگذشت و در مسجد بالا سر دفن شد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت.

آثارنامه (۲/ ۱۲۲-۱۲۳)، آیه دانشوران (۲۸۱-۲۸۲)،

تربت پاکان قم (۴، ۶۲-۶۳)، گنجینه دانشمندان (۲/

۹، ۶، ۷۲)

فقیهی، رضا، فرزند شیخ علی. (۱۲۹۳-۱۳۳۹ ش)، شاعر در اراک به دنیا آمد و تحصیلات خود را در آن شهر به پایان رسانید. از آن پس به کشورهای مختلف مانند عراق، سوریه، لبنان و ترکیه مسافرت کرد و ره آورد این سفرها را به صورت «سفرنامه» ای نوشت. وی بعد از اقامت در تهران در انجمن‌های ادبی شرکت می‌جست و در سرودن نطعه و عربی مهارت داشت. سراسیمه در جاده شیراز بر اثر تصادف وفات یافت. آثار او در بعضی از جراید و مجلات منتشر شده است.

سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۷۲۸-۲۷۲۹)

فقیهی، علی اصغر، فرزند میرزا ابوالحسن. (۱۲۹۶ - ۱۳۸۲ ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدر و عمیش، که از روحانیون بودند، با علم حوری اشد شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن‌گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت و در دانشسرای عالی از محضر ستائیدی چون فوریانفر، بهمنیار، الهی قمشه‌ای و میرزا محمود شهابی بهره‌مند شد. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کهالت مرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. در ۱۳۵۰ ش به تهران آمد و تا سال ۱۳۵۸ ش در دبیرستان علوی به تدریس پرداخت. وی سالهای متعددی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سرودمندی کرد. در قم درگذشت و در محضر حضرت معصومه (س) دفن شد. آثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ نخبه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته خوزستان»؛ «تاریخ آل پویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و شاه»؛ «توحید معصی»؛ ترجمه «عهدنامه مالک اشتر»؛ ترجمه «سفرنامه حج»؛ «عضدالدوله دیلمی»

کیهان برهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۳-۱)، مؤنن کتب

شیخ حسن درسی و سید محمد باقر مدرس استفاده نمود. پس از چندی به خواست پدرش به سیروان بازگشت و صمیر استفاده از درس خارج پدر و بهره‌گیری از افتخارالحکماء، در رمیه معقول، خود به تدریس مسطوح پرداخت. در ۱۳۳۷ ق پس از درگذشت پدر به نجف مهاجرت نمود و دو سال از محضر آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله سید محمد فیروز آبادی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا میاء اندین عربی و آیت‌الله صفه‌ای استفاده نمود و به مدارج عالی فقه و اجتهاد رسید و دریافت اجازات اجتهاد مطلق از اساتیدش، در ۱۳۴۷ ق، به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول و امامت جماعت در جامع گوه‌رشاد پرداخت. او در مشهد درگذشت و در مقبره باغ رضوان به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بنای کوی طلاب؛ مدرسه محمدیه؛ تکیه سیدها؛ مدرسه کرچک باغ رضوان؛ تکمیل بنای درمانگاه رزی گورستان و هسالمخانه و دیگر آثار خیر او در کتاب «خاطرات رنگابی» وی با شرح آثار آمده است. از آثار وی: «مناسک الحج»؛ «هدایة الانام»؛ تقریرات استادان فقه و اصول

گنجینه دانشمندان (۵/ ۲۲۱-۲۲۳، ۷/ ۱۵۲) مرجم

رحال نجف (۲/ ۶۶۵-۶۶۶)

فقیه قمی، سید مرتضی بن آقا عباس میرقی رضوی (۱۲۲۱-۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی ملقب به فقیه معروف به حاج داداش. در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقو پرورش یافت. او دخترزاده آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبایی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، مسطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعینی همدانی و حجت الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صمیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروة» را از محضر آیت‌الله بیض استفاده نمود و همچنین مدتی در محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. پس عمده درس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجرودی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابراهیم رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد و در زمان آیت‌الله بروجرودی مدیریت مدرسه

چسپای (۴/ ۴۷۲-۴۷۱)، سیمه انجمن (ش ۱۱، مر ۱۶۲-۱۶۳)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۸۰).

فقهیه رشتی. شیخ عبدالحسین بن شیخ شعبان رشتی نجفی (۱۳۲۱- ۱۴ ق)، حقیق و عاقل دینی. در سبب به دنیا آمد. وی ادبیت را در خدمت آقا میرزا عبدالحسین قفقازی و مقدمات را در خدمت میرزا مجید گنجی‌ای و سطوح را نزد آقا شیخ حسین رشتی و شیخ محمد علی کامبینی و مید علی کارزویی و شیخ علی مازندرانی خواند و دروس فقه و اصول استدلالی را از محضر حاج میرزا علی پروینی و آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی و آیت‌الله نائینی و پدر خود، آیت‌الله شیخ شعبان رشتی، استماع نمود و علوم اجتماعی را در آیت‌الله شیخ جواد بلاغی فراگرفت. در حدود ۱۳۵۰ ق به قم رفت و در درس آیت‌الله حایری حاضر شد و بعد از ایشان حدود هجده سال از دروس و بحث آیت‌الله بروجردی استفاده کرد و چند سالی از طرف آیت‌الله بروجردی در مرسوم حج به مکه و مدینه برای رسیدگی به امور شرعی حجاج ایرانی فرستاده شد. وی برای فضلا به تدریس فقه و اصول تبر می پرداخت. در قم درگذشت و در صالح حضرت معصومه (س) دفن شد. از آثارش: *فهرج بیه* «کتابیه» شرح بر «مکاسب»؛ «کتاب الاجارة»؛ «مفاتیح» مذک؛ «ولایة العقیقه»؛ «کککول».

انوارالحیة (۲/ ۵۶)، آینه دانشوران (۲۲۹-۲۲۸)، تربت باکان قم (۲/ ۲۳۷-۲۳۶)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۲۳-۲۲۲).

فکرت شیرازی، میر غیاث‌الدین منصور، هوزند میر صدرالدین محمد. (وف ح ۱۰۹۰ ق)، شاعر، متخصص به فکرت از طرف پدر به میر غیاث‌الدین منصور دشتکی می‌رسید و از طرف مادر از بستگان میر معرقی موسوی خان قطرت و علامه میر محمد زمان مشهدی بود. وی در ابتدا منصور تخلص می‌کرد و بعدها تخلص فکرت را برگزید. او از شاگردان صائب تبریزی و معاصر و معاشر با سرخوش، مؤلف «کلمات‌الشعرا» بود. پس از اقامتی چند در اصفهان، در زمان شاه‌جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق)، وارد دهلی شد و در دوره سلطنت عالمگیر پادشاه به منصب دینی رسید. به روایت «کلمات‌الشعرا» او در کشمیر درگذشت.

تذکره رور روس (۶۳۵)، تذکره مصریادی ۹۹،

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴/ ۱۵۲-۱۵۰)، الدرریمه (۹/ ۷۹۵، ۸۴۲)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۴۲-۱۱۴۱)، فرهنگ سخنوران (۷/ ۸۸۱)، گبروان هند (۲/ ۱۰۴۲-۱۰۴۵)، کلمات‌الشعرا (۱۴۴-۱۴۵)، مرآت‌المصاحبه (۴۸۰-۴۸۲).

فکرت لاریجانی، سید نعمت‌الله. (وف ۱۲۲۹ ق)، شاعر. از سادات لاریجان بود و مردی عالم و فاضل، در ابتدای امر به تعلیم شاهزاده علی خان، ملقب به ظل‌السلطان، پسر فتحعلی شاه مشغول بود. پس از چندی به شیخ الاسلامی زادگاه خود منصوب شد. از اوست:

آه از این سوز خرون کز خویش ایمن نیستم
تا کشم از دل به آن سوزی که خواهم آه را

حقیقة‌المرء (۲/ ۱۳۸۰-۱۳۸۱)، الدرریمه (۹/ ۸۴۴-۸۴۵)، سفینه‌المحمود (۲/ ۶۴۵-۶۴۷)، فرهنگ سخنوران (۷/ ۷۱۶)، مجمع‌القصص (۵/ ۸۰۲)، مصطفی حواب (۱۳۴-۱۳۵)، نگارستان ناز (۱/ ۱۷۱-۱۷۰).

فکرت هندی، میر غیاث‌الدین منصور، فکرت شیرازی.

فکری، مرتضی قلی خان مؤید‌السمائل، مؤید‌السمائل فکری، مرتضی قلی خان قاجار.

فکری اصفهانی، خواجه محمدرضا، هوزند فیسیخی پیگ. (وف ۱۰۲۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به فکری ساکن اصفهان بود. در شعر از شاگردان مولانا زین‌الدین مسعود تکی و در علم سیاق و حساب ماهر و معاصر حکیم شفاپی بود و همیشه بین آنها مباحثات و متازعات و مه‌جات واقع می‌شد. سپس وی از اصفهان به هند رفت و بعد از مدتی به شیراز و از آنجا به دکن مسافرت کرد و همان‌جا درگذشت.

آتشکده آذر (۳/ ۹۷۶-۹۷۷)، تذکره روز روشن (۶۳۶-۶۳۷)، تذکره صرآبادی (۲۶۹)، الدرریمه (۹/ ۸۴۵)، فرهنگ سخنوران (۷/ ۷۱۷)، گبروان هند (۲/ ۱۰۴۵-۱۰۵۱).

فکری رازی نوربخش. (س دهم ق)، شاعر، متخلص به فکری. از شاعران دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۴۸ ق) بوده که در علم موسیقی نیز مهارت داشته است. ابتدا

حذیقه‌الشمسویه (۲/ ۱۳۸۱-۱۳۸۳)، الذریعه (۹/ ۸۴۴)،
طرائق الحقائق (۳/ ۲۴۸-۲۴۸)، فارسی‌نامه سامری (۲/
۹۴۲)، فرهنگ سخنوران (۷۱۸)، مرآت الفصاحه (۲۸۲-
۴۸۳)، مکارم‌الآثار (۵/ ۱۸۴۵).

فکاری، مراد خان، فرزند تیمورخان / تهرخان، (س
دهم ق)، شاعر، متخصص به فکاری در زمان شاه
طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) می‌زیست و از اعیان
دربار وی به شمار می‌رفت او سرکردۀ طبقۀ سلطنت
حیدریان در دربار صفویه بود. به گفته صادقی کتابدار وی
در جوانی به علت پاره‌ای از اعمال نامناسب به چشم زخم
عجیبی دچار شد، و به آورده مؤلف «تاریخ نظم و نثر» در
زمان شاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ ق) به دست پیره
محمدخان کور گردید. فکاری به فارسی و ترکی شعر
می‌سرود و در انواع آن مهارت داشت.

تاریخ نظم و نثر (۴۹۵)، الذریعه (۹/ ۸۴۴)، مجمع
البحران (۲۰-۳۱)

نفسی، شیخ محمد تقی، فرزند شیخ محمدرضا
تنگ‌بنی، (۱۳۲۷-۱۴۱۹ ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ،
متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و
تکلیف‌ها را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله
تنگ‌بنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و
معقول و فلسفه را از میرزا طاهر نسکاسی و آقا میرزا
محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود
دو سال در زمان آیت‌الله حائری یزدی در قم اقامت داشت
و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شد. سپس به
تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلف و
مستوع پرداخت. وی در سبب و خطبه روش نرویی را
پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود
آورد و شاگردان بسیاری تربیت کرد. خدمات دینی و
اجتماعی او بسیار و مسافرت‌های تبلیغی او به کشورهای
عربستان، عراق، پاکستان و همچنین شهرهای مختلف
ایران قابل توجه است. در بهران، در پایان جلسه درس،
درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در
کنار هم‌ر پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین
نسکاسی، دفن شد. آثار علمی و قلمی او منظوری آموزنده
با تری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی
«گفتار فلسفی» انتشار یافته، عبارتند از: «کودک»، «از نظر
وراثت و تربیت، دو مجلد»، «جوان»، «از نظر عقل و

سیری تخلص می‌کرد و پس از سفر به دکن تخلص فکری
را برگزید. وی گریبا با شاه ظاهر دکنی نیز معاشرت داشته
ست

الذریعه (۹/ ۲۸۴، ۸۴۵)، صبح گلشن (۳۱۹-۳۲۰)،
فرهنگ سخنوران (۳۸۰، ۷۱۷)، گریبان هند (۲/ ۱۰۵۱-
۱۰۵۲)، هفت اقلیم (۳/ ۴۹-۴۸).

فکری مشهدی، سید محمد جامه‌یاف، (وف
۹۷۲/۹۷۲ ق)، شاعر، متخصص به فکری. مشهور به میر
ریاهی. از شعرای سادات مشهد بود. در زمان آکبرشاه
(۹۹۶-۱۰۱۲ ق) به هندوستان مسافرت کرد. وی به جهت
آنکه بیشتر ریاهی می‌سرود، به میر ریاهی شهرت یافت.
در جوپور درگذشت. در تذکره‌ها نام او را تحت عنوان
مشهدی، ربی، هروی و خراسانی آورده‌اند

تشکله آور (۲/ ۵۰۱)، اعیان‌النسب (۹/ ۱۹۹)، الذریعه
(۹/ ۸۲۵)، ریاض‌المعارفین (۲۲۶-۲۲۷)، رسمانه (۱/
۳۸۷)، فرهنگ سخنوران (۷۱۷)، گریبان هند (۲/
۱۰۵۲-۱۰۵۱)، لست‌نامه (ذیل / جامه‌یاف)، نتایج الافکار
(۵۲۱-۵۲۲)، مفت‌اللم (۲/ ۱۵۸-۱۵۹)

فکری معزودی، غلامعلی، (۱۲۷۹-۱۳۶۴ ق)،
کارگردان، نویسنده و موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات
از طی تحصیلات ابتدایی، از مدرسه سن لویی تهران
فارغ‌التحصیل شد. وی سازهای مختلف را می‌نواخت، اما
ساز اصلی او ویول بود غلامعلی معزالدیوان فکری
بزرگ‌ری خود را ابتدا با شرکت در تئاتر ملی در ۱۲۹۵ ش
آغاز کرد و از همکاران پاپریان بود. فکری در هرمان
هنر پیشگی تهران نیز تدریس می‌کرد. «دختر سرراهی» و
«دختر جوان» از جمله فیلمهایی است که وی کارگردانی
کرده است و از نمایشنامه‌های او نیز می‌توان «جنگ
رگرگی» و «ابو مسلم خراسانی» را نام برد.

ادبیات نمایشی (۱/ ۱۸۶)، از مباحث نیمه (۲/ ۳۱۱)،
سیمای هرمنان (۱/ ۲۷۹-۲۸۲)

فگار شیرازی، لطفعلی، فرزند علی مدرسی، (وف
۱۳۶۶ ق)، فقیه، اصولی و شاعر، متخصص به فگار. پس از
تحصیل مقدمات در خدمت حاج محمد حسن قزوینی به
تکمیل علم فقه و اصول پرداخت و به درجه اجتهاد رسید.
وی در خم‌شنوایی و سرودن انواع شعر مهارت داشت.
در شیراز ز دنیا رفت

احساسات، دو مجلد، «برگسال و جوان»، از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه انگریسی»، پیام آسمانی لوحید؛ «اخلاق»، از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «امداد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ شرح و تفسیر «دعای مکارم الاحلاق»، از «مجموعه سجدیه»، سه مجلد
آینه دانشوران (۶۵۶۲)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۳۸۷-۳۹۰)

فلسفی، نصرالله، فرزند نصرالله حداد مستوفی سوادکوهی. (۱۲۸۰-۱۳۶۱ ش)، مورخ، استاد دانشگاه، محقق، مترجم، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. در تهران به دنیا آمد. در مدرسه‌های آلیاس فراسه و دارالفنون تحصیل کرد و پس از چند سال خدمت در وررب پست و تنگراف و دادگستری به وزارت فرهنگ منتقل شد. در دارالفنون و دانشسرای عالی تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا پرداخت و تا مقام استادی دانشگاه پیش رفت. فلسفی مدیریت مجلات «پست و تلگراف»، «تعمیم و تربیت»، «دانشسرای عالی»، «مهر» و «امید» را عهده‌دار بود. مقالات تاریخی و ادبی وی در روزنامه‌ها و مجله‌هایی «شفق سرج»، «اتحاد»، «مرد آربد»، «اطلاعات»، «پیچیده»، «دانشکده ادبیات» و «سخن» به چاپ می‌رسید. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ ش به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت گردید. وی طبع شعر داشت، ولی به ندرت شعر می‌سرود، چند عربی و قصیده و مثنوی کوتاه خود را به نام «چند شعر» طبع کرده است. در تهران درگذشت و در شهر ری در مزار حضرت عبدالعظیم (ع) دفن شد. از دیگر آثارش: «اشعار منتخب از شاعران و مائیک هراتی»، «اصول تنبیه و تربیت»، «انقلاب کبیر روسیه»، ترجمه: «بسیچارگاد»، شعر، ترجمه یکی ر قطعه‌های ویکتور هوگو، «تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰»، «تاریخ پیش از اسلام»، «تاریخ ایران بعد از اسلام»، «تاریخ ایران و اروپا در زمان صفویه»، «زندگانی شاه عباس اول»، در پنج جلد، که معروفترین اثر وی است و بارها تجدید چاپ شده؛ «جغرافیای مفصل اقتصادی ایران و اروپا»، «جغرافیای مسابک بزرگ دنیا»، «سرگذشت ویر»، ترجمه: «سلطنت قباد و ظهور مردک»، ترجمه: «با مشا زکات حمد بیرشک»، «هفت ممدنه فلسفی»، «تاریخ سملو در ایران»، اتمام

آیند (س ۷، ش ۴، ص ۳۱۵-۳۲۰)، ادبیات معاصر (۸۱)

(۸۲)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۵/ ۱۲۵-۱۳۰)
سخنران نامی (۱/ ۴۳۳-۴۳۹)، سخنران فلس معاصر (۲/ ۲۷۲۸-۲۷۴۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۸۹-۵۸۵)

فلسفی تأیینی حبیبی، سید حسنعلی/حسنعلی، فرزند سید ابراهیم. (قر ۱۲۵۲ ش)، پزشک، نویسنده و شاعر، متخلص به فلسفی. در ابتدا به تاج الحکما و حبیب تخلص می‌کرد. در بایس به دنیا آمد. از ابتدای جوانی به تحصیل علوم معمول زمان خود پرداخت پس از فراگیری مقدمات، به «صفهان سفر کرد و در محضر میرزا باقر حکیم‌بائی یک دوره طب قدیم را گذراند. مدتی مأمور خدمت در بهداری نائین شد. در اواخر دوره مظفری به تهران آمد و به فراگیری زبان فراسه و طب جدید پرداخت. او در فراگیری چشم پزشکی و علم تاریخ و جغرافیا تلاش بسیار کرد. اثر وی: «هفت مقاله فلسفی»، در لروم دیانت

مذکره سخنران یزد (۴۸۱-۴۸۲)، الذریعه (۲۵/ ۲۳۷)، سخنران نامی معاصر (۳/ ۲۷۲۴-۲۷۲۷)، فرهنگ سخنران (۱۷۷)، فهرست کتبه‌های چاپی فارسی (۲/ ۳۴۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۸۲-۶۸۳)

فلکی شروانی، نجم‌الدین/اصح‌الدین/جلال‌الدین، ابوانتظام محمد/محمد مؤمن. (وف ۵۴۰/۵۷۷/۵۸۷ و)، حکیم، منجم و شاعر، متخصص به فلکی در قصبه شمشاخ، از نواحی شروان به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل نجوم پرداخت و به همین دلیل تحصیل سبکی را انتخاب کرد. ری از مدحان شروانشاهان، پروژه مداح مسوچهر بن فریدون بود و گفته‌اند که توسط وی به ملک الشعرا بهی برگزیده شد. فلکی از معاصران خافانی نظامی بود او شعر و ادب را نزد ابوالعلاء گنجوی فراگرفت. به گفته صاحب «آتشکده آذر» تخصص فلکی در قصیده سرایی بود و تحت تأثیر سبک خراسانی قرار داشت. او قصیده حبشیه‌ای نیز دارد که مربوط به زمانه است که به تهست افشای سرار به زندان شروانشاه افتاده بود در شمشاخ درگذشت و در آن‌جا مدفون شد. از آثارش: «دیوان»، شعر، کتابی در احکام نجوم

آتشکده آذر (۱/ ۱۹۸-۲۰۳)، تاریخ ادبیات مر ایران (۲/ ۷۷۴-۷۷۶)، تاریخ گریده (۷۴۲)، تاریخ نظم و شعر (۱۰۶)، تذکره الشعراء (۱۱۵)، حبشیه در ادب فارسی (۲۶۷-۲۶۹)، دانشمندان آذربایجان (۱/ ۳۰۷-۳۰۸)، الذریعه

پیشاور درگذشت. فنکی کتبهایی تصنیف کرد که از آن جمله طفاقی است به نام «المنهی فی الکمال فی معرفة الرجال» یا «منتهی الکمال فی معرفة الرجال»، در هرار جزء از دیگر آثارش: کتاب «الألقاب» یا «معرفة الألقاب المحدثین»

سیرالسلام (۱۷/ ۵۰۲-۵۰۴)، شذرات الذهب (۳/ ۱۸۵، ۲۳۱)، طغیات الحفاظ (۴۳۰-۴۳۱)، کشف الظنون (۱۳۹۷، ۱۷۳۹، ۱۸۵۸)، معجم المؤلفین (۷/ ۷۱-۷۲)، الوافی بالوفیات (۲۱/ ۳۴-۳۳)، مدینه المعارفین (۱/ ۶۸۷)

فتاکی رازی، ابوالقاسم جعفر بن عبدالله بن یعقوب. (وف ۲۸۳ ق)، محدث، وی «مسند» محمد بن هارون رویایی را از خود وی روایت کرد، و از عبدالرحمن بن ابی حاتم حدیث شنید، خیلی گوید. وی به عدالت و حسن دیانت معروف بود. هبة الله لالکایی و ابوالفضل عبدالرحمن بن بدار رازی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ری یاسان (۲/ ۲۹۳)، سیرالسلام (۱۲/ ۵۰۸-۵۰۹، ۲۳۰-۲۳۱)، شذرات الذهب (۳/ ۱۰۲)، السجود الزاهرة (۲/ ۱۶۷)، الوافی بالوفیات (۱۱/ ۱۱۱)

فتای خوی، میرزا عبدالرسول - فتای زنوزی.

فتای زنوزی، میرزا عبدالرسول، فرزند میرزا حسن / محمد حسن فتای. (وف ۱۲۶۳ / ۱۲۶۹ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به فت. از محوین معروف خوی زنوز است. لد. به فای ربوری مشهور است. از دوازده سالگی تا همتاد سالگی مشغول سیاحت بود و در سفر به عثمانی یا میرزا سنگلاخ صاحب «تذکره الخطاطین» مصاحب و معاشر بوده و مدتی در کربلا نزد شیخ احمد احسائی و حاجی سید کاظم رشتی تحصیل کرد. در ابتداء ذوقی تخلص می‌کرد. اشعاری که سروده بیشتر در مصائب حضرت سیدالشهدا (ع) است. علاوه بر «دیوانه شعر» از دیگر آثار وی می‌توان شرحی بر «شرح الزیارة» شیخ احمد احسائی و شرحی بر «شرح فوید» را نام برد. حدیقة السمره (۲/ ۱۳۸۶-۱۳۹۲)، دانشمند آذربایجان (۳۰۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۸۶-۱۳۹۲)، مصطفی حراب (۱۳۵).

فتاویٰ خلخالی، شیخ احمد. (وف ۹۸۵/۹۷۵ ق)، شاعر از نوادگان بویید خلخالی بود و از کسانی چون میر

(۹/ ۸۲۶)، ریحانه (۲/ ۳۵۲-۳۵۳)، سخن و سخنوران (۶۰۶-۶۰۷)، مصعب‌های نامی (۳۸۱-۳۸۰)، صبح گلشن (۳۲۰)، فرهنگ سخنوران (۷۱۹)، گنج سخن (۲/ ۲۵۲۰)، مجمع الفصح (۲/ ۹۴۸-۹۴۶)، مؤلفین کتب بجای (۵/ ۶۶۶-۶۶۷).

فنکی نیشابوری خوارزمی، ابوالمظفر سعید بن سهل بن محمد. (وف ۴۷۸/ ۵۶۰ ق)، محدث و صوفی اصلش از پیشاور بود. از نصرالله بن احمد خشتانی و ابن احرم ابوالحسن علی بن احمد بن محمد مدینی حدیث شنید مدتی در خوارزم ساکن بود و وزارت خوارزمشاه را بر عهده داشت، بنا به سعید بن سهل وزیر مشهور شد. وی یازدها به بغداد رفت و در آنجا حدیث روایت کرد. ابن عساکر و فرزندش، بهاء الدین، و ابوالموهبت بن ضمری و برادرش، حسین، و محمد بن حسین محاور و ابن الرکات و محمد بن غسان و مکرم بن آسی صفر و دیگران «چهره» منسوب به او را از وی شنیدند. از بیم پادشاه به مکه رفت و حج گزارد و اموالش را به مستمندان بخشید، سپس به شام رفت تا قدس را زیارت کند. پس از آن به دمشق رفت و از آنجا خواست که به وطن بازگردد؛ لیکن نورالدین او را در آنجا نگهداشت و در حقیقت سیماسطیه / شیشاسطیه ماکر کرد و او را شیخ نج قرار داد و او تا پایان عمر در آن خانقاه ماند و در آن تعمیراتی انجام داد او را دارای هیبت و شهامت وجود و سخاوت و تواضع و فروتنی توصیف کرده‌اند. او در مقابر صوفیه مدفون است.

الاعلام بوفیات الاعلام (۲/ ۴۷۷)، سیرالسلام (۲۰/ ۴۲۳-۴۲۲)، شذرات الذهب (۴/ ۱۸۸)، لغی (۳/ ۲۲)، المحوم الزاهرة (۵/ ۳۵۱)، الوافی بالوفیات (۱۵/ ۲۲۴).

فلکی همدانی، ابوالفضل علی بن حسین بن احمد. (وف ۴۰۷/ ۴۲۷ ق)، حافظ، محدث، صوفی، رجالی، مصنف و فقیه شافعی، جدش در علم نجوم و حساب سرآمد بود، بدین جهت به فنکی مشهور شد و ابوالفضل علی را گاه ابن فلکی نیز گفته‌اند. وی برای جمع آوری حدیث سفرها کرد و از ابن رزقویه و ابوالحسن بن بشران و قاضی ابوبکر جیری و به قول شیریه از تمام مشایخ همدان و عراق و خراسان حدیث شنید. خواجه صدقه انصاری گوید که بشری را پرحافظه‌تر از فنکی ندیدم. حسنی و میدانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او در

عبیدالدین منصور دشتکی شیرازی، مولانا احمد ایوردی، شمس الدین خفیری و کمال الدین لاری کتب فیض کرد وی به حج رفت و بعد از آن در قزوین مشغول تدریس شد و در همان جا درگذشت. از اوست

مناده به پارتلف سمن سبای مو ار چیست؟

دیوانه منم سلسله بر پای تو ار چیست؟

آشکده آخر (۱/ ۴۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۷)، تذکره

روز روشن (۶۳۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۲)، الذریعه

(۸۴۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۰)، هفت اقلیم (۳/

۲۵۹)

فدایی گاررگاهی، میر کمال الدین حسین - گزرگاهی

هروی طیبی، میر کمال الدین حسین

فدایی مشهدی، (س دهم ق)، شاعر در مشهد پیشه خلاقی داشت، لذا به فدایی هلاف نیز مشهور است. آفا برگر در «الذریعه» او را با ملا علی اصغر فدایی یکی دانسته است. از اوست

گمر جان طلبی ز من، غنچه خواهم کرد

دشنام اگر دهی دما خواهم کرد

هرگز به جفا ز تو نگردانم روی

هر چند کسی جفا، وفا خواهم کرد

آشکده آخر (۲/ ۴۹۷-۴۹۶)، تحفه سامی (۳۱۹-۳۱۸)،

تذکره روز روشن (۶۳۸)، الذریعه (۸۴۹/۹)، فرهنگ

سخنوران (۷۲۰)، مطلع الشمس (۲/ ۴۲۰)

فدایی مشهدی، ملا میر علی اصغر رضوی، (س دهم ق)، شاعر، متخصص به فدایی از سادات و سلسله نقبای مشهد بود که در عهد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت. گفته اند که او مشهدی نیز تحصیل کرده است. در «تحفه سامی» ملا میر علی اصغر فدایی تحت نام میرزا اسود، فرزند امیر خیاب الدین عزیر، آمده است. در «الذریعه» فدایی مشهدی را تحت نام ملا علی صفر هلاف آورده و فدایی اسود را جدا ذکر کرده است.

آشکده آخر (۲/ ۴۹۶)، تحفه سامی (۴۲-۴۳)، تذکره روز

روشن (۶۳۸-۶۳۷)، الذریعه (۸۴۷/۹)، صبح

گمش (۳۲۲-۳۲۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲۰، ۸۴۹)،

کاروان هند (۲/ ۱۰۶۰)، مطلع الشمس (۲/ ۴۳۹-۴۴۰)

فدایی هروی، (س دهم ق)، شاعر. از بزرگ رادگان

هرات بود. مدت ها در حرامسان به سر برد، عاقبت به هندوستان رفت و در زمان همایون شاه (۹۶۲-۹۶۳ ق) و اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) در آنجا بود. او مداحی هر دو پادشاه را کرده است. از آثار وی «دیوان» شعر، قریب به هشت هزار بیت، منی بر مذاایح انبه معصومین (ع) است. در «فرهنگ سخنوران» تحت عنوان فدای هروی آمده است

فرهنگ سخنوران (۷۱۹)، کاروان هند (۲/ ۱۰۶۰،

۱۰۶۱)

فدایی هروی، امیر کمال الدین حسین یزدی، (س نهم ق)، شاعر. از شاعران خیال پرداز هرات و از معاصران سلطان حسین میرزا تیموری (۸۷۳-۹۱۱ ق) بود. از اوست

مسلمانان ندارد دود من جز مرگی درمانی

که تیری خورده ام کاری، زکیش نامسلمانی

تذکره روز روشن (۶۳۹)، الذریعه (۸۴۹)، صبح گد -

(۳۲۲)، فرهنگ سخنوران (۷۲۰-۷۲۱)

فدایی یزدی - فدایی هروی

فتح کردی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، (۴۳۳-۵۰۳/۵۱۲/۵۱۳ ق)، ادیب، نحوی و شاعر. ملقب به شیخ الافاضل. نسبت وی به فتح کرد از توابع نیشابور می رسد. وی معاصر با رمخشری و نودیک به عصر سید رضی بود و میدانی کتاب «السامی فی الاسامی» را، در لغت، به فارسی، به نام وی تألیف کرده و در سرآغاز کتاب او را به فضل و علم و ادب ستوده است. او را مدون «دیوان» امیر المؤمنین (ع) می دانند. در نیشابور درگذشت. از جمله آثارش «تاج الاشعار» یا «سلوة الشیعة»، در اشعار حضرت امیر المؤمنین (ع)؟ «دیوان» شعر

اصحاب الشیعه (۸/ ۱۵۶)، الذریعه (۳/ ۲۰۵، ۲۲۳/۹،

۸۳۹)، ریاض العلماء (۳/ ۲۵۲، ۳۵۴)، ریحانه (۲)

۳۵۶-۳۵۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/ ۱۸۱)، نواد

الوصیوه (۲۶۹-۲۶۸)، الکلی والکتاب (۳/ ۳۵۳-۳۵۲)،

نقش نامه (ذیل / علی فتح کردی)، معجم الادبیه (۱۲/

۲۷۷-۲۷۸)، معجم المؤلفین (۷/ ۲۸-۲۷)

فندرسکی، سید میر ابوالقاسم بن میرزا بیگ بن میر صدرالدین موسوی استرآبادی (وف ۱۰۴۹/۱۰۳۰ ق)،

بنج سالگی در همان شهر درگذشت و در دامنه کوه سید حسین در اطراف کرمان دفن شد. از آثار او «دیوان» شعری است به دم «شمع جمیع» که مشتمل بر مدح و مرثی‌الهم (ع)، خُزَیلاتِ عرفانی، ترجیع بند و رباعیات است. التریسه (۸۵۰/۹)، زندگانه رجال و مشاهیر (۱۶۰/۵)، شرح حال رجال (۱۷۴/۶)، فهرست کتبهای چاپی (۲/۲۱۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۵-۷۷۴/۴).

فوجی شیرازی - فوجی نیشابوری.

فوجی نیشابوری، ملا مقیما / مولانا محمد مقیم، فرزند مولانا قیدی. (ز ۱۰۵۹ ق.)، شاعر، محقق به فوجی. از اقوام نزدیک ملا نظیری نیشابوری است. در نیشابور به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. در «مرآةالخیال» آمده، اصل وی از شیراز بود، لذا به از فوجی شیرازی و مقیما یا مقیم شیرازی نیز گفته‌اند. در زمان شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق.) به هندوستان رفت. او مداح شاهزاده محمد شجاع بن شاه جهان بود و هلاکای گرانمایه می‌گرفت. وی بعد از مراجعت به وطن به سفر مکه مشرف شد. بعد از ادای مراسم حج به وطن بازگشت و در نیشابور درگذشت. احمد گلچین معانی «کلمات» شناخته شده وی را که شامل ماده تاریخی‌هایی تا سال ۱۰۵۹ ق است، رؤیت کرده است. «صافی‌نامه» در دوست و همت و هفت بیت که در مدح میرزا جان بیگ، حاکم اوروسه، اثر مشهور وی می‌باشد.

آتشکده آذر (۷۰۶/۲)، تذکره پیمانه (۳۹۲-۳۸۱)، تذکره نصرآبادی (۲۱۷-۲۱۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۲-۱۵۵)، التریسه (۸۵۰/۹)، ۱۰۹۲-۱۰۹۳، ۱۱۳، صبح گلشن (۳۲۲، ۴۴۱)، فرهنگ سخوران (۷۲۲، ۸۷۰)، کسورواک هـ ۲ ۶۱ ۱۰۶۷-۱۰۶۸، مرآةالخیال (۱۶۹)، مطبع الشمس (۱۷۸/۳).

فُورانی مروزی، ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن احمد بن قوراک. (۱۲۸۸-۱۲۶۳/۳)، محدث، معیه شافعی و اصولی. در مرو به دنیا آمد. وی در فقه شاگرد ابوبکر قفال شافعی بود و از او و از حلی بن عبدالله تبسمی حدیث شنید. عبدالرحمن بن عمر مروزی و عبدالمتعم بن ابوالقاسم قشیری و زاهر بن طاهر و محیی‌السه بغوی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او پیشوای ققه‌ای مرو و شیخ شافعیان بود. وی استاد ابوسعید

حکیم، فیلسوف، عارف و شاعر امامی معروف به میرفندرسکی، نسبت او به فندرسک از توابع اسرآباد می‌رسد. از مفاخر دانشمندان ایران و اسلام بود که در حکمت طبیعی و انبیات و علوم عقلی و ریاضیات یگانه زمانه خود بود. میرفندرسکی محاصر به شیخ بهایی و میرداماد و همچنین همزمان با شاه عباس اول و شاه صفی بود. در تمام کتب او رایج جلالت و عظمت نام می‌برد و از مضایل علمی و ملکات نفسانی او ستایش می‌کند. در تدریس کتاب «قانون» و کتاب «اشفا» بیش از دیگران مورد توجه قرار داشت. مهارت او در ریاضیات به حدی بود که برای یک مسأله هندسی بی‌درنگ چندین برهان و راه حل ارائه می‌کرد. مدتها در سفر هندوستان بود و ریاضتها کشفید و مورد تکریم پادشاهان آنجا قرار گرفت. وی سرانجام به مرو بازگشت. او با اینکه نزد سلاطین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، اما اهل اوقات خود را با درویشان و فقرا و ارباب ذوق و حال می‌گذراند و پیوسته در ترکیه نفس خود می‌کوشید. در اصفهان درگذشت و در تکیه میر در اول تخب پولاد دفن شد. از آثارش: «تاریخ الصغریه»: «تحقیق المریه»: «رسالة صناعیه»، به فارسی، در تحقیق حقیقت علوم و ذکر جمیع موضوعات صناعیه؛ شرح و کتابیه المهاره یا «المهاره»، از کتب حکمای هند، به فارسی، معروف به شرح «حرک»: «مقولة الحركة والتحقیق فیها»: «رساله‌ای در «حقیقت وجود»، به فارسی؛ کتابی در «تفسیر» «دیوان» شعر.

شکده آذر (۷۹۷-۷۹۲/۲)، انبیاالشیعه (۴۰۳/۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۷۱-۱۷۲/۴)، تذکره روز روشن (۲۵-۲۶)، تذکره النور (۹۵-۹۶)، تذکره نصرآبادی (۱۵۳-۱۵۴)، التریسه (۴۵۸/۳)، ۳۹۵/۶، ۱۲، ۹۷-۹۶، ۱۸/۵۷، ۴۸/۹، ووضعت الجنات (۲/۳۴۲-۳۴۲/۵)، ۳۶۴، ریاض العلماء (۵۰۲-۳۹۹/۵)، رجحانه (۴/۳۶۰-۳۵۷)، صبح گلشن (۱۲)، فرهنگ سخوران (۳۳)، الکی والاقاب (۳/۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالقاسم)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۲-۲۹/۱).

فندرسکی اصفهانی، میرزا ابوطالب - اصفهانی، میر ابوطالب

فؤاد کرمانی، فتح‌الله قدسی، مرزند سلطانعلی. (ح ۱۲۷۴-۱۳۵۸ ق.)، شاعر، متخصص به فؤاد. پدرش از شعرای نامی کرمان بود. در کرمان به دنیا آمد و در همدان و

به هندوستان مسافرت کرد و با پادشاهان و بزرگان آنها صحبت داشت و مورد نطف و احترام آنها قرار گرفت. وی در سفر دوم به هند در پندر صورت درگذشت از آثار وی کلیاتی مشتمل بر خمسه‌ای در غزلیات شامل منظومه‌های «مراحاد و شیریں»، در حدود ۱۴۰۰ بیت، «لیلی و مجنون»، «ساقی نامه»، «قصید و ترجیعات»، «مساجات نامه»، «غزلیات»، «دیوان» شعر

- کرة پسمانه (۳۹۶-۳۹۴)، تذکر، سحران پیر (۲۴۲-۲۴۴)، جامع سیدی (۳/ ۴۴۸-۴۵۰)، الذریعه (۷/ ۲۶۲، ۸۵۱/ ۹، ۸۵۱/ ۲، ۱۱۲/ ۱۸، ۳۹۵)، فرهنگ سخنوران (۷۲۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۳/ ۱۸۸۸، ۲۴۷۳-۲۴۷۲)، کاروان هند (۲/ ۱۰۶۹-۱۰۶۷)، منظومه‌های فارسی (۴۵۸-۴۵۶)

فهمی استرآبادی، میر فهمی، (س دهم ق)، شاعر وی در زمان جلال‌الدین اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند سفر کرد و به امر تجارت مشغول شد و سرانجام در دهمی درگذشت از اوست.

چنان به کف نزد تو ای سرو روان آمده‌ایم
تا بدانی که ز هجر تو به جان آمده‌ایم
تاریخ نظم و شعر (۵۵۱)، تذکره رور روشن (۶۳۹)،
شعرا کرگان و مازندران (۲۲۸-۲۲۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۱)، کاروان هند (۲/ ۱۰۷۰).

فهمی تهرانی، ملا محمد، (س دهم ق)، شاعر اصل وی از قریه طرشت بود. به طرز وقوع شعر می‌گفت و در علم عروض و نایه، نظم و نثر و معانی توانا بود. وی به قصد تجارت به هند سفرهایی داشت. در سفری که در ۹۷۲ ق به هندوستان کرد در گجرات با خان اعظم میرزا عزیز کوکلتاش، حاکم گجرات، هم صحبت شد. او با مولانا سهمی بخاری معاصر بود و با یکدیگر معارضه و مشاعره داشتند و در حق یکدیگر ابیات و اشعار می‌گفتند. تقی‌الدین ارحدی در ذیل ذکر شاعری به نام سهمی روس گوید: «بعضی گویند فهمی تهرانی عبارت از اوست که به روس هم مشهور شده». یک ریاضی که، به گفته خود او، به اسم فهمی تهرانی مشهور بوده به نام فهمی روس هم آمده است. با توجه به گفته تقی‌الدین ارحدی احتمالاً وی سفری نیز به کشور روسیه داشته است. در «کاروان هند» مقداری از اشعار وی آمده است از دیگر آثار وی «نست نامه» است.

یا ابرسمید متولی صاحب «النتمة» (یعنی تخته کتاب «الابانة» که شرح گونه‌ای است بر کتاب استادش) بود. امام‌الحرمین جوینی در کتاب «النهانة» خویش در باب اذان جمله‌ای در تخفیف نورانی گفته که تمامی علما این مطلب را بر امام‌الحرمین عیب گرفته اند، زیرا که نورانی ز مستویهای مذهب به شمار می‌آمده است. او در سرو درگذشت. فوافی دارای مصنفات بزرگ و بسیاری از اصول و خلاف و حد و ملل و محل می‌باشد از آثار وی «الایانه»، در فقه شافعی، «العمدة»، در فقه «اسرار الفقه»، «کتاب العمل»، شرح «المروع» ابن حنبله، در مذهب شافعی.

الاعلام (۲/ ۱۰۲)، انساب سمعانی (۳/ ۴۰۵)، سیر السلا (۸/ ۲۶۵-۲۶۳)، شلوات الذهب (۳/ ۳۰۹)، الکامل (۸/ ۱۱۰)، کشف الظنون (۱، ۸۲، ۱۲۵۷)، (۱۴۴۱)، لسان‌الصیران (۲/ ۳۰۳-۳۰۲)، معجم‌المؤلفین (۵/ ۱۶۹، ۸/ ۹۲)، وفيات‌الاعیان (۳/ ۱۳۲)، حدة المارثین (۷/ ۱۵)

فهرجه اصفهانی، ابوالقاسم محمود بن عبدالکریم بن عسی، (وف ۵۶۵ ق)، محدث. «جزء لوزن» را از ابوبکر محمد بن احمد بن ماجة استماع کرد و از سلیمان بن ابراهیم حافظ ر ریسر ابو عبدالله ثقفی و محمد بن محمد بن عدانوهاب مدینی و از جد خود، عسی بن محمد، حدیث شنید. سمعانی و یوسف بن احمد شیرازی و یوسف عاتولی و عسی بن نصر و عبدالله‌السلام بن عبدالرحمن بن سکیه و ثابت بن مشرف و علی بن بورد و عبدالله‌اد بن عبدالله رهاوی و محمد بن محمد بن محمد بن عام و محمد بن محمود رویدشتی و محمود بن محمد نداد و عدای دیگر از وی حدیث رویت کرده‌اند. گروهی میر همچون ابن‌اللی و علی بن صاموی و کریمه قرشیه و دخترش، صفیه، از وی اجازه روایت حدیث داشته‌اند. فهرجه در اصفهان درگذشت.

سم‌السلا (۲۰/ ۲۵۰، ۵، سراج‌الکمال (۴/ ۲۱۶)،
الجوم‌الامرة (۵/ ۳۶۴).

لوفی یردی، فوق‌الدین احمد، (س یازدهم ق)، شاعر در زمان شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) می‌زیست. وی شاعری بدیهه‌گر بود و اشعار خود را در قالب طنز و هزل بیان می‌کرد. وی بعد از حکیم سورنی و عبید راکانی سومین شاعر هرلگو و معاصر با طرزی اقتدار است. دیوان

آتشکده آذر (۳/ ۱۱۱۱)، الذریعه (۹/ ۸۵۱، ۱۷/ ۸۲)،
فرهنگ سخوران (۷۲۱)، کاروان هند (۲/ ۱۰۷۰-
۱۰۷۲)، مکتب وقوع (۶۶۸-۶۶۷)، هفت اقلیم (۳/
۸۲، ۸۳)

فهمی، حسن - بيدار مغز، حسن.

فهمی هرمزی، مولانا فهمیدین، (ز ۱۰۲۵ ق)،
شاعر، متخلص به فهمی. از مردم جریره هرمز بود. از
ایران به هندوستان رفت و در آنجا چندی سرملامت
میرزا عبدالرحیم خان حاکم (۹۶۴-۱۰۳۶ ق) به سر برد و
در مدح وی اشعاری سرود؛ سپس به وطن خویش
بازگشت. فهمی به آورده کاروان هندی در ۱۰۲۵ و رنده
بوده است. تقی الدین اوحدی گوید: "طبیعتش به
نصیده گویی بیشتر از انعام دیگر رخت و قدرت دارد." در
برخی تذکرها محلّ وی را به خطا فهمی نوشته اند.

تاریخ نظم و نثر (۲۵۹)، تذکره روز روشن (۶۲۰)، الذریعه
(۹/ ۸۵۲)، فرهنگ سخوران (۷۲۲)، کاروان هند (۲/
۱۰۷۴-۱۰۷۵)، آثار رحیمی (۴/ ۱۲۳۰-۱۲۳۱)، حسب
اقتیه (/ ۵۲-۵۳).

بیاض، علی اکبر مجیدی، فرزند سید عبدالمجید
نقّه الاسلام (۱۲۷۷-۱۲۵۰ ش)، محقق، مصحح و استاد
دانشگاه تهران و مقدمات زبان عربی را نزد پدر فراگرفت
سپس علوم قدیمه را در مدارس مشهد نزد بزرگانی چون
سید ابوالقاسم از هند، میرزا عبدالجواد ادیب بشارپوری،
حاج محمدعلی فاضل، آقا بزرگ شهیدی و میرزا محمد
باقر مدرس رهسوی فراگرفت و در علوم معقول و منقول و
دییات فارسی و عربی تبخیر یافت. در ۱۳۰۷ ش ریاست
یکی از دبیرستانهای مشهد و سپس ریاست دانشسرای
مقدماتی در مشهد را عهده دار شد. پس از گذراندن دوره
لیسانس در دانشگاه تهران، در ۱۳۲۲ ش به دریافت درجه
دکترای زبان و ادبیات فارسی نایل شد. در ۱۳۲۴ ش
دانشگاه مشهد را با تأسیس دانشکده ادبیات بنیان نهاد که
بعدها رشته های زبان فرانسه، جغرافیا، تاریخ و زبان
انگلیسی در آن دایر گردید. بیاض در ۱۳۴۳ ش به دانشگاه
تهران آمد و مدیر گروه ادبیات و مذاهب در دانشکده ادبیات
و معارف اسلامی گردید. وی به زبان و ادبیات فرانسه
مسلط بود و با زبانهای روسی، انگلیسی، آلمانی و لاتین
بیز آشنایی داشت او در گستره های بسیاری شرکت کرد و
با بزرگانی همچون دکتر قاسم عی در تصحیح «تاریخ
بیهقی» و تألیف «تاریخ عصر حافظ» مشارکت و همراهی

فهمی خیمه گرمانی، میر شمس الدین / صدرالدین،
محمد. (وف ۹۹۳ ق)، شاعر، متخلص به فهمی از سادات
مورید احترام کرمان بود و علاوه بر علوم شرعی در ریاضی،
هیئت، رمل، نجوم و ادبیات هم دست داشت. در اکثر
تذکرها آمده است که فهمی در زمان شاه محمد خدابنده
به منصب صدارت رسید؛ اما در «تاریخ نظم و نثر» آمده که
وی در زمان شاه طهماسب منصب صدارت داشت و تا پدر
عمر در این مقام بود. وی مردی بهشتی بود و در دوران
صدارت خود، عواید اوقاف و بدرها و خمس را که به او
میر رسید به سادات و فقرا و طالبان علم و مستحقان
می داد. فهمی در رکاب شاه محمد خدابنده، وقتی که
سلطان مشغول محاصره تبریز بود، بر اثر بیماری
درگذشت.

آتشکده آذر (۲/ ۶۳۳-۶۳۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۳)،
تذکره شرای کرمان (۲/ ۴)، الذریعه (۹/ ۸۵۲)، ستارگ
کرمان (۳۰۳-۳۰۴)، عالم آرای عباسی (۱/ ۲۲۶-۲۲۷)،
۳۲)، فرهنگ سخوران (۷۲۱-۷۲۲)، مجمع الخواص
(۴۶-۴۵)

فهمی درشتی، ملا محمد - فهمی تهرانی

فهمی وازی، ملا محمد - فهمی تهرانی

فهمی طرشتی، ملا محمد - فهمی تهرانی

فهمی کاشانی، مولانا سوحالدین، (س دهم ق)،
شاعر. از شاعران معروف کاشان بود و بعد از محتشم
کاشانی او را برتر از دیگر شاعران می دانستند. از طریق
تجارت روزگار می گذراند و معاصر وحشی بافقی (۹۹۱ ق)
و معاصر وی بود. در اقسام مختلف شعر دست
داشت. بعضی از شاعران معاصرش او را بر مذهب قطویه
دانسته و به او نسبت بی دینی و کفری داده اند.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۶۲۹، ۷۶۵)، تاریخ نظم و نثر
(۴۵۹)، الذریعه (۹/ ۸۵۲)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۸۲)،
فرهنگ سخوران (۷۲۱)، نعت نامه (دهل/ کاسی)،

حکیم، مطلق، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر اصل وی از لاهیجان است، اما چون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزة علمیه آنجا تدریس می کرده به قلمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدر المتألهین ملا صدراي شیرازی است. تخلص ی لقب فیاض و استادش به او داده، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملا محسن کاشانی داده است. از از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه عباس شاهی (۱۰۵۲-۱۰۷۸ ق) است وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می کرد. از جمله شاگردانش فرزندان میرزا حسن لاهیجی صاحب «شرح البقیة» می باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد گرچه در برخی از تذکرها تاریخ وفات وی در ۱۰۵۱ ق ذکر شده، اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی «گوهر مراد»، در اصول عقیده، به فارسی، که برای شاه عباس شاهی (۱۰۵۲-۱۰۷۸ ق) تألیف کرده است؛ «سرمایه ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق المراهان»، که تخصص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الانعام»، در شرح «تجريد الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه» ای بر «حاشیه» شمس الدین محمد خفري بر «الهیات شرح تجريد» که به درخواست شاگردش ترتیب داده؛ «حاشیه» ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهذیب المصنف» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الانبیا» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح البیباکل فی حکمة الاشراق»؛ رساله «حدوث العالم»؛ «مشارق الانعام فی شرح تجريد الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الطیبه»، در محاکمه میان میرداماد و ملاصدر در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدر؛ که لاهیجی به نام شاه عباس شاهی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه ای از قصاید و ترکیب بند و ترجیع بند منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) پروژه امیرالمومنین (ع) و در مرتبة شهیدان کربلا (رض)

آتشکده آذر (۷/ ۸۴۶-۸۴۹)، احسان الشیخه (۷/ ۴۷۰-۴۷۱)، ابضاح النکود (۲/ ۵۹)، شرح ادبیات ایران، برار (۴/ ۲۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۳۲۶-۳۲۸، ۱۳۳۰-۱۳۳۳)، تاریخ علم کلام (۳۲۲-۳۲۴)، تذکره پیمانه (۳۹۷-۴۱۲)، تذکره نصرآبادی (۱۵۶)، دایرة

داشت. فیاض در مشهد درگذشت و در آستان رهروی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مباحثات عن الشعر الفارسی و الحضارة الاسلامیة فی ایران»، به عربی؛ «مهرست کتب منطق در کتابخانه آستان قدس رضوی»؛ «تاریخ اسلام»؛ «گرنس در بارگشت»؛ مقدمه بر رساله «بحثی در تصوف» دکتر قاسم غنی؛ مقدمه بر «دیوان» ظهیر قاریابی؛ مقدمه بر «مزارات خراسان» کاظم مدیر شانه چی؛ مقدمه بر «نرای آگاهی»؛ «نسخه های خطی تاریخ یهیمی»؛ مقدمه بر «المظاهر الالهیه» صدرالدین شیرازی. مقالات وی شامل «دورنمای نقد ادبی»؛ ترجمه «توبت نماز» پوشکین؛ «خبری از مشهد هزار سال پیش»؛ «ابو مسلم خراسانی»؛ «دیباة و زندگی»؛ «ادب شیروزی»؛ «شعر فارسی»؛ «شعر امروز خراسان».

تاریخ یهیمی (مقدمه اشش - بیست)، مهرست کتبی؛ چاپی فارسی (۱/ ۶۶۷-۶۸۰، ۲/ ۲۱۵-۲۱۶، ۳/ ۲۷۷-۳۰۳، ۴/ ۳۱۶-۳۱۷)، مؤسسه کتب چاپی (۲/ ۵۲۳).

فتاویٰ شرحه دیوچی زنجان، فرزندان ملا محمد مدوس. (۱۲۸۵-۱۳۶۰ ق)، عالم اسامی، فقه اصولی و مرجع تقلید. در قریة شرحه دیوچ زنجان به دست استاد مقدمات را نزد پدرش، آخوند ملا محمد شرحه دیوچی، که از شاگردان آخوند ملا علی قاریزآبادی بود، خواند سپس به رنجاب رخت و متون فقه و اصول را نزد علمای آنجا فراغت کرد، آنگاه به تهران آمد و معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی و فقه و اصول را در محضر آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی و دیگران فراگرفت، تا به درجه اجتهاد نایل شد. سپس به نجف مهاجرت کرد و نزد علمای آنجا، و به طور عمده در محضر آقا شیخ هادی نهرانی، تلمذ کرد پس از درگذشت علامه نهرانی در ۱۳۲۶ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظیفه دیوبند تدریس پرداخت، و مرجع تقلید مردم آن دیار شد. وی در زنجان درگذشت و در مقبرة آخوند ملا علی قاریزآبادی دفن شد. از آثارش: «کتاب الاجارة»، کتاب «الحسن»؛ کتاب «الروکاة»؛ «ذخایرة الامة»؛ رساله در «ماهیت وجود»، ترمیم بحث استادش علامه نهرانی؛ «رسالة عملیه»

الدریعه (۱/ ۱۲۲)، علماء معاصرين (۱۸۹)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۲۵۱)

فتاویٰ لاهیجی قمی، ملا عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی. (وف ۱۰۷۲ ق)، عالم اسامی، محقق.

تصرف نکرد و حقوق جمع شده چندین ساله را با اجازه مراجع تقلید به بنای بیمارستانی در شهر ری اختصاص داد. وی تا اواخر عمر از رسیدگی به وضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و حتی تا نیمه‌های شب به قسمتهای مختلف بیمارستان سرکشی و از بیماران دردمند بیدار حیات می‌کرد. وی در مقبره‌ای که در کنار بیمارستان برای خود ساخته بود به خاک سپرده شد. آثار حیرت‌انگیز بیمارستان هزار تخت خورایی، زایشگاه و درمانگاه فیروزآبادی، پرورشگاه و دارالایتام، مسجد جامع فیروزآبادی، مقبره فیروزآبادی، مدرسه رفته، مسجدی در فیروزآباد.

شرح حال رجال (۵/ ۹۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن

۱۲/ ۷۷۹-۷۸۰). گنجینه دانشمندان (۴/ ۳۱-۳۲، ۳۳، ۳۴)

یدنامه آیت‌الله سید رضا فیروزآبادی

فیروزآبادی، محمدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب بن محمد (۷۲۹-۸۱۶/۸۱۷ ق)، عالم لغوی، ادیب، مفسر، فاضل و فقیه شافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابریکو صدیقی می‌رسید، لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آنجا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود، سپس به بغداد، مصر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف و از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضر درس ابن قسّم و تهی‌الدین سسکی و فرصی و شیخ حلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزید عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شد. مدت بیست سال قاضی شهر زید یمن بود، تا به مقام قاضی القضاة یمن و درجه شیخ الاسلامی رسید. وی در زید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است از فیروزآبادی حدود چهل تصنيف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحيط و القاموس الوسیط الجامع لمادّ من کلام العرب شامطیبه»، که به «قاموس بلغة» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهم‌ترین اثر وی می‌باشد؛ «اللائع المعلم العجایب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در در

المعارف فارسی (۲/ ۱۶۶۸)، دیبانه جسیجو در تصرف (۲۵۲-۲۵۱)، الذریعه (۴/ ۱۹۰، ۹/ ۸۵۲-۸۵۳/ ۱۲/ ۱۶۱-۱۶۲)، روغسات الجسّات (۴/ ۱۹۲-۱۹۳)، ریاض العارفین (۲۲۷)، ریحانه (۴/ ۳۶۱-۳۶۲)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴)، شرح حال رجال و مشاهیر ناسی (۴۰۶-۴۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۳۱۹)، مرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۹-۳۳۰)، فوائد الرضویه (۲۲۹)، فلامنه شیعه (۳۷۵-۳۷۷)، الکسی والاقاب (۳/ ۲۶-۳۷)، نعم‌نامه (ذیل / عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۱۸)، منتخب التواریخ (۷۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۴۱-۸۴۲)، هدیه الاحباب (۲۱۳-۲۱۴).

فاصی، ابوالحسن (من چهاردهم ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در ۱۳۲۳ ش در رشته ادبیات فارسی از دانشسرای عالی فارغ التحصیل شد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بوده از جمله: دبیری دبیرستانهای شیراز، کهلب فرهنگ بنادر جنوب، ریاست دانشسرای مقدماتی گلپایگان، ریاست تبلیغات و امور اجتماعی و ریاست آموزش فنی و حرفه‌ای. فاضلی روزنامه «آینه جنوب» را مرتب در اهواز منتشر می‌کرد. از آثار وی: «الانشاء مخصوص دبیرستانها و دانشراها»، «روانشناسی آموزش و پرورش».

دهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۷۵۶)، مؤلفین کتب

چاپی (۱/ ۱۶۳-۱۶۴)

فیروزآبادی، سید رضا، مرزقد سید هاشم بن سید عبدالکریم حسینی (ح ۱۲۵۱-۱۳۲۴ ش)، عالم امامی و نیکوکار. در فیروزآباد از ورستاهای ری در خانواده‌ای فلاحیت پیشه به دنیا آمد. مقدمات علوم را در تهران فراگرفت و در فقه و اصول از محضر سید علی اکبر میرنشی و سید ریحان‌الله کشمی سروجردی و دیگران استفاده برد، سپس به عراق مهاجرت نمود. در نجف از محضر آیت‌الله میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و در کربلا از آیت‌الله سید اسماعیل صدر بهره‌ها برد. آنگاه به ایران بازگشت و در زادگاهش به انجام وظائف دینی مشغول شد. از دوران کودکی در اندیشه خدمت به خلق خدا بود و حتی المقدور از آنان دستگیری می‌کرد. در اوایل مشروطیت چهار دره، همانند مجلس شورای ملی بود. حضورش در مجلس تنها برای دفاع از حقوق ملت بود چنان که یک ریال از حقوق ماهیانه آنجا را

برای وی بنا کرد و او اولین مدرس آنجا بود. وی در بغداد درگذشت و خلیفه مقتدای عباسی بر پیکرش نماز خواند و در باب ابرو دفن شد. به رویتی او مدفون در شیراز است از آثار وی، «التبیه فی فروع الشافعیة» و «المهدب فی الفروع»، در فقه شافعی که از کتبهای مهم در این زمینه است؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اللمع» و «شرح اللمع»؛ در اصول فقه؛ «المعونة فی الجدل»؛ «المنصورة»؛ «المدخص» یا «التلخیص»؛ «الکت فی علم الجدل»؛ «تذکره المسؤلین فی اختلاف بین الحنفی و الشافعی»؛ «الطب الروحانی».

الاعلام (۱/ ۴۵۶)، نساب سسمانی (۴/ ۴۱۷-۴۱۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۷۳۷-۷۳۸)، ررصات الجنات (۱/ ۱۷۹-۱۸۱)، ریحانه (۷/ ۱۲۰)، سیرالنبله (۱۸/ ۴۶۵-۴۵۲)، د. ابوالذهب (۳/ ۳۵۱-۳۵۲)، صفة تصوة (۲/ ۲۸۰)، الكامل (۸/ ۱۳۴)، کشف الظنون (۳۲۹، ۳۹۱، ۴۱۹، ۱۱۰۵، ۵۶۲، ۱۷۲۳، ۱۸۱۸، ۱۹۱۲)، الکسی والاقرب (۱/ ۸۷)، لغتنامه (دیل / ابواسحاق شیرازی)، المستفاد من دیل تاریخ بغداد (۱۹/ ۲۶-۲۷)، معجم البلدان (۳/ ۴۳۲)، معجم المؤلفین (۱/ ۶۹۶۸)، النجوم الزاهرة (۵/ ۱۱۶)، الوافی بالوفیات (۶/ ۶۶۰-۶۶۲)، وفیات الاعیان (۱/ ۳۱۰-۳۲۹)، هدیة المعارفین (۸/ ۱).

فیروزآبادی شیرازی نجفی، سید مرتضی بن سید محمد. (۱۳۲۹-۱۴۱۰ ق)، فقیه اصولی، عالم امامی، محدث و مجتهد پدرش از مراجع تقلید و فقهای بزرگ نجف بود، که بسیاری از مراجع دوره بعد از او، اقتدار شاگردی وی را داشتند. در نجف به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. سقوط را از محضر آیت الله میرزا علی ابروایی، صاحب حاشیه بر «مکاسب» و آیت الله میرزا ابوالحسن مشکینی، صاحب حاشیه بر «کفایه» و آیت الله شیخ کاظم شیرازی و آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. بعد از فوت آن استاد به تدریس فقه و اصول در سطح و خارج پرداخت و شاگردانی را تربیت نمود. در ۱۳۹۱ ق، به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف و تصنیف کتب علمی اشتغال ورزید. از آثارش «فصائل الفقه من الصحاح» استه من الکتب العامة، در سه مجلد؛ «السعة من السلف من الکتب العامة»، در مطاعن هفت نفر از صحابه؛ «عتابه الاصول»، در شرح «کفایه»، در شش جلد؛ «الفروع المهمة فی احکام الامة»، در سه مجلد؛ «خلاصة الحواهر مع الیان الظاهر»، متن و

مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر دوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز»، در دو مجلد؛ «الحلیس الالیم فی اسماء التدریس»؛ «امرفاة الویه فی طبقات المحتبة»؛ «السعة فی تراجم ثمة المحو و اللغة» یا «اللغة فی تاریخ الثمة»؛ «سیر السعادة»، در حدیث و سیره نبوی؛ «لغة الرشال من خطبة انکشاف»؛ «سزعة الادهان فی تاریخ اسمهان»؛ «تجیر الموشین فی مایقال بالسیس و الشیس»؛ «الاسعاد بالاصعاد الی درجة الاجتهاد»؛ «الدر المالی / الدور القوالی فی الاحادیث الموالی»؛ «الدر التنظيم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «الصحة العنبرية فی مولد خیر البرية (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بنت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.

الاعلام (۱۸/ ۱۹)، اصباح المکسود (۱/ ۸۰، ۸۵، ۱۰۶)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۹۶۱)، روضاب الحیات (۸/ ۹۷-۹۲)، ریحانه (۴/ ۳۶۸-۳۶۵)، کشف الظنون (۸۵، ۸۷، ۸۹، ۱۲۹، ۲۵۲-۲۵۳، ۱۴۸۰، ۱۶۵۷، ۱۹۳۹، ۲۰۲۸)، الکی والافات (۳/ ۳۹۰-۳۹۱)، قاموس المحيط (مقدمه / ۲۸-۲۷)، لغتنامه (دیل / فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۰۹۱۸)، هدیة الاحباب (۳/ ۴۱)، هدیة المعارفین (۲/ ۱۸۱-۱۸۰).

فیروزآبادی شیرازی، جمال الدین ابواسحاق ابراهیم

بن علی بن یوسف. (۲۹۳-۴۷۶ ق)، فقیه اصولی شافعی، محدث، متکلم، مدرس، شارح و شاعر در شیرازآباد فارس به دنیا آمد. از ابو عید الله بیضاوی و عبدالرهاب بن رامین در شیراز و از خرزوی در بصره فقه آموخت. در ۴۱۵ ق به بغداد رفت و در آنجا ساکن و ملازم قاضی ابوطیب صبری شد و از او بهر ها برد تا در فقه سرآمد شد. او از ابوعلی حسن بن شادان و ابوبکر احمد برزانی و محمد بن عید الله خرگوشی حدیث شنید. آنگاه در بغداد و همدان و نیشابور حدیث گفت. از مرجع دانش پژوهان و مفتی امت در زمان خود بود و توانمندی او در جدل و مناظره مشهور همگان ابوبکر خصیب بغدادی و ابوالولید باجی و حمیدی و اسماعیل ابن سمرقندی و ابوبدر کرخی و زاهد یوسف بن ایوب و ابونصر احمد بن محمد طوسی و ابوالحسن بن عبدالسلام و ابوبکر فارمدی و شیب بن حسین بروجردی از وی حدیث شنیدند. احمد بن نصر بن حنّان همدانی آخرین کسی است که از وی روایت کرده است. فیروزآبادی معاصر امام الحرمین و ابوالقاسم قشیری بود. خواجه نقی الملک وزیر مدرسه نظامیه بغداد را در ۴۵۹ ق

شرح «متنح المسائل» از اول طهارت تا آخر زکوة.

گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۲۵-۲۲۶، ۶/ ۱۲۴)، معجم رجال نجف (۲/ ۹۵۵-۹۵۶)

فیروزآبادی فارسی، فخرالدین - فخر فارسی.

فیروزآبادی یزدی نجفی، سید محمد بن سید یاقوت حسینی. (۱۲۶۵/ ۱۲۷۵-۱۳۴۵ ق)، عالم، فقیه، مدرس و مجتهد امامی در فیروزآباد یزد به دنیا آمد. مقدمات را در یزد فراگرفت، سپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. او از شاگردان آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی و شیخ حسن اردکانی است. در سامرا درگذشت و در نجف دفن گردید. از آثار وی: «جامع الکلم فی حکم الناس المشکوک»؛ حاشیه بر «عروة الوثقی» سید محمد کاظم طباطبائی؛ «مجموعه الاحادیث الاخلاقية والمواعظ» رساله‌ای در «مناسک الحج و العمرة»؛ کتاب «الطهارة لصلوة»

النرسه (۵/ ۶۹، ۶/ ۱۲۹، ۲۰/ ۶۲۶)، ریحانه (۲/ ۳۶۲)، علماء معاصرين (۱۳۷-۱۳۸)، معجم رجال نجف (۲/ ۹۵۵)، معجم المولین (۱۱/ ۱۲۴).

فیروز زردشتی فارسی، ملا فیروز، فرزند کاظم بهمن‌کیش. (وف ۱۲۴۲/ ۱۲۴۹ ق)، نویسنده و شاعر، متخصص به فیروز از پارسی نژادان متولد در هند بود که در ده سالگی به همراه پدرش به ایران آمد و قریب دوازده سال به تحصیل علوم و کمالات پرداخته و دوباره به هندوستان بازگشت. در آثرش: «ادبه قویه» در عدم جور کیسه در شریعت زردشت؛ «جارج نامه» یا «جرج نامه» شعرا به طرز «شاهنامه»؛ «دساتیر آسمانی».

جدیدالشعراء (۲/ ۱۳۹۳-۱۳۹۵)، صبح گشتن (۲۲۲-۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۷۲۳)، بهرست کتبی چاپی فارسی (۱/ ۱۲۷، ۹۸۳)، مجمع الفصحا (۵/ ۸۴۰-۸۴۴)، مکارم الآثار (۲/ ۱۱۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۸۷۸-۸۷۹).

فیروزکوهی مازندرانی، شیخ عیدانوسول. (وف ح ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از فرمان چاه فیروزکوه و ساکن تهران بود. او از شاگردان بزرگ میرزا محمد حسن آشتیانی بود. در علوم اسلامی به درجات عالی رسید. در تهران درگذشت. وی دارای تصنیف

بسیاری است. از آثارش: شرح «زیارت عاشورا»؛ رساله‌ای در «حرمت شطرنج»؛ رساله‌ای در «عقد صغیر»؛ رساله‌ای در «ظروف و اوانی»؛ رساله‌ای در «تکلیف الکفار بالقصاص»؛ رساله‌ای در «حکم الرضوه قبل الوقت»؛ رساله‌ای در «اعتبار الاخلاص فی العادة». تمامی این کتب در طول حیاتش به چاپ رسید و بعضی از آنها را فرزند دانشمندش دکتر علی عبدالرسولی به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار فیروزکوهی تصحیح کتاب «روض الجنان فی شرح ارشاد الادهان» شهید ثانی است و او تعبیقات و حواشی بسیاری بر آن نگاشته است.

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴/ ۱۱۱۵)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۱۲۵-۱۲۶)، المآثر و الآثار (۱۸۲).

فیروزی شیرازی، میرزا علی، فرزند فخرالدوله. (مر سیزدهم ق)، شاعر، متخصص به فیروزی. در جوانی به تحصیل علم پرداخته. وی بدیم شاهزاده فیروز سیرا نصرت‌الدوله، حاکم فارس، بود. در اواخر عمر به مشهد مقدس رفت و همانجا درگذشت.

حدیثه الشمول (۲/ ۱۳۹۵-۱۳۹۶).

فیض الاسلام، سید علینقی اصفهانی آل محمد «الشیخ» (ح ۱۲۸۲-۱۳۶۴ ش)، عالم دینی، شارح و مصحح وی دانشمندی پرکار و پر عمر بود. از آنا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرازی اجازه اجتهاد داشت و سیر صاحب جاز، روایتی از آیت الله حاج شیخ عبی اکبر نهاوندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهار سال پیش «نهج البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج البلاغه» فیض الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفة کامله سجادیه»، که در ۱۳۷۵ ق منتشر شد؛ ترجمه و خلاصه تفسیر قرآن، در سه مجلد که حدود چهارده سال مؤلف به آن پرداخته است؛ «اشارات الرضویه»؛ «افاضات القروية فی اصول الفقهية»، عربی؛ «جرج راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالرهاب فرید.

کیان فرهنگ (س ۲، ش ۲، ص ۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۰۹-۶۱۰)، نهج البلاغه (مقدمه).

فیض بخش، شاه لاسم بن سید محمد نوربخش. (وف ۹۸۱ ق)، عارف. از خلفای توربخشیه که به ربور علم

و زهد و تقوی آموخته بود. بیشتر بزرگان اهل عرفان زمانش از او کمیت فیض می‌گردیدند. وی به درخواست سلطان حسین بایقرا به خراسان رفت و بیش از اندازه مورد توجه و احترام سلطان قرار گرفت و تا پایان عمر در کمال رفاه و آسایش زیست.

۳۶۸/۲) و بحثنامه (۱۸۶)، و بحثنامه (۳۶۸/۲).
 ۳۶۹) طرائق الحقائق (۷/۳۲۲-۳۲۱)، عالم آرای عباسی
 (۱/۱۴۵)، لندنامہ (پیش/مبص، بخش، محاسن
 المصنوعه (۲/۱۴۸-۱۵)

نصیر عیشاء طوسی، ملا عبدالحسین، فرزند ملا محمد علی. (وف ۱۱۹۳/۱۱۹۷/۱۱۹۹ ق)، عارف، عالم و شاعر پدرانش اهل قریه رفته‌تون بودند و پدرش امام جمعه طوس و خود نیز از عمای مشهور حواریان بود وی در اصفهان به دنیا آمد و در همان جا به تحصیل پرداخت تا اینکه در علوم ادبی و عربی مشغول شد پس از چندی به شیراز عریض نمود و در خدمت سید معصوم علیشاه به توبه نایل گشت. در اصفهان ولایت یافت. اثرش «دیوان» شعر مر باشد.

تذكر في المجلد ١٤٦١، حديقته الحمراء (٢) ١٠٣١٠١٠٢٩
الدرعية (٨/١٥٣) - طرائق الحقائق (٣/١٨٧/١٨٨)

قبض کاشانی، ملا محسن، محمد بن شاه مرتضی بن
شاه محمود. (۱۰۷۰-۱۰۹۱ ق)، عالم، عارف، محقق،
فقه، محدث، مفسر، حکیم متألف، متکلم، ادیب و شاعر
فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی و فرزندش، محمد
علم، بهدی و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی و
فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور و برادر
دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا محمد
هادی یک خانواده علمی حلی را تشکیل داده‌اند. فیض در
نیم نشو و نما یافت. آنگاه به شیراز رفت و در محضر سید
ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فیلسوف بزرگ
ملا صدرا، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج
کرد فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهایی و ملا
محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قزوینی و ملا حبیب
فروسی و شیخ محمد فرید صاحب «معالم» حدیث
روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله
جزیری از وی احادیث حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه
علمی او تا بدانجا است که عده‌ای نسبت به وی، نه و علیه،
تعصب ورزیدند و مدح و ذمّش نمودند. گرچه عده‌ای از

مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سببش رفتند و در مقام اعتدال خطاب به او «یا محمد! قد أتاک المصی» گفتند فیص در تمام فنون شرعی مهارت داشت و اشعار بیایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیص در حدود مکه و بیست لر در فنون مختلف دارد، که از آن جمله «المصافی» تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الاصفی» و خلاصه «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «انوائی»، در جمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشکلات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لبّ «وامی» است؛ «معایج الشرایع» تمامی مهمات احکام و مسائل دوره فقه؛ «النخبة فی خلاصة احکام الشریعة»؛ خلاصه تمامی دوره فقه؛ «علم الیقین فی اصول الدین»؛ و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحقی الیقین»؛ «خلاصة الاذکار»؛ «بشارت الشیعة»؛ «المحجة انبیا» فی احیاء الاحیاء؛ در علم اخلاق؛ که در آن «احیاء لغوی» عراقی را مذهب کرد و مطالب حقه آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تأیید نمود؛ «الحقائق»؛ که لبّ و ملخص «صححة» است؛ «نقد الاصول»؛ «انوار الاخبار»؛ «سبقة المجاه»؛ شرح مختصر «صحفه سجادیه»؛ «من لا یحضره الفقیه»؛ «تشریح العالم»؛ در هشت؛ «لایوان» شعر؛ «مشروبات»؛ «اگرار قدس»؛ در مرثی و قصائد و ناعبات و غزلیات

[illegible]

هدایای زیادی دریافت می‌کرد. به اکثر شهرهای هند نیز مسافرت کرد. شیخ فیضی دکنی به استادی وی اعتراف داشت. وی دارای «دیوان» غزلیات و قصاید، در حدود پنج هزار بیت است.

تحفه سامی (۲۱۱)، الذریعه (۸۵۴/۹)، ریاض‌المبارین (۲۲۸)، ریحانه (۳۸۴/۴)، صبح گلشن (۳۲۲)، فرهنگ سموران (۷۲۵)، مجازات‌العالم (۱۲۵)

فیضی شروانی، سید حسن/حسین واعظ. (س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به فیضی. از سادات شروان بود. اکثر خطوط را خوب می‌نوشت و در فن انشا مهارت داشت. از او است:

گفتی توان به آن مه بامهربان رسید
گر نگذری ز خود نه جدا می‌توان رسید

تحفه سامی (۶۷)، تذکرهٔ دور روشن (۶۲۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۳-۳۰۲)، الذریعه (۸۵۵/۹)، فرهنگ سموران (۷۲۶)، صبح انلیلیم (۲/۲۹۷).

فیضی کاشانی، میرزا احمد-کاشانی نجفی، میرزا احمد فیضی.

فیضی لرستانی، میرزا احمد. (س سیزدهم ق)، شاعر از لرهاست. حسرت‌نورد فیلی بود که به کسب علم و ادب پرداخت و شاهزاده محمود میرزا فرزند فتحعلی شاه ر مدح و ثناء می‌کرد و در آن درگاه بسیار عزیز و گرامی بود. او قصاید چندی بحای مانده است.

حاشیهٔ شمع‌راه (۱۳۹۹/۲)، الذریعه (۸۵۴/۹)، فرهنگ سموران (۷۲۶).

فیلسوف الدوله، میرزا عبدالحسین خان، فرزند حاج میرزا محمد حسن زوزی. (۱۲۴۳-ح ۱۳۲۲ ش)، طبیب. نخست لقب رکن‌الحکما داشت و بعداً به فیلسوف‌الدوله شهرت یافت. وی در خدمت سید علی سید انجم و چند تن از اطباء نامی وقت هر دو قسمت علمی و عملی طب را تکمیل نمود و طب جدید را نزد دکتر طولوزان فرانسیس فراگرفت. سالها در تبریز به وظائف مداوا و معالجه اشتغال داشت. در واکر عمر از تبریز به قم رفت و ریاست بیمارستانی را بر عهده گرفت. عاقبت به مشهد مهاجرت نمود و در آنجا وفات یافت. وی طبیب مخصوص محمدعلی میرزای ولیعهد نیز بود. از آثار وی: «تاریخ

۱۱۲، ۱۸۹-۱۸۸، ۲۰۱، ۲۳۴، ۴۰۳-۴۰۰، ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۸۱، ۵/۱۷-۱۶، ۸۲، ۸۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۲، ۱۹۲، ۶/۹۱، ۱۲۶، ۷/۲۸، ۳۸، ۲۱۱، ۸/۲۸۲، ۹/۶۹۹، ۸۵۴، ۸۵۳، ۱۱/۲۵۵، ۱۲/۳-۲، ۱۳/۱۲۴، ۲۰۲-۲۰۳، ۳/۱۰-۹، ۳۲۲، ۳۵۹، ۳۵۲-۳۴۴، ۱۴/۲۲۷، ۱۵/۱۵۲، ۱۶/۱۲۷، ۱۷/۳۲۶، ۱۸/۶-۶، ۶۶-۶۵، ۳۸۵، ۳۹۳، ۱۷/۷۵، ۸/۱۶-۱۹، ۱۹/۲۵۷-۲۵۶، ۲۱۸، ۲۰۰-۱۹، ۱۹/۲۸۶، ۲۸۲-۲۸۱، ۲۰/۱۴۵-۱۴۶، ۲۵۹-۲۶۰، ۲/۶۸۶-۶۸۷، ۱۳/۱۸۷، ۲/۲۸۰، ۳۰۳، ۳۲۲-۳۲۱، ۳۲۲، ۳۷۶، ۴۰۶، ۴۱۸، ۴۳۱، ۲۳/۳۱۷-۳۱۶، ۲۴/۹۸-۹۷، ۱۰۳، ۲۷۳، ۳۴۴، ۳۴۸، ۲۵/۱۴-۱۳، ۷۴، ۹۹-۹۸، ۱۲۰۵، روضات‌القصبات (۶)، ۷۳، ۷۳ (۹۷)، ریاض‌المبارین (۲۲۵-۲۲۶)، ریاض‌العلماء (۵)، ۱۸۱-۱۸۲، ریحانه (۲/۲۷۹-۲۸۰)، سیر د شمس فارسی (۱۰۸-۱۰۷)، شخصیت‌های نامی (۲۸۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۰۳-۲۰۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۱۱-۲۹۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۵-۲۸۶)، فرهنگ سموران (۷۲۴)، فلاسفه شیعه (۵۵۶-۵۵۷)، قواعد‌الرضویه (۶۳۳-۶۴۲)، الکافی والالقاء (۳/۴۲-۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/فیضی)، مجمع‌المصباح (۴/۴۹۰-۴۹۱)، مرآة المعارف (۳۰۳-۳۰۲)، مستدرک اعیان (۲/۳۰۳-۳۰۲)، معجم کلمات الحديث (۱۷/۲۱۵-۲۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۷۹۹-۸۰۸)، نتایج الاندکس (۵۴۱)، وقایع السین والاعوام (۵۳۶-۵۳۵)، حاشیهٔ الاسباب (۲۳۳).

فیضی اصفهانی، میر معزالدين محمد. (وف ۹۵۲ ق)، شاعر، متخلص به فیضی. از سادات اصفهان، که در فقه و سایر علوم اسلامی سرآمد بود. در جوانی به زیارت حابه خدا رفت و بعد از آن مدت‌ها منصب صدور شاه اسماعیل اول را به عهده داشت. سپس دو مشهد از کارهای دیرانی کناره گرفت. وی در ۹۵۲ ق که عازم حج شد در راه بصره از دنیا رفت و پیکرش را به کرمان انتقال دادند.

تاریخ نظم و نثر (۶۸۷)، صحنه سامی (۳۴-۳۳)، تذکرهٔ دور روشن (۶۲۲)، الذریعه (۸۵۴/۹)، فرهنگ سموران ۱۷۲۵

فیضی تربتی، ملا علی (س دهم ق)، عالم و شاعر اهل تربت حیدریه خراسان بود. در عهد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت و مداح وی بود و

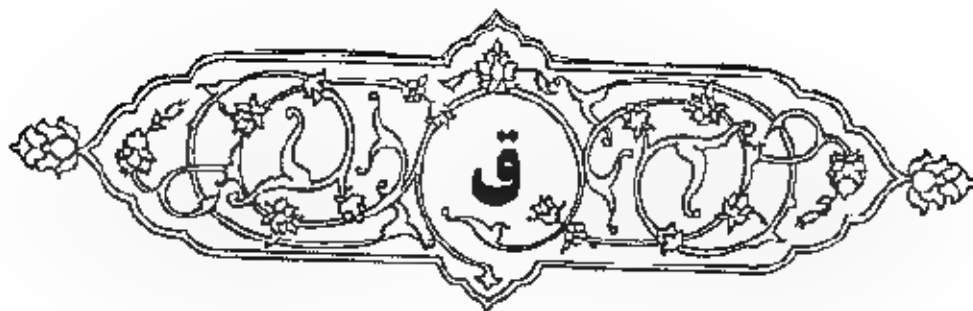
تبریز»؛ «الجدرية»؛ «الجدامية»؛ «حاشية تحرير اقيديس»؛
«مطرح الاغظار في تراجم اطباء الاعصار»؛ «معرفة السموم»
ناصری؛ «مفتاح الادوية»؛ «گریب»؛ رساله در مرض
آنفلوآنزا.

رساله (۴/ ۳۸۴-۳۸۵)، رنگنامه رجال و مشاهیر ۱۵
(۱۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۷۲۹-۷۵۰)

فیوضات، ابوالقاسم. (تر ۱۳۰۵ ق)، روزنامه نگار و
نویسنده. در تبریز به دنیا آمد پس از تحصیل علوم قدیمه،
در مدارس تبریز به معلمی پرداخت. در ۱۳۲۶ ق مدرسه

فیوضات را تأسیس کرد و مدتی نیز مدیر مدرسه بود.
فیوضات در انتشار روزنامه «تجدد» ب شیخ محمد خیابانی
همکاری داشت و به نویسندگی در آن می پرداخت. در
دوره چهارم به نمایندگی مجلس انتخاب شد، سپس به
خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده دار مشاغل مختلفی
گردید. از آثار وی: «الفبای ذهنی»؛ «فیریک جدید»؛
«مصرات ترشده الکلی و دجابت» «مسهاح لسجاة فی
تفسیر الصلاة».

سهرست کتبهای چاپی ماری (۲/ ۲۴۹۶، ۳۰۳۱)،
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۷۳-۲۷۴).



قائمی شیرازی، میرزا حبیب‌الله، فرزند میرزا محمد علی، (۱۲۲۲/۱۲۷۳-۱۲۷۲/۱۲۷۲ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به قائی. ملقب به حسان‌العجم و مجتهدالشعر. از طایفه رنگه کرمانشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. ابتدا حبیب تخلص می‌کرد، ولی بعدها حبسعلی میرزا شجاع‌السلطنه تخلص وی را به محاسبیت آباقائمی میرزا فرزند خود، قائی نهاد. در جوانی به خراسان سفر کرد و در مشهد به تحصیل علوم ادبی و عربی و حکمت‌رایی و هینت و نجوم و ربان فرانسه پرداخت. سپس به تهران آمد و با آشکار شدن هنر وی در شاعری و سخنوری به دربار راه یافت و از سوی فتحعلی شاه قاجار مجتهدالشعر و از سری محمد شاه حسان‌العجم لقب گرفت. در قصیده و ترکیب‌بند مهارت داشت. وی با فروغی بسطامی معاصر بود. در تهران درگذشت و مجاور قبر ابوالفتح رازی در آستانه حضرت شاه عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان شعر»، حدود هفده هزار بیت، در مدح پیامبر (ص)، ائمه (ع) و شاهان؛ مقدمه‌ای بر «دیوان فریدون میرزا قاجار»؛ «قصاید قائی»؛ «گلستان قائی»؛ «پریشان نامه»؛ در مقام معارضه با گلستان؛ رساله‌ای در «علم سانه بی»؛ رساله‌ای در «هندسه جدید».

در عجم (۲۳۰-۲۳۲) از حد، تاجیک (۱/ ۱۰۹۹۲)
عباس الشیخه (۴/ ۵۶۱)، تاریخ ادب ایران، پروان (۲/ ۲۱۱-۲۱۶)،
سده بقالشعر، (۲/ ۱۰۱۶۰)،
دانشمندان و سخن‌سرایان عاصر (۳/ ۱۶۳-۱۸۱)،
الدریسه (۳/ ۱۹۷)، ۹/ ۸۵۷-۸۵۸/ ۱۸، ۲۲۱/ ۲۲۱، ویحانه (۴/ ۳۸۷-۳۹۰)،
سبک شناسی (۳/ ۲۳۳)، سخنوران نامی معاصر (۴/ ۲۷۶۳-۲۷۷۲)، سینه‌المحمود (۲/ ۵۲۲)،

شخصیات‌های نامی (۳۸۵-۳۸۴)، شرح حال رجال (۱/ ۳۰۷-۳۱۰، ۲/ ۳۰۳)، طبرانی‌المعانی (۳/ ۳۳۴)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۲۷-۱۱۲۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۷-۷۲۸)، الکنی والاقاب (۳/ ۴۵۴۴)، گنج سخن (۳/ ۲۰۵۲-۲۰۶)، نکت نامه (ذیل/ قائی)، المائر و الآثار (۲۰۶-۲۰۷)، مجمع الفصحا (۵/ ۸۸۶-۸۸۷)، مرآت الفصاحه (۴۹۱-۴۸۸)، مکرم الآثار (۳/ ۷۴۵-۷۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۴۹۲-۴۹۰)، یادگار (س ۳، ش ۱۲، ص ۷۸۷۴)، یغما (س ۲، ص ۲۳۲-۲۳۷).

قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم، فرزند میرزا عیسی وزیر قائم مقام اوله (۱۱۹۳-مقبول ۱۲۵۱ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به ثنایی، پدر وی از رجال سیاسی و از مفاخر علمی و ادبی ایران بود که مدتی مقام وزارت و قائم مقامی را به عهده داشت. میرزا ابوالقاسم پس از فوت پدر به منصب قائم مقامی رسید و در دربار عباس میرزا نایب‌السلطنه مصدر کارهای بزرگی شد. او پس از وفات فتحعلی شاه قاجار، محمد شاه را به تهران آورد و با حسن تدبیر و لیاقت خود سلطنت او را مستقر کرد و خود اقدام به سرکوب شررها و آرام کردن اوضاع نمود. قائم مقام در زمینه‌های ادبی نیز صاحب استعداد بود و به سرودن شعر می‌پرداخت، اما بیشترین شهرت او در زمینه ادبی، در نظر است تا نظم. در نوشته‌هایش از سبک «گلستان» سعدی پیروی می‌نمود. شعر قائم مقام دارای ویژگی‌هایی از جمله، کوتاهی جمله‌ها، صراحت لهجه و ترک ستعاره و همچنین آهنگین بودن جملات می‌باشد. وی سرانجام به دستور محمد شاه در باغ بگارستان به توسط اسماعیل‌خان

روشنه‌نگر و مترجم تحصیلاتش را در رشته فقه نظامی به پایان رسانید و موفق به گذراندن دوره دکترای تاریخ در فرانسه شد. وی مجله «تورسی‌های تاریخی» را در ۱۳۴۵ش تأسیس نمود که این مجله تا ۱۳۵۷ش منتشر می‌شد. قائم مقامی نویسندگی و تحقیق را با انتشار مقالاتی در مجله «یادگار» آغاز نمود و مقالاتی در مجله‌های «مهر»، «سخن»، «تارهای کتاب» و «یغما» نیز منتشر کرد. وی حدود یک سال در پرتغال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گرد آورد او همچنین «منشآت و مکتوبات» قائم مقام فراهانی را جمع‌آوری کرد و یکی از افراد متخصص در رشته تاریخ دوره قاجاریه بود از آثار وی: «تاریخ تحولات سیاسی نظم ایران»، «سفرنامه دمرگان»، ترجمه «تاریخ زانلدمری ایران»، «ایران امروز»، «بحرین و مسائل خلیج فارس»، «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی».

آینده (س ۷ ش ۵، ص ۴۰۸-۴۰۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۴۶۳، ۶۸۴ / ۲ / ۱۹۹۲، ۳۱۶۳، کتابخانه محستین به انقلاب (۱۳۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۲۷-۲۲۶)

قائم مقامی، سید باقر، فرزند یوسف، (تو ۱۲۹۷ش)، ترجمه و نویسنده. در آراکی به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سوم متوسطه در زادگاهش گذراند و در ضمن به فرگیری علوم قدیم پرداخت و صرف و نحو عربی و منطق را در محضر ملا عبدالحمید مدرس انجذانی فراگرفت. تحصیلات متوسطه خود را در رشته ادبیات در دارالعلوم به اتمام رسانید و دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته حقوق قضایی فارغ التحصیل شد. از آثار وی: ترجمه «زندگانی سیاسی و مذهبی عمر بن خطاب» الکساندر مارامس؛ ترجمه «سنگتراش مس پوان» لامارتین؛ ترجمه «شبه‌گردان محروق» پیر بوالو؛ «قائم مقام در جهان ادب و سیاست».

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۱۸۵۱، ۲۰۲۵، ۲۰۹۱، ۲۵۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۷-۸۶)

قائم مقامی، سید رضاقلی، (وف ۱۳۳۷ش)، نویسنده و مترجم. در ارتش خدمت می‌کرد از آثار وی: «وقایع عرب ایران در جنگ اول جهانی»، «جسایات عشق»، ترجمه «دستور انومیل رابی فرد»، «سه دور از زندگی ماری آتوانت ملکه فرانسه»، ترجمه

قراچه‌داهی به قتل رسید و در شهر ری، در مقبره ابو الفتح واری دفن شد. از آثارش: «منشآت قائم مقام»، «ادیوان شعرا» «جلایرنامه»، «الجهادیه»، «دیباجه‌ای بر «جهادیه صغری» و «جهادیه کبری» پدرش «عروصیه»، «شمایل حاکمان»، در ذریع

از صبا تا نیا (۱/ ۷۵۶۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/ ۲۰۰-۲۰۱)، حقیقه‌اشعراء (۱/ ۳۶۴-۳۶۱ / ۲ / ۱۴۱۷) دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۹۸۱-۱۹۸۲)، الذریعه (۹/ ۱۸۵-۱۸۶، ۵۵۸، ۱۰۵۳، ۱۶ / ۲۱۹، ۲۳ / ۳۶۳۵) ریحانه (۳/ ۳۹۱-۳۹۲)، سبک شناسی (۳/ ۳۴۲-۳۴۸)، سببه‌المحمود (۱/ ۷۵)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۷۹-۲۷۸)، فرهنگ سخنوران (۲۰۱)، کارنامه بررگان (۳۴۸-۳۵)، مع اسماء (دیل / قائم مقام)، مجمع‌المصنعا (۴/ ۱۹۲-۲۰۴)، مصطفی حیرت (۱۳۲-۱۳۲)، مکارم الآثار (۴/ ۱۳۸۲-۱۳۸۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۷۴-۲۷۶)، بگراستان دارا (۶۶-۵۵).

قائم مقام فراهانی، میرزا عباسی، نرژند حسن. (وف ۱۲۳۸/۱۲۳۷ ق)، دانشمند، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا بزرگ قائم مقام اول در ابتدا منشی حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی صدراعظم بود در ۱۲۱۳ ق به سمت وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه و پیشگامی آذربایجان تعیین شد و به تدریس رفت. از جمله کارهای او و عباس میرزا فرستادن محصل و هم‌آموز به انگلستان برای آموختن بعضی علوم و صنایع جدید بود. وی در تدریس به بیماری ربا درگذشت. از آثارش: «رساله جهادیه» به نامهای «احکام انجهد و اسباب الرشاد» و «الجهادیه» که به ترتیب «الجهادیه انکیری» و «الجهادیه الصغری» است و او آنها را از روی رساله‌های جهادیه معددی که علمای زمان می‌نوشتند تحریر و تنظیم کرده و سرودش میرزا ابوالقاسم قائم مقام بر آنها دیباجه‌ای نگاشته است. «ادیوان» شعرا «انبات النبوة الخاصة»، به زبان فارسی.

حذیقه‌اشعراء (۲/ ۱۴۲۱-۱۴۱۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۹۸۱)، الذریعه (۱/ ۱۰۱، ۵ / ۲۹۷، ۹ / ۵۵۸، ریحانه (۲/ ۳۹۲-۳۹۳)، شرح حال رجال (۲/ ۵۱۲-۵۱۳)، لغت‌نامه (دیل / قائم مقام)، مجمع‌المصنعا (۵/ ۸۹۱-۸۹۲)، مکارم الآثار (۴/ ۱۰۴۱-۱۰۴۰)، بگراستان دارا (۳۱-۳۰).

قائم مقامی، جهانگیر. (۱۲۹۷-۱۳۶۰ش)، نویسنده،

(۷۲۸)، مجمع‌النصحا (۵/ ۸۹۰)، مصطفی خراب (۱۴۹)،
نگارستان دارا (۱۲۱-۱۲۲)

قابلی گیلانی به قابیلی گیلانی.

قابوس وشمگیر دیلمی، امیر شمس‌المعالی
بوالحسن قابوس بن وشمگیر بن زیار، (۳۶۶-مقتول ۴۰۳
ق)، ادیب، دانشمند، خطاط و شاعر. از سلسله آل زیار راز
پادشاهان ادب پرور زمان خود بود که بسیاری از شاعران
فارسی و عربی زبان، حکماء و دانشمندان تحت حمایت او
به سر می بردند. پایتخت او از مراکز علم و ادب آن روزگار
به حساب می آمد و شعرایی چون: خسروی سرخسی و
قمری گرگسی و دانشمندی چون: ابوریحان بیرونی و
ابوهی سیند به دربارش رفت و آمد داشتند. ابوریحان
بیرونی کتاب معروف خود «آثار الباقیه» را در ۳۹۰ ق به نام
قابوس تألیف کرد. قابوس به عربی و فارسی شعر
می سرود و درق اشای اثر عربی مهارت داشت. در زمینه
خط نیز ماهر بود و خط ثلث و نسخ او در بهایت خوبی
بود. گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می دید به بال
و علی طاموس تشبیه می کرد و می گفت: «هذه خط قابوس ام
جناح طاموس». قابوس به نثر عربی رسائلی دارد که
ابوالحسن علی بن محمد بردادی آن را جمع آوری کرده و
نام آن را «کمال البلاء» گذاشته است. این اسفندیار در
«تاریخ طبرستان» خود قطعاتی از آن را آورده است. وی
عاقبت بر اثر شورش لشکریان خود به زندان افتد و چندی
بعد به قتل رسید. از شعر فارسی او تنها ابیاتی شامل قطعه
و رباعی در تذکرها باقی است. در «رباعانه» کتاب «قابوس
نامه» که از آثار هنسروانمعالی کبکاووس بن اسکندر بن
قابوس برای فرزندی گیلان شاه می باشد، به نام قابوس
ذکر شده است.

آتشکده آذر (۱/ ۸۲-۸۳)، الاعلام (۶/ ۲۰۳)، از سعدی نا
جامی (۳۰۰-۳۰۱)، اعیان‌الشیعه (۸/ ۲۳۲-۲۳۳)، تاریخ
ادبیات در ایران (۱/ ۶۲۰-۶۲۱)، تاریخ سرگردان
۷۰-۷۱)، تاریخ‌گریده (۱۳/ ۴۱۵-۴۲۰)، تذکره روز
روشن (۴۳)، تذکره الشعراء (۵۵-۵۷)، حبیب‌السیر (۲/
۴۴۰-۴۴۲)، الذریعه (۹/ ۸۵۹)، رباعانه (۳/ ۲۵۱-۲۵۲)،
شاعران پس‌دوران (۳۷۸-۳۸۰)، شخصیت‌های نامی
۳۸۶-۳۸۷)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸)، الکامل (۷/
۲۶۶-۲۶۷)، کشف‌الظنون (۹/ ۱۵۰۹)، لیام‌الاسباب (۱/
۲۰-۲۹)، نفث‌نامه (دین/ قابوس)، مجمع‌النصحا (۱/

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۰۵۲، ۱۴۱۴، ۲/
۲۰۴، ۲۰۴۱، ۳۳۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۱۱).

فاتمی، سید اسد بن‌اسم، (تو ۱۲۹۰ ش)، پزشک و
مویسده. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف به
پایان رساند و از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد. بعد
از فراغت از تحصیل عهده دار مشاغل چون: ریاست
درمانگاه و ریاست بخش واسه سرم شناسی بود. اثر وی،
«کیما پزشکی»، درباره پی سیلین و موارد استعمال آن.
فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۷۰۲)، مؤلفین کتب
چاپی (۱/ ۲۷۶-۲۷۷)

فائمیان، حسن، (تو ۱۲۹۵ ش)، نویسنده و مترجم.
تحصیلات عالی خود را در قراسه در رشته اقتصاد
گذراند. وی از دوستان نزدیک صادق هدایت بود و در
ترجمه «مسح» نوشته کادک با وی همکاری داشت و
نوشته‌های پراکنده هدایت را گردآوری کرد. در ۱۲۵۴ ش
که خیابانه‌اش آتش گرفت بسیاری از کتابها و
دست‌نوشته‌هایش سوخت و بین حادثه آن چنان وی را
ریجور ساخت که در بیمارستان بستری شد. از آثار وی:
«آری برف کور را باید سوزانید»، ترجمه «داستان ویکتور
هرگری وطنی و شاهکار وی»، «راهنمای تلفظ کلمات
انگلیسی»، «زبان انگلیسی پیش خود»، «صادق هدایت»،
نوشته‌ها و اندیشه‌های او، ترجمه: «عبرت بودا»، ترجمه:
«کارخانه مطلق ماری»، ترجمه: «گروه محکومین»،
ترجمه

خودکشی صادق هدایت (۶۳)، فهرست کتابهای چاپی
فارسی (۱/ ۱۳۳۳، ۲/ ۱۶۴۱، ۱۸۲۱)، مؤلفین کتب
چاپی (۲/ ۶۲۰-۶۲۳)

نابل ایروانی، حسنعلی و حسینعلی خان، فرزند محمد
خان قاجار ایروانی، (س سیزدهم ق)، شاعر. از قاجاریه
ایروان بود. از جانب فتحعلی شاه مأمور خدمت شاهزاده
محمود میرزا (م بعد از ۱۲۷۱ ق) شد. او اوست.
او دست ستمی تو دارم گله بسیار
ما را گله بسیار و ترا حوصله بسیار
تنه نه می آشفته آن زلف درازم
دیرانه چو من هست در این سلسله بسیار
حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۲۱۱)، الذریعه (۹/ ۸۵۸-۸۵۹)،
سفرنامه‌المحمود (۲/ ۶۸۳-۶۸۱)، فرهنگ سخنوران

درگذشت. در «شذرات الذهب» به جای قاری، غازی آمده است

اعلام بوفیات الاعلام (۱، ۳۵۳)، برلاس، ۱۹/۲۰
(۲)، شذرات الذهب (۹۷/۲)، الصبر (۲/۴۴۰، ۴۴۱)،
معجم انبیا (۳/۷۸).

قاری مشهدی خراسانی، سید ابوالقاسم (ز ۹۸۳، ق)، قاری و شاعر، در مشهد به دنیا آمد و در شیراز سکنی گزید، لذا به او قاری شیرازی نیز گفته‌اند. محمد بن شمس‌الدین قاری کاظمی در شیراز علم قرائت و تخرید و در محضر وی فراگرفته است. سید ابوالقاسم او قاریان مشهور عهد شاه عباس صفوی است. او آثار وی «النوئیة» یا «نظم الثانی» منظومه‌ای فارسی در «تحرید قرآن» که در ۱۰۶۱ ق آن را به اسم شاه عباس ثانی سرود و مکرراً به طبع رسیده و مدرس تبریزی، صاحب «ریحانة الادب» شرحی به نام «نثر الثانی» بر آن نگاشته است. نسخه‌ای از کتاب «النوئیة» در زمان حیات مؤلف، در ۱۰۸۳ ق، توسط شاه‌حمیر بن عبدالجبار نوشته شده است. نزدیک‌ترین وی «دیوان» شعر است.

الدریة (۳/۳۶۴، ۳۶۵، ۹/۸۶۰، ۱۱/۲۲۱، ۱۸/۳۷۷، ۳۷۸، ۲۴/۲۲۵، ۲۲۶)، بحار (۲/۳۹۵)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱/۲۵۲-۲۵۳)، مؤلفی کتب چاپی (۱/۲۷۷).

قاری هروی، شیخ نورالدین علی بن سلطان محمد هروی، (و ۱۰۱۴/۱۰۱۶ ق)، فقیه حنفی، معروف به ملا علی قاری، در هرات به دنیا آمد. پس از گذراندن قسمتی از مراتب علمی در هرات، به مکه رفت و در همانجا ساکن شد و در برد مثنیج آنجا به تکمیل مراتب علمی خود اقدام کرد تا آنکه آوازهاش در همه‌جا پیچید. او به هر یک از پیشوایان چهارگانه اهل سنت پیوسته و شافعی باب اعتراض کشود و به همین جهت مورد بی‌مهری قرار گرفت. در مکه از دنیا رفت. چون خبر درگذشت او به مصر رسید در جامع الازهر متحاور از چهار هزار تن در عییت بر وی نماز خواندند. از آثار وی: «الفسیر القرآن»، در چند مجلد؛ «انوار القرآن و اسرار الفرقان»؛ «الاحادیث القدسیة و الکلمات لانسبة»؛ «چهل حدیث قدسی»؛ «الحرم الثمیر للخصص»؛ «محضین» یا «شرح المحض الحصین»؛ «الانذار الحیة فی اسماء المحنفة»؛ «المصوب المجهة»؛ در فقه «مدایبه السالک»؛ در مناسک؛ «مراقبة المفاتیح»؛ در شرح

۱۰۷-۱۰۸)، معجم الادباء (۱۶/۲۱۹-۲۲۳)، معجم المؤلفین (۸/۹۱)، النجوم الزاهرة (۴/۲۲۳)، بوفیات الاعیاء (۴/۸۲، ۷۹)، هدیة المارین (۱/۸۲۵)، مفت القلم (۳/۹۷، ۹۶).

قادر بروجرودی، میرزا حسن (ز ۱۲۹۲ ق)، شاعر، فردی در ریش مسلک و اهل سیر و سیاحت بود. از هم و دانش بهره‌چندانی داشت، اما بسیار بی‌کوشی بود. از اوست

رلف مشکین چون به سرماه مرا افسر شود
آفتاب از شرم او در خیلگون معجر شود
سبدیبه الشعره (۲/۱۲۱۲-۱۲۱۳)

قاریوزآبادی، ملا علی - زنجان، ملا علی قزوینی قاریوزآبادی.

قاری تبریزی، محمد جعفر (ز ۱۱۲۳ ق)، خطاط از آثار وی: «صحیفة سجادیة» نیم ربیعی، جلد روحی، دو سر لوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت خطی متوسط، با رقم، «و قد تشرفت بکتابة هذه الصحیفة» محمد جعفر القاری التبریزی، فی سنة ۱۱۲۳. توفیق لمنک المعین.

(سوال و آثار خوشنویسان (۲، ۵۵، ۱۱)

قاری تبریزی، ملا مصطفی - تبریزی، مصطفی

قاری رمجاری نیشابوری، ابومحمد اسماعیل بن ابوالقاسم عبدالرحمن بن ابی بکر صالح (۴۳۹-۵۳۱ ق)، سنی، محدث و قاری نسبتش به رمجار از توابع نیشابور می‌رشد. او از ابوالحسنین عبدالعزیز فارسی «صحیح» مسلم و احادیث یحیی بن یحیی تمیمی را شنید و همچنین از ابوحنیف بن مسرور صوفی، از خدمتگزاران ابوالقاسم نشیری، چند جرئی را شنید. ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوسعید سمعانی و حسن بن محمد قشیری و رجب شمریه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن شریک گوید که ابوسعید حسن بن محمد بن محسن قشیری از وی «صحیح» را روایت کرده است. فقهی گوید، ابوالقاسم بن حرستانی از وی اجاره روایت داشته است. سمعانی گوید که وی شیخی صاحب و عقیف و صوفی پاک بود که خدمت استاد ابوالقاسم قشیری را نمود. قاری در نیشابور

یواران (۲/ ۱۶۰-۱۶۱)، تاریخ نظم و شعر (۳۲۰)، تذکره
سخنوران پسرده (۲۵۵-۲۵۰)، الذریعه (۹/ ۸۹، ۸۶۱،
۱۲۰۵)، فرهنگ سخنوران (۲۳۰)، مؤلفین کتب چاپی
(۶/ ۶-۵).

قاسم، (ز ۱۰۱۱ ق)، نقاش، طراح و نقاش و حکاک بر
روی فلزات سخت بود و در این گونه کارها، مهارت
بخصوصی داشت از آثار وی قوری پرنجی بزرگی به
شکل گندی است که حوالی رکندهای آن، تصاویر
گوناگون به نازک قلمی نقش شده و در تزیینات منظمی که
در رویه بدنه قوری احداث شده، تصاویر حیوانات
گوناگون از قیل شیر و گورن و رویه جلب نظر می‌کند که با
اسلیمی‌های متنوع و نقوش دیگر، تزیین گردیده است، با
رقم «عاقبت خیر باد ۱۰۱۱ - بنده شاه ولایت قاسم».

اسوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۲۱).

قاسم، (م یازدهم ق)، نقاش و کتیبه‌نویس. در عصر
شاه سلیمان صفوی که گنبد آستان مقدس امام رضا (ع)
پس از حادثه زلزله ۱۰۸۶ ق تعمیر و تزیین شد، این
هنرمند نقاشی ر کتیبه نویسی گنبد را به عهده داشت.
گفتنی است که این گنبد استوانه‌ای ر طلایی سارگاه امام
رضا (ع)، در زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده ساخته
و تزیین شده و در ۹۲۲ ق به دستور شاه طهماسب صفوی
کاشیهای ساده آن کنده شده و خشت‌های طلایی قیمتی
جایگزین آنها گردیده بود. متأسفانه این آثار در زمان هجوم
عبدالؤمن خان از بین رفت و شاه عباس دستور داد که
گنبد مزبور را به همان شکوه اولیه تذهیب نمایند. در دور
کننده‌ها، کتیبه‌نمسی وجود دارد که در داخل چهار تریج آن
عباراتی به خط علیرضا عباسی نوشته شده که نشان
می‌دهد تزیین گنبد در ۱۰۱۰ ق آغاز گردیده و در ۱۰۱۶ ق
به پایان رسیده است. پس از زلزله ۱۰۸۶ ق گنبد مزبور
توسط همین قاسم نقاش تعمیر شد. نام او در ذیل کتیبه‌ای
دیده می‌شود، با این رقم: «کرده نقاش در این صفحه
رقم/ عمل قاسم مراش حرم»

اسوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۲۲-۵۲۳).

قاسم آقا تبریزی، (وف ۱۲۹۲ ق)، نقاش، از اهالی
تبریز و مقیم مصر بود. وی در صنعت تذهیب و آرایش
خطوط و طعنه‌نویسی و نوشتن جمیع خطوط شش‌گانه
مهارت داشت. وفات وی در اسکندریه روی داد و هم در

«مشكاة المصابيح»، در چهار مجلد، قراکر همه شروح و
حواشی؛ «شرح مشکلات الموصلا»؛ «توضیح المیانی»؛ در
شرح «مختصر المنار»؛ در اصول؛ «صوره المعالی»؛ در شرح
قصیده «بده الاملی»؛ در توحید؛ «منح الروض الارهر فی
شرح الفقه لاکبر»؛ «تذکره الموضوعات»؛ شرح «شمائل
السی (ص)» ترجمه.

الاحلام (۵/ ۱۶۷-۱۶۶)، بیضاح المکتون (۱/ ۲۰، ۹۰،
۹۳، ۱۶۵، ۲۰۹، ۲۲۱، ۲۶۴، ۲۹۸، ۲۹۹، ۲۶۱، ۵۴۱،
۵۵۸، ۵۶۹، ۵۷۸، ۶۱۲، ۲/ ۲۱، ۴۳، ۵۵، ۵۷، ۱۰۲،
۱۳۹، ۱۳۸، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۱۴، ۴۰۲، ۴۳۸، ۴۶۴،
۴۸۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۷۷، ۶۰۷، ۶۲۴، ۶۶۱،
تاریخ نظم و شعر (۳۹۵-۳۹۴)، ریحانه (۴/ ۳۹۷-۳۹۸)،
کشف الظنون (۲۲، ۶۰، ۲۴۵، ۲۵۴، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۷۰،
۵۷۱، ۵۷۳، ۵۸۳، ۱۰۵۰، ۱۰۶۰، ۱۱۲۹، ۱۱۵۹، ۱۲۳۲،
۱۲۶۴، ۱۲۸۷، ۱۳۳۵، ۱۳۵۰، ۱۳۶۰، ۱۳۶۴، ۱۳۴۵،
۱۷۰۰، ۱۷۰۲، ۱۸۹۷، ۱۹۰۱، ۱۹۷۲، ۲۰۳۲)، بحث نامه
(دیل/ بساری)، معجم المصطلحین (۷/ ۱۱ - ۱۰)،
هدیه العارفين (۱/ ۷۵۱-۷۵۲).

قاری یزدی، نظام‌الدین محمود بن امیراحمد، (م
بهم ق)، شاعر. در شیراز می‌زیست و معاصر قاسم یواری (م
۸۳۷ ق)، خواجه عصمت بخارایی (م ۸۲۹ ق)، کتاتبی،
خیالی بخارایی و شیخ آدری (م ۸۶۶ ق) بود. او صاحب
سبک مخصوصی در شعر است که پیروی از سبک
ابواسحاق اطعمه می‌شد، با این تفاوت که ابواسحاق به
دگر اطعمه پرداخته و قاری در شعر نام لباسها و پارچه‌ها را
آورده است و به همین جهت «دیوان» خود را «دیوان
البسه» نام نهاده که این «دیوان» شامل: دیباجه منثور؛
قصیده‌ای موسوم به «آفاق و انفس»، جسک نامیدی بین
جامه‌های مویین و کتاتبی؛ منظومه‌ای موسوم به «اسرار
ابریشم»؛ اشعاری در استقبال شعرا و متقدمین و متأخرین
مانند ابوحدی و خواجه و سعدی و حافظ و دیگران؛
اشعاری به لهجه‌های محلی؛ و چندین رساله چون:
«منظره بین اطعمه و البسه»؛ «رساله آرایش نامه» و چندین
رساله دیگر و در پایان مجموعه «فرهنگی» در وصف
اصطلاحات فن خیاطی. میرزا حبیب اسمعیلی این «دیوان»
را به همراه «دیوان» حبیب زاکانی و ابواسحاق اطعمه در
استانول چاپ کرده و هر سه را به یک شکل و قطع و با
اسلوب واحد به طبع رسانده است.

از سعدی تا جامی (۴۶۷-۴۷۲)، تاریخ ادبیات ایران،

نجا روی در ثواب خاک کشید

سجود و آثار نشان (۲/ ۵۲۱)

قاسم انوار، سید معین الدین / صفی الدین علی بن صمیر. (۸۳۵-۸۳۷/۸۳۸ ق)، صوفی، عارف و شاعر، متخلص به قاسم یا قاسمی. معروف به شاه قاسم انوار از خاندان سادات حسینی تبریز و از پیروان خاندان شیخ صفی الدین اردبیلی بود. در سراب به دنیا آمد. در جوانی به تبریز برای کسب علم رفت و در حقه سریدان شیخ صدرالدین موسی، پسر و جانشین شیخ صفی الدین، درآمد. قاسم انوار از او به عنوان صدر ولایت یاد می‌کند. سپس به گلان رفت و روابط دوستانه‌ای با جانشینان شیخ راهب گلانی برقرار کرد. در ادامه سفرش، به خراسان رفت و در هرات مستقر شد و شهرت و مریدان بسیار یافت. در ۸۳۰ ق به بهمت سیاسی از هرات به سمرقند تبعید شد و چند سال بعد به خراسان مراجعت نمود و در قربة خرجرد حامی به موی در قصه سگر رنواع بشابر سگر شد و در همدان وفات یافت. سابی به دستور میر علیشیر خانی بر مرارش مسجده شده است. گفته‌اند که چهار شعر پنده به حج رفته که دو دفعه آن پابرهنده بوده است. از آثارش «کلیات» شامل منظریهای «اتیس لغارین»، «۵۸۳ بیت به بحر رمل مسلّم»، «اصد مقام» یا «مقامات العارین» یا «مقامات السالکین» یا «تذکرة الاولیاء»، در بیان مقامات و اصطلاحات صوفیه، «بیان واقعه دیدن امیر تیمور» و همچنین «عربیات» و «مقصعات» و «ملهمات» گیلکی و ترکی و «رباعیات»؛ «وسائل سؤال و جواب»؛ «رمانه در بیان علم»؛ «مشوی» «ایس لعاشقین» یا «رسائل الامانة».

تذکرة ادر (۱۱۰۹-۱۱۱۰)، از سعدی ناصبی (۶۱۴-۷۰۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۵۲-۲۶۴)، تاریخ عارفان و عارفان ایرانی (۶۱۲-۶۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۱-۲۹۲)، تذکرة الشعراء (۳۸۵-۳۹۲)، حبیب السیر (۴/ ۱۱۰-۱۱۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۰۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۰۰-۲۰۶)، الذریعه (۲/ ۴۶۲-۴۶۳/ ۸۶۲-۸۶۳)، ۱۹/ ۱۲۲-۱۲۳، ۳۰۴-۳۰۵، ۳۳۰، رشحات عین الحیات (۲/ ۴۲۵-۴۲۶)، روضات الجنان (۱/ ۳۳۴)، ریاض المعارف (۱۲۲-۱۲۴)، ریاضه (۴/ ۳۹۹-۴۰۱)، شخصیت‌های ساسی (۳۹۲-۳۹۹)، طرائق الحدیث (۲/ ۲۱۱-۲۱۲)، فرهنگ سخنوران (۷۳۰-۷۳۲)، الکمر (۱/ ۱۱۱)، لالتاب (۳/ ۲۷)، لغت نامه (دیل قاسم انوار)، مجالس المؤمنین (۲/ ۳۷۰-۳۷۱)، مجالس الشافعیان (۷۰۶-۱۸۲-۱۸۳).

۱۸۴)، مرآت‌الحیال (۶۵۶۳)، منظومه‌های فارسی (۳۳۰-۳۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۸۹۰-۸۹۱)، نتایج لامکر (۵۵۷-۵۵۹)، معانی الاس (۵۹۰-۵۹۳)، هدیه الاحباب (۲۱۲)، هدیه العارفین (۱/ ۷۳۱)، هست انبیا (۲/ ۵-۲)، یادگارنامه دکتر فرشیدورد (۱۱۵۵-۱۱۶۱).

قاسم بروجردی، سید قاسم. (س دوازدهم ق)، شاعر. از سادات بروجرد بود. با حرین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) در حرم آباد لرستان ملاقات کرد و نزد حاجی عبدالغفور بروجردی کسب یسر نمود. در معما استاد بود. بعد از مدتی به وطن خود مراجعت کرد و قس از تحریر تذکرة المعاصرين، لاهیجی، در ۱۱۹۵ ق، در بروجرد درگذشت از اوست:

سم فیض و ساقی حل به مشک مار
به یک پیمانه می دریای افش کن دن مار
تذکرة المعاصرين (۱۳۷-۱۳۸)، الذریعه (۹/ ۸۶۲)،
رونگ سخنوران (۷۳۰)

قاسم بیضاوی، میر ابوالقاسم، فرزند سید میرعلی موسوی (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به قاسم. از سادات موسوی بود که در شهر بیضاوی فارس به دنیا آمد. برای تحصیل علوم به اصفهان رفت و به گفته نصرآبادی، در ۱۰۸۲ ق، در محضر حاج طاهر شیرازی به تحصیل مشغول بود. از اوست:

می دلم ر خیمه آخر چه خواهد شد سرفراهم
میاهی می کشد چشم نگین از بودن نام
تذکرة نصرآبادی (۱۶۲-۱۶۳)، دانشمندان و سخن‌مربان فارس (۴/ ۱۸۴-۱۸۶)، الذریعه (۹/ ۸۶۲)، صبح گلشن (۳۲۷)، رونگ سخنوران (۷۳۰)، لغت‌نامه (دیل قاسم بیضاوی).

قاسم بیگ تبریزی. (وف ۱۰۰۰ ق)، صحاف و محلد در تبریز سکونت داشت. بعد از حمله عثمانی به تبریز و تصرف آن شهر، به قزوین رفت و در آنجا ساکن شد. او از طریق صحافی امرار معاش می‌کرد. وی در جزو شاگردان نظام میر حسین قزوینی قرر داشت و میرزا بیگ تبریزی دست پرورده او بود. در قزوین به مرض طاعون درگذشت. احوال و آثار نشان (۲/ ۵۲۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۴-۳۰۵)، گلستان هر (۱۵۸-۱۶۰)، مناقب سخنوران (۱۱۳).

حقوق به تدریس پرداخت وی چند سال ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت و پس از مدتی به عنوان مشاور حقوقی در وزارت خارجه به خدمت مشغول شد. سرانجام در تهران و فاجعیت و در باغ طریقی شاه عبدالعظیم (ع) دفن شد. از آثار وی: «حقوق اساسی»، «حقوق اساسی فرانسه»

مهرست کد بهی چاپی فارسی (۱/ ۱۱۸۵)، مؤرخین کتب چاپی (۴/ ۸۹۹-۹۰۰).

قاسم شادشاه، مولانا محمد (ز ۹۵۵ ق)، خطاط و شاعر اهل خراسان بود و در عصر سلطان ابوسعید گورکانی می‌زیست. از شاگردان سلطان محمد نور بود و در خدمت سلطان محمد خندان نیز مشق می‌نمود. مستعین به مهارت می‌نوشت. بین او و میرعلی هروی همیشه معارفه جاری بود که اغلب به گستاخی شادشاه متجه می‌شد. میرمحمد حسین هروی از شاگردان اوست. در «پیدایش خط و خطاطان» قطعه‌ای از وی آورده شده که تاریخ ۹۵۵ ق دارد.

پیدایش خط و خطاطان (۱۲۹-۱۵۰)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۱-۴۲)، فرهنگ سخنوران (۴۸۶)، گلستان هنر (۸۹-۹۰)، منابع هنروران (۶۶).

قاسم شیرازی، فرزند علی (ز ۹۳۲ ق)، نقاش اهل شیراز بود. دوران کردگی و جوانی خود را در شیراز گذراند و در همان شهر، زیر نظر استادان، فن نقاشی را بخوبی فراگرفت و پرآوازه شد، تا جایی که سام میرزای صفوی از او به نگارستان شاه طهماسبی فراخواند و او به جمع تصویرسازان دربار درآمد و در آن جمع بیش از همه با میر مصور و استاد قدیمی حشر و نشر پیدا کرد. وی در جوانی درگذشت و به همین دلیل از او بیش از چند اثر مسوب و یک اثر رقم‌دار، نمونه دیگری دیده نشده است. از آثار وی: مجلس وعظ و خطابه حضرت رسول اکرم (ص) است که در آن پیامبر اسلام (ص) با صورتی پوشیده در بالای سر، مشغول ادای خطابه، تصریر شده و در دایره مسجد زنان و مردان به سخنان او گوش می‌دهند. با رقم «فی پیام خلافة... ای المظفر طهماسب بهادرخان فی ثلاثین و تسعمائة الهجرة النبوية ۹۳۲» علی ید العبد الضعیف قاسم بن علی». در «هنر عهد تیموریان» آمده که این مجلس وعظ و خطبه، مجلس وعظ امام حسن مجتبی (ع) است. چند اثر مسوب به این هنرمند در

قاسم تیریزی اصفهانی، فرزند میرزا شریف (س یازدهم ق)، شاعر. از تیریزیان ساکن هباس آباد همدان بود. جد اعلای او خرابه‌دار شاه طهماسب صفوی بود و لذا پدرش تخلص خازن داشت. در جوانی به هند رفت و در رمان تألیف تذکره «نصرآبادی»، در ۱۰۸۳ ق، در آنجا بود. از اوست

آنچه آن ری که گر از حادثه بر باد روی
حسن معنی نگذارد که تو از یاد روی

تذکره نصرآبادی (۱۲۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۵)، الذریعه (۹/ ۸۶۲-۸۶۳) فرهنگ سخنوران (۷۲۰)، گزوان هند (۴/ ۱۰۷۵-۱۰۷۶).

قاسم خراسانی، فرزند خواجه جلال‌الدین میرکی (ز ۹۲۸ ق)، خطاط و شاعر. وی وزیر دیوان بدیع‌الزمان میرزا گورکانی بود و بعدها به ملازمت دورمیش‌خان شاملو درآمد. مستعین و تعلیق را خوش می‌نوشت و به زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» شعری یک نسخه «دیوان» هلالی، در کتابخانه دانشگاه استانبول، به قلم کتابت جلی خورش، با رقم: «مشقه قاسم الفقیر» احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۷۹-۵۷۸)، الذریعه (۹/ ۸۶۵)، لعب نامه (ذیل / قاسم)، مجالس النقائس (ص ۱۰۷).

قاسم رازی، میر محمد قاسم (س دهم ق)، شاعر. اهل ری بود. در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت و مدتی در خدمت میرزا قوام‌الدین جعفر آصف خان قزوینی به سر برد و سپس به زادگاهش بازگشت. صاحب «الذریعه» گوید: شاید قاسم رازی همان قاسم طهرانی فرزند خطیب تهرانی باشد. از اوست

هیچ جا خاطر شوریده‌ام آرام نیافت

همه آفاق مگر بهر دل من فاس است؟

الذریعه (۹/ ۸۶۳)، صیغ گلشن (۳۲۸-۳۲۷)، فرهنگ سخنوران (۷۳۱)، گزوان هند (۲/ ۱۰۸۲-۱۰۸۳)، لغت نامه (ذیل / قاسم رازی)، هفت قلیم (۳/ ۵۲-۵۳).

قاسم زاده، قاسم، فرزند محمود (۱۲۶۷-۱۳۳۸ ش)، حقوق‌دان، استاد دانشگاه و نویسنده. در یادگوبه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر گذراند و تحصیلات حقوق را در دانشکده حقوق پتروگراد به پایان رساند. سپس به پاریس عزیمت نمود و در رشته حقوق دکتر گرفت. در ۱۳۰۹ ش به تهران آمد و در دانشکده

«شاهنامه» هاتون است که با همکاری سر مصور و استاد قدیمی به اتمام رسیده که در یکی از این تصاویر، سیاحش به شکار مشغول است و افروسیاب با ساس سلطنتی، سوار بر اسب، شکار او را تماشا می‌کند. منظره عمومی شکارگاه و نقش حیوانات گوناگون با مهارت تصویر شده است.

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۲۸-۵۳۰)، هر عهد تیموریان (۹/ ۸۱۱-۸۱۲)

قاسم شیرازی، فرزند محمد (ز ۱۱۱۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن و زیری کوچک، جلد روغنی اندرون سوخته عالی، متن قرآن روی رو نوشته شده است. دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی، به خط نسخ کتابت خفی و رقاع خوش و ترجمه حواشی، شکسته حمی متوسط، با رقم: «قد فرغ من تسوید هذا القرآن الحمد لله سنة ۱۱۱۷» من ید العبد الاثم ابن محمد، قاسم انشیرازی.

احوال و آثار خوشویسان (۴/ ۱۱۳)

قاسمعلی شیرازی. (س دهم ق)، خطاط. صاحب «مناقب هنروران» از را از شاگردان میر علی هروی، دانسته و گوید که مستملین جلی و حمی را خوش می‌گرفتند! صاحب «تاریخ رشیدی» که خود را شاگرد او معرفی کرده، وی را شاگرد محمد ابریشمی دانسته و از خط او تعریف کرده است از آثار وی یک نسخه «دیوان» نوایی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «قاسم علی الکاتب الشیرازی» یک نسخه «خمسه نظامی»، با رقم: «قاسم الکاتب الشیرازی» ظاهراً شاعری به نام قاسمعلی و با تخلص عدیمی در رمای نزدیک به زمان این خطاط می‌زیسته است و بعضی تذکرة نویسندگان شرح حال این دو را در هم آمیخته‌اند. احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۵۸۰-۵۸۱)، مناقب هنروران (۱۲۹)، هر عهد تیموریان (۲۹۲).

قاسمعلی قانونی - قاسم قانونی هراتی.

قاسم قانونی هراتی (س دهم ق)، نوازنده در هرات می‌زیست. چون در بواختن قانون مهارت داشت، به قاسم قانونی شهرت یافت. سید ابوالهیم میرزا صفوی که به موسیقی علاقه فراوان داشت این هنرمند را از هرات نزد خود طلبید و او را از ترس عمری خود شاه طهماسب که

پادشاهی متعصب بود، مخفی نگاه داشت و در پنهان، اراد موسیقی آموخت.

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۳۹-۲۴۰، ۳۱۹، ۳۲۰-۳۲۱)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۶۶)، عالم آرای عباسی (۱/ ۲۰۹).

قاسم قصه‌خوان مشهدی، قاسم علی. (س دهم ق)، شاعر. از شاعران بسیار خوش طبع خراسان بوده و در قصه‌خوانی نیز دست داشته است از اوست.

چو تویی نبوده هرگز به رفا و مهریابی
به تو هیچ کس نماند، تو به هیچ کس نمانی
آتشکد: آذر (۲/ ۴۹۷)، ترجمه ساسی (۱۴۱)، الذریعه (۹/ ۸۶۳-۸۶۴)، فرهنگ سخنوران (۷۳۲)، نشت‌نامه (ذیل / قاسمی).

قاسم کاهی - کاهی کابلی.

قاسم مذهب. (س دهم ق)، نقاش و مذهب. وی حدود ۹۵۵ ق به همراه میر سید علی و حو جه عبدالصمد شریب قلم و سبز هنرمندان، بر می به دعوت هم‌نویان پادشاه به هند رفت و جزو مذهبیان هالی مقام کتخانه‌خانه سلاطین هندی درآمد. این هنرمند شخصیتی والا و در دربار اکبری حرام نرازی داشت و همیشه به همراهی میر سید علی و عبدالصمد شیرازی و دوست مصور، ملزوم رکیاب شاه بود.

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۲۲)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۴۸۱)، گلستان منیر (چهل و یک، ۱۲۰).

قاسم مشهدی، محمد / محمد قاسم دیوانه. (وف قبل از ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به قاسم. مشهور به قاسم دیوانه یا دیوانه مشهدی. اشتهازی به دیوانگی ظاهراً بدید به دلیل اشعار مسست و معماگونه‌اش باشد. در اوایل زندگی به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل مشغول شد وی از شاگردان صائب بیهری بود. در اواخر عمر قصد مسافرت به هندوستان نمود و در بین راه در ولایت ساهجهت آباد (دهلی کهنه) وفات یافت مدفن در همان دیار است. در تذکرة «نصرآبادی» (تألیف شده ۱۰۸۳ ق) از فوت وی ذکری به میان آمده است، اما در «فرهنگ سخنوران» سال مرگ وی ۱۰۸۵ ق ذکر شده است. از اوست.

(۱۰۳۸-۹۹۶ ق) را مدح گفته است. او مردی صوفی مشرب و گوشه نشین بود. گاهی به اصفهان نیز مسافرت می کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ مثنوی «انیس الدارین». آتشکده آذر (۳/ ۹۷۷-۹۷۸)، تاریخ اعیان در ایران (۵/ ۷۴۱-۷۴۲)، تاریخ نظم و شعر (۱/ ۶۲۳)، تذکره روز روشن (۶۲۸-۶۲۹)، الذریعه (۹/ ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۵، ۸۶۶/ ۱۹/ ۱۲۳)، فرهنگ سخنوران (۷۳۰، ۷۳۳)، لغت نامه (ذیل/ قاسمی اردستانی)، هفت اقلیم (۲/ ۴۴۵-۴۴۶).

قاسمی تونی، درویش قاسم. (س نهم ق)، صوفی و شاعر، متخصص به قاسمی. چون در آشنایان حمام رورگار می گذراند به تونی مشهور شد. با صاحب منصبان نشست و برخاست نداشت و در بند نام و شهرت بود. از دوست دزم به جعد رلف تو دل پای بند شد مرغ هوا به دام اسیر کج شد تاریخ نظم و شعر (۲۰۲)، تذکره روز روشن (۳۲۸)، تذکره انصار (۵۰۹-۵۱۰)، الذریعه (۹/ ۸۶۵)، فرهنگ سخنوران (۷۳۳).

قاسمی خوانی، مولانا مجدالدین. (س دهم ر یازدهم ق)، شاعر و نویسنده. اهل خراف بود مدتی در هرات مشغول شطرنج بود بعد از آن به سیستان رفت. وی معاصر و معارض ولی دشت بیاضی (م ۱۰۰۲/۹۹۹ و) بود. در همراه درگذشت از آثار وی کتاب «روضة الحلد» در برابر «گلستان» سعدی است.

آتشکده آذر (۱/ ۴۹۶)، تاریخ نظم و شعر (۵۶)، الذریعه (۹/ ۸۶۵، ۸۶۶/ ۱۱/ ۲۹۳)، صبح گلشن (۳۲۸)، فرهنگ سخنوران (۷۳۳)، لغت نامه (دیس/ قاسمی خوانی)، هفت اقلیم (۲/ ۱۷۶).

قاسمی کازرونی، ابوالقاسم «پلیانی کازرونی، شیخ ابرالقاسم».

قاسمی گونجیشی سمرقندی، ابومحمد حسن بن احمد بن محمد بن قاسم. (۴۰۹-۴۹۱/۴۹۰ ق)، حافظ و محدث. پیشوای حدیث در عصر خویش بود. وی ساکن نیشابور بود. از عبدالصمد هاضمی و ابوحفص بن مسرور و حمزة بن محمد جعفری و ابوسعید کنجودی و ابومحمد صابونی و دیگران حدیث شنید. برگزین استادش منصور کاغدی بود. وی با جعفر بن محمد مستغری حافظ

میان دیر و حرم محو دلمستان مادام دو کوه سر به هم آورد و در میان ماند

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۱۶۷-۱۱۷۰)، تذکره صوفیانی (۳۳۳-۳۳۴)، الذریعه (۹/ ۸۶۳)، فرهنگ سخنوران (۷۳۲)، فهرست نسخه های خطی داری (۳/ ۲۴۷۹، ۲۴۸۰)، کازوان هند (۲/ ۱۰۸۵-۱۰۸۳)، نتایج انکار (۵۶۴-۵۶۶).

قاسم هروی «قاسم خراسانی

قاسمی، احمد. (نو ۱۲۸۰ ش)، نویسنده و مترجم. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطن خود گذراند و سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشسرای عالی در رشته فلسفه و علوم تربیتی فارغ التحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل در وزارت فرهنگ عهده دار مشاغل چون: دبیر دبیرستانهای اصفهان، ریاست دبیرستان کرمان، ریاست چند دبیرستان در تهران، ریاست دفاتر دانشسرای عالی دانشکده علوم و ادبیات، ریاست فرهنگ شهرهای بزد و همدان و کرمانشاه شد. از آثار وی: «پس جنگ عجیب آن طور که من دیدم»، ترجمه: «بیماری کو دکلی کموتسم»، ترجمه: «منشأ خلیفه» و دولت: «حرب توده ایران چه می گوید و چگونه می خواند»، «چند موضوع از اقتصاد»، «جامعه را شناسید».

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۴۲۶، ۵۶۳، ۱۰۰۲، ۱۱۱۸، ۱۱۶۵، ۲/ ۳۱۶۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۳۳-۴۲۲).

قاسمی، مرتضی. (س چهاردهم ق)، شیمیدان. در تهران از دانشسرای عالی در رشته شیمی فارغ التحصیل شد. سپس به فرانسه عزیمت نمود و در دانشگاه بر دو به تکمیل تحصیلات پرداخت. از آثار وی: «شیمی»، «ساز سوم متوسطه»، «شیمی تحلیلی»، «شیمی صنعتی»، «شیمی عمومی»، «صایع شیمی معدنی».

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۱۹۲، ۲۱۹۸، ۲۱۹۹، ۲۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۱۲۵-۱۲۶).

قاسمی اردستانی، قاسم. (س دهم ق)، شاعر، متخصص به قاسم یا قاسمی از سادات اردستان و از معاصران تقی الدین اوحیدی بود که شاه عباس اول

عده‌ای آن را به دو دفتر جداگانه «شاهنامه ماضی» یا «شاه اسماعیل نامه» و «شاهنامه نواب عالی» تقسیم کرده‌اند؛ «البلی و مجنون»؛ «خسرو و شیرین»؛ «کارنامه» یا «گوری و چوگان»؛ در وصف گوری باری؛ «عاشق و معشوق»؛ «شاهرخامه»؛ «ربعة الانصار»؛ «حمدة الانصار»؛ در صفت کعبه و مدینه؛ «ساقنامه».

آتشکده آذر (۱/ ۲۷۸-۲۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران، ۳/ ۱۹۲، ۵/ ۷۱۷-۷۲۹، تاریخ نظم و شعر (۵۰۸-۵۰۷)، تصحیح قاسمی (۴۲-۳۹)، تذکرة بیحانه (۳۳۲-۳۳۱)، تذکرة میحانه (۱۸۱-۱۶۹)، حماسه سرایی در ایران (۳۶۰-۳۶۳)، التریحه (۷/ ۱۶۱، ۹/ ۸۶۶، ۸۶۷، ۱۲/ ۱۸-۱۹، ۱۱۳/ ۱۱۳، ۱۳/ ۱۶، ۲۰/ ۱۵، ۵۲۰۳/ ۱۷، ۲۳۰/ ۱۸، ۲۵۴-۲۵۳، ۱۹/ ۱۶۸، ۱۹۵-۱۹۴، ۲۱۷، ۲۱۹-۲۲۰، ۲۴۳، ۲۵۱-۲۵۰، ۲۶۷/ ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۷۳-۲۷۲)، فرهنگ سخنوران (۷۳۲)، ۷۳۳-۷۳۴، کشف‌الغیوب (۱۰۲۵، ۱۰۲۶)، لغت نامه (دیل) / قاسم گنابادی، قاسمی گنابادی، مجالس‌السماعین (۱۳۹-۱۴۰)، مجمع‌الخواص (۱۳۹-۱۴۰)، منظومه‌های فارسی (۲۶۷-۲۷۷)، مزلن کتب چاپی (۳/ ۹۰۱)، هفت نیم / ۱-۲۱ (۲)

قاسم زهانی قاضی، محمد حسین بن محمد علی، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر. مشهور به قاسم. اصل وی از زهان قاین بود. تحصیلات خود را در رهاک قاین و مشهد به پایان رساند. وی در ایام اقامت خویش در مشهد در مدرسه خیراتخان با شاعر مرثیه‌سرا عبدالجواد جردی (م ۱۳۰۲ ق) آشنا شد. از آثارش: «التذکرة الساکنین» در یک مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه به نثر فارسی؛ «ادبوان» شعری؛ کتابت و ترمیم نسخه‌ای از «مثنوی» مولوی.
بررگان قانی (۲۲۰-۲۲۲)

قاسمی، محمد، فرید عبدالعزالی، (۱۲۹۲-۱۳۷۶ ش)، مترجم و نویسنده. در مهاباد به دنیا آمد. تحصیلات دوره دبستان را در موطن خود گذراند و به یادگیری زبان فرانسه پرداخت. سپس به تهران عزیمت نمود و پس از گذراندن رشته ادبی در دانشگاه و رشته علوم قضایی در دانشکده حقوق، در وزارت دارایی مشغول خدمت شد. پس از بازنشستگی به عضویت کسب، پرورش نگرانی کردگان درآمد و به ترجمه کتاب برای کودکان مشغول شد. وی به

مصاحب بود و بیشتر شنیده‌هایش از مستعفری است و به احادیث او اعتماد می‌کرد. اسماعیل بن محمد تبسی و وجیه شحامی و جلیل قایسی و ابواسعد بن شیری و محمد بن جامع خیاط و دیگران از وی روایت کرده‌اند. معانی گوید که وی شنیده‌های خود را گردآوری کرد و تصنیفاتش به وجود آورد. عمر بن محمد سنی در کتاب «التقد» گوید که وی حافظ و قوام‌السنه بود که در مانش چون او، در فن و در شرق و غرب، وجود نداشت. از آثار وی: «بحر الاسابید فی صحاح المسابید»، در هشتصد جزء که در آن صد هزار حدیث را گردآوری، مرتب و تهذیب کرده است. الاعلام (۲/ ۱۹۳)، تذکرة الحفاظ (۲/ ۱۲۳۰، ۱۲۳۱)، سیرالسلالة (۱۹/ ۲۰۵، ۲۰۶)، شذرات‌الذهب (۳/ ۳۹۲-۳۹۵).

قاسمی گنابادی، میرزا قاسم / میرزا محمد قاسم، برزند میر سید عبدالله حسینی، (۹۸۴/۹۸۲-۹۳۰ ق)، شاعر، متخلص به قاسمی از سادات گناباد و در سرودن مثنوی و محامی توانا بود. کنایه‌تری گناباد به خاندان او اختصاص داشت و بعد از پدر وی به این مقام رسید. وی بن شمس را به برادر خود، میرزا ابوالفتح، واگذار کرد. قاسمی در شعر و ادب شاگرد هاتفی بود و در دانش عقلی از محضر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی بهره‌مند شد. وی به دربار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی راه پیدا کرد و دو مثنوی برای آنها سرود، ولی چون شاه طهماسب در برابر آنها چیزی به او نپرداخت دربار صفوی را رها کرد و به دیاربکر رفت و به خدمت محمودخان، والی دیاربکر، درآمد. در اواخر عمر بیشتر با اهل دانش و ادب سر می‌کرد و به عبادت و ریاضت مشغول بود و هر چه در تسلک داشت، وقف بارگاه امام علی بن موسی الرضا (ع) نمود. در سخن قاسمی تأثیر مستقیم پیروان نظامی به ویژه جامی و هاتفی آشکار است. قاسمی در منظومه‌های خود کوشش کرده تا تاریخ پادشاهی و جنگهای سه تن از پادشاهان سده نهم و دهم را به نظم آورد. تعداد مثنویهای او و برخی از تذکرة‌ها چهار و بعضی هفت و بیشتر دانسته‌اند. او به رسم مثنوی‌سازان، منظومه‌های پنج‌گانه نظامی و جواب گفته، اما عدد مثنویهایش از پنج تجاوز کرده و در برابر «اسکندرنامه» منظومه‌های دیگر بر آنها افزوده است. از اختصاصیه‌های مثنویهایش، آوردن اسامی بسیار در توحید و تسبیح و امت است. از آثار وی «شاهنامه» یا «شاهنامه قاسمی» که

گرگان شمرده و شرح حالش را آورده است
سیرالنبلاء (۱۳/ ۵۷۲-۵۷۹)

قاضی ابوالحسن نیشابوری، ابوحسین محمد بن محمد
بن عبداللّه (وف ۳۵۱ ق)، فقیه و قاضی حنفی. سرد
ابوالمحسن کوخی و ابوطاهر بن دئاس فقه آموخت و در فقه
سرمآمد شد. ابواسحاق در «طبقات الفقهاء» گوید که علمای
نیشابور روی و اوسهل رجایی فقه آموختند. ابوبکر
بهری که خود شیخ الفقهاء بود گوید: بقیه از ابوحسین
نیشابوری در خراسان وجود ندارد او شیخ حنفیان در
زمان خود بود. پیش از ده سال متولی قضاوت حرمین بود
سپس به نیشابور رفت و به قضاوت در آن شهر پرداخت. او
از ابوحنیفه جمعی و حسن بن سفیان و گروه دیگری
حدیث شنید. مدتی نیز متولی قضای موصل و روم بود
حاکم نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است.

سریح نیشابور (۱۵۱)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۲۶-۲۵)،
شذرات الذهب (۳/ ۸۷)، المعبر (۲/ ۸۷).

قاضی حسین مرورودی، ابوعلی حسین بن محمد بن
احمد (وف ۴۶۲ ق)، فقیه شافعی. معروف به قاضی. از
ابوبکر بن قفان مروری فقه آموخت و از اسونیم مسط
بنی عوف حدیث روایت کرد. عبدالرزاق میمنی و ابومحمد
حسین بن مسعود نژاد بنوی از وی حدیث روایت کرده‌اند.
او چهاره‌ای شناخته شده در مذهب شافعی است و ر
پیشگامان این مذهب به شمار می‌آید. عده‌ای به او لقب
خبر لاهه داده‌اند. او پیوسته به تدریس، فتا و قضاوت بین
مردم مشغول بود. گویند که امام الحرمین از قاضی حسین
فقه آموخته است در مرورود از دنیا رفت وی دو اصول و
فروع و خلاف دارای تصانیفی است از آن‌ها وی:
«التعلیق» لکبری، در فقه «التناری»

لاعلام (۲/ ۲۷۸)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۲۶۰-۲۶۱)، شذرات
الذهب (۳/ ۳۱۰)، المعبر (۲/ ۳۱۲-۳۱۳)، کشف الظنون
(۲۲۴-۵۱۷)، ویدالاعیان (۲/ ۱۳۵-۱۳۶).

قاضی حلب، ابوجعفر - پیکندی بخاری، ابوجعفر
محمد

قاضی حمیدالدین بلخی - حمیدی بلخی.

قاضی خان اوزجندی قزاقی، قزاقان

ربان فرانسه تسلط کامل داشت. در تهران وفات یافت و در
بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «سرگذشت ترجمه‌ده»
من «ازار» ترجمه کتابهای: «شاهزاده و گدا»، «شازده
کوجولو»، «مادر»، «کنود و لگرده»، «مسیح باز مصلوب»،
«آدمها و خرچنگها»، «روزی یونانی»، «مهانماگاندی»،
«ماجرای جوان»، «داسان کودکی من»، «نان و شراب»،
«سپید دندان»، «جزیره پنگوئن‌ها»، «دن کیشوت یا پهلوان
مادش»، «آرادی یا مرگ»، «پزدگان سیاه»، «ماجرای یک
پیشوای شهید»، «حلقه سوم»، «ایالات شامجد»،
«سرمیه‌داری آمریکا»، «فاجعه سرخپوستان آمریکا»،
«بیست کشور آمریکای لاتین»، و «کرد و کردستان».

سرگذشت ترجمه‌های من، فهرست کتابهای چاپی فارسی
(۱/ ۱۶۵۸-۱۶۵۷، ۲/ ۱۹۳۵، ۲۷۶۲)، مؤلفین کتب
چاپی (۵/ ۶۷۲-۶۷۴)

قاضی ابوالحسن جرجانی - ابوالحسن جرجانی.

قاضی احتیاردین حسین هروی - اختیاردین
هروی.

قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود بن علی بن
ابوطالب تمیمی (وف ۵۸۵ ق)، مدرّس، خطیب، محدث
و فقیه شافعی. نزد محیی الدین محمد بن یحیی شهید فقه
آموخت و در خلاف نامی شد و در این طریق «تعلیق» ای
نگاشت که گریزای فضل و برتری وی بر بسیاری از هم‌گد
ارست. او بین فقه و تحقیق جمع کرد. در تدریس یکی از
اعجوبه‌ها به شمار می‌آمد. او مدتی در اصفهان تدریس
کرد در وعظ و خطابه نیز چیره‌دست بود. از آثارش
«تعلیق» و «طریقه» در خلاف است.

ایضاح المکون (۱/ ۲۹۹)، سیرالنبلاء (۲۱/ ۲۲۷)،
شذرات الذهب (۴/ ۲۸۴)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۸۲)،
ایاب‌الایان (۵/ ۱۷۴)، هدیه‌العاریس (۲/ ۴۰۴)

قاضی جرجانی، ابونعم فضل بن عبداللّه (وف ۲۹۳
ق)، حنابل، محدث و قاضی. از قتیبة بن سعید و منطقه
آنان در خراسان، و عیسی بن حماد و ابوطاهر بن شرح در
مصر، و محمد بن مصفی و هشام بن خالد در شام حدیث
شنید. ابوجعفر عینی و زبیر بن عبدالواحد و ابراحمد بن
عدی و ابوبکر اسماعیلی و دیگران از وی حدیث شنیدند.
حمزه سهمی در کتاب «تاریخ جرجان» وی را جزو علمای

قاضی ریاضی و ریاضی مهولانی

قاضی زاده اردبیلی، ظهیرالدین کبیر بن اویس بن محمد لطیفی، (متوفی ۹۳۰ ق)، عاظم، ادیب، فقیه و شاعر. پس از جنگ چالدران سلطان سیم در بازگشت از تبریز وی را به همراه اسیران با خود به روم برد. وی در نزد او معام و رفتی یافت و «وفیات الاعیان» ابن خلکان را برای وی به فارسی ترجمه کرد. قاضی زاده در اشعار شعر و خط توان بود. چون به عقیده شیعه امامیه گرایش پیدا کرد او را گرفتند و کشتند و سرش را بر دروازه رویه قاهره آویختند. از آثارش: ترجمه «وفیات الاعیان» که در «معجم المؤلفین»، «مختصر وفيات الاعیان» ذکر شده؛ «تاریخ سلطان سلیم»؛ «دیوان» شعر. در «کشف الطنون» اظهرالدین اردبیلی و کبیر بن اویس لطیفی، مشهور به قاضی زاده، با احتمال که یکی باشد جدا از هم ذکر شده. بد در «شمس» و «معجم المؤلفین» ظهیرالدین قاضی زاده اردبیلی بدون ذکر نام و نام پدر آمده است.

دانشندان آذربایجان (۲۴۹-۲۵۰)، الذریعه (۸/ ۶۹)، ۸۷۰، شعرات الذهب (۸/ ۱۷۳)، فرهنگ معهود (۷۲۵)، کشف الطنون (۲۰۱۹)، بحثنامه (دبیل)، قاضی زاده اردبیلی، مجالس السائن (۳۹۶-۳۹۷)، معجم المؤلفین (۲۸/ ۵)

قاضی زاده اصفهانی، میرزا باقر عباس آبادی، (س) یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر در عباس آباد اصفهان به دنیا آمد. در اکثر علوم ماهر و به فضایل ظاهری و باطنی موصوف بود. وی از شاگردان محمد باقر سبزواری حراسانی (م ۱۰۹۰ ق) و میرفروغ الدین شمرده می شد. میرزا باقر در بکار بردن صبیح شعری در اشعار حدود مهارت داشت. صاحب «تذکره القیوم» قاضی زاده عباس آبادی را از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری (م ۱۰۹۸ ق) نیز شمرده است، لیکن شاگردی این استاد در «الذریعه» و «دانشندان آذربایجان» و «فرهنگ معهودان» به وجدان تبریزی میرزا باقر قاضی زاده نسبت داده شده و حتی رغم اشتراک اسم و احتمال اتحاد در هیچ جا قید نشده که این دو نفر یکی می باشند.

تذکره القیوم (۵۶-۱۵۵)، تذکره المعاصرين (۲۲-۱۳۲)، الذریعه (۸/ ۸۷۰)، فرهنگ معهود (۷۳۵)

ابوالمحسن حسن بن منصور بن ابوالقاسم محمود، (وف ۵۹۲ ق)، فقیه حنفی از ظهیرالدین حسن بن علی بن عبدالعزیز و ابراهیم بن عثمان صفاری حدیث شنید. وی مجالس املائی حدیث بسیاری داشت. علامه جمال الدین محمود بن احمد حمیری، یکی از شاگردان قاضی حال است که از او روایت کرده است. از آثارش «الفتاوی» در چند مجلد؛ «الامالی»، در فقه؛ «الواقعات» در فروع؛ «المحضر»؛ «شرح الزیادات» شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «شرح الجامع الصغیر» و «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «شرح ادب القضاء» غصاف، که در «کشف الطنون» تحت عنوان «ادب القاضی علی مذهب ابی حنیفه» آمده است.

الاعلام (۲/ ۲۳۸-۲۳۹)، سیر النبال (۲۱/ ۲۳۱-۲۳۲)، کشف الطنون (۴۷/ ۱۶۵، ۵۶۲، ۵۶۹، ۹۶۲، ۱۲۲۷)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۹۷)، هدیه المارین (۱/ ۲۸۰)

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو/ ابوعمیر محمد بن عبدالرحمن بن احمد شافعی، (۳۷۸-۲۷۸ ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدورس، مفتی، ادیب و شاعر. در سبای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت سپس به خراسان و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابوبکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در سنیانور و ابوذر هروی در مکه و ابن نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرگان حدیث شنید. او مجالس املائی حدیث بر پا کرد و درباره احادیث سخن گفت. ابو عبدالله قراری و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کرده اند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت های مهم از وی استفاده می کردند. امیر طغرل بنگ از را به دارالخلافه بغداد فرستاد و وی از جانب ملکشاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده دار امور قصاصات خوارج کرد و به وی لقب «قاضی القضاة» بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده اند او دارای آثاری در زمینه «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می گفت.

الاعلام (۷/ ۶۲)، سیر النبال (۱۸/ ۲۷۷-۲۷۸)، طبعات المعصین دارودی (۲/ ۱۷۸-۱۸۱)

۴۴۴، ۴۴۳، ۶/ ۱۱، ۱۱۴-۱۱۵، ۹/ ۸۷۱)، ریاض العلماء (۳/ ۹۱)، ریحانه (۴/ ۴۱۱)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱/ ۴۵۶)، کشف الظنون (۸۴۲)، الکنى واللقاب (۳/ ۵۰۴۹)، لتتسامه (ذیل/ قاضی زاده کهرودى)، هدیة الاحباب (۲۱۵)

قاضی زاده همدانی، سید ابراهیم ← ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم.

قاضی سعید، سید محمد سعید بن محمد مفید شریف قمی (۱۰۴۹-۱۱۰۳ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی، معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کرچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی و ملا رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تحلیل شاه عباس دوم و درباریان بود. مدتی عهده دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از بزرگی وی در شریعت می باشد. در قم درگذشت. از آثار وی، شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چهل مجلد؛ «اسرارالصانع»، در صناعیات خمسة قیاسیه منطقیه؛ شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صنایع» میر فخرسنگی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساطه» که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماء الله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیای ارسطو»؛ حاشیه و شرح اشارات خواجیه؛ «الاریعون حدیثاً»، شرح چهل حدیث در معارف که سرسبز تحقیقات علمی است؛ رساله «لاریعویات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است؛ رساله اول «روح الصلوة»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهدا نموده و دیگری «حقیقة الصلوة» و دیگری «قوائد وضویه» و دیگری «الحدیقة الوردیة و السوابع المعراجیة» و...

اعیان الشيعة (۹/ ۴۴۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۳۳۶-۳۴۰)، الذریعة (۱/ ۴۱۸-۴۱۷، ۴۳۶-۴۳۷، ۲/ ۵۱، ۴/ ۴۷۹، ۶/ ۱۱۱، ۱۱۲، ۷/ ۳۹۱، ۱۳/ ۱۵۳-۱۵۴، ۱۶/ ۳۴۰-۳۴۱، ۱۸/ ۱۲۲) و منهاج الداعی (۴/ ۲۱۰)، ریاض الصلوة (۲/ ۲۸۵-۲۸۴)، ریحانه (۲/ ۵۹)، ۴/ ۴۱۲، الکنى واللقاب (۲/ ۵۲)، معجم المؤلفين

قاضی زاده خوارزمی، شمس الدین احمد بن قاضی محمود (۹۱۸-۹۸۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی زاده و سعیدی حبیبی و ملازم ملا نادری بود. در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایللی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحديث آنجا به تدریس پرداخت پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایللی نامرد شد و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر یسای»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تحریر الکلام»؛ فوشجی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم»؛ سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب»؛ جلال الدین دوانی؛ «تایید الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»؛ در تکملة «فتح القدير» ابن همام؛ در فروغ هده؛ حاشیه بر «التلویح»؛ شرح «منہج الاصول»؛ تقاراسی؛ شرح «هذایة الحکمة» شیخ النیرالدین ابهری.

ایضاح المکنون (۲/ ۲۰، ۷۲۱)، روشنائی الجوان (۱/ ۳۷۵-۳۷۸)، ریحانه (۴/ ۴۰۹-۴۰۸)، شذرات الادیب (۸/ ۴۱۴-۴۱۵)، کشف الظنون (۳۴۸، ۴۹۸، ۱۶۶)، ۲۰۲۲، ۲۰۳۰، ۲۰۳۲)، الکنى واللقاب (۳/ ۴۹)، لتتسامه (ذیل/ قاضی زاده افندی)، معجم المؤلفين (۲/ ۱۷۱)، هدیة الاحباب (۲۱۵)

قاضی زاده کهرودى، علاء الدین عبد الخالق (س. ۵۴۹ هـ یا ۱۱۵۴ ق)، عالم امامی، متکلم، محقق، صوفی و شاعر معروف به قاضی زاده یا قاضی علای کهرودى. نسبت وی به کهرود از روستاهای مابین همدان و اصفهان می رسد. وی از شاگردان شیخ بهایی و مدتی عهده دار منصب قضاوت قم بود. در مجلس شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) با قاضی زاده خوارزمی مناظره کرد و کتابی در همین باب به خواست شاه عباس اول نوشت. از آثارش: «الامامة» کتابی بزرگ در مبحث امامت؛ «التحفة الثمانيه» به سه فارسی، مشتمل بر مناظرات وی؛ «الاعتقادية»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب»؛ جلال الدین دوانی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید لتحریر»؛ «دیران» شعر اعیان الشيعة (۷/ ۴۵۸)، تحفة سامی (۸۴)، روشنائی الجوان (۱/ ۳۷۵-۳۷۶)، الذریعة (۲/ ۴۲۸، ۴۲۹، ۳/ ۳۴۸)

(۳۸/۱۰)

فاصی سنجانی به سنجانی، مولان فاصی

فاصی صاعد استوپی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد بن محمد بن احمد (۳۴۳-۳۷۲/۳۷۱-۳۹۲ ق)، قاضی، فقیه حنفی، محدث و شاعر ملقب به عمادالاسلام. در استوا، از روستاهای نیشابور، به دنیا آمد. شیخ حنیان و رئیس آنان و قاضی نیشابور بود و ریاست اصحاب رأی حرسان به وی منتهی می‌شد. چون چهره‌های زیبا داشت به ماه نیشابور ملقب شد. علوم ادبی را در نزد پدر آموخت، سپس از محضر ابوبکر خوارزمی استفاده نمود. فقه و حدیث را از ابوصمد اسماعیل بن سعید نیشابوری و بشر بن احمد اسمعیلی و عبدالله بن محمد بن علی ریاد نیشابوری شنید. در جوانی حج گزرد و به عراق رفت و در کوفه از علی بن عبدالرحمن بکایی حدیث شنید. خطیب بغدادی و فاصی صاعد بن سیار و ابوالحسن علی بن محمد شعری از وی حدیث شنیدند. فاصی صاعد مقام فقهی و قضایی والایی داشت و در حوزه درس از اعیان علمای عصر شرکت می‌کردند. او افزون بر فقه و حدیث در شعر و ادب نیز تبحر داشت و در این رشته نجاشین ابوبکر محمد عباسی خوارزمی بود. به آورده بیعتی وی استه مسعود و محمد ضربوی است و بعدها پس از به حکومت رسیدن مسعود بسیار مورد توجه او قرار گرفت. در نیشابور درگذشت. از آثار وی کتاب «الاعتقاد» است.

سرار التوحید، تعلیقات (۷۰۶-۷۰۵) الاعلام (۳/ ۲۷۲)،
انساب سماعی (۱۳۴-۱۳۵)، تاریخ بغداد (۹/ ۳۴۴)،
۳۴۵)، سیر النبلاء (۱۷/ ۵۰۸-۵۰۷)، شذرات الذهب (۳/ ۲۴۸)،
المیر (۲/ ۲۶۴)، کشف الظنون (۱۳۹۳)، معجم
المؤلفین (۲/ ۳۱۰-۳۱۹) هجری قمری (۲۲۰۰)

فاصی طباطبایی، سید حسن (۱۲۹۰-۱۳۶۲ ش)،
استاد دانشگاه، مورخ و مصحح قاضی از ۱۳۳۴ ش
متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده ادبیات تبریز شد
تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زیاتر از اکثر
دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تفسیر «تحریر
الاحرار و تسلیة الأبرار»، عبدالرزاق بیگ دینی، حواشی و
تعلیقات بر «تجارب السلف» از وی مقالات بسیاری در
نشریه‌های کتابخانه ملی تبریز و دانشکده ادبیات تبریز به
چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی

سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه امروزی»؛ «محضر و
محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره ادبی»؛
«اشباهات تاریخی تجارب السلف»؛ «خطراتی چند از
استاد عبدالرسول حمامبور»؛ «حکم اسکناب صیاد العلماء»
را می‌توان نام برد.

نشر دانش (م ۶، ش ۳، ص ۸۸)

فاصی طباطبایی، سید محمد حسین به طباطبایی،
سید محمد حسین

فاصی طباطبایی، میرزا باقر، فرزند میرزا محمد علی
قاضی بن میرزا محسن قاضی تبریزی (۱۲۸۵-۱۳۶۶ ق)،
عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. در تبریز به
دنیا آمد. مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را
از علمای زادگاهش همچون آقا میرزا محمود اصولی و
حاج میرزا محمد علی قرچه داعی و آقا سید علی یزدی
تحصیل کرد. در ۱۳۰۸ ق برای تکمیل تحصیلات به
عسکارت رفت و در محضر میرزا پررگ شیرازی در سامرا
حضور یافت، سپس وارد سنج شد و در حوزه درس
آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل شرایبانی و آقا
شیخ محمد باقر اصطهباناتی و آخوند ملا اسماعیل
قرنباغی شرکت کرد. درس اخلاق را نزد آخوند ملا
حبیبقلی همدانی فراگرفت. سرانجام به تبریز بازگشت و
بعد از چند سال اقامت به نجف هجرت نمود و از درس و
بحث آیت الله آقا سید محمدکاظم پردی و شریعت
اصفهانی استفاده کرد، تا در ۱۳۲۴ ق به تبریز مراجعت
نمود. به مدت چهل سال در نهایت عزت و احترام به
خدمات دینی مشغول بود. فاضی طباطبایی از علامه
یزدی و فاضل شرایبانی اجازه اجتهاد داشت و از آیت الله
آقا سید ابوالحسن اصفهانی روایت می‌کرد. وی در تفسیر
رسالت یافت و در قم درس شد. از آثارش: حاشیه بر
«رسائل» شیخ الصاری، به نام «مخزن الفوائد فی حاشیه
الفوائد»؛ «الذکر العرویه فی الفوائد العجمیه»؛ حاشیه بر
«اصول الاصول»؛ «تقریرات» اساتیدش. میرزای رشتی،
آیت الله یزدی طباطبایی و شیخ الشریعه اصفهانی، حواشی
بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»

اصیان الشیعه (۳/ ۵۳۳-۵۳۲)، الذریعه (۲/ ۳۷۱)،
۱۶۵، ۱۶۸/ ۸، ۱۲۸، ۲۰/ ۲۲۸، ریحانه (۴/ ۵۲۰-۵۲۴)،
ذات: علام الشیعه (قرن ۱۴/ ۲۱۷)، علماء سنج
(۲۴۰)، گنجینه دانشمندان (۳/ ۳۲۵-۳۲۶) لغت نامه

(دین / قاضی)، معجم المزمّلین (۳ / ۳۶)

قاضی مسکری، سید علی - پلاسیدی، سید علی.

قاضی لقضاة جلال الدین قزوینی - خطیب قزوینی

قاضی القضاة همدانی اسدآبادی، ابوالحسن / ابوالحسن عبدالجبار بن احمد بن عبدالجبار. (وف ۴۱۴/۴۱۵ ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در دیگر خود بود و آنان وی را به لقب فاضل الفصیح ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن قارص اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از ربیع بن عبدالواحد اسدآبادی حدیث و صدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. اسو لقاسم تسوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعی دیگر از وی حدیث شنیدند. از استادان سید رسمی و بایک واسطه از مشایخ رویت خطیب بندهای است. مناظره شیخ مفید با او در موضوع حدیث حدیث حدیث و اصحاب جمل مشهور است که در بابا مفید را به جای خود بر مسند نشاند و گفت حقا که تو مفیدی او به دعوت صاحب بن عبّاد وزیر از بغداد به ری افتاد و تدریس مشغول شد و همچنین عهده دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همانجا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال یدو منسوب است و گویند که هراوان ورق بوده است از آثار وی. «تیره لقرآن من المظان»؛ «علم الکیما»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوة»؛ «امال» یا «الامالی» در حدیث؛ «طغیة المعتزلة»؛ «المجتبی فی القرآن».

الإسلام (۴/ ۴۷)، انساب سمعی (۱/ ۱۲۶، ۱۲۷)،
ایضاح المکتون (۱/ ۳۲۹، ۳۷۸، ۴۳۰)، تاریخ ادبیات
در ایران (۱/ ۲۷۹، ۳۲۹)، تاریخ بغداد (۱۱/ ۱۱۳، ۱۱۵)،
روایات البیانات (۵/ ۱۸، ۱۶)، روحانی (۴/ ۴۱۵، ۴۱۶)،
سیر سلالة (۱۷/ ۲۴۲، ۲۴۵)، شداد الذهب (۳/ ۲۰۲)،
۲۰۲)، المبر (۲/ ۲۲۹)، الکس (۷/ ۲۱۵)، کشف الظنون
(۱۱، ۷)، الکسی واللقاب (۳/ ۵۲)، سنان المیزان (۲/ ۲۱۱-۲۱۲)،
نصنامه (دین / عبدالجبار)، معجم المرتضی
/ ۷۸-۷۹)، الواسی بالوایات (۱۸/ ۳۱-۳۲)، هدیه
العارفین (۱/ ۲۹۸-۲۹۹).

قاضی طباطبایی، میرزا محمد علی بن میرزا باقر بن میرزا محمد صی. (۱۳۳۳- شهادت ۱۳۹۹ ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. سب وی به حمصرت امام حس (ع) می‌رسد. در تبریز به دب آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و همیش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبایی، استفاده نمود. در مدرسه طائیه تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی با سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در ۱۳۵۷ ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجدداً به تبریز بازگشت. در ۱۳۵۹ ق برای تکمیل میانی علمی به حوره قم رفت و در محضر اساتیدی چون آیت الله کب بگانی فقه و اصول را خواند و معمول را از محضر آیت دیگر فرگرفت. پس از آن از محضر آیت الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۶۹ ق به نجف رفت و از محضر آیت الله حکیم و آیت الله حد ح شیخ عبدالحمید رشتی و آیت الله آقا میرزا باقر رنجانی و آیت الله نجوردی و آیت الله حاج شیخ محمد حسین کاشف المطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در ۱۳۷۲ ق به تبریز بازگشت و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول شد. از آثار وی: «تقریرات اصول»؛ آیت الله حجت؛ «تقریرات فقه»؛ آیت الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»؛ به فارسی؛ «حدیثه الصالحین»؛ «المفالات»؛ «مجلدی مشتمل بر مقالات هروی»؛ ترجمه «مسائل فقه هاربه»؛ آیت الله کاشف المطاء؛ «الموائد»؛ مشتمل بر «معانی علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی»؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحیدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره رور ربیعین حضرت سیدالشهداء (ع)» که در تألیف آن از پیش از چهار صد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است.

تذریعه (۶/ ۳۸۸-۳۸۷)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸، ص ۲۳)، گنجینه دانشندان (۳/ ۳۲۲-۳۲۵).

قاضی طبری - طبری، ابوطیب طاهر بن عبدالله.

قاضی عبدالجبار - قاضی القضاة همدانی اسدآبادی.

قاضی کمره‌ای اصفهانی - حویری اصفهانی،
نورالدین جعفر.

بود. از آثار وی: «الحر الحاری فی العناوی»، حاوی فتاوی
مذاهب اربعه اهل سنت؛ «المختار»، در علم فقه؛ که در
«کشف القصور» نظم «المختار» مجدالدین موصلی و به
وی نسبت داده است؛ «عظم المسراجیه»، که کتاب
«سراجیه» در فرائض، را به نظم در آورده است
ریحان (۲/ ۲۲۵)، کشف الظنون (۲۲۲، ۱۶۲۳)، لغت نامه
ذیل / تاج‌الدین، فاضی منصور.

قاضی میر احمد قمی، فرزند شرف‌الدین حسین
حسینی ابرهیمی. (۹۵۳-۱۰۱۵ ق)، دانشمند، خطاط و
شاعر در قم به دنیا آمد. در یزده سالگی همراه پدر در
خدمت ابوالفتح ابراهیم میررای جاهلی صفوی به مشهد
رفت و بیست سال یعنی قاضی و یک سالگی در دربار وی
توفیق دیدار استادان مشهوری چون محمود نیشابوری،
میر سید احمد مشهدی و مالک دینمی را یافت. در خدمت
بستعلیق شاگرد میر سید احمد بود. در ۹۸۴ ق، بعد از قتل
ابراهیم میررای، به پیشهاد شاه اسماعیل ثانی به تألیف
«خلاصه التواریخ» پرداخت. در ۹۸۷ ق به تبریز رفت و در
آنجا با مولانا علی بیگ هم صحبت شد. در ۱۰۰۷ ق به قم
رفت. در ۱۰۱۵ ق بنا به گفته صاحب «گلستان هنر» با
محمد مین عملی رستمداری خوشنویس ملاقات داشته
است. از آثار وی «خلاصه التواریخ»، در تاریخ عمومی، در
پنج جلد؛ «گلستان هنر»، در بیان حال هنرمندان؛ «مجمع
الشعراء و مناقب الفصلاء»، در اشعار و پادشاهان و
شاهزادگان؛ «جمع الخیار» یا «جمع الخیار»، در شعر
جلد، در احوال شعراء و نویسندگان آذربایجان، عربی و
حوزستان

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۶۷۷-۱۶۸۱)، تاریخ
مذکره‌های فارسی (۱/ ۴۱۶، ۲/ ۱۴۱-۱۴۲، ۷۰۸-۷۳۲)،
دانشندان آذربایجان (۱۸، ۱۹)، الذریعه (۷/ ۲۲۳، ۱۸،
۲۲۲)، گلستان هنر (پنج‌ج و شش - نعت و در)

قاضی نظام قزوینی، نظام‌الدین ابوالفضل عثمان بن
عبدالحسین ماکلی. (س هفتم ق)، قاضی و شاعر. از در
زمان ارغون‌خان (۶۸۳-۶۹۰ ق) و کیکاووس (۶۹۰-۶۹۴ ق)
می‌زیست و گفته‌اند که زمان الجایتو (۷۰۳-۷۱۶ ق) را نیز
درک کرده است. وی قاضی شهر قزوین بود، او در ساختن
و پرداختن اشعار توانا و مداح حواصه فخرالدین احمد
مستوفی، پسر عمری حمدالله مستوفی، بود. بنا به ذکر
صاحب «تاریخ گزیده» او کتابی دارد به نام «رضی نامه» که

قاضی لاغر سیستانی، احمد. (وف ۹۵۸ ق)، قاضی و
شاعر وی از شاعران مشهور زمان خرد و اهل سیستان بود
و در آنجا منصب قضاوت داشت. چون در سیستان قاضی
دیگری بود که مرید بود قاضی احمد به قاضی لاغر مشهور
شد و گفته‌اند که وی به علت تحیف بودن بدتش به لاغر
تحلف می‌کرده است. گویا از حاکم سیستان رجید، خاطر
می‌شود و سه قندهار مسافرت می‌کند. میرزا سنگ‌لح
نسخه‌ای از «دیوان» وی را به خط محتاربیگ قزوینی و
نسخه‌ای دیگر را به خط ابوتراب اصفهانی دیده است. اوست

خوبان گل گلش حیاتند همه
شکر لب و شیرین حرکاتند همه
ر آدمان حرص همی ایشاند
بگند که مای حشرند همه

شعر: آفر، ۱/ ۲۲۱، تصحیح سی، ۱۴- ۱۱۵،
تذکره‌الحفاظین (۲/ ۷، ۲۷۳)، الذریعه (۹/ ۸۷۱، ۹۲۸)،
ریحانه (۵/ ۱۱۹)، صبح گلشن (۳۵۱)، فرهنگ سخنرانی
(۷۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی لاغر، لاغر)، معجم‌الاسماء
(۱/ ۲۹۹، ۳)

قاضی لاهیجانی گیلانی، یحیی. (وف ۹۵۲/۹۵۳ ق)،
عارف و شاعر وی برادرزاده قاضی عبدالله یقینی و مردی
دانشمند و از مشایخ بوریحشیه لاهیجان به شمار می‌رفت.
وی به هندوستان مسافرت کرد و در آنجا به دربار همایون
محمد شاه پیری راه یافت و به منصب کتانداری شاه جهان
پادشاه هند رسید. بعد از مدتی دوباره به ایران بازگشت و
در کاشان درگذشت. او در خلسرای اساد بود

آتشکده آخر (۲/ ۸۶۱-۸۶۳)، تاریخ نظم و شعر (۵۱۱)،
لحظه ساسی (۱۲۷)، تذکره ویر روش (۹۴۲-۹۴۳)،
مذکره نصریادی (۲۴۲، ۲۴۳)، الذریعه (۹/ ۸۷۳)،
انوارین (۲۳۸)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کتاب گیلان
(۲/ ۶۸۸)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی یحیی)، مجمع
نحواص (۱۸۴)، نامه، و نامداران گیلان (۳۸۵)، تاریخ
افکار (۷۸۷-۷۸۸)، معجم‌الاسماء (۳/ ۱۲۳-۱۲۴)

قاضی منصور، تاج‌الدین ابو عبدالله عبدالله بن علی
بحاری سیستانی. (وف ۷۹۹ ق)، عالم حنفی. اهل سیستان

لغتنامه (دبیر اصفای سوره شوشتری)، مجالس
المؤمنین (مقدمه)، مجمع‌المؤمنین (۱۲/ ۱۲۲-۱۲۳)،
هدیه‌الاحیاء (۱۷۹)، هدیه‌المارعبین (۲/ ۴۹۸-۴۹۹).

فاضلی نوری اصفهانی، نورالدین محمد. (وف ۱۰۰۰ ق)،
شاعر، متخلص به نوری از منطقه اندلان اصفهان بود
و در زمان شاه طهماسب صفوی می‌زیست. در قزوین نزد
خواجه افضل‌الدین محمد ترکه و میر فخرالدین سماکی
تعلیم دید. (ز اوست

کمی دیده‌ور از جمال ایمان کردم؟
از کسره بد کجا پشیمان گسردم؟
خاکسم ز کلیسیا و آسم ز شراب
کافرتر از آنم که مسلمان گسردم

تشکله آور (۳/ ۱۰۳۲-۱۰۳۳)، تاریخ ادبیات در ایران
(۵/ ۸۱۸-۸۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، تذکره دور
روشن (۸۵۲-۸۵۴)، الدررجمه (۹/ ۸۷۳)، عالم آرای
عسائی (۱/ ۸۶)، فرمگ سخنوار (۷۳۵)، کشف
الطیول (۸۰۶)، مجمع النواص (۱۵۳-۱۵۴)، نتائج
الافکار (۷۲۱-۷۲۲)، هفت الموم (۲/ ۴۰۷-۴۱۳).

قاضی یحیی لاهیجی - قاضی لاهیجانی گیلانی

قاسمی هروی. (وف ح ۱۰۲۲ ق)، نقاش و شاعر،
متخلص به قاسمی، اهل هرات بود و به همین نام شهرت
داشت. وی در تذهیب و حل کاری و رنگ آمیزی و جلد
سازی استاد بود و در قاسمی و برش کاعد و چرم مهارت
داشت و شعر نیز می‌سرود. او از هرات به آگره رفت و به
دربار نورالدین جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۱۲-۱۰۳۷ ق)
ر.ه یافت و در کتابخانه آن پادشاه مشغول به کار شد.
وی شاگرد مولانا قاسم کاهی میانکائی بود و صنعت
نقاشی را نزد او فراگرفت. قاسمی نزدیک به یکصد و پنج
سال زندگی کرد و در همد رفت و رفت. از آثار وی تذکره‌ای
است به نام «مجمع الشعراء جهانگیر شاهی»، که قسمتی
از کتاب دررگ «شرح احوال» است. این تذکره مشتمل بر
احوال متوسطین و متأخرین از شعرائی است که جهانگیر
شاه را مدح کرده‌اند.

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۳۰)، تاریخ تذکره‌های فارسی
(۲/ ۱۲۲-۱۲۳)، کاروان همد (۲/ ۱۰۸۵-۱۰۸۶).

قامتی گیلانی. (س دهم ق)، شاعر، متخلص به قاسمی

وی گویا قامتی بلند داشته به همین دلیل به قامتی معروف و
متخلص بود در گیلان رؤرگار می‌گفتند. از اوست
گر می‌ترانی یک دوروز، ای دل مکن پروای او
شاید که بی پروایت کم مسازد استغای او
تشکله آور (۲/ ۸۵۰)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۱)، تذکره
روز روشن (۶۲۹)، الدررجمه (۹/ ۸۷۳)، لغتنامه (ذیل/
دسی)، مجمع النواص (۲۳۰-۲۳۷).

قانع جهرمی فراسی، شیخ محمد، فرزند شیخ علی.
(وف ح ۱۲۵۶ ق)، شاعر، متخلص به قانع. پدرش از
همای بحرین بود. در جهرم به دنیا آمد و در شیراز نشو و
نما یافت و در همان‌جا به تحصیل پرداخت. خادم امیراده
سعدعل بود و سرانجام در شیراز وفات یافت.
بررگان جهرم (۳۰۸-۳۰۳)، حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۴۱۴-
۱۴۱۵)، دانشمندان و معین سرایان مدارس (۴/ ۱۹۳)،
الدررجمه (۹/ ۸۷۳)، طوائف الحقائق (۳/ ۲۳۵)، فارسنامه
ناصری (۱/ ۱۲۸۵-۱۲۸۶)، مرآة‌القصص (۴۹۴-۴۹۵)،
مصطفی حرات (۱۲۸-۱۲۹).

قانع گلپایگانی، میرزا محمد. (س سیزدهم ق)، شاعر
ری به شمل ساجی مشغول بود. او قصیده و غزل را نیکو
می‌سرود. از آثارش «دیوان» شعر، حدود چهار هزار بیت.
حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۲۱۵)، الدررجمه (۹/ ۸۷۲-۸۷۳)،
سفینه‌الشمس (۲/ ۲۶۰)، لغتنامه (ذیل/ قانع
حرفه‌دقانی)، مجمع النصب (۵/ ۸۹۰-۸۹۱).

قانع طوسی، امیر بهاء‌الدین احمد بن محمود /
محمد. (ز ۶۷۲ ق)، شاعر، متخلص به قانع مشهور به
ملک‌الشعراء از سمت ملک‌الشعراء و عنوان امیر را بعد
از ورود به خدمت سلاطین سلجوقی آسیای صغیر یافت.
در خراسان به دنیا آمد. در زمان حمله مغول به خراسان،
در ۶۱۷ ق، در آنجا بود و چون جان سالم بدر برد، به
هندوستان گریخت، ولی آنجا نماند و رهسپار عدن، صنعا،
مکه، مدینه و بغداد شد. سپس بدون درنگ از بغداد به
بلاد روم رفت و در آسیای صغیر مداح علاءالدین کیقباد
سلجوقی (۶۱۷-۶۳۴ ق) شد و از این راه در سراسر روم
مشهور گشت. او همچنین غیث‌الدین گیشرو شای و
عزالدین کیکائوس را مدح گفت. قانع در زمان فوت مولانا
جلال‌الدین مولوی رومی، در ۶۷۲ ق، مرثیه‌ای برای او
گفت. از آثارش منظومه «سلجوقنامه» به روش «شاهنامه»

هراله رشک صحبت صدساله عشرت است
 خانی دلی زسفته این ارغنون مباد
 تشکله آذر (۲/ ۱۸۵۰-۱۸۵۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸)،
 (۷۳۷)، کاروان هند (۲/ ۱۰۸۶-۱۰۸۷)، نامها و نامدارهای
 گیلان (۳۸۵)، هفت اقلیم (۳/ ۱۵۲)

قائمی آملی مازندرانی، (من دهم ق)، شاعر. در اوایل
 و اواخر عمر در آمل بود. سیر و سیاحت بسیار می کرد. در
 دوره اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) به بیشتر شهرهای هند
 مسافرت کرد و به زیارت حرمین شریفین نیز مشرف شد.
 وی به علم شعر و صنایع و بدایع شعری آگاهی داشت و
 در فن معما و لغز از شعرای استاد زمان خود بود. در
 شاعری از سبک ابن یحیی بهره می گرفت و از سبک ری در
 اشعار خود استفاده می کرد. در «کاروان هند» صاحب
 عنوان با قاسم مازندرانی و قاسم مازندرانی یکی دانسته
 شده است.

تذکره رور روشن (۶۴۵)، فرهنگ سخنوران (۷۳۲، ۷۳۴،
 ۷۳۸)، کاروان هند (۲/ ۱۰۸۶-۱۰۸۷)، هفت اقلیم (۳/
 ۳۲).

قائمی، ابوالحسن محمد بن محمد بن ابراهیم، (س)
 پنجم و ششم ق)، عالم مامی، فقیه، محدث و متکلم. از
 دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری است. او در رجال و
 حدیث مردی مورد اطمینان و وثوق می باشد و کتاب وی
 به نام «السابقین فی اعتقاد اهل البیت الطاهرين» مورد قبول
 عباسی شیعیه است.

برگان نائی (۵۰۰)، الذریعه (۱۲/ ۹۹)، ریاض العلماء (۵/
 ۱۵۶)، ریحانه (۴/ ۴۲۸)، فهرست منتخب الدین (۱۹۱)

قائمی، ابوشریف سلطان محمد (وف ۱۱۳۹ ق)، عالم
 مامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و
 خوشنویس. چون در مشافرات علمی کسی را یارای سخن
 گفتن ما او نبود به سلطان العلماء مشهور شد. در چهارده
 سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالی خود
 را در اصفهان به پایان رساند. در حوزة علمیه قاپی، به
 تدریس فقه و فلسفه می پرداخت و نگاه به نقد دیگر جهت
 مباحثات علمی سفر می کرد، که سفر ۱۱۱۵ ق او به هرات
 و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام
 در ماه رمضان درگذشت و (پناه رمضان) ساده تاریخش
 گشت از آثارش «تهذیب الامة»، تفسیر مفصلی بر قرآن،

در وقایع پادشاهان سلجوقی، نظم «کنیله و دمنه»، به
 خواست هرازدین کیکاوس نامی، ۵۵۰۱۸ شعر.

ر. سعدی تا جامی (۱۵۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/
 ۵۰۶-۴۸۷)، تاریخ معول (۵۳۶-۵۳۷)، تاریخ نظم و شعر
 (۱۶۱)، الذریعه (۹/ ۸۷۲-۱۸/ ۱۲۵)، سبک شناسی
 (۲/ ۲۵۲)، شخصیت های سامی (۳۹۳)، فرهنگ
 سخنوران (۷۳۷)، لغت نامه (ذیل / قائمی موسی)،
 ساقب المارمیر (۱/ ۲۲۱)

قانونی، جلال، فرزند رحیم، (تو ۱۲۸۵ ش)،
 موسیقیدان. در شیراز به دنیا آمد و قانون را نزد پدر خود
 که او را اولین توالیف قانون در ایران می دانند، فراگرفت و
 چنان در این امر مهارت یافت که او را بعد از پدر، دومین
 نوآورنده قانون در ایران می شناسند و او با مهارت تمام،
 آهنگهای محلی استان فارس را با این ساز نواخت. چندی
 نیز در تهران در برنامه رادیو تهران (ایران) برنامه اجرا کرد،
 ولی خیلی رود به شیراز درگذشت و تا پایان عمر در آن شهر
 به سر برد. اکبر صدیف از شاگردان اوست.

ساریج موسیقی (۱/ ۵۲۲)، سرگذشت موسیقی (۱/
 ۱۹۲)، مردان موسیقی (۲/ ۹۱-۹۲، ۲/ ۹۰-۹۱).

قانونی، رحیم، فرزند ابراهیم، (۱۲۵۴-۱۳۲۴/ ۱۳۲۳
 ش)، موسیقیدان، وی در شیراز و در خانواده ای کلیمی و
 هنردوست به دنیا آمد. در پانزده سالگی به همراه پدر به
 بیروت و سوریه و مصر سفر کرد و در سفری هشت ساله،
 نواختن قانون را فراگرفت و در یارگشت، این ساز را با خود
 به ایران آورد و خیلی زود شهرت یافت. رحیم قانونی چند
 برنامه در رادیو تهران اجرا کرد و شاگردانی چند نیز از
 تعلیم او بهره مند شدند که از این آنان، هرنندش جلال، از
 همه پر استعداده تر بود.

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۲۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۹۱-
 ۱۹۲)، مردان موسیقی (۲/ ۹۱-۹۰، ۲/ ۹۰-۸۹).

قائمی گیلانی، (ر ۱۰۳۶ ق)، هیوی و شاعر. با حکیم
 همای گیلانی معاصر بود. علم هیئت را خوب می دانست
 به هند مسافرت کرد و در ۱۰۳۶ ق ب میوزا محمد صادق
 مینا ملاقات داشت. از اوست:

هرگز زبده چهره ما لاله گون مباد
 لیسیر جام عشرت ما جز به خون مباد

«تطهير الاثمة (ع)»؛ «الامامة»؛ «رسالة في الوجود»؛ شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»؛ تفسیر سورة حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «انشرح ابجدید للتجريد»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق

بررگان قاین (۵۳۱-۵۳۷)، الذریعه (۲/ ۳۲۶-۳۲۷)، ۶، ۱۱۶-۱۱۵، (۲۵/ ۳۶)، ریخته (۳/ ۵۹-۶۰)، طبقات اعلام النبیة (قرن ۱۲/ ۳۱۶-۳۱۷)

قائمی، ابوالقاسم جمید بن محمد بن علی. (۵۲۷-۵۲۶ ق)، محدث، فقیه و صوفی. پدرش محمد بن علی قایی از بررگان علم و دانش و یکی از معدود محدثانی است که به خوبی و دانش زیاد شهرت داشته است. وی شیخ صوفیه بود. ابناء تحصیل را در اصفهان به سر برد، سپس ساکن هرات شد. در طلب حدیث سفرهای بسیار نمود. از حسن بن اسماعق ترمی، در قاین، و از ابوبکر بن ماجه و سلیمان حافظ، در اصفهان، و از ابوالفضل محمد بن احمد عارف و دیگران، در طبرستان، و از محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون، در هرات، و از ابوالمظفر منصور بن محمد سمعانی، در مرو، حدیث شنید و از وی فقه آموخت. جمید، محمد بن علی، در محمد بن منصور سمعانی بهیبت استادی داشت، و ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور سمعانی از شاگردان جمید بود. وی همچنین از اسعد مهینی فقه آموخت. ابن ناصر و ابن صاکر و ابوالمعمر مبارک بن احمد انصاری و ابوبکر مبارک بن کامل خفاف و سعید بن موفق بيشابوری و حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن هاشم و نه گفته دهبی، یکی مروزی و ابوروح مروزی، عبد رحیم سمعانی، در وی حدیث شنیدند. در هرات درگذشت

انساب سمعی (۴/ ۴۳۷)، بررگان قاین (۱۱۰)، سیرالنبلاء (۲۰/ ۲۷۲-۲۷۳)، الواسی بالوفیات (۱۱/ ۲۰۳-۲۰۴)

قائمی، جلال‌الدین جلال بن محمد بن عبیدالله. (وف ۸۳۸ ق)، عالم دینی، فقیه، واعظ، محدث و مدرّس. وی از احمد نجم‌الدین عمر نسفی است. به گفته مؤلف «بررگان قاین» نامش را به اشتباه جلال‌الدین محمد ابن عبیدالله قایی، محمد بن محمد قایی، جلال‌الدین ابومحمد بن نجم‌الدین محمد قایی، جلال‌الدین محمد بن عبیدالله قایی و غیره ذکر نموده‌اند. در قاین به دنیا آمد. به بخارا

رفت و در آنجا مدتی به تحصیل پرداخت. وی شاگرد شمس‌الدین ابوالحیر محمد بن محمد جزوی و محمد بن جلال عبدی و خواجه عبدالله مسمرقندی بود و از آنها اجازه روایت داشت. پس از گذراندن دوران تحصیل به هرات رفت و در دانشگاه و در مکتب جامع آنجا به تدریس پرداخت. فصیح‌الدین محمد بن محمد قایی و محمد بن شیخ محمد جامی، صاحب «ریاض الناصحین» و جلال‌الدین یوسف، مورخ و محدث سده نهم هجری، و حسین ابن جمال قهستانی، صاحب «شرح قصیده ابن سینا»، از شاگردان او بودند. وی علاوه بر وعظ و تدریس مدتی نیز منصب احتساب شهر هرات را عهده‌دار بود. در هرات به بیماری طاعون درگذشت و در مدرسه جفرتان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «مدرسه علمیه جفرتان» که امروزه به صورت مسجد در آمده، و «جامع جفرتان معروف است»؛ کتابخانه بزرگ. از آثار علمی وی: «تبیان الکبائر»؛ «اربعین»؛ «مشمول بر چهل حدیث»؛ «مفتاح المرائض»؛ «شعب الایمان»؛ در ادیان و جامعه شناسی دینی؛ «شرح انصاب»؛ «اجازات»؛ «انصاح شاهز شاهی» بررگان قاین (۱۱۲-۱۱۳)، بهارستان آبی (۱۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۵)، حبیب‌السیر (۴/ ۱۳)، محمل فصیحی (دیل ۱ سال ۸۲۸)، مزارات هرات (۹۰-۸۹)

قائمی، سید ابوبراب بن سید ابوطالب حسینی خراسانی. (وف ح ۱۲۲۸ ق)، فقیه، دانشمند ادیب و شاعر، متخلص به انوار. وی در نجف در محضر آقا سید حسین کوهکمری تلمذ نمود. پس از تکمیل دروس و رسیدن به درجه اجتهاد به قاین بازگشت و در آنجا مرجع امور دینی و سیاسی شد. در اواخر عمر به مشهد رفت و در آنجا درگذشت و در جوار تربت پاک امام هشتم (ع) در دارالسیاده دفن شد. وی در سرودن شعر مهارت داشته و اشعار زیادی از او بجای مانده است. از آثارش: «اسرار التوحید»؛ به فارسی، در تفسیر سوره توحید است، که در ۱۳۱۸ ق، به همراه کتاب «لؤلؤة العالیة» پدرش، به چاپ رسید.

اعیان‌الشیعه (۲/ ۳۰۹)، بزرگان قاین (۵۷-۵۶)، بهارستان آبی (۳۲۲-۳۲۹)، الذریعه (۲/ ۴۳)، ۲۶/ ۲۱۸، طبقات اعلام النبیة (قرن ۱۲/ ۲۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۱۱۹)

قائمی، سید اسماعیل، فرزند محمد جعفر

دانشکده الهیات دانشگاه تهران (۱/ ۳۷۹)

قائمی، شیخ ابوالحسن ← بیرجندی، شیخ محمد باقر
قائمی

قائمی، شیخ زین‌العابدین، فرزند علا علی اکبر
درخشی، (وف ۱۲۳۱ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث،
مدرس، راead و نویسنده. از مراجع تقلید شهر قاین و از
مدرسان مشهور حوزه علمیه آنجا بود. وی از محضر سید
علی طباطبایی، صاحب ریاض‌العلماء، استعاده نمود.
محمد حسن قائمی از شاگردان او بود. وی با میر سید
محمد قائمی از علمای قاین هم‌عصر و با وی مراده
داشت در رومتای درخشی درگذشت و در همان‌جا دفن
شد. از آثار وی: «مصباح النجاة» یا «اصول الدین»، به
فارسی که نگاشته در آن وعده کرده که بخش دوم را در
مروج دین بنگارد.

بررگان قائل (۱۹۴-۱۹۵)، الذریعه (۲/ ۱۸۸)، طبقات
اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۵۹۴).

قائمی، شیخ سبحانعلی خان، فرزند علی حسین خان،
(وف ح ۱۲۶۵/۱۲۶ ق)، فقیه، متکلم، فیلسوف،
ریاضیدان، طبیب، محقق، نویسنده و شاعر. معروف به
فاضل سبحانعلی خان. وی در شهر لنگر سکن و از امیران
و مراجع علمی، سیاسی و اجتماعی این شهر بود. او علاوه
بر امر تدریس به امور سیاسی نیز می‌پرداخت، مدتی وزیر
و مشاور حیدر پادشاه بود و سایر حکام هند، همچون
پیش‌الدوله سعادت علی خان به او ارادت می‌ورزیدند.
میرزا محمد علی گشمیری (م ۱۳۰۹ ق) وی را از شاگردان
شریف‌العلماء محمد شریف ابن ملا حسنعلی مازندرانی (م
۱۲۴۶ ق) ذکر کرده است. وی در هند درگذشت و طبق
وصیتش پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. از
آثارش: «شرح حدیث الاثره»، «شرح حدیث الثعلین»،
«شرح حدیث الحوض»، «الوجیه»، در علم کلام و اصول
دین به فارسی؛ «لطافة المقال»، در رد اعتراضات فاضل
رشید که فاضل رشید این کتاب را تحت نام «ایضاح
بطافة المقال» پاسخ گفت و فاضل سبحانعلی خان کتاب
«مدلکة الکلام» را در جواب «ایضاح» نوشت. جواب
رسالة «مکاتیب» حیدرعلی فیض آبادی؛ «فیوضات
سبحانی»؛ «فضائح البخاری فی صحیح»، در مورد
نویسنده و متن کتاب «صحیح» بخاری و روایات جمعی آن،

بیرجندی، (س سیزدهم ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و
شاعر پس از فراغت از علوم عقلی و نقلی، به فراگیری
علوم عربیه پرداخت و در ۱۲۲۷ ق شروع به خواندن علم
رمل نمود و اصول آن را نوشت. وی دارای دوز شعری
بود. از آثارش: منظومه در «اصول فقه»، «المرآة لأرواح»، در
علوم غریبه که در ۱۲۴۶ ق از تألیف آن فراغت یافت و آن
را برای حفظ قواعد اساسی علم رمل نگاشت.

بررگان قائل (۴۶-۴۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه
آستان قدس مرعشی (۱۲/ ۲۱۸-۲۱۷).

قائمی، سید اسماعیل بن سید علی مدد، (وف ۱۳۱۷
ق)، عالم امامی، نویسنده و شاعر. پدرانش از فضلا و
بررگان قاین بودند. وی ساکن شهر کرمان بود و به تبلیغ و
ارشاد و امانت جماعت می‌پرداخت و در همان شهر نیز
درگذشت. از آثارش: «انصراط المستقیم»، «الکوکب
الندری فی ذکر الامام المهدی (عج)»، «مسالك العارفين»،
در حدود پنجاه هزار بیت به نظم فارسی، در عرفان
«المقام صمد الخمس».

بررگان قائل (۹۳-۹۲)، الذریعه (۱۵/ ۳۲، ۱۸، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲

که به فارسی است

برگ: قاسی (۲۰۹-۲۰۱) عربیه ۱۰، ۲۱۱، ۱۳، ۱۸۶-
۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۶، ۱۳۰، ۲۴۹، ۱۸، ۳۲۳، ۲۵
۴۹-۵، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/۱۳۰۵۹۶-۵۹۷)

قاسی، شیخ ملا احمد، فرزند ملا علی اکبر مدرس مجتهد. (وف ۱۲۵۶ ق)، عالم امامی و فقیه معروف به مدرس و مجتهد. وی در امر نه معروف و نهی از منکر نهایت تلاش و کوشش را داشت. از آثارش: شرح «اشارات» کلباسی؛ رساله «لب المعرف»؛ در اصول دین، که این کتاب راه امر محمد ولی میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار، تألیف نمود. پس از مرگش سیصد و چهل جلد کتاب او بنابر وصیتش به مدرسه پیرچند هدیه شد. در «بهارستان» ایتی، اهدای سیصد و چهل جلد کتاب به پدرش سبب داده شده است

برگن قاسی (۴۱)، بهارستان آیتی (۲۶۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/۹۸)، گنجینه دانشمندان (۱۳۳/۶)، مکرم الآثار (۱۵۲۳/۵)

قاسی، ضیاءالدین ابومحمد فضل بن محمدعلی (ابراهیم، (س ششم ق)، فقیه و محدث. معاصر شهرام بیجا، عربی (۵۱۱-۵۴۷ ق) بود. پدرش، محمد بن ابراهیم، نیز از بزرگان حدیث بود و کتابی درباره «خاندان عصمت و طهارت (ع)» به نام «السابقین» نوشته است. پدر و پسر معاصر حسن بن منصور قاسی وزیر سلطان بهرام شاه و از چهره‌های درخشان علمی خراسان بودند. در سلسله اجازات محدثین بزرگ از فضل بن محمد قاسی تعبیر به شیخ امام اجل ضیاءالدین ابومحمد شده است و اجازات و روایاتش در حدود ۵۴۷ ق است

برگن قاسی (۲۸۸)، بهارستان آیتی (۱۵۱، ۱۵۰)، الدرر (۹۹/۱۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۸/۲۰۹۲-۸)

قاسی، علی اصغر - پیرچندی، شیخ علی اصغر.

قاسی، علی بن محمد ولی، (س سیزدهم ق)، محدث، فقیه، محقق، نویسنده و خطاط. از شاگردان ملا احمد رافعی و شیخ موسی بن جعفر نجفی، شریف‌العلماء و سید محمد مجاهد بود. وی علاوه بر اینکه خود نویسنده و محقق بود، آثار نویسندگان دیگر را نیز به خط خود کتات می‌نمود. از آثارش: شرح «معالم الاصول»؛ کتابی در

دانش «اصول»؛ کتابی در «تاریخ»؛ «الاسمه و الاحویه» که فقه استدلالی و رساله همیه است. از آثار کتابی از: «محرل الادویه» و تذکره «اولی النهی» محمد حسن عقیلی به قلم نسخ در ۱۲۴۶ ق که جلد کتاب دارای گل و بونه و مذهب می‌باشد.

برگن قاسی (۲۵۸-۲۵۹)، الدرر (۱۲/۲۴۸، ۱۲/۷۱)

قاسی، محمد بن احمد، (س سیزدهم ق)، عالم امامی، متکلم، دیب و نویسنده. از محققین بزرگ عصر خود به شمار می‌رفت. کتابی به امر استادش شیخ عبدالحسن سودی پیرچندی به نام «الانموذج»، در موضوع کلام و اصول دین، به عربی تألیف کرد

برگن قاسی (۲۴۷-۲۴۸)، الدرر (۲/۲۰۲)

قاسی، محمد بن علی اصغر نایبی سرچاهی، (س سیزدهم ق)، عالم و شاعر تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانید. وی مدتی مکن مدرسه رضوی و مدتی در مدرسه حله این شهر به تحصیل پرداخت. از آثار وی: «وحیره البحار»، خلاصه‌ای از کتاب «بحار الانوار» علامه مجلسی است؛ که برای یحیی بن علی نایبی، از مجتهدین عصرش، در ۱۲۵۸ ق تألیف کرد؛ کتات «نظم اللثالی» یا «لؤلؤیه» سید ابوالقاسم قاری؛ کتات «رندة الاصول» شیخ بهایی؛ کتابت «شرح لمعه».

برگن قاسی (۲۷۲-۲۷۳)

قاسی، محمدرضا، فرزند محمد باقر درخشی کمپنی، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم امامی و فقیه. از نوادگان ملا عبدالله ثونی قهستانی صاحب «الرافیه» است تحصیلات خود را در نجف به پایان رسانده و از محضر اساتیدی همچون شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد کاظم یزدی، ملا علی اکبر کرمانی، ملا علی اصغر قاسی و دیگران استعداده نمود و از آنها اجازه گرفت و روایت کرد او از مشایخ اجازه شیخ محمد باقر گزاری قاسی پیرچندی است. از آثارش: «اصیخ العقود»، در فقه؛ «کتاب الاجازات»، در ذکر مسنده مشایخ روایی.

برگن قاسی (۵۷۹)، الدرر (۱۱/۱۲۵، ۱۵/۱۰۹)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/۷۲۱)

قاسی، محمدرضا بن محملم سیزواری، (وف ۱۰۵۵ ق)، عالم، قاری، حافظ، ادیب و شاعر. از دار سمدان

با سید ابوطالب قایینی است. از آثارش: رساله‌ای در «اصول الدین»، که به گفته معاصرش ملا محمد باقر بیرجندی در «بیت الطالب»، استخراج اصول دین از قصیده شهادت سیدالشهداء (ع) است؛ رساله «تجوید القرآن»؛ تکمیل الایمان فی اثبات وجود صاحب الزمان (عج)؛ برعرب غیث امام زمان (عج).

بزرگان قائل (۵۷۵)، الذریعه (۱۸۷/۲، ۳۶۶/۳، ۲۶، ۲۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۷).

قایینی اصفهانی، خلیل/محمد خلیل، قمرزید محمد شرف، (وف ۱۱۳۶ ق)، فقیه، فیلسوف، مدرس، متکلم و حکیم. در اصفهان از حوزة درس آقا رضا خوانساری و برادرش، آقا جمال‌الدین خوانساری استفاده نمود. وی مدتی در حوزة علمیة اصفهان فلسفه، کلام، کتب ابن سینا و کتب خواجه نصیر را تدریس می‌کرد. سید اسماعیل بن علی رضا حسینی و سید رحمة الله جراتری و امیر محمد صالح فروسی از شاگردان وی بودند. پس از فتنه عمان در ۱۱۳۴ ق به قزوین مهاجرت کرد و در همان‌جا درگذشت و کلمة الطهر ماده تاریخ وفاتش می‌باشد از آثار وی: «الالهیه» یا «نوراصر بحل مسألة الجبر والقدر»، شرح رساله «فی الجبر والتفویض و اثبات الامر بین الامرین» امام هادی (ع) مذکور در «تحف العقول»؛ «شرح حدیث همزان الصابی»؛ «الرد علی النصاری»؛ «البداء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی.

بزرگان قائل (۱۸۷-۱۸۰)، بهارستان آیت (۲۵۲-۲۵۳)، حاتم مستدرک الوسائل (۱۹۹/۲)، الذریعه (۲۸۲-۲۸۵، ۵۵-۵۴/۳، ۵۵-۵۴/۶، ۱۱۱/۱۰، ۲۳۲/۱۲، ۲۰۲-۲۰۳/۲۲/۲۲)، ریحانه (۲۲۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۲۲-۲۲۳)، فوائد الرضویه (۱۷۴)، لغت‌نامه (دیل/ ناسی).

قایینی خراسانی، سید ابوطالب بن سید ابوتراب حسینی. (۱۲۳۰-شهادت ح ۱۲۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجال، متکلم و مصنف. در قائل به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را همراه ملا محمد حسن قایینی نزد علمای قاین فراگرفت. آنگاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه اجتهاد و افتا از سوی آنان نایل آمد. سپس به حوزة علمیة اصفهان رفت و با ملا حمزه

معاصر شاه عباس اول و شاه صفی صفوی بود. وی تراث را ابتدا در نزد پدرش، سپس در روضه رضویه فرگرفت. او از دانشهای قرآنی بهره‌مند و یکی از حافظان قرآن و از قاریان حرم مطهر امام رضا (ع) و معلم زیبا خوانی قرآن در مشهد بود. از جمله شاگردان وی در قرائت مصطفی بن ابراهیم قاری تبریزی است. در مشهد درگذشت و در رواق شریف رضوی در قسمت پایین حرم امام رضا (ع)، دفن شد. از آثار وی: منظومه «راحت جان» در زیباسجوانی قرآن، در ۴۱۴ بیت؛ «تحفة المحسین»، در تجوید قرآن، در یک شمایه و دوازده رایحه و یک شریعه؛ «حیات جاودانی»؛ شرحی است بر کتاب «حرز الایمانی» و وجه التهانیه فی القرائات السبع المثانی؛ ابو محمد ماسم شاطبی، که به «قصیده شاطبی» مشهور است و قیسی این قصیده را در اوخر حیات شاه صفی به نظم فرمشی درآورده است و بیش از ۲۳۵۰ بیت می‌باشد.

بزرگان قائل (۵۲۶-۵۲۳)، الذریعه (۳/۴۶۷-۴۶۸/۷، ۱۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۹، ۲)، فهرست نسخه‌های خطی ناسی (۱/۸۵-۸۶).

قایینی، ملا عینی اکبر، (وف ۱۲۲۳-۱۲۳۰ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و نویسنده از روستای آفرید قاین بود، که پس از فراگیری مقدمات علوم به تحصیل در حوزة های علمیة معروف پرداخت و با استعداد و ذوق سرشار به مدارج عالی علمی و فقهی نایل آمد. وی مدتی در کر بلا ساکن بود و یکی از آثارش را در آن شهر نگاشت. از آثارش «کتاب الطهارة»، در فقه استدلالی به سبک «مذاکر الاحکام»؛ شرح «معانم الاصول»؛ شیخ حسن عامی که جلد اول آن تا مبحث «مجموع و بین» در کر بلا به پایان رسید.

بزرگان قائل (۲۳۹-۲۴۰)، الذریعه (۱۴/۷۱، ۱۵/۸۶)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله جمعی مرعشی (۱۰/۳۱۹).

قایینی، ملا محمد حسن بن ملا علی. (وف ح ۱۴۲۵ ق)، عالم و فقیه. تحصیلات خود را، بخشی در مشهد و نزد استایدی همپور شیخ محمد رحیم بروجردی مشهدی و بخشی در حوزة علمیة اصفهان، گذراند و از محضر استاید آن روزگار استفاده برد. وی از مشایخ اصفهان و مشهد، بخصوص از شیخ محمد رحیم بروجردی، احراز اجتهاد و روایت داشته است. او معاصر

حورۃ عسیمیہ ابن شهر سوده است. از شاگردان وی ملا محمد حسن قائمی، پدر شیخ محمد باقر گزازی، و دیگری محمد حسن بن ملا محمد قائمی که در ۱۳۰۰ ق نزد وی تلمذ نموده است. از آثارش: «الانداع»، در اصول فقه؛ «القصری فی المنطق»؛ «الایصار فی اصول الفقه»؛ «وثائق الاصول» یا «الوثائق فی اصول الفقه»، در فقه استدلالی. در «بررگان قائل» نام پدر صاحب عنوان سید احمد بن سید محمد ذکر شده است.

بررگان قائل (۱۲۹۰-۱۲۹۵)، بهارستان آیتی (۲۸۲)، الدرریمه (۱/ ۶۴، ۶۵، ۱۷/ ۱۰۸، ۲۵، ۲۶-۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۳۵۳-۳۵۴)، گنجینه دانشمندان (۱۶/ ۱۳۳)

فنائی نیشابوری، ابوعلی حسین بن محمد بن زیاد عیدی. (وف ۲۸۹ ق)، حافظ، محدث و مصنف یکی از رکاک حدیث در سنابور و شیخ محدثین در خراسان بود وی در طلب حدیث سفرهای بسیار نمود. از اسحاق بن زاهویه و سهل بن عثمان و منصور بن ابومزاحم و عمرو بن زکریا و ابومصنف و حسین بن ضحاک و صریح بن یونس و یحیی بن ابی شیبہ و ابراهیم بن منذر حواری و محمد بن حماد مکی و عبیدالله بن عمر قواریری و ابراهیم بن محمد شافعی و همطینة آنان در خراسان و حرمین و عراق حدیث شنید. استادش محمد بن اسماعیل بخاری و رکن بن محمد بن بنگار و احمد بن محمد بن عبیده و ابوحامد بن شرقی و ابوالفضل محمد بن ابراهیم هاشمی و یحیی بن محمد عتیری و محمد بن یعقوب شیبانی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. اهل حدیث در نیشابور پس از مسلم بن حجاج در نزد او اجتماع می‌کردند. بعد از درگذشت، ابو عبیدالله پوششگی بر جسد وی نماز گزارد. از آثارش: «المستند»؛ «الابواب»؛ «التاریخ»؛ «الکسی»؛ «اتساع المجالس».

الاعلام (۲/ ۲۷۷)، انساب سمعانی (۴/ ۲۴۰-۲۴۱)، تهذیب التهذیب (۲/ ۳۳۱-۳۳۲)، سیر النبلاء (۱۳/ ۵۰۲-۴۹۹)، تذرات الذهب (۲/ ۲۰۱)، طبقات الحفاظ (۳۰۰)، المعبر (۱/ ۴۱۶).

فیلی، میرزا محمد - حکیم قلبی خوبی.

فتابی مشهدی - فنائی مشهدی

قائمی در بحث حجه الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاشکی، اجازه اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آنگاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدتها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه اجتهاد گرفت. پس از آن به فائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حورۃ علمیه فائن، به تصنیف کتب با ارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گزازی (قائمی) بیرجندی و ملا محمد بن ملا عبدالحسین قائمی و نجف بن علی اکبر بیرجندی و محمد حسین قاضی کاشکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان‌جا بزیه خاک سپرده شد. از آثارش: «امدرة الدهرة»، در توحید؛ «الدرة»، در معارف خمسیه؛ «نیایح انولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعة» یا «سبعة سیاره»، در هفت مسأله اصولی؛ «فرائد الفرویه»، در درایه و رجال؛ «ماجی الضلالة و القویة»، در رد کتاب «شمس الهدیة» و قائل «صلالة» جان ملاحان، معروف به ملا شمس معینی هراتی؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ محمد؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رسالة فی صلاة المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.

اعیان الشیعه (۲/ ۲۶۴)، بررگان قائل (۹۱-۷۳)، بهارستان آیتی (۲۸۱-۲۸۲)، الدرریمه (۸/ ۸۸، ۹۰، ۱۴۴، ۱۲/ ۲۲۱، ۱۵/ ۸۳، ۱۹/ ۱۸-۱۷، ۲۰/ ۲۸۸، ۲۲/ ۱۵۰، ۲۵۳-۲۵۴، ۲۵/ ۲۹۱-۲۹۰)، ریحانه (۲/ ۲۲۸)، عینان حلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۲۲-۲۰)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۱۳۲-۱۳۳)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۹)، مؤلفی کتب پایی (۱/ ۱۸۲-۱۸۳).

قائمی خراسانی، میر سید حسن ابن سید محمد. (ز ۱۳۰۰ ق)، فقیه، عالم امامی، مجتهد، مدرس، نویسنده و محقق. او دوران تحصیلی خود را در قاین و اصفهان و نجف گذراند و با جمعی از بزرگان دوران خود مصاحب بود. وی معاصر و هم دوره شیخ مرتضی انصاری بود و از محضر استادی چون شریف‌العلما و سید شفیع جابلقی استفاده نمود و از سید شفیع جابلقی صاحب اجازه بود او در قاین حرزۃ درس خوبی داشته و از استادان شایسته

دربار شد. پس از چندی از دربار کناره گرفت و به سیر و سلوک در آفاق و انفس پرداخت و در مدرسه فیضیه قم عزلت گزید و اشعاری که از این پس می سرود جز در مدح و متقیت امیرالمؤمنین علی (ع) و سایر ائمه اطهار (ع) نبود و خط را خوش می نوشت و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت و ماده تاریخهایی که توسط او ساخته و پرداخته شده بر سر در آئینه ها و آب انبارهای شهر قم باقی است. دو قم درگذشت و قبر وی در ایوان آینه حضرت معصومه (س) در مقبره آل ابوالفتح است. «دیوان» شعر وی به کوشش برادرش سید مهدی رضوی، متخلص به شیوا، به چاپ رسید.

الدریحه (۹/ ۸۷۶-۸۷۷)، سخنران نامی مصادر (۴/ ۲۷۸۸-۲۷۸۳)

قدرتی اصفهانی، ملا محمد علی، فرزند خواجه نصیرالدین (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به قدرتی. در اصفهان به دنیا آمد در زمان شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) می زیست و از طریق تجارت روزگار می گرداند. در پناه و دو سالگی شمار آیات مدونش از قصیده، غزل، رباعی و مثنوی از بیست و پنج هزار متجاوز بود. ملا قدرتی مجموعه ای از اشعار شاعران همعصر خود را به خط خود آنال جمع آوری کرد و وی به هند مسافرت کرد و چند سال بعد به وطن بازگشت و در اصفهان چند سال قبل از تألیف تذکرة «نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) درگذشت.

تذکرة نصرآبادی (۲۲)، الدریحه (۹/ ۸۷۷)، مرمری سخنوران (۷۲۰)، کاروان هند (۲/ ۱۰۹۱-۱۰۹۰).

قدرتی یزدی، (وف ۱۰۲۴ ق)، شاعر. در زمان اکبر شاه به هند رفت و در آگره درگذشت. «دیوان» شعر وی حدود سه هزار بیت می باشد.

تذکرة روز روشن (۶۵۳)، تذکرة سخنوران یزد (۲۵۸)، فرهنگ سخنوران (۷۴۰)، کاروان هند (۲/ ۱۰۹۱).

ندری شیرازی (س دهم ق)، شاعر. مقیم شیراز و با میرنی شیرازی و میر محمود طرخی شیرازی معاصر و با مولانا عرفی شیرازی هم صحبت بود. قدرتی از نزدیکان قیدی شیرازی است که با وی در جوانی به قصد تجارت در زمان اکبر شاه، در ۹۸۷ ق، به هندوستان مسافرت کرد در آنجا بعد از مدتی، هر دو بر اثر حادثه ای درگذشتند. از

قتیل گنپایگانی، سید مرتضی (س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از گنپایگان بود و در خدمت شاهزاده حیدر نلی میرزا، حاکم گنپایگان، می زیست. او طبع خوشی داشت و اوست:

پس فاعله روزی که بدان کوی سفر کرد

ب ناله من ساخت فلک پار چرمی را

مدیقة الشعر (۲/ ۱۴۲۱-۱۴۲۲)، الدریحه (۹/ ۸۷۶)،

سفینه السعده (۲/ ۴۶۰-۴۶۲)، فرهنگ سخنوران

(۷۳۹)، مجمع المصاح (۵/ ۸۹۰)، مصعبه حراب

(۱۲۹).

قتیلی بخارایی، مولانا ابوالحسن (س دهم ق)، شاعر. از ناحیه مریدل سمرقند و از مقرران عبدالعزیزخان ازبک بود. وی در مدرسه شاه بیگ خان ندریس می کرد و شاگردان بسیار داشت. در برخی از تذکرة ها صاحب صواب تحت نام قتی بخارایی و قتیلی سمرقندی نیز آمده است. او اوست.

شب خیال زلف او هوش از من بی دل رسد

درس چون مشکل فتد بی فهم را خواب آورد

تاریخ نظم و نثر (۵۹۱-۵۹۰)، الدریحه (۹/ ۸۷۶)، تاریخ

گلشن (۲۳۰)، فرهنگ سخنوران (۷۳۹).

قدرت الله شیبه ساز (س دهم ق)، نقاش. از آثار وی تصویر زن جوانی است به نام ضیاء السلطنه که کلاه مخصوصی به سر گذاشته و موی باریک و بلند خود را به حرر خاصی پیچیده و به گوشه کلاه آویزان کرده است. جوانی قطعه، تذهیبی ساده ای دارد، با رقم: «عمل قدرت الله». به گفته صاحب «احوال و آثار نقاشان» این نقاش در قرن دهم هجری می زیست، اما با توجه به لقب ضیاء السلطنه و توصیف آرایش سوی زن، استنباط این نقاش به قرن دهم قمری بعید می نماید. اسوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۳۱).

قدرت قبی، میر سید علی، فرزند میر سید عزیز (۱۲۷۱-۱۳۱۶ ق)، شاعر، متخلص به قدرت. در قم به دنیا آمد. پس از فراگرفتن دانشهای مقدماتی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و در همان سالها به سرودن شعر روی آورد. وی در آغاز جاوید و بعد غیت تخلص می کرد. بعد از چندی آوازه وی در سرودن شعر به دربار ناهرالدین شاه رسید و در مدح کوتاهی چرو شعری

اوست

گسر برهمی، به گیش بت مایل باش
 بر ساده کشی، مدام لایمقل باش
 ور عاشقی، از هر دو جهان غافل باش
 رنهار به کار خویشتن یکدل باش

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۵۱۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۴)، تذکرهٔ نور روشن (۶۵۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۱۹۵-۱۹۴)، الذریعه (۹/ ۸۷۷)، صبح گلشن (۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴)، کاروان هند (۲/ ۱۹۱-۱۹۵)، مرآت الفصاحه (۲۹۶-۴۹۷)، هفت انلیل (۱/ ۲۵۱-۲۵۲).

قدسی، مهدی. (تر ۱۲۷۹ ش)، پزشکی و بوستانه در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و پزشکی را در زادگاهش گذراند. چندی در سمت ریاست قرنطینهٔ خوزستان به کار مشغول شد. در ۱۳۱۴ ش به پاریس عزیمت نمود و در انستیتو پاستور تحصیلات خود را تکمیل کرد پس از بازگشت به ایران در انستیتو پاستور ایران به درمان بیماران مبتلا به هاری پرداخت و حاصل تحقیقات خود را در مجلات بین‌المللی منتشر کرد و به واسطهٔ همان معالات از طرف سازمان بهداشت جهانی به عنوان کارشناس بین‌المللی برگزیده شد. وی به کشورهای اروپا و آمریکا سفر کرد و در مراکز بهداشتی آن کشورها به تحقیق و مطالعه پرداخت در بازگشت به ایران روش جدید مایه‌سازی ضد سل را در ایران مورد استفاده قرار داد از جمله مشاغل وی: معاونت وزارت بهداشت، نایب ریاست انستیتو پاستور، ریاست بخش ب. ث. بود. از آثار وی «بیماری هاری و اقسام مختلف آن»، «درمان ضد هاری»، «سخت‌انیه‌های پر سرور آندره‌لمییر»، در دانشکدهٔ پزشکی تهران، «مایه‌کوبی بر ضد سل بوسیل ب. ث. ژ».

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۵۷۲، ۱۳۹۷، ۲/ ۲۸۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۲۲۲-۲۲۴).

قدسی خراسانی. (وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط حواهراده و شاگرد میرزا محمد علی سنگلاخ خراسانی است اصلش از امیران بود، وی در مشهد کسب کمال کرد. در سی و سه سالگی در علوم فقه و اصول استاد بود و در ریاضی تسلط داشت و شعر نیز می‌سرود. وی به دعوت میرزا سنگلاخ به استانبول رفت و در آنجا خط نستعلیق و شکسته را نزد دایی خود آموخت. قدسی پس از مدتی

اقامت در استانبول به اسیران برگشت و در همان‌جا درگذشت.

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۸۲-۵۸۳)

قدسی خلخالی قهریزی، سید برهان‌الدین، فرزند میر شیبه‌الحمد. (۱۲۵۷-۱۳۱۴ ش)، شاعر، متخلص به قدسی و برهان. در خلخال به دنیا آمد. پدرش از علمای معروف آن دیار بود و چند سالی به قضاوت اشتغال داشت. قدسی در ابتدای مشروطیت در تهران عضو انجمن آذربایجان شد و پس از واقعهٔ به توب پستی مجلس و انحلال انجمن مزبور با خانواده‌اش به خلخال بازگشت در ۱۳۲۱ ق به تبریز رفت و چند سال بعد در دادگستری آنجا به کار پرداخت. از وی چند ترجمه و تألیف به چای نابده است.

شرح حال رجال (۶/ ۵۷-۵۸)، فرهنگ سخنوران (۷۴۰)

قدسی سبرواری، میر حسین کرلایی. (وف ۱۳۵۱ ق)، شاعر. از بزرگان سبروار بود. در زمان محمد خاں تکلوی حکیم هرات به آن دیار مسافرت کرد و مورد توجه و اعتبار آن‌الیر قرار گرفت و در آنجا نیز درگذشت. از اوست:
 تیروس چرخ به من رام نگرود هرگز
 به مراد دم ایام نگرود هرگز
 الذریعه (۹/ ۸۷۸)، صبح گلشن (۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴۰، ۷۴۱)، هفت انلیل (۲/ ۲۹۰)

قدسی شیرازی، سید محمد حسینی، فرزند میرزا سلطانعلی دارابی. (۱۲۸۸-۱۳۶۱ ق)، خطاط، مصحح و شاعر، متخلص به قدسی. اصلش از دارابجرد فارس بود. در شیراز به دنیا آمد و همان‌جا نشو و نما یافت از حواص شاگردان شیخ معید، صاحب «مرآت الفصاحه»، برد که توانست در خدمت استاد در زمینه علوم ادبی و کلام و حکمت بهره‌ها ببرد. خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت و از سبک میرعماد حسینی پیروی می‌کرد. در سرودن اشعار عربی و فارسی ذوق و طبعی سلیم و مستقیم داشت. در شیراز درگذشت. از آثارش: «دیوان شعر»، «حفاثرالقدس»، در کلمات و کرامات استادش شیخ مفید، «فردوس الکمال»، مشتمل بر تفسیر بعضی از آیات و شرح برخی از احادیث و پاره‌ای از حکم

آثار عجم (۸۰-۷۸)، تذکرهٔ طالب (۲/ ۲۰۴-۲۰۵)، حلیة‌الشعراء (۲/ ۱۴۲۴-۱۴۲۶)، دانشمندان و سخن

مستطرب‌های فارسی (۱۳۸۰-۱۳۸۱) ستیج الانتکاب
(۵۶۴-۵۶۵)

قدوسی همدانی، عبدالجواد. (تو ۱۳۸۱ ش)، شاعر
ری در کبودرآهنگ همدان به دنیا آمد و در خانواده‌ای
مذهبی نشو و نما یافت. مقدمات عربی را از صرف و نحو
و منطق در زادگاه خود فراگرفت. در هیجده سالگی به
نصدا ادامه تحصیل به شهر همدان عزیمت کرد و در
مدرسه طلاب، که به مدرسه بزرگ معروف است، به
تحصیل اصول، فقه، کلام و حکمت پرداخت. در ضمن
چون خطی خوش داشت در دبیرستانهای آن شهر خط
تعلیم می‌داد. وی چندی نزد آیت‌الله شیخ عبدالکریم
حائری قزوینی در مراجعت از قم مدتی به تدریس علوم
دینی مشغول بود. قدوسی در شغل‌هایی چون اداره معارف و
وقوف غرب و اداره ثبت اسناد و در شهرهای مشهد و
کاشمر نیز به خدمت پرداخت. وی عضو اسبجس ادبی
همدان بود.

بزرگان و سخن سرایان همدان (۲/ ۲۲)، سخنران نامی
معاصر (۴/ ۲۷۸۹-۲۷۹۲)

قدکچیان، احمد. (تو ۱۳۹۹ ش)، تهیه‌کننده، بازیگر و
ویدئو ساز در تهران به دنیا آمد. باری در تئاتر را از ۱۳۲۲
ش با نمایش «اسکندر و داریا» شروع کرد. از نمایش‌های
عمله وی می‌توان از «شادی بیمار» و «اتلوی» نام برد. وی
فعالیت در رادیو را از ۱۳۲۹ ش و باری در سینما را از
۱۳۳۰ ش با «خوابهای طلایی» آغاز نمود «چهره آتش»،
«گرداب»، «سنگ صبور»، «دختر چوپان»، «سهراب»،
«مردان صحر» و «حیدر» و غیره از جمله فیلم‌هایی هستند
که وی در آنها به هنرمندی پرداخته و تهیه‌کننده تعدادی از
آن فیلم‌ها نیز بوده است.

تاریخ سینمای ایران (۲۲۲، ۲۸۱، ۵۳۸)، سینمای
مدرندان (۱/ ۳۳۹۹-۳۴۰۳)، فرهنگ فیلم‌های سینمای
ایران (۱/ ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۳۱، ۵۰۹)

قدوسی نهاوندی، شیخ احمد، فرزند آخوند ملا
حسین. (۱۲۸۲-۱۲۷۳ ق)، عالم امامی و فقیه. معروف به
آقای آخوند. در نهاوند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را
در نهاوند گذراند و برای فراگرفتن سطوح عالی و خارج به
همراه عمویش، ملا علی اکبر نهاوندی، ابتدا به سامرا و
سپس به نجف رفت و بیست سال تمام در آنجا ساکن شد.

سرایان فارس (۲/ ۱۹۵-۱۹۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر
(۳/ ۱۰۸)، شرح حال ریاض (۶/ ۱۹۸-۱۹۹)، فرهنگ
سجوران (۷۴۱)، مرآت‌المصابحه (۵۰۱-۵۰۲)

قدوسی کریمایی - قدوسی سیزواری

قدوسی گیلانی، مولانا مصطفی (من دهم ق)، شاعر و
عالم مدتی در اصفهان به سربرد و از شاگردان علامه
جبیبی و در فتون حکمت علمی و عملی عالم بود. در زمان
جلال‌الدین محمد اکبر شاه گورکانی (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به
هند رفت. از اوست:

با هر که هست طبع سخن رمن غنیمت است
یک نکته در دست رهبر کس غنیمت است
تاریخ نظم و نثر (۶۸۸)، فرهنگ سجوران (۷۲۱)،
کاروان هند (۲/ ۱۰۹۵).

قدوسی مشهدی، حاجی محمد جان. (وف ۱۰۵۶ ق)،
شاعر، متخصص به قدوسی در مشهد به دنیا آمد. در زمان
خود در قلمرو زبان فارسی شهرت فراوان داشت. در
قالبهای قصیده، مثنوی، غزل و رباعی شعر می‌سرود. وی
در جوانی به زیارت بیت‌الله الحرام مشرف شد. بعد از
مراجعت، در پنجاه سالگی در زمان شاه جهان به هند
مسافرت کرد و نزد شاه اعتبار زیادی کسب نمود و به
منصب ملک‌الشعرایی رسید. قدوسی به نقلی در لاهور و به
نقلی در کشمیر از دنیا رفت، و گویند در مزارالشعرای
کشمیر مدفون است. در زمینه شعر قدوسی مشهدی در
بعضی از تذکرها آمده است که بعدها جسد وی را به
مشهد انتقال داده‌اند آثار قدوسی بر قصیده، غزل، ترکیب،
ترجیع، قطعه، رباعی و مثنوی مشتمل است. از آثار وی.
مظفرنامه شاهجهانی، در فتوحات شاه جهان که
هموش در اتمام آن کفاف نداد و پس از او کلیم کاشانی آن
را تکمیل کرد؛ مثنوی «وصف کشمیر»؛ «ساقی‌نامه» در
بحر متقارب؛ مثنوی «وصف باغ اکبر آب» مثنوی کوتاهی
در مدح شاهجهان.

تذکره ذکر (۲/ ۴۹۷-۴۹۹)، تذکره شعرای کشمیر (۳/
۱۲۲۷-۱۳۰۸)، تذکره میخانه (۸۲۸-۸۲۹)، تذکره
سرپادی (۲۲۵-۲۲۷)، ریحانه (۲/ ۴۳۲-۴۳۳)، الدرر
۸۷۹/ ۱۲، ۱۱۴/ ۹، ۹۶/ ۲۴۲، ۳۳۲، ۳۳۴، ۲۵/
۹۸، فرهنگ سجوران (۷۴۱)، کاروان هند (۲/ ۱۰۹۵-
۱۱۲۱)، لغت‌نامه (دیل / قدوسی)، مرآت‌الخیال (۸۸-۸۹).

سربج محول ضبط موسیقی (۱۷۸)، ترویج موسیقی (۲)
 ۵۷۷، ۶۷۱، سرگذشت موسیقی ۱، ۹۵۹۴، مردان
 موسیقی (۱/۱۷۵)

قرباب، قاسم، سرزند سید حسین، (تو ۱۲۹۸ ش)،
 خواننده، در کاشان به دنیا آمد و در خانواده‌ای اهل
 موسیقی و آواز پرورش یافت. پدر بزرگ و پدرش، هر دو از
 خوانندگان بام زمان خود بودند و قاسم او بر دانسته‌های
 خود را در گذشته‌ها و ردیفهای آواز ایرانی از پدر فرا گرفت
 و پس از چندی به هریستان عالی موسیقی رفت و نزد
 حسین خان منجری شاگردی کرد علاوه بر آن نت‌خوانی
 سلفژ را نیز آموخت و تار نیز می‌نواخت ری اولین
 کنسرت خود را با همراهی پدرش در ۱۳۱۷ ش اجرا کرد
 که بسیار مورد توجه قرار گرفت. پس از آن فعالیت خود را
 با رادیو ادامه داد. چندی نیز با اسم مستعار «آریا» به فعالیت
 هنری می‌پرداخت

سربج موسیقی (۲/۶۷۱)، سرگذشت موسیقی (۱/۹۴-۹۵)
 ۹۵، مردان موسیقی (۱/۱۷۰-۱۷۱)

قرباب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم
 بن محمد، (۴۲۹-۳۵۲ ق)، حافظ، محدث، مورخ، فقه،
 و محدث و تصنیف محدث هرات بود ابونصر قاسمی گوید که
 وی پیش از هزار و دویست استاد داشته است. وی از
 عباس بن فضل نضروی و جده مادری اش، محمد بن عمر
 بن حفصویه، و ابوالفضل محمد بن عبدالله سیاری و
 عبدالله بن احمد بن حمویه سرخسی و زاهر بن احمد
 سرخسی فقیه و حنبلی بن احمد سجری و حسین شماغی
 صفار و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز حدیث شنید
 شیخ الاسلام عبدالله انصاری هروی و ابوالفضل احمد بن
 ابی عاصم همدانی و حسین بن محمد بن من و اهل
 هرات از وی حدیث روایت کرده‌اند. خواجه عبدالله
 انصاری در «جرح و تعدیل» به او احتجاج کرده است. از
 آثارش: «الوفیات» یا «تاریخ السی» در «وفیات العلماء» از
 قرن اول تا ۴۲۹ ق، در دو مجلد؛ «نسیم المسبح»؛ کتاب
 «الأس و السوء»؛ «شمائل الحیاء»؛ «الرمی».

الاعلام (۱/۲۸۵)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱/۲۸۸)،
 انساب سمائی (۴/۶۲۸)، ایضاح المکتون (۲/۵۲)،
 سکرۃ الحفظ ۳، ۲۱، ۱۰، سیرا ۵، ۷
 ۵۷۲-۵۷۰، شذرات الذهب (۳/۲۴۴)، طبقات الحفاظ
 ۴۲۴، العبر (۲/۲۶۱)، کشف الظنون (۱/۵۹)، العبر

وی از شاگردان ممتاز میرزای بزرگ شیرازی و آیت‌الله
 میرزا حبیب‌الله رشتی بود. وی همچنین از محضر آیت‌الله
 آخوند خراسانی و آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی
 استفاده نمود در سی و پنج سالگی پس از احراز مقامات
 عالی تحقیق و اجتهاد به نهاوند مراجعت کرد و در آن شهر
 به تدریس و ترویج علوم دینی پرداخت. در ۱۳۵۵ ق به
 دنبال عائله رفیع حجاب، رو به عزلت آورد و تا پایان عمر در
 انزوا به سر برد. پیکرش پس از درگذشت به قم منتقل و در
 قبرستان نو، در مقبره خاوادگی، به خاک سپرده شد
 مسودات وی در وائعه میل نهاوند در ۱۳۱۷ ق از بین رفته
 است و تنها اثر باقیمانده وی «اربعین» می‌باشد.

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۹۸)، گنجینه دانشمندان
 (۷/۲۳۰-۲۳۲)، معجم رجال شیع (۲/۹۷۴)

قدیمی گیلانی، محمد، (س دهم ق)، نقاش، خطاط و
 شاعر، متخلص به قدیمی، اهل گیلان بود و در شبیه‌سازی
 و پرندسازی استعداد فراوان داشت. از آثار به جا مانده
 قدرت تخیل و مجلس آرایشی وی نمایان است. قدیمی
 خطوط و حالات چهره‌ها را طبیعی عمل می‌آورد و جز
 دقیق و کاربرد رنگها مهارت داشت و از صنعت تذهیب
 نیز بهره‌مند بود. او همچنین خطوط ثلث و نسخ و رقاع را
 استادانه می‌نوشت و در این کار چنان مهارتی داشت که
 خطوط را با قلم موی نقاشی کتابت می‌کرد. وی جزو
 سفاحان درباری بود و در نگارخانه شاه طهماسب
 (۹۲۰-۹۸۴ ق) مرتبی درخور داشت. تذکره بوسان، از را
 در شاعری نیز ستوده‌اند. از آثار وی، تصویر مردی در
 نیروه و چهار چپسی‌ها که صا پوشیده و بر قباظری سوار
 است، پ رقم: «العبد قدیمی مصور»؛ بارگشت سام و زال از
 کوه البر که سام سوار بر فیل شده و در اطراف از مشایعت
 کنتگان جلب نظر می‌کند؛ «دیوان» شعر

اسوال و آثار نقاشان (۳/۱۰۶۸-۱۰۷۲)، تاریخ هنرهای
 می (۲/۸۴۳-۸۴۴)، تحفه سامی (۲۵۱) درپند (۹)
 ۸۸۰، صبح گلشن (۳۳۱)، فرهنگ سخنوار (۷۴۲)،
 گلستان هنر (۱۴۰).

قرب، سید حسین، سرزند سید رین لعاب‌دین، (س
 چهاردهم ق)، خواننده، از خوانندگان معروف بعد از
 مشروطه بوده که ضرب هم می‌گرفت. پدرش، سید
 زین‌العابدین قرب کاشی، از خواننده‌های دربار ناصری
 بود و در تمزیه‌های تکیه دولت نقش مهمی داشت

(۲/ ۲۶۱)، معجم‌المؤلفین (۲/ ۲۲۸)، الواسی بالوفیات (۸/ ۳۹۴)، هدیه‌المعرفین (۱/ ۲۰۰)

فراب سرخسی هروی، شیخ الاسلام ابومحمد اسماعیل بن ابراهیم بن محمد، (سعد از ۳۳۰-۳۱۲ ق)، حدیث، محدث، فقیه، زاهد، مفسر و ادیب، از منصور بن عدس و ابوبکر اسماعیلی و ابوالاحمد بن غطریفی و ابو عمر بن حمدان و ابو محمد حاکم و محمد بن جعفر باقری و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی حاصمی و همطه آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاحلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شیب دارند. وی در بسیاری از علوم همچون قرأت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردهنده زاهدان و متأهلان بود از آثارش «درجات الثانیین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»؛ در قرأت سبع، در چندین مجلد؛ «انجم بین الصحیحین»؛ جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مقابله الامام الشافعی»؛ «الشافعی» در قرأت.

سیرالبلاء (۱۷/ ۳۷۹-۳۸۱)، کشف القبر (۵۹۹، ۵۴۵، ۱۰۲۲، ۱۳۷۹، ۱۸۲۹)، معجم‌المؤلفین (۲/ ۵۲۵۶) هدیه‌المعرفین (۲۰۹)

قراچه‌داهی، میرزا جعفر، (۱۲۵۰-۱۳۱۰ ق)، مترجم، با ترجمه «تمثیلات» آخریداده معروف شد. از مشی‌های سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، بود. بعد از مرگ شاهزاده در وزارت انطباعیات در سمت مترجم ترکی مشغول به کار شد. وی یکی از روشنفکران دوره قاجاریه بود و بسیاری از اهل فکر و قلم آن روزگار مراد و مکاتبه داشت. ترجمه‌های انگلیسی و فرانسه «تمثیلات» از وی ترجمه فارسی میرزا جعفر به چاپ رسیده است از دیگر آثار وی: «عروسی و داماد»، ترجمه: «تاریخ کریم»، ترجمه.

ادبیات مایش در ایران (۱/ ۳۶۷-۳۶۰)، از صیاف سیما (۳۴۵)، دانشمندان آذربایجان (۴)، شرح حال رجال (۱/ ۲۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۳۲-۳۳۱).

قراری گیلانی، نورالدین محمد، فرزند عبدالعزیز (س دهم ق)، شاعر و خطاط. اهل گیلان بود. پدرش از دانشمندان گیلان به حساب می‌آمد. قراری مدتی امور

خان احمد خان گیلانی را مدیریت می‌کرد و آنگاه که در گیلان آشوب برخاست به قزوین رفت. او به طرز وقوع شعر می‌گفت. دارای خطی خوش بود و نشر را نیکو می‌نویشت. در قزوین شاگرد خواجه افضل‌الدین محمد ترکه اصفهانی بود. بعد از فوت پدر، همراه دو برادر خود مسیح‌الدین ابوالفتح و حکیم نجیب‌الدین همام، در ۹۸۳ ق، به هند مسافرت کرد و به ملازمت جلال‌الدین محمد اکبر شاه درآمد، اما بعد مورد کم نظمی شاه قرار گرفت و به بنگاله تبعید شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. به آورده «کاروان هند»، وی در حدود ۹۹۲ ق درگذشته است، اما «مکتب وقوع» از زنده بودن او در ۹۹۵ ق خبر می‌دهد.

آتشکده آذر (۲/ ۸۵۱-۸۵۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۸۲۴-۸۲۷)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۵)، الذریعه (۹/ ۸۸۰)، فرهنگ سخنوران (۷۳۲-۶۹۵)، کاروان هند (۲/ ۱۰۳۲-۱۰۳۱)، لغت نامه (ذیل / قراری)، مجمع‌الخواص (۴۸-۴۶)، مکتب وقوع (۳۶۴-۳۷۶)، نامه‌ها و نام‌های گیلان (۳۸۶)، معتمد ترمیم ۱۲۶۳-۱۲۹.

فرهانی، ابوالفاسم، (س چهاردهم ش)، ریاضیدان، نویسنده و مترجم، از آثار وی: «جبر برای سال سوم دبیرستان»؛ «جبر و مثلثات سال ششم طبیعی»؛ «حل المسائل مکانیک»؛ «حل المسائل هندسه»؛ «رسم فنی»؛ «متمم هندسه»؛ «هندسه تریسیمی و رنومی»، ترجمه: «هندسه قضایی»؛ «هندسه».

سهرت کتبی، چاپی فارسی (۱/ ۱۰۱۱-۱۰۱۳، ۱۲۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۷۸-۲۸۰).

قریبی دماوندی، (ز ۱۰۰۳ ق)، شاعر در اکثر علوم اطلاع کاملی داشت. مدتها در بغداد و عتبات به سر برد و در آنجا با شاعرانی چون: قوسی شوشتری، ضعیفی، ملکی سرکانی، و قزوینی تبریزی، طووزی و مقبولی می‌آشناختن داشت. به گفته تقی‌الدین اوجندی، قریبی در ۱۰۰۳ هجری عتبات را ترک گفته است. او از آنجا به هند رفت و مدتی در کشمیر اقامت نمود و در همان‌جا نیز درگذشت.

آتشکده آذر (۳/ ۱۱۱۲-۱۱۱۱)، تذکره دور روشن (۶۵۷)، الذریعه (۹/ ۸۸۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴۲)، کاروان هند (۲/ ۱۱۳۲-۱۱۳۳)، لغت نامه (ذیل / قریبی)، معتمد‌النظم (۳/ ۹۲-۹۱).

قریبی شیرازی، ملا فتاح / فتاحا، (ز ۱۰۴۵/۱۰۴۵)

و)، شاعر، متخصص به قریبی معروف به تتاحا یا ملا فتح مکی مدنی. در اواخر سلطنت اکبر شاه به هند رفت و مورد توجه و اعتبار شاه مذکور قرار گرفت و در زمان جهانبگیر شاه به ایران مراجعت نمود و به زیارت کعبه و عتبات عالیات مشرف شد. وی سپس دوباره به هند برگشت و تا آخر عمر همانجا ماند و در اجمیر درگذشت. (ار او مست)

قریبی دلت از لوث هوس پاکی نشد
وین جامه کهر تو یکی چاک نشد
آهی به تأسف از دلت سر نکشید
رز گریه دمی چشم تو تمناک نشد

الفهرست (۹/ ۸۸۰-۸۸۱)، صبح گلشن (۳۳۱)، سرمنگ
سخنوران (۷۴۲)، کاروان هند (۲/ ۱۱۳۳-۱۱۳۵)، هفت
فصلیم (۱/ ۲۵۳-۲۵۴)

قربی مکى مدنى، ملا فتح - قوبى شيرازى

قرشی، جمال‌الدین ابوالفضل محمد بن عمر بن خالد (س هفتم ق)، دانشمند و لغوی، از عجمی کاشغر بود. از آثارش کتاب «صراح اللغة» یا «الصراح» است که تلخیص و ترجمه فارسی «صحاح اللغة» جوهری است. وی این کتاب را در ۶۸۱ ق به پایان رسانده سپس دیلی به عربی بر آن نوشت به اسم «ملحقات الصراح» که مشتمل بر مطالب تاریخی مهم است.

تاريخ مصر الحديث، ج ١، دار الفكر، بيروت (٢٨٥ / ٣)، تاريخ نظم ونشر
 (٤٦)، وحدة ١ (٤٤٠) كتاب الطبري (٧٧)،
 مقتباته (ذيل / البرهان)، هدية العارفين (١٣٢ / ٢)

قرشی، سید غلامحسین، فرزند سید عیدالوهاب، (قر
۱۳۰۰ ش)، خطاط و شاعر، متخلص به قرشی در
الیکودر و بختیاری به دنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات به
استخدام وزارت فرهنگ درآمد. او سالها در سابق
کشاورزی الیکودرز و در فول خدمت کرد. وی در سرودن
انواع شعر مهارت داشت. قرشی علاوه بر سرودن شعر
حده مستعین و شکسته، بر حوس می نوشت.
سخنرزان نامی معاصر ایران (۶/ ۲۸۰۲-۲۸۰۷، ۲۸۰۸).

قرشی هروی، ابو عثمان سمید بن عباس بن محمد
مژگنی، (وف ۴۳۲/۴۳۳ق)، مسند و محدث اهل هرات
بود، از عباس بن فضل نصروری و ابوحاتم محمد بن یعقوب

هروی و ابوسعید محمد بن علاء نیشابوری و ابو عمر
محمد بن احمد بن حمدان مقری و ابوسعید عبدالله بن
محمد بن عبدالوهاب رازی و ابومنصور محمد بن احمد
ازهری و عبدالله بن احمد بن حمزه سرخسی و ابوعبدالله
شماعی و ابو علی حماد بن محمد رقاء و ابو حامد بن
حسنویه و ابوالفضل بن خمیرویه و منصور بن عباس
نوشجی و دیگران حدیث شنید. در ۴۱۳ ق در بارگشت از
حج به بغداد رفت و در آنجا حدیث روایت کرد. سپس به
هرات بازگشت. ری در حدیث یگانه بود. ابو بکر خطیب و
ابو اسماعیل عبدالله بن محمد انصاری و محمد بن عمیر
و دیگران از او حدیث روایت کرده‌اند. قرشی در هرات
درگذشت.

انسحاب سماعی (۴/ ۲۷۰)، تاریخ بغداد (۹/ ۱۱۳-۱۱۴)،
سیر السلا (۱۷/ ۵۵۲-۵۵۳)، شذرات الذهب (۳/ ۲۵۰)،
المعجم (۲/ ۲۶۶)، النجوم الزاهرة (۵/ ۳۷).

قرمسیه‌نی، ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن حسن
(وف ۳۵۸ ق)، محدث وی محدثی صادق و صالح پرد که
در طلب حدیث به شرق و غرب سفرها کرد و در خراسان
و عراق و شام و مصر به کتابت حدیث پرداخت و از
یومعشیم دارمی و محمد بن اسحاق سراج سیستانی و
محمد بن بصیر اصفهانی و علی بن رستم اصفهانی و حسن
بن سفید نسوی و یحیی بن زکریا قاسمی و قاسم بن سنان
نیشی و اسحاق عسقلانی و یونس بن کندی و بشر
موسی و ابو عبد الرحمن نسایی و عبد الوحید بن قاسم
رواس و هم طبقه آنان حدیث شنید، در موصل ساکن بود.
حدیثی به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوالحسن
دارقطنی و ابوسعف کتانی و محمد بن اسماعیل و راق و
محمد بن مظفر و محمد بن جعفر بن عباس نجاشی و گروهی
دیگر از وی استماع حدیث کردند. ابوالحسن محمد بن
عمر خطابی بلندی و ابوالحسن عیسی بن احمد حمصی پیر
از وی در موصل حدیث شنیدند او در موصل درگذشت.
تاریخ بغداد (۶/ ۱۲-۱۶)، سیلاب (۱۶/ ۱۶-۱۲۷).

قرمیسینی، ابواسحاق ابراهیم بن شیبان، (وف ۳۳۷ ق)، صوفی، او معاصر و معاشر ابو عبد الله مری و ابراهیم خواص بود و در پارسی آفرمای بلند داشت. سخنان و نصیحتی از وی در کتب صوفیه نقل شده است، از جمله گویا جمله ن بود که در حدای عز و جل عاصی شود.

۷۶-۷۷)، حمله لایه (۱۰/ ۳۶۱-۳۶۲)، طبقات الصوبیه سلمی (۲/ ۴۰۵-۴۰۶)، طبقات الصوبیه هروی (۴۷۷-۴۷۸)، تفصیلات الانس (۲۲۰).

نویسنده: شیخ علی بن شیخ محمد ابراهیم. (تو ۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه نسب وی به اویس ثری می‌رسد. در روستای گوگد گلبیگان به دنیا آمد و پس از فراگیری ادبیات فارسی و مقدمات در گلبیگان، در ۱۳۵۷ ق به قم مهاجرت نمود و مطروح را نزد آیت‌الله گلبیگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی تکمیل نمود. پس از آن به نجف رفت و مدت سه سال از محضر آیت‌الله شیخ محمد علی کاطلمینی و آیت‌الله خویی استفاده نمود سپس به قم مراجعت کرد و از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله بروجرودی و دیگر استفاده نمود. قریبی به دستور آیت‌الله بروجرودی برای نشر معارف اسلامی به عیث‌شاه عوض شهریار رفت. از آثارش: «سوقات سفر» در دو جلد؛ «اسرار معراج»؛ «مهاج الذموم»؛ «مهاج السور» در چهار جلد؛ «منتهی المعال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه هم»؛ «پیوند دو گل»؛ «مهاج لجمال» در ده.

کتابخانه دانشمند، ۲، ۶۷۵-۶۷۶.

قره باغی نجفی، ملا اسماعیل، فرزند محمد جواد. (ز ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی از آثار وی: «مشکاة المسمین» در اثبات ثبوت سید المرسلین (ص)، که در نجف در ۱۲۹۵ ق، بر آلبف آن نزاع یافت و سزگانی چون آیت‌الله مامقانی، شریانی و ابروانی بر آن تقریظ نگاشتند این کتاب به همراه اثر دیگر وی به نام رساله «ارشاد الکامین» و «هدایة المسترشدين» در پاسخگویی به اعتراضات مسیحیان، در ۱۳۱۸ ق، به چاپ رسید.

الدزیمه (۱۱/ ۵۸، ۲۱/ ۶۱)، طبقات اعلام الشيعة (نرد ۱۲/ ۱۵۳)، معجم رجال نجف (۳/ ۹۸۰)، مؤید کتب چاپی (۱/ ۶۰۸).

قره‌العین یرغانی قزوینی، ساطعه، دختر حاج ملا محمد صالح یرغانی قزوینی. (ح ۱۲۳۲-۱۲۶۴/ ۱۲۶۸ ق)، نویسنده و شاعر، متخصص به طاهره. ملقب به زکیه و مشهور به زریس تاج خانم و ام سلمه. در خانواده‌ای روحانی در قزوین به دنیا آمد و در محضر پدر و هموی خرد، ملا محمد تقی یرغانی، با مقدمات فقه، اصول و دیگر علوم اسلامی آشنا شد، اما به پایت گروید و دست

ر شوهر و فرزند کشید و با پدر شوهرش، شیخ محمد تقی یرغانی، به مخالفت برخاست و چون شیخ به دست یکی از متعصبین بایه کشته شد به تهران آمد و با امانت هم راه گردید و در راه تسخ این مرقه با علما و رجال به مجادله پرداخت. او در قضایای بدشت شرکت کرد و چنانکه نوشته‌اند بی‌حجاب بر مردم ظاهر گردید که این امر نیز موجب تفرق و تشتت جماعت بایه شد و بر اثر مخالفت مردم اجتماع بدشت برهم خورد و قره‌العین به سازندران رفت و در حرکت به سوی تهران به دست قزاق دولتی اسیر گردید و در خانه میرزا محمودخان کلانتر تحت نظر قرار گرفت. پس از سوء قصد بایه به ناصرالدین شاه و گشتار بایه وی نیز به امر عزیزخان سردار کل خعه و جسدش در جبه اسداخته شد. قره‌العین شعر ر نیکو می‌سرود. آنچه از نوشته‌های پراکنده او بازمانده استاجاتها و نامه‌ها است. اشعری هم که به او نسبت داده شده بر از عبارات و اصطلاحات دینی است که سخت تحت تأثیر آثار متقدمان از جمله مولانا جلال‌الدین رومی و جامی قرار گرفته است.

از جامعه نا پورین (۱۸۳-۱۸۶)، از صبا تا صیفا (۱/ ۱۳۳-۱۳۴)، تاریخ ادبی ایران، پیراود (۱/ ۲۵۴)، حدیقه السعراء (۳/ ۲۱۵۸-۲۱۵۷)، تاریخ المعارف فارسی (۲/ ۲۰۴۱)، دویست سخنور (۲۱۳-۲۱۲)، الدزیمه (۲۲/ ۱۳۶-۱۳۵)، ریخته (۴/ ۲۴۰-۲۴۱)، زنان سخنور (۲/ ۹۹-۷۰)، حرائق الحقائق (۲/ ۳۱۸)، گزافه و سان (۱۰۹-۱۰۶)، لکثامه (ذیل/ طاهره)، شاهین زنان (۱۸۷-۱۹۰)، میودر (۲/ ۴۸۸-۴۸۵).

قریب، ضیاءالدین، فرزند شمس علما محمد حسین. (ح ۱۳۶۵-۱۳۷۰ ش)، مشرجم. در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را در مدرسه علوم سیاسی به پایان برد و از دانشکده حقوق فارغ التحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد، از جمله. رایسری سفارت ایران در پاریس، معاونت اداره حقوقی در وزارت دارایی، رایسری سفارت ایران در قاهره، ریاست اداره اول و پنجم سیاسی در مرکز. در تهران درگذشت. از آثار وی ترجمه «پنده نراری» جرجی ریدان؛ «تاریخ سرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی ایران سیروس یا کوروش کبیر»، ترجمه

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۱۲۰۸)، فهرست

کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۵۱۸، ۷۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۵۷۴، ۵۷۳)

قرب، محمد، (تر ۱۲۸۹ ش)، شاعر و مترجم. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات قدیم و جدید را در وطن خود گذراند. دارای لیسانس آموزش در رشته ادبیات بود از آثار وی: «برگهای زرین»، برگزیده بهترین آثار اجتماعی، ادبی و تربیتی سخن سراین گذشته و معاصر؛ «مقدمات تفسیر صافی»، ترجمه.

بهترین کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۴۹۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۷۶، ۶۷۷)

قرب، محمد، فرزند علی اصغر خان قرب گرگانی، (۱۲۸۸-۱۳۵۳ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و بیانیگذار طب کودکان در ایران، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دستان سیروس و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی پشت سر گذاشت و همراه اولین گروه دانشجویان در ۱۳۰۶ ش برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی عازم فرانسه شد و در ۱۳۱۷ ش به ایران برگشت. دکتر فرهنگ به پاس خدمات چشمگیر علمی، به دریافت نشان دانش دانشگاه تهران و نشان درجه اول فرهنگ از وزارت آموزش و پرورش و نشان عالی لژیون دونور از دولت فرانسه نایل گشت. او در طول زندگی پر بار خویش عهده دار مشاغل مختلفی بود، از جمله: ریاست انجمن پزشکان کودکان ایران و عضویت هیئت رئیسه انجمن بین المللی کودکان. وی سرانجام در شصت و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت و در مزار شیخان شهر قم دفن گردید. از آثار وی: تأسیس نخستین بیمارستان اطفال و بیمارستان مرکز طبی کودکان در تهران با همکاری دکتر هری و مردم خیر، لوله کشی آب گرگان. از آثار علمی وی: «بیماریهای کودکان»، «مسائل مشکل طب کودکان» و مقالات علمی بسیاری که در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسیده است.

زندگی نامه مشاهیر رجال پزشکی (۹۵-۹۸)، شیخان قم (۲۲۹، ۲۲۶)، کیهان فرهنگی (ص ۶، ش ۱۱، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۷۵، ۶۷۶)

قرب گرگانی، عبدالعظیم، فرزند میرزا علی / علی اکبر مسروشته دار (ح ۱۲۵۸-۱۳۴۴ ش)، ادیب، مدرس، نویسنده و شاعر. در فرقه کرکان تعویذ از توابع راک به دنیا

آمد. مقدمات ریان فارسی و عربی را در زادگاه خود در خانه پدر آموخت. در ۱۳۱۱ ق به تهران آمد و زبان و ادبیات عرب و ریاضی را نزد برادر بزرگش، میرزا علامرضا، تکمیل کرد. بعد «مطول» را در محضر شیخ باقر نهرانی، «فوائس» و شرح «مطالع» و هینت و نجوم را نزد سید محمد جواد قاهانی، علم اصول را در مدرسه حاج ابوالحسن از سید محمد جعفری، منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید در محضر میرزا طاهر تنکابنی و ریان فرانسه را در مدرسه دارالفنون آموخت و بعد وارد خدمت وزارت معارف شد و در مدرسه علیه که تنها آموزشگاه به طرز جدید بود و در مدرسه نظام به تدریس پرداخت. از جمله شاگردانش شهید محمد تقی خان پسین و برادر و پسر عموش، سلطان علامرضا خان و عسقلی حان بودند. وی چندی در مدرسه دارالمعین و سپس در دانشسرای عالی به تدریس اشتغال داشت. قرب در مقام استادی، در دانشکده ادبیات تهران، تدریس زبان و ادبیات فارسی را عهده دار بود. از آثارش: «بداية الادب»، «تاریخ تصحیح کفیه و دمنه»، «تصحیح گلستان»، «تصحیح تاریخ»، «امک»، «دستور زبان فارسی»، «تواحد فارسی در صرف و نحو»، «فوائد الادب»، «قراآت فارسی»، «سخنات شیوا»، «کتب املاء»، «دیوان» شعر.

از بیم تا روزگار ما (۱۵۴-۱۵۶)، اندیشه (۹/ ۸۸۱)، زندگی نامه رجال و مشاهیر (۵/ ۱۶۸-۱۷۰)، سخنان بسی معاصر (۴/ ۲۸۰۸-۲۸۱۱)، فرهنگ سخنان (۷۲۳)، گلزار معانی (۵۲۷-۵۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۷۲-۸۷۶)، پسا (ص ۱۸، ش ۱، ص ۴۹-۵۱)

قرب گرگانی، عبدالجواد، فرزند شمس العلماء محمد حسین، (۱۲۶۵/ ۱۲۶۸-۱۳۵۵ ش)، نویسنده، در همدان و به قرنی در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در مدرسه علمیه و دارالفنون به پایان رسانید و از مدرسه سیامی فارغ التحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل، وارد وزارت امور خارجه شد و لقب «مبتین الملک» گرفت. او عهده دار مشاغل مختلفی چون: مترجمی ریان فرانسه در وزارت خارجه، «پیری مدرسه آلمانی»، معاونت دارالترجمه وزارت خارجه، کارگزاری خویشا، ریاست ستاد لشکر غرب، ریاست دفتر وزارت خارجه، بازرسی مالی و دادستان ارتش بود. در تهران درگذشت از آثار وی: «طلوع آفتاب در اندلس»، «غروب آفتاب در اندلس».

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۱۲۰۸-۱۲۰۹)

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۲۶۷، ۲۲۶۵)،
مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۱۵۷۱۲)

قزاملو، جمیل. (س چهاردهم ق)، مورخ. از آثار وی:
«تاریخ نظامی ایران»، «تاریخ نظامی جنگ ایران و
مقدونیه»، «تاریخ نظامی جنگ ایران و هند»، «جنگ ایران
و روس»، «جنگ ده ساله یا جنگ اوان ایران و روس»،
«جنگ ایران و افغانه».

تدریج (۵، ۱۶۶-۱۶۷)، فهرستواره کتابهای فارسی (۲)
۹۱۲، ۹۱۳، ۹۲۱، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۹۵۳۹۳)

نزل ایباغ، حسینی. (وف ۱۳۲۶ ش)، پزشکی و
نویسنده. تحصیلات پزشکی خود را در فرانسه به پایان
رساند. چند دوره از طرف مردم سمنان و دامغان و جندق
و کالت مجلس را به عهده داشت. از رجال علم و ادب و از
پزشکان بنام بود و در مجله «یغما» مقالاتی از او به چاپ
رسیده است. در اواخر عمر کتابهای خود را به کتابخانه
دانشکده پزشکی و کتابخانه ملی اهدا کرد از آثار وی:
«پزشکی قانونی»، «حفظ الصحة عملی یا کلید صحت»،
«دستور مادران جوان»، «سوراک».

بهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۷۸، ۱۷۹)،
۱۲۲۹، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۳۹-۹۴۰)، بعد از
۷، ش ۱۰ ص ۴۷۸)

قزوین، نعم‌الدین علی بن عمر - دیوان قزوینی

قزوینی، ابوالحسن علی بن ابوطاهر احمد بن صباح.
(س سوم ق)، حافظ و محدث، معروف به علی بن
ابی طاهر. از اسماعیل بن قریه و هشام بن حمار و مطبقة
آنها حدیث شنید. ابوالحسن قطان و محمد بن حسن قاضی
و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. عبدالرحمن بن
ابی حاتم رازی از وی اجازه روایت داشت. خیلی او را
جزء مشایخ قطان ذکر کرده و گفته که در حدیث مورد
عتماد بود سال وفات وی را در دهه ۲۹۰ ق می‌دانند
سیرالسلا، (۲، ۸۸-۸۷)

قزوینی، ابوالحسن علی بن احمد بن صباح.
(۲۸۳-۳۸۱ ق)، قاری و محدث از یوسف بن عاصم رازی
و محمد بن مسعود اسدی و یوسف بن همدان حدیث
شنید. قرأت را از ابوعبدالله حسین بن عیسی ازرق و عباس

بن فضل بن شاذان فراگرفت. به بغداد رفت و همنشین
ابن مجاهد شد و با وی مناظره نمود و مدت زیادی
متصدی منصب قرئت بود. ابویعلی خلیلی قزوینی،
مصنف کتاب «الارشاد فی معرفة المحدثین»، از شاگردان
وی بود. او در کتابش به شرح حال استاد خود پرداخته و از
او حدیث روایت کرده است.

تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۱-۲۰/ ۲۷)، سیرالسلا
(۱۶/ ۲۹۱-۲۹۱، ۱۷/ ۶۶۶)

قزوینی، ابوالحسن علی بن محمد بن مهرویه. (وف
۳۲۵ ق)، محدث. سفرهای بسیاری در طلب حدیث نمود
و دو سفر به عراق رفت و به حجاز و یمن نیز سفر کرد. ابن
مهرویه از یحیی بن عبدک و محمد بن سهل بن رنجنه و
محمد بن عبدلعزیز دیوری و عمرو بن مسلمه و عباس
دوری و ابوبکر صمعی و احمد بن ابی خثیمه و حسن بن
علی بن عقیل و ابن ابی شیب و علی بن عبدالمعز و
نردیکانش ابراهیم بن بزه و دهری و حسن بن عبدالاعلی
حدیث شنید. محمد بن علی بن عمرو و ربیع بن محمد بن
احمد بن عثمان و حافظ عبدالله بن ابی رعه و اسماعیل بن
اسحاق بن ماک شجاع و ابوطاهر عبدالله بن خسرماه حنفی و
هن قزوین و ری از وی حدیث روایت کردند. ابن مهرویه
حدیثی را، که از نظر اسناد نه عالی بود و نه نازل،
نگاشت.

انساب سمعانی (۲/ ۲۹۵-۲۹۴)، تاریخ بغداد (۱۲/ ۶۹-
۷۰)، سیرالسلا، (۱۵/ ۳۹۶-۳۹۷)، لسان‌المیزان (۵/ ۹۱).

قزوینی، ابویوسف - ابن بشار قزوینی

قزوینی، امیر ابراهیم - تبریزی، میر ابراهیم/محمد
ابرهیم.

قزوینی، امیر محمد معصوم بن محمد فصیح. (وف
۱۰۹۹/۱۰۹۱ ق)، عالم امامی، حکیم، ریاضیدان، محدث
و مصنف. ریاضیات را در محضر ملا محمد باقر بزدی،
صاحب «عون الحساب»، فراگرفت. امیر محمد معصوم
در فلسفه و کلام شاگرد میرزا رفیع‌الدین نائینی
بود. «اصول کافی» را بر استادش قرائت کرد و از او به
دریافت اجازه نایل آمد. وی همچنین حاشیه استادش بر
«اصول کافی» را، در زمان حیات استادش تدوین کرد. او
معاصر آقا حسین خوانساری و ملا محسن فیض کاشی و

علی بن عمر (۶۸۳-۷۵۰ ق)، حافظ و محدث. در قزوین به دنیا آمد و در واسط نشو و نما یافت. وی در زمان خود محدث عراق بود و در بغداد درگذشت. از آثارش «المهرست».

لاعلام (۵/ ۲۱۸)، معجم المؤلفین (۷/ ۳۰۰)

قزوینی، سید ابوالحسن رفیعی، فرزند سید ابراهیم طالقانی (ح. ۱۳۹۵-۱۳۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه و مدرس. در قزوین به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اویل «فرائد» در قزوین خواند و پس از آن به تهران آمد و از محضر آیت الله آقا سید محمد تنکابی و آیت الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت الله آقا شیخ محمدرضا نوری استفاده نمود. حکمت و کلام را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا هاشم اشکوری و حاج فاضل رری و میرزا محمود قمی، و فنون ریاضی را از میرزا ابراهیم ریاضی رنجانی و آقا شیخ علی رشتی فراگرفت. در ۱۳۳۸ ق به قزوین رفت و پس از یکسال به تهران آمد و به تدریس «شرح لمعه» و «توانین» و «شرح منظومه» و «اشارات» در مدرسه عبدالله خان پرداخت. در ۱۳۴۰ ق که آیت الله حابری یزدی به قم رفت، وی نیز به قم مهاجرت کرد و از درس و بحث فقه و اصول ایشان استفاده نمود و خود به تدریس «کتاب» و «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری و «اسفار اربعه» و «شرح منظومه» پرداخت. در ۱۳۴۹ ق به دریافت «جازه» نایل شد. سپس به قزوین رفت و به تدریس خارج «کتاب» و «اسفار» و فقه و میراثیه جماعت و تفسیر قرآن پرداخت. در ۱۳۸۰ ق به تهران آمد و در مسجد جامع به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی مشغول شد. امام خمینی قسمتی از «اسفار» و «شرح منظومه» را در نزد وی خواند. وی در تهران درگذشت و جوارش به قم منتقل و در مسجد بالامر در جوار قبر آیت الله شیخ عبدالکریم حابری یزدی دفن شد. از آثار وی: تعلیقه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله در «ترتیب وجود»؛ رساله در «مبدأ و معاد»؛ رساله در «رجوع به قواعد عقلیه»؛ «شرح دعاء سحر»؛ حاشیه بر «وسیله» آیت الله اصفهانی؛ رساله عملیه.

بنده شورا (۱۸۲، ۱۸۴) - سات مقابل سلام و یزدان

(۶۲۰-۶۱۹)، گنجینه دانشمندان (۴/ ۴۶۷-۴۶۶) / ۵

(۵۶)، نشر دانش (ص ۳)، ش ۱، ص ۱۸۱۷

قزوینی، سید حسین بن امیر ابراهیم بن امیر محمد

سلا محمد تقی مجلسی بود. در حدیث، ریاضیات، حکمت و علوم عربی مهارت کامل داشت. از آثار وی: منتخب «الملل و النحل» شهرستانی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «الشفاء» ابن سینا؛ حاشیه بر «حاشیه حقیری بر شرح تجرید قوشچی»؛ حواشی بر «تعلیقات» میرزا رفیع دبیری؛ رساله‌ی در «ریاضیات».

الذریعه (۶/ ۱۱۲، ۱۸۴، ۲۲/ ۴۳۸)، رجحله (۴/

(۴۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۵۷۳-۵۷۲).

قزوینی، بهاء الدین ابومحمد طاهر بن احمد (وف. ۵۷۵ ق)، محدث و نحوی او به واسطه جماعتی از ثقات، از ادیب فاضل مجمع بن محمد بن احمد مسکی حدیث نقل کرده و کتابهای وی، «شرح النصیح» و «شرح لافاظ» و «دیوان النظم» و «دیوان الشعر» و روایت نموده است. رسمی در کتاب «التقریب» وی را ستوده و از صاحب تصانیف ذکر کرده است. شیخ متجرب الدین از شاگردان و دیوان شیخ بهاء الدین است.

الذریعه (۹/ ۱۷۱، ۱۳/ ۱۰۶)، روضات الجنات (۴/

۱۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵/ ۱۴۷)، فیه

مصحح الدیر (۱۰/ ۱)، معجمه (دیر/ طاهر).

قزوینی، حاج الدین ابوالحسن علی بن محمد بن احمد (وف. ۷۴۵ ق)، فاضل، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی ر قزوین و ساکن بغداد بود و در مدرسه نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می نمود. از آثارش: شرح «مصایح المنة» بموی؛ «المحیط بفناری انظار البسط»؛ «الرحاب»؛ در تصریف؛ «العجاب»؛ در سمر و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».

لاعلام (۵/ ۱۵۷) معجم المؤلفین (۷/ ۱۸۱)، مدیه

بدرین (۱/ ۷۱۹)

قزوینی، رضی الدین احمد - رضی الدین طالقانی، ابوالخیر.

قزوینی، رضی الدین محمد بن حسن - آقا رضی قزوینی

قزوینی، سرچ الدین / تاج الدین ابو حفص عمر بن

قزوینی، شمس‌الدین ابوالرضا/ابوالمظفر حامد بن ابی‌العمید بن امیر. (۵۴۶/۶۲۶-۵۴۸/۶۲۶ ق)، مفتی، محدث، مدرس و فقیه شافعی. در قزوین به دنیا آمد مصاحب و ملازم نعلب نیشابوری بود و خلاف را نزد وی آموخت و به همراه او به دمشق رفت. وی از شهدای کاشی، دختر احمد بن روح دیووری، و خطیب موصل و سحر ثقی حدیث شنید. شهاب‌الدین عبدالحمید بن تیمیه و محمدالدین ابن عدیم و پدرش از وی روایت کرده‌اند. قاضی تقی‌الدین سلیمان حسلی و برنصر محمد بن شیرازی از وی اجازه روایت داشتند. وی شیخ شافعی و عهده‌دار منصب قضاوت در حمص بود؛ مدتی نیز در حلب درس و فتوا می‌داد. وی پدر عمادالدین قزوینی است که از مدرسین رمان خود بود.

سیرالنبلا. (۲۳/۶۴۳)، الرافعی بالریاض (۱۱/۷۸۰)

قزوینی، شیخ ملا اسماعیل بن علی بن معصوم. (س) دوازدهم و سیزدهم ق)، فقیه و عالم امامی اصل وی از قزوین بود او پدر ملا عباس قزوینی، صاحب «اسرار الصلاة»، می‌باشد. آثار وی «انساب الانساب فی اثبات النبوة الخاصة من الکتاب السماویة»، که در آن آیات قرآنی و احادیث قدسی و آنچه در سایر کتابهای آسمانی نازل شده بر انبیا پیشین دلالت بر نبوت خاصه حضرت محمد (ص) دارد، را به فارسی ترجمه کرده است.

عیان الشیعة (۲/۱۲۶، ۳۹۲)، الذریعة (۲/۳۵۵-۳۵۲)

ریحانه (۲/۲۲۸)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳/۱۳۶)

۱۳۳، لست‌نامه (دیل/مروسی).

قزوینی، عماد‌الدین / عمیدالدین / جمال‌الدین، ابویحیی/ابوعبدالله زکریا بن محمود/محمد بن محمود اصفهاری. (۶۰۵/۶۸۲-۶۸۳/۶۸۳ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی نسبت به مالک بن انس اصفهاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد ابوالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن طاروس، سید عیادت‌الدین حیدر لکریم بن احمد بن طاروس، مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حلب و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود. در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره شویزه دفن شد. از آثار وی: «انوار البلاد و اخبار العباد»،

معصوم حسینی تبریزی. (ح ۱۱۲۶-۱۲۰۸ ق)، فقیه و عالم امامی از اهالی تبریز بود در ابتدا از پدرش و برادرش، سید محمد مهدی، و همچنین از شهید سید نصرالله حائری و شیخ حسین ماحوزی و ملا محمد قاسم بن محمد رضا تکهانی مشهور به سراب و ملا محمد علی جزینی، شاگرد صاحب «الوساقل»، اخذ علم کرد. وی از معاصرین آقا محمد باقر بهبهانی و از اساتید صاحب «ریاض» و میرزای قمی و از مشایخ اجاره روایتی سید مهدی بحرالعلوم بود. سید حسین قزوینی از طریق پدرش، امیر ابراهیم، ز علامه مجلسی و شیخ جعفر قاضی و آقا جمال خراسانی روایت کرده است. وی در قزوین درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «معارج الاحکام» در شرح «مسالك الافهام» و شرائع الاسلام؛ «تذکره ائمه»، در اصول دین؛ «اللبلی الثمینه و الدراری الرزینه» که قطعه‌ای از آن در شرح حال است؛ «مستقصی الاجتهاد فی شرح دخیرة العباد و الارشاد»؛ «بیضاح المحجة»؛ «اختیار المذهب»؛ «الدر الثمین فی لمسائل الاربعین»؛ شرح «الارشاد» به نام «پراهن السداد»؛ «رفع الالتباس»؛ «قصد المفلوک»؛ «مواهب الوداد»؛ «عنه الاختصار»؛ منظومه «نظم الراهان و سمط الامان»؛ شرح آن.

لاعلام (۲/۲۷۲)، عیان الشیعة (۵/۴۱۴)، الذریعة (۶/۵۱۱)

۵۱۱، ۲/۱۲۹۸، ۴/۳۰، ۸/۵۲، ۹/۱۲۶، ۱۸/۲۵۸

۲۵۹، ۱۱/۱۸۰-۱۷۸، ۱۲/۲۱۰-۲۱۰، ۲۱/۲۱۰، ۲۲/۲۱۰، ۲۳/۲۱۰، ۲۴/۲۱۰، ۲۵/۲۱۰

۲/۲۵۴-۲۵۶، ریحانه (۴/۴۲۹)، طبقات اعلام الشیعة

(قرن ۱۳/۲۷۳-۲۷۵)، نعت نامه (دیل/حسینی)، معجم

المؤلفین (۳/۳۰۷)، مکام الآثار (۲/۳۳۹)، مؤلفین کتب

چاهی (۲/۶۸۹-۶۹۰)، میثود (۲/۳۵۳، ۳۳۴، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱،

در جنر فی، که ظاهراً در «کشف الطنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و عجائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در در مقاله مقاله نخست در صویات و مقاله دوم در سقليات به نام مستطال معرالدین شهپور این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است، اما در حقیقت حکم دائرةالمعرف واحدی دربره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و به فارسی، آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

الاعلام (۳/ ۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۷۹-۲۸۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۶)، الدرر (۱/ ۷، ۱۵/ ۲۱۹)، راجعات الحسان (۲/ ۳۷۳)، ریحانه (۴/ ۴۵۳)، کشف الطنون (۹، ۲۶، ۱، ۱۱۲۷-۱۱۲۸)، الکی واللقب (۳/ ۶۱-۶۲)، معجم المؤمنین (۲/ ۱۸۳)، میبدر (۲/ ۵۳-۸۳۷)، مدیه الاحیاء (۲۱۶)، هدیه العارفين (۱/ ۳۷۳)

قزوینی، محمد - محمد قزوینی، فرزند عبد لعی

قزوینی، ملا خلیل بن غازی (۱۰۸۹-۱۰۰۱ ق)، علم امامی، محدث، فقیه، منکم و نحوی اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. از شاگردان شیخ بهایی و میر داماد است. او شریک درسی خدیجه مستطال ویران شریک حاح محمدرسانی و ملا حسین پردی بود. وی از معاصران شیخ حر عاملی و ملا محسن فخر کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا راضی اندن قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده دار تولیت حضرت عبدالعظیم (ع) و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را سرگزید. سپس به قزوین بازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگذشت و در مدرسه اش دفن شد. از آثار وی، حاشیه بر «صحیح البیان» طبرسی؛ «رموز التماسیر الواقعة فی الکافی» و «الروضه»؛ «الصادق فی شرح الکافی»؛ به فارسی؛ «الشافی فی شرح الکافی»؛ به عربی؛ «المجمع»؛ در نحو؛ «الرساله النجمیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرح «هدایة الاصول»؛ شرح طوسی یا حاشیه بر «العدة»؛ در اصول فقه

الاعلام (۲/ ۲۶۹-۲۶۸)، اعیان الشیعه (۶/ ۳۵۶-۳۵۵)، الدرر (۲/ ۸۲، ۵/ ۱۲۲، ۶/ ۱۲۸، ۱۱/ ۲۵۱، ۱۲/ ۵۴، ۱۵/ ۲۶۸، ۲۰/ ۲۸۲-۲۸۱)، راجعات الحسان (۳/ ۲۵۷-۲۶۲)، ریحانه (۴/ ۴۵۲-۴۵۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۳، ۲، ۲۰۲)، نشت نامه (دبلیو/ خلیج)، معجم المؤمنین (۲)

(۱۲۵)، میبدر (۲/ ۱۷۳)، هدیه العارفين (۱/ ۲۵۲).

قزوینی، ملا عبدالوهاب گنیزوری، فرزند حاج عبدالعلی گدحایی. (۱۲۶۳-۱۳۰۶ ق)، مدرس و نویسنده. معروف به ملا آقا وی در گلپور از توابع قزوین به دنیا آمد ابتدا از مدرسین مدرسه دوستعلی خان معیرالملک در تهران بود و چون در علوم ادبی و شرح حال علما و رجال اسلام تبحر داشت، از طرف علیقلی میرزا اقتصاد السلطنه، وزیر علوم، به همراهی سه نفر دیگر برای توشیح «نامه دانشوران» سرگزیده شد. پیشتر شرح احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور نوشته اوست. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثار او کتاب «رجال المولای عبدالوهاب» است که شیخ قاسم تبریزی در «الدرر» آن را ذکر کرده است.

الدرر (۱۰، ۱۳۰)، شرح حال رجال (۲/ ۲۱۷، ۶/ ۱۵۲)، المآثر والأثر (۶۱)، میبدر (۲/ ۱۵۶)، نامه دانشوران (۱/ مقدمه)، یادگار (س ۵، ش ۱، ص ۴۵).

قزوینی، میرزا محمد خان، فرزند ملا عبدالوهاب. (۱۲۹۴-۱۳۶۸ ق)، محقق و مصحح مشهور به علامه قزوینی در تهران به دنیا آمد پدرش از مؤلفین کتاب معروف «نامه دانشوران» بود. وی تحصیلات علوم قدیمه را در تهران به پایان رساند و صرف و نحو را در خدمت پدرش و حاح سید مصطفی قزاق آبادی در مدرسه معیرالملک فراگرفت. فقه را در محضر قزاق آبادی، حاح شیخ محمد صادق تبریزی و حاح شیخ فضل الله نوری تحصیل کرد و سپس کلام و حکمت قدیم را در مدرسه خان مروی نزد حاح شیخ علی نوری آموخت و اصول فقه را در خدمت ملا محمد املی و آقا میرزا حسن آشتیانی تحصیل کرد. استادان دیگر وی شیخ هادی نجم آبادی و سید احمد ادیب پشاور، شمس العلماء شیخ محمد مهدی قزوینی، میرزا محمد حسین فروغی ذکاء الملک و محمد علی فروغی ذکاء الملک بودند که از این شخص اخیر زبان فرانسه را نیز آموخت. در ۱۳۲۲ ق به لندن سفر کرد و با خاور شناسان بزرگ انگلیسی چون ادوارد پررون آشنا شد و با آنها در مسایل فرهنگی ایران همکاری کرد. بعد از چندی به پاریس عزیمت نمود و در آنجا با خاور شناسان سامی چون لویی ماسیتون و هاروی ماسیه آشنا شد و با آنها همکاری داشت. در ۱۳۱۸ ش بعد از ۳۶ سال اقامت در اروپا به ایران بازگشت و پیوسته به تعلیم و

امامی، فقیه و شاعر. اصل وی از قزوین بود. نسبش به محمد بن زید فرزند علی بن حسین (ع) می‌رسد. در حله به دنیا آمد. در سنین بلوغ به همراه دو برادرش، سید حسین و میرزا جعفر، به نجف مهاجرت کرد و معقول و منقول را به طور کامل فراگرفت. در ۱۳۱۳ ق به اصرار مردم حله به حله بازگشت. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره مخصوص آل قزوین دفن شد. از آثار حیرش در حله: بازسازی نهر حله و تعمیر صور علمای حله همچون قبر آل طووس، ابن ادریس و شیخ وزام می‌باشد. از آثار علمی وی، رساله‌ای در تجوید، «حبوبه العرفه»، یا «ارجره فی الارث»، منظومه عربی، «ارجره فی حدیث انکساء»، «دیوان» شعر.

النسبه (۱/ ۲۵۵-۲۵۲، ۲۷۰-۲۷۱، ۲۴۴/ ۶)، ریحانه (۲/ ۲۵۵-۲۵۴)، علماء معاصرين (۱۱۱)، الکتی و الانتخاب (۳/ ۶۳-۶۴)، مکتوب (۲/ ۴۲، ۴۵، ۴۶).

قزوینی حلی، ابوموسی / ابوالهادی سید میرزا جعفر

بن سید مهدی / محمد مهدی بن سید حسن حسینی (۱۲۵۳-۱۲۹۷/ ۱۲۹۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمد. جد مادری‌اش شیخ علی بن جعفر کاشف العطاء است. در مقدسات شاگرد پدرش بود. آنگاه به نجف رفت و فقه را در محضر دایه‌های شیخ مهدی و شیخ جعفر، فرزند علی بن جعفر کاشف العطاء، و اصول را در محضر شیخ مرتضی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا آن‌وی به دریافت اجازه اجتهاد نایل گشت. او به توبه خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صحن شریف دفن گشت. در مرگ او بیست و دو شاعر بزرگ عرب مرثیه سرودند که سید حیدر حلی تمامی آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان» گردآوری کرده است. از آثار وی، کتاب «اشراقات»، در منطق، «التلویحات المرویه»، در اصول فقه، با عنوان «مختصر التلویح» - «تویح» «دیوان» شعر.

عیان النبی (۴/ ۱۸۸)، النبی (۲/ ۲۳۰)، ریحانه (۲/ ۲۲۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۲۶۹-۲۷۱)، الفحیمه (دیس / قزوینی)، معجم رجال نجف (۳/ ۹۸۸-۹۸۹)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۵۱)، مکالم الاثر (۴/ ۹۸۸-۹۸۹).

تدریس و مطالعه پرداخت و استاد دوره دکترای دانشکده ادبیات بود. وی در تهران وفات یافت و در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، در آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی، دفن شد. از آثار وی «رساله مدحین سعدی»، «مقاله تاریخی و استقادی در باب کتاب نهضت امصدیره»، «یادداشت‌های قزوینی»، «مقدمه کتاب نفعه الکاف»، تصحیح «مقدمه قدیم شاعری» و تصحیح کتبهای: «تاریخ جهانگشای حویسی»، در سه جلد، «تذکره الاولیاء»، «چهار مقاله عروضی سمرقندی»، «نات الالباب»، «امرویان نامه» و «دیوان حافظ شیرازی» با همکاری دکتر قاسم غنی مجموعه مقالاتی تحت عنوان «بیست مقدمه قزوینی» نیز توسط ابراهیم پورداوود و عباس اقبال آشتیانی، به نفعه دینشده ایرانی، انتشار یافته است.

از نیمه روزگار ما (۱۱۱-۱۰۸)، بیست مقاله (۱/ ۳۰-۲)، ریحانه و جمال و مشهور (۵/ ۱۷۸-۱۷۴)، شرح حال رسال (۳/ ۲۳۷)، گزارش مانی (۵۲۹-۵۲۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۷۷-۶۸۷).

قزوینی، نجم‌الدین عبدالغفار بن عبدکریم بن عبدالغفار (وف ۶۶۳، ۶۶۵ ق)، ریاضیدان و فقیه شافعی در قزوین به دنیا آمد. در فقه و حساب و حسن احتساب و طولانی داشت. از آثار وی: «الالباب»، در فقه، و «العطاء»، در شرح «الالباب» کتابی در «حساب»، «الحادی الصغیر فی المروج»، که ابن‌الوردی آن را در پنج هزار بیت به نظم کشید و «نهجه الحادی» نامید.

الاعلام (۲/ ۱۵۷)، ریحانه (۶/ ۱۲۱)، کشف القصور (۵۲۵، ۱۵۴۳)، لست‌نامه (دیل / عبدالغفار)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۶۸-۲۶۷)، حلیه العارفین (۱/ ۵۸۷).

قزوینی اصلی، ابوالفرج محمد بن علامه ابی حاتم محمود بن حسن انصاری. (وف ۵۰۱ ق)، فقیه و محدث از پدرش و منصور بن اسحاق و سهل بن ربیع حدیث شنید. ابن‌ناصر و شهید و ابن‌الخلز زوی روایت کرده‌اند. وی در مدینه بر سلمی املائی حدیث کرد. در اصل درگذشت.

سیرالنبلاء (۱۹/ ۲۱۸-۲۱۷)، شذرات الذهب (۴/ ۳)، العبر (۲/ ۴۸۲).

قزوینی حلی، ابوالمعر سید محمد بن معزالدین سید مهدی بن سید حسن حسینی. (۱۲۶۲-۱۳۳۵ ق)، عالم

(۱۴۲۵-۱۴۲۶)

قزوینی حلی نجفی، معزالدین سید محمد مهدی / مهدی بن سید حسن بن سید احمد حسینی. (۱۲۲۲-۱۳۰۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجال و شاعر اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید هرند، امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر میر نامیدند، تا در مقابل یکی از فرزندان زادگش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استعاده کرد و از آنها اجازه روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه سلامه نووری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تحریر که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم نظیر بود. در بازگشت از حج درگذشت و در نجف، در مقبرة آل قزوین دفن شد. اثر وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الراخرو فی اصول الاراثل و لاواخر»؛ «تفسیر سورة الاخلاص، الفاتحة و القدر»؛ «قلک لنجاه فی احکام الهداة»؛ «التقیة»؛ «آیات الوصون الی علم الاصول»؛ در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «العراش»؛ در اصول؛ «بصائر السالکین»؛ در شرح «تبصرة المتعلمین» علامه حلی؛ «الانفال»؛ در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «معانی الاقوال»؛ «مواعظ الافهام»؛ در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصورام الماخیه لرد الفرقه الناهیه و تحقیق الفرقه الناجیه»؛ در امامت؛ «آیات المتوسمین»؛ در حکمت الهی؛ «منظومه تامه»؛ در اصول منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.

الاصلام (۷/ ۳۳۵)، احیاء الشیعه (۱۰/ ۱۴۵-۱۴۶)،
خانه مستدرک الوسائل (۲/ ۱۲۷-۱۳۶)، الدرر (۱/ ۲۸، ۲۹، ۳۲۹، ۳۶۲، ۳۸۵، ۴۲، ۴۸، ۴۷۴، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷

السنة و منتخب المرائد الحسنية»، در تلخیص کتاب «الموائد الحاتریة» استادش آقا محمد باقر بهمانی، و این ملخص را شرح کرده و آن را «تفحیح المفاصل الاصولیة» نامید

لاعلام ۶/ ۳۲۳، عیدالشمسه (۱۷۸/۹)، ابصح الکتون (۱/ ۳۱۸، ۶۰۱)، الذریعه (۴/ ۳۶۵، ۱۱/ ۳۲۸، ۱۸/ ۳۶۰، ۲۱/ ۹۳، ۲۲/ ۲۰۹، ۲۴/ ۳۷۲) روایات الحناث (۲/ ۲۹۵-۲۹۶)، طبقات اعلام الشیعه (۱۳/ ۳۵۵، ۳۵۲)، طرائق الحقائق (۳/ ۳۴۲-۳۴۰)، فارسیه تفسیری (۲/ ۹۳۲، ۱۱۱۵، ۱۱۱۹، ۱۱۶۲)، معجم المصنفین (۹/ ۲۲۲)، مکسوم الآثار، ۴، ۱۰۹۹-۱۱۰۲، هدیه المعارفین (۲/ ۳۵۷).

قزوینی فارسی، سراج الدین ابوحنیفه عمر بن عبدالرحمن بن عمر بهبهانی، (وف ۷۴۵ ق)، مفسر و فارسی، او بر فواید اندین شیرازی تراثت کرد. از علوم مختلف بهره‌ها داشت، بریزه در عربیت ماهر بود وی در جوانی قبل از چهل سالگی درگذشت از آثار وی: «الکشف علی لکشاف» یا «الکشف عن مشکلات الکشف»، در تفسیر که به حاشیه‌ای بر «کشاف» زمخشری است؛ «نصیحه المسلم لمشتق لمن ابتلی بحب المنطق».

الاعلام (۵/ ۲۰۸)، شلوات الذهب (۶/ ۱۴۴-۱۴۳)، کشف النظمون (۱۲۸۰، ۱۹۵۸)، معجم المصنفین (۷/ ۲۸۹)، مهجور (۲/ ۸۷۱)، هدیه المعارفین (۱/ ۷۸۹).

قزوینی کاظمی، سید مهدی بن صالح موسوی (۱۲۷۲-۱۳۵۸ ق)، عالم امامی، در کاظمین به دنیا آمد و همانجا نشو و نما یافت، سپس در کربت ساکن شد. سرانجام به بصره منتقل شد و تا پایان عمر آنجا بود. پیکر وی در نجف دفن شد. از آثارش: «حلیه السجیه» یا «حلیه السجیه» یا «حلیه السیبه» در رد مادیون، «برهان الدین الوثیق» در رد «هملة التحقيق» «نبصرة الحر الرشید»، در رد «الدوالصید»، در تفهید: «حق علی الحق» در رد کتاب «المسح فی الاسلام».

لاعلام (۸/ ۲۵۷)، الذریعه (۳/ ۹۵، ۳۱۷، ۷/ ۶۲، ۸۵۸-۱۲۸)، مینور (۲/ ۱۷۳، ۳۱۰، ۳۱۷).

قزوینی یردی، شیخ عیدالدینی، فرزند محمد تقی، (ح ۱۱۲۵-۱۱۹۷ ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی اصل وی از قزوین و ساکن یرد بود. او

دانشمندان بزرگ شیعه و در زمان خود در بین اقربان ممتاز بود. در عصر او یکی از غلات اهل تسنن و نواصب نواحی ری مجروحهای در رد مذهب شیعه نگاشت. عیدای شیعه در آن وقت همگی اذعان داشتند که جوابگیری به آن شیعه عبدالجلیل قزوینی است از آثار وی کتاب بعضی مثالب النواصب فی نقض بعضی فصایح الروافض یا «کتاب النقض» یا «نقض الفضايل» به فارسی، که آن را به دستور سید مرتضی کبیر شرفالدین محمد بن علی دیباجی در ۵۵۶ ق نوشته و آن را به نام صاحب الزمان (ع) آغار کرده است؛ «البراهین»، در امامت امیرالمؤمنین (ع)؛ «السؤالات و الجوابات»، در هفت مجلد؛ «مفتاح التذکیر» یا «مفتاح المراحات فی فنون الحکایات»؛ «نزهة عارضة».

تاریخ طهم و نشر (۱۲۵)، الذریعه (۳/ ۷۸، ۱۲۰، ۲/ ۲۵۷، ۱۲/ ۲۵۱، ۲/ ۳۲۲، ۳۳۰، ۲۳/ ۲۸۲-۲۸۳)، ریاض الصماء (۳/ ۷۳۰-۷۳۱)، طبقات اعلام الشیعه (نرون ۶/ ۵۵-۱۵۴)، بهرمت مستحب الدین (۱۲۹).

قزوینی شیرازی، محمد حسن بن محمد معصوم/ حاج معصوم حاتری، (وف ۱۲۴۰ ق)، عالم امامی، مدرس، راعظ و فقیه اصولی. وی به سبب مهاجرت از اصول به اصولی مشهور بود اصل وی از قزوین بود، در پی تحصیل علم به عتبات رفت و در کربلا سکس گزید و حاتری نامیده شد. از محضر آقا محمد باقر وحید بهبهانی استفاده نمود و از او و ز سید بحر العلوم به دریافت آچاره نایل شد. وی علاوه بر تحصیل به تجارت نیز می پرداخت، در پی تجارت به بصره و از آنجا به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد و در مسجد نور به امامت جماعت پرداخت و تدریس و همچنین وعظ نیز می کرد و در طی آن به امر تجارت نیز مشغول بود. مرشدش، حاج محمد حسین، و حاج علی اکبر نواب بسمل و آقا نعمتی فگار شیرازی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و جنازه اش را به عتبات بردند و در کربلا در رواق پیرین پای شهدا در جوار استادش، آقا محمد باقر بهبهانی، دفن کردند. از آثار وی: «نصایح الهدایة»، در شرح «بداية الهداية» شیخ حر عاملی، در فقه؛ «کشف الغطاء عن وجوه مراسم الافتاء»، در اخلاق که مورد قبول اخلاقی بزرگ ملا حسینقلی همدانی بوده و به تمام شاگردانش رجوع به این کتاب را سفارش می کرده؛ «ریاض الشهادة و کنوز السعادة فی مناقب السادة و مصائب المرور الميامین القادة»، مقل فارسی، و مختصر آن به نام «نور العیون»؛ «مختصر الموائد

بن دینار و مطر الزرق و ایوب و ابوهارون عسی و حصین بن عبدالرحمن و ابواسحاق همدانی و یحیی بن سعید انصاری و اس عجلان و احمش و مطرب بن طریف و یرید بن ابی زکریا و دیگران حدیث شنید. ابن مهدی و تقی و قه بی و عبدالله بن عائشه و حمص بن عمر حوصی و حمص بن عمر صریح و شیخان بن فروخ و عبدالصمد بن عبدالوارث و علاء بن عبدالجار و ابو عبیده حدود و عبدالله بن رجاء و عبدالله بن معاویه جمعی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و سانی در «اصحاح» خودشان از وی حدیث نقل کرده‌اند. یحیی بن معین و هدهدی دیگر وی را ثقة خوانده‌اند. یحیی بن اسحاق سیلحینی که از راویان اوست او را از خویان توصیف کرده است وی ساکن نصره بود و در همانجا درگذشت.

الاعلام بوفیات الاعلام (۱/ ۱۰۷)، انساب سمعانی (۴/ ۵۰۰)، تهذیب فقهیپ (۶/ ۳۱۳)، الجرح و التمدیل (ج ۲ ق ۲/ ۲۹۴-۲۹۵)، سیر النبلاء (۸/ ۱۹۲-۱۹۳)، شذرات الذهب (۱/ ۲۶۲)، المعبر (۱/ ۱۹۳)

قسمی افشار، قاسم بیگ، فرزند عباس بیگ افشار (مقتول ۹۸۹ ق)، شاعر، متخلص به قسمی. در دوره شاه نظام الملک صفوی می‌زیست. از امیرزادگان افشار بود. وی با وحشی بافقی شاعر معروف معاشرت داشت و شاگرد وحشی بود. قسمی سرنجام به دست خواجه مراده خرد به قتل رسید. آبتی قایی در «هارستان» او را سرحدی و پتو بردی در «آتشکده یردان» او را یردی و مقیم یزد شمرده است. در برخی از تذکرها وی تحت عنوان قاسم قسمی و قسمی افشار ذکر شده است از اوست:

خدا به شکوه ریسال من آشنا نکند
من و شکایت آن بی‌و خدا نکند
مراسم بخت ربونی که بی‌ولا طلب است
قسمی شود که سرا سیر بی‌وفا نکند

آتشکده آذر (۱/ ۸۲-۸۳)، چهارستان آبتی (۲۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۰-۵۰۱)، تذکره سخنوران یرد (۲۲۸-۲۲۹)، الذریعه (۹/ ۸۸۲)، فرهنگ سخنوران (۲۲۲)، ... نامه (دیل / قاسم بیگ)، مجمع الخواص (۶۵۶۴)، نتایج الانکار (۵۶۴۱)

قشماپی، سرزا جهانگیرخان - جهانگیر خان
نشقایی.

عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) است. در سفر حج در ۱۱۷۵ ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آ - جدا - نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نمایند. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجاء به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الامل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در ۱۱۹۱ ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلغی کرده است. قزوینی تقریظی بر «مشکاة الهدایة» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در ۱۱۹۷ ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر منتهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خراسانی و محقق سسوزاری روایت کرده‌اند. قزوینی تعلیقاتی بر رساله «مطالب انفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.

خاتمه مستدرک الوسائل (۲/ ۱۰۵-۱۰۶)، الذریعه (۲/ ۲۰۷، ۲۳۹-۲۴۰، ۲۶۲-۲۶۳، ۲۶۴-۲۶۵)، ریحانه (۴/ ۲۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قزوین ۱۲/ ۲۷۶-۲۷۷)، فوائد الرضویه (۲۵۹)، لست‌نامه (قزوین ۱/ ۲۷۶-۲۷۷)، مجمع‌المؤلفین (۶- ۲۰) مدبه الاحیاء ۱

قسمتی استرآبادی، ملا محمدعلی، (م دهم و بازدهم ق)، شاعر مدتی در خدمت میرزا بیگ فندرسکی که از سادات و اعیان استرآباد بود، ملازم داشت. به هندوستان رفت و در دکن ساکن شد. وی را شاگردان خواجه حسین ثانی بود. غزل و رباعی و مثنوی را خوب می‌سرود به گفته تقی‌الدین وحیدی در گلکنده، در سالهای ۱۰۲۲-۱۰۲۴ ق، درگذشت. از آثار وی مثنوی «واقف و هذرا»

تاریخ نظم و نثر (۵۱۹-۵۱۸)، تذکره روز روشن (۶۵۹)، شعرای مازندران و گرگان (۲۳۵)، فرهنگ سخنوران (۲۲۲)، کاروان هند (۲/ ۱۱۲۵-۱۱۳۶)، مجمع الخواص (۲۲۹-۲۳۰)، منظومه‌های فارسی (۲۸۲)، هست‌نیم ۳۱ (۱۲۳-۱۲۴)

قسمتی خراسانی سرزوی، ابوزید عبدالعزیز بن مسلم (وف ۱۶۷ ق)، محدث، فقیه و راهد. وی از عبدالله

پس از درگذشت در آنجا دفن شد. در ۱۱۷۶ ق کلیات ادبوان وی، در حدود یک هزار و پانصد بیت، در کتابخانه احمد شاه، پادشاه دهلی، بوده است. در مجموعه ادبوانهای مجلس، حدود هشتصد بیت از غزلیات او (از ردیف الف تا د) موجود است. «دبوان» وی برای اولین بار در ۱۳۲۸ ش با تصحیح و مقدمه پرتو بیضایی به چاپ رسید.

نسخه ساس (۶۶۵-۶۶۶)، تفکر المعاصرین (۱۲۰، ۲۲۱)، ۳۸۳-۳۸۸، دبوان شعر (مجموعه)، الترمذی (۹/ ۴۵۱)، ۸۸۲، صبح گلشن (۳۳۱-۳۳۲)، فرهنگ سخنوران (۴۵۶)، فهرست نسخهای خطی فارسی (۳/ ۲۴۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۲۱-۹۲۲).

قصار نیشابوری، ابوصالح حمدون بن احمد بن عماره، (وف ۲۷۱ ق)، صوفی، عالم و فقیه. اهل نیشابور، شیخ و امام طریقه ملامتیه بود. وی بر مذهب سغیان نوری بود. قصار استاد زاهد معروف عبدالله مازن است و گویا هیچ کس از شاگردان وی به مانند ابن مازن از صریقه و نقوب پیروی نکرده است. از محمد بن بکاکر بن رزاق و ابن راهویه و ابومعمر همدانی حدیث شنید و کسانی چون فرزندش و حافظ ابوحامد اسمعیلی و مکی بن حیدان و ابوجعفر بن حمدان از وی حدیث شنیدند. یا سلم بن حسن باریسی و ابوتراب نخعی و علی نصرآبادی و ابوحق نیشابوری دوستی داشته است. وی در نیشابور از دنیا رفت و در حیره به خاک سپرده شد. شلمی جرعی از «حکایات حمدون» را جمع آوری کرده است. از سخنان اوست: «از مصیبت کسی بی تاب می شود که در حدای خود شک کند و کلام او را باور نماند».

انساب سمائی (۴/ ۵۰۸)، تاریخ گزیده (۶۴۴)، ترجمه ساله تشریه (۴۹)، چشمتجو در تصوف (۳۳۸-۳۴۲)، حسیه الاویاء (۱۰/ ۲۲۱-۲۲۲)، سیرالنبلاء ۲/ ۵۱-۵۱، طبقات الصوفیه سلمی (۲۳/ ۱۲۹)، طبقات الصوفیه هروی (۱۲۱-۱۲۲)، کشف المحجوب (۱۵۶-۱۵۷)، مجمل مصححی (دیل / سال ۲۷۱)، صفحات الانس (۵۹).

قصیر رضوی، سید محمد بن میرزا مصمم، (وف ۱۲۵۵ ق)، فقیه و عالم امامی. به جهت تمیزش از سید محمد بن حبیب الله رضوی مشهذی ملقب به علم الهدی، که معاصر با وی بود به سید قصیر معروف شد. وی از

قشیری، ابونصر عبدالرحیم بن عبدالکریم بن هوار، (وف ۵۱۴ ق)، عالم و راعظ. به علت انتساب به قبیله بنی قشیر، به قشیری شهرت یافت. در زمرت حج به بغداد رفت و در آنجا وعظ گفت. به خاطر او بین حنابل و شافعیان اختلاف افتاد، نظام الملک برای فرو خوراندن فتنه او را به اصفهان دعوت کرد و وی به اصفهان رفت و در آنجا مورد اکرام واقع شد. سپس به نیشابور بازگشت و در آنجا به وعظ و تدریس مشغول شد. قشیری در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «المقامات و الاداب».

الاعلام (۲/ ۱۲۰)، انسب سمائی (۲/ ۵۰۲)، المعیر (۲/ ۳۰۳).

قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج - مسلم بن حجاج بن مسلم

قصاب املی، ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالکریم، (س چهارم ق)، عارف و صوفی وی سید محمد بن عبدالله طبری و معاصر با عسکالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ ق) بود. او از مشایخ صوفیه امل و طبرستان بود، و ابومعید ابوالخیر و شیخ ابوالحسن خرقانی از شاگردان وی بودند. گویند که او امی بود و از علوم صاهری مهرهای نداشت، اما مشکلات و مسائلی که در هر کس از برای دیگران به وجود می آمد، به آسانی حل می کرد.

اسرار التوحیدیه تعقیقات (۶۶۰)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۵۳-۲۵۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴)، تذکره الاولیاء (۲/ ۱۸۴-۱۸۷)، ترجمه رساله تشریه (۸۵)، ریحانه (۴/ ۴۶۲)، طبقات الصوفیه هروی (۲۷۲-۳۷۵)، طرائف العقائق (۲/ ۳۵۲-۵۰۹-۵۱)، کشف المحجوب (۲۰۲-۲۰۳)، بحث سمد (دیل / ابوالعباس - نامه دانشوران ۵) ۱۸۹-۱۹۲)، صفحات الانس (۲۹۲-۲۹۵).

قصاب کاشانی، معید / اسمعیل، (س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به قصاب. اهل کاشان و حرفه وی قصابی بود. گویند که عمی بوده و اشعار زیادی از دیگر شاعران حفظ داشته است. او در مجلس شعر حاضر می شد و در گفتن غزلها با آنها همکاری می کرد. معاصر و معاشر با صائب بربری بود و اشعار خود را نزد وی می خواند و نزدش تلمذ می کرد. قصاب با آنکه خط و سواد نداشت، «دبوان» شعرش به بیست هزار بیت می رسید در آخر عمر شاهری را کنار گذاشت و در مشهذت آخر عمر ساکن بود و

عبدالرحمن بن محمد قزوینی و قاسم بن ابی منذر خطیب از وی حدیث شنیده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که وی شیخی عالم به جمیع علوم و تفسیر و فقه و نحو و لغت بود. جماعتی از شیوخ قزوین گفتند که قطان مانند خود در زهد و فصل ندیده است

تذکره الحفاظ (۳/ ۸۵۶-۸۵۷)، سیر النبلاء (۱۵/ ۴۶۳-۴۶۵)، شذرات الذهب (۲/ ۳۷۰)، طبقات الحفاظ (۳۵۴-۳۵۵)، العصر (۲/ ۷۰)، معجم الادباء (۱۲/ ۲۱۸-۲۲۱)، النجوم الزاهرة (۳/ ۲۵۹-۲۶۰)

قطان مروزی، عین الزمان ابوعلی حسن بن علی بن محمد (۴۶۵-۵۴۸ ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد، ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در تنه عزان گشته شد. قطان در صروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «کیهان شاخت» یا «کیهان شاخت» و «احسن شاخت» است. از دیگر آثارش «الدوحة»، در انساب، «رسائل»، در طب.

الاعلام (۲/ ۲۱۹-۲۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۹۴-۳۱۲-۳۱۳)، ۹۶۵-۹۶۷، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷)، ثمنه صوان المحکمه (۹۱)، الذریعه (۸/ ۲۷۱-۲۷۲، ۱۸/ ۲۵۵-۲۵۶)، کارنامه بزرگان (۲۶۵)، معجم المومنین (۲/ ۲۶۰)

قطان نیشابوری، ابوبکر محمد بن حسین بن حسن (وف ۳۳۲ ق)، محدث و مستند. وی شیخی صالح و مسند حراسان بود. از احمد بن ازهر و محمد بن یحیی و احمد بن یوسف سلمی و ابوزرعه رازی و احمد بن منصور زاح و عبدالرحمن بن بشر یا بشیر بن حکم و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوبکر بن اسحاق صیغی و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابو عبدالله بن منده و محمد بن حسین علوی و محمد بن ابراهیم جرجانی و ابوطاهر بن محمدر و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

انساب سمعانی (۴/ ۵۱۹-۵۲۰)، سیر النبلاء (۱۵/ ۲۱۸-۳۱۹)، شذرات الذهب (۲/ ۳۳۲)، العصر (۲/ ۲۳)، الواح بالوجبات (۲/ ۳۷۲)

نطب جامی، نطب الدین ابوالفتح محمد، فرزند

بزرگترین قصای سادات رصوی مشهد و از شاگردان صاحب الزاهر و آیت الله بحر العلوم و محقق بهبهانی و شیخ جعفر کاشف الغطا بود. ملا سروز علی مصفاوی صاحب «فردوس التواریخ» از شاگردان وی می‌باشد، که به شرح حاشی پرده‌خته است. بیکوش در مشهد عاشق دو مسجد بالا سر و پشت سر حضرت رضا (ع) مدفون است. از آثار وی: «اعلام الوری»، در فقه، از اول طهرت تا انتهای تیسیم؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ کتاب «رجال»؛ «مصایح لقمه»، از اول طهرت تا آخر دیات

الذریعه (۲/ ۲۴۲، ۶/ ۲۱۰، ۱۰/ ۱۳۷، ۲۱/ ۸۱)، رجسته (۳/ ۱۲۷-۱۲۸، ۴/ ۴۶۳)، الکنی واللقاب (۲/ ۳۳۹)، مدقه الاحیاء (۱۵۶)

قصای یزدی، عبدالحسین (وف ۱۲۴۴ ق)، شاعر، متخلص به قصای وی از همان اوان کودکی به تحصیل مقدمات و کمالات پرداخت و در اواسط عمر در شاعری مشهور شد. قصای علاوه بر شعر در نواختن انواع سازها مهارت داشت. صاحب «مجمع الفصح» به اشتهار نام وی را محمد صادق ذکر کرده است. اثر وی «دیوان» شمع، مشتمل بر شش هزار بیت، می‌باشد.

تذکره روز ووش (۶۶۰-۶۵۹)، سکره سحر و سحر (۲۴۶-۲۴۸)، حدیقه الشعراء (۲/ ۱۲۱۸-۱۲۳۱)، الذریعه (۹/ ۸۸۳)، سفینه المجهود (۲/ ۲۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۴۴)، مجمع الفصحا (۵/ ۸۹۲)، مصطفی نصاب ۱۴۵

قطان قزوینی، ابوالحسن علی بن ابراهیم بن سلمه (۲۴۵-۳۴۵ ق)، حافظ، محدث، فقیه و ادیب محدث و سیح قزوین بود. به طلب حدیث مسافرتهایی به عراق و يمن نمود و به نقل شاگردش، ابن فارس قزوینی، از وی حاصل این سفرها حفظ یکصد هزار حدیث بوده است. او «سنن» ابن ماجه قزوینی را از خود وی استماع کرد و همچنین از محمد بن مرز ازرق و ابراهیم رازی و ابراهیم بن دیریل و حارث بن ابی اسامه و قاسم بن محمد دلال و یحیی بن عبدک قزوینی و اسحاق بن ابراهیم دبری و حسن بن عبدالاعلی بوسی و همطبقه آنان حدیث شنید. وی بر حسن بن علی ازرق به حرف کشائی - قرائت نمود و احمد بن نصر شدائی قازی بر قطان قرائت کرد. زبیر بن عبدالواحد حافظ و ابوالحسن نحوی و ابوالحسن احمد بن فارس نعوی و احمد بن هلی بن لاک و ابوسعید

دست داشت و در نظم و نظر پارسی و عربی دارای مهارت کامل بود. عده‌ای از رجال علم و دانش در محضر او شاگردی کرده‌اند. از جمله شاگردان وی: قصب‌الدین وری، کمال‌الدین فارسی و نظام‌الدین اعرج بودند. قطب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکوی گزید و در همان‌جا درگذشت و در مقبره چریداب تبریز در کنار قاضی بیضوی دفن شد. از آثارش: «درة التاج لغرة اندیاج»/«النداج» معروف به «انموذج العلوم» به فارسی، که به خواهش امیر ذباج، پادشاه اسحاق وندگیلان، تألیف کرد؛ «تحفة شاهی» در علم هیئت، به فارسی؛ «نهاية الادراك في دراية الافلاك»، در علم هیئت، به فارسی؛ «اختیارات مظفری»، در هیئت و نجوم؛ «شرح کلیات قانون»، در طب موسوم به «تحفة السعدیة»؛ «شرح حکمة الاشراق»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی، قسمت سوم؛ «شرح «مختصر الاصول» حاجبی»؛ «فتح المغان فی تفسیر انقرا» در حدود ۴۰ مجلد؛ «مشکلات الهندسیة».

آثار عجم (۳۲۸)، الاعلام (۸/ ۶۶-۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۲۲۷-۱۲۲۰)، تاریخ فلاسفة ایرانی (۲۶۰-۲۷۶)، تاریخ‌گزیده (۱/ ۷۰۱-۷۰۲)، تاریخ نجوم اسلامی (۵۲-۵۳)، تاریخ مول (۵۰۶-۵۰۷)، تاریخ نظم و نظر (۱۲۸-۱۲۷)، تذکره دور روش (۶۶۱-۶۶۲)، حبیب‌السیر (۳/ ۱۱۶-۱۱۷)، دائرةالمعارف فارسی (۲/ ۲۰۵۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴/ ۲۱۶-۲۰۵)، الدریمه (۹/ ۸۸۲)، روایات الجنات (۸/ ۱۲۹)، رحمانه (۲/ ۴۷۰-۴۷۲)، رسدگانه ریاضیه (۳۵۴-۳۵۱)، شخصیت‌های شاس (۳۹۵-۳۹۴)، شرح و بررسی زندگی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی و زایشی (۹۶-۹۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۸/ ۲۱۲-۲۱۴)، السیر (۴/ ۲۵)، فرهنگ سخنوران (۲۷۲)، کتب الفنون (۲۵، ۳۶۷، ۷۳۸، ۱۲۳۵، ۱۶۹۵، ۱۹۸۵)، اکسیر و الاقب (۳/ ۷۳)، لغت‌نامه (دیل / قطب‌الدین شیرازی)، محمل فصیحی (دیل / سال ۷۱۰)، مرآت القصاصه (۵۰۴-۵۰۱)، معجم‌المؤلفین (۱۲/ ۲۰۲-۲۰۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۸۹-۹۱)، هدیه‌الاحباب (۲۱۹)، هدیه المارین (۲/ ۲۰۶-۲۰۷)، مفت‌الملم (۱/ ۲۰۸-۲۰۹).

قطب‌الدین طریثی نیشابوری: ابوالمعالی مسعود بن محمد بن مسعود (۵۷۸-۵۵۵ ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود.

شمس‌الدین ابوالمعالی مظهر بن شیخ‌الاسلام ابونصر احمد جام (۵۵۷-۶۶۷ ق)، صوفی و نویسنده. وی شوه شیخ احمد جام زنده‌پیل و مؤلف کتاب «حذیقة السعدیة» در تصوف است که در ۶۲۱ یا ۶۲۲ آن را تألیف کرد. تاریخ نظم و نثر (۷۲۷-۷۲۸)، مجمل فصیحی (دیل / سال ۶۶۷)، مقادیر زنده‌پیل (۳۱۲).

قطب جامی، قطب‌الدین محمد / احمد (س نهم ق)، شاعر، متخصص به قطب. وی گاهی این مظهر نیز تخلص می‌کرد. او از نوادگان شیخ‌الاسلام احمد جام عارف مشهور (م ۵۳۶ ق) ر از مشایخ زمان خود بود. در عوسرای دست داشت. از اوست:

صبا بیار عیاره سوار مرا

که توپا بود این چشم اشکبار مرا

تاریخ نظم و نثر (۷۹۵)، الدریمه (۹/ ۸۸۳)، ریاض‌المارین (۱۲۶)، فرهنگ سخنوران (۷۴۵)، مجالس اساطیر (۵۰۵-۲۸۰).

قطب‌الدین شیرازی، ابوالشا محمود بن ضیاء‌الدین مسعود بن مسلح کازرونی (۶۳۴-۷۱۰ ق)، طبیب، ریاضیدان، منجم، فیزیکدان، فیلسوف، عالم اشعری شافعی و مفسر. معروف به قطب شیرازی و ملقب به علامه. در شیراز به دنیا آمد. پدرش ضیاء‌الدین مسعود پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و در همان حال از برجگان فرقه مسهروردیه بود. قصب‌الدین محمود علم طب را نزد پدر و عمری خود فراگرفت. خرقه تصوف را در ده سالگی از دست پدر خود پوشید و از نجیب‌الدین علی بن بوعش شیرازی نیز خرقه گرفت. در چهارده سالگی پدرش فوت کرد و او به جای پدر به عنوان چشم‌پزشک در بیمارستان شروع به کار نمود. وی قرائت و شروح «قانون» را نزد استادان شیراز فراگرفت. چندی نیز شاگرد نجم‌الدین کاتبی قزوینی بود، سپس به مراغه رفت و در آنجا علم هیئت و «اشارات» ابن سینا را در خدمت خواجه نصیرالدین طوسی آموخت و نزد آن استاد و به یاری او به حل مشکلات «قانون» توفیق یافت و همچنین سفرهایی به خراسان، عراق عجم، بغداد و روم داشت. در قوبه به خدمت صدرالدین قوبیوی رسید و علم شریعت و طریقت را نزد او فراگرفت. قطب‌الدین شیرازی در دانشمندان جامع و پررنگ، و در معقول‌یگانه زمان خود بود. او در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و موسیقی

کرده است؛ «حدائق الحقایق فی تفسیر دقائق أحسن الحقائق» در شرح «نهج البلاغه» که آن را در ۵۷۶ ق تألف کرده است؛ کتاب «الأصباح» در فقه؛ «کفایة البرایا فی معرفة الأنبياء والأولیاء»؛ «مباهیج المصباح فی منهج الصحيح»؛ «الدور فی دقائق علم البحار»؛ «البراهین الجلیة فی ابطال الدوات الارلیة»؛ «لب الالباب» در مسائل کلام.

عبد الشیمة (۹/ ۲۵۰)، الدرر (۲/ ۱۱۸)، ۲۳۱-۲۳۴.

۸۰/ ۶، ۲۸۵، ۳۸۱، ۳۸۲/ ۹، ۱۰۱، روایات الحدیث

(۶/ ۲۷۸-۲۷۳)، ریحان (۲/ ۳۷۳)، طبقات اعلام الشیمة

(قرن ۶/ ۲۵۹-۲۶۰)، فوائد الرصیة (۲۹۲-۲۹۴)، الکلی

ر الاقباب (۲/ ۷۴)، لغت‌نامه (دیل/ ابوالحسن)، معجم

مؤلفین (۹/ ۲۳۸-۲۳۷)

قطب‌الدین لاهیجی، محمد بن ملا شیخ علی بن عبدالوهاب بن پيله بقیه شریف دبلمی اشکوری. (وف بعد از ۱۰۷۵ ق)، عالم اصفی، ریاضیدان، عارف و شاعر. وی از علمای شیعه در سده یازدهم و از شاگردان میرداماد (م ۱۰۴۱ ق) و معاصر یا شیخ حرّ عاملی بود. گذشته از مقام علمی، متألفی کامل و شاعری ماهر بود از آثار وی: «نجمة القواد» رساله‌ای در «عالم المثال»؛ «محبوب لقلوس» مثنوی، نظم و نثر، «لطائف الحساب» به فارسی، «تفسیر» به فارسی، به نام «الترجمة الایفة» در دو مجلد، و ترجمه «الصحیفة السجادیة» «خیر الرجال» در بیان احوال رجال مذکور در اسانید کتاب «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق، که به آورده صاحب «الدریعة» تألیف شیخ بهاء‌الدین محمد بن شیخ ملا علی شریف لاهیجی، در ۱۰۷۵ ق است و به گمان خود شیخ آقا یزید تهرانی، شیخ بهاء‌الدین محمد همدان قطب‌الدین لاهیجی است.

الدریعة (۵/ ۱۶-۱۵، ۷/ ۲۸۳-۲۸۲، ۱۵/ ۲۰۶، ۲۰/ ۱۲۱-۱۲۲، ۲۶/ ۱۹۱-۱۹۲)، ریاض العلماء (۵/ ۱۲۲)،

ریحان (۴/ ۴۷۵-۴۷۶)، طبقات اعلام الشیمة قرن ۱۱،

۲۹۸-۲۹۹، قرن ۱۲/ ۶۹۷، ۶۰۰، ثبت نامه (دیس/

قطب‌الدین لاهیجی)، هدیة الاحیاء (۲۱۷)

قطب‌الدین محمد حسینی. (س دهیم ق)، خطاط. از آثار وی، یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتات خفی متوسط، با رقم «تمت الکتاب بتاریخ سلخ محرم الحرام سنة ست و سبعین و ستمائة، کسه العدد العفیر لنداعی قطب»؛ از س محمد انجیلی خمرالله دسه، در مشهد مقدس قدمش نوشته شد.

ترد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد عزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرور ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از همة الله بن سهیل سیدی و عبدالجبر خوارزمی حدیث شنید. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتو داد. وی مدتی نیز در نظامیه یشابور به زیارت از جویری تدریس کرد. در ۵۳۸ ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود سپس در دمشق ساکن شد و با ابن‌نصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار بقیه ابرافتح مصیصی در دمشق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدته درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آنجا در مدرسه‌ای که نورالدین و اسماعیل بن بیتا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و تدریس در عراقیه را از سرگرفت و به شاگردانش فقه آموخت او همچنین در جارجیة دمشق درس گفت، سپس به سدیدگی به بغداد رفت و در بغداد داماد ابوالفتح اسیرایی شد. حافظ فقهیه روی حاره حدیث داشت ابواسحاق ابن صضری و برادرش حسن و تاج ابن حمویه و دیگران روی روایت کرده‌اند. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره صوفیة غریبی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.

الاعلام (۸/ ۱۱۵)، سیرالنبلاء (۲۱/ ۱۰۹-۱۰۶)، شذرات

الذهب (۴/ ۲۶۲)، النجوم الزاهرة (۶/ ۸۶)، وفیات الاعیان

(۵/ ۱۹۶-۱۹۷)

قطب‌الدین کیدری یشابوری، ابوالحسن محمد بن حسین بن حسن بیهقی. (ز ۵۷۶ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از کیدر از روستاهای بیهق خراسان است. وی شاگرد فضل بن حسن طبرسی و ابن حمزه عمادالدین طوسی و معاصر با قطب راوندی بود. نقطه نظرات او در فقه مشهور و در کتابهای «مختلف» و «خایة المراد» و «مسالك» و «کشف اللثام» منقول است از وی اشعار لطیفی باقی مانده است. از آثار وی: «الحدیقة الایفة»، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) دایر بر آداب و حکم و عبودیت و مراعات؛ «انوار العیون من اشعار وصی الرسول»، که تمامی اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری

ورمیی، طغفان اعلام الشیعه (قرن ۸/ ۲۰۲-۲۰۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۸-۳۹۹)، فوائد الرصویه (۶۱۶-۶۱۷)، نامه مرگاز (۲۴۵)، کشف الطون (۹۵، ۶۲۶، ۸۸۶، ۷۱۵-۱۷۱۶)، الکسی والکتاب (۲/ ۷۰-۷۱)، لغت نامه (دین، قطب الدین رازی، مجالس المؤمنین، ۲/ ۲۱۲-۲۱۳) معجم المؤمنین (۱۱/ ۲۱۵-۲۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۷۱۶-۷۱۹)، النجوم الزاهرة (۱۱/ ۷۱)، هدیه الاحیاء (۲۱۸-۲۱۷)، هدیه العارفين (۲/ ۱۶۳).

قطب راوندی، قطب الدین ابوالحسن/ ابوالحسن سعید بن هبة الله بن حسن، (وف ۵۷۳ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم، محدث، مفسر و شاعر خانواده وی از جد و پدر و برادر و دو فرزندش، عمادالدین علی بن سعید و طهرالدین محمد بن سعید، همه از علمای بزرگ شیعه بودند. وی از شیخ ابوعلی طبرسی، صاحب «معجم البیان» و عمادالدین طبری و سید مرتضی رازی و برادرش، سید محبتی رازی، و ابن الشجرى بعددی و آمدی و سید ناصح الدین ابوالبرکات مشهدی و پدر خواجه نصیر طوسی و گروهی دیگر روایت کرده است. از طریق شیخ عبدالرحیم بغدادی، معروف به ابن اخوه، از دختر سید مرتضی علم الهدی از عموی او سید رضی روایت می‌کند. ابن شهر آشوب و شیخ منتجب الدین رازی از شاگردان وی بودند. در قم وفات یافت و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) دفن شد و قبرش امروزه مزار معروف است از آثار وی: «آیات الاحکام» یا «نقه القرآن»، اولین اثر در شرح و تفسیر آیات الاحکام؛ «احکام الاحکام»؛ «اسباب الفصول»؛ «الاعراب/ الاغراب فی الاحزاب»؛ «الاجاز فی شرح الایجاز»؛ در شرح شیخ طوسی؛ «بیان الانفرادات»؛ «تحفة العلیل»؛ در ادویه، احراز و آداب؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر قطب»؛ «الدعوات» یا «دعوات راوندی» یا «سلوة الحزین»؛ «تهافت الفلاسفة»؛ «جواهر الکلام فی شرح مقدمة الکلام»؛ «الخرايج و الجرایح»، در معجزات معصومین (ع)؛ «خلاصة التماسیر»، در ده مجلد؛ «ضیاء الشهاب»، در شرح شهاب الاخبار؛ «المفتی»، در شرح «النهیة» شیخ طبرسی، در ده مجلد؛ «منهج البرعة فی شرح نهج البیلاء»؛ «الرابع فی الشرایع»؛ «المستقصی»، در شرح «الدریعة»؛ «قصص الانبیاء»؛ «لب اللباب».

حاشیه مستدرک الوسائل (۳/ ۷۹-۹۰)، الدرر (۱/ ۴۲، ۲۹، ۳۶۱-۳۶۲، ۱۲/ ۲، ۲۳۳، ۲۵۱، ۳۰۳، ۳۶۴/ ۳

۲۹، ۱۷۶، ۴۵۶، ۲۲۸/ ۴، ۲۲۸، ۳۰۲، ۵۰۲/ ۵، ۲۷۷، ۷/ ۱۲۵-۱۲۶، ۲۲۰، ۲۰۱/ ۸، ۲۰۱/ ۱۰، ۵۶/ ۱۲، ۷۲-۷۱، ۲۲۳، ۱۳/ ۵۵-۵۶، ۱۱۶، ۲۷۷، ۳۴۴، ۳۷۲/ ۱۴، ۲۱، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۵/ ۱۲۳-۱۲۴، ۱۶/ ۲۹۵-۲۹۶، ۱۷/ ۱۰۵، ۱۸، ۲۸، ۲۸۹، ۲۱/ ۲، ۴۶، ۲۹۶، ۲۳/ ۱۵۸-۱۵۹، ۲۲/ ۱۲، ۲۲۲، ۲۳۱)، روضات الجنات (۲/ ۱۰۷)، ریحانه (۲/ ۲۶۷-۲۶۸)، فوائد الرصویه (۲۰۲-۲۰۳)، الکسی والکتاب (۲/ ۷۲-۷۳)، هدیه الاحیاء (۲/ ۱۶۳-۱۶۴).

قطب محیی شیرازی، قطب الدین ابویزید عبدالله/ محمد بن محیی الدین محمد کوشکناری بن محمود جهرمی انصاری خوزجی سمدی، (وف بعد از ۹۳۰ ق)، عالم و عارف معروف به عبدالله قطب ر به جهت اشتباه به پدرش مشهور به قطب محیی از مردم شیراز بود. فلسفه و کلام و دیگر علوم اسلامی را به خوبی می‌دانست و بیرون فراوانی داشته که از آنها با عنوان اخوان الهین نام می‌برد. وی با یارانش در محلی که خود آن را اخوان آباد می‌خواند، اجتماع درسته‌ای داشتند و از مردم روزگار کسب می‌گرفتند. او پیرو شیخ زین الدین خوافی و استاد جلال الدین دوانی بود. قسمتی از نامه‌های قطب محیی که به اشخاص مخلص نوشته شده، به عنوان «مکاتیب» عبدالله قطب الدین شیرازی شامل پانصد مکتوب فارسی در شیراز چاپ و منتشر شده است یکی از این «مکاتیب» به نام «ابواب الخیر» است و یکی دیگر از «مکاتیب» او، «تخنین الاعمار»، که در حدود صد بیت موعظه سروده است. در تذکرها سمنه‌هایی از شعر او نقل شده و «دیوان» شعری نیز به نام وی ذکر کرده‌اند.

بررگان جهنم (۱۶۲-۲۰)، تاریخ «بیت مر یون (۵/ ۱۶۱۱-۱۶۱۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۱)، تذکره روز روشن (۶۶۲)، قبالة جسنجو در تصوف (۷۶-۷۷)، برة المعارف فارسی (۲/ ۲۰۶۳)، دانشمندان و سخن سرايان فارس (۲۱۸/ ۴)، الدرر (۱/ ۵۸، ۱۴/ ۹، ۸۸۴، ۲۲، ۱۲۶-۱۲۷)، ریحانه (۲/ ۴۷۳-۴۷۴)، طرائق الحقائق (۳/ ۱۵۷-۱۵۸)، الکسی والکتاب (۳/ ۷۴)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۹۸، ۳)، بخت نامه (دیل/ قطب الدین)، مرآت القاصحة (۵۰۶-۵۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۹۴)، هدیه الاحیاء (۲۱۹)، حیات انبیا (۱، ۲، ۹، ۲۰)، یادداشت‌های مرمی (۱۶۶-۱۵۴/ ۶،

دنیا آمد. از معاصران قطران ناصر خسرو قیادین است که در سرخورد هگام سرور از تبریز، در ۱۳۳۸ ق، قطران را ملاقات کرد و در نزد ناصر خسرو «دیوان منجیک» و «دیوان دقیقی» را خواند و مشکلات لغات پارسی دری را پرسید و شرح آنها را نگاشت. وی در قصیده سرایی مهارت کامل داشت و صنایع لفظی مانند: تخیس، ترجیع و قوافین را غالباً در شعر به کار می‌برد. او نخستین کسی است که در آذربایجان به فارسی دری شعر سرود. قطران شاعری مدبحه‌سرا است و در وصف امرا و وزری روزگارش شعرها سرود. وی مدح سلاطین و امرای آذربایجان از قبیل ابوالحسن علی لشکری، ابودلف شیبانی، امیر ابومصور و همودان و پسرش، ابونصر حلال و فضلون ابن ابی السوار بود. سال وفات قطران را گرچه اکثر تذکره‌ها ۴۶۵ ق نوشته‌اند، اما از «دیوان» شعرش ضواعتی به دست آورده‌اند که حیات او بعد از این تاریخ ادامه داشته است. از آثارش «دیوان» شعر، «تفسیر فی حقه القری»، اولین مرثیه فارسی، که در زمان سفر ناصر خسرو به تبریز مشغول تألیف آن بوده است.

تشکده آذر (۱/ ۱۳۷-۱۳۷)، تاریخ ادبی ایران (۱/ ۱۳۳)، ۶۷۳، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۳۱-۱۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۸)، تذکره‌الشعراء (۷۶-۷۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۲۰۶۶)، دانشمندان آذربایجان (۲۰۳-۲۰۷)، دیوانه سخنور (۲۲۸-۲۳۲)، الذریعه (۹/ ۸۸۵)، ریحانه (۴/ ۲۷۷-۲۷۹)، سخن و سخنوران (۱۴۲-۵۱۴)، صبیح گلشن (۳۳۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵/ ۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۷۲۶)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۳/ ۲۲۸۵-۲۴۸۷)، کارنامه بزرگان (۱۱۷)، کشف الظنون (۷۲۶)، گنج سمن (۱/ ۲۰۲-۲۱۰)، لیث‌الالباب (۲/ ۲۱۴-۲۲۱)، لغت نامه (ذیل / قطران)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۱۳۴-۱۱۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۲۶-۹۲۸)، هدیه‌المارفقین (۱/ ۸۴۶)، هفت اقلیم (۳/ ۲۱۶-۲۲۱)، یادداشت‌های فردوسی (۶/ ۱۶۸-۱۶۶)، یخسا (س ۳، ش ۱)، ص ۴۶۵-۴۷۴.

قطره چهارم محالی اصفهانی، میرزا عبدالوهاب (ز ۱۲۸۴ ق)، شاعر. وی اهل چهار محال بود. به دلیل گفتن قطعه‌ای شعر در حضور حاکم وقت از صفهان به تهران آمد و به مداحی فتحعلی شاه قاجار پرداخت و در سلک ندیمان محمود میرزا قرار گرفت. از آثار وی منظومه‌ای در عزوات حضرت رسول (ص) و امیرمؤمنان علی (ع)، در

تعب تبریزی، سید محمد حسینی ذهبی شیرازی، (وف ۱۱۷۳ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به قطب‌الدین. معروف به قطب الاقطاب. از سادات حسینی تبریز بود. نسب او بایست و سه واسطه به امام علی بن حسین (ع) می‌رسد. در شیراز به کسب علوم پرداخت. وی به حکمت علاقه خاصی داشت و در تفسیر، حدیث، فقه و ادب نیز تا حدی تبحر حاصل کرد. او بعد از تکمیل علوم، در بغه شاه داعی‌الله نزد شیخ علی نقی اصطهباناتی به طریقی مقامات سلوک پرداخت و بعد از مرشد و شیخ خویش، اصطهباناتی، در فارس مروج طریقه‌دهیه و مرشد و مربی سالکین این طریقت شد. وی سفرهایی به قزوین، قم، کاشان، اصفهان و نجف داشت و در این سفرها به تدریس و تعلیم نیز می‌پرداخت. افرادی چون شیخ حمد احسانی، ملا محراب گیلانی، شیخ جعفر نجمی و سید محمد نجفی از او کسب معرفت کرده‌اند. وی بعد از یارگشت به شیراز به جریره خارک رفت و در گوه مقبره مسووب به محمد حقیقه اصکاف جست. بعد از مدتی به شیراز بازگشت و در همان‌جا درگذشت. از آثارش رساله «معین لخطبات»، رساله «شمس الحکمة»، رساله «کنز الحکمة»، «انوارالرایة»، «الترالهدایة»، قصیده «عشقیة»، اشعار فارسی و عربی.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۲۸۲)، تاریخ عرفان و عرفان‌بران (۲۳۹-۲۴۲)، حدیقه‌الشعراء (۲/ ۱۴۲۱-۱۴۲۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴/ ۲۱۵-۲۱۸)، دیوانه سخنور در تصوف (۳۲۳-۳۲۵)، الذریعه (۱/ ۴۷۹)، ۲۸۲، ۴۸۸-۴۸۶، ۴۹۰، ۸۸۴ / ۹، ۲۲۲ / ۱۴، ۲۲۲ / ۱۶، ۲۲۹-۲۳۰، ۲۳۰ / ۱۷، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۵۲ / ۱۸، ریاض‌المعارف (۲۷۸-۲۷۵)، ریحانه (۲/ ۲۶۹-۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۵۹۸-۶۰۲)، پارسی‌نامه ماضی (۲/ ۱۵۶۹-۱۵۶۸)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین شیرازی)، مرآت‌الفصاحه (۵۰۶-۵۰۷).

قطبی امری، ابوبکر (ز ۸۶۰ ق)، مورخ. از سررخیان بنام عهد خود که «تاریخ شیخ اویس» را در ۸۶۰ ق تألیف کرد.

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۵۹۹-۵۹۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۳).

قطران عسکری تبریزی، حکیم ابومنصور قطران بن منصور، (وف ۴۶۵ ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر در تبریز به

بیست هزار بیت؟ «دیوان» شعر، در بیست هزار بیت؛ «فتح نامه» در فترحات مختار نقی، در ده هزار بیت.

رومان (س ۷، ش ۳-۱، ص ۱۰۲)، حدیقة الشجرة (۲/ ۱۴۳۷ ۱۴۳۷)، الذریعة (۸۸۶/ ۹)، سبعة المسود (۲/ ۲۵۹۴۴۲)، فرهنگ سخنوران (۷۴۶)، مجمع المصنف (۵/ ۸۸۶-۸۹۰)، معطیة شراب (۱۶۲)، نگارستان دار ۲۲۲

نُطَیعی، شیخ احمد بن شیخ صالح آل طعان بحرانی، (۱۲۵۱-۱۳۱۵ ق)، عالم امامی. از علمای بزرگ عصر خود بود. مقدمات را در بحرین نزد سید علی بن اسحاق و شیخ عبدالله بن عباس فراگرفت، سپس به نجف رعت و از محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ راضی نجفی و علامه ملا علی خلیلی و شیخ محمدحسین کاظمی استفاده نمود. او از اجله شاگردان شیخ انصاری بود. پس از تحصیل علوم به زادگاهش بازگشت و مرجع دینی مردم بحرین شد. در بحرین درگذشت و در کنار مقبره شیخ میثم بحرانی دفن شد. از آثارش: «زاد المجتهدین» شرح «ایعة المحدثین» شیخ سلیمان ماحوزی؛ «التحفة الاحمدیة بسفرقة الجعفریة فی المنشآت الصادقیة والدعوات الجعفریة» یا «الصحیفة الصادقیة» رساله‌ای در «شرح احوال استادش شیخ مرتضی انصاری»؛ شرح «اللمعة الدمشقیة»؛ «الذکر العکریة»؛ «ملاد العباد»؛ «قره العین»؛ «دیوان» شعر.

الذریعة (۳/ ۴۱۲-۴۱۱، ۸۸۶/ ۹، ۲۲-۲۱)، رجانه (۲/ ۲۸۱)، زندگی و شخصیت شیخ انصاری (۲۱۷)، ۲۱۸، طبقات اعلام الشیعة (بر ۱۲/ ۱۰۲-۱۰۱).

تقال شاشی - شاشی، ابوبکر محمد بن احمد

تقال مروزی خراسانی، ابوبکر عبدالله بن احمد بن عبدالله، (۳۲۷-۴۱۷/ ۳۲۷ ق)، فقیه شافعی برای تمیز با همان شاشی یا تقال کبیر به تقال صغیر معروف شد. اهل مرو بود و شعلش قتل سازی چون به می سالگی رسید به فراگیری علوم اسلامی روی آورد. وی فقه را از ابی زید ناشانی مروزی آموخت و از او از خلیل بن احمد سجزی حدیث شنید. در فقه و تقوی مشهور رمان خود بود. فتاوا و گفت‌های از در کتب فقهی آمده است. در ترویج مذهب شافعی زحمت بسیاری کشید و مرجع استفاده بسیاری از بزرگان شد که هر یک توانستند علوم را در اطراف پراکنده

سارید. ابو عبدالله محمد بن عبدالملک مسعودی و ابوعلی حسین بن شعیب سنجدی مروزی و ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن نوران مروزی از وی فقه آموختند. تقال شیخ شافعی ه در خراسان و صاحب طریقه خراسانیان بود در سجستان درگذشت و قبرش در آنجا زیارتگاه است. از آثارش: «شرح فروع محمد بن الحکاد المصری»؛ در فقه.

الاملام (۴/ ۱۹۰)، انساب سمعانی (۴/ ۵۲۳)، ایضاح المکتوب (۲/ ۱۸۸)، روایات الجنات (۵/ ۸۱-۱۰۵)، ریساله (۴/ ۴۸۲)، سیرالنبلاء (۱۷/ ۴۰۸۴-۴۰۵)، شذرات الذهب (۳/ ۲۰۸۲-۲۰۷)، العبر (۲/ ۲۳۲-۲۳۳)، المکنی و الألقاب (۲/ ۷۹-۷۸)، الفت نامه (ذیل/ تقال صغیر)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۶)، النجوم الزاهیه (۲/ ۲۶۶)، «عیات الاعیان» (۲/ ۲۶)، هدیه الموفین (۱/ ۴۵۰).

قفقاری سیاسی، ابراهیم. (وف ۱۳۴۳ ق)، عالم امامی و مدرس. در نجف نزد فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا حسین خلیلی و شیخ محمد حسن مامقانی تلمذ نمود. پس از طی مدارج علمی، عهده‌دار تدریس طلاب شد و در ایوان مرتضوی شریف به فامه جماعت آبی پرداخت از وی آثار و تقریراتی در فقه بر جای مانده که هنوز به چاپ نرسیده است.

طبقات اعلام الشیعة (قر ۱۲/ ۵۴)

قلم یزدی، سید مهدی ملک حجازی، نورزده سید یحیی مقدس. (۱۲۷۰-۱۳۴۹ ش)، شاعر، متخلص به قلم. در یزد به دنیا آمد پس از تحصیلات مقدماتی مدت چهارده سال تحت مراقبت پدر خود به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و چندی به تحصیل علوم جدید پرداخت آن گاه در نتیجه مسافرت‌های طولانی که به کشورهای روسیه، آلمان، ترکیه و انگلستان و تماس با ملت‌های مختلف جهان کرد با زبانهای روسی، آلمانی، ترکی و انگلیسی آشنایی یافت. وی بیشتر در شعر به جته‌های نگاهی و انتقادی آن می‌پرداخت. از آثار وی: «هفتاد لوح» شعر.

تذکره سخنوران یزد (۶۷۸-۶۶۵)، الذریعة (۹/ ۸۸۷)، سخنوران نامی محاصر (۲/ ۲۸۱۹-۲۸۲۲)، فرهنگ سخنوران (۲/ ۷۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۴۲ ۲۴۳)

قلی خان شاه پسند - قلی خان شاهی

یافت و مادرش طویلی سیز وقتی قمر هجده ماهه بود درگذشت و سرپرستی قمر را مادر بزرگش حیرالتسا استخارالد اکبرین به عهده گرفت که روضه خوان و نوحه سری مجلس زنانه حرم ناصرالدین شاه بود و چون قمر از کودکی وی را در آن مجلس همراهی می کرد، اولین دقیق هنر آواز را از او فراگرفت. اول پارکمه قمر در یک مجلس عروسی خواند، صدای دلنشین و در عین حال بلند و محکم وی مورد توجه مرتضی نبی داوود قرار گرفت و این استاد او را تعمیم داد و به ردیف موسیقی سنتی ایران آشنا کرد. قمر در زندگی هنری خود شهرتی فراوان یافت. در ۱۳۱۰ ش برای اجرای کنسرت به همدان رفت و با عارف قزوینی از نزدیک آشت شد و مدتی نیز با محمد علی امیر جاهد کار کرد و سروده های میهنی این شاعر را خواند. سید حسین طاهرزاده از آواز ری بسیار تعریف کرده است. قمر به مناسبت احترام فرارانی که برای کانل عسقی وزیری فائل بود، نام وزیری را به عنوان نام خانوادگی خود برگزید. وی زنی محسبه و هن کرم بود و دستاهای زیادی درباره گشاده دستی و ثبات است. قمر در بهران درگذشت و در قمرستان ظهیرالدوله دفن شد. صفحه های متعددی از او باقی مانده که تصنیفهایی از عارف، عشقی، بهار، پژمان بختیاری، امیر جاهد و غیره را خوانده است.

استاد موسیقی (۷۱)، تاریخ برگزیدگان (۵۶۶-۵۶۵)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۸۹-۱۸۸)، ۲۰۵۲۰۳، ۲۲۷، ۲۴۰، تاریخ موسیقی (۶۸۹-۶۸۸/۲)، سرگذشت - موسیقی (۱/۳۲۹، ۳۸۰، ۴۴۰، ۴۶۱)، سبای هنرمندان (۱/۱۵۰-۱۷)، کارنامه زنان (۱۹۰-۹۱)

قمری آملی، مولانا سراج الدین. (تسوج ۵۸۰ ق)، شاعر، متخلص به قمری. اصل و مولد وی آمل بود، چون مداح خوارزمشاهیان بود به خوارزمی نیز مشهور است. در اوایل جوانی برای تحصیل علم از عازندران بیرون رفته و ظاهراً مدتی در ری و شاید به خراسان نیز سفر کرده باشد. وی شاگرد امام فخر رازی (م ۶۰۶ ق) و معاصر با کمال الدین اسماعیل (م ۶۳۵ ق)، سیف الدین پناغری، رفیع الدین لنبانی و عمادی شهریار بود که یکدیگر را مدح نیز می کردند. سراج مداح پادشاهانی چون عیث الدین پیرشاه بن محمد خوارزمشاه و حلال الدین خوارزمشاه بود. او همچنین حسام الدین اردشیر بن کیتخوار باولدی را، که پایتختش در آمل بود مدح کرد و در

قلی خان شاهی. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، خواننده از خوانندگان اواخر دربار عهد ناصری و اوایل عهد مظفری و از تعریه خوانان پرآوازه تکیه دولت بود صدای نازک و ربری داشت و در تعریه نقش زیست (ع) را ایفا می کرد. قلی خان بی را چنان می تراخت که معروف است مظفرالدین شاه با شنیدن آن از خود پیخود می شد وی مورد توجه مظفرالدین شاه قاجار بود و به همراه او به اروپا رفت و به همین سبب به قلی خان شاه پسند معروف شد. او در خوانند تصنیف و آهنگهای صربی سهارت داشت و در صفحات خود، گوشه های قطار و چوبینی و آهنگهای صربی را خوانده که در آنها علی اکبر خان شاهی یا ستور او را همراهی کرده است.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۲۳، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۶۴)، تاریخ موسیقی (۱/۳۸۷، ۴۱۴، ۵۱۲/۲، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۶۲، ۶۶۶)، سرگذشت موسیقی (۱/۳۵۰)، سرودان موسیقی (۲/۳۵، ۱۲۲، ۳۲۹)

قلی خان باور. (س چهاردهم ق)، خواننده و نوازنده. ری افسر موزیک بود و صفحاتی از او در آواز در دستگا، همایون که به نهایی با قره نی نوشته، دقای مانده است و همچنین قطعاتی در گوشه های قطار و افشاری.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۱۸، ۱۳۶، ۱۵۲، ۲۶۵)، تاریخ موسیقی (۲/۶۲۵)، سرگذشت موسیقی (۱/۲۶۷)

قمر خاتم. (س سیزدهم ق)، شاعر وی همسر شاهزاده علیشاه ظل السلطان قاجار بود. گهگاه به اقتضای طبع شمر می سرود از ارست:

نمی دانم چرا پیش رقیبان

سخن پرستند از عاشق حبیان

از دیبانه تارویی (۱۸۶)، دیبانه الشریعه (۲۱/۵)، زنان

سخنور (۲/۱۰۲)، مشاهیر زنان (۱۹۰-۱۹۱).

قمرالسلطنه - ماه تابان خاتم.

قمر قاجار - ماه تابان خاتم

قمرالموک وزیر، فرزند میرزا سید حسن خان (ح ۱۲۸۴-۱۳۲۸ ش)، خواننده اصلاً کاشانی بود و در تاجکستان قزوین به دنیا آمد پدرش قبل از تولد او وفات

حکمت و عرفان، پویژه، کتب محیی‌الدین عربی و شروح آنها پرداخت میرزا ابوالفضل کلاتری و میرزا جهانگیرخان قشقایی و میرزا سید حسین قمی و ملا حیدرخان نهاوندی و میرزا عبدالله ریاضی و میرزا هاشم اشکوری و میرزا علی محمد اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و صفای اصفهانی و شیخ محمد فانی و شیخ علی نوری و میرزا علی اکبر یزدی مدرس و شیخ محمود بروجرودی و شاکرندان او بودند و همگی بر شاگردی وی افتخار می‌کردند. او با ملا هادی سبزواری معاصر بود. در تهران درگذشت و در کنار قبر حاج آخوند محلاتی در قبرستان ابن بابویه دفن شد. از آثار وی: «الاسفار الاریمه و تحقیقاتها»؛ «حاشیه اسفار ملا صدرا»؛ «حاشیه بر «شرح تمهید القواعد» صافن الدین ترکی»؛ «حاشیه بر «شرح التیسری لفصوص الحکم»؛ «الخلافه الکبری»؛ «رسالة فی موضوع العلم»؛ رساله‌ای در «تفرق بین اسماء ابدان و الصفات»؛ «دیوان» شعر.

الاعلام (۳۶۲/۶)، اعیان الشیعه (۳۳۳/۹)، تاریخ علوم و فقه ایرانی (۸۲۷، ۸۲۵)، الذریعه (۲/۷، ۴۹/۶، ۱۲۶/۷، ۲۳۸/۹، ۲۳۳/۹، ۲۲۴/۲۲)، رساله (۲/۴)، ۲۹۷-۲۹۶، شرح حال رجال (۲۳۵/۶)، حقیقه، اعلام الشیعه (قرون ۱۴/۷۳۴، ۷۳۲/۷۳۴)، طرائق الحقائق (۳/۵۰۹، ۵۰۸)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵)، مستانه (قبل/فرمشته‌ای)، المعانی و الآثار (۱۶۴)، مؤلف کتب چاپی (۳/۱۹۰-۱۹۱)، یادگار (مس ۳، ش ۱، ص ۷۹-۷۵).

قمشه‌ای نجفی، شیخ محمد حسین بن محمد قاسم اصفهانی، (ح ۱۲۵۱-۱۳۳۶ ق)، عالم اسمی و فقیه معروف به کبیر. مدت پنج سال در محضر علامه انصاری بلامذ نمود. پس از ایشان از محضر علامه سید حسین کوهکمری و آیت‌الله مبررای شیرازی و علامه میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگران استفاده کرد. وی به همراهی علمای نجف و کاظمین در جنگ عراق با انگلیس شرکت نمود. پس از درگذشت، در ایوان مقبره شیخ الشریعه دفن شد. از آثارش: «ادله اثبات»؛ در شرح «نجات العباد»؛ «حاشیه بر «شرح التلمعه»؛ «رسالة فی الخضاب»؛ «عدة طریق التدقیق لسلک سبیل التحقیق» در اصول فقه، در چهارده مجلد.

تذکره القور (۲۹۳)، الذریعه (۲۰۱/۲۰۴، ۲۳۰/۲۳۰)، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (۲۹۲-۲۹۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۶۳۵)، گنجینه دانشمندان (۱۵/۳۹۱)،

مدح او چندین قصیده و ترجیع و مسقط و قطعه دارد. سراج یکی از استادان جبر، دست شعر فارسی است که سخن او استادانه و بر شیوه شعرای بزرگ خراسان در قرن ششم ق، به ویژه ابوری است. وی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت و شاعری هجوگر و بدله پرداز بود. از آثار وی «دیوان» شعر، متجاوز از سیصد هزار بیت که قسمتی از آن متضمن خبریات است؛ مثنوی «کارنامه».

تشکده آذر (۲/۹۱۲-۹۰۴)، تاریخ «بیت در ایران (۲/۷۰۴-۶۸۱)، درج رویان و مارتندان (۲۱-۲۲)، تاریخ گریده (۷۳۵)، تاریخ نظم و نثر (۹۵)، تذکره الشعراء (۲۶۱-۲۶۲)، الذریعه (۹/۳۳۸-۳۳۷، ۸۸۸)، ریحانه (۳/۹)، صبح گلشن (۲۰۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴۸)، لغت نامه (دیل/قمری آسی)، مجمع الفصحی (۳/۱۱۲۵-۱۱۲۶)، هفت اقلیم (۳/۱۶۱-۱۶۳).

قمری جرجانی، ابوالقاسم زیاد بن محمد، (س چهارم ق)، شاعر. معاصر قانوس و شمگیر (۴۰۳-۳۶۶ ق) از پادشاهان آلریار و مداح آن پادشاه و نه گفته محمد عوفی: «جلوه گر مفاخر شمس‌المعالی» بود. در «مجمع الفصحی» نام وی تحت عنوان قمری مارتدانی ابوالقاسم زیاد آمده است. از دست:

جهان ما به تکی می‌شده است و ما می‌خواه
خوشیش پسته به تلخی و خرمی به حمار

تاریخ ادبیات در ایران (۱/۲۳۵-۲۳۷)، تاریخ ادبی ایران، ایران (۱/۶۷۸-۶۶۲)، الذریعه (۹/۸۸۹)، شعرای سازه‌نویلا و گرگان (۲۴۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴۸)، سبایه‌الاسباب (۲/۱۹-۲۰)، لغت نامه (دیل/قمری مارتدانی)، مجمع الفصحی (۳/۱۱۲۴-۱۱۲۵).

قمری مارتدانی قمری جرجانی

قمشه‌ای اصفهانی، محمدرضا، فرزند ابوالقاسم، (۱۲۴۱-۱۳۰۶ ق)، عالم، فیلسوف، حکیم، عارف، مدرس و شاعر، متخصص به صها، اصل وی از قمشه اصفهان بود و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت؛ سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان رفت و در محضر حاج ملا محمد جعفر لاهیجی و میرزا حسن نوری و آقا سید رصی لاهیجی فلسفه و حکمت و عرفان را فراگرفت. در اصفهان به تدریس کتب عرفانی پرداخت، در اواخر عمر به تهران آمد و در مدرسه صدر به تدریس

عبدالله بن جعفر در ۳۰۴ ق احاره داده است. از آثار وی: «الإمامة»؛ «العظمة و التوحید»؛ «التوحید و الهداء و الإرادة و الاستطاعة و المعرفة»؛ «فصل العرب»؛ «كتاب البدائل»؛ «كتاب الطب»؛ «قرب الامتداد»؛ «مسائل امی محمد (ع)» و «التوفیعات»؛ «الأفاعیل و البیداء»؛ «كتاب الغیة و الحیرة».

الاعلام (۲/ ۲۰۲)، ایضاح المکتوب (۲/ ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۸، ۴۷۴)، التریمة (۲/ ۲۵۶، ۳۲۸، ۴/ ۲۸۵، ۵۰۱، ۸/ ۲۲۷، ۱۵/ ۱۳۷، ۲۷۹، ۱۶/ ۲۷۰، ۱۷/ ۸۶۷)، رجس الطوسی (۴۱۹، ۴۳۲)، رجال النجاشی (۲/ ۱۹۰، ۱۹۸)، رجائه (۲/ ۸۲، ۸۱)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۴/ ۱۵۳، المهرست نطوسی (۱۹۹-۱۸۹)، الکی و الاقداب (۲/ ۱۹۸-۱۹۹)، معجم المؤلفین (۶/ ۴۰)

قمی، ابوالقاسم سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری. (وف ۲۹۷/۲۹۹، ۳۰۱/۳۰۱ ق)، محدث و فقیه امامی. اهل قم بود. در طب حدیث سفرها نمود و محدثین سرشتاس عامه چون: حسن بن عرفة و محمد بن عبدالملک دتقی و ابوحاتم رری و عباس ترقفی را ملاقات کرد و از آنها حدیث شنید. برخی گفته اند که او امام حبی مسکری (ع) را نیز ملاقات کرده است. سعد کتب بسیاری تصنیف نمود. از آثارش: کتاب «الرحمة»؛ «فضل انبی (ص)»؛ «فضل ابی طالب و عبدالصطلب و عبدالله»؛ «مقالات الاسامیة»؛ «مناقب رواء الحدیث»؛ «مثالب رواء الحدیث»؛ «بصائر الدرجات»؛ در چهار جزء؛ «فصل قم و الکوفة»؛ «المنتحیات»؛ در حدود یک هزار برگ؛ «مناقب الشیعة»؛ «فضل العرب»؛ «تاصیخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه»؛ «الرد علی الغلاة».

الاعلام (۳/ ۱۳۵-۱۳۶)، التریمة (۱/ ۲۸۳، ۱۰/ ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۴، ۱۵/ ۱۲۱، ۱۶/ ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۱۹/ ۷۵، ۷۶، ۲۲/ ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹)، رجس الطوسی (۴۳۱)، رجس النجاشی (۱/ ۲۰۲، ۲۰۱)، المهرست نطوسی (۱۵۳-۱۵۲)، معجم رجال الحدیث (۸/ ۸۷-۸۸)

قمی، حاج شیخ عباس ع محدث قمی

قمی، سید حسن بن سید حسین طباطبائی. (تو ۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم و مرجع تعلیم. در نجف به دنیا آمد. دوران کودکی در عراق بود و در خدمت پدر به

قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هشتم. (ز ۳۰۷ ق)، محدث، فقیه و مفسر عامی. وی از بزرگترین استادان ثقة الاسلام شیخ کلینی بود. شیخ کلینی و شریف حمزة بن محمد و محمد بن احمد صفوانی و ابومحمد حسن بن حمزه علوی طبری و ابوالحسن علی ابن بابویه و محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی مثنوی و علی بن عبدالله وراق و احمد بن زیاد بن جعفر همدانی و حسین بن ابراهیم بن نائنه، که همگی از مشایخ شیخ صدوق می باشند از وی روایت کرده اند. حمزة بن قاسم، از اولاد حضرت ابوالفضل (ع) در سال ۳۰۷ ق از وی روایت کرده است. شیخ طوسی او را در حدیث ثقة ای استوار و مورد اعتماد با اعتدائی صحیح معرفی می کند. علی بن ابراهیم در قم، در نزدیکی قبر محمد بن قولویه، مدفون است. از وی سه پسر مافی ماند که تمامی از اصحاب حدیث بودند. ۱- ابراهیم بن علی بن ابراهیم ۲- احمد بن علی بن ابراهیم، از مشایخ صدوق ۳- محمد بن علی بن ابراهیم، از مشایخ صدوق. از آثار وی: «اختیار القرآن»؛ «تفسیر القصص»؛ «قرب الامتداد»؛ «التوحید و التوسک»؛ «كتاب الشریع»؛ «كتاب الانبیاء»؛ «فضائل امیرالمؤمنین (ع)»؛ «المغیری»؛ «كتاب المناقب»؛ «الناسخ و المنسوخ».

ایضاح المکتوب (۱/ ۳۰۹، ۲/ ۱۹۷، ۲۷۳، ۲۹۱، ۳۳۴)، غایبه مستدرک الوسائل (۳/ ۲۶۷، ۲۶۸)، التریمة (۱/ ۳۶۶، ۲/ ۳۵۵، ۴/ ۳۰۳، ۲۰۲، ۱۳/ ۴۸۶، ۱۳/ ۴۶، ۴۵، ۱۶/ ۳۵۵، ۱۷/ ۵۹، ۶۸، ۲۱/ ۲۸۹، ۲۲/ ۳۱۵، ۲۴/ ۱۲، ۳۲۹)، رجال النجاشی (۲/ ۸۷-۸۶)، رجائه (۲/ ۴۸۸)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۴/ ۱۶۷-۱۶۹)، فوائد الرضویه (۲۶۲-۲۶۵)، المهرست نطوسی (۲۰۹-۲۱۰)، الکی و الاقداب (۲/ ۸۹-۸۴)، کنحة دانشمندان (۱/ ۸۴-۸۶)، معناتمه (ذیل / عی)، معجم الانبیاء (۱۲/ ۲۱۵)، معجم المؤلفین (۷/ ۹)، هدیه المارغبین (۱/ ۶۷۸)

قمی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن حسن / حسین بن صالح حمیری. (وف ح ۳۱۰ ق)، فقیه امامی. از اصحاب مورد اعتماد و ثقة امام عبی النقی (ع) و امام حسن مسکری (ع) و از شیوخ قم و در بین آنها موجه بود. پس از ۲۹۰ ق به کوفه رفت و اهل کوفه از او حدیث شنیدند. ابوغالب زراری و محمد بن یحیی عطار، که از رجال کلینی هستند، از وی روایت می کنند. او به پسرش محمد بن

مشهد رفت و در آنجا مقدمات و سطوح معقول و معقول را فراگرفت. در ۱۳۴۷ ق به مکه رفت و در بارگشت مدت شش ماه در اصفهان از محضر مدرّس بزرگ آنجا استفاده کرد. در ۱۳۵۱ ق به اهواز پدر به عراق رفت و در نجف از محضر میرزای نایبی و دیگر از علما بهره‌مند شد و بار دیگر به مشهد مراجعت و از محضر پدرش، آیت‌الله قمی، استفاده نمود. در عائله مسعود گهرشاد در ۱۳۵۴ ق به همراه پدر به عراق تبعید شد و در آنجا از استادان عصر بهره‌گرفت و ضمناً خود به تدریس سطوح نهایی مانند «مکاسب» و «کفایه» پرداخت. در ۱۳۶۸ ق پس از درگذشت پدر به مشهد مهاجرت کرد و در مسعود گهرشاد به ادامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و بعدها نظر از فضلا و علما از محضر درسش استفاده نمودند از آثارش کتاب «الحج»، در سه مجلد؛ «رساله عملیه»

گنجینه دانشمندان (۷/ ۱۲۱-۱۲۳)، معجم رجال نجف (۱۰۱۷-۱۰۱۸)

قمی، سید حسن رضوی، فرزند سید هز برآه. (۱۲۸۳-۱۳۵۲ ق)، عالم، فقیه و ادیب امامی. در ۱۳۱۲ ق در تهران در حبس و در سن علامه سید عبدالکریم لاهیجی شرکت کرد. سپس به نجف مهاجرت و در محضر سنجع الشریعه اصفهانی تسلّم نمود و از ملا محمد کاظم خراسانی بهره‌ها گرفت. او در حدود ۱۳۲۶ ق به قم رفت و در ۱۳۳۱ ق به حج مشرف شد و در بارگشت ساکن تهران گردید و به انجام وظائف شرعی مشغول گشت از آثارش: «تقریرات» دروس استادانش در فقه و اصول با تصرفات و تحقیقات، کتاب «انهایه المأمول»، در شرح «کفایه الأصول» که شرح مزجی است بر «کفایه» آخوند خراسانی

الدریسه، ۹/ ۸۷۷، ۱۴/ ۳۶، ۲۲/ ۴۰۵، ریحانه (۴/ ۲۸۶-۲۸۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۴۱۳-۴۱۴).

قمی، سید حسین بن محمود طباطبایی. (۱۲۸۲-۱۳۶۶ ق)، عالم، فقیه امامی و مرجع تقلید در قم به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات و سطوح در قم در ۱۳۰۴ ق حج گزارد و در بارگشت مدتی در سامرا در محضر بحث میرزای بزرگ شیرازی حضور یافت و در ۱۳۰۶ ق به تهران آمد و جدی در تهران به فراگیری علوم عقلی و عرفان و ریاضی در نزد میرزا ابوالحسن جلوه و شیخ علی مدرّس یزدی و میرزا محمود قمی پرداخت. آنگاه در

حوزه درس حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ فضل‌الله لوری فقه و اصول را خواند. در ۱۳۱۱ ق برای تکمیل علوم به نجف رفت و از بحث میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا علی نهادی و شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یردی استفاده نمود. وی تهذیب اخلاق را در محضر علامه سید مرتضی کشمیری و علم حدیث را در محضر علامه محدث لوری فراگرفت. او همچنین به حوزه درس آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی رفت و عمده تلمذ خود را سرد وی به انجام رساند و میرزای شیرازی بوی مرجعیت و هیت تقلید بعد از خود او را معین کرد. وی پس از کسب فیض از محضر میرزا در ۱۳۳۱ ق به مشهد بارگشت و حوزه درس تشکیل داد و همچنین مرجعیت مردم را عهده‌دار شد. وی در عائله خراسان در مسئله رفع حجاب در ۱۳۱۴ ش به تهران آمد و سپس به عراق تبعید شد و پس از ده سال در ۱۳۲۱ ش به عزم زیارت مشهد به ایران بارگشت و مورد استقبال شدید مردم قرار گرفت. او موفق شد تا آزادی حجاب را به دست آورد. پس از موفقیت به کربلا بارگشت آیت‌الله قس از مشایخ حدیث و جهاد زمان خود بود که بعد از رحلت آیت‌الله اصفهانی ریاست و زعامت شیعه به او منتهی شد، مامور از سه ماه رنده نمایند. در کاطمین درگذشت و در نجف، در صحن علوی، در مقبره آیت‌الله شریعت اصفهانی دفن شد آیت‌الله حاج آقا حسن قمی، در مشهد و آیت‌الله حاج آقا تقی قمی، در قم، از علمای عالیقدر و مراجع تقلید، دو تن از فرزندان آیت‌الله قس بزرگ می‌باشند. از آثار وی «مجمع الرسائل»، «الذخیره النایفه»، در عبادات و معاملات؛ «مختصر الاحکام»، «طریق النجاة»، «مختص الاحکام»، «مناسک الحج»، «ذخیره العباد»، «هدیه الانام»، حاشیه بر «عروة الوثقی»، خراسانی بر «رسائل» ملا هاشم خراسانی

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۶۵۳-۶۵۵)، علماء معاصرین (۱۹۴)، نوائد الرضویه (مقدمه، ۲)، گنجینه دانشمندان (۱/ ۲۶۴-۲۶۶)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۰۱۶-۱۰۱۷).

قمی، شیخ محمد علی - حائری قمی

قمی، ملا محمد طاهر بن ملا محمد حسین شیرازی نجفی (وف ۱۰۹۸/۱۱۰۰ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم و محدث. اصلش از شیراز بود و در نجف نشو و

مروج مذهب جعفری در لاهور، از وی خواست تا به لاهور رود و او به لاهور رفت و به کمک و تأیید نواب ناصر علی خان توانست کتابهای خود را تألیف کند و به همت نواب نوارش علی خان کابلی تصانیفش به چاپ رسید. در لاهور درگذشت. از آثار وی: «عصمة الانبیاء و الملائكة»، به فارسی؛ کتاب «برهان شوق القمر و رد التیتر الاکبر» به عربی، که آن را برای نواب ناصر علی خان در ۱۲۹۶ ق نوشته است؛ تفسیر «لوامع الشریع و سواطع التأویل» به فارسی، در سی مجلد؛ «ناصر المعتبر»؛ «البشری»؛ در شرح رساله «مودة القرین» سید علی بن شهاب الدین همدانی؛ «الاجوبة الزهراء»؛ «ابطال التناسخ» یا «بطلان النسخ و المسخ»؛ «أرض العتاق» به فارسی؛ «ازالة الفتن فی روبة العین» به فارسی؛ «برهان الیقین» در خلافت و امامت و تفسیر آیه استخلاف، به اودو

الدريـــــــــمـــــــــه (۱/ ۵۷، ۲۷۶-۲۷۷، ۵۲۲، ۵۲۹، ۳/ ۹۲، ۹۷-۹۸، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۵/ ۲۷۲، ۱۸/ ۳۶۵، ۳۶۶، ۲۱/ ۱۹۴، ۲۴/ ۱۶)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴/ ۶۶)
علاء معاصري (۸۵-۸۶)، الکسی و الانقلاب (۱/ ۱۲۱، ۱۲۲)

قلمی مشهدی، محمد بن محمد رضا بن اسماعیل بن جمال الدین قلمی، (ز ۱۱۰۷ ق)، عتیبه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سیرواری و علامه مجلسی صاحب «بحار الانوار» و فیض کاشانی معاصر بود. او از شاگردان علامه مجلسی بود و از ایشان، در ۱۱۰۷ ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حرّ عاملی در «مائل الآس» او را از فضیلتی معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کزائدقائق و بحر الفرائد» یا «لاکز الحقائق و بحر الدقائق» در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه محسنی در پشت این تفسیر تخریظی، در ۱۱۰۲ ق، نگاشته و در آن او ر ستوده است؛ «شرح المنظومة» موسوم به «انجاح المطالب» یا «ارجره»، منظومهای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمآرب»؛ رساله در «احکام حید و ذباحه» به عربی؛ «التحفة الحسینیة»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنة»؛ «شرح الزیارة الرجیة»؛ «شرح الصحیفة السجادية»؛ «شرح التصریف فی علم التصریف»، به نظم

تلامذة العلامة المجلسی (۷۱-۷۲)، الذریعة (۱/ ۴۹۶، ۲/ ۳۶۴، ۳۶۵، ۳/ ۴۲۹-۴۳۰، ۱۲/ ۲۲۰، ۱۳/ ۱۴۵، ۳۰۶

ما یافت، چون در قم سکنی گزیده بود، به قلمی مشهور گردید. وی شیخ الاسلام و امام جمعه رسمی قم و استاد شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی بود و این دوار وی رویت کرده‌اند. در قم درگذشت و در پشت مرقده رکبای من آدم در شبخان دفن شد. از آثار وی: «الاریعون حدیثاً و دلیلاً»، در امامت الله (ع)، که در کنار چهل حدیث، چهل دلیل در اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع) ذکر کرده و عقاید عامه را در اصول و مروج به نقد کشیده و آن را «الارسمین فی فضائل امیرالمؤمنین و امامة الائمة المطاهرين (ع)» نامیده است؛ «بهجة الدین»، در جبر و تقویض و امر بین الامرین؛ «حجة الاسلام»، در شرح «تهذیب الاحکام»؛ «الرحمة الدارین»، در تحقیق معنی عدالت بر مذهب امامیه؛ «حکمة العارفين فی رد شبه المحالین من المتصوفین و المتعسفین»؛ «مونس الابرار»، قصیده‌ای به فارسی در مدح امیرالمؤمنین (ع) و شرح آن به نام «تحفة الابرار» یا «تحفة الاختیار»؛ رساله «الجمعة»؛ رساله «الحوادث الدسه»؛ رساله در معنی نماز به فارسی.

ایصح المکنون (۱/ ۵۵، ۲۱۰، ۳۹۲، ۳۱۲، ۲/ ۲۰۵)،
الذریعة (۱/ ۲۰۰، ۴۱۹، ۳/ ۱۶۲، ۴۱۷، ۲/ ۳۹۸، ۳/ ۲۵۷، ۴/ ۴۱۰، ۵/ ۴۸، ۳/ ۱۵۷، ۱۵/ ۷۳-۷۲، ۱۷/ ۲۵۷، ۱۶/ ۱۵۸، ۲۳/ ۲۷۲، ۲۸۰-۲۸۱)، ریاض النبیاء (۵/ ۱۱۱)، شیخان قم (۲۴۷-۲۵۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱/ ۳۰۲-۳۰۳)، فوائد الرسوخ (۵۴۸)، مجمع المؤلفین (۱۰/ ۱۰۱)، هدیة المارفين (۲/ ۳۰۱)

قلمی، میرزا ابوطالب بن ابوالحسن (وف ۱۲۴۹ ق)، عالم امامی، اصل او از قم و از شاگردان و داماد میرزای قلمی، صاحب «قرابین» بود. میرزای قلمی نسبت به ایشان اعتماد فراوان داشت و بسیاری از داوریهایی شرعی را به وی واگذار کرده بود. او عالمی ثروتمند بود و بسیاری از یتام و یترايان را تکفل می‌نمود. در قم آب انوار بزرگی حب میداد که به بن بهاد و وصیت کرد که ثلث املاک او را وقف مصروف خیر کند. وی در بقعه رکبای من آدم دفن شد. از آثارش: کتاب «سؤال و جواب».

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/ ۳۹)، گنجینه دانشمندان (۱/ ۱۳۰)

قلمی لاهوری، سید ابوالقاسم بن حسین بن نقی رضوی نقوی، (وف ۱۳۲۴ ق)، عالم امامی، مفسر و مصنف. در کشمیر به دنیا آمد. نواب ناصر علی خان،

شد از ثروتی «اجمع» و «فرانده» «مشرق الأکران»
بشاراتی دوباره حضرت حجت (عج) «بناهی الموده» در
مقاب ذی القربی و اهل بیت نبی (ص) که در ۱۳۱۱ ق، در
عهد دولت عثمانی، در «اسلامبول» به جاپ رسید.

«بصاح المکسود» (۲/ ۷۳۱)، الذریعه (۲۱/ ۳۷، ۲۵/ ۲۹)،
«معجم المیزان» (۴/ ۲۵۲)، «هدیه المرفون» (۱)،
(۲۰۸).

قوام، احمد به قوام، نسلطه.

قوام الدین، میرزا آقا، (س سیر دهم ق)، نقاش، روحانی
کار و جلدساز دوره ناصرالدین شاه قاجار بود. بر اثر وی
جلد گل و مرغ تاب دیده و حوش نقشی، با رقم «صل
نوم الدین» - میرزا آقا - به جهت خراج به باشی»
احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۳۹).

قوام الدین تبریزی، (س نهم ق)، مجلد و نقاش، وی در
ندهیب و تشعیر و طراحی و ترسیم نقوش و ارائه جرمهای
سجوخه و معرق و طراحی قالیهای مخصوص و سایر
آرایش و پیرایش جلدسازی و فن نگارگری شهرت داشت
و استادان طراز اول دوران خود بود. صنعت معرق و
مشک و منبتکاری سر روی جملدها و سایر تزئینات
جلدسازی از اختراعات ارزنده این استاد است. وی از
استادان طراز اول جلدسازی به شمار می رود. وقتی آواره
شهرتش به دربار بایستقر میرزا در هرات رسیده بایستقر
میرزا وی را به هرات دعوت کرد و او در کتابخانه
بایستقری به جمع استادان و هنرمندان پیوست و صنعت
جلدسازی را در آن دیار رونق داد. جلد ماهرانه و استادانه
«شاهنامه بایستقری» اثر ابن هنرمند تبریزی است که با
همراهی جمعی دیگر از هنرمندان نقاش تزئین یافته است
(احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۳۸-۵۳۶)، تاریخ مرهای ملی
(۱/ ۳۳۹)، خوشنویسان و هنرمندان (۹۹)، گلستان هنر
(س و هنر)، هر عهد تیموریان (۳۸، ۴۱، ۵۱، ۴۴۹).

قوام الدین قزوینی، سید محمد بن محمد مهدی
حسینی سیفی، (وف ۱۱۴۰/۱۱۴۹/۱۱۵۰ ق)، عالم
اسامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میر
نوم الدین، وی از شاگردان و حواص شیخ جعفر کمره ای
صعفانی قاسمی بود. در ۱۱۰۷ ق از علامه مجلسی به
دریافت اجازه بایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر

۳۰۷، ۳۵۶، ۱۲/ ۹۲، ۱۸/ ۱۵۱-۱۵۲، ۱۵۳-۱۵۴، ۱۲۴/ ۶۲،
روصات الجنات (۷/ ۱۰۶-۱۰۵)، «فرانده المرفون»
(۵۳۴، ۵۱۸) گنج «د» «مشک» (۱/ ۱۱۷).

قناری خجالی، شیخ احمد، (وف ۹۷۵ ق)، شاعر،
وی نوه شیخ ابوزید خجالی بود. در انواع علوم، به ویژه
ادبیات فارسی و عربی مرتبه ای بلند داشت. بیشتر ایام
عمر او در قزوین گذشت و شاگردان بسیاری در آن شهر
تربیت کرد. او محضر امیر عیادت الدین منصور دشتکی،
احمد یوردی، شمس الدین محمد خفزی و کمال الدین
حسین لاری کسب کمال نمود. وی در قزوین درگذشت.
تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۶۸۵)، دریسب سنهور (۳۳۲-
۳۳۲)، همت اقلیم (۲/ ۲۵۹).

قنبرعلی شیرازی، (س هشتم ق)، نقاش، اهل شیراز
بود. تنها اثر رقم دار وی تصویر خیالی شیطان است که گویا
از آثار چینی اقتباس شده و با تزئینات ایرانی عمل آمده
است، با رقم: «عمل قنبرعلی شیرازی فی المدينه المصره
ثلاثا»
احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۳۵-۵۳۶).

قنبری یشابوری، (س نهم ق)، شاعر، در زمان نادر
میرزا بن بایستقر (۸۵۲-۸۶۱ ق) می زیست. مردی هنامی
بود ولی قصاید خوب و پر معنا می گفت. بعضی افاضل در
کار او متحیر بودند و او را در جواب قصاید اکابر «متحد
می کردند و سخنانش را درست می یافتند. مدتی در هرات
اقامت نمود. در آخر عمر در مشهد انزوا گزید و در
همان جا درگذشت. در «مجالس النفاث» ذیل ترجمه
حکیم قزوینی، وی تحت عنوان قنبری یشابوری ذکر شده
است. او قصیده های در مدح بابر میرزا دارد
تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۱۷۹)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۵،
۶۸۸)، تذکره روز روشن (۶۶۶)، تذکره الشعراء
(۵۲۷، ۵۳۰)، الذریعه (۹/ ۸۸۹)، فرهنگ معجروان (۷۲۸)،
لسان نامه (ذیل / قنبری)، مجالس النفاث (۳۹، ۱۳)، همت
اقلیم (۲/ ۲۶۸-۲۶۹).

قندوزی بنی، شیخ سلیمان بن خواجه کلان ابراهیم
بن بابا خواجه حسینی، (۱۲۲۰-۱۲۹۳/۱۲۹۴ ق)، فقیه
حنفی و صوفی ساکن قسطنطنیه بود و در همان جا
درگذشت و در مقبره ی محصور ص، در حلقه مرادیه، دفن

داشت که به شغل اجدادی خود علاقه‌مند بود و در شیراز زندگی می‌کرد. از آثار تذهیب و خطی وی، قطعه خط گلزاری است که به شیوایی تمام تزیین شده، با رقم: «مشقه المبدأ المذهب مسعود بن میرکی المذهب».

اسوال و آثار هاسان (۳/ ۱۱۴۹-۱۱۵۰)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۰، ۱۰۴)، گلستان هنر (چهار)، هنر عهد تیموریان (۴، ۵۸۹، ۵۹۳).

قوام‌الدین معمار شیرازی، فرزند زمین‌الدین (وف ۸۴۲ ق)، معمار، وی رسمی سز و طراح و رسام و معمار دوران شاهرخ تیموری بود. از آثار ارزنده وی رسمی سازی و طراحی و آرایش تزیینات داخلی و خارجی بناها و مساجد جامع شهرهای هرات و مشهد، از جمله مسجد گوهرشاد است. این بنا که به امر و هزینه گوهرشاه بیکم به پایان رسیده، از نظر معماری مسک عناصر خراسانی و برین و کاشی کاری و خط طی در رمره دوارده بنای بسیار عالی تاریخی دنیا محسوب است. تاریخ اتمام بنا ۸۲۱ ق است و کتیبه زینای نایسفر به خط ثلث بر سر در مسجد از این تاریخ حکایت می‌کند. مدرسه خیابانی در خمرگرد خراسان هم احتمالاً از ساختمانهای اوست که در تاریخ ۸۴۸ ق به دستگیری شاگرد خود، استاد خیابان‌الدین شیرازی^۱ به اتمام رسانده و گفته‌اند که معمار مسجد تأیید خراسان نیز وی بوده است. به گفته صاحب «حبیب السیر» او در علم نجوم نیز مهارت داشته است.

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۴۶)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۳۹۹، ۷۷۵/ ۲)، تذکره الشعراء (۲۷۹)، حبیب‌السیر (۲/ ۱۵۰۱)، کارنامه بزرگان (۱۳۴)، گلستان هنر (سی و هفت، ۲۹)، هنر عهد تیموریان (۹۲-۹۳).

قوام‌الدین و ششویه‌ای قمی، شیخ محمد، (وف ۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس، در روستای و ششویه قم به دنیا آمد و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در ۱۳۴۵ ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهل سال استماع نمود. وی با همکاری دیگر علماء در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و ملحقات «احقاف الحق» غازی نورالله شوشتری را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رسالة الحجاب»؛ «رسالة» در لباس خمر و مستحباب و مسرور؛ کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)».

داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصاید و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و اشعار رباعی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی، نظم «اللمحة الدمشقية» به نام «التحفة القومية فی فقه الاممية»؛ «ارجوزة فی الحساب» به نام «عظم الحساب»؛ نظم «خلاصة الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزة فی الاسطرلاب»؛ نظم «صحيفة الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزة فی اصول الفقه»؛ نظم «زبدة» شیخ بهایی؛ «ارجوزة فی الطب»؛ به نام «مرح القوام»؛ «مطومة البیان»؛ ارجوزهای در علم بیان؛ «ارجوزة فی التجويد»؛ که نظم «الشاطیبه» است؛ «ارجوزة فی الدعوة» به نام «الصافیة» که نظم «الكافیة» ابن حایب است؛ «دیوان» شعر.

عیان الشیعة (۹/ ۴۱۲، ۱۰/ ۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۳۵۱)، تذکره روز روشن (۶۶۶)، تذکره المعاصرين (۴۶/ ۱۱۹-۱۲۱)، الدررمة (۱/ ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۱-۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۹۰، ۵۰۲، ۲/ ۲۶۲، ۷/ ۲۲۵، ۹/ ۲۸۷، ۱۲/ ۲۱۰-۲۰۹)، ریسـحانه (۲/ ۲۹۲-۲۹۳)، فرنگ سخنوران (۷۵۰)، فوائد الرضویة (۶۲۲-۶۲۱)، الکنی واللقاب (۳/ ۹۰)، لغت‌نامه (دیل / قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۳۰۴)، هدیه‌الاجیب (۲۲۱).

قوام‌الدین گرمائی، ابومحمد / ابوالفتح مسعود بن محمد / ایراهیم بن محمد، (۷۴۸-۶۶۴ ق)، ادیب و فقیه حنفی. در دیارش علوم مقدماتی را فراگرفت و آن‌گاه در ادبیات عرب و فقه و اصول مهارت پیدا کرد و نظم و نثر بیکویی یافت. پس به دمشق رفت و ساکن آنجا شد. سپس مدتی را در قاهره گذراند و سرانجام به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثارش: شرح «کنز الدقائق» به نام «شرح الکنز»؛ در فروع فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکشف الدہنی» در شرح «المغنی» خبازی خجندی، در اصول

الاعلام (۸/ ۱۱۵)، شذرات الذهب (۶/ ۱۵۸-۱۵۷)، کشف‌الضنون (۱۵۱۶، ۱۷۴۹)، هدیه‌المربی (۲/ ۴۲۹).

قوام‌الدین مسعود، فرزند میرکی مذهب (ص دهم ق)، مذهب، نقاش و خطاط از تذهیب‌کاران و تصویرگران بود و در خط نستعلیق نیز مهارت داشت. این هنرمند برادری نیز به نام کمال‌الدین هیدالوهاب مشهور به خواجه کاکا

با ترجمه فارسی «اربعین» در احادیث صادره از اهل بیت (ع) ۱ «مکارم الاخلاق» ۲ «مباهجه» ۳ «تاریخ اسلام» در سه جلد: کتابی در «مقتل» ۴ کتاب «احادیث نبویه (ص)»
گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۳۳-۲۳۴)

قوام‌السلطنه، احمد، فرزند میرزا ابراهیم خان مستعدالسلطنه (۱۲۵۲-۱۳۳۴ ش)، خطاط، ادیب و شعر مند به دسر حضور، دبیر حضور و قوام‌السلطنه از رجال نامی عهد مظفری و عصر مشروطیت است. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد معلمین عصری شروع کرد و مدتی در مدرسه مروی فلسفه و حکمت خواند. نخست جزو عمه خلوت و پیشخدمتهای ناصرالدین شاه قاجار بود. در صدارت عین‌الدوله (سلطان عبدالعجید میرزا) وزیر رسائل شد پس از آن به تدریج در مقامات دولتی ترقی کرد، چنان‌که بارها به وزارت رسید و چندین بار نخست وزیر شد. ژاندرمری در زمان تصدی او در پست وزارت داخله تشکیل یافت. خروج نیروهای شوروی از ایران، بعد از جنگ جهانی دوم و نیز عدم پشتیبانی شوروی از دموکراتهای آذربایجان، از ستایش هدایات او دانسته شده است. وی در نظم و اثر صالحیم ذوق بود و در خوشنویسی سیر مهارت داشت. فرمان مشروطیت به خط اوست. در تهران درگذشت و در گنجینه خانوادگی خود در قم به خاک سپرده شد. قوام‌السلطنه خط شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و در نستعلیق ماهر بود. از آثار وی یک مرقع، شامل ده رقعہ مناجات حضرت علی (ع) که به شیوه میر عماد سعفی قزوینی و به تلم دو دانگ و کتابت عالی نوشته شده، با رقم «احمد بن مستعدالسلطنه» فی شهر رجب المرجب سنه ۱۱۱۳ یک مرقع مشتمل بر قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه، به قلم چهاردانگ خوش، با رقم «المعذب احمد»؛ دو قطعه سبعیق سه دانگ خوش، با رقم «المعذب احمد».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۴۲-۴۳)، تاریخ همرای ملی (۲/ ۳۳)، تذکره خوشنویسان معاصر (۸۸-۹۴)، شخصیت‌های نامی (۳۹۸-۴۰۰)، شرح حال رجال (۱/ ۹۹-۹۲)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۱۲۱۹-۱۲۲۰)، گلستان همر (بیست و یک)، نجیگار سیاسی ایران (۳/ ۷۵، ۸۳، ۸۴، ۸۹، ۹۲، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷).

قوام‌السنة اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل بن محمد

بن فصل تیمی، (۵۲۵-۵۲۵ ق)، معسر، حافظ، محدث و لغوی شافعی، معروف به جوزی و قوام‌السنة جوزی. از ابوصبر و عبدالوهاب بن مده و عائشه بنت حسن و ابراهیم بن حیان و قاصی ابومصور شکریه و محمد بن احمد سمسار و احمد ذکوانی و رئیس ابوعبدالله ثقفی و عاصم بن حسن و محمد زینبی و ابوبکر بن خیف شیرازی و ابونصر سراج و عبدالرحمن واحدی در اصفهان و بغداد و نیشابور حدیث شنید. از همچنین سالی را در مجاورت مکه گذرانید و املا و تصنیف نمود. ابوسعید سمعانی و ابوالعلاء همدانی و ابوطاهر سلمی و ابوالقاسم بن عساکر و ابوموسی مدینی و ابوسعید صائغ و عبدالله بن محمد خیابان و یونس محمد راهر بن احمد ثقفی و محمدرضا عیدکوی از شاگردان وی در حدیث می‌باشند. ابوموسی مدینی او را پیشگام و استاد علمای رمانش می‌داند. یحیی بن مده گوید که در عصر او مثل او نبود. و در تفسیر، معانی، احزاب و فقه سرآمد اقوال بود. فتاوی او در شهر و روستا شهرت داشت. وی کتب بسیاری به عربی و فارسی نگاشت. از آثارش «الجامع» در تفسیر، سی مجلد؛ «المعتمد» تفسیری در ده مجلد؛ «الایضاح» در تفسیر، در چهار مجلد؛ «الموضح» تفسیری به فارسی در چندین مجلد؛ «دلائل السورة»؛ «التذکره» حدود سی جزء؛ «سیر المسلم» در شرح حال صحابه و تابعین؛ «التحریب و الترمیب»؛ «شرح الصحیحین»؛ «انصافی»؛ «احزاب القرآن»

الاعلام ۱، ۳۷۳، ۳۷۲، الاعلام بومات الاعلام (۳۵۶/)، سیر النبلاء (۲۰/ ۸۸-۸۰)، شذرات الذهب (۴/ ۱۰۵-۱۰۶)، طبقات الحفاظ (۲۶۳-۲۶۴)، العرب (۲/ ۳۲۶-۳۲۷)، الکاس (۸/ ۲۶۹)، کشف الطون (۱۲۳، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۴۲، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۳۱، ۵۶۰، ۱۴۰۴، ۱۷۳۲، ۱۹۰۴)، الحجوم المهره (۵/ ۲۶۱)، الواسی بالویات (۹/ ۲۱۱)، هدیه العاربین (۱، ۲۱۱)

قوامی، حسین، فرزند رضاقلی، (۲۸۸-۱۳۶۸ ش)، موسیقیدان و خواننده در تهران به دنیا آمد. پدرش به موسیقی علاقه فراوان داشت و او از کودکی با نواها و آوازهای بسیاری از خوانندگان آن روز آشنا شد. به مدت هفت سال نزد هیدالله حجازی شاگردی کرد و چندی نیز از تعالیم حسینعلی نکبسا، خواننده تمزیه تکیه دولت برخوردار شد. بعدها در مکتب اساتیدی چون هیادی، محجوبی، اسماعیل‌زاده و حسین یاحقی به فراگیری

رسلان بود. در سرودن اشعار مصنوع مهارت داشت. از آثارش، قصیده‌ای به مناسبت مرسوم به «بدایع الاسعار فی صنایع الاشعار» که میرزا فضل‌الله بدایع نگار همین قصیده‌ی قوامی را شرح کرده و «بدایع الاشعار فی شرح صنایع الاسعار» نامیده است.

از سبای قاسمی (۲/ ۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۸/ ۱۰۸)، تذکره‌الشعر (۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۹، ۳۱۰)، الذریعه (۹/ ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۳/ ۲۴۸۸)، کشف الطول (۲۲۹)، لغت نامه (دبلیو، قوامی).

قوامی یزدی، میرزا سید علی، فرزند سید حسین. (۱۲۹۲-۱۳۵۸ ق)، شاعر، ملقب به قوام‌الشعرا. وی از سادات جدیل‌انقدر حسینی است و از طرف مادر نسبش به حوجه نصیرالدین طوسی می‌رسد. در یزد به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را از اساتید شهر خود فراگرفت و چون دارای ذوق و قریحه‌ی خوبی بود در شعر و شاعری از شعرا نامور و توانای دیار خود گردید. «دیوان» شعری ۱۳۳۷ ش به همت برادرش اکبر قوامی به چاپ رسید. قوام‌الشعرا «دیوان» شعر خود را به شش عنوان نام‌گذاری کرده است: غزلیات را «شورانگیژ»، مسطعات را «حاجه‌المأوی»، مقطعات را «حجرات الجنان»، مرثیه‌ها را «بیت الأحزان» و رباعیات را «گلشن جان».

تذکره‌ی سحرورد یزد (۶۸۰-۶۸۶)، الذریعه (۹/ ۸۹۲)، سحروردان نامی معاصر (۴/ ۲۸۲۸-۲۸۳۲)، فهرست کتبهای چاپی فارسی (۱/ ۱۵۶۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۲۸-۳۳۷).

قوچانی، شیخ علی بن شیخ قاسم. (وف ۱۳۳۳ ق)، عالم امامی، مدرس و محقق. از شاگردان برجسته‌ی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و تقریرنویس درس ایشان بود. پس از درگذشت استادش در ۱۳۲۹ ق مرجع درس خارج شد و بیش از صد تن از شاگردان آخوند خراسانی به وی گرویدند. زیرا او به دقت نظر و حسن رأی و سعه‌ی علمی معروف بود. در ۱۳۳۳ ق به قصد زیارت به کاظمین رفت و در رمضان همان سال درگذشت. از آثارش حاشیه بر «کتاب» که با خود «کتاب» به چاپ رسیده است؛ «تقریرات» بحث استادش در فقه و اصول.

الذریعه (۴/ ۲۸۰)، طبقات اعلام اقلیم (قرن ۱۴/

موسیقی و آواز پرداخته. از ۱۳۲۵ ش با رادسو آثار به همکاری کرد که چون در آن هنگام در اوتش فعالیت می‌کرد، نام مستعار «فاخته» را به پیشنهاد روح‌الله خالقی برای خود برگزید. بعد از بازگشتگی با نام حقیقی خود در برنامه‌ها آواز خواند. وی در تهران درگذشت و در امامزاده طاهر کرج دفن شد.

تاریخ محرم ضبط موسیقی (۳۴۳، ۳۴۴)، تاریخ موسیقی (۲/ ۶۷۱)، سبای هرمندان (۱۷۲)، کیهان فرهنگ (س)، ۷، ش ۱، ص ۲۴، مردان موسیقی (۱/ ۳۶۸-۳۷۱).

قوامی خباز رازی، شرف‌الشعرا امیر پسرالدین. (س) ششم ق)، شاعر، متخصص به قوامی، ملقب به شرف‌الشعرا. با اشرف‌الشعرا، قوامی از شاعران شیعه مذهب زمان خود بود که در سبک مذاحجان قوام‌الدین طهرانی درگزینی قرار داشت و گفته‌اند تخلص خود را از لقب او گرفته است. او همچنین لقب خود را از شرف‌الدین ابوالفضل محمد بن علی بن مرتضی قیپ‌النقب رئیس ری (م ۵۶۶ ق) گرفته و شرف‌الدین ممدوح وی بوده است. اشعار زیادی در سبک خاندان رسالت و مرثیه آن‌ها سروده است. بدایحی از رجال و معارف زمان، اشعاری در زهد و وعظ و ترجمان و فزله‌ی عاشقانه در آثار وی دیده می‌شود. از آثار وی «دیوان» شعری است متجاوز از سه هزار بیت که سید جلال‌الدین محدث ارموی از روی نسخه بریتیش می‌زیور آن را به چاپ رسانید. قدیمترین کسی که اسم قوامی را آورده، نصیرالدین عبدالجلیل قزوینی، در کتاب «النقص»، تألیف شده در ۵۶۰ ق، است پس باید وی قبل از در حدود ۵۶۰ ق درگذشته باشد.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۹۵-۷۰۷)، تاریخ نظم و نثر (۸۴)، تذکره‌ی روش (۶۶۶)، الذریعه (۹/ ۸۹۱-۸۹۰)، ری سامتان (۱/ ۱۰۵-۱۰۶، ۵۲۹)، فرهنگ سحرورد (۷۵۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲/ ۲۲۸۷)، باب الاطباق (۲/ ۲۳۸-۲۳۶)، لغت نامه (دبلیو / نوایی رازی)، مجمع‌العصا (۳/ ۱۱۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۶)، همت اقلیم (۳/ ۳۸-۳۶)، یادگار (س)، ۲، ش ۱، ص ۷۲-۶۷.

قوامی گنجوی مطرزی، قوام‌الدین ابوالفضل محمد / احمد خباز. (س ششم ق)، شاعر. موصوف به استادان شعر. از سخنوران نامی سده ششم هجری بود و برادر یا هموزاده نظامی گنجوی و شاعر دربار اتابک قزل

۱۵۰۴-۱۵۰۳، گنجینه دانشمندان (۲۲۲-۲۲۳)، معجم
رسن نجم، (۳/ ۱۰۲۲).

قوسی تبریزی، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به
قوسی برای تحصیل علوم به اصفهان رفت. شاگرد محقق
بزرگ، آقا حسین خونساری (وف ۱۰۹۸ ق) بود. وی به
دلیل خمیدگی پشت، تخلص قوسی را انتخاب کرد در
برخی از تسکرها آمده که وی در زمان اکبر شاه به
هندوستان رفته و مصاحب شاه شده است. او «دیوان»
شعری قریب به شش هزار بیت به فارسی و ترکی باقی
مانده است. معاصرش، نصرآبادی، در «تذکره» خود
اشعاری از وی را ذکر کرده است.

تاریخ مذکرمای فارسی (۱/ ۶۲۱)، تذکره دور روشن
(۶۶۶-۶۶۷)، تذکره نصرآبادی (۲۸۱-۲۸۰)، دانشمندان
آذربایجان (۳۱۰)، الذریعه (۹/ ۸۹۲)، فهرست نسخه‌های
خطی فارسی (۲/ ۲۴۸۸).

قوسی تبریزی، قوسی کمانگیر، (س دهم ق)، شاعر
چون کسب او کمانگری بود قوسی تخلص می‌کرد
مردی عامی بود و گاه در قایه اشتباه می‌کرد. این مطلع را
او ست

چین کاژ بهر قتلیم تیغ کین آن تند خو بسته
سرم را زود خواهی دید بر فتراک او بسته

تاریخ مذکرمای فارسی (۱/ ۶۲۱)، تحفه سامی (۲۵۴)،
تذکره شعرای آذربایجان (۲/ ۵۳۹-۵۴۰)، دانشمندان
آذربایجان (۳۱۰)، الذریعه (۹/ ۸۹۲)، فرهنگ سخنوران
(۷۵۱).

قوشچی سمرقندی، علاءالدین علی بن محمد، (وف
۸۷۹ ق)، عالم، منجم، مفسر، محقق، متکلم، مدرس و
ریاضیدان، معروف به ملا علی قوشچی و ناصر قوشچی
چون در نوجوانی می‌غبان سلطان الخ بیگ و موظف به
حفظ مرغان شکاری او بود به قوشچی مشهور شد. اصل و
زادگاهش سمرقند بود. در آنجا اخلاص علوم متداول از
جمله هیئت و ریاضیات را از قاضی زاده رومی و الخ بیگ
بن شاهرخ گورکانی فراگرفت. سپس به کرمان رفت و بعد
از تکمیل تحصیلات علمی اش به سمرقند بازگشت و با
درنه «رسالة فی حل اشکال القمر» مشتمل بر حل بعض
جهات اشکال قمری که از زمانهای قدیم مبهم و حل نشده
باقی مانده بود دوباره به الخ بیگ نزدیک شد. وی از تقرب

بسیاری که در نزد سلطان الخ بیگ داشت به قرزند وی
مخاطب بود. سلطان الخ بیگ وی را به تکمیل
رصدخانه‌ای که در سمرقند تأسیس کرده بود واداشت و
«زیج الخ بیگی» یا «زیج جدید» را که خیال‌الدین جمشید و
قاضی زاده رومی قبل از وی متصدی این امر بودند و قبل از
مرگ نتوانستند به اتمام برسانند، با نام «سلم السماء» که
شرح «زیج الخ بیگ» است به اتمام رسانید. بعد از مرگ
میرزا الخ بیگ حزم حج شد و در تریز مورد توجه اوزون
حسن آق‌قویونلو قرارگرفت و برای عقد مصاحبه لورون
حسن و سلطان محمد خان ثانی عثمانی به استانبول رفت
و پس از نعام و طعمه به تریز بازگشت و به درخواست
سلطان محمد فاتح به استانبول رفت و در آنجا ساکن شد
و «الرسالة محمدیه»، در علم حساب را به عربی به نام
همین پادشاه نوشت و بعدها به مدرسی مدرسه ایاصوفیا
منتسب شد. در استانبول درگذشت و در جوار قبر
برایوب انصاری دفن شد. از دیگر آثار وی، حاشیه بر
«شرح کشف تفهیمی»، در تفسیر «شرح «مجوید الکلام»
خواجہ نصیر طوسی، که به «شرح جدید» نیز معروف
است؛ «المنقود الزواهر فی نظم الجواهر»، در علم صرف؛
«محبوب الحمائل فی کشف المسائل»؛ «الرسالة الفتیحة»،
در علم هیئت، به عربی، که آن را به نام فتح‌السلطان
تألیف کرد؛ «رسالة فی علم الهیئة»، به فارسی،
معروف به «هیئت فارسی»؛ از کتب درسی علم هیئت؛
«تفسیر الزهراوین»، سوره بقره و آل عمران؛ «رسالة فی
الحمل»؛ «میران الحساب»، در علم حساب، فارسی.

«اعلام» (۵/ ۱۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۰۵-۱۰۶)،
تاریخ نظم و نثر (۲۶۹-۲۷۰)، الذریعه (۱۳/ ۶)، ۲۴۷،
۲۵۸، ریحانه (۴/ ۴۹۵-۴۹۶)، رشیدنامه و سفیدانسان
(۲۶۴-۲۶۵)، کشف الضموم (۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲،
۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲،
۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲،
۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲،
۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳،
۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳،
۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴،
۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴،
۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴،
۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴،
۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴،
۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴،
۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴،
۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴،
۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵،
۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵،
۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵،
۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵،
۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴،
۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳،
۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲،
۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱،
۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰،
۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹،
۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹،
۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸،
۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸،
۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸،
۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸،
۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷،
۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷،
۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷،
۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷،
۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷،
۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷،
۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷،
۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸،
۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹،
۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹،
۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹،
۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹،
۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹،
۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹،
۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹،
۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹،
۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹،
۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰،
۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰،
۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰،
۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰،
۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰،
۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰،
۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰،
۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰،
۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰،
۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰،
۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱،
۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲،
۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲،
۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲،
۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲،
۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲،
۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲،
۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲،
۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳،
۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳،
۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴،
۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴،
۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴،
۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴،
۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴،
۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴،
۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴،
۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴،
۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴،
۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴،
۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴،
۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳،
۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲،
۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱،
۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰،
۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹،
۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸،
۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷،
۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶،
۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵،
۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴،
۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳،
۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲،
۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱،
۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰،
۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹،
۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸،
۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷،
۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶،
۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵،
۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴،
۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳،
۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲،
۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱،
۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹،
۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷،
۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵،
۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴،
۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳،
۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲،
۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱،
۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰،
۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹،
۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸،
۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷،
۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶،
۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵،
۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴،
۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳،
۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲،
۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱،
۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰،
۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹،
۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸،
۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷،
۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶،
۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲،

اسپش تصویر شده است

احوال و آثار نقاشان (۲، ۵۳۹-۵۴۱)

و ملا عبدالله تستری و معاصر با سید میر مصطفی تهرشی بود. در تمامی علوم دینی متداول بویژه رجال و درایه توانا بود. ز آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۶ و ۱۰ ق آن را تألیف نموده و جزو بهترین کتب رجالیه است؛ «ترتیب حیدر کتاب رجال الکشی»؛ «ترتیب رجال النجاشی» و حراشی آن؛ «ترتیب رجال شیخ الطائفة»؛ «ترتیب فهرست شیخ الطائفة»؛ حاشیه بر «نقد الرجال» میر مصطفی تهرشی

امید النشیمه (۸/ ۳۸۱)، الذریعه (۴/ ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۷۶/ ۶، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱)، روضات الجنات (۴/ ۳۹۳-۳۹۴)، ریحانه (۴/ ۲۹۸-۲۹۹)، فوائد الرضویه (۳۴۲)، الکشی و الألقاب (۳/ ۹۷-۹۸)، لمتنامه (ذیل/ تهپایی)، معجم المؤلفین (۸/ ۱۳).

تهپایی، سید قاسم بن سید محمد حسینی حسینی طباطبائی رواری. (س یازدهم ق)، عالم و محدث. به اصحاب رفت و در محضر شیخ بهی تلمذ کرد. او را استاد خود شیخ بهی و ملا ابرالقاسم جرفادقانی حدیث روایت کرده است. وی از مشایخ روایت علامه ملا محمد باقر مجلسی و ملا محمد تنکاسی معروف به صواب است. در علم رجال صاحب تحقیقاتی بود. ملا محمد علی بن احمد استرآبادی، صاحب «مشتراک الرجال»، و دیگر علمای زمان، علم رجال را از وی فراگرفتند.

ایمان النشیمه (۸/ ۴۴۵-۴۴۶)، روضات الجنات (۴/ ۳۹۴)، ریحانه (۴/ ۲۹۸)، الکشی والألقاب (۲/ ۹۷)، نقتنامه (ذیل/ تهپایی).

تهپایی طباطبائی، امیر فیض الله بن ضیاء الله بن محمد. (س یازدهم ق)، عالم امامی. نزد معتمد اردبیلی تلمذ نمود و از سید حسین بن سید حیدر کرکی صاحب اجازه بود. او از مشایخ ملا محمد تقی مجلسی است. از آثارش: حاشیه بر مبحث «الهیات الشرح الجدید لتجربیده قوشچی».

خانمه مستدرک الوسائل (۲/ ۱۵۶)، الذریعه (۶/ ۱۰۵)، ریحانه (۴/ ۲۹۸)، لمتنامه (ذیل/ تهپایی).

قهرمان خراسانی، یزدان بهش، فرزند محمد تقی میرزا. (۱۲۹۵-۱۳۷۳ ش)، شاعر. در فیض آباد محولات از قوای تربیت حیدریه، به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسط را در تربیت حیدریه و مشهد گذراند و سپس

قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد بن عثمان بن احمد. (۳۹۹-۴۷۱ ق)، محدث، فقیه و ادیب. معروف به ابن زیرک. اصل وی از قومسان همدان بود. شیخ همدان در روزگار خود و در فترت علمی یگانه دورانش بود. او از پدرش و عموش، ابر منصور محمد، و دایی اش، ابر سعد عبدالقادر، و ابن خلجانی و علی بن احمد بن عبدان و یوسف بن کج عقیه و حسین بن فتویه و دیگران و همچنین با اجازه از ابوالحسن بن ررقیه و ابوالرحمن سلمی حدیث روایت کرده است. اکثر مشایخ بغداد همچون ابوبکر بن شدان و ابوالحسن رزقویه با اجازه از وی روایت کرده اند. شبروه گوید که وی محدثی صدوق و نقه و دارای شأن و حشمت بود و در تفسیر ید طولانی داشت. او فقیه و ادیبی متمدد و دارای حسن خط و عبارت بود. عمده مشایخ بغداد از وی روایت کردند. پس از مرگ در رأس کهر دفن شد و قبرش مرار گردید.

مستدرک المعاط (۲/ ۱۱۷)، سیر النبلاء (۱۸/ ۴۲۵-۴۲۳)، شذرات الذهب (۳/ ۳۴۱)، العبر (۲/ ۳۳۰)، معجم البیاد (۲/ ۴۷۰)، الفانی بالمیات (۴/ ۸۴).

قومسانی همدانی، ابر منصور محمد بن احمد بن محمد بن مردین. (وف ۴۲۳ ق)، عالم و محدث. اصل پدرانش به نهاوند و نسبت وی به قومسان همدان می رسد. در روستای فارسجین همدان ساکن بود. وی از پدرش و عبدالرحمن بجلاب و عبدالرحمن بن عیید و عمرو بن حسین صرام و اوس بن احمد و ابی علی رفاه و ابوجعفر بن بوزه و فصل بن فصل کنندی حدیث روایت کرد. فرزندی، طاهر، و نوه اش، ابوعلی احمد بن طاهر، و برادرزاده اش، ابو فصل محمد بن عثمان، و ابو طاهر احمد بن عبدالرحمن رودباری و ابوالحسن بن حمید و حمید بن مأمون و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند.

سیر النبلاء (۱۷/ ۲۲۲)، معجم البیاد (۴/ ۲۲۰)

تهپایی، زکی الدین ملا عنایت الله بن شرف الدین علی بن محمود. (س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، رجالی، محدث، محقق و مورخ. معروف به زکی نجفی اصل و از قهپایه اصفهان بود. در نجف به تحصیل پرداخت و همان جا ساکن شد. وی شاگرد محقق اردبیلی و شیخ بهایی

تحصیلات خود را در دانشکده ادبیات تکمیل کرد و در رشته زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفت و به دامادی مرحوم ملک‌الشعراى بهار معتمد گردید. اشعار وی در روزنامه «نوبهار» و مطبوعات دیگر به چاپ می‌رسید. اثر وی «دیوان» شعر است.

اندرجمله (۸۹۳/۹)، سخنران سامی معاصر (۲/ ۲۸۲۱- ۲۸۴۹)، صد سال شعر خراسان (۴۶۳-۴۶۱)، فرهنگ سخن (۷۴۹)

قهرمانی، شرف‌الدین، فرزند عمیدالدوله گیومرث میرزا (۱۲۷۹-۱۳۲۳ ش)، نویسنده، فرهنگ‌نویس و مترجم. تحصیلات عالی خود را در روسیه به پایان رساند، سپس وارد خدمات «رشی» شد. سرانجام در یک مساحه هوایی درگذشت. بر وی بیش از سی و هفت اثر به جای مانده است، از جمله: «آموزش هوایی تاکتیک هوایی»، «استار توپ»، «پیش‌آهنگ خلدن»، «خدای می‌رساند»، «شاهسون و دیوانه»، «هوایی‌های»، «حتم‌عائلة سیمیتقو»، «بی‌بی‌گلای»، ترجمه «جاسوسی و جلوگیری از آن»، ترجمه «حکومت ترار و محمد علی میرزا»، ترجمه «قوی سری در جنگ بین‌المللی»، ترجمه «فرهنگ جامع»، روسی به فارسی، «فرهنگ جامع»، فارسی به روسی.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۸۹۰-۱۸۹۶، ۶۴۲، مؤلفین گفت‌وگو (۳/ ۴۱۵-۴۱۹)

قهرمانی، ابوجعفر محمد بن ابراهیم بن محمد (س) سوم و چهارم (ق)، محدث. از قهستان به بغداد رفت و از ابوالعباس محمد بن اسحاق سراج نیشابوری و ابوفریح محمد بن جمعه قهستانی حدیث رویت کرد. ابوبکر محمد بن عبدالله درزی وراق و احمد بن فرج بن حجاج از وی روایت کرده‌اند. وی از روایان حدیث غدیر و فضائل امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد.

انساب سمعی (۴/ ۵۶۲)، بزرگان مانی (۵۰۱)، تاریخ بغداد (۱/ ۴۱۲-۴۱۱)، القدر (۱/ ۴۷)

قهرمانی، ابوسلیمان زافر بن سیمان ایادی (س) دوم (ق)، محدث، مدرس و قاضی معروف به ابوسلیمان ایادی. از طایفه اقباع الثمانین و در دومین گروه رازیان و قلاز (حدیث نبوی (ص) است. در کوفه به دنیا آمد. در کوفه، بغداد، سیستان، ری، قهستان، گرگان و دیگر شهرها به

تحصیل و تدریس حدیث پرداخت. مدتی قاضی سیستان شد. سپس به ری مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. وی در سفرهای بین ایران و عراق مباحثات عمومی را در قهستان به عراق انتقال می‌داد و به امر تجارت مشغول بود. ر شعبه بن حجاج و مالک بن انس و اسرائیل و سفیان ثوری و عبدالله بن حریح و عبدالعزیز بن اسی وواد و رقاء بن حمر و عبدالله و صاف و ابوسان شیبانی و ابوبکر هدلی و جعفر احمر حدیث شنید و از آنها اجازه روایت گرفت. یعنی بن عبدالله/ عبید و حسین بن علی جعفی و بونضر هاشم بن قاسم و حسن بن عرقه و یحیی بن معین و محمد بن یحیی بن ریان و خلف بن تمیم و محمد بن مقاتل مروزی و محمد بن سعید اسمعیلی و عبدالله بن موسی لیر. از وی حدیث روایت کرده‌اند.

از ب سمعی (۲/ ۵۶۵)، بزرگان قاضی (۱۹۶-۱۹۹) تاریخ بغداد (۸/ ۴۹۴-۴۹۵)، تاریخ الکبیر (ج ۲، ق ۱/ ۴۵۱)، تاریخ نیشابور (۷۶)، تهذیب التهذیب (۳/ ۲۷۰-۲۷۱)، الحرج و التعذیل (ج ۱، ق ۲/ ۶۲۴-۶۲۵) دست‌نامه (ذیل / افر).

قهرمانی، ابوعبدالله حسین بن محمد وئی الحاسب (مقتولیم (۴۵ ق)، دانشمند و محدث. نسبت وی به وئی، از رؤسای قهستان، می‌رسد. وی در حساب و ریاضیات از سرآمدان روزگار بود. او همچنین از محدثان مورد اعتماد بود که از ابوعلی صفار و دیگران حدیث شنید و از آنها اجازه روایت داشت. ابوحکیم عبدالله بن ابراهیم خرن، صاحب «السلحیص»، در حساب، و خطیب تبریزی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او همچنین استاد ابوحکیم عبدالله خبیری، در علم حساب و فرائض، بود. قهرمانی تألیفات بسیاری داشته که جمیع کثیری از رجال علم آن زمان از آن آثار استفاده می‌موده‌اند. وی در فقه ساسیری در بغداد کشته شد.

بزرگان قاضی (۲/ ۱۳۸)، ویات الاعیان (۲/ ۱۳۸)

قهرمانی، شمس‌الدین محمد خراسانی (ز ۹۶۷ ق)، فقیه حنفی، راهب، عالم، مدرس، ادیب و شاعر. ملقب به ابوحقیقه ثانی، به جهت تسلطی که بر فقه حنفی داشت. وی معنی بخارا بود. مدتی از سوی والیان ازبک به قضوت بخارا منصوب شد و در آن‌جا به تدریس و تفریر فقه پرداخت. با ملا عصام‌الدین، از بزرگان سده نهم هجری، مصاحب بود. تاریخ درگذشتش در مراجع و ماخذ به

به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوبکر شافعی و ابوبکر بن علی رازی و ابوالحسن بن یعقوب حجاجی و ابوسهل صعلوکی و ابوعلی نیشابوری و ابوحامد احمد بن سهل انصاری و ابوعمرو بن حمدان و ابوحامد بن شرقی و ابو عبدالله بن یعقوب اخرم از وی حدیث شنیدند. در قهستان درگذشت. در «تاریخ حبیب السیر» نام پدر وی جمع‌ر ذکر شده است. از آثارش: «المستند» مرتب به ترتیب ابواب و مرتب به ترتیب رجال؛ «حدیث مالک و سفیان ثوری و شعبه».

الاعلام (۳۰۱/۶)، اسباب سمعی (۵۶۲/۲)، بزرگان قاتن (۵۱۷-۵۱۸)، تاریخ بغداد (۱۶۹-۱۷۰)، تاریخ نیشابور (۱۲۲)، حبیب السیر (۲۹۳/۲)، سیر النبلاء (۳۰۴/۱۲)، شذرات الذهب (۲۶۸/۲)، طبقات الحفاظ (۲۲۴)، العبر (۲۶۸/۱)، التذکر (۱۶۷/۱)، الوافی بالوفیات (۲/۳۱۰-۳۱۹).

قهندزی، ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن ادریس. (وف ۳۶۴ ق)، محدث و مستند هرات. از عثمان بن سعید داریمی و ابو مسلم کجی و یوسف قاضی حدیث شنید. ابوحامد معلم و ابومصنوع دیباجی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. سیر النبلاء (۱۵۳/۱۶).

قیدی شیرازی، ملا قیدی. (رف ۹۹۲/۹۹۰ ق)، شاعر. از اهل سنت شیراز بود. وی جزو شاعران مکتب وقوع به حساب می‌آمد. بعضی او را میلی فارسی می‌نامند. در فنون شاعری مهارت داشت. او با مولانا عرفی، غیرتی و قدرتی مصاحبت داشت و شاگرد ملا غیرتی بود. قیدی در زمان شاه اسماعیل ثانی به قزوین رفت و تبلیغ مذهب و عقیده خود کرد، ولی بعد از فوت شاه اسماعیل، در ۹۸۷ ق، به شیراز بازگشت و از آنجا سفری به مکه کرد. پس از حج، در زمان اکبر شاه، به هند رفت و مدتی در آنجا ماند، ولی به علت گفتار ناخوشایند از دربار شاه طرد شد و به تاجپور رفت و در آنجا درگذشت.

تاریخ نظم و نثر (۲۱۸)، تذکره نصر آبادی (۲۶۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۶-۲۲۳/۲)، الذریعه (۸۹۳/۹)، فارسنامه ناصری (۱۱۶۶-۱۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۷۵۱)، کاروان هند (۱۱۳۸-۱۱۳۶)، مجمع الخواص (۲۸۲)، مرآت المفصاحه (۵۱۳-۵۱۱)، مکتب رقع (۳۷۷-۳۸۸)، شایع الافکار (۵۶۰)، هفت اقلیم

اختلاف ذکر شده است. او در مزار خواجه بهاء الدین نقشبند دفن شد. از آثارش: «جامع الرموز»، در شرح «النقایة مختصر الوقایة» صدر الشریعه ثانی عییدالله بن مسعود حنفی، در فقه؛ حاشیه بر حاشیه سید شریف جرجانی بر «شرح الشمسیة»؛ «مقدمة الصلوة» به نظم؛ «رساله در دلالت» به عربی، در منطق؛ حاشیه بر «شرح آداب البحث»؛ شرح «رساله صلوة»، که آن را برای فرزندش کمال الدین محمد در ۹۶۷ ق املا نمود.

الاعلام (۲۳۲/۷)، بزرگان قاتن (۶۰۶-۶۰۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۹)، حبیب السیر (۲۵۹-۲۶۰)، شذرات الذهب (۳۰۰/۸)، کشف الظنون (۱۹۷۱).

قہستانی، عمیدالملک ابوبکر علی بن حسن. (س پنجم ق)، شاعر. اصل او را از قریه رُخج از قرای کابل نوشته‌اند، ولی معروف به قہستانی است. در دوره غزنویان و سلجوقیان می‌زیست. در ۳۰۵ ق که امیر محمد غزنوی از طرف پدرش، سلطان محمود، به حکومت جوزجان (گورگان) گماشته شد، قہستانی همراه او بود و مدتی ریاست دارالانشا و صاحب دیوانی وی را برعهده داشت. قہستانی نه فقط خود شاعر بود، بلکه به واسطه بهره وافر از دانش و ادب و سخاوت و حسن اخلاقی که داشت شاعران نیز به او روی می‌آوردند و وی را می‌ستودند، از جمله علی بن حسن باخرزی که قہستانی را مدح گفته شعرش را ستوده و نظیر شعر امرؤ القیس شمرده است. قہستانی به علوم قدیم و فلسفه رغبت داشت و بدین سبب از لحاظ دینی مورد ایراد و دشمنی برخی از معاصرانش بود. از قہستانی شعری به فارسی دیده نشده است.

دانشنامه ایران و اسلام (۱۰۱۱-۱۰۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/علی قہستانی، عمیدالملک قہستانی)، مجمع المفصاح (۱/۲۰۷)، معجم الادب (۱۳/۳۱-۳۲).

قہستانی الاضم، ابوقریش محمد بن جمعة بن خلف. (وف ۳۱۳ ق)، محدث، فقیه، حافظ و مصنف. وی در پی حدیث سفرهای بسیار نمود. از ابو مسلم قہستانی و محمد بن حمید رازی و احمد بن منیع بغوی و محمد بن زبیر مکی و ابوکریب محمد بن علاء همدانی و یحیی بن حکیم مرقم و محمد بن مثنیٰ عزری و سلم بن جناد و محمد بن سهل بن عسکر و عبدالجبار بن علاء عطار و سعید بن عبدالرحمن مخزومی و مصطفیٰ آنها در ری و کوفه و بصره و حجاز حدیث شنید. حدیثش در خراسان انتشار یافت،

(۱/۲۲۷-۲۲۹).

قیسی طوسی، ابوالحسن محمد بن احمد بن زهیر بن طهمان، (وف ۳۱۷ ق)، حافظ، محدث و مصنف. وی از عبدالله بن هاشم طوسی و اسحاق بن منصور کوسج و عبدالرحمن بن بشر و محمد بن یحیی ذہلی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوالرئید حنّان بن محمد فقیه و حافظ ابوعلی نیشابوری و احمد بن منصور حافظ و ابواسحاق مزکی و زاهر بن احمد سرخسی و دیگران از وی حدیث شنیدند. در نوقان طوس درگذشت.

سیر النبلاء (۱۶/ ۴۹۳-۴۹۴)، شذرات الذهب (۲/ ۲۷۶)، المر (۱/ ۴۷۶)، الوالی بالرفیات (۲/ ۳۶).

قیسی نیشابوری، ابوبکر عبدالصمد بن هارون، (وف ۲۸۴ ق)، محدث. مشهور به قاتل قتیه. اهل نیشابور بود. در خراسان از قتیه بن سعید و اسحاق بن ابراهیم حنظلی، در عراق از احمد بن حنبل و علی بن مدینی و در حجاز از ابومصعب زهری و محمد بن یحیی بن ابی عمرو و در شام از هشام بن همار و دیگران حدیث شنید. ابوحامد بن شرقی و مؤمل بن حسین بن عیسی و محمد بن صالح بن هانی و احمد بن اسحاق صیدلانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت.

انساب سمعانی (۲/ ۵۷۷)، سیر النبلاء (۱۳/ ۲۰).

قبصر اصفهانی، میرزا عبدالحسین، فرزند نواب میرزا

مهدی، (ز ۱۲۸۰ ق)، شاعر. از سادات اصفهان بود و از نوادگان صفویه. وی حدود چهارده سال سیاحت کرده و خدمت بزرگان رسیده و از انواع علوم بهره برده است. در سرودن شعر نیز اعم از قصیده و غزل توانا بود. از اوست:

ز گیسوی تو تباری وام کردند
به عالم صد هزاران دام کردند
حدیقه الشعر، (۲/ ۱۴۲۲).

قبصری همدانی، (وف ۱۰۲۲/۱۰۲۰ ق)، شاعر. اهل همدان بود و در قصبه سرکان به دنیا آمد. به شعر و ادب علاقه‌ای راغب داشت. در انواع شعر از جمله قصیده‌سرایی نیز دست داشت. او معاصر امین احمد رازی بود و در آخر عمر به هندوستان رفت. وی در گجرات وفات یافت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. در «صبح گلشن» فیضری تحت نام قبصر بیگ شیرازی یا همدانی آورده شده است. از اوست:

از وصل تو کس جو بنده مهجور مباد
کس چون من زار زنده در گور مباد
من دالم و رنج دوری از خاک درت
جز چشم بد از تو هیچ کس در مباد

بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱/ ۲۸۹-۲۹۰)، صبح گلشن (۳۲۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۲)، کاروان هند (۲/ ۱۱۲۶-۱۱۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۳۶)، هفت انبیا (۲/ ۵۶۹-۵۷۰).



Athar Âfarînân

**Biographies of well-known
Cultural Personalities of Iran**

From the Beginning up to 1300 A.H. (1921 A.D.)

Volum 4

Sâ'ib Tabrîzî - Qaysarî Hamadânî



Second Edition

**Under the supervision of
Mohammad Rezâ Nasîrî**



**Society for the Appreciation of
Cultural Works and Dignitaries**

Tehran 2005